فقیه عالیقدر

جلد دوم

تألیف مُصطفی ایزدی

فقیه عالیقدر

تألیف مصطفی ایزدی

Faqīh-e ʻĀlīqadr

(The Eminent Jurisconsult)

by

Moṣṭafā Īzadi

Vol. 2

Soroush Press
Tehran 1987

انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

بها: با جلد نرم ۱۰۰۰ ریال
با جلد زرکوب ۱۴۰۰ ریال

بسم الله الرحمن الرحيم

فقیه عالیقدر

تألیف مُصطفی ایزدی

جلد دوم

سروش
تهران ۱۳۶۶

انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران
تهران، خیابان استاد مطهری، تقاطع خیابان دکتر مفتح، ساختمان جام‌جم
چاپ اول: ۱۳٦٦
ویراستار: ع. آقاجانی
پانچیست: محمدتقی تیموری
نمونه‌خوان: ف. م.
صفحه‌آرا: محمود نیک‌فرجام
طراح جلد: شهرام گلپریان
خوشنویس: بیژن بیژنی
ناظر چاپ: امیرحسین ایزدی
لیتوگرافی: مردمک
حروفچینی: لاینوترون انتشارات سروش
این کتاب در ده‌هزار نسخه در چاپخانهٔ تك چاپ و در صحافی علی صحافی شد.
همهٔ حقوق محفوظ است.
بها: با جلد نرم ۱۰۰۰ ریال
با جلد زرکوب ۱٤۰۰ ریال

به یاد همواره جاوید شهید عظیم الشأن،

حُجّة الاسلام محمّد منتظری،

تقدیم محرومان جهان می گردد.

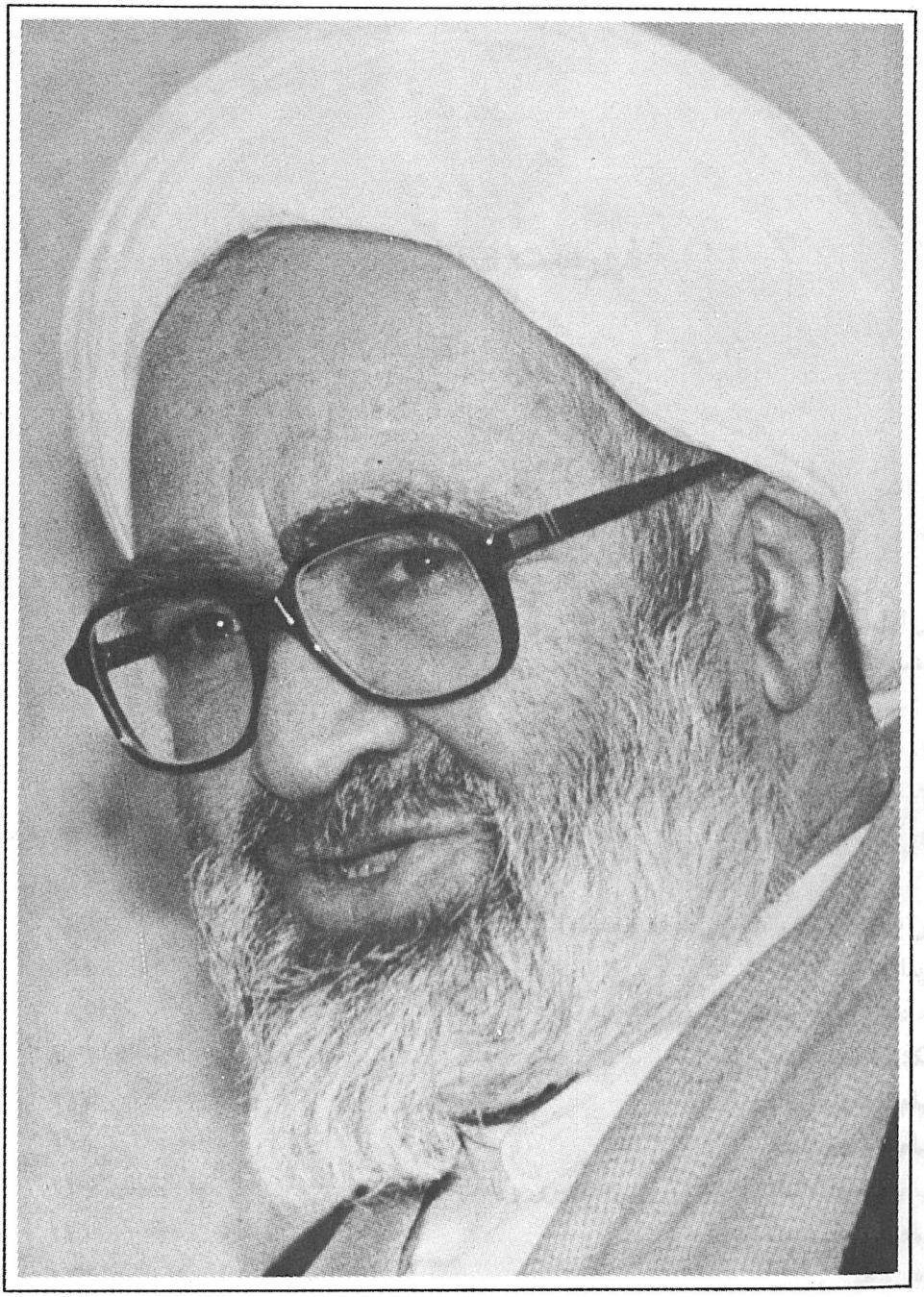

فهرست مطالب

سخن ناشر	۱۷
مقدمه	۱۹
بخش اول: تأملی دوباره در گذشته	۲۱
پیشگفتار	۲۲
۱. مبارزه با عاملان استعمار	۲۳
۲. فشار ساواک بر مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم	۲۹
۳. احترام به امام‌خمینی در زندان	۵۶
٤. یادی از آخرین زندان	٦۰
بخش دوم: مصدر راهنمایی مردم و مسئولان	۸۳
دیدارها	۸۸
استقبال آیةالله منتظری از میهمانان دههٔ فجر	۹۸
یکشنبه شب خونین	۱۰٦
پیام به شهید رجائی	۱۱۷
پیام به شهید باهنر	۱۱۸
پیام به حجةالاسلام خامنه‌ای رئیس جمهوری و پاسخ ایشان	۱۲۰
پیام به مهندس موسوی	۱۲۱
اعلام هفتهٔ وحدت	۱۲۳
ادامهٔ دیدارها	۱٤۵
روز جهانی مستضعفان	۱۵۰

کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت	۱۶۶
پیام به نخست وزیر	۱۹۲
پیام به شورای عالی قضایی	۱۹۳
ادامهٔ دیدارها	۱۹۵
کمك به کشورهای جنوب خلیج فارس	۲۱۰
خط بازیها، آفت انقلاب	۲۱۹
کشاورزان، گنجهای روی زمین‌اند	۲۲۷
هفتهٔ حج	۲۴۴
دنبالهٔ دیدارها	۲۴۹
اتحاد مبارزان افغانی	۲۵۵
تلاش برای حل اختلافات داخلی لبنان	۲۶۲
ادامهٔ دیدارها	۲۷۶
بخش سوم: افشای توطئهٔ دشمنان اسلام	**۲۸۹**
علاقهٔ آیةالله منتظری به امام امت	۳۰۱
بخش چهارم: انتشار رسالهٔ توضیح المسائل	**۳۱۵**
بخش پنجم: فقیه عالیقدر در کلام اندیشمندان	**۳۲۹**
نظرات آیةالله آذری قمی	۳۳۲
نظرات حجةالاسلام والمسلمین احسان بخش	۳۴۱
نظرات شهید محراب آیةالله اشرفی اصفهانی	۳۴۳
نظرات آیةالله امامی کاشانی	۳۴۴
نظرات آیةالله حاج شیخ عباس ایزدی	۳۴۷
نظرات حجةالاسلام والمسلمین جمی	۳۵۲
نظرات آیةالله جنتی	۳۶۰
نظرات آیةالله جوادی آملی	۳۶۲
نظرات حجةالاسلام والمسلمین خامنه‌ای	۳۶۳
نظرات آیةالله خاتمی	۳۷۱
نظرات مرحوم آیةالله خادمی	۳۷۶
نظرات آیةالله خزعلی	۳۷۷
نظرات حجةالاسلام والمسلمین درّی نجف‌آبادی	۳۸۰

نظرات آیةالله حاج شیخ حسین راستی ۳۹۱
نظرات مرحوم آیةالله ربانی املشی ۳۹۳
نظرات آیةالله غلامرضا رضوانی ٤۰۱
نظرات آیةالله شیرازی ٤۰۲
نظرات آیةالله صانعی ٤۰٦
نظرات شهید آیةالله صدوقی ٤۰۹
نظرات آیةالله طاهری ٤۱۰
نظرات آیةالله فاضل لنکرانی ٤۱٤
نظرات حجةالاسلام والمسلمین فاضل هرندی ٤۱٦
نظرات حجةالاسلام سیدعلی اکبر قریشی ٤۲۲
نظرات حجةالاسلام والمسلمین کروبی ٤۲۳
نظرات آیةالله محمدی گیلانی ٤۲۹
نظرات آیةالله مشکینی اردبیلی ٤۳۰
نظرات حجةالاسلام والمسلمین موحدی کرمانی ٤۳۰
نظرات حجةالاسلام والمسلمین موسوی بجنوردی ٤۳۳
نظرات حجةالاسلام والمسلمین موسوی جزایری ٤۳۸
نظرات آیةالله مؤمن ٤۳۹
نظرات آیةالله میر محمدی ٤٤۲
نظرات حجةالاسلام والمسلمین نورمفیدی ٤٤٤
نظرات حجةالاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی ٤٤۷
نظرات آیةالله یثربی ٤٥۹
پیام یك روحانی شهید ٤٦۳

بخش ششم: فقیه عالیقدر و مسئلهٔ دانشگاهها ٤٦٥
الف. فاصلهٔ حوزه و دانشگاه، خواست استعمار ٤٦۷
ب. وحدت روحانی و دانشگاهی، خواست اسلام ٤٦۹
ج. حمایت از انقلاب فرهنگی ٤۷۸
د. نمایندگان آیةالله منتظری در دانشگاهها ٤۸٤
ه . وظایف نمایندگان آیةالله منتظری ٤۹۷
و. دانشگاه، پشتوانهٔ خودکفایی ٥۰۷
ز. دانشجویان، آینده‌سازان کشور ٥۱۱
ح. رهنمود به اساتید و مسئولان دانشگاهها ٥۲۲

ط. دانشگاه امام صادق ع ۵۳۷
دانشکدهٔ قدس برای آموزش فلسطینیها ۵۶۲
بخش هفتم: درآمدی برآینده ۵۶۵

تصحیح دو نکته ۵۸۷
فهرست اعلام ۵۸۹

فهرست اسناد و تصاویر

سند شمارهٔ ۱. واپسین صفحهٔ جزوهٔ مناظرهٔ مسلمان و بهایی ۲۵
تصویر آیةالله منتظری به اتفاق حجج اسلام فلسفی و صهری ۲۸
سند شمارهٔ ۲ ۳۲
سند شمارهٔ ۳ ۳۶
سند شمارهٔ ٤ ۳۷
سند شمارهٔ ٥ ۳۸
سند شمارهٔ ٦ ٤۰
سند شمارهٔ ۷ ٤۲
سند شمارهٔ ۸ ٤۳
سند شمارهٔ ۹ ٤٦
سند شمارهٔ ۱۰ ٤۹
سند شمارهٔ ۱۱ ٥۰
سند شمارهٔ ۱۲ ٥۱
سند شمارهٔ ۱۳ ٥۲
سند شمارهٔ ۱٤ ٥٥
سند شمارهٔ ۱٥ ٥۷
سند شماره ۱٦ ٥۸
سند شمارهٔ ۱۷ ٥۹
سند شمارهٔ ۱۸ ٦۳
سند شمارهٔ ۱۹ ٦٥
سند شمارهٔ ۲۰ ۷۱

سند شمارهٔ ٢١	٧٢
سند شمارهٔ ٢٢	٧٣
سند شمارهٔ ٢٣	٧٥
سند شمارهٔ ٢٤	٧٦
سند شمارهٔ ٢٥	٧٧
سند شمارهٔ ٢٦	٧٩
سند شمارهٔ ٢٧	٨٠
سند شمارهٔ ٢٨	٨١
تصویری از روحانیون متحصن در مسجد دانشگاه تهران	٨٢
تصویری از فقیه عالیقدر	٨٧
تصویری از فقیه عالیقدر و مسئولان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی	٩٥
تصویری از فقیه عالیقدر و شهید محمد منتظری	١٠٩
دو شهید بزرگوار اسلام: دکتر بهشتی و محمد منتظری	١١٢
شهید بهشتی درکنار آیةالله منتظری	١١٦
فقیه عالیقدر، دوستار مسلمانان جهان	١٢٤
پیام جبههٔ اسلامی آزادی بخش بحرین به مناسبت اعلام هفتهٔ وحدت	١٣١
فقیه عالیقدر در حال سخنرانی برای میهمانان خارجی	١٣٤
تصویری از سخنرانی آیةالله منتظری در حسینیهٔ شهدای قم	١٤٩
تصویری از آیةالله منتظری هنگام عیادت مجروحان جنگی در باختران	١٥٨
تصویری از دومین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت	١٨١
فقیه عالیقدر در حال رأی دادن	٢٢١
فقیه عالیقدر، پشت میزکار	٢٤١
نمونه‌ای از شیوه‌های کمك مادی آیةالله منتظری به مسلمانان لبنان	٢٦٣
حکم مأموریت حجةالاسلام کروبی به لبنان	٢٦٨
آیةالله منتظری به اتفاق شهید مطهری و شهید مدنی	٢٧٧
دستخط فقیه‌عالیقدر به دانش‌آموزان مسلمان کُرد	٢٨٥
نامهٔ آیةالله منتظری به مردم شیراز	٢٨٧
آیةالله العظمی منتظری در کنار امام‌خمینی	٣٠٣
اعضای مجلس خبرگان اول در حضور امام‌خمینی	٣١٠
دستخط آیةالله العظمی منتظری در ابتدای رسالهٔ عملیه	٣٢٠
تصویری از فقیه عالیقدر	٣٢٣
آیةالله آذری قمی در کنار آیةالله العظمی منتظری	٣٣٣

حجـة الاسلام خامنه‌ای در کنار فقیه عالیقدر	۳٦۷
آیةالله العظمی منتظری و آیةالله خاتمی	۳۷٤
آیةالله طاهری درکنار آیةالله منتظری	٤۱۱
آیةالله منتظری و آیةالله مشکینی	٤۳۱
دستخط آیةالله مشکینی	٤۳۲
حجة الاسلام هاشمی رفسنجانی درکنار فقیه عالیقدر	٤٥۱
وحدت حوزه و دانشگاه مبارک‌باد	٤۷۱
دستخط آیةالله منتظری به هیئت امنای جامعةالامام‌الصادق (ع)	٥٤۰
ساختمان اداری دانشگاه امام صادق (ع)	٤٥۳
نمای خارجی و داخلی کتابخانهٔ دانشگاه امام صادق (ع)	٥٥٤
فقیه عالیقدر به اتفاق آیةالله مهدوی کنی	٥٥۹
حکم دادگاه انقلاب....	٥٦۱
تصاویر بخش هفتم	از صفحهٔ ٥٦۷ تا صفحهٔ ٥۸٦

سخن ناشر

بسمه تعالی

کتاب حاضر علاوه بر این که بیوگرافی، فعالیتها و افکار فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری را منعکس می‌سازد، بازگو کنندهٔ بخش کوچکی از وقایع انقلاب اسلامی طی چند سال گذشته نیز هست. در مسیر این وقایع به نام بسیاری از افراد، گروهها، انجمنها، جریانها و مؤسسات برخورد می‌کنیم که بر حسب مورد و در ارتباط با موضوع اصلی کتاب، مفصّل یا گذرا، ذکری از آنان به میان آمده است.

روند پر تحرك، طوفان‌زا و متحول انقلاب اسلامی به گونه‌ای است که نگارنده نمی‌توانسته است پیش‌بینی و یا حتی از تجربهٔ ظهور و سقوط افراد و جریانها در چند سال گذشته استفاده کند و دریابد که چه کسانی با چه منشها و روحیات و برداشتهایی توان تحمل و همراهی با جریان عظیم انقلاب اسلامی در جهان محرومان را دارند و چه افراد و گروهها و جریانهایی تا کجا در کنار مردم، رهبری انقلاب و روحانیت متعهد اسلام باقی خواهند ماند. بر این اساس یادآوری می‌شود که خوانندگان گرامی در تاریخ هر یك از رویدادها، دیدارها و شرح وقایع دقت کنند تا درآینده شبهه‌ای پیش نیاید.

مقدمه

به لطف قادر منان، جلد اول کتاب *فقیه عالیقدر* چه زمانی که به نام «گذری بر زندگی و اندیشه‌های آیةالله منتظری» منتشر شد و چه زمانی که با تغییرات کلی و عنوان کنونیش تقدیم علاقه‌مندان به تاریخ انقلاب اسلامی گردید، با استقبال اهل مطالعه و دوستداران روحانیت شیعه در ایران و تا حدودی در خارج از کشور[1] رو به رو گشت.

در ابتدای امر می‌پنداشتم همین کتاب در بیان بیوگرافی حضرت آیةالله‌العظمی منتظری کافی است، امّا پس از انتشار آن و در سالهای اخیر که معظم‌له توان عمدهٔ خود را برای تحکیم پایه‌های نظام نوپای اسلامی و گسترش ارزشهای والای انقلاب و جامعهٔ اسلامی به کار گرفتند و در جریانهای پرفراز و نشیب سالهای پس از پیروزی انقلاب، محکم و استوار، در کنار مقام رهبری انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی مدظله ایستادند و به عنوان اولین مبیّن قوی *خط امام* به‌مقابله با انحرافات و برداشتهای نادرست و جاهلانه پرداختند، ضرورت ادامهٔ فعالیت در شناساندن شخصیت بارز و با صلابت این مرد خدا محسوس شد.

والایی قدر و منزلت آیةالله العظمی منتظری، که هر روز به گونه‌ای مورد توجه بیشتر مسلمانان محروم جامعه و امت اسلامی قرار می‌گرفت، و لزوم دستیابی به اطلاعات کافی و وافی دربارهٔ ابعاد شخصیت حضرتش ایجاب می‌کرد سراغ کسانی بروم که به نوعی در ارتباط با ایشان بوده‌اند و می‌توانند در حصول به مطلوب یاریم رسانند.

بدین منظور، به جمع‌آوری نظرات و گفته‌های روحانیانی آغاز کردم که سالها در مجامع علمی، در حوزه‌های درس اساتید بزرگوار، در زندانها و میادین مبارزه با رژیم ستمشاهی پهلوی، همراه، همفکر و همرزم ایشان بوده و یا در محضر پر فیض حضرتش به شاگردی نشسته‌اند. این نظرات و گفته‌ها که

۱. خلاصه‌ای از کتاب به زبان عربی و انگلیسی در خارج کشور و نیز چاپ اول کتاب در هندوستان به زبان اردو ترجمه و منتشر شد.

قسمتی از دست‌آوردهای این تفحصهاست به شیوهٔ زیر حاصل آمده است.

ابتدا سؤالهایی را در خصوص ابعاد گوناگون شخصیت فقیه عالیقدر، خدمت حضرات روحانیان، خصوصاً خبرگان جامعهٔ اسلامی، ارسال داشتم. بعضی از آقایان، لطف نموده، پاسخ سؤالها را مرقوم فرمودند. بعضی دیگر از بزرگواران اجازه دادند پاسخ شفاهیشان را روی نوار ضبط کنم.

نشریاتی مانند پیام انقلاب، پاسدار اسلام و...، در بین مصاحبه‌هایشان با ائمهٔ محترم جمعه، علمای اسلام و روحانیان والامقام، دربارهٔ شخصیت حضرت آیةالله العظمی منتظری نیز سؤالهایی می‌کردند. پاسخ این گونه سؤالها را نیز از آن نشریات برگرفتم. آنگاه این مجموعه را که علاوه بر شرح احوال فقیه عالیقدر، قسمتی از تاریخ انقلاب اسلامی نیز هست، آماده برای تقدیم به امت شهیدپرور نمودم.

این دومین چهرهٔ مقدس انقلاب اسلامی و این مجاهد بزرگوار و فقیه عالیقدر، پس از پیروزی انقلاب اسلامی لحظه‌ای از خدمت به جامعه و انقلاب اسلامی و حمایت از حق و حقیقت، از طریق تشکیل حوزهٔ درس، ارسال پیام و تلگرام، سخنرانی برای امت حزب‌الله، ارشاد مسئولان، ارائهٔ طرحهای ابتکاری و مؤثر و... نیاسوده‌اند.

در فصلی از این کتاب، مروری داریم بر آنچه فقیه عالیقدر در این چند سال پرحادثه و تعیین کننده انجام داده‌اند. و گوشه‌ای از ابتکارات، اقدامات و دیدارهای معظم‌له ارائه شده است.

فعالیتها، رهنمودها و پی‌گیریهای مستمر ایشان پیرامون دانشگاهها و اقدامات معظم‌له برای اسلامی کردن مجامع آموزش عالی، در فصلی جداگانه آمده است.

همراه مطالب فوق، نگاهی دوباره به سالهای قبل از پیروزی انقلاب داریم و آنچه از مبارزات علمی و سیاسی ایشان در جلد اوّل نیامده بود می‌بینیم.

و بالاخره دو سه فصل متمایز دیگر، در مقام علمی، وجههٔ مردمی و افشای توطئه‌های دشمنان انقلاب اسلامی، تکمیل کنندهٔ صفحات این کتاب است.

همهٔ اینها، باز در مقابل عظمت و ارزشی که وجود مبارك فقیه عالیقدر در دنیای اسلام و میدان مبارزه با استکبار جهانی دارد، ناچیز و اندك است.

امید فراوان دارم که علاقه‌مندان به تاریخ انقلاب اسلامی، خصوصاً عزیزانی که به گونه‌ای در ارتباط با حضرت آیةالله العظمی منتظری بوده‌اند و از دوران تحصیلات و مبارزات ایشان سند یا خاطره‌ای آموزنده دارند، برای تدوین و عرضه به جوانان مسلمان و مشتاق هدایت، برای حقیر بفرستند[1] تا در مجلدات آتی *فقیه عالیقدر* چاپ و منتشر گردد.

همین جا لازم می‌دانم از همهٔ کسانی که لطف فرموده، در تهیهٔ مطالب، ویرایش، چاپ و نشر کتاب یاریم داده‌اند سپاسگزاری کنم.

مصطفی ایزدی

رمضان ۱۴۰۷ - خرداد ۱۳۶۵

۱. از طریق ناشر این کتاب.

بخش اوّل

تأملی دوباره در گذشته

پیشگفتار

نخستین بخش کتاب *فقیه عالیقدر* به زندگی و مبارزات حضرت‌آیة‌الله العظمی منتظری، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی اختصاص یافته است. در آن مجلّد، هر چه پیرامون حیات اجتماعی، سیاسی و تحصیلات معظم‌له یافته بودم که مفید برای آیندگان است، درج کردم.

همزمان با چاپ و نشر آن کتاب، مطالب و اسناد جدیدی از فعالیتهای اجتماعی و سیاسی این اسلام شناس آگاه و بیدار به دستم رسید که لازم است در تاریخ انقلاب اسلامی ایران ثبت گردد. بنابراین، آنها را در این بخش از جلد دوم به خوانندگان عزیز و علاقه مندان گرانقدر تاریخ انقلاب اسلامی تقدیم می‌دارم.

شاید این سؤال برای بعضی از خوانندگان مطرح باشد که این مطالب چرا در چاپهای بعدی جلد اول اضافه نمی‌شود.

اولاً یك کتاب تاریخی نباید به چند صورت منتشر گردد؛ چرا که در آینده اشکالات متعددی برای محققان و خوانندگان ایجاد می‌کند و من اتفاقاً از بعضی از کتابهای مربوط به تاریخ انقلاب اسلامی که در این چند سال تألیف و منتشر شده و به دفعات به خاطر تحولات سیاسی سالهای پس از انقلاب و ظهور و سقوط اشخاص و گروهها در معرض دستکاریها و جرح و تعدیلها قرار گرفته‌اند، چندان خشنود نمی‌شوم.

کتابهای متعددی در همان یکی دو سال اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی تألیف و منتشر شد که در بعضی از آنها، به منظور حفظ شیوهٔ وقایع‌نگاری و یا تأثیرات سیاسی ـ اجتماعی حوادث، از دولتمردان، جناحها، اشخاص و مواضع خاصی تمجید شده و یا اقدامات یا اعلامیه‌های آنان با خوش‌بینی درج گردیده است. اما چند صباحی نگذشته که نفاقهای کمرنگ و پررنگ جا خوش کرده در درون انقلاب از پرده بیرون افتاده و بر همه آشکار گردیده که آن تمجیدها در جای صحیح خود به کار نرفته و آن اقدامات و اعلامیه‌ها بر صراط صواب نبوده است ـ به گونه‌ای که تاریخ‌پرداز انقلاب اسلامی احساس می‌کند که وجود چنان فرازهایی در متن کتابش، بر کتاب و مؤلف آن ضربه می‌زند و لذا دست

به کار می‌شود تا محتوای کتابش را از آلودگیها بپالاید و به دست چاپ جدید بسپارد. حاصل این می‌شود که در چاپ جدید کتاب از یك سلسله حوادث و رخدادها و جریانهای فعال و عملها و عکس‌العملهای روزگار، خبری نیست. و این بر خلاف وقایع‌نگاری و تاریخ‌نویسی است. و اینجاست که مغرضان وارد معرکه می‌شوند و با بیانِ رخدادهای اجتماعی ـ سیاسیِ حذف شده از کتاب، به نفع خود و دارودسته و مسلك خود سوءِ استفاده می‌کنند ــ که کمترین نتیجه‌اش سردرگمی آیندگان است.

به هر حال، به نظر نگارنده، بهترین شیوهٔ اصلاح یك کتاب تاریخی، به ویژه در وقایع‌نگاریها، این است که در چاپهای جدید کتاب مقدمه و یا مؤخره‌ای بیفزایند و تذکرات لازم را در آن بیان دارند.

ثانیاً، خوانندهٔ متوسط معمولاً نمی‌تواند از یك کتاب دو نسخه تهیه‌کند و قریب به اتفاق خوانندگان، همان چاپ اول را که خریدند، حاضر به خریدن چاپ جدید آن نمی‌شوند و اضافات کتاب صرفاً به خاطر اصلاح و تحلیل تاریخ است و این باعث نخواهد شد که محققان و خوانندگان آینده با چند نسخهٔ متفاوت از یك کتاب رو به رو و سردرگم گردند.

بر اساس همین اندیشه، دست بردن در کتابی را که با تیراژ نسبتاً خوب بین علاقه‌مندان انقلاب اسلامی توزیع شده است، عاقلانه و مفید نمی‌دانم و لذا تصمیم گرفتم اگر مطلب تازه‌ای را خواستم در آن کتاب مطرح کنم، در جلد دوم آن که اکنون پیش‌روی شماست، بیفزایم.

این بخش از کتاب، به جبران کمبودهای بخش نخستین آن کتاب تدوین شده است.

۱. مبارزه با عاملان استعمار

نزدیك به چهل سال پیش، آنگاه که فرقهٔ بهائیت با پشتوانهٔ نیرومند خارجی در شهرهای کوچك و بزرگ ایران فعالیت مستمر داشت و نسل جوان مسلمان را آماج حملات تبلیغات خود قرار داده بود مبرم‌ترین وظیفهٔ یك مسلمان آگاه، افشای ماهیت پلید این دارو دستهٔ استعماری به هر وسیلهٔ ممکن بود.

آن زمان که از جابه جایی رضاخان و پسرش به وسیلهٔ انگلیسیها چند سالی بیش نگذشته و نظام حکومتی و اداری ایران چهرهٔ وابستهٔ خود را به مردم نشان نداده بود، یکی از قوی‌ترین کارهای مبارزاتی دلسوزان جامعه درگیری فکری با کسانی بود که در بُعد فرهنگی، تیشه به ریشهٔ اندیشه‌های اسلامی ملت مسلمان ایران و احتمالاً دیگر کشورهای اسلامی می‌زدند. تفکرات ضد خدایی و منحط طرفداران فرقه‌های متعلق به باب و بها که با پول و دسایس سفارتخانه‌های روس و انگلیس د رجوامع اسلامی پراکنده می‌شد در بسیاری از شهرها جایگاه ویژه‌ای یافته بود.

در چنین وضعی آیةالله منتظری کمر همت بر بست و مبارزه‌ای سخت را با حمایت مرجع تقلید شیعیان حضرت آیةالله العظمی بروجردی و مردم شهر نجف‌آباد آغاز کرد.

هر چند گزارشهای این فعالیتها که برای دستگاهِ ضدِ اسلامِ شاه گران تمام می‌شد، با توجه به اسناد موجود، از طریق دستگاههای نظامی و انتظامی به مرکزیت حکومت می‌رسید[1] اما این شیر مرد دوران،

۱. رك اسناد صفحات ٤٤ و ٤٥، *فقیه عالیقدر*، ج ۱.

همچنان بی‌تزلزل به کار خود ادامه می‌داد.

پراکندن تفکرات باب و بها در میان مردم، کاری فرهنگی و هدف آن سست کردن اعتقادات اسلامی مردم به ویژه جوانان بود و مبارزهٔ با این تهاجمات فرهنگی جز با سلاح آگاهی ممکن نمی‌گشت.

بر این اساس آیةالله‌منتظری، همراه تحصیلات علوم دینی و معارف قرآنی که سخت مشغول آن بود، در پی دریافت و تحلیل گفته‌ها و نوشته‌های آنان برآمد تا بتواند با استدلال صحیح، پوچی آن گفته‌ها و نوشته‌ها را برای همگان روشن سازد.

در این میان یکی از بهائیان نجف‌آباد، که به فریب دشمنان پی‌برده بود، به اسلام بازگشت و برای ادامهٔ زندگی در تهران مقیم شد.

علاقهٔ این جوان به تبلیغ اسلام و نجات فریب‌خوردگان، زمینه را برای استفاده از اطلاعات سرشار آیةالله منتظری که در آن زمان روحانی جوانی بود فراهم ساخت. او از ایشان دعوت کرد که در تهران به مقابله با افکار انحرافی و تفرقه‌انگیز این مزدوران استعمار بپردازد.

پس، طی چند روز بحث استدلالی با بعضی از مبلغان فرقهٔ مزبور مطالبی بسیار مفید ارائه گردید.

آیةالله منتظری خود قسمتی از این مطالب و مباحث را در جزوه‌ای کوچک تحت عنوان *مناظرهٔ مسلمان و بهائی* گردآورد و در سال ۱۳۷۰ هجری قمری منتشر کرد. سردمداران فکری محافل فرقهٔ ضاله که از این جزوه ضربهٔ سنگینی را دریافت داشته بودند در صدد پاسخگویی برآمده، جوابیه‌ای نگاشتند. و او نیز دوباره در صدد پاسخگویی بسیار مستدل و مستند و مفصل برآمد که حاصل آن، کتاب بزرگی شد که متأسفانه به همان صورت دستنوشت باقی ماند و هرگز چاپ و منتشر نشد. نسخهٔ خطی آن موجود است. و اکنون که ۳۵ سال از آن تاریخ می‌گذرد، برای مقابله با تبلیغات وسیعی که بنگاههای استکبار جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران به خاطر جلوگیری از فعالیتهای جاسوسی و ضد اسلامی این فرقهٔ ضاله به راه انداخته‌اند، ضرورت دارد که نسبت به انتشار آن کتاب اقدام شود.

آیةالله منتظری، تا چه اندازه وقت خود را صرف چنین مبارزه‌ای کرده‌اند؟ آیا هر زمانی چنان شرایطی برای مبارزه علیه فرقهٔ ضاله فراهم است؟ آیا آن زمان و زمانهای پس از سال ۱۳٤۲ که نهضت امام خمینی جهت مبارزه را به دوستان اسلام نشان داد، برای این منظور، یعنی تمرکز مبارزه علیه بهائیت، تفاوتی نداشته است؟ آیا جریانی که در شکل‌دهی مبارزه علیه این قشر از نوکران استعمار، پس از آغاز نهضت امام خمینی، مسیر بسیاری از جوانان و تحصیلکرده‌های این مرز و بوم را از مبارزه علیه نظام فاسد شاهنشاهی که ریشهٔ همهٔ بدبختیهای ملت ایران بود منحرف کرده است، تا چه اندازه می‌تواند منطبق برآن فعالیتهای فرهنگی آیةالله منتظری و دیگر دانشمندان دلسوز و مصلحان بیدار جامعه باشد؟ آیا انجمن حجتیه[۲] که به اصطلاح پرچم مبارزه با بهائیت را به دوش می‌کشید و خود را تنها منتظر

۲. انجمن حجتیه، که در اصل انجمن خیریهٔ حجتیهٔ مهدویه نام دارد، در سالهای بین ۱۳۳۰ و ۱۳۳۲ توسط شخصی به نام آقای شیخ محمود ذاکر زادهٔ تولایی مشهور به شیخ محمود حلبی تأسیس شد. هدف اصلی تشکیل این انجمن، که بعدها به صورت یك تشکیلات با سازماندهی سراسری در جوامع مذهبی ریشه دواند، مبارزه با بهائیت بود. ظاهراً هدف از تأسیس این ←

(۱۸)

قائم تجدید کننده همان دستوراتی است که پیغمبر اورده وهمین است معنی عبارت دعای ندبه که میفرماید این المدخر لتجدید الفرائض والسنن وسائر عباراتی که باین مضمون است زیرا تجدید بمعنی نو کردن بناسابق است نه تاسیس بنائی جدید و بالاخره خیانت از بهاو پیروانش بسیار است ودرانچه ذکر شد برای تنبیه روشن دلان کفایت است خداوند همگی را موفق بدارد درخاتمه بدو نکته کوچك اشاره میشود ۱ـ اینکه اخیراً مابهار امیرزا خدا نامیدیم برای انست که او خودش در بعضی الواح ادعای خدائی کرده و بس است برای این معنی ایه کتاب اقدس که میگوید یا ملاء الانشاء اسمعوا ندائی انه لا الله الا انا المقتدر المتکبر المتسخر المتعالی العلیم الحکیم یعنی ای طوائف عالم ایجاد بشنوید ندای مالك اسماء را او میخواند شما را از طرف زندان بزرگش اینکه نیست خدائی جز من قادر بزرك قاهر بلند دانای حکیم البته همه میدانند که زندان باخدای اسمانی ارتباطی ندارد پس مقصود خود ایشان هستند ۲ـ مبلغی که شب اول طرف صحبت ما بود حدیث ثقلین را منکر شد من گفتم روایت از طریق شیعه و سنی متواتر است که پیغمبر فرمودند من دو چیز را میان شما امانت میگذارم یکی کتاب خدا و یکی عترت خود او جداً منکر بود اینك میگویم محض روشنائی چشم ایشان اقای بهاءهم در صفحه ۱٦٤ ایقان حدیث را ذکر کرده اند منتها اقایان وقتی دمشان بتله افتاد منطقشان منطق نفی میشود و همه چیز را منکر میشوند اقایان بیدار شوید و مواظب باشید پشت هم اندازیهای مبلغین شما را گمراه نکنند

والسلام علیکم

جمیعاً و

رحمة الله و برکاته

۲۷ ع ۲ (۱۳۷۰) حسینعلی منتظری نجف آبادی قم مدرسه فیضیه

سند شمارهٔ ۱. واپسین صفحهٔ جزوهٔ مناظرهٔ مسلمان و بهائی

ولی‌عصر، حضرت مهدی موعود عج می‌دانست و خیلی شیك و منظم در فضای آزاد[!] زمان شاه به اتفاق بسیاری از وابستگان آن رژیم ومسئولان ریز و درشت ادارات کل و وزارتخانه‌های آریامهری، به دفاع از خاتمیت قائم آل محمد برخاسته بود، به چه میزانی مورد قبول آیةالله منتظری که خود قهرمان میدان مبارزه با هر انحراف و بدعت در اعتقادات شیعیان حضرت حجت بوده و هست، قرار می‌گرفت؟ و آیا اصولاً شیوهٔ فعالیتهای ضد بهائیت اعضا و هواداران انجمن حجتیه با شیوهٔ کار فقیه عالیقدر یکسان بوده است؟

این سؤالها و بسیاری پرسشهای دیگر در جامعهٔ اسلامی ما هست که پرداختن به آن، حداقل برای آشنایی نسل آینده و حتی رفع ابهام از ذهن قشری از مردم جامعهٔ فعلی، ضرورت تام دارد.

می‌دانیم که قبل از سال ۱۳٤۱ روحانیت ایران، متشکل، فراگیر و رو در رو به مبارزه علیه نظام منحوس پهلوی دست نزده بود و قسمت زیادی از فعالیتهای علمای اسلام و روحانیان حوزه‌های علمیه به افزایش کمی و کیفی توان حوزه‌ها که در زمان رضاخان سخت مورد تاخت و تاز قرار گرفته بود، اختصاص داده می‌شد.

در کنار چنین اقدامات مفیدی که از آینده نگری سران حوزهٔ علمیهٔ قم خصوصاً حضرت آیةالله العظمی بروجردی متأثر بود، افراد زیادی با کسب اجازه از همین مقامات عالی مدارس علمیه، به صور مختلف، امّا انفرادی و غیرمستقیم به مبارزه با طاغوت زمان می‌پرداختند.

فراموش نکنیم که این برداشت از برخوردهای آن زمان روحانیت، پیشاپیش، هر ارتباط و سازشی حتی کمرنگ را با دستگاه ستمشاهی نفی می‌کند.

در دوران حیات و زعامت مرحوم آیةالله العظمی بروجردی بر حوزهٔ علمیهٔ قم، آیةالله منتظری در میان روحانیت به عنوان یك مدرس سطوح عالی حوزهٔ علمیهٔ قم در کنار آن مرحوم در ارتقاء بار کمی و کیفی حوزه‌های علمیه تلاش چشمگیری داشت. اما این تلاش چشمگیر با همهٔ صلابتی که داشت مانع از این نبود که آیة الله منتظری به مبارزهٔ جدی علیه نوکران رو به افزایش روس و انگلیس، به مثابهِ یك کار اصولی در جهت پالایش انحرافات دین و استقلال مملکت دست نزند. و از وقتی که این روحانی آگاه به فکر مبارزه‌ای تمام عیار علیه ریشه‌های فساد در سیستم حکومتی ایران افتاد، و وجود پر برکت حضرت امام خمینی را کشف کرد و پشت سر این بزرگوار، راه یك حرکت عظیم و آینده ساز را از نو آغاز کرد، آن گونه برخوردهای مقطعی و حاشیه‌ای را رها کرد و پای بر جای پای رهبر کبیر انقلاب اسلامی نهاد ــ که تا به امروز همچنان ادامه دارد.

باز فراموش نکنیم که اگر آیة الله منتظری گهگاه در زمینهٔ مبارزه با بهائیت فعالیتهایی داشته است،

تشکیلات مذهبی این بود که خارج از حوزهٔ فعالیتهای سیاسی، به کار دین و دفاع از خاتمیت قائم آل محمد عج بپردازد، امّا سیاست منحط شاه وارد حوزهٔ فعالیت آن شد و آن گونه که باب میل خود بود، آزادی فعالیت به آن داد. یادآوری می‌شود که انجمن حجتیه در طول فعالیت خود، چندین بار تجزیه و منشعب شد. حضرت امام خمینی در تاریخ ۱۳٦۲/٤/۲۱ طی سخنانی انجمن حجتیه را مورد انتقاد شدید قرارداد و آنان مجبور شدند در تاریخ ٦۲/۵/۱ فعالیتهای انجمن را تعطیل اعلام کنند.

این هم به ضرورت مبارزه با کل نظام شاهنشاهی و خصوصاً رژیم منحوس پهلوی است، چرا که بهائیت و پهلوی مرکز پیدایش واحدی داشتند، و هر دو به وسیلهٔ استعمار پیر انگلستان تغذیه می‌شدند و هدف از ایجاد هر دو یکی بود: مبارزه با اسلام. اما شکل مبارزه با اسلام برای هر کدام به نوعی ترسیم شده بود. بهائیت و بابیگیری یك حربهٔ عقیدتی بود که می‌توانست با نفاقی شوم، علاوه بر ایجاد اختلاف در میان امت اسلامی، بنیانهای فکری نسل جوان را سست کند و آن را در خدمت استعمار درآورد. و پهلوی در دستور کارش بود که به شکل یك قدرت سیاسی با قلدری و زور سر نیزه فرهنگ منحط غرب را در جامعهٔ ایران رواج دهد، و روحانیت تشیع را از حضور در صحنهٔ اجتماعی مسلمانان باز دارد تا اینکه نسل جوان با اسلام فاصله بگیرد.

بدیهی است انگلستان به دلیل تجربهٔ طولانیش در استعمار توده‌های محروم و چپاول ثروتهای ممالك جهان سوم، در ایجاد این دوبلای نکبت‌بار، محور اصلی محسوب می‌شد و در کنار آن روسیه و امریکا، به گونه‌ای متفاوت، به احیای بهائیگری و رژیم رو به زوال پهلوی همت گماشتند ــ روسیه در شکل گیری فرقهٔ ضالهٔ بابی و تقویت فرقهٔ ضالهٔ بهائیت همپای انگلستان بود، و در استقرار دوباره و اوج‌گیری سلطهٔ رژیم منفور پهلوی، امریکا جایگزین انگلستان شد.

قدرت اهریمنی رژیم پهلوی، از بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، که ضمناً خود را منتسب به نظام ریشه داری با یك تاریخ ۲۵۰۰ ساله می‌دانست، بستر بسیار خوبی برای جاری شدن اندیشه‌های ضد اسلامی در کشورمان، خصوصاً فعالیت برنامه‌های کفر آلود و ضد خدایی بابیها و بهائیها شده بود. مبارزه با آن عقیده که بستر جریانش از هر نظر مهیا بود یك فعالیت غیر اصولی بیش نمی‌توانست باشد و اگر این فعالیت، جای خود را به مبارزهٔ جدی برای برچیده شدن بستر این جریانات یعنی نظام شاهنشاهی و رژیم پهلوی نمی‌داد مزدوران رژیم نه تنها مخالفتی نداشتند بلکه آن را برای منحرف کردن و مشغول داشتن هر چه بیشتر نیروی مبارزان دامن نیز می‌زدند.

وقتی رژیم پهلوی با همهٔ توان می‌کوشد نسل جوان را به انواع و اقسام افکار غربی و شرقی ضد اسلامی مبتلا سازد، وقتی نوکران امریکا فساد اخلاقی و فحشا و بیتل‌گرایی و هیپی‌گری و کمونیسم و لاابالی‌گری و پوچی‌گری را همچون سیلی بنیان کن در جامعه جریان داده و تمامی دستگاههای تبلیغاتی‌شان را بسیج کرده‌اند تا زوایای شهرها و روستاهای این کشور پهناور را از اسلام و اسلامخواهی تهی سازند و دسته دسته علمای اسلام را به بند می‌کشند و جوانان مسلمان و فرزندان قرآن را در سیاهچالها، براجاق برقی می‌سوزانند و پاهایشان را قلم می‌کنند و زبانها و چشمانشان را در می‌آورند و به شهادت می‌رسانند، وقتی دنیا پرستان، نظام اقتصادی واپسگرا را پایه گذاری می‌کنند تا عده‌ای زیاده طلب از پرخوری بمیرند و خیل عظیم مردم محروم شهرها و روستاها از گرسنگی ناله کنند، در چنین وضعی و با وجود چنین حکومت سفاکی، آیا می‌توان به کُنجی نشست، اندکی حدیث از ائمهٔ هدی سلام الله علیهم و تعدادی شمارهٔ صفحه و گفتارخنده‌آور از کتب فرق ضاله حفظ کرد و نسل جوان پرهیزگار متدین و متعبد را به توجیه اینکه امور حکومتی اسلام خاص زمان ولی عصر عج می‌باشد، سرگرم داشت و به راهی کشاند که معلوم نیست رضای چه کسی در آن است؟

آیةالله منتظری به اتفاق حجةالاسلام فلسفی و مرحوم حجةالاسلام صهری (دو واعظ شهیر).
این عکس در حدود ۲۵ سال قبل در نجف‌آباد گرفته شده است.

کدام عقل سلیم حکم می‌کند که ریشهٔ فاسد درخت مسموم کننده را رها کنیم و به چیدن شاخه‌های آن ــ به خیال کار صواب ــ بپردازیم؟

بر مبنای چنین استدلالی، طبیعی است که آیةالله منتظری، تا وقتی زمینهٔ اجتماعی یك مبارزهٔ همگانی برای بر کندن ریشه‌های انواع فساد در جامعه، یعنی شاه و شاهنشاهی را فراهم نمی‌دید، با این اعتقاد که «جلو ضرر را از هر کجا که بگیری منفعت است» به مبارزه با بهائیت که شاخه‌ای از درخت خبیث استعمار بود همت گماشت. اما همین که زمینهٔ مبارزه با ریشهٔ فساد مهیا گشت و مرجع تقلیدی مقتدر و متعهد و دردآشنا قیام کرد، جهت مبارزهٔ خود را به سمت حرکت در خط این رهبری قرار داد، و تاریخ شاهد است که در این راه، پانزده سال تمام مصیبتها و ناراحتیها و رنجها تحمل کرد.

در چنین شرایطی، فقیه عالیقدر، نسبت به ارزش فعالیتهای متمرکز شده بر ضدیت با بهائیها، که عمدتاً به وسیلهٔ تشکیلات انجمن حجتیه انجام می‌گرفت، به دیدهٔ تردید می‌نگریست و با آنها سرناسازگاری داشت.

من به دفعات از ایشان دربارهٔ هدف، برنامه و ماهیت انجمن سؤال کردم. ایشان پاسخ می‌داد که اینها بسیاری از جوانان را از مسیر مبارزه با دستگاه شاه منحرف و از این طریق به رژیم منفور پهلوی کمك کردند.

خلاصه اینکه آیةالله منتظری با همهٔ تلاشی که در راه مبارزه با فرق ضالهٔ بابیگری و بهائیت داشت، پس از آغاز نهضت امام خمینی در سال ۴۲، هر جریانی را که می‌خواست محور همهٔ فعالیتهای خود را مخالفت با این فرق ضاله قرار دهد، از جمله انجمن حجتیه در خط دشمن می‌دانست و از آنها حمایت نمی‌کرد.

۲. فشار ساواك بر مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم

آیةالله العظمی منتظری در آغاز سال ۱۳۴۵ شمسی توسط ایادی مزدور امریکا، بلافاصله بعد از دستگیری فرزندش، حجةالاسلام محمد منتظری، دستگیر و روانهٔ زندان میشود. وی بدلیل شور و عشق زایدالوصفی که در راه به ثمر رسیدن انقلاب و ایجاد حکومت اسلامی از خود نشان میداد، چنان رژیم سفاك پهلوی و مزدوران آمریکا را بیچاره و زبون کرد که ساواك مجبور شد برای رسیدگی به پرونده‌اش، پیشنهاد کند او را در دادستانی ارتش محاکمه کنند.

موضوع مذکور را سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواك) طی نامه‌ای خیلی محرمانه تحت عنوان «خلاصهٔ گزارش بازجویی» به مقامات ذی ربط نوشته. از آنها می‌خواهد که پروندهٔ آیةالله‌منتظری به دادستانی ارتش احاله شود. به متن کامل این گزارش توجه فرمائید:

«نخست وزیری. خیلی محرمانه. سازمان اطلاعات و امنیت کشور. س. ا. و. ا. ك.

دربارهٔ: خلاصهٔ گزارش بازجویی

الف. مشخصات متهم:

نام حسینعلی، نام پدر حاج‌علی، نام‌خانوادگی منتظری، شمارهٔ شناسنامه ۷۵۸۳، صادره از نجف‌آباد

اصفهان، متولد ۱۳۰۱، شغل مدرس در حوزهٔ علمیهٔ قم و امام جماعت و تصدی حوزهٔ علمیه نجف‌آباد، ساکن قم محلهٔ خاك فرج، کوچهٔ خیام، کاشی ۲۰، منزل شخصی، متأهل، دارای شش فرزند، مسلمان (شیعهٔ اثنی عشری)، فاقد سابقهٔ محکومیت کیفری.

ب. موضوع اتهام:

فعالیت مضره (اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت).

پ. گردش کار:

اطلاع رسیده بود نامبرده در ساعت ۲۱ روز ٤٤/۱۲/۲۲ به اتفاق جمعی از همفکران خود من جمله عبدالرحیم ربانی در منزل علی مشکینی جلسه‌ای تشکیل داده و تصمیماتی به شرح زیر اتخاذ نموده‌اند:

۱. برای مراجعت خمینی اعلامیه‌هایی در ایام عید چاپ و در قم و سایر شهرستانها پخش نمایند.

۲. مراجعهٔ دسته جمعی به منزل روحانیون طراز اول و تقاضا از آنان جهت اخذ تصمیمات شدیدتر به منظور اعادهٔ خمینی به قم.

۳. چنانچه این اقدامات مؤثر واقع نگردید تصمیمات شدیدتری از قبیل تهدید و ارعاب و حتی ترور گرفته شود.

٤. چون همکاری و هماهنگی وی با جناحهای افراطی مذهبی محرز گردیده بود در قم دستگیر و به مرکز اعزام و از تاریخ اول فروردین ماه طبق قرار بازپرس شعبهٔ ۸ دادستانی نیروهای مسلح شاهنشاهی در بازداشت به سر می‌برد.

۵. در بازرسی از منزل وی که با حضور نمایندهٔ دادستان انجام گرفته تعدادی اعلامیهٔ مضره و کتب و نشریات کمونیستی، روزنامه و نشریات *پیام دانشجو*، *ایران آزاد*، *مردم* و *جبههٔ ملی* و متن سخنرانیهای خمینی، مبلغ ۱۵۸۷۳۰ ریال وجه نقد و چك به دست آمده که صورت جلسهٔ مربوطه ضمیمهٔ گزارش می‌باشد. ابتدا وجه مذکور به نامبرده تحویل و سپس توسط ساواك قم جمعاً مبلغ ۱۵۳۲۳۰ ریال چك و نقد از خانوادهٔ متهم اخذ و به پیوست پرونده ایفاد می‌گردد.

ت. خلاصهٔ اظهارات متهم:

طی جلسات متعدد بازجویی مشارالیه مطالب زیر را اظهار داشته است:

۱. عضویت و فعالیت خود را در احزاب و دستجات سیاسی و سازمانهای وابسته و مشابه آن و همچنین دستجات و گروههای مذهبی انکار نموده است.

۲. به شرکت در دو جلسهٔ بحث در منزل آقای عبدالجواد اصفهانی و جلسهٔ سیار دیگر در (منزل) آقایان عبدالرحیم ربانی و علی مشکینی و خودش اعتراف و منکر شرکت در جلسات دیگر که به منظور فعالیتهای خاصی تشکیل می‌گردید شده است.

۳. به مقدسات ملی توهین و قصد از بین بردن مدرك مورد سؤال را داشته است که مراتب با حضور مسئولین زندان صورت جلسه گردیده است.

٤. فعالیت خود را به نفع آیةالله‌خمینی و امضای چند اعلامیه‌ای‌که مربوط به پشتیبانی از وی بوده است اعتراف نموده همچنین اظهار می‌دارد که چون در قم معروفیت داشتم و روی علاقه‌ای که آیةالله

خمینی به این جانب داشت نامه‌ای به‌ایشان فرستادم و تقاضا کردم که شما هر سال به فقرا کمك می‌کردید در جواب مرقوم داشتند که مبلغ ۳۰ هزار تومان می‌فرستم که زغال بخرید و بین مردم تقسیم نمایند. لیکن مبلغ مذکور به دست من نرسید ولی بعداً فهمیدم که زغالها بین مردم تقسیم شده است.

۵. همچنین اظهار داشته که جهت چاپ و تکثیر اعلامیه‌ها کمك مادی می‌نموده لیکن غرض وی از این کار این بوده است که آیةالله خمینی را به کشور بازگردانند. در مورد اعلامیهٔ (اعلام خطر) عدم اطلاع نموده فقط اظهار داشته است که شنیده‌ام چنین اعلامیه‌ای چاپ شده و از چند نفر خواستم که یك نسخه از آن را به من بدهند ولی به دست نیاوردم.

٦. نامبرده در مورد اینکه یك مرتبه غیر مجاز از کشور خارج گردیده و به عراق مسافرت نموده است اظهار می‌دارد که چون از تدریس خسته شده بودم میل داشتم مسافرتی نمایم چه بهتر دیدم که به زیارت عتبات عالیات مشرف شوم و از این رو به آبادان رفتم و از ترس این که بر اثر سوابق گذرنامه به من ندهند اقدام برای گرفتن گذرنامه نکردم و در عراق هم به جز زیارت و دیدار علما کاری نکردم.

۷. همچنین طی اظهارات مشارالیه معلوم گردید که دو مرتبه به خانوادهٔ آقای حجتی کرمانی که متهم بوده است کمك مالی کرده و همچنین تبعید شدگان به سمنان را کمك نموده و مبلغ ۳۰ تومان جهت هر نفر ارسال داشته.

نظریه:

با توجه به مراتب فوق به استحضار می‌رساند. با آنکه گزارشاتی که دربارهٔ نامبرده رسیده حاکی از اینست که مشارالیه یکی از افراد افراطی مذهبی بوده که دارای تعصبات شدید و مضره علیه مملکت می‌باشد، معهذا نامبرده این اتهامات را رد نموده و دلایل دیگری در این زمینه به دست نیامده است. لذا در صورت تصویب مقرر فرمائید پروندهٔ امر جهت اقدامات مقتضی به دادستانی ارتش احاله گردد. ه »
(سند شمارهٔ ۲)

آیةالله منتظری پس از گذراندن هشت ماهِ مملو از اذیت و آزار، از زندان آزاد می‌شود.

پس از آزادی از زندان به تهدیدهای نوکران شاه وقعی نمی‌نهد و با همان سرسختی به فعالیتهای خود در راه افشای جنایات دربار و جیره‌خواران استعمار ادامه می‌دهد. گویی همهٔ دستگاه ستمبار شاه با آنهمه وسایل آزار و با آن تشکیلات انتظامی ـ امنیتی قوی که داشت، در نظر این مرد مصمم و بی‌باك خاشاکی بیش نیست.

سپهبد نصیری با آنهمه وحشتی که از خود در مردم ایجاد کرده بود، جانش به لب می‌رسد و از رئیس ادارهٔ دادرسی ارتش شاه چاره‌جویی می‌کند. اینك سند آن:

«نخست وزیری، سازمان اطلاعات و امنیت کشور، س. ا. و. ا. ك.، ۹٦٦۸، خیلی محرمانه.از ساواك، شمارهٔ ۳۱٦/٦۱۸۳٤، تاریخ ۱۳٤٦/۱۰/۱٦. پیوست: صدوهشتاد و شش برگ. به تیمسار ریاست ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی. دربارهٔ: ۱. غیر نظامیان حسینعلی منتظری فرزند علی، ۲. عبدالرحیم ربانی فرزند بمانعلی، بازگشت به ۱۳/۷۳٦٤۷ - ٤٦/۹/۱٤.

محیا منزه‌سانه

از .....
شماره .....
تاریخ .....
پیوست .....
به .....

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

در باره : خلاصه گزارش بازجوئی .....

الف ــ مشخصات متهم :

نام حسینعلی نام پدر حاج‌علی نام خانوادگی منتظری شماره شناسنامه ۷۵۸۳ صادره از نجف آباد اصفهان متولد ۱۳۰۱ شغل مدرس در حوزه علمیه قم وامام جماعت وتصدی حوزه علمیه‌نجف آباد ساکن‌قم‌ـ محله خاك فرج کوچه خیاط‌کاشی ۲۰ منزل شخصی . متاهل دارای شش فرزند مسلمان (شیعه اثنی‌عشری) فاقد سابقه محکومیت کیفری

ب ــ موضوع اتهام :

فعالیت مضره (اقدام برضدامنیت داخلی مملکت)

پ ــ گردشکار :

اطلاع رسیده‌بود نامبرده درساعت ۲۱۰۰ روز ۴۴/۱۲/۲۲ باتفاق جمعی ازهمفکران خود منجمله‌عبدالوحیدربانی درمنزل‌علی مشکینی جلسه‌ای تشکیل داده‌وتصمیماتی بشرح زیر اتخاذ نموده‌اند :

۱ــ برای‌مراجعت خمینی اعلامیه‌هائی درایام عید چاپ ودرقم وسایرشهرستانها پخش نمایند .

۲ــ مراجعه دستجمعی بمنزل روحانیون طرازاول وتقاضاازآنان جهت اخذ تصمیمات شدیدتربمنظوراعاده خمینی به قم .

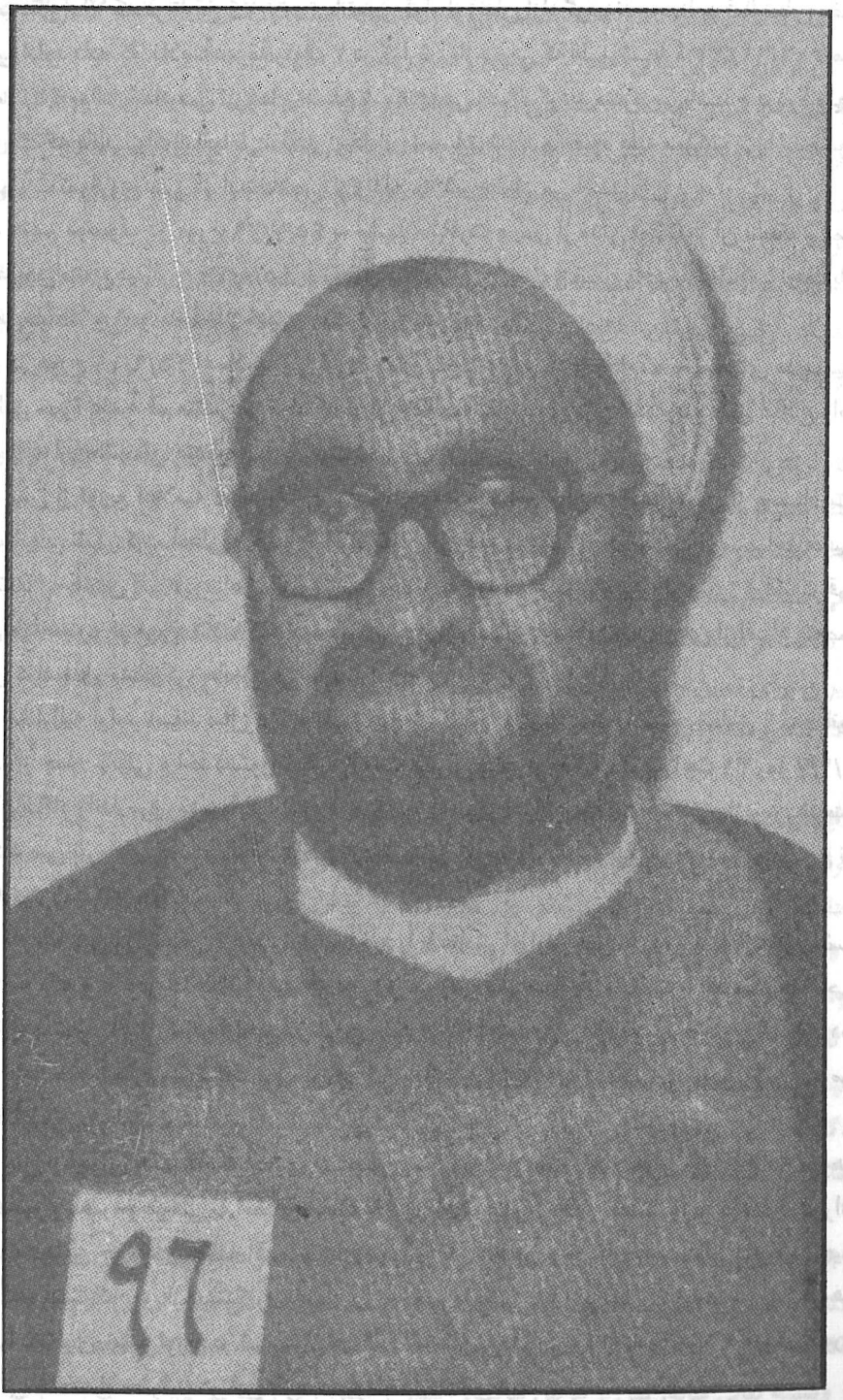
۹۶

نامبردگان بالا که در تاریخ ٤٥/٧/٢٤ با تبدیل قرار از زندان آزاد گردیدند مجدداً به فعالیتهای مضرهٔ خویش ادامه داده که خلاصهٔ سابقهٔ ردیف ۲ در گزارش بازجویی که طی شمارهٔ ۳۱٦/٦۱۸۳۲ مورخ ٤٦/۱۰/۱٦ به ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی احاله گردید مندرج می‌باشد و دربارهٔ متهم ردیف یك که یکی از افراد افراطی مذهبی و دارای تعصبات شدید و مضره علیه مملکت می‌باشد سوابق فعالیتهای مضرهٔ وی پس از استخلاص از زندان به شرح ذیل می‌باشد.

۱. متهم موصوف در مورخ ٤٥/٧/٢٩ به مشهد مسافرت و پس از مدتی توقف در آن منطقه و تماس با روحانیون مشهد در تاریخ ٤٥/٨/۱۱ به نجف‌آباد اصفهان عزیمت و ضمن تحریك طلاب نجف‌آباد از آنان می‌خواهد به نحو ممکنه‌له خمینی فعالیت نمایند.

۲. در مورخ ٤٥/٩/۱۱ اعلامیهٔ پلی‌کپی شده‌ای تحت عنوان «دانه یادام؟» به امضای مدرسین و محصلین حوزهٔ علمیهٔ قم منتشر می‌گردد که در آن مطالب انتقادآمیزی درج شده بود و طبق اطلاع واصله عامل تهیهٔ آن حسینعلی منتظری بوده است.

۳. پس از توزیع اعلامیهٔ «دانه یادام» مشارالیه نجف‌آباد اصفهان را ترك و پس از مسافرت به شهرستانهای شهر کرد، لنجان و خمین و ایراد سخنرانی خلاف مصالح در یکی از مساجد خمین و ملاقات با روحانیون افراطی مناطق مزبور روز ٤٥/۱۱/۱٤ به قم عزیمت و پس از ٥ روز توقف در قم به تهران مراجعت و در مورخ ٤٥/۱۱/۲٦ به قم بر می‌گردد و در این مسافرتها با پاره‌ای از افراد متعصب مذهبی تماسهای مشکوکی حاصل می‌نماید.

٤. مشارالیه اواخر اسفند سال ٤٥ به طور غیر مجاز به عراق عزیمت و ضمن تماس با روحانیون مخالف از جمله خمینی و اخذ دستورات در مراجعت همراه دو نفر از طلاب در ساعت ۲۱ روز ٤٦/۱/۷ وسیلهٔ پاسگاه ژاندارمری خسروآباد آبادان دستگیر و به مرکز اعزام و با قرار قانونی بازپرس شعبهٔ ۳ ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی بازداشت و نتیجتاً بقیدالتزام آزاد می‌گردد. (موضوع نامهٔ ۱۳/٤۸٦۸۹ - ٤٦/٥/۲٦)

٥. نامبرده پس از ترخیص از زندان تماس خود را با عناصر افراطی قطع نکرده و به فعالیتهای مضرهٔ خود ادامه داده و با تحریك طلاب مقیم قم قصد بر هم زدن نظم منطقه و مخالفت با اقدامات اصلاحی و مترقیانهٔ دولت را داشته که در نتیجه کمیسیون حفظ امنیت اجتماعی متشکله در فرمانداری قم نامبرده را به سه ماه اقامت اجباری در مسجد سلیمان محکوم و از تاریخ ٤٦/۷/۲۳ حکم صادره دربارهٔ وی به مورد اجرا گذارده می‌شود.

٦. پس از اجرای حکم اقامت اجباری شخص مذکور اطلاعات واصله حاکی بود اعلامیه‌های تحریك‌آمیز و مضره و موهنی به امضای آیةالله خمینی تحت عناوین آقای نخست وزیر خدمت ذیشرافت فضلا و مدرسین حوزه‌های علمیه (قم، مشهد و تهران) با راهنمایی و همکاری حسینعلی منتظری تهیه و توزیع شده است که پس از دستگیری عده‌ای از مظنونین (یکی از آنان) اعتراف نموده که اعلامیه‌های مزبور را منتظری جهت توزیع در شهرستانهای قم، اصفهان و تهران به وی داده است که فتوکپی اوراق تحقیقاتی (شخص معترف) در این باره به پیوست ایفاد می‌گردد.

۷. متهم موصوف به اتفاق عبدالرحیم ربانی به هنگام بازداشت در زندان قزل‌قلعه نامه‌ای به عنوان دادستان ارتش، دیوان عالی کشور، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد و سایر مراجع مذهبی در نجف اشرف و ایران نوشته که مضمون آن تحریک‌آمیز بوده و اقدامات دولت را ضدملی و ضددینی معرفی کرده‌اند و منتظری پس از آزادی از زندان به منظور تحریک افکار عمومی عین نامه را تکثیر و در تهران و پاره‌ای از شهرستانها توزیع نموده است که عین فتوکپی نامهٔ مورد بحث به پیوست تقدیم می‌گردد.

با اعلام مراتب فوق خواهشمند است دستور فرمایید سرانجام کار نامبردگان را به این سازمان اعلام نمایند. ك. رئیس سازمان اطلاعات و امنیت کشور، سپهبد نصیری. از طرف: شاهین. امضا.» (سند شمارهٔ ۳)

دادگاه ارتش آیةالله منتظری را با یك ضرب‌الاجل ٤٨ ساعته برای تعیین وکیل به دادگاه فرا می‌خواند. به یك سند توجه فرمایید:

«از ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی. به ریاست شهربانی نجف‌آباد. دستور فرمایید به غیر نظامی حسینعلی منتظری فرزند حاج‌علی به نشانی رو به روی مسجد شیخ منتظری ابلاغ نمایند ظرف ٤٨ ساعت در دادگاه عادی شمارهٔ یك ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی واقع در جادهٔ قدیم شمیران برای تعیین وکیل حاضر گردد. در صورت عدم حضور دستور جلب وی صادر خواهد شد. رئیس دادگاه عادی شمارهٔ یك: سرهنگ آگهیان.» (سند شمارهٔ ٤)

اما آیةالله منتظری به این ابلاغیه وقعی ننهاده، به موقع در دادگاه حاضر نمی‌شود. آن طور که یك گزارش خطی نشان می‌دهد، ایشان در آن موقع کسالت نیز داشته است.

دادگاه ارتش پس از گذشت شش روز مجدداً او را ضمن تهدید به دستگیری، فرا می‌خواند.

«از ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح. به ریاست شهربانی نجف‌آباد. پیرو شمارهٔ ۱۳/٤۰۱/٦٦/۲۵۲/۲ مورخهٔ ٤۷/۲/۱۵.

تا کنون غیرنظامی حسینعلی منتظری فرزند حاجعلی خود را به این دادگاه معرفی ننموده. بدین جهت رسیدگی پروندهٔ مطروحه به تعویق افتاده. دستور فرمایید به نامبرده ابلاغ نمایند سریعاً خود را به این دادگاه معرفی نماید. در صورت عدم حضور دستور جلب وی صادر خواهد شد. رئیس دادگاه عادی شمارهٔ ۱، سرهنگ ستاد آگهیان.» (سند شمارهٔ ۵)

در این جا جریان مزاحمتهایی را که ساواك برای آیةالله منتظری، در مواقعی که ایشان به اصطلاح آزاد بودند، از گزارش خطی شخصی به نام حاج عشقعلی نجف‌آبادی نقل می‌کنیم. در این گزارش به کسالت آیةالله منتظری، هنگامی که ایشان را به دادگاه ارتش فراخوانده‌اند، نیز اشاره شده است:

«بسمه تعالی شأنه. پس از عرض سلام و اظهار ارادت به عرض عالی می‌رساند که بنده شبی که وارد

از ..... ساواک .....
شماره ..... ۲۱۶/۶۱۸۴۳ .....
تاریخ ..... ۴۵/۱۰/۲۹ .....
پیوست صورت مذاکره شفاهی

۹۹۶۸

نخست وزیری

به تیمسار ریاست اداره دادرسی سازمان اطلاعات و امنیت کشور
نیروهای مسلح شاهنشاهی
س.ا.و.ا.ک

در باره :۱ــ غیرنظامیان حسینعلی منتظری فرزند علی ۲ــ عبدالرحیم ربانی فرزند بمانعلی

بازگشت به ۱۳/۸۳۶۴۷ــ ۴۶/۹/۱۴

نامبردگان بالاکه درتاریخ ۴۵/۷/۲۴ باتبدیل قراراززندان آزادگردیدند مجددا بفعالیتهای مضره خویش ادامه داده که خلاصه سابقه ردیف ۲ درگزارش بازجوئی که طی شماره ۲۱۶/۶۱۸۴۳ ۴۵/۱۰/۱۶ باداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی احاله گردیده مندرج میباشد ودرباره متهم ردیف یک که یکی ازافرادافراطی مذهبی ودارای تعصبات شدید ومضره علیه مملکت میباشد سوابق فعالیتهای مضره وی پس ازاستخلاص اززندان بشرح ذیل میباشد .

۱ــ متهم موصوف درمورخ ۴۵/۷/۲۹ بمشهد مسافرت وپس ازمدتی توقف درآن منطقه وتماس باروحانیون مشهد درتاریخ ۴۵/۸/۱۱ بنجف آباد اصفهان عزیمت وضمن تحریک طلاب نجف آبادازآنان میخواهد بنحو ممکنه له خمینی فعالیت نمایند .

۲ــ درمورخ ۴۵/۹/۱۱ اعلامیه پلی کپی شده ای تحت عنوان (دانه یادام) بامضاء مدرسین ومحصلین حوزه علمیه قم منتشر میگردد که درآن مطالب انتقاد آمیزی درج شده بود وطبق اطلاع واصله عامل تهیه آن حسینعلی منتظری بوده است.

۳ــ پس ازتوزیع اعلامیه (دانه یادام) مشارالیه نجف آباد اصفهان راترک وپس ازمسافرت بشهرستانهای شهرکرد ــ لنجان وخمین وایراد سخنرانی خلاف مصالح دریکی ازمساجد خمین وملاقات باروحانیون افراطی مناطق مزبور روز ۴۵/۱۱/۱۴ بقم عزیمت وپس ازده روز توقف درقم بتهران مراجعت ودرمورخ

۴۶/۸/۱

از

اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی

دائره دادگاه عادی شماره یک

شماره ۱۴۰۱/۹۹/۲۵۲۵ تاریخ ۱۳۵۷/۲/۱۵

پیوست .....

بی سیم نجف آباد

ستاد بزرگ ارتشتاران

ریاست شهربانی نجف آباد

دربارهٔ:

دستور فرمائید بغیر نظامی حسین علی منتظری فرزند حاجعلی بنشانی سرچوبی مسجد شیخ منتظری ابلاغ نمایند ظرف ۴۸ ساعت در دادگاه عادی شماره یک اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی واقع در جاده قدیم شمیران برای تعیین وکیل حاضر گردد در صورت عدم حضور دستور جلب وی صادر خواهد شد ۱۳۵۷/۲/۱۵

رئیس دادگاه عادی شماره یک سرهنگ [illegible]

از
ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح
دادگاه عادی ۱
شماره ۲-۲۵۲۲-۶۶/۱۴۰۱

تاریخ ۴۷/۲/۲۱
پیوست .....

ستاد بزرگ ارتشتاران

تلگراف مجد آباد

ریاست شهربانی نجف آباد
دربارهٔ:

پیرو شماره ۲/۲۵۲۲/۶۶/۱۴۰۱ مورخه ۴۷/۲/۱۵

تاکنون خیرنظامی حسینعلی متهم نموده جلسه دادگاه
معرفی نشده بدینجهت وسیله پرونده مذکوره بتصویب انتظاره
دستور فرمائید بنامبرده ابلاغ نمایند سریعاً خود را بدادگاه
معرفی نماید در صورت عدم حضور دستور جلب وی صادر خواهد شد ع

۴۷/۲/۲۱

رئیس دادگاه عادی شماره ۱ ـ سرهنگ ستاد آگهیان

قم شدم جناب آقای منتظری از تهران تشریف آورده بودند و بنده رفتم منزل خدمت ایشان و جریانات را از ایشان سؤال کردم. فرمودند که شما بنویسید و بفرستید و طوری که ایشان فرمودند از این قرار است:

«اما در نجف آباد و اصفهان بسیار مشکل و از من تعقیب می‌کنند به نحوی که در نجف‌آباد دائماً دو نفر حوالی منزل می‌گردند و اگر کسی بخواهد وارد منزل شود ممانعت نمی‌کنند ولی مواظب هستند که کی می‌آید و می‌رود و روی همین جهت علاقه‌مندان هم جرئت آمد و رفت را ندارند و اگر از منزل هم بیرون بروم در تعقیب هستند که کجا می‌روم و با کی تماس می‌گیرم. حتی یك روز رفته بودم به عیادت یکی از آقایان نجف‌آباد که مریض بود، وقتی که برگشتم گفتند دو نفر اطراف منزل می‌گشتند و نیز در اصفهان وقتی بیایم تعقیب می‌کنند به نحوی که اگر سوار تاکسی بشوم شمارهٔ او را برمی‌دارند و لیکن در قم و تهران به این اندازه مشکل نیست.

و اما قضیهٔ احضار: اینکه من در نجف‌آباد بودم آمدند و گفتند باید خودت را تا چهل و هشت (۴۸) ساعت دیگر حاضر کنی و من چون که مریض بودم نتوانستم که بروم و پس از برطرف شدن کسالت ورقهٔ استشهاد از دکتر گرفتم و بردم گفتند که باید محاکمه شوی. و محاکمه بر طبق قانون اول که مخالفت با رژیم می‌باشد و اقل جزای آن ۳ الی ۱۰ سال زندان است و محاکمه آقای ربانی نیز همین نحوه است. ولی ایشان وکیل تعیین کرده‌اند اما من گفتم این دادگاه را به رسمیت نمی‌شناسم ولی از طرف آنها وکیل تعیین شده و پس از آن که خود را حاضر کردم بنا شد که دو روز بروم و پرونده را مطالعه کنم و من رفتم و مطالعه کردم. قریب سیصد صفحه بود.» (و آقای منتظری مقداری از پرونده را یادداشت کرده و در منزل خواندند) و فرمودند که «بناست محاکمه شروع شود. و آقای حکیم تلگرافی زده‌اند به آقای آشتیانی ولی هنوز که اثری نبخشیده» و متن تلگراف را توی منزل قرائت فرمودند. زیاده ظل عالی مستدام.این مجمل جریانات ایشان بود که بنده از زبان نقل می‌کنم. فدوی حاج عشقعلی نجف‌آبادی.» (سند شمارهٔ ٦)

بالاخره پانزده روز از اخطار دوم گذشته بود که آیةالله منتظری در دادگاه ارتش حاضر شد. دادگاه به ایشان توصیه کرد از بین نظامیان یا همردیفان آنها برای خود وکیل مدافع تعیین کند، اما ایشان زیر بار نرفتند و دادگاه یك سرهنگ وابسته به نام روشنی تبریزی را به عنوان وکیل تسخیری بر ایشان تحمیل کرد.

نوشتهٔ زیر متن کامل اخطار ادارهٔ دادرسی ارتش در رابطه با وکیل تسخیری است:

«ستاد بزرگ ارتشتاران. ادارهٔ دادرسی ارتش. اخطار.به متهم، حسینعلی، فرزند حاج علی، شهرت منتظری، درجه...، ابلاغ می‌شود که پروندهٔ اتهامی شما دایر به اقدام علیه امنیت داخلی کشور، جهت رسیدگی به این دادگاه ارجاع گردیده.

شایسته است طبق مادتین ۱۸۱ و ۱۸۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش که به شما تفهیم می‌گردد از بین نظامیان و یا همردیفان آنها یك یا چند نفر وکیل مدافع که وکالت شما را کتباً قبول نموده باشند تعیین و به دادگاه معرفی نمایید والاّ طبق مادهٔ ۱۸۳ همان قانون اقدام به تعیین وکیل تسخیری خواهد

نسخهٔ شانه

پس از عرض سلام و اظهار ارادت بعرض عالی میرساند که بنده شبیه واقعه، شنیدم جناب آقای منتظری از تهران تشریف آورده بودند. و بنده رفتم منزل خدمت ایشان و جریانات را از ایشان سؤال کردم فرمودند که شما بنویسید و بفرستید و طریقه ایشان فرمودند از این قرار است؟

اما در نجف آباد و اصفهان بسیار مشکل و از من تعقیب میکنند بنحویکه در نجف آباد دائما دو نفر حوالی منزل میگردند و اگر کسی بخواهد وارد منزل شود ممانعت نمیکنند ولی مواظب هستند که کی میآید و میرود و در حیث علاقه مندان هم جرأت آمدن را ندارند و اگر از منزل بیرون بروم در تعقیب هستند که کجا میروم و با کی تماس میگیرم حتی یکروز رفته بودم بعیادت یکی از آقایان نجف آباد که مریض بود وقتیکه برگشتم دو نفر اطراف منزل میگشتند و نیز در اصفهان وقتی بیایم تعقیب میکنند بنحویکه اگر سوار تاکسی بشوم شماره اورا برمیدارند ولکن در قم و تهران باین اندازه نیست.

و اما قضیهٔ احضار: اینکه من در نجف آباد بودم آمدند و گفتند باید فوراً تا ساعت دیگر حاضر کنی و من چونکه مریض بودم نتوانستم که بروم و پس از برطرف شدن کسالت ورقهٔ استشهاد از دکتر گرفتم و بردم گفتند که باید محکمه شوی و محاکمه بر طبق قانون اول که مخالفت با رژیم میباشد و اقل مجازات آن ۳ الی ۱۰ سال زندان است و محاکمهٔ آقای ربانی نیز همین نحوه است ولی ایشان وکیل تعیین کرده اند اما من گفتم این دادگاه را بر سمیت نمیشناسم و از آنها وکیل تعیین نشده و پس از آنکه خودرا حاضر کردم بنا شد که دو روز دیگر بیایند و پرونده را مطالعه کنم و من رفتم و مطالعه کردم قریب سیصد صفحه بود (و آقای منتظری مقداری از پرونده را یادداشت کرده و در منزل خواندند) و فرمودند که بنا است محاکمه شروع شود و آقای حکیم تلگرافی نموده اند بآقای آشتیانی ولی هنوز که اثری نبخشیده و متن تلگراف را نیز برای قرائت فرمودند. زیاده اطالعاتی ندارم.

این مجمل جریانات ایشان بود که بنده از زبان

نقل میکنم

متن تلگراف آقای حکیم دام ظله — خدمت حاج عشقعلی نجف آبادی

تهران

حضرت آیة الله آقای آشتیانی از قرار مسموع موقوفات در معرض فروش قرار گرفته و با اولیاء و مسئولین مذاکرات لازمه و مقتضیه نمائید و نتیجه را بایشان اطلاع فرمائید و موضوع محاکمه حضرتین آقای ربانی و آقای منتظر که موجب تحریک ساکنین است منع نمائید و آزادی آقای ربانی را بخواهید — طباطبائی حکیم

شد. رئیس دادگاه عادی، سرهنگ طهمورث آگهیان. ٤٧/٣/٦. امضا
این جانب حسینعلی فرزند حاج علی شهرت منتظری از دادگاه استدعا می‌نمایم که وکیل تسخیری برای این جانب تعیین نمایند. امضا حسینعلی منتظری، ٤٧/٣/٦.
سرکار سرهنگ بازنشسته روشتی تبریزی به سمت وکیل تسخیری متهم مذکور تعیین می‌شود. به مشارالیه ابلاغ شود. به متهم جهت بررسی پرونده ٥ روز وقت داده می‌شود. سرهنگ طهمورث آگهیان. ٤٧/٣/٧. امضا.» (سند شمارهٔ ٧)

قابل ذکر است که آیةالله منتظری، پیش از رفتن به تهران، برای حضور در دادگاه جهت تعیین وکیل، نامه‌ای به یکی از بازاریان نجف‌آباد نوشت که با مسائل مربوط به وجوهات مردم برخورد امنیتی داشته باشد و این نامه را به فرزندش احمد منتظری داد تا به نجف‌آباد ببرد.

در آن روز احمد برای ملاقات برادر بزرگ خود ـ حجت‌الاسلام محمد منتظری ــ که در زندان بود می‌رود و اتفاقاً این نامه کشف و احمد نیز مورد بازجویی قرار می‌گیرد (سند شمارهٔ ٨).

در کتاب اول *فقیه عالیقدر*، صفحهٔ ١٨٧ و ١٨٩، نامهٔ مذکور چاپ شده و به تصور این که این نامه در زندان تحریر یافته، از آن به عنوان نوشته‌ای در زندان یاد کرده‌ام که بدین وسیله اصلاح می‌گردد.

در همان هنگام که آیةالله منتظری برای تعیین وکیل در دادگاه حضور می‌یابد، مورد بازجویی قرار می‌گیرد. و عمدهٔ بازجویی پیرامون همین نامه‌ای است که بدان اشاره شد. به خوانندگان گرامی توصیه می‌شود قبل از خواندن متن این بازجویی نامهٔ فوق را در صفحات ١٨٧ و ١٨٩ جلد اول *فقیه عالیقدر* بنگرند.

اینك به متن بازجویی که در تاریخ ١٣٤٧/٣/٢٠ از آیةالله منتظری شده، توجه کنید.

«بازجویی از حسینعلی منتظری

س. هویت کامل خود را بیان نمایید.

ج. بسمه تعالی. این جانب حسینعلی منتظری، فرزند حاج علی، اهل نجف‌آباد، دارندهٔ شناسنامهٔ شمارهٔ ٧٥٨٣، صادرهٔ نجف‌آباد، از مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، ولی فعلاً مدتی است برای موانعی در نجف‌آباد اصفهان هستم، متأهل می‌باشم، تولد من در ١٣٠١ شمسی است، منزل مسکونی من در قم، خیابان خاکفرج، کوچهٔ خیام، پلاك ٢٠، و منزل فعلی من منزلی است اجاره‌ای در نجف‌آباد، خیابان سعادت. امضا

س. سرکار نامه‌ای جهت آقای مجتبی نوشته‌اید و در آن متذکر گردیده‌اید راجع به وجوه دهندگان از شما سؤال شد و نام دفاتر به میان آمد دوستان به اتفاق آرا صلاح دیدند که موقتاً دفاتری را که نام اشخاص پول دهنده به حساب من در آنها ثبت است در جای امنی غیر از مغازه و منزل خودتان نگاهداری شود و حساب هر هفته را روی کاغذی باطله بی تاریخ و خصوصیات ثبت کنید و سپس به مکان مخصوص رفته و در آن دفاتر ثبت کنید. چون اگر خدای ناکرده اسامی اشخاص به دست آقایان بیفتد بسا برای آنها زحمت ایجاد کنند. اولاً بفرمایید آقای مجتبی کیست، مشخصات کامل او را بیان کنید،

ستاد بزرگ ارتشتاران

اداره دادرسی ارتش

اخطار

بمتهم حسین ..... فرزند حاج علی ..... شهرت سنطری

درجه ..... ابلاغ میشود که پرونده اتهامی شما دایر به ..... جهت رسیدگی باین دادگاه ارجاع گردیده.

شایسته است طبق مادتین ۱۸۱ و ۱۸۲ قانون دادرسی و کیفرارتش که بشما تفهیم میگردد ازبین نظامیان و یاهمردیفان آنهایک یا چند نفر وکیل مدافع که وکالت شما را کتباً قبول نموده باشند تعیین و بدادگاه معرفی نمائید والا طبق ماده۱۸۳ همان قانون اقدام به تعیین وکیل تسخیری خواهدشد

۴۷/۳/۶

رئیس دادگاه عادی

(امضاء با ذکر تاریخ)

اینجانب حسین ..... فرزند حاج علی ..... شهرت سنطری

از دادگاه استدعا مینمایم که وکیل تسخیری برای اینجانب تعیین نمایند

۴۷/۳/۶

امضاء متهم

(باذکر تاریخ)

سرکار ..... بسمت وکیل تسخیری متهم مذکور تعیین میشود بمشارالیه ابلاغ شود - بمتهم جهت بررسی پرونده مدت ۵ روز ..... روزوقت داده میشود.

(امضاء رئیس دادگاه باذکر تاریخ)

رؤیت شد (امضاء متهم باذکر تاریخ)

پرونده راکاملامطالعه کردم

(امضاء متهم باذکر تاریخ) ۴۷/۳/۷

نمونه ۲۶

فرم ۱۲-۸-۴۴-۱.د.ا

مصوبه شهریور ۴۴ (چاپخانه ارتش)

سند شمارهٔ ۷

وزارت کشور

شهربانی کل کشور

برگ بازجوئی ضربتجسه ارباب منتظری فرزند حسینعلی شماره .....

دادخواست	دادخوانده	دادخواسته	تاریخ	تجزوه‌دان	پرونده
			روز ۲۰ ماه ۳ سال ۱۳۴۷		

س ـ پدرت چه کاره است؟

ج ـ احمد فرزند حسینعلی شرعاً منتظری ۱۳ سال پیش یکی دهقان کنت آباد خیابان پائین نزل سوم یک پنجم شش محل نزدیک تم سکونت دارم احمد منتظر

س ـ بچه نظر به اینجا برگشت آمده اید؟

ج ـ من بتاق سرهنگ آگین معلم شهربانی سبزوار در اداره شهربانی مشغول تحصیل بودم بعلت اینکه منتظری مسئول آنجا بود مرا زندان کرد بعد از یک ماه زندان مرا آزاد کرد احمد منتظر

س ـ شما را با چه کس آورده بودند و کدام کفش آزاد کرده؟

ج ـ نمیدانم نوشته و امر داده بود که چون فردا جمعه داریم بکفش شما آزاد کنید بعد از آزاد شدن بمحض آنکه وارد کنت آباد شدم تا نزدیک خانه ام در جلسه گذاشته بودند که شما چرا زندانی شدید من به آنها گفتم دروغ گفته اند و شما چرا نگذاشتید که من بروم احمد منتظر

س ـ چه مدت در زندان بودی؟

ج ـ سه روز در زندان گذرانیدم و بعد آزاد شدم احمد منتظر

س ـ اظهارات خود را تائید میکنی یا نه؟

ج ـ بله تائید میکنم احمد منتظر

بازجو ستوان ۲ ارباب منتظری

سند شمارهٔ ۸

ثانیاً جریان امر را به طور مشروح توضیح بفرمایید.

ج. جریان قضیه این است که چون من از سابق پرونده دارم و در دادرسی ارتش به جریان انداخته‌اند برای محاکمه روی این اصل من در تهران بودم. در تهران شنیدم قریهٔ اسفید واجان کرون را که حدود شش هزار نفوس دارد سیل خراب کرده و مردم از هستی ساقط شده‌اند و مردم نجف‌آباد به آنها کمکهایی کرده‌اند. من از تهران نامهٔ خطاب به اهالی نجف‌آباد نوشتم. هم از زحمات سابقه تشکر کردم و هم سفارش کردم به اهالی اسفید واجان کمك بیشتری بشود. روی این اصل روحانیون نجف‌آباد از من کمکهایی برای مواد غذایی و کمکهایی برای احداث قنوات و تجدید آنها جمع‌آوری کرده‌اند و نزد آقای آقا مجتبی آیت گذاشته‌اند که به تدریج مصرف شود. (آقای آقا مجتبی آیت از فضلای سابق حوزهٔ علمیهٔ اصفهان و اخوی زادهٔ مرحوم آیةالله حاج سید علی نجف‌آبادی و مورد اطمینان و اعتماد مردم نجف‌آباد است و من از زمان مرحوم آیةالله بروجردی تا حال حساب داشته‌ام با ایشان و مقرر کرده‌ام اگر کسی به ایشان بابت وجوه بریه از قبیل زکوات و اخماس به عنوان من داد بگیرد و شهریهٔ طلاب حوزهٔ علمیهٔ نجف‌آباد و تعمیرات مدرسهٔ علمیه را تأمین کند و اگر زیاد آمد به من بدهد و اگر کم آمد از من بگیرند) چند روز قبل من به نجف‌آباد رفتم. ایشان گفتند از طرف سازمان امنیت اصفهان مرا احضار کردند و گفتند شما چرا وجوه جمع شده را به حساب مؤسسهٔ شیر و خورشید سرخ نمی‌گذارید. ایشان گفتند من در مقام جواب گفتم، من با شیر و خورشید مخالف نیستم، چنانکه اغلب متصدیان آن از خویشان نزدیك من هستند ولی اگر کسی پولی به عنوان روحانیین بدهد من مجبورم برای او حساب جداگانه داشته باشم و هدف آقایان و شیر و خورشید یکی است. بعداً در ضمن صحبت ایشان معلوم شد حدود یك ماه و نیم قبل نیز ایشان را سازمان امنیت اصفهان احضار کرده و راجع به من و وجوه دهندگان به من سؤالاتی کرده‌اند. من به ایشان گفتم خوب بود به من می‌گفتید. فرمودند چون شما مریض بودید نخواستم ناراحت شوید. علی‌ای حال ایشان گفتند از من سؤال شد وجوهی که به شما می‌رسد تحت دفتر و برنامه است. گفتم البته آنچه می‌رسد نوشته می‌شود و آنچه مصرف می‌شود نیز ثبت می‌گردد. این جانب در همان وقت در نجف‌آباد به ایشان گفتم ممکن است برای فشار به این جانب به دفاتر شما مراجعه شود و برای کسانی که مبالغ مختصری به این جانب می‌دهند ایجاد زحمت شود و من مایل نیستم از ناحیهٔ من برای کسانی از مسلمین ناراحتی ایجاد شود. شما خوب بود اسم دفتر و برنامه را نمی‌بردید تا اینکه شب دوشنبه که در قم بودم و به عزم تهران از اصفهان حرکت کردم به چند نفر که در منزل من آمدند جریان آقای آقا مجتبی آیت را گفتم. آنان گفتند شما قطعاً به ایشان توصیه کنید دفاتری را که اسامی اشخاص وجوهات بده در آنها ثبت است مخفی کند. لذا من از تهران نامه‌ای به عنوان ایشان نوشتم و به بنده زاده احمد منتظری دادم که به نجف‌آباد ببرد و چون او عازم قصر بوده برای ملاقات برادرش نامه را همراه داشته است و در قصر نامه را از ایشان گرفته‌اند. امضا

س. هویت کامل، محل سکونت آقا مجتبی آیت را تعیین نموده ضمناً بفرمایید دفاتری که در نزد ایشان است و شما فرمودید که مطالب او را عوض کرده و از بین ببرند و با اسامی ناشناس وجوه مبهم تنظیم کنید چیست؟

ج. آقای آقا مجتبی آیت از فضلای حوزهٔ علمیه اصفهان و فعلاً کتابفروش است در بازار نجف‌آباد و منزل ایشان در خیابان شاه می‌باشد و چون ایشان فرمودند در سازمان امنیت از من سؤال شد آیا شما برای وجوه رسیده به فلانی دفتر و برنامه دارید و ایشان جواب مثبت داده بودند غرض من از نامه نوشتن به ایشان این بود که چون من پروندهٔ جاری دارم و علاوه نجف‌آباد فعلاً از من کاملاً مراقبت دارند من احتمال دادم به ایشان مراجعه و دفاتر ایشان را مطالبه کنند و به کسانی که به عنوان من وجوهاتی به ایشان داده‌اند فشاری بیاورند و برای من ناراحت کننده بود کسی از ناحیهٔ من زحمتی ببیند. این بود محرك من به نوشتن نامه. و چون آقای آقا مجتبی آیت به سازمان اصفهان گفته بود دفاتری در بین هست من برای اینکه ایشان مفری داشته باشند علی فرض مراجعه به ایشان لذا راه مفر برای ایشان در نامه نوشتم. امضا

س. نامهٔ اشاره شدهٔ بالا را در چه محل و تاریخی نوشته‌اید و وسیلهٔ چه کسی می‌خواستید به مقصد گیرنده فرستاده شود؟

ج. نامه را دیروز عصر در منزل آقای سعیدی نوشتم و به احمد بنده‌زاده دادم که پس از ملاقات برادرش به نجف‌آباد ببرد. جریان امر اینکه من و احمد عصر یکشنبهٔ هفتهٔ جاری با یکدیگر به قم آمدیم و احمد در قم ماند برای گرفتن کارنامه‌اش ولی من ساعت ٥ صبح دوشنبه به تهران آمدم و پس از ملاقات فرزندم شیخ محمد علی منتظری در زندان قصر بدادرسی ارتش رفتم برای اینکه پروندهٔ سابق من به جریان افتاده و تصمیم داشتم تا خاتمهٔ محاکمه در تهران بمانم. امضا

س. چرا نامه را وسیلهٔ پست نفرستادید و به وسیلهٔ بچهٔ چند ساله‌ای ارسال فرمودید؟

ج. بچهٔ من عازم بود امروز که روز سه‌شنبه است به نجف‌آباد برود و قطعاً از پست زودتر می‌رسید.

س. ذیل اظهارات خود را گواهی فرمایید. امضا.» (سند شمارهٔ ٩)

٢٤ روز بعد از احضار آیة‌الله منتظری بدادگاه ارتش و پس از اینکه ایشان حاضر به انتخاب وکیل نمی‌شود و رژیم برای به اصطلاح دفاع از متهم، وکیل تسخیری تعیین می‌کند، دادگاه تشکیل می‌شود و با یك خیمه شب بازی ماهرانه، این مدرس بزرگ حوزهٔ علمیه و مدافع شجاع اسلام را همراه یار دیرینه‌اش، قهرمان بزرگ مبارزه با طاغوت، مرحوم آیة‌الله ربانی شیرازی ـ رحمة‌الله علیه ـ به سه سال زندان محکوم می‌کند.

متن دادنامهٔ آن جنایت بزرگ به شرح زیر است:

«جلسهٔ علنی دادگاه عادی شمارهٔ ١ ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی به ریاست سرهنگ ستاد طهمورث آگهیان و به کارمندی افسران مشروحهٔ زیر جهت رسیدگی به پروندهٔ اتهامی متشکلهٔ دو نفر متهمان:

١. عبدالرحیم فرزند عباسعلی شهرت ربانی شغل مدرس با سواد ساکن شهرستان قم.

٢. حسینعلی فرزند حاجعلی شهرت منتظری شغل مدرس با سواد ساکن شهرستان قم

که به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی کشور (ضدیت با سلطنت مشروطهٔ ایران) تحت پیگرد قرار

مصاحبه با ...

بازجوئی از مصطفی شعرباف

س - هویت کامل خود را بیان نمائید

ج - بسمه تعالی اینجانب حسینقلی متظری فرزند حاج علی امین کنف آباد دارای شناسنامه ۵۸۳ صادره از کنف آباد متولد در ۱۲۹۱ شمسی هستم

از مدرسه علمیه قمر و فعلاً مدت است برای مواقعی در کنف آباد اصفهان اسم متاهل باکم تولد در ۱۳۰۱ شمسی هستم

منزل مسکونی فعلی در قم خیابان خاکفرج کوچه چهارم پلاک ۴۰ و منزل قدیمی در کنف آباد خیابان سعادت

س - سرگذشت خود را جهت ما بطور خلاصه بنویسید و توان متذکر گردیده اید راجع به چه موضوعی از شما سئوال شده و نام و فامیل آنها را بنویسید

آشنا و دوستان با تفاق آراء صلاح دیدند که موقتاً و فاقد را که نام اشتباهی دارد دهنده بجای من در آنجا باشد و چون امنی غیر از منزل خودتان نگذارند شبها شب بهر هفته یکبار به کاندی باطله بانام و خصوصیت ثبت کنند و سپس بکنان محضر رفته و در آن دفاتر ثبت کنند چون از خدا بی خبر و ترسان و اشخاص بی تقوی آنجا می نشینند لذا برای آخرت ایمنی ندارند اولاً بنویسید آیا میگفتید تحقیقات کامل از او بعمل نیاورند یا بچه نحو انجام شده توضیح بدهید

ج - جریان قضیه این است که چون من از سابق بروحانی دارم در دوره ارتش بحرانی اندامه اندکی که در این اواخر در تهران بودم در تهران شنیدم قریب الصدور اجانب کرون را حدود شش هزار نفری دارد سیر خراب کرده و مردم از ناحیه ساقط شده و مردم کنف آباد با آنها کاری دارند و از تهران نامه خطاب به اهالی کنف آباد نوشتم اهالی از ما سابقه شکر کردند و ما هم موفق گردیدیم با حاج ... صد و اجانب بیشتر نبود و می این اصرار و اهالی کنف آباد از ما کمکهائی برای رفع غذا و کمکهائی برای احداث قنوات و کمک بدانها نموده اند و نزد آقای ... آن مجلس است گذاشته اند که صرف شود آقای ... مجلس است از فضلای سابق حوزه علمیه اصفهان و اهل زاده مرحوم است اسم ... سید کنف آبی و مورد اطمینان و اعتماد مردم کنف آباد است و هر از زمان مرحوم آقا امر بود جزوی با اهالی حساب داشتم با آن دستور کرده ام اگر کسی با آن بابت بصورت بر از جیب اداکاس بعنوان خرداد بگیرد و ...

-۳۷/۲۲۳ن

سند شمارهٔ ۹

گرفته‌اند در تاریخ ٤٧/٤/١٣ تشکیل و گردش کار پرونده بدین قرار است. پروندهٔ امر حکایت دارد که نامبردگان از مریدان جدی یکی از روحانیون مخالف دولت و از گردانندگان مؤثر و محرکین اصلی طلاب علوم دینی علیه دولت شاهنشاهی می‌باشند و به اتفاق یاران خود از هر فرصتی استفاده و در مورد اقدامات اساسی و اخیر دولت شاهنشاهی تنقید و در تاریخ ٤٥/١٢/٢٣ دربارهٔ این اقدامات مبادرت به تشکیل جلسه‌ای می‌نمایند و تصمیم می‌گیرند که برای اجرای مقاصد شوم خود به این طریق عمل نمایند که ابتدا به منظور بازگشت روحانی مخالف دولت اعلامیه‌هایی در قم و سایر شهرستانها پخش نمایند و سپس به صورت اجتماعی به منزل روحانیون درجه اول مراجعه و از آنان تقاضا نمایند که تصمیمات شدیدتری در مورد بازگشت روحانی مذکور اتخاذ نمایند و اگر این اقدامات باز مؤثر واقع نشود تصمیمات شدیدتری از قبیل نهب و غارت و ارعاب و ترور انجام گردد. ولی هنگام تحویل سال در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام نامبردگان در حین توزیع و پخش اعلامیه‌های موردنظر دستگیر می‌گردند و پس از دستگیری در زندان نیز به این اقدامات مخرب و فعالیتهای مضر خود ادامه داده و مبادرت به تهیهٔ اعلامیه‌هایی مبنی بر تخطئهٔ اقدامات اصلاحی دولت که از انقلاب شاه و مردم الهام گرفته است می‌نمایند. متهم ردیف یکم پس از اینکه با قرار بازپرس دادستانی ارتش از زندان آزاد می‌گردد مجدداً برای اقدامات مضرهٔ خود به مشهد و شیراز مسافرت و با روحانیون مخالف دولت تماس می‌گیرد و در تهران نیز با سیدعلی غفوری ملاقات و اظهار می‌دارد که می‌خواهد اعلامیه‌هایی را که روحانی مخالف دولت خطاب به نخست وزیر نوشته چاپ و منتشر نماید و در اثر اقدامات مخالف دولت مجدداً دستگیر و بازداشت می‌گردد و در تحقیقات معموله اعتراف می‌نماید اقداماتی به نفع روحانی مخالف دولت انجام داده و ذیل چند اعلامیه را نیز امضا نموده است. متهم ردیف دو در تحقیقات معموله در محضر بازپرس اظهار نموده است که در جلسات متشکله در منزل عبدالجواد اصفهانی و ربانی و علی مشکینی شرکت داشته است و همچنین فعالیتهای خود را به نفع روحانی مورد بحث تایید نموده و به امضای چند اعلامیه که حاکی از پشتیبانی روحانی نامبرده می‌باشد معترف و اظهار می‌دارد که در این مورد کمکهای مادی نیز نموده و قصدش از این اعمال بازگشت روحانی مورد بحث بوده است. پرونده از طریق سازمان اطلاعات و امنیت کشور به دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی ارسال و به شعبهٔ ٣ دادستانی ارتش ارجاع که در نتیجه منجر به صدور قرار مجرمیت و مآلاً منجر به صدور کیفر خواست گردیده است. پرونده از طریق ادارهٔ متبوعه جهت تعیین تکلیف طی شمارهٔ ١ - ٢٥٢ - ٦٦ - ٥٣/٤٠١ مورخ ٤٧/١/٢٩ به این دادگاه احاله و دادگاه پس از انجام تشریفات قانونی و دو جلسهٔ بررسی و سه جلسهٔ دادرسی و اعلام ختم جلسه از طرف رئیس دادگاه هیئت دادرسان در غیاب اصحاب دعوی و منشی به شور پرداخت و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نمایند.

رأی شمارهٔ ٢٣٦ مورخهٔ ٤٧/٤/١٣ دادگاه عادی شمارهٔ یك ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی:

هیئت دادرسان پس از بررسی محتویات پرونده و استماع دفاعیات وکیل مدافع و بیانات دادستان و آخرین دفاع متهم بعد از انجام تشریفات مادهٔ ٢٠٩ قانون دادرسی و کیفر ارتش چنین اظهار عقیده

می‌نمایند با توجه به دلایل و قرائن و امارات (اظهارات) مشروحهٔ زیر:

۱. اظهارات صریح متهمان در محضر بازپرس در مورد اعلامیهٔ منتشره در زندان قزل قلعه (اوراق ۱۹۳ - ۱۹۵ - ۱۹۶ قسمت اول پرونده)

۲. اظهارات متهم ردیف ۲ مبنی بر امضا اعلامیه‌های منتشره (برگ ۹ پرونده قسمت اول)

۳. نظریهٔ سازمان اطلاعات و امنیت کشور (به شرح برگ ۱۹ قسمت دوم پرونده)

٤. کشف تعدادی اعلامیه از منزل متهم ردیف یکم (برگهای ۷۹ از قسمت اول و ٤ از قسمت دوم)

۵. اظهارات سیدعلی غیوری دربارهٔ متهم ردیف یکم (برگهای ۳۷ و ۳۸ قسمت دوم)

٦. اعتراف صریح متهم ردیف ۲ در مورد پرداخت وجه به منظور چاپ اعلامیه‌های مضره (برگ ۳ قسمت اول)

۷. اعلامیه‌های موجود در برگهای ۷٦ الی ۷۸ و ۱۷۷ الی ۱۷۹ و اظهارات متهمان در مورد آنها و سایر محتویات پرونده، بزه انتسابی و مادهٔ استنادی دادستان را ضمن رد مادهٔ ۲ الحاقی به اصول محاکمات جزا در مورد متهم ردیف یکم وارد دانسته و به اتفاق آرا هر یك از متهمان (غیر نظامی عبدالرحیم فرزند عباسعلی شهرت ربانی و حسینعلی فرزند حاجعلی شهرت منتظری) را به استناد بند ۲ از مادهٔ ۱ قانون مقدمین بر علیه امنیت داخلی کشور به مدت ۳ سال حبس مجرد با احتساب مدت بازداشت قبلی (متهم ردیف یك از تاریخ ٤۵/۱/۲ الی ٤۵/۷/۲۷ و از ٤٦/۸/۸ تاکنون بازداشت می‌باشد و متهم ردیف ۲ از تاریخ ٤۵/۱/۱ الی ٤۵/۷/۲٤ بازداشت بوده) محکوم می‌نمایند. این رأی در محضر رسمی دادگاه با حضور اصحاب دعوی قرائت و ابلاغ گردید که از تاریخ روز بعد از ابلاغ لغایت ۵ روز قابل تجدید نظر می‌باشد. رئیس دادگاه عادی شمارهٔ یك ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی، سرهنگ ستاد آگهیان. امضا. ۴۷/٤/۱۳.» (اسناد شمارهٔ ۱۰ و ۱۱)

مدتی دیگر این بزرگواران در بازداشت سفاکان جنایت پیشه می‌مانند تا مجدداً برای محاکمه در دادگاه تجدیدنظر، احضار شوند.

برای این محاکمهٔ جدید که در واقع یك نمایش مضحك تکراری است، همان سیر دروغین باید پیموده شود. ابتدا از حضرت آیةالله العظمی منتظری می‌خواهند که برای خود وکیل انتخاب کند. ایشان نیز می‌داند که بیدادگاههای شاه تحمل وکیلی حقیقت‌گو و مدافع اسلام و انسانیت را ندارند، لذا این بار هم تن به انتخاب وکیل نمی‌دهد و از دم و دستگاه ضدانسانی شاه می‌خواهد که برایش وکیل تسخیری تعیین کنند. سردمداران ادارهٔ دادرسی ارتش، شخصی به نام سرهنگ خلعتبری را به سمت وکیل تسخیری ایشان تعیین می‌کنند. (سند شمارهٔ ۱۲)

در تاریخ ۴۷/۵/۷ جلسهٔ مقدماتی دادگاه تجدیدنظر شمارهٔ ۱ تشکیل می‌شود و حاضران، یعنی مأموران سرسپرده و مزدوران خود فروخته، به اتفاق آرا مقرر می‌دارند که جلسهٔ دادرسی به فردای آن روز موکول شود. (سند شمارهٔ ۱۳)

در تاریخ ۴۷/۵/۸ دادگاه تجدیدنظر شمارهٔ ۱ به ریاست سر سپردهٔ شاه و امریکا، سرتیپ محمدتقی

شاهنشاهی ایران

ستاد بزرگ ارتشتاران

اداره دادرسی ارتش

دادنامه

جلسه علنی دادگاه عادی شماره ۱ دادرسی نیروی زمینی ارتش شاهنشاهی بریاست سرهنگ ستاد طهموری تشکیل و بکارمندان دادستان مشروحه زیر جهت رسیدگی بپرونده اتهامی متشکله علیه دونفر متهمان:

۱ـ عبدالرحیم فرزند عباسعلی شهرتانی شغل مدرس ساکن شهرستان قم.

۲ـ حسینعلی فرزند حاجعلی شهرتمنتظری شغل مدرس ساکن شهرستان قم.

کهاتهام (اقدام بر ضد امنیت داخلی کشور (توطئه بمنظور سرنگون ساختن حکومت مشروطه ایران) تعقیب گردیده قرار رفته است در جلسه مورخ ۴۷/۴/۲۳ تشکیل و کرارا پرونده مذبور از است پرونده امر حکایت دارد تقاضای تجدید نظر از رای صادره از ناحیه یکی از روحانیون مخالف دولت و از گردانندگان موثر و محرکین اصلی اغلب طلاب مدرسه فیضیه علیه دولت شاهنشاهی میباشد و با اتخاذ یا ران خود از هر فرصتی استفاده مورد مورد اقدامات اساسی و اخیرا دولت شاهنشاهی تنقید و در تاریخ ۴۷/۲/۲۳ در نتیجه این اقدامات مبادرت به تشکیل جلسه ای مینمایند و تصمیم میگیرند که برای اجرای مقاصد شوم خود باین طریق عمل نمایند که ابتدا بنظر تشتت روحانی مخالف دولت اعلامیه هائی در قم و سایر شهرستانها پخش نمایند و سپس بصورت اجتماعی بمنزل روحانیون درجه اول مراجعه و از آنان تقاضا نمایند که تصمیمات شدیدتری نسبت به مورد بازگشت روحانی متذکور اتخاذ نمایند و اگر این اقدامات باز مؤثر واقع نشود تصمیمات شدیدتری از قبیل ترور و بمب گذاری و غیره انجام گردد ولی حدود تا تحویل سال در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام و بعد از آن در حین تردد بمنزل روحانیون اعلامیه های مورد نظر منتشر و متعاقبا دستگیر میگردد و پس از بازجوئی و روشن شدن قضایا اقدامات مجریه الیه مبادرت به تهیه و انتشار اعلامیه های مبنی بر محکومیت اقدامات اصلاحی دولت که از انقلاب شاه و مردم الهام گرفته است مینمایند. متهم ردیف یک بازاینکه با قرار بازپرس دادستان ارتش از زندان آزاد میگردد مجددا برای اقدامات مضره خود بمشهد و شیراز مسافرت و با روحانیون مخالف دولت تماس میگیرد و در تهران نیز با سید علی غفوری ملاقات و اظهار میدارد که میخواهد اعلامیه هائی را که روحانی مخالف دولت خطاب به نخست وزیر نوشته چاپ و منتشر نماید و در اثر اقدامات مخالف دولت مجددا دستگیر و بازداشت گردیده و در تحقیقات محموله اعتراف مینماید اقدامات بنفع روحانی مخالف دولت انجام داده و ذیل سند اعلامیه را نیز امضاء نموده است متهم ردیف دو در تحقیقات محموله در مقام بازپرس اظهار نموده است که در جلسات متشکله در منزل عبدالله شهانی و یزدان و علی مشکینی شرکت داشته است و هم چنین خصلیت های خود را بنفع روحانی مورد بحث جلب نموده و مبادرت به تهیه چند اعلامیه که یکی از پشتیبانی روحانی نامبرده میباشد معترف و اظهار میدارد که در رابطه مورد کمک مادی دریافت نموده و قصد از این کمک بازگشت روحانی مورد بحث بوده است پرونده از طریق سازمان اطلاعات و امنیت کشور بدادرسی نیروی زمینی شاهنشاهی و سپس به دادسرای ارتش

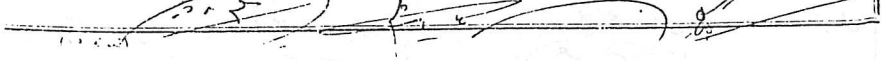

سند شمارهٔ ۱۰

شماره .....
صفحه .....

ستاد بزرگ ارتشتاران

اداره دادرسی ارتش

دادنامه

ارجاع که در نتیجه منجر بصدور قرار مجرمیت و مالاً صدور کیفرخواست گردیده است پرونده مزبور طریق اداره متبوعه جهت تعیین تکلیف قضایی شماره ۱ـ۲۵۲ـ۶۶ـ۵۳/۴۰۱ مورخ ۴۷/۱/۲۹ باین دادگاه احاله و دادگاه پس از انجام تشریفات قانونی ورود وجلسه بررسی و سه جلسه دادرسی و اعلام ختم جلسه از طرف رئیس دادگاه هیئت دادرسان در غیاب اصحاب دعوی و منشی بشور و صدور رأی بشرح زیر مبادرت نمودند

رأی دادگاه

رأی دادگاه عادی شماره یک اداره دادرسی نیروهای مسلح ماخنهاب

هیئت دادرسان پس از بررسی محتویات پرونده و استماع شهادت شاکی و وکیل مدافع و بیانات دادستان و آخرین دفاع متهم بشرح ذیل و بنام شریفات مادهٔ ۲۹۰ قانون دادرسی و کیفر ارتش چنین اظهار عقیده مینمایند با توجه به دلائل و قرائن و امارات مشروحه زیر:

۱ـ اظهارات حسن متهمان در محضر بازپرس در مورد اعلامیه منتشره روزنامه قزل قلعه (اوراق ۱۹۳ـ۱۹۵ـ۱۹۶ قسمت آخر پرونده)

۲ـ اظهارات متهم ردیف ۲ مبنی بر امضاء اعلامیه‌های منتشره (برگ ۹ پرونده قسمت اول)

۳ـ نظریه سازمان اطلاعات و امنیت کشور (شرح برگ ۱۶ قسمت دوم پرونده)

۴ـ کشف دادگاه اعلامیه از منزل متهم ردیف یکم (برگهای ۳۷ و ۳۸ قسمت دوم)

۵ـ اظهارات سید علی غیوری در باره متهم ردیف یکم (برگهای ۳۷ و ۳۸ قسمت دوم)

۶ـ اعتراض متهم ردیف ۲ در مورد پرداخت وجه بمنظور چاپ اعلامیه‌های مزبور (برگ ۳ قسمت اول)

۷ـ اعلامیه‌های موجود در برگهای ۷۶ الی ۷۸ و ۱۷۷ الی ۱۷۹ و اظهارات متهمان در مورد آنها و سایر محتویات پرونده

بزه انتسابی و مواد استنادی دادستان را صمن رد مادهٔ ۲۰ الحاقی باصول محاکمات جزا در مورد متهم ردیف یکم وارد دانسته و باتفاق آراء هریک از متهمان (غیر از علی عبدالرحیم فرزند عباسعلی شبرت زبانی و حسینعلی فرزند حاجعلی شهرستانی) را با استناد بند ۱۲ از مادهٔ واحدهٔ قانون تشدید مجازات مرتکبین جرایم علیه امنیت داخلی کشور بعد از تسلیم جرم به حداکثر مجازات قانونی (متهم ردیف یکم از تاریخ ۴۵/۱/۲۲ الی ۴۵/۷/۲۷ و از ۴۶/۷/۸ تاکنون یازده سال و متهم ردیف دوم قبلی از تاریخ ۴۵/۱/۱ الی ۴۵/۷/۲۴ یازده سال) محکوم مینمایند این رأی در محضر رسمی دادگاه با حضور اصحاب دعوی قابل اعتراض است و اعلام گردید که از تاریخ روز بعد از ابلاغ ظرف ده روز قابل تجدید نظر میباشد ۴۷/۲/۱۳

رئیس دادگاه عادی شماره یک اداره دادرسی نیروهای مسلح ماخنهاب ـ سرهنگ ستاد آذرپیان

سند شمارهٔ ۱۱

۵۱

ستاد بزرگ ارتشتاران

۴۷/۴/۲۹

اداره دادرسی ارتش

اخطار

به‌متهم ..... فرزند ..... شهرت .....

درجه ..... ابلاغ میشود که پرونده اتهامی شما دائر به ..... جهت رسیدگی باین دادگاه ارجاع گردیده

شایسته است طبق مادتین ۱۸۱ و ۱۸۲ قانون دادرسی و کیفر ارتش که بشما تفهیم میگردد از بین نظامیان و یا همردیفان یك یاچند نفر وکیل مدافع که وکالت شمارا کتبا قبول‌نموده باشند تعیین و بدادگاه معرفی نمائید و الاطبق ماده ۱۸۳ همان قانون اقدام به‌تعیین وکیل تسخیری خواهد شد.

رئیس دادگاه .....

تجدید نظر

(امضاء باذکرتاریخ) ۴۷/۴/۲۹

اینجانب ..... فرزند ..... شهرت .....

ازدادگاه استدعا می‌نمایم که‌وکیل تسخیری برای اینجانب تعیین نمایند

امضاء متهم

(باذکرتاریخ) ۴۷/۴/۲۹

سرکار ..... بسمت‌وکیل تسخیری متهم مذکور تعیین میشود بمشارالیه ابلاغ‌شود - بمتهم جهت بررسی پرونده مدت ..... روزوقت داده میشود.

(امضاء رئیس دادگاه باذکرتاریخ)

رؤیت‌شد (امضاء متهم باذکر تاریخ)

پرونده راکاملامطالعه کردم

(امضاء متهم باذکرتاریخ)

۴۷/۴/۲۹

۴۷/۵/۷

۴۷/۴/۲۹

سند شمارهٔ ۱۲

شاهنشاهی ایران

اداره دادرسی ارتش

صورت جلسه دادگاه

صورت جلسه مورخ ۴۷/۵/۷ دادگاه تجدید نظر شماره ۱

جلسه دادگاه تجدید نظر شماره ۱ اداره دادرسی نیروهای شاهنشاهی بریاست سرتیپ محمدتقی تاج الدینی و کارمندی آقایان مشروحه زیر تشکیل و پرونده ردیفی تشکیلاتی ۱ – محمدرحیم فرزند غلامعلی شهرت رمانی ۲ – حسینقلی فرزند حاجعلی شهرت تسلطی که باتهام اقدام برضد امنیت داخلی کشور (ضدیت با سلطنت مشروطه ایران) تحت پیگرد قرارگرفته و پرونده ارجاعی ۱۴-۲۵۲-۶۶-۱۰۰۱۴ مورخ ۴۷/۳/۲۶ از طرف اداره محترم دادرسی دادگاه دادرسی گردیده است در تاریخ ۴۷/۵/۷ تشکیل و پس از بررسی محتویات پرونده چون تشکیلات ایران ظ[illegible] گردید که مراتب باصحاب دعوی ابلاغ گردد

رئیس دادگاه تجدید نظر شماره ۱ اداره دادرسی نیروهای شاهنشاهی

دادرسان

۱ – سرگرد محمود آریان

۲ – سرگرد [illegible]

۳ – سرگرد [illegible]

۴ – سرگرد [illegible]

سند شمارهٔ ۱۳

تاج‌الدینی تشکیل و پس از یك نمایش خائنانه، موضوع اتهام کذب و از پیش تعیین شده علیه دو نفر از بندگان راستین خداوند را به بحث می‌گذارند و بالاخره تصمیم می‌گیرند که آنان را به یك سال و نیم زندان محکوم کنند. (سند شمارهٔ ۱۴)

بدیهی است این رأی ظالمانه، با آن تخفیفی که دادند، نمی‌تواند تصمیم این مأموران بی‌اراده و نالایق باشد. اربابشان در مقابل اعتراضات فراوانی که در سطح جامعه و حوزه‌های علمیه و جهان اسلام نسبت به بازداشت این دو دانشمند شد، توان مقاومت نداشت، و گرنه از مدت زندان نه تنها نمی‌کاستند بلکه برآن می‌افزودند.

بالاخره بیدادگاه تجدیدنظر ارتش شاهنشاهی تشکیل گردید و دادنامه‌ای را قرائت نمود که متن کامل آن چنین است:

«دادنامهٔ دادگاه تجدیدنظر شمارهٔ ۶۹

الف. مرجع رسیدگی: دادگاه تجدیدنظر شمارهٔ ۱

ب. تجدیدنظر دهنده: اصحاب دعوی

ج. موضوع: اقدام بر ضد امنیت داخلی کشور (ضدیت با سلطنت مشروطهٔ ایران)

د. هیئت دادرسان به ریاست سرتیپ محمدتقی تاج‌الدینی: ۱. سرهنگ ستاد محمود آریان نژاد، ۲. سرهنگ ۲ قضایی حسن شاه بختی، ۳. سرهنگ پیاده احمد توانگر، ۴. سرهنگ ۲ پیاده سیروس مظفری با حضور دادستان دادگاه سرهنگ قضایی عارفی جهت رسیدگی دادرسی به پروندهٔ اتهامی دو نفرمتهمان مشروحهٔ زیرکه به اتهام مشروحهٔ بالا تحت پیگرد قرار گرفته‌اند تشکیل گردید.

ه . گردش کار: پروندهٔ امر حاکی است که دو نفر غیرنظامی: ۱. عبدالرحیم فرزند بمانعلی شهرت ربانی، ۲. حسینعلی فرزند حاجعلی شهرت منتظری که از مریدان جدی یکی از روحانیون مخالف دولت و از گردانندگان مؤثر و محرکین اصلی طلاب علوم دینی علیه دولت شاهنشاهی می‌باشند و به اتفاق یاران خود از هر فرصتی استفاده و در مورد اقدامات اساسی و اصلاحی اخیر دولت شاهنشاهی تنقید و در تاریخ ۴۴/۱۲/۲۳ دربارهٔ این اقدامات مبادرت به تشکیل جلسه‌ای می‌نمایند و تصمیم می‌گیرند که برای اجرای مقاصد شوم خود به این طریق عمل نمایند که ابتدا به منظور بازگشت روحانی مخالف دولت اعلامیه‌هایی در قم و سایر شهرستانها پخش نمایند و سپس به صورت اجتماعی به منزل روحانیون درجه اول مراجعه و از آنان تقاضا نمایند تصمیمات شدیدتری در مورد بازگشت روحانی مذکور اتخاذ نمایند و اگر این اقدامات نیز مؤثر واقع نشود تصمیمات شدیدتری از قبیل نهب و غارت و ارعاب و ترور انجام گردد ولی به هنگام تحویل سال در حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام نامبردگان در حین توزیع اعلامیه‌های موردنظر دستگیر می‌گردند[۳] و پس از دستگیری نیز در زندان به این اقدامات مخرب و فعالیتهای مضرهٔ خود ادامه داده و مبادرت به تهیهٔ اعلامیه‌هایی مبنی بر تخطئهٔ اقدامات اصلاحی دولت که از انقلاب شاه و مردم الهام گرفته است می‌نمایند. متهم ردیف یکم پس از اینکه با

۳. تنها شهید محمد منتظری هنگام توزیع اعلامیه در حرم مطهر دستگیر شد و این دو بزرگوار را در منزل دستگیر کردند.

قرار بازپرس دادستانی ارتش از زندان آزاد می‌گردد مجدداً برای انجام اقدامات مضرهٔ خود به مشهد و شیراز مسافرت و با روحانیون مخالف دولت تماس می‌گیرد و در تهران نیز با سیدعلی غفوری ملاقات و اظهار می‌دارد که می‌خواهد اعلامیه‌ای را که روحانی مخالف دولت خطاب به نخست وزیر نوشته چاپ و منتشر نماید و در اثر اقدامات مخالف دولت مجدداً دستگیر و بازداشت می‌گردد. و در تحقیقات معموله اعتراف می‌نماید اقداماتی به نفع روحانی مخالف دولت انجام داده و ذیل چند اعلامیه را نیز امضا نموده است. متهم ردیف دوم در تحقیقات معموله در محضر بازپرسی اظهار نموده است که در جلسات متشکله در منزل عبدالجواد اصفهانی و ربانی و علی مشکینی شرکت داشته است و همچنین فعالیتهای خود را به نفع روحانی مورد بحث تایید نموده و به امضا چند اعلامیه که حاکی از پشتیبانی روحانی نامبرده می‌باشد معترف و اظهار می‌دارد که در این مورد کمکهای مادی نیز نموده و قصدش از این اعمال بازگشت روحانی مورد بحث بوده است. پرونده از طریق سازمان اطلاعات و امنیت کشور به دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی ارسال و به شعبهٔ ۳ دادستانی ارتش ارجاع و بازپرس مذکور پس از تحقیقات لازم قرار مجرمیت نامبردگان را صادر نموده است. پس از موافقت دادستان ارتش با قرار مجرمیت صادره از طرف بازپرس و کیفرخواست صادر و عمل متهمان از درجهٔ جنایت تشخیص و با بند ۲ از مادهٔ ۱ قانون مقدمین بر علیه امنیت داخلی کشور و رعایت مادهٔ ۲ الی.. با قبول محاکمات جزا منطبق و پرونده جهت رسیدگیهای لازمه به دادگاه عادی شمارهٔ ۱ ارجاع و دادگاه مزبور برابر دادنامهٔ شمارهٔ ۲۳٦ مورخ ٤٧/٤/١٣ متهمان مورد بحث را به مدت سه سال حبس مجرد (هر یك از متهمان را) با احتساب مدت بازداشت قبلی محکوم که بالاخره در اثر تجدیدنظر خواهی اصحاب دعوی پرونده طی شمارهٔ ٤ - ٢٥٢ - ٦٦ - ١٣/٤٠١ مورخ ٤٧/٤/٢٦ ادارهٔ متبوعه جهت رسیدگی مجدد به این دادگاه ارجاع و دادگاه پس از انجام کلیهٔ تشریفات قانونی و تشکیل یك جلسهٔ مقدماتی جهت بررسی پرونده و دو جلسهٔ دادرسی و استماع بیانات دادستان دادگاه و دفاعیات وکیل مدافع و بیانات مجدد دادستان و آخرین دفاع وکیل مدافع و خود متهمان و اعلام کفایت مذاکرات از طرف رئیس دادگاه هیئت دادرسان در غیاب اصحاب دعوی به شور پرداخته و با رعایت مادهٔ ۲۰۹ قانون دادرسی و کیفر ارتش به شرح زیر به صدور رأی و بیان عقیده مبادرت می‌نمایند.

رأی شمارهٔ ٦٩ مورخ ٤٧/٥/٩ دادگاه تجدیدنظر شمارهٔ ۱:

هیئت دادرسان دادگاه تجدیدنظر شمارهٔ ۱ ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی پس از بررسی کامل محتویات پرونده و مداقه در اوضاع و احوال قضیه رأی شمارهٔ ۲۳٦ مورخ ٤٧/٤/١٣ صادره از دادگاه عادی شمارهٔ ۱ ادارهٔ متبوعه را که برابر آن دو نفر متهمان ۱. غیر نظامی عبدالرحیم فرزند عباسعلی شهرت ربانی ۲. غیر نظامی حسینعلی فرزند حاجعلی شهرت منتظری باستناد بند ۲ از مادهٔ ۱ قانون مقدمین بر علیه امنیت داخلی کشور و با اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت هر یك به مدت ۳ سال حبس مجرد با احتساب مدت بازداشت قبلی (متهم ردیف یکم از تاریخ ٤٥/١/٢ الی ٤٥/٧/٢٧ و از ٤٦/٨/٨ تا کنون و متهم ردیف دوم از تاریخ ٤٥/١/١ الی ٤٥/٧/٢٤ در بازداشت بوده‌اند) محکومیت حاصل نموده از لحاظ مادهٔ استنادی و عدم انطباق آن با اعمال ناشیه از طرف دو نفر متهمان فوق‌الذکر

تاریخ ۱۳۴۱/۰۹/۰۹
شماره ۱۰۲۴
صفحه ۲

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی
پیام‌آور صلح و دوستی
شاهنشاه بزرگ ارتشتاران

اداره دادرسی ارتش
بقیه دادنامه شماره ۹۰۳

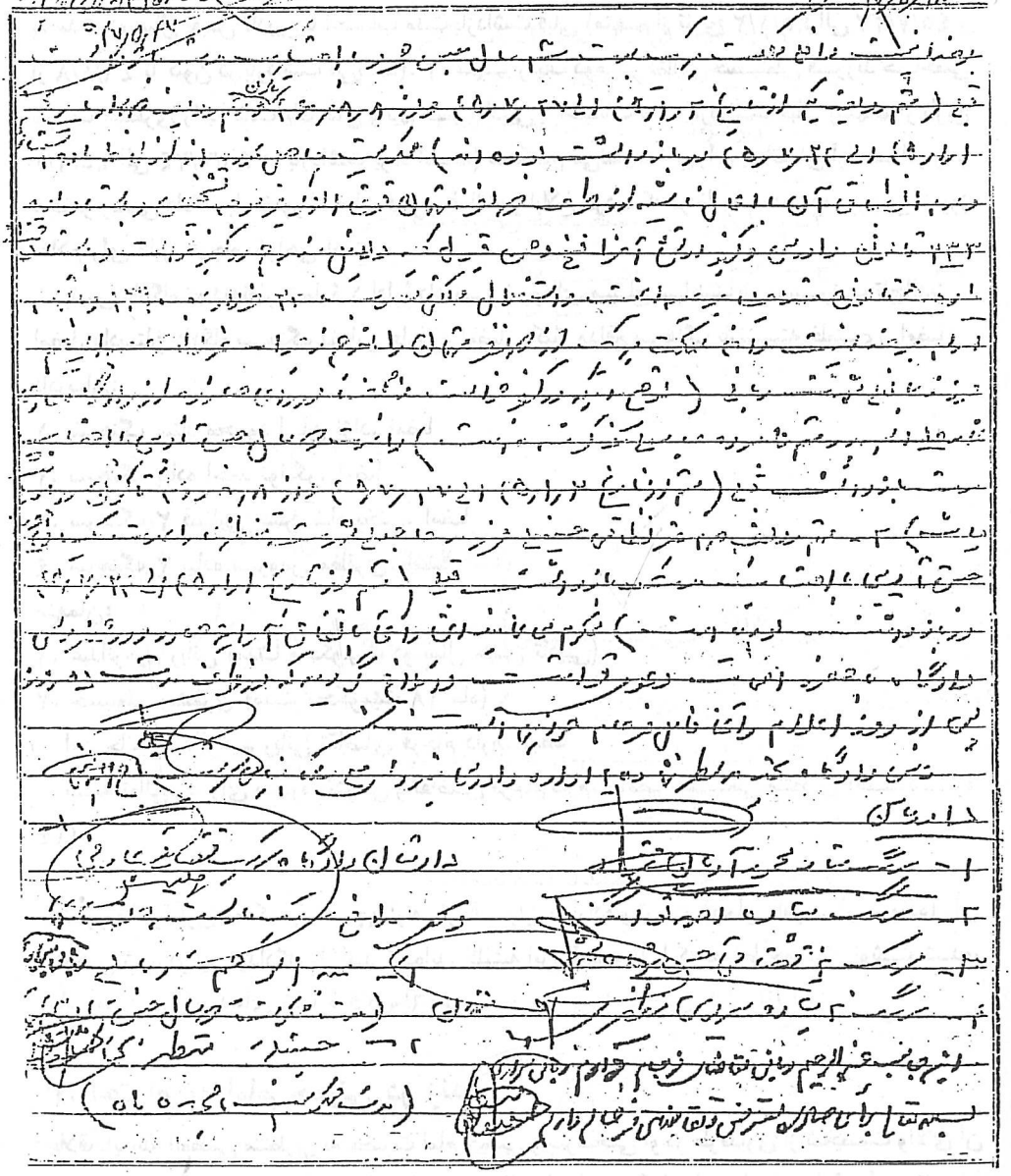

سند شمارهٔ ۱۴. صفحهٔ آخر دادنامهٔ دادگاه تجدید نظر شمارهٔ ۱

غیرموجه تشخیص و به استناد مادهٔ ۲۳۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش آن را فسخ و ضمن قبول کلیهٔ دلایل به شرح در کیفرخواست و به استناد قسمت اول مادهٔ ۵ قانون مقدمین بر علیه امنیت و استقلال مملکتی مصوب ۲۲ خردادماه ۱۳۱۰ و به اتهام اقدام بر ضد امنیت داخلی مملکت هر یك از دو نفر متهمان را به شرح زیر: ۱. غیر نظامی عبدالرحیم فرزند بمانعلی شهرت ربانی (توضیح اینکه در کیفرخواست... رأی صادره از دادگاه عادی شمارهٔ ۱ اسم پدر متهم نامبرده عباسعلی ذکر شده است) را به مدت دو سال حبس تأدیبی با احتساب مدت بازداشت قبلی (متهم از تاریخ ٤٥/١/٢ الی ٤٥/٧/٢٧ و از ٤٦/٨/٨ تا کنون در بازداشت می‌باشد). ۲. متهم ردیف دوم غیر نظامی حسینعلی فرزند حاجعلی شهرت منتظری را به مدت یك سال و نیم حبس تأدیبی با احتساب مدت بازداشت قبلی (متهم از تاریخ ٤٥/١/١ الی ٤٥/٧/٢٤ در بازداشت بوده است) محکوم می‌نماید. این رأی به اتفاق آرا صادر و در محضر رسمی دادگاه با حضور اصحاب دعوی قرائت و ابلاغ گردید که در ظرف مدت ده روز پس از روز اعلام رأی قابل فرجام خواهی است.

رئیس دادگاه تجدیدنظر شمارهٔ ۱ ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی، سرتیپ تاج‌الدینی. امضا. دادستان دادگاه سرهنگ قضایی عارفی. امضا. وکیل مدافع سرهنگ بازنشسته خلعتبری. امضا.

دادرسان:

۱. سرهنگ ستاد محمود آریان نژاد. امضا

۲. سرهنگ پیاده احمد توانگر. امضا

۳. سرهنگ ۲ قضایی حسن شاه بختی. امضا

٤. سرهنگ ۲ پیاده سیروس مظفری. امضا

متهمان:

۱. عبدالرحیم ربانی (مدت محکومیت دو سال حبس تأدیبی)

۲. حسینعلی منتظری (مدت محکومیت ۱۸ ماه)

این جانب عبدالرحیم ربانی تقاضای فرجام دارم. امضا

بسمه تعالی. به رأی صادره معترض و تقاضای فرجام دارم.» امضا حسینعلی منتظری (سند شمارهٔ ١٤)

بمنظور ظاهرسازی محکمه‌پسند، چهارنفر از افسران بی‌اراده و ترسو (همان دادرسان پرونده) رای منعکس شده در این بیدادگاه را تأیید کرده‌اند. کلیشهٔ این تأییدیه‌ها را که به خط خودشان نوشته شده، چاپ می‌کنیم. (سندهای شمارهٔ ۱۵ و ۱٦)

۳. احترام به امام خمینی در زندان

علاقهٔ آیة‌الله العظمی منتظری به حضرت امام خمینی و سرسختی او در طرفداری از شخصیت والای آن حضرت در آن شرایط دشوار، ارتباط فکری و قلبی این دو بزرگوار را به ما و نسلهای آینده نشان

۱- [illegible]
۲- [illegible] شهرت

بتاریخ ۴۷/۵/۹

نظریه‌اینجانب [illegible] درباره‌پرونده‌اتهامی

متهم به اقدام برضد امنیت داخلی مملکت بشرح زیراست

۱ـ آیابزه یابزه‌های منتسب‌بمتهم ثابت‌است‌یاخیر

ج ـ [illegible]

۲ـ آیاوقوع‌بزه‌مقرون‌بحلل‌مشدده‌است یامخففه

ج ـ ـــــ

۳ـ آیاقانوناراجع‌براعمال‌مقررموجوداست یاخیر

ج ـ [illegible]

محل امضاء

بتاریخ ۴۷/۵/۹

نظریه‌اینجانب [illegible] درباره‌پرونده‌اتهامی

۱- [illegible]
۲- [illegible] شهرت

متهم به اقدام برضد امنیت داخلی مملکت بشرح زیراست.

۱ـ آیابزه یابزه‌های منتسب‌بمتهم ثابت‌است‌یاخیر [illegible]

ج ـ [illegible]

۲ـ آیاوقوع‌بزه‌مقرون‌بحلل‌مشدده‌است یامخففه ـــــ

ج ـ ـــــ

۳ـ آیاقانوناراجع‌براعمال‌مقررموجوداست یاخیر [illegible]

ج ـ [illegible]

محل امضاء

سند شماره۱۵

صفحه ترجمه

بتاریخ ۴۷/۵/۹

نظریه‌ایجانب سرهنگ ۲ پیاله‌سرویس منصوری درباره‌پرونده اتهامی
۱ـ عزیزالله ... فرزند ... شهرت ...
۲ـ عزیز ... فرزند ... شهرت ...
متهم به اقدام برضدامنیت داخلی مملکت بشرح زیراست

۱ـ آیابزه یابزه‌های منتسب بمتهم ثابت است یاخیر

ج ـ ثابت است

۲ـ آیاوقوع بزه مقرون بعلل مشدده است یامخففه

ج ـ ـ

۳ـ آیاقانوناراهی برای معافیت متهم موجود است یاخیر

ج ـ خیر

محل امضاء

بتاریخ ۴۷/۵/۹

نظریه‌ایجانب سرگرد ... دربارهٔ پرونده اتهامی
۱ـ عزیزالله ... فرزند ... شهرت ...
۲ـ ... فرزند ... شهرت ...
متهم به اقدام برضدامنیت داخلی مملکت
بشرح زیراست.

۱ـ آیابزه یابزه‌های منتسب بمتهم ثابت است یاخیر

ج ـ ثابت است

۲ـ آیاوقوع بزه مقرون بعلل مشدده است یامخففه

ج ـ ـ

۳ـ آیاقانوناراهی برای معافیت متهم موجود است یاخیر

ج ـ خیر

محل امضاء

سند شمارهٔ ۱۶

بازجویی از حسینی نژاد صفحه ۱

س – وزنه‌ی که روی قبل شما بود و لزکی کرده اید؟

ج – وزنه‌ی که با اینجانب مربوط نیست کاری است متفق به پرسم باشد.

س – یک برگ نشریه پیام واقعی که عکس بزرگ خمینی و قطعی بزرگ سیاه و سفید رهبری و قطعاتی درباره آنان نوشته شده و لزکی کرده ایم

ج – مربوط با اینجانب نیست و اطلاعی ندارم متعلق به پرسم باشد.

س – طرحی ایران آزاد مربوط به ۲۴ لزکی برای ارسال شده

ج – مربوط با اینجانب نیست و متعلق به پرسم میباشد و اینجانب اطلاعی ندارم

س – یک نسخه روزنامه مردم مربوط بخرداد لزکی برای ارسال شده به ۲۴ میباشد

ج – نمیدانم مربوط بمن نیست و اطلاعی ندارم متعلق به پرسم باشد

س – تعدادی عکس آیت الله خمینی و دیگر عکس مجاهدین خلق و اعلامیه مربوط بمنزل شما بدست آمده و شما مسئول هر چیزی که در منزل شما بدست آمده میباشید

ج – ممکن است مربوط با اینجانب و پرسم باشد و اطلاعی ندارم

س – قسمتی از نوشته‌ی که بخط فرزندت بدست آمده مربوط بچیست؟

ج – ممکن است متعلق با اینجانب یا پرسم باشد

س – تعدادی تعریم نیم مربوط بن اسم گذشته که در آن ۶ پیش درباره‌ی مرحوم امام و مرحوم آیت الله طالقانی نوشته شده است شما در این مورد چه توضیحی دارید یا اینکه از طرف آیت الله خمینی ناهیده دارید

ج – فقط مربوط به سال قبل تا کنون سه سال و نه سال آیت الله بوده و من با پرسم ایران و اتفاق آن بوده و زندگی آیت الله خمینی بدیدگی ندارم و لی شنیده ام که اینجانب وکالت داده اند که وجوهی را که در اروپا جمع آوری شده است متعلق از پرسم و مصرف خرده خانوادگی و نیز بخشی که برای پرسم و خود تهیه میکنند بدون مربوط به امام و مسجد ها برات میباشد که اینجانب با پرسم مصرف پرسانم

س – شما گفتید که خودتان از فرانسه انتقاد نامه

ج – نمیدانم و اطلاعی ندارم

توضیح اینکه با برده فرق اظهار نمود که چنانچه نامه‌ی از حضرت آیت الله خمینی) تولید را بایستی بازجوی

پرسید داده شد

اظهارات گرامی

می‌دهد. در زمانی که تمامی توان رژیم پهلوی اعم از تبلیغـاتی و نظامی برای مبارزه با امام خمینی و در راه خدشه‌دار کردن شخصیت حضرتش به کار گرفته و سـعی می‌شـد حتی نامی از ایشـان برده نشـود، حضرت آیةالله منتظری، حتی در زندان و زیر فشارهای جسمی و روحی به هنگام بازجویی، شجاعانه و با اتکال به خداوند، از مقام والای ایشان دفاع می‌کند و بدین وسیله قلب دشمن را در پایگاه جور و ستمش می‌لرزاند.

در آغاز سال ١٣٤٥ آیةالله منتظری همزمان با فـرزند برومندش، شـهید محمد منتظری، دسـتگیر و روانهٔ زندان شدند و در آنجا تحت بازجویی قرار گرفتند.

در انتهای صفحهٔ ٤ این بازجویی نوشته شده است:

«توضیح اینکه نامبردهٔ فوق اظهار نمودند چنانچه نام آقای خمینی را «حضـرت آقـای آیةالله خمینی» ننویسید این جانب بازجویی پس نخواهم داد.»

این توضیح اعجاب‌انگیز را آیةالله منتظری با این جمله که «اظهار فوق را که توضیح داده شـده گواهی می‌دهم» تأیید و از این طریق دشمن را وادار کرده است از حضرت امام خمینی به شایستگی یاد کند.

جز این، آیةالله منتظری با صداقت و صراحت تمام اعلام کرده است که وکیل مرجع تقلید شـیعیان و رهبر انقلاب اسلامی است و نشان داده که از بازداشت و بازجـویی و اعمال فشـار ترسـی به خـود راه نمی‌داده است. (سند شمارهٔ ١٧)

٤. یادی از آخرین زندان

آیةالله منتظری از سال ١٣٤١، همراه و همگام با پیشوای امت، رهبر انقـلاب اسـلامی، حضـرت امام خمینی، وارد میدان مبارزه با امریکا و نوکر سرسپرده‌اش شاه خائن شد. این مبارزه با شـجاعت کم نظیر و صلابت تمام در سـختیهای مکـرر، اعم از زندان و تبعید، ادامه یافـت و آخـرین بار در تاریخ ١٣٥٤/٤/١٦ معظم‌له به زندان افتاد.

من در وسع اطلاعات خود،رنجهـا، مشـقتها، تبعیدها و زندانهـای این مجـاهد بزرگوار را، در این دو فاصلهٔ زمانی (١٣٥٧ - ١٣٤١) با اسناد و مدارك به دسـت آمده، در کتاب اوّل *فقیه عالیقـدر* به اختصـار نوشتم.

در انتهای آن نوشته‌های مختصـر، یادی هم از چهـل ماه زندانی شـدن ایشـان کردم که همین دورهٔ زندان اخیر است.

با توجـه به چند سـندی که در رابطه با این دوره از زندان ایشـان، یعنی از تاریخ ١٣٥٤/٤/١٦ تا ١٣٥٧/٨/٩ به دست آورده‌ام در این کتاب مختصری به آن می‌پردازم.

آخرین شهری که آیةالله منتظری در آن به عنوان تبعیدی به سر می‌برد شهر سقز در کردستان بود.

نزدیك به هفت ماه از تبعید معظم‌له در سقز می‌گذشت که دستگاه جبار شاه به وسیلهٔ سـاواك این مرد مصمم را دستگیر و روانهٔ زندان کرد.

روز شـانزدهم تیر ١٣٥٤، یکـی از روزهای ننگین و نکبت‌بار رژیم پهلوی اسـت ـ روزی که سـاواك

دست به یکی از ضد انسانی‌ترین اعمال خود زد، و یك دانشمند و فقیه بزرگ و رنجدیده و یاور محرومان را پس از مدتها تبعید از این شهر به آن شهر، در تبعیدگاه دستگیر و روانهٔ زندان کرد.

فقیه عالیقدر به جرم دفاع از کیان قرآن و برقراری حکومت اسلامی و به اتهام واهی اقدام علیه امنیت کشور از شهر سقز به بیدادگاه شاه برده شد و پس از تحمل چندماه شکنجه تحت بازجویی قرار گرفت.

ساواك، گزارشی از بازجویی ایشان را برای برپایی یك دادگاه نمایشی و صدور رأی، برای به اصطلاح قانونی جلوه دادن اعمال خود، به ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی ارسال داشت.

این گزارش تحت عناوینی از جمله: مشخصات متهم، سابقه، موضوع اتهام، گردش کار، خلاصهٔ اظهارات متهم و نظریهٔ بازجو به رشتهٔ تحریر درآمده است.

از آنجا که «خلاصه اظهارات متهم» چکیده‌ای از دفاعیات آیةالله منتظری است و در صفحات آینده، دفاعیات ایشان را نقل می‌کنم، برای پرهیز از تکرار، در این قسمت، سایر مطالب گزارش مذکور را می‌آورم:

«نخست وزیری. سازمان اطلاعات و امنیت کشور. س. ا. و. ا. ك. گزارش بازجویی.

مشخصات متهم: حسینعلی فرزند حاج علی شهرت منتظری، شناسنامهٔ شمارهٔ ۷۵۸۳ صادره از نجف‌آباد اصفهان متولد ۱۳۰۱ شغل مدرس علوم دینی در حوزهٔ علمیهٔ قم و امام جماعت در نجف‌آباد اصفهان ساکن قم و نجف‌آباد وفعلاً در سقزکردستان در خیابان فرح پلاك ۱۸٤ منزل استیجاری مذهب شیعهٔ اثنی‌عشری، متأهل، تبعهٔ دولت شاهنشاهی ایران.

سابقه

نامبردهٔ بالا از جمله روحانیون مفسده‌جو و از مدرسین افراطی می‌باشد که در سال ٤٥ برابر اخذ قرار تأمین روز ٤٥/١/٧ صادره از شعبهٔ ٨ بازپرسی دادستانی ارتش بازداشت[٤] و در روز ٤٥/٧/٢٤ با صدور قرار تبدیل تأمین اخذ التزام عدم خروج از حوزهٔ قضایی تهران آزاد لیکن بر خلاف تعهد مزبور از طریق غیر مجاز به کشور عراق مسافرت کرده و در بازگشت به ایران دستگیر و با صدور قرار روز ٤٦/١/٢١ شعبهٔ ٣ بازپرسی دادستانی ارتش بازداشت و در تاریخ ٤٦/٥/٢٦ با قرار تبدیل تأمین از زندان مرخص گردیده است و پروندهٔ نامبرده در مرحلهٔ دوم برابر نامهٔ شمارهٔ ١٣/٥٥٥٧٣ - ٤٦/٦/١٤ منتهی به قرار منع پیگرد شده و مرحلهٔ اول برابر نامهٔ شمارهٔ ٥ - ٢٥٢ - ٦٦ - ٤٠١ - ١٣ - ٤٧/٥/٣١ برای شمارهٔ ٦٩ - ٤٧/٥/٩ صادره از دادگاه تجدید نظر شمارهٔ یك ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی به یك سال و نیم محکوم شده است. یادشده همواره در صدد آن بوده که از فرصتهای مناسب و با سوء استفاده از تعصبات مذهبی افراد را به اخلالگری و ضدیت با رژیم مشروطهٔ سلطنتی وا دارد که بدین علت با به هم زدن نظم عمومی یك بار در سال ٤٦ به مدت سه ماه تبعید در مسجد سلیمان و باردیگر در سال ٥٢

٤. تاریخ بازداشت ٤٥/١/١.

به سه سال اقامت اجباری در طبس و سقز محکوم گردیده است[٥].

موضوع اتهام: اقدام علیه امنیت کشور.
گردش کار:
گزارشهای واصله حاکی از آن بود که چند نفر از نمایندگان خمینی از جمله نامبردهٔ بالا از وجوه شرعیهٔ جمع‌آوری شده مبالغی را به عنوان «شهریهٔ خمینی» به طلاب ناراحت می‌پردازند و از این طریق ضمن اینکه در بین طلاب جهت خمینی ایجاد محبوبیت می‌نمایند طلاب مزبور را به پیروی از اعمال ضد امنیتی روحانی مذکور وا می‌دارند و آمادگیهایی که از این طریق در طلاب ایجاد می‌نمایند و موجب فعالیتهای ضدامنیتی افرادی و یا دسته جمعی آنان (اغتشاشات اخیر مدرسهٔ فیضیهٔ قم) می‌شود از سوی دیگر اطلاعات واصله حاکی بود که نامبردهٔ بالا کمکهای قابل توجهی به خانواده‌های زندانیان ضدامنیتی و عناصر تبعید شده می‌نماید به طوری که متعصبین مذهبی اکثراً مطمئن گردیدند در صورت انجام فعالیت ضدامنیتی و بازداشت، خانوادهٔ آنان از نظر مالی تأمین خواهند بود و وعاظ افراطی اطمینان داشتند در صورتی که در اثر ایجاد تحریکات دینی مردم و اخلال نظم تبعید شوند از کمك مالی شیخ حسینعلی منتظری برخوردار خواهند شد. به علاوه، یادشده طلابی را که به وی مراجعه می‌کردند بر علیه حزب رستاخیز ملت ایران تبلیغ و به آنها توصیه می‌نمود که افکار مردم و سایر طلاب را به اصطلاح روشن نموده و آنان را به طرفداری از حکومت اسلامی وادارند و به همین جهت یادشده دستگیر و با صدور قرار تأمین روز ٥٤/١٦/ ٥٤ شعبهٔ یك بازپرسی دادستانی ارتش بازداشت و قرار صادره به رؤیت متهم رسیده و بدان اعتراضی ننموده است. (سند شمارهٔ ١٨)

نظریه

با توجه به محتویات پرونده و تحقیقات انجام شده به استحضار می‌رساند متهم که معتقد به حکومت اسلامی در ایران بوده کماکان به افکار و تمایلات سابق خود باقی و ضمن اظهار مخالفت علنی با اقدامات دولت در فرصتهای مناسب نظر طلاب و دیگر افراد را به این نوع مسائل معطوف می‌نماید و با دادن کمك نقدی به خانواده‌های زندانیان ضدامنیتی از محل وجوهات شرعیه از تحریك افراد علیه حکومت دست بردار نبوده و از طریق تمایل و ارتباط محرك و فعالیتی اغتشاشات روز ١٥ خرداد سال ٥٤ را نیز به اختفا تشویق نموده است. اینك که پروندهٔ امر تکمیل گردیده در صورت تصویب جهت هرگونه اقدام قانونی به ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی ارسال گردد.»

پس از رسیدن این گزارش به ادارهٔ دادرسی ارتش، این ادارهٔ دست نشانده طی نامهٔ کوتاهی به امضای سه عنصر بی‌اراده از شاه تعیین تکلیف می‌کند و شاه با وقاحت تمام بر محاکمه و به بندکشیدن فرزند پاك امت اسلام، صحه می‌گذارد.

٥. بین طبس و سقز در خلخال تبعید بودند.

به .....
از .....

شماره .....
تاریخ .....
پیوست .....

نخست وزیری
سازمان اطلاعات و امنیت کشور
س.ا.و.ا.ک

درباره ..... (۲) .....

گردش کـــــــار :

گزارشهای واصله حاکی از آن بود که چند نفر از نمایندگان خمینی از جمله نامبرده بالا از وجوه شرعیه جمع آوری شده مبالغی را بعنوان (شهریه خمینی) بطلاب نا راحت میپردازند و از این طریق ضمن اینکه در بین طلاب جهت خمینی ایجاد محبوبیت مینمایند طلاب مزبور را به پیروی از امال ضد امنیتی روحانی مذکـــور وامیدارند و آماد گیهائی که از این طریق در طلاب ایجاد مینمایند موجب فعالیتهای ضد امنیتی افرادی ویا دستجمعی آنان (اغتشاشات اخیر در مدرسه فیضیه قم) میشود از سوی دیگر اطلاعات واصله حاکی بود کـــه نامبرده بالا کمکهای قابل توجهی بخانواده های زندانیان ضد امنیتی و عناصر تبعید شده مینماید بطوریکه متعصبین مذهبی اکثراً مطمئن گردیدند در صورت انجام فعالیت ضد امنیتی و بازداشت خانواده آنان از نظر مالی تامین خواهند بود و وعاظ افراطی اطمینان داشتند در صورتیکه در اثر ایجاد تحریکات دینی مردم و اخلال نظم تبعید شوند از کمک مالی شیخ حسینعلی منتظری برخوردار خواهند شد بعلاوه یاد شده طلابی را که برای مراجعه میکردند برحلیه حزب رستاخیز ملت ایران تبلیغ و آنها توصیه مینمود که افکار مردم و سایر طلاب را اصطلاح روشن نموده و آنان را بطرفداری از حکومت اسلامی وادارند و بهمین جهت یاد شده دستگیر و با صدور قرار تامین در تاریخ ۵۴/۴/۱۶ شعبه یک بازپرسی دادستانی ارتش بازداشت و قرار صادره بر ویت متهم رسیده و بدان اعتراض ننموده است .

خلاصه اظهارات متهم :

متهم یاد شده در تحقیقات معموله ضمن عدم ابراز وابستگی با حزاب سیاسی و دستجات مذهبی اظهار میدارد : در سال ۴۱ قمری که برای تحصیل علوم دینی بقم رفتم خمینی از علماء معروف قم بود و در فضل و تقوی بین طلاب معروف بود ند ، ایشان عصرهای پنجشنبه و جمعه در مدرسه فیضیه درس اخلاق میگفتند من وعده دیگر در درس ایشان شرکت مینمودیم تا اینکه آیت اله بروجردی بقم تشریف آورد ند بنابراین کلیه مدرسین

متن سند را با هم مطالعه می‌کنیم:

«وزارت جنگ. از ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی. پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران. گزارش

مفتخراً به شرف عرض می‌رساند. غیرنظامی حسینعلی منتظری فرزند حاجعلی به اتهام اقدام علیه امنیت کشور در شهرستان سنقر[٦] از توابع سنندج دستگیر و تحت پیگرد واقع گردیده است.

دادستان ارتش بنا به پیشنهاد سازمان اطلاعات و امنیت کشور و وجود مقتضیاتی استدعای رسیدگی به پروندهٔ اتهامی نامبرده را در مرکز دارد. مستنداً به مادهٔ ۱۰۱ قانون دادرسی و کیفرارتش. تصویب استدعای دادستان ارتش منوط به ارادهٔ سنیهٔ شاهانه است. از طرف رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران، ارتشبد غلامرضا ازهاری. سپهبد حاتم. امضا. رئیس ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی سپهبد فخر مدرس. امضا. دادستان ارتش سپهبد بهزادی.

در امتثال دستخط مطاع مورخ ٥٤/٨/٦ ذات مبارک شاهانه با استدعای دادستان ارتش موافقت میگردد. وزیر جنگ. ۱۳٥٤/٨/٨. ۱۲۷۰ - ۱۳٥٤/٨/٨.» (سند شمارهٔ ۱۹)

در پی اعلام موافقت شاه با محاکمهٔ پرچمدار بزرگ اسلام و یار با وفای مسلمانان محروم، توسط وزیرجنگ، مقدمات ادامهٔ بازداشت غیرقانونی و شکنجهٔ آیةالله منتظری فراهم می‌گردد و در تاریخ پانزدهم دی پنجاه و چهار، پس از شش ماه شکنجه و بی‌حرمتی، دادگاه عادی شمارهٔ ۳ تهران وابسته به ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی تشکیل و ایشان را به ده سال زندان محکوم می‌کند.

در این بیدادگاه فرمایشی، برای دفاع فرصتی کوتاه به آیةالله منتظری داده می‌شود.

بدیهی است چنان شخصیت ارزنده‌ای که سالها در زندان و تبعید گذرانده و نزدیک به پنجاه سال بر تعلیم و تعلم علوم مختلف اسلامی همت گمارده، به خوبی می‌تواند از راهی که برگزیده است دفاع کند.

این مرد بزرگ علی رغم ضیق وقت و فضای نامناسب دادگاه، دفاعیات خود را می‌نویسد و به‌دادگاه می‌دهد، و بدین سان حقانیت اسلام و راهی را که برگزیده است، در محاصرهٔ دشمنان بی‌رحم و سفاک اسلام بازگو می‌کند. به قسمت اول این دفاعیه توجه کنید:

«باسمه تعالی وله‌الحمد.

۱. متأسفم که در زندان به من کاغذ ندادند تا با فکر لائحه تنظیم کنم و لذا فرصت کوتاه قبل از دادگاه مطالبی سرو پا شکسته نوشته شد.

۲. بر حسب اصل دوم متمم قانون اساسی، قوانین مصوبه باید به نظر پنج نفر علمای طراز اول برسند تا ارزش قانونی داشته باشند و این اصل تا ظهور حضرت حجت عج باقی است و اطلاق آن شامل می‌شود حتی قوانین مصوبه را که مورد عمل و کار آقایان است.

۳. اتهام من مثل دزدی و قتل و این قبیل اتهامات معموله نیست، پس لابد سیاسی است و احتیاج به

٦. سقز صحیح است.

از . اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی

وزارت جنگ

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران

گزارش

مفتخرا" بشرفعرض میرساند .

غیرنظامی حسینعلی منتظری فرزند حاجعلی باتهام اقدام علیه امنیت کشور در شهرستان سنقر از توابع سنندج دستگیروتحت بیگرد واقع گردیده است.

دادستان ارتش بنابه پیشنهاد سازمان اطلاعات وامنیت کشور ووجود مقتضیاتی استدعای رسیدگی به پرونده اتهامی نامبرده را در مرکز دارد .

مستند اجرا ماده ۱۰۱ قانون دادرسی وکیفر ارتش .

تصویب استدعای دادستان ارتش منوط باراده سنیه شاهانه است.

ازطرف رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران سپهبد حاج مرتضی ازهاری

رئیس اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی سپهبد فخرالدین فرس — دادستان ارتش سپهبد بهزادی

در امتثال دستخط صادره مورخ ۵۴/۸/۶ ذات مبارک شاهانه با استدعای دادستان ارتش موافقت میگردد وزیر جنگ

۱۳۵۴/۸/۸

۱۳۵۴/۸/۸-۱۲۷۰

هیئت منصفه است. اگر اتهام من سیاسی نیست پس اتهام سیاسی در ایران چیست؟

٤. محاکمه کردن مثل من اهانت به مقام علم و فضیلت است و با روح قانون اساسی سازگار نیست. هر چند گفته‌اند: تزکیةالمرءلنفسهِ قبیحة. ولی گاهی ضرورت پیدا می‌کند. من یکی از مجتهدین در علوم اسلامی و از علماء طراز اول حوزهٔ قم می‌باشم. در بیست و پنج سال قبل مرحوم آیةالله بروجردی مرا مجتهد می‌دانستند و چندین مرتبه بالای منبر درس از من تعریف کردند. تقریرات دروس عالیه ایشان در فقه و اصول همان ایام به قلم من چاپ شده است و در حوزه‌های علمیه مورد مراجعهٔ اهل علم است. بیش از ده هزار نفر تا حال نزد من درس خوانده‌اند. از فقه و اصول و تفسیر و فلسفه و کلام و شاگردان من در شهرستانها و بلکه در خارج ایران مثل افغانستان و پاکستان و لبنان متصدی مقامات مهمهٔ روحانیت می‌باشند. حوزه‌های درس من همیشه از پانصد ششصد نفر تشکیل می‌شد. همهٔ حوزه‌های علمیه برای من احترام قائلند و مرا مجتهد عالی رتبه می‌دانند. اقلاً سیصد هزار نفر در این مملکت افراد علاقه‌مند به من وجود دارد. من دوستانه تذکر می‌دهم. اروپا وقتی که در مسیر صنعت و تکنیك جدید افتاد معنویت و روحانیت را در اثر غرور کوبیدند ولی اخیراً که مواجه با لجام گسیختگی و بی‌بند و باری جوانان شده‌اند به اشتباه خودشان پی برده‌اند. تاریخ تکرار می‌شود. ما می‌خوانیم که اهل بیت رسول الله ص را مانند اسیران ترك و دیلم به این طرف و آن طرف می‌بردند. آیا صحیح است علما و فضلای حوزه‌های علمیه را مانند دزدان و جانیان معمولی به این طرف و آن طرف بکشند و در بازجوئیها با کتك و شکنجه مواجه شوند.برای ما مانعی ندارد، به حساب خدا می‌گذاریم، ولی از دولتی که خود را منتسب به اسلام و تشیع می‌داند زننده است و موجب جریحه‌دار کردن افکار عمومی است و اهانت به مقام پیغمبر و امام زمان است، آن هم برای اتهامات بی‌اساس و مفت. آقایان فراموش کرده‌اند وقتی را که همهٔ مقامات در مقابل تظاهرات توده‌ایها عاجز بودند و من آخوند با آنها مبارزه می‌کردم و اجتماعات آنان را به هم می‌زدم. من بعید نمی‌دانستم غیرمستقیم افراد توده یا بهایی علیه امثال من کار شکنی بکنند، چون با آنان مبارزه می‌کردم...

٥. از حدود سنهٔ ٤١ من در حوادث قم کم و بیش با آقایان و آقای خمینی همکاری داشتم و دو سه مرتبه گرفتار و بالاخره به یك سال و نیم محکوم شدم... بعد از وفات مرحوم آیةالله حکیم از عدّه‌ای از جمله من راجع به اعلم سؤال شده بود و همه آقای خمینی را تعیین کرده بودیم. با اینکه این موضوع یك امر شرعی صرف بود معذلك مرا بازداشت و پس از سیزده روز زندان به عنوان تبعید به نجف‌آباد فرستادند تا اینکه در سنهٔ ٤٩ تقاضای گذرنامهٔ حج کردم، موافقت کردند و رسماً هم به من اخطار کردند می‌خواهی به قم بروی مانعی ندارد و من هم پس از حج به قم آمدم... و به درس و بحث اشتغال داشتم تا اینکه در مجلس سنا حرفی راجع به آقای خمینی زده شده بود. طلاب در قم تظاهر کرده بودند. من در منزل مبتلا به آنفلوانزا و بستری بودم. معذلك رئیس ساواك قم تلفن کرد که باید از قم بروی. گفتم چرا؟ گفت طلاب تظاهر کرده‌اند. گفتم بمن چه؟ بالاخره زور بود، من هم رفتم. دو سال آواره بودم و چه مرارتها و رنجها بردم تا اینکه بعد از دو سال روزی که در نجف‌آباد بودم مرا بازداشت و به قم آوردند و ابلاغ کردند کمیسیون امنیت اجتماعی قم تو را به اقامت اجباری سه سال در طبس محکوم

کرده است. چرا؟ معلوم نیست. بعداً معلوم شد پاسبانی در بازار قم به دست چند نفر نهاوندی کشته شده است. حدود بیست و سه نفر از علما و فضلای قم از قم اخراج شده‌اند، در صورتیکه من نه قم بودم، نه نهاوندیها را می‌شناختم، نه اصلاً از قضیه اطلاع داشتم. بالاخره کردند. گنه کرد در بلخ آهنگری،به شوشتر زدند گردن مسگری. پس از یك سال از طبس به خلخال و از خلخال به سقز بی‌جهت با چه اندازه رنج و مرارت [تبعیدم کردند]... »

آیةالله منتظری از ابتدای دفاعیه افشاگری و رژیم را به سختی محکوم می‌کند و با بیان نکاتی دربارهٔ خود، به دادگاه شاه و جهانیان اعلام می‌کند یك مجتهد عالی مقام و یك دانشمند اسلامی به اتهامات واهی امّا در واقع به دلایل سیاسی در دادگاهی که غیراسلامی است و علمای طراز اول اسلام بر قوانین آن هیچ نظارتی نداشته‌اند، محاکمه می‌شود.

او پس از بر شمردن رنجها و مرارتهایی که بر اثر جنایات ساواك متحمل شده است می‌گوید:

«یك روز مرا از سقز پس از تفتیش منزل بازداشت و به تهران فرستادند. من مبهوت و متحیر بودم چرا؟ دربازجوئی بازجو می‌گفت فعالیتهای سنوات اخیره و عقاید خودت را بنویس. گفتم من در سنوات اخیره فعالیت نداشته‌ام. تفتیش عقاید هم کار درستی نیست. بالاخره پس از کتك کاریها و شکنجه‌های معموله گفت فعالیتهای سابق و عقایدت را بنویس و من جداً نظر می‌دهم تو را آزاد کنند. من هم چون به خودم مطمئن بودم که اخیراً کاری نکرده‌ام و گذشته‌ها هم محکومیتش را کشیده‌ام مطابق میل بازجو مفصل مطالب سابق را نوشتم و عقایدم را تشریح کردم و یقین داشتم آزاد می‌شوم، چون در ساعت آخر هم [که] بازجویی تمام شده بود و می‌رفت باز تکرار کرد که البته همین پنجشنبه آینده آزاد می‌شوی. ضمناً به او گفتم بالاخره من نفهمیدم علّت بازجویی من چیست؟ یك روز دو نفر از طلاب را با من مواجهه داد که به من گفتند به دیدنت در طبس و سقز آمده‌ایم. پرسیده‌ایم راجع به کتابهای دکتر شریعتی گفته‌ای من در این مطالب نفیاً و اثباتاً وارد نمی‌شوم. بعداً راجع به قیام مسلحانه پرسیده‌ایم، گفتی شما درستان را بخوانید و با این مطالب کار نداشته باشید. گفتیم پس ما وظیفه نداریم؟ گفتی وظیفهٔ شما این است [که] درس بخوانید و مردم را بیدار و روشن کنید. باز من تعجب کردم. این مطالب که موجب بازداشت نمی‌شود. و ضمناً من یادم نیست چنین مطالبی گفته باشم. به دیدن من هم زیاد از طلاب می‌آمدند و آقایان را نمی‌شناختم تا اینکه دربازپرسی نوشته‌هایی از چند نفر طلبه به من ارائه شد که من واقعاً بهتم زد و وحشت کردم و به طریق اولی جا داشته است مأمورین وحشت کنند. فکر کردم من که این آقایان را نمی‌شناسم ولی به اصطلاح چه هیمهٔ تری به آنها فروخته‌ام که این اراجیف و اکاذیب را علیه من بافته‌اند. برای حل این مسأله ناچارم مطالبی را که خوش نداشتم در محیط خارج آخوندی مطرح شود ذکر کنم.

از آن وقتی که مرحوم آیةالله بروجردی مرا به عنوان عالم مطلق نجف‌آباد معرفی کرد و من مرجع وجوه شرعیه شدم در آن حدود، عده‌ای از هم نوعان من از روی حسادت فعالیتهایی علیه من می‌کردند و تهمتهایی می‌زدند، هر روز بیك نحو، و برای پیشبرد خودشان خود را به بعضی از علما نزدیك کرده بودند.

پس از اینکه من بر کتاب *شهید جاوید* که راجع به تاریخ امام حسین علیه‌السلام است تقریظ نوشته بودم مرا متهم به سنی‌گری و وهابی‌گری کردند و از بعضی از آقایان حکم تفسیق مرا گرفتند. پس از مراجعت از مکه شنیدم گفته‌اند فلانی یك میلیون و چهارصدهزار تومان پول برده است برای فلسطینیها، در صورتی که من در مکه یك ریال به کسی ندادم. می‌گفتند فلانی وجوهات را به طرفداران آقای خمینی فقط می‌دهد و ترویج از آقای خمینی می‌کند، در صورتی که ماهانه که من در نجف‌آباد و قم توزیع می‌کنم بین همهٔ طلاب استان اصفهان است از صغیر و کبیر... خود آقایان که این دروغها را می‌گویند از من ماهانه می‌گیرند. می‌گفتند فلانی وجوهات را به مصرف چریك بازی می‌رساند و به طلاب مدرسهٔ حقانی می‌دهد که چریك بشوند، در صورتی که من یك ریال تا حال به مدرسهٔ حقانی نداده‌ام. آن مدرسه را آقای میلانی اداره می‌کردند و طلاب و مردم را از ورود در مسئلهٔ چریك و مجاهدین منع می‌کردم به نحوی که اشخاص و طلاب افراطی از دست من ناراحت می‌شدند. می‌گفتند فلانی رادیو می‌خرد و به علما و طلاب می‌دهد که رادیو بغداد را گوش بدهند، در صورتی که دروغ محض است. حتی پس از فرستادن من به طبس گفته بودند فلانی با ساواك بندوبست دارد، بدلیل اینکه او را به جای خوش آب و هوا فرستاده‌اند و دیگران را به جای بد آب و هوا. چه کنم، دشمن است و هر چه می‌خواهد می‌گوید. حدساً این چند نفر طلبهٔ مجهول‌الهویه که علیه من چیزهایی نوشته‌اند با این آقایان که مخالف من هستند در قم ارتباط و رفت و آمد داشته‌اند و اکاذیبی علیه من از آنها شنیده‌اند. من جداً از پول دادن به غیر اهل علم و یا فقیری که او را بشناسم خودداری می‌کردم. من در هر ماه حدود صدهزارتومان پول می‌دادم ولی به مصرف شهریهٔ طلاب اصفهان و فقرای نجف‌آباد و یا طلاب فقیر که برای معالجه و یا ازدواج و غیرها مراجعه می‌کردند و یا در حوادث مثل زلزله و سیل و ساختن مساجد و حمامات در دهات و غیرذلك. باید این آقایی که نوشته است فلانی پول به مجاهدین و یا مدرسهٔ حقانی می‌داده بیاید و ثابت کند. مطلبی که از من هست سه چیز است: ۱. در ضمن همهٔ پولهایی که من می‌دادم به بعضی از اهل علم که با من آشنا بودند و در زندان بودند گاهی یك شندرغاز به خانوادهٔ فقیر آنها می‌داده‌ام. این هم یك امر عاطفی بوده و نه پول مرتبی بوده نه ماهانه بوده برای آنها و نه وجه قابلی بوده که آنان را تأمین کند. من نمی‌دانم خود دولت کمیتهٔ حمایت از خانوادهٔ زندانیان تشکیل می‌دهد ولی یك شندرغاز که من به خانوادهٔ یك اهل علم فقیر کمك کرده‌ام مورد اشکال است؟ به وسیلهٔ اشخاص و مردم میلیونها پول هر روز در کشور ما که کشور اسلام است به مصارف فحشا و منکرات می‌رسد، چرا ندارد، و یك شندرغاز که من به خانوادهٔ یك اهل علم فقیر بدون نظر داده‌ام چرا دارد؟!! وانگهی این امری است که همهٔ آقایان دارند. وقتی من در مرتبهٔ اول زندان بودم همهٔ مراجع حتی آقای میلانی در مشهد برای منزل من پول فرستاده بودند. ۲. چرا... که از مدرسهٔ فیضیه آمده است و گفته است من فراریم او را تحویل پلیس نداده‌ای! من به ... گفتم چرا تو که فراری هستی به منزل من آمدی که برای من زحمت درست کنی و او را بیرون کردم. از من انتظار این که نقش پلیسی را بازی کنم خیلی تعجب است. ۳. چرا تو معتقد به حکومت اسلامی هستی، یعنی معتقدی واجب است احکام اسلام زیر نظر علمای متخصص مسائل اسلامی اجرا شود؟ این مسئله همان ولایت فقیه است که از

ضروریات فقه است».

آیةالله منتظری، پس از این که قاطعانه از اعتقاداتش خصوصاً اعتقاد به ولایت فقیه دفاع می‌کند دستگاه منفور شاه و ساواك را در مخمصهٔ دردناکی قرار می‌دهد و می‌گوید:

«من آدم ده سال قبل نیستم که سن و ابتلا به چند کسالت مزمن با مقایسهٔ کاهش قوا و ناتوانی شدیدی که در ظرف این شش ماه پیدا کرده‌ام و با ملاحظهٔ شرایط سخت زندان[۷] من اگر در زندان بمانم مطمئناً تلف می‌شوم. از ناحیهٔ من مانعی نیست. اناالله و انا الیه راجعون. اگر برای آقایان عقلاً و وجداناً و شرعاً و عرفاً صحیح است بکنید. من جداً بی‌گناه به زندان افتاده‌ام. آیا چهار سال آوارگی و شهر به شهر شدن برای من کافی نبود که باید بی‌جهت به زندان بیفتم. من متأسفانه شیخ علی‌اکبر ساواك، بخصوص ساواك قم، شده‌ام. در هر حادثه من باید چوبش را بخورم. ضمناً تذکراً به عرض می‌رساند که بدانید، من و شما بالاخره خواهیم مرد و در آن عالم، حتی یك امضا رسیدگی می‌شود و چون من بی‌گناه بودم همیشه فکر می‌کردم.

یك شب در زندان خواب دیدم که می‌گویم: یا اباالفضل العباس، به نحوی که از خواب پریدم بالا. چون کاری از دستم ساخته نبود، یك ختم قرآن برای آن حضرت خواندم و کارم را به آن حضرت محوّل کردم. خواهش می‌کنم آقایان احترام آن حضرت را هم در این ماهی که ماه شهادت آن حضرت است رعایت کنند.

در خاتمه یك سؤال از آقایان قضات دارم: اینکه بر سر زبانها افتاده است که سطح دادگاهها بالا رفته است به چه معنی است. در زندان پس از بازجویی، یك آقایی که با من مصاحبه کرد به عنوان تهدید می‌گفت تو باید تعهد بدهی که از هر کس پول می‌گیری و به هر کس پول می‌دهی صورت آن را به ساواك بدهی و گرنه پرونده‌ات را به دادگاه می‌فرستیم و بدان که سطح دادگاهها بالا رفته است. اگر بناست در دادگاه به حق حکم شود حق که بالا و پایین نمی‌رود. باطل است که بر حسب تمایلات و اظهار نظرها بالا و پایین می‌رود. حق امری است ثابت. اصل کلمهٔ حق از فعل حَقَّ به معنی ثَبَتَ است. موفقیت خودم و آقایان را برای انجام وظایف شرعیه و وجدانیه از خداوند مسئلت می‌نمایم. والسلام علی من اتبع الهدی ۵۴/۱۰/۵، امضا، حسینعلی منتظری. خیلی با عجله نوشته شد چه کنم وقت نبود.»

گفتیم که این دادگاه فرمایشی، آیةالله منتظری را به جرم دفاع از اسلام و محرومان به ده سال زندان محکوم کرد.

تعدادی از سر سپردگان دربارشاه که توسط مستشاران نظامی امریکا آموزش دیده بودند، این رأی را تأیید کردند. دو نفر از این افراد عبارتند از ۱. سرهنگ ۲ قضایی محمدتقی غفاری، ۲. سرگرد قربانعلی مسعودیان.

۷. این جملات می‌رساند که این عالم بزرگوار را در زندان چقدر شکنجه داده‌اند.

تصویر تأییدیهٔ این دو عنصر بی‌ارادهٔ بله قربان‌گو، در صفحات این کتاب نقش بسته است (اسناد شمارهٔ ۲۰ و ۲۱)

آیةالله منتظری می‌داند که این رأی، پیش از محاکمه تعیین شده و کسی در دادگاه قادر به تغییر آن نیست. با این حال برای آفتابی ترکردن این موضوع خواهان تجدید نظر در این تصمیم می‌شود و پنجاه روز پس از آن، دادگاه تجدید نظر شمارهٔ ۲ تهران به ریاست مزدور شناخته شدهٔ استعمار، سرلشکر عبدالله خواجه نوری، تشکیل می‌شود و دوباره در یك جلسهٔ به اصطلاح رسیدگی، همان رأی بیدادگاه سابق را مدلل و موجه می‌شناسد و آن را تأیید می‌کند.

متن قسمتی از دادنامهٔ این بازی جدید در اختیار نگارنده است که برای علاقه‌مندان به تاریخ انقلاب اسلامی در اینجا نقل می‌شود:

«ستاد بزرگ ارتشتاران. دادنامه. ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی. شمارهٔ ٤٧٨. تاریخ ٥٤/١٢/٥. مرجع رسیدگی: دادگاه تجدید نظر شمارهٔ ۲ تهران. هیئت دادرسان: به ریاست سرلشکر عبدالله خواجه نوری و کارمندی افسران مشروحهٔ زیر: ۱. سرهنگ پیاده سید حسین کاظمی، ۲. سرهنگ پیاده امیرعلی ضرابی، ۳. سرهنگ ۲ قضایی ستاد محسن زعفرانچی، ٤. سرهنگ ۲ قضایی سید محمد علی خطیبی

با حضور دادستان دادگاه، سرهنگ ۲ قضایی، پورهاشم، در تاریخ ۱۳٥٤/۱۲/٥ به منظور رسیدگی به پروندهٔ اتهامی متشکله علیه غیر ارتشی حسینعلی منتظری فرزند حاج علی که به اتهام اقدام علیه امنیت کشور تحت پیگرد واقع شده تشکیل گردید.

گردش کار: نامبرده در سال ۱۳٤۷ به اتهام اقدام علیه امنیت کشور به یك سال و نیم حبس، در سالهای ۱۳٤٦ و ۱۳٥۲ نیز نسبت بهمزدن نظم عمومی به ترتیب به سه ماه تبعید در مسجد سلیمان و سه سال اقامت اجباری در طبس و سقز محکوم گردیده از وجوه جمع‌آوری شده مبالغی به طلاب می‌پرداخته در نتیجه موجب فعالیتهای ضدامنیتی انفرادی و دسته جمعی می‌باشد. که اغتشاشات اخیر مدرسهٔ فیضیهٔ قم یکی از آنها بود و نیز به خانواده‌های زندانیان ضدامنیتی کمك مالی نموده به علاوه طلاب را به طرفداری از حکومت اسلامی تشویق و توصیه می‌نموده به همین سبب در سقز سنندج دستگیر که پرونده‌ای در این مورد تشکیل که منتهی به تنظیم کیفر خواست شده به دادگاه عادی شمارهٔ ۳ احاله که متهم را به ده سال حبس جنایی درجهٔ ۲ محکوم می‌نمایند. که پرونده به علت اعتراض اصحاب دعوی به این دادگاه فرستاده شده که پس از انجام تشریفات قانونی و تشکیل یك جلسهٔ مقدماتی و یك جلسهٔ دادرسی و اعلام ختم رسیدگی در غیاب اصحاب دعوی و منشی به شور پرداخته و به شرح زیر مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی شمارهٔ ٤۷۸ مورخهٔ ۱۳٥٤/۱۲/٥ دادگاه تجدید نظر شمارهٔ ۲ تهران: هیئت دادرسان با بررسی محتویات پرونده و مداقهٔ کامل اوراق آن بعد از اجرای مقررات مادهٔ ۲۰۹ قانون دادرسی و کیفر ارتش رأی شمارهٔ ۳۳۰ مورخهٔ ۱۳٥٤/۱۰/۱٥ دادگاه عادی شمارهٔ ۳ تهران که برابر آن غیرارتشی حسینعلی

ستاد بزرگ ارتشتاران

اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی

دادگاه [illegible] شماره [illegible]

تاریخ ۱۵/۱۲/۵۱

نظریهٔ اینجانب :

درجه [illegible] نام [illegible] شهرت [illegible] شغل [illegible]

درباره متهم [illegible] بشرح زیر است :

۱- آیا بزه یا بزه های منتسب بمتهم ثابت است یا خیر ؟

ج- [illegible]

۲- آیا وقوع بزه مقرون بعلل مشدده است یا مخففه ؟

ج- [illegible]

۳- آیا قانوناً راهی برای معافیت مقصر موجود است یاخیر ؟

ج- [illegible]

محل امضاء

ستاد بزرگ ارتشتاران

اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی

ـ ن

دادگاه عادی شماره ۱۳۸۱

تاریخ ۵ اسفند ۵۴

نظریهٔ اینجانب :

ن

درجه سرگرد نام قربانعلی شهرت مسعودی شغل دادرس

درباره متهم غلامرضا حسنعلی منتظری فرزند جمع علی بشرح زیر اقدام علیه امنیت کشور عضویت

۱- آیا بزه یا بزه های منتسب بمتهم ثابت است یا خیر ؟

ج- بلی ثابت است

۲- آیا وقوع بزه مقرون بعلل مشدده است یا مخففه ؟

ج- —

۳- آیا قانوناً راهی برای معافیت مقصر موجود است یا خیر ؟

ج- هر موجه نیست

محل امضاء

ستاد بزرگ ارتشتاران

اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی شماره ۴۷۸

دادنامه تاریخ ۵۴/۱۲/۵ صفحه اول

مرجع رسیدگی دادگاه تجدید نظر شماره ۲ تهران

هیئت دادرسان : بریاست سرلشکر عبدالله خواجه نوری کارمندی : افسران مأمور وجه زیر :

۱- سرهنگ پیاده سید حسین کاظمی

۲- سرهنگ پیاده امیرعلی خرابی

۳- سرهنگ ۲ قضائی ستاد محسن زعفرانچی

۴- سرهنگ ۲ قضائی سید محمدعلی خطیبی

باحضور دادستان دادگاه سرهنگ ۲ قضائی پورهاشم در تاریخ ۱۳۵۴/۱۲/۵ بمنظور رسیدگی بپرونده اتهامی متکلم علیه ارتشی حسینعلی منتظری فرزند حاج علی که باتهام اقدام علیه امنیت کشور تحت پیگرد واقع شده تشکیل گردید گردشی کار نامبرده در سال ۱۳۴۷ باتهام اقدام علیه امنیت کشور بیکسال و نیم حبس در سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۵۱ نیز نسبت بهمزدن نظم عمومی بترتیب بسه ماه تبعید در مسجد سلیمان و سه سال اقامت اجباری در خمین و سنخره محکوم گردیده از وجوه جمع آوری شده میباشد . لکن بطلان بعمل پرداخته در نتیجه موجب فسالیتهای ضد امنیتی انفرادی و دسته جمعی میباشد . که اغتشاشات اخیر مدرسه فیضیه قم یکی از آنها بود و نیز بخانواده های زندانیان ضد امنیتی کمک مالی نموده معلاوه مطالب رابطرفداری از حکومت اسلامی تشویق و توصیه مینموده بهمین سبب در مسیر قرار گرفته دستگیر که پرونده ها در این مورد تشکیل که منتهی بتنظیم کیفرخواست شده بدادگاه نظامی شماره ۳ احاله که متهم را به ده سال حبس جنائی درجه ۲ محکوم مینمایند . که پرونده بعلت اعتراض اصحاب دعوی باین دادگاه فرستاده شده که پس از انجام تشریفات قانونی تشکیل یک جلسه مقدماتی و یک جلسه دادرسی و اعلام ختم رسیدگی در غیاب اصحاب دعوی و منشی بشور پرداخته و شرح زیر مبادرت بصدور رای مینمایند.

رای شماره ۴۷۸ مورخه ۱۳۵۴/۱۲/۵ دادگاه تجدید نظر شماره ۲ تهران

هیئت دادرسان با بررسی محتویات پرونده و مدافعات کامل اوراق آن بعد از اجرای مقررات ماده ۲۰۶ قانون دادرسی و کیفر ارتش رای شماره ۳۳۰ مورخه ۱۳۵۴/۱۰/۱۵ دادگاه نظامی شماره ۳ تهران که برابر آن خرابی حسینعلی منتظری فرزند حاج علی راضمن رد ماده ۲۵ قانون مجازات عمومی از لحاظ اتهام (اقدام علیه امنیت کشور) با استناد بند ۱ ماده ۱ قانون مجازات متدمین علیه امنیت و استقلال مملکتی مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ به ده سال حبس جنائی درجه ۲ با احتساب ایام بازداشت قبلی (متهم از تاریخ ۱۳۵۴/۴/۱۶ تا کنون در بازداشت میباشد) محکوم نموده است دادرسان با اکثریت و با اتفاق آراء آنرا تائید مینمایند . این رای در حضور نمایندگان دادگاه با حضور اصحاب دعوی قرائت و اعلام

((بقیه در صفحه دوم))

۰۲۹۰ ـ الف . ش

سند شمارهٔ ۲۲

منتظری فرزند حاج علی را ضمن رد مادهٔ ۲۵ قانون مجازات عمومی از لحاظ اتهام (اقدام علیه امنیت کشور) به استناد بند ۱ مادهٔ ۱ قانون مجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال مملکتی مصوب خرداد ماه ۱۳۱۰ به ده سال حبس جنایی درجهٔ ۲ با احتساب ایام بازداشت قبلی (متهم از تاریخ ۱۳۵٤/٤/۱٦ تا کنون در بازداشت می‌باشد) محکوم نموده‌اند از هر لحاظ مدلل و موجه تشخیص و به اتفاق آرا آن را تأیید می‌نمایند... » (سند شمارهٔ ۲۲)

پس از رأی دادگاه تجدیدنظر، باز آیةالله منتظری ساکت نمی‌نشیند و نسبت به این رأی نیز درخواست رسیدگی فرجامی می‌کند.

این فرجام خواهی را سرهنگ عبدالعلی پورهاشم دادیار ادارهٔ دادرسی ارتش به مقامات بالا گزارش می‌دهد (سند شمارهٔ ۲۳)

جان نثاران شاه که حلقهٔ بندگی انسان فاسدی را به گردن انداخته و چشم و گوش خود را بر حقانیت انسانهای پاك بسته‌اند، اجازهٔ تصمیم‌گیری و اظهار نظر در مورد این فرجام خواهی را ندارند. لذا به منظور خاتمه دادن به افشاگریها و اعتراضات کوبندهٔ فقیه عالیقدر درخواست فرجام را به شاه عرضه می‌دارند تا او نظر دهد. و او از پیش تصمیم خود را گرفته است. بنابراین درخواست رسیدگی فرجامی را تصویب نمی‌کند. متن سند این جنایت بزرگ چنین است:

«وزارت جنگ. ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی. پیشگاه مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران. گزارش.

مفتخراً به شرف عرض می‌رساند: غیرنظامی حسینعلی منتظری فرزند حاج علی به اتهام: اقدام علیه امنیت کشور تحت پیگرد قرار گرفته است.

۱. به موجب رأی صادره از دادگاه عادی شمارهٔ ۳ تهران (به ریاست سرهنگ ۲ قضایی محمدتقی غفاری) به اتفاق آرا به ده سال حبس جنایی درجهٔ ۲ محکوم گردیده است.

۲. به موجب رأی صادره از دادگاه تجدیدنظر شمارهٔ ۲ تهران (به ریاست سرلشکر عبدالله خواجه نوری) به اتفاق آرا رأی دادگاه عادی تأیید گردیده است.

۳. دادستان ارتش نسبت به رأی صادره از دادگاه تجدیدنظر معروض اعتراضی ندارد لیکن محکوم استدعای رسیدگی فرجامی نموده است.

مستنداً به مادهٔ ۲٦۸ قانونی دادرسی و کیفر ارتش، تصویب استدعای محکوم منوط به ارادهٔ سنیه شاهانه است. به جای رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران، ارتشبد غلامرضا ازهاری. امضا. رئیس ادارهٔ دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی سپهبد فخر مدرس. دادستان ارتش سپهبد بهزادی. از شرف عرض پیشگاه شاهانه گذشت. رسیدگی فرجامی را تصویب نفرمودند. وزیر جنگ. ۳۵/۱/۱۷. ۳۵/۱/۱۷-٤۵.» (سند شمارهٔ ۲٤)

بعد از آن عکس‌العمل فرعون منشانهٔ شاه در تاریخ ۱۳۵۵/۱/۲۱ دادیار ارتش با پیشنهاد اعلام قطعیت

ستاد بزرگ ارتشتاران

اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی

گزارش دادیار — تاریخ ۵۴/۱۲/۱۰

پیوست پرونده کیفری کلاسه	ردیف دفتر ثبت پرونده های قضائی	تاریخ وقوع بزه ۵۴/۱۲/۰۵
مشخصات دادیار	نام - نام خانوادگی [illegible] درجه سرهنگ	تاریخ ارجاع بدادیار ۵۴/۱۲/۱۱

۱- مشخصات متهم / متهمین : عزیز... حسین علی متولی فرزند حاج علی

۲- موضوع اتهام یا اتهامات : اقدام علیه امنیت کشور

۳- جریان پرونده ونتیجه رسیدگی : [illegible]

۴- نظریه دادیار :

[illegible]

۵۴/۱۲/۱۲

تاریخ ورود محل امضاء دادیار

۰۳۵۷ ـ الف . ش

۵۴/۱۲/۱۲

سرهنگ ـ دادیار

سند شمارهٔ ۲۳

صفحه

اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی

وزارت جنگ

پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران

گزارش

مفتخراً بشرفعرض میرساند : غیرنظامی حسینعلی منتظری فرزند حاج علی

باتهام : اقدام علیه امنیت کشور تحت پیگرد قرارگرفته است.

۱- بموجب رای صادره از دادگاه عادی شماره ۳ تهران (بریاست سرهنگ ۲ قضائی محمدتقی غفاری)

باتفاق آراء

به دهسال حبس جنائی درجه ۲ محکوم گردیده است.

۲- بموجب رای صادره از دادگاه تجدیدنظر شماره ۲ تهران (بریاست سرلشگر عبدالله خواجه نوری)

باتفاق آراء

رأی دادگاه عادی تائید گردیده است.

۳- دادستان ارتش نسبت به رای صادره از دادگاه تجدیدنظر معروض اعتراضی ندارد لیکن محکوم

استدعای رسیدگی فرجامی نموده است .

مستنداً بماده ۲۶۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش

تصویب استدعای محکوم منوط باراده سنیه شاهانه است

جانشین رئیس ستاد بزرگ ارتشتاران ... ارتشبد غلامرضا ازهاری

رئیس اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی سپهبد فخرالدین دادستان ارتش سپهبد بهزادی

از شرفعرض پیشگاه شاهانه گذشت رسیدگی فرجامی را تصویب نفرمودند وزیر جنگ

۳۵/۱/۱۷

۳۵/۱/۱۷

۳۵/۱/۱۷ - ۴۵

سند شمارهٔ ۲۴

ستاد بزرگ ارتشتاران

اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی

گزارش دادیار — تاریخ ۲۵۴۵/۱/۲۱

پیوست پرونده کیفری کلاسه ۱۳۴۵۸-۶۶-۱۰۱	ردیف دفتر ثبت پرونده‌های قضائی ۲۳۰۵	تاریخ وقوع بزه
مشخصات دادیار شرفرضی	نام - نام خانوادگی دادیار دادستان	تاریخ ارجاع به دادیار ۱۳ ۲۵۴۵/۱/۱۳

۱ - مشخصات متهم / متهمین : نخزنظامی حسینعلی نصرتی فرزند حاجعلی

۲ - موضوع اتهام یا اتهامات : ارتکاب جرم علیه امنیت کشور

۳ - جریان پرونده ونتیجه رسیدگی : برابر محتویات پرونده نامبرده باتهام مفروض تحت پیگرد دوائر وسرانجام بموجب رأی صادره ازدادگاه تجدیدنظر شماره ۲۵ تهران به دوسال حبس جنائی درجه ۲ محکوم واز رأی صادره استدعای رسیدگی فرجامی نموده که این استدعا در تاریخ ۲۵۴۵/۱/۱۷ مورد تصویب ملوکانه قرار نگرفته است.

۲۵۴۵/۱/۲۲

۴ - نظریه دادیار : با عنایت برات مفروض درصورت تصویب مقرون فرمائید قطعیت رأی صادره بمنظور اجراء اعلام گردد.

سرهنگ ۲ شهابی حسینی دادیار دادستان ستاد بزرگ ارتشتاران

۲۵۴۵/۱/۱۷

سند شمارهٔ ۲۵

رأی دادگاه تجدیدنظر، جریان امر را گزارش می‌دهد و رأی بیدادگاه آریامهر ملعون، مبنی بر محکومیت آیةالله العظمی منتظری به ده سال زندان، در تاریخ ۱۳۵۵/۱/۲۲ قطعیت پیدا می‌کند. (سند شمارهٔ ۲۵).

در ورای این پردهٔ سیاه جنایت که چشم عقل سرسپردگان به شاه و شیطان بزرگ را کور کرده بود، در درون جامعهٔ اسلامی ایران، محبوبیت و قدرت امام خمینی، اوج می‌گرفت و رفته رفته آتش پنهان قهر مردم معاد اندیش و خداجو نسبت به رژیم شاه فروزان‌تر و آشکارتر می‌گشت. تا آن که آبان سال خون و شعار و پیروزی، یعنی سال ۱۳۵۷ فرا رسید.

رهبری معظم انقلاب، از پاریس، فریاد مظلومیت و اسلامخواهی ملت بزرگ ایران را به سراسر جهان می‌رسانَد و آن را چون پتکی بر سر استکبار جهانی می‌کوبد. دست نیرومند مردم متحد شده زیر لوای روحانیت مبارز، گلوی رژیم دست نشانده و جنایتکار را می‌فشرَد. برای شاه و اربابان امریکائیش چاره‌ای نمی‌مانَد جز دادن امتیازاتی چند به مردم و رهبران انقلاب.

یکی از خواسته‌های عمومی، آزادی زندانیان بیگناه، خصوصاً روحانیان عالیمقام است. زندانیان سیاسی آزاد می‌شوند و آیةالله منتظری نیز در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۹، به اتفاق همسنگران، از جمله مجاهد عظیم الشأن، حضرت آیةالله سیدمحمود طالقانی ـ رحمةالله علیه ـ به میان مردم باز می‌گردد. و به این ترتیب ۸۱۲۱۰ روز شکنجه و درد یك دانشمند دلسوز انسان پایان می‌یابد.

گزارشی از این پیروزی را در کتاب اول *فقیه عالیقدر* آورده‌ام و در این جا فقط به چاپ تصویر چند سند مربوط به آن اکتفا می‌کنم. (اسناد شمارهٔ ۲۶، ۲۷ و ۲۸).

۸. مدت آخرین دورهٔ زندان فقیه عالیقدر است.

شماره ۴۰۱/۲۲۲/۱۳۴۵۵۲
تاریخ ۱۳۵۷/۸/۱
پیوست .....

از اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی بزرگ ارتشتاران
به تیمسار ریاست اداره زندانها
موضوع خرده‌طلبی حسینعلی منتظری فرزند حاجعلی (تلفن

پیرو شماره ۴۰۱/۲۲۲/۱۳۴۵۵۲/۱ - ۱۳۵۵/۱/۲۲

بتعقیب غیرنظامی نامبرد مورد عفو اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر بزرگ ارتشتاران واقع گردیده است

خواهشمند است دستور فرمائید چنانچه باتهام دیگری بازداشت نباشد آزاد گردد .

رئیس اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی سپهبد بهزادی

۱۳۵۷/۱/۹

گیرندگان

۱- تیمسار ریاست سازمان اطلاعات و امنیت کشور بازگشت بشماره ۳۱۲/۸۲۴۵ - ۱۳۵۷/۸/۸ استناد عفو مقرر فرمایند چنانچه نامبرده در زندان اوین بازداشت است نسبت به ترخیص وی اقدام نمایند

۲- اداره عفو و بخشودگی و سجل کیفری پیرو شماره ۴۰۱/۶۶/۱۳۴۵۵۲ - ۱۳۵۵/۱/۳۱ برای آگاهی

سند شمارهٔ ۲۶

به ریاست اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی

از ساواک

شماره ۲۱۶/۸۲۶۵

تاریخ ۱۳۵۷/۸/۸

پیوست

سازمان اطلاعات و امنیت کشور

درباره ۱ــ آیت اله سید محمود علائی طالقانی

۲ــ شیخ حسینعلی منتظری

۱ــ۱۳۴۵۵ــ۶۶ــ۴۰۱ــ ۵۵/۱/۲۹

بازگشت بشماره های :

۲ــ۱۴۴۱۸ــ۶۶ــ۴۰۱ــ ۵۷/۶/۱۴

وضعیت نامبردگان بالا که باتهام اقدام علیه امنیت کشور دستگیر وطبق رأی دادگاه هرکدام به ۱۰ سال زندان محکوم شده اند ، بشرفعرض پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر رسید وفرمان ملوکانه شرفصدور یافته است که بقید مدت محکومیت آنان مورد عفو قرار گیرد . مراتب جهت اجرای فرمان همایونی واقدام قانونی اعلام میگردد ./ ح

رئیس سازمان اطلاعات وامنیت کشور سپهبد مقدم

۱۳۵۷/۸/۹ از رفقرجعت شد

۱۳۵۷/۸/۹

سند شمارهٔ ۲۷

از: اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی

۴۰۱-۶۶-۱۳۴۵۵ →

به: ریاست اداره عفو و بخشودگی و سجل کیفری

۵۷/۱۰/۱۲

درباره غیرنظامی حسینعلی فرزند حاجعلی شهرت منتظری

پیرو شماره ۲-۱۳۴۵۵-۶۶-۴۰۱-۱۳۵۵/۱/۳۱

بفرمان مطاع مبارک ملوکانه بقیه کیفر غیرنظامی نامبرده مورد عفو واقع و در تاریخ ۱۳۵۷/۸/۳ از زندان آزاد شده است. ص

رئیس اداره دادرسی نیروهای مسلح شاهنشاهی. سپهبد بهزادی

۵۷/۱۰/۱۱

سند شمارهٔ ۲۸

آیةالله منتظری به اتفاق آیةالله مشکینی، آیةالله ربانی شیرازی و... در جمع روحانیون متحصن در مسجد دانشگاه تهران، در تاریخ ۱۳۵۷/۱۱/۸

بخش دوم

مصدر راهنمایی مردم و مسئولان

شخصیت برجسته، معنوی و پرجاذبهٔ آیةالله منتظری بازتاب گسترده‌ای در میان محرومان و مسلمانان گوشه و کنار ایران و حتی بسیاری از کشورهای مستضعف و مسلمان‌نشین جهان داشته است. آثار محبوبیت ایشان، در رفت و آمدهای بیت ایشان و ملاقاتها، دیدارها و مکاتبات با وی به روشنی دیده می‌شود.

با این که دفتر ایشان به دفعات از مردم خواسته است که نامه برای ایشان نفرستند، امّا مردم علاقه‌مند و امیدوار، هر روز و هر سال که می‌گذرد، او را بیشتر پناه خود می‌یابند. به دو نمونه از اطلاعیه‌های دفتر آیةالله منتظری در این خصوص توجه فرمایید:

نمونهٔ اوّل. ۱۳۵۹/۱۰/۱۸

«بسمه تعالی. پس از سمینار ائمهٔ جمعه در ملاقات مهمی که آنان با حضرت امام مدظله داشتند، دستورات و رهنمودهای ارزنده‌ای را معظم‌له بیان فرمودند که با پیشنهاد حضرت آیةالله منتظری مقرر شد دستور امام به این شکل عملی شود که در هر شهری شورایی از ارگانهای انقلابی با شرکت فرماندار و بعضی از معتمدین با نظارت امام جمعهٔ محلی تشکیل و به شکایات و مراجعات مربوطه رسیدگی و اگر احیاناً شورا نتوانست کاری انجام دهد مسئولین یا نمایندگان آنان در مرکز مطرح و اقدام شود.

برای منظم شدن، این شورا می‌تواند دفتری برای مراجعین زیرنظر فردی با تدبیر تعیین و از نتیجهٔ کار هر هفته مطلع تا بهتر بتواند تصمیم بگیرد. در این رابطه به برادران و خواهرانی که مشکلی دارند، ضمن عرض معذرت یادآور می‌شویم که از ارسال نامه یا تلگراف به دفتر حضرت آیةالله منتظری خودداری شود و لازم است آقایان ائمهٔ جمعه ایدهم الله تعالی پیرو دستور امام مدظله اقدام به تشکیل چنین شورایی بفرمایند و مراجعین محترم توجه دارند که رسیدگی به مشکل آنان در محل با دخالت ارگانهای مسئول باید باشد و دفتر معظم‌له هیچ مسئولیت اجرایی ندارد و مراجعه و ارسال شکایات به این دفتر بدون فایده می‌باشد چون مجدداً به همان شورای محل ارجاع خواهد شد. ضمناً اهالی هر

منطقه‌ای می‌توانند یك سری مشکلات را توسط نمایندهٔ خود در مجلس شورای اسلامی مطرح تا از این طریق با مسئولین مربوط در مرکز مذاکره و اقدام شود. طبیعی است نمایندگان محترم مجلس هم با تعیین دفتر و وقت معین ترتیبی برای رسیدگی به خواسته‌ها و شکایات موکلین خود خواهند داد.

توفیق همگان را در راه خدمت به اسلام و مسلمین از خدای بزرگ خواهانیم. دفتر آیة‌الله منتظری[۱]

نمونهٔ دوم. ۱۳۶۰/۱۰/۷

«بسمه تعالی. بدین وسیله به اطلاع برادران و خواهرانی که به منظور شکایت از افراد و یا احیاناً ارگانهای دولتی و انقلابی از شهرهای مختلف به دفتر حضرت آیة‌الله منتظری مراجعه و یا به وسیلهٔ نامه و تلگرام تقاضای رسیدگی و اقدام مستقیم دارند، می‌رساند: همان گونه که قبلاً نیز یادآور شده‌ایم، رسیدگی به کلیهٔ امور و شکایات از مسیر قانونی و به دست افراد مسئول انجام می‌شود و این دفتر به جز پاسخگویی مسائل شرعی، هیچ گونه مسئولیتی در مقابل این گونه نامه‌ها، تلگرامها و مراجعات نخواهد داشت و با تشکیل سازمان بازرسی کلّ کشور و شروع به کار آن به سرپرستی جناب حجت‌الاسلام آقای محقق دامت افاضاته، باید کسانی که از ارگانها و یا افراد مسئول در یکی از سازمانها، شکایتی دارند از طریق سازمان بازرسی کل کشور احقاق حق بنمایند. طبیعی است که این سازمان، با افزودن بر تعداد شعب مورد نیاز و انتخاب افراد متعهد و آگاه، پاسخ‌گوی مراجعین محترم خواهد بود. توفیق همگان را در راه پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی و خدمت به مردم محروم و مستضعف از خدای تعالی خواهانیم. والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته. قم. دفتر حضرت آیة‌الله منتظری.»[۲]

همچنین به دفعات شخص ایشان و یا دفترشان از مردم خواسته‌اند که تقاضای وقت ملاقات نکنند واجازه دهند که وی بتواند به درس و تدریس خود بپردازد، امّا می‌بینیم که مردم علاقه‌مند از دورترین نقاط ایران، برای دیدن و بهره‌مند شدن از مواعظ ایشان مشتاقانه به سوی قم می‌شتابند.

مردم، امام خمینی را در ایشان می‌بینند. به اعتراف دوست و دشمن، مردم او را صمیمانه دوست دارند.

مسئولان نیز هرگاه در امور اجرایی و فکری در می‌مانند به حضور ایشان می‌رسند تا گره‌ها از کارشان گشوده گردد.

لذا علی رغم همهٔ درخواستهای دفتر ایشان و تذکرات خودشان، باز هم می‌بینیم که پس از هفت سال، هنوز ایشان هفته‌ای چند دیدار با مسئولان و مردم دارد. حرف مردم را می‌شنود و برای مسئولان باز می‌گوید و ایشان را در اجرای دستورات اسلام راهنمایی می‌کند. او مبین راستین و صدیق خط امام است. با وسعت دید، روشنی اندیشه، آگاهی بر مسائل روزمرهٔ مردم و مسئولان، و با تسلطی که بر

۱. جراید، ۱۳۵۹/۱۰/۲۰.
۲. جراید، ۱۳۶۰/۱۰/۹.

اصول و فروع اسلام دارد توانسته است چون شمعی محور گردش پروانه‌های عاشق عدالت و اسلام قرار گیرد و چون مشعلی فروزان راه هدایت انقلابیون مسلمان را در ایران و جهان روشن‌سازد

در یك جمع‌بندی کلی، مشتاقان دیدار و ملاقات با ایشان را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد.

۱. مسئولان و دست اندرکاران امور اجرایی، برنامه‌ریزی و قانون‌گذاری کشور،

۲. مردم مسلمان ایران از سراسر کشور،

۳. روحانیان، سیاستمداران، روشنفکران و انقلابیان خارج از ایران.

دستهٔ اول بدین منظور خدمت ایشان می‌رسند که اولاً به وسیلهٔ ایشان شیوه‌های اجرایی و عملکردشان را با دستورات اسلام منطبق سازند، ثانیاً گرفتاریهای روزمرهٔ خود را برای ایشان بازگو کنند و برای رفع آنها راه حل بجویند، ثالثاً گزارش کارهای خود را تقدیم ایشان دارند تا با خواسته‌های مردم که هر روز به گوش ایشان می‌رسد سنجیده و به محك نقد زده شود.

دستهٔ دوّم که به خدمت ایشان می‌رسند دو گروه‌اند: یکی مشتاقان زیارت و شنیدن پندها و مواعظ ایشان به طور مستقیم از زبان خودشان؛ و دیگر به بن بست رسیدگان و گرفتاران.

دستهٔ سوّم نیز منظورهای خاصی را در رسیدن به خدمت ایشان تعقیب می‌کنند: الف. عده‌ای از علاقه‌مندان انقلاب اسلامی هستند که برای بررسی عوامل، عناصر و مایه‌های انقلاب اسلامی به ایران می‌آیند و با ایشان نیز دیدار می‌کنند. ب. عده‌ای از روحانیان و رهبران مسلمانان کشورهای اسلامی یا کشورهای غیر اسلامی برای ارائهٔ گزارش وضع مسلمانان کشورهای خود و بررسی شیوه‌های رسیدن به وحدت شیعه و سنی و نیز گرفتن رهنمود، به دیدار ایشان می‌شتابند.

ج: عده‌ای از مبارزان و اعضای سازمانهای چریکی و پارتیزانی و نهضتهای رهایی‌بخش برای بهره‌گیری از تجربه‌های مبارزاتی و دریافت کمك به خدمت وی می‌رسند.

اینها همه علاقه‌مندان انقلاب اسلامی و پیروان حضرت امام خمینی‌اند که به دیدار این یار با وفا و همرزم بزرگ آن حضرت می‌آیند و از وی، به عنوان دوّمین شخصیت جهان اسلام، یاری و رهنمود می‌گیرند.

نگارنده تا آنجا که در توان داشته، گزارشهای این دیدارها را گردآورده است. اما نقل همهٔ آنها مقدور نیست. لذا از موضوعات متنوع و فراوانی که در محتوای بیانات ایراد شده در این دیدارها هست نمونه‌هایی را انتخاب کرده‌ام که به ترتیب تاریخ در این جا نقل می‌کنم.

این گزارشهای منتخب، علاوه بر اینکه خوانندگان را با دیدگاههای آیةالله منتظری در موضوعات گوناگون سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، قضایی و... آشنا می‌سازد، طیف وسیع اقشار مردم و مسئولانی‌راکه به دیدارش شتافته‌اند، نشان می‌دهد.

قابل ذکر مجدد است که آنچه در زیر می‌آید اندکی از انبوه گزارشهای موجود است. از خداوند متعال توفیق جمع‌آوری، تدوین و انتشار همهٔ آنها را برای عرضه به نسلهای آینده و هدیه به تاریخ اندیشهٔ اسلامی خواستارم.

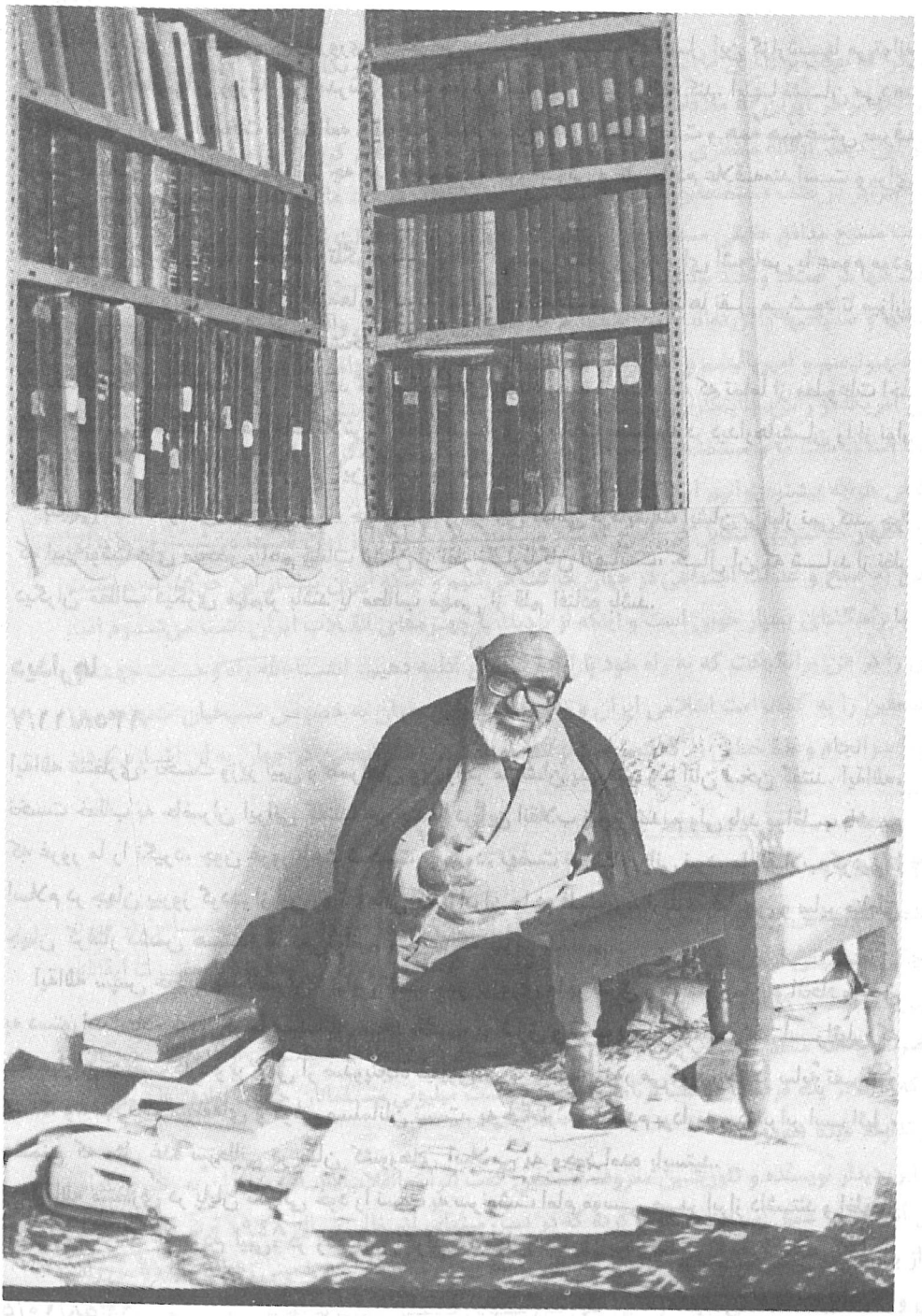

فقیه عالیقدر، مدرس بزرگ حوزهٔ علمیهٔ قم

نکتهٔ دیگری که یادآوری آن ضروری به نظر می‌رسد این است که نقل این گزارشها می‌تواند تصویری از فعالیتهای روزانهٔ این مدرس بزرگ حوزهٔ علمیهٔ قم را نیز ارائه کند. اینها نشان می‌دهد شخصی که روزها را سخت به مطالعه و تدریس علوم سطح عالی مشغول است و همهٔ همّوغمّش صرف تربیت فضلای ارزشمند می‌شود، تا چه اندازه نسبت به امور جزئی و کلی مردم علاقه‌مند است و برای آنها وقت می‌گذارد.

در همین راستا پیامها، احکام و تلگرام‌های آیةالله العظمی منتظری که برای اشخاص یا عموم مردم ارسال داشته‌اند و نیز تعدادی از نامه‌هایی که به ایشان نوشته شده و استفتاها نقل می‌شود تا میزان مراجعات به ایشان برای آیندگان مشخص گردد.

نکتهٔ دیگر اینکه آنچه در زیر می‌آید گزارشگونه‌های کوتاه و بعضاً بلند است که تماماً از مطبوعات اخذ شده است. خوشبختانه مطبوعات تلاش کرده‌اند بسیاری از بیانات معظم‌له در دیدارهایشان را از نوار پیاده و منتشر کنند. لذا می‌توان در این کتاب به همانها بسنده کرد.

بدیهی است خواندن این گزارشها، خواننده را از خواندن تمامی فرمایشات ایشان بی‌نیاز نمی‌کند. چرا که این نوشته‌های ملخص، اهم بیانات ایشان از نظر نگارندگان آنهاست، حال آن که شاید از نظر دیگران مطالب دیگری مهم‌تر باشد یا مطالب مهمی از قلم افتاده باشد.

دیدارها

۱۳۵۸/۱۱/۷

آیةالله منتظری، نخست وزیر لیبی و همراهان وی را در منزلشان پذیرفتند و با آنان سخن گفتند. آیةالله، نخست خطاب به حاضران ایرانی گفتند: هر چند ما در این انقلاب پیروز شدیم ولی باید مواظب باشیم که غرور ما را نگیرد، چون غرور باعث شکست می‌شود. نهضت ما تنها ایرانی نبود. ما انقلاب کردیم تا اسلام در جهان پیروز گردد. از این رو تا زمانی که برادران ما در فلسطین، اریتره، فیلیپین و سایر مناطق جهان گرفتار دشمن هستند، ما نمی‌توانیم بگوییم که پیروز شده‌ایم.

آیةالله سپس خطاب به حاضران لیبیایی گفت: رمز پیروزی ما بر شرق و غرب، ایمان و اتحاد و عمل به دستورات اسلام بود، اگر ما مسلمانان متحد باشیم، بر شرق و غرب پیروز خواهیم شد. اسرائیلی که سه میلیون جمعیت دارد و بر بیش از صدوپنجاه میلیون عرب مسلمان زور می‌گوید، جز در سایهٔ تفرقه و تشتت و اختلافات منطقه‌ای و قومی مسلمانان نیست. به خاطر خدا قدم بردارید و در برابر اسرائیل، دشمنی که مثل غدهٔ سرطانی در میان کشورهای اسلامی به وجود آمده بایستید.

آیةالله منتظری در پایان نگرانی خود را نسبت به سرنوشت امام موسی صدر ابراز داشتند و اظهار امیدواری کردند که مردم لیبی، در رفع این نگرانی گامهای مؤثری بردارند.

۱۳۵۸/۱۰/۵

کاردینال اجن دووال اسقف الجزایری و حامی مردم الجزایر در جنگ استقلال طلبانهٔ آنها علیه فرانسهٔ

اشغالگر که جهت برگذاری مراسم عید میلاد مسیح در جاسوسخانهٔ امریکا به تهران آمده است به اتفاق سفیرالجزایر در ایران به ملاقات حضرت آیةالله منتظری رفت.

در این دیدار آیةاله منتظری ضمن تبریك میلاد مسیح به آنها اعلام کرد از اینکه شنیدم شما در نبرد ملت الجزایر در صف مستضعفین مبارزه کردید خیلی خوشحال شدم. ما توجه داریم حضرت محمد و حضرت مسیح مدافع حقیقی مستضعفین بودند. آنها جهت ایجاد عدالت اجتماعی مبعوث شدند و در حقیقت آنها در صف واحد بودند. اکنون نیز چنین انتظار داریم. در طول تاریخ صهیونیستها همواره مسلمانها و مسیحیها را آزرده‌اند و من امیدوارم که همچنان مسیحیان واقعی با ما در جبههٔ واحدی بر علیه صهیونیسم و امپریالیسم و به دفاع از مستضعفین به مبارزهٔ خود ادامه دهند. آیةالله منتظری افزود: اکنون امریکا در رأس جنایتکاران بین‌المللی است و مسئلهٔ شاه و جنایتش یکی از سیئات بی شمار آمریکا است. ملّت ما و مستضعفین مسیحی به یکسان از ستم سلطه‌گران رنج می‌برند. انشاءالله که با همگامی هرچه بیشتر بتوانیم این بلیهٔ جهانی و این ام‌الفساد قرن را از ریشه براندازیم. اسقف دووال ضمن اظهار خوشنودی متقابل در پاسخ گفت: من ایده‌های خود را از زبان شما می‌شنوم. ما برای رسیدن به صلح و عدالت اجتماعی در جهان حرکت می‌کنیم و اینکه ایران پیشتاز این حرکت شده است برای ما راهگشای بسیار خوبی است و اینکه از نزدیك با چهره‌های انقلاب ایران آشنا می‌شوم امید زیادی را در من برانگیخت که به راه خود با ارادهٔ قاطع ادامه دهیم. انشاءالله راه وحدت جهانی مستضعفین را به کمك امت اسلامی ایران و تمام مستضعفین جهان به خصوص مسیحیان متعهد هموار کنیم تا سرانجام وعدهٔ خدایی را که شما خود بر مفهوم حکومت مستضعفین در جهان به آن اشاره کردید برسیم.

۱۳۵۸/۱۲/۲۶

نویسنده و تئوریسین بزرگ فلسطین آقای منیرشفیق که جهت بررسی و مذاکرات حساس در مورد یکپارچگی جنبشهای آزادیبخش جهانی با مقامات انقلاب اسلامی به ایران آمده بود با حضرت آیةالله منتظری ملاقات و گفت و گو کرد.

حضرت آیةالله منتظری در این دیدار ضمن طرح مسائلی در رابطه با جنبشهای آزادیبخش جهانی گفت که باید در یك فرصت مناسب برنامهٔ راه‌پیمایی بیست میلیونی مسلمانان جهت آزادی فلسطین و قدس تدارك دیده شود.

در این دیدار نویسنده و تئوریسین معروف فلسطین گفت اثرات انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی آنچنان در عمق اسرائیل رسوخ کرده که در سرزمینهای اشغالی سال ۱۹۴۸ و در قلب تل‌آویو بیش از بیست هزار نفر دست به تشکیل گروهی به نام پیروان خط امام خمینی زده‌اند و پا برپایی راه پیمایی و کارهای تشکیلاتی جهت رهایی کلی سرزمینهای فلسطین دست به تظاهرات وسیعی زده‌اند و حتی در برنامه‌های ورزش و تجمع تماشاگران فوتبال با شعارهای «خمینی، خمینی، الله اکبر، ما پیروز می‌شویم» گردهماییهای ورزشی را به مجمع سیاسی تبدیل کرده‌اند و اسرائیل بارها ترس و وحشت

خود را از این حرکت انقلابی ابراز داشته است.

۱۳۵۹/۱/۲٤

حضرت آیةالله العظمی منتظری ساعت ۱۹ دیروز در اقامتگاه امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی حضور یافت و با بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران دیدار و گفت و گو کرد. آیةالله منتظری در پایان این دیدار دربارهٔ موضوع مورد مذاکره با امام خمینی به خبرنگار خبرگزاری پارس گفت: مسئله‌ای که الان برای ما مهم است مسئلهٔ عراق است و می‌دانید که اکثر قاطع ملّت عراق بلکه همهٔ ملّت عراق از شیعه و سنّی و باید بگویم اصلاً مسئلهٔ شیعه و سنّی مطرح نیست و مردم مسلمان و متعهد عراق با آقای صدام حسین و حزب بعث عراق موافق نیستند. آنها منتظر این هستند که فرصتی پیدا کنند و علیه حکومت قیام کنند. آیةالله منتظری سپس افزود گروه زیادی از برادران عراقی ما هم اکنون در ایران آواره‌اند و بعضی آنها محکوم به اعدام شده‌اند. این روزها برادران عراقی ما مرتباً مراجعه می‌کنند و می‌گویند همان طور که حضرت امام خمینی انقلاب ایران را رهبری کردند تا به ثمر رسید انتظار داریم انقلاب عراق را هم رهبری کنند. آنها می‌گویند امام خمینی رهبر اسلامی است و در اسلام هم مسئلهٔ جغرافیا و رنگ و زبان مطرح نیست و از من خواستند این مسئلهٔ را در حضور امام مطرح کنم. امام در پاسخ فرمودند در این باره اسم رهبری را نیاورید، مسئلهٔ رهبری نیست، ولی آنچه وظیفه‌مان باشد نسبت به عراق و همهٔ مسلمانها انجام می‌دهیم. آیةالله منتظری در پایان این گفت و گو فرمودند همان طور که می‌دانید اسلام، عراق و ایران نمی‌شناسد. الان همهٔ مسلمانهای جهان به انقلاب اسلامی ما و رهبر ما توجه خاصّی دارند. از فیلیپین، اریتره و اوگادن و فلسطین به کشور ما می‌آیند و همه رهبری امام خمینی را قبول دارند امّا متأسفانه بعضی از ما ایرانیها هنوز توجه دقیقی به انقلاب اسلامی خودمان نداریم ولی دنیا به عظمت انقلاب ما پی برده است.

۱۳۵۹/۱/۲٤

بعد از ظهر دیروز آیةالله منتظری در مرکز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران حضور یافت و در جلسهٔ مشورتی مسئولان سپاه شرکت کرد. آیةالله العظمی منتظری پس از شرکت در این جلسه از قسمتهای مختلف مرکز سپاه پاسداران بازدید کرد و در پایان در اجتماع اعضای سپاه پاسداران سخنانی ایراد داشت. آیةالله العظمی منتظری ضمن سخنان خود فرمودند: علی ع می‌فرماید کمال حقیقی انسان در سه چیز خلاصه می‌شود: ۱. بینش و فهم دقیق اسلامی؛ ۲. پایداری در مقابل مشکلات؛ ۳. اندازه‌گیری و ارزیابی زندگی. آیةالله العظمی منتظری پس از توضیح دربارهٔ این سه اصل افزود: سپاه یك نهاد جوشیده از انقلاب است. همواره بایستی حرکتی مکتبی داشته باشد و اهمیت اسلامی را نیز قبل از مسلح کردن بازوها در خط مشی خود قرار دهد. آیةالله العظمی منتظری، در پایان گفت: قبل از بسیج نیروهای نظامی بایستی مغزها بسیج شوند و هدف امام از بسیج عمومی همین است. صبر و پایداری در برابر مشکلات و ایجاد یك فرماندهی صحیح در کارها از ارکان پیروزی است.

حکم

۱۳۵۹/۵/۲۷

این حکم از طرف فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری خطاب به حجّة الاسلام آقای حاج سیّدموسی موسوی صادر گردید:

جناب مستطاب حجةالاسلام آقای حاج سیّد موسی موسوی دامت افاضاته. پس از سلام، پیرو مذاکراتی که با رهبر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی مدظله العالی دربارهٔ مسائل اسلامی و مشکلات روحانیّت منطقهٔ کُردستان انجام شد و در همین رابطه از طرف دفتر معظم‌له به جناب عالی مأموریتی محوّل گشت، توصیه می‌شود چون شما به اوضاع آن منطقه آشنایی کامل دارید لازم است به منظور تقویت روحانیت که همواره سنگر قوی و پایدار برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی بوده و می‌باشد و بمنظور رسیدگی به وضع تبلیغات اسلامی و آشنایی جوانان عزیز کرد به روح انقلاب عظیم اسلامی و دستورات مترقّی *قرآن* و سنّت، مرکزی را جهت تجمع علمای اعلام در آن منطقه تهیّه نموده و در آنجا امکانات تدریس مسائل اسلامی را توسط برادران متعهد روحانی فراهم نمایند. به امید اینکه این کار قدمی باشد در راه تأسیس یك دانشگاه اسلامی در آن استان که مورد عنایت و تأکید رهبر انقلاب می‌باشد.

از اهالی محترم و ارگانهای دولتی و انقلابی انتظار می‌رود در این رسالت مهم الهی، با جناب عالی صمیمانه همفکری و همکاری نمایند. توفیق شما و همگان را در انجام وظایف اسلامی و پیشبرد انقلاب و مقاومت در برابر توطئه‌های عوامل شرق و غرب از خدای بزرگ مسئلت می‌نمایم. والسلام علیکم و رحمةالله. ۵۹/۵/۲۷ حسینعلی منتظری

دیدارها

آبان ۱۳۵۹

عدّه‌ای از نمایندگان جهادهای دانشگاهی سراسر کشور و انجمنهای اسلامی دانشگاهها و دفتر تحکیم وحدت در قم با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و پیرامون خدمات گذشتهٔ جهادهای دانشگاهی و طرح جدید انتقال مسئولیتهای آن به وزارت آموزش عالی گفت و گو نمودند.

در این دیدار حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن تقدیر از نقش جهاد دانشگاهی در انقلاب فرهنگی دانشگاهها و فعالیّتهای چشمگیر آن اظهار داشتند:

باید مسئولین مربوطه، به این نیروی عظیم جهاد دانشگاهی کاملاً توجّه داشته باشند و ترتیبی دهند تا از فکر و تجربه و اخلاص این جوانان عزیز در پیشبرد انقلاب فرهنگی بهتر استفاده نمایند و حتی‌المقدور سعی کنند شکل ساده و انقلابی این حرکت ارزندهٔ جوانان را در پیچ و خم اداری محدود ننمایند.

۱۳۵۹/۹/۱۲

رئیس کل بانك مرکزی ایران در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو

کرد. به گزارش خبرنگار خبرگزاری پارس در این ملاقات که بیش از یك ساعت و پانزده دقیقه ادامه یافت، مسائل مملکتی و اوضاع اقتصادی و بانکی کشور و نیز ارتباط و نحوهٔ تأثیرات متقابل اوضاع سیاسی و قضایی و اقتصادی برهم، رابطه منزلت انسانی افراد با استقلال و شکوفایی اقتصادی جامعه، وضع عمومی اقتصادی و پولی و مالی جمهوری اسلامی ایران پس از پیروزی انقلاب و لزوم حرکت و رشد در جهت منافع مستضعفین و تأمین رفاه آنان، اهمّیت نقش دانشگاهها و اندیشمندان کشور در جریان رشد واقعی و بریدن بندهای وابستگیهای سیاسی و اقتصادی و فرهنگی به غرب مورد بحث و گفت و گو قرار گرفت. در این دیدار همچنین لزوم توجه بسیار و از روی علم به نقش دوران ساز انقلاب اسلامی ایران در جهان و مسئولیت سنگین نسل جوان کشور مذاکراتی به عمل آمد.

فقیهٔ عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری در این دیدار به رئیس کل بانك مرکزی ایران سفارش فرمودند در شرایطی که رهبر انقلاب دام عزه نگران اوضاع و شرایط کشور هستند باید مسئولین مملکتی کاملاً مواظب باشند و کاری نکنند که مستمسکی برای دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی ایران در این شرایط حساس کشور باشد.

حضرت آیةالله العظمی منتظری افزودند: در این شرایط حساس مسئولین مملکتی اگر هم نگرانیهایی داشته باشند باید به حضور رهبر برسند و هر طور ایشان فرمودند اطاعت کنند.

نامه

۱۳۵۹/۹/۱۶

از سوی فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری نامه‌ای خطاب به سرپرست سازمان اوقاف در رابطه با امور روحانیت اهل سنّت در اختیار خبرگزاری پارس قرار گرفت که متن آن از این قرار است:

بسمه تعالی، سرپرست محترم سازمان اوقاف، جناب آقای عسگراولادی دام توفیقه. پس از سلام همان گونه که اطلاع دارید موضوع توجه به امور روحانیّت برادران اهل سنّت در ایران و رسیدگی به وضع مادی آنان از همان روزهای اول پیروزی انقلاب مورد توجّه خاص رهبر انقلاب حضرت آیةالله العظمی امام خمینی مدظله العالی قرار گرفت و دستوراتی به وسیله این جانب و دیگران به مسئولین وقت دادند. ولی متأسفانه به علت گرفتاریهای زیاد خواسته معظم‌له فوراً عملی نشد تا بالاخره ایشان این مسئولیت را مستقیماً به عهدهٔ این جانب گذاشتند و نقداً خود ایشان مبلغ هشت میلیون تومان مرحمت فرمودند و پس از مذاکره با اوقاف و دولت بنا شد هزینهٔ آن از ناحیهٔ آنها تأمین گردد و شنیده شد در این رابطه مبلغی از طرف هیئت دولت تصویب شده که هنوز این جانب از مقدار آن بی‌اطلاعم. فقط تا این ساعت مبلغ چهارده میلیون تومان از ناحیهٔ اوقاف به این جانب تحویل شده که با تلاش و همکاری افراد متعهد و نمایندگان امام در منطقه‌های مختلف کشور به این وضع رسیدگی و ترتیب تقسیم شهریه‌ای با رعایت ضوابط دینی و علمی برادران روحانی اهل سنّت داده شد. اینك ضمن تاکید برلزوم ادامهٔ کار یادآور می‌شود که مسئولیت این جانب تمام شد و با موافقت رهبر انقلاب مقرّر گردید سازمان اوقاف

مستقیماً با کمك افرادی که در طول این چند ماه دارای تجربه و شناختی شده‌اند ادامهٔ کار را بر عهده گیرد. ضمناً در مورد صرف پولهای موجود مجهول‌المصرف اوقاف در کارهای خیریّه و جنگ زدگان و تعمیر مساجد که چندی پیش طبق نظر مبارك امام به تشخیص این جانب موکول شد متذکّر می‌شود با توجه به کثرت اشتغالات و مراجعات این جانب مقتضی است مراتب به عرض امام رسیده و شخص دیگری از ناحیهٔ معظم‌له تعیین گردد. توفیق همگان را در خدمت به اسلام و مسلمین از خدای بزرگ خواهانم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. حسینعلی منتظری، ۵۹/۹/۱۶.

۱۳۵۹/۹/۲۸

گروهی از پرسنل دایرهٔ سیاسی ـ ایدئولوژیك ارتش، اعضای خانوادهٔ شهید دکتر محمد مفتح و دو پاسدار شهیدش، اعضای کمیتهٔ منطقهٔ چهار تهران، تعدادی از افراد سپاه پاسداران گلپایگان و حدود دویست تن از کارگران کارخانهٔ ریسندگی و بافندگی نجف‌آباد، به طور جداگانه در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری دیدار کردند. کارگران کارخانهٔ ریسندگی و بافندگی نجف‌آباد در دیدار با حضرت آیةالله منتظری صد تخته پتو برای کمك به هموطنان مناطق جنگی اهدا کردند و پس از گزارش یکی از کارگران از وضع کارخانه، ایشان رهنمودهایی فرمودند.

آیةالله منتظری در دیدار با خانوادهٔ شهید دکتر مفتح و یارانش از مقام شهید تجلیل کرد و مبارزات و نقش دکتر مفتح را ستود.

آیةالله منتظری در دیدار با پرسنل دایرهٔ سیاسی ـ ایدئولوژیك ارتش نیز طی سخنانی اظهار داشت: وجه مشخص انقلاب اسلامی ایران مکتبی بودن آن است. وی سپس به مکتب و تخصص اشاره کرد و گفت: به استناد «و اعدوالهم ما استطعتم من قوّة» اسلام به همهٔ شئون و از جمله علم و تخصص توجّه دارد. آیةالله منتظری در پایان به گسترش صنایع نظامی اشاره کرد و گفت: آن سلاح و علمی دارای ارزش است که به رهایی انسان و ظفرمندی مسلمانان بینجامد.

بسیاری از مراجعات به فقیه عالیقدر، به منظور درخواست از ایشان جهت نظارت بر امور مختلف در زوایای مملکت و یا درخواست برای ارشاد مسئولان اجرایی و معنوی شهرها می‌باشد. به دو نمونه از این درخواستها توجه فرمایید:

۱۳۵۹/۱۰/۱

جامعهٔ روحانیّت مریوان طی تلگرامی از فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری درخواست کرد که همچنان بر نظارت عالیهٔ خود بر کلیهٔ امور روحانیت و مدارس دینی و تأسیس دانشگاه در کردستان ادامه دهند. جامعهٔ روحانیّت مریوان در این تلگرام تأکید کرده است که در غیر این صورت موجبات دلسردی روحانیون و طلاب منطقه فراهم خواهد شد.

۱۳۵۹/۱۰/۹

این تلگرام از سوی حجّة الاسلام سید فخرالدین رحیمی نمایندهٔ مردم ملاوی لرستان به آیةالله منتظری مخابره شد:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. قم. محضر حضرت آیةالله منتظری دام عزه. در تشرّف دیروز (اربعین) به محضر رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی در معیت علما و طلاب و عدهٔ کثیری از اهالی محترم لُرستان و خرّم آباد این جانب همان گونه که در قم در حضور شما و مردم و علمای محترم خرّم آباد لُرستان صحبت نمودم در محضر امام امت نیز در جلسهٔ خصوصی با حضور علما و طلاب مبارز و متعهد عرایضی تقدیم داشتم و لزوم امر به بازگشت حجةالاسلام برادر مهدی قاضی مرد علم و عمل و ایثار و فداکاری و خدمت را به خرّم‌آباد جهت ادامهٔ فعالیتهای گذشته، انسجام نیروها و وحدّت بیشتر و تداوم انقلاب و حفاظت از خط امام و ولایت فقیه اعلام نمودم و مطالبی تقدیم داشتم. امام امّت ضمن اعلام رضایت به بازگشت معظم‌له به خرّم‌آباد لُرستان فرمودند از قول من به آقای منتظری بگویید آقای قاضی را راضی به رفتن به خرّم‌آباد نماید و موانع را مرتفع سازند. با تشکر سیّدفخرالدین رحیمی. نمایندهٔ ملاوی لُرستان در مجلس شورای اسلامی.

۱۳۵۹/۱۰/۱۸

ساعت ۲:۱۵ بعدازظهر پنج شنبه فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری وارد بیمارستان نوساز عرب‌نیا در قم شدند. آیةالله منتظری پس از بازدید از این بیمارستان به اتفاق وزیر بهداری آقای دکتر منافی در جلسه‌ای با حضور پزشکان قم و دکتر شریفی سرپرست بهداری قم شرکت نموده و مشکلات درمانی قم را مورد بررسی قرار دادند.

۱۳۵۹/۱۰/۲۷

مسئولین آموزش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر کشور در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری دیدار کردند. در این دیدار آیةالله منتظری طی سخنانی ضمن اشاره به وظایف خطیر مسئولین آموزش سپاه پاسداران اظهار داشتند: چون سپاه از متن انقلاب برخاسته و همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و با نام اسلام به وجود آمده مردم توقع و انتظار بیشتری از این نهاد انقلابی دارند به همان گونه که اگر فرضاً یك روحانی خطایی کند موجب تضعیف اساس روحانیّت می‌گردد، اشتباه و خطای یك پاسدار نیز ارزش سپاه پاسداران را خدشه‌دار می‌سازد؛ در حالی که عمل بد یك مغازه‌دار فقط متوجه شخص اوست. بنابراین مسئولین سپاه در پذیرش افراد باید به ایمان، تعهد، اخلاق و دیگر شرایط اسلامی فرد کاملاً توجه داشته باشند تا بهترینها را استخدام نمایند و در صورتی که یکی از اعضا صالح نباشد باید هر چه زودتر مورد پاکسازی قرار گیرد، چون مسئلهٔ شخص نیست و آبروی یك ارگان لکه‌دار می‌شود. آیةالله منتظری افزود اعضای سپاه هرگز نباید خود سرانه کاری کنند که باعث هرج و مرج و

شهید حجةالاسلام شیخ فضل‌الله محلاتی به همراه فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، در بیت‌آیةالله منتظری

عدم امنیت عمومی گردد زیرا این امر برای دشمنان اسلام و رادیوهای بیگانه خوراك تبلیغاتی می‌آفریند. باید تنها از طریق دادگاهها و با حکم حکام شرع متعهد و راستین مأموریتها انجام پذیرد.

آیةالله منتظری در بخش دیگری از سخنان خود با استناد به قرآن کریم افـزودند: سپاه باید به سلاح سنگین مجهز شود و از همهٔ جهات از جمله خلبانی آموزشهای لازم را فراگیرد. چرا که با اسلحهٔ سبك کاری نمی‌توان از پیش برد و این تنها وظیفهٔ سپاهیان نیست بلکـه بر همهٔ مردم ضـروری است که با اسلحهٔ روز آشنا شوند و پدران موظفند به فرزندان خود تیراندازی و استفاده از انواع سلاحها را بیاموزند. آیةالله منتظری با اشاره به عدم تبعیض بین افراد عادی و فرماندهان سپاه ضـمن آن که قناعت و زندگی سادهٔ فرماندهان سپاه را امتیازی قلمداد کردند خـواستار برقـراری یك نوع درجـه‌بندی منظم بر حسـب سوابق، تجربه، و میزان تعهد اخلاقی و عقاید اسلامی در بین اعضـای سپاه شـدند و در رابطه با تجهیز سپاه پاسداران به سلاحهای سـنگین، تشکیل یك دانشکـدهٔ افسـری برای تربیت افـراد سپاه را یادآور شدند. ایشان در پایان ضمن سفارش حاضرین به تقوی و در نظر داشـتن خـدا در همهٔ شـرایط اظهـار امیدواری کردند که مسئولین مملکتی برای هماهنگی بین همهٔ نیروهای مسلح و تجهیز و آموزش کامل آنان و از جمله سپاه همکاریهای لازم را به عمل آورند.

۱۳۵۹/۱۱/۱۰

سمینار سه روزهٔ فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی سراسر کشـور در سـالن جمعیّت هلال احمر قم کار خود را آغاز کرد. در این سمینار که هدف از تشکیل آن همفکـری در مسئلهٔ جنگ تحمیلی، ادامهٔ حیات حرکت مکتبی و نیز بررسی و حل مشکلات سپاه، ادامهٔ حرکت و هماهنگی با روحـانیّت و در مرتبهٔ بالا با ولایت فقیه، مسئلهٔ اساسنامهٔ سپاه که به مجلس برده خواهد شد و بالاخـره نوع کیفیّت امر خـطیر صدور انقلاب می‌باشد. پیش‌بینی شده که نظیر این سمینار، هر ساله در چند نوبت تشکیل شود.

در سمینار فرماندهان سپاه پاسداران که با سـخنرانی فقیه عالیقـدر حضـرت آیةالله العـظمی منتظری افتتاح شد، ایشان طی سخنانی اظهار داشت: شـما برادران همه توجّـه دارید هر انقـلابی دارای دو جنبه است: یك جنبهٔ منفی و یك جنبهٔ مثبت. انقلاب کردن معنایش این اسـت که تشکیلاتی را خـراب کنند و تشکیلات جدیدی به روی کار آورند. ما در انقلابمان در جنبهٔ منفی زود به پیروزی رسیدیم و کاخ استبداد دو هزاروپانصد ساله را ملّت مسلمان با ایمان و همبستگی و در سایهٔ رهبری قـاطع، واژگون کرد. آنچـه مهم است و احتیاج به صرف نیروی زیاد دارد جنبهٔ اثبات قضـیه اسـت که ما بتوانیم یك جمهـوری صـد درصد اسلامی که تمام نهادها و قـوانین و تشکیلات ما بر اسـاس اسـلام باشـد و تمام باقیمانده و ریشه‌های پوسیدهٔ دوهزاروپانصد سـاله را از بین ببریم، و با آنکـه دو سـال از انقـلاب می‌گذرد هنوز نتوانسته‌ایم آن جور که باید حکومتمان را بر اساس اسلام پایه‌گذاری کنیم. جنبهٔ مثبت احتیاج به زمان و کار و کوشش دارد، و راهش این است که همهٔ ارگانها خودشان را بر اسـاس اسـلام بسـازند. آنوقـت جامعه، جامعهٔ اسلامی می‌شود و یکی از نهادهای انقلابی که از متن انقلاب اسلامی جـوشش کرد سپاه پاسداران است. و انتظاری که ملّت از این نهاد دارد خیلی زیادتر از انتظاری اسـت که مردم از نهـادهای

دیگر دارند. سپاه پاسداران چون به نام پاسدار انقلاب روی کار آمده است و در نزد مردم این امتیاز را دارد سایر نیروهای نظامی و انتظامی و مردم همان‌طور که از روحانیّت انتظار دارند از سپاه پاسداران هم انتظار دارند که صد درصد اسلامی باشد. سپاه پاسداران نبایستی خودش را در مقایسه با سایر نیروها قرار دهد و من به فرماندهان سپاه می‌گویم که نبایستی افراد ناجور بین آنها باشد و افراد غیرمکتبی نبایستی در بین شما وجود داشته باشد. بنابراین سعی کنید افرادی که در سپاه هستند صد درصد مکتبی باشند و روششان روش اسلامی باشد.

حضرت آیةالله منتظری افزود: مردم از شما عمل می‌خواهند و فرماندهان بیش از دیگران موازین اسلامی را رعایت کنند. و شما خودسرانه حق ندارید در کارهای مردم دخالت کنید، نه این که هم رأی بدهید و هم اجرا کنید. در حالی که سپاه مکتبی است، و خودش مجری قانون است باید از مسیر قانونی کارها را انجام دهید، و فرمایش حضرت علی (ع) در *نهج‌البلاغه* را به خاطر داشته باشید که می‌فرماید: کسی که خودش را فرمانده قرار می‌دهد، اوّل باید خودش را بسازد و بعد دیگران را. و آن که خودش را می‌سازد ارزش آن بیشتر از کسی است که دیگران را می‌سازد، ولی خودش را نمیسازد. خودسازی مهم‌تر بوده، زیرا جهاد با نفس مهم‌تر از جهاد با دشمن است. و بدانید که تصفیهٔ افراد غیر مکتبی برای سپاه ضروری است و کاملاً هماهنگ و متحّد بوده و همان طور که رمز پیروزی ما مکتب و وحدت کلمه بود این دو روش را حفظ کنید و این مسئلهٔ وحدت و هماهنگی خیلی اهمیّت دارد و در عین حال با برادران ارتشی هماهنگ باشید، زیرا ارتش خود ملّت است و در خاتمه چون سپاه پاسداران در جنگ است لازم است با اسلحهٔ سنگین و مهمّات آشنا باشد و نیروی ایمان داشته باشند. شما خیال نکنید اگر جنگ با عراق تمام شد ابر قدرتها دست از سر ما برمی‌دارند، زیرا منافع ابر قدرتها در جهان سوّم در معرض خطر واقع شده و سپاهیان ما باید با اسلحهٔ سنگین آشنا شوند و حتی توپ‌اندازی را یادبگیرند و همهٔ ارتش، ملّت، پاسدار باید مجهز باشند و از شما دو چیز انتظار داریم که یکی مجهز به سلاحهای سنگین بشوید و این بر عهدهٔ فرماندهان است که در شورای عالی دفاع از مقامات بخواهند، و دیگر اینکه مکتبی باشید زیرا شما پاسدار انقلاب اسلامی می‌باشید و خدا به همهٔ ما توفیق بدهد که در درجهٔ اوّل خودمان را بسازیم و بعد در سازندگی دیگران اقدام و کوشش کنیم.

۱۳۵۹/۱۱/۱۹

در چهارمین روز بزرگداشت پیروزی انقلاب اسلامی، قم میزبان گرامی‌ترین انسانها بوده است، انسانهایی به بزرگی جهان که نمودار وحدت انسجام یافته و آزادیخواهانی که گرچه از نظر نژاد، رنگ، شکل، اختلاف فاحشی دارند لیك خطی واحد را دنبال می‌کنند، در سیرالله و در جهت پیروزی مستضعفین و تحقّق ارادهٔ الهی. سمیناری که در این روز با شرکت میهمانان گرامی در حضور آیةالله العظمی منتظری و تعدادی از مدّرسین حوزهٔ علمیّهٔ قم و جمع کثیری از روحانیون و با شرکت هزاران نفر از طبقات مختلف مردم طبق برنامهٔ با شکوهی برگزار گردیده بود، طبق برنامهٔ پیش‌بینی شده مدعوین و همراهان در ساعت یازده صبح وارد قم شدند و مورد استقبال گرم و کم نظیر مردم

میهمان‌نواز قم که در دو طرف خیابانهای امام خمینی و آستانه تجمع نموده بودند قرار گرفتند.

استقبال آیة الله منتظری از میهمانان دههٔ فجر

حضرت آیةالله مجاهد منتظری که قبلاً به منظور استقبال ازمیهمانان به میدان آستانه تشریف فرما شده بود به محض رسیدن آنان به میدان آستانه به میان آنان رفت و سپس جملگی به حرم مطهر حضرت معصومه ع حرکت کردند و بعد از آن به منظور بازدید از مدرسهٔ فیضیه و دارالشفا به این مکان تاریخی رفتند.

مراسم رسمی از ساعت ۳ بعدازظهر با تلاوت آیاتی از قرآن کریم شروع شد و بعد از آن برنامهٔ سرود توسط دانش‌آموزان دبستان شهید عبدالهی اجرا شد. سپس آیةالله منتظری پشت تریبون قرار گرفتند و سخنان مشروحی در زمینهٔ انقلاب اسلامی ایران ایراد فرمودند آیةالله منتظری در ابتدای سخنان ضمن خوشامدگویی به میهمانان، به شرح جنایات رژیم و اشاره به ویژگیهای انقلاب اسلامی ایران فرمودند که جای بسی تأسف است که شما قبل از انقلاب در ایران نبودید تا جنایات رژیم حاکم بر ایران را مشاهده کنید.

ایشان در قسمتی دیگر از سخنان خود در مورد تبلیغات سوء از جانب ابر قدرتها در زمینهٔ خدشه‌دار کردن انقلاب ما و جلوگیری آن [از صدور] به سایر کشورهای زیر سلطه فرمودند که دشمن سعی می‌کند انقلاب ما را یك انقلاب قومی یا محلّی یا مخصوص به مذهب شیعه قلمداد کند، لکن آنها اشتباه می‌کنند.انقلاب ما انقلابی نیست که مربوطه به قشر یا طایفهٔ خاص باشد، اینها تبلیغات سوئی است [از جانب] دشمنان ما و بعضی از سران کشورهایی که به نام اسلام حکومت می‌کنند ولی نوکر ابر قدرتها هستند.آنهااز این رو که می‌ترسند انقلاب اسلامی ایران به آن کشورها نفوذ کند این تبلغات سوء را بر علیه ما منتشر کردند. شما وظیفه دارید که پیام انقلاب ما را به ملّتهای خود که پیام وحدت و مبارزه است برسانید. و ما ملّت ایران نیز وظیفه داریم خون شهیدانمان پایمال نشود و از شما برادران و خواهران که از راههای دور آمده‌اید استمداد می‌طلبیم که در این جهت به ما کمك کنید. زیرا اسلام مرز ندارد، اسلام مربوط به ایران یا جای دیگر نیست. در قسمت دیگری از سخنان خود آیةالله منتظری به مسئلهٔ تاریخ اشاره کردند و معروض داشتند که چرا در کشورهای اسلامی باید تاریخ میلادی معمول باشد، امّا تاریخ اسلامی متروك باشد. سعی کنید در کشورهای عربی تاریخ هجری معمول گردد. علاوه بر این برادران در هر کجا که هستند سعی کنند با هم ارتباط برقرار کنند، متحد باشند، اختلافات قومی و قبیله‌ای را دور بریزند. امتیازاتی که از نظر اسلام بی‌ارزش است کنار بگذارند از اسلام دفاع کنند. ایشان در قسمتهای دیگری اشاره به ابر قدرتها و سران خائن بعضی از کشورهای عربی کردند و فرمودند: والله این ابر قدرتهای شرق و غرب مثل شیر برقی هستند.بیخود از آنها می‌ترسید. شما اگر متحّد شوید، نفت دارید، گاز دارید، همه چیز دارید، بیدار شوید موقعیت خود را بدانید، به خود آیید، از اسلام و قرآن دفاع کنید. به امید و انتظار روزی که انشاءالله چندین میلیون مسلمان از همهٔ کشورهای اسلامی با نیروی ایمان و استقامت انشاءالله از سوریه که نزدیك ترین کشور به مسجد الاقصی می‌باشد با پای پیاده حرکت کنند و

در صفوف متشکل به طرف قبلهٔ مسلمین حرکت کنند. فقیه مجاهد آیةالله منتظری افزود: و ما چون انقلابمان اسلامی است مادامی که مسلمانان در سایر مکانها گرفتار باشند خودمان را در میدان جهاد می‌دانیم. وظیفهٔ خود می‌دانیم که حمایت از تمام مسلمین گرفتار و مستضعفین دنیا بکنیم.

۱۳۵۹/۱۱/۲۷

حضرت آیةالله منتظری دیروز در جمع خانواده‌های شهدای الجزایر، لیبی، جزیرةالعرب، عربستان سعودی، فلسطین، لبنان، عراق و نمایندگان جنبشهای آزادی‌بخش پولیساریو، بحرین و فتانی که توسط بنیاد شهید به مناسبت سالگرد انقلاب و مراسم تجلیل ازخانواده‌های شهدا و جانبازان انقلاب به ایران دعوت شده‌اند با حضور عدهٔ کثیری از مردم قم در مسجد اعظم این شهر سخنرانی کرد. این گروه پس از صرف ناهار در شهرستان قم به زیارت مرقد مطهر حضرت معصومه علیهاالسلام رفتند و در آنجا یکی از روحانیون دربارهٔ شهر قم و انقلاب سخنانی ایراد کرد. گروه مهمانان سپس به مسجداعظم قم مراجعت کردند و در مراسمی که به همین مناسبت برگزار شد شرکت کردند. در این مراسم ابتدا آیاتی از کلام الله مجید قرائت شد و سپس یکی از مسئولان بنیاد شهید قم ضمن عرض خیر مقدم در مورد انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و آزادی ملل‌مستضعف و مکان مقدس قدس [و آزادی آن] از دست رژیم غاصب توسط مردم مسلمان جهان سخنانی بیان داشت. سپس آیةالله منتظری ضمن گفتن خیرمقدم به مهمانان کشورهای دوست و برادر از طرف حوزهٔ علمیهٔ قم و مراجع عظام و مردم شهر در قسمتی از سخنان خود در مورد رمز پیروزی انقلاب اسلامی ایران گفت: سه عامل ایمان، اتکای به خدا و اتّحاد و همبستگی تمام اقشار ملّت و رهبری قاطع انقلاب توسط حضرت آیةالله العظمی امام خمینی باعث پیروزی انقلاب شد و با دست خالی به جهانیان ثابت کردیم که غیر از ابزار مادّی یك نیرویی هست که بر همهٔ این عوامل فایق است و آن نیروی ایمان و اتکاء به خدا است. به همین جهت مطمئن هستیم که برادران مسلمان ما در کشورهای دیگر با اتکای به این نیرو به پیروزی خواهند رسید، در صورتی که رابطهٔ آنها با خدا محکم باشد. و من باید بگویم که گر چه انقلاب ایران واقع شد ولی محدود به ایران نیست.حضرت آیةالله منتظری درقسمتی دیگر ازسخنانشان گفتند: ما مسلمانان وظیفه داریم تا اسلام را توسعه دهیم و دستورات اسلام را در همه جا پیاده کنیم و اماکن مقدّسه را از دست دولتهای غاصب مانند اسرائیل نجات دهیم و این تنها وقتی میسّر است که با هم متحّد باشیم. پس از پایان سخنرانی آیةالله منتظری توسط یکی از نونهالان فلسطینی قاب عکسی از بیت‌المقدس به ایشان هدیه شد و در ادامهٔ برنامه یکی از اعضای روحانیّت مبارز تهران دربارهٔ وحدت اسلامی سخنرانی کرد و آنگاه سفیر لیبی در مورد فلسفهٔ شهادت سخنانی بیان داشت. بنا به گزارش خبرنگار ما در این مراسم سرودهای انقلابی توسط نونهالان فلسطینی و لبنانی خوانده شد.

۱۳۵۹/۱۲/۸

با حضور فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری، نمایندگی وزارت ارشاد در قم گشایش یافت. در

این مراسم حضرت آیةالله العظمی منتظری طی سخنانی با اشاره به ویژگیهای ارشاد اسلامی که موجب ارشاد جامعه خواهد شد، و اینکه با نهی از منکر باید جلوی فساد گرفته شود، گفت: با شناسایی و به کار گماردن نیروهای جوان و فعال دانشجو و روحانی و نیز افراد کاردان در این مرکز، مسئولیت اسلامی آن باید به طور کامل جامهٔ عمل بپوشد. حضرت آیةالله منتظری افزود: وزارت ارشاد می‌تواند با تدوین یك دایرةالمعارف اسلامی با ویژگیهای تشیع، آرزوی دیرین مسلمین را برآورده سازد، زیرا تا به حال تحقیقات کاملی که بتواند مکتب اسلام راستین را به جهانیان عرضه کند انجام نشده است. ایشان در ادامهٔ سخنان خود با تأکید بر وظایف وزارت ارشاد از مسئولان این وزارتخانه خواست بر تلاش خود در جهت ایفای نقش اساسی ترسیم خطی که مردم بایددرزندگی داشته باشند بیفزایند. در پایان، ایشان به مسئولین امر پیشنهاد کردند با اختصاص یك کانال رادیو تلویزیونی، امکان انتشار درسهای فلسفه، فقه، اصول و تفسیر حوزهٔ علمیهٔ قم را که می‌تواند در گسترش ایدئولوژی اسلام به نحو مؤثری عمل کند فراهم آورند. پیش از سخنان حضرت آیةالله منتظری، آقای دوزدوزانی وزیر ارشاد طی سخنانی ضمن تشریح اهداف این وزارتخانه اهمیّت همکاری روحانیّت متعهد را در ارتباط با برنامه‌های وزارت ارشاد یادآور شد. در این مراسم آیةالله مشکینی و گروهی از مقامهای محلی حضور داشتند.

۱۳۵۹/۱۲/۱۲

مدیر کل سیاسی وزارت کشور به اتفّاق امام جمعهٔ برادران اهل سنّت بندرعباس در قم به حضور فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری رسیدند. در این دیدار در مورد تأسیس مدرسهٔ علمیّه جهت فراگیری علوم اسلام برای طلاب اهل سنّت در استان هرمزگان گفت و گوهایی انجام شد. سپس آیةالله منتظری به لزوم تأسیس دانشگاهها و مدارس دینی در مناطق سنّی نشین کشور جهت پاسخگویی به نیازهای فرهنگی و مذهبی برادران اهل سنّت اشاره کرد و احداث یك مرکز بزرگ اسلامی در سنندج توسط نمایندهٔ امام در آن منطقه را نیز مورد تأکید قرار داد.

۱۳۵۹/۱۲/۱۲

به دنبال درگیریهای فریدون شهر که توسط عناصر خلقی به وجود آمده و منجر به تعطیلی نماز جمعهٔ این شهر شده است این نامه از سوی فقیه عالیقدر آیةالله منتظری خطاب به امام جمعهٔ فریدون شهر انتشار یافت:

بسمهٔ تعالی. جناب مستطاب ثقةالاسلام و المسلمین آقای شیخ محمدعلی مجاهدی، بعد از سلام شنیده شد جناب عالی از اقامهٔ نماز جمعه در فریدون شهر استنکاف کرده‌اید. لازم است به فریدون شهر روید و نماز جمعه را ادامه دهید. از مؤمنین و اهالی محترم فریدون شهر انتظار می‌رود که سنگر حق را حفظ کنند و با حضور در نماز وحدت بخش جمعه توطئه‌های شیاطین را خنثی نمایید. سلام مرا به اهالی محترم فریدون شهر ابلاغ فرمایید. والسلام علیکم و رحمةالله. حسینعلی منتظری.

۱۳۵۹/۱۲/۱۲

حدود سیصدتن از دختران دانش‌آموز عضو انجمن اسلامی دبیرستان پروین اعتصامی و همچنین دختران دانش‌آموز مکتب فاطمهٔ دامغان در قم به حضور فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری رسیدند. در این دیدار آیةالله منتظری ضمن اشاره به نقش بسیار حساس زنان در بازسازی و بارورکردن جامعه و آشنایی نسلها به عقاید اسلامی اهمیّت امر به معروف و نهی از منکر را گوشزد کرد و اظهار داشت: قرآن کریم در این مورد زنان را به موازات مردان بالصراحه مسئول دانسته؛ چرا که نقش زن در پرورش کودکان و آشنا کردن آنان به عقاید و اخلاق اسلام به مراتب بیش از مردان است.

آیةالله منتظری افزود: چنانچه خانوادهها با توّجه و تکیه به فرامین مکتب و اخلاق اسلام تربیت شوند جوامع انسانی به مرور از انحرافات باز می‌ایستند و به سوی جامعه‌ای یك پارچه و آراسته به قوانین و اخلاقیات راستین مکتب اصیل اسلام پیش می‌روند و این مادرانند که چنین مسئولیت خطیر و اززنده‌ای را بردوش دارند. در پایان آیةالله منتظری از حاضرین خواست سعی کنند با انجام وظایف محوّله و مطالعهٔ کتب اسلامی و علمی با رعایت اخلاق و روش اسلام و بحثهای حکیمانه و منطقی با جوانان منحرف، غیر مکتبی به گفت و گو بنشینند و ضمن آنکه آنان را به قوانین حیات بخش اسلام آشنا می‌سازند، هوشیارانه توطئه‌های نفاق افکنانهٔ گروهکهای فاسد و وابسته را خنثی و با سوادآموزی و تحصیل علم و دانش نیازهای انسانی جامعه را در مورد کمبود کارشناس و متخصص بر طرف کنند.

۱۳۵۹/۱۲/۱۶

اعضای انجمن اسلامی نیروی هوایی سمنان وعده‌ای از برادران و خواهران بسیج سمنان و حومه، اعضای دفتر تبلیغات مشهد، خواهران عضو بسیج سمیرم اصفهان، دانش‌آموزان و کارکنان آموزش و پرورش تبریز، دختران دانش‌آموز تهران و همچنین عدّه‌ای از اهالی خرّم آباد و کشاورزان استان گیلان در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری ملاقات کردند.

در این دیدار آیةالله منتظری ضمن بیان حدیثی از حضرت امام محمد باقر ع در مورد کسب علم و دانش و صبر و بردباری در مشکلات و صرفه‌جویی در زندگی در مورد لزوم حفظ اتحّاد و همبستگی اسلامی تذکّر داد. آیةالله منتظری در قسمت دیگری از سخنان خود گفت: برای من شعار ندهید، چون من طلبه‌ای از طلاب قم هستم. تنها به نفع اسلام و امام شعار دهید و بیش از پیش به عمل بپردازید. وی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به توطئه‌هایی که به قصد ایجاد اختلاف و تفرقه بین ملّت و ارتش با روحانیّت انجام می‌گیرد به برادران ارتشی پیام فرستاد که مبادا حرف کسانی را که به شما می‌گویند روحانیّت با ارتش مخالف است قبول کنید. بدانید این یك توطئهٔ امریکایی است. شما می‌بینید رهبر انقلاب از شما حمایت می‌کند و من در نماز جمعه هر هفته برای شما و پیروزی‌تان در جبهه‌های جنگ دعا می‌کنم.

در پایان آیةالله منتظری در مورد نفوذ عوامل وایادی ابر قدرتها در گروها و سازمانهای منحرف از خط اسلام و امام و اجرای توطئه‌ها و نقشه‌های خائنانهٔ خود به دست آنها هشدار داد و بر لزوم بررسی و

تحقیق هر چه بیشتر هواداران این گروهها تأکید کرد.

۱۳۵۹/۱۲/۱۷

زمانی که بنی‌صدر فراری به عنوان رئیس جمهور و فرماندهٔ کل قوا در ایران قدرت شیطانی خود را اعمال می‌کرد بسیاری از فرماندهان متعهد ارتش جمهوری اسلامی ایران و نیروهای حزب‌اللّهی ارگانهای نظامی، از ناحیهٔ او مورد اذیّت و آزار قرار می‌گرفتند و عموماً منزوی می‌شدند. این شیوهٔ پلیدی که او در پیش گرفته بود، آن هم در زمان جنگ، افراد وفادار و دلسوز به انقلاب اسلامی را نگران ساخته بود. لذا آیةالله منتظری دستور داد که اطلاعیّهٔ زیر توسط دفترشان صادر شود:

بسمه تعالی. اخیراً تلگرامهای زیادی مبنی بر اظهار نگرانی و تأسف از برکناری جناب سرهنگ صیاد شیرازی با توجّه به خدمات ارزندهٔ ایشان از فرماندهی عملیّات کُردستان از طرف بسیاری از واحدهای سیاسی ـ ایدئولوژیك ارتش و سپاه پاسداران و چندین ارگان انقلابی دیگر به دفتر حضرت آیةالله منتظری رسیده که همگی به نظر معظم‌له رسانده شد و فرمودند: ضمن تشکّر و تقدیر از هوشیاری و احساس مسئولیت عموم برادران ارتش و سپاه و سایر افراد خدمتگزار در ارگانها یادآور می‌شود که مراتب به تفصیل به عرض رهبر انقلاب رسید و اقدام فوری و تصمیم نهایی محوّل به شورای عالی دفاع گردید. توفیق همگان در حفظ دستاوردهای انقلاب و عمل به دستورات اسلام را از خدای متعال خواستاریم.

دفتر آیةالله منتظری. ۱۷ اسفند ۱۳۵۹[۳]

۱۳۵۹/۱۲/۲۴

جلسهٔ مشورتی ائمهٔ جمعهٔ استان مرکزی و تهران با حضور آیةالله منتظری، مشکینی و ائمهٔ جمعهٔ این دو استان تشکیل شد. آیةالله منتظری امام جمعهٔ قم در نطق افتتاحیه پس از خیر مقدم پیشنهاداتی در مورد مسائل مختلف نماز جمعه و اهمیت این مراسم ارائه داد. وی در قسمتی از سخنان خود به نقش کارساز نیروهای جوان اشاره کرد و گفت: امام جمعه باید همچون پدری مهربان در مقابل کجیها و کاستیها رفتار کند و ضعفها را حکیمانه حل و فصل نماید. برخورد دوستانه در رفع بسیاری از مشکلات ارگانها مؤثر است و ائمهٔ جماعت می‌توانند هفته‌ای یك روز را بدین کار اختصاص دهند و با دعوت مسئولین اجرایی منطقهٔ خود در رفع نارسائیها و نیز پی‌گیری مسائلی که مردم با آن سروکار دارند کوشش نمایند. ایشان همچنین پیشنهاد کرد که با دعوت از نمایندگان ائمهٔ جمعهٔ کشورهای اسلامی که بیشتر به اسلام تعهد دارند، می‌توان با نشان دادن جنایات صدام در ایران، تبلیغات ضداسلامی را خنثی کرد و ایستادگی و مقاومت ملت را به قضاوت آنها گذارد.

حضرت آیةالله منتظری همچنین گفت: شواهد نشان می‌دهد علت هجوم صدام قبل از فرا رسیدن

۳. جراید، ۱۳۵۹/۱۲/۱۹.

ایام حج [این است] که این دولتهای به ظاهر اسلامی تا چه حد از انقلاب ایران و اثرات چشمگیری که فعالیّت حجاج ایرانی داشته است وحشت دارند. خطبه‌های نماز جمعه باید از محتوای غنی برخوردار باشد تا جوانان را مطابق موازین اسلامی ارتقا دهد و بدین وسیله آیندهٔ اسلام تضمین گردد. در قسمت دیگری از این سمینار گزارش فعالیتهای ستاد هماهنگی نماز جمعه ارائه شد. این سمینار امروز نیز ادامه خواهد داشت.

۱۳۶۰/۱/۱۴

اعضای شورای اسلامی روستاهای بیرجند، گروههای مقاومت بسیج کلا و شهریار، بسیج مسجد الفتاح اصفهان، برادران دفتر فعالیّتهای انقلاب اسلامی دامغان، معلمان نهضت سواد آموزی زنجان، همچنین اعضای بخش فرهنگی منطقهٔ ۲ و ٦ سپاه پاسداران تهران، کانون فرهنگی و اسلامی آینده سازان و انجمنهای اسلامی شادآباد و بعضی از ساکنان محله‌های تهران، در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری ملاقات کردند.

در این ملاقات آیةالله منتظری ضمن اظهار امیدواری از اینکه امسال برای مسلمانان خیر و رحمت باشد، تذکر داد: اگر بخواهیم خداوند این سال را برای ما سال برکت قرار دهد و بتوانیم عقب افتادگیهای ناشی از حکومت این پدر و پسر را جبران کنیم باید خودمان بجنبیم و تنها به شعار قناعت نکنیم. همان طور که اگر در خانه‌هایتان می‌خوابیدید و مرگ بر شاه می‌گفتید نتیجه نمی‌گرفتید. و چون راه افتادید، از جان گذشتید و شهید دادید خداوند هم یاریتان کرد و پیروز شدید. الآن هم اعتماد به نفس داشته باشید. اصولاً ایرانیها از ذوق و هوش سرشاری برخوردارند. آیةالله منتظری همچنین به مسئولیت حساس معلمین اشاره کرد و نقش مؤثرشان را در تربیت اسلامی نوباوگان و نوجوانان یادآور شد.

وی سپس خطاب به خواهران افزود: اصولاً زنان بیش از مردان در سازندگی و مخصوصاً در تربیت کودکان نقش مؤثرشان را به بهترین وجه ایفا نمایند.

فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری سپس در مورد رفتار با گروهها گفت: با زبان خوش و به ملایمت با آنها رفتار کنند و... دشمن از تفرقه استفاده می‌کند و دوباره بر ما مسلط می‌شود. آیةالله منتظری در پایان بار دیگر خطاب به کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان و همهٔ اقشار توصیه کرد که برای رهایی از وابستگی و الگو قرار دادن انقلاب اسلامی ایران برای تمامی جهانیان بیش از پیش به تلاش و کوشش خود بیفزایند و به تبلیغات مسموم ضدانقلاب و ایادی گوش ندهند.

۱۳٦۰/۱/۳۰

فقیهٔ عالیقدر حضرت آیةالله منتظری در تلگرامی به حضور رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران با اشاره به سخنان امام امت در مورد وجود توطئه در بعضی از حوزه‌های علمیّه اظهار داشت سطح آگاهی و رشد سیاسی حوزهٔ علمیّهٔ قم بحمدالله تعالی به حدی است که این گونه توطئه‌های صهیونیستی

که در کنفرانس استعماری طائف توسط کیسینجر پیشنهاد شد هیچ گونه اثری در آن ندارد. متن تلگـرام به این شرح است.

بسمه تعالی محضر مبارك رهبر انقـلاب حضـرت آیةالله العـظمی امام خمینی مدظله العـالی. پس از سلام پیرو هشدار حضرت عالی نسبت به توطئهٔ اخیر دشمنان اسلام و مسلمین مبنی بر ایجاد تفرقه بین صفوف متحّد و یك پارچهٔ امت مسلمان و انقلابی ایران، از آنجا که اشاره فرمودید این توطئه در بعضـی از حوزه‌های علمیّه در حال جریان است لازم دانستم به منظور رفع نگرانی آن حضـرت به عرض برسـانم سطح آگاهی و رشد سیاسی حوزهٔ علمیّهٔ قم بحمدالله تعـالی به حـدی اسـت که این گونه توطئـه‌های صهیونیستی که در کنفرانس استعماری طائف توسط کیسینجر پیشنهاد شد هیچ گونه اثری در آن ندارد. این حوزهٔ مقدسه که بزرگ ترین پایگاه تشیع و محکـم‌ترین دژ اهل بیت عصـمت و طهـارت سـلام‌الله علیهم اجمعین می‌باشد همواره در پرتو رهبریهای حضرت عالی و زحمات پیگیر مراجـع محترم و علمای اعلام دامت برکاتهم و مدرّسین و طلاب و فضلای گرام ایدهم الله تعالی سنگر اسـلام و آگاهی و مهـد انقلاب عظیم اسلامی بوده و هست. تاریخ پرشکوه این پایگاه امام صادق علیه‌السلام شاهد است که در دوران رژیم شاه معدوم چگونه در برابر نقشه‌های شیطانی سـاواك ایسـتادگی کرد. گرچـه دسـتهای مرموزی در تلاش است تا مسئلهٔ امریکا و جنگ تحمیلی مزدورش صدام کافـر را به فـراموشی سپرند و به جای آن جنگ شیعه و سنّی راه بیندازند و از این روی فکـر حـوزه را به شـایعات منظم و دروغهـای حساب شده که به دست چند نفر وابسته منتشر می‌شود مشغول می‌دارند و هر روز به شکلی شایع می‌کنند که می‌خواهند کتب و آثار تشیع و شعائر مخصـوص مذهب را از بین ببرند همان گونه که در منطقـه‌های سنّی نشین ایران شایع می‌کنند که دولت می‌خواهد حقوق اهل سـنّت را ضـایع سـازد، ولی این جـانب مطمئنم که مراجع اسلام و روحانیون اهل تسـنّن با کمال درایت و آگاهی دسـت آمریکـا و صـهیونیسم جهانی را در لابلای این جریانات به خـوبی می‌بینند و هرگز به این گونه تحـریکات و القـائات شـیطانی ترتیب اثر نمی‌دهند و همان گونه که حضرت عالی فرمودید جوانان غیور اسـلام آگاهانه مراقـب اوضـاع هستند و هرگونه حرکت و اقدام ضدانقلابی را کشف و به مقامات مسئـول گزارش می‌دهند و آنان نیز به وظایف اسلامی خود عمل خواهند نمود. توفیق همگان را در حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و مبارزه با کفر جهانی و دست نشاندگانش از خدای بزرگ خـواستارم. ادام الله ظلکـم الشـریف. حسـینعلی منتظری. ٦٠/١/٣٠.

توضیح اینکه حضرت امام خمینی در یك سـخنرانی برای مردم آذربایجـان به یك توطئـه در حـوزه‌های علمیّه اشاره کردند و در پی آن اشاره و هُشدار تلگرام فوق به محضر ایشان مخابره شد.

۱۳٦۰/۲/۱۹

گروهی از خواهران بسیج سپاه پاسداران کاشان، سپاه و بسیج اهواز، انجمنهای اسلامی دانش آموزان دبیرستانهای خوانسار، گروهی از خانواده‌های شهدا و مجـروحین جنگ تحمیلی از واحـد فـرهنگی بنیاد

شهید تهران همچنین مربیان و مسئولین نهضت سوادآموزی فسا و نهضت سوادآموزی منطقهٔ ۱۴ تهران، مسئولین امور تربیتی آموزش و پرورش منطقهٔ ۱۶ تهران، گروهی از بازاریان و کسبهٔ صومعه‌سرا و سیاهکل، انجمن اسلامی معلّمان و اعضای مجتمع جهاد سازندگی زرند ساوه، همچنین دانشجویان دانشسرای تربیت معلّم اصفهان، انجمن اسلامی شرکت اماس تهران، مسئولین ستاد کمك رسانی و امداد جنگی را مهرمز و گروههای دانش‌آموزان از مدارس برخی از شهرهای کشورمان در قم با حضرت آیةالله منتظری در دو نوبت دیدار کردند. آیةالله منتظری در این دیدارها ضمن گرامیداشت سوم رجب، سالروز شهادت امام دهم حضرت امام علی‌النقی علیه‌السلام، و در مذمت کبر و غرور روایتی از آن حضرت نقل کرد و افزود غروری را که علم، ثروت و قدرت برای آدمی می‌آورد به قدری است که ضررش از مستی شراب هم بالاتر است. وی همچنین در مورد اهمیّت علم آموزی و کسب مهارت در فنون گفت: کشور ما خاك، آب، معادن و ذخایر زیادی دارد، اما هنوز دوسوم زمینهای کشور بی ثمر مانده، نوددرصد معدنهای ما دست نخورده و هنوز هشتاد درصد از آبهای کشور به هدر می‌رود و برای مهارکردن و استفادهٔ کامل از همهٔ اینها ما به نیروهای مبتکر و درس خوانده بیش از پیش نیاز داریم. او خطاب به جوانان دانش‌آموز و دانشجو گفت: شما امید آیندهٔ کشورید. شمایی که با هوش و استعداد سرشارتان خیلی کارها برای آتیهٔ این کشور انجام خواهید داد. آیت‌الله منتظری همچنین اضافه کرد ایرانیها سابقهٔ دیرینه‌ای در صنعت، تکنیك و تمدّن دارند، منتهی نگذاشتند ما تفکر کنیم. دانشگاههایمان فقط پشت میزنشین تربیت کرد. وی آن گاه به نقش ارزندهٔ بانوان در جامعه اشاره کرد و گفت شما خانمها، در مرد خانه اثر مثبت دارید. در تربیت کودك سعی کنید بچه‌ها را، هم مسلمان و آشنا به مکتب بار بیاورید و هم متخصص و ماهر تا انشاالله درآیندهٔ نزدیك وابستگی ما به غرب و شرق از این نظر هم قطع شود. و اضافه کرد اگر جوانهای ما متخصص باشند و غیرمکتبی کشور را یك باره می‌فروشند و اگر متعهّد باشند و غیرمتخصص نیاز ما به کشورهای خارج قطع نخواهد شد و این ننگ است برای مسلمانان که هنوز از خارج متخصص وارد کنند.

۱۳۶۰/۳/۱

حدود دوهزار تن از خواهران عضو جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان که در پشت جبهه مشغول تأمین نیازمندیهای رزمندگان هستند، همچنین اعضای جهاد سازندگی نوشهر، نهضت سوادآموزی نجف‌آباد، سپاه پاسداران کازرون، سپاه پاسداران ساوه، بنیاد عمران امام قروهٔ سنندج، خانواده‌های شهدا و جمعی از اعضای انجمن اسلامی هواپیمایی ایران هما، گروهی از اهالی دهاقان به اتفاق نماینده‌شان در مجلس شورای اسلامی، نیز گروهی از کارگران کارخانهٔ آقا و شرکت ریسکاریزد، اعضای شرکت تعاونی رانندگان مسافربری استان خراسان و گروهی از خواهران جنگ زده ساکن قم، انجمن اسلامی محبان ولی‌عصر بابل، انجمن اسلامی پیروان ولایت فقیه آسیابك زرند ساوه، نمایندگان پیشاهنگان واحدهای آزاد کشور و دانش‌آموزان مدارس طاهرآباد و قهرودکاشان در سه نوبت با حضرت آیةالله منتظری دیدار و گفت و گو کردند و ایشان در این دیدارها به مهاجرت مهاجرین در زمان پیامبر اکرم از

مکه به مدینه و یاری بی‌دریغ انصار به آنها اشاره کرد و سپس به مقایسهٔ وضع مهاجرین جنگی پرداخت و از مردم خواست تا همانند انصار، آنان را با آغوش باز پذیرا شوند و در امر سامان بخشیدن به وضع زندگی آنان دولت را یاری دهند. وی همچنین خطاب به برادران و خواهران جنگ زده گفت:

ما می‌دانیم که شما در اثر این جنگ زندگی خود را از دست داده‌اید اما من به شما توصیه می‌کنم که صبر و استقامت خود را از دست ندهید زیرا ما همه در بوتهٔ آزمایش قرار گرفته‌ایم و اصولاً خداوند دوستانش را در گرفتاری قرار می‌دهد تا آنها را در معرض آزمایش قرار دهد و صابر باشید که اجر شما نزد خداوند بسیار زیاد است.

حضرت آیةالله منتظری سپس خطاب به خواهران عضو جهاد دانشگاهی دانشگاه اصفهان و تمام کسانی که در پشت جبهه سرگرم تهیهٔ آذوقه و وسایل مورد نیاز رزمندگان هستند، اظهار داشت: شما خانمها که یاری‌رسان برادران سلحشورتان هستید عملتان را کوچك نشمارید. شما مجاهدید. خداوند به شما که جبهه را تأمین می‌کنید ثواب مجاهد فی‌سبیل‌الله نصیب خواهد کرد.

ایشان سپس به روایتی از حضرت علی علیه‌السلام اشاره کرد که در آن آمده است که: ستونهای یك جامعهٔ اسلامی برچهار پایه قرار گرفته است: اول عالمی که علمش را در اختیار همگان قرار می‌دهد. دوم، جاهلی که از فراگیری ابا ندارد. سوم، آن کس که عاشق خدمت به خلق خداست. چهارم، فقیری که آخرتش را به دنیا نمی‌فروشد. ایشان همچنین بی‌سوادان را به شرکت و استفاده از کلاسهای سوادآموزی تشویق کرد و از کسانی که سواد دارند خواست تا در امر سوادآموزی این نهضت را یاری کنند. در پایان خطاب به زنان فرمودند که: می‌دانید اگر بخواهیم جامعه‌ای صددرصد اسلامی داشته باشیم شما خانمها بارسنگینی را بر دوش می‌کشید زیرا شما در تربیت کودکان که آینده‌سازان این مملکت هستند مؤثرترین نقش را دارید. پس سعی کنید بچه‌ها را متدّین و آشنا به اصول اسلامی بار بیاورید تا اگر درآینده در زمینهٔ علوم تخصص کسب کردند، متخصصین کشور، خودفروش از کار در نیایند.

یك شنبه شب خونین

در هفتم تیر یکهزاروسیصد و شصت هجری شمسی شب هنگام، در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، جنایتی هولناك با ابعادی چنان وسیع رخ داد که نظیرش در دنیا دیده و شنیده نشده است.

سالن سخنرانی دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی در تهران منفجر شد و هفتادودو نفر از فرزندان انقلاب اسلامی به شهادت رسیدند.

شهدای این فاجعهٔ بزرگ، عموماً از دولتمردان ایران انقلابی بودند و در رأس آنها شهید عظیم‌الشأن آیةالله دکتر سیّدمحمد حسینی بهشتی، اوّلین رئیس دیوان عالی کشور جمهوری اسلامی ایران بود.

شهید مظلوم دکتر بهشتی با روحیّه‌ای قوی، عزمی استوار، ایمانی کم‌نظیر و درایتی شگرف، در ردیف نزدیك ترین یاران امام خمینی رهبر انقلاب اسلامی بود. او را حمزهٔ شهدای انقلاب اسلامی لقب دادند.

جز آیةالله بهشتی رئیس دیوان عالی کشور، بیست و هفت نفر از نمایندگان امت شهید پرور شهرهای مختلف ایران در مجلس شورای اسلامی، چهار نفر از وزرای کابینهٔ مردمی و مکتبی برادر محمدعلی رجایی، تعدادی از معاونان وزارتخانه‌های مختلف و برخی از اعضای اصلی حزب جمهوری اسلامی در جریان این فاجعه به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمدند.

این جنایت برای امّت مسلمان ایران و محرومان آگاه جهان چنان تأثرانگیز بود که هیچ شخص یا گروه مشخصی جسارت به عهده گرفتن ارتکاب آن را در خود نیافت.

بسیاری معتقدند دستورالعمل آفرینش فاجعهٔ بمب‌گذاری دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی از آمریکا صادر شده و به وسیلهٔ عوامل مزدور و وابستهٔ آمریکا عملی گردیده است.

از جمله ایادی مزدور امپریالیسم آمریکا در ایران که در انقلاب اسلامی لیاقت هیچ‌کاری نیافت جز ترور و تخریب و انفجار، سازمان مجاهدین خلق ایران با لقب شایستهٔ منافقین[٤] بود. این سازمان نگون‌بخت و جنایتکار به همراه دیگر باندهای تروریستی و گروهکهای ضدمردمی، چون چریکهای فدایی، سازمان پیکار، حزب دمکرات، حزب رنجبران، کومله، ایادی بنی‌صدر، رئیس جمهور مخلوع و منفور ملّت ایران در جایگاه ارزش‌مندترین امیدهای آمریکا برای نابودی انقلاب اسلامی قرار داشت.

پس از بررسی مقدّماتی، برای دستگاههای اطلاعاتی و قضایی ایران ثابت شد که سازمان منافقین در جریان بمب‌گذاری هفتم تیرماه شصت در تهران مستقیماً حضور داشته است.

صاحبنظران گفته‌اند هدف از دست زدن به این قتل عام دولتمردان و معتمدان انقلاب اسلامی، ساقط نمودن سه قوهٔ حاکم بر ایران و در نتیجه نابودی انقلاب اسلامی بوده است. امّا دشمنان مردم و اسلام با این اقدام، همچون بسیاری از اقدامات خصمانه و ضدانسانی دیگر، نتوانستند به اهداف پلید خود برسند. چرا که بلافاصله پس از این عمل شوم، کارهای مملکت و ادارهٔ انقلاب اسلامی به روال قبلی خود ادامه یافت و جز دو روز که تعطیل عمومی اعلام شد، هیچ وقفه‌ای درکارها پیش نیامد.

یکی از شهدای بزرگ و با فضیلت این حادثهٔ عظما، شهید حجةالاسلام محمدعلی منتظری، اعلی‌الله مقامه، فرزند برومند و مجاهد حضرت آیةالله العظمی منتظری بود.

محمد منتظری یکی از شخصیتهای مبارز و فعال در انقلاب اسلامی و یکی از افراد مؤثر در همبستگی نهضتهای آزادیبخش جهان و کشورهای اسلامی، و نیز دشمن سرسخت صهیونیسم بین‌المللی و عوامل مرتجع آن، نمایندهٔ مردم مسلمان و مبارز نجف‌آباد در اولین دورهٔ مجلس شورای اسلامی بود. او محبوب محرومان و الگوی مبارزان مسلمان، و اسوهٔ تربیت یافتگان مکتب قرآن بود.[٥]

٤. تشکلی از اوباش و قاتلان و قداره‌بندهای پس مانده از کودتای ننگین سال پنجاه و چهار در مرکزیت سازمان مجاهدین خلق، با جلای اسلامی امّا باطنی ماتریالیستی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جنبش ملی مجاهدین را تأسیس کردند.

٥. برای آشنایی با زندگی استاد شهید محمد منتظری و شناخت افکار و اندیشه‌های این فرزند اسلام و قرآن به کتابهای زیر مراجعه کنید:

فرزند اسلام و قرآن، ج ۱ و ۲، انتشارات بنیاد شهید، تهران، ۱۳٦۱.

یادنامهٔ شهید محمد منتظری، مصطفی ایزدی، انتشارات و تبلیغات فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳٦۱.

در رثای شهادت جانگداز محمد منتظری و هفتادودو شهید دیگر دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، از جمله شهید مظلوم آیةالله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی، ایران سراسر سوگوار و غمزده شد و مردم در سطحی وسیع به برگذاری مراسم یادبود آنها همت گماشتند.

به مناسبت شهادت محمد منتظری و یاران دیگر امام امّت، سیل تلگرام تبریك و تسلیت به حضور آیةالله العظمی منتظری سرازیر شد که ذکری از آنها خواهد آمد.

امّا قبل از همه پیام فقیه عالیقدر در رابطه با حادثهٔ بمب‌گذاری و شهادت هفتادودو تن فرزندان انقلاب اسلامی، از جمله فرزند دلبند ایشان را نقل می‌کنم:

بسم‌الله الرحمن الرحیم. اناالله و اناالیه راجعون. فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظرومابدّلوا تبدیلاً. امّت مسلمان و قهرمان ایران، از فاجعهٔ هولناك شب گذشته مطلع شدید. این فاجعه که به دست گروههای منحرف و وابسته به آمریکا رخ داد بار دیگر چهرهٔ واقعی گروهکهای به اصطلاح مدافع خلق و احیاناً به ظاهر مسلمان را به تمام دنیا و به خصوص هواداران غافل و بازی خورده‌شان نشان داد. ملّت بزرگ ایران، شهادت شخصیت بزرگ اسلام حجةالاسلام والمسلمین دکتر بهشتی و عده‌ای از نمایندگان متعهد مجلس شورای اسلامی این سنگر نفوذ ناپذیر انقلاب و اعضای محترم دولت مکتبی جمهوری اسلامی ایران گرچه ضایعه‌ای بزرگ و غیرقابل جبران است ولی ظرفیّت وسعهٔ صدر و آمادگی کامل شما ملّت رشید و بزرگ در پرتو تمسك به دستورات مقدّس اسلام و پیروی از مقام رهبری انقلاب از همهٔ این مصیبتها و ضایعات بزرگ‌تر است.

امریکای جنایتکار و عمال مزدورش، در هر شکل و گروهی، باید بدانند این ملّت برای همیشه آنها را از کشور و حریم مقدّس انقلاب اسلامی طرد کرده و می‌کند و هرگز راهی برای بازگشت مجدد به این سرزمین مقدّس نخواهند داشت. این جانب شهادت این برادران عزیز و فداکار و فرزند مبارز و زجر کشیده‌ام محمد را که در راه خدا و در جهت پیاده نمودن اهداف مقدّس جمهوری اسلامی ایران با وضعی دلخراش رخ داد به پیشگاه مقدس حضرت بقیةالله الاعظم امام زمان روحی له‌الفداء و رهبر بزرگ انقلاب و روحانیّت متعهد و ملّت قهرمان و مسلمان ایران و همهٔ جنبشهای آزادیبخش جهان اسلام و تمام بازماندگان و خانواده‌های داغدیده تبریك و تسلیت می‌گویم.

دشمنان اسلام باید بدانند که ملّت ایران سالهاست تصمیم قاطع خود را برای نجات از یوغ استعمار سرخ و سیاه و نیل به آزادی در پناه مکتب حیاتبخش اسلام گرفته. آنها نمی‌دانند که این ملت باالهام از سرور شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین ع شهادت را فوز عظیم و رسیدن به آن را افتخاری بزرگ می‌داند. من نمی‌دانم هواداران فریب خوردهٔ این گروههای وابسته و آلت دست ابرقدرتها و پدران و مادران محترم آنان برای این فجایع ننگین که روی تاریخ را سیاه کرده چه تحلیلی به اصطلاح علمی دارند و چطور وجدان خود را قانع می‌کنند که اینچنین به شیطان بزرگ آمریکا خدمت نمایند. من باز به

←

زندگی و مبارزات شهید محمد منتظری، احمد صادقی اردستانی، انتشارات محمد، قم، ۱۳۶۱.

محمّد منتظری در کنار پدر، حضرت آیةالله منتظری

آنان دوستانه تذکر می‌دهم که قدری بیندیشند و راضی نشوند این کشور بزرگ اسلامی را پایگاه ابر قدرتهای جهانخوار و دشمنان قسم خوردهٔ بشریت بکنند. این ضایعهٔ دردناك وظایف دستگاههای امنیّتی و قوای نظامی و انتظامی را سنگین‌تر کرده و ملت بزرگ و رزمندهٔ ایران از دادگاههای انقلاب می‌خواهد با قاطعیّتی بیش از پیش این جنایتکاران را به سزای اعمال ننگینشان برسانند. چرا که کیان اسلام و جمهوری اسلامی در خطر است و بر رزمندگان سلحشور ماست که در جبهه‌های نبرد با اتکا به خداوند متعال و با استواری بیشتر دشمن متجاوز را سرکوب کنند و به جهانخواران شرق و غرب بفهمانند که پیروزی نهایی و تحقق آرمان دو ملت مسلمان عراق و ایران و رهایی مستضعفین جهان نزدیك است. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. ۶۰/۴/۸. حسینعلی منتظری.

همچنین آیةالله العظمی منتظری در یك پیام رادیو و تلویزیونی پیرامون حادثهٔ دلخراش بمب‌گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی تهران مطالب مشروحی بیان فرمودند که متن کامل آن پیام به شرح زیر است:

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. ولنبلونکم بشیئ من الخوف و الجوع و نقص من‌الاموال والانفس و الثمرات و بشرالصّابرین الّذین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انّالله و انا‌الیه راجعون اولئك علیهم صلواة من ربهم و رحمة و اولئك هم‌المهتدون.

برادران و خواهران مبارز و مسلمان ایران، این فاجعه‌ای که یك شنبه شب در تهران رخ داد فاجعه و مصیبت بزرگی بود. ولی بحمدالله شما مسلمانان سعهٔ صدر و روحیّه‌تان وسعتش زیادتر است از اینکه از این طور حادثه‌ها از میدان بیرون بروید. شما برادران و خواهران برای انقلابتان بیش از شصت هزار از جوانان پاکتان شهید شدند و حدود صدهزار معلول و مجروح داشتیم و میلیاردها خسارت داده‌اید برای انقلاب. من مطمئنم که شما برادران و خواهران در صحنه خواهید بود و با همّت شما و همّت رزمندگان ما در جبهه‌ها انقلاب ما انشاءالله تحت رهبری داهیانهٔ امام امت و همّت شما به پیروزی کامل خواهد رسید. من این مصیبت بزرگ را به حضرت ولی عصر عج و به رهبر انقلاب و به همه روحانیّون متعهد و همهٔ برادران و خواهران مسلمان ایرانی و غیرایرانی تبریك و تسلیت می‌گویم. مصیبت هرچه بزرگ باشد اسلام بزرگ‌تر از اینهاست. همانند حضرت سیدالشهدا روحی و ارواحناله‌الفدا عزیزانش در راه اسلام فداکاری کردند و شهید شدند.

وقتی که حضرت سیدالشهدا فرزند دلبندش حضرت علی اکبر را در راه خدا بدهد برای من آسان است که فرزند دلبند مبارزم و برادران عزیزم در راه اسلام فدا شوند. امید است که شما برادران و خواهران همین طور که در صحنه بوده‌اید، و این انقلاب را شما به پیروزی رسانده‌اید، باز هم در صحنه باشید ولی مواظب باشید از حدو مرز اسلام یك وقت تعدی نشود و عقل بر احساسات غالب باشد. با کمال متانت در صحنه باشید و خطاکاران را تحویل مقامات انتظامی بدهید و خودسرانه کاری را که بر خلاف موازین اسلام است انجام ندهید.

من مطمئنم که شما ملّت با آن روحیهٔ انقلابی و علاقهٔ مفرطی که به اسلام دارید و درسهایی که از

سرور شهیدان حضرت سیدالشهدا و اصحاب و اولاد و یاران فداکارش گرفته‌اید شما در صحنه پشتیبان مبارزانتان خواهید بود و انقلاب را انشاء الله به پیروزی می‌رسانید. امیدوارم که همه گوش به فرمان رهبر انقلاب باشید و از رهنمودهای ایشان استفاده کنید و توجّه داشته باشید که وقت حساسی است. دشمن می‌خواهد به واسطهٔ این کارها برادران و خواهران را از صحنه بیرون بیندازد. ولی دشمنان کور خوانده‌اند. اینها حرکات مذبوحانه است که صورت می‌دهند. ملّتی که شصت هزار شهید داده است به این چیزها از میدان بیرون نمی‌رود و وظیفهٔ خدایی‌اش را انجام می‌دهد. اسلام دین پیشرفتهٔ شهادت و انقلاب است. ما از شهادت باکی نداریم.

این درسی است که قرآن به ما می‌دهد. بنابراین دشمنان بدانند که دیگر نمی‌توانند با این حرکات مذبوحانه ملّت مسلمان ایران را از تصمیم قاطعش بازدارند. ملّت راهش را انتخاب کرده است و ادامه خواهد داد. ضمناً به هواداران گروهها برای چندمین بار دوستانه، برادرانه، پدرانه تذکّر می‌دهم که شما وسیله و آلت دست عمال سیاست شرق و غرب نشوید. شما جوانان پاك را، احساسات پاك شما را، ملعبه قرار داده‌اند. برای این که آنها می‌خواهند به ریاست و به مقام برسند. شما بچّه‌های عزیز را آلت دست قرار داده‌اند. شما بچه‌های عزیز که گول خوردید و به دام این گروهها افتادید برگردید و ضرر از هرجا برگردد به نفع است. راضی نشوید کشور انقلابی و اسلامی ایران به دامن شرق و غرب بیفتد، آن وقت گناهش گردن شماست و شما پدران و مادران جوانان عزیز بچه‌هایتان را ارشاد کنید. نگذارید عامل جنایت این گروهها شوند. شما برادران و خواهران و پدران این جوانهایی که با یك احساسات در دامن این گروهها افتاده‌اند توجّه داشته باشید ببینید چه افرادی را مورد سوء قصد قرار می‌دهند. آن مرحوم شهید استاد آقای مطهری طاب‌ثراه. بعداً جناب حجةالاسلام آقای هاشمی رفسنجانی که یاد دارید مورد سوء قصد قرار دادند و دو روز گذشته بود که امام جمعهٔ تهران حضرت حجةالاسلام والمسلمین آقای خامنه‌ای با آنهمه فعالیتهایی که در این کشور داشت مورد سوء قصد قرار دادند. یکشنبه شب هم در این حادثهٔ دلخراش مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقای دکتر بهشتی و بسیاری از چهره‌های پاکی که در این انقلاب فعالیّت زیاد داشته‌اند، سابقهٔ درخشان داشته‌اند، به جرم اینکه اینها در مقابل اجانب تسلیم پذیر نبودند، اینها را هدف قرار دادند. مرحوم شهید حجةالاسلام دکتر مفتح و این چهره‌های درخشان را شما در ذهنتان جمع کنید.

گرچه شاید تعریف، خیلی خوب نباشد. فرزند خود من محمد منتظری چقدر سابقهٔ زندان داشت، چقدر شکنجه دید در زندان در رژیم گذشته، چقدر آوارگی داشت. آن وقت این چهره‌ها را می‌آیند مورد هدف قرار می‌دهند. آیا با کجای اسلام، با کجای بشریّت، این منطق و این روش سازگار است. من باز دوستانه و پدرانه به این بچه‌هایی که آلت دست شده‌اند تذکّر می‌دهم که راضی نشوید کشور به دام شرق و یا غرب بیفتد. خداوند انشاءالله مرحوم حجةالاسلام والمسلمین آقای دکتر بهشتی که سابقهٔ درخشانی دارند و فعالیتهای اسلامی زیادی داشته‌اند و سایر شهدای این حادثه و شهدای حوادث دیگر را با حضرت سیدالشهدا روحی وارواحناالعالمین‌له الفداء واولاد و یارانش محشور فرماید. خداوند به برادران و خواهران و به همه اجر بدهد و خدا شهدای شما را با شهدای صدر اسلام محشور کند. خداوند انشاء الله

دو شهید بزرگوار اسلام: آیةالله دکتر سید محمد حسینی بهشتی و حجةالاسلام محمّد منتظری

به من، به همهٔ برادران و خواهران توفیق بدهد که برای اسلام و مسلمین و انقلاب اسلامی ایران تحت رهبریهای روحانیّت متعهد و مخصوصاً رهبر انقلاب حضرت آیةالله العظمی امام خمینی وظیفه‌مان را انجام دهیم و آنچه برای ما مهمّ است انجام وظیفه است. شما توجه داشته باشید انسان را اگر آورده بودند در دنیا برای زندگی کردن و خوش گذراندن آن وقت به واسطهٔ این ناگواریها ممکن بود از میدان در برود ولی خدا می‌فرماید: لقد خلقناالانسان فی‌کبد، یعنی قطعاً انسان را ما برای فشار و زحمت خلق کردیم که در این فشارها، در این زیر و بمها و در این حوادث و گرفتاریها انسانها پخته و ورزیده بشوند و باطنشان بروز بکند. خوبها موّحد بشوند و بدها جدا بشوند. اصلاً خاصیّت خلقت ما در دنیا برای همین جهت است. بنابراین من به همهٔ برادران و خواهران و به بازماندگان شهدای حادثهٔ دلخراش یك شنبه شب و همهٔ خانواده‌های شهدا توصیه می‌کنم که با صبر انقلابی مواجه بشوند و این مشکلات را برخودشان هموار کنند. هدف وقتی که بزرگ باشد پذیرش رنج آسان‌تر می‌شود.

مطلب ما بالاتر از اینهاست: اسلام. بزرگان او برایش فداکاری کردند. وقتی که حضرت سیدالشهدا و اصحاب و یارانش در این راه شهید شدند وقتی که علی اکبر حسین شهید می‌شود در این راه و امام حسین خودشان با دست خودشان فرزندشان را می‌فرستند به میدان آن وقت ما دیگر نباید نگران باشیم. بایستی که راضی باشیم به قضای خدا. این زبان حال همه باشد. من باز هم به بازماندگان نمایندگان مجلس، بازماندگان اعضای کابینه و بازماندگان همهٔ شخصیتها این مصیبت بزرگ را تبریك و تسلیت می‌گویم و از برادران و خواهران مسلمان انتظار داریم حامی و پشتیبان مجلس و دولت باشند. شما توجّه دارید این همان دولتی است که آقای ریگان دو مرتبه گفته باید این دولت ساقط بشود. کسانی که برای شکستن این دولت و از بین بردن دولت فعالیّت می‌کنند اینها عملاً دارند قدم بر می‌دارند در راهی که ریگان می‌خواهد. بنابراین شما، هم حامی مجلس باشید و هم حامی دولت باشید. امیدواریم انشاءالله این مجلس آنچه در توان دارد به نفع انقلاب اسلامی ایران فعالیّت کند. نمایندگان وظیفهٔ انقلابی خود را انجام بدهند و همهٔ برادران و خواهران را باز به خدا می‌سپارم. از او توفیقتان را خواهانم. بالاخره بدانید که هدف وقتی که بزرگ باشد حادثه هرچه بزرگ باشد در مقابل هدف کوچك است و شما با این سعهٔ صدری که دارید تحمّل خواهید کرد. والسلام علیکم جمیعاً و رحمةالله و برکاته.[۶]

با دقّت و تأمل در این دو پیام، به میزان صبر و مقاومت ارزشمند آیةالله منتظری در مقابل مصیبت از دست دادن دلبند عزیزش (محمد) پی می‌بریم. معظم‌له از این تاریخ به مجموعهٔ مقدّس خانواده‌های معظم شهیدان پیوست و به عنوان پدر مؤمن و متقی شهیدی از بزرگان انقلاب اسلامی، بر گرانمایگی خانواده‌های شهیدان افزود.

گرچه شهادت بزرگمردانی چون استاد محمد منتظری و آیةالله دکتر بهشتی ضربه‌های جبران

۶. این پیام در تاریخ ۱۳۶۰/۴/۹ از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد.

ناپذیری بود که منافقین به اسلام و انسانیّت زدند، امّا به یقین سخنان حضرت امام خمینی و آیةالله منتظری حرکتی جدید در مردم پدید آورد که موجب پالایش سرزمین اسلامی ایران از منافقین و گروهکهای ضد خلق شد.
به منظور عرض تبریك و تسلیت به فقیه عالیقدر، سیل پیام و تلگرام به سوی دفتر ایشان سرازیر شد که تعدادی از آنها را آیةالله منتظری مستقلاً و بسیاری از آنها را در یك پیام مشترك پاسخ فرمود. بدیهی است نقل همهٔ آنها با حجم کتاب تناسبی ندارد.[۷] لذا صرفاً به نقل تلگرام حضرت امام خمینی مدظله خطاب به فقیه عالیقدر، و پاسخهای ایشان به معظم‌له و سایر کسانی که این فاجعهٔ عظیم را تسلیّت گفته‌اند، بسنده می‌کنیم. تلگرام رهبرکبیر انقلاب اسلامی به آیةالله منتظری بدین شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. حضرت حجةالاسلام و المسلمین آقای منتظری دامت برکاته، گر چه تمام شهیدان انقلاب و شهیدان عزیز و معظم یك شنبه شب از برادران ما و شما بودند و ملّت قدرشناس برای آنان به سوك نشستند و دشمنان اسلام در شهادت آنان شاد و اسلام عزیز سرفراز است، لکن از فرزند عزیز شما شناختی دارم که باید به شما با تربیت چنین فرزندی تبریك بگویم. او از وقتی که خود را شناخت و در جامعه وارد شد ارزشهای اسلامی را نیز شناخت و با تعهد و انگیزهٔ حساب شده وارد میدان مبارزه علیه ستمگران گردید. او با دید وسیعی که داشت سعی در گسترش مکتب و پرورش اشخاص فداکار می‌نمود. محمد شما و ما خود را وقف هدف و برای پیشبرد آن سرازپا نمی‌شناخت. شما فرزندی فداکار و متعهد و متفکّر و هدف‌دار تسلیم جامعه کردید و تقدیم خداوند متعال. او فرزند اسلام و فرزند قرآن بود. او عمری در زجرها و شکنجه‌ها و از آن بدتر شکنجه‌های روحی از طرف بدخواهان به سر برد. او به جوار خداوند مَتعال شتافت و با دوستان و برادران خود راه حق را طی کرد. خدایش رحمت کند و با موالیانش محشور فرماید. از خداوند متعال برای جناب عالی و بازماندگان آن فرزند برومند اسلام صبر و اجر خواهانم. والسلام علیکم و رحمةالله. روح الله الموسوی‌الخمینی.

آیةالله منتظری در پی دریافت این تلگرام، پیامی خدمت رهبر انقلاب حضرت امام خمینی فرستاد. متن آن پیام چنین است:

بسمه تعالی محضر مبارك مرجع بزرگ انقلاب آیةالله العظمی امام خمینی مدظله العالی. بعد از سلام، پیام روح‌آفرین و تسلّی بخش آن حضرت را شنیدم. ضمن تشکر و تبریك و تسلیت متقابل، از این که خدای متعال توفیق عطا فرمود و توانستم فرزندی با آن ویژگیهایی که حضرت عالی اشاره فرمودید تقدیم خدای منان کنم بسیار مفتخر و خوشوقتم. گرچه من امید داشتم که در آینده خدمت بیشتری به انقلاب عظیم اسلامی که عمر خود را در آن صرف نمود بنماید و حاکمیّت اسلام در تمام جهان

۷. اهم این گونه پیامها و تلگرامها و پاسخ آنها در کتاب *یادنامهٔ شهید محمد منتظری* آمده است.

مستضعفین و محرومین را که به آن عشق می‌ورزید و محور تمام تلاش او بود از نزدیك ببیند ولی لابد تقدیر الهی و مصلحت چنین بود که خون پاك او و سایر همسنگران و همرزمان عزیزش رسیدن به این هدف بزرگ را سرعت بخشد. شاید دشمنان اسلام که به دست گروههای وابسته چنین فاجعه‌ای را به وجود آوردند و عده‌ای از ابرار و شخصیتهای مؤثر در انقلاب از جامعهٔ انقلابی ما گرفتند ـ خیال کنند که خلئی را در ادامه و گسترش انقلاب بوجود آورده‌اند، ولی باید بدانند که این شجرهٔ طیبه که به دست توانای پیامبر اسلام و ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام در بستر تاریخ بشریت غرس شده و تا کنون با خونهای مقدّس آبیاری گردیده و اکنون رسالت حفظ و بارور نمودن این امانت بزرگ الهی به دست با کفایت رهبر عظیم‌الشأن اسلام سپرده شد، اصلها ثابت و فرعها فی‌السماء و هرگز از باروری در سخت‌ترین شرایط نمی‌ایستد.

دشمنان خدا و مردم نمی‌توانند خلاقیت و تأثیرات معنوی خون شهید و برکات وجود حضرت عالی را درك نمایند. من مطمئنم امّت قهرمان و بیدار ما در پرتو رهبریهای صحیح حضرت عالی و پشتیبانی روحانیّت متعهد این بار سنگین را به منزل اصلی می‌رساند و هرگز چنین کارهای کور و بی‌هدف تأثیری در تصمیم قاطع آن نداشته و ندارد. از خدای بزرگ علو درجات معنوی برای تمام شهدای عزیز اسلام و صبر و اجر عظیم برای بازماندگان و خانواده‌های محترم آنان مسئلت دارم. ادام الله ظلکم علی رئوس المسلمین. حسینعلی منتظری. ۶۰/۴/۹.

فقیه عالیقدر در پاسخ به تلگرامها و پیامهای تبریك و تسلیت فراوانی که دریافت کرده بود، بیانیه‌ای بدین مضمون منتشر ساخت.

بسمه تعالی. پس از فاجعهٔ هفتم تیرماه و به شهادت رساندن هفتادودو تن از شخصیتها و یاران اسلام و امام توسط گروهکهای منحرف و در خط امریکا، از طرف بسیاری از دوستان، شخصیتهای روحانی و سیاسی داخل و خارج، سازمانها و جمعیّتهای انقلابی و اسلامی، جامعهٔ روحانیّت بسیاری از شهرستانها، اعم از برادران تسنن و تشیع، انجمنهای اسلامی اکثر سازمانهای دولتی، ارگانهای انقلابی و ائمهٔ جمعه و جماعت اکثر شهرستانها، نمایندگیهای نهضتهای آزادیبخش جهان اعم از فلسطین، افغانستان، عراق، مورو، فطانی و غیره و اقلیّتهای مذهبی داخل کشور به وسیلهٔ تلفن و ارسال تلگرام و نامه اظهار همدردی و تنّفر از آمران و عاملان این فاجعهٔ ننگین و تبریك و تسلیت نسبت به شهادت این عزیزان به عنوان این جانب به عمل آمد که با توجّه به کثرت آنها متأسفانه عملاً امکان جواب خصوصی جداگانه به یك یك آنها وجود ندارد. از این رو ضمن عرض معذرت و پوزش مراتب تقدیر و تشکّر خود را از این احساسات پاك و عواطف مذهبی و انسانی تمام خواهران و برادران داخل و خارج کشور اعلام داشته مجدداً به تمام خانواده‌ها و بازماندگان شریف شهدای عزیز اسلام، به خصوص شهدای هفتم تیر، تبریك و تسلیت گفته رضوان حق تعالی را برای آنان و صبر و پایداری و اجر عظیم را برای بازماندگان و توفیق ادامهٔ راه آن عزیزان را برای همگان از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علی عبادالله

شهید بهشتی در کنار آیةالله منتظری

الصالحین. قم. حسینعلی منتظری. ۶۰/۴/۱۷.

ادامهٔ دیدارها

۱۳۶۰/۴/۱۰

در رابطه با شهادت افتخار آفرین هفتادودو تن از یاران امام و امت پیش از ظهر دیروز گروه‌های مختلف مردم عزادار شهر خون و قیام قم در چند نوبت با فقیه عالیقدر آیةالله منتظری دیدار کردند و شهادت جانگداز فرزندشان را به ایشان تبریك و تسلیت گفتند.

در این دیدارها، آیةالله منتظری ضمن تشکر و تقدیر از احساسات مردم به پا خاستهٔ قم گفت: همّت شما برادران و خواهران بود که این انقلاب را به پیروزی رسانید. امیدوارم همچون گذشته در صحنه باشید و با اجتماعات منظم خود، مشت محکمی به دهان دشمنان انقلاب بزنید. ما به برکت امام و پایداری و وحدت کلمهٔ شما تا به اینجا رسیده‌ایم و انشاءالله در سایهٔ توجّهات حضرت ولی عصر امام زمان عج این انقلاب به انقلاب جهانی مبدّل خواهد شد. من از همهٔ مأمورین و پاسداران می‌خواهم در رابطه با افراد مشکوکی که به آنان معرفی می‌شوند، اخلاق اسلامی را رعایت کنند و حتی با دشمنان خویش مدارا نمایند.

سپس مردم در حالی که شعار می‌دادند عزاعزاست امروز روز عزاست امروز، محمد منتظری پیش خداست امروز، امام جمعهٔ ما، صاحب عزاست امروز، با تصاویری از شهدای خود، در خیابانهای شهر، که به عنوان عزاداری سیاه پوش بود، راهپیمایی کردند و بار دیگر نشان دادند که آمادهٔ هر نوع فداکاری در راه آرمانهای انقلاب اسلامی هستند و چنین رویدادهایی عزم آنان را در پیروی از امام امّت، راسخ‌تر خواهد کرد.

پیام به شهید رجائی

۱۳۶۰/۵/۱۲

این تلگرام از سوی آیةالله منتظری خطاب به رئیس جمهور برادر رجائی صادر شد: الیوم یئس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهم واخشون. جناب آقای رجائی رئیس جمهور محترم دامت توفیقه، پس از سلام پیروزی امت مسلمان ما بر جریان امریکایی اخیر که منجر به انتخاب جناب عالی به ریاست جمهوری شد انقلاب را وارد مرحلهٔ جدیدی ساخت. این انتخاب بزرگ که امید است نوید بخش تداوم صحیح خط راستین انقلاب اسلامی باشد شیطان بزرگ در جبههٔ متحد ضد انقلاب را که راه صاف کن آن هستند از آنجا که خود را رویاروی مردم دیدند سخت مأیوس نمود و به منظور انتقام از مردم قهرمان ما و آماده ساختن زمینهٔ دخالت و نفوذ مستقیم قدرتهای بیگانهٔ امریکا و دستیارانش می‌کوشند تروریسم را تقویت و گسترش نمایند و با بمب‌گذاریها و حملهٔ مسلحانه به منازل مردم و کشتن زنان و کودکان معصوم و ناامن نمودن راههای روستایی آسایش و زندگی راحت را از مردم بگیرند. تاریخ انقلاب ما نشان می‌دهد که این گونه تحریکات و خرابکاریها توسط گروهکهای منحرف و مزدور داخلی گرچه به

ظاهر خطری برای استقلال کشور بوده و سرآغازی است برای اهداف شوم دشمنان اسلام و نظام جمهوری اسلامی ولی ایمان و اتکاء به وعدهٔ نصرالهی حقیقت بزرگی است که تمام معادلات مادی و سیاسی دنیای کفر و نفاق استکبار جهانی را تا کنون بر هم زده و تلاش جبههٔ متحد ضد انقلاب جز تلاش در نابودی خود ثمری نداشته. این جانب ضمن تبریك انتخاب جناب عالی را برای این مسئولیت عظیم از باب ذکر، فان‌الذکری تنفع المؤمنین و از آنجا که فردی مؤمن به انقلاب اسلامی و علاقه‌مند به تعالیم مذهبی هستید، خاطر شما را به دو جملهٔ آموزنده و معروف حضرت امیرالمؤمنین علی‌علیه‌السلام جلب می‌نمایم. حضرت در مورد ارزش ریاست و حکومت اشاره به کفش کهنه و مندرس خود کرده و می‌فرماید: والله لهی احب الی من امرتکم الاان اقیم حق او اطفع باطلا. (به خدا سوگند این کفش پاره و بی‌قیمت نزد من از ریاست بر مردم بهتر است، مگر آنکه در پناه آن حقی را به پا دارم و یا باطلی را ریشه‌کن سازم). و نسبت به مسئولیت سنگین امارت و ریاست می‌فرماید: ان عملك لیس لك به طعمة ولاکن هوفی عنقك امانة (این ریاست برای تو لقمه و طعمه نخواهد بود بلکه امانتی است الهی برگردن تو). اکنون که به فرمودهٔ امام امت هماهنگی کامل بین تمام ارگانهای انقلابی به وجود آمده باید با احتراز از نفوذ اشرافیت و تجملات طاغوتی در حریم ریاست جمهوری با تمام توان و قدرت به مردم محروم و مستضعف که پشتوانهٔ اصلی انقلاب بوده و هستند خدمت کرد و از شعار بدون عمل پرهیز نمود. نیروهای مذهبی خالص و در خط راستین انقلاب اسلامی را باید تأیید و تقویت نمود. آنها نیز باید با صداقت و صمیمیت یکدیگر را تقویت کرده همچون گذشته با وحدت کلمه و اخلاص در عمل از توطئه‌ها، خدعه و مکر دشمنان اسلام و استقلال غافل نباشند و با الهام از هدایت و رهبری امام مدظله انقلاب را به پیروزی نهایی برسانند. توفیق شما و سایر مسئولین محترم را در انجام این رسالت بزرگ الهی از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةالله. ۶۰/۵/۱۲. حسینعلی منتظری.

پیام به شهید با هنر

۱۳۶۰/۵/۳۰

به مناسبت انتصاب آقای دکتر محمد جواد باهنر به نخست وزیری جمهوری اسلامی ایران و تأیید کابینهٔ ایشان توسط مجلس شورای اسلامی، تلگرامی از سوی حضرت آیةالله العظمی منتظری برای آقای باهنر مخابره شد. متن تلگرام به این شرح است: بسمه تعالی ـ جناب مستطاب حجةالاسلام آقای دکتر محمّد جواد باهنر نخست وزیر محترم جمهوری اسلامی ایران دامت توفیقاته، پس از سلام، اکنون که انقلاب اسلامی ایران امّت ما از توطئهٔ امریکایی اخیر نجات یافت و چهرهٔ جبههٔ متحد ضدانقلاب شناخته شد و جناب عالی به نخست وزیری انتخاب و کابینهٔ شما به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید، لازم دانستم ضمن تبریك این انتخاب نکاتی را یادآور شوم. در اینکه از بدو پیروزی انقلاب تا کنون به عللی که همه می‌دانند فرصتهای بزرگ را قصوراً یا تقصیراً از دست داده‌ایم شکی نیست، تا بالاخره مسیر تحولات اخیر به اینجا منتهی شد که خط انحرافی شناخته و با همّت مردم از صحنه خارج شد و در نتیجه تمام ارگانهای دولتی و انقلابی هماهنگ و در خط اسلام اصیل قرار گرفتند و به موازات

همین پیروزی و یاس امریکا از انحراف مسیر اصلی انقلاب، گروهکهای منحرف و وابسته، به جنگ مسلحانه با جمهوری اسلامی و خشونت و ترور کشیده شدند و عدّه‌ای از جوانان ساده‌لوح و با حسن نیت را توانستند بفریبندو در دام خود بیندازند. در چنین شرایط حساسی این دولت است که باید با موضع‌گیری انقلابی و سریع خود نسبت به تمام مسائل حیاتی انقلاب و مردم، دشمنان اسلام را خلع سلاح کرده امید ما را مجدداً سرزنده سازد و انگیزه‌ای را که آنان با فریب و استفاده از نارضایتیها و عملکرد گذشته در افراد بی‌تجربه و ساده لوح به وجود آورده‌اند، به نحو احسن از آنان بگیرد. طبیعی است که برای جبران گذشته و تحقق اهداف الهی، انقلاب باید با پرهیز از شعار بدون عمل و مصاحبه‌ها، وعده‌های تکراری و تشریفاتی و بی‌توجهی به علل اساسی ضعفهای گذشته، از نیروهای اسلامی خالص و لایق بدون منظور داشتن وابستگیهای خاص گروهی استفاده نماید. اگر ملاك به کار گرفتن افراد، ایمان، تقوا و لیاقت شد هیچگاه زمینهٔ تعارض و درگیری و نصب و عزلهای بی‌مورد پیش نخواهد آمد.

به نظر این جانب خط امام بهترین و اصیل‌ترین محوری است که می‌توان در تقسیم مسئولیتها، ملاك قرار داد و نباید هیچ گروه و جمعیتی، انقلاب را میراث انحصاری خود بداند. از جمله ضعفهای گذشته که تا کنون ضد انقلاب از آن بهره برده، نداشتن یك ارگان قوی و هماهنگ اطلاعات و تحقیقات است. پیرو توصیه‌های مؤکد امام مدظله، مجلس شورای اسلامی باید به این نقش توجه کند و یك ارگان معیّنی را با ضوابط مشخصی مسئول این مهّم بشناسد و تأکید نماید که این ارگان به دور از اعمال جاذبه و نفوذهای خاص شخصی و گروهی، با همکاری امت قهرمان و سایر ارگانها یك سیستم دقیق خبریابی از توطئه‌های دشمنان اسلام به وجود آورد و تشکیلات اطلاعاتی مختلف در آن ادغام گردد. امید است دولت حضرت عالی با همکاری و همفکری ارگانهای انقلابی و امّت بیدار و رهبریهای قاطع و صحیح امام، بتواند با تصمیمهای انقلابی و پشتکار و کوشش به اهداف مقدس جمهوری اسلامی نایل گردد و با انجام خواسته‌های مشروع محرومین و مستضعفین که پشتوانه اصلی انقلابند، انقلاب اسلامی را به مراحل عالی و بالاتری برسانند. در خاتمه با توجه به روشن شدن مواضع سیاسی گروهکهای منحرف و محارب و تأیید مستقیم امپریالیسم از آنان، از هواداران آنها انتظار می‌رود کمی خارج از چهارچوب گروهی، آزادانه فکر کنند و به عواقب شوم و خشونتهای خود که جز به نفع دشمنان اسلام و استقلال کشور نخواهد بود بیندیشند و بیش از این آب به آسیای آنان نریزند و به دامن اسلام و انقلاب برگردند. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته ـ حسینعلی منتظری.

۱۳۶۰/۷/۱۳

در رابطه با صرف بهای گوسفند قربانی مستحبی در امور جنگ و جنگزدگان، اطلاعیّه‌ای بدین شرح از طرف دفتر آیةالله منتظری در اختیار خبرگزاری پارس در قم قرار گرفت:

بسمه تعالی. بدین وسیله به اطلاع برادران و خواهران محترم می‌رساند اخیراً مراجعات و تلفنهای زیادی به این دفتر مبنی بر صرف نمودن بهای گوسفند قربانی در امور جنگزدگان و رفع نیازهای جبههٔ جنگ می‌شود. مراتب به نظر آیةالله منتظری رسید. فرمودند به جاست اکنون که گرفتار جنگ تحمیلی رژیم

کافر عراق می‌باشیم و عدهٔ زیادی از هموطنان مسلمان از خانه و کاشانهٔ خود آواره شده‌اند و از طرفی جبهه‌ها نیاز مبرم به کمك مالی دارند، پول گوسفند قربانی را به شمارهٔ حساب ۲۱۹ بانك صادرات شعبهٔ باغ ملّی قم و سایر حسابهای اعلام شده از طرف دولت و ارگانهای مربوطه واریز نمایند. توفیق همگان را در خدمت به انقلاب عظیم اسلامی و مستضعفین جهان از خدای بزرگ مسئلت دارد. والسلام من اتبع الهدی. ۶۰/۷/۱۳. دفتر آیةالله منتظری.

پیام به حجةالاسلام خامنه‌ای

۱۳۶۰/۷/۱۵

به مناسبت انتخاب حجةالاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای تلگرام تبریکی از سوی آیةالله منتظری خطاب به ایشان ارسال شد. متن این تلگرام چنین است:

بسمه تعالی جناب مستطاب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهور محترم دامت افاضاته، پس از سلام انتخاب جناب عالی را به ریاست جمهوری و تنفیذ آن از طرف مقام رهبری انقلاب افق جدیدی را برای ملت مسلمان و مجاهد ما باز نمود. در شرایطی که رسانه‌های مزدور و وابسته به امپریالیسم و صهیونیسم، همصدا با گروهکهای منحرف و در خط آنها جوّی کاذب و انحرافی از روند انقلاب و اوضاع داخلی کشور را برای افکار عمومی جهان ساخته و پرداخته بودند، انتخاب شایستهٔ شما به ریاست جمهوری با آن شرایط طبیعی و استقبال بی‌سابقهٔ مردم آگاه ما باردیگر بطلان و بی‌اساسی معادلات سیاسی آنان را برملا ساخت. شما خود توجه دارید که تمام این پیروزیها، همان گونه که حضرت امام مدظله العالی فرمودند، مدیون آگاهی مردم و پایبندی آنان به اسلام عزیز است. در کجای دنیا می‌توان ملّتی اینچنین آگاه، مقاوم و فداکار پیدا نمود و باید مسئولین امور از جان و دل به این مردم شریف و صبور خدمت نمایند و بدانند کوچك‌ترین سستی و بی‌توجهّی به مسئولیتها خیانتی است به انقلاب و مردم. امید است جناب عالی با شناخت و تجربه‌های ارزنده‌ای که دارید بتوانید مسئولیت خطیر را در ظل توجّهات حضرت ولی عصر ارواحناله‌الفداء به احسن وجه انجام دهید. توفیق همگان را در پیشبرد و گسترش انقلاب عظیم اسلامی و نجات تمام محرومین و مستضعفین جهان را از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. حسینعلی منتظری.

پاسخ رئیس جمهوری

در پاسخ تلگرام تبریك آیةالله العظمی منتظری به مناسبت انتخاب حجةالاسلام والمسلمین سیدعلی خامنه‌ای به سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران، از سوی رئیس جمهوری تلگرامی خطاب به ایشان مخابره شد. متن این تلگرام به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم، حضرت آیةالله منتظری دامت برکاته، با سپاس از مراحم آن جناب آرزومندم که خدای متعال مرا در مسئولیت جدید همواره مورد عطوفت و رضایت پیشوایان و پیشروان جامعهٔ

انقلابیمان قرار دهد. وجدان بیدار و گام استوار مردم ما که رأی شکننده و قاطع آنان در انتخاب رئیس جمهور یکی از نشانه‌های آن است خود نشئت گرفته از برکات کوشش معلمان و آگاهان دلسوز و فداکاری چون جناب عالی است و امروز در مقابله با توطئه‌های استکبار جهانی در راه انقلاب اسلامی ما بیش از همیشه به این کوشش نیاز هست تا عمق یافتن آگاهیهای ملّت مبارز و مقاوم ما برای همیشه امید توطئه‌گران جهانی و عوامل داخلی آنان را مبدل به یأس سازد. از خدای بزرگ دوام توفیق آن جناب را خواستارم. سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهوری اسلامی ایران.

۱۳۶۰/۸/۹

گروهی از اعضای جنبش امل لبنان که در رأس آن آقای سیّدحسین موسوی (ابوهشام) نایب رئیس شورای مرکزی و سخن‌گوی جنبش امل قرار دارد در پی دیدار اخیرشان با امام امّت، در قم با حضرت آیةالله منتظری ملاقات و گفت و گو کردند. سخن گوی هیئت پس از تبریك و تسلیّت به مناسبت شهدای اخیر ایران به خصوص هفتادودو یار امّت و امام، به محرومیّت تاریخی شیعیان جنوب لبنان اشاره کرد و سپس به تشریح مواضع و اساسنامهٔ جنبش امل پرداخت. حضرت آیةالله منتظری نیز در این دیدار ضمن آرزوی پیروزی برای تمامی مسلمین و مستضعفین، در رابطه با اقدامات امام موسی صدر رهبر شیعیان لبنان گفت: ایشان لبنان را که اصلاً به حساب نمی‌آمد به عزّت و شرافت رساند و در صحنهٔ مبارزه مطرح کرد. وی سپس بر اصالت اسلامی حرکت مبارزاتی آنان تأکید کرد و گفت: من همیشه گفته‌ام که ما نتوانسته‌ایم به طور مطلوبی در مبارزات شما در راه تحقّق حکومت الله و آزادی سرزمینهای اشغالی مسلمین شرکت داشته باشیم.

پیام به مهندس موسوی

۱۳۶۰/۸/۱۲

از سوی فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری خطاب به مهندس موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران تلگرامی مخابره شد. متن تلگرام بدین شرح است:

بسمه تعالی. جناب مستطاب آقای موسوی نخست وزیر محترم دامت توفیقه، ضمن تبریك انتخاب جناب عالی برای تصدی مسئولیت سنگین نخست‌وزیری و تأیید کابینهٔ پیشنهادی شما توسط مجلس شورای اسلامی یادآور می‌شود تحکیم نظام مقدّس جمهوری اسلامی و تداوم این حرکت عظیم جز با توجّه به ارزشهای معنوی و اسلامی و پیمودن مسیری که انقلاب را پیروز کرد امکان ندارد. نیروهای مؤمنی که هم اکنون به نحوی در ادارهٔ کشور دخالت دارند، توجّه دارند که دشمن در کمین است تا حساسیتها و انگیزه‌ها را از خط اصلی انقلاب منحرف کرده و دسته‌ای را به جان دستهٔ دیگری بیندازد. در چنین شرایطی بهترین و اصیل‌ترین خطی که آسیب‌ناپذیر خواهد بود همان خط اسلام و خط رهبری معظم انقلاب است که ملاك را بر تقوا و لیاقت افراد قرار داده. انتظار ملّت مقاوم و آگاه ایران از دولت شما حفظ ارزشهای همین خط است که تا کنون بهترین دستاوردها را داشته و در شرایط بحرانی

انقلاب را از انحراف و سقوط حفظ و درآینده می‌تواند کمبودها را به نحو احسن جبران کرده پیروزی نهایی را به ارمغان آورد.

امید است با توکل و اتکال به خدای منان دولت جناب عالی در مسئولیت بزرگ خود موفق باشد و به خواسته‌های مشروع محرومین و مستضعفین جامهٔ عمل پوشاند تا رضایت خدا و رفاه خلق خدا را فراهم سازد و در برخورد با مسائل در عین قاطعیّت، موازین و عدل اسلامی را در همهٔ شئون رعایت نمایند. والسلام علیکم و رحمةالله. حسینعلی منتظری. ۶۰/۸/۱۲.

۱۳۶۰/۸/۱۸

در پی درخواست نمایندگان امام در شورای مرکزی اوقاف مبنی بر نظارت آیةالله منتظری بر وجوه برداشتی از حسابهای سازمان اوقاف، حضرت آیةالله منتظری آقایان سیدمهدی امام جمارانی و نظام زاده را به عنوان دو ناظر خود دربرداشت مبالغ مذکور انتخاب کردند که متن نامه به این شرح است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم. حضرت حجةالاسلام آقای امام جمارانی و حجةالاسلام آقای نظام‌زاده نمایندگان حضرت آیةالله العظمی امام خمینی مدظله العالی در شورای مرکزی اوقاف شما به عنوان دو ناظر این جانب در برداشت مبالغ مذکور انتخاب می‌شوید تا با مشورت این جانب وجوه دریافتی را هر چه سریع‌تر به مصارف ضروری برسانید. حسینعلی منتظری.

۱۳۶۰/۸/۲۷

در پی دعوت امام خمینی مدظله دایر بر وحدت هر چه بیشتر روحانیّت و سپاه پاسداران، دیروز از سوی فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری، حجةالاسلام والمسلمین حاج سیّدحسن طاهری به این منظور تعیین شد. متن نامهٔ حضرت آیةالله منتظری در این مورد بدین شرح است:

جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج سیدحسن طاهری دامت افاضاته، در پی محوّل نمودن انتخاب فردی جهت نظارت بر جریان فکری و سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از سوی رهبر بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی به این جانب، به جناب عالی توصیه می‌شود که ضمن شرکت در جلسات شورای مرکزی سپاه و نظارت بر روند داخلی آن با تشکیل مرکزیتی قوی از طلاب فاضل و آگاه حوزهٔ علمیّهٔ قم و دیگر برادران متعهد و در خط اسلام خالص، در جریان ایدئولوژی ـ سیاسی این ارگان مهّم که در حقیقت بازوی پرتوان انقلاب امت است نظارت و دخالت نموده سعی کنید به خواست خداوند متعال سپاه در هر دو بخش پر مُحتوی و غنی گردد و حتی‌المقدور از درگیریهای گروهی مصمون بماند و در مواردی که احیاناً انحرافی احساس شد با قاطعیّت جلوگیری فرمایید. مطمئنم برادران محترم شورای مرکزی و نمایندهٔ محترم امام مدظله در این مسئولیت بزرگ باجناب عالی صمیمانه همفکری و همکاری خواهند نمود. توفیق همگان را در انجام وظایف شرعی از خدای بزرگ مسئلت دارد. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. ۶۰/۸/۲۷. قم. حسینعلی منتظری.

اعلام هفتهٔ وحدت

در طول چهارده قرن پس از ظهور اسلام، مسلمانان همواره از سوی دشمنانشان مورد اقسام حملات و آزارها قرار گرفته‌اند. شك نیست که دشمن برای ضربه زدن به یك مجموعه، اوّل بار سراغ نقاط ضعف آن مجموعه می‌رود یا سعی می‌کند نقاط ضعفی در آن ایجاد کند و آن را دامن بزند.

از جمله نقاط ضعفی که دشمنان اسلام همیشه از آن بهرهٔ وافی برده‌اند، تفرقهٔ بین مسلمانان بوده است.

با ظهور نهضت اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی مدظله در ایران، اندیشهٔ ایجاد وحدت بین مسلمانان جهان قوّت گرفت و این اندیشه که بر اصالت اعتقادات اسلامی استوار است، رهبران انقلاب اسلامی را به تلاشی همه جانبه فرا خواند.

حضرت امام خمینی مدظله از ابتدای قیام حضرتش پیشتاز این تلاش بود و بارها آثار زیانبار تفرقه بین مسلمانان و فواید وحدت مسلمانان را بیان کرده و روی آن اصرار ورزیده‌اند.

پس از رهبر کبیر انقلاب اسلامی، صحابی بزرگ ایشان حضرت آیةالله منتظری به طور جدّی و فعالانه، اندیشهٔ اتحاد اسلامی را در سطح وسیعی دنبال کرده و بیرون از حرف، دست به اقدامات مفیدی زده است، که خلاصه‌ای از آن و پی آمدهای مثبت آن در اینجا نقل می‌شود.

ورود به میدان عمل در ایجاد وحدت بین مسلمانان جهان و ارائهٔ طرحهای سازنده در زمینهٔ رفع اختلافات جزئی، در شورانگیزترین و بهترین ابتکار حضرت آیةالله منتظری تجلّی کرده است.

تولّد پیامبر عظیم‌الشأن اسلام حضرت محمد ص را اهل سنّت دوازدهم ربیع‌الاول و شیعیان، هفدهم ربیع‌الاول ثبت کرده‌اند.

فقیه عالیقدر فاصلهٔ این دو تاریخ را هفتهٔ وحدت بین مسلمانان جهان اعلام کرد ـ که عموماً از آن استقبال شد. آیةالله منتظری پیشنهاد مؤثر خود را ضمن نامه‌ای خطاب به وزیر ارشاد اسلامی وقت در تاریخ ۱۳٦۰/۹/٦ ارائه داد. متن این نامهٔ تاریخی چنین است:

بسمه تعالی. جناب حجةالاسلام آقای معادیخواه وزیر محترم ارشاد اسلامی دامت افاضاته، همان گونه که توجّه دارید جهان اسلام پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مورد توجّه دشمنان دیرینهٔ اسلام و مسلمین به خصوص شیطان بزرگ امریکا و صهیونیسم قرا رگرفته و هر روز به شکلی کشورهای اسلامی را دچار تفرقه و خصومت می‌کنند و آخرین طرحی که یکی از اهداف خبیث آن همین بود و بحمدالله تعالی با شکست مواجه شد طرح امریکایی فهد[۸] یا کمپ دیوید دوّم بود. هم اکنون جهان

۸. طرح فهد، یك طرح هشت ماده‌ای بود که ضمن آن وجود کشور اسرائیل به رسمیت شناخته می‌شد. البته طرح این را تصریح نمی‌کند، امّا وقتی مفاد آن عملی گردد، همان خواست صهیونیسم را که امنیت یافتن اسرائیل است به دنبال خواهد داشت. مواد طرح ننگین فهد عبارت است از: ۱. خروج اسرائیل از کلیهٔ سرزمینهای اشغالی من جمله شهر قدس، ۲. محو شهرکهایی که اسرائیل از سال ۱۹٦۷ در سرزمینهای اعراب بنا کرده است، ۳. تضمین آزادی مراسم مذهبی و رعایت آیینهای مذهبی همهٔ ادیان و مذاهب در مکانهای مقدس، ٤. تعیین حقوق خلق فلسطین و پرداخت غرامت به کسانی که میل ندارند به فلسطین اشغال شده باز گردند، ۵. نظارت سازمان ملل متحد بر ساحل غربی نوار غزه برای یك دورهٔ انتقالی که از ←

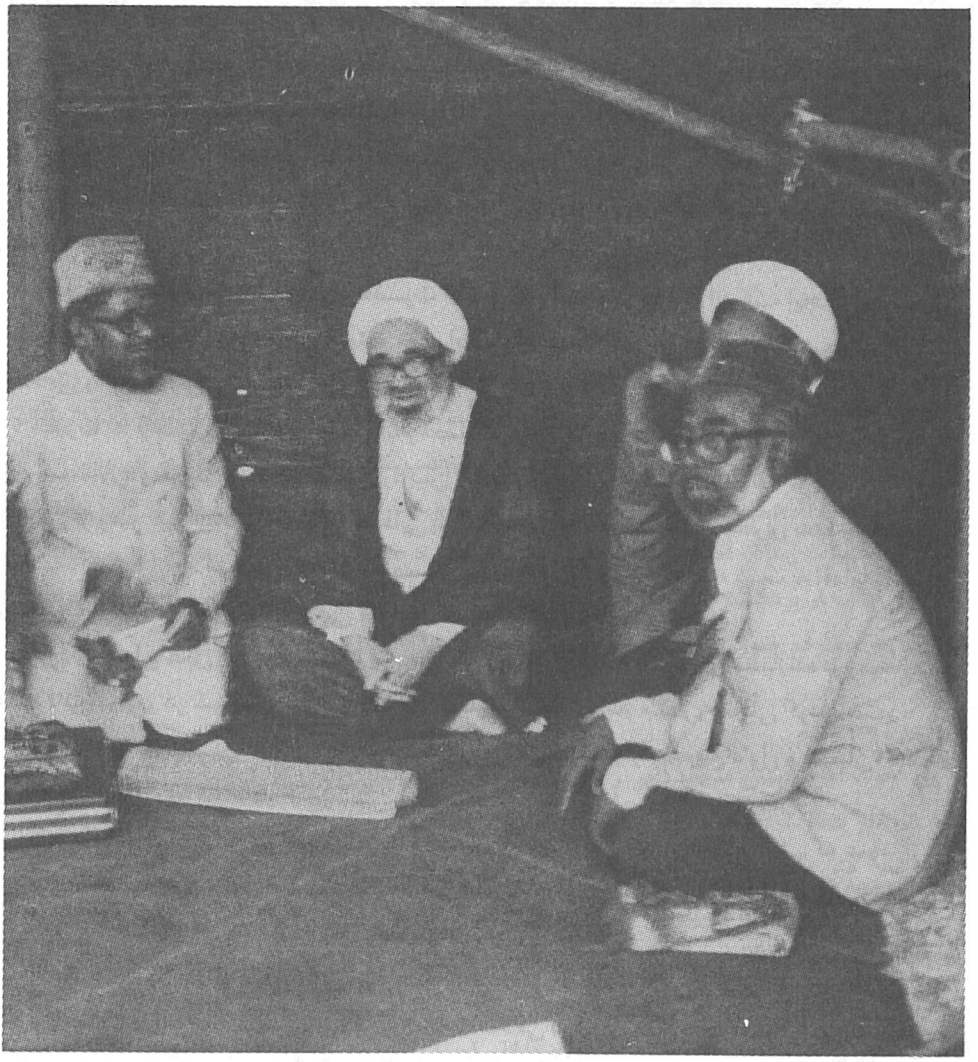

فقیه عالیقدر، دوستدار مسلمانان جهان

اسلام با سرعت و با الهام از انقلاب ایران که بر اساس حرکت اسلامی و محور رهبری معظّم انقلاب، حضرت امام خمینی مدظله در حال تولّدی جدید می‌باشد، از این رو به جاست طبق آیهٔ شریفهٔ «و من یعظم شعائرالله فانها من تقوی القلوب» و سیرهٔ پیامبر و ائمهٔ اطهار سلام‌الله علیهم اجمعین، و بر خلاف خواستهٔ دشمنان اسلام، به شعائر عظیم اسلام که مورد احترام و قبول امت بزرگ اسلامی بوده توجهی بیشتر مبذول گردد.

یکی از این شعائر، میلاد پربرکت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام حضرت محمد بن عبدالله ص می‌باشد. ولی از آنجا که مع‌الاسف تاریخ این میلاد معظّم که در حقیقت آغاز حرکت جدید در تاریخ بشریت بود از اختلاف مصون نمانده و در بسیاری از کشورهای اسلامی برخلاف آنچه در تاریخ و بین ملّتها قطعی است به جای هفده ربیع‌الاول، دوازده ربیع‌الاول را تاریخ میلاد آن حضرت می‌دانند، بسیار مناسب و به جاست که روزهای دوازده الی هفده ربیع‌الاول را هفتهٔ وحدت اعلام داشته تا ضمن هماهنگی با سایر مسلمانان به خواست الهی با تنظیم برنامه‌های پر محتوا در داخل و خارج کشور صدای انقلاب اسلامی ملّت ایران را به گوش جهان محرومین و مستضعفین برسانیم. توفیق همگان را در این رسالت اسلامی از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةالله. حسینعلی منتظری. ۱۳۶۰/۹/۶.

در پی این پیشنهاد عظیم، وزیر ارشاد اسلامی با مخابرهٔ تلگرامی به آیةالله منتظری، برای برگذاری هفتهٔ وحدت اعلام آمادگی کرد. متن تلگرام وزیر ارشاد بدین شرح است:

بسمه تعالی. محضر مبارك فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری دامت برکاته، دعوت وحدت بخش حضرت عالی مبنی بر اقدام به برگذاری هفتهٔ وحدت به عنوان مراسم بزرگداشت میلاد پیامبر اکرم ص مورد استقبال شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی قرار گرفت.

وزارت ارشاد اسلامی با همکاری وزارت خارجه و با بهره‌مندی از حمایت بی‌دریغ کلیهٔ نهادهای انقلابی، خاصه اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، برنامه‌ای را تدارك دیده است که جزئیات آن پس از بررسی در شورای عالی تبلیغات اعلام خواهد شد. امید است این اقدام خداپسندانه ضربهٔ کوبنده‌ای بر سیاست تفرقه و نفاق که سلسله جنبان آن شیطان بزرگ است وارد آورد و به عنوان سنّت حسنه‌ای در جهان اسلام جای خاص خود را باز کند و نقش مؤثری در نفی زمینهٔ شیطنتهای سر سپردگان امریکا ایفا نماید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. عبدالمجید معادیخواه، وزیر ارشاد اسلامی. ۱۳۶۰/۹/۱۵.

→

چند ماه تجاوز نخواهد کرد، ۶. تاسیس یك کشور مستقل فلسطینی که پایتخت آن بیت‌المقدس باشد، ۷. تایید حق کشورهای منطقه برای همزیستی مسالمت‌آمیز، ۸. تضمین اجرای این اصول از جانب سازمان ملل متحد یا برخی از اعضای آن. این طرح با مخالفت شدید رهبر انقلاب و فقیه عالیقدر و مردم ایران قرار گرفت و بالاخره در کنفرانس فاس شکست خورد.

هنگامی که عظمت پیشنهاد آیةالله منتظری برای مسلمانان روشن شد، دشمنان غدار اسلام وحشت کردند و به فکر چاره‌جویی افتادند تا از آثاری که این ابتکار برای آنها داشت جلوگیری کنند. لذا به دستگاههای تبلیغاتی خود دستور دادند به هر طریق ممکن از تأثیر نفوذ اعلام هفتهٔ وحدت بکاهند. روحانی نماهای دربار آل سعود را نیز واداشتند علیه این پیشنهاد، فتوای تحریم بدهند.

امّا به رغم آن همه تبلیغات و برنامه‌های استکبار جهانی، این هفته، درخشندگی خاص خود را در تاریخ زرین انقلاب اسلامی پیدا کرد و در سراسر جهان به عنوان یك وسیلهٔ مقدس برای احیای اسلام و سرکوب دشمنان خدا، از آن استقبال شد.

در اینجا چند نمونه از گزارشهای مربوط به پشتیبانی از این پیشنهاد مبارك را نقل می‌کنم.

الف. پشتیبانی و استقبال از پیشنهاد اعلام هفتهٔ وحدت

حضرت امام خمینی مدظله العالی ضمن بر شمردن آثار وحدت میان مسلمانان فرمودند:
بحمدالله الان هفتهٔ وحدت است و به برکت این مولود سعید و فرزند بزرگوارش حضرت صادق ع بشر می‌تواند به آمال خودش برسد و این وحدت همان چیزی است که در قرآن دربارهٔ آن سفارش شده است. (۱۳۶۰/۱۰/۲۲)

معظّم‌له در یکی از سخنرانیهای دیگرشان فرمودند: امیدوارم که خداوند تبارك و تعالی به ملت قهرمان ایران سلامت بدهد و هفتهٔ وحدت واقعاً وحدت درست کنند، نه اینکه فقط ما هفتهٔ وحدت می‌گیریم. ما محتاج به وحدت هستیم. در سالیان دراز همیشه *قرآن* کریم که به ما دستور داده و به مسلمانان دستور وحدت داده برای یك سال و ده سال و صد سال نیست، برای سرتاسر عالم است، در سرتاسر تاریخ، و ما محتاج به این هستیم که عملاً وحدت را محقق کنیم و محقق هست و نگذاریم این وحدت را. ما الان هم در بین راه هستیم و باید این وحدت را حفظ کنیم و من امیدوارم که با حرکت وحدت ملّت ایران این وحدت در سایر کشورهای اسلامی هم پیدا شود، که دارد پیدا می‌شود. (۱۳٦٤/۹/۱۰).

۲. آیت‌الله العظمی گلپایگانی خطاب به میهمانان خارجی مراسم هفتهٔ وحدت فرمودند: ما آماده‌ایم به فضل خداوند در خدمت اسلام و مسلمانان باشیم و آرزو داریم خداوند جامعهٔ مسلمانان را نصرت دهد تا با کنار گذاشتن تفرقه و چنگ‌زدن به ریسمان الهی پرچم اسلام را در سراسر عالم به اهتزاز درآورند.[۹]

۳. آیةالله العظمی مرعشی نجفی در دیدار با میهمانان هفتهٔ وحدت گفتند: مذاهب اسلامی در شناخت خدا و داشتن پیامبر، *قرآن* و قبلهٔ واحد، متحد هستند. شایسته است همان گونه که در حوزه‌های علمیهٔ اهل تشیع اقوال اهل تسنّن بررسی می‌شود، در مراکز مذهبی اهل تسنّن نیز فقه جعفری تدریس شود تا

۹. *کیهان*، ۱۳٦۰/۱۰/۲٦.

با مقایسهٔ نظریات گوناگون امکان انتخاب متقن‌ترین راه برای رسیدن به اهداف الهی اسلام میسر گردد.[۱۰]

٤. چندتن از علمای برجستهٔ اهل تسنّن بنگلادش طی مصاحبه‌ای که خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در داکا در طول هفتهٔ وحدت با آنان به عمل آورد سخنانی در حمایت از وحدت مسلمین بیان داشتند.

مولانا سمیرالدین یکی از علمای اسلامی و انقلابی در بنگلادش گفت: تودهٔ مسلمان باید در سایهٔ ایمان به خدا و رسول و با هر قیمتی در برابر توطئه‌های استکبار جهانی که سعی دارند در بین شیعه و سنّی تفرقه و جدایی بیندازند بایستند.

مولانا حمایت‌الدین یك عالم جوان و انقلابی در بنگلادش طرح جدایی دین از سیاست را کفر و شرك خواند و گفت دشمنان اسلام سرمایه‌گذاری زیادی از طریق مزدورانشان در کشورهای مسلمان برای این طرح می‌کنند که در این زمینه مسلمانان با ایمان باید خیلی هشیار باشند.

دکتر حمیدالدین متفکر اسلامی و برجستهٔ دانشگاه داکا گفت: مسلمانان باید با سرمشق [گرفتن] از انقلاب اسلامی ایران دست از حزب بازی و سیاست دروغین بردارند و به وحدت مسلمانان بیندیشند.

علمای اهل تسنّن بنگلادش ضمن استقبال از پیشنهاد حضرت آیةالله العظمی منتظری طرح ایشان را گام مثبتی در رفع توطئه‌های دشمنان اسلام خواندند.[۱۱]

۵. آقای سیدعلی حسینی نمایندهٔ مردم سنندج در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: دشمنان از [وحدت] وحشت دارند و زمزمه و جنجال در تمامی کشورهای جهان از ترس وقوع و ایقاع آن است. وی همچنین از ابتکار هفتهٔ وحدت به وسیلهٔ حضرت آیةالله العظمی منتظری امید امام و امت تجلیل کرد و مردم کُردستان را هر چه بیشتر به پیروی از این ابتکار دعوت نمود.[۱۲]

٦. سیدعلی خامنه‌ای، رئیس جمهور اسلامی ایران و امام جمعهٔ تهران، در خطبهٔ نماز جمعهٔ تهران گفت: در مورد هفتهٔ وحدت که این هم یکی از ابتکارات حضرت آیةالله العظمی منتظری است، این یکی از مهم‌ترین و مبرم‌ترین ضروریات امروز ماست. برادران شیعه و سنّی هر دو بدانند امروز در دنیا پولهای زیادی خرج می‌شود برای جدایی انداختن بین شیعه و سنّی، برای ایجاد درگیری بین برادران مسلمان، برای ایجاد جنگ خانگی میان سنّی و شیعه در کشورهای اسلامی. چون اگر جنگ داخلی به وجود آمد دشمن بیگانه نفس راحتی خواهد کشید. انقلاب توانست شیعه و سنّی را در کنار هم قرار دهد.[۱۳]

۱۰. *کیهان*، ۱۳٦۰/۱۰/۲٦. ۱۱. روزنامهٔ *ابرار*، ۱۳٦٤/۹/۱۰. ۱۲. *اطلاعات*، ۱۳٦٤/۹/۱۰.
۱۳. *کیهان*، ۱۳٦٤/۹/۱۰.

۷. در اولین روز هفتهٔ وحدت، خطیب اهل سنّت مسجد جامع تراکمهٔ گنبد کاووس در گفت و گویی با خبرگزاری جمهوری اسلامی آمادگی برادران اهل سنت منطقهٔ گنبد جهت مبارزه با استکبار جهانی در کنار برادران شیعه را اعلام کرد.

وی گفت: از آنجائی که هدف اصلی دشمنان اسلام دامن زدن به اختلاف بین مذاهب شیعه و سنی و استفاده از آن در دستیابی به مقاصد شوم سلطه‌گرایی خود می‌باشد، اعلام هفتهٔ وحدت از سوی آیةالله العظمی منتظری و بهبود همبستگی مسلمانان جهان به عنوان یك حکم الهی و واجب، شرعی پاسخ دندان شکنی به دشمنان اسلامی محسوب می‌گردد... بحمدالله به برکت انقلاب اسلامی و در نتیجهٔ رهنمودهای الهام بخش آیةالله العظمی منتظری، انس والفت، شناخت، همبستگی، و تماسهای برادران شیعه و سنّی بیشتر شده، به طوری که از اوایل انقلاب تاکنون، علمای اهل سنّت و شیعه در کنار ارگانهای اداری و نهادهای انقلابی در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و کمك به جبهه‌ها و بسیج نیروهای رزمنده در ارتباط و مشاوره بوده‌اند و من بعد نیز علما و روحانیّون و برادران اهل سنّت در همکاری با سایر برادران در امور سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و اعزام به جبهه‌ها از جان و مال کوتاهی نخواهند کرد.[۱۴]

۸. آقای علی خرمتائی نمایندهٔ سقز و بانه در مجلس شورای اسلامی گفت: به برکت اسلام و انقلاب اسلامی ایران فقیه عالیقدر آیةالله العظمی منتظری دامت افاضاته به پیروی از توصیه‌های رهبر کبیر انقلاب اسلامی، برای همبستگی امت اسلام، اعلام فرمودند که از دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاوّل، هفتهٔ وحدت می‌باشد و این اعلام به این معنی است که ما شیعه و سنّی مسلمان هستیم و اختلاف رأی و روایات در پاره‌ای مسایل نباید ما را رو در روی یکدیگر قرار دهد که دشمنان اسلام به نفع خودشان از آن بهره‌برداری بکنند. دیدید و می‌بینید که با استقبال گرم از این اعلام هر سال در این ماه مبارك ربیع‌الاوّل از استانهای ایران کاروانهای وحدت به دیدار برادران دینی خود می‌روند و در مناطق مختلف کشور مراسم بزرگداشت میلاد حضرت ختمی مرتبت (ص) و سخنرانیها در مورد برادری و اتحاد مسلمانان ایراد می‌گردد که به فضل خداوند قادر متعال و به برکت میلاد آن حضرت و انقلاب اسلامی روز بروز همبستگی بین برادران تشیع و تسنّن بیشتر و بدین وسیله وحدت مسلمانان بهتر و محکم‌تر می‌شود.[۱۵]

۹. شورای عالی روحانیّون کردستان عراق با مخابرهٔ تلگرامی به حضور آیةالله العظمی منتظری ضمن تبریك میلاد حضرت محمّد ص و آغاز هفتهٔ وحدت دستاوردهای این هفته را بر شمرد.

در قسمتی از این اطلاعیّه آمده است: هفتهٔ وحدت که از ابتکارات گرانقدر آن عالم مجاهد و هُشیار می‌باشد دستاوردهای بزرگی در جهت‌گیری حرکتها و جنبشهای اسلامی جهان داشته ـ همان طوری که ندای وحدت آفرین نهضتهای اسلامی معاصر ملاقات سران دو ابر قدرت شرق و غرب را برای

۱۴. *اطلاعات*، ۱۳٦٤/۹/۷. ۱۵. *کیهان*، ۱۳٦٤/۹/۷.

چاره‌جویی و خنثی ساختن وحدت امّت اسلامی به دنبال داشت ـ که به یقین اگر این ندای فراگیر و خدایی بتواند با کوشش همهٔ مسلمانان دلسوز عینیت پیدا کند طومار استعمار و استثمار را از بلاد اسلامی برچیده، جایی برای قدرت نمایی جهان‌خواران باقی نخواهد گذاشت.

در پایان این اطلاعیّه آمده است: روحانیّون کُردستان عراق ضمن قدردانی از این حرکت خداپسندانهٔ شما حمایت خود را از وحدت امت اسلامی اعلام داشته در این مسیر از هیچ کوششی دریغ نخواهد کرد و از عموم مسلمانان تقاضامند است که به رسالت خود در این امر مهّم عمل نموده توطئه‌های تفرقه‌آمیز را در نطفه خفه نمایند.[۱۶]

۱۰. تلگرام زیر از سوی سازمان روحانیّت کُردستان، شاخهٔ آذربایجان غربی، به دفتر آیةالله منتظری مخابره شد:

قم. دفتر فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری، به مناسبت فرا رسیدن هفتهٔ ولادت منجی بشریت، منادی وحدت، آخرین پیامبر و اوّلین دانشگاه حضرت محمد بن عبدالله ص صمیمانه به محضر جناب عالی تبریك عرض می‌نماییم. اعلام یك هفته جشن عمومی به امید اینکه تجلیگاه وحدت و همبستگی بیشتر بین مسلمین گردد، از طرف آن حضرت که همیشه از منادیان اتحاد و اتفاق بوده‌اید از جمله اقدامات و پیشنهادات ارزنده و سودمندی است که ثمرات و فواید آن نامتناهی است. امید است خداوند جل شانه همهٔ مسلمین را با الگو قرار دادن صفات برجستهٔ حضرت ختمی مرتبت به اتفاق عمل هر چه بیشتر برساند. انه علی کل شیء قدیر.[۱۷]

۱۱. شیخ ماهر حمود عضو تجمع علمای مسلمانان لبنان و از علمای تسنّن شهر صیدا با اشاره به آغاز هفتهٔ وحدت که با پیشنهاد آیةالله العظمی منتظری روند جدیدی را در وحدت مسلمانان ایفا کرده است گفت: ما پروردگار بزرگ را شکر گزاریم که با پیروزی انقلاب اسلامی پرچم اسلام در برابر کفر و استکبار برافراشته شد و لوای نه شرقی، نه غربی را جمهوری اسلامی به دست گرفت... اعلام هفتهٔ وحدت در ایام میلاد پیامبر گرامی اسلام ص این توطئهٔ دشمنان اسلام را که سعی در تفرقه میان شیعه و سنی، و یا عرب و عجم داشتند، نقش بر آب کرد.... استکبار جهانی وحدت اسلامی را بزرگ‌ترین خطر برای طرحهای توسعه طلبانهٔ خود می‌داند.[۱۸]

۱۲. حاج بایرام آخوند سلاق حاکم شرع دادگاه ویژهٔ اهل سنّت دربارهٔ برگزاری هفتهٔ وحدت و گرامی داشت آن با خبرنگار کیهان به تفصیل سخن گفت. وی در قسمتی از سخنانش اظهار داشت: وحدّت بین مسلمین یکی از اهداف اسلام است. با پیروزی انقلاب اسلامی بزرگ‌ترین هدف جمهوری اسلامی ایران این بود که احکام *قرآن* را پیاده کند. بر مبنای همین اصل امیدامام و امت شهیدپرور آیةالله

۱۶. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/۹/٤. ۱۷. *کیهان*، ۱۳٦۰/۹/۱۵. ۱۸. *اطلاعات*، ۱۳٦٤/۹/٤.

العظمی منتظری دامت برکاته جهت تحقق این آرمان و پیوند قلبهای مسلمین هفتهٔ وحدت را اعلام کردند... استکبار جهانی احساس خطر کرده است. به همین خاطر توطئه‌هایی از ابتدای انقلاب اسلامی علیه ما انجام داده است که ما با برگذاری هفتهٔ وحدت مشت محکمی بر دهان دشمنان اسلام خواهیم زد.[۱۹]

۱۳. حاج جبار آخوند میرزاعلی امام جمعهٔ آق قلا ضمن اشاره به هفتهٔ وحدت و مشارکت برادران اهل تسنن در پیشبرد انقلاب اسلامی و خصوصاً شرکت گسترده در جنگ تحمیلی در زمینهٔ انسجام و یکپارچگی بیشتر اهل سنت و شیعه در کشورهای اسلامی، مطالبی بیان داشت. وی در بخشی از سخنانش گفت: هفتهٔ وحدت تکلیف *قرآن* کریم است. خداوند در رابطه با وحدت و نقش وحدت برای تحقق بخشیدن به آیین محمدی تأکیداتی کرده است. برگذاری هفتهٔ وحدت در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی نقش بسیار مؤثری دارد. آن چیزی که در اینجا قابل ذکر است وحدت کلمه است و استکبار جهانی از این کلمه وحشت دارد.[۲۰]

۱٤. جبههٔ اسلامی آزادیبخش بحرین به مناسبت اعلام هفتهٔ وحدت از سوی فقیه مجاهد آیةالله العظمی منتظری پیامی به ملت مسلمان ایران ارسال کرد. جبههٔ اسلامی آزادی بخش بحرین در این پیام ضمن برشمردن توطئه‌های گوناگون استکبار جهانی علیه اسلام و مسلمانان آورده است: با افزایش توطئه‌های امپریالیسم جهت نابودی اسلام، وحدت میان ملتهای اسلامی ضرورتی اجتناب ناپذیر است.[۲۱]

۱۵. حزب‌الله لبنان طی بیانیه‌ای که در بیروت به مناسبت هفتهٔ وحدت منتشر کرد از عموم مسلمانان خواست تا با وحدت کلمه کلیهٔ طرحهای دشمنان اسلام را خنثی کنند. در این بیانیّه آمده است: بر همهٔ مسلمین است که از خاتم پیامبران الهام گیرند و همان گونه که رسول گرامی اسلام در آغاز رسالت انسان‌ساز خود هرگونه تبعیضی در رنگ، زبان و ملیّت را برای مسلمین ملغی اعلام نمود و در جهت تحقّق آن اصل اسلامی کوشید ما نیز بایستی از این طریق با استکبار و جرثومهٔ سرطانی آن یعنی اسرائیل مبارزه کنیم.[۲۲]

۱٦. دولت محمود آخوند میرحق‌زاده یکی از روحانیون اهل سنت بخش مانه و سلطان بجنورد از هفتهٔ وحدت پشتیبانی کرد و از مردم شریف ایران خواست احکام جمهوری اسلامی را از صمیم قلب اطاعت

۱۹. *کیهان*، ۱۳٦٤/۹/۷. ۲۰. *کیهان*، ۱۳٦٤/۹/۷.
۲۱. اطلاعیه منتشره از سوی جبههٔ اسلامی آزادیبخش بحرین مورخهٔ ۱۳٦۰/۱۰/۲۱.
۲۲. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/۹/۱۰.

پیام جبهه اسلامی آزادیبخش بحرین به ملت مسلمان ایران به مناسبت اعلام هفته وحدت از سوی فقیه مجاهد آیت‌الله العظمی منتظری .

بسم الله الرحمن الرحیم

" ان هذه امتکم امه واحده و انا ربکم فاعبدون".

" ان هده امتکم امه واحده و انا ربکم فاتقون". " صدق الله العلی العظیم".

" آیا وقت آن نرسیده است که مسلمین دست از هواهای نفسانی بردارند و بر محور دوستی و اخوت برای از بین بردن دشمنان انسانیت از صحنه و نابودی دشمنان محتمع شوند"

" امام خمینی"

" بر مسلمانان است که از روشهای استعماری و تفرقه و اختلافات داخلی بر حذر باشند و به ریسمان الهی چنگ زنندو تنها کلمه توحید را شعار خود قرار دهند."

آیت‌الله منتظری

ای مردم مسلمان ایران ، درود بر شما از اعماق سینه‌های مردم مسلمان ما در بحرین به مناسبت میلاد پیامبر اکرم(ص) و هفته وحدت بین مسلمین ، درود بر شما که به واسطه وحدت صفوف که چون بنیان مرصوص است پیروزی پس از پیروزی دیکر را در جبهه‌های جنگ به دست می‌آورید

شما به وسیله همین وحدت کلمه بود که توانستید یکی از بزرگترین و قویترین رژیمهای دیکتاتوری را در منطقه که ژاندارم و نگهبان مصالح آمریکا در منطقه بود سرنگون کنید.

و با همین وحدت کلمه بود که توانستید اوّلین جمهوری اسلامی را در جهان برقرار کنید و نخستین قانون اساسی اسلامی را تقدیم امت اسلامی کردید. و همچنین توانستید با اتحاد خود بر تمام توطئه‌های داخلی که در کمین انقلاب اسلامی بود چیره شوید. و با همین وحدت رئیس جمهوری اسبق را که انحراف خود را از راه مکتب نشان داد کنار زدید و بر نیروهای نفاق چیره شدید و بر توطئه‌های کنفرانس طائف که در دو سال پیش تشکیل شد و هدف آن تفرقه بین فرقه‌های اسلامی در ایران بود چیره شدید.

و بهره‌های انقلاب خود را در تمام ابعاد به مستضعفان جهان تقدیم کردید و از این نتایج تاثیر گرفته و سعی در پیاده کردن آن در کشورهای خود نمودند .

و از همین رو این انقلاب اسلامی شما بود که تمام مسلمانان بدون استثنا در مصر، مغرب، تونس، سعودی ، لبنان ، خلیج و پاکستان و فیلیپین بر آن شدند تا انقلابی برای تطبیق احکام اسلام بوجود آورند . همچنانکه انقلابیون ایرلند و جنوب غرب افریقا و سیاهپوستان آمریکا اعلام کردند که از روح انقلاب شما در اصول و حماسه‌های خویش الهام میگیرند .

همچنانکه وحدت کلمه شما در مقابل تجاوز بعثیان به جمهوری اسلامی تجلی کرد چنانکه اتحاد مردم مسلمان در ایران نقش اساسی را در شکست طرح ننگین فهد داشت . در نتیجه شکستی بود برای سیاست آمریکا در منطقه آنهم پس از اعتراف امضاء کنندگان قرارداد کمپ‌دیوید مبنی بر اینکه قرارداد کمپ‌دیوید با اعدام سادات خائن دفن شد.

چیره‌شدن بر توطئه‌های امپریالیزم که در کمین انقلاب است ، جز با مقابله همگانی و وسیع امکان پذیر نیست تا امپریالیزم نتواند ملت مسلمان ایران را در داخل مشغول و محصور کند.

مقابله با توطئه‌های خارجی امپریالیزم از اهمیت مقابله با توطئه‌های داخلی آن کمتر نیست.

عقب‌نشینی امپریالیزم در هر جا ، بر اجتماع و آمادگی آن در مناطق دیکر اثر عظیمی میگذارد .... و برای همین بود که پیروزی انقلاب اسلامی در ایران برای بر هم زدن حسابهای امپریالیزم در تمام جهان بخصوص در منطقه کافی بود .

پس از سقوط شاه و شکست عملیات آمریکا در طبس و عقیم ماندن کودتای نظامی و شکست تمام توطئه‌های آمریکا بر علیه ایران و همچنین سرنگونی سوموزا دیکتاتور نیکاراگوا بدست انقلابیون آن کشور آنهم پس از یک سال از سقوط شاه در ایران شعار دولت آمریکا بر اعاده هیبت از دست رفته آمریکا در تمام جهان قرار گرفت.

امثال هر توطئه امپریالیستی بر ضد ملتهای مسلمان در هر نقطه ، به معنی شکست توطئه‌ای بر علیه انقلاب اسلامی ایران (که تجسم اسلام است) میباشد.

همانگونه که دیدید اعدام سادات اثری روشن در عقب نشینی سیاست آمریکا در منطقه داشت و آخرین آن حرکت وسیع مردم مسلمان سودان بر علیه نظام نمیری(یکی از همپیمانان سادات) بود.

توطئه‌های کنونی آمریکا در منطقه که بصورت انفجار و ترور در ایران و از بین بردن امنیت در لبنان و اشغال ارتفاعات جولان از طرف رژیم اشغالگر صهیونیستی و آماده شدن آن رژیم برای اشغال جنوب لبنان به عنوان سیاست جدید صهیونیستها وآماده کردن جنگ تمام عیار از طرف رژیم ملک حسن دوم بر علیه پولیساریو ، و توطئه اخیر در خلیج و در بحرین بخصوص که منجر به وارد کردن بزرگترین عملیات سرکوبی ملت مسلمان بحرین شد.

این سرکوبی که از سوی رژیم آل خلیفه صورت گرفت منجر به دستگیری بیش از ۱۵۰۰ نفر محاهد مسلمان و زندانی شدن آنها در زندانهای مخوف شد. که در نتیجه شکنجه‌های وحشیانه علیه آنها دهها نفر از زندانیان به بیمارستان نظامی منتقل شدند.

و تمامی این اعمال به بهانه کشف توطئه خرابکارانه ایران در بحرین بود؟!

تمامی این توطئه‌ها ، منطقه را برای قبول طرح شکست خورده آمریکائی فهد آماده میسازد که برای طرح کردن دوباره آن(طرح فهد) در کنفرانس فاس که صحبت از برگزار شدن دوباره آن است. و نیز منطقه شاهد احیای جبهه جدیدی علیه انقلاب اسلامی ایران(جبهه خلیج) میباشد. و تشکیل این جبهه بخاطر جلوگیری از سقوط صدام است. رویاروئی در برابر کوششهای امپریالیزم جهت باجرا گذاشتن طرحهای برسمیت شناختن صهیونیستها بیش از هر زمانی وحدت را ایجاب میکند تا به یاری خدا بتوانیم پیروزی را به دست آوریم.

با افزایش توطئه‌های امپریالیزم جهت نابودی اسلام وحدت میان ملتهای اسلامی ضرورتی احتناب ناپذیر است.

بر ملت مسلمان درایران است تا اتحاد لازم را با ملتهای مسلمان و مستضعف جهان و بالخصوص ملتهای منطقه بوجود آورد تا امت اسلامی بتواند با استفاده از وحدت عظیم خود پیروزیهای تاریخی عظیمی بدست آوردو ظهور حضرت مهدی موعود (عج) را نزدیکتر کند.

بندگی خدا و سر فرود آوردن نزد او تنها ضامن وحدت حقیقی میان فرزندان امت واحده میباشد... و همان است که ملتهای ما از آن نعمت بهره‌مند میشوند... و کامی است که گامهای عملی این راه را طی کنیم.

که این قرن بیاری خدا قرن پیروزی مستضعفین بر علیه مستکبرین است و آنهم بشرط وحدت امت اسلامی است. همچنانکه زعیم امت امام خمینی فرمودند "باید کوششهای امت اسلامی جهت انقلاب اسلامی جهانی، منسجم شود و صفهای مسلمانان علیه تمامی توطئه‌های استکبار جهانی فشرده‌تر شود."

و جاوید باد انقلاب اسلامی جهانی به رهبری امام خمینی.

جبهه اسلامی آزادیبخش بحرین

۲۱/ دی / ۱۳۶۰

قاتلوهم یعذبهم الله بایدیکم ویخزهم وینصرکم علیهم

الجبهة الاسلامية لتحرير البحرين

پیام جبههٔ اسلامی آزادی بخش بحرین به مناسبت اعلام هفتهٔ وحدت

کنند.[۲۳]

۱۷. محمد عمر یحیی نمایندهٔ جنبش آزادی بخش اریتره دربارهٔ هفتهٔ وحدت گفت: امروز که دشمنان مستضعفین در یك سنگر گرد آمده‌اند و حملات خود را برای نابودی مستضعفین تشدید نموده‌اند چه خوب است روزی را به نام وحدت مستضعفین داشته باشیم و سنگرهای خود را در مقابل ابر قدرتها و ایادی آنان مستحکم‌تر کنیم. مردم و جبههٔ آزادیبخش اریتره از این پیشنهاد به جای حضرت آیةالله منتظری استقبال کرده همبستگی خود را اعلام می‌نماید.[۲۴]

۱۸. از سوی جمعیّت اسلامی افغانستان به مناسبت هفتهٔ وحدت تلگرامی به حضور آیةالله منتظری فرستاده شد که در قسمتی از آن آمده است:
دیگر سلاح زنگ زدهٔ «تفرقه بینداز و حکومت کن» محافل و عمال استعمار غرب و شرق به کار نمی‌افتد و مسلمانان دیگر متوجه شده‌اند که اوقات و نیرویشان باید صرف حل و فصل مسائل اصولی و اساسی اسلام گردد تا بار دیگر زیربار ذلّت اجانب و معاندین نروند و جهاد خویش را در راه پیشبرد علم، فرهنگ و آزادی همهٔ سرزمینهای اسلامی و ملل مستضعف جهان مادام‌العمر ادامه دهند که در این مورد، عامل اساسی رسیدن به هدف، وحدت و یکپارچگی مسلمانان است.[۲۵]

۱۹. شیخ احمدالزین یکی از علمای اهل تسنّن لبنان که برای شرکت در مراسم هفتهٔ وحدت به ایران آمده بود ضمن تجلیل ازدستاوردهای انقلاب اسلامی، به خصوص طرح هفتهٔ وحدت اسلامی از سوی فقیه عالیقدر آیةالله منتظری از کیفیّت تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی در مجاز دانستن عمل به مذاهب اربعه در مناطق که اکثریت مردم این مناطق پیرو این مذاهب هستند سپاسگزاری کرد. او گفت: در راه رسیدن به وحدت باید جنبه‌های مشترك را در نظر گرفت و از طرح اختلاف تاریخی دوری گزید.[۲۶]

۲۰. قاضی محمد خضری امام جمعهٔ اشنویه، ملاکریم شهری کندی از روحانیّون آگاه مهاباد، ملاّ مصطفی برزنجی از مدرّسان مدرسهٔ علوم دینی شیخ شلتوت ارومیه، همراه چهارتن دیگر از روحانیون اهل سنت و جماعت شهرهای کُردنشین آذربایجان غربی در مصاحبهٔ رادیو تلویزیونی در ارومیه از پیشنهاد هفتهٔ وحدت استقبال کردند.[۲۷]

آنچه به اختصار گذشت، تنها نمونه‌هایی بود از پشتیبانیها و اظهار نظرهای شخصیتها و جوامع اسلامی دربارهٔ هفتهٔ وحدت، پیشنهادی فقیه عالیقدر. بیان استقبال و حمایت از این پیشنهاد کتاب مفصلی را

۲۳. *کیهان*، دی ۱۳۶۰. ۲۴. جراید، دی ۱۳۶۰ ۲۵. *کیهان*، ۱۳۶۰/۱۰/۲۶.
۲۶. *کیهان*، ۱۳۶۰/۱۰/۲۶. ۲۷. *کیهان*، دی ۱۳۶۰.

فقیه عالیقدر در حال سخنرانی برای میهمانان خارجی

زینت خواهد داد.

در سوّمین سالگرد اعلام هفتهٔ وحدت، دفتر آیةالله منتظری، مراتب تشکّر معظم‌له را از ارسال پیامهای تبریك شخصیتهای مذهبی، سیاسی و احزاب کشورهای اروپایی، آسیایی و آفریقایی به مناسبت هفتهٔ وحدت را طی پاسخنامه‌ای اعلام کرد که متن آن را برای خوانندگان عزیز نقل می‌کنم:

در رابطه با میلاد پیامبر بزرگ اسلام ص و حضرت امام صادق ع و فرارسیدن هفتهٔ وحدت، تلگرامها و نامه‌های تبریك زیادی از طرف شخصیتهای دینی و سیاسی و نهادها و انجمن‌های اسلامی و احزاب و سازمانهای کشورهای اروپایی، آسیایی و آفریقایی توسط دفتر ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه به عنوان حضرت آیةالله العظمی منتظری مخابره و ارسال شده است که همگی واصل و به نظر ایشان رسید. ضمن تشکر از مسئولان محترم و دفتر ریاست جمهوری و وزارت امور خارجه و عرض معذرت از اینکه نمی‌توانیم به یکایك نامه‌ها و تلگرامها جداگانه جواب بدهیم مراتب تبریك متقابل حضرت آیةالله العظمی منتظری و تشکر ایشان از احساس مسئولیت و اخوت اسلامی علمای اعلام و شخصیتها و سازمانها و انجمنهای اسلامی خارج از کشور اعلام می‌شود و امیدواریم این پیوند اخوت دینی و اسلامی روز به روز در بین مسلمانان مستحکم‌تر گردد و توطئه‌های دشمنان اسلام و *قرآن* در جهت تفرقه و تشتت بین مسلمانان با بیداری و آگاهی آنان خنثی و نقش برآب گردد.

اسامی گروهها و انجمنها و جمعیّتهای یاد شده بدین شرح اعلام شد: انجمن حسینیّه خواجه‌گان ناوولی، مدرّسین و طلاّب حوزهٔ علمیّهٔ جامع‌المنتظر، سازمان امامیّه، انجمن حسینیّهٔ کشمیریان، سازمان فدائیان اکبر، حرکت نفاذ فقه جعفریّه، جماعت اهل سنّت، کمیتهٔ میلاد واناثی، انجمن خیریهٔ اسلامیّه از پاکستان، مرکز اتحاد اسلامی در برزیل، جامعةالامام الصادق از کویت، دانشجویان مسلمان ایرلند، جنبش وحدت اسلامی جازداکا، نیروی اسلامی دانشجویان داکا، اتحادیهٔ اسلامی رفاه اجتماعی داکا، کتابخانهٔ اسلامی داکا، نشریهٔ ویکتوری از هنگ کنگ، مجمع اسلامی برلین غربی، مجلّه *القلم* پرتقال، مسجد جامع برزیل، جمعیّت شقفیه اسلامی سیرالئون، سازمان جوانان مسلمان سیرالئون، جماعت تقوی و رحمان از سیرالئون، جمعیّت نور اسلامی سیرالئون، مجلس اعلای اسلامی سیرالئون، سازمان حج و وحدت اسلامی آفریقا سیرالئون، انجمن دوستی ایران و سیرالئون، انجمن اسلامی دبیرستان امام خمینی سیرالئون، جماعت مسلمین گراسیلواز سیرالئون، انجمن زنان مسلمان سیرالئون، دانشجویان اتحادیّهٔ اسلامی دانشگاه سیرالئون، مدرّسین دروس اسلامی دانشگاه سیرالئون، انجمن حسینی نروژ، مرکز جماعت اهل سنّت نروژ، جامعهٔ اسلامی اسلو، مجلهٔ *الفرقان* پرتقال، جمعیّت ائمهٔ مساجد علمای بنگلادش کدرسی، مدرسهٔ علمیّه شرف‌العلوم دهلی، جامعهٔ امداد العلوم دهلی، جماعت القراء هند دهلی، مجمع تبلیغ قرآن هند، مدرسهٔ علمیّهٔ جامع‌التدریس دهلی، ادارهٔ حمایت مظلومین دهلی، شورای مرکزی شیعیان ماداگاسکار و شخصیّتهای اسلامی از لندن.[۲۸]

۲۸. *کیهان*، ۱۳۶۳/۱۰/۱۲.

واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا

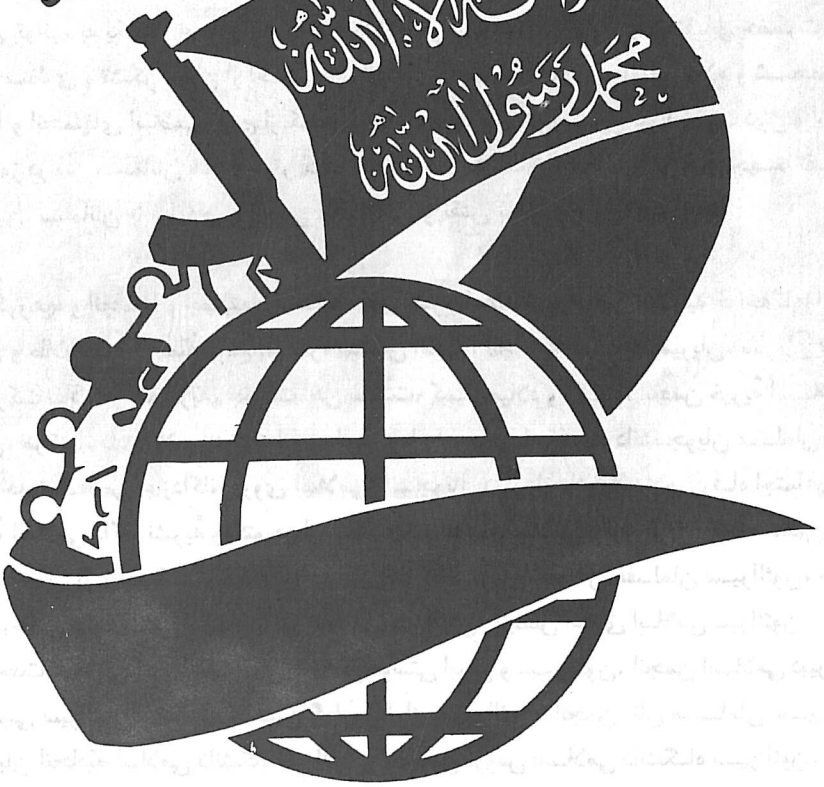

همه مسلمین باید بر ضد ستمگران ید واحد باشند

امام خمینی

جز اینها پیامهای فراوانی از سراسر ایران رسیده که در لیست بالا نیامده است.

ب. نمونه‌هایی از برگزاری مراسم هفتهٔ وحدت

۱. حدود چهارصد تن از برادران و علمای اهل تسنن در هفته وحدت در اردویی به نام اردوی وحدت شرکت کردند و در پایان در قم به حضور حضرت آیةالله منتظری رسیده، از پیشنهاد معظم‌له مبنی بر برگزاری هفتهٔ وحدت تجلیل کردند و خواستار برقراری وحدت هر چه بیشتر بین همهٔ مسلمانان جهان شدند.[۲۹]

۲. صدوسی تن از روحانیون اهل سنت آذربایجان غربی با تشکیل یك سمینار با علمای اهل شیعه در تبریز هفتهٔ وحدت را گرامی داشتند. در این سمینار آیةالله ملکوتی امام جمعهٔ تبریز گفت: این از برکات انقلاب است که امروز ما برادرانه در کنار هم گردآمده‌ایم. بنابراین ما باید این فرصت را مغتنم شمرده از آن در تحکیم وحدت بین خود استفاده کنیم.[۳۰]

۳. در فرانسه به همّت کانون اسلامی دانشجویان مسلمان ایرانی و شرکت برادران شیعه و سنّی از کشورهای لبنان، عراق، عربستان سعودی، بحرین، الجزایر، مصر، سومالی، فرانسه، آلبانی و برخی از کشورهای افریقایی مراسم هفتهٔ وحدت برگذار شد. در هند برادران شیعه و سنّی با شرکت جمع کثیری از مسلمانان هند در شهر پونا مراسمی برگذار کردند.[۳۱]

٤. به مناسبت فرا رسیدن هفتهٔ وحدت و ایام میلاد پر برکت نبوی، چندین هزار تن از مسلمانان انقلابی سیرالئون در خیابانهای اصلی فری تاون، پایتخت این کشور افریقایی، دست به تظاهرات زدند و با خواندن سرودهای اسلامی و شعارهای انقلابی به استقبال هفتهٔ وحدت رفتند. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی به همین مناسبت سمینار با شکوهی تحت عنوان وحدت بین مسلمانان با الهام از ندای آیةالله العظمی منتظری در تالار بزرگ عارف فری تاون با شرکت عدهٔ کثیری از شخصیتهای علمی، سیاسی، مذهبی، نظامی، اساتید و دانشجویان دانشگاهها و مدارس اسلامی تشکیل شد. بر پایهٔ این گزارش در اوّلین جلسهٔ این سمینار که از صبح روز دوشنبه آغاز شد رایزن فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پیرامون لزوم وحدت مسلمانان در جهان امروز جهت رویارویی با کفر جهانی با استناد به آیات کریمه مطالبی بیان داشت و تأکید نمود عوامل استعمار و استکبار و سازمانهای جاسوسی امپریالیستی به هر نحو ممکن سعی در ایجاد تفرقه میان مسلمانان جهان دارند و رژیم کافر صدام، آغازگر فتنهٔ و یکی از عوامل اصلی این تفرقه می‌باشد.

بر اساس این گزارش دکتر کارگبو استاد حقوق بین‌الملل دانشگاه، برادر منسازی رئیس انجمن دوستی ایران و سیرالئون، خانم الحاجیه سی و شیخ عمادیتجان دیگر سخنرانان جلسهٔ صبح سمینار

۲۹. کیهان، ۱۳٦۰/۱۰/۲۰. ۳۰. کیهان، دی ۱۳٦۰. ۳۱. کیهان، ۱۳٦۰/۱۰/۲۸.

بودند که پیرامون هفتهٔ وحدت و تاریخچه زندگی پیامبر گرامی اسلام ص مطالبی ایراد کردند. همچنین دکتر بنگورا استاد دانشگاه تربیت مدرّسین، دکتر محمد قبصه، برادر الحاج عیسی بنگورا دبیر کل سازمان حج سیرالئون و نیز کنسول افتخاری سوریه در ارتباط با هفتهٔ وحدت و رهنمودهای حضرت آیةالله العظمی منتظری سخنان مبسوطی بیان داشتند. این سمینار با قرائت قطعنامه‌ای به پایان رسید.[۳۲]

۵. دانشجویان مسلمان ایران، عراق، افغانستان و هند به اتفاق، به مناسبت سالروز تولّد حضرت محمد (ص) هفتهٔ وحدت را جشن گرفتند.

در این مراسم طولانی چندین سخنرانی در مورد زندگی پیامبر اکرم ص ایراد شد و راههای پیروی از پیامبر در پیاده کردن اسلام در جهان امروز مورد بررسی قرار گرفت.

شرکت کنندگان در این مراسم عبارت بودند از حزب اسلامی افغانستان، جمعیّت اسلامی افغانستان، اتحاد سه گانه، مجاهدین افغانی، انجمن اسلامی دانشجویان عراقی در هند و اتحادیّهٔ انجمن اسلامی دانشجویان ایرانی در هند.

مراسم با دعا به درگاه ایزد متعال برای پیروزی تمام مجاهدین مسلمان در سراسر جهان پایان یافت.[۳۲]

٦. سمینار سراسری وحدت که با حضور آیةالله جنّتی عضو فقهای شورای نگهبان و سرپرست سازمان تبلیغات اسلامی، حجةالاسلام موسوی نمایندهٔ امام در غرب کشور و با شرکت پانصد تن از علمای اهل تسنن و تشیع شامل هیئتی از مسئولان مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، علمای اسلامی پاکستان، هیئتی از علما و طلاب دینی کشورهای دیگر افریقایی و آسیایی و هیئتی از علمای مهاجر کردستان عراق، روحانیون شهرهای استانهای آذربایجان غربی و کُردستان، همزمان با سومین روز از هفتهٔ وحدت در شهرستان مهاباد گشایش یافته بود، در تاریخ ۱۳٦٤/۹/۷ به کار خود ادامه داد و در دومین و آخرین روز از کار خود پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید امام جمعهٔ سقز با اشاره به نقش روحانیّت در ایجاد وحدت بین مسلمانان سخن گفت. در پایان قطعنامه‌ای در هفت ماده قرائت شد.[۳۳]

۷. به مناسبت هفتهٔ وحدت، مراسم با شکوهی با حضور ائمهٔ جمعهٔ اهل تشیع و تسنّن شهرستان تالش (هشتپر)، روحانیّون، جمعی از مسئولان نهادها و ارگانها و اهالی مسلمان این شهرستان در مسجد صاحب‌الزمان پره‌سر تالش برگذار شد. در این مراسم شرکت کنندگان در صفوفی منظم به نماز ایستادند و با سردادن ندای وحدت، یك بار دیگر ضمن دادن پاسخ مثبت به ندای فقیه عالیقدر آیةالله العظمی منتظری، بر وحدت برادران اهل تسنن و تشیع تأکید کردند. بر پایهٔ این گزارش در این مراسم امام

۳۲. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/۹/٦. ۳۳. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/۹/۱۰.

جمعهٔ اهل تسنّن پره‌سر طی سخنانی با اشاره به تأکید امام امّت مبنی بر حفظ وحدت بین مسلمانان، در زمینهٔ برگذاری هر چه با شکوه‌تر هفتهٔ وحدت مطالبی بیان داشت و در بخشی از سخنانش گفت: امروز وحدت و یکپارچگی بین برادران اهل تشیع و تسنّن، تحت رهبری امام امّت، توطئه‌های استکباری را خنثی ساخته است.[۳۴]

۸. به مناسبت میلاد با سعادت پیامبر گرامی اسلام و ایام فرخندهٔ هفته وحدت، جمعه شب گذشته مراسم با شکوهی با حضور روحانیون و شرکت صدهاتن از برادران مسلمان ایرانی و غیرایرانی در محل سفارت جمهوری اسلامی ایران در ابوظبی برگذار گردید. در این مراسم سفیر ایران در امارات، طی سخنان کوتاهی به اثرات هفتهٔ وحدت در میان اقشار مختلف مسلمانان جهان اشاره کرد و گفت: با آنکه عمر چندانی از این موضوع نمی‌گذرد ولی اثرات آن در همین مدت کوتاه کاملاً مشخص گردیده و استکبار جهانی را به وحشت انداخته است.[۳۵]

۹. مراسم و مجالس جشن و سخنرانی به مناسبت میلاد حضرت پیامبر اکرم ص و هفتهٔ وحدت، روز جمعه در سراسر پاکستان برگذار شد. یکی از رهبران مسلمان پاکستان به مناسبت میلاد حضرت پیامبر اکرم ص و امام جعفر صادق ع، همچنین هفتهٔ وحدت پیام تبریکی به محضر امام خمینی و آیةالله العظمی منتظری فرستاد.

حجةالاسلام سیّد عارف حسین حسینی ضمن اشاره به برگذاری مراسم هفتهٔ وحدت در پاکستان و سایر نقاط جهان با شرکت مسلمانان شیعه و سنی ابراز امیدواری کرد مسلمانان جهان با پیروی از رهنمودهای امام امت بتوانند علیه ظلم و استکبار جهانی قیام کنند. وی در پایان پشتیبانی خود و مسلمانان پاکستان را از امام خمینی و فقیه عالیقدر آیةالله العظمی منتظری اعلام و طول عمر امام خمینی و پیروزی مسلمانان بر کفار و منافقین را از درگاه خداوند مسئلت نمود... از طرفی کنفرانس بین‌المللی بانیان وحدت مسلمین پس از اجلاس سه روزهٔ خود روز جمعه در کراچی با انتشار قطعنامه‌ای به کار خود پایان داد.[۶]

۱۰. مراسم هفتهٔ وحدت با حضور صدها تن از مسلمانان مقیم انگلستان در لندن برگذار شد. در این مراسم چهار ساعته که عصر پنج شنبه به همت سفارت جمهوری اسلامی ایران در مسجد ریجنتر پر لندن برگذار شد پس از ایراد چند سخنرانی شرکت کنندگان در این مراسم که تعدادی نیز مسلمان غیر ایرانی بودند دست در دست یکدیگر ندای وحدت سر دارند.[۳۶]

۱۱. از سوی ستاد برگذاری مراسم هفتهٔ وحدت در بندر ترکمن، مراسم شکوهمندی در محل احداث

۳۴. *اطلاعات*، ۱۳۶٤/۹/۱۱. ۳۵. *ابرار*، ۱۳۶٤/۹/۱۰. ۳۶. *ابرار*، ۱۳۶٤/۹/۱۰.

مسجد قبا این شهر برگذار شد. در این مراسم که حجةالاسلام نورمفیدی نمایندهٔ امام در منطقه و امام جمعهٔ گرگان، سرپرست استانداری مازندران و عدّه‌ای از مسئولین محلی و علمای اهل سنت شرکت داشتند: برادر حاج محمد آخوند عابدی‌کر امام جمعهٔ اهل سنت بندر ترکمن طی سخنانی ضمن خوش آمدگویی و تبریك و تهنیت میلاد مبارك پیامبر بزرگوار اسلام ص پیرامون هفتهٔ وحدت و اثرات برپایی مراسم این هفته در تحکیم اخوت و برادری بین شیعه و سنی و اهمیت اتحاد و همبستگی مسلمانان در پیشبرد اهداف والای انقلاب و اسلام، مطالبی بیان داشت.[۳۷]

۱۲. به مناسبت هفتهٔ وحدت مراسمی در مسجد جامع آق قلا برگذار شد. ابتدا عبدالجبار آخوند میرزا علی امام جمعهٔ آق‌قلا پیرامون این هفتهٔ بزرگ و وحدت مسلمانان جهان علیه استکبار جهانی سخنانی ایراد کرد. سپس حجةالاسلام سیّدجواد حسینی نمایندهٔ آق‌قلا و علی‌آباد در مجلس شورای اسلامی نیز سخنانی مبنی بر اینکه متحد بودن تسنن و تشیع در دنیا باعث دلسردی و وحشت مسالك غربی و شرقی خواهد شد، ایراد کرد.[۳۸]

۱۳. در شهرهای کرمان، لارستان، خلج، شهر کرد و تربت جام، مراسم با شکوهی به مناسبت آغاز هفتهٔ وحدت برگذار شد. بخش جوانرود امروز شاهد تجلّی وحدت برادران تشیع و تسنن در استان باختران بود. به گزارش رسیده از نخستین ساعات بامداد کاروانهایی از باختران، پاوه، روانسر، ثلاث باباخانی و باینگان رهسپار این بخش شدند تا در راهپیمایی و مراسم دومین روز هفتهٔ وحدت شرکت کنند.

راهپیمایان در حالی که عکسهایی از امام خمینی و فقیه عالیقدر آیةالله العظمی منتظری و پلاکاردهایی شامل شعارهای وحدت را حمل می‌کردند از میدان مدخل شهر راهپیمایی خود را شروع کردند و پس از گذشتن از مسیر خیابانها در مسجد جامع گرد آمدند. در این مراسم که ائمهٔ جمعه، علما، روحانیون تشیع و تسنن، فرماندار اورامانات، بخشداران بخشهای این منطقه، اعضای ارگانها و نهادهای انقلاب اسلامی، فرزند شهید اشرفی اصفهانی، کاروان اعزامی از استان یزد، فرهنگیان و دانش‌آموزان و اقشار مختلف مردم جوانرود نیز شرکت داشتند پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید و اجرای چند سرود در مدح حضرت رسول اکرم ص ملا رستم حسینی نمایندهٔ شورای روحانیت و حوزهٔ علمیهٔ امام خمینی جوانرود، ملا احمد فخری امام جمعهٔ جوانرود، حجة الاسلام شاه‌آبادی نمایندهٔ تهران در مجلس شورای اسلامی، ملاقادر قادری امام جُمعه پاوه، نمایندگان روحانیت بخشهای مختلف منطقهٔ اورامانات که در این اجتماع شرکت داشتند پیرامون اهمیت برگذاری هفتهٔ وحدت و تأثیر آن در اتحاد بیشتر مسلمانان جهان و وجوه مشترك وحدت بین برادران تسنن و تشیع سخنانی ایراد کردند.

همین گزارش حاکی است که در گیلان غرب، هرسین، صحنه، کرند، کامیاران، پاوه و سایر نقاط

۳۷. *اطلاعات*، ۱۳٦٤/۹/۱٤. ۳۸. *کیهان*، ۱۳٦٤/۹/۱۲.

استان باختران نظیر همین مراسم برگذار شد. گزارش رسیدهٔ دیگر نیز حاکی است که در بخش خواف، بوکان، سمنان، گناوه، گلهدار، سراوان، آبادان، همدان، کرمان، آلشتر و نورآباد، کنگان، بوشهر، اشنویه، اصفهان و کلاله مراسم با شکوهی به مناسبت هفتهٔ وحدت برگذار شد و سخنرانان در مساجد و تکایا مطالب مشروحی در مورد اهمیت و ضرورت وحدت میان شیعه و سنی بیان داشتند و مردم را به وحدت هر چه بیشتر با یکدیگر دعوت کردند.[۳۹]

۱٤. جلسهای به مناسبت هفتهٔ وحدت از سوی انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا در مرکز اسلامی واشنگتن برگذار شد. در این جلسه که تعداد زیادی از برادران و خواهران مسلمان ایرانی، عرب، افغانی و آمریکایی حضور داشتند پس از تلاوت آیاتی چند از کلام الله مجید، طی تفسیری در مورد شیطان با استناد به *قرآن* کریم شعار مرگ بر آمریکا و دیدگاههای حضرت امام خمینی در مورد شیطان بزرگ بیان گردید و گفته شد که مسلمانان باید شعار مرگ بر آمریکا را در تمامی ابعاد زندگی خود به مرحلهٔ اجرا در آورند، سپس برادر عیسی عبدالله علی یکی از برادران سیاه پوست شیعه که از اوایل تجاوز اخیر صهیونیستها در جنوب لبنان در کنار مسلمین لبنانی علیه تجاوز اشغالگر قدس میجنگیده است خاطرات و مشاهدات خود را برای شرکت کنندگان در جلسه بازگو کرد. پس از سخنرانی برادر عیسی، نمایش اسلایدی از جنایات صهیونیستها در بیروت به نمایش گذاشته شد. آنگاه خواهرسارا از خواهران مسلمان امریکایی که اخیراً از یك سفر سه ماهه به ایران بازگشته است در مورد مشاهدات خود در ایران سخنانی ایراد کرد. خواهرسارا که در این سفر توفیق دیدارحضرت امام، آیةالله العظمی منتظری و همسر شهید رجایی و چندتن دیگر از مقامات جمهوری اسلامی را داشته است از تجربیاتش در این ملاقاتها سخن گفت و خاطر نشان ساخت که وی آنچنان تحت تأثیر رفتار و محبتهای مردم مسلمان ایران قرار گرفته که حاضر نبوده است بهشت (ایران) را ترك کند و به جهنم (امریکا) بیاید. وی همچنین ضمن رساندن پیام امت به خواهران و برادران سیاهپوست و سایر مسلمین امریکا بر مسئلهٔ وحدت بین مسلمین تأکید و سفارش بسیار نمود. این جلسه با قرائت سورهٔ والعصر پایان یافت.[٤۰]

۱۵. در کلمبو پایتخت سریلانکا، کنفرانس هفتهٔ وحدت تشکیل شد. در این کنفرانس که چهار روز به طول انجامید عدهای از شخصیتهای ایران، عراق، انگلیس و تعدادی از کشورهای دیگر سخنرانی کردند.[٤۱]

۱٦. اولین روز مراسم هفتهٔ وحدت با حضور علما و روحانیون اهل تشیع و تسنن و مسئولان دوکاروان اعزامی از قزوین و زنجان و شهرهای روانسر، باینگان، ثلاث باباجانی، جوانرود، هرسین و فرمانداران

۳۹. *کیهان*، ۱۳٦۱/۱۰/۹. ٤۰. *کیهان*، ۱۳٦۱/۱۰/۱٤. ٤۱. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦۱/۱۰/۱۱.

و شهرداران استان باختران، تنی چند از مدیران کل ادارات باختران و ائمهٔ جمعهٔ شهرهای یادشده و فرماندهان سپاه منطقهٔ پاوه در مسجد عبدالله این شهر برگذار شد. در این جلسه ملاقادر قادری پیرامون نیاز مسلمین به وحدت در برابر دشمن مشترك مسلمین سخنرانی کرد. وی ضمن خوشامد گویی به کاروانهای وحدت و مسئولان حاضر در این اجتماع و تقدیر از نقش آیةالله العظمی منتظری در نامگذاری این هفته گفت: مسلمانان جهان باردیگر می‌توانند عظمت قدرت خود را که در سایهٔ وحدت به دست آورده‌اند احیا کنند و با خروش خود پایه‌های ظلم و ستم را در جهان به لرزه درآورند. سپس سرودی توسط دانش آموزان دبیرستان معلم پاوه اجرا شد. آنگاه پیام فرهنگیان زنجان به مناسبت هفتهٔ وحدت قرائت شد.

در پایان این مراسم، پس از سخنرانی حجة الاسلام مدنی رئیس دادگاه مدنی خاص استان باختران، نماز وحدت با شرکت اقشار مردم و کاروانهای وحدت به امامت ملا قادر قادری امام جمعهٔ پاوه در این مسجد برگذار شد.[۴۲]

۱۷. در اولین روز از هفتهٔ وحدت و به منظور شرکت در مراسم بزرگداشت خجسته میلاد حضرت رسول اکرم ص پیش از ظهر دوشنبه کاروانی متشکل از برادران روحانی، جمعی از مسئولین و کارکنان ادارات و مؤسسات و نهادهای انقلاب اسلامی و ارگانهای نظامی و انتظامی استان یزد، جهت دیدار با برادران اهل سنت و ائمهٔ جمعه و جماعات منطقه عازم سیستان و بلوچستان شدند.[۴۳]

۱۸. به مناسبت فرا رَسیدن هفتهٔ وحدت مجلس جشن و سخنرانی از سوی برادران اهل سنت و جماعت بیرجند با حضور حجة الاسلام فقهی امام جمعه، اقشار مختلف مردم، مسئولین کلیهٔ نهادهای انقلابی و دوایر دولتی، خانوادهٔ شهداء، روحانیون تسنن و تشیع در محل مسجدالنبی این شهر با شکوه خاصی برگذار شد. در این مراسم آقای مولوی عبدالعزیز الهیاری و نیزامام جمعهٔ بجنورد در زمینهٔ توطئه‌های دشمنان اسلام، شخصیت و زندگانی پیامبر اکرم ص و نقش اتحاد در پیروزی و پیشرفت اسلام سخنرانی نمود و بر اتحاد هر چه بیشتر مسلمین تأکید ورزیدند. همچنین به منظور وحدت هر چه بیشتر در اولین روز از هفتهٔ وحدت و در آستانهٔ میلاد رسول اکرم ص از سوی برادران اهل سنت روستای مرزی تابع بیرجند مجلس جشن و سخنرانی و اطعام در محل مسجد جامع این روستا با شکوه تمام برگذار شد.[۴۴]

۱۹. در آستانهٔ ولادت یگانه منجی عالم بشریت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی ص و امام جعفر صادق ع که همزمان با اولین روز از هفتهٔ وحدت می‌باشد، سمینار ائمهٔ جمعه و جماعات اهل تسنن و تشیع استان هرمزگان در سالن کتابخانه دکتر شریعتی بندرعباس تشکیل شد. در این سمینار ائمهٔ جمعهٔ

۴۲. *کیهان*، ۱۳٦٤/۹/٦. ۴۳. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/۹/۵. ٤٤. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/۹/۵.

رشت، تاکستان، رودبار، نمایندهٔ جامعهٔ روحانیت مبارز تهران، نمایندهٔ مردم هرمزگان در مجلس خبرگان، سرپرست و معاونین استانداری هرمزگان، فرماندار بندرعباس، فرماندهان نیروهای نظامی و انتظامی و تنی چند از مسئولان دستگاههای اجرایی استان حضور داشتند.

در این سمینار چند نفر از شخصیتهای اسلامی و ائمهٔ جمعه سخنرانی کردند.

سمینار ائمهٔ جمعه و جماعات استان هرمزگان با تشکیل سه کمیسیون در زمینهٔ جنگ و جبهه، وحدت و عوامل تفرقه و مسائل قاچاق و مواد مخدر و فساد و فحشا به کار خود ادامه داد.[۴۵]

۲۰. مسلمانان پاکستانی با برگذاری مراسم با شکوهی، میلاد نبی اکرم و آغاز هفتهٔ وحدت را جشن گرفتند. در این مراسم یك رهبر مجاهدین افغانی، تجاوز نظامی عراق را به ایران محکوم کرد و خواستار حمایت مسلمانان جهان ازمبارزات مردم مسلمان ایران، افغانستان و فلسطین شد.

پس از سخنرانی مولوی نصرالله منصور رهبر حرکت اسلامی افغانستان، حجةالاسلام حسین الاصغر از روحانیون پاکستان سخنرانی کرد. وی گفت: مسلمانان باید با الهام از تاریخ صدر اسلام، وحدت را الگوی خود قرار دهند تا توطئه‌های دشمنان اسلام را ناکام سازند.

این گزارش حاکی است مسلمانان تانزانیا، کرانهٔ رود اردن، طرابلس لبنان و بسیاری از کشورهای دیگر جهان، هفتهٔ وحدت را گرامی داشتند.[۴۶]

۲۱. محمد دومیرو دین مدیر جمعیت ائمهٔ مسجد و علمای بنگلادش، حاج محمد حبیب‌الله محمود یکی از علمای مالزی، علامهٔ عقیل ترابی یکی از علمای کراچی، حبیب طایب سردبیر مجلهٔ *الفرقان* از پرتغال، شیخ صالح نیفر همراه با گروهی از علما، ائمهٔ جمعه و جماعت مقیم لندن، به نامهای سید اختر رضوی، سیدمحمد سرور، شیخ منظور حسین، سیدمنوحسین تقوی، سیدغلامحسین شبیر رضوی، سیدذوالقدر رضوی، سیدغلام آل مرسلین، سیدشاب الحسن رضوی، الحاج شیخ عباس مصباح زاده، سید مهدی حکیم، سیدمحمد علی حکیم، سید محمد بحرالعلوم، شیخ ظفرعباس، سیدسجاد رضوی، سیدشمیم سارتین و غلامعباس رضوی با ارسال پیامهایی به دفتر کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت، میلاد با سعادت منجی عالم بشریت حضرت محمد بن عبدالله ص و سالگرد هفتهٔ وحدت را به حضور حضرت امام و فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری تبریك عرض نموده و از خداوند متعال پیروزی رزمندگان و سربلندی مسلمانان جهان را مسئلت نمودند.[۴۷]

آنچه در چند صفحهٔ گذشته نقل شد، نمونه‌های اندکی از استقبال اقشار مختلف مردم و علمای اسلامی در جهان، اعم از شیعه و سنی، از ابتکار آیةالله منتظری در اعلام هفتهٔ وحدت بود.

امّا پس از نقل این نمونه‌های پشتیبانی و تشکیل مراسم، بسیار مناسب است که نقطه نظرات آیةالله

۴۵. *کیهان*، ۱۳٦٤/۹/٦. ٤٦. *اطلاعات*، ۱۳٦٤/۹/۵. ٤٧. *کیهان*، ۱۳٦۳/۹/۲٤.

العظمی منتظری را پیرامون هفتهٔ وحدت، در اینجا نقل کنیم.

در میان انبوهی از فرمایشات معظم‌له در خصوص هفتهٔ وحدت دو نمونه را انتخاب کرده‌ام که تقدیم می‌شود.

نمونهٔ اول مربوط به اولین سال اعلام هفتهٔ وحدت، و نمونهٔ دوم مربوط به سال ۱۳٦٤ است.

۰۱ ۱۳٦۰/۱۰/۲۲

من به سهم خودم مسئلهٔ هفتهٔ وحدت را پیشنهاد کردم. من دیدم که ولادت حضرت مسیح را مسیحیها در دنیا با چه شوری برگذار می‌کنند ولی ولادت پیامبر اکرم ص را که حیات بشر به واسطهٔ ولادت اوست ما اهمیت نمی‌دهیم. یك مسئله هست که اهل سنّت دوازدهم ربیع را می‌گویند ولادت پیامبر. شیعه هفدهم ربیع را. من پیشنهاد می‌کنم که یك هفته از دوازده تا هفده ربیع به نام هفتهٔ وحدت گذاشته شود و تمام مسلمانها اعم از شیعه و سنّی مراسمی داشته باشند و این هفته را شیعه و سنّی با هم هماهنگی کنند و به ارشاد و تبلیغ و تشکیل مجامعی که مبیّن سیرهٔ پیامبر اکرم ص و اخلاق پیامبر اکرم ص باشد بپردازند. علی‌ایحال از این نوع کارها تا به حال شده و امیدوارم که بعد از این هم بشود ـ اگر دشمنان ما بگذارند. چنانچه می‌دانید در کنفرانس طائف به تحریك کیسینجر گفته‌اند که برای شکستن انقلاب ایران سعی کنیم که در ایران جنگ شیعه و سنّی راه بیندازیم، حتی اگر بشود کاری کنیم که بعضی از سنّیها هم کشته بشوند، اینها را وسیله قرار دهیم، سوژه‌ای قرار بدهیم و دامن بزنیم به جنگ شیعه و سنّی. بالاخره ابر قدرتهایی که منافعشان در معرض خطر است در اینجاها آنها سعی دارند که دامن بزنند به این اختلافات. ولی ما به اندازهٔ قدرتمان سعی کنیم که اختلافات نباشد.

۰۲ ۱۳٦٤/۹/۳

در شرایطی که کفر جهانی و سردمداران سرمایه‌داری و کمونیسم با آنهمه اختلاف و تضادی که دارند برای منافع خود و استثمار ملل مظلوم در نشست مهمّ خود در بیشتر مسائل جهانی به توافق و وحدت نظر می‌رسند، چرا نباید مسلمانان با اینکه در بسیاری از مسائل مشترکند اختلافات خود را به حداقل برسانند و در برابر جبههٔ کفر شرق و غرب و صهیونیسم جهانی جبههٔ واحد تشکیل دهند و به جای طعن و لعن به یکدیگر و تشدید اختلافات نژادی و مذهبی و طرح مسائلی نظیر پان ایرانیسم و پان عربیسم و پان ترکیسم در برابر اسلام که خواستهٔ قدیمی دشمنان اسلام و *قرآن* و درست شده به دست آنها می‌باشد بنشینند و با تفاهم و هماهنگی کامل برای صهیونیسم و کفر جهانی فکری بکنند... من کراراً گفته‌ام مقصود از وحدت کلمهٔ مسلمانان در برابر کفر و صهیونیسم این نیست که مثلاً شیعه از عقاید حقه و فقه خود دست بردارد و یا طوائف مختلف اهل سنت به فقه و عقیدهٔ خود عمل نکنند، هرگز کسی این را نگفته، بلکه ما می‌گوییم شیعه باید با جدیت کامل به مذهب و فقه خود اهمیت دهد و عمل کند و حتی با منطق و استدلال قوی بدون توهین و هتاکی به دیگران حقایق مذهبی و فقهی خود را تبلیغ کند و دیگران هم همین طور. آنچه مقصود است و برای آن هفتهٔ وحدت اعلام شده همان توجّه بیشتر

مسلمانان به مشترکات عقیدتی و دینی خودشان و تشکیل جبههٔ واحد در برابر اسرائیل و کفر شرق و غرب و عمال آن می‌باشد...

مرحوم آیةالله بروجردی طاب‌ثراه در همان وقتی که با مکاتبه و ارتباط با شیخ شلتوت مسئلهٔ وحدت شیعه و سنی را مطرح کردند فرمودند به نظر من اگر ما قدرت داشتیم می‌بایست یك وحدت کلمه و جبههٔ واحدی از تمام موحدین و الهیون عالم در برابر منکرین خدا و کفار درست کنیم.

از آیهٔ شریفهٔ «لولارفع‌الله الناس بعضهم ببعض» این نکته به دست می‌آید که خداوند متعال مساجد و کلیسا و کنیسه‌ها را به عنوان اینکه نام خدا و ذکر الله در آنها برده می‌شود در برابر مراکز کفر قرار داده و فرموده اگر نبود دفاع طرفداران خدا از عقیدهٔ خود، هم مساجد و هم صوامع و بیع خراب می‌شد. بنابراین جبههٔ مشترك الهیون و خداپرستان در برابر منکرین خدا از این آیهٔ شریفه به خوبی مفهوم می‌شود.

سنگر توحید

تا پیام رهبر ایران شعار وحدت است — آرمان ملت ما انتشار وحدت است
مسلمین را کی بود از کافران بیم شکست — تا شهامت در دل و بر لب شعار وحدت است
از منافق پیشگان ما را به دل اندیشه نیست — رهبر آگاه ما آئینه‌دار وحدت است
مسلمین را خواند بر وحدت امام ما و گفت: — روزگار اتفاق و روزگار وحدت است
اینهمه عکس شهیدان بر در ودیوار شهر — یادبود انقلاب و یادگار وحدت است
آنکه جان خود فدای دین و قرآن می‌کند — ارتش نستوه ما و پاسدار وحدت است
آنچه وحشت در دل بیگانگان انداخته — اجتماع مسلمین تحت شعار وحدت است
«هفتهٔ وحدت» بود از ابتکار آن فقیه — کو مجاهد پرور و خدمتگزار وحدت است
آن امید رهبر و امت که از آغاز عمر — دشمن شرك و نفاق و دوستدار وحدت است
«هفتهٔ وحدت» مبارك هفته‌ای شد کاندر آن — روز میلاد نبی ، بنیانگزار وحدت است
منجی نوع بشر پیغمبر رحمت که او — خاتم پیغمبران، آموزگار وحدت است
آنکه با قانون انسان‌ساز خود فرموده است — مسلمین را رستگاری در کنار وحدت است
می‌شود در روز محشر ایمن از بیم عذاب — هر مسلمانی که داخل در حصار وحدت است
آنچه باشد حافظ ما از هجوم شرك و کفر — سنگر توحید و سد استوار وحدت است
چون که وحدت ضامن پیروزی هر ملتی است — «خسرو» از اقشار ملت خواستار وحدت است

سیدمحمد خسرو نژاد

ادامهٔ دیدارها

۱۳۶۰/۹/۱۵

گروهی از برادران مسلمان کشورهای آسیایی که برای آشنایی با انقلاب اسلامی به ایران سفر کرده‌اند ر قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری ملاقات کردند.

در این دیدار ابتدا برادران مسلمان از آیةالله منتظری به خاطر اعلام هفتهٔ وحدت از سوی ایشان تقدیر و تشکر کردند. آنگاه آیةالله منتظری ضمن بیان رهنمودهایی در مورد انگیزهٔ اعلام هفتهٔ وحدت اظهار داشتند: این تصمیم به این دلیل بود که مسلمین جهان در این هفته با برگزاری جشن و تشکیل اجتماعات و تجلیل از مقام والای پیامبر عظیم‌الشأن حضرت محمّد ص هر چه بیشتر از ارشاد و رهنمودهای علما و خطبا در زمینهٔ آشنایی با مکتب حیاتبخش اسلام و حفظ وحدت و همبستگی اسلامی برخوردار گردند.

۱۳٦۰/۹/۱۸

آیةالله صدوقی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ یزد به اتفاق آیةالله مهدوی کنی دبیر شورای روحانیت مبارز و سرپرست کمیته‌های انقلاب اسلامی با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری در قم دیدار و گفت و گو کردند.

آیةالله صدوقی در رابطه با انگیزهٔ این ملاقات اظهار داشت: در این دیدار پیرامون کیفیت ادارهٔ بنیاد دینی و فرهنگی صدوق قم تبادل نظر به عمل آمد و قرار شد با همکاری آیةالله مهدوی کنی و تماس نزدیك با مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم زیر نظر هیئت امنا و هیئت مدیره‌ای که بعداً تعیین خواهند شد برای پذیرش دانشجویانی که در این مجتمع علوم جدید و قدیم را با هم خواهند گذرانید اقدام اساسی به عمل آید.

۱۳٦۰/۱۰/٤

آقای مولوی محمد گل حسن زهی امام جمعهٔ زابل همراه ائمهٔ جماعت و علمای اهل تسنّن سیستان و بلوچستان در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری ملاقات و گفت و گو کردند. در این ملاقات ابتدا امام جمعهٔ زابل گزارشی از مشکلات و مسائل سیستان و بلوچستان ارائه کرد و آنگاه آیةالله منتظری ضمن اشاره به مسئولیت خطیر علمای اهل تسنن در منطقهٔ سیستان و بلوچستان که در رژیم گذشته در زمینه‌های مختلف مورد ظلم و تبعیض واقع شده‌اند از آنان خواست تا در جهت حفظ و تحکیم وحدت و اخوت اسلامی بین اهالی غیور منطقه از شیعه و سنی بکوشند و با طرح مشکلات دولت و مملکت اهالی را بیش از گذشته توجیه نمایند.

آیةالله منتظری با اشاره به گرفتاریهای ناشی از توطئه‌های عوامل داخلی و خارجی قدرتهای شیطانی برادران اهل تسنن را به استقامت افزون‌تر فراخواند و اطمینان داد مسائل را با مسئولین امور در میان گذاشته، امکانات همکاری را در از میان برداشتن موانع فراهم آورد.

۱۳٦۰/۱۱/۱٦

شیخ کفتارو مفتی اعظم سوریه و تنی چند از مقامات بلند پایهٔ سوری که برای شرکت در مراسم بزرگداشت سومین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی به ایران آمده‌اند در قم با فقیه عالیقدر آیةالله

منتظری دیدار و گفت و گو کردند. در ملاقات شیخ کفتارو با فقیه عالیقدر آیةالله منتظری و بحث و گفت و گو پیرامون نقش هفتهٔ وحدت و تأثیر مثبت آن در گسترش و صدور انقلاب اسلامی شیخ کفتارو گفت: پس از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی موج عظیمی نسبت به تشیع و حقایق آن در میان مسلمانان جهان به وجود آمده است. آیةالله منتظری پس از تشکر از ورود ایشان و سایر مدعوینی که برای آشنایی با انقلاب اسلامی به ایران سفر کرده‌اند با اشاره به نقش علمای طراز اوّل شیعه همچون مرحوم آیةالله العظمی بروجردی و گامهایی که در راه نزدیکی هر چه بیشتر مسلمانان برداشته شده گفت: شیوه تدریس در حوزه‌های علمیّه توجّه به فتاوی اهل سنّت در کنار روایات و احادیث تشیع است و انتظار می‌رود علمای اهل سنّت نیز متقابلاً در مجامع علمی و فقهی خود به روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و نیز فتاوی علمای شیعه توجّه نمایند. در پایان این دیدار آیةالله منتظری دوره‌ای از کتابهای خلاف شیخ طوسی و بحارالانوار مرحوم مجلسی و نیز چند جلد از کتب تألیفی خود را به ایشان اهدا کرد و شیخ کفتارو ضمن تشکر آرزو کرد این مسافرتها همچنان ادامه یابد.

۱۳۶۰/۱۱/۲۵

به دنبال دستورالعملهای تاریخی و آینده‌ساز امام امت در پیام مهم خود به مناسبت سومین سالگرد پیروزی و آغاز چهارمین سال انقلاب اسلامی ایران و از جمله تأکید بر لزوم تصفیه، ایجاد نظم و انضباط و برنامه‌ریزی صحیح در حوزه‌های علمیه جهت تربیت فقها و علما و خطبای مورد توجه و علاقهٔ مردم و مکلف دانستن همه به خصوص فضلا و علما و مدرسین برای حفظ حوزه‌ها از ورود عناصر منحرف و نیز به دنبال استعفای چند نفر از اعضای شورای مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم، دیروز گروه کثیری از فضلا و طلاب حوزه علمیهٔ قم پس از یك راهپیمایی آرام، برای کسب تکلیف و گرفتن رهنمود از فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری به منزل ایشان رفتند.

در این اجتماع ابتدا حجةالاسلام عبایی یکی از مدرسین حوزهٔ علمیه و مسئول دفتر تبلیغاتی قم طی سخنانی ضمن پشتیبانی از فرمان اخیر رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی در رابطه با حوزه‌های علمیه خواستار ایجاد نظم بیشتر در حوزه‌ها شد. سپس فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری ضمن تشکر از آنان طی سخنانی گفت:حضرت علی ع در نامه‌ای خطاب به حسنین علیهما السلام آنان را سفارش به نظم و تقوی نمودند که این سفارش در واقع به همهٔ مسلمین است بدون استثنا، حتی برای حوزه‌های علمیه، و همان طور که این خواست مشروع و منطقی شما در پیام حیات بخش رهبر انقلاب آمده بود حوزه‌های علمیه باید دارای نظم خاص باشد چون هم اکنون حوزه‌ها از دو نظر مورد توجه جهانیان است: یکی موافقان و دیگر دشمنان اسلام.

دشمنان اسلام و سازمانهای جاسوسی ممکن است با فرستادن اشخاصی در حوزه‌ها بخواهند به مقاصد شوم خود نایل شوند بنابراین الآن بیش از هر زمان دیگری حوزه‌ها احتیاج به نظم دارند. در گذشته گفته می‌شد که به علت موانع موجود نمی‌توان حوزه‌ها را منظم کرد، لیکن در حال حاضر که آن موانع بر طرف شده این مهم باید انجام شود.

شما طلاب و فضلا باید با انتخاب نمایندگانی از میان خود و یا اینکه فضلا و طلاب هر استانی چند نماینده انتخاب نمایند تا به محضر رهبر انقلاب و دیگر مراجع برسند و من اطمینان دارم که رهبر انقلاب و دیگر مراجع نیز موافق منظم نمودن و سامان دادن به حوزه‌ها هستند.

آیةالله منتظری در قسمت دیگری از سخنان خود اظهار داشت: ما نمی‌توانیم ببینیم که در دانشگاهها انقلاب فرهنگی شود لیکن در حوزه‌ها تغییر فرهنگ داده نشود. انشاءالله نمایندگان شما نیروهای مؤمن و فعال را معرفی نمایند تا از آنها در این امر بیشتر استفاده شود.

براساس این گزارش اجتماع کنندگان در پایان در حالی که شعارهایی مبنی بر پشتیبانی از فرمان اخیر امام امت می‌دادند منزل حضرت منتظری را ترك کردند.

۱۳۶۰/۱۲/۲۲

حجةالاسلام گلسرخی که چندی قبل از سوی حضرت آیةالله العظمی منتظری جهت بررسی اوضاع حوزه‌های علمیه و دانشجویان مسلمان ایرانی به هندوستان سفر کرده بود، به اتفاق حجةالاسلام موسوی امام جمعهٔ شهر بمبئی، در قم با آیةالله العظمی منتظری ملاقات گفت و گو کردند. در این ملاقات ابتدا حجةالاسلام گلسرخی گزارشی از نتایج سفرش به هند و موفقیتهایی که در این زمینه کسب کرده است ارائه کرد و آنگاه حجةالاسلام موسوی امام جمعهٔ بمبئی ضمن تشکر از آیةالله العظمی منتظری به خاطر اعزام آقای گلسرخی به هندوستان، بازگشت مجدد و ادامهٔ فعالیت وی را خواستار شد. سپس آیةالله العظمی منتظری ضمن تقدیر از زحمات آقای گلسرخی و همکاریهای آقای موسوی با وی، با اشاره به تلاش روزافزون تبلیغاتی دشمنان اسلام اظهار داشت: در این شرایط حساس که هجوم تبلیغاتی و توطئه‌های دشمنان از هر سو علیه اسلام و انقلاب وسعت می‌یابد برما و همهٔ مسئولین امور لازم است که تبلیغات خارجی خود را با تقویت هرچه بیشتر حوزه‌های علمیه و دانشجویان مسلمان خارج کشور و اصلاح اوضاع سفارتخانه‌ها گسترش دهیم.

آیةالله منتظری همچنین به ضرورت رفع نیازهای فکری و به خصوص مادی عوامل تبلیغاتی نظیر دانشجویان مسلمان و انقلابی در خارج کشور که در بعضی موارد برای کمك به پیشرفت انقلاب و امر تبلیغ ناچار به فروش وسایل زندگی خود هستند، تأکید کرد.

۱۳۶۱/۲/۲۱

سفیر فلسطین در جمهوری اسلامی ایران در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری دیدار کرد و گزارشی از وضع جنوب لبنان و حملات اخیر رژیم صهیونیستی به این منطقه را به عرض ایشان رساند. در پایان این ملاقات سفیر فلسطین در گفت و گویی به خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در رابطه با حملات اخیر رژیم صهیونیستی به جنوب لبنان که منجر به شهادت یازده تن و مجروح شدن چهل تن گردید اظهار داشت: در حال حاضر چهار لشکر رژیم غاصب اسرائیل در مرزهای لبنان مستقر گردیده است. وی همچنین در مورد قیام اسلامی مردم فلسطین گفت: با توجه به رهنمودهای امام خمینی ه

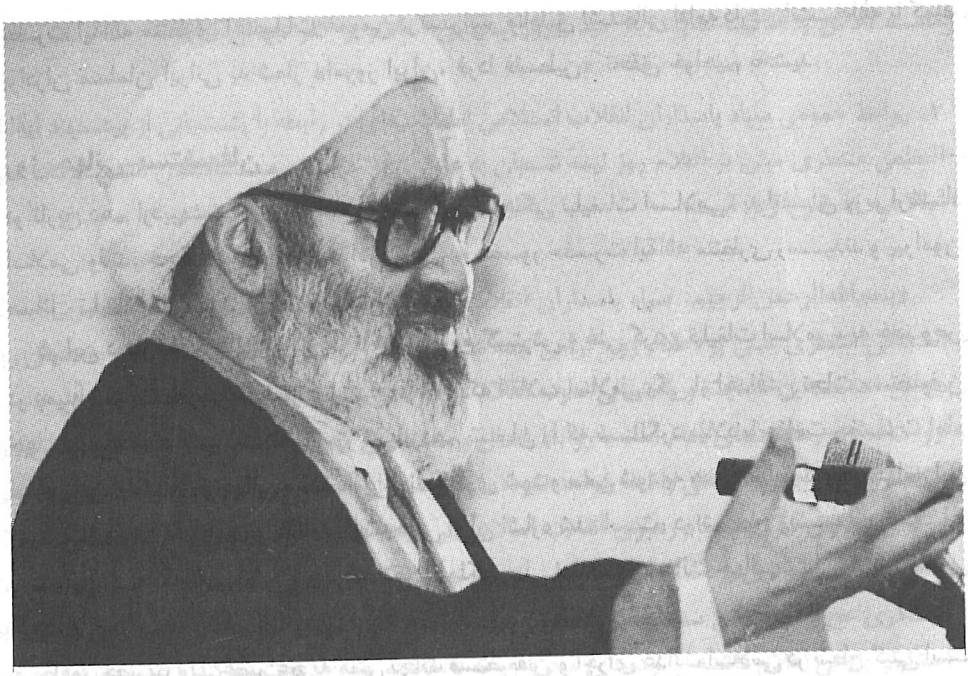

آیةالله العظمی منتظری برای دیدارکنندگان سخنرانی می‌فرمایند. حسینیهٔ شهدا، قم.

حضرت آیةالله منتظری اعتصابات عمومی در سراسر مناطق اشغالی ادامه دارد و انشاءالله با کمك برادران مسلمان ایرانی به شعار «امروز ایران، فردا فلسطین» تحقق خواهیم بخشید.

روز جهانی مستضعفان

در تاریخ دهم اردیبهشت ۱۳۶۱، اعضای شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، به اتفاق وزیر ارشاد اسلامی وقت، حجةالاسلام معادیخواه، در قُم به حضور حضرت آیةالله منتظری رسیدند و پیرامون مسائل تبلیغات اسلامی به گفت و گو نشستند.

در این دیدار، فقیه عالیقدر پس از تأکید بر لزوم گسترش و غنی کردن تبلیغات اسلامی، به خصوص در زمینهٔ تبلیغات خارجی، اظهار داشتند: «از آنجا که انقلاب اسلامی یکی از اهدافش نجات مستضعفین جهان می‌باشد، مناسب است روز بزرگ پانزدهم شعبان را که سالگرد میلاد با عظمت حضرت امام مهدی عج است «روز جهانی مستضعفین» نامگذاری شود و سعی شود به همین مناسبت پیام جهانی این روز عظیم، که در *قرآن* و روایات به گوشه‌هایی از آن اشاره شده است، در سطح وسیعی در جهان محرومین و مستضعفین تبلیغ و چهرهٔ مقدس و ملکوتی آن حضرت و رسالت جهانی ایشان به دنیا معرفی گردد.»

ظهور حضرت ولی عصر عج به معنی نجات مستضعفان و اجرای عدالت اسلامی در سطح گیتی است و انتخاب میلاد این فرزند پیامبر اکرم ص به عنوان روز جهانی مستضعفان، می‌تواند نقش مفیدی در ارائهٔ اعتقادات اسلامی به محرومان و مستضعفان جهان داشته باشد. با توجه به اهمیت موضوع، این پیشنهاد مورد حمایت جدی قرار گرفت.

در اینجا نمونه‌هایی از اعلامهای پشتیبانی که در اختیار نگارنده است آورده می‌شود:

۱. صدوپنجاه تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای به آیةالله العظمی منتظری از پیشنهاد ایشان مبنی بر تعیین نیمهٔ شعبان، میلاد حضرت مهدی عج، به عنوان روز جهانی مستضعفان استقبال کرده از دولت و تمامی نهادهای تبلیغی و فرهنگی کشور خواستند در عمق بخشیدن به این امر تلاش کنند. متن نامه نمایندگان به این شرح است:

«محضر مبارك فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی جناب آقای منتظری دامت افاضاته، ما ضمن تأیید کامل و حمایت همه جانبه از پیشنهاد بزرگ و سازندهٔ شما در مورد اعلام نیمهٔ شعبان، میلاد شکوهمند و افتخارآفرین حضرت مهدی موعود ارواحناله‌الفداء به عنوان «روز جهانی مستضعفان»، که واقعاً نقطهٔ امید انبیاء الهی و تحقق بخشیدن ثمرهٔ خون شهیدان و طلیعهٔ درخشان کمال انسانیت است، از دولت جمهوری اسلامی و تمامی نهادهای تبلیغی و فرهنگی کشور می‌خواهیم که در جهت رشد و باروری و عمق بخشیدن به آن و بزرگ داشتی که شایستهٔ این روز سرنوشت ساز و رسالت جهانی امت

ماست تلاش و فعالیّت نمایند. به امید پیروزی نهایی اسلام بر کفر جهانی.»[۴۸]

۲. روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اطلاعیّه‌ای در رابطه با پشتیبانی از پیشنهاد آیةالله العظمی منتظری مبنی بر اعلام روز نیمهٔ شعبان به عنوان روز جهانی مستضعفان انتشار داد. متن اطلاعیه به شرح زیر است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از پیشنهاد فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری مبنی بر اعلام روز گرامی نیمهٔ شعبان، زاد روز مبارك امام مهدی عج به عنوان روز جهانی مستضعفین حمایت و پشتیبانی نموده اعلام می‌دارد در سایهٔ توجهات حضرت ولی عصر ارواحنافداه و رهنمودهای امام امت با روابط فعال و مستمری که با نهضتهای آزادیبخش جهان دارد رسالت ویژهٔ این روز تاریخی را ایفا خواهد نمود. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که از نخستین روزهای پیروزی، بازوی نیرومند مقام رهبری انقلاب اسلامی در جهت حمایت از حرکت انقلاب جهانی اسلام بوده و گامهای مؤثری برداشته است به مناسبت روز تولّد دادگستر جهان حضرت حجة بن‌الحسن العسکری عج و روزجهانی مستضعفین تشکیل جبههٔ واحد جنبشهای آزادیبخش اسلامی را در برابر استکبار جهانی اعلام داشته از توده‌های محروم و به پا خاستهٔ جهان دعوت می‌کند با عضویت این جبهه یك بار دیگر پوزهٔ امپریالیسم و صهیونیسم بین‌المللی را به خاك بمالند. روابط عمومی ستاد مرکزی سپاه پاسدارن انقلاب اسلامی»[۴۹].

۳. از سوی شورای مرکزی کمیتهٔ امداد امام خمینی اطلاعیّه‌ای منتشر شد که در آن، ضمن تشریح آیهٔ شریفهٔ «ونریدان نمن علی‌الذین استضعفوا فی‌الارض» آمده است:

«... در این برهه از زمان دیدیم که لبیك گویان به ندای رهبر کبیر انقلاب اسلامیمان حضرت امام خمینی چه کسانی بودند. آیا جز همین زاغه‌نشینان و گودنشینان جنوب شهر نبودند که آگاهانه با هر حرکت انحرافی در این انقلاب اسلامی مبارزه کردند و آیا جز همین مستضعفین نیستند که در کلیهٔ جبهه‌ها علیه استکبار جهانی می‌جنگند و همان بس که این اسطورهٔ مقاومت و ایمان خطاب به مستضعفین می‌فرماید من شما طبقهٔ گودنشین را از آن کاخ‌نشینها بالاتر می‌دانم ـ اگر آنها لایق این باشند که با شما مقایسه شوند. و انشاءالله با توکل به خدا و در ادامهٔ شعار امتمان که «خدایا، خدایا، تو را به جان مهدی، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه دار»، خدا را وعده است که عزیزی از عزیزانش را برای نجات مستضعفین خواهد فرستاد و زمین را آن دردانهٔ دریای وحدت از بیدادگران و ستمگران پاك و منزه خواهد کرد و این عزیز بی‌نظیر و این نجات دهندهٔ مستضعفین و یاور محرومان، خورشیدی از آسمان ولایت، مهدی موعود عج می‌باشد و چه نیکو فقیه عالیقدر آیةالله العظمی منتظری این امید امت

۴۸. کیهان، ۱۳۶۱/۲/۱۵. ۴۹. کیهان ۱۳۶۱/۲/۱۶

و امام روز میلاد آن بزرگوار را روز مستضعفین نام نهاد. بدین وسیله کمیته‌های امداد امام خمینی، این نهاد جوشیده از انقلاب اسلامی که به فرمان نایب بر حق ولی عصر عج تأسیس شد و از اوایل انقلاب در خدمت به مستضعفین کوشیده است، این روز والا را گرامی می‌دارد.»[۵۰]

٤. از سوی آیةالله طاهری نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ اصفهان و نوزده تن از ائمهٔ جمعهٔ استانهای اصفهان و چهار محال و بختیاری تلگرامی به محضر حضرت آیةالله العظمی منتظری مخابره شد. متن تلگرام به شرح زیر است:

«محضر مبارك فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دامت برکاته. پس از عرض سلام مخلصانه از طرف ائمهٔ جمعهٔ اصفهان و چهار محال و بختیاری و تقاضای دعای حضرت عالی، به استحضار می‌رساند سمینار ائمهٔ جمعهٔ دو استان در منطقهٔ محروم و کویری خورو بیابانك در تاریخ ٦١/٢/٢٦ برگذار شد. ضمن طرح مشکلات و هماهنگی با مسئولین اجرایی و الهام گیری از رهنمودهای جناب عالی نتایج بسیار خوبی در برداشت. در این سمینار روی طرحها و ابتکارات و پیشنهادات حضرت عالی نظیر هفتهٔ وحدت، سمینار سراسری ائمهٔ جمعه، تشکیل جلسات هماهنگی با مسئولین، پیشنهاد بسیار ارزنده و مؤثر اعلام روز نیمهٔ شعبان به عنوان روز جهانی مستضعفین تکیه گردید. بدین وسیله ائمهٔ جمعهٔ استانهای اصفهان و چهار محال و بختیاری استقبال و پشتیبانی خود را نسبت به پیشنهاد فوق اعلام و از مسئولین و همهٔ ارگانها خواستارند که در بزرگداشت این روز و رساندن صدای مستضعفین به جهانیان و صدور پیام امیدبخش انقلاب کمال جدیت را مبذول داشته در این امر خطیر کوتاهی ننمایند.»[۵۱]

٥. اتحادیهٔ انجمنهای اسلامی دانشجویان ایرانی در هند به مناسبت چهارمین نشست سراسری خود که از چهارم تا چهاردهم خرداد ماه سال جاری در یکی از شهرهای هند (علیگره) برگذار می‌شود طی تلگرامی به حضور فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن محکوم نمودن توطئه‌های ایادی داخلی و خارجی امپریالیسم و صهیونیسم و همچنین اعلام پشتیبانی از پیشنهاد ایشان در مورد روز جهانی مستضعفان، تجدید میثاق با امام امت تا تحقق اهداف انقلاب اسلامی ایران را اعلام کردند.

٦. متعاقب پیشنهاد حضرت آیةالله العظمی منتظری... از سوی اقشار مختلف، شخصیتها، سازمانها و ارگانهای دولتی و نهادهای انقلابی [زیر] اطلاعیه‌ها و تلگرامهایی دایر بر پشتیبانی از این پیشنهاد انتشار یافت: ادارهٔ سیاسی ـ ایدئولوژی نیروی دریایی، روابط عمومی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، کمیتهٔ امور صنفی مرکز، انجمن اسلامی سازمان فروش و تعمیرگاه مرکزی ایران ناسیونال، جامعهٔ روحانیت پاکستان، حوزهٔ علمیهٔ مشهد، سازمان تبلیغات اسلامی، روابط عمومی جامعهٔ زنان انقلاب

۵۰. جمهوری اسلامی، ۱۳٦۱/۲/۲۱. ۵۱. جمهوری اسلامی، ۱۳٦۱/۲/۲۹.

اسلامی، شرکت تعاونی و اتحادیهٔ صنف دارندگان تاکسی بار تهران، بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی، ائمهٔ جماعت مشهد، نمایندهٔ خرم‌آباد در مجلس شورای اسلامی، بنیاد مستضعفان، اتحادیهٔ انجمنهای اسلامی، سازمان تأمین اجتماعی، نهضت سوادآموزی، سرپرست شهرداری تهران، کارکنان آموزش و پرورش باختران، جامعهٔ اسلامی کارکنان کارگاههای دوزندگی و بافندگی اصفهان، کارکنان جهاد دانشگاهی اصفهان، روابط عمومی شرکت واحد اتوبوس رانی تهران، انجمن اسلامی انستیتو روان پزشکی تهران، جامعهٔ اسلامی مناطق بیستگانه و سازمانها و ادارات شهرداری تهران، انجمن اسلامی کارکنان بانك تجارت منطقهٔ خراسان، روابط عمومی وزارت مسکن و شهرسازی.[۵۳]

آقای معادیخواه وزیر ارشاد اسلامی در یك میزگرد مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی برنامه‌های این وزارتخانه را در مورد برنامه‌های این روز تشریح کرد و گفت: «در این زمینه پیشنهاد آیةالله منتظری مورد استقبال شدید قرار گرفت و شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی که در واقع ناظر بر برگذاری مراسم مردمی است و ترکیبی است از همهٔ نهادهای انقلابی خودش را مسئول برگذاری مراسم مناسب این روز کرد.»

وی گفت: «مهم‌ترین فرقی که بین برگذاری این روز با روزهای دیگر مردمی ما هست این است که این مراسم در مناطق محروم نشین در همه جا برگذار خواهد شد که در تهران در یك منطقهٔ جنوب شهر و در استانها و شهرستانها نیز همین طور و انشاءالله مسافرتهایی هم به مناطق محروم صورت خواهد گرفت و دولت جمهوری اسلامی نیز خود را موظف می‌بیند که همراه با مردم قهرمان در این گونه صحنه‌ها حضور داشته باشد و کمیسیونی مرکب از وزارتخانه‌های خارجه و ارشاد و نفت مسئول بررسی در این زمینه شدند. اقدام اصلی در این زمینه را وزارت نفت انجام خواهد داد، زیرا ما ضمن اینکه به نفت به عنوان یك سرمایهٔ اقتصادی خداداد نگاه می‌کنیم و روابط عادی در این زمینه با دنیا داریم می‌دانیم که مستضعفین در این سرمایهٔ خداداد حق بزرگی دارند و متأسفانه نفت مورد سوء استفادهٔ مستکبرین علیه مستضعفین قرار گرفته است. لذا به یُمن روز جهانی مستضعفین این موضوع در کنفرانسی با دعوت اشخاصی از کشورهای خارج مورد بحث قرار خواهد گرفت.» وی ادامه داد: «باید گفت که جمهوری اسلامی اصرار فراوان دارد که از همهٔ امکانات و از همهٔ بهانه‌ها برای تحکیم پیوند انقلاب و جمهوری اسلامی با مستضعفین جهان استفاده کند. در حالی که استکبار جهانی بر خط نفاق و تفرقه تکیه دارد، جمهوری اسلامی خط وحدت را به نفع مستضعفین تحکیم می‌بخشد. هر چند که نیمهٔ شعبان به یك معنا تعلق خاص به ما دارد امّا محتوای این روزها را ما متعلق به همه مستضعفین جهان می‌دانیم؛ چون ناظر به آیندهٔ روشن بشریت و رهایی مستضعفین از زیر چکمهٔ استعمارگران و مستکبران است.»

وی همچنین در رابطه با برنامهٔ ارشاد در خصوص این روز جهانی گفت: «در شاخهٔ فرهنگی اقدام به یك سری انتشاراتی شده است و در بین آنها جزوه‌ای است که همهٔ اظهارات امام در رابطه با مستضعفین

۵۲. *جمهوری اسلامی*، ۱۳۶۱/۳/۱. ۵۳. *جمهوری اسلامی*، خرداد ۱۳۶۱.

و نیمهٔ شعبان جمع‌آوری شده و به زبانهای مختلف ترجمه خواهد شد و در زمینهٔ هنری شعر و ادب و هنر برگذار خواهد شد که از سوی شعرا و ادبای بزرگ سراسر کشور دعوت می‌شود و ما امیدواریم شعرا و ادبای ما نیز بتوانند دین خودشان را به امام عصر و امام زمان ادا کنند.»[٥٤]

شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی برای برگذاری مراسم روز جهانی مستضعفان در تهران اطلاعیه‌ای صادر کرد. در قسمتی از این اطلاعیه آمده است:

«به میمنت فرخنده سالروز میلاد با سعادت بقیةالله الاعظم حضرت مهدی عج و متعاقب پیشنهاد فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری مبنی بر اعلام این روز خجسته به عنوان روز جهانی مستضعفین واحد برگذاری مراسم شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی در ارتباط با برگذاری مراسم خاص این روز به اطلاع امت حزب‌الله می‌رساند که این مراسم صبح روز سه‌شنبه ۱۳٦۱/۳/۱۸ در میدان محمدیه (اعدام سابق) با پیام حضرت آیةالله منتظری برگذار خواهد شد.»[٥٥]

بالاخره سه‌شنبه نیمهٔ شعبان، سالروز ولادت با سعادت حضرت حجةبن الحسن صاحب الزمان، عجل الله تعالی فرجه، امام دوازدهم شیعیان و روز جهانی مستضعفان فرا رسید.

در این روز مراسمی در میدان محمدیهٔ تهران با شرکت انبوه کثیر امت حزب‌الله و نمایندگان نهضتهای آزادیبخش قریب به یکصد کشور آسیایی و آفریقایی برگذار شد.

در این مراسم، پس از قرائت آیاتی چند از کلام الله مجید، پیام واحد نهضتهای آزادیبخش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز جهانی مستضعفان خوانده شد. در این پیام آمده است: «فرخنده میلاد مبشر آزادی و حریت انسان و منادی رهایی مستضعفان گیتی از چنگال پلید کفر و شرك، دوازدهمین اختر فروزان آسمان امامت، حجةبن‌الحسن العسکری عج و روز جهانی مستضعفین بر مسلمین جهان مبارك باد.

خجسته‌زاد روز مهدی موعود و روز جهانی مستضعفین را در حالی گرامی می‌داریم که امت اسلام در پرتو شراره‌های تابناك انقلاب مقدس اسلامی به رهبری پیامبر گونهٔ امام امت خمینی بت شکن طریق فلاح را یافته، در صحنه‌های نبرد بی‌امان خویش علیه کفر پیشگان و سردمداران استکبار جهانی حماسه‌های جاودانه می‌آفرینند و اینك با تابش انوار صادق خورشید انقلاب اسلامی در فجر رهایی محرومین، شب تار و ظلمانی از هم دریده شده، راه به سوی افقی سرخ رنگ و روشن باز می‌شود. امروز که در جای جای کرهٔ خاك، ندای محرومین حق طلب لرزه بر اندام کُفر جهانی انداخته است و در هر گوشه‌ای از گیتی نبرد بی‌امان با ستم پیشگان ادامه دارد، و حرکتی نوین آغاز شده که طلوع سپیدهٔ آزادی را نوید می‌دهد؛ و امروز که اسلام به عنوان یگانه راه رهایی مستضعفین روشنگر مسیر حرکت مبارزان و پیکارگران خداجوی جهان می‌باشد، بر تمامی مسلمین است که با اتکا به ارزشهای الهی در حد توان خویش نهضت جهانی اسلام را یاری دهند. روز میلاد فرخندهٔ منجی عالم بشریت که از سوی

٥٤. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦۱/۳/۱. ٥٥. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦۱/۳/۱۷.

فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری به عنوان روز جهانی مستضعفین نامگذاری شده است عامل مهمّی در جهت دستیابی به جبههٔ متحد مستضعفین جهان و وارد آوردن آخرین ضربات بر پیکر پوسیدهٔ شیطان بزرگ و صهیونیسم بین‌الملل می‌باشد و دریچهٔ امیدی‌ست که در برابر دیدهٔ محرومین گشوده شده است. انقلاب مقدّس اسلامی ایران، این شجرهٔ طیبه، به تمامی حرکتهای اصیل ضد استکباری امیدی تازه بخشیده و هم اینك بر نهضتها و جنبشهای آزادی بخش و ضد استکباری است که با اتحاد کلمه، اتکال‌به نیروی لایزال الله، با الهام از تجربه‌های امّت شهید پرور و مسلمان ایران، با تمامی توان، در راه کسب آزادی و استقلال و کوتاه کردن دست استکبار جهانی و ایادی مزدورش به پیش روند و در این مسیر جز کسب رضای حق تعالی را طلب نکنند.

بدیهی است که جنایت پیشگان جهانی تاب تحمّل شراره‌های تابناك خیزش عظیم ملل محروم را ندارند و قادر به مشاهدهٔ بیداری مستضعفانی که با تکیه به الله جهت گسستن زنجیرهای اسارت و بردگی قیام می‌کنند نیستند و سعی دارند با طرح توطئه‌های گوناگون این قافلهٔ عظیم را از حرکت مقدّس خود باز دارند.

اکنون که در چنین هنگامه‌ای رژیم غاصب صهیونیسم با حمله به جنوب لبنان و به خاك و خون کشیدن محرومان جنوب این کشور و مبارزان فلسطینی و برادران سوری بیگانگی عمیق خود را از انسانیّت به معرض نمایش گذاشته و شقاوت و خباثت شیطان بزرگ و فرزند نامشروعش رژیم اشغالگر قُدس پدیدار گردیده است و از هر گوشه‌ای ندای مظلومان و محرومان برخاسته به گوش می‌رسد، واحد نهضتهای آزادی‌بخش سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اطاعت از فرامین و رهنمودهای امام اُمّت و فارغ از هرگونه تعلل به پشتیبانی و رشد فرهنگی نهضتهای آزادی‌بخش ادامه داده، به استکبار پلید جهانی و ایادی مزدورش هشدار می‌دهد، چهرهٔ کریه کفر مسلکان فریبکار نمایان گردیده و نابودی و خذلان حتمی در انتظار آنان است.

به اُمید قیام جهانی حضرت مهدی عج و به اُمید پیروزی مستضعفین جهان بر مستکبرین. نصر من الله و فتح قریب.»

سپس شعری در رابطه با نیمهٔ شعبان خوانده شد. آنگاه اطلاعیهٔ مرکز ارتباطات مجمع جهانی حرکت اسلامی دانشجویان بدین شرح قرائت شد:

«همزمان با خروش میلیونی امت حزب الله در میهن خونین اسلامی به مناسبت سالروز تولّد مبارك حضرت ولی عصر عج و روز جهانی مستضعفین که بارقهٔ امیدی در دل مستضعفین و محرومین دربند دمید، دانشجویان مسلمان در خارج از کشور، این فریادگران انقلاب اسلامی در جهان، به همراه دیگر عاشقان و علاقه مندان انقلاب اسلامی در سایر کشورها در اقصی نقاط جهان، دست به حرکتی هماهنگ و پرشکوه زدند. امت حزب الله، هم اکنون که شما با اجتماع عظیم خود روز جهانی مستضعفین را گرامی داشته‌اید و حمایت خود را از تمامی مستضعفان جهان اعلام می‌دارید، برادران و خواهران ما در آمریکا، رأس استکبار جهانی، در مقابل کاخ سفید، این مرکز جنایت و غارت شیطان

بزرگ، و در انگلستان، فرانسه، آلمان، سوئد و اطریش در زیر برق سرنیزه‌های پلیس، و در لبنان مظلوم در زیر بمباران وحشیانهٔ تروریستهای صهیونیستی، و در کشورهای هند و پاکستان در مقابل سفارتخانه‌های امریکا، این لانه‌های توطئه و فساد و جاسوسی علیه ملّتهای مستضعف، اجتماع کرده‌اند و با مشتهای گره کرده و فریادهای الله اکبر و مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، نفرت خود را از مستکبرین شرق و غرب اعلام می‌دارند و در پایان نماز با شکوه وحدت را که نشانه عبودیت الله و نفی تمامی طواغیت جهانی است در محل اجتماع برپا می‌دارند.»

سخنران بعدی مراسم علاّمه سیّد محمد حسین فضل الله یکی از رهبران شیعیان لبنان بود که به زبان عربی سخنانی بدین شرح ایراد نمود:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. سلام بر شما. بر شما ای خواهران و برادران مبارز و مسلمان درود می‌فرستم. از جبل عامل در جنوب لبنان با شما سخن می‌گویم، از جنوب لبنانی که هم اکنون و در این لحظه مواجه است با شدیدترین حملات استعماری که از سوی صهیونیسم دست نشاندهٔ امریکا هدایت می‌شود با شما سخن می‌گویم، از جنوب لبنانی که در این ساعتها تحت کشتار و فشار ظالمین قرار دارد و مسلمانان آن علیه اشغالگران و صهیونیستها قیام کرده برای شما سخن می‌گویم. امّت ما در جنوب لبنان هم اکنون زیر فشار نیروهای اسرائیلی امریکایی قرار داشته علیه آنها مبارزه می‌کنند. من از جنوب لبنان درودهای گرم خود را به رهبر بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی، حفظ الله درود می‌فرستم. درود خود را به این ملّت بزرگ که علیه کفر جهانی قیام کرده است، این امتی که با کمال سخاوت و ایمان شهدایی والا و ارزش مند تقدیم اسلام کرده می‌فرستم. این امت پرچمدار همهٔ مسلمانان و مستضعفین در جهان گشته است و با رهبری اندیشمندانه و خردمندانهٔ امام خمینی روزی جهان مستضعفان را از یوغ ظالمان نجات خواهد داد. ما معتقدیم چنانچه مسلمانان جهان بخواهند برای اسلام و هدفهای والای آن قیام کنند بایستی تجربیّات این ملّت و رهبر بزرگ و عظیم‌الشأن الهام بگیرند و به پیروی از «واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا» با هم متحّد شده همهٔ مستکبران و ستمکاران را از کشورهای خود بیرون برانند. ما مسلمانان جنوب لبنان معتقدیم که امت مسلمان لبنان و همهٔ جهان جزئی از امّت بزرگ و مسلمان و مبارز ایران است و این امّت نیز جزئی از امت ماست. رنجهای امّت مسلمان ایران رنجهای همهٔ ماست و بنابه «من لم یهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم» ما همواره در مبارزات و مجاهدتهایی که شما داشتید در همهٔ سختیها، در همهٔ جبهات، در فتح‌المبین، در بیت‌المقدّس و در پیروزیهای بزرگ شما در خونین شهر با شما بودیم. قلوب ما همواره برای شما می‌تپد. ما پیروزیهای مسلمانان شهادت طلب و آزادی خواه را در ایران پیروزیهای مسلمانان لبنان می‌دانیم. دشمن ما دشمن مشترکی است، مبارزات ما برای ریشه کن کردن این دشمن مشترك که همانا اسرائیل، امریکا و تمام مستکبران جهان‌اند ادامه خواهد داشت تا سرزمینهای اسلامی را از لوث وجودشان پاك سازیم.

باید همهٔ مسلمانان، چه شیعه و چه سنی، با هم متحد شوند. هدفهای ما یکی است و هیچ گونه فرقی بین تشیع و تسنن وجودندارد. در پایان به همهٔ جهان اعلام می‌کنیم که همهٔ مسلمانان لبنان و جهان در کنار مبارزات امت مسلمان ایران علیه اشغالگران و خائنان خواهیم ایستاد و پس از پاکسازی ایران امت

مسلمان ایران در کنار مسلمانان لبنان علیه تجاوزگران و صهیونیستها برای آزادی لبنان خواهند ایستاد و همهٔ مستکبران را ازاریکهٔ قدرت و سلطه به زیر خواهیم کشید و آنان را سرنگون و از سرزمینهای اسلامیمان بیرون خواهیم راند.

الحمدلله رب العالمین و نریدان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.»

آنگاه حجةالاسلام والمسلمین معادیخواه وزیر ارشاد اسلامی قبل از قرائت پیام حضرت آیةالله العظمی منتظری که به مناسبت نیمهٔ شعبان و روز جهانی مستضعفان صادر شده بود طی سخنانی ضمن تشکر از حضور انبوه کثیر امت حزب‌الله و نمایندگان نهضتهای آزادی بخش در این مراسم گفت: «بزرگ ترین توطئه علیه اسلام به دست امریکا و رژیم اشغالگر قدس در جریان است.

امریکا و طرفدارانش باید بدانند که جمهوری اسلامی ایران امروزه به صورت یك پایگاه عظیم برای مبارزهٔ مستمر علیه مستکبران جهان که امریکا در رأس آن قرار دارد درآمده است و تا مرگ امریکا از پا نخواهیم نشست نوزده سال قبل، در روز پانزده خرداد، عمال شاه جنایتکار این مردم را در زندانها به رگبار گلوله بستند به این امید که صدای مستضعفان را خفه کنند امّا امروزه لاله‌های روییده از خونهای شهدای پانزده خرداد در همه جا گسترش یافته است.»

آقای معادیخواه افزود: «ما به مردم محروم جنوب لبنان و رزمندگان فلسطین اعلام می‌کنیم که دفاع از شما مثل دفاع از جمهوری اسلامی ایران و به صورت یك فریضه است و این مردم که همه چیزشان را وقف اسلام کرده‌اند آماده‌اند که به جنوب لبنان هم بروند و با رزمندگان فلسطین و محرومین لبنان علیه تجاوزکاران بجنگند.» وی سپس پیام فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری را بدین شرح قرائت کرد:

پیام حضرت آیةالله العظمی منتظری به مناسبت نیمهٔ شعبان و روز جهانی مستضعفان

«بسم‌الله الرحمن الرحیم. و نریدان نمن علی الذین استضعفوافی الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثین. روز نیمهٔ شعبان میلاد با سعادت بقیةالله الاعظم حضرت صاحب الامر روحی و ارواح العالمین له‌الفداء بر همگان مبارك باد. این روز که در حقیقت نقطهٔ امید و مطلع فجری برای تمام مظلومین و محرومین عالم است در تاریخ ادیان و به خصوص اسلام از ایام الله می‌باشد. اجرای کامل و دقیق قوانین وحی بر روی زمین و نجات بشریت از ستم و استعمار و استثمار و استعباد و تحقق اهداف مقدّس انبیا و اولیا و ائمهٔ اطهار علیهم السلام به دست مولود با عظمت صاحب ولایت این روز بزرگ خواهد بود. این روز است که بشارت آن در تمام کتابهای آسمانی و ادیان به حق الهی و روایات مورد قبول علمای اسلام عموماً داده شده و انبیای الوالعزم انتظار دیدن و لقای چهرهٔ ملکوتی مولود چنین روز را داشته‌اند. آنچه باید مورد توجه و محور فعالیتها و تلاشهای پیگیر علاقه‌مندان و عاشقان حضرتش که به حق ذخیرهٔ الهی برای آخر الزمان است قرار گیرد جهت دادن صحیح به جریانات و حوادث جهانی و به وجود آوردن حالت انتظار و آمادگی کامل که از افضل عبادات است می‌باشد. باید در جامعهٔ فعلی، که

آیةالله منتظری هنگام عیادت مجروحان جنگ تحمیلی در بیمارستانهای باختران

ارزشهای معنوی و الهی رو به نابودی، و ظلم در سطح جهانی رو به فزونی و تراکم است، آمادگیهای عقیدتی و فکری و سیاسی لازم را تدارك دید تا خداوند متعال تفضلی فرماید و آن ذخیرهٔ آسمانی را ظاهر نماید و به ندای مستضعفان جهان و اسیران زور و زر و کفر پاسخ دهد و آنان را نجات داده دنیا را از عدالت و حقیقت آباد و ظالمین و مستکبرین را به دست بندگان مؤمن و مجاهد و فداکار در گورستان تاریخ دفن نماید. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری نایب بزرگوارش حضرت امام خمینی، مدظله العالی، با ویژگیهای خاص خودش و گسترش و نفوذ روزافزون آن در جهان مظلومین و محرومین نقطهٔ عطفی و قدم بسیار بزرگی در جهت دادن تاریخ انسانیت به سمت ظهور ولی الله الاعظم می‌باشد. این پیروزی عظیم معیارها و ضوابط موجود و حاکم بر روابط بین‌المللی را بر هم زد و متفکرین عالم را به تفکر و بازشناسی دستاوردهای فکری خود و تدبر در حقانیت وعده‌های ادیان آسمانی و انبیای الهی مجبور نمود. این انقلاب و پیروزیهای مکرر و مستمر آن، که در تاریخ جهان از بزرگ‌ترین حوادث قرن ثبت و ضبط شد، تمام ابهامات و ناباوریها را در مورد قیام جهانی آن حضرت و امکان غلبهٔ ایمان بر سلاحهای پیشرفته و حاکمیت دین خدا را بر زمین از بین برد. به یقین اگر این انقلاب عظیم در مقاطع گوناگون و در برخورد با جریانات موافق و مخالف جهانی همان گونه که تا کنون هدایت و رهبری شده هدایت گردد و همهٔ اقشار و گروهها خود را در حفظ آن موظف بدانند، چنانچه تا کنون دانسته‌اند، و از خودخواهیها و خودپرستیها و فدا نمودن انقلاب به پای شهوات و خواسته‌های فردی و گروهی اجتناب گردد، مطلع فجر و سرآغاز خواهد بود برای ظهور آن بزرگوار و پیروزی همهٔ مستضعفین انشاءالله تعالی. در شرایط فعلی از انقلاب، دشمنان اسلام و بشریت، آیندهٔ خود را تاریك پیش‌بینی می‌کنند و از هیچ توطئه و مبارزه‌ای علیه آن دریغ نخواهند کرد تا آنجا که اخیراً در شرایطی که اسرائیل دشمن اسلام و خلق عرب به قتل عام و بمباران فلسطینیها و مسلمانان جنوب لبنان مشغول است، مسجدالاقصی قبلهٔ اول و مشاهد مشرفهٔ مسلمین را در اشغال دارد و دست از توسعه طلبی بر نداشته، بعضی از سران مرتجع و خود فروختهٔ منطقه به دستور شیطان بزرگ بر ضد جمهوری اسلامی ایران به جرم حمایت از اسلام و تدارك مبارزه با اسرائیل هر روز توطئه می‌کنند و کنفرانس تشکیل می‌دهند و پیشنهاد حکم جهاد بر ضد ایران اسلامی می‌نمایند. اگر اینهمه کمك و نیرو که اینان برای صدام عفلقی فرستاده و می‌فرستند بر ضد اسرائیل به کار برده بودند اینك از اسرائیل اثری نمانده بود. البته از اینان تعجّبی نیست. اینان باید منافع امریکا و امنیت اسرائیل و همدستان آن را در منطقه به وسیلهٔ ذخایر و معادن کشورهای خودشان تأمین نمایند و نوکرهای مجانی و مهره‌های بی‌ارادهٔ امریکا باشند و نگذارند امنیت و استقلال به کشورهای اسلامی بازگردد و با یکدیگر هماهنگ شده برای آزادنمودن قُدس عزیز بسیج گردند. آری از اینان توقعی جز این نیست. روی سخن با دوستان و مؤمنان به انقلاب اسلامی است که مبادا کار دشمن به دست خود انجام دهند و خود را یا گول بزنند و یا توجیه نمایند. امروز هرگونه حرکتی از هر مقام و فردی که موجب بدبینی به انقلاب گردد، اگر از روی عمد و توجّه باشد، خیانت به اسلام و در حکم محاربه با امام زمان می‌باشد. امروز میراث انبیا و اولیای الهی و دستاوردهای خونهای پاك شهدای عظیم‌الشأن تاریخ اسلام از صدر تاکنون به عنوان امانتی بزرگ به

دست ما سپرده شده و کوچک‌ترین غفلت و بی‌توجهی و یا خدای ناکرده بازی با سرنوشت یك امّت بزرگ، در محکمهٔ عدل الهی قابل گذشت نخواهد بود. اگر خدای نکرده در اثر برخوردهای غیر شرعی و غیر منطقی ما انقلاب از درون رو به پوکی و یأس زدگی نیروهای مؤمن و خالص و فداکار در خط امام [برود]... انقلاب شکست خورده هیچ گونه عذری و جوابی در پیشگاه الهی نخواهیم داشت. روش ما باید برای دوستان موجب اُمید و قوت قلب و برای گمراهان و اغفال شدگان جاذب و برای دشمنان و بدخواهان مایهٔ قطع امید و یأس باشد. تجربهٔ سه سال پس از پیروزی انقلاب نشان می‌دهد با حفظ همبستگی و وحدت کلمه و ایثار عمومی حمله‌های نظامی و تحریمهای سیاسی و اقتصادی دشمن خارجی و فتنه‌های عمال آن در داخل هیچ گونه خطری برای انقلاب نخواهد داشت بلکه احتمال خطر از ناحیهٔ دوستان جاهل و افراد فرصت طلب و غیر مؤمن به اصل انقلاب اسلامی می‌باشد. از جهات و خصلتهای آنان است که دشمنان اصلی اسلام و جمهوری اسلامی نوپا بهره‌برداری خواهند نمود. اداره کنندگان انقلاب باید خود را با ضوابط خاص و فرهنگ مکتبی آن توجیه نمایند و محور و اصل برای آنان انقلاب اسلامی و اهداف مقدّس و الهی آن باشد نه تمایلات شخصی و یا گروهی. تا هنگامی که ما به این حد از رشد و خلوص نرسیده باشیم و به جای حکومت قانون اصیل انقلاب و ضوابط مقرر و شرعی و منطقی، دسته‌بندیها و گروه بازیها و یا گرایشاتی اینچنین حاکم باشد، امکان بهره‌برداری دشمنان اصلی انقلاب از آن وجود دارد. در جمهوری اسلامی باید روی کار و عملکرد اشخاص و درجهٔ شخصیت و خلوص و تقوای آنان حساب شود نه روی میزان تظاهر افراد فرصت طلب و چسباندن و نزدیك نمودن خودشان را به این شخصیت و یا آن مقام والا، با رشد این خصلت در عرصهٔ سیاسی کشور خطر انزوا و خروج از صحنه برای نیروهای لایق و متدین مخلص کاملاً محسوس می‌باشد و آثار اجتماعی آن به زودی دامنگیر اصل انقلاب و سرنوشت ملّت مظلوم ما خواهد شد. این جانب مجدداً این روز عظیم را به همهٔ مستضعفین جهان و نیروهای حمایت کننده از آنان تبریك گفته مراتب تشکر و تقدیر خودم را از تأیید و حمایتهایی که توسط ارگانها و شخصیّتها و ائمهٔ محترم جمعه و جماعات و سازمانها و انجمنهای اسلامی و دیگر اقشار و طبقات از اعلام روز جهانی مستضعفین به عمل آمد اعلام می‌دارم و امید وافر دارم که بتوانیم، علی‌رغم تمام مشکلات و کار شکنیهای ابر قدرتها به خصوص امریکا، در پرتو عنایات خاصهٔ صاحب اصلی انقلاب و این روز تاریخی اسلام قدمهای ارزنده‌ای را در جهت نزدیك نمودن فرج و ظهور حضرتش برداریم و در زمرهٔ بندگان خاص خدای منان و منتظران و عاشقان آن حضرت قرار گیریم. از خدای بزرگ نصرت و عظمت اسلام و بیداری مسلمین و پیروزی نهایی رزمندگان مسلمان در تمام مناطق و جبهه‌ها و نابودی صهیونیسم جهانی و سایر دشمنان اسلام و علو درجات شهدای عزیز را مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. قم، حسینعلی منتظری، ۱۳۶۱/۳/۱۸»

از هنگامی که پیشنهاد اعلام روز جهانی مستضعفین طرح شد، هر ساله در سراسر ایران و بسیاری از کشورهای جهان ضمن گرامی داشت سالروز تولد حضرت ولی عصر مهدی موعود عج، روز جهانی مستضعفان را ارج می‌نهند.

۱۳۶۱/۲/۲۱

به گزارش رسیده از قم در پایان کار اوّلین روز سمینار مسئولان دفاتر تبلیغات اسلامی کشور شرکت کنندگان در این سمینار به حضور فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری رسیدند و با ایشان دیدار کردند. در این دیدار ابتدا یکی از اعضای شورای تبلیغات طی سخنان کوتاهی در مورد علت تشکیل این سمینار مطالبی بیان کرد. آنگاه آیةالله العظمی منتظری طی سخنانی در رابطه با تبلیغات اظهار داشتند: «تبلیغات از مهم‌ترین مسائل است و یك جامعهٔ اسلامی باید دارای تشکیلات سیاسی قوی باشد و بحمدالله در اسلام منابع علمی قوی وجود دارد و باید مسئولین تبلیغاتی کشور با دسته‌بندی علوم مختلف اسلامی و تهیهٔ جزوات و کتابهای مفید و آسان آنها را در اختیار جوانان و نوجوانان و دیگر اقشار مردم قرار دهند و از نظر علمی و تبلیغاتی تمام افراد جامعه را زیرپوشش قرار دهند.»

آیةالله العظمی منتظری در قسمت دیگری از سخنانش از مسئولان تبلیغاتی خواست با هماهنگی کامل کارهای زیربنایی تبلیغاتی را شروع کنند. وی همچنین خطاب به شرکت‌کنندگان در سمینار گفت: «اگر می‌خواهیم تبلیغات در افراد مؤثر باشد باید ابتدا از خودمان شروع کنیم و با عمل، مردم را دعوت به اسلام کنیم.»

آیةالله العظمی منتظری در پایان خواستار شرکت بیشتر خواهران در امور تبلیغات شدند و نقش زنان را پراهمیت و مؤثر دانستند.

۱۳۶۱/۲/۳۱

شرکت کنندگان در سمینار طلاب غیر ایرانی مقیم حوزهٔ علمیهٔ قم، گروههای مختلف خانواده‌های شهدا، سپاه و بسیج گیلان و مازندران، کشاورزان سمیرم، عشایر بختیاری و پشتکوه، خواهران امدادگر مشهد، حجةالاسلام نوری نمایندهٔ امام در جهاد سازندگی، سرهنگ کوچك زاده فرماندهٔ ژاندارمری کل کشور، حجةالاسلام کروبی سرپرست بنیاد شهید، مسئول گزینش وزارت آموزش و پرورش، امام جُمعه و اعضای بسیج علی‌آباد کتول، صبح و بعدازظهر دیروز به طور جداگانه با حضرت آیةالله العظمی منتظری ملاقات کردند. شرکت کنندگان در سمینار طلاب غیر ایرانی حوزهٔ علمیّهٔ قم پیش از ظهر دیروز در پایان این سمینار با حضرت آیةالله العظمی منتظری ملاقات کردند. در این ملاقات ابتدا قطعنامهٔ پایان سمینار قرائت شد. سپس آیةالله العظمی منتظری ضمن تهنیت به مناسبت سال روز پربرکت بعثت پیامبر اکرم ص مجدداً نسبت به لزوم رعایت نظم و برنامه‌ریزی صحیح در حوزه‌های علمیه با توجه به اوامر امام امت و سفارشهای مراجع عظام تأکید کرد و از تلاش اعضای جامعهٔ مدرسان حوزهٔ علمیّهٔ قم در این مورد و نیز تشکیل سمینار طلاب غیر ایرانی قدردانی کرد. وی آنگاه با اشاره به خونهای فراوانی که تا کنون برای باروری اسلام ریخته شده است خطاب به دانشجویان خارجی اظهار داشت: «مکتب اسلام امروز به عنوان امانتی الهی به دست من و شما سپرده شده است. لذا شما برادران که از کشورهای دور دست همچون افریقا برای کسب علوم اسلامی وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شده‌اید باید از تمام فرصتها و امکاناتی که در اختیار دارید به نحو احسن بهره گیرید تا

بتوانید منادی، حافظ و ناشر تعالیم حیاتبخش اسلام در میان مردم کشورهایتان باشید.»

آیةالله العظمی منتظری در ادامه پس از اشاره به اقدامات غارتگرانهٔ استعمار که تحت لوای مذاهب مختلف در کشورهای عقب نگهداشته شده عملی می‌شود علاقه و احساس و نیاز شدید مردم این کشورها به اسلام عزیز را مورد بحث قرار داده و افزود: «ملتها تشنهٔ اسلامند. زیرا درك کرده‌اند که این تنها مذهبی است که حامی استقلال، آزادی و حریّت انسانهاست. در این میان بر همهٔ شما طلاب عزیز لازم است پس از مجهز شدن به سلاح علم و عمل صالح و تربیت نیکوی اسلامی، این مکتب رهایی بخش را به توده‌های میلیونی مردم دنیا عرضه کنید.» وی همچنین به خیانتهای دول وابستهٔ منطقه که با وجود در اختیار داشتن امکانات و منابع سرشار خدادادی و نیروی عظیم ملتهایشان همچنان دست گدایی به سوی ابر قدرتهای غارتگر دراز کرده‌اند اشاره کرد، آنگاه در ارتباط با هجوم همه جانبهٔ استعمارگران شرق و غرب به انقلاب اسلامی ایران به منظور جلوگیری از سرایت نور آن در میان توده‌های دربند جهان اظهار داشت: «این عراق به تنهایی نیست که با ما می‌جنگد، بلکه تمام دولتهای سرسپرده در منطقه و دیگر نقاط دنیا به فرمان امریکا و صهیونیسم با یاری دادن رژیم رو به زوال صدام از قبیل تجهیزات و نفرات به جنگ ایران برخاسته‌اند. اما بحمدالله ایمان و استقامت و رشد و آگاهی برادران و خواهران مسلمان ایرانی هر روز در جبهه‌ها حماسه می‌آفریند و من به شما اطمینان می‌دهم که علی‌رغم کمکهای سرشار کشورهایی همچون مصر، اُردن، مراکش، کویت و دیگر سران مزدور برخی کشورهای خاورمیانه و اروپا [به صدام]، ایران اسلامی به زودی زود پیروزی نهایی را به چنگ خواهد آورد.»

حضرت آیةالله العظمی منتظری سپس توطئهٔ جدید امریکا مبنی بر قبولاندن مصر در جهان عرب را که توسط صدام در شرفُ تکوین است مورد نظر قرار داد و در این رابطه اعلام کرد که مصالحه با مصر در حقیقت مصالحه با اسرائیل است. وی آنگاه اظهار تمایل و درخواست مردم مسلمان کشورهای دیگر مبنی بر اینکه به آنها اجازه داده شود تا همدوش برادران رزمنده‌شان در ایران علیه رژیم متجاوز عراق به جنگند را مورد تشکر و قدردانی قرار داد و گفت: «خوشبختانه کثرت نیروهای فداکارایرانی، ما را از کمك برادران مسلمان در دیگر کشورها بی‌نیاز می‌کند ولی به پشتوانهٔ این حمایتهای بی‌شائبه، خطاب به تمام کسانی که به دستور امریکا مشغول توطئه علیه امریکا مشغول توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران هستند هشدار می‌دهم که اگر دست از تحریکات و خیانتهای خود نظیر واردکردن رژیم صهیونیستی مصر در اتحاد کشورهای عربی بر ندارند طبقات مختلف مردم حامی اسلام در جهان ساکت نخواهند نشست و ما مجبور خواهیم شد با کسب اجازه از امام امّت آنها را به مقابله و سرکوبی این توطئه‌ها بخوانیم.»

از سوی دیگر بعدازظهر دیروز حجةالاسلام نوری نمایندهٔ امام در جهاد سازندگی و سرهنگ علی کوچك زاده فرماندهٔ ژاندارمری به طور جداگانه در قم با فقیه عالیقدر آیةالله العظمی منتظری ملاقات کردند. در این دیدار پس از ارائهٔ گزارشهای مربوطه آیةالله العظمی منتظری در مورد اولویّت دادن به بازسازی روستاها و مناطق آزاد شدهٔ جنگی سفارشهای لازم را به عمل آورد. آیةالله العظمی منتظری همچنین در رابطه با وظایف مهم ژاندارمری در زمینهٔ توجه بیشتر به نیازهای عقیدتی و مذهبی پرسنل

این ارگان و گسترش اتحاد و انسجام موجود بین نیروهای مسلح و نیز حفظ مرزها رهنمودهایی ارائه داد. آیةالله العظمی منتظری آنگاه در اشاره به حمایتهای همه جانبهٔ امریکا و دست نشاندگانش از صدام برای جلوگیری از سقوط حتمی رژیم بعثی گفت: «فکر نکنید این رژیم مزدور صدام است که با ما می‌جنگد. این رژیم کوچك‌تر از آن است که با ملّت بزرگ و دولت انقلابی و نیروهای مسلح قوی و مؤمن ایران بجنگد؛ بلکه نیروهای کفر و الحاد غرب و شرق برای نجات صدام از افتادن از چاهی که به دست خودش کنده شده در تلاشند. تا آنجا که امریکا در پاسخ به اعتراض برخی از مهره‌هایش که می‌پرسند چرا صدام به این روز سیاه مبتلا شده می‌گوید از امریکا توقع معجزه نداشته باشید. ما برای حفظ صدام آخرین تلاشمان را به کار گرفته و می‌گیریم ولی متأسفانه تا کنون نتوانسته‌ایم موفقیتی کسب کنیم.»

آیةالله العظمی منتظری سپس به وضع متزلزل ارتش شکست خوردهٔ عراق اشاره کرد و افزود: «امریکا دیگر از ارتش عراق کاملاً مأیوس گشته و با اعزام سربازان فریب خوردهٔ مصری می‌خواهد چند صباحی دیگر صدام را حفظ کند ولی من مطمئنم که نیروهای فداکار ما با داشتن روحیّه و ایمان قوی و عشق به شهادت با هماهنگی کامل و نظم دقیق به زودی آخرین ضربه را به رژیم متجاوز صدام وارد کرده خود را برای نجات قُدس عزیز و نابودی اسرائیل غاصب آماده می‌کنند.»

بر اساس همین گزارش، مسئول گزینش وزارت آموزش و پرورش به همراه همکاران و مشاوران خود، امام جمعه و گروهی از پاسداران و اعضای بسیج علی‌آباد کتول نیز بعدازظهر دیروز با آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند. همچنین صبح دیروز گروههای مختلف خانواده‌های شهدا، اعضای بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بابل، گروهی از پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گیلان و مازندران، بسیج معلمان لاهیجان، کشاورزان سمیرم، عشایر بختیاری و پشتکوه و گروهی از خواهران امدادگر از مشهد با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند. در این دیدار حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن تبریك بعثت رسول اکرم ص اظهار داشت: «پیامبر و ائمهٔ اطهار نعمتهایی هستند که خدا در روز قیامت دربارهٔ این نعمتها از مردم بازخواست می‌کنند.» حضرت آیةالله العظمی منتظری آنگاه به جنگ تحمیلی و رژیم بعث عراق اشاره کرد و پس از تشریح علل شروع جنگ توسط ایادی امریکا در منطقه و اینکه ابر قدرتها محتاج به ما هستند گفت: «سران کشورهای اسلامی متأسفانه نمی‌دانند که چه قدرت بزرگی در دستشان است و بزرگ‌ترین عامل اقتصاد و شریان دنیا را در اختیار دارند که اگر از این ثروت با استمداد از نیروی معنوی اسلام بهره‌گیری شود ابر قدرتها نابود خواهند شد.»

فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری سپس به جنایات منافقین اشاره کرد و گفت: «این گروه که خود را حامی خلق و اسلام راستین می‌دانند با بمب‌گذاری در معابر بچهٔ چهار ساله را به شهادت می‌رسانند و راه امپریالیسم امریکا را طی می‌کنند. سرانشان که خائن و خود فروخته هستند ولی آن بچه‌های معصوم که از روی نادانی به دام این گرگها افتاده‌اند اُمیدوارم که هدایت شوند.»

همچنین حجةالاسلام کروبی سرپرست بنیاد شهید صبح دیروز در قم با حضرت آیةالله منتظری دیدار

و گفت و گو کرد.

۱۳٦۱/۳/۱

سفیر ترکیه در ایران به اتفاق هیئت بازرگانی این کشور، که اخیراً به تهران آمده است، در قُم با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند.

در این دیدار سفیر ترکیه پس از تقدیم مراتب احترام نسبت به انقلاب اسلامی ایران و مقام معظم رهبری آن و ابراز تشکر از اینکه موفّق به انجام این ملاقات شده است از گسترش روابط دوستانه بین دو کشور ایران و ترکیه اظهار خوشوقتی کرد.

سپس حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن تشکر متقابل گفت: «امیدواریم این روابط که در چهارچوب منافع دو ملّت مسلمان ایران و ترکیه برقرار خواهد ماند روز به روز مستحکم‌تر و گسترده‌تر گردد.

وی آنگاه در ارتباط با تلاش استعمار غرب برای جداسازی کشورهای اسلامی و سرگرم کردن آنها به مسائل کور ناسیونالیستی و نژادپرستیهای ارتجاعی گفت: «ما از دولت ترکیه انتظار داریم روابط خود را با ملّتهای مسلمان و کشورهای اسلامی گسترش دهد و علی‌رغم کوشش عوامل استعماری به زبان و خط عربی که همان زبان و خط رسمی اسلام است توجّه کند و آنها را در کشور ترکیه رسمی اعلام نماید.»

آیةالله العظمی منتظری در همین رابطه تأکید کرد که «ابر قدرتهای شرق و غرب هر دو با اسلام و ملل اسلامی دشمن هستند. و به دنبال منافع خود می‌روند. ما باید همان گونه که دستور اسلام است آزاد، مستقل و متکی به شخصیت اصیل اسلامی خود باشیم.»

در پایان این ملاقات آیةالله العظمی منتظری ضمن سفارش دربارهٔ ایجاد تسهیلات لازم برای مسافرت طلاب علاقه‌مند ترکیه به تحصیل در حوزهٔ علمیّهٔ قم چند جلد کتاب *نهج‌البلاغه* به زبان ترکی را به سفیر ترکیه و همراهان هدیه کرد.

۱۳٦۱/۳/۷

هزاران نفر از مردم شهرهای مختلف از جمله گروهی از کارگران کارخانه‌های پارس متال تهران و پوشش رشت؛ اعضای نهضت سوادآموزی اراك، اصفهان، نجف‌آباد و حومه، مرکز آموزش کبوترآباد و هیئت واگذاری زمین استان اصفهان، انجمن اسلامی کارخانهٔ زمزم رشت، خانوادهٔ شهدای علویجه، اعضای امور تربیتی شهرستان ساری، گروه نوسازی و توسعه و تجهیز مدارس مازندران، شورای مساجد اردکان یزد، مرکز تربیت مُعلّم پرورشی پسران شهید محمد منتظری تهران، هیئت مسجد منتظری تهران، هیئت مسجد امام محمد باقر اصفهان، دانش آموزان هُنرستان کشاورزی و گروهی از رزمندگان از جبههٔ جفیر، اطراف منزل حضرت آیةالله العظمی منتظری با وی ملاقات کردند. در آغاز این دیدار آیةالله العظمی منتظری ضمن تقدیر و تجلیل از رزمندگان قهرمان اسلام و فرستادن درود بر

شهدای عظیم‌الشأن آنان که با فتح بزرگ اخیر تمامی محاسبات مادّی کارشناسان سیاسی و نظامی شرق و غرب را نقش بر آب نمودند اظهار داشت: «آثار این پیروزیها آن قدر عظیم و با ارزش است که ریگان و هیگ و صدراعظم آلمان با ناراحتی اعلام کردند شکست صدام در این جنگ منافع امریکا و غرب را به خطر می‌اندازد.» آیةالله العظمی منتظری در همین رابطه افزود: «تمام این عظمتها که نصیب اسلام و ملّت بزرگ ایران شد مرهون فداکاری و خون پاك جوانان عزیز ما در جبهه‌هاست. اینها را باید به حق امید اسلام و امّت و امام نامید.» وی سپس خطاب به هواداران گروهك‌ها گفت: «در این شرایط که رزمندگان و ملّتها اینچنین با امریکا و عمالش در حال جنگند با مشاهدهٔ هم صدایی و اعمال خائنانهٔ رهبران این گروهها با ابر قدرتها آیا هنوز هم ماهیّت انحرافی و وابستهٔ سران آنها برای شما روشن نگردیده باز هم می‌گوییم؛ بیایید تا دیر نشده به صف مردم و اسلام عزیز بپیوندید و از تفرقه و هدر دادن نیروهای جوان که سرمایهٔ این کشور هستند پرهیز کنید.»

حضرت آیةالله منتظری آنگاه بار دیگر توجه به سفارشاتی که در اسلام در زمینهٔ امر سوادآموزی به عمل آمده لزوم بسیج علمی همهٔ طبقات را یادآوری کرد و در ادامهٔ سخنانش ضمن توصیه به دولت مبنی بر دادن اهمیّت بیشتر به تولید مواد مصرفی مود نیاز مردم داخل کشور خطاب به مردم گفت: «تا هنگامی که جامعه ما به روال رژیم گذشته جامعهٔ مصرفی باشد نیازمندی و وابستگی اقتصادی ما به قدرتهای خارجی قطع نخواهد شد. به همین جهت همه باید در حدّ توان از کالاهایی که در داخل کشور تولید می‌شود استفاده کنیم و از مصرف اجناس خارجی، به خصوص امریکایی پرهیز نماییم.»

وی در ادامه، ازدواج سادهٔ جوانان را مورد ستایش قرار داد و خطاب به خانواده‌ها یادآور شد: «جوانان عزیز و اولیای آنان بدانند اگر به خاطر مراعات تشریفات پیچیدهٔ غیر اسلامی ازدواج دختر و پسری به تأخیر افتد مسئولیت معصیتهای احتمالی آن به عهدهٔ کسانی است که تحت تأثیر فرهنگ تجمل و تشریفات و رسوم غیر اسلامی قرار گرفته‌اند.»

آیةالله منتظری سپس وعدهٔ قطعی *قرآن* مبنی بر اینکه خداوند نیازهای مادّی کسانی را که به برپایی ازدواجهای ساده می‌پردازند مورد اشاره قرار داد و از کسانی که به سبب کمبود درآمد تحت تأثیر القائات شیطانی رایج از ازدواج پرهیز می‌کنند خواست که طبق دستور *قرآن* عمل کنند و بدانند که وعده‌های الهی بی‌هیچ شك و تردیدی تحقق خواهد یافت.

همچنین استاندار زنجان همراه معاونان و چند تن از فرماندران این استان، مسئول کمیتهٔ انقلاب اسلامی قزوین و سیّدمحسن موسوی تبریزی نمایندهٔ مردم تبریز و نیز گروهی از روحانیون و علمای اهل سنّت تربت جام، بیرجند، و تایباد خواف که به تازگی از جبهه‌های جنگ مراجعت کرده‌اند به طور جداگانه در قُم با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند.

آیةالله العظمی منتظری در ملاقات با روحانیون و علمای اهل سنّت استان خراسان ضمن تشکر خطاب به آنان اظهار داشت: «در رژیم پهلوی روحانیت و برنامه‌های اسلام تقریباً رو به اضمحلال کامل بود و واقعاً فرموده پیامبر اسلام ص در مورد اسلام در آخرالزمان مشهود شده بود تا بالاخره به فضل و برکت الهی انقلاب اسلامی ایران به پیروزی رسید و از برکت آن جوّی پدید آمد که روحانیون شیعه و

سنی بتوانند به وظایف مهم خود در زمینهٔ تبلیغ اسلام و تقویت و گسترش حوزه‌های علمیهٔ عمل کنند.»

آیةالله العظمی منتظری در ادامهٔ سخنانش افزود: «روحانیون، چه شیعه و چه سنی، باید عملاً معرف اسلام باشند و اگر می‌خواهند کلامشان در مردم مؤثر و نافذ باشد باید خود را از تمام آلودگیها و حتی از بعضی مباحات حفظ نمایند و گرنه کلامشان کوچک‌ترین تأثیری در مردم نخواهد داشت.» وی در این ملاقات همچنین ضمن اشاره به امیدی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به خصوص پیروزیهای افتخارآفرین اخیر رزمندگان اسلام دردل محرومان و مستضعفان جهان به وجود آمده رهنمودهایی ارائه داد.

کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت

فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری، به دلیل رنجی که از تفرقهٔ بین مسلمانان می‌برد، طرح‌ریزی و ابتکار برپایی مراسم و مجامعی را که بتواند از میزان این تفرقه بکاهد، همیشه در دستور کار و برنامه‌های خود دارد.

در تاریخ بیست و سوم آذر ۱۳۵۹، معظم‌له در پیامی به ائمهٔ جمعهٔ سراسر کشور پیشنهاد تشکیل سمیناری از ائمهٔ جمعهٔ سراسر ایران را ارائه کرد.

اوّل دی ۱۳۵۹ یك سمینار دو روزه از کلیهٔ ائمهٔ کشور، در مدرسهٔ فیضیهٔ قم با حضور عده‌ای از مدرسان حوزهٔ علمیهٔ قم و شهید محمد رجایی نخست وزیر وقت تشکیل گردید.[۵۶]

در این سمینار حضرت آیةالله منتظری در سخنان خود پیشنهاد برپایی یك کنگرهٔ جهانی از ائمهٔ جمعه و جماعات کشورهای اسلامی را ارائه فرمود. ایشان در قسمتی از سخنانشان فرمودند: «انشاءالله کنگره‌ای از ائمهٔ جماعت کشورهای اسلامی در آینده تشکیل شود.... از ائمهٔ جمعه در خارج کشور می‌خواهیم که نظیر این سمینار را در کشورهای خود تشکیل دهند و انشاءالله این سمینارهای کوچك مبدّل به یك کنگرهٔ جهانی شود و با تشکیل جلسات، تمام سوء تفاهمات نیز بر طرف شود.»

سمینار سراسری ائمهٔ جمعهٔ کشور، پیشنهاد فقیه عالیقدر را پذیرفت و در بند ۹ قطعنامهٔ پایانی خود آن را بدین صورت مورد توجّه قرار داد:

«امامان جُمعه با شرکت خود در این سمینار دو روزه مقدّمات برپایی کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعهٔ متعهد، از همه کشورهای اسلامی را طرح‌ریزی نموده امیدوارند برای بررسی مشکلات همهٔ مسلمانهای جهان و فراهم کردن زمینه‌های بسیج فکری و فرهنگی همهٔ مستضعفین به منظور مقابله با کفر و استعمار جهانی و برای راهگشایی به سوی آزادی قدس عزیز و همهٔ سرزمینهای اشغالی و حمایت از همهٔ جنبشهای آزادی بخش اسلامی هر چه زودتر آن کنگره بزرگ و سراسری تشکیل گردد.»

پس از طرح این موضوع بسیار مهم در تاریخ و جهان اسلام و زمینه‌سازی فکری آن توسط حضرت آیةالله منتظری و آماده نمودن مسئولان و جامعه برای انجام این کار سترگ و اساسی، معظم‌له در تاریخ

۵۶. مشروح گزارش این سمینار در صفحات ۳۳۲ تا ۳۴۶ کتاب اوّل *فقیه عالیقدر* آمده است.

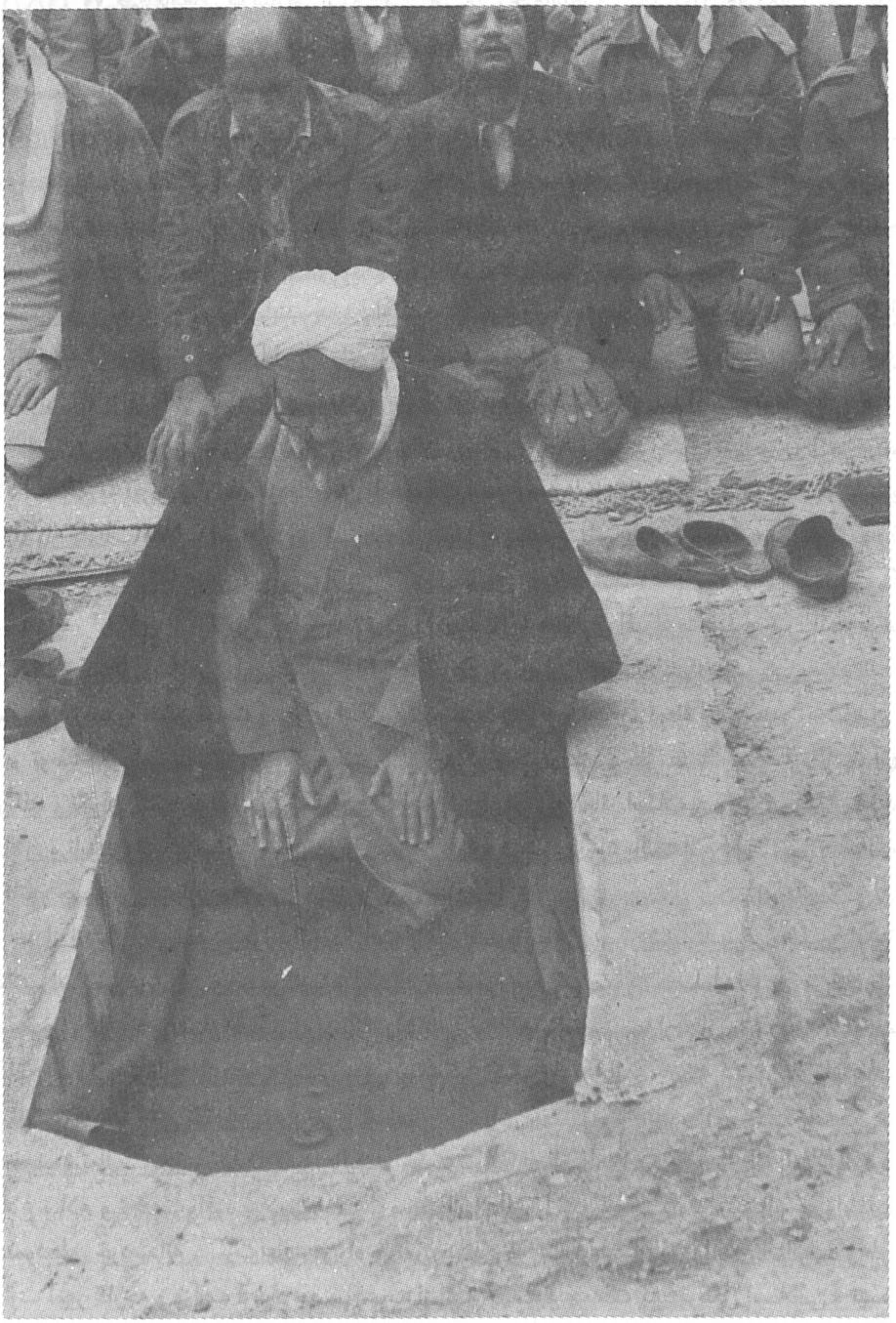

۱۳۶۱/۳/۱۲ طی نامه‌ای به سه نفر از روحانیان مسئول، خواستار فراهم کردن مقدّمات عملی برای تشکیل کنگرهٔ جهانی در ایران شدند. متن این نامه به شرح زیر است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم. حجج اسلام آقایان عبدالمجید معادیخواه، سیّدهادی خامنه‌ای و شیخ عبدالله نوری دامت افاضاتهم، همان گونه که توجّه دارید یکی از محورهای تبلیغی دشمنان اسلام تحریف ارزشهای انقلاب اسلامی و مسخ دستاوردهای آن در سطح بین‌المللی می‌باشد. آنها می‌کوشند چهرهٔ اسلام و جمهوری اسلامی ایران را در بین توده‌های محروم و زیرستم جهان سوم کریه و مشوه نشان دهند تا بدین وسیله از امواج حرکت الهی، که در سطح جهانی رو به گسترش و نفوذ در دلهای مستضعفین است، جلوگیری نمایند. بدیهی است در چنین شرایطی وظیفهٔ اسلامی و انسانی همگان است که با تمام توان و قدرت با این توطئهٔ بزرگ که علیه اسلام و مسلمین در جریان است مبارزه نمایند و بهترین راه برای خنثی نمودن این توطئه و معرفی واقعیّت انقلاب اسلامی و افشای توطئه‌های امریکا و همدستان شرقی و غربیش دعوت از شخصیتهای روحانی و مذهبی مورد احترام مسلمین و ائمهٔ جمعهٔ بلاد اسلامی به ایران و ارتباط نزدیك آنان با حضرات ائمهٔ جمعهٔ داخل کشور ایدهم الله تعالی و تشریح اهداف و منویات انقلاب اسلامی و آشنا نمودن آنها به پیشرفتهای مادی و معنوی ملت بزرگ و آگاه ایران خواهد بود. از این رو به جاست آقایان محترم، ضمن انجام مسئولیتهای محولهٔ دیگری که پذیرفته‌اید، لجنه‌ای از ارگانهای مربوطه تشکیل [دهید تا] با همکاری افراد متعهد و خیر، ائمه جمعهٔ کشورها و مناطق اسلامی را جهت برگذاری کنگره‌ای در ایران دعوت نماید. به یقین این قدم بسیار بزرگ و ارزنده به همان نسبت که برای اعلای کلمهٔ اسلام عزیز و تحکیم پیوند اخوت بین مسلمین در برابر توطئه‌های امپریالیستی و صهیونیستی نافع و مؤثر است برای دشمنان اسلام و عمال مزدور آنها نیز تلخ و نگران کننده خواهد بود. توفیق همگان را در راه تعظیم شعائر اسلامی و اعلای کلمهٔ توحید و خذلان و نابودی کفر و استکبار جهانی از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. حسینعلی منتظری، ۶۱/۳/۱۲.

بعد از انتشار این نامه در جراید که حکایت از یك اقدام انقلابی و ارزشمند برای تحکیم پایه‌های انقلاب اسلامی در ایران و صدور اندیشهٔ انقلاب اسلامی به دیگر ممالك مسلمان‌نشین می‌کند، ائمهٔ جمعهٔ خوزستان که پیشتاز حمایت از جریانات اسلامی و خالص هستند، با ارسال تلگرامی به محضر آیةالله العظمی منتظری از دعوت ایشان مبنی بر تشکیل کنگره‌ای از ائمهٔ جمعهٔ کشورهای اسلامی پشتیبانی کردند. متن تلگرام بدین شرح است:

«بسمه تعالی. محضر مبارك فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دام‌ظله العالی، پس از ابلاغ سلام و تحیات وافره سلامت حضرت مستطاب عالی را ازدرگاه خداوند متعال خواستاریم. رهنمودهای خردمندانهٔ حضرت عالی در راه به ثمر رساندن وحدت کامل بین کشورهای اسلامی از طریق وزارت امور خارجه و وزارت ارشاد جهت دعوت از ائمهٔ جمعه و جماعت کشورهای اسلامی و تشکیل سمیناری با ائمهٔ جمعهٔ کشور جمهوری اسلامی ایران بسیار به جا و در خور تقدیر است. ما ضمن پشتیبانی قاطع از این پیشنهاد به موقع، از وزارت امور خارجه و وزارت ارشاد اسلامی مصرانه می‌خواهیم

که هر چه زودتر در جهت این امر مهم اقدام نمایند. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.»[۵۷]

در پاسخ به تلگرام فوق، فقیه عالیقدر تلگرام زیر را به حجةالاسلام جزایری امام جمعهٔ اهواز مخابره کرد.

«بسمه تعالی. جناب مستطاب حجةالاسلام آقای جزایری امام جمعهٔ اهواز دامت افاضاته. تلگرام جناب عالی و حضرات ائمهٔ جمعهٔ محترم خوزستان در مورد استقبال از کنگرهٔ ائمهٔ جمعهٔ جهان اسلام واصل و ضمن تشکر امیداست بتوانیم در جهت تحقق وحدت کلمهٔ مسلمین در برابر خطر جبههٔ متحد کفر و الحاد جهانی به وظایف خود عمل نماییم. سلامت و توفیق همهٔ علمای اعلام و ائمه جمعهٔ خوزستان را از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةالله. ۲۶. خرداد ۶۱. قم. حسینعلی منتظری.»

پس از ارسال نامهٔ آیةالله منتظری خطاب به حجج اسلام معادیخواه، خامنه‌ای و نوری، ستادی در تهران دایر شد که مقدمات اجرایی تشکیل چنین مجمع مقدّسی را از ائمهٔ جمعه و جماعت مسلمانان سراسر جهان فراهم سازد.

مقدّمات اجرایی که فراهم شد، حجةالاسلام سیدهادی خامنه‌ای نمایندهٔ مردم فریمان در دورهٔ اول مجلس شورای اسلامی برای برپایی کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت عهده‌دار مسئولیّت و سرپرستی ستاد[۵۸] گردید.

وی در یك مصاحبهٔ اختصاصی با خبرنگار مجلهٔ *سروش* طرح بر پایی کنگره جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت را توضیح داد که در اینجا قسمتهایی از آن نقل می‌شود:

«در مورد کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت، بیشتر هدف صدور انقلاب بود و صدور یکی از بزرگ‌ترین ارزش‌های انقلاب، که مراسم عبادی ـ سیاسی نماز جمعه است. این کنگره که به توصیهٔ آیةالله العظمی آقای منتظری و تشویق بسیاری از مسئولان و شخصیتهای مملکتی و تأیید همین شخصیتها و مقامات بناست بر پا شود، به خاطر آن است که مسئلهٔ نماز جمعه به گونه‌ای مطرح شود که اگر در جهان اسلام به خوبی جا بیفتد و ارزشهای اسلامیش از لحاظ محتوی، کیفیت و شکل احیا شود و در جهان اسلام برای مردم مسلمان و به ویژه برای ائمهٔ جمعه و جماعت سر تا سر دنیا درست توجیه و توضیح شود، گام مؤثری برای نشر و پخش اندیشهٔ اصیل اسلامی برداشته شده است. لذا این کنگره به عنوان اولین کنگره و اولین گامی که فعلاً برای نخستین بار در جهان اسلام در یك کشور انقلابی برداشته می‌شود و بسیار حساس و با اهمیت است، از این جهت که رژیمهایی مانند عربستان و مصر در این زمینه فعالیتهایی کرده‌اند و می‌کنند، کارهای مشابه این کار را از سابق می‌کردند، منتهی در جهت منافع استعمار. لذا این کار از این جهت بسیار حساس است. از سوی دیگر چون ما برای اوّلین بار این اقدام را می‌کنیم طبیعتاً پیش‌بینی می‌شود که آثار اجتماعی و جهانی بسیاری داشته باشد، هم در داخل

۵۷. *کیهان*، ۱۳۶۱/۳/۲۵.

۵۸. این ستاد اکنون به عنوان «دبیرخانهٔ کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت» در نهاد ریاست جمهوری دائر است.

کشور و هم کشورهای دیگر، هم برای ائمهٔ جمعهٔ خودمان که قدر خودشان را بدانند و موقعیت و ارزش خودشان را درست ارزیابی کنند و هم برای ائمهٔ جمعهٔ سایر کشورها، و هم برای سایر امتها و کشورهای مختلف، تا بدانند در ایران اسلامی چه می‌گذرد و علت اساسی این که یك انقلاب اسلامی در ایران پی‌ریزی شده چه بوده است. آنان در کنگره فاصله نماز جمعه‌های موجود خودشان را در آن کشورها با نمازهای جمعهٔ امروزی که در کشور اسلامی ایران برگزار می‌شود به مقایسه خواهند گذارد و کوشش کنند که خودشان را انشاءالله به آن مدار و آن محور برسانند.»[۵۹]

حجةالاسلام سیدهادی خامنه‌ای همچنین در مورد تشکیل کنگرهٔ جهانی ائمه جمعه و جماعت مصاحبه‌ای با مجلهٔ *پیام انقلاب* انجام داد. متن پاسخ ایشان به یکی از سؤالات پرسشگر این مجله را می‌آوریم. پرسشگر *پیام انقلاب* از ایشان می‌خواهد در مورد پیشنهاد حضرت آیةالله العظمی منتظری مبنی بر تشکیل کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت توضیح بدهد و وی می‌گوید:

«حضرت آیةالله العظمی منتظری اوّلین دستور را در این زمینه دادند که این کار انجام بگیرد و ما هم مقدماتش را از مدتها قبل جور کردیم با همکاری بسیاری از برادران نهادها و ارگانها که دعوتشان کردیم و ستادی تشکیل دادیم. این ستاد... برای شناسایی میهمانها [واحدی داشت به نام] ستاد تحقیقات... به کمك وزارت ارشاد و وزارت امور خارجه و بعضی از اشخاص... توانستیم این افراد بشناسیم... کمیتهٔ تبلیغات داشتیم و داریم، نیز کمیتهٔ تدارکات و تشریفات و انتظامات. اما پیشنهاد آیةالله العظمی منتظری در این زمینه یك ویژگی دارد و آن این است که ایشان در پیشنهاد چنین گردهماییها و چنین برنامه‌هایی همیشه راهگشا هستند. هفتهٔ وحدت هم که در سال گذشته پیشنهاد شد بنا به ابتکار ایشان بود... بهتر دیدیم که این کنگره را هم با هفتهٔ وحدت بگذاریم. به دلیل اینکه هم پیشنهاد از یك مقام است و هم این کنگره زمینه‌ساز وحدت انشاءالله خواهد شد... مرتباً ایشان در جریان کارها بوده‌اند و هستند. من جمله دیروز خدمت ایشان بودم. بسیار از ما و همهٔ دوستانمان تشکر و تقدیر به عمل آوردند و ما به هر حال با پشتیبانی ایشان و تأییدات ایشان تا الآن مشغول کارها و برنامه‌ها بودیم و در آینده هم خواهیم بود. البته زیباتر و جالب‌تر از این، این بود که ما در خدمت امام امّت بودیم. ایشان هم حدود یك ربع ساعت در این مورد با ما و اعضای ستاد صحبت فرمودند و بسیار تشویق فرمودند و کار بزرگ و بی‌سابقه‌ای تلقی کردند و جملات ایشان کاملاً در نظرم نیست ولی جالب‌ترین فرمایشات ایشان این بود که فرمودند: نماز جمعه یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های اسلامی ماست و یکی از بهترین ره آوردهای انقلاب اسلامی ماست و اگر این انقلاب اسلامی به ما چیزی نداده بود جز این نماز جمعه برای ملت ما و برای مسلمین کافی بود.»[۶۰]

همزمان با سالروز ولادت با سعادت حضرت محمد بن عبدالله ص پیامبر گرامی اسلام و ولادت مسعود امام صادق ع ششمین امام شیعیان، یعنی در هفتهٔ وحدت، اولین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت در ایران تشکیل شد.

۵۹. *سروش*، شمارهٔ ۱۷۵، ۱۳۶۱/۱۰/۱۱.
۶۰. *پیام انقلاب*، شمارهٔ ۷۵، ۱۳۶۱/۱۰/۱۸.

میهمانان این کنگره از شصت کشور جهان، نظیر مالزی، ژاپن، قطر، تونس، پاکستان، امارات متحدهٔ عربی، اندونزی، امریکا، تانزانیا، بنگلادش، انگلستان، لبنان، عراق، سوریه، گلاسکو، آلمان غربی، اردن، افغانستان، منامه، آفریقای جنوبی، سوئیس، سوئد، سریلانکا، تایلند، سنگال، کانادا، هند، کویت و... به میهن اسلامیمان آمده بودند.

از این کشورها صدوسی و پنج نفر امام جمعه و جماعت و شخصیتهای علمی و روحانی دعوت داشتند که به اتفاق تعدادی از شخصیتهای سیاسی ـ مذهبی ایران، خصوصاً ائمهٔ جمعهٔ شهرهای مختلف، مجموعاً سیصد نفر می‌شدند.

جلسهٔ افتتاحیّه اولین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت ساعت ۹:٤۰ صبح روز سه‌شنبه هفتم دی ۱۳٦۱ با شکوه بسیار و عظمت چشمگیر در هتل آزادی تهران برگذار شد.

در این جلسه پس از تلاوت آیاتی چند از *قرآن* مجید، پیام حضرت آیةالله العظمی منتظری توسط حجةالاسلام حاج‌شیخ حسن ابراهیمی قرائت شد. سپس حجةالاسلام سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهور اسلامی ایران و امام جمعهٔ تهران به زبان عربی سخنرانی کرد. متن پیام فقیه عالیقدر به این شرح است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم. یا ایها الذین امنوا اذا نودی للصلوة من یوم الجمعه فاسعوا الی ذکر الله و ذرواالبیع ذلکم خیرلکم‌ان کنتم تعلمون. حضرات ائمهٔ جمعه و جماعات و علمای بلاد اسلامی ایدکم الله تعالی وادام افاضاتکم، قبل از هر چیز مراتب تشکر خود را از قبول دعوت و تشریف فرمایی برادران روحانی به وطن اسلامی خودشان ابراز داشته آرزو دارم از این فرصت الهی که درپرتو پیروزی انقلاب عظیم اسلامی در این کسرزمین پیش آمده و توانستیم برای اولین بار کنگره‌ای جهانی از ائمهٔ جمعهٔ بلاد اسلامی تشکیل دهیم حداکثر بهره‌برداری را برای اعلای کلمهٔ توحید و توحید کلمهٔ مسلمین و آشنایی برادران معظم به اهداف بزرگ این انقلاب بنماییم. همه می‌دانیم که اسلام مکتبی است کامل و جامع که همهٔ نیازهای معنوی و مادی بشر را از هنگام تولد تا پس از مرگ در هر زمان و تحت هر شرایطی زیر نظر گرفته و طبیعی است که در چنین مکتبی با این ابعاد وسیع و گسترده باید به مسئله ادارهٔ جوامع انسانی و تشکیل حکومت صالح برای رفع نیازها و تربیت و هدایت انسانها بر طبق معیارها و ضوابط خاص الهی توجهی شایان شده باشد و سیرهٔ پیامبر عظیم‌اتأن اسلام و اولیای بزرگوار دین نیز گواه این حقیقت است. در مکهٔ معظمه در اثر فشار مشرکین شرایط تشکل و تجمع مسلمین و تشکیل حکومت اسلامی فراهم نشد ولی پس از توجه بسیاری از مردم یثرب به اسلام و امکان تشکل و تجمع به دستور پیغمبر اکرم ص به تصدی اسعد بن زراره اولین نماز جمعه که وسیلهٔ تشکل مسلمین بود در مدینه با چهل نفر اقامه شد. پس از هجرت پیغمبر اکرم به مدینهٔ منوره اولین جمعه به امامت خود پیغمبر ص در محلهٔ بنی سالم با ۱۰۰ نفر منعقد گردید.پیغمبر اکرم پس از ورود به مدینه علاوه بر اقامهٔ جمعه و جماعات قهراً مسلمین را در یك سطح قرار می‌داد. سعی فرمودند قبایل مختلف را به یکدیگر نزدیك کنند و بین مهاجرین و انصار اخوت بر قرار کردند و حتی با یهود مدینه قرار داد ترك مخاصمه مشتمل بر حدود یك صدوپنجاه ماده امضا فرمودند. از اینجا نتیجه می‌گیریم که نماز جمعه زیربنای حکومت اسلامی و

حافظ آن است و پس از پیغمبر اسلام نیز خلفا و امرای بلاد متصدی اقامهٔ جمعه بودند و در خطبه‌های جمعه مصالح مسلمین را گوشزد می‌کردند. در دنیای پیشرفتهٔ امروز می‌بینیم که احزاب سیاسی با خرج کردن مبلغ گزافی تظاهرات و میتینگهایی ترتیب می‌دهند تا شعار خود را اعلام نمایند و بدین وسیله قدرت سیاسی خود را نشان دهند. دین مقدس اسلام در هزار و چهارصد سال پیش به وسیلهٔ تشکیل جمعه و جماعات و اعیاد و حج که در حقیقت کنگرهٔ بزرگ اسلامی است وسیلهٔ تجمع و هماهنگی مسلمین را فراهم نمود و متأسفانه در اثر تبلیغات شیاطین و عمال استعمار، ما مسلمین این تظاهر بزرگ اسلامی را به صورت کالبدی بی‌روح در آورده‌ایم و بهره‌برداری سیاسی از این تظاهر اسلامی نمی‌کنیم. نماز جمعه ترکیبی است از عبادت و سیاست و بلکه تمرین نظامی، و این جنبه در آن قوی‌تر است و لذا از کسانی که جهاد بر آنان واجب نیست، همچون زنان و پیران سالخورده و مریضها، نماز جمعه ساقط است و بر افرادی واجب است که می‌توانند از صف نماز به صف قتال منتقل شوند.

در این زمان که دشمنان اسلام و استعمارگران شرق و غرب بر ذخایر مسلمین مسلط شده‌اند و حتی شعور و درك سیاسی را نیز از بیشتر مسلمین گرفته‌اند وظیفهٔ ائمهٔ جمعه وظیفهٔ سنگینی است. ائمهٔ جمعه در خطبه‌های نماز جمعه علاوه بر حمد و ثنای خدا و دعوت مسلمین به تقوی و تقویت کردن جنبه‌های معنوی مسلمین لازم است عوامل ارتقا و انحطاط مسلمین را گوشزد کنند و به مردم درك و رشد سیاسی بدهند و تبلیغات شوم فوقهای استعماری را که سعی در اختلاف و تشتت مسلمین دارند خنثی نمایند و سعی در همبستگی و هماهنگی مسلمین بنمایند. در حدیث شریف، حضرت امام رضا علیه‌السلام فرمودند:

انما جعلت الخطبة یوم الجمعة لان مشهد عام فاراد ان یکون للامیر سبب الی موعظتهم و ترغیبهم فی‌الطاعة و ترهیبهم من المعصیة و توفیقهم علی ما اراد من مصلحة دینهم و دنیاهم و یخبر هم بماورد علیهم من الافاق من الاحوال التی لهم فیها المضرة والمنفعة.

خطبهٔ جمعه برای این است که امیر مسلمین علاوه بر وعظ و امر به معروف و نهی از منکر، مسلمین را بر مصالح دین و دنیای آنان واقف کند و از اخبار بلاد آنچه را که مشتمل بر نفع و ضرر مسلمین است به آنان گوشزد نماید. سکوت علمای اسلام در برابر طغیان طواغیت و تغییر احکام خدا و ستمها و نابرابریهای ظالمانه گناهی است بس بزرگ.

فروی السبط الشهید عن رسول الله صلی‌الله علیه و آله انه قال: من رای سلطاناً جائراً مستحلاً لحرم الله ناکثا لعهدالله مخالفاً لسنة رسول الله یعمل فی عبادالله بالاثم و العدوان فلم یغیّر علیه بفعل و لاقول کان حقاً علی الله ان یدخله مدخله.

هر کس ببیند پادشاه جائری را که حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام می‌کند و سنت پیغمبر را تغییر می‌دهد و به مردم تعدی می‌نماید و در مقابل آن پادشاه سکوت می‌کند شریك جرم او خواهد بود.

دشمنان اسلام در طول تاریخ مخصوصاً در قرون اخیر با تمام توان و قدرت سعی کرده‌اند از راه تضعیف رهبری صالح الهی و ایجاد تفرقه و تشتت و احیای مظاهر قومیت و نژاد و زبان و غیره مسلمانان را از یکدیگر جدا و به جان یکدیگر بیندازند و این نماز جمعه است که مسلمین را در یك صف

قرار می‌دهد. عامل پیروزی مسلمین در صدر اسلام و حتی الان ایمان به خدا و وحدت کلمه و رهبری قاطع بوده، نماز جمعه مظهر و الگوی این سه عامل است و یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی در ایران احیای این فریضه الهی است. امروز نماز جمعه و ائمهٔ معظم جمعه نقش عظیمی در تداوم انقلاب و تحکیم مبانی جمهوری اسلامی ایران دارند. پیروزی این انقلاب عظیم در ایران مسئولیتهای بزرگی را متوجه تمام مسلمین و به خصوص علما و روحانیون و روشنفکران مذهبی می‌سازد. از طرفی این وظیفهٔ ملّت و دولت اسلامی ایران است که از این فرصت برای ابلاغ پیام آسمانی این انقلاب به گوش محرومان و مظلومان جهان استفاده نمایند و تجربیات و دستآوردهای فکری و معنوی آن را در اختیار آنان قرار دهند تا حجت الهی بر آنان تمام شود و آمادهٔ قیام برای تحقق کلمهٔ الله در زمین گردند و از طرف دیگر وظیفهٔ اسلامی و وجدانی ملتهای اسلامی و به خصوص دو قشر مؤثر دانشگاهی و روحانی است که شکستن طلسم استعمار غرب و شرق در ایران در پرتو پناه بردن به مکتب حیاتبخش اسلام و توجه به مساجد و شعائر اسلامی و رهبریهای صحیح و قاطع مقام معظم رهبری انقلاب حضرت امام خمینی مدظله العالی را الگو قرار دهند و آنچه را از دیر زمان استعمار و عمال آن غیر ممکن جلوه می‌داد ممکن و قابل عمل بدانند. پیروزی انقلاب اسلامی در این سرزمین و تداوم و تحکیم روزافزون جهانی آن برای دشمنان غربی و شرقی اسلام بسیار سخت و نگران کننده است. آنان هم معادلات و محاسبات مادی خود را شکست خورده می‌بینند و برای ادامهٔ تجاوز و حفظ مظالم جهانی، خودشان را محتاج به طرحهای جدید و معادلات تازه‌ای می‌دانند. امروز استعمار نو خود را بر سر دو راهی احساس می‌کند و این مسلمانان جهان هستند که با تمسك به حبل الله المتین و تحکیم وحدت و فشرده نمودن صفوف خود بر محور کلمهٔ توحید باید ابتکار عمل را به دست گیرند و به عمال شکست خوردهٔ استعمار مجال تدارك قوا و مجهز شدن را ندهند. اگر جوانان روحانی و دانشگاهی و فرهنگی اسلام از این فرصت الهی بهره‌برداری ننمایند و به دشمنان جهانی اسلام فرصت دهند و آنان در پیاده نمودن نیات خبیث خود موفق شوند به یقین تحقق کلمهٔ الله در زمین و نیل به آزادی و استقلال قرنها به عقب خواهد افتاد.

امروز دشمنان اسلام برای خاموش کردن این فروغ الهی که در ایران اسلامی به دست سلالهٔ بزرگوار ابراهیم روشن گشته متحد شده‌اند و از تمام راههای ممکن سعی در محاصره و خفته نمودن این حرکت توفنده می‌نمایند و به خیال خود با شروع جنگ تحمیلی به دست یك دیوانه در کشور مظلوم عراق آخرین ضربه را بر پیکر این جمهوری جوان می‌زنند. ولی با گذشت بیش از دو سال از این جنایت که با تحریك امریکا و دستیاری سایر قدرتهای بزرگ و عمالشان شروع شد، ملت مسلمان و شجاع ما روز به روز قوی‌تر و آماده‌تر برای دفع تجاوز رژیم کافر صدام شده است تا آنجا که دشمنان اسلام اکنون امید خود را برای حفظ این رژیم پوسیده و ضد اسلام از دست داده‌اند و در فکر تدارك پس از آن می‌باشند. این مقاومت، آگاهی و فداکاری ملت مسلمان ما می‌تواند بهترین الگو برای ملل مظلوم جهان و به خصوص دو ملت شریف و مسلمان افغانستان و فلسطین باشد. دو ابر قدرت غرب و شرق با سازشهای سیاسی و معامله بر سر منافع مادی و کثیف خود دو ملت مظلوم فلسطین و افغانستان را به بند کشیده‌اند و تنها شروع و تقویت حرکت اسلامی این ملتهاست که آنان را به استقلال و آزادی نزدیك خواهد

ساخت.

امید است کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه که همزمان با ولادت با سعادت رسول اکرم ص و هفتهٔ وحدت با حضور حضرات آیات و حجج اسلام ائمهٔ جمعهٔ داخل و خارج کشور با شکوه مناسب خود برگذار می‌گردد بتواند قدم بزرگی را در راه ارائهٔ بخشهای عظیمی از دستآوردهای فکری و معنوی انقلاب اسلامی به برادران عزیز که از نقاط دور و نزدیك در یك مؤتمر بزرگ اسلامی مجتمع شده‌اند بردارد.

جمهوری اسلامی ایران انتظار دارد ائمهٔ محترم جمعه و جماعات بلاد اسلامی، ملتهای مسلمان خود را از آنچه که در این سرزمین اسلامی پس از پیروزی انقلاب و به پا داشتن یك نظام مردمی و اسلامی می‌گذرد آگاه سازند و وعدهٔ حتمی الهی «ان تنصروالله ینصرکم و یثبت اقدامکم» را به آنان نوید دهند و توطئه‌های دشمنان اسلام را در جهت متفرق ساختن کشورهای اسلامی به ملتهای خود گوشزد نمایند و جوانان متعهد اسلام را که برای مبارزه و نجات مسلمانان عشق می‌ورزند از سقوط در دام جریانهای به ظاهر انقلابی و وابسته به شرق و غرب حفظ نمایند. از خداوند بزرگ نصرت و عظمت اسلام و مسلمین و نابودی دشمنان اسلام به خصوص صهیونیسم جهانی و پیروزی نهایی رزمندگان مسلمان در جبهه‌های گوناگون را مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةالله. حسینعلی منتظری. ۱۲ ربیع‌الاول ۱٤۰۳/۷ دی ۱۳٦۱.»

این گنگره که پنج روز دیگر هم به کار خود ادامه داد، علاوه بر مجمع عمومی برای سخنرانی شخصیتهای داخلی و خارجی، ده کمیسیون به منظور بررسی و بحث پیرامون مسائل جهان اسلام تشکیل داد.

موضوعات اصلی مورد بحث در کمیسیونهای دهگانه، مسائل سیاسی ـ اجتماعی و نیز محتوای نمازهای جمعه بود. اوّلین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت روز شنبه ۱۳٦۱/۱۰/۱۱ با صدور قطعنامه‌ای پایان یافت.

استقبال میهمانان خارجی از برنامه‌های کنگره خصوصاً در مراسم افتتاحیّه به حدی بود که بسیاری از آنها به هنگام قرائت پیام آیةالله العظمی منتظری و سخنرانی رئیس جمهوری از فرط هیجان اشك می‌ریختند و فریادهای مکرر تکبیرشان در فضا طنین افکنده بود. این نشانه‌ای از عظمت کاری است که فقیه عالیقدر پیشتاز انجام آن بودند. متن قطعنامهٔ پایانی کنگره به شرح زیر است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم. الحمدلله رب العالمین والصلوة والسلام علی محمد و علی آله و اصحابه اجمعین. و اعتصموابحبل الله جمیعاً ولاتفرقوا واذکروانعمةالله علیکم اِذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا. والذین یتبعون الرسول النبی الامی الذی یجدونه مکتوباً عندهم فی التورية والانجیل و یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث و یضع عنهم اصرهم والاغلال التی کانت علیهم محمد رسول الله والذین معه اشداءعلی‌الکفار رحماء بینهم.

ولادت و بعثت پیامبر گرامی اسلام و منجی بشریت، بسان موجی توفنده و با حرکتی نیرومند و الهی همان گونه که بساط شرك مجسّم در دو ابر قدرت ایران و روم آن روز را بر چید و کاخ کسرایان و

قیصرها را ویران ساخت، امروز نیز پس از چهارده قرن با تجدید همان مجد و عظمت دیرین و آغاز مجدد یك بعثت نوین و طلوع گسترده و خیره‌کننده که به سرچشمهٔ لایزال الهی پیوسته است، نوید فتح و پیروزی قطعی مسلمین را بر دو ابر قدرت غارتگر شرق و غرب می‌دهد.

امروز همان روزی است که دشمنان خدا ناامید می‌شوند و کوشش چند سالهٔ آنان در غارت ثروتهای مادی و معنوی مستضعفین جهان بی‌ثمر می‌ماند.

خدای بزرگ را شکر می‌گذاریم که به ما نعمت اسلام عطا نمود و تحت رهبری امید مستضعفین و امام المسلمین، بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی اطال الله بقائه جهان اسلام را نسبت به آیندهٔ خود امیدوار ساخت و طعم شیرین پیروزی در سایهٔ جهاد در راه خدا را به آنان چشانید.

بی‌گمان پیروزیهای متوالی و چشمگیر مسلمین در این عصر سرنوشت‌ساز آن است که هر چه بیشتر در مستحکم ساختن اساس وحدت بکوشند و این مهم جز با ایجاد عوامل وحدت از راه یکی ساختن دیدگاهها و اندیشه‌ها نسبت به *قرآن* و مسائل اسلامی ممکن نیست و اساسی‌ترین فلسفهٔ برپایی کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت همین مسئله است.

این کنگره که به دعوت فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری آغاز به کار کرده امیدوار است که با توجه به ضرورت حتمی و اجتناب ناپذیر وحدت و یکپارچگی در برابر صف کفر و شرکت و نفاق بتواند زمینهٔ وحدت واقعی ـ و نه لفظی ـ را در شکل عملی آن ایجاد کرده برای تمهید مقدمات آن برنامه‌ریزی کند.

این کنگره که هدفش نزدیك ساختن دیدگاهها و اندیشه‌ها و به صحنه کشاندن بحثهای جدی و روشنگر دربارهٔ مهم‌ترین موضوعات اسلامی و قرآنی است از خداوند بزرگ خواستار کمك و از ائمهٔ جمعه و جماعت جهان اسلام خواهان همکاری است تا بتواند هر چه بهتر و سریع‌تر به این هدف مقدس دست یابد.

کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت مفتخر است که اولین دورهٔ خود را با حضور صدها نفر از ائمهٔ جمعه و جماعت کشورهای مختلف در مرکز کشور جمهوری اسلامی ایران، زادگاه و خاستگاه انقلاب نوین اسلامی و سرزمین شهیدان و امت شهیدپرور، با شکوه تمام برپا داشته است.

این کنگره به لطف خدای منان در طول شش روز فعالیت مداوم و با تشکیل پنج جلسهٔ عمومی و چهار جلسهٔ کمیسیونهای دهگانه و با طرح موضوعات گوناگون، با حضور ائمه جمعه و جماعت سراسر جهان، خود را در اولین گام در این راه موفق می‌بیند.

شرکت کنندگان کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت بر اساس احساس عمیق خود نسبت به نیازهای فوری و حیاتی جهانی اسلام، در جلسهٔ نهایی خود تصمیمات زیر را رسماً اعلام می‌دارند:

۱. ائمهٔ جمعه باید در خطبه‌های خود به بیان اخبار و مسائل منطقه‌ای و جهانی که در جهت مصالح عالیهٔ اسلام و علیه استکبار جهانی باشد بپردازند و ما حمایت قاطع خود را از چنین ائمهٔ جمعه و جماعتی اعلام می‌داریم.

۲. ما بر ضرورت تشکل ائمهٔ جمعه و جماعت و روحانیت اسلام در یك تشکیلات جهانی و گردهمآیی

آنان در هر دورهٔ معین در کشور جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کنیم. بدین منظور لازم است این تشکیلات جهانی دبیرخانهٔ دائمی خود را در این کشور ایجاد و شعبی در سایر کشورهای اسلامی دایر کند.

۳. در خطبه‌های جمعه، خطر استکبار جهانی و صهیونیسم لزوماً باید گوشزد گردد، به طوری که مسلمین به وظیفهٔ خطیر خود در دفاع از کیان امت اسلام و دفع تجاوز از سرزمینهای اسلامی، به ویژه فلسطین، لبنان و افغانستان، آگاه شوند و احساس مسئولیت کنند.

٤. محتوای خطبه‌ها باید اولاً هماهنگی وجدایی ناپذیری دین از سیاست را مورد تأکید قرار دهد و به روشنی ثابت نماید، ثانیاً زمینهٔ ایجاد حکومت اسلامی را در همهٔ کشورها با نظارت و رهبری دقیق و فعال روحانیون و اسلام‌شناسان متعهد فراهم آورد، رابعاً از نظر آگاهی دادن به مردم و متحد ساختن آنان و تقویت روحیه و تشویق آنان به حضور در صحنهٔ فعالیتهای اجتماعی و سیاسی غنی و پربار باشد.

۵. خطبه‌ها باید سیاست «نه شرقی، نه غربی» را به طور کامل و در همهٔ ابعاد به مردم بشناساند.

٦. ائمهٔ جمعه و جماعت باید با تأکید مداوم بر وحدت اسلامی، توطئه‌های خائنانهٔ تفرقه‌انگیز میان مسلمین را که با عناوین اختلافات مذهبی و ملی صورت می‌گیرد افشا و خنثی سازند.

۷. مسجد باید نقش اصلی خود را به عنوان سنگر مبارزهٔ همه جانبه علیه تمامی مفاسد باز یابد و همان گونه که در زمان حضرت رسول الله ص بوده است، به پایگاه عبادی و فرهنگی ـ سیاسی و نظامی مبدل شود.

۸. روحانیّت اسلام باید اولاً حتی الامکان از نظر تشکیلاتی و امور مالی مستقل باشد، ثانیاً نقش خود را که ادامهٔ رسالت انبیا ع در جهت بیداری مردم و شناساندن دوستان و دشمنان و مبارزه با طاغوتهای زمان است باز یافته برای این وظیفهٔ مقدس برنامه‌ریزی کند.

۹. حرمین شریفین و بیت‌المقدس همان گونه که فقیه عالیقدر و مجاهد بزرگوار حضرت آیةالله العظمی منتظری حفظه‌الله تأکید کرده‌اند متعلق به عموم مسلمین است و ادارهٔ آن باید به هیئتی مرکب از نمایندگان مذهبی کشورهای مختلف اسلامی واگذار شود.

۱۰. تاریخ همهٔ کشورهای اسلامی باید هجری باشد.

۱۱. زبان عربی به عنوان زبان *قرآن* باید زبان بین‌المللی مسلمین گردد.

۱۲. روز تعطیل رسمی در سراسر جهان اسلام باید روز جمعه باشد.

۱۳. کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت لازم است همه ساله در جمهوری اسلامی ایران پایگاه حمایت از مسلمین و مستضعفان تشکیل گردد و هفتهٔ برگذاری آن به نام هفتهٔ جمعه و جماعت نامگذاری شود.»[٦١]

میهمانان شرکت‌کننده در این کنگره علاوه بر حضور در حسینیهٔ جماران و دیدار با امام خمینی و شنیدن رهنمودهای معظم‌له، به مدت سه روز از پیشرفتهای ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی و نیز

٦١. جراید، ۱۳۶۱/۱۰/۱۳.

صحنه‌های نبرد حق علیه باطل در جنوب و غرب ایران بازدید کردند.

این افراد در روزهای پایانی اقامتشان در ایران به قم مسافرت کرده و با آیات عظام منتظری، گلپایگانی و نجفی مرعشی دیدار کردند. گزارشهای مربوط به دیدار میهمانان خارجی کنگره با آیةالله العظمی گلپایگانی و آیةالله العظمی نجفی مرعشی حاکی از آن است که این دو عالم بزرگ تشیع، رهنمودهایی در رابطه با جهان اسلام و وحدت مسلمین ارائه کردند.[۶۲]

آیةالله العظمی گلپایگانی در دیدار با میهمانان کنگره، ابتدا ضمن تشکر از آنان که به دعوت کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعات به ایران آمده و برای دیدار از علمای ایران به شهر قم سفر کرده‌اند، ولادت با سعادت و پر میمنت حضرت محمد ص را تبریك گفتند و نصرت اسلام و مسلمین در سراسر جهان و اتحاد و الفت میان آنان را از خداوند تبارك و تعالی مسئلت نمودند.

آیةالله العظمی گلپایگانی سپس در خصوص نقش ارزندهٔ انقلاب اسلامی ایران در جهان گفت: نهضت و انقلاب اسلامی ایران در عالم اسلام فصل جدیدی را در تاریخ گشود و با استقرار حکومت *قرآن* و اسلام مایهٔ اُمید مستضعفان جهان شد. ایشان با مقایسهٔ ایران در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی گفت: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی نظر مردم بیشتر به امور فرهنگی و سیاسی و اقتصادی شرق و غرب بود ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی با اتحاد و اجتماع مسلمین نظر مردم به اسلام و قرآن که یك مکتب پویا و سازنده است جلب شد و مردم متوجه شدند که در همهٔ امورشان باید اسلام را الگو قرار دهند.

آیةالله العظمی گلپایگانی با اشاره به ابتکار جالب اجتماع مسلمین در کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعات افزود: اجتماع مسلمانان کشورهای مختلف در این کنگره نشانگر این است که روح تازه‌ای به کشورهای اسلامی و مسلمانان جهان دمیده شده است و برای احیای اسلام و ایجاد اتحاد بیشتر بین مسلمین به ایران آمده‌اند. آیةالله العظمی گلپایگانی از علما و دانشمندان مسلمان سراسر جهان خواستند با نفی هرگونه پیروی از شرق و غرب همهٔ امور خود را در جهات مختلف با اسلام و *قرآن* منطبق کنند.[۶۳]

همچنین آیةالله العظمی مرعشی نجفی، در دیدار با میهمانان کنگره طی بیانات کوتاهی مقدم میهمانان کشورمان را به شهر مقدس قُم گرامی داشت و از دیدار خود با ایشان ابراز خرسندی کرد.

آیةالله العظمی مرعشی نجفی با اشاره به اهمیت ویژهٔ وحدت بین مذاهب و فرق اسلامی گفتند: ابرقدرتها وحدتی را که در گذشته بین‌مسلمین بود از بین‌برده‌اند و ما باید توجه‌داشته‌باشیم که اختلاف در اصول و فروع بین خود مذاهب نیز مشاهده می‌شود ولی مسلمانان علی‌رغم همهٔ اختلافات چون از نظر *قرآن*، پیامبر اکرم ص، کعبهٔ معظمه و واجبات، نماز، روزه و جهاد با هم مشترکات بسیاری دارند، اختلاف نظرهای جزئی آنان نباید به هیچ وجه مضر وحدت اصولی آنان شود و مسلمین باید به منزلهٔ یك دست واحد علیه دشمنان اسلام باشند.

۶۲. *کیهان*، ۶۴/۱۰/۱۴. ۶۳. *کیهان*، ۱۳۶۱/۱۰/۱۴.

ایشان فرمودند: اگر ما مسلمانان بین خودمان وحدت داشته باشیم توپها، تانکها و مدرن‌ترین هواپیماهای دشمنانمان نمی‌تواند ما را از بین ببرد.

میهمانان خارجی کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت در پایان این دیدار از قسمتهای مختلف کتابخانهٔ آیةالله العظمی مرعشی نجفی دیدن کردند.

یادآوری می‌شود در این کتابخانه که گنجایش نگهداری یك میلیون کتاب را دارد، دویست و پنجاه هزار جلد کتاب نگهداری می‌شود که دوازده هزار جلد آن به زبانهای خارجی دنیا و بیست و پنج هزار جلد آن از کتب نفیس خطی است.[٦٤]

قابل ذکر است که میهمانان خارجی شرکت کننده در این کنگره هر کدام به نوعی برداشتهای خودشان را از انقلاب اسلامی ایران، رهبری انقلاب، و مشاهداتشان را در این سفر با رسانه‌های گروهی در میان گذاشتند، که نقل آنها هرچند مفید است امّا به دلیل کثرت، در این مجموعه، میّسر نیست.

بعد از تجربهٔ موّفق تشکیل اوّلین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت در تهران و آثار گرانبها و مثبتی که برای جهان اسلام در پی داشت، مقدمات برگذاری دومین کنگره هم فراهم گردید و در اردیبهشت ۱۳٦۳ در تهران تشکیل و با فواید بسیار به کار خود پایان داد.

برای ثبت در تاریخ انقلاب اسلامی مختصری از چگونگی تشکیل و عملکرد و قطعنامهٔ دومین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت را نقل می‌کنم.

ابتدا به نقطه نظرات فقیه عالیقدر آیةالله منتظری دربارهٔ محتوای کنگره اشاره می‌شود:

هیئت علمی کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعات با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند.

در این دیدار پس از ارائهٔ گزارشی از برنامه‌های کنگره، ایشان ضمن تقدیر از دست اندرکاران و مسئولان برگذاری کنگره اظهار داشتند: «آقایان به اهمیت کار این کنگره و آثار و نتایج مثبت آن در سطح جهانی به خوبی توجه دارند. سعی کنند وقت بیشتری را در اختیار کنگره قرار دهند و ترتیبی دهند تا انشاءالله تعالی به نحو احسن برگذار گردد و بتواند نقش بزرگی را در مُعرفی ابعاد گوناگون انقلاب به ائمهٔ جمعه و جماعات و شخصیتهای دعوت شدهٔ جهان اسلام ایفا نماید.»

ایشان سپس ضمن ارائهٔ تذکراتی در مورد خطوط کلّی کنگره و پربار شدن برنامه‌های آن، تأکید نمودند: «نباید تنها به طرح مباحث و موضوعات شعاری قناعت شود بلکه باید یك سری موضوعات علمی و فکری اسلامی در این گونه مجامع و کنگره‌ها مطرح گردد تا به رشد و معرفی فرهنگ و معارف عالی اسلام و انقلاب عظیم ملت کمك شود و این طور نباشد که پس از پایان مراسم دیگر هیچ گونه ارتباطی با ائمهٔ جمعه و جماعات کشورهای اسلامی نباشد، بلکه انتظار می‌رود دفتر کنگره دائماً در حال ارتباط با

٦٤. کیهان ۱۳٦۱/۱۰/۱٤

جهان اسلام بوده پاسخ گوی مسائل و سؤالات گوناگون که از اطراف می‌شود باشد.»[۶۵]

دوّمین کنگرهٔ جهانی ائمه جمعه و جماعت در تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۳ با حضور جمع کثیری از شخصیّتهای علمی و مذهبی سراسر جهان اسلام، خصوصاً ائمهٔ جمعه و جماعات کشورهای اسلامی در هُتل استقلال تهران آغاز به کار کرد.

در این کنگره که دویست و هفتاد و هفت نفر از شخصیتهای جهان اسلام از کشورهای فیلیپین، سوئیس، اتریش، نیجریه، مالاوی، سنگال، سیرالئون، سوئد، ژاپن، تایلند، مالزی، نیوزیلند، تونس، امریکا، فیجی، کانادا، کنیا، فرانسه، بلژیك، مراکش، جزرالقمر، تانزانیا، پاناما، کوراسا، جامائیکا، برزیل، آرژانتین، نپال، عراق، سوریه، اردن، ترکیه، سریلانکا، پاکستان، هندوستان، انگلستان، دانمارك، یوگسلاوی، کویت، لبنان، بنگلادش، زیمبابوه، افریقای جنوبی، غنا، ساحل عاج، مالی، چاد، بنین، و تعدادی زیادی از شخصیتهای مذهبی و سیاسی ایران، به ویژه ائمهٔ جمعهٔ والامقام شهرهای بزرگ کشورمان شرکت داشتند، پس از قرائت آیاتی چند از *قرآن* مجید پیام آیةالله العظمی منتظری به شرح زیر قرائت شد:

«بسم الله الرحمن الرحیم. واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولاتفرقوا... ولاتکونوا کالذین تفرقوا و اختلفوا من بعد ما جائهم البینات. ضمن عرض خیر مقدم و تشکر از پذیرفتن دعوت و شرکت در دومین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت با عرض معذرت نکاتی را یادآور می‌شود:

۱. در شرایطی این کنگره کار خود را شروع می‌کند که انقلاب عظیم ملت مسلمان ایران ششمین سال خود را می‌گذراند. در طول این مدت، انقلاب اسلامی ما مراحل حساس را طی کرد و توطئه‌های بزرگی را که از طرف کفر جهانی و استعمارگران شرق و غرب به خصوص شیطان بزرگ بر سر راهش پدید آمد با پیروزی پشت‌سر گذاشت. آنها راهی جز تحمیل جنگ ناخواسته توسط رژیم دست نشاندهٔ عراق پیدا نکردند و اکنون ملت ما با آنهمه خسارتها و شهادتها که در طول این جنگ دید ولی به فضل الهی روز به روز مصمم‌تر و مقاوم‌تر از پیش شده است و دشمنان اسلام پس از مقاومت ملت بیدار ما و شکست در آخرین توطئهٔ خود در صدد تحمیل صلح استعماری برآمده‌اند و می‌کوشند تا ملت مقاوم ما را مجبور به قبول صلح تحمیلی نمایند.

مهم‌ترین هدف دشمنان اسلام ازاین توطئه‌ها خفه کردن انقلاب اسلامی در داخل است. آنها در صدد جلوگیری از جهانی شدن آن برآمدند و در این راه همهٔ توان و همکاریهای فکری و سیاسی و نظامی خود را به کار گرفتند. آنان از بیداری ملتهای زیرستم و توجه آنان به اسلام اصیل به عنوان تنها راه نجات و آزادی خود سخت به وحشت افتاده‌اند و نمی‌خواهند تجربهٔ زندهٔ ایران که به رهبری روحانیت متعهد و در رأس آن قائدعظیم‌الشأن حضرت امام خمینی مدظله العالی به ثمر رسید در سایر مناطق زیرسلطهٔ آنان تکرار شود. لذا می‌کوشند اولاً چهرهٔ انقلاب اسلامی را در دنیا مشوه کنند و حقایق و دستآوردهای آن را تحریف به جهانیان عرضه کنند و ثانیاً توسط عوامل شیطانی خود و روحانی نماهای

۶۵. کیهان، ۱۳۶۳/۲/۱۲.

وابسته مردم را از آگاهی سیاسی و توجه به مسائل اساسی جهان اسلام و شناخت دشمن رویاروی اسلام و *قرآن* منع نمایند. آنها از وحدت کلمه بین مسلمین هراسانند و در کشورهای اسلامی هر روز یك سری مسائل اختلافی را که منجر به درگیری بین طوایف مسلمین و خونریزی و غفلت از دشمن اصلی اسلام و مسلمین می‌شود مطرح و دامن می‌زنند ولی بحمدالله والمنه ما امروز علی‌رغم همهٔ تلاشهای آنان شاهد صدور انقلاب و رسیدن پیام ملکوتی آن به گوش محرومین و مظلومین جهان می‌باشیم.

۱. ابر قدرتهای شرق و غرب و عمال آنان بخواهند یا نخواهند در ایران اسلامی جرقه‌ای الهی زده شده که همهٔ محرومین و مستضعفین جهان بدان چشم دوخته و دل بسته‌اند و در صدد شناخت و ارتباط با آن برآمده‌اند.

۲. امروز که کُفر جهانی و شرق و غرب، با اختلاف و تضاد مکاتبشان، همه علیه‌اسلام هماهنگ شده‌اند و مسلمین را تحت اسارت خود در آورده به وسیلهٔ عمّالشان ذخایر کشورهای اسلامی را به یغما می‌برند وظیفه و مسئولیت من و شما حامیان اسلام و همهٔ خطبا، گویندگان و نویسندگان متعهد کشورهای اسلامی بسیار سنگین است. امروز در مقابل ارتباط شبکه‌های کفر جهانی، روحانیت متعهد کشورهای اسلامی، که قلوب مُسلمین را همراه دارند، نیاز به تجدید حیات و تشکل و همفکری و ارتباط کامل دارند تا بتوانند با این قدرت متکی به ملتها، مسلمین را از زیر سُلطهٔ فکری، سیاسی و اقتصادی کفر جهانی و ابر قدرتها نجات دهند. روحانیین متعهد جهان اسلام به جای پیوند با حکومتهای جور که معمولاً تأمین کنندهٔ منافع شرق و غرب و وابسته به آنها می‌باشند باید با یکدیگر شبکهٔ ارتباط قوی تشکیل دهند و با کمك مَلّتهای مبارز، مظاهر اسلام و مسجدالاقصی و ذخایر کشورهای اسلامی را آزاد سازند. تا هنگامی که روحانیین متعهد و متعبد از یکدیگر جدا و بی‌خبرند و روحانی نماها با قدرتهای فاسد دمساز و حقایق دینی را بر طبق دلخواه قدرتها تفسیر و تأویل می‌نمایند و سنگرهای جمعه و جماعت و سایر مواقف عظیمهٔ‌اسلام همچون حج، این سنت عظیم عبادی ـ سیاسی اسلام، به جای ارشاد و بیدار کردن مردم در راه تثبیت حکومتهای فاسد و تطهیر مظالم آنان به کار گرفته می‌شود به یقین اوضاع اسفبار اسلام، و دیگر بلاد اسلامی همچنان در اشغال متجاوزین باقی خواهد ماند. ان الله لایغیر مابقوم حتی یغیروا ما بانفسهم. امروز که بشریت از مکاتب مادی و الحادی شرق و غرب سرخورده و به بن‌بست رسیده است و زمینهٔ پذیرفتن اسلام اصیل در آن پیدا شده وظیفهٔ علمای آگاه است که جوانان را دریابند و آنان را به سرچشمهٔ زلال اسلام رهنمون گردند و بیش از این سکوت و تسلیم را در برابر ظالمین و طاغوتها روا ندارند و سعی کنند تا سیرهٔ رسول اکرم ص و ائمهٔ اطهار ع و اولیای عظام که در کنار مظلوم و در برابر ظالم ایستادن بوده است را احیا و عملی نمایند. فروی السبط الشهید عن رسول الله ص انه قال: من رای سلطاناً جائراً مستحلاً لحرام الله ناکثاً لعهدالله مخافاً لسنة رسول الله یعمل فی عبادالله بالاثم والعدوان فلم یغیر علیه بفعل ولاقول کان حقا علی‌الله ان یدخله مدخله.

۳. یکی از مواقف بزرگ اسلام که به برکت پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از آن حداکثر استفاده برای پیاده کردن اهداف انقلاب و حضور دائمی مردم در صحنه می‌شود، نماز جمعه می‌باشد. این فریضهٔ

دوّمین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعات

الهی که جامع ابعاد عبادی، سیاسی و نظامی است، بحمدالله تعالی با شکوه و عظمت جالبی برگذار می‌شود و لازم است که در توسعهٔ آن و پر محتوا شدن خطبه‌های آن در همهٔ جهان اسلام کوشش شود و از آن برای تشکل مسلمین و رشد و آگاهی آنان استفاده شود و انتظار می‌رود که در این کنگره که به نام جمعه و جماعت تشکیل شده تصمیمی برای استفادهٔ بیشتر از این سنت الهی گرفته شود و طریق ارتباط قوی همهٔ نیروهای متعهد اسلامی بررسی شود و زمینهٔ کامل همبستگی و هماهنگی کامل فراهم گردد.

از خداوند متعال نصرت و عظمت اسلام و خذلان و نابودی دشمنان اسلام به خصوص صهیونیسم جهانی و پیروزی رزمندگان شجاع اسلام را در همهٔ جبهه‌ها و بلاد مسئلت می‌نمایم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. ٤ شعبان ١٤٠٤، قم. حسینعلی منتظری.»

دومین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعات، همانند اولین کنگره، اهداف خود را در جلسات مجمع عمومی و کمیسیونهای ششگانه مطرح و مورد مداقه قرار داد.

در جلسات مجمع عمومی کنگره شخصیتهای علمی ـ مذهبی داخلی و خارجی و نیز مسئولان سیاسی کشور، با توجه به مسئولیت خود، سخنرانی کردند و مسائل کل جهان اسلام را با میهمانان در میان گذاشتند.

کمیسیونهای ششگانه نیز در موضوع اصلی «وحدت اسلامی» پیگیر مسائل مربوط به دنیای اسلام و وضعیت عمومی مسلمین شد.

کمیسیونهای کنگره مسائلی را که از قبل تنظیم شده بود در دستور کار خود قرار داد تا با جمع‌بندی نظرات مشترك، زمینه‌ساز تهیه و تدوین قطعنامهٔ پایانی باشد.

در هر یك از کمیسیونها یکی از عناوین زیر مطرح بود:

١. *پایه‌های وحدت اسلامی*
٢. *زمینه‌ها و عواملی که به تحقق وحدت اسلامی می‌انجامد*
٣. *موانع حقیقی و غیرحقیقی در راه تحقق وحدت اسلامی*
٤. *انقلاب اسلامی ایران و وحدت اسلامی*
٥. مسائلی از انقلاب اسلامی ایران
٦. *موضوعات گوناگون*

کمیسیونها در پنج مقطع زمانی تشکیل و برای هر جلسه سه ساعت وقت در نظر گرفته شد. نظرات شرکت کنندگان بر اساس موضوعات و زبانهایی که میهمانان با آنها آشنایی داشتند تقسیم‌بندی شد و بر همین اساس در هر یك از کمیسیونها بین چهل تا شصت نفر از میهمانان شرکت نمودند. مسئولان کمیسیونها عبارت بودند از:

١. آیةالله حاج آقا روح‌الله خاتمی رئیس کمیسیون پایه‌های وحدت اسلامی
٢. حجةالاسلام عباسعلی عمیدزنجانی رئیس کمیسیون زمینه‌های تحقق وحدت اسلامی
٣. آیةالله حاج سید جلال‌الدین طاهری رئیس کمیسیون موانع حقیقی و غیرحقیقی در راه تحقق

وحدت اسلامی

٤. حجةالاسلام محمد مهدی موحدی کرمانی رئیس کمیسیون انقلاب اسلامی ایران و وحدت اسلامی

٥. آیةالله حاج شیخ مسلم ملکوتی رئیس کمیسیون مسائل انقلاب اسلامی ایران

٦. آیةالله حاج سید مجدالدین قاضی رئیس کمیسیون موضوعات گوناگون.

از مشخصه‌ها و ویژگیهای بی‌نظیر کمیسیونها، تسلّط روح اسلامی و علمی حاکم بر آنها بود. معیار و شاخص قبول و عدم قبول یك پیشنهاد یا مورد، تنها موازین شرع مقدس و درك واقعیات مسلمین و جوامع اسلامی جهان معاصر بود.

اینك موضوعات کمیسیونهای ششگانهٔ دومین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت را با تفصیل بیشتر می‌آوریم:

اوّل. پایه‌های وحدت اسلامی

۱. معنای وحدت و اثرات آن، مفاسد تفرقه و زیانهای ناشی از آن

۲. روشهای پیامبر اسلام در امر رهبری مسلمین به سوی وحدت و به کارگیری همین شیوه ها توسط خلفای راشدین

۳. نقش وحدت مسلمین صدر اسلام در پیروزیهای آنان

٤. لزوم وحدت و تحریم تفرقهٔ مسلمین نزد فقهای مذاهب اسلامی

٥. نمونه‌هایی از پیامهای علمای اسلام در مورد ضرورت وحدت اسلامی به منظور مقابله با خطر استعمار. سیدجمال‌الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده، میرزا محمدتقی شیرازی، شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ ابوالاعلی المودودی، شیخ حسن البناء، شیخ محمود شلتوت، آیةالله بروجردی

٦. مفهوم «امت» در اسلام و تکاپوی استعمارگران در جهت از هم پاشیدن امت اسلامی

۷. وجوب امر به معروف و نهی از منکر و جهاد و پایداری در قبال ستمگران و طاغوتها، و نقش وحدت اسلامی در تحقق این فرایض

۸. لزوم پیاده کردن همه جانبهٔ احکام اسلام در جوامع اسلامی و نقش وحدت در این رابطه

۹. در شرایط ظالمانهٔ کنونی و استیلای کافران بر ممالك و هستی مسلمین، آیا مجوزی برای سکوت باقی مانده است؟ و اینکه نقش دانشمندان اسلامی و ائمهٔ جماعت در این شرایط چه می‌بایست باشد؟

۱۰. مساجد به عنوان پایگاه و مراکز وحدت اسلامی می‌بایست تقویت شوند، چرا که اینها به منزلهٔ خندقهای دفاعی مسلمین هستند و نقش زنده و اساسی مساجد به همان شیوهٔ زمان پیامبر ص می‌باید اعاده گردد و به ویژه صفوف نماز جمعه نیز باید تقویت شوند.

۱۱. پرورش و رشد مبتنی بر مسئولیت و از خودگذشتگی و اثر این نوع تربیت در تحقق وحدت، تربیت انفرادی و گوشه‌گیرانه و تأثیر آن در جلوگیری از تحقق وحدت و همبستگی.

دوّم. زمینه‌ها و عواملی که به تحقق وحدت اسلامی می‌انجامد

۱. تازه‌ترین تحولات جاری در جهان اسلام و میزان تأثیر و همبستگیهای مسلمین در رویارویی با استکبار جهانی در فلسطین، لبنان، افغانستان، تونس، مراکش، مصر، سودان، اریتره، فیلیپین، عراق

۲. موضع جمهوری اسلامی ایران در قبال استکبار جهانی... و نقش آن در تحقق وحدت اسلامی

۳. لزوم آگاه شدن مسلمانان از اهمیت ثروتهای عظیم مادی و معنوی خود

٤. حدود فریضهٔ جهاد دفاعی و شرایط عینی برای قیام به این فریضهٔ مقدّس:

الف. جهاد دفاعی برای رهانیدن کشورهای اسلامی از زیر نفوذ کافران استعمارگر و به ویژه آزاد کردن قدس شریف

ب. جهاد برای برپایی یك نظام واقعی اسلامی

ج. جهاد به منظور کاهش نفوذ کفار در کشورهای اسلامی تا تحقق استقلال کامل آن کشورها

۵. علمای اسلامی رهبران شرعی امت اسلامی‌اند، وظایف و مسئولیتهایی که در امر تبلیغ و ارشاد و راهنمایی به عهدهٔ آنان است، لزوم اتحاد و همکاری به منظور اقدام به وظایفی که در انجام آنها مسئولیت دارند

٦. لزوم اهتمام علما و مربیان اسلامی برای رسوخ مبادی وحدت اسلامی در روشهای تربیتی مورد استفاده در کشورهای اسلامی

۷. نقش مساجد مسلمین در مبارزه و پایمردی علیه دشمنان در افغانستان، فلسطین، لبنان، فیلیپین و کوشش استعمارگران برای از بین بردن نقش مساجد در این رابطه.

سوّم. موانع حقیقی و غیرحقیقی در راه تحقق وحدت اسلامی

۱. با توجه به اینکه مسلمین جهان در مهم‌ترین و بیشترین مسائل علمی و اعتقادی اسلام مانند توحید، نبوّت، مسئلهٔ رستاخیز، *قرآن* کریم، کعبهٔ شریف، نماز، روزه و... اتفاق نظر دارند، بنابراین مسلمانان نباید اجازه دهند که مذاهب موجود در داخل اسلام انگیزه تفرقه و تشتت آنان گردد.

۲. نقشه‌های استعمارگران در ایجاد تفرقه میان مسلمین:

الف. جنگ فرهنگی به منظور تجزیهٔ کشورهای اسلامی و از هم پاشیدن قدرت اسلام:

ـ انتشار ایده و فرهنگ تجزیه گرایی در کشورهای اسلامی و جلوگیری از گسترش فرهنگ و تمدن وحدت اسلامی

ـ دامن زدن به آتش تعصبات مذهبی، ملی و قبیله‌ای در میان مسلمین

ـ طرح برنامه‌های گوناگون پرورشی و تبلیغاتی و ایجاد سازمانهای استعماری (تبشیری ـ فرهنگی) به منظور جدایی افکندن میان اسلام و مسلمین و سوق دادن آنان به سمت انحراف و فساد. همچنین ارگانهای مهمّ استعماری را که در زیر پوشش مؤسسات پرورشی و تبلیغاتی فعالیت دارند نباید از نظر دور داشت. کنار گذاشتن بررسیهای سیاسی و اقتصادی اسلام از برنامه‌های آموزشی و در عوض توجه خاص به بررسی مسائل بی‌پایهٔ صوفیگری و اساطیر خرافی و الحاق آنها به اسلام به منظور در هم

پاشیدن اعتقادات فرزندان اسلام از مواردی است که می‌باید از آنها غافل نماند.

- جایگزین ساختن روشهای حکومتی و قانون‌گذاری غربی در کشورهای اسلامی و کوشش در جهت تحمیل زبان و دیگر ویژگیهای تمدن غرب از قبیل تاریخ میلادی و نظایر آن.

- درهم شکستن شخصیت اسلامی مسلمین از طریق:

۱. انتشارات فرهنگ «غرب شیفتگی»

۲. رسوخ دادن عقدهٔ حقارت در پیروان مکتب اسلام

۳. ایجاد یأس و نومیدی در اینکه بتوان با استعمارگران به مبارزه برخاست

٤. ایجاد یأس و نومیدی در مورد پای گرفتن حکومت اسلامی

۵. ایجاد یأس و نومیدی در مورد اینکه وحدت اسلامی تحقق یابد

ب. جنگ سیاسی:

- وحدت بین دین و سیاست در اسلام و توطئهٔ استعمارگران و اقمار آنان در جهت جدایی دین از سیاست.

- کوشش استعمارگران برای از هم فرو پاشیدن قدرت رهبری علمای اسلام و چیره ساختن مزدوران خود بر آنان

- کوشش در جهت برچیدن دانشگاهها و انستیتوهای اسلامی و جدا کردن افراد تحصیل کرده از علما و دانشگاههای دینی.

ج. جنگ اقتصادی:

- جلوگیری از وحدت طبیعی بازارهای اقتصادی در کشورهای اسلامی

- پیوند دادن جریان اقتصادی کشورهای اسلامی به طور جداگانه و به اشکال گوناگون به بازارهای استعماری از طریق پیمانهای اقتصادی، سیستمهای بانکداری، اعطای امتیازات و انحصارات به شرکتهای چند ملیتی، تولید فرآورده‌های انحصاری و نیز از طریق ارتباطهای تکنیکی و مؤسسات توریستی و خدمات جهانگردی و غیراینها

- ایجاد مانع در طریق دست یافتن مسلمین به خودکفایی اقتصادی

- ایجاد مانع در طریق پیشرفت نیروی انسانی و اقتصادی مسلمین و جذب نیروهای ماهر و متخصص به کشورهای استعمارگر.

د. جنگ نظامی

- جنگ مستقیم نظامی و از هم پاشیدن امت اسلامی و تجزیهٔ آن به کشورهای گوناگون

- تجزیهٔ قدرت نظامی مسلمین و مرتبط ساختن شاخه‌های نظامی مسلمین به ارتشهای استعماری از طریق اعطای سلاح و آموزش نظامی و فرهنگی و نظایر آن

- تأسیس پایگاههای نظامی در نقاط مختلف کشورهای اسلامی و حضور نیروهای نظامی استعمارگران در هوا و دریا به منظور تهدید مسلمین

۳. شرك در اطاعت از خداوند تبارك و تعالی به وسیلهٔ نظامهایی که در امور سیاسی، اقتصادی و

نظامی حلقهٔ اطاعت ابر قدرتهای خاور و باختر را به گوش آویخته‌اند

٤. خطر صهیونیسم و اسرائیل

٥. تحلیل اوضاع فلسطین

٦. تحلیل اوضاع لبنان

۷. خطر شوروی و تحلیل اوضاع افغانستان

۸. تحلیل دیگر کشورهای اسلامی مانند اریتره، فیلیپین که پنجه در پنجهٔ استکبار دارند.

چهارم. انقلاب اسلامی ایران و وحدت اسلامی

۱. انقلاب و حکومت ایران یك انقلاب و حکومت اسلامی است نه طایفه‌ای.

۲. ایده‌های عملی و سیاسی امام در جهت نیل به وحدت اسلامی

۳. تجسم و شکل‌گیری افکار امام در اقدامات و تصمیم گیریهای آیةالله العظمی منتظری

٤. نمونه‌هایی از احساس مسئولیت امام و مردم مسلمان ایران در جهت آزادسازی قدس و اینکه موضع مسلمانان ایران در قبال آزادی قدس چگونه است

٥. موضع «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» ایران و نقش آن در وحدت اسلامی

٦. وحدت جوانان مسلمان ایران و نقش آنها در به ثمر رساندن انقلاب اسلامی و ریشه کن کردن گروهکهای گمراه و توطئه‌گر

۷. برپایی نماز جمعه در ایران و نقش آن در امر وحدت

۸. به انجام رسیدن وحدت میان حوزه‌های علمی و دانشگاههای کشور اسلامی ایران

۹. پای گرفتن اتحاد مسلمانان ایران در مقابله با جنگ تحمیلی

۱۰. روشهایی را که امام خمینی در قبال مردم مسلمان ایران اتخاذ فرمودند و نقش این روشها در ایجاد همبستگی میان مردم.

پنجم. مسائلی از انقلاب اسلامی ایران

۱. دستاوردهای اسلامی انقلاب تاکنون

۲. اقدام در جهت پیاده کردن قوانین اسلامی در جمهوری اسلامی ایران

۳. اعادهٔ نقش حقیقی مساجد در جامعهٔ اسلامی ایران

٤. عوامل پیروزی انقلاب اسلامی در ایران

الف. اسلامی بودن انقلاب

ب. رهبری فقیه آگاه و پرهیزکار یعنی امام خمینی و دیگر علمای متعهد

ج. رسوخ اندیشهٔ عبودیت خداوند متعال و اطاعت از احکام شرعی در اندیشه و ذهن مسلمین ایران

د. حضور فعال مردم در صحنه

ه . طرد هرگونه ارتباط با شرق و غرب

۵. مجاهدات امام خمینی در جهت مقابله با نظام مزدور
٦. انقلاب از مراحل نخستین تا پیروزی
۷. تحلیلی از جنگ تحمیلی، طرفهای اصلی جنگ و هدف از آن
۸. حمایت دولتهای منطقه از صدام
۹. چرا ایران با صلح مورد درخواست دیگران روی موافق نشان نمی‌دهد؟
۱۰. ابعاد اخلاقی و عقیدتی امام خمینی و مودت بی‌مانندی که از این رهگذر، مردم مسلمان و امام را به هم می‌پیوندند.

ششم. موضوعات گوناگون

۱. بحث در علل عقب ماندگی و محرومیت در کشورهای مسلمین (بررسی عوامل انحطاط و عقب ماندگی فرهنگی و سیاسی)
۲. کنگرهٔ عظیم حج
۳. روز جهانی قُدس
٤. چه اشخاصی از نظر اسلامی «ولاةالامر» به شمار می‌روند؟ و شروط وجوب اطاعت از آنان چیست؟
۵. ضرورت بازگشت مسلمانان به تمدن و فرهنگ اسلامی و رهایی از اسارت فرهنگهای گوناگون و راههای عملی آن
٦. مسئلهٔ اطاعت پاره‌ای از مسلمین از رژیمهای غیراسلامی از دیدگاه فقه و اخلاق و سیاست
۷. مهم‌ترین پرسشها و نیازهای نسل جوان در جامعهٔ امروز و پاسخ اسلام به آنها.[٦٦]

بعد از چند روز بحث و بررسی در جلسات عمومی و کمیسیونهای شش گانه پیرامون موضوعات فوق‌الذکر و دیگر موضوعات مفید، به نتایج بسیار ارزنده‌ای دست یافتند که خلاصهٔ آن در قطعنامهٔ پایانی کنگره بیان شده است.

متن قطعنامهٔ دومین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت به شرح زیر است:

«بسم الله الرحمن الرحیم. واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولاتفرقوا واذکروانعمةالله علیکم اذ کنتم اعداء فالف بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخواناً.

با ظهور قدرت اسلام در سطح جهان به عنوان یك مکتب انسانساز و نجاتبخش و رشد و بیداری و آگاهی امت مسلمان، دوبلوك شرق و غرب مطامع استعماری خود را در خطر دیدند ـ خطری که نفوذ و سلطهٔ چپاول گرانهٔ آنان را در کشورهای اسلامی تهدید می‌نماید، و آنان برای حفظ پایگاههای تحت

٦٦. نقل از کتاب *گزارش جلسات عمومی، کمیسیونها و پاسخ به سؤالات دوّمین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت*، ص ۹٤ - ۱۰۲.

سلطهٔ خویش راهی نیافته‌اند جز ایجاد تفرقه وجدایی به بهانه‌های گوناگون میان ملتهای مسلمان از یك سو و از سوی دیگر قلع و قمع نهضتهای اسلامی و حرکتهای خداجویانه و از جهت دیگر طرح اسلام تحریف شده و توجیه‌گر سکوت و سازش در مقابل قدرتهای اسارت‌گر. طبیعی است که جهان اسلام زمانی می‌تواند به عنوان سنگری محکم و دژی استوار در برابر این یورشهای ویرانگر قرار گیرد که از وحدتی محکم و نفوذ ناپذیر برخوردار باشد و در واقع این مجموعهٔ جهان اسلام است که توانایی مقابلهٔ پیروزمندانه و قوی را با کفر جهانی دارد. در اینجاست که وحدت مسلمین تنها راه حفظ کیان اسلام و ایفای رسالت خویش در نجات جهان بشریت از منجلاب کفر و ستم و تباهی خواهد بود. و ارادهٔ خداوندی بر نفی تسلط کفر پیشگان و باطل گرایان بر مؤمنان حق طلب تعلق گرفته است. (ولن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً).

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی مدظله العالی با آگاهی بر این امر از همان روزهای نخستین، وحدت واقعی بین توده‌های مسلمان ایران را تحقق بخشیده و برای عینیت بخشیدن به این دستور الهی، یعنی وحدت و اعتصام به حبل الله، پیش گام بوده است. به همین منظور فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دام ظله هفته‌ای را به نام هفتهٔ وحدت پیشنهاد فرمودند تا علما و اندیشمندان اسلامی زمینه‌های اتحاد عملی امت اسلام را بررسی کنند و در جهت تحقق آن قدم بردارند؛ تا بدین وسیله راههای نفوذ دشمنان را سد نموده و عزّت و عظمّت مسلمین را باز گردانند، و نیز در این رابطه در سال ۱٤۰۳ هجری قمری اولین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت به پیشنهاد معظم‌له برقرار گردید که نتایجی سازنده و ارزشمند در شناخت نقش حیاتی و آگاهی بخش و وحدت آفرین نماز جمعه را در برداشت.

اجتماع علما و دانشمندان اسلامی که نمایندگان‌راستین و واقعی ملتهای‌مسلمان خویش می‌باشند و می‌توان آن را به مثابه گردهمآیی ملتها تلقی کرد، در واقع کنفرانس بین ملتها به شمار می‌آید و بر این اساس دستاوردهای این اجتماعات می‌تواند نمودی از اراده و دیدگاه ملتهای باشد.

و اکنون دومین کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت را در شرایطی به پایان می‌رسانیم که نفوذ روز افزون اسلام دلهای حق‌طلبان را گرمی امید بخشیده و سپیده‌دم پیروزی اسلام و نجات محرومان جهان از پس ظلمت کفر و الحاد به درآمده و تیر توطئه‌های دشمنان زخم خوردهٔ اسلام در نفی و نابودی مسلمین جهان افزایش یافته، ولی با اعتقاد به وعده‌های الهی که نوید شکست مکر و حیلهٔ شیاطین را داده است با قلبی مطمئن و گامهایی استوار در جهت تحقق آرمانهای اسلامی لحظه‌ای سستی و زبونی را پذیرا نخواهیم بود.

ما ائمهٔ جمعه و جماعت با درود به‌امید مستضعفان حضرت امام خمینی مدظله و تعظیم در برابر شهدای حق طلب انقلاب اسلامی، مجموعهٔ نتایج حاصله از جلسات عمومی و مباحث کمیسیونهای ششگانه در باب وحدت اسلامی و مسائل مربوط به آن را بصورت مواد قطعنامه تقدیم داشته از خداوند متعال توفیق در جهت تحقق وحدت واقعی اسلامی و پیاده نمودن این مواد را خواستاریم:

۱. از آنجا که مقابله با استکبار و کفر جهانی، تنها در گرو حرکت یکپارچهٔ اسلام میسر است، وحدت

امت اسلام، ضرورت حتمی و اجتناب ناپذیر بوده، گام نخستین در راه پیروزی اسلام و مسلمین بر مستکبرین جهانخوار است.

۲. با برخورداری از بینش توحیدی و فرهنگ اصیل اسلامی، هرگونه وابستگی را به شرق و غرب نفی نموده، تمام توان خود را در جهت تحقق هویت و شخصیت مستقل اسلامی امت خویش به کار می‌بندیم.

۳. با توجه به نقش ویرانگر و تفرقه‌افکن و تجاوزگرانهٔ صهیونیسم در قلب عالم اسلام، آن را به عنوان خطر اصلی وجدی تلقی نموده، وظیفهٔ شرعی مسلمانان را در جهت آزادسازی تمامی سرزمینهای اشغالی فلسطین و بازگرداندن مسجدالاقصی به مسلمانان اعلام می‌داریم و هرگونه طرحهای سازشگرانه را محکوم می‌نماییم. و به عنوان اوّلین‌قدم در راه تحقق این آرمان مقدس روز جمعهٔ آخر هر ماه مبارك رمضان را همان گونه که امام امّت «روز جهانی قدس» اعلام فرموده‌اند گرامی داشته، فریادهای اعتراض‌آمیز خود را نسبت به صهیونیسم جهانی در این روز سر می‌دهیم.

٤. با نگرش بر جهانی بودن مکتب حیاتبخش اسلام و ضرورت تحقق دستورات انسان‌ساز آن در زندگی‌مسلمین اولین شکوفهٔ پیروزمند این حرکت الهی را در سرزمین‌اسلامی‌ایران ارج می‌نهیم و تمام کوشش خود را در دفاع از آرمانهای این انقلاب اسلامی مقدس به کار گرفته، در راه جهانی شدن آن از هیچ تلاش فرو گذار نخواهیم بود.

۵. با توجه به نقش اساسی و تعیین کنندهٔ رهبری عالم به اسلام آگاه به زمان در شکل‌گیری وحدت واقعی امت اسلام، حضرت آیةالله العظمی امام خمینی مدظله العالی رهبر انقلاب اسلامی ایران را که واجد شرایط لازمه در امامت مسلمین است، به عنوان زعیم مسلمین پذیرفته، آنان را به پیروی از او دعوت می‌نماییم.

٦. از آنجا که تحقق راستین وحدت اسلامی در پرتو رهایی ملتهای مسلمان جهان از سلطهٔ استعمار و استکبار جهانی میسّر می‌باشد، رسالت اسلامی خود را در دفاع از همهٔ نهضتهای اسلامی آزادی بخش و غیر وابسته اعلام داشته، تجاوزات سلطه‌گرانهٔ شوروی به افغانستان مظلوم و امریکا و اسرائیل به لبنان محروم را به شدت محکوم می‌نماییم و مقاومت قهرمانانهٔ مسلمانان لبنان را در رفع تجاوز اسرائیل غاصب می‌ستاییم.

۷. تجاوز آشکار رژیم بعث عراق را علیه جمهوری اسلامی ایران که انگیزه‌ای جز وحشت ابر قدرتها از گسترش حرکت‌اسلامی نداشت، تجاوزی علیه‌اسلام دانسته، آن را محکوم‌می‌نماییم و از ملّتهای خود می‌خواهیم که با فشار بر دولتهایی که به رژیم کافر عراق کمك مالی، تسلیحاتی و سیاسی می‌نمایند، آنان را منع کنند، تا بدین وسیله زمینهٔ صلحی عادلانه و پایدار به وجود آید.

۸. ما ائمهٔ جمعه و جماعت تعهد می‌نماییم که به حج، این فریضهٔ عبادی ـ سیاسی اسلام که پایگاهی عظیم و تجلّیگاه شکوه وحدت‌مسلمانان است، رسالت راستین آن را بازگردانیم، تا امت‌اسلامی را از گرفتاریهای خودآگاه نموده، در این میعادگاه توحید، از مظاهر شرك و استکبار که در قدرتهای شرق و غرب نمودار است تبری نماییم.

۹. نماز جمعه را که رمز وحدت، عزت و قدرت مسلمین است هر چه با شکوه‌تر نموده، در خطبه‌های آن با طرح مسائل حیاتی و بنیادی جهان اسلام و پرداختن به گرفتاریها و مشکلات مسلمین تحت ستم و افشای توطئه‌های قدرتهای سلطه‌گر هر چه بیشتر آن را بارور کنیم تا کانونی آگاهی بخش و وحدت آفرین گردد. والسلام.»[۶۷]

بدین صورت کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت، دومین اجلاس خود را در تهران، همراه دستاوردهای مفیدی که اختصار آن در قطعنامه آمده بود، پایان داد.

دستاوردهای دیگر، به طور خلاصه از این قرار است:

۱. آشنایی با حرکتهای اسلامی و متفکّران مسلمان کشورهای مختلف

۲. آشنایی با انقلاب اسلامی، مبانی و دستاوردهای آن در بحث با مسئولان رده‌های بالای کشور

۳. ملاقات با حضرت امام خمینی، آیةالله العظمی منتظری، دیدار از مجلس و توده‌های میلیونی مردم در مراسم پرشکوه نماز جمعه

٤. ملاقات با اسرای عراقی، دیدار از جبهه‌های جنگ و آشنایی با روحیهٔ مبارزان مسلمان.

۵. طرح نقطه نظرهای شرکت کنندگان در مراسم مختلف و نیز طی مصاحبه‌های مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی

ادامهٔ دیدارها

۱۳٦۱/۳/۱۷

بیش از پانصد نفر از اعضا و رهبران جنبشهای آزادیبخش جهان که همزمان با میلاد با سعادت حضرت بقیةالله الاعظم عج و روز جهانی مستضعفین در سمیناری که از طرف واحد نهضتهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در تهران تشکیل شده بود شرکت داشتند در قم با حضرت آیةالله العظمی منتظری ملاقات کردند. در این ملاقات پس از سرودی که توسط گروهی از نوجوانان خوانده شد حضرت آیةالله العظمی منتظری طی سخنانی ضمن قرائت خطبهٔ ۱۵۰ از *نهج‌البلاغه* و اشاره به امدادهای امام عصر حضرت‌مهدی‌عج به‌نفع اسلام‌ومسلمین در زمان غیبت، عوامل پیروزی انقلاب‌اسلامی در ایران را مورد بحث قرار داد و خطاب به رهبران نهضتهای رهایی‌بخش، مستضعفین سراسر جهان و علما و نویسندگان کشورهای اسلامی گفت: «نهضت اسلامی ایران چون بر اساس اسلام اصیل پایه‌ریزی شده بود و برادران و خواهران شما تحت رهبری حضرت امام مدظله و با شعار الله اکبر و لااله‌الاالله به استقبال تانك و مسلسل رفتند به پیروزی دست یافت. شما که در حقیقت رهبران جنبشهای آزادیبخش در کشورهای خودتان هستید، اگر می‌خواهید نهضتهای شما به ثمر برسد فعالیتهای خود را بر اساس اسلام قرار دهید. مردم را به اسلام دعوت کنید و بدانید ملتی که منطق اسلامی شهادت را داشته باشد پیروز خواهد شد.» وی آنگاه سخن حضرت علی ع را به این مضمون که اگر علما با مشاهدهٔ مظلومیت

۶۷. *کیهان*، ۱۳۶۳/۲/۲٤.

گروهی از افرادجامعه و یغماگری گروهی دیگر بی‌تفاوت بنشینند گناه‌است گوشزد کرد و افزود: «وظیفهٔ شما علما و دانشمندان است که ملتهای خودتان را هدایت و علیه استعمار و صهیونیسم جهانی هماهنگ کنید. از گروههایی که دم از ناسیونالیسم و عصبیتهای نژادی و جغرافیایی می‌زنند سخت بپرهیزید که اینها از سیاستهای استعمارگران برای جدا کردن مسلمین از یکدیگر است.

وی همچنین ضمن تاکید بر شعار نه شرقی نه غربی که یکی از عوامل تداوم انقلاب اسلامی ایران می‌باشد خاطر نشان کرد: «درست است که الآن امپریالیسم غرب و صهیونیسم جهانی بزرگ‌ترین استعمارگران جهان هستند، اما خیال نکنید شرق از نظر استعمار با غرب تفاوتی دارد. اگر شما از غرب نجات پیدا کنید و به دامن شرق بیفتید باز هم بدبختی شما ادامه خواهد یافت. برای ما نه شرق و نه غرب بلکه فقط اسلام مطرح است.»

حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن اعلام این مطلب که برای ما یك وجب از زمینهای عراق و یا دیگر کشورهای اسلامی مطرح نیست به رزمندگان غرب و جنوب و نیز تمام مسلمانان دربند جهان تذکر داد و گفت: «شما که در جبهه‌ها با شعار مسجدالاقصی و بیت‌المقدس وارد نبرد شدید و توانستید خوزستان و خرمشهر را آزاد کنید بدانید که تازه اوّل کار است. شما مبارزین مسلمان در هر کجا هستید نباید تنها نجات کشور خودتان در نظرتان مطرح باشد بلکه همه به هم بپیوندید تا با شعار واحد، قدس عزیز را از دست صهیونیستها نجات بدهیم.»

آیةالله العظمی منتظری در ادامه به خیانتهای سران مزدور و خود فروختهٔ کشورهای اسلامی، از جمله مصر و عربستان که با در اختیار داشتن منابع غنی اقتصادی و نیروی اسلام باز هم دست گدایی به سوی امریکا دراز کرده‌اند اشاره کرد و تقاضای اخیر حاکم عربستان را از امریکا مبنی بر جلوگیری از پیشروی اسرائیل در خاك لبنان و اظهارات بگین که اشغال لبنان را در چهار چوب فرامین امریکا اعلام کرده است، مورد بحث قرار داد و افزود: «به امید سران کشورهای اسلامی ننشینید. وظیفهٔ شما است که با هدایت ملتهایتان در مقابل استعمارگران بایستید و بدانید که سرزمینهای اشغالی را که بازور از مسلمین گرفته شده جز با زور نمی‌توان پس گرفت.»

آیةالله العظمی منتظری سپس نامه‌ای را از گروهی از خواهران مسلمان در بند رژیم حسنی مبارك عامل سرسپردهٔ امریکا، قرائت کرد و پس از اشاره به شکنجه‌ها و تجاوزاتی که در زندانهای مصر نسبت به این خواهران روا می‌شود و استمداد این گروه از مسلمانان فرمودند: «با یك میلیارد جمعیت ننگ است که تحت سلطهٔ سه میلیون صهیونیست باشیم. امیدواری به سران کشورهای اسلامی تحت سلطهٔ استعمار و چشم دوختن به مذاکرات سیاستکارانه نتیجه‌اش این می‌شود که اسرائیل روز به روز بر توسعه طلبی‌اش می‌افزاید و فردا سوریه و عراق و دیگر کشورهای اسلامی را هم تصرف خواهد کرد.»

وی آنگاه ضمن اشاره به اینکه صهیونیستها با وجود مجهز بودن به انواع سلاحهای مدرن از منطق شهادت بی‌بهره‌اند اظهار داشت: «چنانچه یك حرکت سی‌میلیونی از کشورهای اسلامی به طرف قدس عزیز پیدا شود، جمعیت سی‌میلیونی، سه میلیون یهودی را خواهند بلعید. فقط همت قیام، اتحاد و رهبری صحیح زیربنای اسلامی ضامن پیروزی شما خواهد بود و من به شما اطمینان می‌دهم که بر

اساس نعمت لایتغیر الهی اگر قیام کنید در مقابل بزرگ‌ترین ابر قدرتها شما پیروزخواهید شد. من به یقین می‌دانم یك روزی که انشاءالله دور نیست همین مسلمانان تحت فشار امریکا این استعمارگران جهان خوار را به زانو در خواهند آورد. اتحدوا، اتحدوا، اتحدوا، برای اینکه انشاءالله قدس عزیز را از دست اسرائیل غاصب باز پس بگیرید و شر صهیونیسم را از منطقه برکنید.

پیام به نخست وزیر

۱۳۶۱/۳/۲۸

از سوی آیةالله منتظری در مورد اعزام هیئتهایی از جمهوری اسلامی ایران به کشورهای اسلامی برای تشریح موضع این کشور در مقابله با رژیم صهیونیستی و نیز شرکت همه جانبهٔ مسلمانان در جبههٔ قدس پیامی برای نخست وزیر فرستاده شد. متن پیام به این شرح است:

«بسمه تعالی. جناب آقای موسوی نخست وزیر محترم دامت توفیقاته، به دنبال توطئهٔ شیطان بزرگ امریکا و دوستانش در لشکرکشی و هجوم نژادپرستان صهیونیست به کشور اسلامی لبنان و قتل عام برادران و خواهران و اطفال لبنانی و فلسطینی و موضع‌گیری قاطع مقام معظم رهبری انقلاب مدظله و استمداد معظم‌له از عموم مسلمانان جهان در مورد دفع خطر جبههٔ متحد کفر والحاد تصمیم گرفته شدهیئتهایی به سرپرستی چند تن از فضلای متعهد و اساتید دامت افاضاتهم به کشورهای اسلامی عربی و غیر عربی اعزام شوند تا ضمن ابلاغ پیام آسمانی انقلاب و اسلام، مراتب اخوت و آمادگی دولت و ملت مسلمان ایران همزمان با دفع تجاوز رژیم صدام کافر برای مقابله و جنگ همه جانبه با اسرائیل متجاوز، این دشمن اسلام و خلق عرب، و اطلاع از دیدگاهها و نقطه نظرهای علمای اسلام و ائمهٔ جمعه و جماعات و شخصیتها و ملتهای مسلمان کشورهای اسلامی تصمیمات مشترکی را جهت شرکت همه جانبهٔ مسلمانان در جبههٔ قدس و اعزام داوطلب و ارسال اعانات و لوازم مربوط به آن جبهه اتخاذ نمایند. از این رو مقتضی است جناب عالی به مسئولین مربوطه دستورات لازم را صادر فرمایید. امید است دولتهای کشورهای اسلامی همکاریهای لازم را در انجام این وظیفهٔ بزرگ اسلامی و انسانی با هیئتهای اعزامی مبذول دارند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. حسینعلی منتظری. ۱۳۶۱/۳/۲۸.»

به دنبال ارسال این پیام، مهندس میرحسین موسوی، نخست وزیر، پیام زیر را خطاب به آیةالله منتظری صادر کرد.

«بسمه تعالی. فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دامت برکاته، تهاجم وحشیانه و دد منشانهٔ صهیونیسم غاصب به لبنان و کشتار بی‌رحمانه و دسته جمعی مسلمانان آواره و بی‌پناه، سند دیگری را بر جنایات امپریالیسم امریکا و صهیونیسم غاصب و قدرتهای سلطه جو که نظاره‌گر نقض آشکار حقوق طبیعی و راستین بشر می‌باشند افزوده. فریاد استرجاع رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی از سکوت دردآور و خفّت‌بار سران کشورهای اسلامی وجدانهای خوابیده را بیدار و مسئولیت همهٔ مسلمین را برای نجات کیان اسلام و جلوگیری از تجاوز اسرائیل غاصب که با اشارهٔ سران قدرتهای بزرگ و

نژادپرست به اعمال وحشیانه‌ای دست می‌زند که نمونهٔ آن را تنها در قرون وسطا می‌توان یافت یادآور گردید و عزم ملت مسلمان ایران را برای آزادی قدس راسخ‌تر نمود. بدیهی است در اجرای توصیهٔ حضرت عالی و برای تحقق یکی از آرمانهای اصیل انقلاب مقدس اسلامی در حول محور اتحاد مسلمین جهان که همانا آزادی بیت‌المقدس و سرزمینهای اشغالی ازلوث وجود صهیونیسم می‌باشد، دستورات لازم به مسئولین مربوطه صادر گردید. میرحسین موسوی، نخست وزیر جمهوری اسلامی ایران.»[۶۸]

۱۳۶۱/٤/۱۸

در رابطه با اعزام هیئتهایی به پیشنهاد فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری به کشورهای اسلامی جهان پنجشنبه شب گذشته حجةالاسلام سید کاظم نور مفیدی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ گرگان که در رأس هیئتی عازم کشور پاکستان است در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار وگفت‌وگو کرد. در این دیدار و گفت و گو حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن آرزوی موفقیت برای هیئتهای اعزامی، با اشاره به توان رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنگ تحمیلی برای گرفتن تصمیم نهایی، اظهار داشت: «طبیعی‌ترین و بهترین راه برای رسیدن به جبهه‌های قدس عزیز و آزاد سازی مسجدالاقصی از اشغال نژادپرستان صهیونیست، گذشتن از خاك عراق و کربلای حسینی می‌باشد.»

آیةالله العظمی منتظری همچنین اظهار داشت: «ما مطمئن هستیم توده‌های میلیونی مسلمانان جهان از این هدف مقدس ما حمایت خواهند کرد.»

پیام به شورای عالی قضایی

۱۳٦۱/٥/۱٤

آیةالله العظمی منتظری در رابطه با مسائل مربوط به دستگاه قضایی خصوصاً زندانها و زندانیان، مطالب متعددی بیان فرموده‌اند. از جمله در تاریخ فوق الذکر، طی تلگرامی به شورای عالی قضایی، نظرات و دستورات خودشان در خصوص مسائل قضایی و امور مربوط به آن را ابلاغ کردند. این تلگرام نه در آن تاریخ و نه در وقت دیگری منتشر نشد. از این رو برای ثبت در تاریخ انقلاب اسلامی، آن را نقل می‌کنم. متن تلگرام به شرح زیر است:

«بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. تهران. شورای عالی قضایی دامت افاضاتهم، پس از سلام، مراجعات و اعتراضات متعدد نسبت به مسائل جاری در بعضی دادسراها و دادگاههای انقلاب و دادگستری، این جانب را بر آن داشت تا به منظور انجام وظیفهٔ شرعی تذکراتی را به آن شورای محترم که قانوناً مسئول اصلی امور قضایی کشور است بدهم:

۱. در اینکه شورای عالی قضایی و دادگاهها و دادسراهای انقلاب تا کنون نقش اساسی را در اجرای

۶۸. جراید، ۱۳٦۱/۳/۳۰.

احکام و عدالت اسلامی و سرکوبی ضد انقلاب و مهار کردن تروریسم داخلی داشته‌اند شکی نیست و باید از آنها تقدیر شود ولی با توجه به اهمیت فوق‌العادهٔ مسئلهٔ قضاوت و امور مربوط به جان و مال وحیثیت و آبروی افراد در اسلام و نیز تأکید مستمر مقام معظم رهبری انقلاب در فرصتهای گوناگون لازم است شورای عالی قضایی بیش از پیش قاطعانه بر عملکرد و کیفیت برخورد مسئولین دادسراها و دادگاهها و افراد سپاه و کمیته‌ها و سایر ضابطین با افراد کشور کاملاً نظارت نماید. البته این حقیقت واضح است که در هر انقلابی زمان طولانی لازم می‌باشد تا نهادهای جدید و انقلابی با ارزشهای مکتبی و عقلانی منطبق گردد ولی چون در انقلاب ما هدف اصلی پیاده نمودن احکام مقدس اسلام و ساختن جامعهٔ از بند رسته طبق ارزشهای الهی و ضوابط اسلامی می‌باشد، حفظ آبرو وحیثیت اسلام و جمهوری اسلامی جوان از اهم واجبات خواهد بود و کوچک‌ترین حرکت و عملی که موجب بدبینی مردم مسلمان و فداکار ما به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی شود گناهی بزرگ می‌باشد.

گزارشهای موثق حاکی است که احیاناً در بعضی از دادسراها و دادگاههای انقلاب بازجوییهائی بر خلاف موازین اسلامی و قانونی انجام و یا سعی در پرونده‌سازی نسبت به اموری که شرعاً اصرار در اثبات آنها مطلوب شرع مقدس نیست می‌شود و حیثیت و شخصیت افراد متهم مراعات نمی‌گردد و یا مثلاً امور جزئی که مورد گذشت و عفو رهبر انقلاب واقع شده تعقیب می‌گردد و یا محکومینی که مورد عفو واقع شده‌اند و ندامت و صداقتشان محرز شده هنوز آزاد نشده‌اند. و نیز سعایتها و مزاحمتهای بی‌جا نسبت به اشخاص و بازداشتهای بدون مجوّز و دخالتهای غیر مسئولانهٔ ضابطین دادگاهها و یا احیاناً افراد عادی با سوء استفاده از عنوان و نام حزب‌الله و برخورد غیر انسانی و غیر اسلامی بعضی از مسئولین مربوطه و جوسازیها و باندبازیهای نامشروع و اعمال حساسیتهای شخصی یا گروهی و سلب آزادیهای مشروع و تندرویهای بی‌جا از بعضی دوستان نادان انقلاب هنوز درگوشه و کنار کشور به چشم می‌خورد. شورای عالی قضایی توجه دارد که اگر در برابر این گونه امور که بر خلاف موازین اسلامی و به نفع ضد انقلاب و موجب یأس ملت و عدم احساس امنیت جانی و مالی و آبرویی است مسامحه کند اساس این جمهوری متزلزل خواهد شد و اگر در این رابطه نیروهای متدین ولایق و متخصصین رشته‌های مختلف در اثر عدم اعتماد به آینده و ندادن امکان خدمت به نظام جمهوری اسلامی به آنان منزوی شدند و از صحنه کنار رفتند و خدای ناکرده بی‌تفاوت و یا جذب گروههای ضد انقلاب شدند مسئولین مربوطه به خصوص دستگاه قضایی و همهٔ کسانی که در این امر به نحوی نقش داشته‌اند فردا در پیشگاه عدل الهی جوابی نخواهند داشت.

۲. امروز دشمنان اسلام و منحرفین وابستهٔ داخلی و خارجی در صددند تا سوژه‌ای برای لکه‌دار نمودن اسلام عزیز و جمهوری اسلامی به دست آورند و در بوقهای خود به گوش جهانیان برسانند و البته از آنان توقعی جز این نیست. توقع از دوستان و معتقدین به انقلاب اسلامی است که چه بسا در اثر بی‌توجهی و با خلوص، به دست خود، دشمنان اسلام را مسلح می‌نمایند و خوراک تبلیغی به آنان می‌دهند. شورای عالی قضایی لازم است با قاطعیت در برابر تخلفات قضات و دادستانها و ضابطین بایستد و متخلفین را تعقیب و ضمن مراقبتهای لازم و تشکیل کلاسهای توجیهی، آنان را به وظایف

شرعی و قانونی خود بیشتر آشنا سازد و از استخدام افـراد تندخـوی و غیرمتعهـد به دسـتورات دینی جلوگیری نماید و زمینهٔ همکاری شریف‌ترین و عاقل‌ترین افراد را با دستگاه قضـایی فـراهم نماید. البته لزوم قاطعیت در برابر ضدانقلاب و برای اجرای احکام الهی در مورد مجرمین جای شك نیست.

۳. شورای عالی قضایی لازم است برای پاسخ گویی به مراجعات و شکایات، اعم از به جـا و بی‌جـا، افرادی را مسئول و تعیین نماید تا از اتلاف وقت مراجعین و نیز از بدبینی آنان به دستگاه قضایی و یأس آنان جلوگیری شود. ضمناً برای توجیه مردم و روشـن نمودن روش شکـایات صـحیح و مراجعـه به مسئولین قضایی و جلوگیری از سعایتها و مراجعات بی‌جا لازم است از رسانه‌های گروهی استفاده شـود و باید رادیو تلویزیون امکان انجام این مهم را فراهم نماید.

٤. شورای عالی قضایی لازم است هر چه زودتر با تدوین و تکمیل قوانین جامع و صریح دادسراها و دادگاههای انقلاب و غیره را از ناهمآهنگی موجود بین روشها و احکام صادره نجات دهد و به دور از حب و بغضهای شخصی و گروهی جلو تخلفات و اعمال سلیقه‌ها و خصلتهای شخصی قضات و دادستانها را بگیرد. ضمناً به کلیهٔ افراد و نیروهای فعال کشـور که احیاناً در رابطه با امور ذکر شـده مأیوس گشـته و فکر می‌کنند در مقابله با این اشکالاتی که قهراً لازمهٔ هر انقلاب است راهی جز بی‌تفاوتی و در گوشه‌ای خزیدن و یا احیاناً خروج از کشور ندارند صریحاً اعلام می‌دارم که این کشور همان گونه که حضرت امام خمینی مدظله رهبر بزرگ انقلاب کراراً فرموده‌اند متعلق به خـود شـما اسـت و نباید در برابر مشکـلات احساس عجز و ناتوانی نمود. انشاءالله با فعال شدن بیشتر دستگاه قضـایی و جـدیت و پشـتکار شـما برادران و خواهران و توجه بیشتر بعضی دوستان نادان و تندرو اوضاع کشور روز به روز بهتر خواهد شد. از خداوند متعال توفیق و تأیید دستگاه قضایی و همهٔ ارگانهای فعـال و پیروزی رزمندگان مقـاوم و دفـع شر دشمنان خارجی و داخلی کشور و طول عمر رهبر انقلاب را خـواستارم. والسـلام علیکـم جمیعـاً و رحمةالله و برکاته. ٦١/٥/١٤. حسینعلی منتظری.»

ادامهٔ دیدارها

۱۳٦۱/٥/۲٥

گروهی از مسلمانان کشورهای آسیایی و افریقایی که به منظور بازدید از دستاوردهای انقلاب اسلامی و جبهه‌های جنگ تحمیلی به ایران مسـافرت کرده‌اند، با فقیه عالیقـدر حضـرت آیةالله العـظمی منتظری دیدار کردند. در این دیدار آیةالله العظمی منتظری طی سخنانی پیرامون نغمهٔ شوم استعمارگران که دین را از سیاست جدا می‌دانند گفتند: «پیامبر اکرم ص در کلیهٔ شئون مسلمانان اعم از سـیاسی، اقتصـادی، جزایی و نظامی شخصاً دخالت می‌کردند و حتی بالاترین عبادات ما که نماز و حج است، تأکید شده که با جماعت خوانده شود و حج در عین اینکه عبادت است، سیاست نیز می‌باشد. مسـلمانان بدانند که اسـلام دینی است که مصالح دیگران را نیز در نظر می‌گیرد.»

وی در قسمتی دیگر از سخنانش اظهار داشـت: «ما با دخـالت ریگـان در خـاورمیانه و برژنف در افغانستان و دیگر مناطق مخالفیم و هیچگاه اجـازه نخـواهیم داد که شـرق و غرب در شئـون زندگی ما

دخالت کنند.»

آیةالله منتظری سپس خطاب به میهمانان افریقایی گفت: «من به شما جوانانی که از کشورهای اسلامی تشریف آورده‌اید سفارش می‌کنم که امروز افریقا مستعد پذیرش اسلام عزیز است و اگر دیر فعالیت کنند، مردم این کشورها در حلقوم و مکاتب الحادی فرو خواهند رفت و شما وظیفه دارید که عین مشاهدات خود در ایران را برای مردم کشورهای خود بازگو کنید.»

آیةالله العظمی منتظری سپس ضمن تجلیل از فعالیت دانشجویان مسلمان خارج از کشور اظهار داشتند: «من از شما جوانان متعهد و مسلمان که امید این مملکت هستید می‌خواهم که زبان گویای انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن در خارج باشید و در مقابل سیل تبلیغات سوء دشمنان اسلام ایستادگی کنید. شما دانشجویان عزیز که امروز با تحمّل شکنجه و سختی در زندانهای امریکا و آلمان از اسلام عزیز و انقلاب دفاع می‌کنید، بدانید که هیچگاه در پیشگاه خدا فراموش نخواهید شد.»

آیةالله العظمی منتظری در پایان ضمن اشاره به جنایات عوامل ابر قدرتها گفت: «در ایران مشتی تروریست از همان ابتدای پیروزی انقلاب به جان چهره‌های سرشناس انقلاب و مردم بی‌دفاع و حتی کودکان افتادند و با به شهادت رساندن آنان بهترین خدمت را به ابر قدرتها به خصوص امریکای جنایتکار کردند.»

۱۳۶۱/۵/۲۷

حدود بیست تن از رایزنهاو وابسته‌های فرهنگی وزارت ارشاد در خارج از کشور به اتفاق برادر توکلی مدیر کل رایزنیهای وزارت ارشاد و دکتر اسرافیلیان در قم با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند.

در این دیدار پس از ارائهٔ گزارشی از عملکرد رایزنیها ی فرهنگی ارشاد در خارج کشور و مشکلات موجود در این راه حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن تقدیر از زحمات آنان اظهار داشتند: «در این شرایط که ابر قدرتها و عمال آنها علیه اسلام و انقلاب اسلامی توطئه می‌کنند و هر روز به شکلی سعی دارند چهرهٔ انقلاب مقدس ما را در دنیا خراب کنند وظیفهٔ ماست که بادرایت و تعهد کافی از فرصت استفاده نموده چهرهٔ واقعی اسلام را به دنیا معرفی نماییم.»

ایشان همچنین خطاب به مسئولان وزارتخانه‌های ارشاد و امور خارجه یادآوری کردند که لازم است بیش از پیش به مشکلات موجود در این راه توجه و سعی کنند با انتخاب افراد آگاه و متعهد و هماهنگی کامل این وظیفهٔ مهم را که به آنان محول شد انجام دهند.

حضرت آیةالله العظمی منتظری آنگاه تأکید نمودند: «یکی از وظایف رایزنهای فرهنگی ماشناسایی نیروهای اصیل و معتقد به انقلاب اسلامی در خارج از کشور است. اگر این نیروها شناخته شوند و با آنان در محدودهٔ مقررات قانونی کشورها ارتباط برقرار شود خود آنان بهترین مبلغ اسلام و جمهوری اسلامی خواهند بود.

۱۳۶۱/۵/۳۰

آقای غرائب سفیر الجزایر در ایران که مدت خدمتش در جمهوری اسلامی ایران به پایان رسیده است روز پنجشنبهٔ گذشته در قم با آیة‌الله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کرد. در این دیدار ابتدا سفیر الجزایر ضمن اشاره به تجربیات ارزنده‌ای که در مدت اقامتش در ایران از انقلاب اسلامی کسب کرده است گفت: «من این انقلاب را نقطهٔ امیدی برای محرومان و مستضعفان جهان می‌دانم و از علاقه و استقبال ملتها از آن کاملاً مطلعم. امیدوارم بتوانم در رابطه با تبلیغ پیام ارزش‌مند انقلاب اسلامی ایران در هرجا که باشم آنچه وظیفه دارم به نحو احسن انجام دهم.»

سپس آیة‌الله العظمی منتظری ضمن تشکر و آرزوی موفقیت و سربلندی برای دولت مسلمان ایران و الجزایر تأکید کردند: مسلمانان جهان با داشتن فرهنگ غنی و اصیل اسلام باید هرچه زودتر به خود آیند و شخصیت اسلامی خود را بازیابند و از قید این خودکم بینیها و سایر بافته‌های استعمار مبنی براتکا به ابر قدرتهای شرق و غرب که طی قرنها در افکار آنان القا شده است رها شوند و بر اساس ارزشهای الهی که در انقلاب اسلامی ایران متبلور است به تجدید حیات خویش بپردازند.»

ایشان همچنین خطاب به اعضای جنبش غیرمتعهدها خاطر نشان کردند که «نباید تنها به شعار اکتفا کرد. کشورهایی که خود را عضو این جنبش می‌دانند باید حقیقتاً و در عمل تمام وابستگیهای سیاسی، فرهنگی و نظامی خود را با ابر قدرتهای استعمارگر غرب و شرق قطع کنند و تنها به خود متکی باشند.»

حضرت آیة‌الله العظمی منتظری آنگاه در اشاره به موقعیت فعلی جنگ تحمیلی گفتند: «کشور ما از زمانی که مورد هجوم ارتش کافر صدام واقع شد علی رغم اینکه هیچ گونه کمك قابل توجهی به او نشد و با تمام مساعدتهای بی‌دریغ و بلاعوضی که عراق از بلوك شرق و غرب دریافت کرد مقاومت نمود تا اینکه با بیرون راندن متجاوزین بعثی به یاری خدا در آستانهٔ پیروزی نهایی قرا رگرفته است.»

ایشان همچنین توطئهٔ اخیر امریکا و شوروی و معاملهٔ سیاسی این دو ابر قدرت بر سر افغانستان و لبنان برای کوبیدن نهضت فلسطین و نابودی مردم مسلمان لبنان و فلسطین را مورد اشاره قرار دادند و افزودند: «اکنون که این دو ابر قدرت سرنوشت جهان را به دست گرفته و بازور به خود اختصاص داده‌اند باید کشورهای جهان سوم که در سازمان ملل عضویت دارند علیه این ظلم به پا خاسته و با مقاومت در برابر این قانون ضد بشری حق شرعی و قانونی خود را استیفا کنند.»

۱۳۶۱/۵/۳۰

عده‌ای از علما و روحانیون مبارز لبنان با حضرت آیة‌الله العظمی منتظری ملاقات و پیرامون اوضاع اخیر لبنان مذاکره کردند.

آیة‌الله العظمی منتظری در این دیدار ضمن تأکید بر اهمیت رهبری روحانیت در مبارزات ضد استعماری خطاب به علمای لبنان اظهار داشتند: «همان گونه که علما و روحانیت مبارز و متعهد ایران مهم‌ترین عامل بسیج و حرکت ملت مسلمان ما در نهضتی بودند که به رهبری امام خمینی آغاز شده بود، و نقش آساسی را در پشتیبانی از رهبری امام امت و آوردن مردم در صحنهٔ مبارزه داشتند؛ امروز نیز باید علمای

لبنان با الهام از تجربیات انقلاب اسلامی ایران و مقام معظم رهبری انقلاب صفوف خود را متحد و فشرده کنند و همگی یکصدا در پیامها و بیانیه‌های مشترکی، ملت مسلمان و مظلوم لبنان را به وظایف اسلامی خود آگاه نمایند و اجازه ندهند خدای ناکرده با اختلاف کلمه و یا سکوت در برابر جنایات و مظالم دشمنان اسلام به خصوص امریکا و اسرائیل، دستگاه ظلم تأیید و تقویت شود.»

ایشان همچنین خاطر نشان کردند: «دشمنان اسلام و استعمارگران شرق و غرب در جهت نابودی اسلام و ملل ضعیف متحد و متفق القولند و این وظیفهٔ علمای اسلام است که با تشریك مساعی و وحدت کلمه ملت بزرگ اسلام را از شر اجانب نجات دهند

۶۱/۵/۳۰

اعضای جامعهٔ مدرّسان حوزهٔ علمیهٔ قم با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و پیرامون برنامه‌ریزیهای انجام شده برای ادارهٔ حوزه‌های علمیه گفت و گو کردند.

در این دیدار نخست گزارشی از تصمیمات اتخاذ شده در رابطه با برنامه‌های درسی حوزهٔ علمیهٔ قم در سال جدید ارائه شد و آنگاه آیةالله العظمی منتظری ضمن تأیید این تصمیمات و تقدیر از زحمات دست‌اندر کاران حوزه گفتند: «باید همزمان با تعیین برنامه برای حوزهٔ علمیهٔ قم ترتیبی داده شود تا جهت احیای سایر حوزه‌های علمیه و جلوگیری از عزیمت طلاب مبتدی از شهرستانها به سوی قم تدابیر لازم از لحاظ تأمین استاد و امکانات اقتصادی اندیشیده شود.»

ایشان همچنین در ارتباط با این موضوع نقش ائمهٔ جمعهٔ شهرهای بزرگ و مراجع معظم حوزهٔ علمیهٔ قم را مورد اشاره قرار دادند.

حکم

۱۳۶۱/۶/۸

حجةالاسلام فاضل هرندی با حکمی از طرف فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری مأموریت یافت تا تصویب نهایی قانون‌واگذاری زمین و اراضی مصادره شده و موات قابل کشت، با همکاری فضلای آگاه و متعهد جهت نظارت بر جریان کار هیئتهای واگذاری زمین نسبت به واگذاری این اراضی طبق ضوابط شرعی بین کشاورزان واجد صلاحیت اقدام نماید. متن حکم بدین شرح است:

«بسمه تعالی. جناب مستطاب حجةالاسلام آقای حاج شیخ محی‌الدین فاضل هرندی دامت افاضاته، همان گونه که در جریان هستید لایحهٔ اراضی موات قابل کشت و زمینهایی که طبق موازین شرعی مصادره شده هنوز به تصویب نهایی مجلس شورای اسلامی نرسیده و از طرفی نمی‌توان تا هنگام تصویب نهایی قانون فوق این گونه اراضی را که شرعاً دولت می‌تواند به هر کس مصلحت دید واگذار نماید معطل گذاشت.

از این رو مراتب فوق از طرف دولت به اطلاع مقام معظم رهبری انقلاب رسید و از آنجا که وجود روحانیون متعهد و آگاه به قضایا در هیئتهای مربوطه لازم بود این امر از طرف حضرت امام مدظله به

این جانب محول گردید. لذا با توجه به اهمیت موضوع و لزوم تشخیص و جدا نمودن اراضی موات از اراضی دایر و بایر که طبق فرمان سابق امام مدظله اجرای قانون آن تا تعیین تکلیف نهایی از طرف مجلس شورای اسلامی متوقف است مقتضی است جناب عالی که به حد کافی تجربه و شناخت از این موضوع و افراد صالح برای تشخیص موارد گوناگون آن دارید، ضمن تقویت ستاد مرکزی واگذاری اراضی، افرادی از فضلای متعهد و آگاه را جهت نظارت دقیق بر جریان کار هیئتهای مربوطه و قضاوت در موارد مقتضی تعیین فرمایید و مؤکداً آنان را به عمل مقررات و ضوابط شرعی ملزم نمایید تا انشاءالله تعالی کشاورزان عزیز بتوانند در چهار چوب مقررات شرعی و با کمك و مساعدت دولت، اراضی موات بالاصاله را احیا و کشور را به حد خودکفایی کشاورزی برسانند.

توفیق جناب عالی را در انجام این وظیفهٔ مهم از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةالله. ۶۱/۶/۸. حسینعلی منتظری.

ادامهٔ دیدارها

۱۳۶۱/۶/۹

حجةالاسلام مقتدایی عضو شورای عالی قضایی در قم با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و در زمینهٔ مسائل قضایی کشور و ضرورت پیگیری و عمل به سفارش امام امت در مورد شرکت فضلا در امر قضاوت و تربیت قاضی گفت و گو کرد.

همچنین عزیزی معاون سیاسی وزارت امور خارجه به اتفاق شیخ الاسلام زاده و عرب دو تن از معاونان دیگر این وزارتخانه با فقیه عالیقدر ملاقات کردند. در این ملاقات ضمن گفت و گو دربارهٔ مسائل و سیاستهای خارجی کشور و وضع نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج، پیرامون سفر اخیر هیئتهای ایرانی به چند کشور عضو جنبش غیرمتعهدها در بغداد مذاکراتی انجام گرفت و موضع قاطع و امیدوارکنندهٔ کشورهایی چون کوبا و نیکاراگوئه در مورد عدم پذیرش تشکیل کنفرانس سران و گردهمایی وزیران امور خارجهٔ کشورهای غیر متعهد در عراق به اطلاع حضرت آیةالله العظمی منتظری رسید.

همچنین آقای عزیزی گزارشی از جریان سفرش به آلمان و تسلیم در خواست جمهوری اسلامی ایران مبنی برآزادی سریع دانشجویان مسلمان و انقلابی ایران از زندانهای آن رژیم ارائه کرد.

۱۳۶۱/۶/۱۰

هیئت نمایندگی شورای عالی بازسازی و نوسازی مناطق جنگزده به سرپرستی مهندس کازرونی و دکتر بانکی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه با حضرت آیةالله منتظری در قم دیدار گفت و گو کردند. فقیه‌عالیقدر در دیدار با شورای بازسازی تأکیدفراوان داشتند که در امر بازسازی‌ونوسازی حتی الامکان از سیستم بوروکراسی دست و پا گیر دوری جسته و با نظم اسلامی و هماهنگی کامل کارها به سرعت انجام گیرد. همچنین ایشان ضمن تأکید بر شرکت روحانیت در این امر مقدس، شرکت مستقیم

مردم در امر بازسازی و نوسازی را لازم دانستند.

از سوی دیگر دکتر بانکی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه به اتفاق دو تن از معاونین با آیةالله منتظری ملاقات و پیرامون مسائل مربوط به برنامه‌ریزیهای اقتصادی کشور گفت و گو کرد.

همچنین سیدهادی خسروشاهی سفیر جمهوری اسلامی ایران در واتیکان با آیةالله منتظری دیدار کرد. آقای خسروشاهی در این دیدار ضمن ارائهٔ گزارشی از سفر اخیر خود به کشورهای اروپایی و شرکت در کنفرانس حقوق بشر در ژنو تبلیغات گستردهٔ صهیونیسم و ضدانقلاب وابسته علیه انقلاب اسلامی ایران را مورد اشاره قرار داد و ضرورت مقابله با این تلاشهای دشمنان اسلام و ارائهٔ واقعیت و چهرهٔ حقیقی انقلاب اسلامی را یادآور شد.

۱۳۶۱/۶/۱۲

گروهی از سفرا، کارداران و سرکنسولهای جمهوری اسلامی ایران در کشورهای اروپای غربی و امریکا به اتفاق معاونت اداری و مالی و مسئولان ادارات سیاسی وزارت امور خارجه و چند تن از دانشجویان مسلمان ایرانی که از زندان آلمان آزاد شده‌اند به طور جداگانه در قم با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند.

در دیدار با سفرا و کارداران، آیةالله العظمی منتظری پس از تقدیر از تلاش نمایندگان جمهوری اسلامی در خارج از کشور در تبلیغ اهداف انقلاب و خنثی کردن جوسازیهای ضدانقلاب خطاب به سرپرستان سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران یادآور شدند که «سعی کنید تلاشتان فقط به خاطر جلب رضای خدا و عمل به تکلیف و مسئولیت الهی باشد تا چنانچه در رسیدن به هدف با شکست مواجه شدید لااقل پیش خدای متعال و وجدانتان شرمنده نباشید.»

ایشان همچنین افزودند: «شما زبان اسلام و انقلابید. هر چند در این راه متحمل فشارها و سختیهایی می‌شوید، لازم است با فداکاری و از خود گذشتگی و عمل دقیق به ضوابط اسلامی عملاً معرف انقلاب اسلامی باشید.

حضرت آیةالله العظمی منتظری آنگاه در موردبهره‌گیری از تمام امکانات برای ترویج و تبلیغ انقلاب و ارزشهای الهی آن نظیر انتشار مجله، کتاب و فیلم و نیز شناسایی افراد علاقه مند و مؤمن به اسلام و انقلاب در کشورهای خارج و استفاده از همکاری آنان تأکید کردند.

همچنین تنی چند از دانشجویان مسلمان ایرانی آزاد شده از زندانهای رژیم آلمان که پس از آزادی از این کشور اخراج شده‌اند به همراه نمایندهٔ اتحادیهٔ انجمنهای اسلامی دانشجویان ایرانی در اروپا بعدازظهر دیروز با حضرت آیةالله العظمی منتظری در قم ملاقات و گفت و گو کردند.

در این ملاقات ابتدا نمایندهٔ اتحادیه ضمن ابلاغ سلام دانشجویان به ویژه دانشجویانی که از بند رژیم فاشیست آلمان رها شده‌اند از زحمات و توجهات معظم‌له تشکر کردند. آنگاه آیةالله منتظری پس از ستایش از استقامت و رفتار انقلابی و سازش ناپذیر دانشجویان مسلمان در خارج از کشور از آنان خواستند تا هماهنگ با فعالیتهای سیاسی و مبارزاتی خود علیه دولتهای وابسته به کفر و استکبار جهانی

و عوامل ضد انقلاب سعی کنند از تحصیل و فراگیری دانش غفلت نورزند.

ایشان همچنین افزودند: «جای تعجب است که دولت آلمان با وجود داشتن روابط سیاسی و اقتصادی با جمهوری اسلامی ایران این گونه احساسات امت سی‌وشش میلیونی ایران را جریحه‌دار می‌سازد. آنها تصور می‌کنند که با تعداد معدودی دانشجو مواجهند، حال آنکه غافلند از اینکه در مقابل یك ملت بزرگ و مقاوم قرار گرفته‌اند.

حضرت آیةالله العظمی منتظری آنگاه تأکید کردند: «دولت آلمان باید انقلاب اسلامی ایران را درك کند و هماهنگ با شرایط و مواضع آن گام بردارد.»

۱۳۶۱/۶/۱۳

به گزارش واحد مرکزی خبر، حجةالاسلام فاضل هرندی نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی، در قم با حضرت آیةالله منتظری دیدار کرد.

در این دیدار آیةالله العظمی منتظری به آقای فاضل هرندی که اخیراً طی حکمی از سوی ایشان به عنوان ناظر بر تقسیم اراضی موات و مصادره شده تعیین شده است توصیه کردند که هر چه سریع‌تر نسبت به تقسیم اراضی موات و مصادره شده بین کشاورزان محروم و مستحق اقدام کنند تا انشاءالله کشاورزی ایران هر چه زودتر رونق یابد و کشور در این زمینهٔ خودکفا گردد.

بر اساس این گزارش آیةالله ربانی املشی دادستان کل کشور نیز پریشب به طور جداگانه با حضرت آیةالله العظمی منتظری ملاقات و در زمینهٔ مسائل قضایی کشور و استخدام قضات متعهد و کاردان گفت و گو کرد.

۱۳۶۱/۶/۱۶

مولانا محمد حافظی رهبر مذهبی ـ سیاسی مسلمانان بنگلادش به اتفاق هیئتی از همراهان در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری ملاقات کرد.

در این دیدار آیةالله العظمی منتظری پس از خیر مقدم به وی و هیئت همراه، در مورد مسائل مربوط به جهان اسلام، توطئه‌های استکبار جهانی به سرکردگی امریکا و صهیونیسم بین‌المللی در ایجاد شکاف و تفرقه بین مسلمانان و ملتهای ستمدیده و محروم و به راه انداختن جنگ و خونریزی سخنان مشروحی بیان داشتند. آیةالله العظمی منتظری با اشاره به جنگ تحمیلی عراق علیه ایران گفتند: «شرایط ما برای خاتمه دادن به جنگ و برقراری صلح همان شرایطی است که از قبل گفته‌ایم و این چیزی است غیرقابل تغییر و این شرایط عبارتند از: خروج کامل نیروهای متجاوز و اشغالگر صدام از کشور اسلامی ایران، محاکمه و مجازات متجاوز و پرداخت همهٔ خسارات. البته چنانچه رژیمی اسلامی و مردمی که منتخب ملت مسلمان عراق باشد بر سرکار آید آن وقت ما خودمان مسائل را حل خواهیم نمود و دیگر مسئله‌ای نخواهیم داشت. چرا که در اسلام حد و مرز جغرافیایی وجود ندارد و اصولاً چه مفهومی دارد که بر ملت مسلمان عراق حزبی حاکم باشد که همهٔ افراد آن وابسته به بیگانه و با اسلام

دشمنی دیرینه دارند. ما چگونه می‌توانیم با صدام صلح کنیم در حالی که هیچیك از شرایط ما محقق نشده و روزی نیست که آبادان و دیگر شهرها و مناطق مسکونی جنوب ایران به وسیلهٔ مزدوران صدامی با سلاحهای سنگین و توپهای دوربرد زیرآتش قرار نگیرد. اینهمه خرابیهای ناشی از بمبارانهای هوایی و اینهمه شهید و معلول سندهای زندهٔ جنایاتی است که صدامیان مرتکب شده‌اند و از نظر اسلام همان گونه که جنایت امری است حرام و گناهی است نابخشودنی، کمك در امر جنایت و تقویت جانی نیز محکوم است و اگر شما می‌رفتید و این مناطق را از نزدیك مشاهده می‌کردید مسائل به خوبی روشن می‌شد. اما هنوز متجاوز سرجای خود نشسته و از طرف امریکا و دیگر مستکبران و مرتجعان حمایت می‌شود و اینکه بعضیها فکر کنند که صدام در مقابل قوانین اسلام خاضع است این تصوری بیش نیست، زیرا ریشهٔ اصلی توطئه‌ها و جنگها و خونریزیها از امریکا و اسرائیل است و رژیمهایی چون عراق و دیگر سران مرتجع و مزدور کشورهای عربی امریکایی می‌باشند.»

آیةالله العظمی منتظری در رابطه با جنایات اسرائیل و کشورهای مرتجع عربی اظهار داشتند: «ما دیدیم که اسرائیل با حمایت امریکا به لبنان حمله کرد و آنهمه از مسلمانان لبنان و فلسطین را شهید و مجروح و آواره نمود و خرابیهای زیادی برجای گذاشت و سرانجام یك شخص جانی و فاسد را به عنوان رئیس جمهور بر ملت قهرمان و مسلمان لبنان تحمیل کرد. و این کشورهای عربی با سکوت خود همهٔ جنایات را تأیید و به طور مستقیم یا غیرمستقیم از اهداف امریکا و اسرائیل پشتیبانی و حمایت کردند. از طرفی دیگر امریکا مصمم است با ارائهٔ طرحهای گوناگون و تحت فشار قرار دادن سران کشورهای عرب آنان را وادار کند که اسرائیل را به رسمیت بشناسند و به دنبال شکست کمپ دیوید اول و دوم حال کنفرانس فاس را مطرح کردند که علی القاعده امریکا فشار خواهد آورد تا از طرف کشورهای شرکت کننده در این کنفرانس اسرائیل به رسمیت شناخته شود و برای تجاوزات و اهداف غاصبانه و توسعه طلبانه‌اش سرپوشی گذاشته شود.»

آیةالله العظمی منتظری در سخنان خود در رابطه با مراسم حج در بیت‌الله الحرام و سفر مولانا محمد حافظی و هیئت همراه وی که عازم زیارت خانهٔ خدا می‌باشند به استناد آیهٔ مبارکهٔ «جعل الله الکعبة البیت الحرام قیاماللناس» به تشریح فلسفهٔ حج پرداخته افزودند: «حج یکی از پراهمیت‌ترین برنامه‌های اسلامی است که مسلمانان باید سالی یك بار در خانهٔ خدا دور هم جمع شوند و مسائل و مشکلات جهان اسلام و ملل مسلمان دنیا را با یکدیگر مطرح و ضمن چاره اندیشی برای رفع مشکلات و نابسامانیها با به جا آوردن مناسك و اجرای دستورات عبادی ـ سیاسی حج زمینهٔ اتحاد و همبستگی مسلمین را در سراسر گیتی برای دفاع از ملتهای فقیر و استعمارزده و مبارزه و ستیز با کفر و استکبار جهانی فراهم آورند. ولی متاسفانه با دسیسه‌های شیطانی مستکبرین جنبهٔ سیاسی حج متروك و ملتهای اسلامی تنها به جنبهٔ عبادی آن اکتفا نمودند.»

آیةالله العظمی منتظری در پایان اظهار امیدواری کردند که مسلمانان هر چه زودتر به خود آیند و با حفظ وحدت و همبستگی اسلامی توطئه‌های دشمنان اسلام به سرکردگی امریکا و اسرائیل را خنثی نمایند.

۱۳٦۱/۸/۲٤

آقایان رفیق دوست و توکلی وزرای سپاه و کار و امور اجتماعی با فقیه عالیقدر آیةالله العظمی منتظری ملاقات و پیرامون مسائل مربوط به حوزهٔ فعالیت خود مذاکره کردند آیةالله منتظری در این دیدار اظهار امیدواری نمود که با انتخاب وزیر برای سپاه ناهماهنگیها و نواقص جزئی موجود در این ارگان مرتفع گردد و ضوابط دقیق اسلامی و مشاهدهٔ لیاقتها و کفایتهای اشخاص در انتخاب آنان برای مسئولیتهای مهم بیش از پیش مراعات شود.

بر اساس این گزارش همچنین حجةالاسلام و المسلمین امامی کاشانی رئیس دیوان عدالت اداری با ایشان دیدار و گفت و گو کرد. در این دیدار پس از ارائه گزارشی در رابطه با کیفیت کار و اهداف دیوان عدالت توسط حجةالاسلام امامی کاشانی حضرت آیةالله العظمی منتظری طی سخنانی ضمن آرزوی توفیق برای ایشان اظهار داشتند: «بر اساس قانون مدون دیوان عدالت اداری این ارگان باید از اجرای قوانینی که با شرع مقدس و قانون اساسی مخالفت دارد و موجبات نارضایتی مردم را فراهم می‌آورد شدیداً جلوگیری نماید و در این رابطه هیچ گونه ملاحظاتی نباید باشد.»

بر پایهٔ این گزارش استاندار کرمان، ائمهٔ جمعه گنبد، کرمان و ابهر نیز جداگانه با فقیه عالیقدر ملاقات و پیرامون مسائل گوناگون گفت و گو کردند.

۱۳٦۱/۹/۲۳

مسئولان واحدهای اطلاعات و اخبار صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در تهران و مراکز شهرستانها در قم با حضرت آیةالله العظمی منتظری ملاقات کردند. به گزارش واحد مرکزی خبر در این ملاقات حضرت آیةالله العظمی منتظری طی سخنانی ضمن مقایسه بین مکتب انسان‌ساز اسلام و مکاتب مادی و الحادی در برخورد با انسان و هدف از خلقت او، به ارزشی که اسلام برای فرهنگ و معنویت به عنوان زیربنا قائل است اشاره کرد. سپس خطاب به دست اندرکاران رسانه‌های گروهی به ویژه صدا و سیما یادآور شد: «امروز فرهنگ کشور و معنویت مردم در دست شما است. بنابراین وظیفه‌تان بسیار سنگین است. اگر خدای ناکرده یك خبر یا فیلم یا مطلب منحرف از این دستگاه که سخت مورد عنایت مردم است پخش شود و به واسطهٔ آن انحرافی در افکار ایجاد گردد گناهی نابخشودنی است. ایشان همچنین در اشاره به این آیه از *قرآن* کریم که قتل یك نفر بی‌گناه همانند قتل تمامی افراد جامعه و احیا و هدایت یك تن در حکم هدایت همهٔ مردم است، بر نقشی که صدا و سیما در تنویر افکار و هدایت فکری مردم در مسیر حق دارد تأکید کردند و فرمودند «بنابر قول بعضی مفسرین در این آیه قتل و احیای فکری منظور است.» وی در ادامه پس از توصیه نسبت به استفاده از ذوقهای سرشار و خلاقی که در میان جوانان و نیروهای مسلمان وجود دارد اظهار داشت: «شما مسئولان رادیو و تلویزیون باید خطتان اسلامی باشد و آن طور که صلاح ملت مسلمان و انقلاب اسلامی است عمل کنید و از حاکمیت خطوط انحرافی و غیرخط امام در این رسانه جلوگیری به عمل آورید.

۱۳۶۱/۱۰/۱۰

در چهارمین روز هفتهٔ وحدت، گروهی از طلاب علوم دینی اهل تسنن آذربایجان غربی و کردستان با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند.

در این دیدار آیةالله العظمی منتظری پس از گفتن خوش آمد طی سخنانی با تأکید بر لزوم وحدت بین شیعه و سنی، لزوم فراگیری علم و خدمت به اسلام و مسلمانان را گوشزد کرد و اظهار داشت: «ما که هر دو مسلمانیم و هر دو می‌گوییم پیامبرمان حضرت محمد ص، کتابمان *قرآن* و قبله‌مان مکه است باید متحد شویم و در مقابل دشمنان اسلام با هم باشیم. شما ببینید بعضی کشورهای اسلامی به جای آنکه با اسرائیل، دشمن اسلام، بجنگند با ما می‌جنگند. شما نباید گول سران مرتجع کشورهای عربی را بخورید زیرا اینها خود فروخته هستند و اسلامی نیستند. به فکر اسلام، *قرآن* و جامعهٔ خودتان باشید و نیز گول این گروههای چپ، را نخورید. این گروهها وابسته به شرق و غرب هستند و از آنها دفاع می‌کنند و شما ببینید امریکا در فلسطین و لبنان چه می‌کند، قدس عزیز را در اختیار صهیونیستها قرار داده و شرق با مردم و علمای شیعه و سنی افغانستان که گویا تعداد زیادی از آنها را اعدام کرده‌اند چه می‌کند. نه شوروی و نه امریکا هیچ کدام به فکر ما و اسلام نیستند. آنها هدفشان بلعیدن ضعفا است و با هم متحد شده‌اند تا جهان سوم را ببلعند و این چپیها هم که از آنها دفاع می‌کنند از ایادی آنها هستند.»

آیةالله العظمی منتظری در قسمتی دیگر از سخنان خود با اشاره به این که اولین سوره‌ای که به پیامبر اسلام نازل شد در مورد تعلیم و تعلم است و ضمن تأکید بر فراگیری علم خطاب به طلاب گفت: «به جای پرداختن به مستحبات تحصیل علم کنید و هر چه وقت دارید صرف علم کنید زیرا جامعهٔ ما به علم و فرهنگ اسلام احتیاج زیادی دارد و اگر مردم با تقوا باشند همه چیز درست می‌شود. شما نباید زندگیتان را با کاخ‌نشینان مقایسه کنید، شکرگذار باشید و اگر برای خدا درس بخوانید بهترین عبادت را در نزد خدا انجام داده‌اید.»

آیةالله العظمی منتظری در پایان سخنانش اظهار داشت: «تحصیل علم منحصر به آقایان طلاب نیست. پاسداران، کسبه، بازاریها و همهٔ مردم هر موقع فرصت پیدا کردند و از کارشان فارغ شدند بایستی کتابی باشد و مطالعه کنند و مسائل و احکام را بیاموزند. پس شما این جوانی را غنیمت بشمارید و تا وقتی در مدرسه هستید زحمت بکشید. درس بخوانید و نگویید استعدادمان کم است. زیرا با استقامت و پشتکار همه کار می‌توانید بکنید. سعی کنید تا درس را نفهمیده‌اید بالاتر نروید.»

۱۳۶۱/۱۰/۱۸

شورای مرکزی کمیتهٔ امداد امام خمینی به اتفاق حجةالاسلام کروبی سرپرست بنیاد شهید در قم با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند.

در این دیدار ابتدا حجةالاسلام کروبی عضو شورای کمیتهٔ امداد امام و سرپرست بنیاد شهید گزارشی از عملکرد این کمیته را پس از پیروزی انقلاب تا کنون به نظر ایشان رساند. آنگاه حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن دعا به مسئولان و دست‌اندرکاران کمك و امداد به محرومان و ضعفا

از آنان تقدیر کرد و اظهار داشت: «سعی کنید کمکهای شما به شهرها و روستاهای دور افتاده و فراموش شده به صورت تأمین سرمایه برای کسب و زندگی باشد و بهتر است ارگانهای مربوطه که مسئول امداد و کمك به ضعفا هستند با یکدیگر تبادل نظر و همکاری نزدیك داشته باشند تا مبادا عده‌ای از کمکهای مضاعف بهره‌مند و عده‌ای محروم گردند.»

بر اساس همین گزارش حجج اسلام آقایان موسوی تبریزی دادستان کل انقلاب اسلامی و محمد مؤمن و مقتدایی اعضای شورای عالی قضایی نیز به طور جداگانه در قم با آیةالله العظمی منتظری دیدار و پیرامون مسائل قضایی کشور گفت و گو کردند.

۱۳٦۱/۱۰/۲٤

مسئول و اعضای دفتر جذب نیروهای متعهد و متخصص خارج از کشور در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند. در این دیدار ابتدا مسئول دفتر گزارشی از اهداف تشکیل این دفتر را به استحضار ایشان رساند. سپس حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن ارائهٔ رهنمودهایی خطاب به آنان فرمود:

«افراد با سوادی را که کشور به آنها نیاز دارد یا به وسیلهٔ خودتان از آنها دعوت کنید و در این رابطه هیئتهایی به خارج از کشور بفرستید زیرا افراد بسیاری در خارج از کشورند که در اثر تبلیغات مسموم وحشت کرده‌اند و خیال می‌کنند که در ایران گردن می‌زنیم. آنها را به ایران دعوت کنید نیروهایی را که با سوادند، مثل پزشکان، و آنهایی را که روحیهٔ ابتکار دارند و می‌توانند مثلا در صنایع خدمت بکنند، آنها را شناسایی کنید و برای آنها دعوتنامه بفرستید.» آیةالله العظمی منتظری دربارهٔ چگونگی تحقیق و شناسایی نیروها، ضمن اشاره به پیامهای اخیر رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی فرمودند: «لازم نیست که تحقیق کنید که این شخص قبلاً چگونه بوده، الان ضد انقلاب نباشد، این را تحقیق کنید، آدمی که قصد توطئه نداشته باشد و می‌خواهد به کشور خدمت کند. اینها را تحقیق کنید... تحقیق نکنید که مثلاً فلان نوار دارد یا نه. تحقیق کنید که ضدانقلاب و توطئه‌گر نباشد.»

ایشان در ادامهٔ سخنان خود با اشاره به افراد متخصصی که خارج از کشورند فرمود: «متخصصینی که در خارج هستند باید تشویقشان کرد که برگردند. نیروهایی که درس خوانده و ممتاز می‌باشند. برای اینها ارز زیادی از کشور خارج شده است.»

آیةالله العظمی منتظری در پایان در رابطه با جذب نیروهای متخصص ایرانی و معاودین عراقی گفت: «در صورتی که نیاز باشد از متخصصین کشورهای دیگر به خصوص کشورهای اسلامی استفاده کنید. مثلاً از متخصصین کشورهای افریقایی که هم می‌شود استفاده کرد و در صدور انقلاب به کشور خودشان نیز می‌تواند مؤثر باشند و از معاودین متخصص نیز باید استفاده شود. آنها بسیار گله‌مند بودند از اینکه از وجود آنها استفاده نمی‌شود.» بر اساس همین گزارش سرپرست سازمان محیط زیست به اتفاق مسئولان این سازمان و همچنین اعضای اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان ایرانی مقیم هند نیز عصر دیروز با فقیه عالیقدر آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند. ایشان رهنمودهایی در مورد توجه به

ادامهٔ درس خواندن ضمن تداوم مبارزه ارائه داد و هشدار داد که ممکن است در آینده افراد غیرمتعهد به انقلاب اسلامی پستهای حساس را اشغال نمایند.

۱۳۶۱/۱۰/۲۵

مهندس محمد غرضی وزیر نفت جمهوری اسلامی به اتفاق معاونان این وزارتخانه در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در این دیدار ابتدا وزیر نفت گزارشی از عملکرد این وزارتخانه را ارائهٔ داد. سپس حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن تقدیر از فعالیّت انجام شده، نسبت به رساندن نفت و مواد سوختی به مناطق دور افتادهٔ کشور مخصوصاً کردستان و آذربایجان غربی تأکید نمودند.

۱۳۶۱/۱۱/۱

برادر محمد سلامتی وزیر کشاورزی و همچنین سرپرست سازمان نوسازی و توسعهٔ مدارس کشورمان به طور جداگانه در قم با آیةالله منتظری دیدار و گفت و گو کردند.

در دیدار آقای سلامتی با فقیه عالیقدر، ابتدا وزیر کشاورزی گزارشی از پیشرفتهای اخیر در زمینهٔ کشاورزی و تأسیس مراکز خدمات روستایی را به نظر ایشان رساند. آنگاه آیةالله منتظری ضمن تقدیر از خدمات مسئولان کشاورزی، نسبت به توسعهٔ دامداری در روستاها و دادن امکانات بیشتر به روستائیان و مناطق محروم کشور تأکید نمودند.

سرپرست سازمان نوسازی و توسعهٔ مدارس نیز به همراه معاونان خود در این سازمان در دیداربا آیةالله العظمی منتظری ابتدا گزارشی از عملکرد این سازمان پس از پیروزی انقلاب و نیز طرح ساختن مساجد در کنار مدارس را ارائه داد. سپس فقیه عالیقدر ضمن استقبال از این طرح مفید اظهار داشتند: «این طرح گویای ارتباط متقابل دین و علم در جامعه می‌باشد و مستلزم آن است که روحانیّون این مساجد نظارتی هم بر مدارس داشته باشند تا رشد علمی ودینی جوانان عزیز دانش‌آموز توأم با هم باشد.» آیةالله منتظری همچنین اظهار امیدواری کردند که مسئولان مربوطه اقدامات مقتضی را در جهت عملی ساختن این طرح بنمایند.

۱۳۶۱/۱۱/٤

سمیناردوروزهٔائمهٔجمعهٔ مراکزاستانها که با شرکت حضرت‌آیةالله‌العظمی‌منتظری در قم تشکیل شده بود با تصویب اساسنامهٔ شورای مرکزی ائمهٔ جمعه به کار خود پایان داد.

در این سمینار که شورای مرکزی ائمهٔ جمعه مرکب از آقایان خامنه‌ای، خاتمی، طاهری، مشکینی و ملکوتی و همچنین ائمهٔ جمعهٔ منتخب استانها حضور داشتند پس از تلاوت آیاتی چند از *قرآن* مجید حضرت آیةالله منتظری سخنانی ایراد کرد. ایشان ضمن خیرمقدم و تشکر از ائمهٔ جمعه گفت:

«اگر بخواهیم جوانب معنوی و اخلاقی مردم را تقویت کنیم خود باید بیشتر عمل کنیم. ما باید از طریق عمل مردم را به تلاش و کوشش دعوت کنیم و چون مسئولیّت هدایت جامعه را به عهده گرفته‌ایم باید تارك هوای نفس باشیم و از پرداختن به امور تجملی و اشرافی بپرهیزیم. باید سطح جامعه و زندگی مردم به خصوص روستاییان عزیز را مشاهده کنیم و ببینیم آنان چگونه زندگی می‌کنند.»

حضرت آیةالله العظمی منتظری با اشاره به این مطلب که ائمهٔ جمعه باید در بعد فرهنگی و سیاسی کارکنند گفت: «امروز مثل سابق نیست که بتوان از خطبه‌های نماز جمعه به سادگی گذشت. باید از طریق خواندن تحلیلهای سیاسی و مطالعهٔ کتب مفید و ارزنده سعی شود خطبه‌ها پر محتوی و سازنده باشد. بدین طریق، هم ائمهٔ جمعه در جهت سیاسی رشد می‌کنند و هم هدایتگر و خط دهندهٔ مردم می‌باشند.»

ایشان در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به هماهنگی مسئولان در استانها با ائمهٔ جمعه گفت: «امام جمعه منصوب امام امت است. اگر مسئولان با آنان هماهنگ باشند بهتر می‌توانند مردم را متوجّه مسائل و مشکلات منطقه نمایند. ائمهٔ جمعه دارای یك قدرت معنوی هستند و مسئولان باید آن را به حساب آوزند و از آنان بخواهند مردم را نسبت به مشکلات مسئولان و دولت آگاه کنند.»

حضرت آیةالله العظمی منتظری خطاب به ائمهٔ جمعه گفت: «از ائمهٔ محترم جمعه انتظار می‌رود که خود سرانه در کارها عمل نکنند بلکه با تشکیل جلسات مشترك هفتگی که با مسئولان بر قرار می‌کنند دوستانه و به دور از پرخاشگری مشکلات را حل نمایند. ما باید بدانیم اگر خلوص در کارها نباشد اعمال ما ارزش ندارد.» ایشان با تأکید بر اینکه باید روشی در پیش بگیریم که مردم بفهمند هدفی و حرفی جز خدمت به اسلام و جامعه نداریم که در این صورت توجّه مردم نیز جلب می‌شود، اظهار امیدواری کردند که مسئولان محترم هم به نظریات ائمهٔ جمعه بها بدهند و بدانند که مردم نسبت به آنان اهمیّت ویژه‌ای قائلند و برای رفع نیازمندیها و کمبودها و مشکلات خود به آنان مراجعه می‌کنند.

آیةالله العظمی منتظری در پایان با اشاره به اهمیّت دبیرخانهٔ شورای مرکزی ائمهٔ جمعه خواستار هر چه فعال‌تر شدن این دبیرخانه شدند.

۱۳٦۱/۱۱/٤

آقای سیدعلی خامنه‌ای رئیس جمهوری و امام جمعهٔ تهران در محل سمینار ائمهٔ جمعهٔ مراکز استانها در قم با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کرد. به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی در این دیدار پیرامون مسائل جاری کشور و نقش ائمهٔ جمعه در هدایت و ارشاد جامعه بحث و تبادل نظر شد.

به دنبال تذکرات مکرر آیةالله منتظری به مسئولان مملکتی در خصوص رسیدگی بیشتر به کشاورزان و مسئلهٔ کشاورزی، حجةالاسلام فاضل هرندی، در رابطه با واگذاری اراضی موات به کشاورزان و روستاییان از آیةالله منتظری استفتاء نمود و معظم‌له پاسخ لازم را مرقوم فرمودند. متن سؤال به شرح

زیر است:

«بسمه تعالی. محضر مبارك آیةالله العظمی جناب آقای منتظری دامت برکاته، ضمن سلام، همان گونه که مستحضر می‌باشید تکلیف نهایی اراضی زراعی موات و مصادره شده در مجلس شورای اسلامی هنوز معین نشده و از طرفی طبق قانون اساسی، اراضی موات از جملهٔ انفال است، که اختیارش به دست دولت اسلامی می‌باشد. بنابراین تکلیف ستاد مرکزی و اگذاری و احیای اراضی در رابطه با ادامهٔ کار خود در مورد این گونه اراضی چیست؟ ستاد احیا و واگذاری اراضی موات، فاضل هرندی.»

فقیه عالیقدر در پاسخ به سؤال بالا نوشتند:

«بسمه تعالی. چون احیای اراضی موات و کشت اراضی مصادره شده توسط دادگاههای اسلامی برای خودکفایی کشور ضروری و حیاتی است و هرج و مرج نیز در چنین موضوع مهمّی مرضی شارع مقدس نیست، بنابراین تا زمان تعیین تکلیف نهایی از طرف مجلس شورای اسلامی لازم است ستاد مرکزی احیا و واگذاری اراضی موات و مصادره شده فقط همچون گذشته زیر نظر دولت و نظارت دقیق جناب عالی به کار خود ادامه دهد و با نظارت کامل بر هیئتهای هفت نفره متشکّل از افراد صالح مراقب باشید از ضوابط شرعی تخلف نشود.

امید است دولت هم به اندازهٔ توان و قدرت خود در این امر حیاتی کمکهای لازم را انجام دهد تا انشاءالله تعالی کشاورزان بتوانند با اعتماد کامل، کشور را از نظر محصولات کشاورزی به خودکفایی برسانند. و اوصیکم و جمیع‌المسئولین به رعایت الاحتیاط و المراقبة فی‌جمیع المراحل. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. حسینعلی منتظری. ۱۳۶۱/۱۲/۲۳.»

بعد از این تلگرام، از طرف سرپرست بنیاد مستضعفان تلگرامی به حضور فقیه عالیقدر مخابره شد. در این تلگرام بنیاد مستضعفان اعلام آمادگی کرد که زمینهای تحت اختیار خود را در صورت صلاحدید هیئتهای هفت نفرهٔ واگذاری زمین، به کشاورزان واگذار نماید. سرویس سیاسی *کیهان*[۷۰] در این مورد گزارش می‌دهد: بنیاد مستضعفان کلّیّهٔ اراضی کشاورزی این بنیاد را به جز کشت و صنعتها، باغات، دامداریها و حریم کارخانجات، به کشاورزان مستضعف و بدون زمین، با نظر هیئتهای هفت نفره، واگذار می‌کند.

سرپرست بنیاد مستضعفان در تلگرامی به حضور حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن اعلام این مطلب افزوده است: «همان گونه که بارها آمادگی خود را اعلام نموده‌ایم، اکنون با تأکیدات جناب عالی اعلام می‌نماییم کلیهٔ اراضی کشاورزی مصادره شده در سراسر کشور به جز کشت و صنعتها، دامداریها، باغات و حریم کارخانجات که ضروری است فعلاً حفظ شود. آماده‌ایم که توسط برادران متعهد و دلسوز هیئت واگذاری به نحو شرعی و قانونی بین زارعین تقسیم شود. امید است با عنایت خداوند متعال در سال ٦٢ این مسئله اساساً حل گردد. خداوند سایهٔ روحانیت و در رأس آن امام امت را بر سر ملّت شهید

۷۰. *کیهان*، ۱۳٦۱/۱۲/۲٤.

پرور مستدام بدارد. والسلام علی عباد الله الصالحین. سرپرست بنیاد مستضعفان، سید مهدی طباطبائی.

۱۳۶۲/۱/۵

گروهی از طلاب غیر ایرانی حوزهٔ علمیهٔ قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری دیدار کردند. در این دیدار ابتدا مدیر مدرسهٔ حجتیه و دبیر شورای سرپرستی طلاب علوم دینی گزارشی ارائه داد و سپس آیة الله منتظری ضمن ابراز خوشوقتی از پیشرفت طرح آموزش طلاب غیر ایرانی اظهار داشت: «برادران روحانی که از کشورهای گوناگون به‌منظور طلبه شدن به حوزهٔ علمیهٔ قم تشریف آورده‌اند توجهٔ دارند که اسلام از ناحیهٔ قدرتهای شرق و غرب مورد تهاجم تبلیغاتی و نظامی قرار گرفته. از یك طرف می‌بینیم اسرائیل که بازوی نظامی امریکا و غرب در منطقهٔ خاورمیانه است با مسلمانان منطقه و ملت فلسطین چه جنایاتی انجام داده است تا آنجایی که به‌قرار اطلاع اخیرا یکی از روحانیون متعهد لبنان توسط مزدوران دژخیم صهیونسیم بازداشت و زیر شکنجه قرار گرفته است و از طرف دیگر شوروی که روزی مدعی حمایت از مظلومین جهان بود چگونه با ملت مسلمان افغانستان رفتار می‌کند. همه این مظالم به‌خاطر مخالفت قدرتهای بزرگ استعمارگر با اسلام عزیز است و این وظیفه ما است که خود را برای مقابله با آنها در سطح جهانی و دفاع از اسلام عزیز و مظلومین و مستضعفین آماده نمائیم.» آیة الله منتظری همچنین با اشاره به فرصتی که در پرتو پیروزی انقلاب اسلامی ایران برای اعزام افراد از اطراف جهان به حوزهٔ علمیهٔ قم جهت تحصیل به‌دست آمده اظهار داشت: «شما برادران که اکنون به منظور کسب علم و دانش به حوزهٔ علمیهٔ قم آمده‌اید باید این فرصت را کاملاً غنیمت شمارید و اگر احیاناً بر سر راه مقدستان اشکلاتی وجود دارد صبر کنید و سعی کنید از وقت کم بهره‌برداری زیادی نمایید و به زودی انشاءالله تعالی به کشورهای خود بر گردید و هر کدام در هر منطقه‌ای که هستید همچون شمعی محیطی را روشن کنید و دیگران را با اسلام و معارف اصیل آن آشنا سازید.»

آیةالله منتظری افزود: «امروز دشمنان اسلام با شکلهای گوناگون در صدد بدنام کردن اسلام و انقلاب عظیم اسلامی هستند و ملت ایران که افتخار میزبانی شما را دارد از شما انتظار دارد مظلومیت و اهداف بلند این ملت انقلابی را در هرفرصت ممکن به ملت‌های خود برسانید.»

آیةالله منتظری در پایان از اهالی محترم شهرستان قم خواست دربرخوردهای خود با طلاب غیر ایرانی توجه داشته باشند اکنون که چشم و دل اینان به‌این شهر مقدس که مرکز حوزه‌های علمیّه و انقلاب اسلامی است دوخته‌شده است با اخلاق و رفتار اسلامی که شیوهٔ همیشگی آنان است کاری‌کنند که همچنان جاذبهٔ معنوی این شهر بزرگ در انظار جهانیان محفوظ بماند.

کمك به‌کشورهای جنوب خلیج فارس

در آغاز سال ۱۳۶۲، رژیم بعثی ـ صهیونیستی حاکم بر عراق به جبران ناتوانیهایش در مقابله با رزمندگان غیور اسلام در جبهه‌های نبرد، دست به اقدامی غیرانسانی زد و چاههای نفت متعلق به ایران را در خلیج فارس مورد حملات هوایی خود قرار داد. حمله به تأسیسات چاههای نفت در خلیج فارس باعث

شد که نفت در سطح آبهای خلیج فارس پراکنده شود.
آلودگی آب‌های خلیج فارس خسارات فراوانی به تأسیسات آب آشامیدنی کشورهای کوچك جنوب خلیج فارس وارد آورد؛ چرا که این کشورها عموماً آبهای شور خلیج فارس را به وسیلهٔ سیستم تصفیهٔ آب، شیرین کرده به‌مصرف آشامیدنی مردم می‌رسانند. پس از حملهٔ مزدوران امریکا، یعنی بعثیون کافر، به تأسیسات نفتی ایران در خلیج فارس و آلوده شدن آبها، تأسیسات آب‌شیرین کن قادر به تهیهٔ آب آشامیدنی برای مردم مسلمان و محروم نبودند.

در این موقع آیةالله منتظری به شیوهٔ همیشگی، که رسیدگی به محرومان و خصوصاً مسلمانان در سطح جهان است، تحمل این وضع را روا ندانسته دستور رسیدگی جدی صادر فرمودند. به گزارشی در این باره توجه فرمایید:

دکتر ولایتی وزیر امور خارجهٔ کشورمان در قم با آیةالله منتظری دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار ابتدا دکتر ولایتی گزارشی از سفر خود به هند و نتایج مثبت کنفرانس غیر متعهدها و همچنین گزارش جنایت اخیر صدام را که منجر به آلوده شدن آبهای خلیج فارس شده است، به استحضار ایشان رساند.

آنگاه فقیه عالیقدر طی سخنانی با اشاره به جنایت اخیر صدام و به موشك بستن تعدادی از چاههای مرزی کشور اظهاز داشت: «زیانهای مادی این جنایت در کشورهای خلیج فارس از هم‌اکنون ظاهر شده است و از قرار اطلاعاتی که رسیده برادران و خواهران مسلمان عرب ما در کشورهای کویت، قطر، دوبی از نظر مصرف آب آشامیدنی سخت در مضیقه قرار گرفته به کمك نیاز دارند.»

ایشان در همین رابطه تأکید کردند: «به جاست دولت ضمن بررسی مسئلهٔ کمبود آب در این کشورها کیفیت امداد و رساندن آب از جمهوری اسلامی به آنان را مورد توجه قرار دهد و در صورت مقتضی اقدام لازم را فوری به عمل آورد.»

برپایهٔ همین گزارش در دیدار دکتر ولایتی وزیر امور خارجه با آیةالله منتظری، نمایندگان امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی کشور و نمایندهٔ امام در پاکستان نیز حضور داشتند.[۷۱]

البته اگر شرایط آن زمان و وضع آب آشامیدنی در کشورهای خلیج فارس به هنگام حمله به تأسیسات نفتی خلیج فارس را در نظر بگیریم، اهمیت دستورها و تأکیدهای حضرت آیةالله منتظری در آن موقع روشن‌تر می‌شود. در گزارشها آمده بود که صرف نظر از آلودگی محیط زیست دریایی، بهای هر بشکه آب آشامیدنی در قطر به بیش از هزارودویست تومان و در بحرین به بیش از پانصدتومان می‌رسید.[۷۱]

دربی اظهارات آیةالله العظمی منتظری، سادات مادرشاهی، سفیر جمهوری اسلامی ایران در امارات عربی متحده، طی یك مصاحبهٔ مطبوعاتی اظهار داشت که هم‌اکنون یك کشتی چهل هزار تنی ایرانی به‌نام شهید بهشتی، که در شارجه پهلو گرفته است، در حال شست‌وشوی مخزن خود برای بارگیری آب آشامیدنی و حمل آن به کشورهای بحرین، قطر و کویت است.[۷۲]

۷۱. کیهان، ۱۳۶۲/۱/۲۱.
۷۲. کیهان، ۱۳۶۲/۱/۲۱.

۱۳۶۲/۲/۲۷ حجةالاسلام حکیم سخنگوی مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری پیرامون دستگیری‌های روحانیون حوزهٔ علمیهٔ حکیم توسط رژیم صدام گفت‌وگو کرد. فقیه عالیقدر ضمن ابراز تفقد نسبت به حدود نود تن از بازداشت شدگان اظهار داشتند: «رژیم پوسیدهٔ شاه معدوم نیز در اواخر عمر کثیف خود دست به چنین جنایاتی زد و دسته‌دسته علمای محترم بلاد و حوزه‌های علمیه و روحانیون عالیقدر و جوانان مسلمان را به زندانها و تبعیدگاها روانه می‌ساخت و همه دیدیم که سرانجام به کجا منتهی شد. اکنون هم صدام که خود را رفتنی و در آستانهٔ سقوط می‌بیند فکر می‌کند با این‌گونه بازداشتهای جمعی می‌تواند جلو حرکت و قیام ملت مسلمان عراق را بگیرد.»

حضرت آیةالله آنگاه خطاب به روحانیت مبارز عراق در داخل و خارج کشور گفتند: «باید روحانیت مبارز عراق در داخل و خارج کشورشان مقاومت کنند و با الهام از رهبریهای قاطعانهٔ حضرت امام خمینی مدظله‌العالی به مبارزهٔ مقدس خود ادامه دهند.»

۱۳۶۲/۲/۲۳ مسؤلان حراست و امنیت کشور، وابسته به نخست وزیری، در قم با آیةالله العظمی منتظری ملاقات کردند.

در این ملاقات مسؤلان حراست و امنیت کشور ضمن ارائه گزارشی از کارهای انجام شده نظر اسلام را نسبت به مسائل مربوطه جویا شدند. آیةالله العظمی منتظری با تقدیر از خدمات آنان اظهار داشتند: «از نظر اسلام، به‌عنوان احکام اولیهٔ، تجسس در امور دیگران و اطلاع از آنها حرام است و کسی حق ندارد در احوال و امور شخصی دیگران تحقیق و تجسس نماید ولی هرگاه پای حکومت اسلامی و حفظ اجتماع مسلمین و دفع خطر توطئهٔ دشمنان اسلام در میان باشدبه عنوان حکم ثانوی نه فقط تجسس در این گونه امور جایز است بلکه اگر کیان نظام اسلامی وحیثیت آن در خطر باشد، تجسس و اطلاع از توطئه‌ها و آگاهی بر آنها به‌منظور اقدام عملی و جلوگیری از این خطر از اهم واجبات خواهد بود و در این راه باید دولت اسلامی افراد لایق و باکفایت و متعهد نسبت به ضوابط شرع را مسؤل این امر مهم بنماید و کوچك‌ترین مسالحه و ضعف در این‌گونه امور حرام است.»

فقیه عالیقدر سپس با اشاره به قاعدهٔ معروف فقهی (اهم‌ومهم) تأکید کردند: «برادرانی که فعلاً مسئول این امر مهم می‌باشند باید اولاً سعی کنند کارهایشان خالص و برای رضای خدا انجام شود و از دخالت دادن انگیزه‌های غیر خدایی و احیاناً شخصی و گروهی کاملاً پرهیز نمایند وثانیاً توجه کنند که کارشان بسیار حساس و ظریف و در بسیاری از موارد تجسس در امور دیگران بین وجوب و حرمت دوران دارد. یعنی اگر امور ذکر شده مربوط به توطئه علیه‌کیان نظام اسلامی نباشد، تفتیش در آنها حرام است و اگر اطلاع از این امور دخالت در حفظ نظام و جلوگیری از خطرات و توطئه‌های احتمالی داشته باشد تفتیش و اطلاع از آنها واجب خواهد بود. بنابراین باید در شناخت مرز واجب و حرام و تشخیص آن کاملاً دقت شود تا مبادا موضوعات با یکدیگر مخلوط و اشتباه گردد و کار واجب حرام و کار حرام اشتباهاً واجب تلقی شود.»

۱۳۶۲/۳/۱۵

حجةالاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، که به منظور ایراد سخنرانی در صحن مطهر حضرت معصومه ع به مناسبت روز تاریخی پانزده خرداد به قم رفته بود با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و پیرامون مسائل گوناگون کشور با ایشان گفت و گو کرد.

در این دیدار فقیه عالیقدر ضمن تأکید بر سرعت عمل مجلس شورای اسلامی در تصویب قوانین پایه و مهم کشور گفتند: «امیدواریم به زودی مجلس با دقت و مطالعهٔ تمام جوانب امر به این گونه قوانین که در انسجام برنامه‌های کشور و پیشرفت آن نقش فوق‌العاده دارد توجه بیشتر نماید و به خصوص مسئلهٔ زمین که از مسائل مهم است انتظار می‌رود به زودی موضوع قانونیش مشخص شود تا کشاورزان عزیز با خاطر آسوده به کار کشت و احیای اراضی موات ادامه دهند.»

آیةالله منتظری از رئیس مجلس شورای اسلامی خواستند تا سفارشهای لازم را به دولت در مورد دادن امکانات بیشتر به کشاورزان جهت احیای اراضی موات بکند.

۱۳۶۲/۳/۱۵

در آستانهٔ تعطیلی حوزهٔ علمیهٔ قم، خواهران طلبهٔ مکتبهای مختلف در قم با آیةالله العظمی منتظری ملاقات کردند.

در این دیدار فقیه عالیقدر آنان را به اهمیتی که اسلام برای تحصیل علم و دانش و هدایت جامعه توسط زنان و مردان مؤمن قایل شده جلب نمودند و اظهار داشتند: «با اینکه شیوهٔ معمول *قرآن* در اکثر جاها این است که با کلمهٔ مخصوص مردان، به عنوان تغلیب، وظیفهٔ همگی ـ حتی زنان ـ را تعیین می‌کند ولی در خصوص هدایت جامعه و امر به معروف و نهی از منکر زنها را جدا از مردان با تعبیر مخصوص خودشان نام برده و گفته است المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیاء بعض یأمرون بالمعروف وینهون عن‌المنکر، و این نشان دهندهٔ عنایتی است که *قرآن* نسبت به امر به معروف و نهی از منکر در جامعه هم برای زنان و هم برای مردان دارد. این آیهٔ شریفه صریحاً مردها و زنهای مؤمن را نسبت به کل جامعهٔ اسلامی ولّی (یعنی صاحب ولایت و اختیار قرار داده، در حقیقت تمام زنان مؤمن و تمام مردان مؤمن یك نوع اختیار و ولایتی نسبت به کل جامعه اسلامی دارند و در ذیل آیهٔ فوق الذکر توضیح می‌دهد که این ولایت همان داشتن امر به معروف و نهی از منکر و جلوگیری از فساد در جامعه است... بنابراین باید زنان مؤمن که می‌خواهند به وظیفهٔ بزرگ هدایت و امر به معروف و نهی از منکر عمل کنند خودشان باید عمل به معارف و دستورات اسلامی داشته باشند و از همین جا متوجه می‌شویم که این فرصتی را که اکنون به دست آمده و خواهران، می‌توانند در حوزهٔ علمیهٔ قم با تلاش اساتید و فضلای حوزه به تحصیل علوم اسلامی بپردازند باید غنیمت شمرد و از دست‌اندر کاران آن کاملاً تقدیر کرد و اگر هم نواقصی یا کمبودهایی وجود دارد در رفع آنها باید تلاش کنیم.»

فقیه عالیقدر سپس با اشاره به دوران سیاه پهلوی تأکید کردند: «در آن دوران تاریك پدر و پسر، با

آنهمه نیاز شدیدی که به روحانی متعهد بود، همه دیدیم که شرایطی پیش آوردند که حتی مردها هم چندان علاقه و رغبتی به تحصیل علم نداشتند، چه رسد به دختران و خواهران. ولی امروز در پرتو این انقلاب عظیم امکاناتی برای تقویت و توسعه حوزه‌های علمیه حتی برای خواهران محترم به وجود آمده و باید از این فرصت استفاده شود تا آنجا که حتی بتوانیم نیاز کشورهای خارج را برطرف کنیم... امروز از بسیاری از کشورهای دور و نزدیك مراجعه می‌شود و از ما روحانی و عالم می‌خواهند و ما فوق‌العاده کمبود داریم. در یك بولتن خبری خواندم که مبلغین مسیحی تنها در قارهٔ افریقا حدود صدونوزده هزار و مبلغین به اصطلاح اسلامی که از مصر و عربستان اعزام شده‌اند و از اسلام امریکایی فهد و مبارك تبلیغ می‌کنند حدود سه هزار نفر می‌باشند و این جای تأسف شدید است که ما هنوز نتوانسته‌ایم در این زمینه کار چندانی بکنیم و اسلام را آن گونه که هست به دنیا معرفی نماییم. ولی امیدوافرداریم حوزهٔ علمیهٔ قم که امروز مورد توجه دنیا قرار گرفته به این نیاز بزرگ توجه کند و خودش را برای پاسخ به آن آماده نماید... البته نباید خسته و مأیوس شد. هر کار اساسی که از صفر شروع می‌شود مواجه با مشکلات و موانع گوناگون می‌باشد و باید با همفکری و وحدت کلمه همگی بکوشیم تا انشاءالله روزی بتوانیم به اندازهٔ نیاز عالم و روحانی به خارج اعزام نماییم.»

۱۳٦۲/٥/٤

اعضای ستاد عشایری ایران متشکل از معاونان وزارتخانهای کشور، کشاورزی، بهداری، آموزش و پرورش، ارشاد اسلامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همچنین جهادسازندگی، در قم با فقیه عالیقدر دیدار و پیرامون برنامه‌ها و مشکلات این ستاد گفت و گو کردند.

حضرت آیةالله منتظری با اشاره به نقش عشایر در اقتصاد کشور و ضربه‌هایی که در رژیم گذشته به این قشر عظیم وارد آمده و آنها را مجبور به روستانشینی و شهرنشینی کرده است، اظهار داشتند: «اکنون که انقلاب پیروز شده انتظار می‌رود دولت در برنامه‌های خود کاملاً به اهمیت این موضوع توجه کند که علاوه بر مسائل آموزش و پرورش و بالا بردن رشد فکری آنان ایجاد تعاونیها بسیار برای عشایر مهم است. چه بسا دیده شده افراد سودجویی محصولات کشاورزی و دامی عشایر را با قیمتهای ناچیزی می‌خرند و در مقابل، اجناس و کالاهای مورد نیاز آنان را با قیمتهای سنگین به آنان می‌فروشند. ولی اگر دولت تعاونیهای سیّار متشکل از افراد متعهد برای عشایر تشکیل دهد و متقابلاً آنان را به تولید تشویق نماید منافع زیادی از این راه عاید عشایر و روستاها و شهرهای کشور خواهد شد.»

ایشان سپس با اشاره به شیوهٔخان بازی درگذشته و این که خانها با اعمال نفوذ در دستگاه حاکم آن زمان و گرفتن سند مالکیت، مراتع طبیعی را به انحصار خود در می‌آوردند و بعد با دریافت پول از محرومان به آنها پروانه می‌دادند گفتند: «این گونه سند مالکیتها که به این شکل به دست آمده شرعاً اعتباری ندارد؛ همچنین پروانه‌هایی که معمولاً خانها یا افراد متمکن دیگر به عشایر برای چراندن گوسفندهایشان می‌دادند و در مقابل پول سنگین می‌گرفتند مشروعیت ندارد. زیرا این گونه مراتع عمومی که متعلق به روستای خاصی نیست مربوط به دولت اسلامی است و بر دولت است که آنها را از

ضررهای طبیعی و غیرطبیعی حفظ کند و در اختیار عشایر و افراد محروم قرار دهد.»

ایشان برای ایجاد هماهنگی کامل و از بین بردن مشکلاتی که اکنون ستاد عشایر با آن درگیر است مقرر فرمودند حجةالاسلام فاضل هرندی به عنوان نمایندهٔ ستاد واگذاری اراضی به منظور نظارت بر شرعی بودن کارهای ستاد عشایری و تأمین نیازهای تبلیغی آن به شکل منظم در جلسات ستاد عشایری شرکت کند و با آن همکاری کامل بنماید.

۱۳۶۲/۶/۹

به مناسبت درگذشت عالم جلیل‌القدر و روحانی فداکار کشور پاکستان، مفتی شیخ جعفر حسین، عده‌ای از طلاب و فضلا و خطبای پاکستانی مقیم حوزهٔ علمیهٔ قم با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند و درگذشت مفتی عظیم الشأن پاکستان را به ایشان تسلیت گفتند.

در این دیدار آیةالله منتظری ضمن تشکر از طلاب و فضلای پاکستانی مقیم حوزهٔ علمیهٔ قم اظهار داشتند: «اسلام فقدان یك عالم خدمتگذار را برای یك جامعهٔ اسلامی ضایعه و خلائی بزرگ به حساب می‌آورد و به همین نسبت هر اندازه عالمی ارزنده‌تر و به حال اجتماع مفیدتر باشد مصیبت فقدان او و خلاءهای اجتماعی ناشی از آن بیشتر می‌باشد.» ایشان با اشاره به خدمات و نقش مفتی عظیم‌الشأن پاکستان مرحوم مفتی جعفر حسین در جامعهٔ اسلامی آن کشور، از فقدان وی ابراز تأسف کردند و درگذشت وی را به ملت مسلمان پاکستان و حوزه‌های علمی جهان اسلام و امام امت و بازماندگان محترم ایشان تسلیت گفتند.

فقیه عالیقدر در این دیدار از طلاب و فضلای پاکستانی خواستند با جدیت به تحصیلات علوم دینی ادامه دهند تا بتوانند همچون مرحوم مفتی جعفر حسین به کشور و ملت خود خدمت نمایند و در آینده حوزه‌های علمیه را تقویت و اسلام را در سطح جهان ترویج دهند.

۱۳۶۲/۶/۱۳

عده‌ای از روحانیون اهل تسنن کردستان و آذربایجان غربی در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری دیدار و گفت و گو کردند.

در این دیدار ابتدا امام جمعهٔ سنندج گزارشی از اعمال دد منشانه و فجایع خونباری که به وسیلهٔ ایادی گروهکهای وابسته به شرق و غرب در کردستان و آذربایجان غربی اتفاق افتاده به استحضار رساند. آنگاه فقیه عالیقدر پس از تقدیر و تشکر از آنها و عرض تسلیت و تبریك به مناسبت شهادت علما و دیگر برادران مبارز اهل سنت و مردم بی‌گناه اظهار داشتند: «بزرگ‌ترین وظیفهٔ ما در این شرایط تربیت اهل علم و اشاعهٔ اسلام در بین مردم است. زیرا همه وقت برای انسان فرصت پیدا نمی‌شود. همان‌گونه که می‌دانید در زمان طاغوت چنین فرصتی برای ما پیدا نمی‌شد که این گونه با هم بنشینیم و صحبت کنیم ولی الان شرایطی است که در عین اینکه کمبود هست ما می‌توانیم با استفاده از این شرایط به اسلام کمك کنیم.»

ایشان افزودند: «همه می‌دانیم که در این کشور انقلابی بزرگ روی داده و دست ابر قدرتهای شرق و غرب و ایادی آنان به کلی از این کشور قطع شده و طبیعی است که کمبودهایی به وجود آید. ولی اگر منظور ما از انقلاب اسلامی اشاعهٔ اسلام محصور در مساجد و فاقد تحرک و جنبش بود و کاری به سیاست و اقتصاد و سرنوشت ملل و کشورهای اسلامی نداشتیم و انقلاب ما به گونه‌ای بود که ضرر به منافع امریکا و شوروی و قدرتهای بزرگ وارد نمی‌آورد، البته مشکلاتی پیش نمی‌آوردند. ولی چون قصدمان از انقلاب ترویج اسلام راستین و حرکت زا و مغایر با منافع شرق و غرب است، قهراً ابر قدرتها با تحمیل جنگ و تحریم اقتصادی و ایجاد مشکلات سعی در ضربه زدن و مواجه ساختن آن با شکست می‌نمایند و طبعاً کمبودهایی نیز به وجودخواهد آمد. ما باید هوشیار باشیم و با صبر و بردباری و اعتماد به نفس از شرایط حاصله در اثر انقلاب به نفع اسلام و مسلمین استفاده کنیم.»

آیةالله العظمی منتظری در ادامهٔ سخنان خود با اشاره به اعمال تروریستی عوامل گروهکها و به شهادت رساندن علما در کُردستان و آذربایجان و نیز جنایات صدام کافر در به خاك و خون کشیدن مردم بی‌گناه در شهرهای مسکونی اظهار داشتند: «اگر این شهادتها نبود چهرهٔ واقعی و ماهیت ضد اسلامی و انسانی عوامل ضد انقلاب و جنایتکاری چون صدام، و از طرف دیگر صبر و استقامت شما روشن و آشکار نمی‌شد. خداوند تبارك و تعالی می‌فرماید: خلق الموت و الحیاة لیبلو کم ایکم احسن عملا. بنابراین ما باید در عین حال که مواجه با کمبودهای زیادی هستیم از فرصت استفاده کرده با تحصیل علوم و مطالعهٔ کتبی که جوابگوی نیازهای نسل جوان باشد و نیز با تربیت طلاب فاضل و آگاه به مسائل روز، ادارهٔ حوزه‌های علمیه و اشاعهٔ فرهنگ اسلام، اهداف عالیهٔ انبیای عظام و ائمهٔ معصومین را جامهٔ عمل پوشانیم و وظیفهٔ اسلامی خود را در زمینهٔ ارشاد و راهنمایی مردم به نحو احسن انجام دهیم.»

۱۳۶۲/۷/۱۳

در آستانهٔ فرا رسیدن ماه محرم روحانیون و ائمهٔ جمعهٔ اهل سنت منطقهٔ خراسان و گروهی از روحانیون تربت حیدریه، پس از زیارت حضرت امام، در قم با فقیه عالیقدر دیدار و گفت و گو کردند. در این دیدار که حجج اسلام خوانساری، معصومی امام جمعهٔ تربت حیدریه و زرندی امام جمعهٔ دهلیز شیراز نیز حضور داشتند، آیةالله منتظری گفتند: «جای بسی خوشبختی است در شرایطی که عمال امریکا در کنفرانسهای استعماری طائف و غیره با اصرار کسینجر صهیونیست برای ایجاد تفرقه و دشمنی بین طوایف مسلمین نقشه می‌کشند و طرحهای شیطانی ارائه می‌دهند در جمهوری اسلامی ایران تمام مسلمین، اعم از شیعه و سنی، در کنار هم برای پیشبرد انقلاب و مبارزه با مشکلات و موانع یکصدا شده‌اند و با رهبری امام به پیش می‌روند. ایشان در همین رابطه تأکید کردند: «معنی با هم بودن شیعه و سنی این نیست که شیعه و سنی از اعتقادات وفقه خود دست بردارند و به مذهب و فقه دیگری عمل کنند. هرگز کسی این را نگفته و نخواهد گفت و اصولاً حرف درستی هم نیست. بلکه شیعه به فقه و عقیدهٔ خود و سنی هم به مسلك خود عمل کند ولی در مسائل اصولی اسلام و در رابطه با دشمنان

مشترك صهیونیست و کفر جهانی با یکدیگر در عمل و مبارزه متحد و یکصدا شوند و اسلام را تقویت و حفظ کنند... همان گونه که بین برادران شیعه این سنت رعایت شده است، خوب است به منظور هر چه با شکوه‌تر برگذار شدن نمازهای جمعه ترتیبی بدهند تا در یك منطقه و شهر کوچك بیش از یك نماز جمعه خوانده نشود و همگی سعی کنند یك روحانی را که مورد قبول دیگران است امام جمعه قرار دهند و دیگران نیز در نماز او حاضر شوند.»

بر اساس همین گزارش آقای ناصر مکارم شیرازی با فقیه عالیقدر ملاقات و پیرامون استقبال فوق‌العادهٔ طلاب جوان از حوزهٔ علمیهٔ قم با ایشان گفت و گو کرد. در این دیدار فقیه عالیقدر تأکید کردند که باید ترتیبی داده شودتا بتوان طلاب جوان که از نظر اخلاقی و فکری تأیید شده‌اند در حوزهٔ علمیهٔ قم جذب شوند و به تحصیلات خود ادامه دهند.

۱۳۶۲/۸/۲

حجةالاسلام سیدعلی خامنه‌ای، رئیس جمهوری، پیش از شرکت در سمینار ائمهٔ جمعهٔ مراکز استانها، در قم با آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کرد. در این دیدار فقیه عالیقدر اظهار داشتند: «از جمله مسائلی که باید به آن توجه شود تأکید بر رسیدگی مسئولین ارگانها به کارهای لازم کشور و مردم در موقع خود است. چه بسا ممکن است بعضی از افراد غیر متعهد در کاری که به آنها سپرده شده و باید فوری انجام شود سستی و تعلل می‌کنند و فرصت از دست می‌رود و قهراً موجب نارضایتی مردم می‌شود.»

ایشان همچنین در مورد توجه بیشتر دولت به روستاها و دادن امکانات کافی به کشاورزان برای جلوگیری از گسترش شهرنشینی و بالا بردن سطح تولید مواد غذایی مورد نیاز تأکید کردند و در مورد لزوم به کار گرفتن نیروهای با کفایت ولایق برای کارهای مهم کشور افزودند: «باید ترتیبی اتخاذ شود تا افراد متعهد و لایق که در انقلاب نقش فعال داشته‌اند بیشتر به کار گرفته شوند و به آنها امکان و مجال خدمت به اسلام و مردم داده شود. مبادا چنین افراد متعهدی که طبعاً در آنان روحیه تملق و چاپلوسی وجود ندارد و معمولاً افراد عزیز و محترمی هستند از صحنهٔ انقلاب و خدمت کنار روند و به جای آنها افراد ضعیف و غیر مؤمن به انقلاب ولی دارای زبان تملق و تظاهر، پستها و مسئولیتهای مهم را اشغال کنند؛ که در این صورت علاوه بر منزوی شدن نیروهای ارزنده و لایق کارها هم به نحو احسن انجام نخواهد شد.»

۱۳۶۲/۸/۱۶

حجةالاسلام شرعی عضو جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم به اتفاق جمعی از مبلّغین اعزامی به سیستان و بلوچستان در قم با فقیه عالیقدر آیةالله منتظری دیدار کرد و گزارشی از طرحهای در دست اجرای سازمان تبلیغات اسلامی در شهرهای مرزی کشور را به اطلاع ایشان رساند.

در این دیدار، حضرت آیةالله منتظری ضمن تقدیر از جامعهٔ مدرسین اظهار داشتند: «من به مسئولین

هم گفته‌ام که باید ترتیبی داده شود تا روحانیون اهل سنت از نظر تحصیلات عالی در رشته‌های مختلف علوم اسلامی در داخل کشور بتوانند به تحصیلات خود ادامه دهند و مجبور نشوند برای گرفتن مدرك به بعضی از کشورها مسافرت نمایند.»

ایشان سپس به کارهای انجام شده در کُردستان توسط حجة‌الاسلام موسوی نمایندهٔ امام در این منطقه اشاره و تأکید کردند: «به جاست تشکیلاتی نظیر همین تجربهٔ آقای موسوی در کردستان در جاهای دیگر هم برای روحانیون اهل سنت به وجود آید تا آنها هم از نظر فقه خودشان و سایر علوم اسلامی که نیاز دارند، با کمکهای علمی که از طرف حوزه‌های علمیه به آنها می‌شود، تقریباً خودکفا گردند.»

۱۳۶۲/۸/۲۱

کارکنان مجلهٔ *پاسدار اسلام*، وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزهٔ علمیهٔ قم، به همراه حجة‌الاسلام محمد حسن رحیمیان سر دبیر این مجله در قم با آیة‌الله العظمی منتظری دیدار کردند. در این دیدار ابتدا گزارشی از چگونگی کار و استقبال اقشار داخل و خارج کشور از مجلهٔ *پاسدار اسلام* توسط سردبیر به اطلاع ایشان رسید. آنگاه فقیه عالیقدر ضمن تقدیر از آنان اظهار داشتند: «در شرایطی که مکتبهای انحرافی و یا مسیحیت، با آنکه محتوایی جز چند تذکر اخلاقی آن هم با تحریفهایی که شده چیز دیگری ندارند، با زبانهای مختلف و بودجه‌های کلان توسط رادیوها و مجله‌های گوناگون در دنیا تبلیغ می‌شوند، وظیفهٔ همهٔ ماست که مکتب اسلام را که دارای معارف عالی عقیدتی و قوانین زندهٔ اجتماعی، سیاسی، قضایی و حقوقی می‌باشد در اختیار طالبان حق و حقیقت قرار دهیم.»

ایشان سپس با اشاره به فرصتی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی برای نشر حقایق اسلام و معارف دینی در دنیا به دست آمده تأکید کردند: «برادران روحانی و غیرروحانی باید از این فرصت به نفع اسلام و مسلمین حداکثر استفاده را بنمایند و توقع نداشته باشند یك مرتبه ما بتوانیم تمام حقایق دینی و ارزشهای الهی را که در گوهر اسلام نهفته است به دنیا عرضه کنیم. این کار به تدریج و با تدبیر باید انجام شود و تا کنون بحمدالله موفقیتهایی داشته‌ایم و اکنون در دنیا گرایش عمیقی نسبت به اسلام و ارزشها و دستاوردهای انقلاب اسلامی به وجود آمده که بحمدالله تعالی رو به افزایش است و این وظیفهٔ نویسندگان متعهد ماست که از این فرصت الهی حداکثر استفاده کنند و با تنظیم مجله‌ها و انتشارات وزین به زبانهای مختلف مطابق با نیازهای روز حقایق دین را در دنیا منتشر کنند.»

آیة‌الله منتظری در ادامهٔ سخنانشان فرمودند: «سعی شود اکنون که این مجله در میان مردم جا باز کرده و مورد استقبال قرار گرفته محتوایش روز به روز عمیق‌تر و علمی‌تر گردد تا هر کسی آن را خواند چیزی عایدش گردد. البته شعار هم باید باشد ولی از یك مجله فقط انتظار موضوعات شعاری نیست. باید مسائل مختلف اسلامی آن هم با قلم روان و سبك مطلوب تشریح شود و در اختیار مردم و نسل جوان قرار گیرد.»

۱۳۶۲/۹/۱۴

اعضای شورای عالی قضایی در منزل آیةالله صانعی دادستان کل کشور در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و پیرامون مسائل قضایی کشور گفت و گو کردند.

در این دیدار ایشان ضمن تأکید مجدد نسبت به شناسایی و جذب نیروهای فاضل و متعهد جهت تکمیل امر قضاوت، از شورای عالی قضایی خواستند ترتیبی دهند تا قضات و دادستانهای تعیین شده طی دوره‌های منظمی کاملاً به امور قضایی و مسائل سیاسی و اجتماعی مربوط به آن توجیه شوند و تجربیات لازم در اختیار آنان قرار گیرد.»

ایشان همچنین با اشاره به لزوم مبارزه با احتکار و گرانفروشی و تقدیر از نقش دادگاهها در این مورد اظهار داشتند: «گرچه دادگاهها موظفند نسبت به موضوعات گرانفروشی و احتکار قاطعانه اقدام نمایند ولی راه اصلی مبارزه با این گونه مسائل به دست دولت و مسئولین توزیع کالاهای مورد نیاز مردم می‌باشد و به نظر من اگر کار توزیع به دست اصناف و کسبهٔ متعهد سپرده می‌شد و دولت نیز نظارت دقیق اعمال می‌کرد، زمینهٔ کمیاب شدن و بازار سیاه به وجود آمدن برای بعضی کالاها در بعضی مناطق و بالا رفتن فوق‌العادهٔ قیمت آنها به وجود نمی‌آمد و دیگر نیازی به دخالت دادگاهها نبود.»

فقیه عالیقدر یادآور شدند: «بنده کراراً به برادران محترم در هیئت دولت این نکته را تذکر داده‌ام که چرا باید مثلاً آهن از ذوب آهن اصفهان و یا بنادر کشور با زحمات و مخارج زیادی به تهران منتقل و سپس با تحمل مخارج سنگین، با این کمبود وسایل نقلیّه و لوازم یدکی، پس از مدتها تعویق و معطلی، از تهران به استانهای مجاور بنادر و کارخانهٔ ذوب آهن منتقل شود. متأسفانه در بسیاری از کالاهای دیگر وضع به همین منوال است و در چنین شرایطی است که علاوه بر احتیاج دولت به پرسنل زیادی که انگیزهٔ آنچنانی نیز برای این کار ندارند زمینهٔ احتکار و گرانفروشی در مناطق دور افتاده و مجازات دادگاهها در این مورد به وجود آید.»

ایشان همچنین در مورد جدیت نسبت به فرمان حضرت امام مدظله در مورد افرادی که ماندنشان در زندان ضروری و لازم تشخیص داده نشده توصیه‌هایی فرمودند.

خط بازیها آفت انقلاب

حضرت امام خمینی روز ۲۵ آذر ۱۳۶۲ در یك سخنرانی مهم در خصوص حمایت از دولت و مجلس شورای اسلامی فرمودند: «من الان به شما ملت ایران این گزارش را می‌دهم. شما متوجه باشید. اینها [دشمنان داخلی و خارجی] شروع کرده‌اند که از اول یك جوّی بسازند که این حکومت را بشکنند و بعد بروند به سراغ رئیس جمهورتان، مجلستان و بعد بروند سراغ روحانیون و شما از حالا بیدار باشید.»

ایشان در همین سخنرانی دستور دادند که مردم بیش از پیش دست به دست هم بدهند تا گرفتاریهای اقتصادی دولت رفع شود.

این سخنرانی بازتاب وسیعی در میان محافل داخل و خارج داشت و ملت ایران یك بار دیگر به صورت فراگیر پشتیبانی خود را از معظم‌له اعلام کردند.

دو روز پس از آن، فقیه عالیقدر آیةالله العظمی منتظری نیز در دیدار با گروهی از مردم که به ملاقاتشان رفته بودند، ضمن تأکید بر وحدت بیشتر بین اقشار مختلف، پیرامون شیوهٔ اجرای دستورات و اعمال نظرات حضرت امام مطالبی بیان داشت.

پس از اینکه سخنان آیةالله منتظری منتشر شد، سیل تلگراف و تلفن مبنی بر پشتیبانی از سخنان حضرت امام و ایشان به طرف دفترشان سرازیر شد؛ چرا که ایشان نیز همچون امام بزرگوارمان، خمینی بت شکن، از تهمت زدنها و خط بازیها، که حاصلی جز تفرقه در میان امت اسلامی و ضربه خوردن اسلام و انقلاب اسلامی نیست بسیار نگران گشته، به همگان هشدار دادند که:

«متأسفانه مشاهده می‌شود امروز مسئلهٔ تهمت زدن وانگ چسباندن به افراد خوب با آنهمه سفارشات اسلام در مورد حیثیت اشخاص رایج شده، تا آنجا که به قول رهبر معظم انقلاب اخیراً مسئلهٔ خط بازی و خط کشی معمول شده است. به نظر من این گناه بزرگی است که معمول شده و بعضی مرتکب می‌شوند و نیروهای خوب را از یکدیگر جدا می‌کنند.» و نیز در همین سخنرانی فرمود: «باید به مسئولین کشور و استاندارها و فرماندارها که نمایندهٔ رسمی و سیاسی دولت هستند شخصیت بدهیم و در مقابل از آنها کار و مسئولیت بخواهیم. اگر فرضاً اختلاف سلیقه و نظری وجود دارد هیچ وقت نباید آنان را در بین مردم کوچك کنیم. بالاخره آنها هم مثل من و شما درس خوانده‌اند و شخصیت دارند. اگر شما به فیضیه رفته‌اید آنها هم به دانشگاه رفته و با سواد شده‌اند.»

این سخنان اصولی و حکیمانه، همراه سخنان ارزندهٔ امام خمینی مورد حمایت بی‌دریغ شخصیتهای سیاسی، مذهبی، فرهنگی و بسیاری از ارگانهای انقلابی و نهادهای اسلامی واقع گردید. در اینجا سه نمونهٔ آن از ائمهٔ محترم جمعهٔ استانها نقل می‌شود.

نمونهٔ اوّل. در پی فرمایشات گهربار رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی دام ظله‌العالی و رهنمودهای آیةالله العظمی منتظری در سمینار شوراهای استانی ائمهٔ جمعه، از سوی آیةالله ملکوتی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ تبریز تلگرامی به محضر آیةالله منتظری مخابره شد. متن تلگرام به این شرح است:

«بسمه تعالی. محضر حضرت آیةالله العظمی جناب آقای منتظری دام ظله. بعد از تحیت و سلام، امروز بیانات گهربار حضرت امام عزیزمان روحی فداه که با توجه به مسائل گوناگون بیان فرمودند و هشداری دربارهٔ جوسازی و حرکتهای مرموز بعضی از مغرضین دربارهٔ ضدیت با انقلاب اسلامی و خدمتگزاران جمهوری اسلامی و دولت مکتبی را شنیدیم. ما ضمن حمایت کامل از مسئولان انقلاب اسلامی که با تمام توان بر تحقق بخشیدن به قوانین اسلامی تلاش می‌کنند، به منافقین و نوکران ابر قدرتها اعلام می‌داریم که تا آخرین نفس از مکتب انسان ساز اسلام دفاع خواهیم نمود و هکذا بیانات گهربار آن حضرت در سمینار شوراهای استانی ائمهٔ محترم جمعه و ارشادات آن فقیه عالیقدر و همچنین هشدار به اینکه یك کودتای خزنده و تدریجی برای از بین بردن فرزندان اصیل انقلاب و منزوی نمودن آنها به وجود آمده و به افراد تهمت می‌زنند، مورد تأیید بوده و این جانب پشتیبانی خود و روحانیت متعهد و مردم مبارز و شهیدپرور آذربایجان را از فرمایشات حضرت عالی اعلام می‌نمایم. والسلام علیکم و رحمة

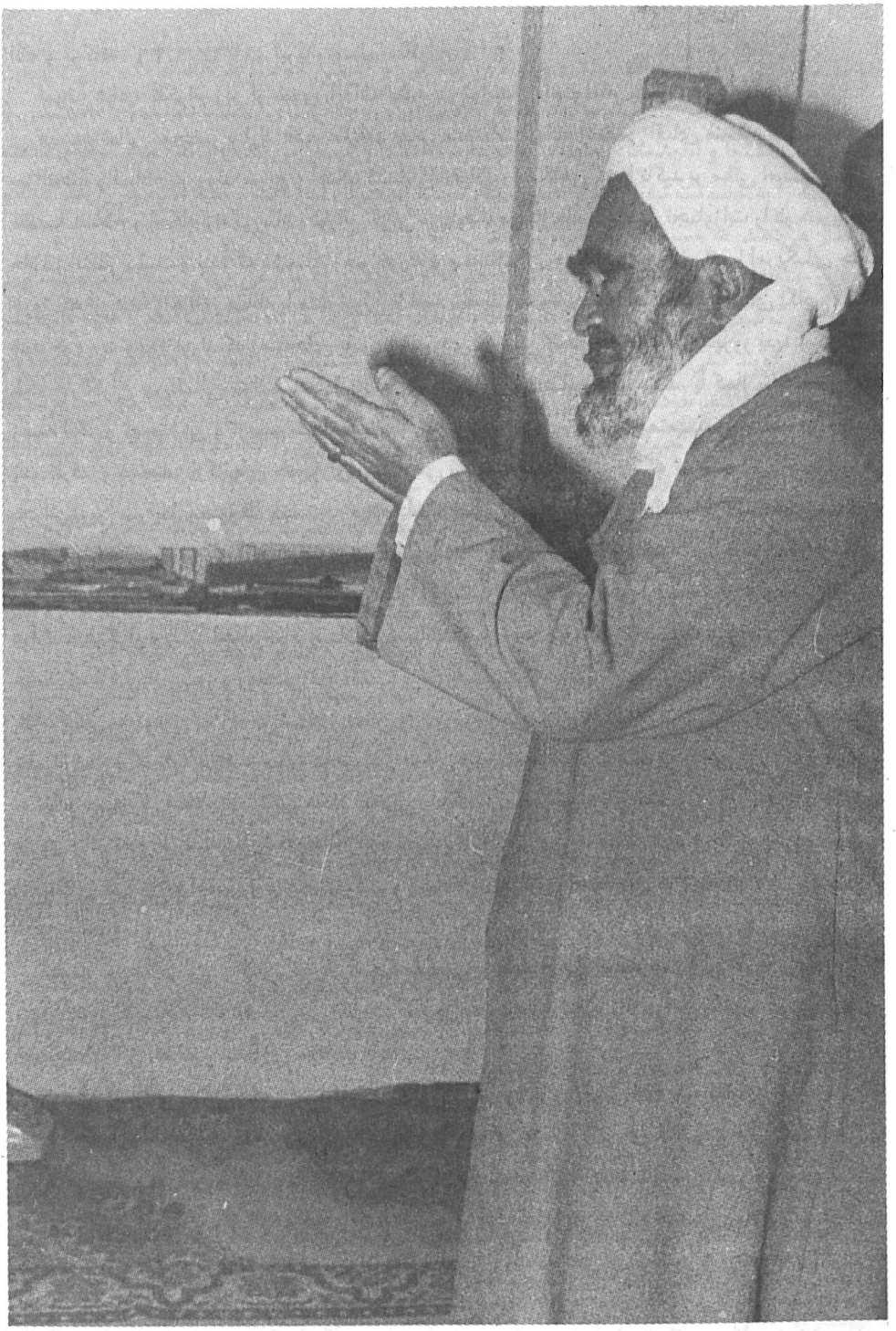

الله و برکاته. ۱۳۶۲/۹/۲۶. تبریز، مسلم ملکوتی.»

نمونهٔ دوّم. تلگرام زیر از سوی آیةالله طاهری نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ اصفهان مخابره شد:

«بسمه تعالی. محضر مبارك فقیه عالیقدر جناب مستطاب آیةالله العظمی آقای منتظری دامة برکاته، بعدالتحیة والسلام در روند سریع و آهنگ شتابان انقلاب اسلامی که با تأکید بر مبانی اصیل دیانت مقدسهٔ اسلام و احکام زندگی‌ساز و نورانی *قرآن* می‌رود تا طومار طغیانگری و تجاوزات را در هم پیچد خلاف انتظار نیست و نبود که دشمنان زخم خورده و مستکبران جهانی و در رأس آنها امریکای جنگ افروز که از همهٔ راههای مقابله با ملت ایران نا امید شده‌اند بکوشند تا با استفاده از ایادی آگاه و ناآگاه خود جوّی به وجود آورند که زمینه‌های یأس و دلسردی در میان مردم فداکار و شهیدپرور پدیدار گردد، تا بلکه غارتگران بین‌المللی بتوانند با خاطری آسوده به چپاول و تجاوز ادامه دهند. با کمال تأسف ایجاد زمینهٔ انگ و تهمت‌زدن و ترسیم خط‌وخطوط که موجب انزوای نیروهای‌متعهد و کارآمد می‌گردد از یك طرف و تضعیف ارگانهای جمهوری اسلامی و دولت خدمتگزاری که تمام سعی خود را در بحرانی‌ترین شرایط مصروف خدمت به مردم داشته است از سوی دیگر، راه را برای دشمنان اسلام و اهداف پلیدشان باز می‌کند. هوشیاری رهبر عظیم‌الشأن و واقع بین انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی روحی فداه و هشداری وظیفه‌ساز و آگاهی افزای ایشان در مواعظ پریروز نسبت به تقویت و حمایت دولت خدمتگزار و سایر اجزاء نظام اسلامی و بیانات بلیغ و جهت بخش حضرت عالی در سمینار ائمهٔ جمعه که از دلی پرسوز و روحی درد آشنا بر می‌خاست و دو جلوهٔ یك پیوند و نمودهای یك درد بود یادآوریهای به موقعی بود که بی‌شك دشمنان را مأیوس و دوستان را امیدوارتر می‌سازد. این جانب اطمینان دارم که ائمهٔ محترم جمعه در سراسر استان نیرومند اصفهان و همهٔ نیروهای یکپارچه ومعتقد به نظام جمهوری اسلامی با تأیید قاطع سخنان راهگشای حضرت امام و حضرت عالی خود را مقید به پیروی دانسته و می‌دانند. از خداوند تبارك و تعالی سلامتی وجود مبارك امام و جناب عالی و پیروزی رزمندگان عزیز را خواهانم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. اصفهان. ۱۳۶۲/۹/۲۷. سیدجلال الدین طاهری.»

نمونهٔ سوم. در پی سخنان گهربار امام امت مبنی بر پشتیبانی از دولت جمهوری اسلامی ایران، از سوی حجة الاسلام عبدالله محمدی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ ایلام تلگرامی به دفتر فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری مخابره شد.

در بخشی از این تلگرام آمده است: «پیام حیات بخش وندای ملکوتی امام مستضعفان جهان مبنی بر لزوم تقویت دولت مکتبی جمهوری اسلامی و رهنمودهای مشکل‌گشای حضرت عالی ایدهٔ نوینی در مغزهای بیدار و قلبهای پرشور و عاشق ملت ایثارگر مخصوصاً ائمهٔ جمعهٔ سراسر کشور و روحانیت مبارز به وجود آورد. این جانب از طرف خود و ائمهٔ جمعه و اهالی مؤمن و مقاوم استان ایلام پشتیبانی و حمایت کامل خود را از دولت جمهوری اسلامی ایران و جامهٔ عمل پوشاندن به رهنمودهای آن فقیه عالیقدر و آمادگی مردم مسلمان این منطقه جهت کمك و همکاری با دولت اعلام می‌دارم. امید است این هفتهٔ وحدت که به پیشنهاد مدبّرانهٔ آن حضرت تثبیت گردید راهنما و مشکل‌گشا برای امت اسلامی باشد

تا در سایهٔ این وحدت بتوانند ارزشهای والای اسلامی و انسانی خود را بازیابند.»

نکتهٔ قابل ذکر. در وضعیت موجود جامعهٔ انقلابی ایران، جناحهای بعضاً دلسوز و متعهدی با سلیقه‌ها، برداشتها و اندیشه‌های متفاوتی وجوددارد که دشمن سعی‌می‌کند این اختلاف‌سلیقه، برداشت و اندیشه را به خصومت تبدیل کند و همین نکته است که فریاد امام امت و فقیه عالیقدر را بلند کرده و هشدار می‌دهند که مسلمانان به هوش باشند.

این جناحها و جمعیتها، سعی وافر دارند هر کدام خودشان را به نوعی مبین خط امام بدانند، و از طرفی می‌کوشند، دیگران را مخالف خط امام قلمداد کنند، و لذا هرگاه حضرت امام یا فقیه عالیقدر سخنی می‌گویند مبنی بر عدم تفرقه و ایجاد محبت و دست کشیدن از اعمال و رفتار غیر صحیح، هر جناحی طبق برداشت خود، هشدارهای این دو بزرگوار را متوجه طرف مقابل می‌داند. بدین صورت که هر جناح خود را از هر حیث مبری و بدون اشکال پنداشته، دیگران را که احیاناً سلیقهٔ دیگری دارند منحرف یا جاهل و یا فاصله‌دار از خط امام قلمداد می‌کند.

در چنین شرایطی باید دقت شود کسانی که تبلیغ می‌کنند که حضرت امام و آیةالله منتظری مردم را از خط بازیها و تهمت زدنها برحذر می‌دارند، آیا خودشان در امور جاری برخوردهای خطی نمی‌کنند؟ نکتهٔ ظریف این جاست که هر شخص یا جناح یا جمعیت، نباید مخاطبان هشدارهای حضرت امام و فقیه عالیقدر را دیگران بداند و خود را در میان موجی از انسانهای آزاده و شهیدپرور تبرئه کند.

امروزه با کمال تأسف جناحهای متنفذی در دستگاههای تبلیغاتی و رسانه‌های گروهی انقلاب اسلامی وجود دارد که خود را بسیار نزدیك به آیةالله منتظری و نظرات حضرتش معرفی می‌کند و با آب و تاب تمام این گونه هشدارهای به جا و شایستهٔ امید امت و امام را تحلیل و تفسیر می‌کند و می‌خواهد بگوید حرف ما هم همین است که فقیه عالیقدر می‌زند! امّا همین جناح تحلیل‌گر پر مُدعّا در خط بازی و زدن انگ و تهمت، شیوه‌ای ماهرانه دارد که یکی از آثار وجودی اعضای این جناح براریکهٔ قدرت اجرایی، حذف نیروهای مؤمن، مخلص و متعهد بسیاری است. اتفاقاً حضرت امام خمینی و آیةالله منتظری تمامی سوز و گدازشان در رابطه با حذف و طرد انقلابیون صدیق و حزب اللهی‌های متعهد از مواضع مسئولیتهای کوچك و بزرگ، به دلیل برخوردهای غیر اصولی و رفتار خارج از تعهد چنین جناحی است، ولی می‌بینیم که همینها، این بیانات رهبر انقلاب و دلسوزان دیگر را در رسانه‌های گروهی کتبی و شفاهی، به خدمت مبارزه با جناح مقابل می‌گیرد.

نوشتهٔ زیر پاسخ فقیه عالیقدر به حمایتهایی است که از سخنان امام و تذکرات فقیه عالیقدر صورت گرفت.

«بسمه تعالی. حضور محترم آیات و حجج اسلام، ائمهٔ محترم جمعه و جماعات و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و جوامع روحانیّون مبارز شهرستانها و مسئولین بسیاری از ارگانها ونهادها ایدهم الله تعالی، ضمن تشکر از ارسال تلگرامها و نامه‌های آقایان محترم در مورد پشتیبانی از رهنمودهای اخیر مقام معظم‌رهبری انقلاب مدظله و تذکرات اخیر برادرانهٔ این جانب یادآور می‌شوم در

شرایط فعلی انقلاب که دشمنان شکست خوردهٔ اسلام و عوامل داخلی آنها تلاش وسیعی را برای برهم زدن وحدت کلمهٔ موجود و خراب و منزوی نمودن نیروهای لایق و متعهد نسبت به اسلام و انقلاب شروع نموده‌اند وظیفهٔ همهٔ افراد و طبقات است که با اتکا به محورهای اصولی و مورد اتفاق همه، کاری نکنند که خدای ناکرده موجبات رضایت و شادی دشمنان فراهم گردد و اگر احیاناً اختلاف نظر در پاره‌ای از مسائل جزئی و غیراصولی وجود دارد با همان شیوهٔ اسلامی مورد نظر *قرآن* و عترت، آنها را مطرح و حل کنند.

آقایان کاملاً توجه دارند دشمنان اسلام و انقلاب پس از شکست و به بن‌بست رسیدن توطئه‌های نظامی و اقتصادی و تبلیغیشان علیه جمهوری اسلامی ایران به فکر جدید افتاده‌اند و می‌کوشند با القائات مختلف توسط رادیوها و عوامل خودشان زمینهٔ بدبینی را بین ملت و دولت به وجود آورند و در روز جناحی را علیه‌جناحی دیگر حساس و تحریك می‌کنند تا بتوانندوحدت کلمه و تفاهم موجودراخدشه‌دار سازند و تعدادی از نیروهای متدین و انقلابی را به بهانهٔ اینکه این خط چیست و آن خط فلان، از صحنه دور نمایند تا انقلاب از داخل رو به پوچی و پوسیدگی برود و اگر امروز که در آستانهٔ انتخابات مجلس شورای اسلامی هستیم به این خطر توجه نشود و رهنمودهای به موقع حضرت امام مدظله عملی نگردد ممکن است خدای ناکرده در موقع انتخابات توطئهٔ جدا نمودن نیروهای اصیل و در خط اسلام و انقلاب و انزوای آنان عملی شود و ضربهٔ محکمی به کیان نظام جمهوری اسلامی وارد آید. از خداوند متعال توفیق بیش از پیش آقایان معظم را در حفظ دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی و تحکیم وحدت کلمهٔ ملت آگاه و پیروزی نهایی رزمندگان اسلام در تمام جبهه‌ها و طول عمر رهبر بزرگ انقلاب را مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. ۶۲/۱۰/۲، قم. حسینعلی منتظری.»

۱۳۶۲/۱۰/۱۰

حجةالاسلام شیخ راغب حرب[۷۳] از علمای مبارز لبنان با آیةالله العظمی منتظری دیدار کرد و گزارشی از مبارزات و تظاهرات اخیر مردم لبنان را به اطلاع ایشان رساند.

در این دیدار فقیه عالیقدر ضمن تقدیر از تظاهرات یکپارچهٔ اخیر اقشار و طبقات شیعه و سنی در لبنان اظهار داشتند: «این مقاومت و فداکاری ملت مسلمان لبنان در برابر دخالت‌های صهیونیستها و قدرتهای بیگانه در آن کشور مایهٔ امید است و طبق وعده‌های صریح *قرآن* پیروزی آنها انشاءالله قطعی است. خداوند آنها را تأیید کند و توطئه‌های دشمنان اسلام را به دست مسلمانان شجاع و مبارز نابود سازد.»

بر اساس همین گزارش همچنین حجج اسلام محقق رئیس سازمان بازرسی کل کشور و مروی

۷۳. شیخ راغب حرب، از علمای مبارز، پرتحرك و شجاع لبنان و امام جمعهٔ یکی از شهرکهای جنوب لبنان به دلیل اینکه در میان مسلمانان جنوب لبنان محبوبیت زیاد داشت و در هدایت مردم علیه اسرائیل غاصب و تجاوزگر نقش فعالی ایفا می‌کرد در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۲۸ به دست صهیونیستها به شهادت رسید.

دادستان دادگاه انتظامی قضات و ائمهٔ جمعهٔ آبادان، سیرجان، طبس و محمودآباد، همچنین چند تن از علمای مبارز عراق و آقایان دکترهادی و خسروی نمایندگان تهران و میاندوآب جداگانه با آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند. در این دیدار امام جمعهٔ سیرجان مبلغ چهار میلیون ریال وجه نقد و بیش از نیم کیلو طلا و مقداری نقره از طرف اهالی سیرجان برای کمك به جبهه‌های جنگ تحمیلی تقدیم فقیه عالیقدر نمود و ایشان ضمن تقدیر و تشکر از مردم فداکار سیرجان برای پیروزی نهایی رزمندگان شجاع اسلام در تمام جبهه‌ها دعا کردند.

۱۳۶۲/۱۰/٤

جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات ضمن تقدیم نامه‌ای به محضر آیةالله منتظری نظر ایشان را دربارهٔ سیگار جویا شد. متن نامهٔ جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات چنین است:

«محضر آیةالله العظمی منتظری مدظله العالی. پس از تقدیم عرض سلام و ادعیهٔ خالصانه توجه جناب عالی را به یکی از فسادهای جاری در جامعه یعنی استعمال دخانیات که در طول صد سال خیانت حکام جور و عدم آگاهی مردم از زیانهای آن توسط اجانب و استثمارگران به ملل مستضعف و جوامع اسلامی و همچنین ملت مسلمان ما تحمیل گردیده است [جلب می‌کنیم]. این خسرانهای جانی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این بدعت زیانبار در گذشته و حال و نسلهای آینده از نظر متخصصین و صاحبنظران و پزشکان متعهد محرز و مسلم می‌باشد. این زیانها به طور فشرده در نامهٔ سرگشادهٔ جمعیت که در روزنامه‌ها چاپ و نسخه‌ای نیز تقدیم حضور گردیده توضیح داده شد و اینك نیز نظر جناب عالی را مجدداً به این مسئلهٔ مهم و خطر اجتماعی [آن] جلب نموده استدعا دارد به مسئولان کشوری، همچنین نمایندگان خود و ائمهٔ جمعه و جماعات توصیهٔ مؤکد فرمایند که با دادن آگاهی به مردم در رابطه با زیانهای مختلف دخانیات و ارشاد نسبت به ترك این عادت تحمیلی و منکر معروف شده و در رسانه‌های گروهی، نمازهای جمعه و جماعات اقدامات لازم و مؤثر مبذول فرمایند. بدیهی است که جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات نیز با کلیهٔ امکانات خود برای تحقق این هدف مقدّس در خدمت خواهد بود. نظر حضرت آیةالله العظمی منتظری زیرنامه چنین آمده است:

«بسمه تعالی. بر حسب شهادت دکترهای متخصص و علاقه مند و متدین، دخانیات معموله با قسامها حاوی سموم مضره است که هم برای استعمال کننده ضرر دارد و او را در معرض امراض خطرناك از جمله سرطان قرارمی‌دهد و هم برای افرادی که هوای مسموم را در مجاورت او استنشاق می‌کنند ضرر دارد و علاوه هر روزه میلیونها تومان به مصرف دخانیات می‌رسد و میلیونها ارز کشور برای آن خارج می‌شود و این سوغاتی است که استعمارگران غرب برای ملل شرق به ارمغان آورده‌اند. پس بر هر مسلمان غیوری لازم است که مضار و آثار شوم دخانیات را مورد بررسی قرار دهد و خود را آلوده نکند و اگر معتاد است حتی‌المقدور ترك نماید و سعی کند ریشهٔ سلامتی خود را به دست خود نزند و پولی را که با زحمت به دست می‌آورد به مصارف مهم زندگی برساند؛ نه اینکه آن را دود کند و به هوا بفرستد و خود و دیگران را نیز مسموم نماید و به جاست ائمهٔ جمعه و جماعات و گویندگان و نویسندگان محترم نیز

۱۸۶ بسمه تعالی صفحه متن

بسمه تعالی

شماره ۲۶۵
تاریخ ۵۲/۷/۲۸
پیوست

جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات

بسم الله الرحمن الرحیم

محضر آیت‌الله العظمی منتظری مد ظله العالی

پس از تقدیم عرض سلام و ادعیهٔ خالصانه، توجه جنابعالی را به یکی از فسادهای جاری در جامعه یعنی استعمال دخانیات که در طول چند صد سال خیانت حکّام جور و عدم آگاهی مردم از زیانهای آن توسط اجانب و استثمارگران، بطل مستضعف و جوامع اسلامی و همچنین ملت مسلمان ما تحمیل گردیده است و این خسرانهای جانی، بهداشتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این بدعت زیانبار در گذشته و حال و نسلهای آینده از نظر متخصصین و صاحبنظران و پزشکان متعهد، محرز و مسلّم میباشد.

این زیانها بطور فشرده در نامهٔ سرگشادهٔ جمعیت، که در روزنامه جام و نسخه ای نیز تقدیم حضور گردیده ترضین داده شد، و اینک نیز نظر جنابعالی را مجدداً باین مسئله مهم و خطیر اجتماعی جلب نموده و استدعا دارد بمسئولان کشوری و همچنین نمایندگان خود و ائمه جمعه و جماعات توصیهٔ مؤکد فرمایند که با دادن آگاهی به مردم در رابطه با زیانهای مختلف دخانیات، و ارشاد نسبت به ترک این عادت تحمیلی و منکر معروف شده، در رسانه های گروهی، نمازهای جمعه و جماعات اقدامات لازم و موثر مبذول فرمایند. بدیهی است که جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات نیز با کلیه امکانات خود برای تحقق این هدف مقدس در خدمت خواهد بود.

والسلام علی عبادالله الصالحین

جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات

۵۱۸

مردم را نسبت به مضار دخانیات آگاه نمایند. والسلام علیکم و رحمةالله. حسینعلی منتظری.

کشاورزان، گنجهای روی زمین‌اند.
۱۳۶۲/۱۰/۱۵

نمایندگان شوراهای اسلامی روستاییان، همراه نمایندهٔ امام در جهادسازندگی، با آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند. در ابتدا آقای نوری نمایندهٔ امام گزارشی از کار شوراهای اسلامی و نقش آنها در تشکل فعالیت روستاییان را به اطلاع ایشان رساند. آنگاه فقیه عالیقدر ضمن اشاره به وضع روستاها قبل از فرمان امام و تأسیس جهادسازندگی اظهار داشتند: «من از کسانی هستم که از روز اول تأسیس این نهاد انقلابی و مردمی تا کنون به آن علاقمند بوده و تقویت آن را وظیفهٔ خود می‌دانسته‌ام و اکنون که بنا شده است به شکل وزارتخانه درآید امیدوارم جنبهٔ انقلابی و به دور از کاغذبازی بودن کارش محفوظ بماند و حتی برای سایر وزارتخانه‌ها هم این وضع سادگی و بدون تشریفات آن الگو و نمونه باشد.»

ایشان در رابطه با وظایف شوراهای اسلامی جهادسازندگی اظهار داشتند: «برادران سعی کنند ضمن سفارش دیگران به کارهای عُمرانی و رفاهی، خودشان هم با مردم تشریك مساعی بکنند و مستقیماً در کارها شرکت کنند. حرفشان و تبلیغاتشان تأثیر بیشتری در بین مردم دارد... شوراها علاوه بر تلاش درکارهای عمرانی، به کارهای فرهنگی و اسلامی در روستاها هم توجه نمایند و با ساختن کتابخانه و نشر کتابهای لازم و مفید و تشکیل جلسات سخنرانی و دعوت از گویندگان کاری کنند تا سطح معلومات و فرهنگ مذهبی روستاییان بالا برود... روستاییان عزیز در حقیقت ولی نعمت همهٔ ما هستند. سایر اقشار و طبقات و شهروندان ما مصرف کنندهٔ چیزهایی هستند که روستاییان آنها را تولید می‌کنند. بنابراین باید هم دولت و هم روحانیت و گویندگان مذهبی بیشتر به ولی نعمتهای خود توجه نمایند. در شهرها معمولاً هم امکانات رفاهی و هم تبلیغی بیشتر از روستاها وجود دارد. در صورتی که در بعضی روایات اسلامی زارعین کنوز الهی و گنجهای روی زمین به حساب آمده‌اند. الزارعون کنوز الله. در حقیقت هم همین است. ذخایر واقعی و ارزاق جامعه به دست زارعین و روستاییان سپرده شده و باید همگی کمتر شعار بدهیم و بیشتر به مسائل و نیازهای آنها توجه کنیم. یکی از مسائلی که امروز در جامعهٔ ما وجود دارد، مصرف زیاد شهرنشینان است. امروز مصرف زیاد موادغذایی همچون گوشت، گندم و برنج و اسراف و تبذیری که در بسیاری از خانواده‌های مرفه و شهرنشین وجود دارد، رنج آور و از گناهان می‌باشد. چرا باید در حالی که ما در خرید موادغذایی هنوز به خارج از کشور محتاجیم و سطح زندگی در روستاهای ما به مراتب از شهرها نازل‌تر است، در بعضی خانواده‌های شهرنشین اینچنین مصرف غذا و گوشت زیاد باشد و مثلاً در یك میهمانی به اندازهٔ چند روز غذا پخته شود و زیادی آن دور ریخته شود؟ این هم اسراف است و از محرمات می‌باشد. من یادم هست پدرم مرا می‌فرستاد در دکان و به اندازهٔ یك عباسی یعنی یك چهارم و پنجم ریال گوشت می‌خریدم و یك خانوادهٔ هفت هشت نفری با آن اداره می‌شد و اکثر شما درگذشته وضعتان همین طور بوده، حالا چرا باید ما این قدر گوشتخوار باشیم تا مجبور شویم از خیلی از جاها گوشت وارد کنیم. خانواده‌های مرفه و متمکن به جای این گونه

تشریفات و تجملات و مصرفهای زیاد و اسراف که در یك میهمانی و یا عروسی مرتکب می‌شوند می‌توانند چند خانوادهٔ محتاج را به نان و نوایی برسانند و یا مثلاً وسیلهٔ ازدواج چند دختر و پسر را که وقت ازدواجشان رسیده و به خاطر همین تشریفات کمرشکن نمی‌توانند ازدواج کنند، فراهم کنند.»

ایشان در همین رابطه تأکیدکردند: «تا در جامعهٔ ما سطح تولید کم‌ومصرف زیاد و خارج ازحدّمتعارف باشد شعارمرگ‌برامریکا و مرگ برشوروی ما مفهومی ندارد.زیرا باید به دنبال این شعارها، تدریجاً وابستگیهای خود را به آنها کمتر و به طور کلی قطع کنیم و باید توجه شود که جهاد واقعی که بسیار هم ثواب دارد برای شهرنشینها کم کردن مصرف غذا و تشریفات زندگی و برای روستاییان تلاش در بالا بردن سطح تولید می‌باشد. ملت ما باید خود را برای رساندن به حد خودکفایی آماده کند و این معنا باید از کم کردن مصرف و زیاد نمودن تولید موادی که به خارج محتاجیم شروع شود.»

در پایان فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری با اشاره به گرفتاریها و مشکلات دولت تأکید کردند: «همه می‌دانیم که دولت با اینکه تلاش خود را در رفع کمبودها در روستاها می‌کند، ولی معذلك انتظار می‌رود بیش از پیش به مسئلهٔ روستاها و دادن امکانات کشت و تولید به روستاییان و رفع موانع اداری دست و پا گیر تلاش کند. مثلاً گاهی شنیده می‌شود یك روستایی باید برای یك کار جزئی چند روز وقت خود را در شهرها و پشت در این اداره و آن اداره از بین ببرد و آخرش برای گرفتن یك امضا و یا برگه‌ای موفق نشود. این گونه امور است که معمولاً برادران روستایی را خسته و مأیوس می‌کند و آنها را از کار و زندگیشان باز می‌دارد. از دولت انتظار می‌رود که این موانع را از سر راه آنها بردارد و دستور دهد کارهای مربوط به آنها را سریع‌تر انجام دهند، تا بتوانند به جهادشان ادامه دهند. از روستاییان عزیز هم انتظار داریم قصدشان را در این جهاد بزرگ خالص کنند و برای خدا بیشتر فعالیت کنند و بدانند کار آنها طبق فرمودهٔ حضرت امام باقر ع از بهترین عبادات پیش خدا می‌باشد. آن حضرت در جواب اعتراضی که به تلاش ایشان در هوای گرم مدینه برای کشت می‌کردند فرمودند: اگر در این ساعت که مشغول کار و تلاش برای رفع حوائج خود و عائله‌ام می‌باشم اجلم برسد، مطمئن هستم که در بهترین ساعات به ملاقات خدای خود رفته‌ام.

حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن توجّه دادن به روستاییان به مشکلات ناشی از جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی ابر قدرتها، از آنها خواستند سعی کنند پولی را که به عنوان وام و غیره از طرف دولت در اختیار آنها قرار می‌گیرد به جای صرف کردن در خرید امثال تلویزیون و چیزهای غیرلازم، آن را در امر کشت و تولید صرف کنند تا انشاءالله تدریجاً نیاز کشور از خارج قطع شود.»[۷۴]

یك ماه پس از فرمایشات دل سوزانهٔ آیةالله منتظری در خصوص رسیدگی به کشاورزی در روستاها و ایجاد تسهیلات برای این زحمتکشان جامعه، شورای عالی کشاورزی اعلام کرد تسهیلات لازم برای سرمایه‌گذاری صنایع روستایی را فراهم خواهد کرد. جراید گزارش دادند:

شورای عالی کشاورزی صبح دیروز به ریاست مهندس میرحسین موسوی نخست وزیر تشکیل جلسه

۷۴. اطلاعات ۶۲/۱۰/۱۷

داد. در این جلسه که به پی‌گیری رهنمودهای حضرت آیةالله العظمی منتظری در مورد کشاورزی و مهاجرت روستاییان اختصاص یافته بود، مسائل مختلف در رابطه با فرمایشات ایشان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و مقرر شد که تسهیلاتی برای سرمایه‌گذاری صنایع روستایی جهت بالا بردن درآمد روستاییان عزیز در روستاها فراهم گردد و بخش خصوصی به این امر خطیر ترغیب شود. همچنین مقرر شد که جهت سرمایه‌گذاری برنامه‌ای در مرکز دهستانها، سرمایه‌گذاری زیربنایی در رابطه با کشاورزی افزایش یابد و قرار شد وزارت کشاورزی در این خصوص طرحی تهیه نماید. (کیهان ۱۳۶۲/۱۱/۱۶)

همچنین وزیر کشاورزی و شورای مرکزی جهاد سازندگی نامه‌ای سرگشاده خطاب به معظم‌له ارسال کردند که متن آن به شرح زیر است:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم. محضر مبارك فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری دامت‌برکاته، باعرض سلام و احترام به استحضار می‌رساند سخنان پرسوز حضرت عالی در آستانهٔ ششمین سال پیروزی انقلاب اسلامی و تأکید بر ضرورت تفکر و تلاش گسترده در جهت بهبود وضعیت کشاورزی و روستاها ضمن آنکه بر مسئولیت ما جهت احیای هرچه سریع‌تر کشاورزی کشور می‌افزاید، در عین حال نیز مایهٔ دلگرمی و موجب امتنان و تشکر بی‌اندازهٔ ما از توجه و سخنان حضرت عالی به عنوان درد آشنایی با مسائل روستاهای کشور می‌باشد.

همان طور که حضرت عالی بارها تأکید فرموده‌اید بعد از جنگ حیاتی‌ترین و مهم‌ترین مسئلهٔ کشور که در جهت تحقق شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی نقش اصولی و اساسی دارد و در جهت رهایی از سلطهٔ اقتصادی استکبار جهانی نقش عینی و واقعه‌ای را ایفا می‌نماید، مسئلهٔ کشاورزی در روستاهاست. ابعاد مسئله آنقدر عمیق و حساس است که کشاورزی را به‌عنوان وجه غالب‌تولیدکشوربه عنوان یك مسئلهٔ سیاسی ـ اقتصادی مطرح می‌سازد.

گستردگی کار با در نظر گرفتن امکانات بالقوهٔ تولید حدود پنجاه درصد از جمعیت کشور که در روستاها به امر کشاورزی مبادرت می‌ورزند، میزان اشتغال، اثر ضد تورمی تولیدات کشاورزی و پایین بودن تولید سرانهٔ محصولات کشاورزی از حد انتظار، مسئلهٔ مهاجرت و گسترش روز افزون جامعهٔ مصرفی شهری و وابستگی به واردات موادغذایی و اختلاف امکانات در شهر و روستا، همهٔ ارگانها و نهادها را در جهت یك بسیج عمومی به منظور آبادی روستاها، بالا بردن سطح تولید، ایجاد امکانات رفاهی و افزایش درآمد روستاییان و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه به شهرها را به استعانت می‌طلبد و موارد زیر را مورد امعان نظر قرار می‌دهد:

۱. با در نظر گرفتن اهمیت کشاورزی در توسعهٔ اقتصادی و اینکه سرمایه‌گذاری دولت در کارهای اساسی و زیربنایی مثل حفظ و احیای آب و خاك و جنگل و مرتع... را اجتناب ناپذیر می‌داند، با توجه به بالا رفتن کارآیی و تهیه و تجهیز ادوات و ابزارهای مورد نیاز تولیدات که در استانها فراهم شده است، انتظار دارد پس از اعتبارات دفاعی به اعتبارات بخش کشاورزی توجه خاصی شود و در حدّ توان دستگاههای اجرایی مربوطه تخصیص یابد.

۲. به منظور ایجاد ثبات و تشویق و امکان سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و در نتیجه بالا رفتن

تولیدات کشاورزی، مشخص شدن وضع مالکیت، از جمله مالکیت اراضی مزروعی، بخش عمده‌ای از مشکلات و موانع موجود در راه تولید را برطرف خواهد نمود.

۳. نظر به اینکه روستا به عنوان محل اصلی تولید کشاورزی است و کشاورزی باید محور تولید اقتصادی قرار گیرد، لذا کلیهٔ امکانات دستگاههای اجرایی را طلب می‌نماید. امید است علاوه بر حضور فعال وزارت کشاورزی و جهاد سازندگی، سایر ارگانهای ذی‌ربط نیز سیاستها، برنامه‌ها و امکانات اجرایی و تشکیلاتی خود را در جهت احیای روستاها و کشاورزی معطوف نمایند.

٤. همان طوری که بارها متذکر شده‌اید مسئلهٔ مهاجرت روستاییان به شهرها به صورت مشکل اساسی مطرح است. ضرورت فوری پرداختن به نظام تولید کشاورزی و سوق دادن سرمایه‌ها و فراهم آوردن زمینه‌های اشتغال روستاییان در روستاها از اهمیت خاصی برخوردارند.

در نهایت بار دیگر از رهنمود وتأکیدات حضرت عالی کمال تشکر و امتنان را می‌نماییم.

امید است با تلاش و پیگیری همه جانبه بتوانیم در عمل رهنمودهای شما را نصب‌العین قرار دهیم تا موجبات رضای خداوند متعال و امام بزرگوار و مردم شهیدپرور و ایثارگر را فراهم سازیم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. وزارت کشاورزی، دکتر عباسعلی زالی. شورای مرکزی جهاد سازندگی، زنگنه.

۱۳٦۲/۱۱/٦

کارکنان مرکز اسناد انقلاب، به همراه سیدحمید روحانی سرپرست این مرکز، و اعضای دفتر :نگارش تاریخ انقلاب اسلامی با آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند. در این دیدار ابتدا سرپرست مرکز اسناد انقلاب گزارشی از جریان کار این مرکز را به اطلاع ایشان رساند. آنگاه فقیه عالیقدر ضمن تقدیر از خدمات آنان به تفسیر سورهٔ والعصر پرداختند و با اشاره به معانی مختلفی که در تفاسیر برای «عصر» گفته شده احتمال اینکه مراد از عصر در این سوره تاریخ بشریت و جریانات آموزندهٔ آن باشد را یادآور شدند و اظهار داشتند: «طبق این احتمال، تاریخ انسانها دارای اهمیت و قداست خاصی است که خداوند متعال به آن قسم یاد می‌کند و با قسم به آن می‌فرماید تمام انسانها در زیان و بدبختی‌اند مگر دستهٔ مؤمنین به خدا و صالحین و صابرین در تمام مشکلات و سختیها... اهمیت تاریخ این است که اگر انسان در جریانات تاریخی و علل شکست و پیروزی و سعادت و شقاوت ملتهای گذشته مطالعه و دقت کند می‌تواند راه درست و رمز سعادت را برای آیندهٔ خود انتخاب کند.... از این رو مسئلهٔ تاریخ را باید جدی گرفت و اکنون که اسناد انقلاب به دست شما سپرده شده در حقیقت تاریخ یك ملتی است و اسرار آن به عنوان امانت به دست شما داده شده است. لذا باید در درجهٔ اول نگهبان امین و خوبی باشید برای آن و نگذارید خدای نکرده این امانت ملت و انقلاب در اثر سستی و یا عوامل دیگر در معرض نابودی قرار گیرد. از طرف دیگر شما باید اسرار مردم را از افتادن به دست این و آن حفظ کنید. ممکن است افرادی درگذشته به عللی لغزشهایی کرده‌اند، ولی امروز که دارند به انقلاب و اسلام خدمت می‌کنند به هیچ وجه نباید سرّ آنها افشا شود. شما باید این امانت را از هر نظر حفظ کنید.»

آیةالله منتظری دربارهٔ استفاده از اسناد انقلاب برای نوشتن یك تاریخ متقن و محکم برای انقلاب اظهار داشتند: «در شرایطی که دشمنان ما به فکر نوشتن تاریخ انقلاب افتاده‌اند وظیفهٔ ما بسیار سنگین است. من شنیده‌ام در امریکا هیئتی مشغول نوشتن دایرةالمعارف اسلام و انقلاب شده است و قسمت مربوط به تشیع را به اسرائیلیها محول کرده‌اند، که آنها برای شیعه تاریخ بنویسند و معلوم است که تاریخی که راجع به اسلام به دست دشمنان و مغرضین نوشته می‌شود چگونه تاریخی است. در چنین شرایطی این وظیفهٔ محققین اسلامی و دانشمندان متعهد ماست که سعی کنند یك تاریخ دقیق، مستند و محکمی برای انقلاب بنویسند و در اختیار نسلهای آینده قرار دهند و سعی کنند در نوشتن تاریخ به شایعات و جوسازیها اعتماد نکنند و مدرك آنها واقعیات و حقایق تاریخی محکم و متقن باشد... ممکن است خودمان هنوز به عمق انقلاب و اهمیت آن واقف نشده باشیم، ولی دشمن کاملاً به اهمیت انقلاب عظیم ما و تأثیر جهانی آن پی برده است. بی جهت نیست که ابر قدرتها در اظهاراتشان انقلاب اسلامی را یك خطر جدی برای منافع خود در دنیا دانسته‌اند. شما ملاحظه کنید در مراکش همزمان با تشکیل کنفرانس استعماری، ملت مسلمان مراکش چه عکس‌العملی نشان داد و سران مرتجع وابستهٔ بسیاری از کشورهای منطقه به دستور امریکا در یك کنفرانس جمع شده‌اند تا جنایات امریکا و اسرائیل را در منطقه رسمیت دهند و توطئهٔ جدیدی را برابر ملتهای منطقه و اشغال قدس عزیز پایه‌ریزی کنند و به جای محکوم کردن دخالتهای امریکا و شوروی در لبنان و افغانستان در صدد به رسمیت شناختن اسرائیل و کشیدن رژیم خائن مصر به کنفرانس سران کشورهای اسلامی برآمدند. ولی علی‌رغم تلاش گستردهٔ این سران مرتجع و اربابان آنها، ملتها بحمدالله بیدار شده‌اند و مبارزه و پیروزی بر یك رژیم وابسته به امریکا را ممکن می‌دانند. من یادم هست در همین جا در آن موقع خفقان که ما اعلامیه می‌نوشتیم و به دنبالش به زندان و تبعید می‌رفتیم عده‌ای از افراد و دوستان ما که آدمهای خوبی هم بودند ما را تخطئه می‌کردند و این کارها را دیوانگی می‌دانستند و می‌گفتند مگر با دست خالی می‌شود با شاه مبارزه کرد. ولی پیروزی انقلاب اسلامی ثابت کرد که اگر ملتی ایمان داشته باشد با وحدت کلمه بر دشمن ـ هر چند قوی و مسلح هم باشد ـ پیروز خواهد شد و امروز سایر ملتهای زیر ستم و محروم راه خود را یافته‌اند و موج حرکت و نهضتهای اسلامی در دنیا رو به گسترش است. ملاحظه کنید امروز امریکا، فرانسه و شوروی در لبنان، افغانستان و جاهای دیگر چگونه به ستوه آمده‌اند و در فکر نجات خود برآمده‌اند. طرح امریکا برای جایگزین کردن سربازان سازمان ملل در لبنان به معنی شکست سربازان امریکایی و فرانسوی است. آنها دارند با حیله و زرنگی از مهلکه در می‌روند. ملت مسلمان ما با اسارت گرفتن جاسوسان امریکایی در سفارت خودشان شاخ این غول وحشی را شکست و وجههٔ جهانی آن را از بین برد و امروز امریکا و شوروی در دنیا آبرویشان دارد می‌رود و هر کجا دخالتی کرده‌اند با ملتهای مقاوم و بیدار رو به رو شده‌اند و تمام اینها به خاطر الهام از ملت بزرگ ماست. به این دلیل است که شرق و غرب تمام توانشان را متمرکز در حفظ صدام متجاوز کرده‌اند. آنها به خیال خود با تقویت صدام می‌خواهند جای پای خود را محکم کنند و انقلاب ما را بشکنند ولی مقاومت و فداکاری ملت و رزمندگان شجاع ما تمام توطئه‌های آنها را نقش برآب کرد و ما امیدواریم رزمندگان اسلام خود را برای دادن جواب آخر آماده

کنند و در فکر این نباشند پیروزی نهایی به اسم ارتش یا سپاه و یا بسیج تمام می‌شود یا نه. همه یکی هستند و کارهایشان را برای رضای خدای متعال انجام می‌دهند. ما نباید خدای نکرده دنبال قهرمان باشیم. خداوند به همهٔ آنها قدرت و قوت عنایت فرماید و پیروزی نهایی را به دست آنها نصیب اسلام بگرداند و به رهبر انقلاب هم طول عمر عطا فرماید.»

۱۳۶۲/۱۱/۲۳

حضرت امام خمینی با توجه به اهمیتی که برای رسیدگی به وضعیت زندانیان قائلند هیئتی را مأمور رسیدگی به امور زندانیان خصوصاً نادمین آنها کردند. هیئت منصوب از طرف حضرت امام برای رسیدگی به امور زندانیان نادم با حضرت آیةالله منتظری دیدار و گفت و گو کردند.

در این دیدار ابتدا گزارشی از کارهای انجام شده به اطلاع ایشان رسید. آنگاه حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن اشاره به اهمیت و حساسیت کار هیئت و تقدیر از خدمات آنان اظهار داشتند: «آنچه هدف اصلی از تشکیل این هیئت بود تأمین نظر مبارك رهبر انقلاب است که افرادی که واقعاً از گذشتهٔ خود برگشته‌اند و ماندنشان در زندان ضرورتی ندارد آزاد شوند. بنابراین اعضای محترم هیئت باید کاملاً دقت کنند و افرادی را که تشخیص دادند آزادیشان ضرر و مفسده‌ای برای انقلاب و مردم ندارد لیست آنها را تهیه و برای عفو خدمت امام تقدیم کنند.»

ایشان تأکید کردند: «سران گروهکها می‌خواهند از زندانی شدن هواداران خود خوراك تبلیغی علیه جمهوری اسلامی به دست آورند و همچون سال گذشته در این ایام دست به کارهای خشن و احیاناً ترورهای ناجوانمردانه‌ای بزنند. در سال گذشته قرار بود تعداد زیادی از این افراد آزاد شوند، ولی سران آنها با ایجاد صحنه‌هایی خشن این تصمیم را خنثی نمودند. آنها می‌خواهند با ایجاد صحنه‌های ترور و خشونت ملت و مسئولین کشور را گرفتار حالت عصبانیت و عکس‌العمل نشان دادن بکنند. سران فراری گروهکها همیشه در فکر پر کردن زندانها می‌باشند تا به نظر خودشان، هم سوژهٔ تبلیغی علیه انقلاب داشته باشند و هم آن تعداد از هواداران ساده‌لوح را در زندان رویشان کار فکری بکنند و از بیکاری آنان در زندان سوء استفاده نمایند و به اصطلاح آنان را عضو تشکیلات بکنند. آنها می‌دانند اگر این گونه افراد که هنوز شست‌وشوی مغزی نشده‌اند و طینت پاك خود را از دست نداده‌اند از زندان آزاد شوند، در جامعهٔ انقلابی ما جذب انقلاب خواهند شد... اگر واقعاً این گونه افراد بخواهند به انقلاب و کشورشان خدمت کنند و توجه پیدا کرده باشند که چگونه در مسیر دشمنان اسلام و انقلاب قرار گرفته بوده‌اند، مسئولین باید به آنها مجال دهند و قطعاً کسی نمی‌خواهد این گونه افراد در زندان بمانند.»

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، گروهی از خانواده‌های شهدای شهرستان قم و چند شهر دیگر به همراه گروهی از برادران کرد که اخیراً از دام گروهکها به صف اسلام و رزمندگان مسلمان پیوسته‌اند با فقیه عالیقدر آیةالله منتظری دیدار کردند. در این دیدار ایشان با اشاره به مقام معنوی شهدای راه خدا اظهار داشتند: «اسلام از روز اول که تمام مشرکین و کفار علیه آن متحد شده بودند با همین شهادتها و ایثارگریها پیروز شد و در شرق و غرب عالم منتشر شد.»

ایشان با مقایسهٔ وضع اسلام و مسلمانان در زمان حال با وضع مسلمانان صدر اسلام تأکید کردند: «امروز هم که انقلاب اسلامی در ایران پیروز شده است دشمنان اسلام برای منافع خود احساس خطر می‌کنند. آنها این حقیقت را به خوبی درك کرده‌اند که جرقه‌ای که در این سرزمین در پرتو اسلام زده شده است در تمام نقاط عالم تأثیر خود را می‌گذارد. آنها این معنا را می‌فهمند که پیروزی قریب‌الوقوع اسلام در لبنان و مقاومت شجاعانهٔ مسلمانان در برابر اشغالگران امریکایی و اسرائیلی و فرانسوی و انگلیسی به خاطر الهام گرفتن ملتهای مظلوم لبنان و افغانستان از انقلاب ایران است و آنها امروز اسلام را تنها سد منافع خود می‌دانند و همان گونه که ملتهای اسلام در حال بیدار شدن و گرویدن به اسلام و انقلاب هستند دشمنان اسلام هم با یکدیگر متحد شده‌اند و در منطقه یك جنگ شدید بین اسلام و کفر به وجود آمده است.»

آیةالله العظمی منتظری در رابطه با فریب جوانان ساده لوح توسط گروهکها اظهار داشتند: «این گروهها که خود را طرفدار مستضعفین و خلق و مخالف با امپریالیسم معرفی می‌کردند چرا در عمل در خدمت امپریالیسم و در برابر مردم محروم قرار گرفتند. آیا امریکا، فرانسه و اسرائیل که با تمام توان از آنها حمایت می‌کنند امپریالیسم نیستند و یا آن کارگر و کشاورز بیچاره و این جوانان مستضعف و مخلصی که در جهاد سازندگی و سپاه و بسیج با دست آنها به شهادت رسیدند جزء خلق نبودند؟ تا کی بعضی جوانان ساده لوح فریب این شعارهای دروغ را می‌خورند؟ امروز مواضع کلی جمهوری اسلامی در داخل و خارج در برابر امپریالیسم جهانی و ملتهای محروم و مستضعف برای همه کس معلوم است. امروز در اثر انقلاب اسلامی دو جبههٔ آشکار و گسترده به وجود آمده است. یك جبهه متشکل از ابر قدرتها، همچون امریکا و شوروی و اروپا، و جبههٔ دیگر مردم مظلوم و مستضعف در ایران، لبنان، عراق و افغانستان و جاهای دیگر، آیا تشخیص حق و باطل برای بعضی جوانان ما کار مشکلی است که نتوانند بفهمند کدام جبهه حق است و کدام جبهه باطل و امپریالیسم در کدام طرف قرار گرفته است؟ پس قدری فکر کنند و عقل خود را حکم قرار دهند و در دام توطئه‌های ابر قدرتها و دشمنان اسلام نیفتند.»

ایشان با اشاره به توطئهٔ گروهکهای در کردستان گفتند: «شما دیدید آنهایی که این شعارها را دادند سر از کجا در آوردند و به سر شما و برادران و خواهران مسلمان و روحانیون عالم در منطقهٔ کردستان چه آوردند. همگی در برابر توطئه‌های دشمنان اسلام متحد شوید و از اسلام و قرآن حمایت کنید. آنها پس از مسئلهٔ صلیبیها، اسرائیل را در منطقه برای همان اهداف شوم و ضدانسانی خود به وجود آوردند. امروز هم صدام و گروهکهای ملحد را برای نیل به اهداف خود و راه صاف کردن مأمور کرده‌اند. این *قرآن* و اسلام است که پشتیبان واقعی شماست. سعی کنید همچون صلاح‌الدین ایوبی از اسلام و *قرآن* حمایت کنید و در برابر حملهٔ وحشیانهٔ صهیونیسم و عمال آن در منطقه بایستید.»

ایشان در خاتمه برای پیروزی رزمندگان اسلام و طول عمر امام امت دعا کردند.

۱۳۶۲/۱۲/۵

خانواده‌های شهدای تعداد زیادی از شهرهای میهن اسلامیمان با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار

کردند. در این دیدار فقیه عالیقدر ضمن اشاره به مقام و منزلت شهدای عزیز اسلام در نزد پروردگار و همچنین قدر و پاداش معنوی خانواده‌های صبور شهدا اظهار داشتند: «اینهمه عظمت که امروز انقلاب اسلامی در دنیا پیدا کرده و ابر قدرتها را به هراس انداخته و تمام ملتها را متوجه به خود ساخته مرهون خون پاك همین شهدای عزیز و فداکاری آنها می‌باشد و حفظ این خونهای پاك شهدا برای همهٔ ما مسئولیتهای سنگین به دنبال دارد. آنها با دادن جان خودشان در راه خدا به وظیفهٔ خود عمل نمودند و این ما هستیم که باید راه آنها را دنبال کنیم.»

ایشان تأکید کردند: «امروز هم همین جوانان فداکار از اقشار مختلف مردم در جبهه‌ها ایثار و از خودگذشتگی نشان می‌دهند و از حریم اسلام و قرآن دفاع می‌نمایند.»

در همین رابطه ایشان از مسئولان جنگ و فرماندهان نظامی جبهه‌ها خواستند از این استقبال و شور و شوق ملت حداکثر استفاده را بکنند و ترتیبی دهند که دیگر به مختصر پیروزیی که به دست می‌آید کفایت نکنند؛ بلکه برنامه را بشکلی تنظیم کنند که دشمن نتواند مجال پیدا کند تا انشاءالله پیروزیهای مستمر و پی در پی نصیب بشود و شرصدام کافر و رژیم ضد دین او از سرملت عراق و ایران بر طرف شود.

حضرت آیةالله العظمی منتظری در رابطه با وضع ملت عراق پس از سقوط صدام گفتند: «چرا باید بر یك ملت مسلمان یك مشت افراد ضد دین و مزدور بیگانه حکومت کنند. سرنوشت کشور و ملت عراق را بایدخودملت‌مسلمان‌عراق بااتکا به‌اسلام تعیین‌کند. کسی نباید در سرنوشت آنان کوچکترین‌دخالتی بکند. نیروهای مسلح ما هم هدفشان دفع تجاوز صدام و دفاع از اسلام و ملت مظلوم عراق است. نه طمعی دارند و نه نیازی، و اصولاً برای نیروهای مسلح اسلام آب و خاك مطرح نیست. آنچه مطرح است اسلام است و حق.»

ایشان خطاب به سردمداران کشورهای خلیج فارس گفتند: «شما خوب است از وضع شاه معدوم ایران قدری بیاموزید. قدرت و نوکری او برای امریکا از همه بیشتر بود ولی وقتی ملت قیام کردند، نه قدرت و نه ثروت او به حالش مفید واقع نشد. چرا شما خود را این قدر وابسته به امریکا کرده‌اید و نفت و ثروت خدادادی ملت مظلوم خود را به حلقوم دشمنان اسلام می‌ریزید؟ تا دیر نشده از خواب بیدار شوید و به جای حمایت از رژیم فاسد و رفتنی صدام از اسلام و *قرآن* و ملتهای مظلوم خود حمایت کنید تا آسیبی به شما نرسد.»

۱۳٦۲/۱۲/۸

در آستانهٔ دومین سالگرد درگذشت عالم مجاهد مرحوم آیةالله ربانی شیرازی طاب‌ثراه، خانوادهٔ ایشان با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند. در این دیدار ایشان ضمن تفقد از آنان اظهار داشتند: «مرحوم آیةالله ربانی شیرازی در انقلاب نقش بزرگ و فراموش نشدنی داشتند. خدمات ایشان به انقلاب، سختیها و شکنجه‌هایی که در زمان طاغوت متحمل شدند هرگز فراموش نمی‌شود. خداوند ایشان را در جوار رحمت همیشگی خود قرار دهد و به ما توفیق دهد تا راه ایشان و شهدای عزیز اسلام

را با جدیت تعقیب نماییم.»

بر اساس همین گزارش حجةالاسلام شب زنده‌دار شیرازی از فضلای متعهد حوزهٔ علمیهٔ قم و امام جمعهٔ گلباف و بشارتی نمایندهٔ جهرم در مجلس شورای اسلامی جداگانه با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند.

در پی درخواست شورای مرکزی اتحادیهٔ انجمنهای اسلامی دانش آموزان سراسر کشور از آیةالله منتظری مبنی بر تعیین حجةالاسلام سیدهادی خامنه‌ای به عنوان سرپرست این اتحادیه، از سوی ایشان حکمی به این شرح صادر شد:

«بسمه تعالی. جناب حجةالاسلام آقای سیدهادی خامنه‌ای دامت افاضاته، پیرو مراجعات مکرر شورای مرکزی اتحادیهٔ انجمنهای اسلامی دانش آموزان سراسر کشور و تقاضای نظارت و سرپرستی جناب عالی نسبت به جریان کار فکری و تبلیغی آنها مقتضی است جناب عالی تقاضای آنان را بپذیرید و سعی کنید ضمن استفاده از فضلا و روحانیون متعهد شهرستانها، ارتباط دانش آموزان عزیز را در مسائل کلی انقلاب بیش از پیش متشکل و منسجم کنید و انجمنهای اسلامی را متوجه مسئولیتهای خطیر آنان و انتقاداتی که اسلام از آنان دارد سازید و آنها را از تندرویها و دخالت در مدیریتها بر حذر دارید و به جوانان عزیز ما تذکر دهید که با سعهٔ صدر و اخلاق اسلامی بسیاری از مشکلات و سوء تفاهمها از بین خواهد رفت. امید است انشاء الله تعالی با همکاری دانش آموزان عزیز و مسئولان محترم آموزش و پرورش جناب عالی در انجام مسئولیت الهی موفق باشید. والسلام علیکم و رحمةالله. ۶۲/۱۲/۱۵. حسینعلی منتظری.»

۱۳۶۲/۱۲/۱۸.

در پی انتخاب سید عارف حسین حسینی به عنوان رهبر جدید جامعهٔ شیعیان پاکستان پیام تبریکی از سوی فضلا و طلاب پاکستانی مقیم حوزهٔ علمیهٔ قم به محضر آیةالله العظمی منتظری فرستاده شد. متن پیام بدین شرح است:

«بسمه تعالی. محضر مبارك حضرت آیةالله العظمی منتظری دامت برکاته، پس از تقدیم سلام و تحیات وافر انتخاب جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای سید عارف حسین حسینی را به عنوان رهبر جامعهٔ شیعیان پاکستان به جای مرحوم مغفور حجةالاسلام والمسلمین مفتی جعفر حسین اعلی دامه مقامه‌الشریف که در اجتماع عظیم علمای شیعهٔ پاکستان به اتفاق آرا صورت گرفت، به محضر رهبر کبیر انقلاب حضرت امام خمینی مدظله العالی و آن حضرت تهنیت و تبریك عرض می‌نمائیم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. طلاب و فضلای پاکستانی مقیم حوزهٔ علمیهٔ قم.»

۱۳۶۳/۱/٤

گروههای زیادی از مهاجران جنگ تحمیلی که در بیش از ده شهر اسکان داده شده‌اند با حضرت آیةالله

العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند.

در این دیدار فقیه عالیقدر ضمن طرح مسئلهٔ آزمایش از دیدگاه *قرآن* و روایات اظهار داشتند: «مصیبت آوارگی از خانه و کاشانه گرچه مصیبت کوچکی نیست و هر کس آن را ندیده باشد نمی‌تواند کاملاً عمق آن را درك کند ولی از یك نظر هم آزمایش بزرگی است که بندگان خدا با آن امتحان می‌شوند و در عوض هر کس صابر و بردبار باشد بنابر گفتهٔ *قرآن* مشمول درود و صلوات و رحمت ابدی خداوند واقع می‌شود و به تعبیر *قرآن* بدون حساب و اندازهٔ معینی از طرف خداوند اجر و پاداش به صابرین داده می‌شود... امروز شما عزیزان توسط صدام کافر، دشمن خدا و مردم، امتحان می‌شوید. موشکهای صدام که از شوروی گرفته و به دست کارشناسان روسی به شهرهای شما پرتاب می‌شود وسیلهٔ آزمایش شما می‌باشد.»

ایشان اضافه کردند: «گر چه من قبول دارم حق شما آنچنان که در شأنتان بوده به طور شایسته مراعات نگردیده، ولی شما توجه کنید اجر خود را پیش خداوند کم نکنید. البته دولت به اندازهٔ توان خود، با پشتیبانی مردم فداکار، به کمك شما شتافته و باید بیش از پیش به وضع شما و مشکلات شما رسیدگی کند، ولی اگر کمبودی احساس گردید تحمل کنید و به حساب خداوند و اجر معنوی که دارید بگذارید.»

حضرت آیةالله العظمی منتظری تأکید کردند: «همهٔ ما و شما شیفتهٔ آن امام بزرگوار هستیم که وقتی تمام زندگی و زن و بچه و اصحاب و یارانش در راه خدا فدا شدند با استواری و ایمان محکم فرمود خدایا راضی هستم به رضای تو، هر چه در راه تو به من می‌رسد صبر خواهم کرد. ما هم که افتخار پیروی از آن حضرت را داریم باید در مقابل مشکلات و آزمایشهای الهی صبور باشیم. همه می‌دانیم این جنگ از روز اول تا کنون به ملت و دولت ما تحمیل شده است. ما با کسی جنگی نداشتیم. این صدام بود که شهرهای ما را اشغال کرد و تا تهران و تبریز می‌خواست بیاید. شرق و غرب هم که از اسلام سیلی خورده بودند و احساس خطر می‌کردند، صدام را تقویت کردند و به جان اسلام و ملت ما انداختند. آنها می‌خواهند با اسلام تصفیه حساب بکنند. صدام کسی نیست که بتواند به تنهایی این همه فجایع و مظالم را انجام دهد و ما در این راه هر چه می‌بینیم همگی به حساب اسلام و خدا خواهد بود و برای خدا باید تحمل و صبر کنیم... این طور نباشد که اگر یك مهاجر جنگی احیاناً کار خلافی کرد مردم به حساب همهٔ برادران و خواهران عزیز مهاجر جنگی بگذارند و عکس‌العملهای غیر منطقی نشان بدهند. این گونه برخوردها غلط است و هرگز اسلامی نیست. در هر قشر و جماعتی همه گونه افراد خوب و بد وجود دارد و ما باید از این قشر عزیزی که اکنون در راه خدا آواره شده‌اند تقدیر کنیم و حتی‌المقدور با آنان همدردی نماییم.»

۱۳۶۳/۱/۱۲

به دنبال اعدام چند جوان مسلمان عراقی و لبنانی توسط دولت کویت گروهی از روحانیون و فضلای مبارز عراقی با حضرت آیةالله منتظری دیدا رکردند و مراتب نگرانی روحانیت مبارز عراق و لبنان را از

عمل دولت کویت به اطلاع ایشان رساندند.

در این دیدار ایشان ضمن تقدیر از احساسات مذهبی و همدردی آنان اظهار داشتند: «جای تعجب و تأسف است که دولت کویت به جای اینکه از اسلام و ملت خودش در برابر اسرائیل غاصب و قدرتهای بیگانه و کفر همچون امریکا و فرانسه حمایت کند، از آن عده از مسلمانانی که به حکم وظیفهٔ اسلامی با دشمنان اسلام و ملت عرب مبارزه می‌کنند، اظهار تنفر کرده آنها را به محاکمه می‌کشد. این گونه محاکمات معنایی جز حمایت دولت کویت از منافع استعماری و ضد اسلامی اسرائیل و امریکا و فرانسه ندارد. در صورتی که اگر دولت کویت و سایر دولتهای خلیج فارس *قرآن* و اسلام را برای خود پناهگاه می‌دانستند و ارتباط خود را با ملتهای محروم خودشان حفظ می‌کردند، هیچ قدرت بیگانه و خارجی جرئت تحکم و تسلط بر آنها را نداشت و این دولتها مجبور نمی‌شدند جوانان مسلمان و غیور ملت خود را که برای اسلام و *قرآن* با کفر مبارزه می‌کنند به بند و زندان و محاکمه بکشند.»

۱۳۶۳/۱/۱۸

شرکت کنندگان در مسابقات حفظ و قرائت *قرآن* کریم که از بیست کشور اسلامی به ایران آمده‌اند، همراه سرپرست سازمان اوقاف، با آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند.

در این دیدار سرپرست سازمان اوقاف گزارشی از مسابقات قرائت *قرآن* و پیشرفتهای حاصلهٔ آن را به اطلاع فقیه عالیقدر رساند و ایشان ضمن تقدیر از حافظان و قاریان *قرآن* که به ایران آمده‌اند، اظهار داشتند: «روایات اسلامی برای اهل *قرآن* و کسانی که برای حفظ *قرآن* و عمل به آن تلاش می‌کنند، به خصوص نسل جوان، اهمیت و ارزش زیادی قائل شده است. در *نهج‌البلاغه* می‌فرماید: اهل قرآن را استضعاف نکنید، یعنی آنها را مورد بی‌احترامی و ظلم در جامعه قرارندهید. و در جای دیگر *نهج‌البلاغه* حضرت امیر ع در مورد *قرآن* و اهلش می‌فرماید: *قرآن* حق است که اهلش هیچگاه مورد ظلم واقع نمی‌شوند و وسیلهٔ عزتی است که انصارش خوار و ذلیل نخواهند شد.»

فقیه عالیقدر تأکید کردند: «با این همه روایات و تعبیرات که دربارهٔ *قرآن* و اهلش دارید جای این سؤال است که چرا حدود یك میلیارد مسلمان که ظاهراً همگی اهل *قرآن* هستند امروز در دنیا مورد ظلم و ستم ابر قدرتهای شرق و غرب قرار گرفته‌اند و از طرف دیگر یك مشت صهیونیست غارتگر قبلهٔ اول آنان و سرزمین انبیای الهی را اشغال کرده‌اند... پس معلوم می‌شود به صرف اینکه ما *قرآن* را در دست داشته باشیم و خیلی خوب آن را حفظ و یا قرائت کنیم اهل *قرآن* و انصار آن نمی‌شویم.»

فقیه عالیقدر با تأکید بر این نکته که باید مسلمانان شرایط اجرای دستورات *قرآن* در جامعه و عمل به آن را دقیقاً فراهم کنند و خود را عملاً ملتزم به آن بدانند، اظهار داشتند: «*قرآن* حدود سیصد آیه دربارهٔ جهاد و مبارزه با دشمنان اسلام دارد. ولی در جامعهٔ اسلامی ما دستهای مرموز استعمار کاری کرده بود که اصلاً به این آیات توجه نمی‌شد. *قرآن* دربارهٔ وحدت کلمهٔ مسلمانان آنقدر تأکید می‌کند که اگر مورد توجه قرار گرفته بود دشمنان اسلام و *قرآن* هرگز نمی‌توانستند با اسلام و مسلمین اینچنین رفتار کنند. پس ما به این نتیجه می‌رسیم که معنای اهل *قرآن* و انصار *قرآن* بودن به این است که واقعاً این نسخهٔ

الهی که برای هدایت و رستگاری بشریت توسط پیامبر اکرم ص بر مردم نازل شده است عملاً مورد توجه قرار گیرد و تمام دستورات و مقررات آن در تمام شئون مادی و معنوی بشر اجرا شود. در این صورت است که به قول حضرت امام علی ع در کتاب شریف *نهج‌البلاغه*، انصار *قرآن* هرگز مورد ذلت و خواری و ظلم و یا استضعاف قرار نمی‌گیرند.»

۱۳۶۳/۱/۱۹

آیةالله حُرعلی عضو فقهای شورای نگهبان و حجةالاسلام واحدی مسئول سیاسی ـ عقیدتی ناوگان خلیج فارس و دریای عمان به طور جداگانه با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار گفت و گو کردند. در این دیدار حجةالاسلام واحدی مبلغ بیش از یك میلیون ریال از سوی پرسنل فدارکار ناوگان خلیج فارس و دریای عمان جهت کمك به جبهه‌ها تقدیم ایشان کردند و در پایان حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن تقدیر از این پرسنل فداکار برای پیروزی رزمندگان اسلام دعا فرمودند.

۱۳۶۳/۱/۲۹

آیةالله آذری قمی و حجج اسلام محمد مؤمن و سیدمحمد ابطحی کاشانی از اعضای جامعهٔ مدرسان حوزهٔ علمیهٔ قم با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند. همچنین حجةالاسلام لطفی مسئول دایرهٔ سیاسی ـ عقیدتی ژاندارمری شهرستان قم و امام جمعهٔ طبس با ایشان دیدار کردند و مبلغ یك میلیون ریال از سوی اهالی فداکار طبس جهت کمك به جبهه‌های جنگ تحمیلی توسط امام جمعهٔ طبس تقدیم ایشان شد.

۱۳۶۳/۲/۲۳

کشاورزان نمونه به همراه وزرای کشاورزی و جهاد سازندگی و چندتن از اعضای ستاد مرکزی واگذاری زمین با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند. در این ملاقات پس از طرح مسائل و مشکلاتی توسط وزرای کشاورزی و جهاد، حضرت آیةالله العظمی منتظری، ضمن تقدیر و تشکر از کشاورزان نمونه و مسئولان که اخیراً توجه بیشتر به مسئلهٔ کشاورزی کرده‌اند اظهار داشتند: «مسئلهٔ خودکفایی که ما در صدد رسیدن به آن هستیم وقتی گاهی شنیده می‌شود که بعضی این فکر را القا می‌کنند که ما نمی‌توانیم از نظر کشاورزی خودکفا شویم و باید در مورد صنعت گرچه به شکل مونتاژ آن باشد تلاش کنیم، به نظر می‌رسد این فکر از بقایای تفکر مستشاران امریکایی است که می‌خواستند کشور ما همیشه وابسته به خارج باشد. اگر هم صحبتی از صنعت می‌شود فقط اجازهٔ مونتاژ آن را می‌دادند. باید دولت به شدت با این طرز تفکر مبارزه کند. اگر کشور نتواند نان خود را از داخل تأمین کند سایر شعارها چیزی بیش از حرف نیست ولی اگر از نظر نان و مواد ضروری غذا خودکفا شد در این صورت می‌تواند روی پای خود بایستد و به سمت هدفهای انقلاب پیش رود.»

حضرت آیةالله العظمی منتظری تأکید کردند: «آنچه برای یك کشاورز مهم است تأمین لوازم کشت و

بالابردن سطح تولید و امکان فروش محصولات به قیمت مناسب در بازار است. این که مشاهده می‌شود احیاناً دولت به کشاورزان وام می‌دهد به نظر من کار چندان لازم و مفیدی نخواهد بود؛ زیرا معمولاً این پول صرف کشاورزی نمی‌شود. با این وام عده‌ای به فکر رفتن مسافرت و زیارت و بعضی به فکر خرید یك قطعه زمین برای گران شدن یا تجملات زندگی می‌افتند و پول را تمام می‌کنند. آنچه برای کشاورزان مفید و لازم است، به جای این گونه وام، دادن وسایل کشاورزی به قیمت ارزان و احیای قنوات و یا حفر چاه عمیق و یا تأسیس سدهای خاکی در جاهای متناسب و فراهم کردن بازار و یا وسیلهٔ رساندن محصولات آنها به بازار می‌باشد. بسیار شنیده شده است در خیلی از جاها به خاطر صرف نکردن کشت و تولید و یا مشکل بودن رساندن محصولات به بازار، امثال گندم و جو و چغندر قند و غیره، کشاورزان از کشت مجدد منصرف شده‌اند و به شهر هجوم آورده‌اند... عامل اصلی مهاجرت بسیاری از روستاییان به شهرها همین است که ماندن در روستاها و کشت کردن برای کشاورز صرف نمی‌کند و باید دولت برای این مهم فکری بکند.»

حضرت آیةالله العظمی منتظری دربارهٔ بنیاد مستضعفان و صرف امکانات آن در تقویت کشاورزی اظهار داشتند: «به نظر من در این شرایط، مستضعف واقعی همان کشاورزانی هستندکه بار اصلی تولید مواد غذایی برای شهرنشینان به دوش آنهاست و امروز مواجه با اینهمه مشکلات شده‌اند. بنابراین به جاست بنیاد مستضعفان با وزارتخانه‌های جهاد و کشاورزی، حتی بازرگانی، کمیته‌ای تشکیل دهند و بنشینند طرحهایی برای احیای روستاها و اراضی موات و تقویت کشاورزی و دادن وسایل مورد نیاز کشاورزان تنظیم نمایند تا کشاورزان بتوانند وسایل وادوات مورد نیاز را از وزارت کشاورزی، و یا بازرگانی مثلاً، ارزان و خارج از نوبت خریداری نمایند و بنیاد مستضعفان هم امکانات مالی خود را در اختیار این کمیته قرار دهد تا انشاءالله مسئلهٔ کشاورزی به دور از شعار در عمل تقویت شود و کشور به حد خودکفایی برسد.»

در پاسخ به پیشنهادات آیةالله العظمی منتظری، بنیاد مستضعفان طی تلگرامی در مورد واگذاری کلیهٔ امکانات خود به منظور احیای کشاورزی کشور اعلام آمادگی کرد.

سرپرست بنیاد مستضعفان همچنین اظهار امیدواری کرد با تشکیل جلسات مشترك با وزارتخانه‌های کشاورزی، جهاد سازندگی و دیگر ارگانهای مربوطه و یك کاسه نمودن کلیهٔ امکانات و بهره‌برداری بهتر و بیشتر از آنها، کشور شاهد رشد و شکوفایی کشاورزی و بهبود وضع کشاورزان عزیز باشد.*

۱۳۶۳/۲/۲۷

آیةالله العظمی منتظری در پایان درس فقه به مناسبت پانزده شعبان و ولادت با سعادت حضرت مهدی امام زمان عج طی سخنانی فرمودند: «یکی از عبادات مهم که در روایات ما تأکید زیادی روی آن شده است مسئلهٔ انتظار فرج حضرت است. منتهی الامر گاهی شنیده می‌شود بعضی انتظار فرج را این طور

* کیهان، ۱۳۶۳/۲/۲۵.

تفسیر می‌کنند که افراد در گوشه‌ای بنشینند و از تمام مسئولیتهای اجتماعی و سیاسی به دور باشند و فقط در ظاهر به فکر آمدن حضرت و اصلاح امور به دست ایشان باشند و حتی می‌گویند باید کاری کرد که فساد و ظلم روی زمین زیاد شود تا حضرت زودتر ظاهر شوند و زمین را پر از عدل و داد نمایند. در صورتی که صحیح انتظار این است که مثلاً کسی که منتظر آمدن شخصیتی بزرگ به خانهٔ خود می‌باشد، خودش را از هر جهت آمادهٔ پذیرایی از آن شخص می‌نماید و اگر رفت و در گوشه‌ای نشست و به ظاهر گفت من منتظر فلانی هستم، قطعاً به او نمی‌گویند منتظر آمدن چنین کسی می‌باشد. بنابراین امروز که درپرتو پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام مدظله در این سرزمین جرقه‌ای الهی زده شده و تمام محرومین و مظلومین دنیا را متوجه خود ساخته، وظیفهٔ ما شیعیان که منتظر ظهور حضرت ولی‌عصر می‌باشیم این است که این امیدی که در دل جهانیان به وجود آمده حفظ کنیم و جامعه را به سمتی هدایت نماییم که تمام اقشار جامعهٔ بزرگ اسلامی از نظر فرهنگی و فکری و نظامی خود را مهیا و آمادهٔ ظهور حضرت ولی‌عصر بنمایند... به وجود آمدن چنین آمادگی برای ظهور آن حضرت احتیاج به گذشت و وحدت کلمه و پرهیز از خود محوری و خودپسندی دارد. اگر ما گرفتار اخلاق خودخواهی و خودمحوری باشیم و مشی‌مان این باشد که هر کس مثلاً با من است جذب شود ولی دیگران هر چند افراد فهمیده و به دردبخور باشند، چون با من نیستند، پس باید منزوی و از صحنه دور شوند، اگر چنین اخلاقی و وضعیتی در بین ما به وجود آمد باید بدانیم که شکست ما و انقلاب قطعی خواهد بود. زیرا سنت الهی قابل تغییر و تبدیل نیست. همین است که اگر ملتی وحدت کلمه را در تمام مراحل حفظ کرد و از همهٔ نیروهای مؤمن و متعهد استفاده نمود قطعاً پیروز است و اگر دچار تفرقه و تشتت کلمه و خود محوری و طرد نیروهای لایق و متعهد شد قطعاً شکست می‌خورد. فقیه عالیقدر دربارهٔ نیاز فوق‌العادهٔ کشور، به خصوص دستگاه قضاوت و تبلیغات، به افراد متعهد و روحانیون فاضل و آگاه اظهار داشتند: «با اینکه ما امروز سخت گرفتار کمبود چنین افرادی هستیم، ولی متأسفانه شنیده می‌شود در بعضی جاها افراد فاضل در گوشه‌ای نشسته‌اند و فقط به ادارهٔ کشور و یا دستگاه قضایی انتقاد می‌کنند. در صورتی که امروز که فرصت و امکان خدمت به اسلام و مردم پیش آمده اگر کسی قدرت خدمت داشت و خود را در معرض نگذاشت گناه بزرگی مرتکب شده است. امروز از خارج کشور مرتباً مراجعه می‌شود و افراد عالم و فاضل به دردبخور می‌خواهند و ما نمی‌توانیم پاسخ بدهیم. بنابراین اگر کسی بخواهد واقعاً منتظر ظهور ولی عصر عج باشد باید از این فرصت موجود برای تقویت اسلام و انقلاب و گسترش آن در دنیا حداکثر استفاده را بنماید تا به تدریج انشاءالله تعالی یك بسیج علمی و فرهنگی و حتی نظامی در دنیا درست شود و زمینهٔ ظهور آن حضرت به وجود آید.»

ایشان تأکید کردند: «آنهایی که می‌گویند باید دنیا پر از فساد و ظلم شود تا حضرت تشریف بیاورند، بدانند که به اندازهٔ لازم فساد و طغیان و ظلم در دنیا هست. دیگر نیازی نیست که شیعیان هم خودشان را از جریان نهضت حق علیه باطل کنار بکشند و به گسترش فساد کمك نمایند.»

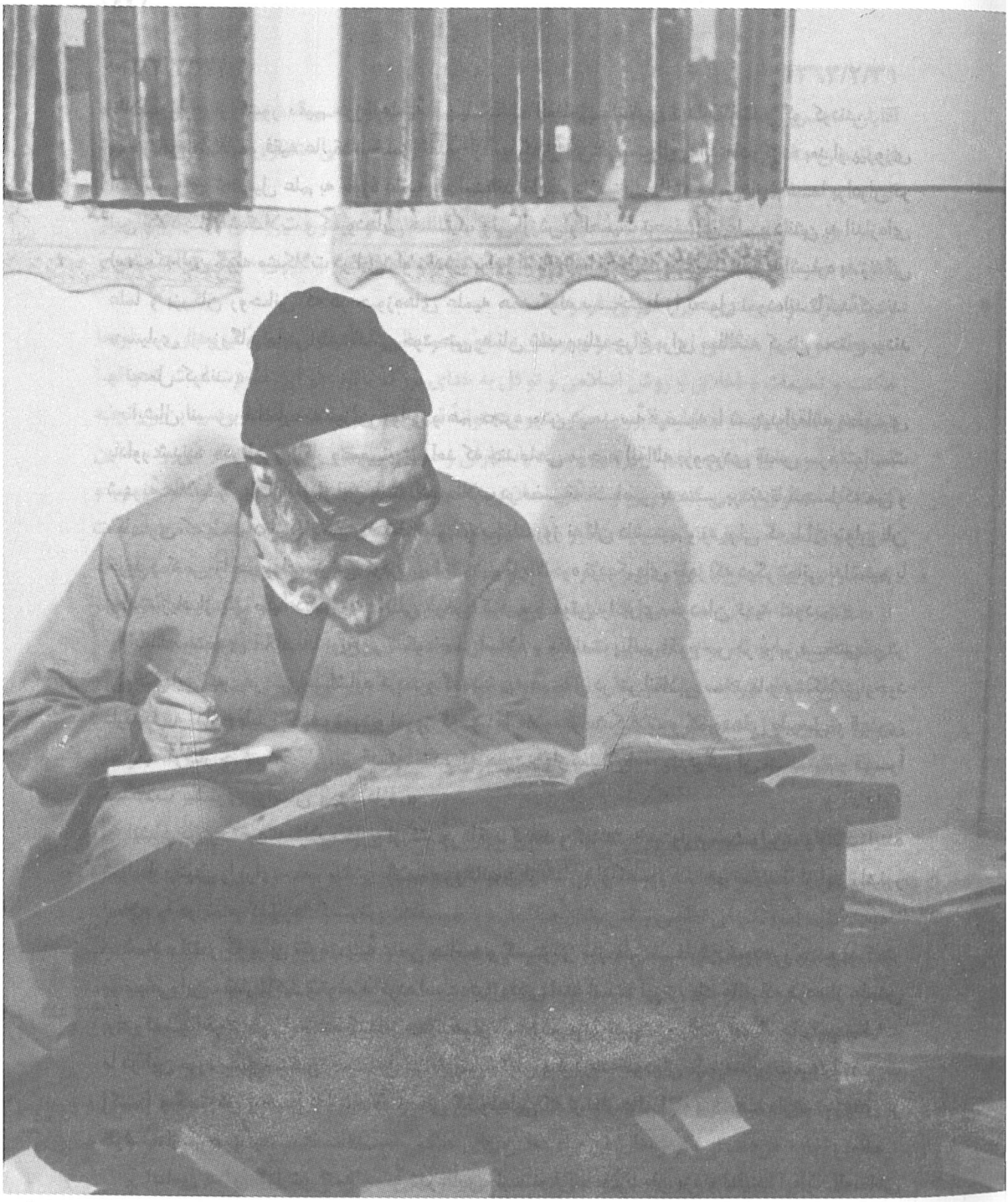

در منزل، پشت میز کار

۱۳۶۳/۲/۳۰

طلاب خارج از کشور مقیم حوزهٔ علمیهٔ قم با آیةالله العظمی منتظری دیدار گفت و گو کردند.

در این ملاقات، فقیه عالیقدر، ضمن تقدیر از آنها که از این فرصت الهی استفاده کرده بعد از پیروزی انقلاب برای تحصیل علم به حوزهٔ علمیهٔ قم آمده‌اند اظهار داشتند: «البته ما می‌دانیم شما برادران در این راه دچار مشکلات و کمبودهایی هستید، ولی ارزش و اهمیت تحصیل علم و دانش به اندازه‌ای است که این گونه مشکلات در این راه مقدس برای انسان آسان می‌شود.» ایشان با اشاره به زندگی علما و بزرگان روحانی که در حوزه‌های علمیه همه گونه سختیها را تحمل نموده‌اند تأکید کردند: «بسیاری از بزرگان ما در ایام طلبگی خود حتی به نان شب و یك چراغ برای مطالعه کردن محتاج بودند و تحمل کردند.»

ایشان سپس با اشاره به دوران جوانی و هم حجره بودن در مدرسهٔ فیضیه با شهید آیةالله مطهری یادآور شدند: «در آن روزگار وضعی پیش آمد که چند ماهی مرحوم آیةالله بروجردی قدس سره نتوانست شهریهٔ طلاب را بپردازند و از این بابت اکثر طلاب در مضیقهٔ خاصی به سر بردند تا آنجا که من و مطهری که با هم درسهایمان را مباحثه می‌کردیم یك روز نه نان داشتیم و نه پولی که با آن بتوان نان خرید و کسی را هم برای قرض کردن پیدا نکردیم تا بالاخره نزدیکیهای ظهر که دیگر توانی نداشتیم با زحمت زیاد از یك طلبهٔ دیگر چند ریالی قرض کردیم و قوتی را برای خودمان تهیه نمودیم.»

آیةالله منتظری آنگاه به تاریخ پر شکوه صدر اسلام و مقاومت پیامبر اکرم ص در برابر سختیها و در آن جنگهایی که پیش می‌آمد اشاره کردند و گفتند: «به هر حال در هر انقلابی سختیها و مشکلاتی وجود دارد که به تدریج باید برطرف نمود و امروز کشور ما علاوه بر مشکلات و کمبودهای طبیعی و قهری انقلاب گرفتار جنگ تحمیلی ابر قدرتها شده که حدود چهار سال است درگیر آن هستیم و قهراً مشکلات بیشتری برایمان وجود دارد.»

ایشان دربارهٔ تقویت طلاب خارج از کشور تأکید کردند و گفتند: «امیدوارم مسئولین بتوانند در آینده شرایط بهتری را برای جذب بیشتر طلاب و روحانیون از خارج از کشور فراهم نمایند تا از این راه نور اسلام را در تمام کشورها گسترش دهند.

اسلام آنقدر که برای تقویت بنیهٔ علمی جامعه و گسترش نور علم سفارش نموده، راجع به کمتر موضوعی این مقدار تأکید و توصیه کرده است. در روایتی آمده است: ارزش یك عالم که مردم از علمش برای دنیا و آخرت خود استفاده کنند از هفتاد هزار عابد پیش خداوند بهتر و بالاتر است. بنابراین وظیفهٔ ما در این مورد بسیار سنگین است. ما باید به اندازهٔ توان و قدرت خودمان حوزه‌های علمیه را تقویت [کنیم] و گسترش [دهیم] تا انشاءالله تعالی کمبودهایی که از نظر عالم آگاه و متعهد داریم به زودی بر طرف سازیم.»

بر اساس همین گزارش ائمه جمعهٔ بندرعباس، ارسنجان و طرازجان یزد و نمایندهٔ آیةالله العظمی منتظری در دانشگاه پلی تکنیك با ایشان دیدار و پیرامون مشکلات و مسائل محل خدمت خود گفت و گو کردند.

۱۳۶۳/۲/۳۱

آقایان محسن رضایی فرماندهٔ سپاه پاسداران و سرهنگ صیاد شیرازی فرماندهٔ نیروی زمینی به همراه فرماندهان مناطق و قرارگاههای مشترک ارتش و سپاه با آیةالله العظمی منتظری دیدارو گفت و گو کردند.

در این دیدار ایشان با اشاره به نامهٔ حضرت امیر ع به مالك اشتر در مورد نیروهای مسلح اظهار داشتند: «در این نامه حضرت، نیروهای مسلح را قلعهٔ ملت و مایهٔ افتخار و آبروی حکومت اسلامی و وسیلهٔ عزت و سربلندی دین معرفی فرموده‌اند.

همه می‌دانیم هنگامی این معانی در نیروهای مسلح وجود دارد که اساس و پایهٔ نیروهای مسلح ما مکتب و تعلیمات و اخلاق و روش اسلامی و توکل به خدای بزرگ باشد. در این صورت است که واقعاً نیروهای مسلح باعث افتخار و آبروی حکومت و پشتوانهٔ قوی دین و ملت خواهند بود. بنابراین آنچه امروز از نیروهای مسلح، اعم از ارتش و سپاه پاسداران و سایر نیروهای نظامی، انتظار می‌رود، همین است که مسئولین سعی کنند روش و اخلاق اسلامی و ضوابط دینی را در نیروها پیاده نمایند. در نصب و عزلها و تقسیم مسئولیتها آنچه باید منظور باشد عقل و فکر و لیاقت و تعهد افراد است. ملاحظات شخصی و رفیق بودن با این و آن و دیگر مسائل و یا مثلاً خدای ناکرده خودخواهیها و خود محوریها که از صفات زشت انسانی است هیچ گاه نباید مطرح باشد. در این مورد حضرت امیر مؤکداً به مالك اشتر توصیه می‌فرماید که برای کارهای حساس و مهم از افراد عاقل و با کفایت استفاده کن.»

ایشان اضافه کردند: «اساس کارو فعالیتها و برخوردها در سپاه و ارتش و دیگر نیروها باید خالص و برای رضای خدا باشد. اگر هدفمان خدا شده چه فرقی می‌کند که پیروزی در جبهه به اسم ارتش باشد یا سپاه. اگر ما خود را به این درجه از کمال و رشد معنوی رساندیم، دیگر هیچ گونه ناراحتی نخواهیم داشت.»

آیةالله العظمی منتظری دربارهٔ بالا بردن سطح آموزش در سپاه و ارتش تأکید کردند: «از فرصتها که پیش می‌آید حداکثر استفاده شود. ما باید بنشینیم و اگر نواقصی در کار بوده بررسی و مرتفع‌نمائیم و سعی کنیم آموزشهای نظامی و فنی را در حدّ نیاز بالا ببریم. هیچ گاه گرفتار غرور و توجه به غیر خدا نشویم. انسان همیشه در معرض خطا و لغزش می‌باشد. خطاها و لغزشها باید انسان را آبدیده و مجرب سازد که دیگر گرفتار آنها نشود. به فکر و نظریات افراد زیر دست احترام بگذاریم. از فکر و مغز آنها استفاده کنیم. ممکن است یك سرباز یا درجه‌دار یا پاسدار و بسیجی به خاطر ماندن در جبهه‌ها و دیدن صحنه‌های زیادی طرحی مفید به نظرش برسد. نبایدآنها خدای نکرده تحقیر شوند.

حتی‌المقدور در تنظیم طرحها و رفع مشکلات با آنان مشورت کنیم و در حدی که شرایط امنیتی و نظامی اجازه می‌دهد از فکر و نظرشان برای طرحهای جنگی استفاده کنیم. البته پس از مشورت و تصمیم نهایی فرماندهان، باید دیگر اطاعت کنند و دیگر جای سؤال و جواب نخواهد بود.»

آیةالله العظمی منتظری در مورد پیش‌بینی حوادث در جنگها گفتند: «همیشه باید همهٔ جوانب امر را احتمال بدهیم و پیش‌بینی کنیم و خود را برای برخورد با حوادث احتمالی از پیش آماده سازیم تا خطرات

کمتری متوجه نیروهای ما گردد. معنای حزب اللهی کارکردن این نیست که حساب شده و پیش‌بینی شده و دقیق نباشیم.»

ایشان بر حفظ وحدت کلمه و انسجام بین ارتش و سپاه و بسیج تأکید کردند: و گفتند «تا این وحدت و اعتماد و برادری بین ما باشد دشمنان اسلام خطری نخواهند داشت. برنامه‌ها باید به شکلی تنظیم شود که به این وحدت و انسجام موجود ضرر و آسیبی نرسد.

امروز شرق و غرب علیه اسلام متحد شده‌اند و هر کدام به شکلی از خطر اسلام و انقلاب اسلامی در منطقه و جهان سخن می‌گویند. در چنین صورتی وظیفهٔ ما و تمام نیروهای مسلح اسلام حفظ و تحکیم اتحاد و وحدت کلمه است.

خداوند شما را حفظ کند و به شما توفیق فتح و پیروزی نهایی عطا فرماید و به رهبر انقلاب طول عمر عنایت فرماید.»

آیةالله منتظری در یکی از دیدارهای خود با برادران مسئول جنگ و جبهه، دستور دادند که ستادی برای هماهنگی کمکهای مردمی به جبهه‌ها تشکیل شود. ضرورت این ستاد برای هماهنگ کردن کمکهای مردم شهیدپرور ایران با نیازهای فرزندان عزیزشان در جبهه‌ها و رساندن آنها به همه جای جبهه بسیار احساس می‌شد. در شهرها و روستاها، مؤسسات مختلف، کمکهای مردمی را جمع‌آوری و بدون هماهنگی راهی جبهه‌ها می‌کردند. این امر باعث می‌شود که بسیاری از یگانهای رزمنده در جبهه‌ها از امکانات پشتیبانی و لجستیکی خوبی برخوردار باشند و بسیاری از یگانهای دیگر از این کمکها محروم مانند.

در پی توصیهٔ آیةالله العظمی منتظری ستاد جذب، و هدایت کمکهای مردمی به جبهه‌ها، مرکب از نمایندگان ارتش، سپاه، بسیج و جهاد سازندگی تشکیل شد و در ملاقات آقای رفیقدوست وزیرسپاه با آیةالله منتظری گزارش جریان کار آن به اطلاع ایشان رسید. در این دیدار ایشان ضمن تقدیر از اعضای این ستاد و تأکید بر لزوم شرکت و عضویت بسیج در این ستادمبلغ پنجاه میلیون ریال به منظور کمك به جبهه‌های جنگ تحمیلی و رفع نیاز رزمندگان شجاع اسلام به حساب آن واریز کرد.[۷٦]

هفته حج

فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری شیوهٔ پسندیده‌ای را برای تبلیغ مواضع اصولی اسلام و اندیشه‌های قابل طرح این دین مبین برگزیده‌اند که در مواقع مناسب، و با استفاده از ایام و اعیاد اسلامی، به کار می‌گیرند.

اعلام هفته‌ها و ایام، مثل هفته وحدت، روز جهانی مستضعفین روز وحدت حوزه و دانشگاه، و... ، از جمله ابتکارات بسیار سودمند و با ارزشی است که در تاریخ انقلاب، اسلامی به رهبری حضرت امام

۷٦. *اطلاعات* ۱۳٦۳/٤/۱۳.

خمینی درخششی تحسین برانگیز دارد.

این اعلام هفته‌ها و روزها، علاوه بر اینکه انعکاس حساسیتها و ارزش دادن به معیارهای مطرح شده در اسلام، از ناحیهٔ ایشان است، می‌تواند تبلیغات در هر یك از این موارد را که بسیار پراکنده انجام می‌گیرد به نظم درآورده، در روز یا هفته‌ای خاص ارائه کند و توجه دنیا و مستضعفین را به این اصول و معیارها جلب کند.

یکی از این مناسبتها، ایام مبارك حج مسلمین است، که ایشان برای توجه دادن جهانیان به مراسم بزرگ عبادی ـ سیاسی حج، و برای اینکه تمامی توان تبلیغاتی مسلمین در زمینه ابعاد مختلف این فریضهٔ سرنوشت ساز در یك زمان مشخص به کار گرفته شود و از پراکنده‌کاری ممانعت به عمل آید، هفتهٔ قبل از مسافرت حجاج به مکه معظمه را هفتهٔ حج اعلام نمود که مورد استقبال دست اندرکاران محترم حج و زیارت و سایر دلسوزان و علاقه مندان به اسلام و انقلاب اسلامی و خصوصاً حجاج گرانقدر بیت‌الله الحرام قرار گرفت.

در این باره گزارشی در جراید منتشر شده است که می‌آوریم:

به مناسبت هفتهٔ حج گروه زیادی از روحانیون، مُدیران و ناظران کاروانهای حج، به همراه آقایان موسوی خوئینیها نمایندهٔ امام و سرپرست حجاج ایرانی و خاتمی وزیر ارشاد اسلامی و چندتن از مسئولان سازمان حج و زیارت پریروز با آیة‌الله العظمی منتظری دیدار کردند. در این دیدار پس از ارائهٔ گزارشی اجمالی توسط نمایندهٔ امام و سرپرست حجاج ایرانی از برنامه‌های تنظیم شده برای حجاج، خصوصاً در امر تبلیغات و پیشنهاد برگذاری هفتهٔ حج که از طرف آیة‌الله منتظری اعلام شده بود، ایشان ضمن تقدیر از آنان اظهار داشتند: «اسلام بر خلاف آنچه که دشمنان تبلیغ کرده و بعضی دوستان نادان هم باور کرده‌اند دینی نیست که برنامه‌هایش منحصر به امور آخرتی و برای عالم پس از مرگ باشد، بلکه نسبت به تمام امور مربوط به دنیا و آخرت انسانها برنامه‌ها، دستورات و راهنماییهای لازم و کافی را ارائه داده است. اسلام برای تأمین سعادت انسان از همان دورانی که در رحم مادر است و در ایام طفولیت و شیرخوارگی و در سنین نوجوانی و بعد از آن تا لحظهٔ مرگ در همهٔ مراحل به تناسب رشد وجودی و تکاملی انسان برنامه و تعلیمات دقیق دارد. اسلام برای رساندن انسانها به اهداف عالیه از خلقت، قوانین جامعی تنظیم کرده است که تأمین کنندهٔ تمام نیازهای مادی و معنوی اجتماعات و افراد در شرایط مختلف است.»

ایشان یادآور شدند: «روی همین اصل در اسلام عبادات هم یك بُعدی نیست بلکه معمولاً عبادات اسلامی معجونی از امور معنوی و بندگی خداوند و امور اجتماعی و سیاسی یا جزایی و حقوقی افراد است. اسلام فوق‌العاده به امور مربوط به جوانب مختلف زندگی انسانها و آنچه اصطلاحاً اهداف اقتصادی، سیاسی، قضایی و حقوقی گفته می‌شود، توجه کرده است.

از حدود بیش از هشتاد جلد کتاب فقهی که ملاحظه کنیم می‌بینیم غیر از پنج الی شش جلد آنها مابقی مربوط به امور سیاسی، اقتصادی، حکومتی و جزئیات حقوق اسلامی است و از میان عبادات اسلام حج از این جهت امتیاز خاصی دارد و در حج اختلاط جنبه‌های گوناگون سیاسی ـ عبادی و توجه به همهٔ آنها

بیش از سایر عبادات و فرایض اسلامی مشهود است. در *قرآن* شریف خداوند بیت‌الله الحرام را قیام للناس، یعنی مرکزی که موجب قوام و رویارو ایستادن مردم است، دانسته و این معنا نمی‌شود جز به اینکه مراسم حج یك بعدی و منحصر در امور فقط معنوی نباشد بلکه مسلمانها نیاز به آن دارند و موجب قوام و عزت اسلام و شوکت و وحدت مسلمین است که در این مراسم و در زیارت این مرکز توحید مورد توجه قرار گرفته باشد. بنابراین در حج آنچه برای حجاج و زائران خانهٔ خدا فوق‌العاده اهمیت دارد، علاوه بر جنبه‌های ظاهری و عمل به دستورات شرعی آن توجه کردن به محتوی و روح این عبادت بزرگ است. اگر منظور از تشریح این فریضهٔ بزرگ فقط انجام چند عمل ساده بدون درك حقایق و اسرار و محتوای سیاسی و اجتماعی آن بود هیچ گاه در *قرآن* از خانهٔ خدا به قیام للناس تعبیر نمی‌شد. زیرا هنگامی این خانهٔ عظیم و مراسم زیارت آن موجب قوام و سرپا ایستادن اسلام و مردم است که علاوه بر جنبه‌های معنوی و ربوبی آن اهداف عالی سیاسی و اجتماعی زیارت این خانه همه مورد توجه و عمل حجاج قرار گیرد.»

ایشان اظهار داشتند: «یکی از وظایف مهم روحانیون و علمای محترم که مسئولیت این کاروانها را قبول می‌کنند آگاه کردن مردم و حجاج به اهداف و حقایق ناشناختهٔ این سفر عظیم الی الله تعالی است. برادران روحانی سعی کنند ضمن گفتن مسائل و دستورات شرعی و بیان آداب و رسوم اعمال حج، حجاج محترم را به فلسفه‌ها و اسرار و اهداف معنوی و سیاسی حج نیز آشنا کنند تا انشاء الله تعالی حجاج بتوانند این فریضه را به همان شکل که *قرآن* دستور داده و پیامبر اسلام و ائمهٔ اطهار خواسته و سفارش کرده‌اند انجام دهند.»

آیة‌الله العظمی منتظری در ادامهٔ سخنان خود در مورد بی‌توجهی سران کشورهای مسلمان به اسلام و ملتهای خود گفتند: «امروز اسلام و مسلمین از طرفی گرفتار حکومتهایی هستند که سران آن اکثراً یا جاهل و بی‌اطلاع از اسلام و یا عامل و مزدور دشمنان اسلام و صهیونیسم بین‌المللی هستند و از طرف دیگر گرفتار روحانیّون فاسد و درباری که مظالم و جنایتهای این حکومتها را تأیید می‌کنند هستند. اگر هر گونه مصیبتی امروز به جهان اسلام وارد می‌شود و اگر اسرائیل غاصب توانسته است قبلهٔ اول مسلمانان و زمینهای بسیاری از کشورهای اسلامی و کشور مظلوم فلسطین را اشغال کند به خاطر همین دو عمل یادشده است. اگر کشورهای اسلامی که دارای قدرت عظیم اسلام و ذخایر مادی و انسانی بی‌شمار هستند، به جای ارتباط با دشمنان اسلام به دستورات اسلام و ملتهای مسلمان خود نزدیك می‌شدند، اسرائیل نمی‌توانست اینهمه مظالم را انجام دهد. اگر دولت سعودی به جای تشکیل کنفرانسهای فرمایشی و استعماری حجاج را آزاد می‌گذاشت و از تظاهرات ضد امریکایی و ضد اسرائیلی جلوگیری نمی‌کرد، اسرائیل این اندازه جسور نمی‌شد و به خود اجازه نمی‌داد که اینچنین بر اسلام و مسلمین در جنوب لبنان و فلسطین اشغالی بتازد و سالها قبلهٔ اول مسلمین را در اشغال خود داشته باشد. من نمی‌دانم اینها چگونه می‌گویند مراسم حج مسئلهٔ سیاسی نیست در حالی که *قرآن* کریم صریحاً خانهٔ کعبه را مرکز قیام مردم و مبارزه با شرك و کفر جهانی دانسته و پیامبر اکرم ص حضرت علی را مأمور فرمودند تا سورهٔ مبارکهٔ برائت را که متضمن آنهمه آیات شدید و غلیظ علیه کفار و

مشرکین است و در حکم اعلام جنگ با دشمنان اسلام بود در مناسك حج برای مردم بخوانند و تبرای خدا و رسول از مشرکین و کفار که دشمنان اصلی اسلام بودند را اعلام دارند.»

آیةالله العظمی منتظری همچنین یادآور شدند: «بر اساس آیات سورهٔ برائت و سایر آیات *قرآن* و مشی رسول الله مناسب‌ترین جایی که باید شعار مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل به جهانیان اعلام شود مراسم حج است. در این مراسم است که باید ملتهای آسیایی از گرفتاریهای ملل آفریقایی و از مظالمی که استعمار بر آنان روا می‌دارد مطلع شوند و با یکدیگر تفاهم کرده سلاحهای خود را علیه مشرکین زمان و ابر قدرتها بلند کنند. در مراسم حج است که باید حجاج ایرانی ملتهای مظلوم را از رمز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آگاه سازند. اینکه می‌بینیم که مقامات سعودی معمولاً ترتیبی می‌دهند تا حجاج ایرانی نتوانند با برادران و خواهران مسلمان سایر کشورها تماس بگیرند، به خاطر ترس از همین معناست و صدور انقلاب هم که ما می‌گوییم همین است که ما تجربیات و دستآوردهای انقلاب خود را در اختیار مظلومان و محرومان جهان قرار دهیم و گرنه برای ما آب و خاك اصلاً مطرح نیست. برای ما، انسانها و آگاهی دادن و بیدار کردن آنها مطرح است و سران کشورهای اسلامی بدانند چه بخواهند یا نخواهند ملتها در حال بیدار شدن هستند و اگر آنها بخواهند بمانند و حکومت کنند باید به اسلام و ملتهای خود متکی شوند، نه امریکا و شوروی. تاریخ محمدرضا شاه را توجه کنند که نه امریکا و نه غرب و نه شوروی نتوانستند او را در مقابل بیداری و قیام مردم حفظ کنند و سرانجام به زباله دان تاریخ افتاد.»

آیةالله العظمی منتظری در مورد وظایف روحانیون، مدیران و همچنین نمایندهٔ حضرت امام گفتند: «مسئولیتی که برادران قبول کرده‌اند بسیار سنگین است به خصوص برادران روحانی. انتظاری که اسلام و مردم از آنان دارند از دیگران بیشتر است. باید مواظب برخوردهای خود با افراد و رفت و آمدشان در آن منطقه و در بین سایر مسلمانان باشند. از حرفها و یا کارهایی که درشأن یك روحانی نیست پرهیز کنند و بدانند کوچك‌ترین لغزش آنان به حساب اسلام و انقلاب و کل روحانیت گذاشته می‌شود و برادران حجاج هم در کاروانها با خدمهٔ کاروانها رفتارشان عادلانه باشد. خیال نکنند برادران خدمه عبدوذلیل آنها هستند. درکارهای کاروانها حتی‌المقدور با آنان تعاون و همکاری کنند. در رفت و آمد و برخورد با مسائل مختلف نزاکت و اخلاق اسلامی و حیثیت انقلاب را حفظ کنند. مدیران کاروانها هم توجه کنند اگر در وظیفهٔ خود خدای نکرده کوتاهی کنند و در شناخت و معرفی امکنهٔ منی و عرفات و مشعر و جاهای حساس دیگر که هر کدام اعمال دقیقی دارند مسامحه کنند مسئولیت باطل شدن حج مردم به عهدهٔ آنان هم خواهد بود.»[۷۷]

۷۷. کیهان، ۱۳۶۳/۵/۱۰

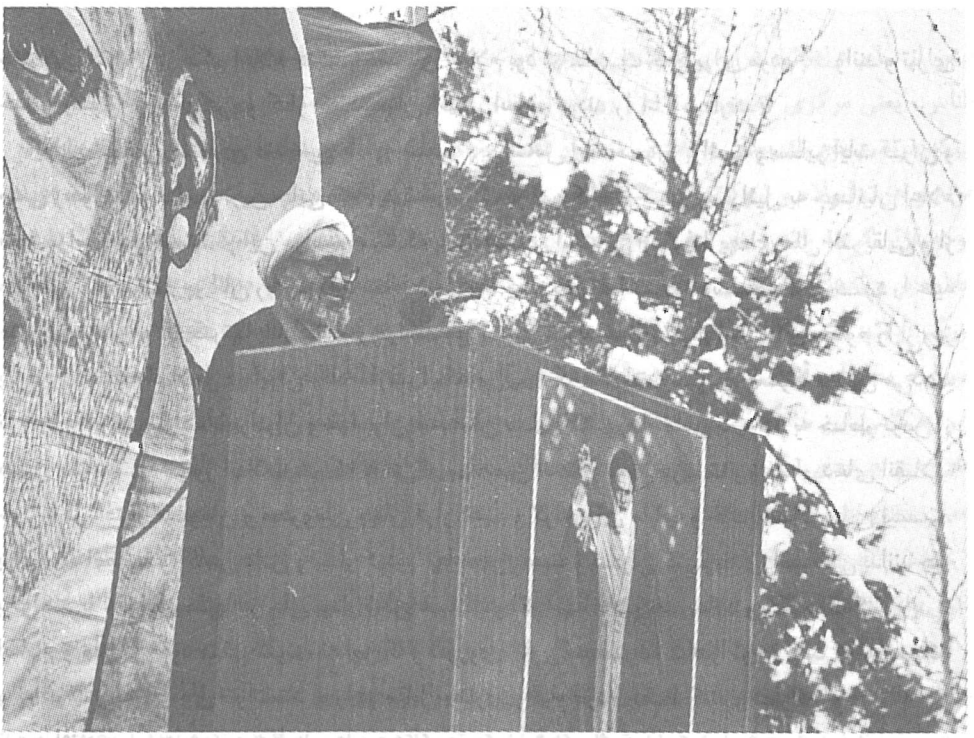

آیةالله منتظری در حال رای دادن به کاندیدای مورد علاقهٔ خود

دنبالهٔ دیدارها

۱۳۶۳/۷/۲۰

به گزارش واحد مرکزی خبر، حجةالاسلام محمدعلی صدوقی فرزند شهید محراب آیةالله صدوقی با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار کرد. در این دیدار حجةالاسلام صدوقی آمادگی قسمتی از بنیاد دینی و فرهنگی شهید صدوقی برای جذب و اسکان طلاب و فضلای واجد شرایط را به اطلاع ایشان رساند و یادآور شد بر اساس دستور حضرت امام مدظله جریان کار و کیفیت ادارهٔ امور درسی بنیاد شهید صدوقی به نظر حضرت آیةالله العظمی منتظری محول گردید. وی اظهار داشت: «حضرت امام مدظله چون عنایت خاص به این بنیاد و آیندهٔ آن داشتند فرمودند با نظر حضرت آیةالله العظمی منتظری اداره شود.»

آنگاه حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن آرزوی توفیق برای اتمام ساختمان این بنیاد عظیم دینی و فرهنگی که با همت بلند شهید آیةالله صدوقی رضوان الله علیه اساس آن پی‌ریزی شد، چند نفر از طلاب و فضلای متعهد را تعیین کردند تا با همکاری و همفکری حجةالاسلام محمدعلی صدوقی، بنیاد کارخود را آغاز کند و طلاب واجد شرایط را اسکان دهد و برنامه‌های درسی و آموزشی آنان تنظیم شود و به نحو مطلوب، همان گونه که منظور مرحوم آیةالله شهید صدوقی بوده و امام آن را خواسته‌اند، بنیاد را اداره نمایند.

۱۳۶۳/۸/۱۴

بازماندگان و فرزندان محترم مرحوم آیةالله العظمی شیرازی با فقیه عالیقدر دیدار و از تفقد و اظهار همدردی ایشان به مناسبت درگذشت آیةالله شیرازی تشکر کردند.

در این دیدار حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن تجلیل از مقام علمی و خدمات مرحوم آیةالله العظمی شیرازی برای بازماندگان و فرزندان محترم ایشان آرزوی موفقیت کردند.

بر اساس همین گزارش سفیر فلسطین در تهران با ایشان دیدار و از پیشنهاد و تأکید حضرت آیةالله العظمی منتظری در مورد تأسیس دانشکدهٔ قدس به منظور جذب جوانان فلسطینی علاقه مند به اسلام تشکر کرد و از ایشان تقاضا نمود در جهت تحقق این هدف اسلامی توصیه‌های لازم را به مسئولان بدهند.

آنگاه حضرت آیةالله منتظری طی سخنانی ضمن تأکید بر این که مسئلهٔ قدس و فلسطین مسئلهٔ همهٔ مسلمانان است و هر کسی به اندازهٔ قدرت خود باید در جهت زنده نگهداشتن مسئلهٔ قدس در دنیا تلاش کند، اظهار داشتند: «امروز حفظ وحدت کلمه بین تمام ملتهای اسلامی در برابر جبههٔ کفر و صهیونیسم از اهم واجبات است و این معنی باید در صفوف رزمندگان فلسطینی بیشتر مورد نظر قرار گیرد.» ایشان تأکید کردند: «البته دولت و ملت ما هم چه قبل از پیروزی انقلاب و چه بعد از آن در فکر مسئلهٔ قدس و آزاد کردن آن از دست اشغالگران صهیونیست بوده و هیچگاه نباید مأیوس شد. درگذشته حدود یکصد

سال مسجدالاقصی در اشغال صلیبیها بود تا بالاخره با همت و فداکاری مسلمین از دست آنها آزاد شد. امروز هم انشاءالله با حفظ وحدت کلمه و مبارزهٔ جدی و پی‌گیر به زودی باید قدس را آزاد کنیم تا ملت مظلوم فلسطین سرنوشت خود را به دست گیرند.»

بر اساس همین گزارش طی چند روز گذشته همچنین ائمهٔ جمعهٔ ایلام، علویجه و آزاد شهر ونمایندهٔ سمیرم، و انزابی نمایندهٔ مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی و حجج اسلامی مجید انصاری نمایندهٔ شورای عالی قضایی در زندانها و دادسراها و مروی رئیس محکمهٔ دادگاه شعبهٔ یك انتظامی قضات، جداگانه با ایشان دیدار و پیرامون مسائل مختلف گفت و گو کردند.

۱۳۶۳/۸/۲۷

آیةالله مشکینی با آیةالله العظمی منتظری دیدار کرد. در این دیدار پیرامون مسائل حوزهٔ علمیه بحث و گفت و گو شد.

۱۳۶۳/۸/۲۸

حجة الاسلام سیدعلی غیوری نمایندهٔ امام در جمعیت هلال احمر، همراه دکتر وحید سرپرست این جمعیت، با آیةالله منتظری دیدار و گفت و گو کردند. در این دیدار ایشان به مسئلهٔ خشکسالی و قحطی و کمبود فوق‌العادهٔ موادغذایی در جنوب افریقا و قسمتهای دیگر آن و نگرانی مسلمانان آن منطقه اشاره و تأکید کردند: «در این شرایط که مسلمانان و مردم محروم و مستضعف کشورهای افریقایی گرفتار قحطی و فقر و کمبود محسوس موادغذایی و دارویی شده‌اند، جا دارد دولت و ملت فداکار، با اینکه گرفتار جنگ تحمیلی و کمبودهای ناشی از آن می‌باشند، بنابر گفتهٔ *قرآن* کریم که می‌فرماید ویوثرون علی انفسهم ولوکان بهم حضاصه ایثار و فداکاری را فراموش نکنند و هر کس به اندازهٔ توان خود از موادغذایی که در اختیار دارد مقداری گرچه ناچیز از آن را در اختیار هلال احمر قرار دهد و مسئولان محترم هلال احمر هم ترتیبی بدهند تا با افتتاح شماره حساب و تعیین مراکز معینی در سراسر کشور کمکهای اهدایی ملت فداکار و ایثارگر ما را جمع آوری کنند و در اسرع وقت در اختیار مسلمانان و محرومان مناطق قحطی زده کشورهای افریقایی بگذارند.» ایشان اضافه کردند: «انتظار می‌رود دولتهای مربوطه در کشورهای افریقایی هم تسهیلات و امکانات لازم را در اختیار مسئولین هلال احمر بگذارند تا آنها بتوانند به وظیفهٔ انسانی و اسلامی خودشان به نحو احسن عمل کنند.»

۱۳۶۳/۹/۷

به پیشنهاد حضرت آیةالله العظمی منتظری و موافقت حضرت امام، حضرات محمدی گیلانی، سیدمحمد ابطحی کاشانی، سیدجعفر کریمی مازندرانی و مهدی قاضی خرم آبادی به منظور رسیدگی به امر زندانیان انتخاب شدند.

آیةالله سیدمحمد موسوی بجنوردی عضو شورای عالی قضایی ضمن اعلام این مطلب در گفت و

گویی نقطه نظرات شورای عالی قضایی را پیرامون رسیدگی و دستورتجدید نظر در احکام دادگاههای انقلاب اسلامی، زندانیان دادگاههای انقلاب که مدت محکومیتشان پایان یافته، و... و نحوهٔ کار دادگاههای عالی تشریح کرد.

وی افزود در پی ابلاغ حضرت امام مدظله العالی به چهار نفر فوق، شورای عالی قضایی مراتب را به منظور همکاریهای لازم به محاکم بخشنامه کرد. این هیئت با اعزام مأمورانی به زندانها و بررسی وضعیت فعلی زندانیان هر کدام را که مقتضی عفو دیدند در لیست می‌گذارند و به خدمت امام می‌برند...

عضو شورای عالی قضایی در مورد نحوهٔ کار دادگاههای عالی گفت: «چهار سال پیش توسط حضرت آیةالله العظمی منتظری پیشنهاد تشکیل این دادگاه مطرح و حضرت امام مدظله العالی با آن موافقت فرمودند و قرار شد شورای عالی قضایی دادگاه عالی تشکیل دهد و این دادگاه با شرکت فضلا، علما و مجتهدین حوزهٔ علمیه در قم تشکیل شد.

سیستم این دادگاه مثل دیوان عالی کشور است. یعنی همان طور که دادگاههای کیفری یك حق انشاء حکم در یك سری احکام را ندارند (اعدام، ده سال زندان به بالا، دویست هزار تومان جریمه به بالا، قطع من خلاف دست راست و پای چپ، درباب محارب، سارق و غیره) دادگاه کیفری یك نظریه‌اش را می‌دهد. پرونده می‌رود دیوان عالی کشور. دیوان عالی کشور نظر شکلی در پرَوَنده می‌کند. اگر تأیید کرد دادگاه کیفری یك حکم را انشاء و اگر تأیید نکرد پرونده به شعبهٔ دیگر فرستاده می‌شود. عین همین جریان در دادگاه عالی اجرا می‌شود.»[۷۸]

۱۳۶۳/۹/۸

یکصد تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی در قم با آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند.

در این دیدارایشان طی سخنان مبسوطی وظایف مهم مجلس شورای اسلامی را در برابر مردم و انقلاب و انتظاراتی را که از آن هست و همچنین لزوم اطلاع از مسائل مهم و جاری کشور و دخالت قاطع در آنها را یادآور شدند و پس از تقدیر از آنان به جهت قبول مسئولیت نمایندگی مردم در چنین شرایطی که شرق و غرب علیه اسلام و انقلاب توطئه می‌کنند، توصیه‌هایی فرمودند که فهرستوار از این قرار است:

۱. پشتوانهٔ اصلی انقلاب و سرمایهٔ بزرگ ما مردم هستند ـ همین مردمی که انقلاب را به پیروزی رساندند و در سختیهای حصر اقتصادی و جنگ تحمیلی مقاومت کردند و بارأی خود شما را به مجلس فرستادند.

۲. تأمین خواسته‌های مردم و رسیدگی به مشکلات مختلف آنان باید در درجهٔ اول اهمیت باشد.

۳. آرای مردم به منزلهٔ امانتی است الهی که باید نمایندگان، خود را برای حفظ آن و عمل به لوازم

۷۸. کیهان، ۶۳/۹/۷.

آن آماده سازند.

٤. متانت و اخلاق و آداب اسلامی در برخورد نمایندگان با یکدیگر و با مسئولین کشور باید کاملاً مراعات شود.

٥. دنیا امروز به مجلس، چشم دوخته است، لذا نمایندگان نباید سوژه‌ای دست دشمن بدهند.

٦. ما برای اداره کشور و تأمین خواسته‌های مردم و پیاده کردن اهداف انقلاب محتاج به لوایح زیربنایی و قوانین اصلی می‌باشیم... این طور نباشد که مسائل اصلی کشور که مربوط به مشکلات اقتصادی، کشاورزی، تجارت، زمین و حقوق کارگران و امثال آن است مغفول عنه بماند.

۷. وظیفهٔ مجلس شورای اسلامی است که نسبت به مسائل اصلی کشور مثل جنگ و امور اقتصادی مردم به دور از خط بازیها دخالت نماید.

۸. مجلس باید دوستانه، قاطعانه و با حفظ شئون و احترام مسئولین محترم، مسائل و ضعفها را تعقیب کند و برخورد جدی نماید.

۹. برادر عزیزم جناب آقای هاشمی رفسنجانی که در تمام مراحل در انقلاب با هم بودیم و فردآگاه و با هوشی هستند... در کمیسیونهای مختلف مجلس نظارت بیشتری کنند.

۱۰. برای فعال شدن کمیسیونها ترتیبی داده شود تا از مشاورین و متفکرین خارج از مجلس از هر گروه و جمعیت دلسوز و متعهد به انقلاب استفاده شود.

۱۱. این خط بازیها را بریزیم دور و یکدیگر را برای خدا و خدمت به انقلاب تحمل کنیم...

سخنان مهم و دلسوزانهٔ آیةالله منتظری با نمایندگان مجلس، که جملاتی از آن ذکر شد، در مجلس شورای اسلامی بازتاب وسیع و پرشوری داشت، به گونه‌ای که رئیس مجلس شورای اسلامی خواستار راهنماییهای ایشان برای مسائل بنیادی کشور شد.

حجةالاسلام هاشمی رفسنجانی در جلسهٔ علنی سه روز بعد از آن دیدار گفت: «اظهارات حضرت آیةالله العظمی منتظری در مورد مجلس، توجه خاصی که به موقعیت و وظایف و حقوق مجلس فرمودند و عنایت مخصوصی که به خود بنده که لایق نیستم اظهار داشتند مورد تشکر و تقدیر ماست و متقابلاً از ایشان انتظار داریم علاوه بر این راهنماییهایی که در مسائل سیاسی، اخلاقی و اجرایی می‌فرمایند، از اطلاعات و علوم وسیع که از معارف اسلامی دارند در راهنمایی بنیادی برای مسائل بنیادی کشور دریغ نفرمایند که ما سخت نیازمند به آن هستیم، حتی در انجام وظایفی که خودشان اشاره فرمودند، مسائلی مثل اراضی کشاورزی، توزیع و چیزهایی از این قبیل که مسائل مهم کشور است.

راهنمایی بنیادی شخصیت عظیم‌القدری مثل آیةالله منتظری که از همهٔ شرایط اظهار نظر برخوردار هستند بسیار می‌تواند راهگشا باشد.»[۷۹]

همچنین نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای خطاب به حضرت آیةالله العظمی منتظری به ندای ایشان پاسخ گفتند. به گزارش خبرنگاران پارلمانی *کیهان*، تا ساعت دوازده ظهر بیش از

۷۹. *کیهان*، ۱۳٦۳/۹/۱۱.

صدوهفتاد نفر از نمایندگان این نامه را امضا کرده‌اند که امضای نامه همچنان ادامه دارد. متن نامهٔ نمایندگان به شرح زیر است:

«بسمه تعالی. محضر مبارك فقیه عالیقدر، امید امام و امت، حضرت آیةالله العظمی منتظری، دامت برکاته، سلام گرم و خالصانهٔ ما که منبعث از دلهای پر محبت و برخاسته از اعماق وجودمان است بر شما باد. ای فقیه بزرگوار و آشنای درد دردمندان، پیام ملکوتی شما را در جمع نمایندگان مجلس به گوش جان شنیدیم. آن سخنان پرسوز که از دل پر درد برخاست و واقعیات را بیان نمود خواستهٔ یکایك ما و درد دل همهٔ ما بود که بر زبان آن حضرت جاری گشت و امیدی نو در یکایك نمایندگان به وجود آورد و درخت یأس و نومیدی را از بیخ خشکانید.

این ندای نوید بخش، که بیانگر حقایق بود، که مدتها وجود ما را می‌سوخت، به این خادمان جان تازه‌ای بخشید و ما را بر آن داشت تا در انجام مسئولیت خطیر نمایندگی، که ملت و قانون اساسی بر دوشمان نهاده، استوارتر و پرجوش‌تر حرکت نموده، تمام تلاش خود را در جهت پیاده شدن اسلام فقاهتی، نشئت گرفته از افکار رهبری، و تحکیم پایه‌های نظام اسلامی و تحقق عدالت اجتماعی به کار بریم و در این راه از هیچ مشکلی نهراسیم و با وحدت کلمه و به دور از هرگونه قشرگرایی و گروه گرایی بتوانیم بر مشکلات فایق آییم.

ای غم خوار ملت، ما نمایندگان مجلس، ضمن تقدیر و تشکر بی‌حد و سپاس از رهنمودهای آن حضرت، به شما اطمینان می‌دهیم که ندایت را لبیك گفته در انجام آنچه فرمودید از هیچ کوششی دریغ ننماییم و تمام توان خویش را در حمایت از محرومین جامعه که در طول تاریخ مظلوم بوده‌اند و در جهت شناساندن چهرهٔ واقعی اسلام و وضع قوانین حاوی حقوق کلیهٔ افراد و نظارت بر اجرای آن به کار گیریم و از خداوند منان خواستاریم که ما را در این راه یاری نماید و شایستگی خدمتگزاری عنایت فرماید و از شما نیز خواستاریم که دعای خیرتان و رهنمودهای ارزنده و دلسوزانه‌تان لحظه به لحظه راهگشای راهمان باشد. خداوند وجود پربرکت شما را محفوظ دارد و ما را قدردان نعمت رهبری امام امت و آن حضرت قرار دهد.[۸۰]

۱۳۶۳/۱۱/۱۳

درپی عارضهٔ کسالت آیةالله ربانی‌املشی این تلگرام از سوی آیةالله منتظری به بیمارستان قلب تهران مخابره شد.

«بسمه تعالی. جناب حجةالاسلام والمسلمین آقای ربانی املشی دامت افاضاته. عارضهٔ کسالت شدید جناب‌عالی موجب نگرانی شد. امید است در پرتو عنایات خاصهٔ حضرت ولی‌عصر ارواحنا فدا و تلاش اطبای خدمت‌گزار، خداوند شفای عاجل را عنایت فرماید و بتوانید همچون گذشته به اسلام و انقلاب خدمت نمایید. واسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. حسینعلی منتظری.»

۸۰. کیهان، ۱۳۶۳/۹/۲۲.

۱۳٦۳/۱۱/۲۰

شیخ سعید شعبان از علمای مبارز لبنان با فقیه عالیقدر دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار ایشان ضمن تقدیر از تلاش و مبارزهٔ علمای اسلام در لبنان و به خصوص شیخ سعید شعبان با صهیونسیم و قدرتهای فاسد اشغالگر و اعلام حمایت همه جانبه از مبارزات ملت مسلمان لبنان و روحانیت متعهد آن کشور تا پیروزی نهائی اظهار داشتند: «از قول من به برادران فلسطینی بگویید تا هنگامی‌که مسئولین سازمانهای فلسطینی به دنبال امور دیپلماسی و ملاقات و مذاکره با قدرتهای بزرگ و عوامل و دست نشانده‌های آنها در منطقه باشند، هیچ امیدی به‌نجات ملت فلسطین نخواهد بود. تنها راه نجات آنها و دفع شر صهیونیسم و همدستان اشغالگران، اسلام است، و باید از راه اسلام نهضت فلسطین را وارد مرحلهٔ جدیدی کرد تا سعادت دنیا و آخرت ملت فلسطین تضمین شده باشد.» در این دیدار شیخ سعید شعبان گزارشی از گرایش جدید جوانان مسلمان فلسطینی به‌نهضت اسلامی و امید آنان به‌انقلاب دینی را به‌نظرایشان رساند. براساس همین گزارش همچنین ری شهری وزیراطلاعات و سید محمد حسن ملك مدنی شهردار اصفهان و ائمهٔ جمعهٔ کاشمر، شوش، شبستر، ارسنجان و حجةالاسلام محمدی از خبرگان استان مازندران جداگانه با حضرت آیةالله‌العظمی منتظری دیدار و پیرامون مسائل و مشکلات مناطق خود با ایشان گفت‌وگو کردند.

۱۳٦٤/۲/۱

به‌گزارش واحد مرکزی خبر طی روزهای گذشته حجج‌اسلام شیخ مهدی شمس‌الدین نایب رئیس مجلس عالی شیعه لبنان، نوری شاهرودی نمایندهٔ امام در یکی از کشورهای خلیج فارس، مروی رئیس شعبهٔ اول دادگاه انتظامی قضات،احسان‌بخش نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ رشت، میرسلیم مشاور عالی رئیس جمهور و ائمهٔ جمعهٔ زنجان، بوشهر، رامهرمز، کرج، بابلسر مبارکه، خرامه، قهدریجان، داران، غرق‌آباد ساوه، همچنین فرزندان و منسوبین مرحوم حجةالاسلام حاج شیخ عباسعلی اسلامی یکی از خطبای متعهد تهران به‌طور جداگانه با آیةالله‌العظمی منتظری دیدار و گفت‌وگو کردند.

در دیدار آقای شمس‌الدین، تحریکات جدید عوامل صهیونیست و مزدوران امریکا در لبنان جهت ضربه‌زدن به حرکت اسلامی در آن کشور از طریق ایجاد بدبینی و حساسیت بین طوایف مسلمان و علمای آن منطقه مطرح شد و آیةالله‌العظمی منتظری مجدداً ضمن اشاره به عمق این توطئهٔ اسرائیلی و آثار منفی آن در منطقه تأکید کردند «تنها امید امریکا و اسرائیل و جبههٔ کفر در شرایط فعلی حرکت اسلامی لبنان، ایجاد اختلاف و درگیری فرقه‌ای و مذهبی در این کشور است و انتظار می‌رود علمای اسلام در لبنان با آگاهی و بصیرت و قاطعیت جلو این گونه توطئه‌های امریکایی را بگیرند و نگذارند عوامل و مزدوران باقیماندهٔ صهیونیسم در منطقه به رشد و پیشرفت حرکت اسلامی کشور مظلوم لبنان ضربه‌ای بزنند.»

همچنین طی این هفته حجةالاسلام رحمانی سرپرست بسیج مستضعفان به‌همراه هزاران نفر از مسئولان و اعضای طرح اسامهٔ بسیج که برای حفاظت شهری و تأمین پشت جبهه آموزش می‌بینند

باایشان دیدار کردند و در این دیدار فقیه عالیقدر ضمن اشاره به اهمیت مسئلهٔ بسیج و مقایسه با روش پیامبر اسلام در دفاع از *قرآن* و کشور اسلامی در روزهای اول اسلام باروش بسیج طبقات مردم مسلمان اظهار داشتند: «این کار آقایان کار تازه‌ای نیست که فعلاً معمول است بلکه همان روشی است که در صدراسلام پیامبر اکرم برای دفاع از اسلام و *قرآن* عمل می‌نمودند. و *قرآن* شریف روی آن تأکید بسیار داشت که باید مسلمانان از هر نظر قوی بوده خود را آماده و مهیا برای دفاع از کیان اسلام و کشور اسلامی در هر شرایطی که پیش می‌آید بنمایند و روی همین اصل پیامبر بزرگ اسلام روی مسئلهٔ آموزش مردم و آشنائی آنان به مسائل دفاعی و فنون جنگی و دفاع از کشور به خصوص در مواقع جنگ و حمله از ناحیهٔ دشمنان اصرار داشتند؛ تا آنجا که در جنگهایی که در زمان خود حضرت پیش می‌آید آن بزرگوار دقیقاً اصول نظامی و رموز جنگی را مراعات می‌کردند و به دیگران نیزتأکید می‌نمودند که کاملاً اصول رزمی و نظامی را عملاً مراعات نمایند و هیچگاه گرفتار ساده اندیشی و کوچك شمردن دشمن و حیله‌های گوناگون او نشوند.»

آیةالله العظمی منتظری ضمن تقدیر از فداکاری و ایثارگری رزمندگان شجاع اسلام در جبهه، آنان را مورد خطاب قرار دادند و گفتند: «گرچه از روحیهٔ فداکاری و ایثار و آمادگی برای شهادت شما عزیزان ملت ما آگاه هستند و باید واقعاً از آن تقدیر نمود ولی در عین حال این روحیهٔ بزرگ نباید موجب شود که به‌اصل جنگ و فنون آن و آموزش‌های کافی و اطلاعات لازم در جنگ و از خصوصیات جبههٔ دشمن کم توجهی شود. شما مشاهده کنید پیامبر اکرم با آن ارتباط و پیوند عمیقی که با خداوند متعال داشتند هیچگاه در جنگها به صرف توکل و دعا اکتفا نکردند بلکه در مرحلهٔ اول امور نظامی و رزمی و آموزشهای لازم را توصیه می‌فرمودند و سپس از خدای متعال برای لشکر اسلام طلب پیروزی و نصرت می‌کردند.»

اتحاد مبارزان افغانی

آیةالله‌العظمی منتظری همیشه و در هر حال در اندیشهٔ آثار سوءِ تفرقه بین مبارزان مسلمان در کشورهای اسلامی بوده‌اند. بسیاری از سفارشهای معظم‌له در دیدارهای علمای مسلمان کشورهای لبنان، افغانستان، عراق، سودان، پاکستان و ... باایشان، در رابطه با ایجاد وحدت بین مبارزان مسلمان بوده است.

از مدتها قبل در افغانستان بین گروههای مسلمان مبارز و جمعیتها و جنبشهایی که برای نجات افغانستان از دست کمونیستها و از زیرچکمهٔ سرخ روسیه می‌جنگند اختلاف نظر پدید آمده بود و این امر آثار سوئی را برای جنبش مردم مسلمان افغانستان در برداشت.

فقیه عالیقدر برای حل اختلاف بین جناحهای مختلف افغانی، فعالیتهایی را شروع کردند و به‌نتیجهٔ مطلوبی هم رسیدند. برای تبیین بیشتر این موضوع گزارشهای مربوط به دیدارها و پی‌آمدهای آن را دنبال می‌کنیم.

۱. به‌گزارش واحد مرکزی خبر روحانیون و علمای مبارز افغانی به‌همراه نمایندگان گروههای

مسلمان و مبارز افغانی با آیةالله‌العظمی منتظری دیدار گفت‌وگو کردند. در این دیدار پس از طرح مشکلات نهضت اسلامی افغانستان و انتظار ملت مسلمان و مظلوم این کشور از جمهوری اسلامی ایران و دیگر کشورهای مسلمان آیةالله‌العظمی منتظری ضمن تقدیر از خدمات و فعالیتهای آنان طی سخنان مشروحی به‌مشکلات مسلمانان صدراسلام اشاره کردند و گفتند: «آنچه برای پیروزی ملت مسلمان مهم است همان ایمان به‌راه حق خود و مقاومت در برابر مشکلات و هماهنگی کامل نیروهای مبارز و فداکار آن ملت است ـ همچنان‌که امروز در لبنان مظلوم این حالت وجود دارد و می‌بینیم که مقاومت و فداکاری جوانان مسلمان لبنانی قدرتهای فاسد و اشغالگر منطقه را مبهوت کرده و آنها را روز به‌روز وادار به عقب‌نشینی کرده‌اند، به‌طوریکه آنها خودشان به ضعف در برابر مسلمانان لبنانی اعتراف می‌کنند.»

ایشان به روحانیون و علمای مبارز افغانی گفتند: «اکثریت قاطع ملت مظلوم افغانستان مسلمان و علاقه‌مند به مذهب و روحانیت هستند و این معنا وظیفهٔ علما و فضلا و طلاب مبارز افغانی را مشکل‌تر می‌کند. امروز چشم امید ملت افغانستان به شما علمای متعهد و مبارز و طلاب مجاهد می‌باشد و این وظیفهٔ شرعی گروههای مسلمان و علمای مبارز افغانی است که به دور از هرگونه اختلاف گروهی و گرایشهای مختلف سعی کنند تمام نیروهای مبارز افغانی اعم از شیعه و سنّی را حول یك محور قوی دینی جمع کنند و آنها را در راه مبارزه با جبههٔ کفرو نجات کشور خود هدایت و تقویت نمایند و امروز بهترین و قوی‌ترین محور دینی و الهی که می‌تواند ملتها را بسیج نماید رهبری مقام معظم رهبر انقلاب حضرت امام خمینی مدظله العالی است که در پرتو آن تمام تفرقه‌ها و اختلاف کلمه‌ها به وحدت کلمه در راه حمایت از اسلام و قرآن مبدل خواهد شد. ایشان تأکید کردند به نظر من اگر امکان داشت اصلاً نمی‌باید گروههای مختلف و پراکنده‌ای وجود داشته باشند ولی اکنون که وجود دارد باید همهٔ گروههای مسلمان یك جبههٔ واحد تشکیل دهند و علما و فضلای افغانی هم آنها را برای رسیدن به وحدت کلمهٔ کامل راهنمایی و تأیید نمایند.»

ایشان همچنین یادآور شدند: «برفرض اگر با گروه خاصی که مسلمان و واقعاً مبارز است و وابسته به جایی هم نیست نتوانستید به دلایلی به وحدت کلمه برسید و یا مثلاً آن را تأکید نمایید، حداقل سعی کنید تضعیفش نکنید. بگذارید مبارزه‌اش را با جبههٔ کفر بکند.»

آیةالله‌العظمی منتظری در مورد نقش جوانان در پیشبرد نهضت اسلامی گفتند: «علمای محترم افغانی به‌این حقیقت توجه داشته باشند که ممکن است جوانان اهل علم و یا غیر اهل علم که مبارزه می‌کنند به‌بعضی مسائل مهم سیاسی و انقلابی توجه بیشتری داشته باشند. گرچه از نظر علمی و دانستن فقه و اصول ممکن است در رتبهٔ بسیار پایین‌تری باشند ولی علمای اعلام افغانی توجه دارند که بسیاری از کارهای انقلابی را همین جوانان انجام می‌دهند و از غیر آنها عملی نیست و باید از آنها تقدیر شود.»

ایشان در مورد توطئهٔ تشدید اختلافات توسط وابستگان به‌سازمانهای جاسوسی شرق و غرب تأکید کردند و گفتند: «من مطمئنم که بسیاری از این اختلافات و تفرقه‌ها و حساسیتها به دست عناصر وابسته به‌سازمانهای جاسوسی ولی به‌ظاهر مسلمان و مبارز و انقلابی به‌وجود می‌آید. همین عناصر وابسته

هستند که ممکن است در گروههای مسلمان افغانی هم نفوذ کرده باشند و نگذارند وحدت کلمه و جبههٔ واحد اسلامی در برابر جبههٔ کفر و الحاد به وجود آید. امروز سیاست شرق و غرب در جهت تضعیف و متلاشی نمودن حرکتهای اسلامی در هر گوشه از جهان متمرکز شده است. شما ملاحظه کنید امریکا و شوروی دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم با آنهمه اختلاف و تضاد سیاسی و عقیدتی که باهم دارند ولی به‌خاطر حفظ منافع استعماری خود و به‌حداقل رساندن اختلافاتشان تشکلیل جلسهٔ تفاهم می‌دهند و نمایندگان آنها ساعتها با یکدیگر گفت‌وگو و سرانجام تفاهم می‌کنند و با گرمی و اظهار پیروزی از هم جدا می‌شوند و روی مسائل مختلف جهان از جمله افغانستان و لبنان و جاهای دیگر با یکدیگر معامله و سازش کرده و حتی کشورها را بین خود تقسیم می‌کنند. در چنین شرایطی چرا نباید ما مسلمانان و به خصوص علمای اسلام و روحانیون مبارز در هر منطقه و کشوری که هستند و یا مثلاً روحانیون و گروههای مسلمان و مبارز افغانی به وحدت کلمه برسیم و اختلافات خود و حساسیت‌های خیالی را تحمل کنیم و انتظار عصمت از یکدیگر نداشته باشیم و کاری کنیم که اختلافات سلیقه‌ای و گروهی را به حداقل برسانیم؟»

در پایان آیةالله‌العظمی منتظری با مقایسه شرایط فعلی ملت مظلوم افغانستان با شرایط مبارزات ملت مسلمان ایران در رژیم گذشته گفتند: «برادران و خواهران مبارز افغانی به خوبی می‌دانند که هیچ کشور و دولتی به مبارزات ملت ایران کمك نمی‌کرد و از هر نظر خودکفا و روی پای خود ایستاده بود و این خود ملت فداکار ایران بود که نیازهای مبارزه و نهضت را در هر مقطعی با آن گرفتاریها و سختیهایی که داشت برطرف می‌ساخت و مبارزین را از هر جهت حمایت می‌نمود. بنابراین اگر فرضاً امروز هم از هیچ جایی به‌نهضت اسلامی ملت مسلمان افغانستان کمکی نرسد نباید گروههای مسلمان و مبارز و علمای مجاهد افغانی در راه‌حق خود ضعف و سستی نشان دهند. شرایط مسلمانان صدر اسلام از آنان به مراتب بدتر و سخت‌تر بود. در روایتی وارد شده که امام صادق ع به یکی از اصحاب خود که مدعی وجود دهها‌هزار مبارز فداکار در راه آن حضرت بود فرمودند هرگز چنین نیست و اشاره کردند به‌گلهٔ گوسفندی که در نزدیکی آن محل بود و گفتند اگر به اندازهٔ تعداد این گوسفندان که تعدادشان هفده عدد بود من همصدا و طرفدار مبارز داشتم قطعاً قیام می‌کردم.»[۸۱]

۲. درپی رهنمودهای فقیه عالیقدر آیةالله منتظری، احزاب مؤتلفه اسلامی متشکل از نهضت اسلامی، پاسداران جهان اسلامی، جبههٔ متحد انقلاب اسلامی و سازمان نصر افغانستان، همراه با علمای متعهد و مسئول افغانی با انتشار اطلاعیه‌ای آمادگی خود را جهت هرگونه اتحاد اصولی و فراگیر با کلیهٔ نیروهای مخلص و مؤمن در راستای اصل شعار «نه شرقی نه غربی» اعلام کردند.

متن اطلاعیه به‌شرح زیر است:

«بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. اطیعوا‌الله واطیعواالرسول و اولی الامر منکم. به پیروی از منویات فقیه عالیقدر امید امام و امت اسلامی، حضرت آیةالله العظمی منتظری دامت برکاته و به منظور اطاعت از

۸۱. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/۳/۱.

رهنمودهای واجب الاتباع معظم‌له در رابطه با اتحاد و هماهنگی کلیهٔ نهادهای انقلابی اسلامی افغانستان و برای تحقق بخشیدن به آرمان به حق ملت مظلوم و دربند افغانستان که سالهاست در میان آتش و خون می‌سوزند و می‌سازند و طالب اتحاد نیروهای اصیل و انقلابی در برابر کلیهٔ نیروهای استکباری به خصوص اشغالگران روس هستند، اینك احزاب مؤتلفهٔ اسلامی همراه با علمای متعهد و مسئول افغانی با درك مسئولیت اسلامی و احساس وظیفهٔ شرعی با کمال صفا و خلوص آمادگی خود را جهت هرگونه اتحاد اصولی و فراگیر با کلیهٔ نیروهای مخلص و مؤمن و متعهد در راستای خط نه شرقی نه غربی اعلام می‌دارند و از تمام جناحهای مخلص به خط امام و ولایت فقیه انتظار دارند که در به ثمر رساندن این آرمان مقدس گامهای مؤثر و فراتری بردارند. امیداست این خیزش الهی گامی باشد در جهت انسجام کلیهٔ نیروهای اسلامی اعم از شیعه و سنی برای براندازی نظام الحادی حاکم و استقرار جمهوری اسلامی در افغانستان.»[۸۲]

۳. به دنبال رهنمودهای آیةالله العظمی منتظری به روحانیون و علمای مبارز افغانی، پیامی از سوی طلاب، مدرسین و روحانیون افغانستان در حوزهٔ علمیهٔ مشهد و نیز مهاجرین مسلمان افغانی در مشهد به محضر ایشان ارسال شد. متن پیام بدین شرح است:

«بسمه تعالی. محضر مبارك حضرت آیةالله العظمی منتظری دام ظله العالی، پس از عرض سلام و اظهار قدردانی نسبت به ارشادات و رهنمودهای مفید و سرنوشت سازی که در جمع روحانیون مبارز افغانی ارائه فرمودید، حقیقت این است که در حال حاضر که شرق و غرب از پیشرفت روزافزون اسلام به وحشت افتاده‌اند، جز ایجاد اختلاف و تفرقه در صفوف یکپارچهٔ مسلمین راه دیگری برای مقابلهٔ اساسی با انقلاب اسلامی ندارند. و البته وحدت کلمهٔ مسلمین و در رأس آنها یکپارچگی و زعامت روحانیت اصیل و مبارز است که می‌تواند این نقشهٔ خائنانهٔ دشمنان قسم خوردهٔ اسلام را نقش برآب نماید. فرمایشات حضرت عالی در جمع علما و روحانیون متعهد افغانستان به ویژه در این برهه از زمان که با توجه عمیق به شرایط کنونی افغانستان و با درك صحیح ازموقعیت احزاب و گروههای اسلامی و با عنایت به نقش حساسی که علمای دینی در وحدت کلمهٔ اقشار مختلف مردم دارند، و یا می‌توانند داشته باشند، ایراد گردیده است، برق امیدی را در دل آحاد ملت مسلمان افغانستان روشن کرد و نشان داد که حضرت عالی با وجود گرفتاریهای فراوان و مشکلات داخلی و خارجی موجود، نهضتهای اسلامی ملت مظلوم و فداکار افغانستان را فراموش نکرده و در فرصت مناسب ارشاد و راهنماییهای لازم را ارائه می‌فرمایید.

ما معتقدیم هر چند وقت یك بار ملاقات عده‌ای از علمای مخلص و خدمتگزار با حضرت عالی علاوه بر آنکه سازنده است و می‌تواند در توجه دادن ما به وظایف شرعی و اسلامی مؤثر باشد، نقش مهمی در به وجود آمدن وحدت بنیادین و همه جانبه بین گروههای اسلامی و ایجاد صف واحد و جریان واحدی در مبارزه با دشمن اشغالگر داشته و به نوبهٔ خودگام بسیار مثبتی در جهت پیروزی ملت مسلمان افغانستان

۸۲. *اطلاعات*، ۱۳٦٤/۳/٤.

به شمار می‌آید. مشخص نمودن وظیفهٔ شرعی روحانیت و جریانهای اسلامی افغانستان و بیان نقش رهبری حضرت امام در ایجاد وحدت کلمه بین همهٔ اقشار و تبیین خط امام برای نیروهای پیرو این خط ـ که همان خط اتحاد و هماهنگی و گذشت و همکاری است، آن هم از زبان امید امام و امت که تبلور همه جانبهٔ خط امام است ـ عذری برای هیچ فرد معتقد به امام باقی نگذاشته خط اصیل اسلام را فرا راه همهٔ رهروان طریق حق و شیفتگان حکومت الله و خواستاران وحدت و پیروزی و دشمنان نفاق و پراکندگی گشود، و راه را از چاه مشخص نمود. و البته که انتظار مردم مؤمن و مخلص افغانستان نیز در این مقطع از جناب عالی چیزی غیر از این نمی‌باشد. و ما اطمینان داریم که نظارت شما بر این جریان می‌تواند ضامن قدرت مندی برای به ثمر رسیدن این امر و عملی شدن آن رهنمودها باشد.

ما این ملاقات و فرمایشات وحدت آفرین و سرنوشت ساز را که در آستانهٔ ماه مبارك رمضان، ماه برکت و رحمت الهی صورت پذیرفت به فال نیك گرفته از خدای متعال می‌خواهیم ما را به راه خود هدایت و از رحمت واسعه‌اش برخوردار نماید. دلهای ما را به هم نزدیك‌تر گرداند و کدورتها را زایل و برطرف فرماید. و با ظهور ولی عصر ارواحناه فدا همهٔ نابسامانیهای جوامع اسلامی را سامان بخشد. سلامت و طول عمر امام عزیز، حضرت عالی و سایر خدمتگزاران به اسلام و مسئولین جمهوری اسلامی، عظمت و اعتلای جمهوری اسلامی، پیروزی رزمندگان اسلام در سراسر جهان و نجات کشور عزیز افغانستان و عراق و فلسطین از چنگال ابر قدرتها از بهترین و ولاترین آرزوهای ما است. طلاب، مدرسین و روحانیون افغانستان در حوزهٔ علمیهٔ مشهد و مهاجرین مسلمان افغانستان در مشهد مقدس.»[۸۳]

٤. شش سازمان مبارز افغانی بین خود میثاق صلح امضا کردند. به دنبال بروز درگیریهای شدید بین گروههای انقلابی و مسلمان افغانی، علمای مبارز و نمایندگان سازمانها و گروههای مبارز افغانی با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیداری داشتند و جریانات داخل افغانستان را مشروحاً به اطلاع ایشان رساندند. در این دیدار حضرت آیةالله العظمی منتظری بر لزوم رفع اختلافات و درگیریهای گروهی و نیل به وحدت کلمه و تشکیل جبههٔ کفر تأکید کردند. به دنبال آن با تلاش و همت یکی از فضلای مورد تأیید حضرت آیةالله العظمی منتظری و آگاه نسبت به نهضت اسلامی در افغانستان، جلسات متعددی از نمایندگان و مسئولان سازمانهای انقلابی و علما و فضلای مبارز افغانی در قم تشکیل شد و پس از مذاکرات گوناگون و طرح موارد اختلاف و عواقب سوء ناشی از آن و ضربه‌هایی که از این بابت به رشد نهضت اسلامی در افغانستان خورده و می‌خورد، سرانجام میثاق صلحی به تصویب و تأیید گروههای مبارز و علما و فضلای متعهد افغانی رسید.

یادآوری می‌شود مراتب فوق که کلاً مورد تأیید و تشویق حضرت آیةالله العظمی منتظری بود به اطلاع مسئولان معظم جمهوری اسلامی نیز رسید و اکنون متن کامل میثاق صلح:

«بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. قاتلوا المشرکین کافة کمایقاتلونکم کافة. از آنجا که تشکیل امت واحدهٔ

۸۳. *اطلاعات*، ۱۳٦٤/۳/٥.

اسلامی و مبارزه با استکبار جهانی یکی از آرمانهای مکتب رهایی بخش اسلام و ضرورتهای استراتژیك انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی است، در اجرای منویات و اوامر فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری که از موضع ولایت و حفظ مصالح اسلام و مردم مسلمان و ستمدیدهٔ افغانستان و در جهت خنثی نمودن توطئهٔ دشمنان اسلام، ضرورت توقف هرگونه درگیری و جنگ مسلحانه بین مجاهدین مسلمان در راستای وحدت و تفاهم بین کلیهٔ نیروهای اسلامی را توصیه فرمودند، ما امضا کنندگان اعلامیه ضمن تأیید توافقهای صلحی که اخیراً به همین منظور در داخل بین برادران صورت گرفته، هرگونه زد و خورد و جنگ مسلحانه بین مجاهدین مسلمان را در داخل افغانستان محکوم ساخته و بدین وسیله آتش بس کامل بین جناحهای درگیر امضا کنندهٔ زیر را اعلام و آمادگی خویش را در جهت فیصله بخشیدن به اختلافات موجود از راههای مسالمت آمیز و طبق ضوابط پذیرفته شده در انقلاب اسلامی ابراز می‌داریم.

ما همچنین تأکید می‌کنیم که این اعلامیهٔ آتش بس به منزلهٔ دستور قاطع تشکیلاتی است واز تاریخ انتشار آن کلیهٔ افراد و اعضا و مجاهدین وابسته به گروههای امضا کننده موظف به اجرای دقیق آن می‌باشند.

بدیهی است هر کس از دستور آتش بس تخلف نماید طبق قانون اسلامی محاکمه خواهد شد. ما در پیشگاه خداوند قادر متعال و ارواح پاك شهیدان به خون خفتهٔ افغانستان و مهاجرین مظلوم آن دیار و ملت محروم و مبارزمان سوگند یاد می‌کنیم که زیرلوای اسلام و در پناه صلح و وحدت و به یاری کفرستیزان سلحشور جبهه‌ها، خودکامگی ابر قدرت ملحد شرق و دولت دست نشانده‌اش را به صخرهٔ مقاومت ملت قهرمانمان خواهیم شکست و کلیهٔ نیروهای خویش را در راه آزادسازی سرزمین اسلامی افغانستان بسیج خواهیم نمود. ان الله یحب‌الذین یقاتلون فی‌سبیله صفا کانهم بنیان موصوص. والسلام علی جمیع اخوانناالمسلمین.

الف. پاسداران جهاد اسلامی: ۱. پایگاه مرکزی نبوت، غزنی. ۲. پایگاه مرکزی خاتم الانبیا ص، بهسود. ۳. پایگاه مرکزی علی بن ابیطالب ع، ورس ٤. پایگاه مرکزی عدالت، اورزگان. ۵. پایگاه مرکزی رسالت، سمت شمال. ب. سازمان نصر افغانستان. ج. حرکت اسلامی افغانستان. د. نهضت اسلامی افغانستان. ه . جبههٔ متحدانقلاب اسلامی افغانستان. و. نیروی اسلامی.»[۸٤]

۵. چهار تن از مسئولان احزاب اسلامی افغانستان همزمان با کنگرهٔ بزرگداشت شهید بلخی، روحانی مبارز افغانی که در مشهد برگذار شد، در یك مصاحبهٔ مطبوعاتی به سؤالات خبرنگاران پاسخ دادند.

مسئول یکی از احزاب اسلامی افغانستان در رابطه با سخنان آیةالله العظمی منتظری گفت: «حرکت اخیر آیةالله العظمی منتظری یکی از حرکتهایی است که به طور اساسی نقش تعیین کننده‌ای در رابطه با وحدت وانسجام نیروها دارد که نتایج آن از هم اکنون دیده می‌شود و این چیزی بود که مردم افغانستان

۸٤. *اطلاعات*، ۱۳٦٤/٤/۲.

انتظار آن را می‌کشیدند زیرا که وحدت بین نیروهای انقلابی باید از روحانیت نشئت بگیرد و این حرکت از طرف تمامی احزاب و جریانهای انقلابی و مذهبی افغانستان با استقبال گرم رو به رو شد.»[۸۵]

٦. یکی از ثمره‌های بسیار عالی وحدت بین گروههای مسلمان و مبارز افغانی که به توصیهٔ آیةالله منتظری ایجاد شد، موضعگیری واحد در مقابل دشمنان اسلام و دشمنان استقلال افغانستان بود. هنگامی که بین ابر قدرتها و نوکران آنها بر سر مسئلهٔ افغانستان مذاکراتی صورت می‌گرفت تا به خیال خام خود ملت مسلمان و مبارز و قهرمان افغانستان را به سازش بکشانند، این گروههای مؤتلفه اسلامی بودند که در مقابل این جریان ضد اسلامی ایستادند. آنها با ترتیب دادن یك مصاحبه و کنفرانس مطبوعاتی، مذاکرات مربوط به‌سازش‌برسرمسئلهٔ افغانستان را متحداً محکوم کردند و بدین وسیله از وحدت خود به نحو احسن استفاده بردند.»[۸٦]

۷. به دنبال سخنان آیةالله العظمی منتظری در مورد لزوم رفع درگیریها و اختلافات گروهی در نهضت اسلامی افغانستان و امضای میثاق وحدت از طرف اکثر گروههای مسلمان و مبارز افغانی کمیسیونی به منظور پیگیری نظرات فقیه عالیقدر، متشکل از مسئولان گروههای پاسداران جهاد اسلامی، سازمان نصر، حرکت اسلامی، نهضت اسلامی، جبههٔ متحدانقلاب ونیروی اسلامی افغانستان تشکیل شد و با حضور و نظارت نمایندهٔ ایشان و هماهنگی با وزارت خارجه و ارگانهای مربوطه پیشرفتهایی در جهت تحقق وحدت کلمهٔ اسلامی بین سازمانها و گروههای مسلمان و مبارز افغانی به دست آمد.

در تاریخ ٦٤/٥/٥ اعضای کمیسیون ذکر شده با آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند و مشروح کارهای انجام شده در جهت به دست آمدن وحدت کامل و رفع مخاصمات و درگیریهای مذهبی و گروهی را به اطلاع ایشان رساندند.

آنگاه آیةالله العظمی منتظری ضمن تقدیر از آنان و دعا برای موفقیت و پیروزی نهایی نهضت اسلامی در افغانستان اظهار داشتند: «آقایان توجه دارند همهٔ این مبارزات و تحمل مشکلات باید برای رضای خدای متعال و در جهت تحقق اهداف الهی باشد نه برای هوای نفس و ارضای خواستهای شخصی و یا گروهی. اگر خدای ناکرده مبارزات ما برای این گونه امور باشد و یا مثلاً برای اینکه گروه خاصی در افغانستان حکومت کند و سایر گروهها و سازمانها و اقشار و طبقات به کلی از صحنه خارج گردند، و یا هر دو گروه خاصی شوند در چنین صورتی بهتر آن است که اصلاً مبارزه‌ای نشود و آقایان مشکلات و رنجهایی را تحمل نکنند و دردسر برای خودشان و دیگران به وجود نیاورند.»

ایشان تأکید کردند «بزرگترین خطر یك نهضت اسلامی همین مسائل گروهی و خود محوریها است که هرگروهی می‌خواهد گروه خود را حاکم کند. در صورتی که برادران توجه دارند ممکن نیست در یك نهضت گروه خاصی پیشرفت نماید و پس از پیروزی بتواند کشور را اداره کند.»

ایشان به حدیث معروف متمار اشاره کردند که حضرت امام باقر ع در جواب کسی که می‌گفت ما با

۸۵. *کیهان*، ۱۳٦٤/٥/٦. ۸٦. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/٥/۱۷.

شاقول خود گروهها و اقشار مردم را می‌سنجیم و هر گروهی از خط گروه ما خارج بود طردش می‌کنیم، حضرت فرمودند: چنین کاری مورد رضایت خدای متعال نیست. پس سایر گروهها که امید رحمت پروردگار را دارند و یا مستضعف هستند و می‌خواهند خدمتی بنمایند چه کنند و کجا بروند. فقیه عالیقدر یادآور شدند: «آقایان توقع نداشته باشند که ایمان و درجهٔ رشد و آگاهی و فداکاری همهٔ افراد و طبقات مساوی باشد. همین که تمام گروههای مسلمان یك هدف اسلامی را تعقیب می‌کنند و می‌خواهند در برابر جبههٔ کفر مبارزه کنند کافی است و نباید اختلاف سلیقه‌ها و نظریات مختلف به وحدت کلمهٔ آنها ضربه بزند. این خواست دشمن کافر است که اختلاف گروههای مسلمان را مطرح می‌کند و نقطه‌های اختلاف را بزرگ می‌نماید و جو تفاهم و اخوت را تیره می‌سازد. روی این اصل گروههای مسلمان افغانی اعم از شیعه و سنی باید به خطر و شیطنت دشمن توجه داشته باشند و بدانند رمز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران وحدت کلمهٔ تمام گروهها و اقشار مبارز به رهبری امام امت بود و اکنون آقایان توجه کنند در این شرایط حساس که ملت مسلمان و نهضت اسلامی افغانستان دارند و آقایان محترم مورد توجه مردم می‌باشند، گول القائات و تبلیغات تفرقه‌آمیز دشمنان اسلام را نخورند و همهٔ گروههای مسلمان سعی کنند برای رضای خدای متعال و پیشرفت نهضت اسلامی درگیریها و اختلافات گروهی و مذهبی را دور بریزند و اگر در گذشته چیزهایی بوده فراموش کنند و همگی با اخلاص کامل مبارزات خود را در جهت رضای خدای متعال قرار دهند و بدانند آقایان برای ادارهٔ کشورشان نیرو زیاد لازم دارند. اگر انشاءالله تعالی نهضت اسلامی در افغانستان پیروز شد، نیروهای زیادی برای ادارهٔ کشور باید باشند، و خیال نکنند گروه خاصی به تنهایی می‌تواند کاری انجام دهد.»[۸۷]

مدتی بعد به دستور فقیه عالیقدر عده‌ای از نمایندگان نهضتهای اسلامی افغانستان به آن کشور مسافرت و گروههای مسلمان افغانی را به وحدت کلمه دعوت کردند.

سرپرست این هیئت: که تعدادی از علمای متعهد افغانستان او را همراهی کرده بودند، پس از بازگشت از سفر افغانستان در مصاحبه‌ای اهداف و برنامه‌ها و میزان موفقیت هیئت اعزامی و نیز نتایج دیدار خود با آیةالله العظمی منتظری را بیان کرد که مشروح آن د رجراید مورخ ۱۳٦٤/۱۱/۱۵ آمده است.

تلاش برای حلّ اختلافات داخلی لبنان.

ملت مسلمان لبنان که با تأثیر گرانبار از انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی مدظله به صف مبارزات اسلامی و ضد امریکایی در منطقهٔ خاور میانه پیوست، بعد از ایران به صورت یکی از اهداف مورد هجوم صهیونیسم و امپریالیسم جهانخوار به سرکردگی شیطان بزرگ، امریکای جنایتکار، درآمد، اما این امت حزب الله و جان برکف تحت حمایت و رهبریهای علمای بزرگوار اسلام اعم از شیعه و سنی، خصوصاً در جنوب لبنان، توانست با شجاعتی بی‌سابقه و غرورانگیز پوزهٔ استکبار جهانی و مولود

۸۷. *اطلاعات*، ۱۳٦٤/۵/۷.

(به پیشنهاد حضرت
آیت‌ا...العظمی منتظری
حساب ۹۹۹۹۹
جمعیت هلال احمر
در بانک ملی مرکز قابل
پرداخت در کلیه شعب
بانکی در سراسر کشور
به امداد جبهه‌ها و یاری
جنگزدگان مظلوم
جنوب لبنان
اختصاص دارد.)

کیهان، ۱۳۶۱/۳/۲۶

نمونه‌ای از شیوه‌های کمک مادی آیة‌الله منتظری به مسلمانان لبنان

نامشروع آن صهیونیسم را در لبنان به خاك ذلت بمالد و همهٔ این مجموعهٔ فسادآور، یعنی امریکا، فرانسه، اسرائیل غاصب و... را با سرافکندگی تمام از خاك خونین لبنان اخراج کند.

در پی اخراج اسرائیل از لبنان به وسیلهٔ مردم مسلمان جنوب لبنان، دشمن صهیونیست سعی کرد بین طوایف ساکن لبنان جنگ داخلی راه بیندازد. از جمله جنگ بین فلسطینیان طرفدار عرفات و شیعیان جنوب لبنان، رُخ داد که بارگرانی از غم و غصه را به دوش ملت مسلمان جهان، خصوصاً دلسوزان جامعهٔ اسلامی نهاد.

آیةالله منتظری که از سالهای قبل با شیوه‌های استکباری حاکمیت بر ملتها آگاه بود و می‌دانست که این گونه حرکات تفرقه‌آمیز جز به نفع صهیونیسم و به ضرر انقلاب فلسطین و ملت مسلمان لبنان نیست، بیش از پیش نگران اوضاع آن دیار مرد خیز و شجاع‌پرور شد. تا اینکه برای رهایی گروههای متخاصم از آتشی که دشمنان اسلام فراهم کرده بودند، دست به کار شد و به قول معروف آستینها را بالا زد، شاید که این آتش خاموش گردد.

خوشبختانه با فعالیتهای همه جانبهٔ مسئولان جمهوری اسلامی ایران و در رأس آن شخصیت بزرگ انقلابهای رهایی بخش اسلامی و چهرهٔ محبوب انقلابیون مسلمان سراسر جهان، حضرت آیةالله منتظری، تا حدودی لکهٔ ننگ درگیری طایفه‌ای در این مقطع از دامان لبنان عزیز زدوده شد و گروههای ضدصهیونیسم به یك وحدت نسبی دست یافتند. اقدامات فقیه عالیقدر در این خصوص را به ترتیب تاریخ نقل می‌کنم.

الف. ارسال نامهٔ سرگشاده به علمای لبنان

«بسمه تعالی. خدمت حضرات حجج اسلام، علمای اعلام و روحانیون متعهد لبنان دامت افاضاتهم، درگیریهای اخیر بین طوایف مسلمین در لبنان مظلوم موجب نگرانی و تأثر شد. عواقب این گونه برخوردها و خونریزیها قطعاً به ضرر اسلام و پیشرفت نهضت اسلامی در آن کشور می‌باشد و آنچه بیش از هر کس نفع می‌برد اسرائیل غاصب و قدرتهای استعماری اشغالگر خواهند بود. من مطمئن هستم در شرایطی که مسلمانان به خصوص ملت مسلمان و مظلوم لبنان بیش از هر وقت دیگر به وحدت کلمه و تقویت وحدت اسلامی در برابر جبههٔ کفر و اسرائیل نیاز دارند، تمام نیروهای مبارز و جوانان فداکار و مسلمان و شخصیتهای متعهد و مؤثر در منطقه و دولتهای مسلمان حمایت کننده از مقاومت اسلامی در لبنان از این گونه تصادمات و درگیریهای فرقه‌ای و داخلی بین مسلمانان مبارز لبنانی و مسلمانان فلسطینی نگران هستند و در پایان دادن به خصومت و خونریزی می‌کوشند. جای تعجب و تأسف است که به بهانه‌های جزئی این گونه مسائل و حوادث در چنین شرایط حساسی به وجود می‌آید. این جانب تقاضا دارم حضرات علمای اسلام و روحانیون متعهد مبارز لبنان ایدهم الله تعالی در مورد تلاش وسیع و گسترده در جهت حفظ وحدت کلمهٔ مسلمانان وجلوگیری از تشدید اختلافات فرقه‌ای و مذهبی به هر نحو صلاح می‌دانند اقدام فرمایند. از خداوند متعال نصرت و عزت اسلام و مسلمین را مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةالله. حسینعلی منتظری. اول رمضان ۱٤۰۵ هجری قمری. اول خرداد ۱۳٦٤

هجری شمسی[۸۸]

ب. افشای توطئه‌های صهیونیسم

گروهی از طلاب و روحانیون مبارز لبنانی مقیم حوزهٔ علمیهٔ قم با آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند و ضمن تشکر از پیام ایشان به علمای لبنان در مورد درگیریهای خونین داخلی آن کشور گزارشی از آخرین وضع لبنان را به اطلاع ایشان رساندند.

آنگاه آیةالله العظمی منتظری ضمن تقدیر از احساس مسئولیت طلاب و فضلای مبارز لبنانی به تلاش پیامبر اسلام جهت برقراری وحدت کلمه بین طوایف مسلمان (اوس و خزرج) اشاره کردند و گفتند: «پس از دستور صریح *قرآن* و تلاش پیامبر اکرم ص در مورد برقراری وحدت کلمه بین مسلمین طایفهٔ یهود آن زمان که دشمن اصلی اسلام و قرآن بودند، توطئه خود را با فرستادن افراد مرموزی در بین دو طایفهٔ اوس وخزرج و یادآوری خصومت گذشتهٔ آنان قبل از اسلام وتحریك آنان شروع کردند و چیزی نمانده بود که جنگ داخلی وخونریزی بین مسلمانان شروع شود که در همان زمان آیهٔ شریفهٔ «واعتصموابحبل الله جمیعاً ولاتفرقوا» نازل شدو مسلمانان را از تفرقهٔ کلمه و درگیری داخلی در برابر دشمنان اسلام برحذر داشت.»

ایشان در همین زمینه با اشاره به اوضاع اخیر و درگیریهای داخلی لبنان تأکید کردند: «امروز هم که در اثر وحدت کلمهٔ مسلمانان لبنانی و نیروهای مبارز مسلمان منطقه صهیونیستها و سایر قدرتهای اشغالگر در برابر مقاومت مسلمانان لبنانی شکست خوردند و پا به فرار گذاشتند، اسرائیل و امریکا سلطهٔ خود را متوجه این وحدت کلمهٔ مسلمانان لبنانی کرده است. آنها احساس کرده‌اند که تا این وحدت بین مبارزان مسلمان اعم از شیعه، سنی، فلسطینی یا لبنانی برقرار باشد تمام تلاشهای استعماری آنها شکست می‌خورد از همین روافرادی را که اهداف سیاسی خاصی دارند تحریك کردند که به بهانه‌های جزئی زیرپوشش شیعه و گروه خاصی جنگ داخلی را بین مسلمانان فلسطینی و گروهی از شیعیان مبارز لبنانی درست کنند و حوادثی را در لبنان که هنوز گرفتار اسرائیل و متحدین او می‌باشد به وجود آورند که ننگ اسلام و تشیع خواهد بود.»

آیةالله العظمی منتظری تأکید کردند: «من یقین دارم که دست مرموز امریکا و اسرائیل در این تحریکات وجود دارد و می‌خواهند آبروی اسلام و تشیع را در جهان اسلام ببرند و یك خصومت همیشگی بین شیعیان لبنانی و مسلمانان فلسطینی که اکنون آواره از وطن اشغالی و میهمان ملت مسلمان لبنان هستند درست کنند.» ایشان یادآور شدند: «البته باید حساب ملت مسلمان و مظلوم فلسطین را از بعضی سران و سیاستمداران آنها جدا کرد. اگر فرضاً سران فلسطینی که موضع‌گیری صحیحی ندارند و با آنها اختلاف نظر و روش وجود دارد نباید این را به حساب ملت مسلمان فلسطین و زنان و کودکان فلسطین گذاشت.»

۸۸. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/۳/۲.

ایشان تأکید کردند: «من نمی‌گویم در بین چند میلیون فلسطینی افراد منحرف و فاسد وجود ندارد. این طبیعی است که وقتی ملتی از وطن خود آواره شد و دولتهای اسلامی هم در مقابل آنها وظیفهٔ خود را به نحو احسن انجام ندادند جوانان چنین ملّتی به کشورها و جاهای مختلفی روی می‌آورند و مملکت گرفتار فساد عقیده و انحراف هم می‌شود که مقصر اصلی سران کشورهای اسلامی هستند که نتوانستند از حقوق غصب شدهٔ ملت فلسطین دفاع کنند و نیازهای فکری و عقیدتی و یا سیاسی آنان را طبق دستورات *قرآن* و اسلام برطرف نمایند... آن افرادی که به خاطر اهداف سیاسی خود از ساده لوحی و اخلاص عده‌ای از خواهران و برادران شیعهٔ ما در لبنان سوء استفاده و آنها را تحریك کردند و جنگ و خونریزی را بین مسلمانان آوارهٔ فلسطینی و گروهی از شیعیان مبارز لبنان به وجود آوردند باید هرچه زودتر متوجه خطای بزرگ خود بشوند و بدانند اگر به روش غیر اسلامی خود که موجب خشم رسول الله شده است ادامه دهند ممکن است شرایطی پیش بیاید که ما حساب آن عدهٔ معدود را از شیعیان جدا کنیم. این افراد باید توبه کنند و راه خود را عوض نمایند و به خونریزی و مسلمان کشی که متأسفانه به اسم تشیع در لبنان انجام می‌شود خاتمه دهند و این قدر خوراك تبلیغاتی برای دشمنان اسلام درست نکنند... این که خلع سلاح فلسطینها را بهانه کرده‌اند توطئه‌ای است از طرف اسرائیل و آمریکا که می‌خواهند در لبنان نیروی مسلح و قدرتی جز صهیونیستها و فالانژها نباشد و هر کاری و هر ظلم و جنایتی آنها خواستند بکنند، بدون اینکه کسی در برابر آنها مقاومت کند. من مطمئن هستم که اگر امروز می‌گویند فلسطینیها نباید در لبنان مسلح باشند فردا می‌گویند شیعیان لبنان و تمام نیروهای مسلمان و مبارز و یا سنی‌ها هم نباید مسلح باشند. هدف اصلی امریکا و اسرائیل از این توطئه خلع سلاح تمام مسلمانان مبارز لبنان اعم از شیعه یا سنی یا لبنانی و فلسطینی است که متأسفانه این توطئه به دست افرادی که متوجه نیستند در حال اجرا است و در جنوب لبنان باید تمام کسانی که می‌خواهند با اسرائیل مبارزه کنند مسلح باشند و به تعبیر *قرآن* کسانی که با صهیونیستها می‌جنگند مبعوثین از طرف خداوند هستند و هیچ کس و هیچ مقامی نمی‌تواند و نباید جلو مبارزه با صهیونیستها را بگیرد.»[۸۹]

پس از انتشار این مواضع روشن و صریح، سازمان آزادیبخش فلسطین از اظهارات آیةالله العظمی منتظری قدردانی کرد.

یونایتدپرس از پایتخت اُردن گزارش داد که یك سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین در اردن اعلام کرد آیةالله منتظری از روحانیون طراز اول ایران و نزدیك به آیةالله خمینی رهبر انقلاب اسلامی ایران، در اظهاراتی که در شهر قم به عمل آورد جنبش امل و بریگاد ششم ارتش لبنان را به خاطر تلاش در خلع سلاح فلسطینیهای اردوگاههای بیروت شدیداً مورد انتقاد قرار داد.

سخنگوی مذکور که از تونس وارد عمان شد اعلام کرد: رهبری سازمان آزادیبخش فلسطین از مواضع اصولی آیةالله منتظری دررابطه با حملات تدارك دیده شده به اردوگاههای فلسطینی در بیروت قدردانی می‌کند.

۸۹. *کیهان*، ۱۳٦٤/۳/۸.

سخن گوی مذکور گفت آیةالله منتظری خطاب به گروهی از روحانیون شیعهٔ لبنانی گفت که درگیریهای خونین بیروت میان فلسطینیهای مدافع اردوگاهها و شبه نظامیان امل، دامن اسلام و شیعه را لکه‌دار می‌کند. سخنگوی مذکور گفت آیةالله منتظری اعلام کرده است که دست امریکا و اسرائیل در این جنگها نهفته است و هدف از خلع سلاح فلسطینیها ایجاد دشمنی دائمی میان مسلمانان فلسطینی و شیعیان لبنانی است. مسلمانان فلسطینی از وطن خود که اشغال شده آواره‌اند و میهمان مردم مسلمان لبنان می‌باشند.

سخن گوی مذکور گفت: ساف از طریق نمایندگان خود در تهران از اظهارات آیةالله منتظری مطلع شده است. وی همچنین گفت آیةالله منتظری طرح امل را برای خلع سلاح فلسطینیها محکوم نمود و اعلام کرد می‌خواهند بدین وسیله کسی غیر از اسرائیلیها و فالانژها مسلح نباشد. آیةالله منتظری گفت تمام گروهها و افرادی که در جنوب لبنان هستند باید مسلح باشند.»[۹۰]

توضیح: سخن گوی سازمان آزادی بخش فلسطین، متأسفانه آن قسمت از سخنان آیةالله منتظری را که در محکوم کردن یك طرف درگیری بوده، انتخاب و آن را وسیلهٔ کوبیدن رقیب و تبرئهٔ خود قرار داده است؛ در صورتی که از سخنان فقیه عالیقدر کاملاً محکومیت طرفین و اشکالات هر دو جناح، چه فلسطینیها و چه جنبش امل نمایان است.

سخن گوی سازمان آزادیبخش فلسطین که از قول رهبری ساف نیز سخن می‌گفت، مثل اینکه این قسمت از سخنان آیةالله منتظری را نشنیده است که فرمود: «البته باید حساب ملت مسلمان و مظلوم فلسطین را از بعضی سران و سیاستمداران آنها جدا کرد. اگر فرضاً سران فلسطینی که موضعگیری صحیحی ندارند و با آنها اختلاف نظر و روش وجود دارد نباید این را به حساب ملت مسلمان فلسطین و زنان و کودکان فلسطین گذاشت».

ج. اعزام نماینده به لبنان

پس از اینکه فقیه عالیقدر به علمای مبارز و روحانیون متعهد لبنان پیام فرستاد و از آنها خواست که نسبت به پایان دادن درگیریهای خونین بین فلسطینیها و شیعیان امل اقدام کنند برای ایجاد صلح و صفا بین طرفین حجة الاسلام شیخ مهدی کروبی را با حکم زیر در رأس هیئتی از افراد آگاه به مسائل منطقه رهسپار لبنان کرد.

«بسمه تعالی. جناب حجةالاسلام آقای کروبی نمایندهٔ محترم امام مدظله در بنیاد شهید دامت افاضاته، به دنبال توطئهٔ بزرگ امریکا و اسرائیل در لبنان و ایجاد جنگ داخلی و خونریزی بین گروهی از شیعیان آن کشور و مسلمانان فلسطینی مقتضی است جناب عالی که اخیراً اوضاع داخلی لبنان را از نزدیك مشاهده کرده و احساس مسئولیت نموده‌اید، در رأس هیئتی از افراد بصیر و مطلع نسبت به مسائل منطقه، هماهنگ با وزارت امور خارجه به آن کشور سفر کنید و ضمن ابلاغ سلام و مراتب

۹۰. *کیهان*، ۱۳٦٤/۳/۹.

بسمه تعالی

جناب حجة‌الاسلام آقای کروبی نماینده محترم امام مدظله در بنیاد شهید دامت افاضاته:

بدنبال توطئه بزرگ آمریکا و اسرائیل در لبنان و ایجاد جنگ داخلی و خونریزی بین گروهی از شیعیان آن کشور و مسلمانان فلسطینی مقتضی دانست جنابعالی که اخیراً اوضاع داخلی لبنان را از نزدیک مشاهده کرده و احساس مسئولیت نموده باید در رأس هیئتی از افراد بصیر و مطلع نسبت مسائل منطقه هماهنگ با وزارت امور خارجه به آن کشور سفر کنید و ضمن ابلاغ سلام و رأفت فراوان و همدردی از جانب خدمت علماء و روحانیون مبارز لبنان و کلیه نیروهای مسلمان و متعهد و فشار مبارزان آن کشور از طرف من به آقایان معظم بگوئید فتنه‌ای که امروز در لبنان متعاقم و آگاه یا تحریک آمریکا و صهیونیستها در حال جریان است سرآغاز خطری بزرگ علیه اسلام و تشیع و نهضت اسلامی و روحانیون متعهد در جهان اسلام میباشد و صدمات اسلام ناکوس هرگاه با تحد و وحدت کلمه و آگاهی مسلمانان خنثی و متوجه دشمنان اسلام و بخصوص صهیونیستها و قدرتهای استعماری و طول زمان خیره شده و زمینه قدرت گیری اسلام و تشکل سیاسی مسلمانان را بوجود میاورد از طرف استعمارگران و دست عوامل آگاه و یا ناآگاه و اغفال شده آنان سعی میشود با اشکال مختلف و به بهانه‌های واهی با تشدید حساسیتهای فرقه‌ای و مذهبی وحدت کلمه و مقاومت اسلامی مسلمانان در برابر دشمنان اسلام به تفرقه کلمه و سستی و جنگهای داخلی و خونریزی متمادی تبدیل گردد و امیدوارند که از این بابت چه بسا تا حدودی ناکام به اسلام و حیثیت و آبرو و شرافت و کرامت مسلمین وارد شده است، بحضرات علمای اعلام و روحانیون شریف و مبارز در لبنان آیدهم... تعالی تأکید و تأیید نمائید و از شرایط حساس جهت تأکید و تقویت وحدت و مقابله با فاطمیت و حدیت و فداکاری جلو این جنگ و خونریزی داخلی ناگوار بدنام نکبات و خدمات آقایان محترم و دوستان مبارز و ایثارگر لبنانی و بسیج آنان در صف مبارزه با جبهه کفر و صهیونیزم متحمل شده نابود و خاکستر شده بباد فنا خواهد رفت

و از طرف دیگر ادامه این جنایات در ماه مبارک رمضان و در آستانه روز جهانی قدس و کودتای ننگین علیه رهبر بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی مدظله العالی مطرح شده تمام آثار مثبت و جهانی این روز بزرگ اسلام را از بین خواهد برد و بعید نیست که یکی از اهداف شوم صهیونیستها از شروع این جنگ داخلی در لبنان همین امر باشد از این رو تقاضای من از جنابعالی و آقایان محترم و تمام برادران و خواهران مسلمان آنکشور از شیعه و سنی لبنانی یا فلسطینی اینست که هر چه زودتر ترتیبی بدهند تا جلو این کشتار و خونریزی گرفته شود و مسائل داخلی کشور را خود آقایان و گروههای مسلمان در ربط با جریانهای اصلاح‌طلب و با تفاهم و مذاکره در جو اخوت و سلامت حل نمایند، و نگذارند عناصر مشکوک و یا عوامل تحریک شده جهت ایجاد حریانها را با وجود و حضور حضرات علمای اسلام و بسیج همه جوانان غیور و آگاه بدست گیرند، و آقایان محترم خط‌مشی نهضت را به شکلی تنظیم نمایند، تا همه نیروها و امکانات با وحدت کلمه و هماهنگی کامل راه مبارزه با صهیونیسم و اسرائیل غاصب و امپریالیسم آمریکا را در منطقه وسیع‌تر نموده، از خداوند متعال نصرت و عزت اسلام و مسلمین و خذلان و نابودی جبهه کفر و صهیونیسم را مسئلت دارم، والسلام علی عباد الله المخلصین.

نهم خرداد ماه ۶۴ - نهم رمضان ۱۴۰۵ هجری قمری

حکم ماموریت حجة‌الاسلام کروبی به لبنان

نگرانی و همدردی این جانب خدمت علما و روحانیون مبارز لبنانی و کلیهٔ نیروهای مسلمان و متعهد و اقشار مبارز آن کشور از طرف من به آقایان معظم بگویید فتنه‌ای که امروز در لبنان مقاوم و آگاه با تحریك امریکا و صهیونیستها در حال جریان است سرآغاز خطری بزرگ علیه اسلام و تشیع و نهضت اسلامی و روحانیت متعهد در جهان اسلام می‌باشد. از صدر اسلام تاکنون هرگاه به خاطر وحدت کلمه و آگاهی مسلمانان خطری متوجه دشمنان اسلام و به خصوص صهیونیستها و قدرتهای استعماری در طول قرن اخیر می‌شد و زمینهٔ به قدرت رسیدن اسلام و تشکل سیاسی مسلمانان به وجود می‌آید، از طرف استعمارگران و به دست عوامل آگاه و یا ناآگاه و اغفال شده آنان سعی می‌شد به اشکال مختلف و به بهانه‌های واهی با تشدید حساسیتهای فرقه‌ای و مذهبی وحدت کلمه و مقاومت اسلامی مسلمانان در برابر دشمنان اسلام به تفرقهٔ کلمه و تشتت و جنگهای داخلی و خونریزی مبدل شود و خدا می‌داند که از این بابت چه ضرباتی تا کنون به اسلام وحیثیت *قرآن* و شرافت و کرامت مسلمین وارد شده است. به حضرات علمای اعلام و روحانیون شریف و مبارز در لبنان ایدهم الله تعالی بگویید اگر در این شرایط حساس همت نکنید و با قاطعیت و جدیت و فداکاری جلو این جنگ و خونریزی داخلی را نگیرید تمام زحمات و خدمات آقایان محترم و جوانان مبارز و ایثارگر لبنانی که در جهت بیداری ملت مسلمان لبنان و بسیج آنان در صف مبارزه با جبههٔ کفر و صهیونیست متحمل شده‌اند خدای ناکرده برباد خواهد رفت و از طرف دیگر ادامهٔ این خونریزی در ماه مبارك رمضان و در آستانهٔ روز جهانی قدس که به دستور رهبر بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی مدظله العالی مطرح شده تمام آثار مثبت و جهانی این روز بزرگ اسلام را از بین خواهد برد و بعید نیست که یکی از اهداف شوم صهیونیستها در شروع این جنگ داخلی در لبنان همین باشد. از این رو تقاضای من طلبه از آقایان محترم و تمام برادران و خواهران مسلمان آن کشور اعم از شیعه و سنی، لبنانی یا فلسطینی، این است که هر چه زودتر ترتیبی بدهند تا جلو این کشتار و خونریزی گرفته شودو مسائل داخلی کشور را خود آقایان و گروههای مسلمان ذیربط به هر نحو صلاح دانستند با تفاهم ومذاکره درجوّ اخوت و مسالمت حل نمایند و نگذارند عناصر مشکوك و یا جاهل تحریك شده رهبری و هدایت جریانات را با وجود و حضور حضرات علمای اسلام و اینهمه جوانان غیور و آگاه به دست گیرند و آقایان محترم خود امور نهضت را به شکلی تنظیم نمایند تا همهٔ نیروها و امکانات با وحدت کلمه و هماهنگی کامل در راه مبارزه با صهیونیسم و اسرائیل غاصب این پایگاه کفر جهانی در منطقه بسیج شود. از خداوند متعال نصرت و عزت اسلام و مسلمین و خذلان و نابودی جبههٔ کفر و صهیونیسم را مسئلت دارم. والسلام علی عبادالله الصالحین. نهم خرداد ٦٤ نهم رمضان ١٤٠٥ هجری قمری. حسینعلی منتظری.»

حجةالاسلام مهدی کروبی، با این حکم تاریخی و مهم عزم سفر به دیار سلحشوران کرانهٔ مدیترانه کرد.

وی که در این سفر سرپرستی هیئتی مرکب از آقایان علی محمد بشارتی قائم مقام وزارت خارجه، حجةالاسلام حسن ابراهیمی از دفتر آیةالله العظمی منتظری، احمد عزیزی رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، موسوی نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی و چندتن از مسئولان وزارت

امور خارجه کشورمان را عهده‌دار بود، قبل از ترك تهران، طی مصاحبهٔ کوتاهی هدف از این سفر را بیان کرد که قسمتی از آن چنین است:

بعد از پیروزی نیروهای اسلام بر صهیونیستها، توطئه‌ها به نحوی دیگر به صورت جنگهای داخلی شیعه و سنی در لبنان آغاز شد. البته برای نیروهای انقلابی روشن است که ریشهٔ اختلافات مسائل مذهبی نیست، بلکه این درگیریها را می‌توان به تغییر جهت دادن مبارزه علیه اسرائیل تعبیر کرد.

مقامات جمهوری اسلامی ایران نسبت به این مسائل حساسیت زیادی دارند و در موقع لزوم موضع‌گیریهای مناسب کرده‌اند. به خصوص آیةالله العظمی منتظری بر خاتمهٔ سریع این درگیریها تأکید دارند. ایشان از ابتدا پیامهایی دادند که به محض انتشار موجب سپاسگزاری طرفین شد. همچنین در همین زمینه حکمی از سوی ایشان صادر شد که در آن هشدارها و خطرات مطرح گردید. تمامی این کوششها برای وحدت بین نیروهای مسلمان به عمل آمده است.

سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی سپس به توطئهٔ امپریالیسم و صهیونیسم جهانی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران برای مخدوش کردن شیعیان اشاره کرد و در مورد برنامهٔ این سفر گفت: طی این سفر با کلیهٔ نیروهای انقلابی ملاقات و مذاکره خواهد شد و امیدواریم موفق به خاموش کردن آتش نفاق و بسیج نیروها به سوی دشمن اصلی یعنی صهیونیستها و امپریالیسم شویم.[۹۱]

همزمان با اعزام نمایندهٔ حضرت آیةالله العظمی منتظری به لبنان برای پایان دادن به درگیریهای خونبار مسلمانان در آن کشور، دفتر تبلیغات حوزهٔ علمیهٔ قم با انتشار اطلاعیه‌ای از اقدام به جا و مفید فقیه عالیقدر پشتیبانی کرد.

در بخشی از این اطلاعیه آمده است:

«ما ضمن پشتیبانی از فرمایشات به جا و به موقع حضرت آیةالله العظمی منتظری خواهان خاتمه یافتن این درگیریها می‌باشیم و از دولت خدمتگزار جمهوری اسلامی ایران می‌خواهیم تا جائی که در توان دارد در جلوگیری از این درگیریها بکوشد و ضمناً ماهیت معدودی فتنه انگیز را که با اسم اسلام و تشیع دامن به این اختلافات می‌زنند، برای مسلمانان و شیعیان روشن نمایند تا به اسم اسلام و تشیع به اسلام و نهضتهای اسلامی ضربه نزنند و این توطئه‌ها که به ظاهر به دست افراد خودی انجام می‌شود و ماهیتی امریکایی و اسرائیلی دارد ریشه‌کن گردد... همچنین از مردم انقلابی و مسلمان لبنانی می‌خواهیم که به عمق مسائل توجه کنند و دستهای مرموز پشت صحنه‌ها را نیك بنگرند و سازشکاری برخی از سران فلسطینی را به حساب فلسطینیها نگذارند. در خاتمه پیروزی مسلمانان و نابودی کامل اسرائیل را از خداوند متعال خواستاریم.»[۹۲]

حجةالاسلام کروبی و هیئت همراه در بیروت با شیخ شمس‌الدین نایب رئیس مجلس لبنان، علامه سیدمحمد حسین فضل‌الله، شیخ حسن خالد مفتی لبنان و جمعی از روحانیون اهل تسنن و تشیع دیدار و مذاکرهٔ مفصلی انجام دادند.

۹۱. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/۳/۱۱. ۹۲. *کیهان*، ۱۳٦٤/۳/۱٤.

همچنین این هیئت با جمعی از روحانیون عضو تجمع علمای مسلمین لبنان دیدار و در بارهٔ مسائل و حوادث جاری لبنان گفت و گو کردند.

در این دیدار شیخ احمدالزین از علمای تسنن صیدا و عضو تجمع علمای لبنان با تقدیر از تثبیت وحدت مسلمانان افزود جنگ صدام علیه ایران و جنگ صلیبیها و کتائب علیه مسلمانان در لبنان با یك هدف انجام می‌شود و آن جنگ با اسلام است. وی با اشاره به تبلیغات سوء امریکا و عوامل آن در منطقه که سعی در ایجاد اختلاف میان شیعه و سنی دارند گفت: این مسئلهٔ وحدت که جمهوری اسلامی بر آن تأکید می‌کند یك امر مهم است و سخنان اخیر آیةالله منتظری بر مردم مسلمان لبنان، چه شیعه و چه سنی، تأثیر عمیقی داشت.[۹۳]

هیئت سیاسی اعزامی از طرف آیةالله منتظری پس از سه روز تلاش همه جانبه در لبنان برای خاتمه‌دادن به درگیریهای اردوگاههای فلسطینی، به تهران بازگشت. حجةالاسلام کروبی که سرپرستی این هیئت را به عهده داشت دربازگشت به تهران در گفت و گویی با خبرنگاران پیرامون نتایج حاصله گفت: بعد از پیروزی مسلمانان لبنان و اخراج دولت غاصب اسرائیل از سرزمینهای اشغالی د رجنوب این کشور توطئه‌های گسترده‌ای با دخالت دولتهای خارجی علیه مسلمانان منطقه طرح‌ریزی شد که ایجاد درگیری نظامی و اختلاف مذهبی بین مسلمانان مبارز جنوب لبنان از جملهٔ این توطئه‌ها بود. حجةالاسلام کروبی افزود: ملاقاتهای هیئت در این سفر با علمای بزرگ اهل تسنن و تشیع و مبارزان مسلمان لبنانی و مقامات بلند پایهٔ سوری نتایج خوبی را در پی داشت و به دنبال این ملاقاتها و گفت و گوها از درگیریها کاسته شد و به صورت پراکنده درآمد.

حجةالاسلام کروبی در خصوص کوششهای هیئت اعزامی برای جلوگیری از درگیریهای موجود گفت: هیئت تلاش داشت تا با توجیه عمق مسائل لبنان و آشنا کردن مسلمانان با واقعیات این کشور توطئهٔ ایجاد و گسترش درگیری را خنثی کند و نظر به اینکه هیئت مذکور از سوی فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری به منطقه اعزام شده بود با استقبال پرشور و ابراز احساسات پاك و برادرانهٔ مبارزین مسلمان رو به رو شد.

وی از احساسات والای شیعیان جنوب لبنان در مبارزه با رژیم صهیونیستی به نیکی یادکرد و یادآور شد: شیعیان لبنان در اخراج اسرائیل از جنوب این کشور نقش اساسی و عمده را به عهده داشته‌اند و با توجه به ضربهٔ عظیمی که بر این رژیم متجاوز وارد کرده‌اند مورد غضب آنان قرار گرفته و تلاش می‌شد تا با ایجاد درگیریهای نظامی و اختلافات مذهبی چهرهٔ شیعیان در منطقه را مخدوش کنند و هیئت جمهوری اسلامی ایران در این سفر مواضع خودرا برای طرفین تشریح کرد که با استقبال خوبی مواجه شد.

سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی در پایان ضمن ستایش از ابراز احساسات پرشور مسلمانان فلسطینی و مبارزان لبنانی نسبت به انقلاب اسلامی و یادآوری این مطلب که در عمق مسائل لبنان

۹۳. *کیهان*، ۱۳٦٤/۳/۱٤.

توطئه‌های امریکا مشاهده می‌شود و بررسی ادعاهای طرفین نیاز به یك بررسی دقیق دارد متذکر شد:

این گونه ملاقاتها در چهارچوب نظرات و مواضع قاطع جمهوری اسلامی ایران ادامه خواهد داشت و امیدواریم با اقدامات انجام شده و مذاکراتی که با مقامات سوری انجام شد و تلاشی که مسئولین این کشور برای خاتمه دادن به مسائل لبنان دارند هر چه سریع‌تر مشکلات منطقه با پیروزی مسلمانان از میان برود.[۹۴]

همزمان با پایان یافتن سفر سه روزهٔ هیئت اعزامی از طرف آیةالله العظمی منتظری، دو بیانیه از طرف سفارت فلسطین در تهران و سفارت ایران در بیروت منتشر شد.

در بخشی از بیانیهٔ سفارت جمهوری اسلامی ایران در بیروت آمده است:

«حجةالاسلام کروبی نمایندهٔ امام و سرپرست بنیاد شهید انقلاب اسلامی و هیئت همراه متشکل از مسئولین دفتر آیةالله العظمی منتظری، مجلس شورای اسلامی و وزارت امورخارجهٔ جمهوری اسلامی که از سوی آیةالله العظمی منتظری جهت بررسی حوادث اخیر میان حرکت امل واردوگاههای فلسطینی و تبادل نظر با شخصیتهای اسلامی لبنان در این زمینه به لبنان آمده بودند در دیدارهای خود با علامه سیدمحمد حسین فضل الله، شیخ حسین خالد مفتی لبنان و علامه شیخ محمد مهدی شمس الدین نایب رئیس مجلس اسلامی عالی شیعه در لبنان و روحانیون تجمع علمای مسلمین لبنان و کلیهٔ کسانی که با آنان دیدار داشتند موضع جمهوری اسلامی ایران در رابطه با این مسئله را بیان داشتند و تأکید کردند که امریکا و رژیم صهیونیستی که بزرگ‌ترین ضربه را از ملت مسلمان لبنان خورده‌اند حتی یك لحظه از توطئه علیه این ملت غافل نمی‌مانند.

همچنین آقای کروبی در این دیدارها لزوم عدم وارد شدن مردم مسلمان لبنان و فلسطین در این توطئه‌ها را مورد تأکید قرار دادند و خواستار پایداری وحدت آنان بمانند زمان آغاز اشغال لبنان توسط صهیونیستها تا آزادی قدس شدند.

هیئت جمهوری اسلامی با نکوهش این برخوردها نظر مسئولین جمهوری اسلامی مبنی بر طراحی این حوادث توسط امریکا و اسرائیل و عواملش در منطقه را بازگو کردند و با تأکید بر ضرورت کوشش جدی برای پایان دادن به آتش، اهداف دشمن از این توطئهٔ را به شرح ذیل بیان داشت:

۱. مخدوش نمودن مقاومت و شهادت طلبی مسلمانان جنوب لبنان
۲. ایجاد فتنه در میان مسلمین
۳. ایجاد اختلاف میان کشورهای پیشرو در منطقه
٤. انحراف در توجه مسلمانان به آزادی فلسطین و قدس شریف
۵. سرپوش گذاشتن بر طرحهای سازشکارانه در مسئلهٔ فلسطین
٦. تغییر جهت دادن به افکار عمومی از جنایت رژیم بعثی صهیونیستی عراق که بار دیگر بمباران مناطق مسکونی غیرنظامیان بی‌گناه را از سرگرفته است

۹٤. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/۳/۱۸.

۷. تضعیف نیروهای اسلامی در لبنان.»[۹۵]

به دنبال سفر پرحاصل حجةالاسلام کروبی و هیئت همراه به لبنان که به دستور آیةالله العظمی منتظری جهت ختم درگیریهای خونین میان فلسطینیها و گروه امل انجام گرفت، مجلهٔ عربی زبان *العالم* در این خصوص با فرستادهٔ ویژهٔ آیةالله العظمی منتظری گفت و گویی انجام داده است که در شمارهٔ اوایل تیرماه این مجله به چاپ رسیده است. در ابتدای این گفت و گو مقدمه‌ای درج شده که در این مقدمه اهمیت این سفر مورد تأکید قرار گرفته است. در این کتاب، صرفاً مقدمهٔ گفت و گو را مطالعه می‌کنیم و علاقه‌مندان می‌توانند به روزنامهٔ *اطلاعات*، مورخ ۱۳٦٤/٤/۷ مراجعه کنند. اینك آن مقدمه:

«چنانچه ابتکار تهران برای میانجیگری میان فلسطینیها و جنبش امل وجود نداشت، پدید آمدن چنین طرحی (طرح میانجیگری) بسیار لازم می‌نمود. و جمهوری اسلامی تنها کشوری است که صلاحیت اجرای چنین نقشی را دارد، بدون اینکه انگیزه‌های سیاسی صرفاً آنی در اجرای این نقش دخالت کند یا حتی چشمداشتی به سود و زیان حاصله از این عمل داشته باشد.

ابتکار این وساطت نخست توسط وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران پی‌ریزی شد، سپس یك هیئت بلند پایه با حکمی از سوی آیةالله منتظری و به سرپرستی حجةالاسلام کروبی رهسپار سوریه و لبنان شد. طرح وساطت دارای دو بُعد مهم و لاینفك بود. نخست قطع کشتار و خونریزی میان برادران و حفظ خون مسلمانان و نگهداری آن برای جنگ اصلی با دشمن صهیونیستی و دوم رفع فتنه‌ای که در حاشیهٔ جنگ اردوگاهها میان مسلمانان سربرآورده بود.

به هنگام دیدار با حجةالاسلام کروبی دردمشق، موضعگیری به جا و دقیق و حائز اهمیتی که تهران در پی این وقایع بی‌درنگ اتخاذ کرده بود در اندیشه‌ها غوطه می‌زد و در واقع آرامشی که بر این جو حاکم بود، راه را برای ادامهٔ مذاکرات با مسئولان ذیربط بازگذاشته بود.

حجة الاسلام کروبی که با بسیاری از شخصیتها و رهبران مسلمانان لبنانی دیدارهایی داشته به ما گفت: جمهوری اسلامی با چشم پوشی از زدوبندهایی که منجر به جنگ اردوگاهها شد پیش از هر چیز به دو امر حیاتی اهمیت می‌دهد که همانا قطع کشتار و تثبیت وحدت در صفوف مسلمانهاست. این گفته که به همهٔ دست‌اندرکاران نیز ابلاغ شده است، بسیار صریح ثابت می‌کند که جمهوری اسلامی به این که جنگ با دشمن صهیونیستی در اولویت است، اعتقاد راسخ دارد.

فرستادهٔ آیةالله منتظری از لبنان نیز دیدار کرده و از نزدیك شاهد اوضاع سیاسی و اجتماعی آن سامان بوده است و تصویری که به تهران منتقل کرده از آن جهت باعث افتخار و سربلندی است که مقاومت اسلامی امروزه به نبرد و جهاد تا دفع کامل دشمن از جنوب لبنان ادامه می‌دهد.»[۹٦]

د. تشکر از هیئت اعزامی به لبنان

حجةالاسلام کروبی که از سوی فقیه عالیقدر در رأس هیئتی به لبنان سفر کرده بود، پس از بازگشت از

۹۵. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/۳/۱۸. ۹٦. *اطلاعات* ۱۳٦٤/٤/۷

لبنان به همراه اعضای هیئت اعزامی با آیةالله منتظری دیدار کرد و گزارش کار خود را در زمینهٔ موفقیتهای معنوی و سیاسی هیئت اعزامی به لبنان و مذاکرات مشروحی که با علمای مبارز و مردم مسلمان لبنان و گروههای مبارز شیعه و سنی آن کشور و نیز مقامات سیاسی سوریه انجام داده است به اطلاع ایشان رساند.

در این دیدار آیةالله العظمی منتظری ضمن تقدیر و تشکر از هیئت اعزامی به لبنان طی سخنان مشروحی با اشاره به توطئه‌های قدیم وجدید امریکا و اسرائیل در منطقه و به خصوص لبنان تأکید کردند و افزودند: «واقعاً جای تعجب و تأسف بود که آن همه آبرو و حیثیتی که به دنبال فداکاریها و مبارزات جوانان مبارز شیعه و سنی لبنانی و فلسطینی در برابر اسرائیل به دست آمد با یك توطئهٔ اسرائیلی لوث و فراموش شود و نیروهای مسلمان و مبارز سلاحهای خود را بجای اسرائیل و دیگر قدرتهای اشغالگر به سوی یکدیگر هدف بگیرند و از این رو من به تمام نیروها و گروههای مبارز و متعهد و نیز علمای محترم لبنان که در خاموش کردن این جنگ داخلی و خونریزی که صددرصد به نفع اسرائیل بود تلاش کردند، تشکر می‌کنم... برای آزاد ساختن قدس عزیز از اشغال صهیونیستها راهی جز مبارزهٔ پی‌گیر با اسرائیل و فداکاری و از خود گذشتگی مسلمانان، همان گونه که در جنوب لبنان به نحو احسن انجام شد و آثار آن را همه دیدیم، وجود ندارد.»

ایشان با استناد به آیه‌ای از سورهٔ اعراف گفتند: «صهیونیستها هرگز آرامش و راحتی را نخواهند دید و هر روز مبعوثین و فرستادگانی از طرف خداوند آنها را با بدترین انواع اذیت خواهند کرد.»

ایشان یادآور شدند: «من نمی‌دانم بعضی از رهبران فلسطینی چگونه فکر می‌کنند؟ آیا اینها خیانتهای ملك حسین و امثال او را به ملت فلسطین فراموش کرده‌اند؟ آیا واقعاً باورشان شده که امریکا دلش به حال ملت فلسطین و قدس عزیز سوخته است؟ همین چند روز گذشته بود که ریگان از حل مسئلهٔ خاور میانه که به نظر او یعنی تأمین امنیت کامل برای اسرائیل اظهار یأس کرده بود؛ ولی با سفر ملك حسین به امریکا مجدداً ریگان امیدوار شد که بتواند برای منافع اسرائیل با همکاری ملك حسین و امثال او کاری انجام دهد. آیا این مسائل را سران فلسطینیها نمی‌دانند.»[۹۷]

علاوه بر آنچه حضرت آیةالله منتظری به منظور پایان دادن به درگیریهای فرقه‌ای و خلاف اسلام در لبنان انجام داد، در فرصتهای مناسب به افشای دستهای پشت پردهٔ جریانات تأسف بار لبنان می‌پرداخت و مسلمانان را نسبت به مسایل خاورمیانه آگاه می‌ساخت. در این باره گزارش دیگری می‌آوریم:

امام جماعت مسجدالاقصی به همراه یکی از نویسندگان محقق فلسطینی با آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کرد. در این ملاقات پس از طرح مشکلات موجود در راه رشد نهضت اسلامی ملت فلسطین، جریانات اخیر و درگیریهای فرقه‌ای در لبنان و اقدامات مؤثر آیةالله منتظری مطرح شد و ضمن بر شمرده شدن آثار مثبتی که اعزام هیئت بلند پایه از طرف فقیه عالیقدر به لبنان به دنبال داشت، آغاز درگیریهای مجدد توسط همان عناصر مشکوك گذشته به اطلاع ایشان رسید. آنگاه آیةالله العظمی

۹۷. *کیهان*، ۱۳٦٤/۳/۱۹.

منتظری ضمن ابراز تأسف اظهار داشتند:

«هنوز توطئهٔ بزرگ اسرائیل و امریکا در لبنان از بین نرفته است و آنها امیدوارند بتوانند شکست اسرائیل در اشغال نظامی لبنان و فرارشان را با ایجاد جنگهای داخلی و مذهبی بین نیروهای مبارز و مسلمان جبران کنند، و در این شرایط حساس لبنان، ادامهٔ این درگیریها و خونریزیها و تخریب اردوگاههای فلسطینی که محل اسکان زنان و اطفال آوارهٔ فلسطینی است خواست اصلی اسرائیل و صهیونیستها می‌باشد، و صد در صد به ضرر اسلام و مسلمانان و نهضت اسلامی ملت مسلمان لبنان خواهد بود.»

ایشان یادآور شدند: «اسرائیل و کسانی که در خط او حرکت می‌کنند می‌خواهند علاوه بر بدنام کردن تشیع در منطقه یك روحیهٔ انتقام جویی و کینه و خصومت همیشگی بین شیعیان لبنان و اهل سنت به وجود آورند تا سالهای متمادی اسرائیل مرزهای امن داشته باشد و نیروهای مسلمان به جان هم افتاده باشند. بنابراین ادامهٔ این کشتار و خونریزی از ناحیهٔ هر کس و هر گروهی باشد، چه با نام فلسطینی و چه با نام گروهی از شیعیان، خلاف مصالح اسلام و شرعاً حرام است، و اگر کسی به عنوان تشیع یا گروه و جمعیت خاصی به جای هدفگیری سلاح خود به سمت اسرائیل غاصب، به چنین وضع تأسفباری ادامه داد و دست از خونریزی داخلی و تحریکات برنداشت و توبه نکرد، باید شیعیان لبنان حساب او را از خودشان جدا کنند و بدانند چنین کارهایی که عناصر مشکوك به اسم تشیع و یا گروه دیگری انجام می‌دهند، لکهٔ ننگی است در تاریخ اسلام و تشیع، و نباید به حساب شیعیان فداکار و مومنین و جوانان متدین و مبارز حزب الله لبنان گذاشته شود. به نظر من این یك توطئهٔ اسرائیلی است؛ زیرا یکی از اهدافش خراب جلوه دادن نهضت اسلامی لبنان وایثار و فداکاری مردم شیعهٔ جنوب آن کشور می‌باشد.»

آیةالله منتظری آنگاه با اشاره به رشد حرکت اسلامی در منطقه و تجلیل از تظاهرات با شکوه ملتهای مسلمان در بسیاری از کشورهای اسلامی، به خصوص ملت مسلمان و مجاهد مصر در روز جهانی قدس، پیرامون رشد فرهنگ اسلام و انقلاب تأکید کردند: «روحانیون و دانشمندان متعهد فلسطینی باید تلاش کنند و یك جریان قوی دینی و روحانی را در ملت مسلمان فلسطین به وجود آورند. تجربهٔ انقلاب اسلامی در ایران و همچنین پیروزی مسلمانان در جنوب لبنان بر اسرائیل، این حقیقت را به خوبی ثابت می‌کند که اگر علما و روحانیون و دانشمندان ملتی جلو بیفتند، مردم به دنبال آن، قوی شده، وارد صحنهٔ مبارزه می‌شوند. بنابراین وظیفهٔ روحانیون متنفذی همچون امام جمعهٔ مسجد الاقصی و دیگران است که با همفکری دیگر روحانیون متعهد منطقه، ترتیبی بدهند تا از بین جوانان متدین و با استعداد فلسطینی تعداد قابل توجهی را به منظور تحصیل علوم دینی و کسب معارف اسلامی آماده سازند تا در همان مناطق خودشان و یا در حوزه‌های علمی ایران افراد زیادی روحانی و مبلغ اسلام و مطلع نسبت به مسائل دینی و فرهنگ اسلامی تربیت شوند و بتوانند نیاز فکری و عقیدتی ملت فلسطین و به خصوص جوانان

فلسطینی را که هر روز به کشورهای مختلف اعزام می‌شوند بر طرف کنند.»[۹۸]

آنچه در چند صفحهٔ پیشین آمد، گذری کوتاه بر اقداماتی بود که مسئولان جمهوری اسلامی به منظور پایان دادن به درگیریهای خونین لبنان انجام داده‌اند (یعنی همان مقدار که توسط و به پیشنهاد حضرت آیةالله منتظری اقدام شده است) و گرنه، بیان دردها و گرفتاریهای اسلام و مسلمانان در لبنان، خصوصاً آنچه از ناحیهٔ نیروهای وابسته به استکبار بر سر این ملت محروم و انقلابی آمده است، می‌تواند چند جلد کتاب را پرکند. ما به اختصار از آن گذشتیم و انشاءالله در صفحات آینده باز هم از لبنان و فلسطین خواهیم گفت.

ادامهٔ دیدارها

۱۳٦٤/٥/٤

راهپیمایان مشتاق دیدار رهبر کبیر انقلاب اسلامی که از دوازده روز پیش دزفول را به مقصد جماران ترک کرده بودند، بعد از ظهر جمعه پس از شرکت در نماز دشمن شکن جمعهٔ قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند.

در این دیدار آیةالله العظمی منتظری خطاب به حاضران ضمن تقدیر از این عمل ارزشمند فرمودند: «امروز باید تلاش زیادی از خود نشان دهیم که شعار نه شرقی و نه غربی را در عمل به اجرا درآوریم تا بتوانیم هرگونه نقشهٔ ابر قدرتها را برای سلطه مجدد بر این کشور انقلابی خنثی کنیم و یك الگوی واقعی برای سایر مسلمانان جهان باشیم و آنان را برای رهایی از ظلم و ستم یاری کنیم.»

ایشان فرمودند: «اینهمه وحشت ابر قدرتها نیز در همین رابطه است که سعی می‌کنند انقلاب اسلامی ما را در جهان وارونه جلوه دهند تا بدین طریق محرومین و مظلومین جهان را نسبت به این انقلاب رهایی بخش بی‌تفاوت و ناامید سازند و ما باید در هر سنگری که هستیم وظایف خطیر خود را جهت خدمت به آرمانهای انقلاب اسلامی فراموش نکنیم تا در همهٔ زمینه‌ها به خودکفایی واقعی دست یابیم.»

۱۳٦٤/٥/۲٥

حضرت آیةالله العظمی منتظری صبح جمعه در محل حسینیهٔ شهدا حضور یافتند و در ساعت هشت و سی دقیقه رأی خود مبنی بر انتخاب ریاست جمهوری اسلامی ایران را به صندوق سیار اخذ رأی شمارهٔ ۱۵۸ انداختند.

فقیه عالیقدر به هنگام شرکت برای رأی دادن طی سخنانی اظهار داشتند: «انتظار همهٔ ملت ایران از رئیس جمهوری آیندهٔ کشور این است که مسئولیت مهمی را که در قانون اساسی به عهدهٔ ایشان گذاشته شده صحیح انجام دهد ـ یعنی اجرای قانون اساسی و هماهنگ کردن قوای سه گانهٔ کشور.

۹۸. *اطلاعات*، ۱۳٦٤/۳/۲۸.

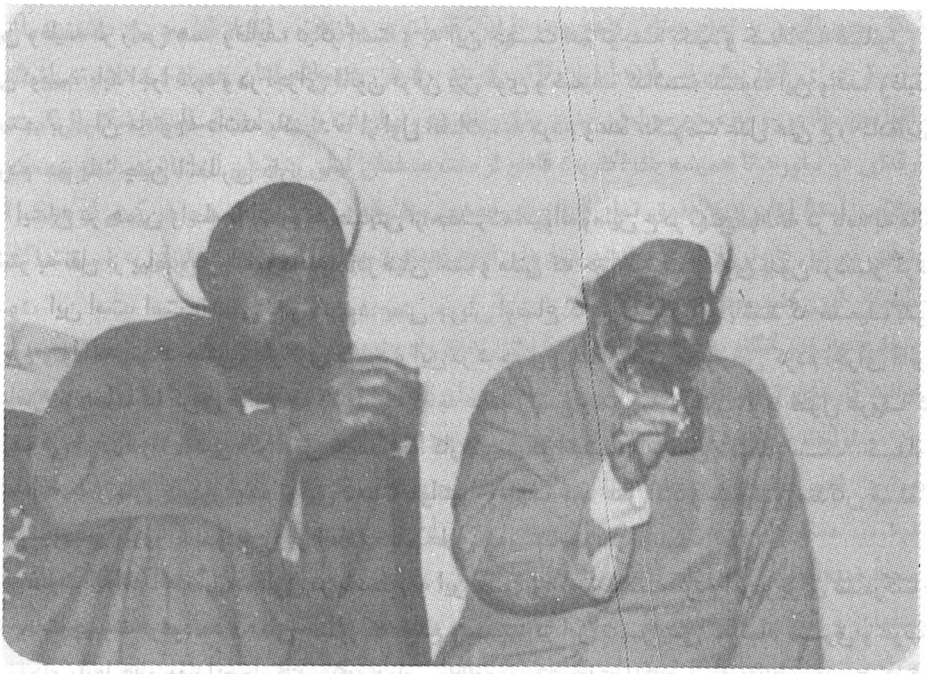

آیةالله منتظری به اتفاق شهیدآیةالله مطهری

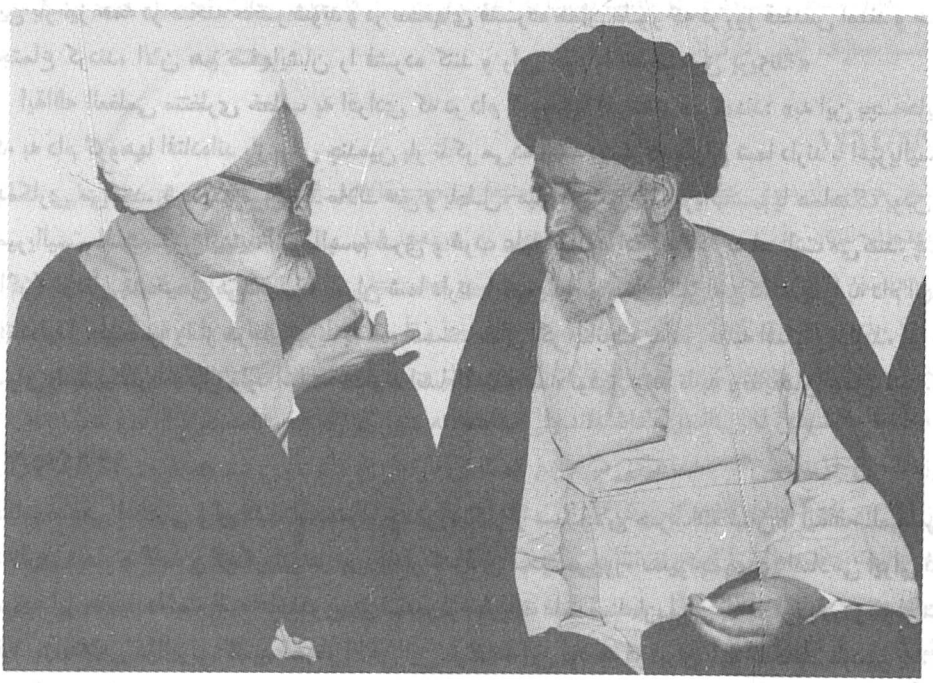

آیةالله منتظری به اتفاق شهیدایةالله مدنی

این وظیفه در رأس همهٔ وظایف دیگر است و به این جهت هم توجه بکنید و خلاصه قانونی که می‌گوییم، باید اجرا شود و در اجرای قانون فرقی بین قوی و ضعیف گذاشته نشود. این واقعاً وظیفه است. برادران ما توجه داشته باشند ما از اول انقلاب به مردم وعدهٔ حکومت عدل علی ع را داده‌ایم و مردم هم یك چنین انتظاری دارند.»

ایشان در همین رابطه با اشاره به حدیثی از حضرت امیرالمؤمنین ع در *نهج‌البلاغه* در نامه به مالك اشتر به نقل از پیامبر ص ادامه دادند: «در میان امت و ملتی که حق ضعیف از قوی بدون دردسر گرفته نشود، این امت، امت مقدسی نخواهد بود. یعنی جریان اوضاع کشور باید جوری باشد که ضعیف بدون ترس و واهمه بتواند حقش را از قوی بگیرد و این در درجهٔ اول همان طور که عرض کردم اجرای قانون اساسی و هماهنگ کردن قوای سه‌گانه است که به عهدهٔ رئیس جمهور می‌باشد و به قول عربها کل سیف فی‌جوف‌العرا. همین اگر عمل شود، همهٔ کارهای دیگر انشاءالله عمل شده است. خداوند انشاءالله به رئیس جمهور آینده توفیق دهد تا بتواند به وظایف خود عمل کند و خداوند رزمندگان مسلمان را در جبهه‌ها پیروز کند و به رهبر انقلاب هم طول عمر عنایت بفرماید.»

حضرت آیةالله العظمی منتظری در پاسخ به این سؤال که وظیفهٔ مردم امروز برای شرکت در انتخابات چیست فرمودند: «همان طور که مطلع هستید در این شرایطی که تمام شرق و غرب و رادیوهای آنها علیه ما تبلیغ می‌کنند و گروههای مخالف نیز انتخابات را تحریم کرده‌اند، پیداست که این انتخابات برای آنان خیلی سنگین است. بنابراین ملت ما بایستی همان طور که تا الآن در صحنه بوده‌اند، این بار نیز همه در صحنه حاضر شوند و در صفهای فشرده همان طور که در روز قدس آمدند و همه اجتماع کردند، الان هم صفهایشان را فشرده کنند و رأی خود را به صندوق بریزند.»

آیةالله العظمی منتظری خطاب به افرادی که در دام گروهکها افتاده‌اند فرمودند: «به این بچه‌هایی که به دام گروهها افتاده‌اند باز برای چندمین بار تذکر می‌دهم که ببینید که سران شما دارند با امپریالیسم همکاری می‌کنند. شما که می‌گویید ملاك حق و باطل، مبارزه کردن با امپریالیسم یا هماهنگ بودن با امپریالیسم است، الآن ببینید امپریالیسم شرق و غرب علیه انقلاب اسلامی دارند فعالیت می‌کنند. پس [اگر] خودتان تشخیص می‌دهید که سران شما دارند با امپریالیسم هماهنگی می‌کنند، چرا به دام آنها افتاده‌اید؟ جلو ضرر را از هرجا بگیرید به نفع است. حال اگر چنانچه به من طلبه اشکال دارید، امّا به سران شما بیشتر اشکال وارد است. خداوند انشاءالله به همه توفیق دهد تا به وظایفمان عمل کنیم.»

۱۳٦٤/٥/۳۱

آقایان صبحی الطفیلی و ابوهشام به همراه چندتن دیگر از مسئولان حزب‌الله لبنان با آیةالله العظمی منتظری دیدار و گفت و گو کردند. در این دیدار که آقای محتشمی‌پور، سفیر جمهوری اسلامی ایران در سوریه نیز حضور داشت فقیه عالیقدر ضمن تقدیر از مبارزات ملت مسلمان لبنان با اشاره به رمز موفقیت انقلاب اسلامی در ایران گفتند: «رمز اصلی این موفقیت این بود که در ایران مبارزه کاملاً مردمی بود و این طور نبود که گروه و جمعیت خاصی نقش اصلی در پیشبرد مبارزات داشته باشد بلکه مبارزه واقعاً به

شکل حزب‌اللهی به تمام معنای کلمه بود و تا این خصلت در مبارزات و انقلابها وجود داشته باشد شکستی برای آنها پیش نمی‌آید. ایشان تأکید کردند برادران حزب‌الله لبنان هم توجه داشته باشند که واقعاً حزب‌اللهی و به مردم مسلمان لبنان متکی باشند و مبارزات خود را در قالب و شکل گروهی و فرقه‌ای در نیاورند تا همیشه یك اکثریت قاطع از ملت مسلمان لبنان پشتیبان آنها باشند. البته در حکومت اسلامی آیندهٔ لبنان باید حقوق تمام اقلیتهای مذهبی و فرقه‌ای محترم باشد و هر کس از هر فرقه و مذهبی به حق قانونی و شرعی خود برسند ولی انتخاب نوع حکومت در کشور لبنان به دست اکثریت مسلمان این کشور خواهد بود.»

فقیه عالیقدر آنگاه به نیاز حکومت آیندهٔ لبنان به افراد متعهد و روحانیون فاضل و مدیر و مدبّر که بتوانند کارهای تبلیغی و قضایی کشور را به دست گیرند اشاره و تأکید نمودند: «از هم اکنون باید به فکر این مسئولیت مهم بود و با تأسیس حوزه‌ها و مجامع علمی و تربیتی از جوانان متدین تمام طوایف مسلمین اعم از شیعه و سنی، لبنانی و فلسطینی، زمینهٔ تربیت چنین افرادی را برای آینده درست نمود... ممکن است جریان‌سازشکاری بعضی از سران فلسطینیها با اسرائیل و ارتجاع موجب یك روحیهٔ ضدفلسطینی در لبنان بشود، ولی باید برادران و خواهران مسلمان لبنان توجه کنند که حساب ملت مسلمان و مظلوم فلسطین از جریان سازشکاری بعضی از سران آنها جداست و باید این جریان‌سازشکاری محکوم شود ولی نباید موجب بدبینی و یا خصومت با ملت مسلمان فلسطین گردد. به هر حال ملت فلسطین ملتی است آواره و محروم از کشور خود.»

آیةالله العظمی منتظری در خاتمه نسبت به دعوت از جوانان فلسطینی جهت تحصیل علوم اسلامی و کسب معارف الهی تذکراتی دادند.

۱۳٦٤/٦/۷

طبق حکمی از سوی حضرت آیةالله العظمی منتظری حجةالاسلام حاج شیخ محمدعلی رحمانی عهده‌دار ستاد جذب و هدایت کمکهای مردمی به جبهه‌ها شد. متن حکم به این شرح است:

«بسمه تعالی. جناب حجةالاسلام آقای حاج شیخ محمد علی رحمانی دامت افاضاته، پس از سلام در مورد جذب و هدایت کمکهای مردم شریف به جبهه‌ها و توزیع عادلانهٔ آنها به همهٔ قسمتهای جبهه به حسب نیاز، هر چند تا کنون عدهٔ زیادی از برادران و از جمله جناب حجةالاسلام آقای گلسرخی دامت افاضاته تلاشهای قابل تقدیری داشته‌اند ولی متأسفانه هنوز گزارشها و نامه‌هایی از جبهه‌ها از طرف رزمندگان عزیز مبنی بر ناهماهنگی در توزیع کمکهای مردمی به دست می‌رسد که موجب نگرانی است. از این رو چون جناب آقای گلسرخی بر اثر مشاغل دیگر نمی‌توانند وقت زیادی را در این راه صرف کنند به جاست جناب عالی با توجه به شناختی که از اوضاع جبهه‌ها و نیازهای رزمندگان عزیز دارید مسئولیت ستاد جذب و هدایت کمکهای مردمی را به عهده بگیرید و ترتیبی بدهید تا این ستاد با همت و جدیت شما بیش از پیش فعال گردد. و در هر مورد ناهماهنگی یا اشکالی احساس گردید با قاطعیت اقدام کنید و مسئولین محترم ارتش، سپاه، بسیج مستضعفین و جهاد و ژاندارمری، حفظ الله که به اهمیت این ستاد

و کمکهای فوق‌العادهٔ مردم شریف ما واقفند طبق وظیفهٔ شرعی و وجدانی با جناب عالی همکاری لازم خواهند کرد و جناب آقای گلسرخی نیز به قدری که می‌توانند کمك می‌کنند تا انشاءالله تعالی با تعاون و همفکری و همکاری آنان و سایر ارگانهای مربوطه نیازهای رزمندگان فداکار به نحو احسن بیش از پیش بررسی و به موقع مرتفع شود.

از خدای متعال توفیق شما و سایر خدمتگزاران را در خدمت به اسلام و انقلاب و همچنین پیروزی رزمندگان ایثارگر را مسئلت می‌نمایم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. حسینعلی منتظری.»

۱۳٦٤/٦/۲۱

آیةالله العظمی منتظری در جمع مسئولان و مدیران و سردبیران روزنامه‌های *اطلاعات*، *کیهان* و *جمهوری اسلامی* در ارتباط با عملکرد مطبوعات و نقاط مثبت و ضعف رسانه‌های گروهی مطالب مهم و پر نکته‌ای را ایراد فرمودند که در بسیاری جهات می‌تواند الگو و رهگشای بنیادی مسائل تبلیغاتی و انتشاراتی کشور باشد.

در این جلسه، مدیران مطبوعات بی هیچ پرده‌پوشی تنگناها و محدودیتهای کار مطبوعاتی را با فقیه عالیقدر در میان گذاشتند و مقدماتی را که برای تجدید نظر اساسی در زمینهٔ انعکاس مطالب و اخبار فراهم آمده است و به تدریج در روزنامه‌ها پیاده خواهد شد با ایشان مطرح کردند. آنگاه آیةالله العظمی منتظری ضمن انگشت نهادن بر بسیاری مطالب تکراری و خسته کننده در مطبوعات، دیدگاههای روشن و صریح خود را دربارهٔ انتظاراتی که مردم و جامعهٔ متحول و انقلابی ایران از رسانه‌های گروهی دارند بر شمردند و ضرورت تجدید نظر اساسی در نحوهٔ انعکاس اخبار را مکرّر مورد تأکید قرار دادند.

قسمتهایی از متن این سخنرانی را در اینجا نقل می‌کنم و به یاری خدا متن کامل آن را در مجموعهٔ فرمایشات معظّم‌له خواهم آورد.

«من یك آدم صریحی هستم که آنچه در ذهنم است می‌گویم. حالا نمی‌دانم ممکن است شما بگویید که صد در صد نمی‌شود اجرا بشود ولی چیزی که در ذهنم هست لازم است بگویم خدمت آقایان. آنچه که شما فرمودید «دولتی»، نه به آن معنی، این واقعاً این جور بوده است که در زمان رژیم سابق هم روزنامه‌ها دولتی بود، حالا هم دولتی است. تقریباً یك چنین دولتی، یعنی در زمان رژیم سابق این جور بود، زور بود دیگر، و آنها هم همان طور که دستگاه می‌خواست و ساواك می‌خواست [کار می‌کردند]. اصلاً می‌گفتند ساواك نسخه می‌کند و به آنها می‌دهد. روزنامه‌ها ارگان حکومت و دولت بودند. حالا به یك معنا همین جورهاست. یعنی به این معنا که دولت ما، حکومت ما که جمهوری اسلامی است، بالاخره [اگر] یك کسی از خارج بیاید، در ذهنشان است که روزنامه‌ها همان است که جمهوری اسلامی می‌خواهد، همان است که دولت می‌خواهد، همان است که رئیس جمهور می‌خواهد، همان خط را تعقیب می‌کنند، در خیلی مطالب با هم مشترك هم هستند. در روزنامه‌ها یك چیزی که به نظر می‌آید یك چنین چیزی هست. آن اشکالی که خلاصه در ذهن من هست، این است که در زمان رژیم سابق وقتی کسی می‌آمد به ایران می‌دید که روزنامه‌ها ارگان همان حکومت آن روز است، حالا هم اگر کسی بیاید

به ایران و روزنامه‌ها را ببیند مثل این است که روزنامه‌ها سخنگو و ارگان حکومت و دولت ایرانند. من نمی‌گویم که روزنامه‌ها نعوذ بالله بیایند و هتاکی کنند. ما یك چیزی برایمان محترم است. اسلام برایمان محترم است، پیغمبر و ائمهٔ اطهار ع برایمان محترم هستند، رهبر انقلاب هم برایمان محترم است. تا یك حدی باید حریم را نگاه داشت. اما اینکه روزنامه‌ها همان خط دولت، خط رئیس جمهوری، خط حکومت، همان خط را تعقیب بکنند. [درست نیست]... روزنامه‌ها باید افکار اکثریت و افکار اقلیت را منعکس کنند منتهی باید حریم اصول اولیه را حفظ کرد. روزنامه‌ها اگر این جور باشد، هم خوانندهٔ بیشتر پیدا می‌کند، هم خودکفا می‌شود و هم سطح فرهنگ مردم را بالا می‌برد. چنین نباشد که هر چه رادیو می‌گوید، همان را هر سه روزنامه بنویسند، هر سه کپی هم باشند. به نظر می‌آید که روزنامه‌ها الآن یك اندازه‌ای این جور است.

ممکن است یك استاد دانشگاه یا یکی از روحانیون باشد که چیز می‌نویسد. هم به جمهوری اسلامی عقیده دارد، هم به انقلاب و رهبر انقلاب عقیده دارد، ولی به رئیس جمهوری یا وضع دولت اشکالی دارد، اگر مقاله‌ای بنویسد، چاپ نمی‌شود و اگر هم مقاله چاپ شود می‌گویند چرا این مقاله چاپ شده است. این غلط است.

خلاصه اگر می‌خواهند مردم پخته بشوند، ورزیده بشوند، هم در سیاست، هم در اطلاعات و هم در همه جا، باید افکار مختلفی را ببینند. آن وقت، هم مفید است برای جامعه و هم مشتری بیشتری پیدا می‌کنید،... به نظر من خلاصه باید روزنامه‌ها سراغ این معنا بروند. یك کلمه. روزنامه‌ها دولتی نباشند، ارگان حکومت نباشند، خودشان مستقل باشند.

یك قدری ما سعهٔ نظر باید پیدا کنیم. اینکه کانال خاصی را بگیریم، یك خط خاصی را بگیریم، این آخرش یك وقتی مثلاً فرض بگیرید خراب هم می‌شود و بعضی از افراد هم فرار می‌کنند و در می‌روند. نه، اصلاً باید وسعت نظر داشته باشند. انسان بتواند مخالف خودش را هم در خودش جا بدهد. به روزنامه هم راه پیدا کند. همانی هم که با خط روزنامهٔ *جمهوری اسلامی* مخالف است، اما به اصل انقلاب عقیده دارد، آن هم راه پیداکند و وقتی که مقاله‌اش را در روزنامه می‌نویسید آن نسبت به جمهوری اسلامی هم عقیده‌اش بیشتر می‌شود و خوانندهٔ بیشتری پیدا می‌کنید. خلاصه به این طرف ما باید حرکت کنیم، اما حالا چه جور، آقایان باید بررسی کنند.»[۹۹]

توضیح ۱. هر سه روزنامه‌ای که مدیران و سردبیران آنها در حضور فقیه عالیقدر بودند متن کامل این فرمایشات را چاپ کردند و به گوش خویش شنیدند که امید امام و امت با چه دلسوزی و با چه سعهٔ صدری از مسئولیت و حساسیت روزنامه‌ها سخن گفت و آنها را به راهی که رسانه‌های گروهی در جمهوری اسلامی باید بپیمایند هدایت کرد.

توضیح ۲. فرمایشات حضرت آیةالله منتظری، در محافل فرهنگی و سیاسی ایران بازتاب پر امیدی داشت. مطبوعات به تجزیه و تحلیل نظرات و دیدگاههای ایشان پرداختند و از جمله روزنامهٔ *کیهان* در

۹۹. جراید، ۱۳٦٤/٦/۲۳.

ستون «دیدگاه» خود[۱۰۰]، در چهار شماره مقالهٔ مفصلی را چاپ کرد که مطالعهٔ آن مفید به نظر می‌رسد:

عنوان این چهار مقاله عبارتند از:

۱. هشدار آیةالله العظمی منتظری به روزنامه‌ها ـ دو شماره.

۲. برخورد افکار ضامن حفظ ارزشهای انقلاب اسلامی.

۳. روزنامه‌ها، هادی و لگام قدرت.

در اینجا تنها مقدمهٔ کوتاه ابتدای مقالهٔ اول را نقل می‌کنم و امیدوارم که روزنامه‌ها با جدیت و علاقه و اخلاص و صداقت با رهنمودهای فقیه عالیقدر برخورد نموده از آن برای ارتباط واقعی مردم و مسئولان و انعکاس اندیشه‌های متفاوت، بهره‌گیرند:

«علیکم بتقوی الله، فی‌الغیب والشهادة، و کلمةالحسنی فی‌الرضی والغضب... و بالعدل علی العدووالصدیق... (بر شما باد به تقوی از خدا در نهان و آشکار، و سخن حق در حال رضا و غضب... و عدالت با دشمن و دوست...)

پنجشنبه ۲۱ شهریور ماه جاری، آیةالله منتظری در دیدار و گفت و گو با مسئولین سه روزنامهٔ صبح و عصر تهران، یك بار دیگر از درد و المی سخن بر زبان آورد که کمتر در اطراف آن صحبت شده و می‌شود، و همچنین برای رفع این بیماری خطرناك و توانفرسا از مرهمهایی نام بردند که کمتر تجویز گشته و می‌گردند.

با تقوی و اخلاص و صراحت لهجه‌ای که از آیةالله منتظری به کرات مشاهده شده است، انتظار چنین برخوردی از ایشان، دور از ذهن و تصور نبود، خصوصاً پس از هشدارها و سخنان حیاتبخش و راهگشای امام خطاب به مسئولین صدا و سیما و جراید مذکور.[۱۰۱]

راستی مگر از هادیان و حارسان و رائدان و منذرین قوم، جز این انتظاری می‌رفت؟ مگر بیش از هر فردی، مسئولیت سنگین تمیز خبیث از طیب، سره‌از ناسره، صحیح از سقیم، نارازنور، حق از باطل، بدل از اصل، صادق از کاذب، حقیقت از مجاز، روز از شب، راه از بی‌راهه و... بر دوش این وارثان انبیا قرار ندارد؟

مگر بر این طبیبان اخلاقی اجتماع، فرض و واجب نیست که به هنگام مشاهدهٔ آثار عفونت در اندام و نسوج اجتماع، خلق را هشدار دهند؟

مگر از آنان که تقوای الهی پیشه ساخته‌اند و طوق رقیت و بندگی خدایان به دور افکنده و در ظل نورانی حکومت الله درآمده‌اند و جز رضای خالق نمی‌طلبند انتظاری جز این می‌رود؟

آیةالله منتظری که افزون بر تقوی، روشن بینی، زمان‌شناسی، سعهٔ نظر و... متصف به صفت

۱۰۰. *کیهان*، ۲۵، ۲۶، ۲۷ و ۲۸ شهریور ۱۳٦٤.

۱۰۱. امام خمینی مدظله مدّتی قبل از سخنان آیةالله منتظری، مسئولان صدا و سیما و روزنامه‌ها را به حضور پذیرفتند و آنها را از اینکه فقط به انعکاس فعالیت مسئولان جمهوری اسلامی بپردازند نهی کردند و دستور دادند که بیشتر از مردم بنویسند تا مسئولان. سخنان معظم‌له برای رجال سیاسی و دینی ایران بسیار آموزنده و مهم تلقی گردید.

صراحت لهجه نیز می‌باشند، برخورداری از این صفت، این ویژگی را به ایشان اعطا نموده است که در مواقع مختلف، به هنگام مشاهدهٔ بیماری و عدم سلامت عضو و موضعی، با ملحوظ قرار دادن مصالح ملت به اعلام خطر پردازند و حقیقت جاودانی و دیرپا را فدای مصلحتهای فانی و زودگذر سیاسی نسازند... »[۱۰۲]

پس از اینکه با همت دلسوزان امت اسلامی درگیریهای تأسف بار فلسطینیها و شیعیان امل در اردوگاههای فلسطینی لبنان پایان پذیرفت، عوامل استعمار و استکبار جهانی ساکت ننشستند و دوباره به فکر ایجاد آتش نفاق و کینه بین دو گروه دیگر از مردم لبنان افتادند.

هنوز آتش درگیریهای اردوگاههای فلسطینی کاملاً خاموش نشده بود که در شهر طرابلس، جنگ خونینی بین طرفداران سوریه و سازمان توحید اسلامی (به رهبری شیخ سعید شعبان از علمای اهل تسنن لبنان) درگرفت که این هم ضایعات بسیاری برای جهان اسلام در پی داشت.

در اینجا نیز فقیه عالیقدر قدم به میدان گذاشت تا بتواند به یاری خداوند آتش این جنگ را خاموش کند. بدین منظور پیامی برای علمای لبنان ارسال داشت که متن آن چنین است:

«بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. حضرات علمای اعلام و روحانیون محترم لبنان و سوریه دامت برکاتهم، پس از سلام درگیریهای خونین لبنان عمدتاً و تهاجم مسلحانهٔ روزهای اخیر به شهر مذهبی طرابلس و قتل نفوس بی‌گناه مسلمین و تخریب منازل و اماکن موجب نگرانی و ناراحتی شدید امت بزرگ اسلام شده است. این حوادث از ناحیهٔ هر کس و هر قدرتی باشد در نهایت به نفع امریکای جهانخوار و اسرائیل غاصب و قدرتهای بیگانه و اشغالگر تمام خواهد شد. جای تأسف است در شرایطی که صهیونیسم و هوادارانش در منطقه در صدد تجزیهٔ کشور اسلامی و عرب لبنان هستند چگونه به خود اجازه می‌دهیم آتش جنگ داخلی و خونریزی را در یك منطقهٔ اسلامی و مقاوم همچون طرابلس گسترش دهیم. آیا نیروهای مهاجم به شهر طرابلس در فکر نجات لبنان مظلوم از شر اسرائیل هستند یا خدای ناکرده می‌خواهند آتش جنگ داخلی را در لبنان به نفع اسرائیل برای همیشه برافروخته نگاه دارند؟ جای هیچ گونه تردیدی نیست که این سیاست جز در مسیر منافع استعماری امریکا و صهیونیسم نخواهد بود. دولتهای اسلامی عرب که تا کنون در برابر سیاستهای استعماری امریکا در منطقه ایستاده‌اند باید راضی نشوند در چنین شرایطی از آنان سوء استفاده شود و عناصر مرموز فاسد و شیاطین وابسته به شرق و غرب پای آنها را در قتل و غارت یك شهر مسلمان‌نشین و مقاوم در برابر صهیونیسم به میان بکشند. انتظار می‌رود حضرات علمای اسلام و خطبا و گویندگان و ائمهٔ جمعه و جماعات در کشورهای سوریه و لبنان ایدهم الله تعالی در برابر این حوادث تلخ ساکت ننشینند و با اعزام هیئتهایی جهت مذاکره و جلوگیری از کشتار و خونریزی شمال لبنان وظیفهٔ اسلامی و انسانی خود را در برابر اسلام و مسلمانان به نحو احسن انجام دهند و همچنین مقامات مسئول و محترم در جمهوری اسلامی

۱۰۲. کیهان، ۱۳٦٤/٦/۲۵.

لازم است با این مسئله جدی‌تر برخورد نمایند و از هر طریق مصلحت دیدند با قاطعیت جلو این فتنه و برادرکشی را بگیرند و عواقب منفی سکوت و یا پشتیبانی از آن را به دولتهای دوست در منطقه گوشزد نمایند. در خاتمه عزت و عظمت اسلام و مسلمانان و خذلان و نابودی جبههٔ کفر و صهیونیسم جهانی و عوامل آن را از خدای بزرگ مسئلت می‌نمایم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. حسینعلی منتظری.»[۱۰۳]

۱۳٦٤/۱۰/۱۲

دفتر آیةالله منتظری هر روز از سراسر میهن اسلامی ایران و دیگر کشورهای مسلمان جهان، نامه‌های محبت‌آمیز فراوانی را دریافت می‌کند که در آنها از دلسوزی و مردمداری فقیه عالیقدر ابراز خوشبختی می‌شود و نویسندگان آنها مراتب تشکر و تقدیر خود را از برخورد آیةالله منتظری با مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه، ابلاغ می‌کنند. پیام زیر، پاسخ یك سلسله از این نامه‌هاست که از طرف آیةالله العظمی منتظری خطاب به دانش آموزان مسلمان کرد ارسال شده است:

«۱۳٦٤/۱۰/۱۲. بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. دانش آموزان مسلمان کرد ایدکم الله تعالی و وفقکم لمرضاته، پس از سلام، نامه‌های پر از احساس و محبت شما عزیزان توسط آقایان برادران مسئول تبلیغات اسلامی در آن منطقه واصل شد. از احساسات گرم و از توجه شما عزیزان به مسائل و مشکلات منطقهٔ اسلامی کردستان تقدیر می‌کنم. از مشکلات و کمبودهای به جا مانده از دوران سیاه ستمشاهی و از جنایات و فجایع مزدوران اجانب و عوارض طبیعی آن در آن منطقه که به نام حمایت از خلق کرد انجام شد و متأسفانه هنوز هم ادامه دارد، همهٔ ما مطلعیم.

از قرنها پیش استعمارگران غرب و شرق اراضی و بلاد اسلامی و از جمله منطقهٔ کردستان را هدف توطئه‌های شیطانی خود قرار دادند و در این میان بر ملت مسلمان کرد آنچه توانستند روا داشتند و هیچگاه نگذاشتند این ملت مسلمان به شخصیت اسلامی خود باز گردند. ملت کرد همیشه استعدادها و لیاقتهای فراوانی را نشان داده و در تاریخ خود قهرمانانی همچون صلاح‌الدین ایوبی فاتح فلسطین و قدس عزیز را به ثبت رسانده است.

شما بچه‌های عزیز آینده سازان ملت مسلمان کرد می‌باشید و باید منطقهٔ شما به دست شما و با فداکاری و تلاش و کسب علم و دانش و فضائل اخلاقی و تقوی و تعهد اسلامی شما و طرد عناصر خود فروخته و وابسته ساخته شود. مواظب باشید هدف تبلیغات زهرآگین دشمنان اسلام و خلق کرد قرار نگیرید. مبادا با طرح مسائل نژادی و ارتجاعی و شعار دروغ حمایت از خلق کرد، شما عزیزان را از اسلام عزیز و فضیلت و علم و دانش جدا سازند و خدای ناکرده از شما ابزاری برای نیل به اهداف استعماری و ضد اسلامی خود درست کنند. استعمارگران می‌خواهند از کردستان شما، اسرائیل دومی بسازند تا پایگاهی باشد برای ضربه زدن به کشورهای اسلامی منطقه که می‌خواهند خود را از چنگال

۱۰۳. *اطلاعات*، ۱۳٦٤/۷/۹.

تاریخ ۱۳۶۳/۱۰/۱۲

بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

دانش آموزان مسلمان کرد اتّحاد کم الله تعالی و وفقکم لمرضاته

پس از سلام نامه‌های پر از احساس و محبت شما عزیزان توسط آقایان برادران مسئول تبلیغات اسلامی در آن منطقه واصل شد. از احساسات گرم و از توجه شما عزیزان به مسائل منطقه اسلامی کردستان تقدیر میکنم. از مشکلات و کمبودهای بجا مانده از دوران سیاه ستم شاهی و از جنایات و فجایع مزدوران از جانب و عوارض طبیعی آن در آن منطقه که بنام حمایت از خلق کرد انجام شد و متأسفانه هنوز هم ادامه دارد همه ما مطلعیم.

از قرنها پیش استعمارگران غرب و شرق آرامش و بلاد اسلامی و از جمله منطقه کردستان را هدف توطئه‌های پلید خود قرار دادند و در این میان ملت مسلمان کرد که توانستند روا دارند و هیچگاه نگذاشتند این ملت مسلمان به شخصیت اسلامی خود باز گردند. ملت کرد همیشه استعدادها و لیاقتهای فراوانی از خود نشان داده و در تاریخ خود قهرمانانی همچون صلاح الدین ایوبی فاتح فلسطین و قدس عزیز را به ملت مسلمان تقدیم داشته است. شما بچه‌های عزیز آینده سازان ملت مسلمان کرد می‌باشید و باید منطقه شما بدست شما و با فداکاری و تلاش و کسب علم و دانش و حضور اخلاص و تقوی و تعهد اسلامی شما و طرد عناصر خود فروخته و وابسته ساخته شود. مواظب باشید هدف تبلیغات زهر آگین دشمن اسلام و خلق کرد قرار نگیرید. مبادا با طرح مسائل نژادی و ارتجاعی و شعار دروغین حمایت از خلق کرد شما عزیزان را از اسلام عزیز و فضیلت و علم و دانش جدا سازند و هدفهای ناگروه از شما ابزاری برای نیل به اهداف استعماری و ضد اسلامی خود در آن منطقه قرار دهند. استعمارگران می‌خواهند از کردستان شما اسرائیل دوم بسازند تا پایگاهی باشد برای خفه نمودن کشورهای اسلامی منطقه که می‌خواهند خود را از چنگال آنان نجات دهند. شما عزیزان یک دانه یاسمن ملت کرد شما رید اند بنگرید و به بینید بسیاری از آنان سر از کجاها درآورده‌اند.

اگر عزت و شخصیت و سعادت دنیا و آخرت را می‌خواهید راهی جز تمسک به اسلام و قرآن شریف و راه و رسم رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار و اولیاء دین وجود ندارد. دین جانب از دوران بعید بلکه دشمن خاطرات تلخ و شیرینی دارم و از این رو در خود یک مسئولیت معنوی و عاطفی خاصی با مسلمانان کرد احساس میکنم و در هر فرصتی مسئولین امور را متوجه حساسیت منطقه کردستان و مظالمی که بر آنان وارد شده است ساخته‌ام. امیدوارم با حفظ وحدت و توجه بیشتر مسئولین و هم کاری صمیمانه برادران و خواهران کرد و بسیج همه نیروهای مخلص و متعهد، عوامل عقب افتادگی و محرومیتهای فرهنگی و اقتصادی منطقه از بین برود و مسلمانان کردستان بتوانند در این شرائط حساس که برای اسلام و انقلاب پیش آمده و شرق و غرب علیه ما هم آهنگ شده‌اند وظائف اسلامی و انقلابی خود شان را انجام دهند و برای همیشه دشمنان اسلام را مأیوس سازند.

ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم. والسلام علیکم و علی جمیع اخوانکم المؤمنین و رحمة الله و برکاته

دستخط آیة‌الله العظمی منتظری به دانش آموزان مسلمان کرد

آنان نجات دهند. شما عزیزان به کسانی که به اسم ملت کرد شعار می‌دادند بنگرید و ببینید بسیاری از آنان سراز کجاها درآوردند. اگر عزت و شخصیت و سعادت دنیا و آخرت را می‌خواهید راهی جز تمسک به اسلام و *قرآن* شریف و راه و رسم رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله و بزرگان و اولیای دین وجود ندارد. این جانب از دوران تبعید به کردستان خاطرات تلخ و شیرینی دارم و از این‌رو در خود یك پیوند معنوی و عاطفی خاصی با مسلمانان کرد احساس می‌کنم و در هر فرصتی مسئولین امور را متوجه حساسیت منطقهٔ کردستان و مظالمی که بر آنان وارد شده است ساخته‌ام.

امیدوارم با حفظ وحدت و توجه بیشتر مسئولین و همکاری صمیمانهٔ برادران و خواهران کرد و بسیج همهٔ نیروهای مخلص و متعهد، عوامل عقب افتادگی و محرومیتهای فرهنگی و اقتصادی منطقه از بین برود و مسلمانان کردستان بتوانند در این شرایط حساس که برای اسلام و انقلاب پیش آمده و شرق و غرب علیه ما هماهنگ شده‌اند وظایف اسلامی و انقلابی خودشان را انجام دهند و برای همیشه دشمنان اسلام را مأیوس سازند. ان الله لایغیر ما بقوم حتی یغیرواما بانفسهم. والسلام علیکم و علی جمیع اخواناالمسلمین و رحمةالله و برکاته.حسینعلی منتظری.»

مدتی بود که بین بعضی از جناحهای روحانیت در شیراز اختلاف وجود داشت و این اختلاف به میان مردم راه یافته بود.

در پی بروز چنین وضعی که مسلماً به نفع اسلام و انقلاب نبود، عده‌ای از مؤمنین نزد فقیه عالیقدر آمده درخواست رسیدگی و پایان دادن به این گونه حوادث را کردند. حضرت آیةالله العظمی منتظری، در نامه‌ای به علمای اعلام شیراز، مسئولیت فعلی آنان را در قبال جنگ تشریح و گوشزد کردند و آنان را از کشمکش با یکدیگر و دوگانگی برحذر داشتند. متن آن نامه به شرح زیر است:

بسمه تعالی

تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۱

شماره .....

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافة ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین
واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا ـ ولا تنازعوا فتفشلوا وتذهب ریحکم

اخ محترم شیراز دامت توفیقاتکم ـ برادر اوخواهر ان پس از سلام عرض میرساند:
این روزها اخبار نگران کننده ای از شیراز میرسد. توجه داشته باشید در این شرایط حساس که دشمنان اسلام وانقلاب
در خارج و داخل مشغول توطئه وتضعیف اسلام ونظام ما هستند دامن زدن به اختلافات جزئی و محلی از ناحیه هر کس
و هر گروهی باشد برخلاف مصالح اسلام و مسلمین و خط حضرت ولی عصر عجل الله فرجه و امام امت مظله می باشد.
در شرایطی که عزیزان شما در جبهه ها برای جنگ با جبهه جهانی کفر با جان عزیز خود در راه خدای اسلام و انقلاب میجنگند چرا ما نباید با شرح صدر
برای رضای خدا و مصالح اسلام یکدیگر را تحمل کنیم و دقت در تکلم و حرمت یکدیگر را حفظ نمائیم؟! هم باید مواظب حرکات
و کلمات خود باشیم و هیچ یک از ما برای دیگری خود را جهنمی و مبغوض خدا نکند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمودند:
وهل یکب الناس علی مناخرهم فی النار الا حصائد السنتهم؟ آیا چیزی جز دروغ زبان مردم را در آتش خواهد انداخت؟!
این جانب شخصاً هیچ وجه راضی نیستم که بنوعی از انحاء اظهار علاقه یا حمایت از هر یک فرد یا گروهی یا شخص عالم و روحانی یا مقامی دیگر
اخلال شود، خدا هم راضی نیست سعی کنید هم با هم برادرتان برادرانه و عالمانه باشید و هم با بندگان خدا الخواهیم دلهای ما را
به یکدیگر مهربان کند و ما توفیق دهد عیوب خود را برطرف کنیم هیچ یک از ما بی عیب نیستیم و گفته شاعر عرب
در بزرگواری مرد همین بس که بتوانیم عیبهای او را شماره کنیم «کفی المرء نبلاً ان تعد معایبه»
این جانب نظر خود را نسبت به اثر شیراز بعرض امام امت مظله رسانده ام تصمیم نهائی با معظم له می باشد
والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ۱۰ ج ۲ / ۱۴۰۶

نامهٔ آیة‌الله منتظری به مردم شیراز

بخش سوم

افشای توطئهٔ دشمنان اسلام

حیلهٔ دشمنان اسلام

دشمنان سوگند خوردهٔ اسلام و انقلاب اسلامی، خصوصاً صهیونیسم نژادپرست و تجاوز پیشه هر فرصتی را برای ضربه‌زدن به اسلام و مسلمانان از دست نمی‌دهند.

آنها برای اینکه بتوانند ملت مسلمان جهان را از الگوپذیری و متابعت از انقلاب اسلامی و به ویژه از رهبر معظم آن باز دارند و آنان را ناامید و مأیوس کنند، هر روز حیلهٔ جدیدی را به کار می‌برند.

یکی از شیوه‌های پلید دشمنان انقلاب اسلامی برای بازداشتن مردم،خصوصاً مسلمانان غیر ایرانی ، از ادامهٔ پشتیبانی از نظام اسلامی و رهبران آن، افکندن شبههٔ وجود اختلاف بین رهبران این نظام است.

صهیونیسم تبهکار و امپریالیسم جهانخوار، با بهره‌گیری از تمام امکانات علمی، فنی، و تبلیغاتی، خصوصاً روانشناسان و جامعه‌شناسان مراکز دانشگاهی خود، سعی می‌کنند با حربهٔ مؤثر اختلاف، برنامه‌های پلید و ایده‌های ضد انسانی خود را به هر طریق ممکن پیش ببرند.

از نمونه‌های بارز این شیوهٔ مکارانه، کار تبلیغاتی حول محور اختلاف ساختگی بین رهبر عظیم الشأن انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی مدظله و یار با وفای معظم‌له، فقیه عالیقدر، حضرت آیةالله العظمی منتظری است.

برای این کار روشهای گوناگونی انتخاب کرده‌اند که به چند نمونه از آنها در اینجا اشاره می‌کنیم.

محققان و آگاهان به مراکز علمی و زندگی دانشمندان می‌دانند که امکان دارد در یك مبحث علمی بسیاری اختلاف نظرها بین صاحبنظران وجود داشته باشد.

در اسلام و خصوصاً تشیع نیز به خاطر مفتوح بودن باب اجتهاد، بین علما و مجتهدان، در بسیاری از موضوعات علوم اسلامی، اعم از فقهی، فلسفی و مباحث سیاسی و اجتماعی اختلاف نظرِ محسوس هست.

بر همین اساس، چه بسا بین حضرت امام خمینی و آیةالله العظمی منتظری که هر یك خود از علمای بزرگ اسلامی‌اند، در بعضی مباحث مورد اجتهاد ایشان، اختلاف برداشت و اختلاف فتوی وجود داشته

باشد. امّا آنچه مشخص است، این دو بزرگوار در مقولات اجتماعی، سیاسی، خصوصاً در مبارزهٔ تمام عیار برای بر چیدن بساط کفر و ظلم از صفحهٔ گیتی و محو کامل نظامهای نژادپرست صهیونیسم و غیره و ایجاد حکومت اسلامی، هم نظر و هم عقیده‌اند و خط مشیی کاملاً منطبق برهم دارند و از ابتدای نهضت اسلامی امام خمینی، آیةالله منتظری با ایمانی راسخ در مسیر این نهضت به فعالیت اسلامی خود ادامه داد. چرا که فقیه عالیقدر سالها در محضر درس آن حضرت به تلمّذ نشسته و از چشمهٔ زلال اندیشه‌های ضد استعماری و ضدصهیونیستی این معلم بزرگ و کم نظیر بهره‌ها گرفته است. با وجودروشنیِ همچون آفتابِ این سخن، که حضرت امام خمینی و آیةالله منتظری درنگرشهای سیاسی و اجتماعی، به ویژه تشکیل حکومت اسلامی در کشورهای مسلمان‌نشین، برانداختن صهیونیسم از حیات اجتماعی ـ سیاسی جهان، مبارزهٔ جدّی و همه جانبه با دو ابر قدرت استکباری امریکا و شوروی، ایجاد زمینه‌های عدالت اجتماعی در زندگی روزمرهٔ مردم و بالاخره شخصیت بخشیدن و استقلال دادن به مسلمانان در سراسر گیتی، هیچ گونه اختلاف نظر ندارند و در تمامی موضوعاتی نظیر اینها، آیةالله منتظری همچون امام خمینی رهنورد خط اسلام می‌باشد، و امروز هیچ کس نمی‌تواند در آن شك کند، اما می‌بینیم دشمنان انقلاب اسلامی و در رأس آن امریکای جهانخوار، با همدستی صهیونیسم و به کمك حکام مرتجع و مزدور حاکم بر کشورهای اسلامی، سعی می‌کنند از اصل غیر قابل انکار «وجود اختلاف نظر بین مجتهدان» سوءِ استفاده کنند و برای گمراهی نسلهای آینده و کمرنگ نمودن وحدت نیروهای انقلابی مسلمان در این زمان دست به اقدامات خائنانه‌ای بزنند.

نمونهٔ اول: چاپ و نشر کتابی علیه امام خمینی به قلم آیةالله منتظری است. [!]

مردم مسلمان جهان و حتی بسیاری از احرار و انقلابیون غیرمسلمان می‌دانند و دیده‌اند که کسان زیادی از روحانیون جیره‌خوار بارگاههای حجاز و مصر و اردن و عراق و... علیه حضرت امام خمینی فتوی داده و نیز قلم به دستان وجدان باختهٔ شرق و غرب عالم، علیه این منادی بزرگ آزادی و انسانیّت و شرف، قلم فرسایی کرده‌اند، امّا این فکر به ذهن هیچ کس نمی‌آید که یار باوفا و همراه صدیقی همچون آیةالله منتظری علیه استاد و رهبر خود، قلم زده باشد. با این همه، دشمن از فردای روزگاران و نسلهای آینده غافل نیست.

دشمن (احتمالاً با استفاده از تجربیات عجوزهٔ استعمار ـ انگلیس ـ یا به کارگردانی این پیر بدسرشت سیاست) برای ضربه زدن به تداوم انقلاب اسلامی در سالهای آینده دست به تدوین و انتشار کتابی چنان سخیف و بی‌ارزش زده است.

عنوان عربی کتاب *الخمینی فی میزان الشرعیه* است. مطالب ضد اسلامی و اکاذیب کتاب را آخوندهای درباری نوشته‌اند و آن را به آیةالله منتظری نسبت داده‌اند.

گویا این کتاب به سه زبان انگلیسی، عربی و ترکی چاپ و در سطح منطقهٔ خاورمیانه و اکثر کتابخانه‌های معتبر دنیا توزیع شده است.

انتشارِ این کتابِ پر از دروغ و افترا خودگواه آن است که صهیونیسم بین‌المللی ضربه‌های جبران ناپذیری از رهبری انقلاب اسلامی و یار وفادارش خورده است.

استکبار جهانی با افکار شیطانی و حیله‌های رنگارنگ، به خیال خام خود می‌خواسته با این عمل شخصیّت والای حضرت امام خمینی و فقیه عالیقدر را مخدوش سازد، امّا زهی خیال باطل.

دفتر آیةالله منتظری با صدور اطلاعیه‌ها وارسال نامه‌ها به مراکز سیاسی و فرهنگی ایران، این توطئهٔ خائنانهٔ صهیونیسم و نوکران ریز و درشتش را در سطح بین‌المللی فاش ساخته و به رسوایی کشانده است.

ضرورت دارد در این کتاب برای آگاهی نسلهای آینده بر این توطئه‌ها، اقدام به جای دفتر آیةالله منتظری منعکس گردد.

بدین منظور نامه‌های صادر شده از این دفتر، خطاب به وزارت ارشاد اسلامی و وزارت امور خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران و سازمان تبلیغات اسلامی را عیناً نقل می‌کنیم:

۱. «بسمه تعالی. تاریخ: ۶۲/۱۱/۱۲. وزارت خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران دام مجده،[1] پس از سلام اخیراً ضدانقلاب در خارج و داخل کشور دست به شیوهٔ جدیدی زده و کتابی را با عنوان *الخمینی فی میزان الشرعیه* که مشتمل بر یك سری مطالب بی سروته و اکاذیب و افترائاتی نسبت به انقلاب عظیم اسلامی و مقام معظم رهبری آن مدظله العالی می‌باشد با اسم حضرت آیةالله منتظری دامت برکاته منتشر و برای کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی و مطالعاتی ارسال داشته است.

از این رو لازم است مراتب فوق را به منظور افشای توطئهٔ جدید ضدانقلاب، آن وزارتخانهٔ محترم به نمایندگیهای خود در خارج کشور جهت اقدام مقتضی و مناسب اطلاع دهد. توفیق همگان را در حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و تحکیم نظام مقدس جمهوری اسلامی و طول عمر رهبر بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی مدظله را از خدای متعال مسئلت داریم. والسلام علیکم و رحمةالله. دفتر حضرت آیةالله منتظری. مهر دفتر.

رونوشت جهت اطلاع: مقام معظم ریاست جمهوری، مقام معظم ریاست دیوان عالی کشور، مقام معظم ریاست مجلس شورای اسلامی، مقام معظم نخست وزیر محترم.»

۲. «بسمه تعالی. تاریخ: ۶۲/۱۱/۱۶. سازمان محترم تبلیغات اسلامی دام مجده، پس از سلام و آرزوی موفقیت، اخیراً ضد انقلاب در خارج و داخل دست به شیوهٔ جدیدی زده و کتابی را تحت عنوان *الخمینی فی میزان الشرعیه* که مشتمل بر مطالب بی‌سروته و اتهامات و افترائاتی نسبت به انقلاب عظیم اسلامی و مقام معظم رهبری آن می‌باشد به نام حضرت آیةالله العظمی منتظری منتشر نموده و برای مراکز مطالعاتی و کتابخانه‌ها ارسال داشته است. از این رو لازم است آن سازمان محترم مراتب را به منظور افشای این توطئهٔ شیطانی در انتشارات خارج کشور خود درج نماید. مزید توفیقات همگان را در نشر حقایق اسلامی و تحکیم نظام جمهوری اسلامی از خدای متعال مسئلت داریم. والسلام علیکم و رحمةالله. دفتر حضرت آیةالله منتظری. مهر دفتر.

رونوشت جهت اطلاع و اقدام: مجلهٔ *الشهید*.»

۱. نامه به وزارت ارشاد اسلامی نیز همین متن با تفاوت عنوان است.

بسمه تعالی تاریخ ۶۳/۱۱/۱۲

شماره .....

وزارت خارجهٔ جمهوری اسلامی ایران دام مجده

پس از سلام اخیرا شد انقلاب در خارج و داخل کشور دست به شیوهٔ جدیدی زده و کتابی را با عنوان : (الخمینی فی میزان الشرع) که مشتمل بر یک سری مطالب بی سر و ته و اکاذیب و افتراءاتی نسبت به انقلاب عظیم اسلامی و مقام معظم رهبری آن مد ظله العالی میباشد با اسم حضرت آیت اله منتظری دامت برکاته منتشر و برای کتابخانه ها و مراکز فرهنگی و مطالعاتی ارسال داشته است .

از اینرو لازم است مراتب فوق را بمنظور اتخاذ توطئه جدید شد انقلاب آن وزارتخانه محترم بنمایندگیهای خود در خارج کشور جهت اقدام مقتضی و مناسب اطلاع دهد . توفیق همگان را در حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و تحکیم نظام مقدس جمهوری اسلامی و طول عمر رهبر بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی مد ظله را از خدای متعال مسئلت داریم . والسلام علیکم ورحمة الله

دفتر حضرت آیت اله منتظری

رونوشت : جهت اطلاع :

مقام معظم ریاست جمهوری

مقام معظم ریاست دیوانعالی کشور

مقام معظم ریاست مجلس شورای اسلامی

مقام معظم نخست وزیر محترم

بسمه تعالی تاریخ ۶۲/۱۱/۱۶

شماره .....

سازمان محترم تبلیغات اسلامی دام مجده

پس از سلام و آرزوی موفقیت اخیرا ضدانقلاب در خارج و داخل دست به شیوهٔ جدیدی زده و کتابی را تحت عنوان (الخمینی فی میزان الشرعیه) که مشتمل بر مطالب بی سر و ته و اتهامات و افتراءاتی نسبت به انقلاب عظیم اسلامی و امام معظم رهبری آن میباشد بنام حضرت آیت الله العظمی منتظری منتشر نموده و برای مراکز مطالعاتی و کتابخانه ها ارسال داشته است از اینرو لازم است آن سازمان محترم مراتب را بمنظور افشاء این توطئهٔ شیطانی در انتشارات خارج کشور خود درج نماید

مزید توفیقات همگان را در نشر حقائق اسلامی و تحکیم نظام جمهوری اسلامی از خدای متعال مسئلت داریم

والسلام علیکم و رحمة الله

دفتر حضرت آیت الله منتظری

رونوشت جهت اطلاع و اقدام

مجلهٔ الشهید

نمونهٔ دوّم. یکی دیگر از ترفندهای دشمنان انقلاب اسلامی بر گرفتن پاره‌ای از صحبتها و نصایح این دو بزرگوار و تفسیر و توجیه آنها به دلخواه خودشان است؛ آن طور که نتیجه دهد که بین دو شخصیت اول و دوم جهان اسلام در این زمان، اختلاف و کشمکش هست.

رادیو اسرائیل در برنامه‌ای به زبان فارسی در ساعت ۱۹ روز ۱۳۶۳/۶/۲۶ اکاذیب و مطالب موهومی در این زمینه قرائت می‌کند که قسمتی از آن چنین است:

«آیةالله منتظری ضمن سخنانیکه امروز ایراد کرد از آزادی بیان با حرارت دفاع نمود و انتقاد سازنده را دستور اسلامی و وظیفهٔ شرعی نامید. او اظهار داشت مردم باید آزاد باشند از هر مقامی و منصبی انتقاد کنند.

آیةالله منتظری در این زمنیه گفت نباید طوری باشد که اگر کسی انتقادی کرد او را از کار بی‌کار کنند و یا کنار بگذارند. وی افزود نباید دهان‌ها را ببندند، زبانها را ببرند و صداها را در گلو خفه کنند زیرا در این صورت هر کس متملق‌تر و چاپلوس‌تر باشد بر سرکار خواهد آمد. وی در این باره رژیم گذشته را شاهد آورد و گفت در آن زمان هیچ کس یارای بر شمردن عیوب و یا انتقاد از کسی را نداشت و به همین جهت نیز همان اتفاقی افتاد که نتیجتاً شاهد آن بودیم. آیةالله منتظری در حالی این سخنان را ادا می‌کند که روز جمعهٔ گذشته آیةالله خمینی در بیانات خویش که به مناسبت عید غدیر ایراد کرد مخالفان دولت و انتقاد کنندگان از آن را شیطان و خائن و سلطنت طلب لقب داد و گفت هرگونه تضعیف دولت و نق‌زدن موجب غضب خداوند می‌گردد و حجةالاسلام هاشمی رفسنجانی نیز دیروز اظهار داشت کسانی که حکومت را مورد انتقاد قرار می‌دهند یا ضد انقلابند یا نادان.»

اسرائیل جنایتکار، این اشغالگر فتنه‌انگیز و این زائدهٔ متعفن خاورمیانه، که حیات ننگینش حکایتِ قتل و غارت و ترور و تجاوز است علاوه بر شیطنتهای زیاد در این چند سطر خبر، بارذیلانه‌ترین شیوه می‌خواهد وانمود کند که آیةالله منتظری در مخالفت با سخنان و ارشادات امام خمینی سخن گفته و بدین وسیله با نظرات رهبر انقلاب اسلامی مخالفت کرده است. در صورتی که با نگاهی جداگانه به هر یك از سخنان این بزرگواران، مشخص می‌شود که موضوع سخن آنان جداست و به هم ارتباطی ندارد.

حضرت امام خمینی، مخالفان نظام جمهوری اسلامی و منتقدان معرض از اصول تشکیل دهندهٔ حکومت اسلامی را که از طریق حمله به قوای سه‌گانه وارد می‌شوند نکوهش می‌کنند، و فقیه عالیقدر، انتقاد خیرخواهانه و دلسوزانه از عملکرد مسئولان اجرایی را مفید به حال مملکت می‌دانند، و این امر یعنی انتقاد سالم از دستگاههای اجرایی را نیز حضرت امام بارها مورد ستایش قرار داده‌اند که در سطور آتی جملاتی از حضرتش را نقل خواهم کرد.

حضرت امام امّت، رهبر بزرگ انقلاب اسلامی و پیشوای مستضعفان جهان روز عید سعید غدیر (۱۳۶۳/۶/۲۳) در دیدار با عده‌ای از مدرسان و طلاب خراسان و کارکنان آستان قدس رضوی سخنان مبسوطی بیان کردند که قسمتی از آن چنین است:

«من صحبتی می‌کنم که نصیحت کنم به دولت که شما مردم را شریك کنید در این کار (منظور

تجارت خارجی است) برای اینکه تنهایی نمی‌توانید بکنید و نمی‌تواند هم، یکدفعه می‌بینیم که شیاطین از اطراف به دولت حمله می‌کنند که معلوم می‌شود تو خلاف شرع همیشه می‌کردی! خدای تبارك و تعالی که پیغمبرش را نصیحت می‌کند که یا ایها النبی اتق الله به حسب آن طوری که شما می‌گویید پیغمبر متقی نبوده است که خدا به او گفته اتق الله؟... این شیاطین چه می‌گویند با این ملت ما؟

اینها سلطنت طلبند و می‌خواهند سلطنت را در اینجا دوباره برگردانند؟ یا بازی خورده‌اند از آنهایی که می‌خواهند این کشور را دوباره به باد بدهند، و تحت سلطهٔ امریکا قرار بدهند؟ می‌فهمند اینها چه می‌کنند؟ اینهایی که هر کدام خودشان اگر حکومت یك محله باشند نمی‌توانند اداره کنند آنجا را، چطور به خودشان اجازه می‌دهند که یك دولتی که در عین همهٔ گرفتاریهایی که الآن دارد و از شرق و غرب به او فشار دارند می‌آورند، این مملکت را دارد اداره می‌کند و به خوبی هم دارد اداره می‌کند چطور اجازه می‌دهند به خودشان که نسبت به این جسارت کنند و هر روز یك صورت درست کنند؟»

حضرت امام ادامه می‌دهند: «شیاطین که از اطراف دنبال این هستند که یك چیزی پیدا کنند و در بوقها بزرگش کنند، در نظر بگیرید چرا هرروز برای بوقهای خارجی یك خوراکی درست می‌کنید که آنها تبلیغ بر ضد شما بکنند. من تکلیف می‌دانم این را که عرض کنم و الا نمی‌خواستم چیزی بگویم. لکن دیدم که یك تکلیف است که دوباره یك شیاطینی شروع کرده‌اند یك حرفی من زدم که فلانی این را که گفته معلوم شد دولت بر خلاف بوده؟ من گفتم دولت بر خلاف است؟! من نصیحت کردم.»[۲]

از این فریادهای حضرت امام خمینی به خوبی در می‌یابیم که دستهای پلیدی در کار است که قوهٔ مجریه را ناتوان کند و در آن اصلاً در مورد منتقدان دلسوز جامعه سخن و اشاره‌ای نرفته است. چرا که معظم‌له خودشان از طرفداران سر سخت انتقاد سازنده هستند و نصایح و مواعظ زیادی در این باره دارند که یك نمونه‌اش را در اینجا نقل می‌کنم. حضرت امام در یکی از دیدارهایشان با نمایندگان مجلس فرمودند:

«اگر شما اعتقاد به اسلام دارید و عقیده دارید، چنانچه دارید و اعتقاد دارید که باید کشور با قدرت پیش برود و در این موضع در جنگ پیروز بشود راه برای ابر قدرتها بسته بشود کشور ما قوی بشود باید کوشش کنید در تأیید، نه کوشش کنید در انتقاد، انتقاد سالم باید بکنید، آن هم در پیشرفت مسائل مؤثر است، انتقاد سالم و راهنمایی دولت در همهٔ کارهایی که می‌خواهد انجام بدهد، اینها از اموری است که لازم است.»[۳]

در بیان امام خمینی می‌بینیم که انتقاد سالم و سازنده، هم مفید است و هم لازم. و این همان نظری است که فقیه عالیقدر از آن پیروی کرده و در بیانات خود بارها به آن اشاره داشته است. آنچه را که آیة‌الله منتظری دربارهٔ انتقاد سازنده از دستگاههای اجرایی بیان فرموده و دشمن آن را وسیلهٔ اختلاف افکنی در جامعهٔ اسلامی قرار داده چنین است:

«نباید زبان افرادی را که در هر ارگان یا حوزهٔ علمیه مثلاً صادقانه و دوستانه معایب را می‌گویند و

۲. جراید، ۱۳۶۳/۶/۲۴. ۳. *کیهان*، ۱۳۶۴/۷/۲۵.

انتقاد می‌کنند قطع نمود، بلکه باید به آنها اجازهٔ انتقاد صحیح و سازنده داده شود، گر چه از یك مقام بالاتر و یا یك استاد و مدرس باشد. این طور نباشد که ما هر کسی خواست یك کلمه از کاری که شده یا یك فرماندهٔ سپاه یا مسئول هر ارگانی یا استادی انتقاد کند او را اخراج یا از خدمت ممنوع و محروم کنیم.

اگر این حالت در کشور و نظام به وجود آمد واجازهٔ انتقاد کردن داده نشد نتیجهٔ طبیعی آن روی کار آمدن افراد متملق و چاپلوس و ضعیف و منزوی شدن افراد قوی و فهمیده و با شعور خواهد بود و به زودی انقلاب از داخل می‌پوسد و منفجر می‌شود. روش ما باید با روش رژیم گذشته تفاوت اصولی و اساسی داشته باشد و بحمدالله دارد. در رژیم گذشته هرگونه انتقادی ممنوع بود و تمام نفسها در سینه خفه شده بود و زبانها را بریده بودند و کسی جرئت گفتن کلمه‌ای نداشت و هر کسی چرب زبان و قدرت تملق و چاپلوسی او بیشتر بود به او مجال رشد و فعالیت داده می‌شد و دیدیم که سرانجام سرنوشت چنین رژیمی به کجا رسید. ولی در نظام جمهوری اسلامی وضع چنین نیست. در این نظام که بر اساس دستورات اسلام و خواستهٔ مردم بنا شده است همان گونه که اسلام فرموده است «المؤمن مرآة المؤمن» باید یك فرد مؤمن و متعهد نسبت به انقلاب و اسلام بتواند صادقانه معایب برادر دینی خودش را به منظور بر طرف کردن آن تذکر دهد و ما هم باید از کسی که دوستانه نقاط ضعف و عیوب ما را تذکر می‌دهد تشکر کنیم نه اینکه او را ملامت و یا محکوم و از صحنه دور نماییم...

این تعبیر مرآت یعنی آیینه که در روایات ما در مورد انتقاد از یکدیگر قرار داده شده است بسیار لطیف و گویا می‌باشد. بر اساس این تعبیر همان گونه که آیینه تمام جهات زیبایی و زشتی و واقعیت افراد را بدون کم و زیاد نشان می‌دهد یك فرد مؤمن هم نسبت به جامعه و افراد مؤمن دیگر که هر کدام طبعاً در جامعهٔ اسلامی مسئولیتی دارند باید همچون آیینه واقعیتها را بازگو کند نه اینکه همه‌اش نقاط ضعف و یا مثلاً نقاط قوت بیان شود. باید واقعیتها گفته شود تا اگر ضعف و عیبی وجود دارد برطرف گردد و در مورد نقاط مثبت و قوت تشویق و تقدیرِ لازم به عمل آید.»[٤]

البته پیش از این هرگاه که دستیاران شیطان خواسته‌اند از سخنان رهبران انقلاب سوءِ استفاده کنند و آن را وسیلهٔ پیشبرد اهداف و برنامه‌های پلید خود قرار دهند، مسئولان دلسوز جامعهٔ اسلامی به خروش آمده، توطئه‌ها را افشا کرده‌اند. نمونه‌ای از این اقدام خداپسندانه را که به وسیلهٔ یکی از رجال سیاسی ـ مذهبی ایران یعنی حجةالاسلام والمسلمین علی اکبر هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی انجام پذیرفته است در اینجا نقل می‌کنم:

«دشمنان ما از تمام وسایل جهت سدکردن راه انقلاب استفاده می‌کنند. شما می‌بینید که دشمنان از طریق شایعه پراکنی، احتکار، ایجاد کردن صف، دلهره ایجاد کردن، و آنان که صاحب قلم و زبان هستند از راه سمپاشیها، و دشمنان خارجی از طریق این جنگ عظیمی که بر ما تحمیل کردند، و تروریستها نیز در جهت از بین بردن امنیت داخلی، سعی در تضعیف نظام جمهوری اسلامی دارند.

٤. *کیهان*، ١٣٦٣/٦/٢٦.

خصوصاً شما باید متوجه شیطنتهای سیاسی اینها باشید. اینکه امام امت در هفتهٔ وحدت برای مردم آن جور دردمندانه صحبت کردند، نشان از تحریکات وسیعی است که امام متوجه آن می‌شوند و برای خنثی کردن این تحریکات این گونه نصیحت فرمودند. مراکز مستکبرین، طرفداران جریانات سوء و سرمایه‌داران به صورتهای مختلف به جان دولت افتاده بودند و به انواع و اقسام حیله می‌خواستند کل نظام را تضعیف کنند. آنها از دولت شروع کرده بودند و امام فهمیدند و این گونه نصیحت فرمودند که همه شنیدید، حالا با این بیانات صریح و روشنِ امام باز هم آن جریانات استکباری دست بردار نیستند و می‌آیند در همین بیانات امام اخلال می‌کنند، اما خیلی روشن فرمودند که کارشکنی نکنند، اخلال نکنند و با دولت همکاری کنید و همه با هم متحد باشید. اینها چیزهای معلومی است و خیلی هم تفسیر و توجیه نمی‌خواهد که امام گفتند مقصودشان چه بود، مقصودشان کی بود. مقصود امام این بود که هر کس بخواهد دولت را تضعیف بکند در هر پست و سمتی هم که باشد کار بدی مرتکب می‌شود. همه باید با هم دوست و رفیق بوده و اختلاف نداشته باشند و در این هفتهٔ وحدت به خاطر این مسئله بود که امام این مطالب را فرمودند. در همین مسائل روشن و صریح، دشمنان ما در خارج که متوجه جریانات داخلی هستند و آن مرکز قدرت را و آن هماهنگ کننده و تعیین کننده را می‌شناسند، می‌خواهند از همین طریق سمپاشی کنند. مثلاً می‌دانند که این ابتکار هفتهٔ وحدت متعلق به آیة‌الله العظمی منتظری است، یعنی ایشان بودند که به مناسبت تولد حضرت رسول ص پیشنهاد کردند که هفتهٔ وحدت درست کنیم، چرا که شیعه در تاریخ خود می‌نویسد که تولد حضرت رسول ص در هفدهم ماه بوده است و اهل سنت بیشترشان می‌گویند در دوازدهم بوده است. ایشان گفتند که مراسم عید را از دوازدهم تا هفدهم برگذار کنید. پایه‌گذار هفتهٔ وحدت آیة‌الله العظمی منتظری بودند و از این ناحیه یك ضربه‌ای به دشمنان که دنبال اختلاف بودند زده شد. حال می‌بینیم که مثلاً استکبار می‌خواهد از شخص آقای منتظری به عنوان پایه‌گذار این وحدت انتقام بگیرد. رادیو اسرائیل و رادیو بی‌بی‌سی و شیطانهای دیگر می‌گویند که آیة‌الله منتظری هم از دولت انتقاد کرده بود، پس نظر امام و حرفهای امام با آقای منتظری هم برخورد داشته، یعنی درست می‌خواهند به جایی که مایهٔ وحدت است صدمه بزنند و عمال داخلی خود و افراد ناآگاه ساده لوح را بفریبند که بگویند نظر امام با آیة‌الله منتظری بود تا از این رهگذر به اختلاف دامن بزنند.

ملت ما همه می‌دانند که آیة‌الله منتظری پرتوان‌ترین بازوی این انقلاب بعد از امام است و به حق ایشان امید ملت ما و نیروهای انقلابی ما و رزمندگان هستند. دشمن هم این را می‌داند و برای اینکه این امید را در دل مردم ضعیف بکند و دل مردم را خالی بکنند این خط را رادیو اسرائیل می‌دهد که شیاطین داخلی چگونه خرابکاری بکنند و به جای اینکه سراغ وحدت و انسجام بروند سراغ این تفرقه‌ها بروند که یکی بگوید منظور امام این بوده و دیگری بگوید این نبوده است. ما می‌دانیم در این انقلاب و در این مملکت هیچ کس نزدیك‌تر از آیة‌الله منتظری به امام نیست و احیاناً اگر امام بخواهند به ایشان حرف بزنند مستقیم می‌زنند و این گونه کلی حرف نمی‌زنند. با وجود اینکه این را مردم می‌دانند اما مستکبرین دست بردار نیستند و مرتب شیطنت خود را می‌کنند تا تفرقه بیندازند و به ایادی داخلی خود خط بدهند. شما باید مواظب اسلام باشید و این نصایح امام و آیة‌الله منتظری و دیگر مسئولین را با جان و دل

بخرید و هر جا بوی تفرقه از کسی شنیدید در دهان او بزنید و باید جلو اینها بایستید و متحد حرکت بکنید تا انشاء الله از این جنگ پیروز در بیاییم و امکاناتی را که صرف جنگ می‌کنیم به داخل کشور برگردانیم.»[۵]

نمونهٔ سوّم. میان سردمداران کفرو حکام جور، بر سر رسیدن به قدرت بیشتر و حاکمیت بر ملتها، اختلافات و منازعات فراوانی ـ که در بسیاری از موارد منجر به شعله‌ور شدن جنگهای خانمانسوز شده است ـ وجود دارد.

قدرتمندان ستمگر و دستگاههای تبلیغاتی آنها، طبق یك برنامه‌ریزی حساب شده تلاش دارند به مردم، خصوصاً به آنها که چشم امیدشان به ایران اسلامی دوخته شده است بباورانند که بین امام امت و آیةالله منتظری اختلاف هست و این اختلاف برسر رسیدن به قدرت است و مذبوحانه و رذیلانه سعی می‌کنند این باور غلط و شیطانی را در اذهان مردم رنجدیده بقبولانند که مثلاً آیةالله منتظری رسیدن به مقام رهبری فعالیت می‌کند. از این رو علیه امام خمینی و مقام معظم آن بزرگوار دست به فعالیت تبلیغاتی زده است. لذا به صورت بسیار ظریف وخائنانه در اخبار و گزارشهای خود روی اختلاف امام و آیةالله منتظری حول محور به اصطلاح قدرت طلبی فقیه عالیقدر و مدرس وارستهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم، تکیه می‌کنند.

رادیو بی‌بی‌سی لندن در اخبار مورخ ۱۳٦٤/٦/۲٦ خود گفته است:

«اخیراً آیةالله خمینی مطبوعات ایران را مورد انتقاد قرار داد و به دنبال آن آیةالله منتظری که انتظار می‌رود جانشین آیةالله خمینی شود به انتقاد از مطبوعات ایران پرداخت. شکایت عمدهٔ دو نفر از عالی مقام‌ترین رهبران ایران از مطبوعات و رادیو تلویزیون این است که آنها در تعریف و تمجید از رهبری کشور زیاده روی می‌کنند...»

با کمی دقت روی این خبر که در ظاهر به نظر درست می‌آید، متوجه می‌شویم که چگونه نیش کینه توزانهٔ دستگاههای تبلیغاتی به کار رفته است.

حضرت امام در دیداری که با ارباب جراید و مسئولان صدا و سیما داشتند با موعظه‌ای خداپسندانه و بیاناتی کم‌نظیر، دستگاههای تبلیغاتی را از انتشار عکس ایشان و نوشتن و گفتن تعارفات غیرمعمول نسبت به معظم‌له منع کردند و این کار به عنوان یکی از عظیم‌ترین امور مربوط به مملکتداری و نمونه‌ای از برخورد یك رهبر امت اسلامی با انگیزه‌های انحرافی حکمرانان، مورد تحسین عموم قرار گرفت.

در همین موقع، آیةالله منتظری در دیدار با عده‌ای از مسئولان مطبوعات کشور، آنان را نصیحت کرد که «همه‌اش از مسئولان اجرایی ننویسید بلکه انتقادهای مردم را هم منعکس سازید.» و از ابتدا تا انتهای سخنرانیشان کلمه‌ای در شکایت از مطبوعات به خاطر تعریف و تمجید از مقام رهبری کشور وجود ندارد.

رادیو بی‌بی‌سی با جمع کردن دو خبر در یك گزارش به شنوندگان خود القا می‌کند که آیةالله منتظری

۵. کیهان، ۱۳٦۲/۹/۳۰.

هم مطبوعات را از پرداختن به شخصیت و مقام والای استاد بزرگوار خود امام خمینی منع کرده است. شاید نویسندهٔ این خبر تحریك‌آمیز ادعا کند که منظور از «رهبری کشور» مسئولان اجرایی مملکت باشد، امّا در فرهنگ سیاسی فعلی ما «رهبر» به مسئولان اجرایی مملکت اطلاق نمی‌شود. از طرفی حضرت امام خمینی رسانه‌های گروهی را از تعریف و تمجید برای ایشان بازداشت نه از تعریف و تمجید دیگران. لذا پخش چنین خبری قطعاً خالی از شیطنت و القای افکار ابلیسی نیست.

روزنامهٔ جنگ چاپ پاکستان، که یك روزنامهٔ امریکایی است در ۲۳ فوریهٔ ۱۹۸۳ (۱۳۶۱/۱۲/٤) به زبان اردو مقاله‌ای علیه آیةالله منتظری به چاپ رساند. نویسنده در ابتدای این مقالهٔ موهن یك سلسله اکاذیب را جمع‌بندی کرده و نوشته است:

«این روزها آیةالله حسینعلی منتظری در قم همه وقت منتظر یك تلفن است و هیچ وقت از کنار تلفن جدا نمی‌شود. حتی در زمان ادای نماز نیز تلفن در کنار او قرار دارد. زیرا وی به وسیلهٔ همین تلفن منتظر اعلام جانشینی خود از طرف آیةالله خمینی است که در سرزمین ایران جانشین روحانیتِ (امام) خمینی شود. این اطلاع ممکن است به زودی توسط تلفن به وی ابلاغ شود....»[٦]

آیا این مزدوران قلم به دست که چنین گستاخانه علیه مردان بزرگ اسلام قلمفرسایی می‌کنند نمی‌دانند که آیةالله منتظری بزرگوارتر از آن است که برای این گونه امور دنیوی وقت بگذارد؟

آیا نویسندهٔ وابستهٔ این مقاله که می‌داند مجلس خبرگان دوم چند نفر عضو دارد و در چه تاریخی تشکیل شده است، و می‌داند که آیةالله منتظری چند سال از امام امت کوچك‌تر است و طرفداران وی از چه تفکری برخوردارند،[۷] نمی‌داند که شیوهٔ انتخاب رهبر در نظام جمهوری اسلامی ایران چیست؟

شك نداریم که این نوکران دلار و بردگان شیطان، معلوماتشان در حدّ دانستن این گونه موارد هست، امّا شیوهٔ پلید تبلیغ علیه دانشمندان محبوب در جوامع اسلامی ایجاب می‌کند که وانمود کنند این بزرگوار برای رسیدن به قدرت روز شماری می‌کند و روز شماری برای کسب قدرت در قاموس سیاسی، یعنی مخالفت و دشمنی با کسی که فعلاً در رأس قدرت است. امّا چه عبث فکر کرده‌اند!

امروز همهٔ ملت ایران و تمامی امت اسلام می‌دانند که رابطهٔ حضرت امام و آیةالله منتظری پاك‌تر از این است که بر سر این جزئیات بی‌ارزش روز بگذرانند و بر عکس علاقهٔ آیةالله منتظری به امام خمینی و اصراری که بر عظمت بخشیدن به مقام معظم‌له دارد، چنان است که هیچ شاهدی برای اثبات آن نیاز ندارد. و به همین جهت ترفند دشمنان اسلام، در ایران و سایر مناطق به پا خاستهٔ علیه ظلم، مؤثر نخواهد افتاد.

نشریهٔ *کریستیان ساینس مانیتور*، به نقل از *میدل ایست*، مقاله‌ای برای معرفی آیةالله العظمی منتظری نوشته است ـ تحت عنوان «منتظری جانشین احتمالی خمینی» ـ که در آن از سابقهٔ مبارزات آیةالله منتظری و رابطهٔ ایشان با امام سخن گفته است.

٦. نقل از نشریهٔ واحد مرکزی خبر صدا و سیما.

۷. این گونه اطلاعات و بیشتر از آن را در مقاله منعکس کرده بود.

نویسندهٔ مقاله نیز سعی کرده ضربهٔ خود را وارد سازد. در قسمتی از این مقاله آمده است که «پاره‌ای از مخالفان رژیم می‌گویند که منتظری تهدیدی برای قدرت خمینی است....» و چند سطر پس از آن می‌نویسد: «سخنان منتظری هر روزه منطقی‌تر و صریح‌تر از سایر ملاهای انقلابی می‌نماید. او همچنین به تدریج بیشتر به مسائل جاری می‌پردازد، حال آنکه خمینی کوشش می‌کند توجه خویش را بیش از پیش معطوف مسائل مذهبی و معنوی نماید....»

همگان می‌دانند که امام امت و فقیه عالیقدر هر دو، هم به مسائل جاری می‌پردازند و هم به مسائل مذهبی و معنوی. اما این نوکران شیطان می‌خواهند القا کنند که بین امام امت و همرزم حضرتش حتی در برخورد با مسائل اختلاف وجود دارد.

قبل از اینکه به نقل نقطه نظرات آیةالله منتظری در خصوص شخصیت حضرت امام خمینی و میزان علاقهٔ وی به معظم‌له بپردازم، به منظور روشن شدن اذهان ناآگاهان و کوبیدن مشت بر دهان یاوه‌گویان رسوا، قسمتی از نامهٔ فقیه عالیقدر را به ریاست مجلس خبرگان دوم پیرامون بحثهایی که در زمینهٔ تعیین رهبر آیندهٔ انقلاب انجام می‌شده می‌آورم تا میزان رسوایی و دستپاچگی دشمنان اسلام و مسلمانان مشخص گردد.

ایشان در قسمتی از نامهٔ خود خطاب به حضرت آیةالله مشکینی ریاست مجلس خبرگان مرقوم داشته است:

«... تذکراً عرض می‌کنم که در شرایطی که بحمدالله و منته رهبر بزرگ اسلام و انقلاب حضرت امام خمینی مدظله العالی با برخورداری کامل از نعمت صحت و سلامت و توفیقات الهی در رهبری انقلاب و کشور موفق و مشمول الطاف خاصهٔ خدای منان و دعای خیر حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه می‌باشند و با وجود شریف حضرات علمای اعلام و مراجع تقلید دامت برکاتهم در چنین شرایطی مطرح نمودن شخص مخلص، شایسته و صلاح نبوده است....»[۸]

علاقهٔ آیةالله منتظری به امام امت

از آنجا که دشمنان انقلاب اسلامی سعی جدی دارند که با انتشار کتاب و مقاله درآینده، تاریخ انقلاب اسلامی را مخدوش سازند، لازم است برای جلوگیری از این حیلهٔ دشمن و برای آگاهی نسلهای آینده، گزیده‌ای از بیانات آیةالله منتظری در مورد امام خمینی و لزوم پیروی از حضرتش را در این نوشته منعکس کنیم.

۱. فقیه عالیقدر در تاریخ ۱۳۵۸/۱۲/۲۰ در پیامی به سمینار هفتهٔ پزشکی در مورد شخصیت حضرت امام خمینی فرمود: «ملت رشید ایران به رهبری زعیم بزرگ حضرت آیةالله العظمی امام خمینی مدظله، این امانت بزرگ خدا در زمین، این حلقوم همیشه رزمنده و فریادگر اسلام، رسالت تداوم پیروزی انقلاب را با تمام وجود خویش دنبال می‌کند و بر عموم مسلمین واجب است راه پرافتخار این زعیم

۸. تاریخ نامه، ۱۳٦٤/٦/۳۰ است ــ که انشاءالله در فرصت مناسب همراه با موضوعات مرتبط با آن منتشر خواهیم کرد.

عالیقدر اسلام را تعقیب نمایند.»

۲. ایشان در دیدار با علمای افغانی فرمود: «امروز بهترین و قوی‌ترین محور دینی والهی که می‌تواند قلبها را بسیج نماید رهبری مقام معظم رهبر انقلاب حضرت امام خمینی مدظله العالی است که در پرتو آن تمام تفرقه‌ها و اختلاف کلمه‌ها به وحدت کلمه در راه حمایت از اسلام و *قرآن* مبدل خواهد شد.»[۹]

۳. حضرت آیةالله منتظری به دفعات مختلف و با بیانات متفاوت در مواعظ و سخنرانیهایشان، تمام امت اسلامی را به پیروی بی‌چون و چرا از مقام معظم رهبری انقلاب حضرت امام خمینی مدظله دعوت کرده است و معظم‌له را به عنوان رهبر جهان اسلام و محور ارزشمند وحدت مسلمانان می‌دانند.

اعلام پشتیبانیهای فقیه عالیقدر از حضرت امام خمینی در این هفت سال پس از پیروزی انقلاب، فراوان وجود دارد ــ که این نوشتار را به نقل تعدادی از آنها ادامه می‌دهم:

روز جمعه ششم تیر و شنبه هفتم تیر ۱۳۵۹ (پانزدهم شعبان ۱۴۰۰ هـ ق) حضرت امام خمینی در جمع عدهٔ کثیری از مردم که به دیدارشان رفته بودند، سخنان مفصل و مهمی در رابطه با سازمان مجاهدین خلق (منافقین)، همچنین وضع نابه سامان ادارات، ایراد فرمودند. در این دو سخنرانی، حضرت امام، سازمان به اصطلاح مجاهدین خلق را منحرف و غیر اسلامی معرفی کردند و نیز ادارات را اداراتی طاغوتی قلمداد نمودند.

آیةالله منتظری برای حمایت از طرح این دو مسئلهٔ مهم در عرصهٔ سیاست داخلی ایران، طی یك پیام، مردم را به منظور پشتیبانی از حضرت امام خمینی دعوت به یك راهپیمایی کرد. متن آن پیام به این شرح است:

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. بار دیگر انقلاب اسلامی ما موجی تازه برداشت و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران حضرت آیةالله العظمی امام خمینی مدظله ، این خدمتگزار راستین مستضعفین،آغازگر حرکتی نوین و به اصطلاح انقلاب در انقلاب گردید. امت مسلمان و به پا خاستهٔ ایران با دادن بیش از شصت هزار شهید و یکصدهزار معلول و پس از گذشتن حدود یك سال و نیم از انقلاب خود هنوز شاهد ریشه‌ها و نمودهای رژیم شاهنشاهی، آنچنان که گویی در این کشور انقلابی رخ نداده و نامی از اسلام مطرح نبوده است، می‌باشد. فساد و فحشا نه در کوچه و خیابان که در متن وزارتخانه‌ها و ادارات دولت جمهوری اسلامی ایران با وقیحانه‌ترین شکل خود هنوز باقی است. زنان و مردانی بی‌خبر از تلخکامیهای مردم محروم این سرزمین و بی‌تفاوت در برابر اسلام و انقلاب به بی‌بند و باری خود و عدم رعایت ضوابط اسلامی پافشاری دارند. مهره‌های سیا و ساواك و وابسته‌های بیگانگان شرقی و غربی خود به توطئه و تحریك علیه ملت مسلمان و مظلوم ایران مشغولند، گروهها با اسمها و شعارهای گوناگون و حتی زیرپوشش اسلام و خلق رویاروی امام و امت ایستاده و به کارشکنی و سنگ‌اندازی در راه استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران اصرار دارند و در این میان تودهٔ مسلمان و معتقد به خدا و شهید پرور ایران از خود می‌پرسند مگر در این کشور خبری نیست؟ مگر انقلاب نشده است؟ مگر این

۹. روزنامهٔ *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/۳/۱.

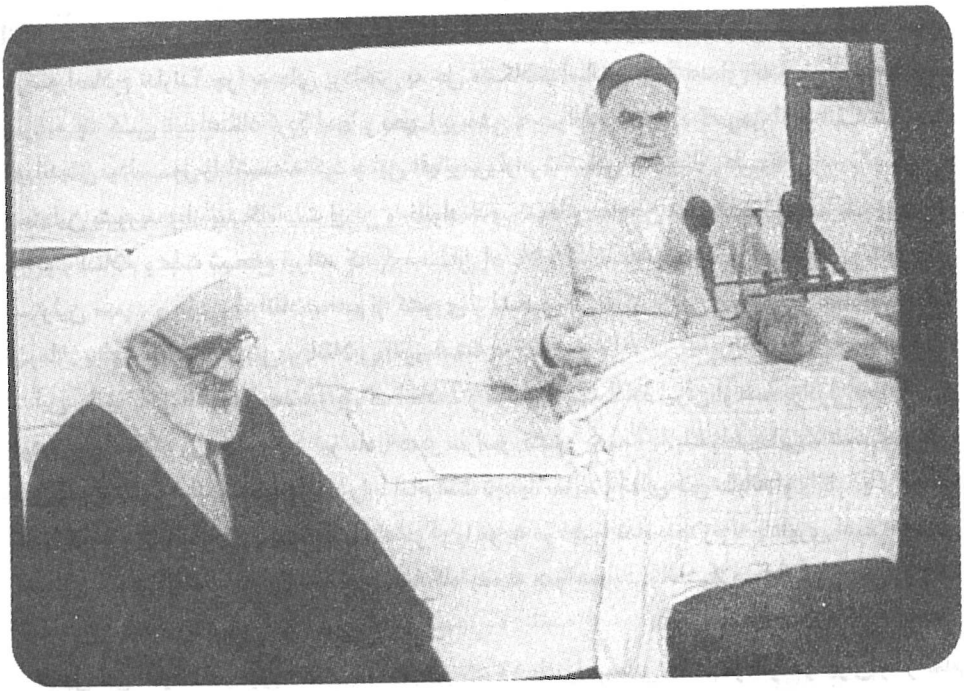

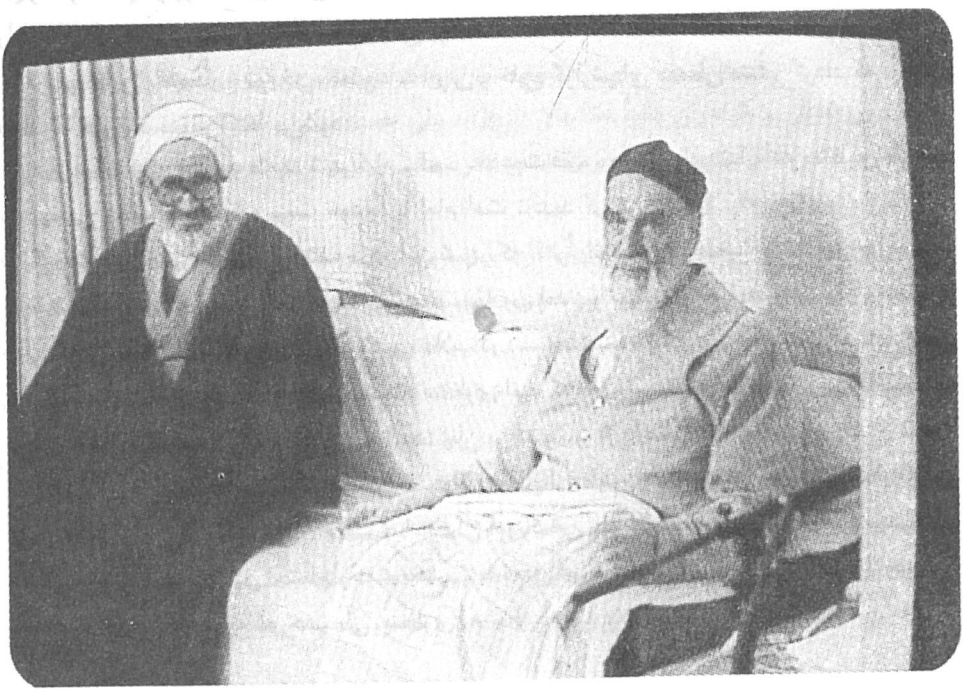

آیةالله العظمی منتظری در کنار رهبر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی

انقلاب، اسلامی نبوده است؟ چرا طاغوتیان هنوز برسر کارند؟ چرا وزرا و مسئولین متعهد و با احساس عرضهٔ اصلاح ندارند؟ چرا به جای پرداختن به حل مشکلات اساسی مردم عده‌ای به جان هم افتاده‌اند؟ پس به چه کسی باید اعتماد کرد؟ اینها و دهها پرسش و چرای دیگر بود که رهبر کبیر انقلاب و امام دوراندیش ودلسوز را آشفته کرد و این اقیانوس آرام شکیبایی را آنچنان طوفانی ساخت که بر مسئولین بشورید و از پیشگاه ملت ایران و خانواده‌های شهدا و معلولین معذرت خواست. اینك پیشوای بزرگوار اسلام و ملت شجاع ایرانند که پا به میدان اصلاح گذاشته‌اند و اکنون بهترین فرصت برای مسئولین متعهد و مؤمن به انقلاب اعم از کشوری و لشکری است که از این همگامی و هماهنگی ملت قهرمان برای اصلاح ضربتی و انقلابی امور استفاده کنند.

این جانب با درود فروان به رهبر بزرگ انقلاب و مردم همیشه آمادهٔ ایران از همهٔ برادران و خواهران خود می‌خواهم که روز جمعه ۱۳ تیر ماه ۵۹ در سراسر کشور دست به یك راهپیمایی با شکوه بزنند و بدین وسیله بیعت شکست ناپذیر خود را با امام امت تجدید نمایند و ندای حق طلبانهٔ او را بار دیگر پاسخ مثبت گویند و از مسئولین بخواهند که اوامر او را مو به مو اجرا نمایند. لازم به یادآوری است که این راهپیمایی پیش از نماز جمعه و به مقصد میعادگاه جمعه خواهد بود. والسلام علیکم و علی عبادالله الصالحین. ۱۱ تیرماه ۵۹. حسینعلی منتظری.»

در پی این دعوت عام، روز جمعه سیزدهم تیر ۱۳۵۹ یك راهپیمایی عظیم در سراسر ایران و در تمام شهرها و بخشها و روستاهای ایران انجام گرفت و خبرگزاریها گزارش دادند یکی از بزرگ‌ترین راهپیماییهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بود.

در مورد این راهپیمایی تاریخی، مطبوعات ایران و خارج گزارشهای مفصلی منتشر کردند که در اینجا فقط به نقل یك نمونه اکتفا می‌شود:

«بار دیگر مردم مبارز و متعهد شهر قیام ـ قم ـ به دعوت فقیه مجاهد حضرت آیةالله منتظری طی یك راهپیمایی عظیم و پرشکوه بیعت خود را با امام امت تجدید کردند.

گروههای زیادی از اقشار مختلف مردم این شهر که اکثراً بانوان، این جمعیت را تشکیل می‌دادند از نقاط مختلف شهر به میدان آستانهٔ حضرت معصومه س آمدند و سپس در صفوف فشرده و منظم در حالی که پلاکاردها و تمثالهایی از رهبر کبیر انقلاب در دست داشتند با شعارهایی چون: منافق،این آخرین پیام است؛ مسلمان مبارز، آمادهٔ قیام است؛ منتظری امید کشور ماست، پیام او پیام رهبر ماست؛ به فرمان خمینی، تصفیهٔ ادارات، اجرا باید گردد؛ زنان بی‌بند و بار، از داخل ادارات، اخراج باید گردند؛ تا خون در رگ ماست، حجاب سنگر ماست؛ ما جوانان وطن آزاده‌ایم، دست بیعت با خمینی داده‌ایم؛ پس از طی چند خیابان از مقابل محل اقامت جاسوسان امریکایی عبور کردند و سپس به سوی میعادگاه هفتگی خودنماز جمعه ـ این اجتماع وحدت بخش ـ به محل دبیرستان حکیم نظامی رفتند تا نماز جمعه را به امامت فقیه مجاهد آیةالله حسینعلی منتظری به جای آورند.»[۱۰]

۱۰. *جمهوری اسلامی*، ۱۳۵۹/٤/۱٤.

٤. گروه کثیری از روحانیون و علمای شیراز، باختران و منطقهٔ شرق تهران در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند.

در این دیدار ایشان ضمن بیان مطالب مشروحی پیرامون مسائل مختلف انقلاب اسلامی فرمود: «انقلاب اسلامی در ایران در پرتو نقش عظیم روحانیت که در شخص امام خمینی مدظله العالی متبلور بود به پیروزی رسید و تداوم و حفظ این انقلاب از بدست آوردن آن مهم‌تر و مشکل‌تر است و به همین دلیل باید روحانیت متعهد ما که پرچمدار این انقلاب بوده و هست حضور خود را در تمام مراحل آن حفظ کند و مردم را همچنان یك صدا و در یك صف در صحنه نگه‌دارد.»[۱۱]

۵. ائمهٔ جمعهٔ استان تهران به اتفاق امام جمعه و استاندار سمنان و مسئولان ارگانهای انقلاب اسلامی و نهادهای دولتی این استان در قم با فقیه عالیقدر دیدار و گفت و گو کردند. در این دیدار ایشان ضمن بر شمردن ویژگیهای زندگانی امام علی ع و شرح وظایف ائمهٔ جمعه فرمود: «ائمهٔ معظم جمعه اگر نسبت به موضوعات سیاسی و اقتصادی کشور پیشنهادات و یا انتقاداتی داشتند و احساس کردند که باید به عرض حضرت امام برسد خوب است به جای اینکه مطالب را مکرراً به من بگویند، کتباً نظریات و انتقادات سازندهٔ خود را در مسائل لازم کشور به شکل مستدل و حساب شده با امضاهای متعدد به معظم‌له بنویسند و از ایشان بخواهند به مسائل مورد نظرشان توجه فرمایند و این شیوه قطعاً مؤثر است.»[۱۲]

در این سخن بی پیرایه و متعهدانه، آیةالله منتظری همه را به حرکت حول محور حضرت امام خمینی دعوت می‌کند.

٦. در آغاز هفتهٔ وحدت و به مناسبت روز وحدت روحانی و دانشجو گروهی از طلاب و روحانیون آذربایجان شرقی و خَواهران طلبهٔ مکتبهای الزهراء، ولی عصر و کوثر تهران، اصفهان و کاشان به همراه مسئولان این مکتبها و همچنین اعضای دفتر تحکیم وحدت و ستاد دههٔ فجر با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند.

در این دیدار ایشان ضمن سخنان ارزنده‌ای، با اشاره به رشد و آگاهی مذهبی و سیاسی که در مردم به خاطر رهبریهای صحیح حضرت امام به وجود آمده است اظهار داشتند: «امروز ملت با آنهمه گرفتاری و مشکلات که از طرف ابرقدرتها و عوامل آنها در منطقه برایش پیدا شده به آن کار بزرگی که کرده آگاهی کامل دارد و رشد سیاسی پیدا کرده و با کمال فداکاری و استقامت ایستاده و بحمدالله روز به روز محکم‌تر می‌شود و سختیهای ناشی از جنگ تحمیلی و تحریم اقتصادی ابر قدرتها و عوارض طبیعی انقلاب را برای خدا تحمل می‌کند و برای حل مشکلات خود با دولت و تمام مسئولین امور همکاری و تشریك مساعی می‌نمایند و به نظر من تمام این مسائل،رشد و آگاهی سیاسی است که در پرتو رهبریهای صحیح و قاطع مقام معظم رهبری انقلاب به دست آمده است.

امروز ملت ما مسائل را خوب می‌فهمد و القائات و تحریکات رادیوهای بیگانه و عوامل داخلی و

۱۱. *کیهان*، ۱۳٦۲/۳/۲۲. ۱۲. *کیهان*، ۱۳٦۲/۹/۱۲.

خطوط انحرافی را تشخیص می‌دهد. دشمنان خارجی ما خیال می‌کنند می‌توانند با بزرگ جلوه دادن کمبودها و مشکلات ناشی از جنگ و تحریم اقتصادی در رادیوهای خودشان ملت را از راهی که به پیروی از رهبر خود انتخاب کرده سست و یا منصرف سازند و آنچه بیش از هر چیز مهم است نقش تعیین کنندهٔ رهبر انقلاب در مقاطع مهم انقلاب می‌باشد. همهٔ شما به یاد دارید اگر آن تصمیم انقلابی و قاطع ایشان در روزهای آخر عمر رژیم گذشته نبود که امر کردند مردم به حکومت نظامی اعتنا نکنند و به خیابانها بریزند و اگر آن توطئهٔ حکومت نظامی بختیار عملی شده بود، امروز از اسلام و انقلاب در این کشور خبری نبود.»[۱۳]

۷. حضرت امام خمینی در آذرماه ۱۳۶۲ برای عده‌ای از مسئولان کشور که به دیدارشان رفته بودند سخنان مهمی در خصوص حمایت از دولتمردان ایراد فرمودند. پس از آن فقیه عالیقدر نیز در همین رابطه اظهارات ارزنده‌ای بیان داشت.

در پی آن رهنمودها و این اظهارات، شخصیتها، انجمنهای اسلامی و گروههای مختلف مردمی با ارسال تلگرام و نامه، نقطه نظرات امام امت و فقیه عالیقدر را ستودند. در پاسخ به تلگرامها و نامه‌های پشتیبانی از سخنان امام خمینی، جوابیه‌ای از طرف آیةالله منتظری انتشار یافت که متن آن به شرح زیر است:

«بسمه تعالی. حضور محترم آیات و حجج اسلام، ائمهٔ محترم جمعه و جماعات و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و جوامع روحانیون مبارز شهرستانها و مسئولین بسیاری از ارگانها و نهادها ایدهم الله تعالی، ضمن تشکر از ارسال تلگرامها و نامه‌های آقایان محترم در مورد پشتیبانی از رهنمودهای اخیر مقام معظم رهبری انقلاب مدظله و تذکرات اخیر برادرانهٔ این جانب یادآور می‌شوم در شرایط فعلی انقلاب که دشمنان شکست خوردهٔ اسلام و عوامل داخلی آنها تلاش وسیعی را شروع نموده‌اند، وظیفهٔ همهٔ افراد و طبقات است که با اتکا به محورهای اصولی و مورد اتفاق همه کاری نکنند که خدای ناکرده موجبات رضایت و شادی دشمنان فراهم گردد و اگر احیاناً اختلاف نظر در پاره‌ای از مسائل جزئی و غیراصولی وجود دارد با همان شیوهٔ اسلامی مورد نظر *قرآن* و عترت آنها را مطرح و حل کنند. آقایان کاملاً توجه دارند دشمنان اسلام و انقلاب پس از شکست و به بن بست رسیدن توطئه‌های نظامی و اقتصادی و تبلیغیشان علیه جمهوری اسلامی ایران به فکر جدید افتاده‌اند و می‌کوشند با القائات مختلف توسط رادیوها و عوامل خودشان زمینهٔ بدبینی را بین ملت و دولت به وجود آورند و هر روز جناحی را علیه جناح دیگر حساس و تحریك می‌کنند تا بتوانند وحدت کلمه و تفاهم موجود را خدشه‌دار سازند و تعدادی از نیروهای متدین و انقلابی را به بهانهٔ اینکه این خط چیست و آن خط فلان از صحنه دورنمایند تا انقلاب از داخل رو به پوچی و پوسیدگی برود و اگر امروز که در آستانهٔ انتخابات مجلس شورای اسلامی هستیم به این خطر توجه نشود و رهنمودهای به موقع حضرت امام مدظله عملی نگردد، ممکن است خدای ناکرده در موقع انتخابات توطئهٔ جدا نمودن نیروهای اصیل و در خط اسلام و انقلاب

۱۳. *کیهان*، ۱۳۶۲/۹/۲۹.

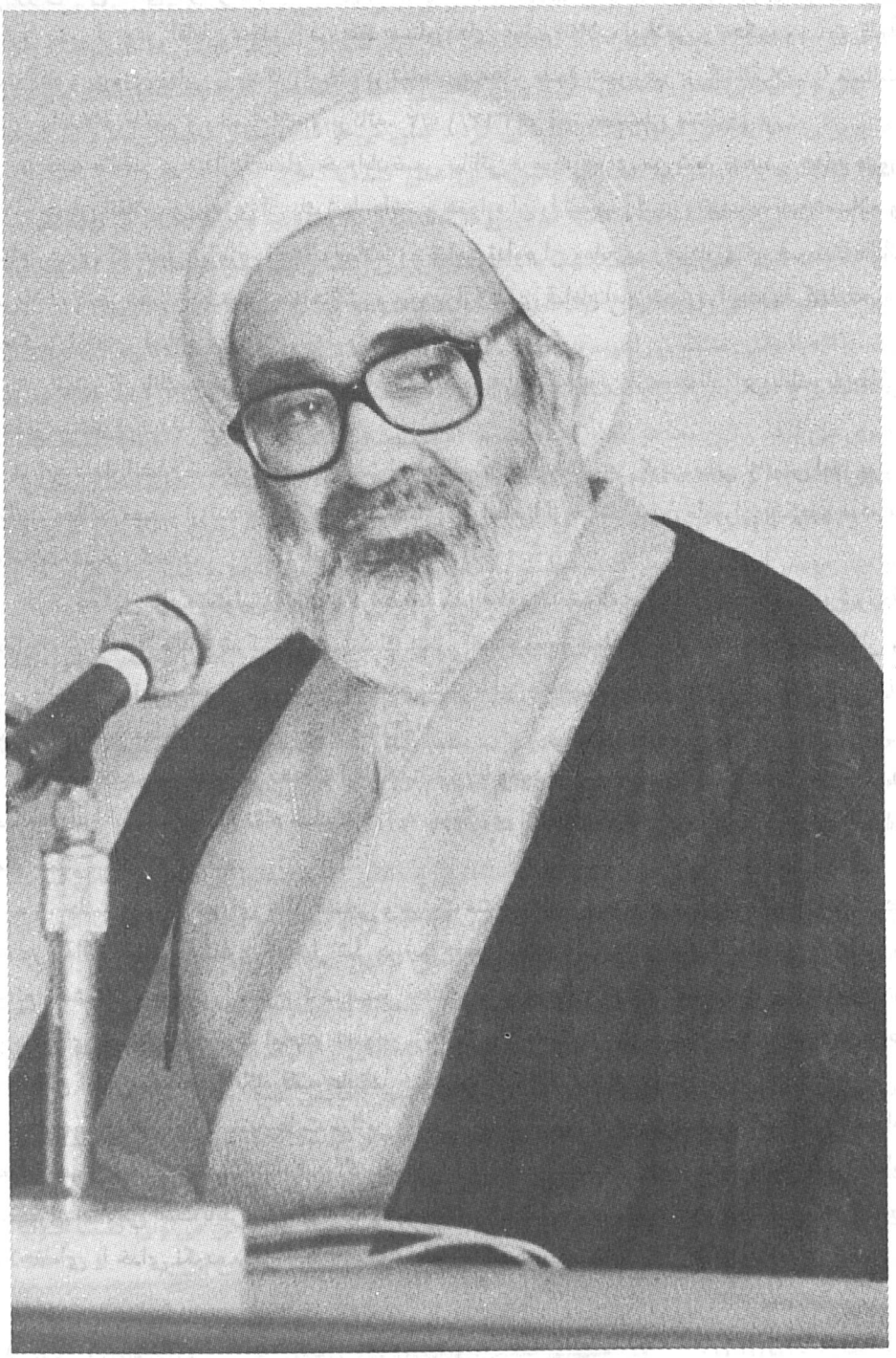

و انزوای آنان عملی شود و ضربهٔ محکمی به کیان نظام جمهوری اسلامی وارد آید. از خداوند متعال توفیق بیش از پیش آقایان معظم را در حفظ دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی و تحکیم وحدت کلمهٔ ملت آگاه و پیروزی نهایی رزمندگان اسلام در تمام جبهه‌ها و طول عمر رهبر بزرگ انقلاب را مسئلت دارم. والسلام علکیم و رحمة الله و برکاته. ۱۳۶۲/۱۰/۲. قم. حسینعلی منتظری.»

۸. فقیه عالیقدر در دیدار با علمای خرم‌آباد ضمن بیاناتی فرمود: «برای من شعار ندهید و همان طور که در جریان انقلاب و پیروزی آن یك شعار داشتیم همواره آن را تعقیب [کنید] و تنها به نفع اسلام و مقام رهبری که عامل پیروزی انقلاب اسلامی و ضامن تداوم آن ومانع بهره‌برداریهای فرصت طلبانه می‌باشد، شعار دهید. وحدت و هماهنگی و پیروی از رهبری قاطع امام خمینی را حفظ کنید که رمز تحکیم پایه‌های اسلام و پیروزی مداوم ماست.»[۱۴]

۹. رئیس کل بانك مرکزی جمهوری اسلامی ایران، به اتفاق چند تن از معاونان این بانك، با آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند.

در این دیدار ایشان ضمن بر شمردن مسئولیت خطیر بانکها در شرعی کردن بیش از پیش امور پولی بانکها، مطالب مفید و ارزنده‌ای بیان داشتند. ایشان در رابطه با لزوم آشنا شدن مأموران بانکها و مردم با معاملات شرعی گفت:

«در درجهٔ اول باید مسئولین بانکها با مراجعه به رسالهٔ فقهی حضرت امام دقت کنند و حدود و شرایط مضاربه، مزارعه، جعاله و شرکت را خوب درك کنند و ائمهٔ جمعه و جماعات و گویندگان و نویسندگان و حتی رادیو و تلویزیون هم ترتیبی بدهند که مردم بیشتر با این مفاهیم و معاملات اسلامی آشنا شوند تا بتوانند با بانکها معاملات مشروع انجام دهند.»[۱۵]

این بیانات مهم نیز نشان می‌دهد که آیةالله منتظری با وجود اینکه خود مجتهد و صاحب فتوی و رسالهٔ عملیه است با تواضع تمام مسئولان را به بهره‌گیری از نظرات و فتاوای رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی، هدایت می‌کند.

۱۰. جلسهٔ مشترك شورای عالی قضایی و هیئت منتخب امام برای رسیدگی به وضع زندانیان در حضور آیةالله العظمی منتظری تشکیل شد. در این جلسه ابتدا هیئت منتخب امام گزارشی از کار خود و موانع و مشکلات موجود را مطرح کرد. سپس اعضای شورای عالی قضایی تصمیمات جدید شورا در مورد اجرای دستورات حضرت امام در خصوص زندانیان و قاطعیت در برابر مشکلات و موانع را مشروحاً به اطلاع ایشان رساندند. آنگاه فقیه عالیقدر ضمن بیان مطالب سازنده‌ای فرمود:

«آنچه برای من اصل است رعایت موازین شرعی و حفظ آبروی اسلام و جمهوری اسلامی و مقام معظم رهبری انقلاب است. بنابراین اگر چیزی را تشخیص دادند که به مصلحت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی است باید همان گونه که رهبر انقلاب با قاطعیت دستو رداده‌اند انجام شود و هیچ ملاحظه‌ای یا خدای نکرده سهل انگاری و یا مسامحه نباید در بین باشد. ایشان تأکید کردند هیچ کس و

۱۴. جراید، ۱۳۵۹/۱۰/۱. ۱۵. *کیهان*، ۱۳۶۲/۱۲/۶.

هیچ مقامی نباید و نمی‌تواند در برابر تصمیمات شورای عالی قضایی و هیئت منتخب امام مسامحه و کارشکنی و اخلال نماید و شورا باید قاطعانه فرمان امام مدظله را در هر موردی به خصوص در مورد زندانیان و رسیدگی به پرونده‌های آنان و وضع داخلی زندانها و تشخیص افراد مستحق عفو و آزادی و اقدام برای عفو به اجرا درآورد و اگر احساس کردند کسی می‌خواهد در مقابل دستور امام و تصمیمات شورا تخلف و یا کارشکنی کند برابر قانون با آن عمل کنند.»[۱۶]

۱۱. گروهی از طلاب حوزهٔ علمیهٔ قم دیروز در حمایت از ولایت فقیه و مخالفت با هرگونه تضعیف این مقام در شهر خون و قیام قم دست به یك راهپیمهایی زدند. راهپیمایان در حالی که تصویر رهبر کبیر انقلاب اسلامی را پیشاپیش خود حمل می‌کردند از مدرسهٔ فیضیه جایگاه علم و شهادت به سوی بیت آیةالله العظمی منتظری راهپیمایی کردند. ایشان ضمن تشکر از آنها، از جمله فرمودند «ضمن اینکه تقدیر و تشکر می‌کنم از احساسات پاك شما که در مقاطع حساس اظهار وفاداری به مقام معظم رهبری می‌کنید. و این معنا در اذهان همهٔ شما جا افتاده است که آبروی انقلاب و نظام،حفظ مقام رهبری است و اگر چنانچه مقام رهبری تضعیف شود در حقیقت اسلام و انقلاب تضعیف شده است.»[۱۷]

۱۲. فقیه عالیقدر طی سخنانی برای اقشار مختلف مردم فرمود: «مقام رهبری امام الآن برای ما از هر چیز مهم‌تر است. باید سعی کنیم عظمت مقام رهبری را حفظ کنیم. آنچه به ایمان ما و ایران ما آبرو داده است، رهبری امام است.»[۱۸]

جز آنچه از بیانات فقیه عالیقدر درمورد مقام شامخ‌رهبری انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی مدظله العالی، پس از پیروزی انقلاب و در دیدار با اقشار مختلف مردم به اختصار نقل شد، ایشان قبل از پیروزی انقلاب و خصوصاً در سیاهچالهای رژیم منفور پهلوی، به دفعات از مقام معظم حضرت امام خمینی دفاع نموده و با تجلیل و احترام از معظم‌له یاد کرده است که گوشه‌ای از آن را در کتاب اول فقیه *عالیقدر* و نیز در بخش اول این کتاب نقل کرده‌ام.

چند گزارشی که از میان دیدارهای آیةالله منتظری به منظور اثبات ادعا برگزیده‌ام، در مقابل سخنان فراوانی که ایشان دربارهٔ شخصیت آیةالله العظمی امام خمینی از بیست و پنج سال پیش تا کنون بیان داشته‌اند بسیار اندك است و امید می‌رود خداوند متعال توفیق دهد تمامی آن را یك جا گردآورم.

امّا سوای اظهار نظر در مورد شخصیت امام، ایشان همواره به دیدار آن حضرت می‌رود و در خصوص مسائل مملکت به بحث و گفت و گو می‌نشینند. این نیز نشانه‌ای از ارتباط بسیار نزدیك و مملو از تفاهم این دو بزرگوار است. گزارش این دیدارها در جراید کشور منعکس شده است.

از طرف دیگر مسئولیتهای مهمی که بعضاً حضرت امام بر عهدهٔ آیةالله منتظری می‌گذارند، نشان دهندهٔ این است که در رابطهٔ این دو بزرگوار هیچ گونه ناهماهنگی و اختلافی وجود ندارد.

یکی از موضوعات بسیار مهم د رحاکمیت نظام جمهوری اسلامی، که به حق می‌توان گفت خوب و بد آن نمودی از خوب و بد نظام اسلامی است، قضا و نظام قضایی مملکت است.

۱۶. کیهان، ۱۳۶۳/٤/۲٤. ۱۷. *جمهوری اسلامی*، ۱۳٦٤/۷/۲٤. ۱۸. جراید ، ۱۳٦٥/۸/۱٤.

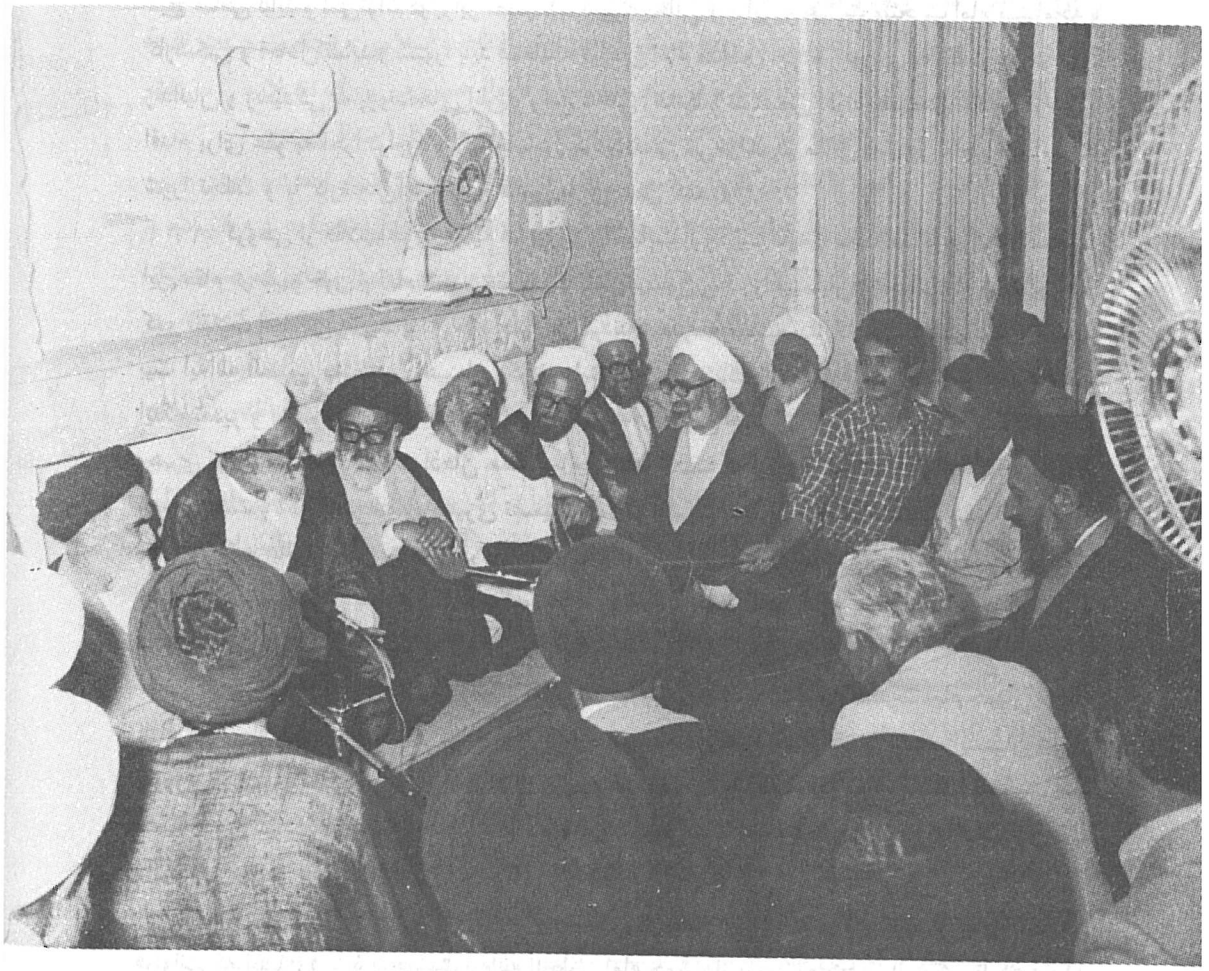

اعضای مجلس خبرگان اول، به ریاست آیةالله منتظری، در حضور امام خمینی

در حرکت این نظام ــ که اصطلاحاً قوهٔ قضائیه گفته می‌شود ــ دو عنصر نقش حساس و با ارزشی را ایفا می‌کنند: یکی عنصر قانون و دیگر عنصر قاضی.

قوانین قضا در جمهوری اسلامی باید برگرفته از قوانین قرآنی و فرمایشات و سیرهٔ پیامبر گرامی ص و ائمهٔ هدی ع باشد که تدوین آن بر عهدهٔ مجلس شورای اسلامی است.

امّا قاضی و انتخاب آن برای کرسی قضاوت، از مسائل بسیار پیچیده و مشکلی است که هر کسی را یارای انجام دادن آن نیست؛ چرا که قاضی علاوه بر عالم بودن به احکام و قوانین قضایی اسلام، لازم است «عادل» باشد و عدالت که تحت شرایط خاصی در افراد بروز می‌کند ــ شرایطی که عمدتاً غیر ظاهری است ــ قابل تشخیص برای هر کس نیست.

اعضای شورای عالی قضایی که در نظام جمهوری اسلامی مسئولیت چنین گزینشی را عهده دارند، خود باید دارای بهترین صلاحیت برای احراز این سمت باشند.

انتخاب قاضی برای همه کس مقدور نیست و به طریق اولی تشخیص صلاحیت اعضای شورای عالی قضایی از آن مشکل‌تر. از این رو در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شورای عالی قضایی برعهدهٔ رهبر جامعهٔ اسلامی که ولی فقیه مؤمنان باشد نهاده شده است.

در زمان حاضر این مسئولیت سنگین و مهم بر عهدهٔ حضرت امام خمینی رهبر کبیر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی است و معظم‌له به دلیل شایستگی و لیاقتی که در وجود آیةالله منتظری می‌بینند و اعتمادی که به ایشان دارند، این مسئولیت، یعنی تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شورای عالی قضایی را به وی تفویض کرده‌اند.

چنین امر خطیری علاوه بر اینکه می‌تواند مقام ارزنده و لیاقت اسلامی آیةالله منتظری را بیش از پیش به جهان اسلام معرفی کند، نشانه‌ای از همبستگی جاویدان فقیه عالیقدر و امام امت است.

به دو نمونه از گزارشهای مربوط به واگذاریِ مسئولیتِ تشخیصِ صلاحیتِ کاندیداهای عضویت در شورای عالی قضایی از طرف امام امت به فقیه عالیقدر توجه فرمایید:

نمونهٔ اوّل. هیئت نظارت بر انتخابات تکمیلی شورای عالی قضایی در نامه‌ای به حضور امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران برای تکمیل اعضای این شورا از محضر امام امت کسب تکلیف کرد. متن نامه بدین شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحیم. محضر مبارك امام امت حضرت آیةالله العظمی امام خمینی دامت ظله العالی، به دنبال شهادت دو تن از اعضای شورای عالی قضایی و لزوم برگذاری انتخابات جهت تکمیل شورای مزبور، طبق بند ۳ مادهٔ ۳ لایحهٔ قانونیِ راجع به انتخاباتِ سه نفر از قضات کشور برای عضویت در شورای عالی قضایی، به پیوست اسامی قضاتی که خود داوطلب شده و یا دیگران آنها را برای عضویت در شورای عالی قضایی معرفی نموده‌اند جهت بررسی و تأیید صلاحیت از نظر دارا بودن شرط عدالت و اجتهاد تقدیم می‌گردد. هیئت نظارت بر انتخابات تکمیلی شورای عالی قضایی.»

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران در نامه‌ای از آیةالله منتظری خواستند

برای احراز صلاحیت افرادی که برای عضویت در شورای عالی قضایی پیشنهاد شده‌اند اقدام شود. متن نامهٔ امام خمینی چنین است:

«بسمه تعالی. خدمت جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ حسینعلی منتظری دامت افاضاته. در احراز صلاحیت افرادی که برای عضویت در شورای عالی قضایی پیشنهاد شده‌اند به هر نحو صلاح می‌دانید اقدام نمایید. سوم مهرماه ۱۳٦۰. روح‌الله‌الموسوی الخمینی.»

پس از دریافت دستور حضرت امام خمینی، به توصیهٔ حضرت آیةالله منتظری، جلسه‌ای برای معارفه و شناخت بیشتر با حضور چند نفر از اساتید و مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم در مدرسهٔ فیضیه تشکیل شد.

در جلسهٔ مذکور، پس از بررسیهای همه جانبه، صلاحیت تعدادی از مدعوین تأیید شد که فهرست اسامی‌شان به ضمیمهٔ نامهٔ زیر برای رهبر انقلاب ارسال گشت، متن آن نامه چنین است:

«بسمه تعالی، محضر مبارك رهبر بزرگ انقلاب آیةالله العظمی امام خمینی مدظله العالی، پس از سلام پیرو محول نمودن حضرت عالی موضوع احراز صلاحیت کاندیداهای عضویت در شورای عالی قضایی را به این جانب پس از تشکیل جلسه جهت معارفهٔ کاندیداها و بررسیهای لازم که به کمك چند نفر از اساتید و مدرسین محترم حوزهٔ علمیهٔ قم انجام شد ضمن تأیید تعهد اسلامی و مراتب فضل قضات محترم کاندیدا شده صلاحیت آقایان محترمی که د رنامهٔ ضمیمه نام برده شده برای عضویت در شورای عالی قضایی محرز می‌باشد. ادام‌الله ظلکم علی رئوس المسلمین. ۱۳٦۰/۷/۱۱. حسینعلی منتظری.»

نمونهٔ دوّم. نمایندهٔ امام در هیئت نظارت بر انتخابات تکمیلی شورای عالی قضایی نامه‌ای از سوی این هیئت تقدیم امام امت کرد که متن آن به این شرح است:

«بسم الله‌الرحمن الرحیم. محضر مبارك امام بزرگوار رهبر کبیر انقلاب حضرت آیةالله العظمی امام خمینی دام ظله العالی، همان طور که استحضار دارید انتخابات تکمیلی شورای عالی قضایی برای انتخاب دو عضو شورای مزبور در جریان است و عده‌ای به عنوان داوطلب عضویت در شورای نامبرده معرفی شده‌اند. چون طبق بندهای ۲ و ۳ مادهٔ ۲ لایحهٔ قانونی راجع به انتخابات سه نفر از قضات کشور برای عضویت در شورای عالی قضایی، انتخاب شوندگان باید دارای دو شرط اجتهاد در فقه به طوری که بتوانند در حد یك فقیه صاحب فتوی احکام فقهی را از کتاب و سنت و ادلهٔ دیگر استنباط کنند و عدالت و تقوای دینی که نشانهٔ آن التزام عملی به انجام واجبات و پرهیز از محرمات اسلامی است باشند و طبق بند ٤ مادهٔ ۳ قانون مزبور احراز و تأیید دارا بودن دو شرط مزبور در داوطلبان با امام امّت است، به پیوست اسامی داوطلبان ارسال می‌شود. مستدعی است کسانی را که اجتهاد و عدالتشان مورد تأیید حضرت عالی است به هیئت نظارت بر انتخابات معرفی فرمایید.»

امام خمینی رهبر انقلاب و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران در پاسخ، طی نامه‌ای، خطاب به آیةالله العظمی منتظری ایشان را مسئول فرمودند تا در احراز صلاحیت افرادی که برای عضویت در

شورای عالی قضایی پیشنهاد شده‌اند به هر نحو که صلاح دانستند، اقدام کنند.[۱۹]

پیرو فرمان حضرت امام مدظله العالی خطاب به آیةالله العظمی منتظری جهت تشخیص صلاحیت دو عضو تکمیلی شورای عالی قضایی،از سوی فقیه عالیقدر آیةالله العظمی منتظری، نامه‌ای به حضرات آیات و حجج اسلام آقایان موسوی اردبیلی، مهدوی کنی، یوسف صانعی، فاضل موحد لنکرانی، راستی کاشانی و حاج سیدعباس خاتم یزدی ارسال شد. متن نامه به شرح زیر است:

«بسمه تعالی. حضرات حجج اسلام والمسلمین آقایان موسوی اردبیلی، مهدوی کنی، یوسف صانعی، فاضل موحد لنکرانی، راستی کاشانی و حاج سیدعباس خاتم یزدی دامت برکاتهم. پیرو فرمان حضرت امام مدظله العالی در مورد اقدام جهت تشخیص صلاحیت دو عضو تکمیلی شورای عالی قضایی و لزوم دقت کافی در آن مستدعی است آقایان معظم، ضمن دعوت از کسانی که جهت عضویت در شورای عالی قضایی ثبت نام نمودند و مذاکرهٔ علمی با آنان ترتیبی اتخاذ فرمایید تا این مهم به نحو شایسته انجام گردد. توفیق آقایان محترم را در جهت خدمت به اسلام و مسلمین از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. حسینعلی منتظری. ۱۳۶۲/۳/۸.»

افراد منتخب از طرف فقیه عالیقدر، پس از آنکه طبق همین دستور، صلاحیت کاندیداها را بررسی کردند، لیست آن را به ایشان تقدیم کردند. ایشان نیز پس از تأیید،لیست اسامی کاندیداها را به ضمیمهٔ نامه‌ای خطاب به امام خمینی ارسال داشت. متن نامه به شرح زیر است:

«بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. محضر مبارك آیةالله العظمی امام خمینی مدظله العالی، پس از سلام، پیرو دستور حضرت عالی در مورد اقدام نسبت به تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شورای عالی قضایی، هیئتی از علما و مدرسین محترم تعیین و پس از بررسیهای لازم صلاحیت افراد نامبرده در ورقهٔ ضمیمه که خدمت حضرت عالی ارسال می‌گردد تأیید شد. سلامتی و دوام عمر حضرت عالی را از خدای متعال مسئلت دارم. ادام‌الله ظلکم علی رئوس المسلمین. ۶۳/۳/۲۱. قم-حسینعلی منتظری.»

بدین ترتیب، میزان اعتماد متقابل بین حضرت امام خمینی و آیةالله منتظری برای خوانندگان عزیز معلوم می‌گردد. همچنین در صفحات گذشته روشن شد که علاقه و احترام فقیه عالیقدر به امام امت که سالیان سال پیش آن بزرگوار تحصیل کرده و از بیست و دو سال پیش تا هم اکنون عاشقانه همراه آن عزیز فعالیت نموده است، در چه سطح ارزشمندی است.

با توجه به اعتماد زیادی که حضرت امام خمینی به اطلاعات اسلامی و سیاسی فقیه عالیقدر دارند، اموری از طرف معظم‌له به ایشان محول شده که فهرستی از آنها نقل می‌شود، تا نشانه‌ای از همبستگی ارزشمند و جاودانهٔ این دو فرزانه باشد.

۱. داد: اختیار عفو زندانیان از طرف امام امت به ایشان.

۲. پس از پیروزی انقلاب اسلامی آیةالله منتظری با حضرت امام در خصوص نصب ائمهٔ جمعه مذاکره می‌کنند. امام مدظله از ایشان می‌خواهند که جریان نصب ائمهٔ جمعه را شخصاً به عهده بگیرند؛

۱۹. *کیهان*، ۱۳۶۲/۳/٤

ولی آیةالله منتظری با توجه به اهمیت نماز جمعه و تناسب آن با مقام رهبری از امام تقاضا می‌کنند که خود معظم‌له نصب ائمهٔ جمعه را متصدی شوند و امام قبول می‌فرمایند.

٣. احالهٔ مسئلهٔ تأیید صلاحیت کاندیداهای عضویت در شورای عالی قضایی از طرف امام به ایشان به شرحی که آمد.

٤. احالهٔ تعیین قضات شرع دادگاههای انقلاب از آغاز پیروزی انقلاب تا تشکیل شورای عالی قضایی از طرف امام امت به ایشان و بعضی از علمای دیگر.

٥. احالهٔ امر مسائل داخل سپاه پاسداران از طرف امام خمینی به ایشان.

٦. احالهٔ مسئلهٔ اراضی موات و بزرگ مالکان کشور از طرف امام امت به ایشان و دو نفر از علمای دیگر.

٧. احالهٔ تعیین قضات شرع و ائمهٔ جمعه برای مناطق آزاد شدهٔ افغانستان از طرف امام به ایشان.

٨. احالهٔ تعیین افراد برای تشکیل شورای مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم از طرف حضرت امام و آیةالله العظمی گلپایگانی به ایشان.

٩. احالهٔ تعیین نمایندهٔ مقام ولایت فقیه در کمیتهٔ عالی انقلاب اسلامی عراق، از طرف امام امت به ایشان. و غیره.

و بدین سان یکی دیگر از توطئه‌ها و حیله‌های دشمنان انقلاب اسلامی برای امت اسلام و نسلهای آینده افشا می‌شود.

بخش چهارم

انتشار رسالهٔ توضیح المسائل

آیةالله العظمی منتظری، آن گونه که سیر زندگی و فعالیتهای علمیش گواهی می‌دهد و همان گونه که بسیاری از رجال علمی جامعه و دانشمندان حوزه‌های علمیه نظر داده‌اند، یکی از مجتهدان طراز اول جهان اسلام و خصوصاً جوامع شیعی است.

زمانی که عده‌ای از مردم متدین نجف آباد به قم آمده و از حضرت آیةالله العظمی بروجردی علیه‌الرحمه تقاضا کرده بودند دستور بفرمایند آیةالله منتظری به نجف آباد بروند و عالم آن شهرستان باشند، معظم‌له در جواب مردم مسلمان نجف آباد فرمودند: «من می‌خواهم آقای منتظری عالم همهٔ مسلمین باشند. شما می‌خواهید عالم فقط نجف آباد باشند؟»

شهید بزرگوار آیةالله مرتضی مطهری که خود از اعاظم علمای دین بود و نظراتش در میان حوزه‌های علمیه از اعتبار ویژه‌ای برخوردار است دربارهٔ فقیه عالیقدر نظر داده است که: «از بسیاری از آنها که آیةالله هستند و در سطح مرجعیت هستند، از خیلی از آنها، از نظر علمی، ایشان قوی‌تر هستند.»[1] و نیز آن شهید بزرگوار بیش از پانزده سال پیش دربارهٔ آیةالله منتظری گفته که ایشان اکنون از مدرسان و مجتهدان بزرگ حوزهٔ علمیهٔ قم است.

این مجتهد بزرگوار و فقیه عالیقدر، به لحاظ برخورداری از تقوی و تعهد خاص اولیاء الله، علاقه نداشت که با وجود رسالهٔ عملیهٔ مرجع تقلید شیعیان جهان حضرت امام خمینی رسالهٔ عملیه چاپ و منتشر کند و بارها به دعوت علاقه مندان به حضرتش گفته بود که مایل نیستم رساله چاپ کنم.

امّا از آنجا که مردم در کنار یك مجتهد اعلم برای تقلید مسائل مربوط به احکام دین، به یك مجتهد فالاعلم نیاز دارند تا در صورت لزوم به فتاوای وی رجوع کنند، عده‌ای از علمای بلاد اسلامی و ائمهٔ محترم جمعه از آیةالله منتظری خواستند که برای استفادهٔ جامعهٔ اسلامی رسالهٔ عملیهٔ خودشان را که حاوی فتاوای ایشان است، منتشر کنند.

۱. *اطلاعات*، ۶۱/۱۱/۳۵، صفحهٔ ویژهٔ استان اصفهان.

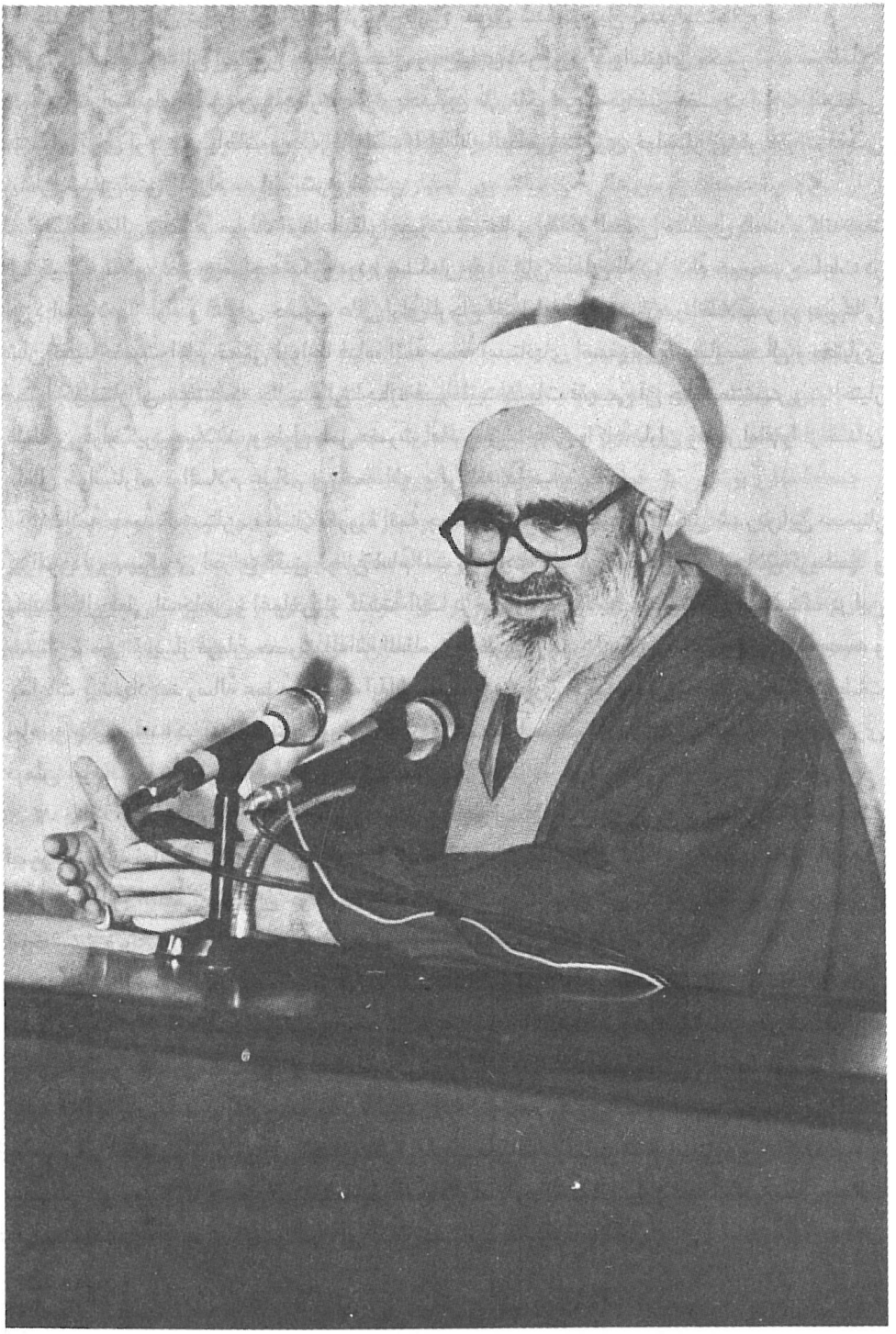

چند نمونه از این درخواستها که به ترتیب تاریخ تدوین شده در ذیل آمده است:

۱. ائمهٔ جمعهٔ استان اصفهان و چهار محال و بختیاری. در پی درخواستهای مکرر امت مسلمان، ائمهٔ جمعهٔ استانهای اصفهان و چهار محال و بختیاری طی تلگرامی به محضر حضرت آیةالله العظمی منتظری برای ارجاع احتیاطات واجب امام امت به آیةالله العظمی منتظری خواستار انتشار نظرات فقهی ایشان شدند. متن تلگرام به این شرح است:

«بسمه تعالی. حضور مبارك فقیه عالیقدر حضرت مستطاب آیةالله العظمی منتظری دامت برکاته، بعد از تحیت و سلام، نظر به مراجعهٔ مکرر مردم مسلمان به آقایان علمای بلاد و ائمهٔ جمعه و جماعات در مورد استعلام از آراء و فتاوای حضرت عالی برای ارجاع احتیاطات واجب رهبر انقلاب و مرجع عالی شأن تقلید حضرت امام خمینی ارواحنا فداه، ائمهٔ جمعهٔ استانهای اصفهان و چهار محال و بختیاری مصراً خواستار آن هستند که جناب عالی اجازه فرمایید نظریات فقهی آن جناب منتشر و در اختیار مسلمین قرار گیرد. سلامت و طول عمر حضرت امام و جناب عالی و کلیهٔ یاران وفادار امام را از خدای متعال خواستاریم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.»[۲]

۲. ائمهٔ جمعهٔ خوزستان. سمینار یکروزهٔ ائمهٔ جمعهٔ خوزستان در بهبهان تشکیل شد. در این سمینار پیرامون لزوم پیگیری اجرای دقیق فرمان امام امت و همچنین فرمان امام در مورد انحلال گزینشها و رعایت حال فعلی اشخاص و اغماض از گذشتهٔ آنها در صورت توبه، بحث و تبادل نظر شد. در این سمینار ضمن تقدیر از فرمان حضرت آیةالله العظمی منتظری در مورد تشکیل کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعات پیشنهاد شد رسالهٔ عملیهٔ حضرت آیةالله العظمی منتظری جهت رجوع به ایشان در احتیاطات امام به چاپ برسد. در این سمینار همچنین بر لزوم نشست با مسئولان استان و هیئت ستادپیگیری فرمان امام در زمینهٔ طرحهای اجرایی تأکید شد.[۳]

۳. نمایندگان استان فارس در مجلس خبرگان. حجج اسلام سید علی محمد دستغیب و سیدعلی اصغر دستغیب نمایندگان مردم فارس در مجلس خبرگان با ارسال تلگرامی به محضر فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری خواهان انتشار نظرات فقهی ایشان شدند. متن تلگرام به این شرح است:

«بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. محضر مبارك فقیه عالیقدر امید امام و امّت حضرت آیةالله العظمی منتظری مدظله العالی، پس از سلام و ضمن تقدیر و تشکر از ائمهٔ جمعهٔ محترم استانهای اصفهان و چهار محال و بختیاری که خواستار نشر نظریات فقهی حضرت مستطاب عالی شده‌اند، تقاضا داریم اجازه فرمایید رسالهٔ عملیهٔ آن جناب چاپ و منتشر گردد تا مردم مشتاق استان فارس بتوانند احتیاطات واجب رهبر انقلاب و مرجع عظیم الشأن تقلید حضرت آیةالله العظمی امام خمینی ارواحنا فداه را به حضرت عالی رجوع نمایند. سلامت و طول عمر امام امت و جناب عالی را از خداوند متعال مسئلت داریم. سیدعلی محمد دستغیب، سیدعلی اصغر دستغیب.»

۲. *جمهوری اسلامی*، ۱۳۶۱/۷/۱۰. ۳. *کیهان*، ۱۳۶۱/۱۰/۲۲.

٤. ائمهٔ جمعهٔ مازندران.

ائمهٔ جمعهٔ استان مازندران با ارسال تلگرامی به محضر آیةالله العظمی منتظری به منظور ارجاع احتیاطات امام به ایشان خواستار نشر رسالهٔ عملیهٔ آن حضرت شدند. متن تلگرام بدین شرح است:

بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. محضر مبارک حضرت آیةالله العظمی آقای منتظری دامت برکاته العالی، بعد از سلام و تحیت به عرض عالی می‌رساند چون بسیاری از مردم شریف و متدین مازندران در احتیاطات حضرت امام ارواحنا فداه تقاضای فتاوی حضرت عالی را دارند، لذا ائمهٔ جمعهٔ استان مازندران رسالهٔ عملیهٔ آن حضرت را برای جامعهٔ اسلامی لازم می‌دانند و آرزوی نشر هر چه زودتر آن را دارند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ائمهٔ جمعهٔ استان مازندران.[٤]

٥. ائمهٔ جمعهٔ استان بوشهر.

در پی درخواستهای ائمهٔ جمعه و جماعات نقاط مختلف کشور مبنی بر انتشار رسالهٔ عملیهٔ حضرت آیةالله العظمی منتظری، حجج اسلام مدنی، صالحی، رحیمی، محمدی، عاشوری و سجادی زاده ائمهٔ جمعهٔ استان بوشهر نیز خواستار چاپ و انتشار این رساله شدند.

به گزارش واحد مرکزی خبر ائمهٔ جمعهٔ استان بوشهر در اطلاعیهٔ خود از محضر حضرت آیةالله العظمی منتظری تقاضا کرده‌اند که هر چه زودتر رسالهٔ معظم‌له چاپ گردد تا در رجوع بعضی مسائل که در رسالهٔ امام امت عنوان احتیاط واجب دارد و از نظر ضوابط شرعی در این مورد می‌توان به مجتهد و مرجع دیگر با رعایت الاعلم فالاعلم مراجعه کرد، مقلدان امام در مضیقه نمانند. (۱۳٦۱/۱۰/۲۹)

٦. ائمهٔ جمعهٔ استانِ زنجان و کرج.

ائمهٔ جمعهٔ استان زنجان و امام جمعهٔ کرج در پایان سمینار یك روزهٔ خود خواستار پیگیری هر چه سریع‌تر و دقیق‌تر فرمان امام امت و انتشار نظرات فقهی حضرت آیةالله العظمی منتظری شدند.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی، در این گردهمایی که استاندار زنجان و یکی از اعضای هیئت پیگیری فرمان امام در این استان نیز شرکت داشتند، پیرامون مسائل استان و چگونگی پیاده کردن فرمان امام و جلوگیری از سوء استفاده‌های مغرضانه بحث و تبادل نظر شد و در پایان تلگرامی مبنی بردرخواست انتشار نظرات فقهی آیةالله العظمی منتظری به خدمت ایشان مخابره شد.[٥]

۷. جامعهٔ روحانیت تنکابن.

جامعهٔ روحانیت شهرستان تنکابن با ارسال تلگرامی به محضر حضرت آیةالله العظمی منتظری، برای ارجاع احتیاطات واجب، خواستار انتشار نظریات فقهی ایشان شد. در این اطلاعیه آمده است: «با ابلاغ سلام وادعیهٔ خالصه سالگرد پیروزی اسلام بر کفر و حاکمیت الله بر حکومت اهریمن و طاغوتی و حرکت ظفرمند دلاوران اسلام را به محضر محترم آن امید امام و امت تبریك و تهنیت گفته ضمناً خاطر خطیر عالی را مستحضر می‌دارد به نمایندگی از قاطبهٔ اقشار مسلمان شهرستان تنکابن مستدعی صدور و نشر رسالهٔ عملیهٔ آن سرور عظیم الشأن هستیم تا در موارد و مسائل احتیاطی، مقلدان حضرت امام

٤. *کیهان*، ۱۳٦۱/۱۰/۲۷. ٥. *اطلاعات*، ٦۱/۱۱/۱٤.

ارواحناله الفداء به فتوای حضرت عالی رجوع نمایند.»[۶]

در پی این درخواستها، آیةالله منتظری اجازه داد رسالهٔ عملیهٔ ایشان منتشر گردد.

این اجازه در دی ۱۳۶۲ صادر شد و رسالهٔ عملیهٔ فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری در اوایل سال ۱۳۶۳ هـ ش /۱۴۰۴ هـ ق به دست امت حزب‌الله و مقلدان حضرت امام خمینی رسید تا بتوانند در صورت نیاز به آن رجوع و مسائل و احکام را از آن برگیرند. متن دستخط ایشان که در صفحهٔ اول رساله چاپ شده بدین شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحیم. هر چند مایل نبودم از این جانب کتابی به عنوان کتاب فتوی منتشر شود ولی توجه نکردن به اصرار جمعی از فضلا و ائمهٔ جمعه و جماعات دامت افاضاتهم نیز صحیح و روا نبود. امید است عمل به این رساله انشاء الله تعالی مجزی باشد. والسلام علی جمیع اخواننا المؤمنین و رحمةالله و برکاته. ۱/ع/۱۴۰۴/۲. حسینعلی منتظری. مهر و امضا.»

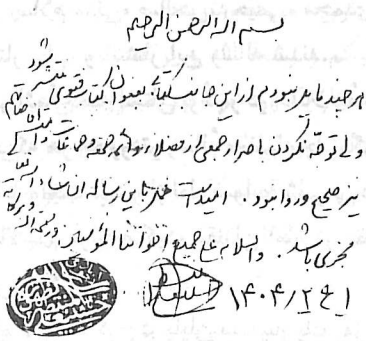

پس از انتشار رسالهٔ عملیهٔ فقیه عالیقدر، عده‌ای از روحانیون و علمای ایران از این اقدام خداپسندانه تشکر و سپاسگزاری کردند. به یك نامه در این باره توجه فرمایید:

«بسمه تعالی. محضر مقدس فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری ادام‌الله ظله العالی علی رئوس المسلمین.

با تقدیم سلام و تحیات وافر، سلامتی و دوام ظل وجود مبارك حضرت عالی را از درگاه خداوند متعال مسئلت داریم. ضمن آرزوی سلامتی و طول عمر امام بزرگوار برخود لازم و ضروری می‌دانیم در قبال پاسخ مثبت به تقاضای ائمهٔ جمعه و اقدام به جا و به مورد نسبت به اجازهٔ چاپ و نشر رسالهٔ عملیه تشکر و قدردانی نموده از جناب مستطاب عالی انتظار داریم لطف فرموده نسبت به چاپ و نشر *حاشیه بر عروة الوثقی* نیز مجوز صادر فرمایید تا حوزه‌های علمیه و امت اسلامی بیش از پیش از نظرات آن جناب بهره‌مند گردند. خداوند طول عمر مقرون به سلامتی به شما عنایت و ما را در انجام فرامین روحبخش حضرت امام و رهنمودهای حضرت عالی موفق فرماید. والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته. ائمهٔ جمعهٔ استان خوزستان.»[۷]

۶. *جمهوری اسلامی*، ۱۳۶۱/۱۱/۲۱. ۷. *جمهوری اسلامی*، ۱۳۶۳/۵/۱۷.

آنچه در این بخش از کتاب گذشت مقدمه‌ای بود بر اینکه از قول ائمهٔ جمعهٔ محترم بعضی از شهرها و استانها، که بسیاری از آنها خود مجتهدند، مرجع تقلید بودن حضرت آیةالله العظمی منتظری برای آن عده از مقلدان حضرت امام خمینی که دربارهٔ مسائلشان حضرت امام فتوا نداده باشند، بیان شود.

امام خمینی، مرجع شیعیان، خود نظرشان این است که در مورد مسائلی که فتوی نداده‌اند، مقلدان باید به فتوای مجتهدی که علم او از مجتهد اعلم کمتر و از مجتهدهای دیگر بیشتر است عمل کنند.[۸] (به مجتهدی که مقلدان مجتهد اعلم، احتیاطاتشان را به او مراجعه می‌کنند، اصطلاحاً «فالاعلم» گفته می‌شود.)

طبیعی است که شناخت «فالاعلم» یعنی مجتهد بعد از اعلم، از طریق شناخت اعلم انجام می‌پذیرد.

بر این اساس راهی را برای شناخت اینکه حضرت آیةالله العظمی منتظری «فالاعلم» زمان ماست انتخاب کرده‌ایم که از آن راه مجتهد اعلم زمان شناخته می‌شود.

یکی از راههای سه گانه که مراجع تقلید برای شناخت مجتهد و اعلم مشخص کرده‌اند، این است که عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفتهٔ آنان اطمینان پیدا می‌شود مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

برای شناخت عظمت علمی و گرانمایگی دانش اسلامی فقیه عالیقدر نظرات عده‌ای از اهل علم را که جمع‌آوری کرده‌ایم برای استفادهٔ امت مسلمان، خصوصاً شیعیان جهان، نقل می‌کنیم.

بر پایهٔ آنچه عده‌ای از دانشمندان متعهد و علمای اسلامی در خصوص مقام علمی آیةالله العظمی منتظری گفته‌اند، آیندهٔ جهان تشیع از نظر دارا بودن مرجع تقلید شایسته، از هم اکنون روشن است. امید است شیعیان جهان با چشم بصیرت و با قلبی آرام و مطمئن به این دیدگاهها، نظر کنند. اینك خلاصه‌ای از متن نظرات:

۱. آیةالله حاج شیخ علی مشکینی اردبیلی، امام جمعهٔ قم: «فضل ومراتب علمی، تقوی و فضایل اخلاقی، سوابق و لواحق مجاهداتی آیةالله منتظری بر کسی پوشیده نیست. من ایشان را فقیهی عالی و مجاهدی نستوه می‌دانم.»

۲. آیةالله حاج سید روح الله خاتمی، امام جمعهٔ یزد: «بعد از حضرت امام که شأنشان از همهٔ ما بالاتر است، در ایران و حتی در جهان اسلام هیچ کس را عظیم‌تر، شایسته‌تر، دانشمندتر و مبارزتر از آیةالله منتظری نداریم. ایشان را ما باید بگوییم از نوابغ علمی هستند.... در علوم اسلامی، به خصوص در مسئلهٔ فقه و اصول، واقعاً کم‌نظیر هستند.... ایشان امروز یك نمونهٔ کامل از فقهای گذشته و معاصر هستند و امروز اگر خواسته باشیم ببینیم از چه کسی می‌توان در فقه اسلامی و اصول اسلامی بیشتر بیاموزیم، از ایشان است.»

۳. مرحوم آیةالله حاج آقا حسین خادمی، رئیس حوزهٔ علمیهٔ اصفهان: «آیةالله منتظری نسبت به احیای حوزهٔ مقدسهٔ قم و تدریس علوم و تحویل دادن فضلا و مدرسین به جامعه بسیار صرف وقت

۸. رجوع کنید به *رسالهٔ توضیح المسائل* امام خمینی، مسئلهٔ ۷.

نمودند و مراتب علمی ایشان نزد همگان محرز است.»

٤. آیةالله شهید، حاج شیخ محمد صدوقی، سومین شهید محراب: «والله، در اینکه منتظری یك نفر فقیه جامع‌الشرایط است، جای شبهه نیست. نه حالا فقیه شده باشد، بلکه در حدود سی سال است یا بیشتر، آقای منتظری مجتهد جامع‌الشرایط به تمام معناست.»

٥. آیةالله شهید، حاج شیخ عطاءالله اشرفی اصفهانی، چهارمین شهید محراب: «می‌توان گفت درآینده کسی که ما می‌توانیم اشاره به آن کنیم و بگوییم مرد فقیه و پاسدار دین و آن سیاست واقعی که سیاست اسلام می‌باشد فعلاً آیةالله منتظری است ولو سن ایشان از بعضی مراجع دیگر کمتر است.... در موجودین فعلاً آیةالله منتظری است که واقعاً شایستگی از هر جهت را دارد.»

٦. آیةالله حاج شیخ احمد آذری قمی، از اعضای جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم: «با اینکه امام در رساله‌شان «اعلم فلاعلم» را در ارجاع احتیاطات لازم می‌دانند، دو مسئله را به آیةالله منتظری ارجاع داده‌اند که اگر ایشان اعتقاد به اعلمیت آقای منتظری نداشته باشند طبیعتاً چنین کاری صحیح نیست.... بنابراین بیننا و بین‌الله به این نظر رسیدم که در مجموع واقعیت این است که ما کسی را مثل ایشان (آیةالله منتظری) نداریم.»

۷. مرحوم آیةالله حاج سیدمجدالدین قاضی، امام جمعهٔ دزفول: «جناب آیةالله العظمی منتظری امید امت و امام اطال الله مقامه که عدیل و نظیر آن در جامعه بعد از حضرت امام نمی‌باشد.... مقام شامخ فقهی و علمی آن جناب اظهر من‌الشمس است.»

۸. آیةالله حاج شیخ احمد جنتی، از فقهای شورای نگهبان: «آیةالله منتظری از شاگردان مبرّز حضرت امام بودند.... مقام علمی ایشان در سطح فقیهی خوش ذوق، تیز فهم، پرمطالعه، پرسابقه، خوش انتخاب و سلیس الذهن است.... آنها که از دیر زمان با ایشان آشنا بوده‌اند به خوبی می‌توانند مراتب بالا را تأیید کنند. حوزه‌های علمیه نیز نوعاً در مقابل شخصیت علمی ایشان خضوع دارند.»

۹. آیةالله حاج شیخ عبدالله جوادی آملی، از مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم: «آیةالله منتظری از آن نظر که جزو اساتید معروف حوزهٔ علمیهٔ قم بودند، در جلساتی که مدرسین تشکیل می‌دادند حضور پیدا می‌کردند و تبادل نظر می‌شد و نظرات ایشان در حد وسیع محترم بود و مقام و برجستگی ایشان برای همگان معلوم بود. الحمدلله رب العالمین.»

۱۰. آیةالله حاج شیخ ابوالقاسم خزعلی، عضو فقهای شورای نگهبان: «حضرت آیةالله العظمی منتظری به یك مقام عالی رسیده‌اند در فقه که عمدهٔ منصب فکری ایشان و محور تلاش ایشان دربارهٔ فقه و اصول بوده است، ولو به دیگر مسائل علمی هم می‌پرداختند.»

۱۱. آیةالله حاج شیخ عباس ایزدی، امام جمعهٔ نجف آباد: «من آیةالله العظمی منتظری را طوری می‌بینم که اگر بگویم بعد از رهبر اعظم حضرت امام خمینی کسی به پای ایشان نمی‌رسد سخن گزافی نگفته‌ام. از نظر این جانب حضرت آیةالله العظمی منتظری از جهت عدالت و فقاهت و آگاه بودن به زمان و سیاست جهان واجد شرایط رهبریت و مرجعیت برای تقلید می‌باشند و فقیهی به تمام معنا و آگاه به جریان روز و شجاع و نستوه هستند و گذشته از امام خمینی مدظله العالی شایستگی مقام ولایت فقیه را

آیةالله منتظری، رئیس مجلس خبرگان بررسی و تصویب قانون اساسی، ۱۳۵۸

دارا می‌باشند.»

۱۲. آیةالله محمد امامی کاشانی، عضو فقهای شورای نگهبان: «آیةالله منتظری از نظر علمی مجتهدی است جامع‌الشرایط.... ایشان الحمدلله از نظر فقه، مجتهدی مطلق و عالی مقام و تارك هوی، مطیع امر خداوند تبارك و تعالی، و از نظر مسائل حکمی و فلسفی ایشان یك فیلسوف به تمام معنی هستند.»

۱۳. آیةالله حاج شیخ ابوالحسن شیرازی، امام جمعهٔ مشهد:

«آیةالله منتظری از نظر علمی، به عقیدهٔ بنده در حوزه‌های عملیه مقام علمی خوبی دارند.... معلوماتشان هم از نظر فقاهت برای یك فقیه که اساس مطلب هست، بعد از امام، اوّل حساب می‌شوند.... ایشان از نظر فقاهت واجد هستند. بعد از امام همتا ندارند.»

۱٤. مرحوم آیةالله محمد مهدی ربانی املشی، نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی: «آیةالله منتظری از نظر علمی در سطح بسیار بالا و ارزنده‌ای هستند. در گذشته خیلی‌ها خیال نمی‌کردند که آقای منتظری در این سطح علمی باشند ولی درسهای ایشان را که گوش دادند به مقام علمی معظم‌له پی برده‌اند.»

۱۵. آیةالله حاج شیخ حسین راستی، از مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم: «آیةالله منتظری در انقلاب بعد از امام نقش مهمی دارند و هیچ کس به موقعیت ایشان نمی‌رسد و هیچ کس هم «ادامه دهندهٔ انقلاب» و آشنا با خط امام در ارتباط با مسائل انقلاب مثل ایشان نیست و در همهٔ ابعاد خط انقلاب را هیچ کس بهتر از جناب آقای منتظری نشناخته است و به حساب اینکه روحانیت ملت را رهبری می‌کند هیچ کدام از آقایان علما با در نظر گرفتن مقام و منزلتشان موقعیت و نقش آقای منتظری را در انقلاب ندارند و نمی‌توانند داشته باشند.»

۱٦. آیةالله حاج سیدجلال‌الدین طاهری، امام جمعهٔ اصفهان: «هم مسئلهٔ تفقه علمی و مرجعیت دینی و هم مسئلهٔ رهبری سیاسی هر دو در وجود آیةالله العظمی منتظری جمع است و من بین خود و خدا با کمال اطمینان قلب می‌گویم که احتیاطات امام را به ایشان ارجاع می‌دهم و روز قیامت هم باید جواب این را بدهم و از عهدهٔ جوابش بر می‌آیم.»

۱۷. آیةالله حاج سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی، رئیس دیوان عالی کشور: «گذشته از مقام والای علمیت و فقاهت آیةالله منتظری که بر همگان واضح است، جنبهٔ زهد و تقوی و فضیلت و مجاهده و مبارزه در راه حق امتیاز بسیار بالایی به ایشان داده است. حضرت ایشان جزء افراد بسیار نادری هستند که هر چه بیشتر انسان به جنابشان نزدیك و آشنا شود فضایل و کمالات ایشان را بیشتر درك می‌کند.»

۱۸. آیةالله حاج شیخ یوسف صانعی، از مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم: «بنده با شناختی که از فقهای بزرگ و علمای بزرگ دارم.... شرایط مرجعیت را در حضرت آیةالله العظمی آقای منتظری می‌یابم و خوب هم می‌یابم.... ایشان کسی است که اعلم است ـ بعد از حضرت امام ـ و می‌شود احتیاطات را به او مراجعه کرد و می‌شود محل تأملها را به او مراجعه نمود و می‌شود در مسائل قضایی و حدود به او مراجعه کرد و....»

۱۹. آیةالله حاج شیخ محمد محمدی گیلانی، عضو فقهای شورای نگهبان: «در این انقلاب الهی،

همهٔ فقهای راستین و «رجالٌ صدقواما عاهدوا الله علیه» شریك و انباز رهبر بزرگوارند، که الحق و الانصاف، استاد مجاهد، و فقیه پارسا آیةالله منتظری ـ مدظله العالی ـ در صف مقدم، با بصیرتی کم‌نظیر، سایه وار ملازم مقصد حضرت رهبر عظیم بوده‌اند.»

۲۰. آیةالله محمد مؤمن، از فقهای شورای نگهبان: «دقت کافی در مسائل علمی و فقهی در نوشته‌های آیةالله العظمی منتظری کاملاً مشهود است و این مطلب در بین برادران فاضل و متعهد حوزه جای تأمل و تردید نیست که ایشان از زمان مرحوم آیةالله بروجردی از اساتید فلسفهٔ حوزه به شمار می‌رفت و نسبت به فقه از زمان مرحوم بروجردی از اساتید سطوح عالی حوزهٔ علمیه بوده‌اند.»

۲۱. حجةالاسلام والمسلمین سیدعلی حسینی خامنه‌ای، رئیس جمهور اسلامی ایران و امام جمعهٔ تهران: «آیةالله منتظری یکی از مراجع تقلید و یکی از فقهای بزرگ ما هستند و باید ایشان را در رتبهٔ اول فقهای اسلام به شمار آورد ـ که همین طور هم هستند. ایشان در دو رشتهٔ علمی که من اطلاع دارم متخصص هستند: در فقه که مجتهد عالی مقام و بزرگی هستند و در فلسفه که شاگرد امام خمینی و استاد فلسفه هستند.»

۲۲. حجةالاسلام والمسلمین علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی: «آیةالله منتظری در علوم اسلام یك دانشمند جهانی به حساب می‌آید. اما اینکه در کدام یك از علوم بیشتر تبحر دارد، شاید مهم‌ترین رشتهٔ ایشان فقه باشد. قسمت کارشان روی فقه بوده و الحمدلله امروز دیگر رساله‌شان چاپ شده. ایشان به عالی‌ترین درجات علمی در این رشته رسیده است که هم تدریس دارند و هم رساله‌شان چاپ شده. تعدادی از شاگردانش هم مجتهدند، در اصول هم در کنار فقه، متبحرند.»

۲۳. حجةالاسلام والمسلمین سیدمحمد موسوی بجنوردی، از اعضای شورای عالی قضایی: «به نظر شخص من، آیةالله العظمی منتظری بعد از امام از همهٔ موجودین که الآن هستند ـ منظور علمای اسلامی در سطح جهان ـ افضل است. من پیش اینهایی که الآن در نجف و قم هستند و صاحب رأی می‌باشند، درس رفته‌ام و کتابهایشان را هم نگاه کرده‌ام و این را با جدیت می‌گویم.»

۲٤. حجةالاسلام والمسلمین محمد علی موحدی کرمانی، نمایندهٔ مجلس خبرگان: «ما در این انقلاب چشم به حضرت آیةالله العظمی منتظری دوخته‌ایم و دل امید به ایشان بسته‌ایم.... وزن علمی ایشان دهها سال است که برای فضلاء اساتید و بزرگان حوزهٔ علمیه مشخص و روشن است. مخصوصاً کافی است کسی خوب به بحثهای اخیر ایشان گوش کند تا اوج قدرت فکری و علمی ایشان را دریابد که در چه قله‌ای بلند از علمیت و قدرت استنباط می‌باشد.... در هر حال بعد علمی ایشان چیزی نیست که شخصی مثل من بتواند بیان کند. این ما فوق بیان من است.»

۲۵. حجةالاسلام والمسلمین سیدمحمد علی موسوی جزایری، امام جمعهٔ اهواز: «به نظر بنده معظم‌له در بعد فقاهت کم‌نظیر است، زیرا بر اهل فن پوشیده نیست که بالاترین مزیت در این بعد جامعیت است بین تحقیق و دقت در مبانی اصولی از طرفی و استحضار و تبحر در فروع فقهی و احاطه برآرا و اقوال فقها از طرف دیگر، به علاوه آشنایی با رجال و درایه و موازین تقدم و تأخر روایات و شناخت صحیح از سقیم که این مزیت بحمدالله در فقیه عالیقدر ما به حد وفور وجود دارد. برای هر

کس که فی‌الجمله مجالست علمی با ایشان داشته و یا تألیفات ایشان را ملاحظه کرده باشد روشن است، در حالی که اجتماع این جهات با هم به ندرت اتفاق می‌افتد.

۲۶. حجةالاسلام والمسلمین غلامحسین جمی، امام جمعهٔ آبادان: «دربارهٔ مقام والای فقاهت آیةالله منتظری، همین کافی است که امام امت با آن دیدی که دارند و با دقتی که دارند، ایشان را فقیه عالیقدر خواند. ایشان به مقتضای سن و سالشان واقعاً نابغه می‌باشد.... مرحوم آیةالله بروجردی بهترین عنایتش به ایشان بوده و نبوغش از همان جا ظاهر بوده که درآینده واقعاً وجودی است که دنیای اسلام از آن بهره‌مند شود. البته جسته و گریخته انسان نگاه می‌کند متوجه این عظمت، تبحر و احاطهٔ علمی ایشان می‌شود.»

۲۷. حجةالاسلام والمسلمین عباس و اعظ طبسی، نمایندهٔ امام در خراسان: «نقطه‌های قوت و برجسته‌ای که پیوسته د رحیات علمی، فقهی، سیاسی و اخلاقی فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری مشهود است بسیار جاذبه برانگیز، نوید بخش و همواره امید امت اسلامی و حوزه‌های علمیه را فزونی می‌بخشد.»

۲۸. حجةالاسلام والمسلمین صادق احسان بخش، امام جمعهٔ رشت: «اگر بخواهیم نمونه‌ای را از امام پیدا بکنیم که بالاترین فیض را از امام گرفته باشد، آن نور که در امام هست و آن قدرت روح که در امام هست، آن جلوه که در امام هست، آن محبت که در امام هست، آن شناخت که نسبت به شاگردانش در امام هست، آن رابطه که با روحانیت در امام هست، آن صلابت که در امام هست، آن نفوذ کلمه که در امام هست، آن بینش سیاسی که در امام هست، آن حدت و شدت که در امام هست، آن لطف و مهر که در امام هست، آن خشم و قهر که در امام هست، آن را در وجود حضرت آیةالله العظمی منتظری پیدا می‌کنیم.»

۲۹. حجةالاسلام‌والمسلمین قربانعلی‌دری‌نجف‌آبادی نمایندهٔ‌مجلس‌شورای‌اسلامی: «آیةالله‌منتظری یکی از مجتهدین ارزشمند جامعهٔ اسلامی و جامعهٔ دینی ما و مجتهدین جامع معقول و منقول است هم در علوم عقلی وهم درعلوم نقلی.ایشان دانشمند و محقق مستنبط و مجتهد می‌باشد...آنچه یك مجتهد جامع باید دارا باشد،آیت‌الله منتظری دارا هست.»

۳۰. حجةالاسلام والمسلمین محی الدین فاضل هرندی، نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی: «من یادم هست، سال ۳۱ یا ۳۲... که مرحوم انصاری قمی یکی از وعاظ مشهور ایران در قم منبر می‌رفت، هرگاه می‌خواست شخصیتهای گمنام را معرفی بکند، از جمله اسم آیةالله منتظری را می‌برد. می‌گفت ایشان مجتهد جامع‌الشرایط است.... مرحوم انصاری که روی منبر دربارهٔ بعضی از مراجع اظهار نظر می‌کرد، ایشان را به عنوان یك مجتهد جامع‌الشرایطی که این قدر بی‌هوا و بی‌نظر که دنبال کار خودش هست، این طور می‌شناخت.»

۳۱. حجةالاسلام والمسلمین سیدعلی اکبر قریشی، نمایندهٔ مجلس خبرگان: «من آیةالله منتظری را ـ بعد از امام ـ اعلم و از هر جهت شایسته و فقیه می‌دانم. او فقیهی است که احکام اسلام را از ابعاد گوناگون در نظر می‌گیرد. این شناخت به خصوص از اسلام است، چنان که امام امت مدظله العالی این

باب عظیم را به روی ملت باز کردند. فقیهی که در این بعد و گستردگی باشد، با دیگران قابل مقایسه نیست.»

۳۲. حجةالاسلام والمسلمین شیخ مهدی کروبی، نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی: «یکی از علمای جامع ما... آیةالله منتظری است.... از نظر علمی در محافل علمی اسلامی، در داخل و خارج کشور به عنوان یکی از مقامهای بزرگ به طور مسلم مطرح است.»

۳۳. حجةالاسلام والمسلمین سیدکاظم نورمفیدی، امام جمعهٔ گرگان: «طلاب وقتی وارد حوزه می‌شوند مشتاقند شخصیتهای برجستهٔ حوزه را بشناسند و از نزدیك آنها را ببینند. این جانب نیز در همین صدد بودم و خیلی مایل بودم اساتید و بزرگان حوزه را زیارت کنم (حدود سالهای ۳۶ - ۳۷). برجسته‌ترین شخصیتی که در میان اساتید و بزرگان حوزه بعد از حضرت امام روحی فداه و سایر مراجع فعلی جلب توجه می‌کرد، حضرت آیةالله منتظری بودند.»

۳۴. حجةالاسلام والمسلمین محمدحسین مجتهدی، امام جمعهٔ بهبهان: «در شخصیت علمی و فقاهت و تقوای حضرت آیةالله منتظری دامت برکاته هیچ گونه شك و تردیدی نیست و لیاقت و شایستگی مقام رهبری در وجود ایشان متبلور است.»

۳۵. حجةالاسلام والمسلمین سید علیمحمد دستغیب، نمایندهٔ مجلس خبرگان: «حضرت مستطاب آیةالله العظمی منتظری فقیه عالیقدر، به حق مرجعی است برجسته و فقیهی است مهذب و بازویی قدرتمند برای حضرت آیةالله العظمی امام خمینی و امیدی است برای امت مسلمان.»

۳۶. حجةالاسلام والمسلمین حاج سیدمحمد موسوی خوئینی‌ها، دادستان کل کشور: «آیت‌الله العظمی منتظری در این زمان صالح‌ترین فقیهی هستند که می‌توانند زعامت امت اسلامی را در خط رهبر عالیقدر انقلاب اسلامی مرجع تقلید حضرت آیةالله العظمی امام خمینی مدظله العالی بر عهده گیرند.»

۳۷. حجةالاسلام والمسلمین شیخ احمد جنیدی، امام جمعهٔ رودسر: «حضرت آیةالله العظمی حسینعلی منتظری بر حسب آنچه درك می‌شود بهترین و با صلاحیت‌ترین فقیهی است جهت مرجعیت شرعی اسلام و قائم مقامی حضرت امام روح‌الله الموسوی الخمینی مدظله.»

۳۸. حجةالاسلام والمسلمین شیخ محمد مروج امام جمعهٔ قوچان: «مقام علمی و فقهی حضرت آیةالله العظمی منتظری که خود فرزند فرزانهٔ فیضیه و حوزه است که حوزهٔ تدریس و شاگردانش گواه بر این معنی است بر کسی پوشیده نیست... ونیز شهادت صاحب نظران و فقهای بزرگوار بر مقام شامخ فقهی ایشان که خود از اهمیت خاص برخوردار است.»

یکی دیگر از شیوه‌های شناخت «فالاعلم» این است که اعلم زمان، مسائلی را که از او سؤال می‌کنند، اگر فتوا ندارد یا در آن مسائل احتیاط کرده است، آن مسائل را به شخص مورد نظر احاله می‌دهد تا آن شخص که فالاعلم است فتوای خود را بیان کند.

با توجه به مسائلی که امام خمینی به عنوان اعلم زمان برای پاسخ گویی و اعلام نظر به فقیه عالیقدر احاله کرده‌اند، فالاعلم این زمان نیز شناخته می‌شود.

چون در بخش مربوط به «مصاحبه با بزرگان انقلاب اسلامی در بارهٔ شخصیت آیةالله العظمی منتظری»، به این موضوع نیز پرداخته شده، در این بخش فهرست وار مسائلی را که حضرت امام خمینی به حضرت آیةالله العظمی منتظری احاله کرده‌اند، ذکر می‌کنیم. خوانندگان عزیز مشروح آن را در بخش مذکور مطالعه کنند.

۱. تعیین حدود موسیقی.
۲. تعیین اینکه جریمهٔ مالی به عنوان تعزیر جایز است یا نه؟
۳. تعیین حکم شرعی فرار از جبهه و مسائل مربوط به ارتش.
٤. نظر دادن در بعضی امور که نظر ولی فقیه لازم است.
۵. عفو زندانیان.

آنچه در صفحات گذشته نقل شد، به اختصار از میان مصاحبه‌ها و دستنوشته‌های این بزرگواران برگزیدیم و می‌تواند در زمینهٔ مرجعیت فقیه عالیقدر بعد از حضرت امام خمینی مورد استناد شیعیان جهان قرار گیرد.

از خداوند بزرگ مسئلت می‌داریم که طول عمر پربرکت امام امت را تا ظهور حضرت ولی عصر عج دوام بخشد تا همهٔ جهان اسلام بیش از پیش از وجود مبارکشان بهره‌مند گردند. انشاءالله.

بخش پنجم

فقیه عالیقدر در کلام اندیشمندان

یکی از شیوه‌های مؤثر در معرفی شخصیتهای برجسته که زندگی پرفراز و نشیبی را گذرانده و در ابعاد گوناگونِ حیات اجتماعی حضور فعالانه داشته‌اند، مراجعه به همراهان آنان و بهره‌گیری از نظرات و گنجینهٔ خاطرات ایشان است. زیرا در لحظه‌های گوناگون زندگی یك شخصیت، اتفاقات و رویدادهایی به وقوع پیوسته که جز در حافظهٔ آنان که در زمان و مکان رویداد حاضر و ناظر بوده‌اند، ثبت نگردیده است، و چه بسا یك اتفاق کوچك، که هیچ جا از آن یادی نرفته، در زندگی آن شخصیت، مبدأ پی‌آمدهای مکرر و سرنوشت‌ساز بعدی بوده است ــ که اگر تصویر روشن و دقیق آن از درون یادها به بیرون نیفتد و بر صفحات دفتر خاطرات روزگاران، که تاریخ دوران است، نقش نبندد، ابهامات از دامان حقایق و واقعیات پاك نخواهد شد.[1]

بعضی از شخصیتها، سوای بعد تحرك اجتماعی و پیوندشان با جریانات سیاسی ـ مبارزاتی زمان و جامعهٔ خود، بُعد عظیم‌تر و مهم‌تر علمی و دانش گستری یا ابعاد قابل طرح دیگری دارند که تنها با پرداختن به خاطرات و بر شمردن لحظه‌ها و حادثه‌ها در ازمنهٔ گذشته نمایان نمی‌شود، بلکه همتی والا، دانشی جامع و درکی درست از ابواب علمی مورد توجه آن شخصیت لازم است تا بتوان تصویر درستی از وی به دست داد.

حضرت آیةالله منتظری از جمله شخصیتهای ممتاز جامعهٔ اسلامی است که در ابعاد گوناگون علمی، مبارزاتی، سلوك شخصی و... به درجه‌ای رسیده است که پرداختن به آن کاریك وقایع نگار نیست. باید به سراغ کسانی رفت که بتوانند مجموعه‌ای از افکار و خاطرات خودشان را در خصوص شخصیت این

۱. آیةالله محمدفاضل لنکرانی در خاطرات خود می‌گوید «اوّلین زندان آیةالله منتظری، صبح فردای آن شبی بود که من و آیةالله منتظری و یك نفر دیگر از جامعهٔ مدرسین قم به منزل شریعتمداری رفتیم که از او بخواهیم به منظور اعتراض به تبعید امام خمینی، دو روز حوزهٔ درس خود را تعطیل کند، امّا او نپذیرفت و حتی به این عمل اعتراض هم کرد.» تفصیل خاطره را در همین بخش از کتاب می‌خوانید.

فقیه عالیقدر اظهار نمایند ـ یعنی کسانی که:

الف. مقام علمی و میزان تسلط وی را بر علوم الهی بشناسد،

ب. از مبارزات او علیه دستگاه ستمشاهی و امپریالیسم امریکا مطلع باشند،

ج. به میزان زهد، بی‌پیرایگی و خلوص ایشان آگاهی داشته باشند،

د. روند فعالیتها، پیشنهادها، درگیریها و خدمات معظم‌له را پس از پیروزی انقلاب اسلامی پی‌گیری کرده باشند،

ه . از محضر پر برکت و پربار وی تا اندازه‌ای کسب فیض کرده باشند،

و. خودشان از ابتدا در مراحل مختلف نهضت امام خمینی مدظله حضور داشته باشند.

برای یافتن این گونه افراد و کسب اطلاعات و نظراتشان، بیش از سه سال تلاش کردیم تا مجموعه‌ای نسبتاً مفید و آموزنده را گرد آوردیم ـ که اکنون در اختیار تاریخ پندآموز انقلاب اسلامی است.

بدیهی است هر یك از واحدهای متن این مجموعه، سوای پرداختن به ابعاد مختلف شخصیت آیةالله العظمی منتظری، بسیاری از حوادث و اتفاقات مربوط به انقلاب اسلامی را نیز دربر دارد. و از همین جاست که باید زندگینامهٔ فقیه عالیقدر را تاریخی از انقلاب اسلامی و مبارزات به حق امت مسلمان تحت زعامت روحانیت بیدار شیعه، خصوصاً رهبر اعظم، حضرت امام خمینی مدظله العالی دانست.

دربارهٔ مجموعهٔ نظرات علمای اعلام و فضلای بزرگوار حوزه‌های علمیه، چند نکته قابل ذکر است:

۱. این مجموعه، بسیاری از ابهامات موجود در جامعه پیرامون دوری و نزدیکی بعضی افراد و علاقهٔ آنها به حضرت آیةالله العظمی منتظری را از میان می‌برد.

۲. برای تهیهٔ این مجموعه به سراغ بسیاری از دانشمندان مبارز و خبرگان انقلاب اسلامی رفتیم. نظراتی که در اینجا آمده است همانهاست که تا کنون موفق به گرفتن آنها شده‌ایم. بعضی بزرگواران، علی رغم شوق و علاقه‌ای که برای این کار نشان داده‌اند، موفق به انعکاس نظراتشان نشده‌اند و امید می‌رود درآینده به گردآوری آنها نیز توفیق یابیم.

۳. سؤالاتی که به منظور مصاحبه با بزرگان انقلاب اسلامی انتخاب کردیم برای همه یکسان نبوده و با توجه به مسئولیت، سابقه و مقام علمی آنان از آنها نظر خواهی شده است.

٤. با بسیاری از این بزرگواران، مصاحبهٔ حضوری انجام گرفته که نوار صدایشان موجود است. بعضی هم پاسخ مکتوب داده‌اند. نظرات جمعی دیگر از آقایان را از میان سخنرانیها و مصاحبه‌هایشان با مطبوعات به دست آورده‌ایم که در این گونه موارد، منبع اخذ نظر ذکر شده است.

۵. برای اینکه جانب امانت را در نقل عبارات سروران عزیز نگه داریم از یکنواخت کردن نثر و شیوهٔ نگارش آنان پرهیز کردیم.

ضمناً مجموعه بر حسب حروف الفبای نام خانوادگی صاحبنظران مرتب شده است.

و امّا آنچه از این مجموعه باید نصیب شود، بهره‌گیری وافر از ویژگیهای زندگی فقیه عالیقدر و استفادهٔ سرشار از نعمت وجود چنین عالم بزرگواری، توسط طلاب حوزهٔ علمیهٔ قم و سایر علاقه‌مندان

به علوم اسلامی و الهی است. انشاءالله.

نظرات آیةالله احمد آذری قمی، نمایندهٔ مردم قم در مجلس شورای اسلامی (دورهٔ دوّم) و نمایندهٔ مردم تهران در مجلس خبرگان دوم. ۱۳٦٤/۱/۱۹

س. آشنایی شما با آیةالله العظمی منتظری از کی و چگونه آغاز شده است؟

ج.بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. در سال ۱۳۲۰ که در حوزهٔ علمیهٔ قم طلبه بودم آیةالله منتظری مدرسی بود که ادبیات درس می‌گفت. در آن زمان ما با مرحوم شهید آیةالله مطهری درس می‌خواندیم و بحث می‌کردیم و حضرت آیةالله العظمی منتظری معروف بود به اینکه مدرس خوبی است و درس خوب می‌دهد. بعد یکی دو سال ما رفتیم به بروجرد که حضرت آیةالله العظمی بروجردی آنجا بودند و تدریس می‌کردند. درس را خوب برای پسرشان می‌گفتند. لکن آنهایی هم که از قم آمده بودند شرکت می‌کردند ـ من جمله مرحوم شهید مطهری و آیةالله منتظری. آشنایی ما در حدود دو سه ماهی از آنجا شروع شد، یعنی در تابستانی که ما به بروجرد رفته بودیم. ایشان از شاگردان بنام و مورد توجه آقای بروجردی بود و در درس فقه و اصول شرکت می‌کرد. البته دوستی و آشنایی طلبگی آن قدر خرجی ندارد و یادم هست که تعدادی بودیم که برای تبلیغات برویم بیرون، و در آن موقع رسم بود که به مبلغین پول هم می‌دادند و ما قرار شد که پول نگیریم که حضرت امام خمینی که آن موقع به ایشان حاج آقا روح الله می‌گفتند و یك وجه مشترکی برای ما درست کرده و ما را به آقای بروجردی معرفی کردند، و آقای منتظری در آن زمان، هم در درس آقای بروجردی شرکت می‌کرد و هم از فضلا بود. و در درس حضرت امام نیز شرکت می‌کرد و با آقای مطهری درس خارج را نیز شروع کردند و اولین افراد درس خارج حضرت امام، آقای مطهری و آقای منتظری بودند که من در جریان طرح اعتبارنامهٔ مجلس تأکید کردم که اولین کسی که به امام ایمان آورد آقای منتظری بود و منظورم این بود که غیر از رابطهٔ درسی یك رابطهٔ دوستی بین آقای منتظری و مطهری و حضرت امام برقرار شد و ارتباط در آن موقع بیشتر از این مقدار نبود. از خصوصیات مرحوم آیةالله بروجردی این بود که درسش را اجازه نمی‌داد کسی چاپ کند و اجازهٔ اجتهاد نمی‌داد و خیلی در این جهت احتیاط می‌کرد. ولی در مورد آیةالله منتظری که کتاب *صلوة جمعه و نماز مسافر* را که تقریرات درس آن مرحوم بود، اجازه داد چاپ کند و آثارش هم موجود است و این یك امتیازی بود در حوزهٔ علمیه برای فاضلی که اجازه داده می‌شد قبلاً تقریراتش را چاپ کند.

از طرفی همه به خاطر دارند که مردم نجف آباد خیلی تأکید داشتند که ایشان را ببرند نجف آباد و در آنجا بمانند برای مردم که حضرت آیةالله بروجردی فرموده بودند آقای منتظری باید در حوزهٔ علمیه باشد و محصلین و همهٔ مردم استفاده بکنند. اجمالاً یك چنین عنایت و توجهی آقای بروجردی آن موقع به ایشان داشتند. همچنین در آن زمان آقای منتظری و آقای مطهری در خدمت امام فلسفه تلمذ می‌کردند. بعد از فوت آیةالله بروجردی چیزی که ما را به هم نزدیك‌تر کرد، نهضت حضرت امام بود. در آن زمان افرادی بودیم که همراه آقایان مدرسین به عنوان هیئت مدرسین جلساتی داشتیم در پی‌گیری و دنباله روی از امام. البته لازم به تذکر است که ما سابقه‌ای داشتیم که همان اواخر زمان آقای بروجردی یك

آیةالله آذری قمی در کنار آیةالله العظمی منتظری در نماز جمعهٔ قم

تشکیلاتی برقرار کردیم برای تشکیلاتی کردن حوزهٔ علمیهٔ قم که آقای منتظری هم جزء آن افراد بود. آن موقع پیشنهادهایی در این رابطه به مرحوم آیةالله بروجردی داده شد که ایشان هم تأیید فرمودند ولی بر حسب موقعیت و زمان آنجا ایشان فرمودند من نمی‌توانم اجرا کنم. بعد از آن هم دیگر نهضت حضرت امام پیش آمد که دیگر ما با هم خیلی نزدیك بودیم و همکاری شدیدی داشتیم. من جمله بعد از مسئلهٔ پانزده خرداد که امام را زندان کردند ایشان آمد اینجا. بعد ساواك ایشان را دستگیر کرد و در حضرت عبدالعظیم در سلولی نگه داشت که خودشان تعریف می‌کرد که خیلی ناراحت کننده بود و همین طور نزدیك بودیم تا سال چهل و سه و آن موقع که امام را تبعید کردند یك تشکیلاتی در حدود یازده نفر بودیم که همین آقای خامنه‌ای رئیس جمهور بود، اخوی ایشان آقای سیدمحمد خامنه‌ای بود و آقای هاشمی رفسنجانی و آقای مشکینی و آقای منتظری و آقای ابراهیم امینی و آقای مصباح و آقای شهید قدوسی و بعضی دیگر که تشکیلات سری و زیرزمینی بود با اساسنامه. البته اختناق خیلی شدید بود و امام را تبعید کرده بودند به ترکیه. تقریباً بر اثر فشار دستگاه تشکیلات هم به تعطیلی کشیده شد؛ ولی در اوّل سال چهل و پنج بود که آقای منتظری و شهید محمد منتظری را گرفتند و آقای ربانی شیرازی را، و بعد سیزده فروردین بود که من را هم در همان رابطه گرفتند و مدتی هم در زندان بودیم و در آنجا ایشان استقامت خیلی عجیبی داشت و البته ما بند یك بودیم ایشان بند دو بودند. از هم جدا بودیم و فاصله داشتیم ولی خلاصه استقامت عجیبی از خودش نشان می‌داد و آنها هم حساب خاصی برای ایشان باز کرده بودند و مثلاً چای به ایشان نمی‌دادند و شکنجه‌هایی که برای شهید محمد منتظری زیاد بود تا شش ـ هفت ماهی بعد هم آزاد شد و بعد از این مسئله نهضت که نوسان داشت گاهی حرکتهایی بود، گاهی سکوت بود ولی بالاخره کمابیش روابط ما ادامه داشت تا سال پنجاه و شش ـ پنجاه و هفت که مسئلهٔ انقلاب مجدداً شروع شد و ایشان از زندان آزاد شد و در جلساتی که جامعهٔ مدرسین داشت ایشان شرکت می‌کرد و در آنجا تصمیماتی گرفته می‌شد. مثلاً در مورد اعلامیه‌ها و رابطه با پاریس تا مسئلهٔ تحصن در دانشگاه که بودیم و ایشان هم مایهٔ امیدی بود برای جامعهٔ مدرسین و همهٔ مبارزین. در همان موقع در عین حال که با هم بودیم و همکاری داشتیم یك مایهٔ امیدی بود که مثلاً خدای ناکرده اگر مسئله‌ای برای امام پیش بیاید ایشان نهضت را رهبری می‌کند و ادامه می‌دهد و من یادم هست در سال پنجاه و سه بود که من در نائین تبعید بودم، این سؤال می‌شد، من به همین نکته اشاره می‌کردم و ایشان را به عنوان ذخیره‌ای برای رهبری به مردم معرفی می‌کردم. واقعاً وجود ایشان در مواقع حساس مایهٔ تسکین خاطر ما بود.

س. نقش روحانیت در ثمر دهی مبارزات مردم مسلمان و پیروزی انقلاب اسلامی تا چه اندازه بوده و خصوصاً حضرت آیةالله منتظری در این رابطه به عنوان یك روحانی مبارز چه نقشی داشته و دارند.

ج. من برای بعضی از مردم کشورهای خلیج فارس صحبت می‌کردم. می‌گفتم هر کجا که روحانیت آن جلودار باشد، پیشتاز باشد، در مبارزهٔ آنجا، امید پیروزی و موفقیت بسیار زیاد است و شاهد آن هم همین مبارزهٔ مردم تونس، مراکش، سودان و اینهایی که روحانیت در آنها نقش چندانی ندارد، موفقیت آن کم است و مرتب با اینکه قیامهای عجیبی می‌کنند در عین حال سرکوب می‌شوند. آنکه دنبال مبارزه

را می‌گیرد و خط می‌دهد، در عین اینکه خودش در غم و غصهٔ مردم واقعاً و عملاً شریك است، این می‌تواند یك مبارزه‌ای را به ثمر برساند و روحانیت ما هم که بحمدالله در زمانهای گذشته، از اوایل تأسیس حوزهٔ علمیه در قم این خصیصه را داشت که با مردم چه شهرها و چه روستاها کاملاً جوش خورده بود، در میان مردم بود، شاید به مناسبتهای مختلف چندین ماه را، ماه رمضان، ماه محرم و صفر وتابستان و فاطمیه و مناسبتهای دیگر در قراء و قصبات و شهرها می‌رفتند و آن تبلیغاتی که می‌کردند آن بذری بود برای اینکه نهضت بارور شود و ما نباید این ملت خوب امروز را که واقعاً سمبل و نمونه هستند، ساخته شدهٔ همین چند سال اخیر بگیریم.اگر بخواهیم خوب با دید عمیق نگاه کنیم باید بگوییم از کربلا و صدر اسلام پایه‌ریزی شده برای ساختن این مردم و اگر بخواهیم خیلی آن دورها نرویم باید از تأسیس حوزهٔ علمیه در قم نقشی که مخصوصاً روحانیت مبارز ایران و حوزهٔ علمیهٔ قم داشت در نظر بگیریم. امّا راجع به آیةالله منتظری همان طور که عرض کردم ایشان همیشه با آن فضل و مورد توجه بودن مرحوم آیةالله بروجردی، یك چنین فردی اگر در یك حوزه‌ای به یك طرفی متمایل شود و یك خطی را انتخاب بکند طبعاً طلاب و فضلایی را به دنبال خودش می‌کشاند و این مهم‌ترین نقش می‌تواند برای یك قائد دینی، به منظور مبارزه باشد و مخصوصاً اینکه خودش هم مکرر در مکرر زندان رفته باشد و استقامت نشان داده باشد این خودش تأثیر عجیبی در روحیهٔ مردم و طلاب و فضلا دارد.

در همان اوایل امر که حضرت امام خمینی با اینکه جزء افرادی بودند که از کاندیداهای مراجع محسوب می‌شدند و خود ایشان کنار کشیده بودند، ولی فردی که این نعمت را و این شخصیت را معرفی کرد و اصرار داشت در این موضوع، همین آقای منتظری بود. اینکه باعث شد حضرت امام رساله چاپ کنند و در حوزهٔ علمیهٔ قم شهریه بدهند، سعی و تلاش و کوشش ایشان بود و گرنه کسی نبود که زیربار آنها برود چه رسد که مثلاً شهریه بدهد. ایشان در وادار کردن امام به این مسائل نقش فعالی داشت.

بعداً در سال پنجاه و هفت که ایشان از زندان آزاد شد به اتفاق مرحوم آیةالله طالقانی روحیه‌ای عجیب به مبارزین داد. بنابراین نقش ایشان در جهت کشاندن روحانیت به مبارزه بسیار چشمگیر بود.

س. ضرورت وحدت مسلمین در حال حاضر چیست و آقای منتظری در این ارتباط چه نقش و فعالیتی داشته است؟

ج. وحدت که جای هیچ‌تردیدی نیست. نه تنها مسلمین بلکه هر قوم و ملتی بخواهد بر دشمن پیروز شود چاره‌ای جز وحدت ندارد و تا کنون هم هر چه ما در تاریخ اسلام ضربه خورده‌ایم از ناحیهٔ همین تفرقه بوده ـ چه صدراسلام و چه پس از آن. مثلاً در قرن دوّم هجری، بعد از واقعهٔ کربلا، زمینه خیلی فراهم بود برای حکومت حقیقی اسلام و حکومت ائمهٔ معصومین علیهم السلام؛ ولی عده‌ای به نام این خانواده و یا پسر عموهای حضرت صادق سلام‌الله علیه، اینها آمدند و بدون رهبری و قبول رهبری امام صادق ع و بدون مشورت با ایشان قیام کردند و همین جهت باعث شد که شکست خوردند و مصیبتهای زیادی هم به اسلام وارد شد و این خیلی احتیاج به دلیل و برهان ندارد که اگر یك جمعیتی متحد باشند کسی نمی‌تواند در آنها رخنه کند و آنها را شکست بدهد. از روز اوّل هم پیغمبر اکرم ص فرموده که مسلمین باید به منزلهٔ یك دست باشند در مقابل دیگران و اگر بنا شود که یك دست و متحد نباشند

پیداست که دشمن مسلط می‌شود و این مصیبتی است که پیغمبر در حجةالوداع یعنی در همان اواخر عمر شریفش فرمود. طبعاً همان چیزی که برتر از همه است و رهبران تذکر می‌دهند در وصیتنامه‌هایشان همین وحدت است.

قرآن کریم هم که می‌فرماید واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لاتفرقوا و در جای دیگر می‌فرماید: ولاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم و... در امتهای دیگر هم تفرقه ایجاد شد طوری که روایت می‌فرماید یهودیها هفتاد فرقه شدند، مسیحیها هفتاد و یك فرقه و مسلمانان هفتاد و دو فرقه. نتیجهٔ تفرقهٔ مسلمین است که می‌بینیم این مکتب با اینهمه ارزش و تعلیماتش و با این جمعیتی که دارد الآن سه میلیون یهودی بر آنان مسلط است و این صهیونیسم آنجور در لبنان جنایت می‌کند. بنابراین ضرورت وحدت بین مسلمین چه برای بدو نهضتها و چه برای تداوم نهضتها لازم است. یعنی اگر در بدو نهضت و در بقای آن تفرقه پیدا شود دشمن زود مسلط می‌شود چنانچه در نهضت مشروطیت این طور شد، در نهضت به اصطلاح نفت و مرحوم آیةالله کاشانی این طور شد و همچنین در نهضتهای دیگر دنیا. هر وقت شکستی برای نهضتی پیدا شده همان مسئلهٔ تفرق بوده و خوشبختانه امام و آقای منتظری با آن شدت مهارتی که در فقه شیعه دارند و تعلقی که به تشیع دارند و از اهل بیت ع پیروی می‌کنند، در عین حال این جهت را متوجه هستند که باید وحدت مسلمین هر روز محکم‌تر و قوی‌تر و منسجم‌تر شود و تنها خطری که این نهضت را تهدید می‌کند همین مسئلهٔ تفرق است. در صحبتهایی که امام داشتند تحلیل خیلی زیبایی می‌فرمودند که تقریباً به این عبارتها: بزرگ‌ترین جنایت این است که آدم کاری کند که وحدت این امت را آسیب پذیر کند و اخیراً آیةالله منتظری هم در رابطه با لبنان فرمودند که مرتجعین و استعمارگران دارند در آنجا بذر تفرقه را می‌پاشند. یعنی شیعه و سنی را به صورت احزاب و دسته‌جات مطرح می‌کنند و ایشان هشدار دادند و در همهٔ ابعاد نهضت ، آقای منتظری انصافاً پیش‌قدم و پیشتاز بوده و مسئلهٔ وحدت بین مسلمین و وحدت بین حوزه و دانشگاه و هر وحدتی که لازم است ایشان پیشنهاد کننده و طرح دهنده بوده و هفتهٔ وحدت و غیر از آن، فعالیتهایی است که ایشان مستمراً دارد و همیشه در تلاش است برای اینکه با دنیای اسلام ارتباط برقرار کند و نمایندگانی که ایشان فرستاده و یا می‌فرستد و یا اکنون در خارج دارد برای همین تحکیم وحدت اسلامی شیعه و سنی و همهٔ فرق اسلامی است. در این جهت هم ایشان نقش خیلی مؤثری دارد.

س. لطفاً بفرمایید نظرتان راجع به اقتصاد اسلامی چیست و آقای منتظری در این ارتباط چه نظراتی دارند؟

ج. عرض کنم که ما نظرمان از نظر امام و از نظر سایر فقهای اسلام جدانیست.

هم امام از فقهای بزرگ اسلام هستند و هم آقای منتظری و سایر فقهای گذشته و آن که مایهٔ تفکر همهٔ ما را تشکیل می‌دهد، چه در اقتصاد و چه غیر اقتصاد، همان تعبّد به احکام اسلام است و ما اقتصاد اسلام را همان طور که جنگ و جهاد آن را ممتاز می‌دانیم و هیچ چیزی را به پای آن نمی‌دانیم اقتصادش هم همان طور. یعنی حقیقت مطلب این است که همان تعبد به اسلام است که ما را معتقد کرده به اینکه در راه دقیق فقه، فقه اسلام را داشته باشیم و همان است که مؤثر می‌شود. یعنی اقتصاد

اسلام مثل همهٔ چیزهای آن، مثل تزکیه، برپایهٔ تقرب خداوند تبارك و تعالی است. در عین حال در همین جهات مادی هم اعتقادمان این است که اگر هدف اقتصاد را بالا بردن تولید ناخالص ملی یك کشوری بدانیم، عمل کردن به همین احکام و ریزه‌کاریهایی است که در فقه است. آنگاه در جهت اقتصاد هم از همهٔ کشورها بالاتر می‌رویم. اعتقاد ما نسبت به اسلام واقعی است و می‌گوییم اقتصاد همه جانبهٔ اسلام، حالا که زمینه دارد اگر اجرا شود همهٔ مشکلات رفع می‌شود. عمدهٔ اقتصاد اسلام همان مالکیت شخصی است. مالکیت شخصی را اسلام به آن خیلی اهمیت داده و نباید این مسئله ضربه بخورد واگر خدا نکرده یك مقداری ضربه بخورد و اگر امنیت اقتصادی متزلزل شود و آسیب ببیند اسلام خیلی ضربه می‌خورد و خوف و نگرانی و هراس ما از این جهت که دشمن بر ما تسلط پیدا کند نیست، مگر از راه اقتصاد، و خدا نکرده اگر روزی در اقتصاد شکست بخوریم و بخواهیم به سلیقهٔ خودمان عمل کنیم و بی‌توجهی به خصوصیات فقهی کنیم ما قطع داریم به اینکه شکست می‌خوریم. و از همین راه در نهضت هم شکست می‌خوریم که خیلی باید به این موضوع حساس باشیم. خون شهدا از بین نرود که اینهمه فداکاری و ایثار شده، پس جواب سؤال این است که اقتصاد ما همان احکام فقهی است که در فقه راجع به اقتصاد است و معتقدیم به اینکه کارساز است و استعدادها را کاملاً شکوفا می‌کند و ما اگر در این مرز حرکت کنیم حتماً از نظر معنوی و مادی از دنیا جلوتر خواهیم بود. و طبعاً کسی منکر مسئلهٔ ضرورتها و عناوین ثانویه نمی‌تواند بشود. ما در فقه داریم به عنوان عناوین ثانویه که آقای منتظری هم در همان اوایل پیروزی انقلاب به این مسئله راجع به تقسیم اراضی و مسئلهٔ ولایت فقیه توجه داشت و تأکید هم داشت ولی خوب می‌دانید که مسئلهٔ ضرورتها همیشه نمی‌تواند یك پایه و اصل بشود برای اقتصاد کشور و همه‌اش حالتهای استثنائی و ضرورتها داشته باشیم. باید رفت سراغ همان عناوین اولیهٔ اسلام و توجه دارید که این دو سه سال اخیر رهنمودهایی که آقای منتظری دادند در رابطه با اقتصاد، سوق دادن به همان احکام اولیهٔ فقه است. از پیشنهادهای خیلی جالبی که آقای منتظری در حل مسئلهٔ قضاوت داده بود مسئلهٔ قاضی تحکیم بود که اینها خیلی جالب بود که همه از فقه غنی ما سرچشمه می‌گیرد.

س. مبانی فقه و فلسفه در اسلام چیست و آیة‌الله منتظری برای گسترش آن چه فعالیتهایی داشته است؟

ج. مبانی فقه ما از *قرآن* و وحی و سنت پیغمبر سرچشمه گرفته که ارزش آن روشن است ــ چه در بعد اقتصادی چه ابعاد دیگر ــ و ارزش آن همان ارزشی است که پیغمبر اکرم ص تحلیل می‌کند: کتاب الله و عترتی. کتاب الله ثقل اکبر و عترتی ثقل اصغر، یعنی مبنای فقه در اسلام، احکام اسلام را بالاتر از خود ائمه علیهم السلام پیغمبر اکرم می‌داند. حضرت زهرا سلام الله علیها نیز راجع به حدیث که مبنای حکم اخلاقی است به فضه می‌فرماید که به قدر حسن و حسین برای ما ارزش دارد. باز مبانی فقهی روشن است و در مدار همان ارزش وحی است که هیچ تردید و ابهامی در آن وجود ندارد ــ بر خلاف آنچه که در مکاتب دیگر وجود دارد که همه از فکرهای علیل بشری سرچشمه گرفته است.

در این بعد هم آقای منتظری را، حضرت امام، فقیه عالیقدر و بزرگواری می‌شناسند. تا آن مقدار که من یادم هست در رابطه با فقه و مبانی فقهی یك مجمعی آقای بروجردی تشکیل داده بود راجع به کتاب

وسائل الشیعه که ایشان در تنظیم این کتاب شرکت داشت و این خودش یك خدمت بزرگی است که دوازده جلد آن کتاب چاپ شده است.

راجع به فلسفه هم باید گفت فلسفه اوّل از یونان آمده امّا خوشبختانه، چه در کلمات پیغمبر اکرم ص و چه ائمهٔ هدی ع و چه در *قرآن*، اینها فلسفهٔ اسلامی را کاملاً تغییر داده و الآن ایدئولوژی ما یعنی ایدئولوژی اسلامی، تثبیت و تحکیم آن به وسیلهٔ مبانی فلسفه می‌شود که هم در *نهج‌البلاغه* و جاهای دیگر است و هم الحمدلله فلاسفهٔ ما حالا چه مشائین آنها و عرفای آنها خلاصه در این جهت به حدّ وافر داریم که مقایسه بکنیم با فلسفه‌هایی که از غرب تراوش کرده و می‌بینیم که خیلی بین آنها فاصله است ـ فاصله بین زمین تا آسمان. والحمدلله آقای منتظری در این جهت تدریس فلسفه هم داشته‌اند.

س. لطفاً بفرمایید زیّ طلبگی یعنی چه و آیةالله منتظری در رابطه با زندگی شخصی چه خصوصیات و امتیازاتی دارند؟

ج. زیّ طلبگی همان زندگی ساده است. سادگی و تجمل نداشتن در زندگی طلبگی از چیزهایی است که در زندگی، حکم پایه و حکم اساس را دارد. یك چیزهایی است که اگر نباشد جایی خراب نمی‌شود. اگر از قدیم الایّام زندگی علما را ملاحظه بکنیم آنها زندگیشان چه از نظر خوراك و منزل، چه از نظر وسایل منزل و اینها خیلی ساده بوده. مرحوم شیخ انصاری، مرحوم مقدس اردبیلی و... افرادی بودند که واقعاً سمبل زهد و بی‌اعتنایی به دنیا بودند و زندگی آنها خیلی خیلی ساده بوده و حالا هم نظر حضرت امام و آقای منتظری که تعبیر کرده‌اند به زندگی وزیّ طلبگی، یعنی همان سادگی در زندگی و نداشتن تجمل و در مصرف اسراف نکردن و با مردم جوشیدن که این هم جزء خصیصه‌ها و ویژگیهای طلبگی است که از مردم فاصله نداشتن و در میان مردم بودن و ارتباط مستمر با مردم داشتن. اینها زی طلبگی است و از خصوصیاتی که اتفاقاً نظر خود من را جلب کرده در مورد آیةالله العظمی منتظری این مسئله است که ایشان در زندگی شخصی خیلی بی آلایش است و خیلی ساده زندگی می‌کند. از نظر روحیه و اخلاق طلبگی ایشان انصافاً در این جهت باز امتیاز دارند که به خودش چیزی را نمی‌گیرد و مقامی برای خودش قائل نیست و هم از نظر طرز زندگی و اخلاق و برخورد با اشخاص مختلف واقعاً همان اخلاق کوخ نشینی را دارد.

س. به عنوان سؤال آخر بفرمایید که ارزش و مقام حوزه‌های علمیه در جوامع اسلامی چه اندازه است و ایشان تا چه اندازه توانسته‌اند در نظم دادن به حوزهٔ علمیهٔ قم مؤثر باشند؟

ج. راجع به حوزه‌های علمیه حوزه‌های علمیه و عملیه هر دو آن خصوصیتش این است که آن طور که *قرآن* هر دو را راجع به پیغمبر اکرم می‌فرماید که یزکیهم و یعلمهم الکتاب، چون بنای حوزه‌های علمیه تنها به اصطلاح علم نیست، علم و عمل است، و اگر شاگردی قبلاً پیش استادی درس می‌خواند هر دو جهت مورد نظر و توجه است، نه تنها علم، و اگر استادی هم به شاگردش توجه دارد باز هر دو جهت مورد نظر است.

پیداست که آنجا که معلم ایدئولوژی را تربیت می‌کند، در کجا قرار دارد در صدر قرار دارد. هر چه ارزش و پایه و اساس است برای ترقی ملتی که دارای ایدئولوژی اسلامی است در آنجا تأمین می‌شود.

اگر قاضی است بر پایهٔ قضای اسلام باید قضاوت کند. اگر مسئلهٔ ولایت فقیه است، فقیه مدیر و مدبر با بینش سیاسی و نشئت گرفته از اسلام، باید در حوزه‌های علمیه تربیت شود و هر چه هست بالاخره باید در حوزه‌های علمیه پیدا شود. البته دانشگاه هم که نقشش روشن است برای ادارهٔ کشور. ما متخصص و مهندس و دکتر می‌خواهیم. البته این یك قسمت کار است و قسمت مهم و مهم‌تر آن است که در حوزه‌های علمیه تأمین می‌شود. بنابراین نقش حوزه‌ها خیلی روشن است. اماً راجع به نقش آقای منتظری در تشکیل حوزه: عرض کردم که از سال ۱۳۳۷ که جلسه در رابطه با تشکیلات حوزه تشکیل شد ایشان نقش مؤثری داشت که البته چندان موفقیتی حاصل نشد آن موقع، و ایشان از اوّل در این فکر بوده و الآن از افرادی که جداً طرفدار تشکیلات و نظم در حوزه‌های علمیه است، ایشان است. مسئلهٔ شورای مدیریّت که در حوزهٔ علمیه دو سه سال است تشکیل شده به پیشنهاد ایشان بود و اصرار ایشان به امام، که معظم‌له هم اجازه دادند و الآن شورای مدیریت در حوزه است که خیلی مؤثر است و در قسمتهای دیگر هم باز ایشان پیشقدم بوده و نقش فعالی دارند و همیشه در این فکر هستند. والسلام.

از دفاعیات آیةالله آذری قمی در مجلس شورای اسلامی

«در سال ۱۳۲۲ یا ۱۳۲۰ که من طلبه شدم آیةالله العظمی منتظری واقعاً یك طلبهٔ مبرزی بود. یعنی ایشان را من از چهل سال پیش از این کشف کردم ـ زمان آیةالله بروجردی. آیةالله العظمی بروجردی بر هیچ کس حاضر نبود که تقریظ بنویسد و نوشته‌های علمیش را و یا علمیتش را اجازهٔ اجتهاد بدهد و ایشان روی آیةالله العظمی منتظری واقعاً تأکید داشت. نجف آبادیها آمدند ایشان را ببرند. آیةالله بروجردی تأکید بر این داشتند که باید آقای منتظری در قم باشند و بعد هم در جریان مبارزات که البته ما یك سنگر کوچکی بودیم نه اینکه خودمان را بخواهیم در ردیف ایشان قرار بدهیم، در جامعهٔ مدرسین همسنگر بودیم تا سه سال قبل، و این مسئله‌ای بود که ایشان هم [می‌دانند]. من خودم یادم هست که ما می‌خواستیم اساسنامهٔ جامعهٔ مدرسین را ثبت بدهیم. به ایشان تلفنی اصرار کردیم که آقا شما از مؤسسین جامعهٔ مدرسین هستید. شاید آقای هاشمی (رئیس مجلس) یادشان بیاید در سال ۱۳۳۷ در زمان آقای بروجردی در قم جامعهٔ مدرسین ـ به اسم هیئت مدرسین ـ تأسیس شد . ایشان حرفشان این بود:هر چه [من اصرار کردم] ایشان فرمود که من چون نمی‌توانم در جلسات شرکت بکنم نمی‌توانم پاسخگوی تصمیمات باشم.بنابراین مرا معاف بدارید. گفتیم خوب این یك حرف منطقی و درستی است، ولی ایشان فردی است که برای حوزهٔ علمیه و برای جامعهٔ مدرسین بسیار مفید است. «اوّل مَن آمن بامام» ایشان بوده و «اوّل من آمن به ایشان» خود من بودم. یعنی من کسی را سراغ ندارم که زودتر از من ایشان را به عنوان مرجعیّت و رهبری، حداقلش مسئلهٔ رهبری،حالا آن مرجعیتش یادم نیست [معرفی کرده باشد]. شاید بعضیها فکر بکنند که می‌خواهم تملق بگویم، نه، عرض کنم در سال ۱۳۵۲ که در نائین بودم مراجعاتی که می‌شد من می‌گفتم انشاءالله بعد از هزار سال دلمان به آقای منتظری خوش است و مطمئن هستیم و امیدواریم... بنابراین راجع به آیةالله العظمی منتظری اعتقاد من این است و این خواهد بود... » ـ نقل از مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی. ۱۳۶۳/۵/۹.

در شمارهٔ ۳۵ مجلهٔ *پاسدار اسلام* مورخ آبان ۱۳٦۳ متن گفت و گویی با آیةالله آذری قمی پیرامون ولایت فقیه و پاره‌ای از مسائل اقتصادی چاپ شده که یك سؤال این گفت و گو در مورد حضرت آیةالله العظمی منتظری است که عین آن سؤال و پاسخ آیةالله آذری قمی را در اینجا نقل می‌کنیم.

سؤال. جناب عالی به عنوان یکی از اعضای مجلس خبرگان و یکی از مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم، نظر مبارکتان را در مورد «فالاعلم» و شخصیتی که از نظر رتبه، بعد از حضرت امام خمینی دام ظله قرار دارند بیان فرمایید.

جواب. همان گونه که اشاره کردید من عضو خبرگان هستم و در این اجلاسیهٔ سال دوّم، کمیسیون ۱۰۷ و ۱۰۹ تشکیل شد و من هم از اعضای آن کمیسیون هستم که وظیفهٔ آن کمیسیون، بحث پیرامون مسائل مرجعیت و رهبری و بهترین شیوه برای انتخاب رهبر می‌باشد، لذا بهتر می‌دانم که از اظهار نظر در مورد شخص به خصوصی خودداری کنم که در حقیقت یك پیشداوری نباشد و من با این پیشداوریها که برخی می‌کنند مخالفم زیرا اعتقادم این است که اگر از راه مجلس خبرگان و بحث و تحقیق پیرامون افرادی که در مظان این جهت هستند وارد شویم و از نظر علمی مسائل را بررسی کنیم و یك شیوهٔ کلی اتخاذ نماییم بهتر و درست‌تر است، زیرا اگر از راه تحقیق و بررسی دقیق و بحث بی‌طرفانه به مسئله برسیم نه تنها در جامعه بهتر جا می‌افتد که در دنیا نیز مورد قبول واقع خواهد شد.

و امّا راجع به شخص حضرت آیةالله منتظری، در موارد مختلف نظر خود را عرض کرده‌ام و حتی در مجلس و در جلسات خصوصی ـ و شاید عمومی ـ نظرم را در مورد ایشان، هم از نظر ویژگیهایی که در ایشان هست و هم از نظر علمیت صحبت کرده‌ام.

آنچه الآن می‌توانم بگویم این است که در علما ومراجع سابق ما شیوه‌ای مرسوم بوده که اگر فردی را به عنوان فالاعلم می‌خواستند معرفی کنند، این بود که اگر مسئله‌ای از مرجع وقت سؤال می‌شد و ایشان نظری در آن نداشتند ـ و نظرشان مثلاً احتیاط بود ـ یا به طور جزئی می‌گفتند در این مسئله به فلان شخص مراجعه کنید و یا هم به طور کلی می‌گفتند احتیاطات را به فلان شخص مراجعه کنید. و این شیوه‌ای بوده است که حاضرین آن را ملاك می‌گرفتند برای فالاعلم.

من یادم می‌آید که پس ازوفات‌مرحوم سیدابوالحسن اصفهانی جمله‌ای نظیر همین که عرض شد دربارهٔ مرحوم آیةالله العظمی بروجردی از ایشان شنیده شده بود و همین ملاکی برای مرجعیت آیةالله بروجردی در میان جامعه و حتی اهل علم قرار گرفت.

در مورد آقای منتظری، من نظر شخص خودم را الآن صلاح نمی‌دانم بگویم روی همان حساب و موقعیت که گفته شد، ولی دو سه مورد شنیده‌ام که امام مدظله العالی بالخصوص مسائلی را به آقای منتظری ارجاع کرده‌اند.

در یکی دو سال قبل از شورای سرپرستی صداوسیما شنیدم که از امام درخواست کرده بودند که حد و حدود موسیقی و غنا را برای ما مشخص بفرمایید که مورد عمل قرار گیرد. ایشان ارجاع فرموده بود به آقای منتظری.

یکی هم ـ ظاهراً ـ در مورد تعزیرات بود که آیا تعزیرات شامل تعزیرات مالی هم می‌شود و

جریمه‌های مالی از مسائل تعزیرات است یا نه؟ این هم آن طور که نظرم هست، از برخی از اعضای شورای عالی قضایی در یکی دو مورد شنیدم که یك مورد را یقین دارم که امام فرموده بودند: من خودم حتی نظرم مخالف با این مطلب است ولی به آقای منتظری مراجعه کنید، اگر ایشان نظر داد، درست است و شما به آن عمل کنید.

این ملاك و نشانه‌ای است که بین سلف از علما و مراجع معمول بوده و خود ملاکی است که امام، ایشان را به عنوان فالأعلم می‌شناسد.

نظرات حجةالاسلام والمسلمین صادق احسان بخش نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ رشت و نمایندهٔ مردم استان گیلان در مجلس خبرگان دوم. آبان ۱۳۶۲

«آیةالله العظمی منتظری از نوابغ روزگار است، از نوابغی که در روزهای نوجوانی ـ با توجّه به اینکه من با ایشان فاصلهٔ سنی کمی دارم (حدود هشت سال)، یعنی وقتی که ایشان جوان بود و من نوجوان‌تر ـ در حوزه، نبوغ، جزئی از سیمای ایشان بود. در محضر آیةالله العظمی بروجردی شاید از جهت درك مطالب و تقریرات آن مرحوم شاخص‌ترین بود. محبوبیّت خاصی داشت. یعنی فقط قشر خاصی نبود که او را دوست داشته باشد. آیةالله منتظری اکثر روحانیون بلاد را به نام می‌شناسد. شاید در رشت ۲۰ و در گیلان ۵۰ روحانی و آخوند را ایشان به نام بشناسد. این نشان می‌داد که آقای منتظری فقط روحانی اصفهان نبود. با شاگردانش هم دوست بود و مربی. ما پیش او هیچ وقت احساس هیمنه نمی‌کردیم. الآن وقتی به نزد او مشرف می‌شویم مثل این است که به زیارت بزرگمان رفته‌ایم. انسان چطور پیش برادر بزرگ خودش راز دلش را سفره می‌کند، ما پیش آقای منتظری این طور فکر می‌کنیم که داریم برای برادر بزرگمان درد دل می‌کنیم. در سطح مملکت روحانیت نسبت به آیةالله العظمی منتظری این نقش را دارد. او نسبت به روحانیت شناخت دارد و روحانیت نسبت به او. مسئلهٔ مهم‌تر اینکه بعد از وجود مبارك امام که به زندان برده شدند و به عراق تبعیدشان کردند، کسی که توانست خط سیر و فکر امام را در حوزه پیاده کند و نقش انقلابی امام را به روحانیت منتقل کند آیةالله منتظری بود.

ایشان با داشتن افکار عالیه و شناختی که مبسوطاً از روش و فکر امام داشتند، امام را به عنوان یك رهبر نستوه و مجاهد و یك رهبر عدیم‌النظیر پذیرفت. با اینکه خودش می‌توانست مانند دیگران در گوشه‌ای بنشیند و درسی و بحثی بگوید، این کار را نکرد. الآن تمام حالتهای کسالت و ارتعاش که در ایشان هست همه بر اثر شکنجه‌هایی است که در زندان به دلیل ادامهٔ راه امام بر وجود مبارکش متحمل شد: تبعیدها، زندانها، شکنجه‌ها، مشاهدهٔ شکنجهٔ پسرش در مقابل چشمش. از مجموع این حرفها حاصل می‌شود که او از نوابغ و کسی است که می‌تواند برای امام دستی و برای اسلام آبرویی باشد. چون آن روحیهٔ بزرگ امام و آن صلابت و سرسختی امام و آن درك و فتانت امام در ایشان هست و مطالب را خوب تجزیه و تحلیل می‌کنند. من با همهٔ مشکلاتی که دارم مقیّدم وقتی مطالبی از آقای منتظری در روزنامه می‌بینم آنها را مطالعه کنم. آیةالله منتظری امیدی برای همهٔ ملّت ایران و مخصوصاً جامعهٔ روحانیّت و مردم انقلابی است.» ـ نقل از مجلهٔ *پیام انقلاب*، مورخ اوّل آبان ۱۳۶۲.

«تربیت شدگان امام قلیل بودند، بعضی از آنها پیراهن تقیه پوشیده بودند ولی بعضی توانستند خصوصیات اخلاقی و روند فکری امام را طابق النعل بالنعل با تفاوت مراتب فضلی، مقداری از امام بگیرند.

روح آقامنشی، روح بزرگواری، روح اخلاق اسلامی، روح تربیت صحیح، روح تدریس، روح انقلابی، روح زیربار ستم نرفتن، روح ترس و وحشت در دل از ابر قدرتها نداشتن، روح درك زمان و اینکه اسلام یك آیین حکومت است نه تنها یك آیین فتوی، پیغمبر ص آمد حکومت کند، *قرآن* را قانون حکومتی معرفی کند نه کتاب مقدس تشریفاتی بالاسری، نه برای خواندن در مقابر، این کتاب عمل قرار داد. سنن و احکام رسول ص به خاطر تشریفات نیامده بود، بلکه آمده بود که به اینها عمل بشود، نه اینکه استنباط و استدلال را یك کسی ۵۰ سال برائت، حجیت ظن، حجیت الفاظ و... بعد از یك عمر یادگرفتن، بعد بروند در شهرها و روستاها بگویند بسم‌الله‌الرحمن الرحیم، شك بین سه و چهار این است فتوی هم نقل بکنند، هر چه هم یاد گرفتند بعد از طی ده پانزده سال همه را فراموش کنند!! این خصوصیتهای وجودی امام بود.

معمولاً در هر باغی که گلی بروید، میانهٔ آن گلها بعضی از گلها شکوفاتر می‌شوند و خوشبوتر و عطرش بهتر می‌شود و همچنین بعضی از شاگردان گل سرسبد می‌شوند. شاگردان زیادی از امام در حوزه داشتیم و داریم ولی اگر بخواهیم نمونه‌ای را از امام پیدا بکنیم که بالاترین فیض را از امام گرفته باشد، بتواند آن نور که در امام هست و آن قدرت روح که در امام هست، آن جلوه که در امام هست، آن محبت که در امام هست، آن شناخت که نسبت به شاگردانش در امام هست، آن رابطه که با روحانیت در امام هست، آن صلابت که در امام هست، آن نفوذ کلمه که در امام هست، آن بینش سیاسی که در امام هست، آن حدّت و شدّت که در امام هست، آن لطف و مهر که در امام هست، آن خشم و قهر که در امام هست، آن را در وجود حضرت آیة‌الله العظمی منتظری پیدا بکنیم، امّا آیة‌الله منتظری را نه امروز به عنوان یك آیة‌الله منتظری بدانیم. ما که از کوچکی پای درس و بحثش می‌رفتیم، یك روح پدرانه و یك روح دوستانه و یك بینش عالمانه و یك خط سازنده داشته است و شناخت من با آقای منتظری از سال ۱۳۲۷ است و من در سال ۲۷ ـ ۲۸ پیش آقای منتظری *لمعه* خواندم. پس شناختم دربارهٔ آیة‌الله منتظری مربوط به بعد از انقلاب نیست، از سال ۱۳۲۷ و ۱۳۲۸ که ما مدرسهٔ حاجی بودیم، ایشان هم در مدرسه رفت و آمد زیاد داشتند و خانه‌شان هم در همان کوچه بود. وقتی که اعلامیه‌شان پارسال در عربستان سعودی پخش می‌شود، برای ملك فهد از هر بمب اتمی کشنده‌تر و خطرناك‌تر بوده است که مستقیم نشانه را می‌زند. زیرا که دید سیاسی و جهانی دارد. برداشت حکومتها و نحوهٔ افکار حکومتها را تشخیص می‌دهد. در ملتها شناخت دارد. در خود جامعهٔ امروز زندگی می‌کند. جامعه‌اش را می‌شناسد و با علما رابطه‌اش رابطهٔ حسنه است. در هر حال گلی که برای ما بوی امام داشته باشد آیة‌الله منتظری است.» ـ نقل از مجلهٔ *پاسدار اسلام*، شمارهٔ ۲۳، آبان ۱۳۶۲.

نظرات شهید محراب آیةالله حاج شیخ عطاءالله اشرفی اصفهانی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ باختران

چهارمین شهید محراب حضرت آیةالله اشرفی اصفهانی در قسمتی از زندگینامه‌اش پیرامون فعالیّت ایشان به منظور تبیین مرجعیت حضرت امام خمینی و همراهی با علمای اسلامی در فعالیتهای علمی و سیاسی، دربارهٔ حضرت آیةالله منتظری نظراتی داده است که در این جا نقل می‌شود:

«عمدهٔ کار ما در اینجا معرفی امام بزرگوار بود به عنوان ولی فقیه و به عنوان مرجع تقلید، نه تنها در این سنوات آخر در این دو سه سال انقلاب بلکه قبلاً هم بنده فامیل خودم را که تقریباً شاید حدود دو سه هزار نفر از جمعیت از فامیل پدر و مادر و همسرم ما همه‌شان را در همان اوایل ده پانزده سال قبل از این ارجاعشان دادیم به خود امام بزرگوار و گفتیم باید از ایشان تقلید کرد و نسبت به علمای دیگر هم خوب البته مورد احترام ما بودند و لیکن نظر تقلید داشتیم به ایشان و این هم مکرراً همین جا هم اعلام کردیم برای آگاهی مردم که خیال نکنند نظر من تنها است به امام بزرگوار.

الآن شهدای محرابی که ما داشته‌ایم سه نفر شهید محراب، آیةالله دستغیب که می‌گویند وقتی سؤال می‌کردند می‌گفت جای سؤال نیست اصلاً که شما سؤال بکنید از کی باید تقلید کرد، مسئلهٔ مرجعیت امام بزرگوارشل کالشمس فی‌النهار معلوم است، جای سؤال نیست. و مرحوم آیةالله صدوقی که ما از چهل سال قبل با ایشان از نزدیك ارتباط داشتیم و خیلی ایشان نسبت به بنده لطف داشتند و اجازه‌ای که مرحوم آیةالله بروجردی راجع به امور حسبیه و وجوهات نوشت به خط ایشان و به امضا و مهر آیةالله بروجردی بود، از سوابق: ما درسی چهل سال قبل کاملاً مربوط بودیم ولیکن خوب آیةالله دستغیب را نه خیلی از نزدیك. بعد از ایشان هم آیةالله مدنی که با ایشان هم از نجف و بعد هم در خود ایران از نزدیك با ایشان تماس داشته‌ایم. غرض این است که این جور اشخاص و این شهدای محراب و آیةالله منتظری و آیةالله مشکینی و فقهای شورای نگهبان اینها تمامشان متفقاً نظرشان به شخص امام بزرگوار بوده و علمایی هم که ما در قم با آنها بوده‌ایم الآن یکی دوتاشان در قید حیات هستند که یکی‌شان آیةالله منتظری است که می‌توان گفت درآینده کسی که ما می‌توانیم اشاره به آن کنیم و بگوییم مرد فقیه و پاسدار دین و آن سیاست واقعی که سیاست اسلام می‌باشد فعلاً آیةالله منتظری است ولو سن ایشان از بعضی مراجع دیگر کمتر است ولیکن امتیازات ایشان زیاد است و نسبت به امام اینها همه شاگرد امام بوده‌اند و ایشان خودش افتخار شاگردی امام را دارد و از خداوند تقاضایمان این است که انشاءالله خداوند عمر طولانی به امام لطف بکند. همان خواستهٔ مردم و دعای مردم که تا انقلاب بزرگ امام عصر ارواحناله الفداء خداوند عمر با برکت این مرد را مستدام بدارد. ولیکن خوب حالا در حوزه هم اشخاصی که مایهٔ امید است و امام هم کاملاً به ایشان نظر دارند و هم مردم، در میان موجودین فعلاً آیةالله منتظری است که واقعاً شایستگی از هر جهت را دارد.» ـ نقل از کتاب *عروج به ملکوت در مهر خون*.

نظرات آیةالله محمد امامی کاشانی از فقهای شورای نگهبان و نمایندهٔ مردم استان تهران در مجلس خبرگان دوّم. ۱۳٦۳/۷/۱

س. حضرت آیةالله امامی کاشانی لطفاً در مورد این که آشنایی با آیةالله منتظری از کی و چگونه آغاز شده است توضیحاتی ارائه بفرمایید.

ج. حدود ۳٤ الی ۳۵ سال پیش، وقتی که در سن ۱۷ الی ۱۸ سالگی بودم و در کاشان زندگی می‌کردم آیةالله منتظری که در آن هنگام یك طلبهٔ فاضل در حوزهٔ علمیهٔ قم بودند به کاشان سفری نمودند. آن زمان یکی از فقهای بزرگ کاشان به نام آیةالله العظمی سیدعلی‌یثربی و همچنین فضلای قم، نجف، خیلی به ایشان توجّه داشتند و به طور کلی مورد توجّه تمام علمای بزرگ شیعه بودند. آیةالله منتظری که به کاشان آمدند در یك مجلس از ایام عاشورا خدمت ایشان رسیدم و در آنجا هم حضرت آیةالله منتظری صحبت فرمودند. زمانی که موفق شدم برای ادامهٔ تحصیل عازم قم شوم، ایشان در مسجد عشقعلی قم درس لمعه می‌گفتند و شاگردان بسیار زیادی هم داشتند. بنده هم در درس لمعهٔ ایشان شرکت کردم. روزی درس که تمام شد به من فرمودند شما امامی کاشانی هستید که در کاشان آن زمان ما همدیگر را دیدیم؟ آشنایی ما بدین گونه آغاز شد.

س. لطفاً رابطهٔ حضرت آیةالله منتظری در زمینهٔ علمی و مبارزاتی با امام را تشریح بفَرمایید.

ج. آیةالله منتظری از فضلای برجستهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم بودند در زمان مرحوم آیةالله العظمی بروجردی؛ امّا در خدمت امام نیز درس خارج خوانده‌اند. ایشان و استاد شهید آیةالله مطهری هر دو در خدمت امام درس خوانده‌اند. من آن موقع درس امام نمی‌رفتم و دورهٔ بعد موفق شدم درس اصول را مدّت هفت سال در خدمت امام باشم، یعنی ما در دورهٔ دوّم بودیم و حضرت آیةالله منتظری و استاد شهید مطهری در دورهٔ اوّل بودند. و می‌شنیدم که جلسهٔ درس خیلی پر سر و صدا و جنجال است. و اشکالات زیادی آیةالله العظمی منتظری و شهید مطهری می‌نمودند و حضرت امام پاسخ می‌دادند و به اصطلاح یك بحث عمیق و پر از سؤال و جواب بود و این دو نفر مورد لطف فراوان حضرت امام بودند.

س. نقش ایشان در مبارزات ملّت ایران را برای ماترسیم بفرمایید.

ج. از همان اوّل آشنایی بنده با آیةالله منتظری پیدا بود که ایشان یك مرد فاضل، روشن و شجاعی هستند و بعد هم در حوزهٔ علمیهٔ قم در مراحل مختلف این حالت را نشان می‌دادند تا وقتی که مبارزات روحانیّت به رهبری امام دام ظله در سال ۱۳٤۲ شروع شد. آیةالله منتظری یکی از یاران پر نیرو و از بازوان پرقدرت امام بودند که نظرات امام را منعکس می‌کردند. می‌گفتند، می‌نوشتند، ایشان را به زندان انداختند، تبعید کردند و در این میان ایشان را خیلی اذیت کردند، اذیتهای روحی و غیر روحی. در رابطه با انقلاب که نظرات امام را در همهٔ ابعادش منعکس می‌کردند، از نظر بیان مطلب برای طلبه‌ها، روشن کردن و بسیج نمودن طلاب و خط دادن و تشویق نمودن طلاب نقش زیادی داشتند. البته از نظر مالی هم اشخاص وجوهات را به ایشان می‌دادند و می‌توانستند انقلاب را که یك پایه‌اش بنیهٔ اقتصادی بود کمك زیادی بنمایند. بنابراین می‌گفتند و در انقلاب افکار امام را منعکس می‌کردند و مورد توجّه طلاب بودند و خیلی به ایشان ارادت داشتند و ایشان روی طلاب اثراتشان بسیار عمیق بود.

س. نقش آیةالله منتظری پس از انقلاب در راه تحکیم دستاوردهای انقلاب چگونه بوده است؟

ج. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی باز آن اسلام اصیل را، که از مثل آیةالله العظمی منتظری هم دنیای اسلام انتظار دارد که اسلام را همان طور که هست بفهماند، و همان طوری که هست بیان کند و همان طوری که هست عمل کند، ایشان عمل می‌کرد و می‌گفت. و افکار منادی اسلام، امام عزیزمان را ایشان در همان مسیر دنبال کردند و می‌کنند و رهنمود می‌دهند. مشکلات انقلاب را خوب می‌فهمند گرفتاریهای جامعه را خوب درك می‌کنند و راههای علاجش را خوب پیشنهاد می‌کنند. خدمات ایشان به انقلاب اسلامی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، خدماتی است در سطح بسیار بالا، یعنی بعد از امام بزرگوارمان کسی را مثل آیةالله العظمی منتظری که به انقلاب خدمت کرده باشد و مکتب را تدوین کرده باشد و فرهنگ انقلاب را تشریح کرده باشد نداریم و بعد از مقام معظم رهبری نعمت وجود ایشان را خیلی باید گرامی بداریم و خداوند انشاء الله به امام عزیز طول عمر و سلامتی بدهد. ایشان در کنار امام بزرگوارمان نقش دوّم را دارند.

س.نقش آیةالله العظمی منتظری را در تربیت شاگرد بازگو بفرمایید.

ج.در تربیت شاگردان فاضل هم ایشان موفق بودند. از آن وقتی که بنده به قم رفتم که نوزده سالم بود یعنی در سال ۱۳۲۹ و یا اواخر ۱۳۲۸، ایشان درس می‌گفتند. فقه می‌گفتند، اصول می‌گفتند و بعد فلسفه و منظومه. طلاب زیاد در درس ایشان شرکت می‌کردند. آیةالله العظمی منتظری فاضل بودند و مطالب معقول و منقول را خوب می‌فهمیدند و بیان می‌کردند. و می‌توانم بگویم استادی بودند شاگرد پرور. چون چه بسا کسی استاد باشد ولی شاگردپرور نباشد. یعنی چون شاگردپرور بوده و هستند می‌توانند شاگرد تربیت کنند و پس از مدتی فضلایی تحویل بدهند و ایشان یك چنین نقش عظیمی را در حوزهٔ علمیهٔ قم داشتند. شاگردانشان همیشه زیاد و از افراد با هوش بودند و آیةالله العظمی منتظری در تربیت طلاب بعد از کسانی که در قم مدرس بودند و جنبهٔ مرجعیت داشتند یعنی مدرسین بعد از مرحوم آیةالله العظمی بروجردی و آیات معظم، سیدمحمدتقی خوانساری، سیدمحمد حجت، و سیدصدرالدین صدر و بعد از امام و خلاصه شخصیتهایی که در رأس حوزه بودند و درس می‌گفتند، بزرگ‌ترین نقش را در تربیت طلاب داشتند.

س. فعالیتهای ایشان دربارهٔ وحدت مسلمین و صدور انقلاب چطور بوده است؟

ج. دربارهٔ وحدت مسلمین آیةالله منتظری دارای ذوق سرشاری بودند و باز باید یاد کنم از آیةالله شهید مطهری که ایشان هم همین طور بودند، در اینکه مسلمین باید یکی باشند. یکی از مصائبی که جامعهٔ اسلامی دارد مسئلهٔ تشتت و موضع‌گیریها علیه یکدیگر است و باید به طرف وحدت برود. در این موضع‌گیریهای خصمانه که به تخریبها و تضادها می‌انجامد دست استعمار در کار است و آیةالله العظمی منتظری هم عقیده‌شان همین بود. البته از این که شیعه باید روی منطق خود کاملاً بایستد و اصولی که دارد به آن پایبند باشد که همان خلافت بلافصل امیرالمؤمنین علیه السلام و بعد یازده فرزندانش علیهم السلام است همه باید محکم بایستیم و ایشان در این جهت کاملاً استوار بودند. ولی موضوع تضاد و تخریب و علیه یکدیگر گفتن و نوشتن و به جان هم افتادن و درگیری ایجاد کردن این را ایشان عقیده

دارد که از اهدافی است که بیگانه در جامعهٔ اسلامی دارد ـ برای اینکه امت اسلام را دچار تشتت کند و هر دسته‌ای را مقابل یکدیگر وادارد. به همین جهت قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از ده الی بیست الی سی سال پیش که بنده با ایشان بودم مسئلهٔ وحدت مسلمین خیلی برای ایشان و استاد شهید مطهری رضوان الله علیه مطرح بود و به آن تکیه می‌کردند و در سخنانشان این را می‌گفتند. و بعد از پیروزی انقلاب هم کاملاً مشخص است. می‌دانیم هفتهٔ وحدت را که به مناسبت مولود پیغمبر اکرم ص در ماه ربیع الاوّل است پیشنهاد دهندهٔ هفتهٔ وحدت آیةالله العظمی منتظری بودند و بر اساس همین هفتهٔ وحدت بین علمای شیعه و علمای سنی رفت و آمد می‌شد و در حال حاضر هم چنین است و این مسئله خیلی کمك کرد. این بغضی که استعمار در دلهای جمعیتهای مختلف اسلامی به وجود آورده بود در حال حاضر به برکت انقلاب اسلامی الحمدلله خیلی از آنها از بین رفته، به طوری که می‌توانیم بگوییم مردم شیعه و سنی دیگر به هم بغض ندارند. بله، چند نفر از آن دسته مثلاً نویسندگان و یا آخوندهایی که در اهل تسنن نوکر استعمار هستند و برای امریکا و بیگانه نوکری می‌کنند آنها باز هم کارشکنی می‌کنند ولی مردم الحمدلله الآن با هم هستند. در شهرهایی مثل سنندج ـ کردستان ـ نماز جمعهٔ شیعه و سنّی، در مکه و مدینه، و این نقش زیاد را بعد از امام عزیزمان آیةالله العظمی منتظری داشتند.

س. مقام علمی ایشان را در حوزهٔ علمیه و جهان اسلام چگونه می‌بینید؟

ج. همان طور که عرض کردم آیةالله العظمی منتظری از اساتید بسیار با ارزش حوزهٔ علمیهٔ قم بودند و در سالهای آخر، درس ایشان بسیار بسیار با عظمت و با ارزش شده است. از نظر علمی مجتهدی است جامع الشرایط و همان طور که در حدیث شریف است (و امّا من کان من الفقهاء صائناً لنفسه، حافظاً لِدینه، مخالفاً لهواهُ، مطیعاً لامرِ مولاهُ فللعوامِ أنْ یقلّدوه)، ایشان الحمدلله از نظر فقه، مجتهدی مطلق و عالی مقام و تارك هوا، مطیع امر خداوند تبارك و تعالی، و از نظر مسائل حکمی و فلسفی ایشان یك فیلسوف به تمام معنا هستند. در مباحث حکمت و فلسفه، حکمت متعالیه، مخصوصاً حکمت الهی تسلّط فراوان دارند و می‌شود گفت که در معقول و منقول ممتاز هستند.

س. مراتب تقوی، خلوص و سادگی ایشان را لطفاً تشریح بفرمایید.

ج. تقوای ایشان بر طلبه‌ها و حوزه پوشیده نیست. تمام حرکات وی را طلاب می‌دیدند. تابع وظیفه بودند. آنچه وظیفه اقتضا می‌کند و رضای خداست ایشان تابع هستند. تبعید، گرفتاریهایی که قبل از پیروزی انقلاب داشتند، همه را برای رضای خدا پذیرا بودند. فعالیّتهای سیاسی و گرفتاریها همه در این جهت بود و الآن هم شخصی هستند که هدف ایشان فقط رضای خداست و راجع به تقوای ایشان همین بس که کارهایشان برای رضای خداست. و امّا از نظر سادگی، بازطلبه‌هایی که با ایشان محشورند می‌دانند خانهٔ ایشان، لباس ایشان، برخوردهایشان، صحبت کردنشان را. و من فکر نکنم که کسی ساده‌تر و بی‌آلایش‌تر (یعنی ساده در برخورد کردن و ساده بودن از نظر لباس و زندگی) از ایشان باشد ولی از نظر پیچیدگی سیاسی آدم ساده‌ای نیستند و آدم پیچیده و خیلی قوی و چیز فهم از نظر سیاسی هستند. در سالهای قبل هم همین طور ساده و بی‌آلایش بودند. قانع بودند و دارای یك زندگی محقر. یك قبایی که مثلاً چندین سال می‌پوشیدند. به طور کلی قانع از نظر اقتصادی که در سطح بسیار پایینی

زندگی می‌کنند. اینها همه مسائلی است که ایشان دارند. مطلب دیگر اینکه بنده در بحثهایی که در جلسات خصوصی ایشان با مرحوم آیةالله العظمی بروجردی یا مرحوم سیدعلی یثربی داشتند بوده‌ام. در بحثها، خیلی قوی برخورد می‌کردند. جلسات بحث ایشان در عین پرسروصدا و جنجال انگیز بودن خیلی هم شیرین بود. والسلام.

نظرات آیةالله حاج شیخ عباس ایزدی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ نجف آباد و نمایندهٔ مردم استان اصفهان در مجلس خبرگان دوّم. ۱۳۶۳/٤/۱۱

توضیح. قبل از اینکه با آیةالله ایزدی مصاحبه‌ای دربارهٔ شخصیت آیةالله العظمی منتظری انجام بدهم از مجلهٔ *پاسدار اسلام* نیز در همین رابطه مصاحبه‌ای با معظم‌له انجام داده‌اند که اولین سؤال و جواب این مصاحبه را به لحاظ اهمیّت آن در آغاز نقل می‌کنم.[۲]

چگونگی تعیین مرجع تقلید و رهبر جامعهٔ اسلامی

«بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. این که جاهل باید به عالم رجوع کند، قطع نظر از اینکه در *قرآن* شریف و احادیث روی آن تکیه شده، اساساً حکم عقل و عقلاست. ما می‌بینیم در هر فنی، مردمی که از آن فن آگاهی ندارند و مورد نیازشان هست، رجوع می‌کنند به عالم آن فن. مریض که شدیم به دکتر رجوع می‌کنیم. اگر ساختمان خواستیم بسازیم به معمار مراجعه می‌کنیم. این یك طریقهٔ طبیعی است که بر حسب آن عقلی که خداوند به انسان عنایت کرده است، می‌داند آنچه که خودش اهل فنش نیست، باید به اهل فن رجوع کند. و شاید بر اثر همین مطلب که عقل گواهی می‌دهد، البته اینجا عقل عملی منظور است، عقلی که با آن انسان درك حُسن و قُبح می‌کند، با در نظر گرفتن این جهت شاید بتوانیم بگوییم که آیهٔ *قرآن* که می‌گوید: فاسئلوا اهل الذکران کنتم لاتعلمون، این یك حکم تأسیسی نیست، این همان ارشاد به طریقهٔ عقلاست که اگر نمی‌دانید بروید از آنهایی که می‌دانند بپرسید. روی همین جهت ما می‌گوییم در زندگی دانستن از نظر شرع جزء وظایفمان است و اگر می‌شد همهٔ جامعه در فن فقاهت، در حد تخصص باشند، خوب اینها لازم نبود تقلید بکنند، امّا از آنجایی که این طور نیست، و مطابق آیه *قرآن* که می‌فرماید ماکانَ المؤمنونَ لینفِروا کافةً فلولانَفَرَ مِن کل فرقةٍ منهم طائفةٌ، که از این آیه استفاده می‌شود که مؤمنین قدرت ندارند و زندگی اقتضا نمی‌کند که همگی بروند فقیه شوند که اگر زندگی اجازه می‌داد قاعده‌اش این بود که همه بروند فقیه بشوند، اما حالا که نمی‌شود، پس یك عده‌ای بروند فقاهت پیدا کنند و اینها برای دیگران مرجع باشند.

بنابراین در خصوص رجوع مردمی که در رتبهٔ اجتهاد نیستند و در تشخیص وظایف خودشان از نظر شرع باید از مجتهد تقلید کنند، این هم همان رجوع جاهل به عالم است، رجوع به متخصص است، منتها چون در روایات تعبیر به تقلید شده است، معمولاً تعبیر می‌شود که تقلید کنند. در حقیقت قلادهٔ

۲. این سؤال و جواب را از نوار مصاحبهٔ برادر رحیمیان با آیةالله ایزدی در تاریخ ۱۳٦۱/۱۰/۱۰ برگرفته‌ام.

اطاعت شخص صاحب فتوا را به گردن انداختن، اسمش شده تقلید، والاّ این رجوع جاهل به عالم است.

مطلب دیگری که در این رابطه هست، این است که در اموری که جاهل رجوع به عالم می‌کند، طریقهٔ عقلایی این است که حتی الامکان به اعلم آن فن مراجعه می‌کند، مخصوصاً چنانچه مسئله دارای اهمیّت باشد. مثلاً اگر فرض بگیرید که اگر یك عمل جراحی است و مریض امرش دایر بین مرگ و حیات باشد، اینجا چون خیلی اهمیت دارد عقلا بر خود لازم می‌دانند که اعلم در آن فن را پیدا کنند و به او مراجعه بکنند. در این زمینه بر طبق این حرف یا دلیلهای دیگر که در کتب اصول مورد بحث و صحبت است می‌گوییم تقلید اعلم واجب است. خیلی تنزل کنیم می‌گوییم احتیاط بر تقلید از اعلم است. کما اینکه نظریهٔ رهبر اعظم امام خمینی اینچنین است. به عنوان احتیاط مطرح کرده‌اند. می‌گویند احتیاط این است که از اعلم تقلید شود. بنابراین، این نظر که رجوع باید به اعلم کرد و در حال حاضر که تقریباً اکثریت نزدیك به اتفاق حضرت آیةالله العظمی امام خمینی را به عنوان اعلم شناخته‌اند، مخصوصاً با در نظر گرفتن اینکه سیاست از دین جدا نیست و یك جزء خیلی مهم از اسلام همان احکام سیاسی اسلام است، بنابراین ما به ضرس قاطع می‌گوییم که حتماً حضرت آیةالله خمینی اعلم است. با در نظر گرفتن این نکته، حالا ممکن است یك فقیهی یك موشکافیهایی در لغت سعید درباب تیمم که آیهٔ *قرآن* می‌فرماید: فتیمموا صعیداً، آیا مثلاً مراد، مطلق وجه الارض است یا خصوص خاك است، حالا بعضیها زحمتشان در این بابها، در این طور ریزه‌کاریها بیشتر باشد، یا در وظایف فردی ممکن است یك کسی بیشتر موشکافی کرده باشد، در آن قسمتها کسی بگوید معلوم نیست که رهبر اعظم در آن قسمتها مثلاً اعلم باشد، امّا این هم جای هیچ اشکال نیست که مرجعیت تقریباً اختیار تمام مردم را به دست گرفتن است. آن وقت اگر مرجع، آن بخش سیاسی اسلام را وارد نباشد، بسا برای اسلام مخاطره است. مثلی عرض می‌کنم. می‌گویند زمانی بوده که تازه در ایران صحبت بوده که عده‌ای مشروطه خواهند و عده‌ای طرفدار رژیم استبداد. حالا افسانه هم باشد برای مثل بدنیست. یکی از علما را می‌گویند که طرفدار مشروطه بود. آن وقت از آن تیپ مخالف آمدند این آقا را تبلیغش کردند و گفتند که مشروطه می‌دانید یعنی چه؟ آن آقا گفت نه. گفتند یك خانمی است که از سوئیس می‌خواهند بیاورند در ایران و این را شاه قرار دهند. بالنتیجه آقا برخورد کردند. عجب! بعد از مدتها که ریشم را در اسلام سفید کردم تازه نظر بدهم که مشروطه‌خانم بیاید شاه ایران شود؟ به همین دلیل مخالف مشروطه شد. حالا فقیهی که مرجع امور مردم واقع شد ــ که معمولاً می‌گویند تشخیص موضوع‌شأن فقیه نیست ــ اگر آمدند و گفتند «آقا مسألةً، صحیح است زنی به عنوان مشروطه شاه شود؟» پاسخ آقا با این برداشتی که از مشروطه کرده است چه خواهد بود! این صلاحیت دارد که مرجع باشد؟ علی ای حال، با در نظر گرفتن این عرایض، ما می‌گوییم به ضرس قاطع، حضرت آیةالله خمینی اعلم است و از آنجایی که حالا ما امید این را از خدا داریم که خداوند طول عمر به ایشان عنایت بفرماید، دعایی که همیشه مسلمانها می‌کنند که «خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار» انشاء الله این دعا مقرون به اجابت باشد. آن روز را انشاءالله نخواهیم دید که جامعهٔ ما بدون وجود شخص ایشان در بین ما باشد. چنین روزی را نخواهیم دید؛ امّا در

عین حال ایشان در حال حاضر احتیاطاتی دارند. معنای احتیاط این است که فقیه می‌خواهد بگوید من بعد از مراجعهٔ به ادلهٔ این مسئله، حکمش به دستم نیامد، فتوایی ندارم. حالا که فتوایی ندارم راه احتیاط این است اگر شبهه در این است که این حرام است یا غیرحرام، اگر فقیه گفت احتیاط این است که ترک کن، معنایش این نیست که ترک کن، معنایش این است که من فتوا ندارم و راه احتیاط این است، در صورتی که فقیهی من جمله رهبر اعظم در رساله بنویسند احتیاط این است، یعنی من فتوا ندارم. پس اعلم در این مسئله فتوا ندارد. بنابراین اگر مقلد بخواهد عمل کند راه احتیاط همان است که اعلم گفته؛ امّا در صورتی که احتیاط برایش میسورنیست، یا بسا احتیاط برایش سخت است، می‌خواهد آخرش حکم را بفهمد، به همان طریقهٔ عقلایی که رجوع جاهل به عالم است به انضمام آن نظر عقلایی دیگر که در امور دارای اهمیت حداقل این است که باید به اعلم این فن مراجعه کرد، آن وقت اینجا باید به فالاعلم رجوع کند. این هم از باب این که اعلم فتوا ندارد و مورد نیاز است که فتوای اعلم به دست بیاید، آن وقت رجوع می‌شود به فالاعلم، یعنی عالمی که نسبت به دیگران در رتبهٔ قبل است، امّا نسبت به اعلم در رتبهٔ بعد، رجوع به او بشود. نظر این است که در احتیاطات واجب باید به فالاعلم مراجعه کرد.»

آشنایی با آیةالله منتظری

«آشنایی بنده با آیةالله منتظری بر می‌گردد به نزدیک پنجاه سال قبل، یعنی از سنهٔ ۱۳۱۵ یا ۱۳۱۴ من با ایشان آشنا شدم. به اعتبار برنامه‌ای که برایم پیش آمد قرار شد پیش پدرایشان حاج علی منتظری درس عربی و علوم دینی مشغول بشوم. در آن جا متوجه شدم یکی از فرزندان حاج علی به نام حسینعلی طلبه است و به همین جهت مقدسین به او خیلی علاقه داشتند.

آیةالله منتظری از همان اول که درس خواندن را شروع کرد به خوش استعدادی معروف بود و خیلیها به ایشان علاقه‌مند بودند و من همان وقت که در منزل پدرشان درس می‌خواندم و ایشان در اصفهان درس می‌خواند و گاهی اوقات که از اصفهان به نجف آباد می‌آمد ایشان را می‌دیدم و از همان وقتها آشنایی ما با ایشان شروع شد و رفاقتمان ادامه پیدا کرد ـ تا اینکه من بعد از چند سال به قم منتقل شدم و تماس و ارتباطمان با ایشان بیشتر شد و به تبع ایشان با مرحوم شهید آیةالله مطهری آشنا شدم و همیشه ایشان در حوزه به خوش استعدادی و داشتن پشتکار معروف بود و از اقران و هم دوره‌ایهایشان جلوتر بود، طوری که به خاطر استعداد و تیزهوشی و برازندگیشان محسود دیگران هم واقع می‌شد.

از آن به بعد ارتباطمان از هر نظر ادامه داشته تا به امروز. البته در این سالهای طولانی استادهای مشترکی هم داشته‌ایم. یعنی در تعدادی از حوزه‌های درس، همراه هم شرکت می‌کردیم. مثلاً در درسهای مربوط به فلسفه که علامه طباطبایی داشتند و *اصول فلسفه و روش رئالیسم*، ما حصل آن جلسات است و مرحوم آیةالله مطهری و مرحوم بهشتی و آیةالله منتظری شرکت می‌کردند، بنده هم بودم. همچنین در درس اسفار با هم بودیم، در درسهای عقلی و فلسفی با هم بودیم.»

امام و فقیه عالیقدر

«ارتباط آیةالله منتظری با امام، به طور سربسته باید بگویم، از سالهای ۲۰ یا ۲۱ شروع شده است. در آن موقع رهبر اعظم معروف بودند به حاج آقا روح‌الله که در قم روزهای پنجشنبه درس اخلاق داشتند. عده‌ای از طلاب پای درس ایشان که موعظه بود می‌رفتند؛ از جمله آیةالله منتظری به اتفاق شهید مطهری در این جلسه با علاقه شرکت می‌کردند.

حضرت امام یك درس خصوصی هم داشتند و آن اسفار ملاصدرا بود که در منزلشان می‌فرمودند. در این درس هم آیةالله منتظری و مرحوم آیةالله مطهری و بعضی از آقایان دیگر شرکت می‌کردند.

امام هم مقید بودند که همه کس در این درس شرکت نکند و به همین جهت سخت اجازه می‌دادند. بنده هم به معرفی مرحوم آقای مطهری شرکت می‌کردم چون علاقه مند به این درس بودم. موضوع درس هم رابطهٔ بحثهای عقلی و فلسفی بود.

بعد از آن هم در زمانی که آیةالله بروجردی درس خارج می‌گفتند به درخواست آیةالله منتظری و آیةالله مطهری، حضرت امام خمینی یك درسی را به عنوان درس خارج اصول شروع کردند. و ابتدای درس خارج حضرت امام خمینی از اینجا شد. و کم‌کمك اینها که این درس را یك دور خواندند و تمام شد، طلاب هم استقبال کردند و امام هم درس خارج اصول و فقه و... را ادامه دادند.

ابتدای رابطهٔ علمی آقای منتظری با آیةالله خمینی از اینجا بود و بعد از آن هم در بحثهای مجلسی که گاهی از اوقات پیش می‌آمد ایشان هم شرکت می‌کرد.

از نظر مبارزاتی بنده هم این قدر سربربسته یادم می‌آید که در زمان رژیم محمدرضا، از همان ابتدا آیةالله خمینی فرد مبارزی بود. درس اخلاق ایشان و کتابهایی که می‌نوشتند مثل *کشف‌الاسرار* نشان می‌داد. آیةالله منتظری هم از همان اوّل معلوم بود که روحیهٔ مبارزه دارد.

با اینکه در آن زمان وضع حوزه‌ها وضع خاصی بود، و با اینکه وضعیت طلبگی از نظر درآمد وضعیت خوبی نبود و تقریباً همه تنگدست بودند، ایشان مقید بود که هر طور شده حتی با قرض گرفتن روزنامه بخرد و همه‌اش را مطالعه کند و با استفاده از مطالب روزنامه‌ها تحلیلهایی می‌کردند که انتقاد به دستگاه بود، ولی مبارزات علنی و همه جانبهٔ ایشان تقریباً پس از فوت آیةالله بروجردی که مرجعیت تقلید به آیةالله خمینی منتقل شد و ایشان نهضت کردند، بروز کرد. آیةالله منتظری از همان ابتدای نهضت امام خمینی پا به پای ایشان بود و بلکه استقلالی هم داشت. در همان اول که امام خمینی بازداشت شدند اعتصاباتی انجام گرفت که در نجف‌آباد و حومهٔ نجف‌آباد به دعوت آیةالله منتظری یك اعتصاب یك هفته‌ای صورت گرفت و مردم در مسجد بازار نجف آباد متحصن شدند و این نشان می‌دهد که آیةالله منتظری پا به پای حضرت امام در مبارزه پیش رفت که این مبارزه تا پیروزی انقلاب ادامه داشت و بعد از پیروزی انقلاب هم به شکلهای مختلف ادامه پیدا کرد.»

آیةالله بروجردی و فقیه عالیقدر

«قبل از ورود مرحوم آیةالله بروجردی، علمایی که بودند رؤسای حوزهٔ علمیهٔ قم محسوب می‌شدند ـ مثل

مرحوم صدر، مرحوم خوانساری، مرحوم حجت. آیةالله منتظری به درس مرحوم آیةالله حجت حاضر می‌شد و از همان وقت هم به خاطر ایرادات و اشکالاتی که می‌گرفت، در حوزهٔ علمیهٔ قم معروف شده بود. تا اینکه در یك تابستان، مرحوم آیةالله مطهری و آقای منتظری رفتند بروجرد، محضر آیةالله بروجردی، و از همان جا تماسها و آشنایی آقای منتظری و آیةالله بروجردی شروع شد.

بعد از آن آیةالله بروجردی به قم دعوت شدند. مقدمات امر هم این بود که آیةالله بروجردی کسالتی پیدا کرده بودند. ایشان را از بروجرد به تهران منتقل کرده بودند و از طرف حوزهٔ علمیهٔ قم از آیةالله بروجردی دعوت شد که ایشان بیایند قم و در آنجا درس بدهند. ایشان هم آمدند و از همان اوّل آیةالله منتظری به درس ایشان می‌رفت و تقریباً در بیت آیةالله بروجردی رفت و آمد پیدا کرد. و بالاخره در رابطه با مرجعیت آیةالله بروجردی فعالیتهایی هم می‌کرد و در کارهای ایشان دخالت داشت. همین طور آیةالله بروجردی به آقای منتظری خیلی اعتماد داشتند.»

مقام علمی فقیه عالیقدر

«بنظر بنده در مسائل علمی بر خلاف مرحوم آقای مطهری که طرز تفکرشان عرفانی بود، آیةالله منتظری در مسائل علمی بیشتر جنبهٔ عقلیشان بر عرفانشان مزیت دارد.

مسائل فلسفی را که بیان می‌کنند معلوم می‌شود تظاهری ندارد که در مطالبشان عرفانیات را هم به میدان بیاورد. ایشان در موشکافیهای عقلی محض، کلامی، بحثی، خیلی دقیق می‌باشد، ولی مطالبشان فیلسوف مآبانهٔ محض است و چاشنی عرفان کمتر به مطلب می‌زند.

خلاصه ایشان از جهات موشکافیهای عقلی ـ فلسفی به نظر بنده خیلی عالی است و دقیق، ولی عرفانیات را در صحبتهایشان به کار نمی‌برد. در زمینهٔ مسائل فقهی، همان فقهی که از نظر ما فقه اسلامی است که بدون توجه به جریانات روز یا سیاسیات بنا شد، در سطح خیلی عالی می‌باشد و همهٔ مسائل را با ریشه وارد می‌شود. مثلاً سیر مسائل فقهی از نظر فقهای عامه یا سیر این مسائل در بین علمای اسلام چطور بوده، ایشان را در این زمینه فوق‌العاده می‌دانم.

در علومی مثل اطلاع به حال روات و رجال و نقادی سندهای احادیث خیلی تسلط دارد. در صورتی که خیلی از مجتهدین هستند که این تسلط را ندارند.

در هر صورت من ایشان را طوری می‌بینم که اگر بگویم بعد از رهبر اعظم حضرت امام خمینی کسی به پای ایشان نمی‌رسد سخن گزافی نگفته‌ام.»

تاثیر آیةالله منتظری در بیداری منطقهٔ نجف‌آباد

«آیةالله منتظری در زمان اشتغالاتشان به تحصیل، چه در اصفهان و چه در قم، بین مردم نجف‌آباد شناخته شده بود. بالاخره پس از فوت مرحوم شیخ ابراهیم ریاضی عده‌ای از معتمدین نجف‌آباد رفتند پیش مرحوم آیةالله بروجردی برای کسب تکلیف و انتخاب یك شاخص برای روحانیت. آیةالله بروجردی ایشان را فرستادند به نجف آباد و چون ایشان قصدماندن در نجف آباد را نداشت، چند نفری را

مشخص کرد و برگشت قم و تابستانها می‌آمد به نجف‌آباد و همین آمدنشان به این شهر برای مردم علمیتشان مشخص شد. از این نظر مراجعات به ایشان زیاد می‌شد و ایشان به خاطر فعالیتهایی که در رسیدگی به وضع مردم داشت نفوذشان در این شهر زیادتر شد و این بود که نجف آباد در انقلاب اسلامی با رهبر انقلاب اسلامی هماهنگ شد. طلاب و روحانیون هم به ایشان علاقه داشتند. ایشان چون خودش پیشگام بود، چه در نجف‌آباد و چه در قم، در نتیجه طلاب هم بیشتر به ایشان نزدیك شده و از ایشان تبعیت می‌کردند و بهمین دلیل بیشتر طلاب نجف‌آباد از آیةالله العظمی خمینی تقلید می‌کردند. اینها یك جهاتی بود که دست به دست داد و جوانهای خود نجف‌آباد هم که به طبع انقلابی بودند، وضع خوبی پیش آمد. و علّت اینکه نجف‌آبادیها در انقلاب پیشگام شمرده شدند، و حقیقت هم دارد، همین است که طبیعت مردم نجف‌آباد انقلابی بود. طلابشان هم به خاطر اینکه بزرگشان آیةالله منتظری بود و غالباً به آیةالله العظمی خمینی علاقه داشتند، سبب شد که نجف‌آبادیها در انقلاب پیشگام حساب شدند.»

تقوی، خلوص و سادگی زندگی ایشان

«به طور سربسته من تقوای آیةالله منتظری را هر چه بگویم، مثل اینکه از نزدیك مشاهده کرده‌ام، بی‌آلایشی ایشان و اینکه هرکاری را که انجام می‌دهد فکر این که در این کار حیثیتش می‌رود و یا چه می‌شود، اصلاً به فکر این چیزها نیست. اساساً امتیاز ایشان در بی‌پیرایگی و زهد و تقوای ایشان است. مقام و موقعیت روی ایشان اثر ندارد. فرض کنید سی سال قبل از این که مقامشان در جامعه به این عظمت حالا نبوده، برخوردهایشان و زندگیشان با حالا یکی بوده و تفاوتی نکرده است، تواضعشان در برخوردها فرق نکرده است و خلاصه رنگی به خود نمی‌گیرد.»

آیةالله ایزدی در پاسخ سؤال عدّه‌ای از علاقه‌مندان به فقیه عالیقدر، دربارهٔ ایشان مرقوم فرموده است که:

«از نظر این جانب حضرت آیةالله العظمی منتظری از جهت عدالت و فقاهت و آگاه بودن به زمان و سیاست جهان واجد شرایط رهبریت و مرجعیت برای تقلید می‌باشند و فقیهی به تمام معنا و آگاه به جریان روز و شجاع و نستوه هستند و گذشته از امام خمینی مدظله العالی شایستگی مقام ولایت فقیه را دارا می‌باشند. والسلام.»

نظرات حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ غلامحسین جمی امام جمعهٔ آبادان و نمایندهٔ مردم خوزستان در مجلس خبرگان دوّم. ۱۳۶۳/۷/۱۳

آشنایی با آیةالله منتظری

«بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. قبلاً این جمله را عرض کنم که در اسلام، بعد از مقام شامخ نبوت و امامتِ توأم با عصمتِ ائمهٔ معصومین، شامخ‌ترین مقام، مقام والای روحانیت است. یك روحانی که درست به وظیفه عمل کند و طبق فرهنگ اسلامی گام بردارد، در اسلام فرد بسیار مهمی است ـ تا آنجایی که

وارث انبیا محسوب می‌شود. «العلماء ورثة الانبیاء» و کتابتی که بامداد می‌کند اثرش در جامعه بهتر است از خون شهدا. این گونه روحانیون همیشه در جوامع بوده‌اند و رمز باقی‌ماندن مکتب مقدّس ما هم وجود این روحانیون در طول قرون عدیده بوده است.

حضرت آیة‌الله العظمی منتظری از این گونه رجال دینی و روحانیون والامقام است. افتخار آشنایی بنده با ایشان در رابطه با نهضت مقدّس اسلامی که در این مملکت به رهبری امام امّت به وجود آمده پیدا شد ـ یعنی از سال ۴۱ و ۴۲ که ما هم در همین جا قطرهٔ کوچکی بودیم در این دریا. بالاخره با آنهایی که در این نهضت نقش اساسی داشتند کما بیش آشنا شدیم و من جمله حضرت آیة‌الله العظمی منتظری. در همان ایام، ایشان سفری به آبادان داشتند و روحانیون آبادان در مسجدها جلسهٔ هفتگی داشتند که نوعاً بنده هم در آن جلسه منبر می‌رفتم. ایشان تشریف آوردند و حتی در یکی از جلسات ما شرکت کردند و هنوز هم که گاهی خدمتشان می‌رسم آن خاطره‌ها را تذکر می‌دهند.

از همان جا ما دیگر افتخار آشنایی با ایشان را پیدا کردیم و ایشان هم کمال محبت را نسبت به بنده داشتند.

در جریانهایی که می‌شد، نامه می‌نوشتیم به ایشان، جواب می‌دادند. گاهی در رابطه با مسائلی که مربوط به انقلاب بود تذکراتی می‌دادند و از آن روز تا به امروز علاقه‌مان نسبت به ایشان زیادتر شده است. و این افتخاری است برای ما که نسبت به شخصیتی اینچنین، ارادتی داشته باشیم و این را برای خودم توفیقی می‌دانم. ارادتی که نسبت به وجود نازنین ایشان دارم و محبتی که ایشان دربارهٔ بنده دارند این یك سعادت و افتخار و نویدی است که مردان خدا نسبت به کسی محبت داشته باشند.»

نقش آیة‌الله منتظری قبل از پیروزی انقلاب اسلامی

«فقیه عالیقدر قبل از پیروزی انقلاب در رابطه با نهضت از عوامل مؤثر تداوم نهضت و یا اوجگیری نهضت بودند. روشن است که در رأس نهضت حضرت امام امت بودند. بعداز امام امت که در رأس بودند، یاران خاص امام همه‌شان در تداوم نهضت و در حرکت دادن عامه مردم نقش مؤثری داشتند. شاگردان امام که الآن هم هستند، علمای بزرگ هم در قم هستند، در شهرستانها هستند، بعضی از آنها شهید شده‌اند، چون آیة‌الله شهید مرتضی مطهری، شهید بهشتی، اینها همه از کسانی بودند که بعد از امام در حرکت دادن مردم و تداوم نهضت واقعاً نقششان چشمگیر بود و در این میان نقش آیة‌الله العظمی منتظری خیلی پیدا بود. ما این جا که بودیم متوجه می‌شدیم که بعد از امام، ایشان امید بود، همین طور که الآن می‌گویند امید امت و امام. او دائماً در حرکت بود. مراقب و مواظب بود که این نور همین طور دائماً گسترش پیدا کند، نور انقلاب همه جا را بگیرد.

من در رابطه با فعالیت ایشان خاطرات زیادی دارم. من جمله سفری که من مشرف به مکه بودم، ایشان هم اوّلین سال مشرف بود، در مکه یك روز به اتفاق یکی از علمای بزرگوار آبادان رفتیم دیدن ایشان. آنجا یك کتابی هم به من داد، یادم هست یك کتاب اخلاقی بود، از یکی از علمای اهل سنت، شاید از غزالی بود.

بعد گفتم در رابطه با مسائل انقلاب چه خبر؟ در آن روزها ما شنیده بودیم که امام امت اعلامیه‌ای داده بودند در ایام حج برای حجاجی که آمده‌اند. ایشان با همان حال وارستگی و سادگی که دارد، بلند شد و مقدار زیادی از آن اعلامیه‌ها را به من داد و گفت اگر می‌توانی اینها را بردار و ببر. ما هم آن اعلامیه‌های امام امت را آوردیم در محل اقامت خودمان، به حجاجی که بودند دادیم. بعضی از برادران هم مقداری از آن اعلامیه را به ایران آوردند. ایشان در حج دائماً در فکر این انقلاب بود که همه جا فریاد خودش را بلند کند. فریادگر اصلی انقلاب هم امام بود و ایشان مُصر بود که همیشه فریاد امام را به همه جا برساند. و پیدا بود که در متن انقلاب است. یعنی چیزهایی که خیلیها نمی‌دانستند ایشان متوجه بود.

یك وقت دیگر تبعید شده بود به مسجد سلیمان، در رابطه با مبارزاتی که ایشان داشت. ایشان دائماً در تبعید بود یا زندان بود. یك مدّتی آمده بود مسجد سلیمان که ما در آن جا رفتیم به دیدن ایشان.نامهٔ سرگشاده‌ای از امام منتشر شده بود. آن نامه به هویدا بود. امام خیلی مطالب در آن گفته بود به دستگاه و حمله کرده بود. جنایتهایشان و خیانتهایشان را برملا کرده بود. من گفتم که نامهٔ سرگشادهٔ امام چیز خیلی جالبی است. ایشان فرمودند مطالب دیگری گفته‌اند که کسی نمی‌داند. بعدها انشاءالله منتشر می‌شود.

خلاصه ایشان در متن قضایا بود و با امام مربوط بود و در رأس کسانی بود که باامام مربوط بودند. یعنی بعد از خود امام کسی که بیشتر از همه متوجه بود، شخص آیةالله منتظری بود که شب و روز آرام نداشت.

باز یادم هست که چندین سال قبل در قم با یکی از علمای آبادان رفتیم به دیدار آیةالله منتظری. درست یادم نیست که تازه از زندان آزاد شده بود یا از تبعید آمده بود. همان مقدار که ما بودیم، سخنانشان دربارهٔ مفاسد دربار بود و محمدرضا و خاندان پهلوی و جنایتهای اینها. هر جا بود همین طور، حتی بعضی از رفقایمان نقل می‌کنند که در کوچه و در خیابان با آقای منتظری برخورد می‌کردیم ـ در آن ایام ـ سلام و احوالپرسی که می‌شد بلافاصله رهنمود می‌داد راجع به انقلاب و راجع به تداوم نهضت و هیچ وقت آرام نداشت، تا اینکه بحمدالله در سایهٔ عنایات پروردگار و رهبری امام و زحمات حضرت آیةالله منتظری و افرادی که دنبال ایشان و پیرو ایشان بودند، انقلاب به ثمر رسید.»

فعالیتهای آیةالله منتظری پس از پیروزی انقلاب اسلامی

«گمان می‌کنم که این قسمت دیگر احتیاج به توضیح من ندارد، چون امت، در صحنه حاضرند و ناظر، و از ۲۲ بهمن ۵۷ که انقلاب پیروز شده تا حالا نقش فعال آیةالله العظمی منتظری را کاملاً می‌بینند. رهنمودهایی که ایشان در جهت انقلاب به مسئولین می‌دهند و بیداری فوق‌العاده‌ای که دارند دررابطه با مسائل سیاسی و مسائل انقلاب و دائماً از وجود ایشان استفاده می‌کنند، بهره‌برداری می‌کنند و دقتی که دارد در مراقبت از انقلاب و این نظام، نظامی که متکی باشد بر اسلام اصیل. و هر کجا که احساس می‌کند یك خطری هست، آنجا قرص می‌ایستد و با کمال دقت مراقب است. نمونه‌های زیادی داریم.

یك نمونه‌اش جریان بنی‌صدر است. در جریان بنی‌صدر یکی از عوامل مهم افشاگری که بنی‌صدر را برای مردم روشن کرد و خطر بنی‌صدر را فهماند، شخص آیةالله العظمی منتظری بود که واقعاً همهٔ مامرهون فعالیت ایشان در این زمینه هستیم. در زمینهٔ حذف بنی‌صدر و جریان خطرناکی که بنی‌صدر داشت و جریانات دیگر، و در این جهتها با دقت و مراقبت این کارها را ادامه می‌دهد. الآن هم شبوروز کار عمده‌اش در رابطه با همین حفظ نظام و ایجاد وحدت بین همهٔ مسئولین و انسجام آنها و تذکرات مفید می‌باشد که همهٔ مسئولین، از سطح بالا تا پایین، معتقدند که این رهنمودها واقعاً راهگشاست و خیلی جاها حلّال مشکلات است. و ایشان همهٔ مسائل را با دقت پی‌گیری می‌کند. امیدواریم خداوند بر توفیقات این وجود مبارك بیفزاید و این امت همیشه در صحنه بیش از پیش از نعمت وجودشان در رابطه با حفظ نظام بهره‌مند شوند. خدا به ما توفیق دهد که از این وجودهای بسیار عزیز بهتر استفاده کنیم.»

مقام علمی آیةالله منتظری در حوزهٔ علمیه و جهان اسلام

«دربارهٔ مقام والای فقاهت آیةالله منتظری همین کافی است که امام امت با آن دیدی که دارند و با دقتی که دارند ایشان را فقیه عالیقدر خواند. ایشان به مقتضای سن و سالشان واقعاً نابغه می‌باشد. ایشان در حوزهٔ درس آیة الله بروجردی طوری بوده که مرحوم آیةالله بروجردی بهترین عنایتش به ایشان بوده و نبوغش از همان جا ظاهر بوده که درآینده واقعاً وجودی است که دنیای اسلام از آن بهره‌مند می‌شود. البته جسته و گریخته انسان نگاه می‌کند متوجه این عظمت، تبحر و احاطهٔ علمی ایشان می‌شود. ایشان با همهٔ زحماتی که در رابطه با انقلاب دارد، تدریس را سرلوحهٔ کارهای خودش قرار داده و این یك توفیق الهی است. مرتب تدریس دارد، حوزهٔ درس دارد. حوزهٔ درسش هم یك حوزهٔ درس تشریفاتی نیست. گاهی اوقات من به قم می‌روم و چند روزی آنجا هستم. توفیقی دست می‌دهد که پای درس ایشان می‌روم. من قابل نیستم ولی همین که می‌روم آنجا پای درسش می‌نشینم و می‌فهمم، به بعضی از دوستان گفته‌ام وقتی می‌روم پای درس ایشان می‌نشینم، این طور حس می‌کنم، مثل این که آیةالله منتظری هیچ کاری ندارد غیر از درس گفتن. از بس که مطالعه کرده است، خیلی احاطه دارد، خیلی تعجب‌آور است با این دقت تدریس می‌کند. فردی که اینهمه کار سیاسی دارد، این دیدارها، ملاقاتها، این اعلامیه‌ها و این برخوردهای سیاسی، این دلسوختگی که راجع به انقلاب دارد، شب و روز اینهمه اشتغالات و اینهمه مراجعات مردم در زمینه‌های مختلف، بعد این چه احاطه‌ای هست که این طور منظم، حوزهٔ درس دارد و درسش هم تشریفاتی نیست، شاگردپرور است، حاصل پرور است.

درسهای *نهج‌البلاغهٔ* ایشان را انسان گوش بدهد و دقت کند با این کمال سادگی بدون تکلف، چه ریزه‌کاریهای علمی توی همین درسهای *نهج‌البلاغه* هست. و باز هم من باید دعا بکنم که خدا این وجود عزیز را برای حوزه‌ها نگه دارد. عشقی که نسبت به علوم دینی دارد، هر روحانی، هر آخوندی، هر امام جمعه و هر امام جماعتی که به منزل ایشان می‌رود، ایشان فوراً توصیه می‌کند به مطالعه و تدریس، به

اینکه کتاب را کنار نگذارید، مطالعه را ترک نکنید، روحانی باید با کتاب همیشه سروکار داشته باشد، با تفسیر، با فقه، با مباحثه، اصلاً عشق عجیبی دارد به این مطلب، به اینکه حوزه‌ها زنده باشد، حوزه‌ها متعدد و متحرک باشند و حوزه‌های دینی با مقتضیات روز هم آشنا باشند، طبق احتیاجاتی که نسل جوان نیاز دارد قدم بر دارند. اینها از توصیه‌های همیشگی ایشان است.

در دنیای خارج هم همین‌طور، دانشمندان و علمای به نام با ایشان آشنا هستند و ایشان را می‌شناسند.»

وحدت مسلمین و صدور انقلاب

«یکی از هدفهای آیةالله منتظری وحدت مسلمین است. خیلی از بزرگان بودند که این فکر را داشتند. از جمله حضرت آیةالله العظمی بروجردی قدس سره به همین فکر بودند.

از دردهایی که خیلی ما را رنج می‌دهد همین اختلاف و تفرقه بین مسلمین به شیوه‌های مختلف است. خوب، از مسلمانان عده‌ای سنی هستند و عده‌ای شیعه هستند و این مسئله‌ای که ما شیعه هستیم و عده‌ای سنی هستند: قرنهاست که باعث شده آتش اختلاف بین فرق مسلمین مشتعل باشد و به جایی هم نمی‌رسد. یعنی نه‌سنی‌ها شیعه می‌شوند که توقعی نیست و نه شیعه‌ها حاضرند سنی شوند. بسیاری از علما بوده‌اند درگذشته و حال که به این عقیده‌اند که ما بیاییم و آن مسائل مشترک را بگیریم، به خصوص که ما همیشه دشمن مشترک داریم که هم دشمن شیعه هستند و هم دشمن سنی، آنها دشمن اسلام هستند، نه سنی می‌خواهند نه شیعه می‌خواهند، نه با حضرت علی ع ارتباط دارند و نه با عمر و ابوبکر. کاری به این ندارند. آنها دشمن *قرآن* هستند، دشمن کعبه و مکه هستند، دشمن اسلامند و اینها در طول تاریخ در رابطه با این نیت پلیدشان به اسلام خیلی لطمه زده‌اند و از این جدایی ما سوءِ استفاده کرده‌اند. ما بیاییم در برابر این دشمنان متحد شویم. هر کسی عقیدهٔ خودش برای خودش محترم است. شیعه عقاید خودش برای خودش محترم است و سنی هم عقایدش برای خودش. امّا در جهات مشترک مثل *قرآن* که کتاب همهٔ ما هست، کعبه که برای همهٔ ما هست، توحید که برای همهٔ ما هست، اسرائیل برای اسلام خطرناک است، امریکا که برای اسلام خطرناک است، ما باید در برابر اینها متحد شویم.

علمای بزرگی بوده‌اند درگذشته و در حال، که در رأسشان در حال حاضر باید امام امت را نام برد، و بعد از امام، حضرت آیةالله العظمی منتظری و مرحوم شهید مطهری که در این باره طرحهای خوب داشت.

آیةالله العظمی منتظری هم که متوجه این درد شده تأکیدش بر این است که مسلمانان را به هم نزدیك بکند، به سنی و شیعه و به تمام فرق مسلمین بفهماند که امروز دعوای سنی و شیعه درد را دوا نمی‌کند و اگر خودمان تو سر هم زدیم، اسرائیل تقویت می‌شود، امریکا تقویت می‌شود، ما شیعیان با حفظ مکتب خودمان، فقه خودمان و تکیه به ولایت حضرت علی ع واهل بیت اطهار ع وسنی‌هاهم به همان وضعیکه خودشان دارند، با هم متحد شویم و در برابر دشمن مشترك بایستیم. برای این قسمت ایشان خیلی کوشش کرده است. هفتهٔ وحدت از ابتکارات ایشان است که بسیار مؤثر است و متأسفانه

بعضیها، چه از اهل سنت و بعضی از ساده اندیشان در شیعه‌ها، درست عمق مطلب را نمی‌فهمند، یا از آن طرف شیطانهایی پشت پرده هستند مثل امریکا و اسرائیل که شیطنت می‌کنند تا مسلمانان متوجه عظمت کار نشوند. از ناحیهٔ بعضیها بی‌توجهی شده است، ولی از ناحیهٔ آنهایی که می‌فهمند، توجه شده است و این واقعاً روی مردم اثر گذاشته و ما امیدواریم که بیشتر متوجه شوند.

دیگر از کارهای عظیم ایشان کنگرهٔ جهانی ائمهٔ و جماعت است که بی ارتباط به شخص آیةالله العظمی منتظری نیست که هر سال کنگره‌ای تشکیل می‌شود و از طرف دبیرخانهٔ کنگره تمام علمای جمعه و جماعات مشهور جهان دعوت می‌شوند که بیایند اینجا. مسائل وحدت و مسائل جهان اسلام مطرح می‌شود.

کنگره هم با پیام آیةالله منتظری آغاز می‌شود و دیداری با ایشان دارند و در این دیدارها باز هم ایشان تأکید دارند بر وحدت. خلاصه ایشان یکی از هدفهای مهمشان ایجاد وحدت است و لذا علمای مختلف از اطراف با ایشان ارتباط دارند و اگر ایران بیایند با ایشان دیدار دارند، مکاتبه دارند و هم اکنون در قم حوزه‌ای هست که طلبه می‌پذیرد از بلاد مختلف اهل سنت که می‌آیند درس می‌خوانند، با شیعه آشنا می‌شوند. این حوزه بی‌ارتباط با ایشان نیست و در این قسمت هم امیدواریم ایشان موفق شوند. انشاءالله.

یکی از قدمهای مهم دیگری که ایشان برداشته‌اند در رابطه با صدور انقلاب است. همین دیدارهایی که ایشان دارد برای صدور انقلاب مهم است.

ایشان سعی دارد این دیدارها زیاد شود، از علمای کشورها بیایند، از امامان جماعت و جمعه بیایند، از افراد سیاسی کشورهای اسلامی بیایند و از اینجا هم به آنجا بروند و انقلاب را بفهمانند. هیئتهایی هم که از خارج می‌آیند با ایشان ملاقات دارند و ایشان انقلاب را به ایشان می‌فهماند.

صدور انقلاب این است که مردم کشورهای دیگر بفهمند که ما چه کردیم. این که انقلاب، انقلاب مکتبی است، برای اسلام است، و مسلمین هم باید متوجه باشند که اسلام در خطر است و اگر نجنبند و حرکت نکنند خطرهایی بر ایشان هست و این فکر غلط از ذهنشان خارج شود که اسلام نمی‌تواند حکومت کند. در صورتی که اسلام می‌تواند حکومت کند و می‌تواند انقلاب بکند و می‌تواند نظام اداره کند، کما این که در ایران شده است. بهترین معنی برای صدور انقلاب این است که مردم متوجه بشوند که نظام اسلامی می‌تواند اداره‌شان کند و آنها کاری بکنند که بیایند زیر نظام اسلام. یعنی در کشور خودشان نظام اسلامی حاکم شود و از شر این بیگانه‌ها راحت شوند و ایشان الحمدلله در این قسمت هم موفق است و خیلی در این راه زحمت می‌کشند. خداوند بر توفیقاتشان در این زمینه هم بیفزاید.

برخورد ایشان با جنگ تحمیلی

«برخورد آیةالله منتظری با مسئلهٔ جنگ تحمیلی همان برخوردی است که امام امت دارند. این جنگ اولاً بر ما تحمیل شده و حالا که تحمیل شده ما باید بایستیم و مقاومت کنیم و چاره‌ای جز مقاومت نداریم و هر پیشنهادی که بوی این را بدهد که کمی بخواهیم سازش با دشمن بکنیم مردود است،

مطرود است. و نظر ایشان مثل امام امّت است و صریح هم بیان می‌کند تا این نظام بعثی در عراق حاکم است ما کاری نمی‌توانیم بکنیم و ما هدف مهمی داریم و هدف مهم ما این است که جای پای امریکا را کور بکنیم و نفوذ امریکا در منطقه از بین برود، لازمه‌اش از بین بردن ایادی امریکاست که مهمش نظام بعث است و نظام بعث الآن دربست در اختیار امریکا و صهیونیسم است و چاره‌ای نیست جز اینکه ما این را از میان برداریم، تا بتوانیم به سراغ اسرائیل برویم که غدهٔ سرطانی است در این منطقه.

آیةالله منتظری به صراحت می‌گوید این جنگ بایستی با همان گرمی که بوده، حتی گرم‌تر، ادامه پیدا کند تا وقتی که پیروزی نهایی نصیب بشود. و ایشان در طول این چهار سال جنگ نقش مهمی در تداوم جنگ پیروزمندانهٔ ما و رهنمایی و رهنمود دادن به نیروها داشته و مراقب بوده [است.] مخصوصاً در زمان بنی‌صدر جریانهایی پیش آمد در رابطه با جنگ که ایشان، با یك فعالیتهای عجیب، جلوِ خطرها را گرفت و نسبت به بعضی از افسران متعهد، بنی‌صدر نقشه‌هایی داشت برای حذف این افسران متعهد و متدیّن، و حتی درجهٔ بعضیها را گرفت. و ایشان بود تا جلوِ بنی‌صدر ایستاد و تا خدمت امام هم رفت. در همین جریانها که نقشه‌هایی هست که افسران مکتبی و متعهد و متدین را دلسرد کند در ایام جنگ و واقعاً جلوِ این خط را گرفت و بعد هم دیدیم بنی‌صدر خودش حذف شد. ما می‌بینیم رفتن فرماندهان سپاه و ارتش خدمت ایشان و ارتباط با ایشان و گرفتن رهنمود از ایشان. خلاصه جداً همان طوری که قبلاً عرض کردم ایشان مرد بسیار جالبی است. من گاهی اوقات که خدمتشان می‌رسم در رابطه با جنگ، با وجودی که من خودم در آبادان هستم و آبادان جبهه هست می‌بینیم ایشان وقتی صحبت می‌کند مثل یك نظامی و یك مردی که سرو کارشان با جنگ و با تاکتیکهای جنگی با نبرد بوده، یك چیزهایی بیان می‌کنند که برای ما خیلی جالب است و خیلی تازگی دارد. حتی از بعضی از عناصر نظامی رزمندهٔ سپاه، من شنیدم که ما واقعاً از ایشان استفاده می‌کنیم در طرح و در دادن نقشه و در پیشنهاد دادن. و یکی از اشتغالات فکری ایشان مسئلهٔ جنگ است. در اعزام نیرو، از اصفهان چقدر نیرو می‌آید، نجف‌آباد چقدر جمعیت دارد؟ شما ببینید از اوّل جنگ تا حالا چقدر نیرو از نجف‌آباد آمده و اینها همه تحت تأثیر ایشان هستند. کل کشور تحت تأثیر ایشان هستند، امّا آنجا به خاطر اینکه مسقط‌الرأس خودشان بوده، پدرشان هم آنجا هستند و آنجا یك ارتباط نزدیك‌تری با حضرت آیةالله منتظری دارند، چقدر از نجف‌آباد نیرو آمده. من یادم هست اوایل جنگ که چند ماهی گذشته بود، آبادان در محاصره بود، یك روز رفتم اتاق عملیات. فرماندهٔ عملیات آن روز گفت: آقا یك نیروی تازه نفس بسیار خوب برای ما از نجف آباد آمده. نیروی عجیبی بود. پزشك با خود آوردند، آشپز دارند، آشپزخانه دارند، نیروی رزمنده دارند، سازماندهی شده هستند، خیلی منظم‌اند، و فرماندهٔ عملیات تعجب می‌کرد که این چه نیروی منظم و مناسبی است که از نجف‌آباد آمده بود و در رأسش هم یك روحانی محترم بود. آقای نادی که الآن وکیل مجلس است و ظاهراً از طرف شخص آیةالله منتظری بسیج شده بودند و اینجا هم واقعاً منشأ خدمات ارزنده‌ای شدند در آن موقع. شهید هم اینجا زیاد دارند و در هر یك از این عملیات می‌بینیم نقش ایشان در اعزام و بسیج نیروها چقدر چشمگیر و روشن است که دائماً فکرش این است و قطع نمی‌شود.

مقاومت، اعزام نیرو، روحیه دادن و توجه دادن به عمق مطلب که جنگ یك جنگ اصولی است و یك جنگ ساده نیست، ما مکتب داریم و مطابق مکتبمان انقلاب کرده‌ایم و این انقلاب پیروز شده است و مکتب ما دارد پیروز می‌شود و مکتب ما برای امریکا خطر دارد و اینها به خاطر مکتب ما به ما حمله کردند و جنگ را بر ما تحمیل کردند که مکتب ما را از بین ببرند و باید مقاومت کنیم تا اینکه دشمنی که حمله را آغاز کرده که امریکا هست، در منطقه شکستش می‌دهیم و راه برای صدور انقلاب باز می‌کنیم، از این جهت این جنگ از نظر ایشان خیلی مهم است و واقعاً هم همین طور است و همه هم دیگر می‌دانند، امت در صحنه می‌دانند که این جنگ برای ما خیلی مهم است، عز و شرف و حیات ما به این جنگ بسته است.»

خلوص، تقوا و بی‌پیرایگی آیةالله منتظری

«این را هم دیگر ملت و امّت بیدار ما خوب می‌دانند. ما قبل از پیروزی انقلاب که گاهی خدمتشان رسیده بودیم، آن سادگی، آن وارستگی طلبگی که در کمتر طلبه‌ای هم این سادگی پیدا می‌شود، در ایشان می‌دیدیم، بدون تکلف با همه، مردی به این عظمت و این مقام والای فقهی که امروز از مراجع بزرگ ما هست و امید ما و امید ملت اسلام است و واقعاً حاصل عمر امام است، این قدر متواضع و فروتن و ساده؟ اینجا در تبعید گاهش ما رفتیم. ایشان را در یك اتاق گذاشته بودند. یا همین طور که گاهی می‌آمد آبادان، مدرسه‌ای بود اینجا مال آقای قائمی از علمای آبادان. طلبه‌های منبری می‌آمدند در این مدرسه منزل می‌کردند. ایشان هم گاهی که می‌آمد می‌رفت در این مدرسه پیش طلبه‌ها. با اینکه ایشان شخصیت والا و ارزنده‌ای بود که هر یك از علما باعث افتخارشان بود که ایشان به منزلشان برود، امّا می‌آمد در مدرسه می‌ماند و با طلبه‌ها می‌جوشید. بعد از پیروزی انقلاب هم که امت در صحنه می‌دانند وضع ایشان را، سادگی ایشان و تقوای ایشان را، سفارشها و توصیه‌هایی که ایشان در مورد تقوا دارد، هر وقت ما خدمتشان مشرف می‌شویم، ایشان چند کلمه‌ای صحبت می‌کند. همان چند کلمه برای همه یك روحی می‌دمد، از تقوا ، از ساده زندگی کردن، از مردمی زندگی کردن، از توی مردم بودن، و واقعاً همان طور که در صدر این سؤال و جواب عرض کردم، ایشان از آن روحانیون والایی است که اسلام آن روحانی را می‌خواهد،ورثهٔ انبیا و پیامبران، متواضع و فروتن بودن. علما جانشینان پیامبران هستند و ایشان این چنین است و هر کسی هم با ایشان معاشرت داشته باشد، به اندازهٔ خودش از ایشان بهره‌مند می‌شود. خداوند به همهٔ ما توفیق بدهد که درس تقوا و اخلاص و زهد و وارستگی و بی‌علاقگی به این زرق و برق دنیا از ایشان و از استاد بزرگوارشان امام امت یاد بگیریم انشاءالله.

به هر حال ایشان شخصیّت خیلی والایی است، اشخاصی مثل مرحوم شهید صدوقی رضوان الله علیه، که خودش از مجتهدین بود، ببینید چه نظری دربارهٔ ایشان داده است. من یك چیزی یادم آمد در اینجا نقل کنم.

یك روز در خدمت شهید مطهری بودم، در تهران. صحبت از آیةالله منتظری پیش آمد. می‌دانید که آیةالله منتظری و شهید مطهری یك رابطهٔ عجیبی داشتند. از زمان طلبگیشان هم حجره بودند. توی

یك حجره زندگی می‌کردند، هم مباحثه بودند، تا آخر هم همین طور ارتباطشان گرم‌تر می‌شد و آیةالله منتظری به خوبی آیةالله مطهری را می‌شناخت و وقتی صحبت می‌کند، به عمق زندگی ایشان اشاره می‌کند. معلوم می‌شود مطهری هم خوب ایشان را می‌شناخت.

صحبت دربارهٔ آیةالله مطهری پیش آمد. این جمله را از ایشان یادم هست که فرمود: «امام خیلی به ایشان نظر دارند و یك جا امام فرموده‌اند که آیةالله منتظری حاصل عمر من است. این قدر ایشان عظمت دارد.» شما در عمل می‌بینید که واقعاً بگوییم که یکی از توفیقات بزرگی که امام داشته‌اند پرورش این گونه اشخاص بوده است. شخصیتی مثل حضرت آیةالله العظمی منتظری از شاگردان امام است. واقعاً از حاصلهای عمر امام یکی آیةالله منتظری است و ما امیدواریم خداوند سایهٔ امام را تا انقلاب حضرت مهدی عج بر سر ما مستدام بدارد و این امید امت و امام را هم برای این امت و این ملت و همهٔ مسلمانها و برای مستضعفین جهان محفوظ بدارد. انشاءالله. والسلام.»

نظرات آیةالله حاج شیخ احمد جنتی، از فقهای شورای نگهبان و نمایندهٔ مردم استان خوزستان در مجلس خبرگان دوّم. ۶۳/۷/۲۵

«بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. آشنایی من با حضرت آیةالله منتظری از اوایل طلبگی یعنی حدود سال ۱۳۲۰ بود. ایشان در مدرسهٔ جدهٔ بزرگ اصفهان تحصیل می‌کردند و با پدر من، هم مباحثه بودند. من هم در آن سالها تازه جهت تحصیل علوم دینیه به مدرسه رفته بودم و در ضمن دوستان و همدرسان پدرم با ایشان هم آشنا شدم.

آیةالله منتظری از شاگردان مبرّز حضرت امام بودند و در مبارزات هم از کهن‌ترین، وفادارترین و قاطع‌ترین یاران امام در همقدران خود بودند.

مقام علمی ایشان در سطح فقیهی خوش ذوق، تیز فهم، پر مطالعه، پر سابقه، خوش انتخاب و سلیس الذهن است. ایشان در درسهایی که شرکت می‌کردند معمولاً از بهترین شاگردان بودند. تقریراتی که از درسهای مرحوم آیةالله بروجردی نوشته‌اند و اضافاتی که به صورت توضیح یا اشکال افزوده‌اند گویای اوصافی است که ذکر شد ــ به علاوهٔ روانی قلم و حسن تقریر.

معمولاً آنها که از دیرزمان با ایشان آشنا بوده‌اند به خوبی می‌توانند مراتب بالا را تأیید کنند. حوزه‌های علمیه نیز نوعاً در مقابل شخصیت علمی ایشان خضوع دارند ــ هر چند مسائل خاصی سبب شده که جمعی، از اعتراف به این حقایق روشن سرباز زنند: یکی بی‌پیرایگی او که باعث شده جمعی که از یك مجتهد یا مرجع انتظارات دیگری دارند مقام علمی ایشان را نتوانند تصدیق کنند و دیگر که دلیل اصلی‌تر است رنگ انقلابی و حمایت بی‌چون و چرای او از مقام رهبری و معرفی ایشان به عنوان مرجع منحصر به فرد است که قشر بی‌علاقه به انقلاب روحانیت که وضع گذشته را ترجیح می‌دادند و معتقد بودند ما باید کار خودمان را بکنیم و به کار دیگران دخالت نکنیم و مخصوصاً بر امام به علت موقعیت اجتماعی فوق‌العاده‌اش رشک می‌بردند، مسائل را از موضع رقابتها می‌نگریستند و گاه جرئت می‌کردند موقعیت علمی امام را نیز زیر سؤال ببرند طبعاً در مورد آیةالله منتظری سؤالهایی طرح می‌کردند و از جمله در

مقام علمی او در حدّ یك مرجع تردید داشتند و هنوز هم دارند.

تخصص عمدهٔ آیةالله منتظری در فقه، اصول و فلسفه است که معمولاً فقهای ما در این رشته‌ها و غالباً در رشتهٔ اول تخصص دارند.

نقش آیةالله منتظری در مبارزات،پس از مقام رهبری،نقش اول است. او در تمام مراحل، از آغاز بدون سستی و تردید قاطعانه به دنبال امام حرکت کرد و همه جا با صراحت مسائل را طرح کرد. در اعلامیه‌ها معمولاً نخستین امضا از ایشان بود و بسیاری به اعتماد و دلگرمی ایشان امضا می‌کردند. طرحها نوعاً با همفکری و مشورت او ریخته می‌شد. البته این هرگز به معنای انکار سهم ارزنده و مؤثر سایر عناصر ارزندهٔ انقلاب نیست.

در هجرت به تهران هنگام دستگیری امام و دعوت دیگران و تشکیل جلسات و هدایت جریانها ایشان نقش کارگردان داشت. در اعلامیهٔ تعیین مرجعیتِ امام پیشگام بود. در اعتصابات، اعتصاب یك هفته‌ای نجف‌آباد و بستن مغازه‌ها در تمام شهر از همه‌جا چشمگیرتر بود. وضع مبارزاتی او را از حساسیت فوق‌العادهٔ ساواك نسبت به او و فرزندش و زادگاهش باید دریافت. فشار بر ایشان از همه بیشتر بود و هیچ کس در سطح علمی ـ اجتماعی او، همانند او رنج نکشید ـ با اینکه عنصرهای سازش ناپذیر و صبور و زجرکشیدهٔ دیگری مانند مرحوم آیةالله ربانی شیرازی نیز بودند که با مقاومتهایشان رژیم را به ستوه آورده بودند و کلاً و عدالله الحسنی و جزاهم عن الاسلام والمسلمین خیراً.

پس از پیروزی انقلاب هم ایشان همچنان استوار و مستقیم به خط و نقش گذشتهٔ خود بدون کمترین سستی و ضعف ادامه داد ـ با اینکه هر کس دیگری به جای او بود و در شرایط او قرار می‌گرفت و آنچه بر ایشان رفت بر او می‌رفت لااقل در حرکت کند می‌شد و از این آزمایش سخت و دردناك این چنین سالم از آب بیرون نمی‌آمد. امّا اخلاص و انگیزه‌های خود جوش انقلابی او اجازهٔ سستی و کندی و عکس العمل منفی نشان دادن در مقابل ناملایمات را نداد. فما وهنوا لمااصابهم فی‌سبیل الله و ماضعفوا و ما استکانوا.»

کوشش در راه وحدت اسلامی

«در زمینهٔ وحدت اسلامی بهتر است به سخنان خود ایشان مراجعه شود که از هر زبانی گویاتر است. تنها چیزی که من اینجا اشاره می‌کنم ابتکار در ابداع هفتهٔ وحدت است که اگر درست و پیوسته پیگیری شود و در سال یك هفته هرجا علاقه مندان به انقلاب در جامعهٔ تشیع و تسنن هستند از همهٔ امکانات خود در راه ایجاد همبستگی، رفع اتهامات و رفع سوءِ تفاهمها استفاده کنند طولی نخواهد کشید که دشمنان از این حربهٔ تند و تیز و قدرت شکن ناامید خواهند شد و زمینه برای یك حرکت هماهنگ در جهان اسلام در جهت برانداختن سلطهٔ دشمنان و تجدید عظمت دیرین اسلام فراهم آید.»

مراتب تقوا، خلوص و بی‌پیرایگی آیةالله منتظری

«وضع ایشان در این زمینه‌ها باید گفت استثنایی است. امّا از نظر تقوا، از همان آغاز طلبگی به حکم

تربیت خانوادگی تقید و تعبد خاصی داشت که او را تا سر حد وسواس می‌کشاند و نمونهٔ بارزش احتیاط بیش از حد او در امر نجاست و طهارت است که هنوز هم آثارش باقی است و پیوسته حالت تقوای او مورد اعتراف بوده. امّا در سادگی و بی‌پیرایگی واقعاً نمونه است. نجف‌آبادیها معمولاً ساده و بی‌آلایشند و ایشان در آنها هم نمونه است. همان صفا و بی‌تکلفی آغاز طلبگی و اوّل جوانی را به همان شکل حفظ کرده و اگر افراط نداشته باشد تفریط قطعاً ندارد. او برای خود مقامی قائل نیست و انتظار و توقع تواضع و کرنش از دیگران ندارد. نه اهل تشریفات است و نه اهل آداب و رسوم دست و پاگیر و طبقه آفرین، و به همین دلیل از تواضع طبیعی فوق‌العاده‌ای برخوردار است. آن حالتهای مشمئزکنندهٔ کبر و نخوتی که متأسفانه در برخی از آنها که نباید باشد هست، در وجود او یافت نمی‌شود. مزایای اخلاقی فوق، آیةالله منتظری را از یك موقعیت مردمی برخوردار کرده و سبب شده حساسیت خاصی در مورد انحرافها، بی‌عدالتیها، حق کشیها و خودمحوریها داشته باشد و پیوسته در هر مناسبت دردمندانه و دلسوزانه از نابسامانیها و کجرویها گله کند و تذکر دهد و اعتراض نماید ـ اگر گوشی برای شنیدن بیابد. و در هر صورت تذکرات وی این خاصیت را دارد که کجروان بدانند کسانی هستند که نقطه ضعفها و نارساییها را درك کنند و بدون مصلحت اندیشیهای ناروا آنها را به زبان آورند.

امید است خداوند متعال او را و ما را از شرشیطانها حفظ کند و توفیق خدمت به اسلام و مسلمین از طریق مهار کردن حرکتهای ضد اسلامی و ضد مردمی عطا فرماید و در این شرایط فوق‌العاده حساس و سرنوشت‌ساز با رحمت و رأفتش خطرهای مهیبی را که موجودیت اسلام و این مردم فداکار را تهدید می‌کند از این امت بگرداند. اللهم انانرغب الیك فی‌دولة کریمة تعزّبها الاسلام واهله. والسلام.»

نظرات آیةالله عبدالله جوادی آملی از اساتید حوزهٔ علمیهٔ قم و نمایندهٔ مازندران در مجلس خبرگان دوّم

«من در همان دوران تحصیلیم که در حوزهٔ علمی تهران بودم یعنی تقریباً سالهای ۳۰ تا ۳٤ گاهی با حضرت آیةالله منتظری که به تهران تشریف می‌آوردند در کتابخانه‌ها مأنوس بودیم و مرحوم شهید مطهری رضوان الله علیه هم تقریباً همان اولین دورهٔ امتحانات مدرسین که شروع شده بود از قم به تهران آمد و در امتحانات شرکت کرد و در رشتهٔ معقول شاگرد اول شد. بعد کم‌کم به مدرسهٔ مروی آمد و درکنار حجرهٔ ما حجره داشت ـ همان حجرهٔ رو به قبله. و با این بزرگوار آنجا مأنوس بودیم، بعد هم من که به قم آمدم بایستی درس مرحوم آیةالله بروجردی را می‌نوشتیم و جزوهٔ درس را به ممتحنین ارائه می‌دادیم تا به [عنوان] طلبهٔ رسمی درس خارج خوان قبول می‌شدیم. حضرت آیةالله منتظری از طرف حضرت آیةالله العظمی بروجردی جزء اعضای هیئت ممتحنه بود و با آن بزرگوار مأنوس بودیم و در حقیقت امتحان می‌کرد و جزوهٔ ما را ایشان می‌دیدند؛ چون ایشان از شاگردان به نام مرحوم آیةالله العظمی بروجردی بودند. دیگران که می‌خواستند جزوهٔ درس را تنظیم کنند و ببینند، ایشان می‌دیدند. گاهی ایشان در جلسهٔ خصوصی مرحوم استاد علامه طباطبایی حضور پیدا می‌کردند که آنجا خدمت ایشان می‌رسیدیم و ایشان از آن نظر که جزء اساتید معروف حوزهٔ علمیهٔ قم بودند، در جلساتی که

مدرسین تشکیل می‌دادند حضور پیدا می‌کردند و تبادل نظر می‌شد و نظرات ایشان در حد وسیع محترم بود و مقام و برجستگی ایشان برای همگان معلوم بود. الحمدلله رب العالمین.» ـ نقل از مجلهٔ *پیام انقلاب*، ۱۳۶۲/۳/۷.

نظرات حجةالاسلام والمسلمین سیّدعلی حسینی خامنه‌ای، رئیس جمهور اسلامی ایران و نمایندهٔ مردم استان تهران در مجلس خبرگان دوّم. ۱۳۶۳/۲/۱

س. آشنایی حضرت عالی با آیةالله منتظری از کی و چگونه آغاز شده است؟

ج. من قبل از اینکه بیایم قم با حضرت آیةالله منتظری آشنا شدم. به این کیفیت که در سفری که ایشان به مشهد آمده بودند به دیدارشان رفتم. دقیقاً یادم نیست که مبدأو بهانهٔ این دیدار چگونه بود، امّا یادم هست که اوّل بار اسم آقای منتظری را از پدر بزرگم شنیده بودم. پدربزرگ ما مرحوم آقای حاج سیدهاشم نجف‌آبادی چون با آقای منتظری همشهری بودند، ایشان را می‌شناختند. یك سفر که آیةالله منتظری به مشهد آمده بودند، ایشان به منزل پدرم آمدند. نمی‌دانم به چه مناسبت آیةالله میلانی هم آنجا بودند. خاطره‌ای از آن مجلس دارم که شیرین است و آن این است که بین آقای منتظری و آقای میلانی بحث در گرفته بود. در این بحث آقای منتظری خیلی حاضر جواب به نظر می‌رسید و برخلاف آقای میلانی که خیلی با تأنی و آرام آرام حرف می‌زدند، ایشان تندتند صحبت می‌کردند. خود این، حالتی را به بحث داده بود. در اثنای بحث ـ که روی آیه‌ای از *قرآن* بود ـ مرحوم آقای میلانی گفتند که مرحوم شیخ هم در *رسائل* این آیه را نقل کرده‌اند. آقای منتظری با همان لهجهٔ نجف‌آبادی گفتند معلوم می‌شود که شما *قرآن* را از روی *رسائل* می‌خوانید! به نظرما خیلی جالب می‌آمد که آقای منتظری این طور با جرئت و با تسلط با آیةالله میلانی بحث کنند. بعد، در سال ۳۷ که می‌آمدم قم، دیگر آقای منتظری را می‌شناختم. البته نزدیك نبودیم فقط آشنا بودیم. ایشان هم ما را می‌شناختند. در آن زمان ایشان در قم مدرس معروفی بودند. در حدود سال ۳۹ بود که پدر بزرگ ما فوت شد و مرحوم آیةالله بروجردی مجلس فاتحه‌ای در مدرسهٔ فیضیه برایشان گرفتند. مرسوم این بود که وقتی آیةالله بروجردی برای یکی از علمای شهرستانها فاتحه‌ای می‌گرفتند، بازماندگان آن متوفی برای تشکر خدمت آیةالله بروجردی می‌رفتند و ضمناً از ایشان اجازه می‌گرفتند که فردا یا پس فردای آن روز، خودشان هم مجلس فاتحه‌ای بگذارند. ما هم همین کار را کردیم. عصر همان روز که ایشان فاتحه گرفته بودند، یکی از علمای قم که آشنای پدرم بود و به آیةالله بروجردی هم نزدیك بود، من و برادرم را برد تا خدمت ایشان برسیم و معرفی بکند. آن وقتها آیةالله منتظری در بیت آیةالله بروجردی رفت و آمد داشتند. وقتی ما رسیدیم در منزل آیةلله بروجردی، آقای منتظری داشتند از خانه خارج می‌شدند. ما را دیدند و فهمیدن که به این منظور می‌رویم. گفتند من هم می‌آیم. آمدند و از ما پیش آقای بروجردی تعریف کردند. از من و اخویم سیدمحمد اسم بردند و گفتند از طلبه‌های فاضلند، درس می‌خوانند، زحمت می‌کشند. و بدین وسیله اظهار محبت کردند. این هم یك نوبت دیگری بود که از مدتها پیش یادم می‌آید که خدمت ایشان رسیدیم. بعدها من مدتی درس شرح اشارات و مقداری هم اسفار پیش ایشان خواندم. ارتباط ما قبل از

شروع نهضت در این حدود بود.

س. آیا شما در رژیم سابق با معظم‌له همزندان بوده‌اید؟ اگر خاطراتی دارید بیان نمایید.

ج. بله، من یك خاطره دارم. خرداد سال ٥٤ بود. ما زندان کمیته بودیم در تهران،من سلول ۲ بودم. یك جوانی در سلول ۱۹ بود و مرحوم شهید رجایی در سلول ۱۸. یك روزصبح زود که برای نماز بلند شده بودیم، سلول ۱۹ با ضربات انگشت که وسیله‌ای بود که ما با هم بدین وسیله تبادل اطلاعات می‌کردیم، به من اطلاع داد که رجایی ازسلول ۱۸ به او گفته که شخصی را به نام منتظری، نیمه شب آورده‌اند با ایشان هم سلول کرداند. من احتمال دادم آقای منتظری خودمان باشد. خیلی متوحش شدم؛ چون فهمیدم یك حادثهٔ مهمی باید اتفاق افتاده باشد که آقای منتظری را از سقز که محل تبعید ایشان بود دستگیر کنند و به زندان بیاورند. بعد که از زندان بیرون آمدم فهمیدم همان حادثهٔ ۱۷ خرداد سال ٥٤ بود که در مدرسهٔ فیضیه یك حادثهٔ مهمی اتفاق افتاد و طلبه‌ها بعضی شهید شدند و بعضی دستگیر شدند. باری احتمال دادم که آقای منتظری ما باشند. به وسیلهٔ همان ضربات انگشت به سلول ۱۹ گفتم از سلول ۱۸ بپرسد که ایشان آیةالله منتظری است؟ مختصری گذشت که جواب داد: بله، ایشان آیةالله منتظری هستند. گفتم بگویید ممکن است جای ایشان را عوض کنند و یك وضع جدیدی برایشان پیش بیاورند. تا ایشان را نبرده‌اند از ایشان بپرسید چرا ایشان را گرفته‌اند و وقت را تلف نکنید. تماس گرفت، خبرداد که می‌گوید یك حوادثی در قم اتفاق افتاده و ایشان را گرفته‌اند، اما فعلاً فرصتی نیست.

من مدتی تأمل کردم. ساعتی گذشت. مطلع شدم ایشان را بردند. معلوم می‌شود صبح که داشته سؤال می‌کرده در همان حین آمدند ایشان را بردند و همان یك شب ایشان در آن زندان بودند و بعد بردند به زندان اوین و دیگر با ایشان همزندان نشدیم. من تا آخر در کمیته بودم و به اوین منتقل نشدم.

س. هنگامی که ایشان در تبعید به سر می‌بردند، خصوصاً در طبس، چه ارتباطی با ایشان داشتید؟

ج. وقتی که آیةالله منتظری در طبس تبعید بودند، با ایشان در ارتباط بودیم.اولاً خود من دو یا سه مرتبه رفتم طبس و خدمت ایشان رسیدم. یك بار اهل و عیال را برداشتیم رفتیم دیدن ایشان. یك بار هم با دوستان رفتیم. دفعهٔ اوّل که با دوستان رفته بودیم، عده‌ای بودند با من، رفتیم وارد شهر طبس شدیم. در میدان شهر داشتیم می‌گشتیم. پاسبانها فهمیدند که ما برای دیدن ایشان آمده‌ایم. دیدیم پاسبانها دارند با نگاه ما را تعقیب می‌کنند. یکی دو تا از دوستانی که با ما بودند که سابقهٔ این کار را نداشتند و ترسیدند به ما گفتند بیایید از هم جدا شویم و ما هر چه گفتیم لزومی ندارد، تأمل نکردند و فوری از ما جدا شدند و رفتند. من ماندم تنها. رفتم پیش پاسبان. گفتم خانهٔ آقای منتظری کجاست؟ گفت بیا نشان بدهم. مرا همراه خود برد درِ خانهٔ آقای منتظری و گفت اینجا خانهٔ ایشان است. بعد از ساعتی یکی از دوستانی که از ما جدا شده بود، پرسان پرسان خودش را رسانده بود آنجا. فردا صبح هم یکی دو تا دیگرشان به آنجا آمدند. وقتی ما رفتیم منزل آقای منتظری، خوب، من که سوابق زیادی با ایشان داشتم، حالات ایشان برای من شگفت‌آور نبود، اما آن دوستان مشهدی ما که همراه من بودند، عجیب مجذوب آقای منتظری شده بودند، هم از صفا و سادگی و تواضع ایشان و از اینکه ایشان از زیّ غیر از زیّ شخصیتی در حد آقای منتظری نشست و برخاست می‌کرد، غذا می‌خورد. سادگی ایشان

عجیب آنها را تحت تأثیر قرار داده بود. و ثانیاً از نظر افکار اسلامی و نظرات فقهی ایشان. نظرات فقهی خیلی انقلابی و جدیدی ایشان ابراز می‌کردند. و این هم برای دوستان ما جالب بود که در آن سفر یك یا دو مورد فقهی بود که مطرح شد و ایشان نظراتشان را برای دوستان ما ابراز می‌کردند. خیلی جالب به نظر می‌رسید که وقتی برمی‌گشتیم به مشهد، داخل ماشین دائماً روی نظرات ایشان صحبت و بحث می‌کردیم.

غیر از آن در هنگام تبعید ایشان ارتباطات دیگری هم داشتیم. افرادی می‌رفتند خدمت ایشان. گاهی چیزهایی برای ایشان می‌فرستادم و گاهی ایشان چیزهایی برای من می‌فرستادند. یادم هست نامهٔ خوبی ایشان نوشته بودند خطاب به علمای بلاد که آن را فرستادند مشهد. من مقدار زیادی از آن را دادم بین افراد تقسیم کردند.[۳]

به هر حال ارتباطاتی داشتیم. بعضی از ارتباطاتی که با ایشان داشتیم، برای دستگاه آن روز معلوم هم شده بود، ولی خوب، ما ارتباطمان را با ایشان داشتیم.

س. رابطهٔ ایشان با حضرت امام خمینی مدظله در زمینه‌های علمی و مبارزاتی چگونه بوده است؟

ج. تا آنجا که ما خودمان دیدیم و شاهد و ناظر بودیم، ایشان همواره یکی از نزدیکان امام محسوب می‌شدند و از شروع این مبارزات ایشان یك عنصر متحرك و فعال بودند که همیشه در مبارزات حضور داشتند، آن هم در نقطهٔ مرکزی و محوری آن، لکن سوابق ایشان با امام خیلی بیش از اینهاست. آن طور که من از خودشان واز دیگران، از جمله از مرحوم آقای مطهری، شنیده‌ام ایشان جزء اولین شاگردان درس امام خمینی هستند که فلسفه و فقه نزد امام خمینی می‌خواندند.

قدیمی‌ترین شاگردان امام، ایشان و آقای مطهری و بعضی دیگر از آقایان هستند که بعضی‌شان هم شاید حالا در قم باشند. همان طور که عرض کردم وقتی ما رفتیم قم ایشان دیگر درس حضرت امام نمی‌آمدند لکن درس آقای بروجردی می‌آمدند. سالهای ۳۷، ۳۸ و ۳۹ که من درس آیةالله بروجردی می‌رفتم، ایشان می‌آمدند درس آن مرحوم و اشکال هم می‌کردند. آیةالله بروجردی هم به اشکالاتی که آقای منتظری می‌کردند اهمیت می‌دادند. می‌دانید که مرحوم آقای بروجردی ثقل سامعه داشتند و وقتی اشکال نامربوطی می‌شد و ایشان به آن اهمیتی نمی‌داد، نشنیده می‌گرفت و قضیه تمام می‌شد! اما بعضیها بودند، اشکالشان را، با اینکه از فاصلهٔ دور ادا می‌شد، چون مربوط و خوب بود، آقای بروجردی می‌شنیدند! و جواب می‌دادند. اشکالات آقای منتظری از اشکالاتی بود که می‌شنیدند. من چندین بار این را دیده بودم که ایشان اشکال می‌کردند، با وجودی که در فاصلهٔ زیاد با منبر می‌نشستند، اما آقای بروجردی پاسخ می‌دادند. به هر حال در سالیانی نزدیك به زمان شروع مبارزه، ایشان به درس امام خمینی نمی‌آمدند.

مبارزات که شروع شد، غالباً کسانی که حول و حوش مبارزه بودند، طلبه‌های جوان بودند. کسانی که

۳. در صفحهٔ ۱۶۲ کتاب *فقیه عالیقدر*، جلد اوّل، سند دستور ساواك مبنی بر دستگیری حجةالاسلام خامنه‌ای به جرم توزیع نامهٔ مذکور چاپ شده است.

در حدّ آقای منتظری بودند کمتر حول و حوش مبارزات می‌چرخیدند و من آن وقت خیلی لذت می‌بردم از اینکه می‌دیدم یك چهرهٔ فاضل و مدرس معروفی مثل آقای منتظری که در قم خیلی موجه و معروف بودند و شاگردهای زیادی داشتند، جزء کسانی است که منزل امام رفت و آمد می‌کند، آنجا کار دارد، مسئله دارد، در مسائل مبارزه کاملاً وارد است، یعنی حالت فعالیت و تحرك دارد. بعد هم که در سال ٤٢ امام را بازداشت کردند، آقای منتظری در فعالیتهای اصلی قم وارد بودند که دو موردش را ما با ایشان همکاری داشتیم. یك مورد تشکیل جامعهٔ مدرسین بود.

هنگامی که جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم تشکیل می‌شد آقای منتظری جزء عوامل اصلی بودند. در آن جلسات گاهی با هم شرکت می‌کردیم. یکی هم یك تشکیلات مخفی به وجود آمد که ۱۱ نفر در این تشکیلات شرکت داشتند. یکی آقای منتظری بودند. بنده هم جزء آن ۱۱ نفر بودم. مرحوم ربانی شیرازی بودند، آقای هاشمی رفسنجانی بودند، بعضی از دوستان دیگر بودند که من در بعضی از صحبتهایم اسم یازده نفر را آورده‌ام.[٤] و آنجا هم ما با ایشان همکاری داشتیم، نشست و برخاست داشتیم، جلسه داشتیم، و تا مدتی هم طول کشید، بعد هم من از قم به مشهد رفتم.

در سال ٤٣، باز این ارتباط مدتها برقرار بود. تا اینکه آن تشکیلات لو رفت و عده‌ای دستگیر شدند- از جمله خود ایشان و مرحوم ربانی شیرازی و چند ماه با هم در زندان بودند.

س. نقش ایشان در ثمر دهی مبارزات ملت مسلمان ایران با رژیم شاه چه بوده است؟

ج. ایشان نقش بسیار برجسته‌ای داشتند. یعنی اگر عناصر مبارزه را در بین علما و روحانیون طبقه‌بندی کنیم، آقای منتظری جزء درجه یکها بودند. یعنی ایشان چند نقش مهم داشتند. در حوزهٔ علمیه یك وزنه‌ای و یك رکنی از ارکان مبارزه بودند. آن روزها مخالفین مبارزه غالباً مبارزین را متهم می‌کردند به جوانی و پایین بودن از لحاظ علمی و سنی. ایشان شخصیتشان طوری بود که این تهمت را به شکل قاطعی رد می‌کرد زیرا اولاً از لحاظ علمی شخصیت بالایی بودند، مجتهد بودند، مدرس بودند، شاگردان زیادی داشتند و جزء شخصیتهایی بودند که از زمان مرحوم آیةالله بروجردی روی ایشان حساب می‌شد. ثانیاً جزء جوانها نبودند. کسی نبودند که متهمشان کنند به جوانی. وجود ایشان در قم برای مبارزین یك امید و پشتوانه و برای اصل مبارزه یك اعتبار و حیثیت محسوب می‌شد و علاوه بر این آیةالله منتظری مرد شجاعی است، آدم نترسی است، همیشه حرف می‌زدند، همیشه مردم را توجیه می‌کردند، همیشه کسانی را که به ایشان مراجعه می‌کردند کمك فکری می‌کردند، به مبارزین کمك مالی می‌کردند. در نجف آباد که ایشان بارها به آنجا تبعید و یا مجبور به سکونت شده بودند، یا شاید به خاطر بیماری و استراحت مدتی در نجف‌آباد مانده بودند نماز جمعهٔ ایشان مرکز گسترش فکر اسلامی و فکر انقلابی بود.

٤. یازده نفر مؤسسین جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم عبارت بودند از: آیةالله منتظری، آیةالله مشکینی، آیةالله ربانی شیرازی، شهید قدوسی، آقای مصباح یزدی، آقای آذری قمی، آقای ابراهیم امینی، آقای سیدعلی خامنه‌ای، آقای سید محمد خامنه‌ای، آقای هاشمی رفسنجانی، آقای حائری تهرانی.

حجةالاسلام والمسلمین علی خامنه‌ای، در کنار فقیه عالیقدر

من یادم هست روزی رفتم نجف‌آباد برای دیدار ایشان که در نماز جمعه هم شرکت کردم. جمعیت خیلی زیادی جمع شده بودند، به طوری که علاوه بر مسجد جامع، خیابانهای اطراف هم پر شده بود و از اصفهان عدهٔ زیادی راه افتاده بودند آمده بودند نماز جمعهٔ ایشان و افرادی از قبیل من که ایشان را می‌شناختم و ارادت داشتم و سابقه داشتم و از مشهد رفته بودم نجف آباد برای دیدن ایشان و شرکت در نماز جمعه، کم نبودند. از شهرهای مختلف، از اصفهان، از تهران، از شیراز، از کاشان، از قم می‌رفتند نجف‌آباد برای شرکت در نماز جمعه‌های آقای منتظری.

البته نقش دیگر ایشان در هدایت کردن و خط دادن به مدرسین قم، و عناصر قم را هم نباید فراموش کرد. می‌دانید که جامعهٔ مدرسین مهم‌ترین و حساس‌ترین اعلامیه‌ها را در مقاطع مختلف صادر می‌کرد. آن وقتی که لازم بود این کار انجام بگیرد، آن کسی که اولین قدم را برمیداشت و دیگران را تشویق می‌کرد و وجودش موجب می‌شد که دیگران هم آماده شوند برای این کار، آقای منتظری بود. بعضی دیگر هم بودند از آقایان، مثل آقای مشکینی و مرحوم ربانّی شیرازی. آقای منتظری جزء اولین عناصری بودند که وجود ایشان و حضور ایشان این کار را می‌کرد. به هر حال ایشان یکی از کسانی بودند که در طول دوران مبارزه همواره نقش فعالی داشتند. یعنی من هیچ وقت را یاد نمی‌آورم که آقای منتظری نقش غیر فعالی در مبارزه داشته باشند. ایشان یا زندان بودند یا تبعید بودند که بارها زندان و تبعید رفتند، یا در نجف‌آباد به ترویج و تبلیغ و نماز جمعه و وادار کردن افراد به کارهای مبارزاتی تند و حاد مشغول بودند. از طرفی همان طور که گفتم در قم یك محور و یك مرکزی برای مبارزه بودند، با ایشان از طرف

بعضی از مقامات آن روز روحانی هم مقابله و معارضه می‌شد و اشکال تراشی می‌شد، لکن ایشان مرد مقاومی بودند. به هر حال در طول این دوران پانزده ـ شانزده سالهٔ مبارزات از سال ٤١ تا سال ٥٧ من هیچ وقت را یادم نمی‌آید که آیةالله منتظری از مبارزه فارغ شده باشد.

س. فعالیتهای آیةالله منتظری را پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حفظ و تحکیم دستآوردهای انقلاب اسلامی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ج. بعدازانقلاب‌اسلامی هم آیةالله‌منتظری وضعشان کاملاً متناسب و شبیه باوضع پیش‌ازانقلاب ایشان بوده است، یعنی حقاً و انصافاً اگر بعد از انقلاب، حضور ایشان و فعالیت ایشان نمی‌بود، ما یك چیز اساسی را در این مبارزه کم داشتیم. یعنی هیچ کس را من سراغ ندارم بعد از حضرت امام که به قدر آیةالله منتظری نقش فعال و مؤثری داشته باشد، بعد از پیروزی انقلاب. همه جا و در همهٔ پدیده‌های این انقلاب بوده‌اند.

با اینکه ایشان جزء شورای انقلاب نبودند لکن تا مدتها ایشان گاه به گاه در شورای انقلاب شرکت می‌کرد. هر وقت هم ایشان وارد جلسهٔ شورای انقلاب می‌شدند، آمدن ایشان همراه با یك شور و با یك تحرك و آوردن چند پیشنهاد و پرسیدن چند سؤال مهم و سؤال از افراد که چرا فلان کار نمی‌شود، چرا فلان کار نشده و این جور چیزها بود.

ایشان کسی بود که در طول این مدت در همهٔ جریانات و در گرههای اساسی انقلاب یك نقش راهگشا و گره‌گشا داشت. در مجلس خبرگان نقش ایشان، نقش بارزی بود، در نماز جمعهٔ تهران نقش آشکاری بود. در ایجاد حوزهٔ درسی مهم در قم، همین طور در مسائل گوناگون مربوط به گروهکها، مربوط به جنگ، بسیجهای عمومی، پیام دادن به مردم، هدایت کردن دستگاههای دولتی و بخشهای مهمی که من همین طور که نگاه می‌کنم از اول انقلاب، حوادث سریع و پیاپیی که پیش آمده، در همهٔ اینها، آیةالله منتظری نقش فعال و سازنده و مؤثری را داشتند که اگر چنانچه این نقش نمی‌بود، یقیناً، یك رکن اساسی را کم داشتیم و بنده تصور می‌کنم بعد از شخص شخیص و شریف حضرت امام، مستمرترین و مؤثرترین نقشها را پس از پیروزی انقلاب آقای منتظری داشته‌اند.

س. مقام علمی ایشان را در جهان اسلام چگونه می‌بینید و به نظر حضرت عالی معظم‌له در چه رشته‌ای از علوم اسلامی پیشتاز هستند؟

ج. آیةالله منتظری یکی از مراجع تقلید و یکی از فقهای بزرگ ما هستند و باید ایشان را در رتبهٔ اول فقهای اسلام به شمار آورد، که همین طور هم هستند.

ایشان در دو رشتهٔ علمی که من اطلاع دارم متخصص هستند. در فقه که مجتهد عالی مقام و بزرگی هستند و در فلسفه که شاگرد امام خمینی و استاد فلسفه هستند و ما پیش ایشان مقداری فلسفه خوانده‌ایم.

س. آیةالله منتظری در تربیت شاگرد و عرضهٔ آن به جامعهٔ اسلامی تا چه اندازه موفق بوده‌اند؟

ج. ایشان از اول که بنده به قم آمدم از مدرسین بزرگ محسوب می‌شدند و احتمال می‌دهم که تا حالا ایشان هزارها شاگرد داشته‌اند. البته تعداد شاگردان مخصوص نزدیك ایشان چقدر است من

اطلاعی ندارم، اما می‌دانیم که ایشان شاگردان خیلی زیادی، هم در فقه و هم در فلسفه، داشته‌اند. از افراد نزدیك به ایشان هم اطلاعی ندارم، اما می‌دانم از وقتی که درسهای ایشان از رادیو پخش می‌شود، شاگردان زیادتری هم دارند که در قم نیستند.

س. نظر حضرت عالی در رابطه با نظریه‌های ایشان پیرامون مسائل اقتصاد اسلامی چیست؟

ج. به طور کلی آیةالله منتظری نظرات فقهیشان جزء نظرات نو و انقلابی و به اصطلاح، مدرن است. نظرات اقتصادی ایشان هم همین طور است. البته من از جزئیات همهٔ نظرات اقتصادی ایشان مطلع نیستم، جز چند نظر درباب زکات و خمس که تا آنجا که من می‌دانم بسیار جالب است. ایشان در اجناس زکویه و در بعضی از مباحث مربوط به خمس نظرات بسیار مفیدی دارند که می‌تواند در زمان ما که تشکیل حکومت اسلامی که بحمدالله پیش آمده برای دولت اسلامی این احکام را گرهگشای بسیاری از مشکلات بکند. نظر ایشان درباب ولایت فقیه، نظرات بسیار قوی و متینی است. به هر حال نظرات فقهی ایشان تا آنجایی که من می‌دانم نظرات بسیار خوبی است.

س. ایشان به عنوان یکی از طرفداران و عاملان اصلی صدور انقلاب اسلامی چه فعالیتهایی داشته‌اند؟

ج. یکی از خصوصیات بارز آیةالله منتظری، همین مسئلهٔ توجه به ابعاد جهانی انقلاب اسلامی ایران است. ایشان جزء شخصیتهایی است که از اول پیروزی انقلاب، توجه به ابعاد بین‌الملل انقلاب اسلامی پیدا کرده. البته باید نقش شهید محمد منتظری را در حضور و توجه دائمی ایشان فراموش نکرد. چون شهید محمد منتظری به خاطر اینکه مدتی را در اقطار عالم اسلامی به حالت تبعید و در مبارزه و فعالیتهای دوران تبعید گذرانده بود، آشنایی به مسائل جهانی انقلاب اسلامی و انگیزه و علاقهٔ خاصی نسبت به آنها داشت که در آیةالله منتظری بی‌تأثیر نبوده است، شاید هم تأثیرات متقابل بوده، یعنی شاید آیةالله منتظری روی فرزند شهیدشان تأثیراتی از این قبیل داشته‌اند. علی ایّ حال از جمله نمونه‌های آشکاری که همه دیده‌اند و خبر دارند اگر بخواهم مثال بزنم اظهاراتشان را در نماز جمعهٔ تهران است که تا قبل از ایشان اصلاً معمول نبود. نه خطبهٔ عربی معمول بود و نه خطاب به برادران مسلمان از اریتره تا فیلیپین.

من فراموش نمی‌کنم ایشان با همان لحن و لهجهٔ عربی مخصوص خودشان که نیمی عربی و نیمی نجف‌آبادی است در نماز جمعهٔ هر هفته یك خطبهٔ عربی می‌خواندند. خطبهٔ کوتاهی که بعد ما هم از ایشان پیروی کردیم و این شد باب، و خطبهٔ عربی تهران یکی از اجزاء حتمی خطبه شد. این، توجه ایشان به ابعاد جهانی انقلاب اسلامی را می‌رساند. تا کنون ایشان همواره به این مسئله اهمیت داده‌اند. لذا در سراسر جهان اسلام، یکی از چهره‌هایی که مسلمانان انقلابی حتماً در انقلاب ما به خوبی می‌شناسند و به آن علاقه و ارادت دارند چهرهٔ آیةالله منتظری است.

س. برخورد ایشان با گروهکهای محارب و منحرف اعم از شرقی و غربی در طول انقلاب چگونه بوده است؟

ج. آیةالله منتظری برخوردی صریح و قاطع و افشاگرانه و بدون رودربایستی با گروهکها داشته و

دارند. می‌دانید که غالب سران این گروهکها با ایشان مدتی همزندان بودند ـ هم گروهکهای متمایل به غرب و هم گروهکهای متمایل به شرق. و ایشان علاوه بر معرفتهای دورادور، از نزدیك با اینها آشناییهایی داشته‌اند که قاعدتاً در زندان و همچنین در ادامهٔ آشناییهای زندان، این ارتباط وجود داشته. در عین حال آن وقتی که لازم بود در مقابل گروهکها موضعگیری بشود، ایشان به طور صریح و قاطع موضعگیری کردند ـ هم در مقابل منافقین، هم در مقابل گروههای متمایل به راست. به نظر من باید یکی از خصوصیات آیةالله منتظری را صراحت و نداشتن رودربایستی و محدودیتهای علی‌الظاهر اخلاقی و علی‌الباطن معلول خصلتهای منفی، در ایشان دانست.

س. حضرت عالی به عنوان امام جمعهٔ تهران، تأثیر معظم‌له را در برپایی نماز جمعه‌های اصیل اسلامی چگونه می‌بینید؟

ج. این یکی از نقاط ممتاز آیةالله منتظری است. می‌دانید ایشان کسی است که قائل به وجوب نماز جمعه می‌باشد و فتوای ایشان این است. و لذا از پیش از انقلاب، وقتی که هیچ کس به یاد نماز جمعه نبود، ایشان نماز جمعه داشتند، حتی در تبعید، مثلاً در طبس یا در نجف‌آباد.

در طبس ایشان اعلام کردند که نماز جمعه خواهند خواند، و جمعیتی عظیم راه افتاد و رفت نماز جمعه، طوری که دستگاه آن را تعطیل کرد و مانع شد که ایشان از منزل خارج بشود. و این، به خاطر ترسی بود که از هجوم مردم و توجه مردم به ایشان و از عظمت نماز جمعه پیدا کرد. بنابراین ایشان در دوران تبعید هم نماز جمعه را فراموش نمی‌کردند و من تصور می‌کنم یکی از انگیزه‌ها و زمینه سازهای اقامهٔ نماز جمعه در تهران و در سراسر ایران که امام به آن اهتمام ورزیدند، شخص آیةالله منتظری بودند.

س. نظر ایشان در مورد تشکیلات و ایجاد احزاب اسلامی، خصوصاً حزب جمهوری اسلامی چیست؟ و این حزب از رهنمودهای ایشان، به عنوان یك اسلام شناس و تبیین کنندهٔ بزرگ خط امام تا چه اندازه بهره می‌گیرد؟

ج. آیةالله منتظری نسبت به تشکیلات نظر موافق دارند. همان طور که اشاره کردم سال ۱۳۴۲ خود ایشان یکی از بنیانگذاران تشکیلاتی بودند که با هم در آن با ایشان همکاری داشتیم. یازده نفر بودیم که از جمله و در رأس آنها آیةالله منتظری بودند. به علاوه در مورد تشکیلات حزب جمهوری اسلامی، ایشان یکی از پشتوانه‌های معنوی حزب جمهوری اسلامی است. یعنی قبل از پیروزی انقلاب، جمعی اول در مشهد و بعد ادامه‌اش در تهران تشکیل شد که در صدد پدید آوردن یك تشکیلات عظیم از عناصر مبارز روحانی و سپس به تدریج عناصر غیرروحانی برآمدند. از جملهٔ اشخاص این جلسات و این تشکل کوچك مرحوم شهید بهشتی رضوان الله علیه بود که در حقیقت باید گفت سر رشته‌دار و سردمدار این جریان بود. پیشنهاد کنندهٔ اصلی و اولی بنده بودم. خودمن پیشنهاد این تشکیلات را دادم. بعضی از بنیانگذاران اصلی آن مانند آیةالله بهشتی، آقای باهنر و آقای هاشمی‌نژاد به شهادت رسیدند و بقیه از چهره‌های معروفی بودند که الحمد لله الآن در خدمت نظام جمهوری اسلامی هستند. آیةالله مشکینی، آقای ربانی املشی، آقای محمدجواد حجتی کرمانی، آقای واعظ طبسی و

بعضی دیگر.

این جلسات در سال ٥٦ شکل گرفت و در آن زمان آیةالله منتظری و همچنین آقای هاشمی رفسنجانی زندان بودند. ما گفتیم هنگامی که این دو نفر از زندان آزاد شدند عضو این تشکیلات خواهند شد و از پیش به عنوان افراد و اعضای اصلی، این دو نفر را انتخاب کردیم. خوشبختانه هر دو قریب الزمان با هم از زندان آزاد شدند و ما یك جلسه را به خاطر شرکت آیةالله منتظری در قم گذاشتیم ـ در اولین روزهای آزادی ایشان، چون نمی‌توانستند به تهران بیایند و گرفتار دید و باز دید بودند، من از مشهد آمدم و دوستان دیگر از تهران. همه رفتیم قم منزل آقای مؤمن عضو فعلی فقهای شورای نگهبان که یکی از افراد همین تشکل بودند. جلسه تشکیل شد و آقای منتظری در آن جلسه شرکت کردند. در همان جلسه تصمیم گرفته شد که این عده به دو دسته تقسیم شوند. یك دسته که عبارت بودند از بنده، آقای بهشتی، آقای هاشمی رفسنجانی، آقای باهنر، آقای موسوی اردبیلی، و آقای موحدی کرمانی و شاید آقای حجتی کرمانی، در تهران یك حزب به وجود بیاوریم و بقیه که آقای منتظری و آقای مشکینی و آقای مؤمن و آقای ربانی املشی، و شاید آقای طاهری خرم آبادی و چند نفر دیگر، در قم پشتوانهٔ معنوی حزب را تشکیل بدهند که هم تغذیه بکنند و هم از لحاظ معنوی پشتوانهٔ حزب باشند.این پیشنهادی بود که با بودن آقای منتظری و با تصویب و همکاری ایشان گرفته شد که ما آمدیم تهران و مقدمات حزب را فراهم کردیم.

خلاصهٔ حرف اینکه آیةالله منتظری جزء عناصر اصلی حزب بودند و جزء بنیانگذاران حزب محسوب می‌شوند. بعد از تشکیلات حزب هم در کار این تشکل خیلی به ما کمك کردند. در جهت‌گیریها و درادارهٔ حزب به ما کمکهای زیادی کردند و ما از ایشان متشکر هستیم. والسلام.

نظرات آیةالله حاج سید روح الله خاتمی، نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ یزد و نمایندهٔ مردم استان یزد در مجلس خبرگان دوم. ٦٢/١٢/٧

«بسم‌الله‌الرحمن الرحیم. دوران تحصیلی بنده و حضرت آیةالله منتظری خیلی با هم فرق دارد. ایشان در حدود سی سال، شاید، سن‌شان از من کمتر باشد. دوره‌ای که ایشان در اصفهان اشتغال داشتند من آنجا نبودم. اولین آشنایی من با آیةالله منتظری از قم بود. اوّل بار که من ایشان را شناختم وقتی بود که تقریرات اصول مرحوم آیةالله بروجردی را ایشان نوشتند و منتشر کردند. پس از انتشار این اثر از ایشان، ما دورادور جداً ارادتمند ایشان شدیم. از همان موقع من در تعقیب شناسایی بیشتر از آقای منتظری بودم و از دور حالات ایشان را و فضایل ایشان را می‌شنیدم، ولی متأسفانه دیدار ایشان برای من اتفاق نیفتاده بود، تا همان خرداد ٤٢ که نهضت آیةالله خمینی شروع شد و آیةالله خمینی را دستگیر و زندان کردند و علما هجرت کردند به تهران. من اولین دیدارم از آقای منتظری ـ با وجودی که شناخت داشتم ـ در آن مجمع علمای مهاجر در تهران بود. وآنجا که من چند جلسه‌ای در خدمتشان بودم، باز بر عقیدهٔ من و ایمان من به ایشان افزوده شد. برای اینکه فضایل ایشان را و مقام علمیشان را اجمالاً می‌دانستم، ولی آنجا لمس کردم که ایشان واقعاً در مسئلهٔ انقلاب چقدر عنایت دارند و چقدر تأثیر دارند.

باور کنید که تحرکی که آن روز در بین علما نسبت به این مسئله بود، محرك اصلی، آیةالله منتظری بودند. در جلساتشان در صحبتهایشان و تحلیلهایشان و فرمایشاتشان واقعاً علما را حرکت می‌دادند. با اینکه بزرگانی مثل آیةالله میلانی حضور داشتند ولی گردانندهٔ مجلس علما در این رابطه آیةالله منتظری بودند.اولین شناختمان از ایشان این طور بود. بعد از چند سال که اتفاقاً ایشان در نجف‌آباد بودند، من رفتم اصفهان که بروم نجف‌آباد به دیدن ایشان. و ایشان نجف‌آباد نبودند و جایی رفته بودند. بعضی آقایان به من اصرار کردند که بمانم، ولی من عجله داشتم و برگشتم. دو سه ساعت بود که من برگشته بودم. در بازار اصفهان یکی از دوستان به من رسید و گفت که آیةالله منتظری فهمیده‌اند که تو رفتی نجف‌آباد الآن تشریف آورده‌اند اصفهان و می‌خواهند با تو دیدار کنند. من گفتم ایشان کجا هستند؟ منزلی را گفتند که آقای منتظری در آنجا بود. من رفتم آنجا و یکی از دیدارهای ما با ایشان همین بود که دو سه ساعتی طول کشید و در آن مجلس ما فوق‌العاده از ایشان استفاده کردیم.

همان جا مطالبی راجع به انقلاب و نهضت فرمودند. همان وقتی بود که آقازاده‌شان ـ آقای حجةالاسلام شیخ محمد منتظری ـ در زندان و حبس بودند.

ملاقات دیگر من با آقای منتظری بعد از انقلاب بود که ایشان در یکی از مسافرتهایشان در اوایل پیروزی انقلاب تشریف آوردند اردکان، آنجا خدمتشان بودیم. بعد از آن هم در این مدت مکرر و مکرر ما خدمتشان رسیدیم و ملاقات کردیم و آشناییمان به حد کامل رسید. ایشان دربارهٔ بنده هم لطف خاص دارند. و من هم ارادت دارم به ایشان. و امّا خصوصیات زندگیشان را هم تا حد زیادی مطلعم و نه به عنوان مشاهده بلکه به عنوان سماع. قسمتهایی را که من مشاهده کردم، همین چند دفعه یا چندین دفعه بود که برای من به حدی قابل استفاده بوده است که من واقعاً شیفتهٔ اخلاق ایشان شدم و الآن هم ارادتی که من دارم به ایشان خیلی زیاد است و من اینجا نمی‌خواهم مبالغه و گزافه‌گویی کنم. همین را بگویم که بعد از حضرت امام که شأنشان از همهٔ ما بالاتر است، در ایران و حتی در اسلام هیچ‌کس را عظیم‌تر، شایسته‌تر، دانشمندتر و مبارزتر از آیةالله منتظری نداریم و ما ایشان را به این عنوان می‌شناسیم.»

«از اولی که آیةالله منتظری به قم آمدند من اطلاع دارم با اینکه یکی از شاگردان آیةالله بروجردی بودند و درس ایشان را می‌رفتند و تقریرات آن مرحوم را منتشر کردند، ولی از همان وقت با امام رابطهٔ خصوصی داشتند و درس خصوصی داشتند و اساساً از اول زندگی طلبگیشان در قم، با آیةالله خمینی کاملاً محشور و کاملاً همفکر و هم اندیشه بودند ـ البته شاگرد امام خمینی هم بودند. از امام استفاده می‌کردند، ولی خوب، ایشان با وجودی که به عنوان شاگرد بودند واقعاً رفیق و دوست همفکر و هم اندیشهٔ امام بودند. شاگردی ایشان نسبت به امام با شاگردی اشخاص معمولی فرق می‌کرد. ایشان با شهید آیةالله مطهری رحمةالله علیه از کسانی بودند که از اول تحصیلاتشان با آقای خمینی مأنوس و محشور و همفکر و همنشین و هم صحبت بودند.»

«آیةالله منتظری را ما باید بگوییم از نوابغ علمی هستند. قبل از انقلاب هم ایشان از نظر علمی در قم وزنه‌ای بودند. برای اینکه ایشان در علوم اسلامی به خصوص در فقه و اصول واقعاً کم نظیر هستند و قبل از انقلاب یك وزنه‌ای بودند. پس از انقلاب هم، بعد از امام که رهبر عزیز ما هستند، انقلاب همه‌اش مدیون ایشان است. من می‌توانم بگویم بعد از امام هیچ کس به اندازهٔ آیةالله منتظری در انقلاب مؤثر نبوده و از همان اوقاتی که ایشان در زندان بودند همه ایشان را به عظمت ذکر می‌کردند و معروف بودند.

در جهان اسلام و حتی در خارج به عنوان اینکه یکی از علمای بزرگ و طراز اول اسلام هستند مطرح بودند و این چیزی نیست که تازگی داشته باشد. خلاصه اینکه درخشیدن چهرهٔ آقای منتظری از قبل از انقلاب بوده و بعد از انقلاب هم روز به روز روشنی ایشان زیادتر شده و تأثیرشان هم در انقلاب بسیار بوده که دیگر لازم نیست من وصف بکنم. امّا باز تکرار می‌کنم بعد از امام هیچ کس به اندازهٔ آقای منتظری در انقلاب نقش نداشته، به جهت اینکه در این مدتی که امام غیبت داشتند و تبعید بودند تنها محور مبارزه در این مملکت آیةالله منتظری بودند و دیگران هم که مبارزه می‌کردند در اطراف آقای منتظری جمع بودند و ایشان رهبری مبارزه را به عهده داشتند و هیچ کس هم مثل ایشان سرمایه‌گذاری نکرده در انقلاب. زندانهایی که رفتند، صدماتی که خوردند، تبعیدهایی که شدند، از همان خرداد ۴۲ واقعاً ایشان دیگر خود را وقف انقلاب کردند.

در همهٔ این ایام یا تبعید بودند یا زندان و یا محصور بودند و سرمایه‌گذاری ایشان در انقلاب از همه کس بیشتر است.»

«در مورد تربیت شاگردان فاضل باز باید برگردیم به همان زمان قبل از پیروزی انقلاب. از اوایلی که انقلاب شروع شد و حتی قبل از آن ایشان آزادی داشتند. اغلب فضلایی که واقعاً می‌خواستند درس بخوانند و چیز فهم بشوند، درس آیةالله منتظری را می‌رفتند. با اینکه مراجع بزرگی،بعضیهایشان رفتند و بعضی از آنها هنوز در قم هستند و درس هم داشتند، ولی آنهایی که می‌خواستند واقعاً درس بخوانند و فضلایی که علاقه مند بودند به تحصیل علم، آنها از درس آقای منتظری استفاده می‌کردند. و یکی از خصوصیات ایشان این است که در تربیت شاگرد نه تنها تربیت علمی می‌کردند، بلکه تربیت عملی می‌کردند. برای اینکه شاگردهایی که آیةالله منتظری تربیت کردند علاوه بر اینکه الآن چهره‌هایی هستند که، حالا نه من مجال شمردنشان را دارم و نه درست در خاطرم هست که یکی یکی را بشمارم، شاگردانی بودند که در مقامات علمی به مرتبهٔ عالی رسیده بودند که الآن ما می‌توانیم در ایران دهها مجتهد مسلم جامع‌الشرایط را پیدا بکنیم که از شاگردان آیةالله منتظری بودند. علاوه بر آن علمای روشنفکر و علمای بینا و آگاه به زمان، نظیر خود آیةالله منتظری، در شاگردهای ایشان پیدا می‌شود. بسیاری از اینهایی که در انقلاب مؤثر بودند از شاگردان آیةالله منتظری بودند و الآن هم هستند و مشغول فعالیت هستند و مشغول خدمت به انقلاب.»

آیةالله العظمی منتظری و آیةالله خاتمی

«آیةالله منتظری، همان طور که در آغاز سخن عرض کردم، یکی از نوابغ علمی هستند. ایشان در همهٔ علوم اسلامی اطلاعاتشان بسیار خوب و قوی و وسیع است. علم فقه، اصول، فلسفه، تفسیر، روایت، درایت، ادبیات و همهٔ علوم اسلامی، ایشان خوب و در حد اعلا هستند، ولی تخصصی که می‌شود الآن روی آن تکیه کرد برای آقای منتظری، فقه و اصول ایشان است. ایشان امروز یك نمونهٔ کامل از فقهای گذشته و معاصر هستند. و امروز اگر خواسته باشیم ببینیم از چه کسی می‌توان در فقه اسلامی و اصول اسلامی بیشتر بیاموزیم، از ایشان است و مسئله‌ای که خیلی مهم است و از همه چیز مهم‌تر است این است که آقای منتظری در برخوردهایی که با ایشان می‌شود، چه علما، چه طلاب و چه آدمهای معمولی که پیش آقای منتظری می‌روند، درست مثل آدمهای عادی عادی هستند که هیچ چیز به خود نبسته. تواضعشان به صورت اول باقی است. حتی خودمانی بودن ایشان طوری است که وقتی شما یك آدم ناشناسی که وارد منزلشان می‌شوید به قدری به شما ادب می‌کند و تعارف می‌کند و خودمانی می‌شود که مثل این است که دهها سال با شما دوست هستند و خیلی عادی هستند. نسبت به علما و اهل علم که دیگر الی ما شاءالله. واقعاً ایشان با اینکه پدر هستند نسبت به اهل علم، ولی رفتارشان با اهل علم از حیث تواضع به وجهی است که خیال می‌کنی کوچك‌ترین طلبه دارد با آدم معاشرت می‌کند و در این مملکت بعد از امام، ایشان از نظر حیثیت و موقعیتشان در انقلاب از همه بالاتر است و موقعیت علمیشان از همه بالاتر است و با همهٔ اینها می‌بینیم اگر کسی که اسم آقای منتظری را نشنیده و ایشان

را ندیده باشد، وقتی برخورد می‌کند با ایشان، خیال می‌کند یك طلبهٔ درجهٔ پایین است. این اخلاق آیةالله منتظری، علاوه بر علمشان و فضیلتشان، جا دارد که بسیار گفته شود. عرض کردم که بعد از امام در درجهٔ اول هستند، ولی در عین حال این جنبهٔ اخلاقی و زهد و تواضع ایشان به قدری جالب است که من در عمر خودم ندیدم کسی را که به این مقام علمی رسیده باشد و این موقعیت اجتماعی را داشته باشد و تا این حدّ متواضع و خاکزاد باشد.»

«همان طور که عرض کردم در مجمع علمایی که همزمان با دستگیری و حصر و حبس امام خمینی در تهران به وجود آمد، تنها محرك و گردانندهٔ علما در تهران آیةالله منتظری بود. الآن هم باید عرض کنم که مجلس خبرگان بر محور وجود آقای منتظری می‌گشت. البته آقای بهشتی که خدا رحمتش کند بسیار مؤثر بودند ولی آقای بهشتی بازویی بودند برای آیةالله منتظری. هم از حیث اطلاعاتشان و هم از حیث جسارتشان و اگر بعضیها بودند که می‌خواستند حرکاتی بکنند، بزرگی آقای منتظری تا حدی مانع می‌شد از اینکه آنها بتوانند اخلال بکنند. و سایر علمایی هم که در مجلس خبرگان بررسی و تصویب قانون اساسی بودند، واقعاً همه‌شان تحت تأثیر آقای منتظری بودند و ما می‌توانیم بگوییم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از پرتو سعی و کوشش حضرت آیةالله منتظری بود، در درجهٔ اوّل، البته درجهٔ دوّم آیةالله بهشتی، و ما مدیون زحمات و کوششهای آیةالله منتظری هستیم در قانون اساسی.»

«آیةالله منتظری در صدور انقلاب هم نقش زیادی دارند. یکی اینکه ایشان غالباً با دانشجویان مسلمانی که در خارج هستند، از اوّل تا حالا ارتباط داشتند. البته شاید قبل از پیروزی انقلاب هم ارتباط داشته بودند، امّا به خصوص بعد از پیروزی انقلاب رابطهٔ آیةالله منتظری با این مجامع دینی که در خارج بوده است، حالا به هر کیفیتی، با دانشجویان ایرانی یا غیر ایرانی، ایشان در ارتباط بودند. حتی بسیاری از اوقات هم نماینده می‌فرستادند در خارج برای دیدار آنها. دیگر از کارهای آقای منتظری که در صدور انقلاب خیلی تأثیر داشته، کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه است که به ابتکار حضرت آیةالله منتظری به وجود آمد. با سعی ایشان این کنگره تأسیس شد و تشکیل این کنگره در صدور انقلاب مسلم است که خیلی تأثیر دارد. یکی دیگر مسئلهٔ وحدت اسلامی است. این هفتهٔ وحدت را آیةالله منتظری اعلام کردند و از ابتکارات ایشان بود. این هفتهٔ وحدت هم که اساساً به مناسبت میلاد پیغمبر اکرم ص بین دوازدهم ربیع‌الاول و هفدهم ربیع‌الاول، یعنی نقل اهل سنت و علمای شیعه در مورد روز تولد پیغمبر اکرم ص می‌باشد، در خارج و در داخل، برای وحدت بین ما و برادران اهل سنت و جماعت خیلی مؤثر بود.

فعالیتهای دیگری هم ایشان دارند دربارهٔ صدور انقلاب، مثلاً مؤسسات اسلامی که در خارج کشور هستند، در هامبورگ آلمان و جاهای دیگر، آقای منتظری از آنها پشتیبانی می‌کنند و عملاً حمایت می‌کنند که آثارش را در خارج می‌بینیم. بگذریم از امام که جای بالای خود را دارند، هیچ کس به اندازهٔ آقای منتظری در صدور انقلاب اسلامی مؤثر نبوده و نیستند.»

«تقوا این است که انسان منزه باشد از هر نقصی و مبرا باشد از هر عیبی. ما یکی از فضایل آقای منتظری را گفتیم که مسئلهٔ تواضع ایشان می‌باشد. و اصلاً تکبر و خودپسندی ندارد. اینها جزء تقوای ایشان است و از جهات دیگر،آیةالله منتظری، به خصوص از حیث تقوا،کم نظیر هستند. الآن زندگی شخصی آیةالله منتظری خیلی زاهدانه است. با اینکه امروز وجوهات به ایشان می‌رسد و به اطراف بسیار کمك می‌کنند و خدمت می‌کنند ولی زندگی خودشان همان زندگی طلبگی است و یك درجه بالاتر نیامده و مثل یك طلبه زندگی می‌کنند و جهات دیگر تقوایشان که در حد کمال است.

خلاصه دربارهٔ حضرت آیةالله منتظری گفتنی خیلی هست، اگر آدم خواسته باشد بگوید. ولی من که قابل نیستم که از آقای منتظری تمجید بکنم. خیلی به ایشان اخلاص دارم و ایشان هم لطف دارند و روابطمان با هم گرم و صمیمی و دوستانه می‌باشد. و کاملاً نسبت به ایشان شناخت دارم. ولی معاشرت و به اصطلاح ملاقات حضوری من با ایشان کم بوده و به همین دلیل خاطرات خاصی الآن ندارم که بگویم. ولی اجمالاً همان که عرض کردم، آیةالله منتظری یکی از نوادر عصر ما هستند و کسی هستند که امروز مایهٔ امید این ملت ایران هستند و شایستگی همهٔ فضایل را دارند و ایشان از نظر فضایل معنوی، صوری، تقوا و علم در مرتبهٔ عالیه هستند و اگر من بخواهم دربارهٔ ایشان توضیح بدهم مثل تعریف کردن از آفتاب در روز است. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.»

نظرات مرحوم آیةالله حاج آقا حسین خادمی رئیس حوزهٔ علمیهٔ اصفهان و نمایندهٔ مردم آن استان در مجلس خبرگان دوّم. ۶۳/۷/۱۷

«بسم الله الرحمن الرحیم. از زمانی که آیةالله منتظری در اصفهان مشغول به تحصیل بودند و در حوزهٔ درسی مرحوم حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد حسن نجف آبادی شرکت می‌کردند، ایشان را می‌شناسم. در زمان انقلاب هم با هم مسافرتهایی داشتیم و برای پیشبرد انقلاب جلسات خصوصی شبها در تهران با مرحوم آیةالله میلانی تشکیل می‌دادیم.

آیةالله منتظری در پیشبرد انقلاب اسلامی بسیار جدی وکوشا بودند و در این رابطه زجرها کشیدند و زندانها و تبعیدها رفتند و برای احیای انقلاب اوایل سال ٤١ مسافرتهایی با ایشان به قم و تهران نمودیم تا مقدمات آزادی حضرت امام فراهم شد.

بعداً البته در اثر کثرت رفت و آمد مؤمنین و ازدحام بیش از حد مجدداً امام را از ملاقات با مردم محروم نمودند و ما مجبور بودیم تلفنی با امام صحبت کنیم که در یکی از روزها خدمت امام با تلفن عرض کردم لعن الله من حال بیننا و ماءالفُرات.

آیةالله منتظری از سالیان قبل با امام در ارتباط بوده و همیشه در محضر امام حضور داشته و نسبت به اجرای منویات امام همیشه کوشش می‌کردند و نسبت به احیای حوزهٔ مقدسهٔ قم و تدریس علوم و تحویل دادن فضلا و مدرسین به جامعه بسیار صرف وقت نمودند و مراتب علمی ایشان نزد همگان محرز است. و بهترین فردی که از مراتب علمی ایشان اطلاع دارند حضرت امام خمینی می‌باشند. آیةالله منتظری برای وحدت مسلمین و صدور انقلاب اسلامی با بیانات خودشان در جلسات خصوصی و

عمومی بسیار زحمت کشیدند و همیشه نظر ایشان آن بود که باید مسلمانان جهان با هم متحد شوند تا بتوانند موفق باشند. والسلام.»

نقطه نظرهای آیةالله ابوالقاسم خزعلی از فقهای شورای نگهبان و نمایندهٔ مردم استان خراسان در مجلس خبرگان دوّم ۱۳۶۳/۷/۲۳

آشنایی با حضرت آیةالله العظمی منتظری

«بسم الله الرحمن الرحیم. بنده قبلاً در مشهد تحصیل می‌کردم. یعنی از سال ۱۳۲۱ شمسی تحصیلاتم شروع شد. بعد از اینکه دورهٔ سطح را به اتمام رساندم و مقداری به درس خارج مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی استاد بزرگمان در مشهد راه یافتم عازم قم شدم. در سال ۱۳۲۷ برای استفاده از محضر حضرت آیةالله العظمی بروجردی قدس الله سره در شمار طلابی بودم که از شهرستانها به طرف حوزهٔ سنگین قم روی می‌آوردند. در آن جا با افراد معدودی که در ردیف فضلا بودند گوش و چشمم آشنا شد و نام آنها به گوش می‌خورد و احیاناً آنها را هم می‌دیدیم، ولی هنوز ارتباطی با آنها نداشتیم. از جمله مرحوم استاد شهید مطهری رضوان الله علیه و حضرت آیةالله العظمی منتظری و این دو نفر بیشتر به چشم می‌خوردند. یك الی دو سال که گذشت کم‌کم با آقایان آشنا شدیم. زودتر باجناب آقای منتظری آشنایی پیدا کردیم و در بحثها و در حضور درس مرحوم آیةالله العظمی بروجردی می‌دیدیم که از خیلی از شرکت کنندگان ایشان مقدمند و در ردیف کسانی که در رده‌های جلوتر قرار گرفته‌اند به شمار می‌آیند. حضرت آیةالله العظمی منتظری تقریر درس اصول مرحوم حضرت آیةالله العظمی بروجردی را به رشتهٔ تحریر درآوردند و اصولی که از مرحوم آیةالله العظمی بروجردی به یادگار ماند همان نوشتهٔ برادر عزیزمان جناب آقای منتظری بود و لذا بیشتر از نظر رابطهٔ علمی و استفاده از مباحثی که بعضی آنها را ایشان قبلاً تشریف داشتند و زودتر از ما در قم بودند از ایشان استفاده می‌کردیم. این ابتدای آشنایی؛ و چگونگی آن هم همین شرکت در درسها و بحثها بود. البته ایشان و آقای مطهری از ما چند سالی زودتر و جلوتر در درس شرکت کرده بودند.

نقش حضرت آیةالله العظمی منتظری در مبارزات قبل از پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بوده است، این هم گمان می‌کنم توضیح واضحات باشد. چون در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در آن محیط رعب و خفقان قدرت ابراز مطلب و یا نوشتن جمله‌ای بر روی صفحه به عنوان ترغیب به نهضت گران تمام می‌شد و هر کسی این توان را نداشت که لب بگشاید و یا قلم بر صفحه بکشاند. از کسانی که در طلیعه و طلایهٔ این فضا و این مطلب دیده می‌شدند جناب آقای منتظری بودند و مرحوم آقای ربانی. اگر مدرسین و فضلای حوزه در کمك به نهضت پای اعلامیه‌ای را امضا می‌کردند، محرّك اول آیةالله العظمی منتظری بودند و مرحوم آیةالله ربانی شیرازی و دیگران هم علاوه بر شور و حالت گرمی که خود داشتند به اتکای این دو محترم گرم‌تر می‌شدند و آتش شورشان بر افروخته‌تر می‌شد.

حضرت آیةالله العظمی منتظری سهم بسیار مهمی از تأیید حرکت امام دام ظله و در حرکت دادن حوزهٔ علمیه و در بیدار کردن امت در سراسر کشور دارد. البته به طور مخفیانه هم فعالیت داشتند که

لازمهٔ این حرکت در آن مقطع مخفیانه کارکردن هم بود و با عناصر فعالی کارهایی انجام می‌دادند و خلاصه می‌توان از مجموع حرکاتی که انجام می‌دادند و فداکاری که داشتند و در تحریك قوای خفته و ترغیب بیشتر قوای بیدار، ایشان را محور دانست و از افراد بسیار مؤثر دارای نقش بسیار روشن از قبل از انقلاب به شمار آورد. و پس از انقلاب هم آنجا که عیان است چه حاجت به بیان است. همه می‌بینند و لمس می‌کنند و احتیاجی به توضیح نیست.

مقام علمی ایشان در حوزهٔ علمیه: همیشه مقامات علمی دور می‌زند روی بعضی از مطالب، از جمله بینش خوب و درك صحیح و دوّم فعالیت و پشتکار داری. بسا کسانی که بینش دارند و درکشان عالی است اما نیروی فعال ندارند و بر عکس بعضیها خیلی پشتکار دارند و پرتلاش اما درکشان در سطح پایین است. اگر این دو باهم توأم شوند، نتیجهٔ خوبی خواهند داد. برادر عزیزمان جناب آقای منتظری از برخوردشان با حوادث می‌توانید استفاده کنید که بینش خوب و ارزشمندی دارند و در مسائل علمی هم چنین بینشی دارند. چون زندگی، زندگی ساده‌ای است و در زندگی ساده قید و بند کم است. در نتیجه تلف شدن وقت کمتر است و نیروی ما در بستر زمان و در ابتدای عمر بایستی آن بینش را تقویت کرده و به کار گیرد وایشان بحمدالله بینش خوبی داشتند و دارند و با زندگی ساده و بی‌آلایش قهراً با علاقه و شور علمی و بینش صحیح و کم بودن موانع و قید و بندها نتیجه روشن خواهد بود. حضرت آیةالله العظمی منتظری به یك مقام عالی رسیده‌اند در فقه که عمدهٔ منصب فکری ایشان و محور تلاش ایشان دربارهٔ فقه و اصول بوده ولو به دیگر مسائل علمی هم می‌پرداختند و چون اهتمام بیشتر به فقه داشته از بینش و تلاش در این راه بیشتر استفاده شده است. در زمینهٔ فلسفه هم ایشان در درس علامه طباطبایی شرکت می‌کردند. با جناب مرحوم استاد مطهری هم صحبت بودند و در این قسمت به اندازه‌ای که وقت ایشان کفاف داده فعالیت داشتند.

نقش حضرت آیةالله العظمی منتظری در وحدت مسلمین: این از دردهای سوزنده‌ای است که مسلمین دیربیدار شده‌اند و استعمار به انحای گوناگون در تضعیف و تشتّت و تفرقه افکنی مسلمین کوشیده و این نه تنها کوششی بوده که از خود مستعمرین بر پا شده بلکه دستگاههای قوی جهانخواران مستقیم و غیرمستقیم اینها را تأیید می‌کردند و بلکه می‌شود گفت قطعاً اینها چشم و گوش آن مستعمرین بودند. بهترین مبارزه‌ای که ما مسلمین در حدود یك میلیارد و شش میلیون نفر و قبلاً مقداری کمتر ولی بسیار سنگین و چشم‌گیر با یك مرام و یك عقیده، با یك تشریع و با یك قبله و با یك مرکز اسلامی و با یك کتاب دست نخورده، این نیرویی است که استکبار جهانی را سخت به وحشت می‌اندازد. چه بهتر قبل از اینکه صف آرایی در میدان جنگ شود و در خاکریزها به فشردن ماشه سرگرم شوند روحیهٔ مردم را در داخل بکشند و به آنها الهام ضعف بدهند و برای این کار از تشتت و تفرقه و رویا روی هم قرار دادن مسلمین کوشیدند تا آنجا که در توانشان بود. در این بین گاه ستاره‌ای می‌درخشید و نور فشانی می‌کرد و روشنایی می‌داد که هان مردم مسلمان بیدار باشید، نیرو دارید، جمعیت دارید، منابع دارید، وحدت عقیده دارید؛ مانند سیدجمال، سیدحسن مدرس، میرزای شیرازی، حاج میرزافضل الله نوری، آیةالله کاشانی و اخیراً امام دام عزّهٔ وظله، ولی اینها کم بودند و گاه در اثر تخدیر و غفلتی که در

مردم بود حرکاتی از اجنبی به نظر می‌آمد و مردم بی‌خبر از سیاستهای استعمار و گام ننهاده در نقشه‌های تزویر گاه گمان می‌کردند تحریکی است این هم از سوی اجانب. و روی این جهت در این قسمت اقدام برای وحدت مسلمین خطرات سنگینی سر راه بود و مردان بزرگی با تهمت مختصری از پای در آمدند. یادمان نرفته است که چه تهمتهای ناروا به سید جمال الدین این بزرگمرد مصلح که نزدند و ـ با تقدیم معذرت ـ ایشان را دستگاه شایعه‌ساز ناصرالدینشاه، غیرمسلمان معرفی کردند. در این زمان مردانی قدم برمی‌دارند برای وحدت مسلمین، اما وحدت روی واقعیت، نه روی چشم پوشیدن از واقعیت. تاریخ را در نظر بگیرند و نقاط مشترکی را که مورد اهتمام مسلمین است این را مورد دعوت قرار دهند و مسلمین را گرد محورهای گرم مورد علاقه جمع کنند و مواردی را هم که مورد اختلاف است برادرانه، دوستانه در میان بگذارند. این مردان کم هستند مگر کسانی که ذوخطه عظیم باشند. اختلافات را ببینند به چه منظور و چه کسانی دامن می‌زنند و راه خنثی کردن آنها کدام است. وقتی این مردان به وجود هم بیایند تهمت و افترا در برابرشان زیاد است. باید علاوه بر این بینش که دارند، صبور و شکیبا و پرتوان باشند و در این بعد نقشی که حضرت آیةالله العظمی منتظری در آغاز نهضت داشته‌اند، در قبال وظیفه‌ای که داشته‌اند، ایستادگی و مقاومت نشان دادند و نقش ایشان را در وحدت مسلمین و دعوت به نقاط مهم مثبت روشن می‌کند. همین سیری که عرض کردم مستعمرین چه می‌کنند ولی باید آگاه به این مطالب باشد و این نهضت هم روی این جهت حرکت کرد و از پیشتازان و پیش کسوتان در این نهضت حضرت آیةالله منتظری این مرد بزرگ بود. قهراً نقش ایشان در بازسازی قشرهای مسلمین و دعوت به وحدت روشن می‌شود.

مراتب تقوی، سادگی و بی‌پیرایگی حضرت آیةالله العظمی منتظری: می‌توان درختی را از ریشهٔ نیرومندش شناخت یا از میوهٔ بی‌آسیبش، غیر از خود درخت ما می‌توانیم برادر عزیزمان آقای منتظری را از پدر و پسر بشناسیم. غیر از خودش پدری بی‌پیرایه در سن بالا، مشغول خدمت، با کمال سادگی، و پسری هم در چه حالی که خصوصیات زندگی ایشان جالب است. در چه حالی جان خود را ایثار کرد برای اسلام. بنابراین پسری با این روحیه و خصوصیات دیگر که من سراغ دارم و در حال حاضر که مسئلهٔ پسر مطرح نیست و پدر هم با این سادگی و خود ایشان هم در این مقطع بین پدر و پسر سادگی و بی‌پیرایگی و خلوص به اسلام را حفظ کرده است. قهراً از اینکه بخواهم شواهد زندگی متعدد برایتان ذکر کنم یك جریان ملموس پدر و پسر و ریشه و میوه را تذکر می‌دهم. درخت ریشه داری قوی برپاست و درختی هم که میوه‌اش سالم است گواه بر این است که این درخت بی‌آسیب است و به همین جهت الآن هم که برخورد می‌کنید بی‌پیرایگی و سادگی را در ایشان می‌بینید. طرز برخوردش با مردم، با طلاب و دیگران، نشانهٔ استوار بودن زندگی ایشان بر مسائل ساده و بی‌پیرایه است که این شأن طلبه و اهل علم است. اگر خدای نکرده اهل علم از این قسمت خارج شدند از زیّ خود خارج شده‌اند؛ فاجعه است. بحمدالله ایشان الآن در مرکز علمی قرار دارند و در میان مردم هم در نقطهٔ بسیار شایان توجه جایگزین است و این خود دلیلی است بر بی‌پیرایگی و سادگی زندگی ایشان. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.»

نظرات حجةالاسلام والمسلمین قربانعلی درّی نجف‌آبادی نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی از تهران ۱۳۶۰/۳/۱

بسم‌الله الرحمن الرحیم. سابقهٔ آشنایی بنده با آیةالله العظمی منتظری دامت برکاته برمی‌گردد به سالهای قبل از اینکه بنده طلبهٔ علوم دینی و محصل علوم اسلامی بشوم. می‌دانید که من اهل نجف‌آباد هستم و منزل پدرم تقریباً در همسایگی پدر آیةالله منتظری است. یادم می‌آید کلاس سوم و چهارم دبستان بودم که مرحوم آقای ریاضی پیشنماز معروف شهر بودند و ما به مسجد می‌رفتیم برای نماز جماعت، به خصوص در ماه مبارك رمضان. خوب یادم هست که من در نماز جماعت حمد و سوره را می‌خواندم! بعد از پدرم سؤال کردم که چرا مردم حمد و سوره را نمی‌خوانند و ایشان راهنمایی کردند. بعد که مرحوم آقای ریاضی به رحمت خدا رفتند، مردم نجف‌آباد از حضرت آیةالله العظمی بروجردی خواستند نماینده‌ای را برای نجف‌آباد معرفی کنند و آیةالله بروجردی با کمال علاقه و اشتیاقی که به آیةالله منتظری داشتند، به ایشان امر فرمودند و ایشان تابستانها و ماه رمضان به نجف آباد تشریف می‌آوردند و امور طلاب و روحانیون و حوزهٔ علمیهٔ نجف آباد را اداره می‌کردند و به کارتدریس و تبلیغ و حل و فصل امور مردم می‌پرداختند و اقامهٔ نماز جماعت می‌کردند و بعد از نماز جماعت برای مردم صحبت می‌کردند و تفسیر و قرآن و حدیث می‌گفتند. بنده این مراحل را به ذهن دارم تا اینکه تابستان سال ۱۳۳۸ با مشورت پدرم به این نتیجه رسیدیم که من بروم به مدرسهٔ مرحوم ریاضی ـ که تنها مدرسهٔ علوم اسلامی شهرستان نجف‌آباد بود ـ و با علوم اسلامی آشنا بشوم.پدرم مرا با خودش به مدرسهٔ ریاضی برد و آنجا تحویل آیةالله منتظری داد، و ایشان بنده را به دست شخصی به نام شیخ غلامرضا داوری سپردند که برنامهٔ مرا تنظیم بکند و از همان روز اول صرف میر را شروع کردم.

خلاصه اینکه از همان روزهای اول، آشنایی و علاقهٔ بنده نسبت به ایشان مثل علاقهٔ یك فرزند به پدر زیاد بود و رابطهٔ بنده با ایشان دیگر قطع نشد.

آیةالله منتظری ایام تحصیل در قم بودند و به درس و بحث اشتغال داشتند. ایام تعطیلی که ماههای تابستان و ماه رمضان بود به نجف آباد می‌آمدند و آنجا، هم به امور اجتماعی و دینی و اخلاقی و امور فرهنگی مردم، هم به وضع مدرسهٔ علمیهٔ نجف آباد رسیدگی می‌کردند. کارهایی که یك روحانی در آن شرایط می‌توانست انجام بدهد، ایشان به نحو احسن انجام می‌دادند.

همزمان با وفات مرحوم آیةالله بروجردی (۱۳٤۰) بنده به قم آمدم و در حقیقت جزء محصلین حوزهٔ قم شدم. اینجا مرحلهٔ جدید آشنایی بنده با آیةالله منتظری آغاز می‌شود و ایشان عنایت خاصی نسبت به بنده و امثال بنده داشتند و دارند، چون به طلبه‌ها و محصلین علوم اسلامی با دیدهٔ محبت و احترام خاص و کرامت نفس می‌نگرند. و در حقیقت طلبه پرورند.آجره‌الله.

سال اول بنده این سعادت را نداشتم که در درسهای آیةالله منتظری در حوزهٔ قم شرکت بکنم. سال بعد توفیق یافتم در درس کفایه و مکاسب ایشان شرکت کنم.

از اینجا دیگر رابطهٔ پدر و فرزندی به رابطهٔ استاد و شاگردی و چه بسا مراد و مریدی تغییر کرد. از آن پس من بسیاری از دروس سطح و خارج اصول و فقه و در زمینهٔ فلسفه، مدتی کتاب اسفار را نزد ایشان

خواندم. ایشان بسیار عمیق و اجتهادی بحث می‌کردند.

ظرف این ده پانزد بیست سالی که دوران مبارزهٔ روحانیت به رهبری امام بزرگوار و هماهنگی و همفکری آیةالله منتظری و آیةالله مشکینی و دیگران بود، آنچه که آیةالله منتظری در قم یا در نجف‌آباد درس می‌فرمودند اعم از فقه و اصول و تفسیر *قرآن* و مسائل دیگر، غالباً بنده در خدمت ایشان بودم به جز یك مدت کمی که ایشان در زمان تبعیدی خود در طبس درس را شروع فرمودند. آن توفیق را من نداشتم در طبس خدمتشان باشم. غالباً این مراحل درسی را که آیةالله منتظری داشتند، حتی در مراسم نماز جماعتها و نماز جمعه‌ها که بیاناتی داشتند، من حضور پیدا می‌کردم و اصول مطالب معظم‌له را هنوز بیاد دارم. مثلاً بحثی که راجع به حکومت و ولایت فقیه و غیره در نماز جمعهٔ نجف‌آباد در سال ۱۳۴۹ به بعد داشتند.

در این سالهای اخیر، بعد از اینکه ایشان از زندان آزاد شدند، من هر وقت که فراغت داشتم در خدمت ایشان بودم. تا اینکه انقلاب به پیروزی رسید و ایشان مسئولیتهایی به عهدهٔ من گذاشتند. بعد از پیروزی انقلاب مدتی از ناحیهٔ خود ایشان و تأیید امام امت به جزیرهٔ کیش و بندرعباس رفتم، مدتی بعد نیز از طرف معظم‌له و تأیید حضرت امام برای نماز جمعهٔ شهر کرد منصوب شدم. البته از آن وقت تا کنون کمتر سعادتِ بود که در خدمت ایشان باشم و متأسفانه در درسهای اخیر ایشان نتوانستم شرکت کنم.

رابطهٔ مردم با آیةالله منتظری و رابطهٔ روحانیون با ایشان تنها رابطهٔ استاد و شاگردی و پدر و فرزندی نبود، رابطهٔ یك مربی، یك مرشد و یك عالم ربانی نسبت به متعلمین، علی سبیل نجات بود.[۵] اخلاق ایشان، کرامت نفس ایشان، برخورد ایشان، ادب و محبت ایشان، همهٔ اینها قابل توجه بود. یعنی همهٔ رفتار و کردارشان برای ما و امثال ما قطعاً الگو بوده و الگو هست، خصوصاً در رفتار و تواضع و خضوع و خشوع ایشان، صراحت و قاطعیت ایشان، مبارزات و شجاعت و شهامت ایشان، زهد و پارسایی و تمام این جهات برای یك انسانی که دائماً با معظم‌له در تماس بود یا کم و بیش با ایشان در رابطه بود آموزنده بود. یك معلم بسیار جالب بود. یعلمهم ویزکیهم که در حقیقت همان ادامهٔ خط نبوت و رسالت است در رابطه‌های ایشان مطرح می‌باشد. یعنی پا را باید از رابطهٔ استاد و شاگردی فراتر گذاشت. اصلاً این یك شیوه‌ای است که در حوزه‌های دینی جداگانه باید جست و جو کرد. مثلاً حالا که انقلاب فرهنگی مطرح است، که توی حوزه‌ها مسئلهٔ معلّم و متعلم و استاد و شاگردی به چه گونه است، رابطهٔ استاد و شاگرد قبل از اینکه رابطهٔ استاد و شاگردی باشد، رابطهٔ عاشق و معشوق، عارف و محبوب است. این رابطه در مورد آیةالله منتظری، چه از نظر سوابق خانوادگی و چه با استاد و معلم صدق می‌کند.

رابطهٔ ایشان با آیةالله بروجردی و حضرت امام و علامه طباطبایی و استاد مطهری و مرحوم حاج

۵. اقتباس از بیان حضرت امیرالمؤمنین ع به کمیل بن زیاد که فرمودند یا کمیل الناس ثلاثة عالم ربانی و متعلم علی سبیل النجاة و همج الرعاع.

میرزاعلی آقا شیرازی و دیگران چنین بود. وقتی آدم به تمام این جهات توجه بکند می‌بیند این حالت خیلی مثبت و سازنده است، راهگشا و آموزنده است. این را جداگانه باید مورد بحث قرار داد و تجزیه و تحلیل کرد.

حضرت آیةالله منتظری از نظر **استعداد و حافظه** در سطح بالایی قرار دارد و این را می‌توانیم از آثار و نوشته‌های معظم‌له و درسهای ایشان بفهمیم .

در درجهٔ اول آن ظرف و استعداد و حافظهٔ خدادادی در علوم اسلامی می‌تواند نقش مثبت و مؤثری داشته باشد. البته سوابق خانوادگی هم در اینکه یك انسان از نظر استعداد و آمادگیها ظرفیت کاملی داشته باشد نقش مؤثری دارد.

اضافه بر این وقتی شوق و اشتیاق هم باشد، تقوا و زهد و آمادگی خانوادگی هم باشد، مربی و استاد دلسوزی هم باشد، دیگر همهٔ زمینه‌های شکوفایی اینچنین استعدادها فراهم است و بعثتی به وجود می‌آید که گنجینه‌های عقول شکوفا بشود و تا حدی که ممکن است رشد بکند.[٦]

این زمینه‌ها در آیةالله منتظری جمع بود. آن پاکی دامان مادر و پدر و بقیهٔ زمینه‌ها در حد ممکن و بسیار قابل تحسین فراهم بود. بعد هم ایشان وارد مراحل طلبگی می‌شوند، با عشق و علاقه هم وارد می‌شوند. هدایت و ارشاد پدرشان که خود در حقیقت یك انسان تربیت شده است و با ارشاد مرحوم آقای حاج شیخ احمد حججی روحانی برجستهٔ نجف‌آباد که خیلی قابل تقدیر و تحسین بوده و بعد هم به حوزهٔ علمیهٔ اصفهان قدم می‌گذارند که در آن دوره از حوزه‌های بزرگ و دارای اساتید برجسته‌ای بوده است.

خلاصه آیةالله منتظری در همان دورهٔ اول دارای استعداد خوبی بوده و از نظر تحصیل علم زود پیشرفت می‌کنند و در سنین ١٦ الی ١٧ سالگی طوری است که مثلاً درسهای سطح و غیره را می‌خواندند. بعد هم در زمان مرحوم آقای حاج شیخ عبدالکریم و مرحوم آقای حجت و آقای خوانساری به حوزهٔ علمیهٔ قم هجرت می‌کنند. در قم هم با مرحوم شهید مطهری آشنا می‌شوند که این آشنایی خود زمینهٔ جدیدی را فراهم می‌کند تا این دو عالم ربانیِ قرن ما و مایهٔ افتخار عالم تشیع و اسلام بیشتر بتوانند در جهت خدا برای انقلاب و جامعه تلاش بکنند. در آن موقع این دو بزرگوار تصمیم می‌گیرند به بروجرد بروند و در آنجا از محضر پر فیض مرحوم آیةالله بروجردی که در بروجرد به تدریس فقه و اصول و رجال اشتغال داشتند استفاده نمایند و بعد هم که آیةالله بروجردی به قم می‌آیند این دو بزرگوار در قم به خدمتشان می‌رسند و در زمرهٔ شایسته‌ترین شاگردان آن مرحوم قرار می‌گیرند.

در اینجا مسئلهٔ موقعیت و شخصیت و مقام علمی مرحوم آیةالله بروجردی قابل توجه است. همچنین آشنایی فقیه عالیقدر با حضرت آیةالله العظمی امام خمینی دامت برکاته، که اینها را هر کدام باید جداگانه مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

مسئله‌ای که ما شیعه داریم، مسئلهٔ اجتهاد و فقاهت است. مسئله‌ای که ١٤٠٠ سال است رویش تکیه داریم و می‌گوییم باب اجتهاد باز است. در طول تاریخ مجتهدین مختلفی با نبوغهای متفاوت ظاهر

٦. اشاره است به جمله‌ای که در خطبهٔ آغاز *نهج‌البلاغه* در زمینهٔ انگیزهٔ بعثت انبیا آمده: لیثیروا لهم دفائن العقول.

گشتند؛ از جمله بعضی از مجتهدین ما، که همهٔ اینها در یك سطح نبودند. خیلی از آنها در سطح بالایی دارای افکار و اندیشه‌های بلند و استعداد قابل تقدیر و قدرت استنباط و اجتهاد و تفقه در دین بودند. واقعاً مستنبط بودند، نه مقلد. مجتهد بودند نه اینکه آنچه در کتابها نوشته شده بازگو بکنند. خودشان صاحب نظر بودند. آیةالله بروجردی از آن شخصیتهایی است که از نظر فقهی و اصولی و رجال خودش شخصیت صاحب نظر و با ارزشی بوده. واقعاً فقیه بوده است. مخصوصاً روش ابتکار جدیدی در تدریس مبانی فقه و اصول و رجال و غیره داشته است.

در خدمت چنین مردی، شاگردانی مثل آیةالله منتظری و شهید مطهری و بسیاری دیگر از بزرگان دین تلمذ می‌کردند.

آن روش و شیوهٔ جدیدی که آیةالله بروجردی در فقه داشته، تجزیه و تحلیل ریشه‌ای مسائل فقهی بوده که مسائل را عمیق و از ریشه ارزیابی می‌کرد و توجه داشت به اینکه در دوره‌های مختلف فقه، بر فقه چه گذشته است، دانشمندان مختلف چه نظریه‌هایی در مسائل فقهی داشته‌اند، سیر تاریخی فلان مسئله چگونه بوده، فقهای اهل سنّت چه نظر داده و در شیعه چه تحولاتی یافته و....

وقتی در افراد استعداد و آمادگی باشد مسائل این طور وسیع، عمیق، ریشه‌ای و بنیادی بر طبق مبانی، استنباط و اجتهاد می‌شود. این افراد خودشان می‌توانند در مسائل صاحب نظر باشند.

آیةالله بروجردی در حدّ بالایی از این ویژگیها برخوردار بوده و آیةالله منتظری از برجسته‌ترین شاگردانی است که از روز اول که مرحوم آقای بروجردی به قم آمده و تا وفات آن مرحوم، در مقام تلمّذ در خدمتشان بوده و مقرّر درسهای مرحوم آیةالله بروجردی است.

تقریر درس شیوه‌ای است که در حوزه‌های علمیه وجود دارد. بدین صورت که گاهی استاد درسی می‌فرماید و شاگرد همان درسی که گفته شده به رشتهٔ تحریر می‌آورد و قابل طبعش می‌کند تا دیگران از آن استفاده کنند، یا به صورت جزوه می‌نویسند که خاکی از فهمیدن درس استاد است. البته اظهار نظرهایی می‌کند و نظر خودش را هم می‌دهد، و گاهی به صورت پاورقی و حاشیه ذیل مطالب استاد یادداشت می‌کند. آیةالله منتظری تقریباً یك دورهٔ اصول مرحوم آقای بروجردی را نوشته‌اند.جلد اولش خوشبختانه چند بار چاپ شده و مثل اینکه جلد دوّمش تکمیل نشده که امیدواریم خداوند به ایشان توفیق بدهد و جلد دوم را تکمیل و چاپ کنند.

عنوان جلد اول اصول، *نهایة الاصول* می‌باشد. این کتاب حدود سالهای ۱۳٦۷ - ۱۳٦۸ قمری، یعنی قریب به ۳۳ سال قبل نوشته شده است و در سال ۱۳۷۵ چاپ شده و ما در دوران طلبگی حسرت می‌خوردیم راه آیةالله منتظری را برویم. یك جوان ۲۵ - ۲٦ ساله درسهای آیةالله بروجردی را تقریر می‌کند و ما قابلیت نداشتیم که چنین قدمهایی برداریم.

کتاب *بدرالزاهر فی صلوةالجمعة والمسافر* باز کتابی است که آیةالله منتظری از درس فقه آیةالله بروجردی تقریر نموده است. مطلب قابل توجه اینکه آیةالله منتظری درس آقای بروجردی را تابستانها می‌نوشته است. یعنی حافظه‌اش آنقدر قوی بوده‌که چندین ماه پس از تدریس آیةالله بروجردی به رشتهٔ تحریر درآورده.

نکتهٔ دیگر اینکه آیةالله منتظری همان نوشته‌ها را نیز حاشیه فرموده و در حقیقت پاورقی زده است. چه بسا در این پاورقیها نظری برخلاف نظر استاد داده باشد یا راجع به نظر استاد اظهار نظر کرده باشد. این خود دلیل بر این است که قدرت و استعداد اجتهاد در ایشان بوده که درس استاد را،هم تقریر کند و هم حاشیه بزند.

به هر جهت این دو کتابی است که آیةالله منتظری بیش از سی سال قبل، از درسهای آیةالله بروجردی نوشته است.

فقیه عالیقدر نه تنها خدمت آیةالله بروجردی درس خوانده، بلکه مدت زیادی از محضر آیةالله العظمی حضرت امام خمینی دامة برکاته بهره‌مند می‌گردد که از همان اول با امام خمینی آشنا می‌شود. شاید مقایسه زیاد درست نباشد امّا برای آشنایی ذهن می‌توان گفت آیةالله خمینی زمان آیةالله بروجردی مثل آیةالله منتظری زمان امام خمینی می‌باشد. البته می‌دانیم که امام خمینی از شاگردان آیةالله حاج شیخ عبدالکریم حائری بوده‌اند که آن مرحوم جامع معقول و منقول زمان خود بوده است.

از جمله سعادتها و موفقیتهای آیةالله منتظری این است که از همان اول نزد آیةالله العظمی خمینی درس می‌خواندند. همچنین ایشان خدمت مرحوم آیةالله داماد که هم مباحثهٔ امام خمینی و از اساتید بزرگ فقهی حوزهٔ علمیهٔ قم بودند، درس خوانده است.

آیةالله منتظری فلسفه، منظومه و حکمت و اسفار را خدمت امام خواند. و امام منظومهٔ حکمت و اسفار را به صورت اجتهادی و عمیق بحث می‌فرمودند، به صورتی که واقعاً شاگرد را بی‌نیاز می‌کردند و پاسخگوی همهٔ مسائل و نیازهای شاگرد بودند. از طرف دیگر یك دورهٔ اصول را خدمت حضرت امام مدظله خوانده و امام عزیز در اصول هم مردی بزرگ و شخصیتی با فکر و قدرت ابتکار و کم نظیر یا بی‌نظیر است. در موضوع فقه نیز فقیه عالیقدر خدمت حضرت امام درس خوانده است.

ایشان در درس اخلاق حضرت امام هم شرکت می‌کرد، درس اخلاقی که خود سرچشمهٔ آب حیات و بسیار مثبت و سازنده بوده است.

خوب یادم هست که آیةالله منتظری می‌فرمود که در درس اخلاق امام که در مدرسهٔ فیضیه شرکت می‌کردند گاهی یك ربع ساعت گریه می‌کردند و یکی دیگر از اساتید می‌گفت وقتی از مدرّس [۷] خارج می‌شدیم به گونه‌ای بود که دنیا به نظر ما تاریك می‌آمد، و مظاهر زندگی در چشم ما سیاه و بی‌ارزش بود. و ارزش آن درس و قدرت و تأثیر روحی حضرت امام از اینجا روشن می‌شود.

پس فقیه عالیقدر از نظر تربیتی و عرفانی و اخلاقی و فلسفی و فقهی و اصولی خدمت اساتیدی از جمله حضرت امام درس خوانده است. از طرفی حتماً خوانده‌اید که در کتاب *عدل الهی*، مرحوم آیةالله مطهری نقل می‌کند، وقتی رفته بودند اصفهان، با هم مباحثهٔ بسیار عزیزی که یازده سال با او هم مباحثه بوده، او همیشه تأکید داشت برویم درس *نهج‌البلاغهٔ* حاج میرزاعلی آقا شیرازی و من (آیةالله مطهری) می‌گفتم که طلبه‌ای که خودش *کفایةالاصول* می‌خواند چه نیازی به درس *نهج‌البلاغهٔ* مرحوم حاج

۷. مدرس، محل درس، زیر کتابخانهٔ مبارکهٔ مدرسهٔ فیضیهٔ قم بوده است.

میرزاعلی آقا شیرازی دارد؟ وقتی رفتیم دیدیم حاج میرزاعلی آقا شیرازی کسی است که در حقیقت خودش *نهج‌البلاغهٔ* مجسم است. این را هم یادآوری کنم که این دو نفر خدمت علامهٔ بزرگوار طباطبایی رحمةالله علیه، هم فلسفه و هم تفسیر *قرآن* خوانده‌اند و از محضر پرفیضشان کسب فیض نموده‌اند. این اساتید همه از نوابغ زمان بودند. آیةالله منتظری یك چنین اساتیدی را در همهٔ زمینه‌های علوم اسلامی دیده است.

ایشان در کنار درس و بحث، مشغول تدریس هم بود و در حوزهٔ علمیه، دروس عالیه را تدریس می‌کرد، طوری که قبل از وفات آیةالله بروجردی، یکی از برجسته‌ترین اساتید دروس عالیهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم بود.

یادم هست که هنوز آقای بروجردی وفات نکرده بودند، بعضی از برادران می‌گفتند ما دوازده سال پیش، یعنی قبل از سنهٔ ۳۰ از آقای بروجردی شنیدیم که فرمودند آقای منتظری مجتهد هستند.

همچنین ایشان جزء ممتحنین درس خارج حوزهٔ علمیهٔ قم بوده....

بعد از وفات مرحوم آیةالله بروجردی درسهایی که می‌فرمود فقه و اصول، تفسیر *قرآن* و فلسفه بود که بنده خدمت ایشان بودم و ایشان در این درسها به صورت یك استاد ماهرِ لایقِ با تجربه و با بیان و با استعداد تجلی می‌کرد، به خصوص که در تقریر مطالب استعداد قابل تقدیری نشان می‌دادند. ممکن است شخصی خیلی خوب درس را بفهمد، از نظر تحقیق هم خیلی خوب باشد، ولی بیانش روان و رسا نباشد و قدرت تقریر نداشته باشد. ولی آیةالله منتظری درسها را به صورت روان و رسا و در حقیقت با بلاغت و برای همه قابل هضم و درك تقریر می‌فرمودند و ریشه‌هاو ابعادِ مسئله را به طرز بدیع و جالبی می‌شکافتند. الآن هم درس ایشان همین طور است. خود ایشان می‌فرمودند برای درس گفتن باید دوگونه مطالعه کرد: یکی مطالعه برای فهمیدن و درك صحیح درس و دوم مطالعه برای نحوهٔ تدریس و انتقال مطالب به شاگردان.

آیةالله منتظری درس خارج را به صورت رسمی درحوزهٔ علمیهٔ قم، بعد از وفات مرحوم آیةالله العظمی بروجردی شروع کرد. اول خارج اصول و بعد هم خارج فقه، از جمله کتاب زکات را شروع کردند. مدتی گرفتار شدند. بعد کتاب خمس را گفتند که خیلی نوسان پیدا کرد. سرانجام *کتاب خمس* را نوشته بود. من خوب یادم هست وقتی که در تبعیدگاه خلخال خدمتشان رسیدم آنجا مشغول آماده کردن *کتاب خمس* برای چاپ بود. البته علت تأخیر آن را نمی‌دانم.[۸]

در اینجا نکته‌ای را باید عرض کنم و آن این است که در زمینهٔ فقه و اصول ممکن است کسی ده یا بیست کتاب فقه و اصول خوانده باشد، خوب هم مطالب یادش باشد، حافظه‌اش هم خیلی قوی باشد، بلافاصله به مدارك مراجعه کند و بداند در فلان کتاب فلان سطر این مطلب را نوشته. ممکن است آدمی هم باشد خیلی پرمایه و پر مطالعه و از هر نظر مطالب را خوب تنظیم و جزوه کرده باشد، درسهایی که اساتید گفته باشند خوب نوشته باشد، ولی خودش آن قدرت تجزیه و تحلیل و استنباط و اجتهاد را

۸. اکنون که اوراق را بازنگری می‌کنم بحمدالله *کتاب خمس* به چاپ رسیده است.

نداشته باشد. خودش به صورت یك قدرت مبتکر نتواند تجلی کند. آیةالله منتظری، همچنین استاد بزرگوارش امام خمینی، جزء افرادی هستند که قدرت استنباط و اجتهادشان در سطح بالاست. یعنی وقتی مراجعه می‌کنند به مدارك، مسئله‌ای را کاملاً بررسی می‌کنند و تجزیه و تحلیل می‌کنند و حتی با برداشتهای نو و ابتکار آمیزی مورد استنباط قرار می‌دهند، خصوصاً با توجه به معلومات وسیع عمومی و اجتماعی و توجه به شرایط سیاسی و آگاهی و آشنایی با مسائل سیاسی و مسائل روز و نیازها و حرفهایی که مکتبهای مختلف می‌زنند، اجتهاد در خور تقدیر می‌شود. آیةالله منتظری را به نظر من از این دید باید بیشتر مورد توجه قرار داد. ایشان استادی است که قدرت استنباط و قدرت اجتهاد و قدرت تجزیه و تحلیل مسائل فقهی را دارد و با مراجعه به مدارك در زمینهٔ هر مسئله‌ای، مسئله را از بیخ و بن مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار می‌دهد. البته باید بگویم که این طور نیست که کتابهای فقهی توی ذهنشان آماده یا همهٔ درسها را به صورت جزوه‌ای نوشته باشد.

ممکن است یك آقایی در فقه خیلی بیشتر کار کرده باشد، و یك آقایی کمتر کارکرده باشد ولی‌دقت بیشتر داشته باشد، قدرت تحقیق بیشتر داشته باشد، این دو مسئله را باید از هم جدا کرد. ممکن است یك آدمی بیست سال فقه خوانده باشد، فقه گفته باشد، تدریس کرده باشد، مطالب فقهی در دستش آماده باشد، بلافاصله به مدارك مراجعه بکند و بگوید در فلان کتاب این طور نوشته شده است، نسبت به این مسئله حاضرالذهن باشد ولی قدرت تجزیه و تحلیل و استنباط را نداشته باشد. از طرفی ممکن است یك آدمی استحضار نسبت به مطالب خیلی نداشته باشد، ولی قدرت و دقت نظرش نسبت به مسئله‌ای طوری باشد که آن را به صورت روشن‌تری مطرح بکند. اگر کسی بتواند هر دو جهت را داشته باشد، یعنی هم پرکار و پرمطالعه باشد و هم قدرت تجزیه و تحلیل مسائل را داشته باشد، این شخص موفقی است. فقیه عالیقدر چنین شخص موفقی است. من نمونه‌های زیادی دارم از ایشان، مثلاً در باب زکات و خمس، درباب مضاربه، که ایشان در نجف‌آباد تدریس می‌فرمود. همین طور درباب ولایت فقیه گاهی مسائلی را در درس و بحثشان مطرح می‌کرد. مسائل مربوط به مرجعیت و رهبری را با توجه به مبانی فقهی و مبانی اسلامی به صورت ابتکاری مطرح می‌فرمود. بنابراین آیةالله منتظری یکی از مجتهدین ارزشمند جامعهٔ اسلامی و جامعهٔ دینی ما و مجتهدین جامع معقول و منقول است. هم در علوم عقلی و هم در علوم نقلی، ایشان دانشمند و محقق و مستنبط و مجتهد می‌باشد.[۹]

مقام علمی آیةالله منتظری در زمینهٔ فقه

فقها درجات متفاوت دارند. یك نوع از آنها که شاید بالاترین درجهٔ فقیه باشد این است که کسی در دین قدرت ابتکار و استنباط و اجتهاد و قدرت تحقیق داشته باشد. مقلد دیگران نباشد در فقه. بگوید فلانی در فلان کتاب این جور نوشته، پس این خوب است؛ فلانی در کتاب دیگری این جور نوشته، پس این

۹. خوشبختانه در بحث ذکات مسئلهٔ ولایت فقیه را با فاصلهٔ بیش از ده سال به صورت بسیار زیبا و زنده‌ای دوباره تقریر می‌فرمایند. ولله الحمد.

خوب است؛ این را نمی‌شود گفت مجتهد. جملاتی نیز از مرحوم شیخ انصاری رحمة الله علیه و دیگران هست که گفته‌اند اکثر کسانی که بعد از شیخ طوسی آمدند، مثلاً، مقلد شیخ بودند.

ما می‌آییم شیخ انصاری را مطرح می‌کنیم، علامهٔ حلّی را مطرح می‌کنیم، محقق را مطرح می‌کنیم، شهید اول را مطرح می‌کنیم، آیةالله بروجردی را مطرح می‌کنیم، مرحوم آقا سیدمحمد کاظم یزدی را مطرح می‌کنیم، امام خمینی را مطرح می‌کنیم، مرحوم آیةالله داماد را مطرح می‌کنیم، اینها از کسانی بودند که در فقه خودشان دارای قدرت تحقیق، قدرت استنباط و قدرت ابتکار بودند و هستند. و آیةالله منتظری هم از همین چهره‌هاست.

البته ایشان ده پانزده سال گرفتار تبعید و زندان و غیره بود. با اینکه ایشان در زندان و تبعید بی کار نبود، مشغول تدریس و مطالعه و بحث بود، اما خواهی نخواهی باعث می‌شود که ایشان آن طور که باید مثل حوزه در حدّ اعلی فعال نباشد که مرتب مشغول بحث باشد و درسش را بگوید و هیچ کار دیگر نداشته باشد.

آنچه که در خورشأن یك مجتهد و یك فقیه عالی مقام هست آیةالله منتظری داراست. خداوند به ایشان توفیق بدهد که هر چه بیشتر بتوانند در این قسمت،خلائی که در حوزه‌ها هست، جبران کنند.

انشاءالله علما بتوانند از خرمن پر فیض امثال آیةالله منتظری خوشه بر چینند و برای فرداهای این کشور و این امت و بلکه تمام مستضعفین جهان بتواند وجود پرخیر و پربرکت و مقدسی باشد.

به هر حال آیةالله منتظری از نظر فقهی یکی از کسانی است که در حوزه مایهٔ تقدیر و قابل توجه و قابل استناد است.... آنچه یك مجتهد جامع باید دارا باشد، دارا هست. آنچه که حتی در خورمقام رهبری است، دارا می‌باشد. مرحوم آیةالله مطهری هم در یك عبارتی دارد که آیةالله منتظری یکی از مجتهدین بنام و از اساتید بزرگ حوزهٔ علمیهٔ قم می‌باشند....

البته اگر خداوند به ایشان توفیق بدهد که چندین سال دیگر روی فقه کار کند و درس بدهد، بدیهی است که آن وقت باید با یك نظر بالاتری درباره‌شان حرف زد...

مسئله‌ای که اینجا باید بحث کنم، مسئلهٔ رهبری است. کسی که فقه را خوب مطلع باشد، می‌تواند خوب فقه درس بگوید، به مبانی فقهی خوب آشنا باشد، این یك مسئله است. یك مسئله هم در جامعه‌مان داریم به نام رهبری.

مرز این را باید اینجا مشخص کنیم. ممکن است یك آیةالله و فقیه باشد، به معنی اینکه می‌تواند استنباط کند،اجتهاد کند، خیلی خوب درس بگوید، ولی برای رهبری و مرجعیت لایق نباشد.

البته این موضوع هم باید بررسی شود که آیا رهبری و مرجعیت از هم جداست یا نه؟ اگر گفتیم مرجع تقلید یعنی همان رهبر جامعهٔ اسلامی، آن که هم الآن قانون اساسی به عنوان رهبر می‌شناسد، این یك مسئلهٔ جدیدی را برای جامعهٔ ما مطرح می‌کند.

در اینجا دیدهای مختلفی هست ولی ما سرانجام باید به این نتیجه برسیم که قطعاً باید مقام رهبری جامعهٔ اسلامی، فقیه در دین باشد و مرجع تقلید مردم باشد، مفتی مردم باشد، مثل شخص امام خمینی، همان طور که قانون اساسی گفته، یا شورای رهبری که متشکل از سه نفر یا پنج نفر از مجتهدین طراز

اول چنین و چنان با انتخاب مجلس خبرگان تعیین می‌شوند.خلاصه چه بسا ما بیاییم و مسئلهٔ فتوا دادن را، مسئلهٔ رساله داشتن را از مسئلهٔ رهبری جدا کنیم، این یك نظر است. و یك نظر این است که مسئلهٔ رهبری همان مسئلهٔ مرجعیت است. باید ببینیم شرایط رهبری چیست، ویژگیهای رهبر چیست، یك آدمی که در این انقلاب و در این مبارزات سهمی نداشته است، می‌تواند سمت رهبری جامعهٔ مسلمین را عهده‌دار باشد؟ یك کسی که مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی اسلام را درك نکند آیا می‌تواند سمت رهبری داشته باشد؟ اینها مسائلی است که باید طرح کرد و تجزیه و تحلیل کرد و شکافت و به نتیجه رسید. اگر ما یك کسی داشته باشیم به عنوان رهبر جامعهٔ اسلامی، آیا مردم می‌توانند در مسائل سیاسیشان، در مسائل اجتماعیشان، یك مرجع تقلید دیگری در قبال رهبر داشته باشند؟ فرض کنید امام هست، در مسائل سیاسی ـ اجتماعی، مردم بگویند ما مقلد امام نیستیم، ما مرجع تقلیدمان آیةالله دیگری است و از دیگری تقلید می‌کنیم. بنابراین در مسائل عبادی از دیگری و در مسائل سیاسی ـ اجتماعی از دیگری تقلید کنیم. رهبر مثلاً یك جور فرمان دهد، مرجع تقلید دیگری که مردم او را به عنوان مرجع می‌شناسند و فرض کردیم که مرجعیت و رهبریت دو تا چیز است، جور دیگری فتوا بدهد.

رهبر دستور جهاد می‌دهد، مردم می‌گویند، چون مقلد مرجع تقلید دیگری هستیم و آن مرجع تقلید دستور جهاد نمی‌دهد، جهاد نمی‌کنیم و یا ما چون مقلد رهبر هستیم، رهبر می‌گوید نماز جمعه بخوانید، واجب هم هست، می‌گوییم خوب واجب است، عده‌ای دیگر می‌گویند که ما مقلد مرجع دیگری هستیم که می‌گوید نماز جمعه اصلاً نمی‌خواهد بخوانید. حالا مسئله‌ای مثل نماز جمعه خیلی اشکال ایجاد نمی‌کندولی در بعضی مسائل واقعاً اشکال ایجاد می‌شود که ما مرجعیت را مطرح بکنیم و بگوییم فلان کس مرجع تقلید باشد، حالا اگر نظر مرجع تقلید با رهبر در مسائل سیاسی و نظامی و اجتماعی یکی است اشکال ندارد ولی اگر دوگانگی باشد چه؟ در اینجا معیار برای ما قانون اساسی است. معیار برای ما رهبر هست و اطاعت از رهبری ـ برای اینکه یك جامعه هر وقت بخواهد نظام داشته باشد، انسجام داشته باشد، انسجام نظامی داشته باشد، انسجام اجتماعی داشته باشد در امور داخلی و خارجی‌اش، نمی‌تواند که هم از یك طرف رهبر داشته باشد و هم از یك طرف یك مرجع تقلید دیگری که برابر رهبر قرار بگیرد، نقطه نظرهایش مقابل نقطه نظرهای رهبر باشد. این که روی این پایه ما سیر بکنیم، مسئلهٔ جدیدی مطرح می‌شود، که ضرورت ندارد بیشتر از این توضیح بدهم. اما می‌خواهیم به یك راه حل صحیح اسلامی برسیم. راه صحیح اسلامی را باید از متن معارف اسلام به دست آورد.

مقام علمی فقیه عالیقدر در زمینهٔ فلسفه

آیةالله منتظری دامت برکاته یکی از شاگردان برجستهٔ حضرت امام خمینی مدظله و مرحوم علامه طباطبایی هستند در زمینهٔ فلسفی و این خودش قابل توجه است و خودشان از اساتید بزرگی هستند که در قم منظومهٔ سبزواری و اسفار می‌فرمود و ایشان کسی است که واقعاً با مسائل فلسفی و فلسفهٔ صدرالمتألهین آشنایی کامل دارد و به مبانی فلسفی مرحوم شیخ‌الرئیس و مرحوم ملاصدرا و خواجه نصیرالدین و دانشمندان بزرگ اسلام آگاه است. در فلسفهٔ ایشان بیانشان رسا و روان است، مخصوصاً

این که در خدمت امام و علامه طباطبایی و هم مباحثهٔ مرحوم مطهری بوده است، خیلی خوب نشان می‌دهد که ایشان از نظر مایه‌های فلسفی هم چقدر قوی و غنی می‌باشد. گاهی هم ایشان گوشه‌هایی از مباحث فلسفی را در نماز جمعه‌ها و در تفسیر سوره‌ها بیان می‌کند و همچنین در درس *نهج‌البلاغه* شان از فلسفه استفاده می‌کند. خلاصه ایشان یکی از دانشمندان بزرگ ماست که در فلسفه هم باید گفت مثل مرحوم مطهری و علامه طباطبایی، فلسفه شناس و فلسفه‌دان می‌باشد.

آیة‌الله منتظری و خط امام

خط امام یعنی خط فکری امام، و خط فکری امام یعنی خط فکری ولایت فقیه و اسلام فقاهتی و اسلام ولایت فقیه و به تعبیر دیگر اسلام محمدی و اسلام علوی ـ اسلامی که پیغمبر اکرم ص آورد و بعد ادامهٔ همان خط توسط ائمهٔ معصومین، توسط حبل الله یا حبل من‌الناس که *قرآن* کریم و ائمهٔ معصومین هستند و بعد هم در زمان غیبت امام زمان عج فقهایی که حجت خدا بر بندگان هستند، حجت امام زمان بربندگان هستند، دنبال می‌شود. این اسلام با آن شیوهٔ فقاهتیش، با آن روشی که فقهای اسلام درطول ۱۴۰۰ سال از آن دید نگریستند، اسلامی که به تعبیر امام از زمان امام صادق ع همین علما بودند که ابواب فقه را نوشتند و در اختیار ما قرار دارند، این خط فکری که در دعا می‌گوییم الهم عرفنی نفسك، الهم عرفنی رسولك، الهم عرفنی حجتك، این اسلام که نمونه‌اش در سطح بسیار بالا وجود پیغمبر اسلام ص هستند.

با چنین برداشتی از خط امام آیة‌الله منتظری دامت برکاته صددرصد در خط امام هستند بلکه ترسیم کنندهٔ خط امام و ولایت فقیه هستند،نه از حالا، از روز اول اصولاً شیوهٔ فکری و تعلیم و تربیتشان این گونه بوده است.

بعد از وفات آیة‌الله حکیم که مسئلهٔ مرجعیت حضرت امام بُعد تازه‌ای به خود گرفت و شاه مدفون تلگراف زده بود برای علمای دیگر، دوازده نفر از علما یك اعلامیه امضا کردند مبنی بر اینکه امام خمینی مرجع تقلید هستند، اولین امضا در آن اعلامیه، امضای آیة‌الله منتظری بود، برای اینکه به مردم بگوید امام اعلم هستند، باید از امام تقلید کرد. این هم مشخص بود که یك نفر که مقلد امام شد، یعنی یك نفر ضد امپریالیسم و ضدامریکا شده است و یا اینکه از روز اول کسی که مانند مالك اشتری همراه با امام بود و همصدای با امام بود و دنباله‌رو امام بود، آیة‌الله منتظری بود. بعد از آزاد شدنشان از زندان اوین می‌فرمود: باید دید امام کجا را فشار می‌دهد، ما باید همان جا را فشار دهیم، سر اهرم دست حضرت امام است و ما باید هر چه زور داریم، همراه امام فشار وارد کنیم. عاشق‌وار و عارف‌وار امام را کمك می‌کرد.

علاقهٔ آیة‌الله منتظری به امام، پیروی از اسلام فقاهتی و پیروی از چنین فکری و چنین خطی و احیای یك چنین فکری و احیای چنین راهی بود.

ایشان اکمل مصادیق افرادی است که در خط امام هستند و از همه کس به امام نزدیك‌تر است. بسیاری از فداکاریها و از خودگذشتگیها و زندانها، تبعیدها و شکنجه‌ها، برای خودشان، پسرشان و

بستگانشان، همه در این رابطه بود که وی روی امام تأکید داشتند. و همیشه محور کار و محور حرکت و محور انقلاب را امام می‌دانست و در حمایت بی دریغ از امام تا سرحد یك عاشق بی قرار آماده بود. و این واقعاً قابل ستایش و در خور تقدیر است که حاضر بود همه چیز خودش را، همان طور که مؤمن واقعی باید پیرو رهبرش باشد، همین طور در راه رهبرش جانبازی کند و برای امر رهبرش زجر بکشد و شکنجه ببیند و این مضمون همان آیهٔ شریفهٔ *قرآن* است که: ما کانَ لأهلِ المدینةِ و مَن حولَهم مِن الأعرابِ اَن یتَخَلَّفوا عَن رسولِ اللهِ و لا یرغَبوا بانفُسِهِم عن نَفسِهِ (توبه، ۱۲۰). خودشان را بر رسول الله مقدم ندارند، خودشان را فدایی رسول الله بدانند و حقیقتاً آیةالله منتظری کسی است که خودش را فدایی امام و راه امام می‌داند، آن هم به خاطر اسلام، به خاطر *قرآن* و به خاطر حق و حقیقت و قانون الهی، چون امام را مصداق اتمّ حق و عدالت و قانون اسلام می‌داند.

...برماست و بر نسل جوان ماست که این راه را بشناسیم...

در هر صورت آیةالله منتظری در این جهت یکی از شاگردان امام و یکی از پیروان خط امام و یکی از الگوها و سمبلهایی است که جامعهٔ ما باید او را بیشتر بشناسد و در جهت او حرکت نماید و اسلام فقاهتی و اسلام خالص دور از گرایشات انحرافی را بر جامعه حاکم نماید.

زهد و آزادمنشی فقیه عالیقدر

زندگی آیةالله منتظری از جهات فراوانی قابل توجه و قابل بحث و بررسی است، مثلاً از نظر زهد و آزادمنشی، از نظر کرامت نفس، از نظر بی‌آلایشی و تواضع و خضوع و خشوع و اخلاقیت، از نظر خانوادگی و تربیت فرزند و از نظر سیاسی و اجتماعی.

مثلاً بعد سیاسی زندگی ایشان در این بیست سالهٔ اخیر، خیلی پربار است که احتیاج به بحث جداگانه دارد. اجمالاً باید عرض کنم که یکی از چهره‌های درخشنده که بعد از امام در پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسیار مثمر و مؤثر داشته، چه در حوزه و چه در اجتماع و چه در مبارزه با طاغوت و حتی در خارج از کشور، آیةالله العظمی منتظری دامت برکاته بوده است.

وی چهرهٔ شناخته شدهٔ محبوب و بزرگوار بعد از امام بوده و هست، دستگیریهای ایشان، تبعیدهای ایشان، زندانهای ایشان برای دستگاه پهلوی خیلی گران تمام می‌شد. در عین حال آن قدر مبارزات ایشان شدید بود که رژیم شاه ناچار می‌شد این مشکل را تحمل کند. قابل توجه است یك سالی که ایشان طبس تبعید بود، رئیس شهربانی طبس گفته بود دهها هزار نفر به طور رسمی به ملاقات ایشان آمده‌اند. شما حساب کنید طبس یك شهر دور افتاده و اینهمه ملاقات کننده! اصلاً ایشان به شهر طبس هم که رفت، برای آن شهر مبدأ تحولی شد. نماز جمعه در طبس اقامه فرمود که بعد جلو برپایی آن را گرفتند. آن جا درس شروع کرد. طبسی که آن روزها از انقلاب بیگانه بود و خبری آنجا نبود، تحولی در آن به وجود آمد که خیلی چشمگیر و دشمن شکن بود. یا نماز جمعه‌ای که در سال ۵۰ ـ ۵۱ در نجف آباد تشکیل داد، رژیم به فکر افتاد یك امام جمعهٔ قلابی برای نجف‌آباد بسازد. ایشان در مسجد جامع نجف‌آباد اقامهٔ جمعه فرمود و از همان وقت خطبه‌هایی که می‌خواند، دربارهٔ ولایت فقیه و شرایط

حکومت اسلامی و... خیلی برای دستگاه گران تمام می‌شد. این خودش خیلی اقدام جالب و ابتکار آمیزی بود. آیةالله طاهری در اصفهان هم به تشویق و هدایت ایشان نماز جمعه در حسین آباد اصفهان اقامه کرد. نماز جمعهٔ نجف‌آباد به تعبیری مادر نماز جمعه‌های جمهوری اسلامی بود.

همچنین در سنهٔ ۱۳۴۲ که امام را دستگیر کردند، آیةالله منتظری در مسجد بازار نجف‌آباد متحصن شد و مردم نجف‌آباد هم بازار را بستند و یك هفتهٔ تمام در مسجد بازار به پیروی از ایشان در اعتراض به رژیم متحصن شدند و این کار در سال ۱۳۴۲ در حد یك نیمه اعجاز است که مردم را جمع کنند و ببرند در مسجد، چون آیةالله خمینی را دستگیر کرده‌اند و مردم تحصن بکنند و اعتراض بکنند. حتی ایشان یك سخنرانی ایراد فرمود که من یادم هست دربارهٔ نقش روحانیت و رابطهٔ آن با ملت و دولت و دستگاه بود. مبارزه، افشاگری و مقاومت و زندان و تبعید و شکنجهٔ نام برده در طول بیست سال که دوران تکون انقلاب اسلامی است بر کسی پوشیده نیست و باید در این باره جداگانه بحث کرد. ایشان از آن شخصیتهایی بود که در رابطه با امام و انقلاب، دو مرتبه به عراق رفت که یك بار گرفتار و در قزل قلعهٔ قدیم زندانی شد-که به همراه مرحوم آیةالله ربانی شیرازی یار و همرزمش از درون زندان علیه مظالم شاه إعلامیه‌ای صادر کردند. یك دفعه خدمت آیةالله حکیم رفت، راجع به امام و مسائل ایران و انقلاب و مفاسد رژیم صحبت کردند. یك دفعه هم که آیةالله العظمی خمینی از ترکیه به عراق رفتند به دیدن امام رفت. در همهٔ این مراحل ایشان نقش حساسی را داشت برای اینکه فکر امام تأیید بشود، مردم با فکر امام آشنا بشوند؛ حتی بالاتر عرض کنم، مرجعیت امام را و اینکه جامعهٔ مذهبی ما امام را به عنوان مرجع بشناسند و به او اظهار علاقه کنند و رسالهٔ ایشان را مطالعه کنند و به عنوان یك مرجع تقلید از نظر فقهی و سیاسی و اجتماعی، به او رجوع کنند.

امیدواریم خداوند به ایشان عمر پربرکت عنایت بفرماید و به ما هم توفیق بدهد تا هم از امثال ایشان قدردانی کنیم و هم از افکارشان پیروی کنیم، هم از نصایحشان اطاعت کنیم و همهٔ فرزندانمان را در راه آنها تربیت کنیم و انشاء الله ما هم بتوانیم چنین فرزندانی به جامعه عرضه کنیم و طلاب حوزه‌های دینی هم بتوانند در همان خط فکری حرکت کنند و این راه را که خط امام است ادامه بدهند. خداوند به همهٔ ما و حوزه‌های علمیه و دانشگاهها و ملّت بزرگ ما و امت عظیم اسلام توفیق دهد تا از این اسوه‌های حسنه علماً و عملاً پیروی نموده و اخلاق و رفتار و رهنمودهای نامبرده را سرمشق زندگی خویش قرار دهیم و زمینه را برای وحدت دنیای اسلام و اعتلا و عظمت اسلام و مسلمین فراهم سازیم. انشاءالله بمنه و فضله-والسلام.»

نظرات آیةالله حاج شیخ حسین راستی

نمایندهٔ مردم تهران در مجلس خبرگان دوّم ۱۳۶۰/۹/۲۲

آیةالله راستی در یکی از جلسات درس و بحث، برای اعضای سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی مطالبی پیرامون ضرورت ارتباط آن سازمان با حضرت آیةالله العظمی منتظری بیان داشته که قسمتی از آن در اینجا نقل می‌شود:

روابط شما با هر شخصیتی از شخصیتها، غیر از امام، شما را از ارتباط با آیةالله آقای منتظری بی‌نیاز نمی‌کند. حتماً باید روابطتان با حضرت آقای منتظری خیلی نزدیك باشد و از مطالب و رهنمودهای ایشان استفاده کنید و مطالبتان را به ایشان برسانید؛ چون ایشان در انقلاب بعد از امام نقش مهمی دارند و هیچ کس به موقعیت ایشان نمی‌رسد و هیچ کس هم ادامه دهندهٔ انقلاب و آشنا با خط امام در ارتباط با مسائل انقلاب مثل ایشان نیست و در همهٔ ابعاد خط انقلاب را هیچ کس بهتر از جناب آقای منتظری نشناخته است و به حساب اینکه روحانیت ملت را رهبری می‌کند هیچ کدام از آقایان علما با در نظر گرفتن مقام و منزلتشان موقعیت و نقش آقای منتظری را در انقلاب ندارند و نمی‌توانند داشته باشند. و لذا خود این حوادثی که پیش آمده و موضع گیریهای آقای منتظری در مقابل آن حوادث، چه موقعی که امام مطلبی را ذکر می‌کنند و چه موقع غیر از آن، این موضع گیریها، نشان می‌دهد که ایشان در صحنهٔ انقلاب حاضرند.

آقایان دیگر، همان روال مرجعیت «مسئله‌ای» منهای حکومت و این جور چیزها در نظرشان هست. نهایت مطلب گاهی امر به معروف و نهی از منکری...

و لذا شما هر چه نقشتان در انقلاب اسلامی و در پیشرفت این حرکت بخواهید بیشتر باشد، ارتباطتان را با حضرت آقای منتظری باید جدی‌تر کنید و علی کل حال این کار باید بشود، همان طور که عرض کردم، و معنی روشن آن، عبارت از این است که دشمنها بهتر از ما ارزیابی و سبك و سنگین می‌کنند و موقعیت افراد و ارزش آنان را در انقلاب می‌شناسند. موقعیت حزب[۱۰] را می‌دانند، موقعیت سازمان را می‌دانند، موقعیت آقایان علما... در جاهای خودشان را می‌شناسند و آقای منتظری را می‌شناسند و می‌فهمند که موقعیت ایشان چگونه است.

آنچه من جسته و گریخته از گوشه و کنار به دستم می‌آید، از حزب می‌ترسند، از سازمان می‌ترسند، از جناب آقای منتظری می‌ترسند، البته آقای منتظری به حساب اینکه یك فقیه روحانی خط امام است و در حقیقت انقلاب را خوب درك کرده‌اند، جوانبش را توجه دارند و چون ایشان نسبت به مسائل برخورد انقلابی صحیح می‌کنند، لذا دشمنها در فکر این هستند کاری بکنند که جلوِ موقعیت و شخصیت ایشان را بگیرند و متوقفش کنند یا پایینش بیاورند.

و لذا در بعضی از جریانات، این جور من می‌فهمم‌که مثلاً یك کسی را که خط صحیحی ندارد و خط انحرافی دارد از یك نهادی مثلاً سپاه یا فلان جا می‌خواهند بیرونش کنند یا فلان مسئولیت را به او ندهند، این می‌خواهد آن انحراف خود را بپوشاند، لذا می‌گوید: «این یك مسئلهٔ سیاسی بوده، [منحرفین] می‌گویند: «چون سازمان با حضرت آیةالله منتظری خوب نیست و این آقا هم با آقای منتظری خوب بوده می‌خواستند دستش را کوتاه کنند.» گاهی هم ابتدائاً این حرف نمی‌چسبد، اما کم‌کم با تبلیغات برای حرفشان جا باز می‌شود و لااقل تشکیك و احتمال ایجاد می‌کنند و این تشکیك و احتمال یواش یواش به گوش شما می‌رسد که مثلاً فرض کنید در بیت جناب آقای منتظری یك کلمه‌ای گفته

۱۰. منظور، حزب جمهوری اسلامی است.

شد. مثلاً فرض کنید می‌گویند: «سازمان با آن فرد که مخالفت کرد برای این بود که او ارتباط با بیت آقای منتظری دارد.» همان جا قهراً عده‌ای که یك نحو علاقه به آقای منتظری دارند، به فکر می‌افتند که چرا باید این جور باشد. نتیجه‌اش این می‌شود که یك صحبت پوچ و دروغ که اصل و منشأش را یك کسی برای حفظ موضعش و مخفی کردن خط انحرافیش گفته، باعث شده از آن طرف هم کسانی دیگر بدون اطلاع از واقع امر یك عکس‌العمل نشان دهند و یك مطلبی در مقابل گفته شود و شما ناراحت شوید که چرا باید چنین باشد. ولی حواستان جمع باشد که مقداری کارهایتان و گزارش کارهایتان را خدمت حضرت آیةالله العظمی منتظری بدهید و کمك بخواهید از ایشان در کارهایتان و رهنمودهایی بگیرید. اینها باعث می‌شود جلو آن توطئه‌ها، جلو آن جوشایعه‌ها و حرفهایی که باعث احیاناً تفرقه بین نیروهای صالح و در خط انقلاب و امام می‌شود گرفته شود.

و لذا با شخصیتها ارتباط داشتن مسئلهٔ مهمی است. مهم‌ترین ملاقاتهاتان حتی بالاتر از ملاقات با رئیس جمهور، ملاقات با آقای منتظری است. حتی بالاتر از ارتباطتان با کابینه و با نخست وزیر و اعضای کابینه و مجلس و دیگران ارتباط با حضرت آیةالله منتظری است. هم از ناحیهٔ اینکه استفاده کنید از رهنمودهایشان، هم از ناحیهٔ اینکه گزارشهاتان را بدهید به ایشان، و هم ایشان بدانند در حقیقت یك چنین گروهی، یك چنین اجتماعی، چنین مسیری و چنین حرکت خوبی وجود دارد و این اثر می‌کند به اینکه در حقیقت کارهایی که خود آقای منتظری وظیفهٔ خودشان می‌دانند انجام بدهند. ـ نقل از کتاب *رهنمودهای نمایندهٔ امام در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی*.

نظرات فقید سعید مرحوم آیة الله محمد مهدی ربانی املشی نمایندهٔ مردم تهران درمجلس شورای اسلامی، دورهٔ دوم، و نمایندهٔ مردم استان خراسان در مجلس خبرگان دوم ۱۳۶۳/۳/۱

رابطهٔ من و آیةالله العظمی منتظری، رابطهٔ شاگرد و استادی بوده و ابتدای آشنایی ما از شاگردی ایشان شروع شده است. وقتی که من طلبهٔ درس سطح خوان بودم، مقداری مکاسب را خدمت ایشان خوانده‌ام، و همچنین در درس منظومهٔ ایشان شرکت می‌کردم و باز مقداری از اشارات را خدمت ایشان تلمذ کرده‌ام. بعدها که خواستیم کفایه بخوانیم فکر کردیم که درس کفایه را پیش چه کسی تلمذ کنیم چون بعضی از درسهایی را که در حوزه رایج بود رفته بودیم و خیلی نپسندیدیم. یادم هست که به اتفاق بعضی از دوستان از جمله آقای هاشمی رفسنجانی ـ شیخ علی اکبر ـ که با هم تمام دروس سطح و مقداری درس خارج را هم مباحثه بودیم، تصمیم گرفتیم که آقای منتظری را وادار کنیم درس کفایه را تدریس کنند. از ایشان تقاضا کردیم و چون با ایشان آشنایی داشتیم اجابت کردند و درس کفایه را هم شروع کردند. یادم هست که مقدار زیادی از کفایه را پیش ایشان تلمذ کردیم. البته موقعی که ایشان درس کفایه می‌گفتند به سطح آن اکتفا نمی‌کردند. در هر جایی که خودشان نظراتی داشتند که معمولاً نظراتشان را هم در پاورقی تقریرات درس اصول آیةالله العظمی بروجردی ذکر کرده بودند در درس یادآوری می‌کردند و متعرض نظرات خودشان هم در درس کفایه می‌شدند. البته رابطهٔ شاگرد و استاد در

حوزه‌های علمیه رابطهٔ بسیار نزدیك و دوستانه و محبت‌آمیز است، بر خلاف رابطهٔ استاد و دانشجو آن طور که سابقاً در دانشگاه بود، و البته فعلاً در دانشگاهها این رابطه خیلی خوب و قوی شده، بر خلاف آن رابطه‌های سابق. رابطهٔ استادو شاگرد در حوزهٔ علمیهٔ قم و حوزه‌های روحانیت،رابطهٔ نزدیك، محبت‌آمیز و دوستانه بود... آهسته آهسته رفت و آمد خصوصی هم پیدا کردیم.

از خاطراتی که از رفت و آمد با ایشان یادم هست این است که موقعی که ایشان در خاکفرج، یك منطقهٔ بسیار مستضعف نشین قم، سکونت داشتند و تا مدتهای زیادی آنجا ساکن بودند، در خدمت ایشان بودیم. تنها نبودم، چند نفری هم بودند که الآن یادم نیست چه کسانی بودند. در آنجا صحبت زندگی خصوصی ایشان بود که زندگی بسیار محدودی بود. از جمله چیزهایی را که ایشان از زندگی خصوصی خودشان گفتند این که در ماه چه مبلغ خرج می‌کنیم. بعد گفتم که شما چطور می‌توانید با این مبلغ کم زندگی را اداره کنید و علی‌القاعده زندگی شما باید خرجی بیشتر از این داشته باشد. گفتند خیر، زندگی داخلی و شخصی ما خیلی محدود و ساده است،در این مواقع که شماها می‌آیید از شماها پذیرایی می‌کنیم، اینها را ملاك زندگی ما قرار ندهید. و یا ایشان از زندگی محدود خود که نقل می‌کردند می‌گفتند که امام تخم مرغی را که خون درونش پیدا می‌شود نجس نمی‌دانند (ولی ظاهراً خود ایشان نجس می‌دانستند یا احتیاط می‌کردند. فتوای ایشان این بود.[۱۱]) می‌گفتند اگر موقعی تخم مرغی می‌شکنیم و این تخم مرغ خون داشته باشد من می‌گویم این تخم مرغ را دور بریزیم و مصرف نکنیم، به خصوص که ایشان مقداری از نظر طهارت و نجاست احتیاط می‌کنند، اما محمد در مقابل من می‌ایستد و می‌گوید خیر، تخم مرغ نجس نیست و ما باید بخوریم و اگر نه اسراف می‌شود...

باز خاطرهٔ دیگری یادم آمده بد نیست بگویم. البته این خاطره بیشتر مربوط به دوران تحصیلی خودمان می‌شود. در ایامی که در خدمت آیة الله العظمی منتظری درس می‌خواندیم معمولاً روزهایی که باران می‌آمد و زمینها گل می‌شد و رفت و آمد مشکل بود، ما می‌فهمیدیم که در آن روز دیگر ایشان درس تشریف نمی‌آورند و این برای عده‌ای یکی از امتیازات درس ایشان بود! نمی‌دانم چه سری است که شاگردها به تعطیل گاه و بی گاه درس علاقه مند هستند. این را من نه تنها در خودم احساس می‌کردم، در دیگران هم این احساس را می‌دیدم و از چیزهایی که برای ما جاذبه داشت این بود که ایشان بعضی وقتها درس را تعطیل می‌کنند و شاگردها را هم خوشحال می‌کردند. در ایام تحصیل دو سه بار به‌اتفاق آقای هاشمی و بعضی دیگر از دوستان در ایام تابستان به نجف‌آباد رفتیم که خیلی آن سفرها پرخاطره بود از جمله در یکی از این سفرها که مرحوم ربانی شیرازی و مرحوم سعیدی هم همراه بودند،به نجف آباد رفتیم و از آنجا در خدمت حضرت آیةالله العظمی منتظری و بعضی دیگر از روحانیون به سد کوه رنگ مسافرتی کردیم که خیلی لذت بخش بود و در آن چند روز مسافرت که شبانه روز در

۱۱. نظر آیةالله منتظری در مورد خون درون تخم مرغ چنین است: «بنابر احتیاط واجب از خونی که در تخم مرغ می‌باشد اجتناب شود و خوردن آن حرام است. ولی اگر خون در رگ باشد و پاره نشده یا در زرده باشد و پاره نشده بقیهٔ تخم مرغ پاك و حلال است» ـ مسئلهٔ ۹۹ *توضیح المسائل* آیةالله العظمی منتظری.

خدمت آقـای منتظری بودیم دیدیم که تا چـه اندازه این مرد بزرگ متواضـع و متقـی و پرهیزگار و عزیزالنفس و بزرگوار و فروتن حتی نسبت به شاگردان خود هستند. کم و بیش خـاطراتی از آن سـفر را می‌توانم به یاد بیاورم ولی علی‌القاعده آقای هاشمی بیشتر به یاد دارند. خوب است تفصیل این قسمت را به عهدهٔ ایشان بگذاریم. بیش از این چیزی از خصوصیات برخوردبا ایشان‌که موجب آشنایی ما با ایشـان شده باشد فعلاً به یاد ندارم. البته اگر آقای هاشمی رفسنجانی در این زمینه چیزهایی بگـوید و خـاطراتی نقل کنند قاعدتاً چیزهایی است که با همدیگر شریك بودیم؛ چون ما با هم تنهـا هم مباحثه نبودیم، بلکـه خیلی رفیق و دوست و صمیمی بودیم. احتمالاً جایی نبوده است که ایشان آقای منتظری را ملاقات بکند یا افراد امثال ایشان را و من نبوده باشم و علی‌القاعده برخوردها و ملاقاتهایمان با هم بوده.

رابطهٔ آیةالله منتظری با امام ابتدائاً رابطهٔ شاگرد و استاد بود که ایشـان به اتفـاق چند نفـر دیگـر از فضلای حوزه اولین دورهٔ درس خارج را خدمت امام شـروع کردند و البته درس فلسـفه را هم در خـدمت امام تلمذ کردند؛ ولی بعدها در نتیجهٔ اینکـه امام و آیةالله منتظری با همدیگـر از نظر فکـر سـیاسی و انقلابی همفکری داشتند و در یك سو و یك جهت عمل می‌کردند موجب نزدیکی بیشتر این دو شـد. البته این جهت را هم فراموش نکنیم، همان طور که عرض کردم رابطهٔ شـاگرد و اسـتاد در حـوزه یك رابطهٔ بسیار مقدس و نزدیك و دوستانه اسـت، مخصـوصاً اگر شـاگردی از نظر علمی و عملی دارای امتیازاتی باشد و بین شاگردها گل کرده باشد استاد به آن شاگرد توجه خیلی بیشتری پیدا می‌کند علاقـهٔ بیشـتری پیدا می‌کند و آیةالله منتظری در ایام تحصیل در جمع شاگردها همیشـه دارای یك امتیاز خـاصی بودند و به اصطلاح یك سروگردن از دیگران بالاتر بودند. موقعـی که ایشـان شـاگرد آیةالله بروجـردی بودند، مرحوم آیةالله العظمی بروجردی به ایشان توجهی خاص داشت. چـون ایشـان با جـرئت و شـهامت در درس ایشان اشکال می‌کردند و اشکالاتشان هم معمولاً اشکالات مفید و ارزنده بود که آقای بروجـردی به ایشان خیلی توجه داشتند. باز به یاد دارم از نبوغ ایشان و امتیاز ایشان در درس خـواندن نقـل کردند، البته من خودم این مطلب را مستقیم نشنیدم، ولی واسطهٔ موثقـی برایم نقـل می‌کرد که حضـرت آیةالله آقای حاج آقا رضا بهاءالدینی که از علمای بزرگ و صاحب علم و عمل و تقوی و فضیلت فراوان هسـتند و در قم هنوز هم اشتغال دارند و از علمای ممتاز هستند، نقل می‌کردند که ایشان می‌فرمودند چند نفـر از جمله آقای منتظری پیش من درس رسائل می‌خواندند. مرحوم مطهـری و بعضـی دیگـر از فضـلای برجستهٔ حوزه در این درس شرکت می‌کردند. و من موقعی که می‌خـواستم درس رسـائل بگـویم یك بار مطالعه می‌کردم برای عموم شاگردان که پیش من درس می‌خـواندند، یك بار دیگـر هم مطالعـهٔ دقیق‌تر می‌کردم برای آقای منتظری، چون می‌دانستم ایشـان که در درس هسـتند، یقیناً به اشکـالات و نکـات حساسی برخـورد می‌کند. مجبور بودم یك مطالعـه‌ای دقیق‌تر بکنم که اگر ایشـان اشکـال کرد بتوانم اشکالات را جواب بگویم. و باز از خصـوصیات آیةالله منتظری این اسـت که هیچ وقـت حـالت انزوا و گوشه‌گیری در هیچ موردی نداشـتند. در یك مجلس علمی و محفـل علمی در نتیجـهٔ ورود در معـرکهٔ اشکال می‌درخشیدند.همیشه مرد و مردانه وارد بحث می‌شـدند و دنبال اشکـالشان را می‌گرفتند. خـوب، این خصوصیات که عرض کردم باعث می‌شود که چنین فردی ممتاز بشود و بروز بکند و مشخص باشـد.

رابطهٔ آقای منتظری هم با امام، رابطهٔ شاگرد و استادی بود، اما این رابطهٔ شاگرد و استادی در نتیجهٔ این امتیازاتی که در آقای منتظری از نظر علمیت، زهد و بی‌آلایشی بود باعث می‌شد که هر استادی و از جمله امام با ایشان رابطهٔ نزدیك داشته باشند. بعدها که مسئلهٔ انقلاب هم پیش آمد از نظر اینکه آقای منتظری کاملاً همهٔ افکار امام را قبول داشته و پذیرفته بودند و قدم جای قدم ایشان در انقلاب هم می‌گذاشتند، خواهی نخواهی رابطهٔشان قوی‌تر و نزدیك‌تر شد و همان طوری‌که مردم در شعارهایشان می‌گویند که آقای منتظری امید امت و امام هستند این یك واقعیتی است که یکی از امیدهای بسیار ارزنده و شاید الآن تنها امید امام آیةالله العظمی منتظری هستند.

بد نیست برایتان نکته‌ای را در این زمینه نقل کنم. موقعی که آقای منتظری زندان بودند و در زندان تحت شکنجه و آزار شدید قرار می‌گرفتند، به طوری که به بیرون زندان خبرهای خیلی وحشتناك از حال ایشان می‌رسید و در نتیجهٔ ناراحتیها حالت تشنجی در زندان پیدا کردند که تا همین اواخر هم باقی بود و گاهی پیش بینی می‌شد که محکومیت ده سال زندانی را که ایشان پیدا کرده‌اند چه بسا با آن وضع جسمانی ایشان به آخر نرسد و شاید آقای منتظری دیگر به میان مردم باز نگردد. یك چنین حالتی و وحشتی در بین ما دوستان ایشان پیدا شده بود و شنیدم وقتی که خبر محکومیت ایشان و وضع بد جسمانی معظم‌له به امام رسیده بود، امامی که در همه‌جا آرامششان را کاملاً حفظ کرده بودند و هیچ وقت اظهار ناراحتی نمی‌کردند در این مورد اظهار ناراحتی کرده بودند و مخصوصاً آن موقعی که مشهور شد آقای منتظری زیر شکنجه شهید شدند، وقتی این خبر به نجف رسید شنیدم که امام بسیار منقلب و ناراحت شدند به طوریکه هرگز امام چنین حالی پیدا نکرده بودند. بعدها الحمدلله معلوم شد که این شایعهٔ بی‌اساسی بوده است.

نقش آیةالله منتظری در ثمردهی مبارزات ملت مسلمان ایران

در حوزهٔ علمیهٔ قم افرادی که سرشناس بودند و در رأس مبارزات قرار گرفتند خیلی محدود بودند و لابد توجه به این مطلب هم دارید که هر مقدار افراد قوی تر، عالم‌تر و مشهورتر در مبارزات شرکت داشتند، عمق تأثیرشان، هم در حوزه و هم در خارج از حوزه یقیناً قوی‌تر و بیشتر بود و از امام که می‌گذشتیم کسی در حد شخصیت آقای منتظری نداشتیم که طرفدار بی‌دریغ انقلاب باشد و تا همه جا در این زمینه ایستادگی بکند. ایشان با همهٔ شخصیت والایی که از نظر علم و عمل و تدریس و شهرت در حوزه داشتند، درکارهای انقلابی سخت کوشا و مقدم بودند. شما وقتی که به تاریخچهٔ زندگی ایشان در ایام طاغوت نگاه می‌کنید می‌بینید ایشان معمولاً یا در زندان بودند و یا در تبعید به سر می‌بردند و یا حداقل در محدودیت قرار داشتند و ملاقاتشان ممنوع بود و یا گرفتاریهای دیگری داشتند که کمتر آدم می‌دید که آیةالله منتظری بدون دردسر و مزاحمت از طرف ساواك بتوانند زندگی بکنند و پیداست یك شخصیت والایی مثل آیةالله العظمی منتظری این طور در گود مبارزات وارد باشند، و در هر چه وظیفهٔ انقلابی اقتضا نماید باشند و بدون هیچ گونه مسامحه‌ای مسئلهٔ انقلاب را پی‌گیری بکنند، پیداست این چنین شخصی چقدر در انقلاب مؤثر هستند. یك موقعی است بچه‌ای این کارها را می‌کرده یا مثلاً طلبه‌ای

عادی مبارزه می‌کرده، به زندان می‌رفته گرفتاری می‌دیده، ناراحتی می‌کشیده، اما یك موقعی هست که شخصیت والایی مثل آقای منتظری که بعد از امام کسی را از نظر شخصیت در بین انقلابیون مانند او نداشتیم، این طور انقلاب را پی‌گیری می‌کردند. از اینجا می‌فهمیم که فعالیت و تلاش آقای منتظری درکار انقلاب تا چه اندازه مؤثر و سازنده و مثمر بوده و به علاوه مسئلهٔ دیگری که هست این است: همان طوری که اطلاع دارید امام در سال ٤٣ بعد از آن سخنرانی که علیه کاپیتولاسیون فرمودند تبعید به ترکیه شدند و از آنجا به عراق ایشان را تبعید کردند. مدت چهارده ـ پانزده سال ایشان در عراق تشریف داشتند و ما دسترسی از نزدیك به امام نداشتیم و برای دسترسی پیدا کردن به امام باید مئونهٔ زیادی به کار برده بشود، ولی تنها کسی را که در ایران دسترسی به او داشتیم و می‌توانستیم بر محور او کار انقلاب را سامان بخشیم آیةالله العظمی منتظری بود. ایشان ایران بودند، در دسترس ما بودند، ولی امام از ما دور بودند. البته معظم‌له پیامهای لازم و به موقع را مرتب می‌فرستادند. نامه‌ها می‌نوشتند و از دور انقلاب را رهبری می‌کردند. در این جهت تردیدی نیست که رهبری انقلاب با امام بود، ولی بعد از رهبری کردن از دور بقیهٔ کارهای سازمان دهی و رهبری در داخل کشور با آیةالله العظمی منتظری بود. البته این که عرض کردم سازمان دهی، باز نمی‌خواهم که کارها و تلاشها و فعالیتهای برادران دیگر را نادیده بگیرم، بلکه مطلبی را که عرض کردم، به آن توجه بشود که کار و تلاش و فعالیتهای انقلابی از شخصیتهای بالا با یك عمق بیشتر و با یك نفوذ بیشتر در بین مردم می‌آمد و آن کسی که دارای این شخصیت والا و شناخته شده بود، آیةالله العظمی منتظری بودند که وقتی ایشان مطلبی را می‌فرمودند خیلی اثر عمیق در مردم داشت. ایشان اگر راهی را می‌پذیرفتند، اثر بسیار مطلوب و عمیقی را می‌توانست در بین مردم بگذارد و نقش ایشان در انقلاب نقش بسیار قوی و سازنده بوده و من مطمئنم کسی به اندازهٔ ایشان بعد از امام در پیروزی انقلاب اسلامی تأثیر نداشته است.

مقام علمی آیةالله منتظری

من ضمن صحبتهایی که کردم تا حدودی به مقام علمی ایشان اشاره کردم. آیةالله منتظری دارای استعداد سرشار و فوق‌العاده بودند و در طول زندگیشان هم مشغول درس خواندن و تدریس بودند،ایشان از سنین طفولیت مشغول درس شدند و دارای استعداد خیلی قوی و بالا بودند و در این مدت مرتب هم کار کرده‌اند و درس خوانده‌اند و یا درس داده‌اند و حتی موقعی که ایشان در زندان بودند از مطالعات و مسائل علمی کنار نبودند. همین که از سلول انفرادی بیرون آمدند و به زندان عمومی منتقل شدند و امکان داشت که اشتغال علمی داشته باشند، مشغول فکر و مطالعه می‌شدند. حتی بعضیها خدمت ایشان همان جا درس می‌خواندند. خوب، پیداست کسی که دارای استعداد خوب باشد و پشتکار هم خوب داشته باشد و از سنین طفولیت مشغول تلمذ و درس باشد، این فرد از نظر علمی خیلی قوی می‌شود و الآن هم شاید هر کس می‌تواند بفهمد که ایشان از نظر علمی در سطح بسیار بالا و ارزنده‌ای هستند. درسهای ایشان که به وسیلهٔ رادیو منتشر می‌شود به شناخت این امر کمك فراوان کرده است. می‌گویند خیلیها درگذشته خیال نمی‌کردند که آقای منتظری در این سطح علمی باشند، ولی درسهای ایشان را که

گوش دادند به مقام علمی معظم‌له پی برده‌اند، و ایمان آورده‌اند در مجموع از نظر علمی در سطح بسیار خوب و والایی قرار دارند.

آیة‌الله منتظری و تربیت شاگردان فاضل

یکی از امتیازات بسیار جالبی که آقای منتظری دارند این است که در تربیت شاگردان سطح بالا موفق بوده‌اند. بعضیها از نظر علمی خیلی خوب هستند، ولی خیلی قدرت تدریس و پرورش فکری برای شاگرد ندارند. بر عکس آیة‌الله العظمی منتظری از کسانی است که قدرت پرورش فکری شاگرد را خیلی زیاد دارد و باز مطلب دیگر این است که ایشان قدرت ساده کردن و پایین آوردن سطح مطالب را دارند و این هم از امتیازات ایشان است. چون گاهی از اوقات یك مطلب علمی یا فلسفی بسیار عمیق و مشکل را آنچنان بیان می‌کنند که شنونده خیال می‌کند که یك مطلب پیش پا افتاده است و تعجب می‌کند که چرا می‌گویند این مطلب خیلی مشکل است. اما باید گفت معما چو حل گشت آسان شود. و ایشان واقعاً از نظر بیان، این قدرت را دارند که معماهای فلسفی و اصولی فقهی و علمی را آنچنان حل بکنند که برای شنونده بسیار آسان باشد و هضم آن راحت باشد. ناگفته نماند که قدرت پرورش شاگرد در استاد بزرگوارشان امام هم کاملاً ظاهر و بارز بود و باز قبل از امام، در مرحوم آیة‌الله العظمی بروجردی هم این مسئله خیلی بارز بود. اینها از کسانی بودند که همیشه به عنوان افرادی که شاگرد خوب پرورش می‌دهند و تربیت می‌کنند، شناخته می‌شدند. به این امتیاز بزرگ آیة‌الله العظمی منتظری خیلیها و حتی بعضی که خیلی رابطهٔ قوی با ایشان ندارند اذعان دارند. و لابد مطلع هستید که ایشان فعلاً حوزهٔ درس بسیارگرم و خوبی دارند و شاگردان خوبی در خدمتشان تلمذ می‌کنند. البته نباید شاگردهای ایشان را محدود کنیم به اشخاصی که در درس ایشان حاضر می‌شوند؛ بلکه می‌دانیم که خیلیها هستند که درسهای ایشان را از رادیو گوش می‌دهند و رویش مطالعه می‌کنند که اینها هم جزء شاگردهای ایشان هستند. شاگردان رادیویی ایشان را در زمان جمهوری اسلامی نباید دست کم گرفت. و چه بسا باید بگویم که شاگردان رادیوی ایشان از شاگردانی که در حوزهٔ درس ایشان حضور پیدا می‌کنند، در سطح بالاتری شاید قرار داشته باشند. به خاطر اینکه ممکن است بعضیها وقت و فرصت و یا حالی نداشته باشند که به درس ایشان بروند و یا ملاحظات دیگری مانع این کار شود... ولی از رادیو درسهای ایشان را گوش می‌دهند.

نظرات اقتصادی آیة‌الله منتظری

بعضی وقتها با دوستان نزدیکمان که از مسئولین سطح بالای مملکت هستند این مسئله مطرح می‌شود که آیة‌الله منتظری از نظر اقتصادی دارای نظرات فقهی مخصوصی هستند و شاید در بین فقهای متأخر کمتر کسی باشد که چنین نظریاتی داشته باشد. نظرات ایشان را در کتابها و نوشته‌های ایشان مانند *کتاب خمس* که نظراتشان نسبت به زمین در آن مطرح است، بیان شده.

ما برای نظرات فقهی آیة‌الله منتظری کاملاً احترام قائل هستیم. نه تنها بنده و امثال بنده، همهٔ فقها

برای نظرات فقهی فقهای دیگر احترام قائل‌اند.

بعضیها هستند که نظرات اقتصادیشان نظرات بی‌مبنا و بی‌اساس است و دلخواه و روی احساسات نظر می‌دهند. برای این گونه نظرات هیچ کس احترام قائل نیست. یك وقت فقیهی با استناد به ادله، روی استدلال فقهی، به یك نظر فقهی می‌رسد. این را همه برایش احترام قائل‌اند، حتی فقهایی که آن نظر را هم ندارند. ما همه برای فقها و نظرات فقهیشان احترام قائلیم و می‌گوییم یك فقیه یا دانشمند که فقه اسلامی را استنباط می‌کند اگر به واقع برسد دو ثواب دارد و اگر به واقع نرسد و خلاف واقع بفهمد و نظر بدهد باز هم ثواب دارد، چرا که اجتهاد کرده، زحمت کشیده و به یك نظر رسیده. پس بنابراین نظر اگر روی دلیل، روی مدرك باشد. روی استنباط فقهی باشد، در نظر همه محترم است و آیةالله منتظری نظرات قابل احترامی دارند که در رساله‌هایشان بعضاً منتشر شده و بقیه هم انشاءالله منتشر می‌شود.

نوع فعالیتهای ایشان پس از پیروزی انقلاب

آیةالله العظمی منتظری در هر کاری معمولاً انگشت روی مسائل مورد ابتلا و نیاز جامعه می‌گذارند و رهنمودهایی را که دارند رهنمودهای ارزنده‌ای است و همچنین دارای نفوذ کلام و آن محبوبیتی که باید کلام را در قلبها موثر سازد هستند. چون در تأثیر کلام دو چیز لازم است. یکی اینکه کلام، کلام ارزنده‌ای باشد و دوم اینکه گوینده دارای نفوذ کلام باشد و پذیرش مردم در مقابل سخن و کلام و رهنمود او طبیعی و قهری باشد. بحمدالله آقای منتظری این هر دو را دارند. هم آن محبوبیت لازم را دارند و این را همه می‌دانند و احتیاج به توصیف و بیان نیست به جرئت می‌توان گفت که محبوبیت آقای منتظری بعد ازامام از همه‌قوی‌تر،عمیق‌تر وبانفوذتر است. که ایشان تنبه می‌دهندمعمولاًمطالب‌بسیار ارزنده و بلکه ضروری است که با جرئت و شهامت خاص خودشان در همه شرایط آنها را ایراد می‌فرمایند. ایشان بحمدالله همان شهامت و شجاعتی را که از اول داشتند هنوز هم دارند و این برای دست اندرکاران خیلی مهم است که معظم‌له همیشه ملاحظات را کنار می‌گذارند و اگر اشکال و ایرادی درجایی ببینند محرمانه و اگر لازم باشد آشکارا بیان می‌کنند و اگر راه حلی به نظرشان برسد تذکر می‌دهند، روش ایشان روش توجیه‌گری نیست. خیلی جاها هم هست که مسئولان را تأیید می‌کنند و من خیال می‌کنم که این روش در سازندگی و رفع اشکالات کشور ضروری است و اگر بنا باشد ما مسائل را پرده پوشی کنیم و اشکالات را نادیده بگیریم و انتقاد در ادارهٔ کشور نداشته باشیم، یقیناً به وضع خوبی منتهی نخواهیم شد و اشکالات ما زیاد خواهد شد. باید اشکالات را بر طرف کرد.

وحدت مسلمین

همان طور که می‌دانید اسلام با تفرقهٔ بین مسلمین مخالف است. به خاطر اینکه بهره و نتیجهٔ این اختلافات و تفرقه‌ها عاید هیچ یك از گروهها و دسته‌های اسلامی نخواهد شد و بهره و نتیجهٔ را یقیناً تنها عاید دشمنان اسلام و بیگانگان خواهند کرد. و لذا از روز اول در گفتار و کلام و رفتار پیغمبر اکرم ص نسبت به این مطلب اهمیت زیادی داده شده و بعد از رسول اکرم ص می‌بینیم ائمهٔ اطهار ع تا چه

اندازه برای حفظ وحدت احترام قائل شدند. اینکه زیاد گفته می‌شود که حضرت امیرالمؤمنین ۲۵ سال سکوت کرد برای حفظ وحدت، نباید فراموش کنیم. معنایش این است که امیرالمؤمنینی از مهم‌ترین مسئله برای حفظ وحدت چشم پوشی کرد، یعنی حفظ وحدت را از به دست آوردن مقام خدایی که آن حضرت به آن مقام منصوب شده بودند، پر اهمیت‌تر می‌دانست. آیةالله العظمی منتظری هم از روز اول روی این وحدت خیلی اهتمام داشتند و می‌دانستند یکی از طرق بسیار شوم برای پیشرفت دشمنان و برای کوبیدن انقلاب اسلامی ایجاد تفرقه بین مسلمانهاست. در طول تاریخ دشمنان اسلام همیشه از این مسئله استفاده کردند. انگلیسیها از روز اول کارشان این بوده که در کشورهای اسلامی اختلاف بیندازند و حکومت کنند ـ تفرقه به انواع و اقسام گوناگون: اولاً آمدند کشورهای اسلامی را که یکپارچه بود به کشورهای کوچك و زیاد تقسیم کردند. این کار به خاطر چه بود؟ برای اینکه بتوانند از آتش دو گانگی و چند گانگی استفاده کنند. ثانیاً اختلاف بین شیعه و سنی ایجاد کردند. اختلاف بین کرد و فارس، بین ترك و عرب و از این قبیل درست کردند. در صورتی که اسلام کاملاً با این مطلب مخالف است. رسول الله ص می‌فرماید که مسلمانها ید واحد علی من سواهم؛ یك دست هستند در مقابل بیگانگان، اختلافات قومی، اختلافات زبانی نیست. من ترکم، تو فارسی، آن یکی عرب است، اینها نباید موجب اختلاف باشد. اینها نباید ما را از همدیگر جدا کند. حتی اختلافات مذهبی هم ما را نباید از همدیگر جدا بکند. من دارای یك مذهب هستم، احکام و مسائل دینی‌ام را به یك نحو عمل می‌کنم و شما هم احکام و مسائلتان را به نحو دیگر عمل می‌کنید. ما همه در خدا با هم شریکیم، در کعبه با هم شریکیم، در *قرآن* و در پیغمبر با هم شریکیم، در اصول اسلام با هم شریکیم. وقتی که در اصول اسلام با هم شریکیم، معنی ندارد که بیاییم و با همدیگر در فروع و در راههای مختلفی که انتخاب کردیم، در مقابل یکدیگر قرار بگیریم و با همدیگر نزاع بکنیم دشمن از این مسئله بهره‌برداری می‌کند. آقای منتظری از روز اول نسبت به این مسئله حساس بودند. لذا از هر موقعیتی برای حفظ وحدت استفاده کردند.

مثلاً در سالروز تولد رسول الله که بین عامه و خاصه اختلاف است (عامه می‌گویند ۱۲ ربیع الاول و ما می‌گوییم روز ۱۷ ربیع الاول پیغمبر اکرم متولد شده‌اند) ایشان فرمودند بیایید یك هفتهٔ وحدت بگذاریم بین این دو روز تولد، و از این اختلاف تاریخی، وحدت ایجاد کنیم. آخر چه اثری دارد برای ما که رسول الله ص روز ۱۲ متولد شده باشند یا روز ۱۷. اصل این است که حضرت رسول متولد شده‌اند و جهان را با وجود مقدس خودشان منور کرده‌اند. هر روزی می‌خواهد باشد. باید پیرامون این وجود مقدس و محترم متحد شویم نه با آمدن این وجود محترم از هم جدا شویم. ایشان در آن روز چنین پیشنهادی را دادند و حقاً ابتکار خوبی بود.

طرح کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت هم از ایشان است. اگر این مسئله را خوب پی گیری کنیم و عمیقاً تعقیب نماییم و انشاءالله اگر روزی علمای اسلام و ائمهٔ جمعه و جماعت از زیر یوغ استعمار و استبداد سلاطین جور و رؤسای بیگانه پرست کشورهای اسلامی بیرون بیایند و از زیر نفوذ آنها خلاص شوند و در یك هفته یا چند روز همهٔ علمای اسلام از سراسر جهان و ائمهٔ جمعه و جماعت جهان، یا

حداقل سرشناسان آنها، چه شیعه و چه سنی، یك جا جمع بشوند و در کنار یکدیگر در مورد مسائل اسلام تشریك مساعی کنند، گرفتاریهای یکـدیگر را بازگویی و راه حلهـا را گوشـزد کنند، کمکهـایی را که می‌توانند برای همدیگر داشته باشند یادآوری بکنند و از یکـدیگر اسـتمداد نمایند، ببینید چقـدر این برای اسلام مفید می‌شود و واقعاً باید در این‌گونه مسائل از ایشان تشکر کرد که الحمدلله این نظرات خـوب و عالی را دارند و اظهار و ابداع می‌کنند.

حالا که جمهوری اسلامی قدرت دارد که افکار عالیهٔ اسلام را پیاده بکند، این مسائل باید تعقیب شود و آرزو می‌کنیم علمای اسلام در جهان بیش از الآن آزاد باشند و بتوانند از این آزادیها اسـتفاده بکنند و به نفع اسلام با یکدیگر متحد و متفق باشند.

خلوص، تقوی و بی‌پیرایگی آیة الله منتظری

بی‌پیرایگی در زندگی ایشان آن قدر زیاد است که اگر کسی بخـواهد ایراد و اشکـالی داشـته باشـد ایراد دارد که چرا تا این اندازه معظم‌له عادی و خودمانی اسـت و چـرا ایشـان تا این اندازه مردمی اسـت، و زیادی بی‌پیرایه هستند و زیادی بی‌آلایش زندگی می‌کنند، زیادی طلبگـی زندگی می‌کنند، زیادی با مردم جوش می‌خورند؟ ایشان آنقـدر طلبگـی و خـودمانی زندگی می‌کنند که گاهی اوقـات حتی مورد اعتراض دوستان قرار می‌گیرند که ای کاش ایشان مقداری برای خودشان حریم قائل می‌شدند. مقداری ملاحظهٔ شخصیت والاو مقام علمی و سیاسیشان را می‌کردند، ولی ایشان همان طوری اسـت که همه مشـاهده کرده‌اند و همه به این نکته کاملاً توجـه دارند و از نظر زندگی شـخصی خیلی زاهدانه زندگی می‌کنند. درگذشته چنین بوده‌اند و الآن هم همان زندگی طلبگی را دارند. از نظر تقـوا من ایشـان را بسـیار عادل می‌دانم و به تمام معنی ایشان را عادل می‌دانم. نه اینکه تنها به حسـن ظـاهر ایشـان اکتفـا کنم و طبق فتوای امام که حسن ظاهر را کاشـف تعبد می‌دانند معـظم را متقـی و عادل بدانم و به همین مقـدار از عدالت ایشان خبر داشته باشم، نه، ایشان را واقعاً یك آدم عادل و بی‌آلایش و اهل تقوا و اهل فضیلت و اهل معنویت می‌دانم و از خداوند مسئلت می‌کنم که باز هم بر توفیقات ایشان بیفزاید و معنویت ایشان را فزون‌تر و به تأییدات و هدایتهای غیبی مفتخر فرماید. والسلام.

نظرات آیةالله غلامرضـا رضـوانی، رئیس دیوان عدالت اداری و نمایندهٔ مردم اسـتان تهران در مجلس خبرگان دوم. آبان ۱۳۶۳

آیةالله منتظری از همان ابتدای قضیه که نهضت و قیام شروع شد با نهضت بود و تشـخیص ایشـان هم تشخیص صحیحی بود و به دنبال تشخیص خـودشان با اینکـه آقـایان علما زیاد بودند حضـرت امام را انتخاب کردند. یادم می‌آید در قم نه نفر از آقـایان علما یك اعلامیه را امضـا کردند به عنوان «اعلامیهٔ نه نفری» و لیکن در بین تمام این آقایان، آقـای منتظری امام را انتخـاب کردند ـ با اینکـه در آن موقـع به حسب ظاهر امام کنار نشسته بودند و واردگود ادارهٔ اجتماعی حوزه نبودند و جنبهٔ تدریس و تعلیم در حـوزه داشتند. آقایان دیگر بودند که متصدی ادارهٔ حوزه بودند و لیکن آقای منتظری همان موقع امام را انتخاب

کردند و به امام پیوستند و در این راه بودند و متحمل مشقات و صدمات فراوانی شدند. در زندان، شکنجه و اذیتهای بسیاری دیدند. طومارهایی می‌آمد که ساواك با آیةالله منتظری چنین و چنان می‌کند و از حوزهٔ علمیهٔ نجف استمداد می‌کردند برای استخلاص ایشان و من در جریان بودم که در این راه بسیار تحمل مشقات کردند و انصافاً حق بزرگی به این انقلاب دارند. ـ نقل از مجلهٔ *پیام انقلاب*، شمارهٔ ۱۲۲، ۱۳۶۳/۸/۵.

نظرات آیةالله شیخ ابوالحسن شیرازی، امام جمعهٔ مشهد (۶۲/۱۱/۲۴) و نمایندهٔ مردم استان خراسان در مجلس خبرگان دوم

بسم الله الرحمن الرحیم. سنه‌ای که در ایران کشف حجاب شد، بنده مشرف شدم به نجف اشرف، و پس از خروج رضاخان یك مرتبه به ایران آمدم و دوباره به نجف اشرف مراجعت کردم. دوباره به ایران آمدم و به قم رفتم. تا آن موقع من با آیةالله منتظری آشنایی نداشتم. در قم شاید بیش از یك سال و نیم ماندم. مرحوم آیةالله بروجردی در قم مرجع بودند و من در آنجا مشغول درس و بحث، مثلاً کفایه و رسائل و مکاسب و بعضی از درسهای دیگر بودم.

در حوزه پای درس آیةالله بروجردی می‌نشستیم. و ایشان در آن حوزه به فضل و علم معروف و فرد موجهی بودند. به عبارت دیگر جزء فضلا و دانشمندان بودند. در آن وقت امام هم در قم درس خارج می‌گفتند. و آقای منتظری از شاگردان بسیار خوب درس امام و خیلی هم نسبت به امام علاقه مند و جدی بودند.

خود آقای منتظری هم حوزهٔ درس داشتند و تا آنجا که من می‌دانم درسهای آیةالله بروجردی را که ما خودمان هم شرکت می‌کردیم، تدریس می‌کردند.

من دوباره به نجف رفتم و مدتی در آنجا ماندم و بعد دوباره وقتی آمدیم قم بیشتر با آیةالله منتظری آشنا شدیم. پس از فوت آیةالله بروجردی، آقای منتظری از نزدیکان امام بودند و یك فردی بودند که در قم، هم از نظر مقام علمی و هم از نظر فضل مورد شناخت بودند. قبل از قیام امام وضع ایشان این طور بود که عرض کردم. شناخت من از آن موقع در همین اندازه است.

تا اندازه‌ای که بنده از ایشان شناختی داشتم، ایشان از افرادی بودند که از روز اول با امام ارتباط داشتند و اصرار می‌کردند که باید مسائل علمی، فقهی، فلسفی را از امام اخذ بکنیم. در آن موقع مبارزات هنوز شروع نشده بود که مبارزات آیةالله منتظری ظهور و بروز پیدا کند، اما ایشان، پس از قیام امام، اول کسی بودند که مبارزه را با امام شروع کردند. یعنی می‌شود گفت در آنهایی که در خط امام بودند و در این مبارزات از امام پیروی می‌کردند قدم اول را ایشان برداشتند و خیلی جدی بودند ـ به طوری که از کسانی بودند که گرفتند و بردند و مدتی گرفتاری تبعید و زندان داشتند.

مبارزاتشان با رژیم شاه هم معلوم است. کسی که با امام باشد، با رژیم شاه هم در نهایت شدت مخالفت می‌کند. در آن روز، از روحانیت، آنهایی که با امام باشند، قلیل بودند. آن روز اگر کسی در مبارزه بوده خیلی معتقد به این حرکت بوده و کاملاً هم حامی این حرکت و این قیام بوده که آیةالله منتظری

همین طور بودند.

ایشان هر کجا که بودند، چه در زندان، چه در تبعید، فعالیتهای ایشان کاملاً مشخص و در حدی بود که رژیم شاه حساسیت نشان می‌داد. وقتی که امام در تبعید و ایشان هم در تبعید بودند، فعالیتشان به حدی بود که رژیم طاغوتی شاه بعد از امام در نظر داشت که ایشان را از بین ببرد. چون خود آنها شیطان بودند می‌دانستند که افرادی که می‌توانند در مبارزات امام کاملاً مؤثر باشند و برای آینده به درد بخورند چه کسانی هستند، و لذا روی ایشان خیلی حساسیت داشتند تا به حدی که ما در مشهد که بودیم، شنیدیم که ایشان را محکوم به اعدام کردند و می‌خواستند او را شهید کنند. گرفتند بردند تهران و چنین فکری داشتند، که علمای مشهد خیلی ناراحت شدند و آقایان علما این طرف و آن طرف رفتند از دستگاه بخواهند که از این کار صرف نظر بکند و از آنجایی که خداوند مشیتش تعلق گرفته این انقلاب را در تمام مراحل حفظش بکند و افرادی که برای این انقلاب در هر مرحله‌ای نافع هستند باقی بمانند، رژیم از اعدام و شهید کردن ایشان صرف نظر کرد و لکن با شکنجه‌های طاقت‌فرسا در زندان روی ایشان خیلی فشار می‌آوردند تا از این جهت بلکه بتوانند ایشان را از کار بیندازند و مع ذلك در همهٔ این مراحل ایشان با کمال استقامت و بدون هیچ تزلزلی آن روحیهٔ خودشان را از دست ندادند، بلکه محکم‌تر بودند تا این مرحله هم گذشت.

آیةالله منتظری از نظر علمی، به عقیدهٔ بنده، در حوزه‌های علمیه مقام علمی خوبی دارند، مراحلی که ایشان طی کرده‌اند و توجهی که امام به ایشان دارند و ایشان را از تمام جهات یك شخصیت لایقی می‌دانند. معلوماتشان هم از نظر فقاهت برای یك فقیه که اساس مطلب هست، بعد از امام، اول حساب می‌شوند و آن شرایطی را هم که در قانون اساسی برای ولایت فقیه و رهبر در نظر گرفته‌اند، من می‌توانم بگویم مجموع شرایط در ایشان وجود دارد. هر کدام از آنهایی که در خط ولایت فقیه هستند و در خط امام هستند، انصاف می‌دهند که ایشان از نظر فقاهت واجد هستند. بعد از امام همتا ندارند.

تقوا و خلوص و سادگی زندگی ایشان هم نسبت به دیگران خیلی خوب است. بر حسب معتقدات خودم در این برخوردهایی که ما بعد از پیروزی انقلاب، از زمانی که خبرگان تشکیل شد و دو سه ماهی که ما در مجلس خبرگان با ایشان بودیم و حرکت ایشان را مشاهده می‌کردیم، در این جهت هم از همهٔ کسانی که در خط امام و خط جمهوری اسلامی هستند، بهتر است. از نظر تقوا، از نظر زندگی، از نظر اتکا و اعتماد به خدا، از نظر خلوص و صدق، این چیزهایی که باید واقعاً یك ولی فقیه داشته باشد دارد. ایشان با همان روحیهٔ سابق هستند و تکبری هم ندارند که بخواهند نشان دیگران بدهند. ایشان همان واقعیت و حقیقتی را که اصل برای خلوص و صدق و تقوا است، دارا هستند.

آیةالله منتظری چون از فضلایی بودند که شب و روز د رحوزهٔ علمیهٔ قم کار می‌کردند، تمام وجودشان مفید بود و در اثر علم و فضل و کمالی که دارند شاگردان زیادی در حوزهٔ علمیهٔ قم داشتند و در زمینهٔ

تعلیم و تربیت شاگرد، بسیار مؤثر بودند.

یك مسئله هم مسئلهٔ صدور انقلاب است. در این انقلاب هر که بیشتر اصالت دارد بالطبع برای صدور انقلاب هم حالت آمادگی بهتری دارد. ایشان در خط انقلاب طوری مشی می‌کنند که به دیگران درس می‌دهند. طبعاً ایشان یکی از ارکان طرفداران امام هستند. البته رکن خیلی بزرگی در طرفداری از امام و استقامت در این راه، که درس دهنده هستند و دیگران امروز می‌توانند از آن فداکاریهایی که ایشان در آن مرحله کردند درس بگیرند. چون صدور انقلاب ما همان آگاهی دادن است و ایشان با عملشان و استقامتشان که مثل خود امام به طور قاطع حرکت می‌کردند و هیچ تزلزلی در وجودشان نبوده و نیست و اصلاً خلل ناپذیرند، یك استقامت عملی به این نحو طبعاً برای بعد و برای دیگران درس دهنده است و صدور انقلاب از همین ناحیه‌ها می‌شود. استقامت ایشان درس دهنده هست برای کسانی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در کشورهای خودشان می‌خواهند مبارزه کنند. اینها زمینه‌های خوبی برای صدور انقلاب است. حتی درکارهای مبارزاتی پیش از پیروزی هم درس دهنده است ـ خصوصاً کسی که در درجه اول است، یعنی پشت سر امام حرکت می‌کند. این هر نحو استقامت داشته باشد، این استقامت، درس برای آینده‌ها می‌شود. و دیگران می‌آیند درس می‌گیرند که مثلاً ایشان در آن زمان که انقلاب پیروز نشده بود، این طور برای پیروزی انقلاب کوشش وجدیت می‌کردند. شخص امام در درجه اول، توجه داشتند که انقلاب باید صادر شود و اگر انقلاب صادر نشود در همان مناطقی که انقلاب شده از بین می‌رود. باید انقلاب این قدر قدرت داشته باشد و آگاهی دهنده باشد که بتواند خودش را در خارج از کشور معرفی بکند و نشان بدهد که دیگران از آن درس بگیرند و حرکت کنند و در این جهت آیةالله منتظری در بین پیروان امام واقعاً سهم مهمی داشتند. من می‌توانم بگویم که در درجه اول ایشان بودند که هم حرکت فکری و علمی و هم آگاهیشان درس دهنده است و این درس یعنی صدور انقلاب.

نقش آیةالله منتظری در ایجاد وحدت بین مسلمین، بعد از حضرت امام، بسیار زیاد می‌باشد. ایشان در جهت توجه دادن به وحدت مسلمین و واقعاً کوشا بودن در اینکه همه حتی روحانیت را به این معنی توجه دادن که با وحدت مسلمین است که می‌توانیم طاغوتهای بزرگ و شیاطین بزرگ را از بین ببریم، امتیازاتی دارند .

الآن وحدت تشیع و تسنن که دو قشر عظیم اسلامی هستند بسیار مفید است برای انقلاب اسلامی. ایشان واقعاً این حقیقت را درك کردند که امروز اگر این وحدت نباشد صدور انقلاب خدشه‌دار می‌شود. خود امام هم در درجه اول متوجه این موضوع هستند. لذا در بیاناتشان که مثلاً دربارهٔ وحدت می‌کردند، هیچ وقت ما نشنیدیم منظور فقط وحدت تشیع و مکتب ولایت باشد، با اینکه اصل و اساس به نظر ایشان همین مکتب تشیع و ولایت است و نهایت علاقه را دارند، ولکن معذلك برای اینکه این وحدت را ما امروز برای صدور انقلابمان و آگاه کردن کشورهای اسلامی که اکثریت آن تسنن است لازم داریم، چون احتیاج به این معنی داریم، باید این وحدت را حفظ بکنیم. والاّ اگر نتوانستیم، حرکت

انقلاب متوقف می‌شود.

برای اینکه یك حرکت اسلامی همین طور به سرعت پیش رود نهایت چیزی که احتیاج هست وحدت بین مسلمین است و آیةالله منتظری در این جهت امتیاز خیلی عالی دارند. و این هم برای انقلاب ما یك جهت بسیار اصلی است، چون انقلاب باید برود به کشورهایی که اکثریت آن تسنن است. اگر کسی توانست این جهت را درست تبیین بکند، این وحدت را روشن بکند، تا دیگران درس بگیرند و معتقد به این مطلب بشوند و اهل تسنن هم درس بگیرند و معتقد بشوند، آن وقت است که کارها پیش می‌رود و صدور انقلاب هم ممکن می‌شود. به هر صورت ایشان در این جهت خیلی ممتاز هستند.

برخورد آیةالله منتظری با مسئلهٔ جنگ تحمیلی هم با همان قاطعیتی است که امام برخورد می‌کنند. توجه دارید که اگر در این جنگ تحمیلی صدام و حزب بعث را شکست ندهیم امریکا شکست نخورده است. چون اینجا موضوع امریکاست که صدام را وادار کرده این جنگ را بر ما تحمیل کند. در اینجا قاطعیت لازم دارد و لذا آیةالله منتظری هم در این جهت، همانند امام قاطعیت دارند. البته این جنگ را آمریکا و بعثیها بر ما تحمیل کردند، ولی ما امیدواریم که این جنگ باعث صدور انقلاب بشود. بعد از امام ایشان و بعد از آن سلسله مراتبی که هستند، تمام مبارزین ما، مجاهدین ما، ملت ما، همه در این جهت هستند و لکن ایشان پشت سر امام حرکت می‌کنند.

در رابطه با برخورد ایشان با گروههای محارب و منحرف، باید بگویم این هم یکی از چیزهایی بوده که از امتیازات ایشان محسوب می‌شود. ایشان کاملاً به مکتبهای انحرافی که بعداً مخالف شدند و مقابل اسلام و جمهوری اسلامی ایستادند، درست واقف هستند و در این جهت مطالعات زیادی دارند. و در اثر واقف بودنشان طبعاً در مقابل مکتبهایی که نمی‌توانند با جمهوری اسلامی بسازند، با قاطعیت حرف می‌زنند و البته آنهایی که در این مکتبهای باطل رفتند و جوابهایی که ایشان به آنان می‌دادند، می‌تواند اشخاصی را به دامن اسلام برگرداند. حالا هم که الحمدلله سران اینها از بین رفتند و همهٔ مسائل روشن شد، هواداران آنها را تشویق می‌کنند که بیایند به طرف اسلام، و هنوز هم می‌خواهند که اینها را بیاورند.

طرفداران گروهکها را دعوت می‌کنند و می‌گویند وضعیت آنها روشن شد و آنها باطل بودند. آنها طرفدار حق نبودند، طرفدار خلق نبودند، هیچ نبودند و همه از طرفداران همین قدرتهای زورگو بودند. حالا ایشان شروع کردند به اینکه این هواداران را برگردانند.

علاقهٔ ایشان به نهضتهای رهایی بخش نیز در بیاناتشان بسیار واضح است و از تمام حرکتهای انقلابهای رهای بخش که در کشورهای اسلامی هست، حتی اسلامی هم نباشد، اما متعلق به مستضعفین باشد، حمایت می‌کنند و به همهٔ اینها نهایت علاقه را دارند و مطالبی را که برای آگاهی آنها لازم است بیان می‌کنند و در این جهت هم ممتاز هستند و امتیازات بسیار خوبی دارند. و لذا تمام کسانی

که در این نهضتهای رهایی بخش و در این حرکتها هستند و به حرکت انقلابی ایران توجه دارند، به ایشان معتقدند. ایشان یکی از افرادی است که در ایران با تمام وجود و با علاقه‌ای که به صدور انقلاب اسلامی دارند، این مورد را کاملاً توجه دارند و نسبت به آنها علاقه مند هستند. چون رهایی مستضعفین و به زانو در آمدن ام‌الفساد قرن، آمریکا، یا شرق و غرب، متوقف به این است که این نهضتها حرکتشان تحقق پیدا کند و بتوانند حرکتشان را ادامه بدهند، ایشان اولین کسی است که به این است که این نهضتها حرکتشان تحقق پیدا کند و بتوانند حرکتشان را ادامه بدهند، ایشان اولین کسی است که به این راه معتقد هستند و کار می‌کنند و این راه درستی هم هست.

آیةالله منتظری وقتی در طبس تبعید بودند، مردم را بسیار توجه و آگاهی می‌دادند و مردم هم به ایشان علاقه‌مند بودند. مردم طبس به خاطر خصوصیات اخلاقی و تقوای ایشان به او علاقمند شدند و علاقه‌مند که شدند حرکات و رفتار ایشان کاملاً در آنها مؤثر بود و از وجود ایشان استفاده می‌کردند. نه فقط در طبس، بلکه جاهای دیگر هم ایشان الگو بودند. طبس هم از جاهایی بود که حرکت عملی ایشان با مردم و رابطهٔ ایشان با مردم که رابطهٔ یك نفر فقیه و عادل می‌تواند با مردم باشد، در مردم اثر گذاشت. و این نشان می‌دهد که یك عالم، چه نوع عاطفه‌ای نسبت به مردم باید داشته باشد و چگونه مردم را می‌تواند جذب کند و چگونه می‌تواند مردم را راه بیندازد و پیش ببرد.

چیز دیگری که باید گفته شود این است که بنده خیال می‌کنم شخصیت ایشان برای آیندهٔ انقلاب یك شخصیتی است مفید که باید همهٔ کسانی که علاقه مند به انقلاب هستند، روی ایشان حساب کنند. بنده که خودم چنین هستم و به دیگران هم توصیه می‌کنم. برای آیندهٔ انقلاب و برای حفظ و تداوم انقلاب در مسئلهٔ ولایت فقیه به ایشان توجه داشته باشند. ایشان از امیدهایی هستند که برای آینده بزرگ‌ترین ثمره را دارند و بردیگران هم هست که از مقام علمی ایشان، از مقام فقه ایشان، از معنویت ایشان، استفاده ببرند و باید مردم را توجه داد و مردم بدانند برای این انقلابشان اشخاصی که لایق هستند و پشت سر امام حرکت می‌کنند، مؤثرند.

آیةالله منتظری در مکتب امام درس خوانده و با او بوده و تمام معلوماتی که امام به ایشان داده واقعاً خوب فهمیده‌اند. یك چنین شخصی را برای آیندهٔ انقلاب همه باید قدردانی کنند و علاقه مند به ایشان باشند و روز به روز تا آنجا که می‌توانند مردم را آگاهی بدهند به شخصیت ایشان و از معلومات ایشان همه جور استفاده ببرند. والسلام.

نظرات آیةالله شیخ یوسف صانعی نمایندهٔ مردم تهران در مجلس خبرگان دوم فروردین ۱۳٦۲

آیةالله صانعی در مصاحبه‌ای با مجلهٔ پاسدار اسلام پیرامون «فالاعلم» توضیحاتی داده که قسمتی از آن در خصوص شخصیت آیةالله العظمی منتظری است. از آنجا که این بحث دارای اهمیت ویژه است، عین این مصاحبه را نقل می‌کنیم.

س. در مسائل قضایی یا دیگر مسائلی که امام فتوا ندارند و احتیاط می‌کنند، به نظر شما به چه شخصی باید رجوع کرد؟

ج. می‌دانید که یك اصل در قانون اساسی هست که قاضی هر کجا قانون مدونی را نیافت، حکمش را نیافت، نمی‌تواند ساکت بماند. باید به منابع مراجعه کند. منابع هم برای قضات، مختلف است. یك قاضی، مجتهد است، خودش مراجعه می‌کند به کتاب و سنت و ادله و مطالبی را به دست می‌آورد. ولی بحث سرقاضی مقلد است و این قاضی مقلد یکی از منابع را فتوای امام می‌داند. بحث این است که فتوای امام اینجا نیست. چند جور ممکن است نباشد. یکی همین جور که فرمودید و آن این است که امام با تأمل و احتیاط رد شده است. یکی این است که اصلاً این فرع در رساله امام مطرح و بیان نشده است، و تا بخواهد استفتا کند از امام طول می‌کشد و معطل می‌ماند. و یا معلوم نیست امام هم جواب بدهد ـ از نظر شرایط خاصی که دارد در این مسئله ـ یا جواب ندهد. دیگر اینکه مثلاً مسئله‌ای است که از امام هم استفتا شده در بُعد قضایی، اما امام اینجا ساکت مانده است، یعنی امام فتوای شفاهی ندارد.

در این گونه موارد علی القاعده باید سراغ فالاعلم برود. یعنی باید سراغ کسی برود که از بقیهٔ آقایان دقتش و تحقیقش زیادتر باشد. این را می‌گویند «فالاعلم». باید رعایت الاعلم فالاعلم را که توی رساله‌ها نوشته شده است بکند. یعنی ببیند پس از اعلم، چه کسی از بقیه باسوادتر است. نه تنها در این جا بلکه در یك سلسله از مسائل فقهی دیگری که پیش می‌آید، همان جوری که فرمودید که یك مسئله‌ای می‌رسد در کتاب البیع یا کتاب الاجاره مثلاً که امام آن جا با احتیاط رد شده است. البته ما فقها و افرادی را داریم که اینها اهل فتوایند. برای ما محترمند، اهل اجتهاد و استنباطند، اما بنده در اعلمیت یکی سرعت انتقال را مطرح می‌دانم و دیگر دقت نظر و اطلاعات و ریشه‌یابی در مسائل را. اینها مسائلی است که در یك اعلم به نظر من مطرح است ـ مسئلهٔ اطلاعات فقهی در همهٔ ابعاد. یعنی اگر بخواهد در یك مسئلهٔ سیاسی نظر بدهد باید موضوع برایش روشن باشد، مسائل سیاسی گوشه و کنار را بداند و مطلع باشد، بولتنهای خبری را بخواند، رسانه‌های گروهی خلاصه‌گیری بشود و اخبارش به او داده شود یا خودش گوش بدهد تا بتواند در مسئلهٔ سیاسی نظر بدهد. و یا در مورد یك مسئلهٔ اجتماعی، یك مسئله ثانوی که می‌خواهد موضوعش را تشخیص بدهد... این یك جور اطلاعات است. یك جور اطلاعات هم به اخبار و احادیث و کتب فقهی است. سرعت انتقال هم که روشن است معنایش چیست یعنی زود بتواند از مطلبی به مطلب دیگر برسد، از یك ضابطه‌ای زود بتواند منتقل بشود به مورد بحث و مورد مسئله. و اما ریشه‌یابی: کسی که ریشه یابیش در مسائل در این اعصار و قرون اخیره بی‌نظیر بود مرحوم آیةالله العظمی آقای بروجردی بود که ایشان در ریشه‌یابی مسائل فوق‌العاده بود. همان طور... مرحوم مطهری در ریشه‌یابی مسائل اخلاقی، اجتماعی، تاریخی و غیره... مرحوم مطهری ـ رضوان الله تعالی علیه ـ وقتی یك مسئلهٔ تاریخی را بحث می‌کند یا می‌نویسد آدم را می‌برد در همان زمان، گویا آدم رفته دو هزار سال قبل، هزار سال قبل، این را ما می‌گوییم ریشه‌یابی. و مرحوم آیةالله العظمی بروجردی ـ رضوان الله تعالی علیه، و قدس الله روحه ـ در ریشه‌یابی این جور بود، چه در مسائل اصولی و چه در مسائل فقهی. و کسانی که بیشتر درس ایشان را درك کرده باشند و بیشتر عنایت به درس ایشان داشته

باشند، اینها را ما می‌توانیم بگوییم در ریشه‌یابی فوق‌العاده هستند و در ریشه‌یابی بر دیگران مقدمند و برترند. با این خصوصیات که لازمهٔ کسی است که ما می‌خواهیم در احتیاطها به او مراجعه کنیم، بنده با آن شناختی که از فقهای بزرگ و علمای بزرگ دارم این خصوصیات را، به علاوهٔ خصوصیت اهتمام نداشتن به امر دنیا، که این باز از شرایطی است که دارای مراحل و مراتب است و همهٔ فقهای ما نسبت به دنیا بی‌نظرند و اهمیت به دنیا نمی‌دهند، اما اگر ما فقیه را هر چه بیشتر در این حالت بیابیم آن شایسته‌تر و اولای به این است که مورد تقلید قرار بگیرد، این شرایط را من در حضرت آیةالله العظمی آقای منتظری می‌یابم و خوب هم می‌یابم و بزرگان و فقهای دیگری که هستند اینها البته ممکن است از نظر اطلاعات، اطلاعات بیشتری داشته باشند اما آن مسئلهٔ ریشه‌یابی را که آقای بروجردی داشته، چون آنها کمتر از ایشان درسهای آقای بروجردی را دیده‌اند و در زمانی که ایشان درسهای آقای بروجردی را می‌دید شاید آنها گرفتار یك سلسله مسائل اجتماعی و ادارهٔ امور مسلمین بودند و خودشان در یك حدی از زعامت بوده‌اند اما آقای منتظری سالیان درازی درس آقای بروجردی را درك کردند و از این جهت واجد این شرط هستند و با بقیهٔ شرایط که روی هم بریزیم ایشان را می‌توانیم بگوییم کسی است که اعلم است و می‌شود احتیاطات را به او مراجعه کرد و می‌شود محل تأملها را به او مراجعه نمود و می‌شود در مسائل قضایی و حدود به او مراجعه کرد، به خصوص در مسائل قضایی و حدود و دیات که ایشان در این سنوات اخیره مورد بحث قرار داده‌اند و اضافه بر آن سبك ورود به مباحث را هم مقداری از امام امت گرفته‌اند. چون امام امت در سبك ورود به مباحث و خروج از مباحث بازبین فقهای ما بی‌نظیر بوده‌اند.

مسئلهٔ ریشه‌یابی و مسئلهٔ دقت در روایات را درسهای امام امت هم داشت و این از امتیازات درس امام است که همان راه مرحوم آقای بروجردی را امام امت تعقیب می‌فرمودند و در یکی دو سه مسئله، که ظاهراً در تقریرات ایشان هم هست، اگر افراد بخواهند می‌توانند بفهمند که امام چگونه ریشه‌یابی می‌کرد، حتی در مسائل رجالی، امام بحثی دربارهٔ اصحاب اجماع دارند و ریشهٔ مسئلهٔ اصحاب اجماع را وقتی بحث می‌کردند نوعاً فضلایی که آنجا بودند، انگشت حیرت به دهان می‌گرفتند که امام در مسائل رجالی هم وقتی وارد می‌شود مثل آقای بروجردی وارد می‌شود. همچنان که در مسائل فقهی وارد می‌شود. عرایضم را خلاصه کنم که ایشان (آیةالله منتظری) واجد آن شرایطی است که به عقیدهٔ این جانب برای یك مرجع تقلید و برای یك انسان شایستهٔ رهبری [لازم است] و از این جهت اشکالی نیست ـ در عین اینکه ما به همهٔ علما و زعما بادیدهٔ احترام نگاه می‌کنیم و به همهٔ آنها ارج می‌نهیم و همهٔ آنها را خدمتگزاران به اسلام و عالم اسلام دانسته و می‌دانیم.

بنده سطح عالی را، مانند خیلی از فضلا و کسانی که حالا در رأس امور سیاسی و امور روحانی هستند، مانند ائمهٔ جمعه و قضات شرع که اینها معمولاً از شاگردان آیةالله منتظری و آیةالله مشکینی می باشند، خدمت این دو بزرگوار خواندم. البته همان وقت هم که ما به حوزهٔ علمیهٔ قم آمدیم و بچه طلبه بودیم، آیةالله منتظری به عنوان یك ملای متدین و متقی معروف بود و مرحوم آیةالله بروجردی هم خیلی به ایشان توجه و علاقه و عنایت داشت. ـ نقل از مجلهٔ *پیام انقلاب*، ۱۳۶۱/۲/۲۵.

نظرات آیةالله شهید، حاج شیخ محمد صدوقی، دومین شهید محراب

می‌خواهم کلامی را بگویم. این مرد (آیةالله العظمی منتظری) به تمام معنا شایسته است. چهل سال من با این شخصیت محترم آشنا هستم. به فقاهتش، به علوم دیگرش، به زهدش، به تقوایش، به ایمان راسخش، به بی‌هواییش، صددرصد ایمان دارم. فردی است از هر جهت شایسته و لایق و باید شما مردم اگر یك کس درگوشه و کنار دربارهٔ این شخصیت محترم توهینی می‌کند تو دهنی محکم به او بزنید.

هر چه بخواهم دربارهٔ این دوست بگویم و صحبت کنم با این خستگی نمی‌توانم ولی به طور کلی باید بدانید که شایستگیش به تمام معنا مورد تأیید روحانیت مبارز هست و هر کسی هم که دربارهٔ او توهین بکند ما او را دشمن روحانیت و دشمن انقلاب می‌دانیم... من می‌خواستم برای اینکه خدای ناکرده اگر کسی گوشه و کنار اهانتی بکند، به شما برادرها بگویم، سخت جلوش را بگیرید و یك نکتهٔ دیگر هم بگویم، با مشت محکم می‌زند این ملت بر دهن دشمن روحانیت، بر دهن دشمن روحانیت بزنید و بر دهن دشمن آیةالله منتظری هم بالاخص بزنید... » - *کیهان*، ۱۳٦۲/٤/۹.

مجلهٔ جوزه از انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم، قسمتی از نوار مصاحبه‌ای را که در تاریخ ۱۳۵۹/۹/۵ در بندرعباس با حضرت آیةالله صدوقی انجام گرفته در شمارهٔ ۳ (اسفند ۱۳٦۲) خود چاپ کرده است. در این مصاحبه سؤالی در خصوص حضرت آیةالله العظمی منتظری مطرح شده که عین این سؤال و پاسخ شهید محراب آیةالله صدوقی را بدون توضیح دیگری نقل می‌کنیم:

س. مسئله‌ای که تازگیها شایع شده این است که می‌گویند حزب جمهوری اسلامی آقای منتظری را مطرح می‌کند و شایع کرده‌اند که این کاردرستی نیست، چون آقای منتظری رساله ندارد و فقیه نیست، چرا بعد از امام مطرحش می‌کنند؟![۱۲]

ج. والله! در اینکه منتظری یك نفر فقیه جامع‌الشرایط است، جای شبهه نیست. نه حالا فقیه شده باشد بلکه در حدود سی سال است، یا بیشتر، آقای منتظری مجتهد جامع‌الشرایط به تمام معناست. رساله ننوشته‌اند یك حساب آخری است.

خیلی از بزرگان ما که در درجهٔ اول از فقاهت و اعلمیت بودند رساله ننوشته‌اند. مرحوم آقا سیدمحمد فشارکی، استاد مرحوم آقا شیخ عبدالکریم، آن مرد بزرگ که همه از او به سیداستاد تعبیر می‌کنند، که بعد از مرحوم میرزای شیرازی مانند نداشت و هیچ کس از علما علمیت او را نداشتند، هر چه آقایان فشار آوردند که رساله بنویس، رساله ننوشت. در مواقع خودش که باید رساله بنویسد، رساله هم می‌نویسد. یك مرد فقیه، روشن، مبارز، دورانهای سخت را طی کرده. ایامی که در زندان بود خدا می‌داند چه به او گذشت وقتی که از طبس ایشان را گرفتند آوردند و زندانی کردند با چه خون دلی با چه تماسهایی با آیةالله خوانساری و غیر ایشان، توانستند شب چهاردهم رمضان همان سال چند نفر از نزدیکانش به

۱۲. *رسالهٔ توضیح المسائل* آیةالله العظمی منتظری در سال ۱۳٦۲ شمسی منتشر شد.

اندازهٔ چند دقیقه اجازه یابند و بروند زندان و آقای منتظری را ملاقات بکنند!

آقای منتظری مرد لایق و شایسته‌ای است. گذشته از اینکه مقام علمیش خوب است، فکرش هم خیلی فکر ثابت و خوبی است. هر کسی هم که صلاحیت مرجعیت ندارد. ما فعلاً مرجعی لازم داریم که مرجع روز باشد، زنده باشد، نظیر امام باشد، مبارز باشد، مجاهد باشد، ذکرگو نمی‌خواهیم! نماز جماعت خوان نمی‌خواهیم، مرجع جامع می‌خواهیم. در مجلس خبرگان هم گفته شد که حالا که ولایت فقیه را این قدر بحث می‌کنید، امام هست و صلاحیت دارد، بعد چه می‌کنید؟ بنده یکی از جوابهایی که دادم، گفتم زمان تربیت می‌کند. ولایت فقیه از جانب خداست، حال بعد چه می‌شود، خدایی که فقیه را ولایت داده، فقیهش را هم تربیت می‌کند، و بعد از این هم که چون بناست انشاء الله کار در دست فقیه جامع‌الشرائط باشد، همیشه یك اشخاصی که صلاحیت و لیاقت داشته باشند در هر دوره‌ای پیدا خواهند شد. حزب جمهوری هم مطرح نکرده. حزب جمهوری آنچه در واقع هست و در حقیقت هست منعکس می‌کند، نه اینکه از جانب حزب جمهوری باشد. این از جانب امام است و امام هم گفته آقای منتظری امید من است. خوب، وقتی بنا شد امام گفته باشد امید من است، همه باید حمایتش بکنند. حزب جمهوری به وظیفه عمل می‌کند، سایر روزنامه‌ها که مخالفند به وظیفه عمل نمی‌کنند هر روزنامه‌ای که در اطراف آقای منتظری صحبتی بکند و له ایشان باشد انجام وظیفه می‌کند. آنها هم که نمی‌کنند و نیش می‌زنند در مسیر امام نیستند.

نظرات آیةالله سید جلال‌الدین طاهری، نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ اصفهان و نمایندهٔ مردم استان اصفهان در مجلس خبرگان دوم ۱۳۶۱/۱۰/۱۰

توضیح. متن زیر، مصاحبهٔ برادر حجةالاسلام رحیمیان مسئول محترم مجلهٔ *پاسدار اسلام* با حضرت آیةالله طاهری است که در اختیار بنده قرار داده‌اند. با تشکر از ایشان متن کامل این مصاحبه را نقل می‌کنم.

س. حضرت آیةالله طاهری، لطفاً دلیل اینکه در احتیاطات می‌توان به فالاعلم رجوع کرد را بیان بفرمایید و به نظر جناب عالی در زمان حاضر فالاعلم کیست؟

ج. بسم الله الرحمن الرحیم. با اهدای سلام به پیشگاه انبیا و رسول ختمی مرتبت، که در هفتهٔ ولادت آن بزرگوار به سر می‌بریم (هفتهٔ وحدت) و با اهدای سلام به اوصیای به حق و جانشینان منصوب برای آن حضرت و اهدای سلام خالصانه به پیشگاه رهبر کبیر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی و مرجع عالیقدر تقلید، امام امت روحی فداه و با آرزوی طول عمر ایشان تا ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

من خیلی خوشم آمد از کیفیت سؤال. چون گاهی سؤال یك جوری طرح می‌شود که انسان دلش نمی‌خواهد آن طرح سؤال را بشنود. چون واقعاً ما از خداوند متعال خواهان آنیم که روزی را نبینیم که ما باشیم و امام امت نباشند و من فکر می‌کنم که آرزوی همهٔ ملت ایران این است که آن روز را نبینند و انشاء الله عمر با برکت حضرت امام مدظله العالی برطبق وعدهٔ خود در *قرآن*، فامّا ماینفع الناس فیمکث

آیةالله طاهری اصفهانی در کنار آیةالله العظمی منتظری

فی‌الارض، انشاءالله طولانی بشود و به ظهور حضرت مهدی عج بپیوندد.

طرح سؤال از این جهت خیلی جالب است که احتیاطات امام را به کی مراجعه کنیم و این هیچ منافاتی ندارد با اینکه در زمان وجود امام مردم راجع به احتیاطات امام تکلیفشان را بفهمند.

اینکه احتیاطات را می‌شود به فالاعلم رجوع کرد در صورتیکه فالاعلم فتوا داشته باشد به خاطر این است که احتیاط نشانگر این است که مجتهد در اجتهاد خودش به یك دلیلی که افاده حکم بکند و بر طبق آن بتواند نظر بدهد و فتوا بدهد، به آن دلیل دست نیافته و لذا احتیاط می‌کند. آنجایی که طبق موازین احتیاط لازم باید کرد، نظر به احتیاط لازم می‌دهند و آنجایی که طبق موازین احتیاط مستحب، احتیاط مستحب.

آنجایی که احتیاط واجب هست، کاشف از این است که مجتهد در اجتهاد خودش به یك دلیل مفید حکم دست نیافته، مقلد ایشان می‌تواند به فالاعلم رجوع بکند. در صورتی که فالاعلم به دلیل دست یافته باشد اگر انسان بخواهد آن احتیاط را ولو مشقتی داشته باشد تحمل بکند، بر طبق همان احتیاطی که اعلم می‌کند، عمل می‌کند و تحمل آن مشقت را می‌کند و عملی احتیاطی را طبق احتیاط به جا می‌آورد. اگر نخواهد این احتیاط را بکند می‌تواند به فالاعلمی که دست به دلیلی پیدا کرده، یا ادلهٔ موجودی که

برای اعلم افادهٔ حکم نمی‌کرده به نظر فالاعلم مفید حکم است، می‌تواند به نظر او رجوع بکند و این مشقت را بر خودش تحمیل نکند. و در این احتیاط به او که فتوای شرعی را از مدارك یافته مراجعه بکند. به همان دلیل که می‌تواند، بلکه لازم است، نه فقط می‌تواند، لازم است که در مورد نبود اعلم به فالاعلم رجوع بکند. در موردی هم که اعلم نظر نداشته باشد و چون نظر ندارد به احتیاط متوسل شده است، می‌تواند در احتیاط که بی‌نظری اعلم است، به فالاعلم که نظر دارد عمل بکند. بعد از آنکه این مسئله روشن شد، حالا دربارهٔ اینکه مردم احتیاطات امام را به چه کسی باید رجوع بکنند:

من در این زمینه بسیار فکر کرده‌ام و تحقیق کرده‌ام و بین خود و خدا نشسته‌ام ساعاتی در اندیشه بوده‌ام و به راه حلی که دست یافته‌ام که در حضور خدا می‌توانم آن را به عنوان یك مستند برای خودم قرار بدهم و جواب در پیشگاه پروردگار عرض کنم، آن را به شما هم عرض می‌کنم که جواب سؤالتان را داده باشم.

من حضرت آیةالله العظمی منتظری را در اولین برخورد علمی در درس اصول امام مدظله العالی در حجرهٔ علامهٔ شهید آیةالله مرتضی مطهری در مدرسهٔ فیضیه با ایشان برخورد کردم و خوب یادم هست که در این درس اصول تقریباً حالت بحث داشت و به خصوص در بحث اَقلّ و اکثر که من خیلی به این بحث عشق داشتم چون قبلاً هم درس استاد محقق داماد را دیده بودم، عشق داشتم که نظر امام را بفهمم. لذا به آن مباحثه رفتم و خیلی دقیق بودم که ببینم نتیجهٔ این بحث چه می‌شود. در آنجا من به تبحّر آیةالله العظمی منتظری پی بردم. اشکالهایی می‌کردند که جای تأمل بود. پیدا بود این اشکال از بینش محققانه‌ای برخاسته و خود امام شدیداً نظر داشتند به اشکالاتی که ایشان می‌کردند و گاهی هم اشکالشان در جلسه، اگر چه جواب داده می‌شد، ولی در حقیقت نیاز داشت به اینکه جواب بعدی داده شود و لذا روز بعد گاهی امام اشاره می‌فرمودند به اشکال روز قبل ایشان. منظور اینکه صحبتهای ایشان در این حد بود از دقت نظر و تبحر ایشان در دانش و علم و چیزی نبود که بشود سرسری گرفت بدون تدبر و تأمل از کنارش گذشت.

مسئلهٔ دیگر مسئلهٔ تألیفات ایشان است که برای هر منصفی اگر تألیفات ایشان را با دقت خوانده باشد و با امعان نظر خوانده باشد و صلاحیت اظهار نظر داشته باشد گمان می‌کنم به این نتیجه می‌رسد که ایشان ذوقشان در فقه، ذوق بسیار و سرشار است، ذوق سلیس است. کیفیت فهم از روایت در ایشان خیلی قوی است. خیلی روایات را با فهم عرفی که قاعده در فقه هم همین است، ایشان با آن برخورد می‌کنند و یك استنتاج کاملاً عرفی از آن می‌کنند و تسلطشان بر اقوال عامه زیاد است. چون این هم خودش در فقه بسیار مسئلهٔ مهمی است، و فقیه می‌داند که تسلط بر اقوال عامه می‌تواند در استنتاج از مدارکی که ما داریم مؤثر و مفید باشد و می‌تواند راهگشا باشد که کجا باید روایات حمل بر تقیه شود، کجا نمی‌تواند. و از این جهت هم ایشان تخصص دارند. بنابراین در علمیت ایشان جای بحث نیست و من یادم می‌آید امام آن موقعی که در نجف بودند، در یکی از اعلامیه‌هایشان مطلبی داشتند که تقریباً مفادش این بود که الآن در گوشهٔ زندان شخصیت علمیی هست که فقه ایشان و اطلاعات فقهی و اسلامی ایشان اگر بیشتر از اینهایی که بیرونند نباشد کمتر نیست.

این نشـان می‌دهد عنایت عمیق امام را و عنایت خـاص امام را به مراحـل علمی آیةالله منتظری. آن عبارتی را هم که همه می‌دانند «من شما را مجاهدی بزرگوار و فقیهی عالیقدر می‌دانم» تا این لحظه من نشنیدم که برای غیر ایشان این عبارت از میان دو لب امام امت بیرون آمده باشد.

مسئله‌ای که اینجا باید مطرح کنم، تفکیك بین مرجعیت در تقلید و رهبری سیاسی است. ممکن است کسی بگوید می‌شـود بین این دو تفکیك کرد. من گمان می‌کنم این یك تصـور منهـای عینیت خـارجی باشد، اما در عینیت خارجی جامعهٔ ما تفکیك بین مرجعیت و رهبری سیاسی غیر ممکن است. وانگهی در خصوص رهبری سـیاسی اگر، بخـواهیم جـداگانه وارد شـویم و این مسئله را ارزیابی بکنیم، این را به ضرس قاطع، بلکه قاطع‌تر می‌شود گفت که این کار به نظر من در خـور حضـرت آیةالله منتظری بیش از دیگران است. اتفاقاً وقتی این مصاحبه با من می‌شود که هفتهٔ وحدت است. شما ببینید این ابتکـار هفتهٔ وحدت دنبالش ابتکار کنگرهٔ ائمه جمعـه و جماعات، که هر دو ابتکـار ایشـان بود، البته الهـام گرفته از ابتکار امام امت بود که روز قدس را اعلام کردند و ما هر چـه داریم از امام اسـت، معتقـدم این را، خـدا می‌داند با صد در صد یقین می‌گویم، ما آنچـه داریم ازبرکات وجـود امام اسـت، همین انقـلابمان که به برکت این انقلاب، آیةالله منتظری توانستند هفتهٔ وحـدت را اعلام کنند و بعـد کنگـرهٔ ائمهٔ جمعـه و جماعات، این با رهبری پیامبرگونه امام بود.

من تصورم این است که این مسائل الهام گرفته شده از فکر امام است ولی در هر صورت کسـی غیر از ایشان این الهام را نگرفت و این باز نشان دهندهٔ ابتکـار و آن ذوق سـرشار ایشـان اسـت در مسئلهٔ رهبری بعد از امام. البته نه بعد از امام که می‌گویم یعنی بعد طولی، عرض کردم که خدا انشـاءالله نیاورد آن روز را، بلکه بعد عرضی چون می‌خواهم بگویم رهبری سیاسی از مرجعیت جدا نیسـت، این را به این ملاحظه عرض کردم.

آن موضعگیریهایی که ایشان در مقاطع حسـاس داشـته‌اند، که نیاز بوده این موضـعگیریها بشـود، می‌بینیم از مختصات ایشان اسـت بعـد از امام و بنابراین هم مسئلهٔ تفقـه علمی و مرجعیت و هم مسئلهٔ رهبری سیاسی هر دو در وجود ایشان جمع است و من بین خود و خدا با کمال اطمینان قلب می‌گویم که احتیاطات امام را به ایشان ارجاع می‌دهم و روز قیامت هم باید جواب این را بدهم و از عهدهٔ جـوابش بر می‌آیم انشاءالله.

در زمینهٔ زهد و تقوای آیةالله منتظری من فکـر نمی‌کنم که نیازی باشـد که صـحبت بکنم، چـون هر کس آشنایی کمی هم با ایشان داشته باشد سر سوزن تزلزل ندارد. از لحاظ تقوا ایشـان، حـالا در همهٔ ابعاد، تقوای فردی، تقوای اجتماعی، تقوای سیاسی و زهد ایشان، آن منزلی که در قـم زندگی می‌کردند و آن لباسی که می‌پوشند و آن طرز زندگی که خودم از ایشـان دیدم چقـدر عنایت داشـتند که غذا، غذای معتدل، همان که پاسدارهاشان می‌خورند و هیچ چیزی اضـافی نشـود، با اینکـه دکتر گفته بود نیاز دارد بدن شما ولی معذلك رعایت می‌کردند، این قدر که عنایت داشـتند یك طلبه بپوشـد، خـود ایشـان نمی‌پوشیدند. من گمان نمی‌کنم در این جهت لازم باشد دیگر تذکری بدهم. این چیزی نیسـت که مورد شك کسی باشد و مورد تزلزل کسی باشـد. هر انسـان بدون غرض و مرضـی می‌داند که زهد ایشـان و

تقوای ایشان در درجهٔ کمال است. خدا انشاءالله روزی ما هم بکند که بتوانیم در این جهت پیروی کنیم. لااقل به ادنی درجات زهد و تقوا برسیم. والسلام.

نظرات آیةالله شیخ محمد فاضل لنکرانی، از اعضای جامعهٔ مدرسین قم و نمایندهٔ مردم استان مرکزی در مجلس خبرگان دوّم

حضرت آیةالله منتظری از جمله گروه اول از شاگردان ممتاز امام بود، یعنی می‌توان گفت که ایشان و مرحوم شهید مطهری قبل از دیگران پی به عظمت و مقام امام بردند و در اولین درسی که امام به عنوان درس خارج در اصول و فقه شروع کردند، آیةالله منتظری و مرحوم استاد شهید مطهری شاگردان معدود و ممتاز این درس بودند. این در آن زمان نشان می‌داد که اینها قبل از دیگران و بیش از سایرین به عظمت مقام امام پی برده‌اند و شناخته‌اند. من به یاد دارم که ایشان در درس امام شرکت می‌کرد و بعد از درس هم اکثراً همراه امام بودند و با امام بحث می‌کردند. و پیداست که وقتی مبارزهٔ امام شروع شد نقش آنها در مبارزه بیش از دیگران بود و اعتقاد اینها به مقام رهبری امام بیش از اعتقاد دیگران بود.

همان طوری که می‌بینید در تمام مراحل وجریانات نقش داشته‌اند، و سالهای سال را ایشان در زندان گذرانده‌اند و بد نیست در این رابطه خاطره‌ای را که از جهاتی جالب است داشته باشید.

یاد دارم هنگامی که امام در نجف بودند، مدتی تا حدی به حسب ظاهر اوضاع از نظر دستگاه آرام بود. یعنی سعی کرده بودند که مسئلهٔ مبارزه کمتر مطرح شود و نام امام کمتر در میان بیاید. یك شب به دعوت جامعهٔ مدرسین که آیةالله منتظری هم عضو و در رأس آن بودند، دعوتی از اعضا به عمل آمد. در آن جلسه مطرح شد که مدتی است در رابطه با امام مسئله‌ای طرح نشده و کم‌کم ممکن است اذهان نسبت به این موضوع فراموشی پیدا کنند. بهتر است که ما در این رابطه دو روز درسهای حوزه را تعطیل بکنیم و عنوان تعطیل هم همان مسئلهٔ امام باشد. آنجا صحبت شد که تعطیل کردن خود مدرسین و جامعهٔ مدرسین کافی نیست، بلکه لازم است حوزه تعطیل شود و پیداست که تعطیل حوزه در درجهٔ اول بستگی به تعطیل مراجع داشت. لذا تصمیم گرفته شد که هر دو سه نفر از آقایان با یکی از مراجع صحبت بکنند و آنها را قانع کنند که درس را به این عنوان تعطیل کنند. این معنی تصویب شد و افرادی برای ملاقات مراجع تعیین شدند. آقای منتظری و بنده و یك فرد سومی که الآن در خاطرم نیست برای ملاقات با آقای شریعتمداری انتخاب شدیم. از همان جلسه بلافاصله حرکت کردیم و به منزل ایشان رفتیم تا ایشان را متقاعد کنیم که درسهای حوزه را تعطیل کند. پس از چند دقیقه که پیش ایشان نشستیم گفتیم جلسه خصوصی باشد. ایشان هم پذیرفت. آقای منتظری مسئله را مطرح کردند که در جلسهٔ جامعه یك چنین موردی تصویب شده و ما از شما می‌خواهیم که موافقت کنید. آقای شریعتمداری از همان اول شروع کرد به پرخاش کردن. گفت به چه مناسبت که ما در تصمیم‌گیری نقش نداشته باشیم و عامل اجرای تصمیمات شما باشیم؟ ما هم اهل نظر و تصمیمیم . چه معنی دارد که هر چه شما تصمیم می‌گیرید ما اجرا بکنیم؟ گفتیم این یك مسئله‌ایست که رفقا این طوری تشخیص داده‌اند و از شما هم می‌خواهند که درس را تعطیل کنید. گفتند که بنده ابداً تعطیل نمی‌کنم. تصادفاً در آن ایام

اعلامیه‌ای علیه دارالتبلیغ منتشر شده بود. ایشان خیال می‌کرد آن اعلامیه به تحریک آقای منتظری است، رو به ایشان کرد و گفت این اعلامیه‌ای است که تو علیه دارالتبلیغ داده‌ای؟ آقای منتظری که روحش از این جریان خبر نداشت گفت کدام اعلامیه؟ ما اعلامیه‌ای نداده‌ایم. آقای منتظری قسم یاد کرد که اصلاً روح من از این اعلامیه خبر ندارد. نه خودم دخالت دارم و نه کسی را وادار کرده‌ام و نه می‌دانم که چنین اعلامیه‌ای منتشر شده. ایشان گفتند نه، کارها دست شماست و شماها از این کارها می‌کنید و قدرت دارید جلوگیری کنید، اما نمی‌کنید و با عصبانیت با آقای منتظری برخورد کرد. من که دیدم جریان این طور شد فکر کردم صحیح نیست که ما همین طور عصبانیتها را بشنویم و بگذریم. آقای شریعتمداری گفت شما خوب است این حرفها و این کارها را کنار بگذارید. به فکر اصلاح حوزه برآیید. الآن نزدیک عیدنوروز است، هزاران زن بی‌حجاب و نیمه حجاب توی این شهر می‌آید، طلبه‌های جوان با اینها برخورد می‌کنند، شما بروید طلبه‌ها را موعظه کنید، نصیحت کنید، مبادا با اینها تماسی بگیرند، نگاه کنند و جلب توجهشان بشود و خلاصه رفت در این مقوله. ما اینجا یک نقطهٔ اتکا به دست آوردیم و من هم که در مقابل او عصبانی شده بودم گفتم شما خیلی به حال حوزه دلتان می‌سوزد و در فکر اصلاح حوزه هستید؟ اگر در فکر اصلاح حوزه هستید کار را به دست اطرافیانتان نمی‌دادید، تفسیق و تأیید اینها را مطرح نمی‌کردید و معیار قرار نمی‌دادید. والله چیزی که اصلاً در فکر شما نیست اصلاح حوزه و اصلاح طلبه‌هاست و اگر چنین چیزی بود ما می‌آمدیم و دستتان را هم می‌بوسیدیم. به هر حال مجلس با یک خشونت و تندی تمام شد و آقای منتظری آخرکار گفتند حالا این مسائل به کنار، بالاخره دوستان میل دارند که شما دو روز درس را تعطیل کنید. ایشان گفتند ابداً، ابداً، من اصلاً تعطیل نمی‌کنم. از منزل ایشان بیرون آمدیم. این جریان که نقل می‌کنم عین واقعیت است. از کوچهٔ آقای شریعتمدار که بیرون آمدیم به آقای منتظری گفتم که شما آماده شو برای زندان. ایشان گفتند به چه مناسبت؟ گفتم که من نتیجهٔ جلسهٔ امشب را این می‌بینم. گفتند برای چه؟ گفتم حالا بعد می‌بینید. من نتیجهٔ این جلسه را این دیدم که شما به زندان می‌روید. فردای آن روز شریعتمداری در جلسهٔ درس خود گفت که یک عده بچه می‌خواهند حوزه را متشنج کنند و ما با هر نیرویی که شده جلو این بچه‌های اخلالگر را خواهیم گرفت. صبح فردای آن روز آقای منتظری را برای اولین بار گرفتند و به زندان بردند. زندان آقای منتظری از همان لحظه شروع شد. ما هم که دیدیم در درجهٔ دوم یا سوم نوبت ماست از قم خارج شدیم و سه ماه مخفیانه در تهران بودیم تا از زندان نجات پیدا کنیم!

اما نقش ایشان در تقویت رهبری: آقای منتظری از هیچ جهتی فروگذار نکردند و تمام همتشان این بو دکه مسئلهٔ رهبری تحقق پیدا کند و با آن معرفت کاملی که نسبت به مقام امام داشتند همیشه ساعی در این راه بودند. زندانهای متعدد، تبعیدهای متعدد، مبارزاتی که در رابطه با ایشان هست و همه می‌دانیم، اینها همه برای تقویت مقام رهبری و پیاده کردن اهداف رهبری است. کما این که بعد از پیروزی انقلاب هم نقش ایشان را در مسائل مختلف و طرق گوناگون در تقویت رهبری به چشم می‌بینیم، و ملاحظه می‌کنیم که هدف ایشان این معنا بوده که مقام شامخ رهبری به تمام معنا در بین جامعهٔ اسلامی نقش داشته باشد و همین مجلس خبرگان که قانون اساسی را تنظیم کرده و با ریاست

جناب آقای منتظری هم بوده، پیداست که قانون اساسی روی مسئلهٔ ولایت فقیه و رهبری چه مقدار تکیه کرده و اساس کار را همان ولایت فقیه و رهبر تشخیص داده و این با سعی و کوشش جناب آقای منتظری در رأس مجلس خبرگان انجام شد والا افرادی مثل بنی صدرها، مقدم مراغه‌ایها و امثال ذلك کمال مخالفت را با این مسئله داشتند و این پافشاری و پی گیری آقای منتظری و همفکران ایشان بود که قانون اساسی را بدین صورت تنظیم کرد و اساس را در مسئلهٔ ولایت فقیه قرار داد. نقل از مجلهٔ *پیام انقلاب*، شمارهٔ ۹۱.

نظرات حجةالاسلام والمسلمین محی‌الدین فاضل هرندی نمایندهٔ مجلس شورای اسلامی و نمایندهٔ مردم استان فارس در مجلس خبرگان دوم ۱۳٦۳/٤/۳

بسم‌الله الرحمن الرحیم. ضمن عرض تشکر از این که این افتخار را نصیب من کردید خود را شایسته نمی‌دانم که بخواهم در زمینهٔ شخصیت حضرت آیةالله منتظری مدظله سخنی بگویم، خورشید احتیاج به توصیف ندارد. شخصیت ایشان، شخصیتی نیست که من بخواهم معرف شخصیت ایشان باشم. بحمدالله شخصیت ایشان نه در حال که از قدیم پیش دشمنان محرز بوده تا چه برسد پیش دوستان. و بهترین دلیل این است که ساواکی که روی جامعه‌شناسی و روی مسائل روان‌شناسی واقعاً تخصص داشت بعد از فوت آیةالله العظمی بروجردی قدس سره، اول روی شخص امام خیلی حساس بود و بعد روی شخص ایشان. این قدر که روی شخص آیةالله منتظری ساواك و ایادی امریکا در ایران حساس بودند، روی سایر مراجعی که در مبارزات سهیم بودند و شریك بودند، آن قدر حساسیت نداشتند و از همین جا ما می‌توانیم بفهمیم که دشمن از روز اول پی برد که ایشان چه شخصیتی است و در جهان اسلام بعد از امام روی کی بیشتر عنایت و توجه دارند.

در رابطه با اینکه فرمودید از کی خدمت ایشان شخصاً ارادت پیدا کردم، من خاطرهٔ شیرینی هم از اولین برخوردی که خدمت ایشان شرفیاب شدم دارم. در سال ۱۳۳۰ که من برای فراگرفتن علوم اسلامی به قم آمده بودم ـ البته در قم از مقدمات شروع کردم و آن سال سالی بود که مرحوم آیةالله بروجردی از نظر مالی در مضیقه بودند و روزی بود که یکی از طلاب قم از دنیا رفته بود ـ در مراسم او من با آیةالله منتظری برخورد کردم. ایشان شهریهٔ طلاب اصفهانی را می‌دادند. از جمله آن ماه استثنائاً مرحوم آیةالله بروجردی ۵۰ ریال فوق‌العاده به کسانی که مقدماتی بودند و هنوز امتحان نداده بودند در نظر گرفته بودند. آیةالله منتظری من را صدا زدند و ۵۰ ریال را به من دادند و بعد فرمودند آیةالله بروجردی این را داده‌اند که شما برگردید اصفهان و در قم نمانید.

این اولین برخورد من بود با ایشان. بعد یواش یواش ما در حوزه ماندیم و هر چه بیشتر ماندیم ارادت ما به ایشان روز به روز زیادتر شد. گرچه من شایسته نبودم اما در اثر ارتباطی که من داشتم با مرحوم آقای اشرفی اصفهانی که با ایشان هم بحث بودند و آقای حاج شیخ عبدالجواد اصفهانی، همچنین مرحوم آقای مقدسی که از علمای بزرگ اصفهان بودند و با هم بحث می‌کردند و ما گاهی خدمتشان شرفیاب می‌شدیم در همان جا هر چه بیشتر به ایشان نزدیك می‌شدیم، ارادتمان به ایشان بیشتر

می‌شد. تا اینکه مسئلهٔ نهضت امام خمینی پیش آمد و عوارض بعد از آن و دستگیریهای مکرر ایشان. بعد هم وقتی که برای ایشان مختصر فرجه‌ای فراهم می‌شد و آزاد می‌شدند ما از قم می‌رفتیم نجف آباد خدمت ایشان. هر سفری که ما می‌رفتیم از معنویت، خلوص، بی‌هوایی، صداقت، ضعیف نوازی و از آن عنایتی که ایشان به طلاب داشتند ارادت ما نسبت به ایشان افزوده می‌شد. تا اندك اندك مقدمات پیروزی انقلاب فراهم شد

یادم هست سالهای ٤٣ و ٤٤ که ساواك خیلی فشار می‌آورد که امام مطرح نشود و نمی‌شد روی منابر اسم امام را بیان کرد، ما خدمت آیةالله منتظری رسیدیم و از ایشان سؤال کردیم که وظیفهٔ ما چیست؟ ایشان جمله‌ای گفتند که چقدر این جمله مؤثر بود و چقدر برای ما راهگشا بود و در جامعه هم اثر داشت. ایشان فرمودند به جای اینکه شعار بدهید یا صلوات بفرستید یا دعا کنید و یا چه بکنید، در منابر سعی کنید مسئله را بگویید و فتوای ایشان را بگویید. ایشان را به عنوان مرجع تقلید معرفی کنید و فتوای ایشان را برای مردم بگویید. ایشان می‌فرمودند بنظر من بهترین راه برای ترویج امام، برای ترویج آنچه که امروز به خط امام تعبیر می‌شود، این است که شما فتواهای امام را برای مردم بگویید. و این پند واقعاً برای ما راهگشا بود که خیلی از جاها توانستیم از این شیوه استفاده کنیم و ساواك نتوانست تعرضی بکند. هم ما مسئله‌ای گفته بودیم و تلویحاً هم فهمانده بودیم که فتوای ایشان است، شعاری هم نبوده، و آنچه که دشمنان می‌کوشیدند تا مانعش شوند با این برنامه خنثی می‌شد. بعد مقدمات پیروزی انقلاب پیش آمد و اولین مأموریتی که من از طرف آیةالله العظمی منتظری یافتم این بو دکه در سنندج و کردستان تحصنی پیش آمده بود، دو نفر از روحانیون شیعه را گرفته بودند و روحانیون اهل سنت و عده‌ای از مردم آنجا در ایام عاشورای سال ٥٧ در مسجد جامع سنندج متحصن شده بودند و ایشان روی عنایتی که داشتند به من فرمودند شما از طرف من می‌روید آنجا و سلام مرا به آنها می‌رسانید و چند روزی هم آنجا می‌مانید تا مقداری با آنها اظهار همدردی کرده باشید. باز اوایل پیروزی انقلاب بود که از طرف ایشان مأموریت یافتم برای رسیدگی به وضع قائنات. مدتی‌هم‌ایشان حکم داده بودند که من در آنجا قاضی شرع بودم از آن به بعد نیز مرتب عنایت ایشان شامل حال ما می‌شد.

اصولاً ایشان روی آن تبحری که در فقه دارند و روی آن غریزهٔ سرشاروخدادادی که ایشان داشتند یادم هست از همان اوایلی که مرحوم‌آیةالله بروجردی به‌قم تشریف آورده بودند،یکی‌ازکسانی که‌در درس مرحوم آیةالله بروجردی مورد عنایت خاص ایشان بود حضرت آیةالله العظمی منتظری بود. (البته برایم تعریف کردند و من هنوز قم نیامده بودم). و از آن سالی که من آمدم به قم ـ حدود سال ٣٠ ـ مشخص بود که مرحوم آیةالله العظی بروجردی به ایشان عنایت خاصی دارند. مثلاً چیزهایی که به دیگران محول نمی فرمودند به ایشان محول می‌فرمودند. حتی در رابطه با مناظره با بهائیت، تنها کسی که مورد حمایت آیةالله العظمی بروجردی برای کوبیدن آنها بود، ایشان بودند و البته مرحوم آیةالله بروجردی برنامه‌هایشان خیلی حساب شده بود. یعنی اگر عنایتی به کسی داشتند، در عین این که در طرف صفا می‌دیدند اما باید یك امتیازی در او باشد که در دیگران نباشد. این یکی از خصوصیات زندگی

آقای بروجردی بود. در شخص آیةالله العظمی منتظری، هم نبوغ می‌دیدند، هم ابتکار می‌دیدند، هم جولان فکری عجیب می‌دیدند، هم کسی بود که به بهترین وجه درس ایشان را تقریر می‌کرد، چه اصول که چاپ شد به نام *نهایةالاصول*، و چه فقه شخص ایشان. اصلاً مقام علمی ایشان زبان زد خاص و عام بود و علاوه بر آن بی‌پیرایگی و بی‌هوایی خاصی داشتند. یادم هست همان روزها ـ سال ۳۱ یا ۳۲ ـ مرحوم انصاری قمی یکی از وعاظ مشهور ایران در قم منبر می‌رفت، و هرگاه می‌خواست شخصیتهای گمنام را معرفی بکند، از جمله مثلاً اسم ایشان را می‌برد. می‌گفت ایشان مجتهد جامع‌الشرایط است و در عین حال یك جفت گیوه پایش است و گیوه‌هایش را ور کشیده و این طرف و آن طرف می‌رود. این چیزی بود که من خودم از مرحوم آقای انصاری شنیدم. در مورد مسئلهٔ جامع‌الاحادیث شیعه، وسایلی که آقای بروجردی می‌خواستند کتاب جامعی باشد همهٔ روایات خوب در آن جمع شده باشد، یکی از کسانی که آقای بروجردی خیلی به او عنایت داشتند و نظر داشتند که در این زمینه در واقع کارها را زیر نظر داشته باشد، شخص ایشان بودند.

مسئلهٔ زمین از مسائلی بود که برای وصف آن باید برگردیم و شرایط آن روز را در نظر بگیریم. الآن که من دارم برای شما صحبت می‌کنم و بحث می‌کنم، الحمدلله نظام جمهوری اسلامی تثبیت شده و حاکمیت پیدا کرده است و مسئله‌ای نیست. شما برگردید به اوایل سال ۵۸ که هنوز نظام جمهوری اسلامی تثبیت نشده بود. انقلاب هم به خیلی از روستاها هنوز نرفته بود. جهاد سازندگی به وجود نیامده بود. گروهکهایی که سالهای قبل منتظر فرصت بودند و مثل مارها و عقربهای یخزده در گوشه‌ای خزیده بودند یواش یواش آفتاب انقلاب به اینها تحرك داد، آنها را بیدار و زنده کرد و پی فرصت گشتند تا بتوانند استفاده کنند، خصوصاً که تا به حال تجربه نشان داده بود که در هر انقلابی که روحانیت پیشتاز بوده دیگران آمدند بهره برداری کردند، اینها به فکر بودند که در این انقلاب هم بهره‌برداری بکنند. یکی از جاهایی که خیلی خوب می‌شود فعالیت بکنند و از آنجا ضربهٔ نهایی را به انقلاب بزنند درون روستاها بود، خصوصاً با توجه به اینکه روستاییها سابقهٔ خوشی از مالکین نداشتند و برخورد مالکین با آنها، برخورد ناجوانمردانه بود. خودم یادم هست بچه بودم، پدرم روحانی بود، رفته بودیم یکی از روستاها، یکی از زارعین آمده بود پیش پدرم شکایت می‌کرد و می‌گفت ارباب ما تابستان می‌آید اینجا میوه‌ها را هر چه هست می‌برد، گندم و جوها را می‌برد، پاییز که می‌آید برگ درختان را نمی‌تواند همراه خودش ببرد، برگ درختی که هیچ ارزشی ندارد، می‌گوید این برگهای درختان مال شما، بریزید پیش گوسفندان بخورند. ولی سال بعد ده تا بره به من بدهید. خوب، این برخورد با زارعین بود. تازه مالك هم مالکی بود که مکه رفته، متدین، نماز جماعت خوان، اما برخورد این بود. و لذا خاطرهٔ خوشی از مالکین در دل زارعین نبود. آن نظامی که حاکم بود، نظام جائرانه‌ای بود. تقسیم مال المزارعه بین زارع و مالك، اینها همه باعث شده بودکه گروهکها بتوانند د رخیلی جاها روی مسئلهٔ زمین و روی مسئلهٔ کشاورزی و مسئلهٔ روستاها کار بکنند. مهاجرت به این وضعی که الآن هست، هنوز انجام نشده بود. بیش از شصت درصد مردم در روستاها به سر می‌بردند و با زمین در ارتباط بودند. بقیه‌شان هم باز به یك نحو با زمین ارتباط پیدا می‌کردند. اما گروهکها می‌توانستند آن نقش تبلیغاتی خودشان را بزنند و مردم روستاها را به اسم

مبارزه با مالکین بسیج کنند. واقعاً موجودیت انقلاب در خطر می‌افتاد. کسانی که در انقلاب بیش از همه سرمایه‌گذاری کرده‌اند باید بگوییم در درجه اول، بعد از حضرت امام، شخص آیةالله العظمی منتظری هستند. زجر دیده بودند، شکنجه دیده بودند، مقابل چشمشان فرزند دلبندشان را شکنجه داده بودند، زندان مکرر برده بودند، تبعید مکرر فرستاده بودند. در تبعید برای ایشان مضیقه‌های عجیبی را قائل شده بودند، وقتی می‌سنجیم می‌بینیم سهم آقای منتظری در شکنجه‌ها از هر کسی که در راه انقلاب صدمه خورده است بیشتر است، خوب، این مسئله ایشان را رنج می‌دهد. خبرهایی از کردستان، ترکمن صحرا و استان بلوچستان می‌آمد. ضد انقلاب در ترکمن صحرا غائله به پا کرد، در بعضی جاها چندین نفر کشته شدند، تعداد زیادی زخمی شدند. اینها باعث شد که مسئله یك قدری حاد بشود. حضرت امام هم روی این مسئله احساس خطر فرمودند. قهری بود که خود حضرت امام نمی‌خواستند روی این مسئله نظر بدهند. مصلحت نمی‌دانستند که خودشان اظهار نظر بکنند. معلوم است که مسئله را به افراد ذی نظر محول می‌کنند. و چه کسی از شخص آیةالله العظمی منتظری، در اظهار نظر مناسب تر است و چه کسی برای تصمیم‌گیری در این مسائل از شخص شهید مظلوم آیةالله دکتر بهشتی بهتر که همهٔ مسائل را با آن دید عمیقی که داشت مسائلی را که ده سال دیگر ایجاد می‌شد، این مرد بزرگ از نزدیك لمس می‌کرد. بعد از این دو بزرگوار چه شخصی از حضرت آیةالله مشکینی در رابطه با این کار بالاتر. و لذا مسئله را امام محول فرمودند به این سه نفر، که شما در رابطه با زمین اظهار نظر بکنید، نظریه‌ای بدهید و وقتی نظریه دادید، این نظریه را شورای انقلاب تصویب بکند و پس از تصویب اجرا بشود.

اینجا البته اختلاف نظر پیدا می‌شود و بعضی از آقایان نظرشان این بود و شاید هم این باشد که حضرت امام یك چیزی را به کسی تفویض می‌کنند نه اینکه خودشان اظهار نظر بکنند، مثلاً آقایان بروند رسالهٔ توضیح المسائل امام را بردارند و ببینند فتوای امام چیست. خوب، درباب فقه خودش این مسئله عنوان شده که توکیل خودش چه آدمی را وکیل می‌کند. اگر حضرت امام به امثال بنده که یك طلبهٔ مقلد امام هستم این مسئله را محول فرموده بودند، معنایش این بود که بروم فتوای امام را ببینم و کار را انجام دهم. اما وقتی امام این سه بزرگوار را می‌خواهند و می‌گویند اینها نظر بدهند، یعنی نظر فقهی که روی این مسئله دارند بیان کنند. کردند و نظر دادند شورای انقلاب هم طبق نظرات آقایان مصوبه‌ای را به نام احیای کشاورزی تصویب کردند. البته می‌دانید کسانی که منافعشان به هر نحوی در خطر است نمی‌توانستند بنشینند. اینها شروع کردند به فعالیت علیه مصوبه. از آن طرف هم این شبهه را القا کردند که امام که اظهار نظر فرمودند، منظورشان این است که فتوای من هر آنچه در رساله هست عمل بشود و این مسئله با فتوای امام توی رساله نمی‌خواند. مثلاً امام در رابطه با اراضی بایر نظرشان این است که سی سال هم اگر این بایر مانده است ولی طرف به ارث بهش رسیده و یا خریده، حالا کسی بخواهد بگیرد، باید رضایت او باشد و یك چیزی به آن صاحب اولی داده بشود. ولی در این مصوبه راجع به اراضی بایر حتی حق نسق هم پیش‌بینی نشده. در اراضی بایر حق نسق پیش‌بینی شده نه پول رقبهٔ زمین. حق نسق به همین جهت که عرض کردم چون ایشان رقبهٔ زمین را ملك کسی نمی‌داند فقط آن چیزهایی که روی زمین انجام شده و زمین به این صورت درآمده است، آنها را می‌گفتند باید قیمت

گذاری شود و به طرف داده شود. این از یك طرف، از طرف دیگر افراد نفوذی پیدا شده بودند. البته افرادی که برای هیئتها انتخاب می‌شدند از چند فیلتر می‌گذشتند اما باز بودند افرادی که متوجه می‌شدیم از افراد نفوذی هستند و افرادی هستند که ما ناچار شدیم در بعضی از مناطق مثل خوزستان فوراً هیئت هفت نفره را منحل کنیم. در بعضی از مناطق آذربایجان افرادش را تعویض کردیم. در جاهای دیگر بود. البته نه زیاد. و در عین حالی که اینها کار اجرایی نکردند، اما بدبختانه اینها کار تخریبی کردند. برخوردها با کسی که مختصر زمینی داشت، برخورد خیلی تلخی بود، شعار دادند ـ شعاری که از شعور برنمی‌خاست. چه می‌کنیم، چه می‌کنیم، این کار را می‌کنیم؛ و این تبلیغات، زمینه شد که عده‌ای احساس خطر کنند و یك عده هم بهانهٔ خوبی دستشان باشد. مسئلهٔ جنگ هم در میان بود و خصوصاً فقهای بزرگ هم در این که رقبهٔ زمین ملك کسی نباشد همگام نبودند. همهٔ اینها دست به دست هم داد و جنگ هم شروع شد. جنگ در مهرماه شروع شد و حضرت امام در آذرماه ـ یعنی سه ماه بعد (۲۱ آذر ۵۹) فرمان دادند که اجرای بند «ج» و بند «د» طرح احیای کشاورزی متوقف شود تا مجلس شورای اسلامی نظرنهایی خودش را در این زمینه بدهد.

رابطهٔ آیةالله منتظری و دانشجویان مسلمان خارج از کشور

می‌توانیم بگوییم تنها رابطهٔ بین حضرت آیةالله منتظری و دانشجویان، خود انقلاب و دستاوردهای انقلاب بود. قهراً دانشجویان تلاش می‌کردند بعد از حضرت امام، نزدیك‌ترین چهره را به افکار امام پیدا کنند، چون همهٔ مسائل نمی‌شود خدمت امام عنوان بشود. نه حضرت امام وقت برای استماع دارند نه اینکه مصلحت هست که مسائل کوچکتر هم به عرض ایشان برسد. اگر چه ایشان به حمدالله از همه جا اطلاعات کافی به سمع مبارکشان می‌رسد اما برای اینکه بیشتر بتوانند ارتباط داشته باشند و مسائل خودشان را منتقل بکنند و هم مطالب به آنها منتقل بشود، خصوصاً با توجه به آن عنایت خاصی که حضرت امام نسبت به حضرت آیةالله العظمی منتظری داشتند که گاهی مسائل را صریحاً می‌فرمودند از ایشان بروید بپرسید، با ایشان ارتباط داشته باشید، قهراً ارتباط دانشجویان با فقیه عالیقدر شروع شد. از جمله در اوایل سال ۶۱ بود که سمیناری در آلمان غربی تشکیل شد و از فقیه عالیقدر و از حضرت امام پیامی خواسته بودند. از سایر شخصیتها مثل رئیس محترم جمهور و رئیس محترم مجلس هم پیام خواسته بودند و در ضمن مذاکراتی هم با فقیه عالیقدر کرده بودند که اگر بشود نماینده‌ای در اتحادیهٔ انجمنهای اسلامی داشته باشند. به این مناسبت بنده دعوت شدم به اتحادیه که یکی از سخنگویان آن جلسه باشم. و پیام فقیه عالیقدر را هم من بردم. بعد از صحبتهایی که با دانشجویان عزیز شد و شناختی که هم آن‌ها نسبت به من پیدا کردند و هم من نسبت به آنها، موقعیت اتحادیه را در اروپا دیدم هم خود من مایل شدم برای همکاری و هم دانشجویان از فقیه عالیقدر تقاضا کردند که ایشان نماینده‌ای در اتحادیه داشته باشند. روی شخص بنده تأکید کردند. ایشان هم تقاضای برادران را پذیرفتند و من را به عنوان نمایندهٔ خودشان در اتحادیهٔ دانشجویان عزیز معرفی کردند که باید عرض کنم از روزی که خط فقیه عالیقدر که همان امتداد خط امام هست در اتحادیه تثبیت شده، الآن ما می‌توانیم بگوییم که وضع

اتحادیه، هیئت مدیرهٔ اتحادیه، سمینارها، نشستها اصلاً با قبل از جریانات هیچ گونه شباختی ندارند، به حمدالله اخوت، برادری، هماهنگی، همکاری بین برادران به نحو احسن حاکم است. در عین حالی که این برادران ما در بسیاری از این مسائل باشداید و سختیهایی روبرو هستند، اما خدا را شکر می‌کنیم که همان طور که در داخل ایران تنها خطی که بر همهٔ شئون حاکمیت دارد خط اسلام و خط وصی و خط فقاهت، آن هم فقاهت سنتی و رساله‌ای که همه جا مورد تأیید بوده است، به حمدالله در اتحادیه هم همان فقاهت رساله‌ای و همان خط وصی حاکم است. و ما خیالمان از این جهت آسوده و راحت شده که البته اتحادیه هم در این مدت کارهای شایسته و شایانی کرده و خدا را شکر می‌کنیم که هر چه از عمر این مسئله می‌گذرد، هم عنایت فقیه عالیقدر به این عزیزان زیادتر می‌شود و هم این عزیزان پیش خودشان احساس غروری می‌کنند که فقیه عالیقدر به اینها عنایت دارند، خصوصاً که بار عمدهٔ هزینه تبلیغات و کارهای فرهنگی اینها هم بالاخره از ناحیه ایشان تأمین بشود.

مواضع ضد امریکایی و ضد صهیونیستی آیةالله منتظری

ما اگر بخواهیم افراد را از نظر دشمنی و عداوت با چپاولگران شرق و غرب طبقه‌بندی و درجه‌بندی بکنیم، باید بگوییم بعد از امام اولین چهره‌ای که به همهٔ اذهان تبادر می‌کند به عنوان حامی مستضعفان و عاشق اسلام، آیةالله العظمی منتظری هستند. اگر حضرت امام ارواحنافداه در بعضی از سخنرانیهایشان مثلاً می‌فرمایند که دشمن اصلی ما امریکاست و ملت ایران و من نسبت به رئیس جمهور امریکا و دولت امریکا، نه ملت امریکا، بیش از همه دشمنی دارم، می‌بینیم این معنی عیناً در سخنان فقیه عالیقدر هم مشهود است. این سخن همیشگی ایشان که مرگ بر امریکا در شعارها یادتان نرود چیزی است که نه تنها در ایران به دیوارها نوشته می‌شود، در اروپا هم به چشم می‌خورد. همان طوری که حضرت امام به محرومین و مستضعفین و پا برهنه‌ها بیش از همه اظهار محبت و اظهار لطف می‌کنند تا به جائی که می‌فرمایند من حاضر نیستم یك تار موی آنها را به کاخ‌نشینان و کسانی که با انقلاب سرو کار ندارند و از وضع مالی خوبی برخوردار هستند مبادله و معاوضه کنم و در دشمنی هم اول با امریکا و اسرائیل و بعد با شوروی و بعد با هر کسی که بخواهد نسبت به محرومین دست تجاوز دراز بکند، دشمنیشان را به حد اعلانشان می‌دهند، فقیه عالیقدر هم شب و روز همّ و عنایتشان و لطفشان نسبت به محرومین و پابرهنه‌ها و خصوصاً قشر زحمتکش روستایی و کشاورز است. و در مخالفت هم می‌بینیم در درجه اول امریکا و اسرائیل و شوروی قرار دارند.

تواضع و بی‌پیرایگی فقیه عالیقدر

آنچه در سادگی زندگی ایشان باید عرض کنم این است که من از سال ۱۳۳۰ که به شهر قم آمدم و خواستم مشغول تحصیل بشوم و از نزدیك با ایشان آشنا شدم با الآن که همهٔ نظرها به سوی ایشان است، نمی‌توانم تفکیکی حاصل کنم در عین اینکه از نظر مقام علمی، از نظر شخصیت، واقعاً بعد از امام شخصیتی بی‌نظیر هستند، اما در ساده زیستن و در ساده برخوردکردن و در صداقت و در بی‌پیرایگی

چیزی است که حتماً دشمنان هم به این مسئله اعتراف و اذعان دارند و البته در طول این مدتی که ما در قم بودیم، چه در جلساتی که طلاب و فضلا و علما و بزرگان اصفهانی در روزهای پنجشنبه داشتند که طلاب کوچك را ارشاد کنند، هدایت کنند، روزنامه‌ها بررسی شود، مسائل سیاسی بررسی بشود، صندوق قرض‌الحسنه تشکیل بشود، ایشان مورد احترام خاص مرحوم آیةالله العظمی بروجردی و مورد عنایت خاص حضرت امام بودند، با من که بچه طلبه‌ای بودم و در آن جلسه شرکت می‌کردم، می‌دیدم هر دو یکی هستیم. عنایت و لطف خاصی به همه اشخاص و افراد داشتند. گاهی افتخار داشتیم خدمت ایشان شب جمعه‌ای را به مسجد جمکران می‌رفتیم. همان بی‌پیرایگی و همان بی‌آلایشی را الآن انسان در زندگی ایشان مشاهده می‌کند. یکی از امتیازات خاص ایشان این است که انسان هر وقت به محضر ایشان شرفیاب می‌شود، بالاخره یك استفاده علمی یا سیاسی یا تاریخی یا جغرافیایی از ایشان می‌کند. دائماً هم خودشان در تلاش هستند که نسبت به این مسائل اطلاعات بیشتری کسب کنند. هر کس در هر رشته‌ای از هر کجا که می‌آید حتماً سؤالاتی باید از او بشود. بعد هم که خودشان شروع به صحبت می‌کنند می‌بینیم بهتر از آن کسی که آمده چیزی را بگوید، از آن مسائل اطلاع و آگاهی دارند و واقعاً وقتی انسان به محضر ایشان مشرف می‌شود می‌بیند آن روایتی را که رسول خدا از حضرت عیسی از زبان حواریون نقل کرده مصداق دارد. حواریون به عیسی گفتند با چه کسی مجالست کنیم و با چه کسی معاشرت داشته باشیم؟ حضرت عیسی در جواب فرمود من یذکرکم الله رؤیته و یرید فی عملکم منطقه و یرغبکم فی الاخرة عمله. (با کسی نشست و برخاست کنید که وقتی او را می‌بینید به یاد عظمت و بزرگی خدا بیفتید و وقتی یك ساعت در کنار او نشستید به علم و کمالات شما افزوده شود. و به جای این که زندگی دنیوی و دنیا و شئون مادی در نظر شما جلوه بکند و از زندگی مختصر خودتان مأیوس شوید دیدار او شما را به آخرت را غب کند.) عیناً این صفات در آیةالله العظمی منتظری جمع است. آدم وقتی آن سادگی و آن صفا و صداقت و صلابت را در ایمان از ایشان می‌بیند، واقعاً به آخرت بیشتر مایل می‌شود.

نظرات حجةالاسلام سیدعلی اکبر قریشی، نمایندهٔ مردم استان آذربایجان غربی در مجلس خبرگان دوم، نمایندهٔ آیةالله منتظری در دانشگاه ارومیه و مؤلف کتاب *قاموس قرآن* ۶۳/۷/۳۰

این جانب مبارزات آیةالله منتظری را به کرات شنیده بودم و اولین بار در سال ٥٤ در شهر سقز خدمتشان رسیدم در آنجا در حال تبعید بودند. به قدری از جاهای دیگر به زیارت ایشان می‌آمدند که صاحب گاراژ می‌گفت وجود ایشان برای ما یك منبع درآمد شده است.

ایشان یکی از رهبران بزرگ انقلاب اسلامی ایران و هدایتگر و جهت دهنده بود. بعد از آزادشدن از زندان که به زیارت امام در پاریس مشرف شدند، در فرودگاه اورلی پاریس گفتند: شاه باید از ایران برود. حق این است که بعد از تبعید امام به ترکیه و عراق، گرچه ایشان نیز از قم تبعید شدند، ولی در قم چنان پایه‌ای ریختند که قم بعد از رفتن ایشان و امثال ایشان هرگز آرام نشد تا رژیم سرنگون گردید. زندان و

تبعید ایشان خود در بارور شدن انقلاب بزرگ‌ترین سهم را داشت.

پس از پیروزی انقلاب، رئیس مجلس خبرگان و سپس امام جمعهٔ تهران شد و آنگاه به قم تشریف آوردند. بعد از امام امت کسی در استحکام نظام جمهوری اسلامی و بسیج مردم و مایهٔ امید حزب الله بودن، به پایهٔ او نمی‌رسد.

من او را ـ بعد از امام ـ اعلم و از هر جهت شایسته و فقیه می‌دانم. او فقیهی است که احکام اسلام را از ابعاد گوناگون در نظر می‌گیرد. این شناخت به خصوص از اسلام است، چنانکه امام امت مدظله العالی این باب عظیم را به روی ملت باز کردند. فقیهی که در این بعد وگستردگی باشد، با دیگران قابل مقایسه نیست.

ایشان انقلاب را تنها در ایران نمی‌بیند، بلکه نظرش این است که باید انقلاب به جهان اسلام صادر شود و مسلمانان بدانند که باید با *قرآن* زندگی کرد و زندگی با *قرآن* شدنی است. در این زمینه تشکیل مدرسهٔ علوم دینی برای طلاب ممالك اسلامی و غیر اسلامی در مدرسهٔ حجتیّهٔ قم، اعلام هفتهٔ وحدت، اعلام هفتهٔ حج، حمایت از نهضتهای اسلامی پاکستان، لبنان، اعم از حمایت مادی و معنوی، و اعلام حمایت از همهٔ نهضتهایی که علیه استکبار جهانی تشکیل شده و امثال آن را باید نام برد. تشکیل مرکز بزرگ اسلامی برای سازمان دادن به روحانیت اهل سنت ایران از آن جمله است.

در مصیب بودن نظر ایشان دربارهٔ وحدت حوزه و دانشگاه همان بس که برای دانشگاهها نمایندهٔ روحانی تعیین کرده و از این راه قدم بسیار بزرگی در این زمینه برداشته است. تأیید انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی و نماینده گذاشتن در آن از این قبیل است. خداوند ایشان را مانند امام برای امروز انقلاب ذخیره فرموده است.

تقوا و خلوص و زندگی سادهٔ ایشان در حد خود یك نمونه و سرمشق است و از خلوص ایشان است که در هر صحبت نام امام و رهبر را می‌برد و برای او دعا می‌کند و خودش را طلبه خطاب می‌کند. ان الله یحب المتقین.

نظرات حجةالاسلام والمسلمین مهدی کروبی، سرپرست بنیاد شهید و نمایندهٔ مردم تهران در مجلس شورای اسلامی. مهر ۱۳۶۳

س. آشنایی شما با حضرت آیةالله العظمی منتظری از کی و چگونه آغاز شده است؟

ج. بسم‌الله الرحمن الرحیم. با سلام و درود به امام امت و امت فداکار و قهرمان‌پرور. آشنایی به معنای این که بنده نسبت به ایشان ارادت داشته باشم و ایشان را بشناسم از همان سال اول بود که ما به عنوان یك طلبه وارد قم شدیم. طبیعی بود که ایشان را شناختیم زیرا که آیةالله منتظری چهره‌ای معروف و از اساتید مبّرز حوزهٔ علمیه بود. جلسات درس و بحث داشتند و لذا هر طلبه‌ای که وارد قم می‌شد، ولو در ابتدایی‌ترین جلسه که در درسهای مقدماتی حاضر می‌شد نوعاً صحبت از ایشان می‌شد و یا با دوستان و همشهریانی که داشتند طبعاً با نام و شخصیت ایشان آشنا می‌شد. لذا من و سایر طلاّب از همان سال اول ورودمان به قم با نام آیةالله منتظری و این که از مدرسین و فضلای بزرگ حوزهٔ

علمیه بودند آشنا شدیم و طولی هم نکشید که چهرهٔ ایشان را زیارت کردیم، یعنی ابتدا آشنایی با رشد و کمال و شخصیت و سپس با چهرهٔ و قیافهٔ ایشان و اما آشنایی به معنای اینکه از چه موقع مراوده و ارتباط داشتیم و یا به عبارت دیگر از چه موقع ایشان بنده را شناخت حدوداً از سال ۱۳٤۰ به مناسبتهایی که خدمتشان می‌رسیدیم و در جلسهٔ درسی که حاضر می‌شدیم و از محضر ایشان استفاده می‌کردیم ایشان با ما آشنا شدند. کم‌کم در سال ۱۳٤۱ که حرکت انقلاب شروع شد به مناسبت مسائل مبارزه و انقلاب ارادت ما بیشتر و ارتباط ما قوی‌تر گردید. البته آنها به عنوان وزنها و ثقلها و شخصیتها و خط امام و ما به عنوان سرباز ناچیز و کوچك و در آن خط و حرکت بودیم.

س. بفرمایید به نظر شما نقش حضرت آیةالله منتظری در ثمردهی مبارزات ملت مسلمان ایران چه بوده است؟

ج. به نظر بنده بعد از مقام رهبری و نقش حضرت امام که هر چه هست از اوست و امت حزب‌الله و ملت ایران را واقعاً نجات داد و با بزرگترین حرکت نظام شاهنشاهی را واژگون و امریکا و پایه‌های امریکا و استعمار و شیطان بزرگ و قدرتهای بزرگ را اصلاً در منطقه و دنیا می‌شود گفت متزلزل کرد، مهم‌ترین نقش را بعد از ایشان حضرت آیةالله منتظری داشتند. موضعگیری و پایداری ایشان برای تداوم حرکت بسیار بسیار مهم و فوق‌العاده پرثمر و با ارزش بود. این مطلب را می‌خواهم باز کنم و توضیح بدهم.

آیةالله منتظری در بین اساتید و شخصیتهای که در قم بودند پس از مراجع و شخص حضرت امام شاید معروف‌ترین چهره‌ها بود و از نظر علمی اهمیت داشت. ارادت و اخلاص ایشان به حضرت امام فوق‌العاده بود و به مناسبت همین ارادت و اخلاص و آن بینش صحیح و درست ایشان از جامعه و اسلام و انقلاب در همان لحظهٔ حرکت انقلابی امام فعالانه وارد مبارزه شد. بنابراین پیشاپیش همهٔ آنها که تبعیت امام را می‌کردند و پشت‌سر ایشان حرکت می‌کردند ایشان بودند و حرکت آیةالله منتظری دنبال امام، هم از نظر شخصیت و هم از نظر ایستادگی و مقاومت بسیار با ارزش بود. یعنی آیةالله منتظری جداً وارد صحنهٔ نبرد و کارزار و مبارزه گردید و لذا رژیم هم حساسیت فوق‌العاده‌ای روی ایشان داشت. فشارهایی زیادی برای وی قائل بود و در تنگناهایی ایشان را قرار می‌داد و اجازه نمی‌داد در قم و نجف‌آباد باشند. ایشان پیوسته آواره و در زندان و تبعید و اقامت اجباری بود. حتی گاهی آزمایشی ایشان را کار نداشتند. پس از مدتی سمپاشی و تبلیغات نیروهای منحرف مسائلی را مطرح می‌نمودند و فشار به قم می‌آوردند و رژیم می‌پنداشت اگر حضرت آیةالله منتظری به قم برگردد شاید آن موفقیت را نداشته باشد. با این همه در همان حال محوری برای حرکت بود و درس ایشان که شروع می‌شد فضلا و طلاب حاضر می‌شدند. حداکثر یك ماه یك ماه‌ونیم، دو ماه بیشتر از این برایشان قابل تحمل نبود. این حساسیت رژیم از نظر خودش کاملاً صحیح بود؛ زیرا آیةالله منتظری شخصیتی داشت که دیگران نداشتند و آن مقاومتی که در وجود ایشان بود می‌شود گفت بسیاری افراد نداشتند. یادم می‌آید مقدم که به قول معروف عقل ساواك بود به شخصیتهای بزرگی از روحانیت گفته بود ما نمی‌گذاریم منتظری در قم باشد و خمینی دومی برای ما به وجود بیاید. آنها با این دید به مسئله می‌نگریستند. و حتی ما خودمان

که در زندان بودیم، شخصیتها، بزرگان، و مبارزینی بودند؛ اما همه خوب می‌دانیم که حساسیت خاصی روی ایشان بود که نسبت به دیگران نبود. فشارها مراقبتها، آزارها، گاهی تحقیرها و برخوردها نسبت به ایشان کاملاً مشهود بود. بنابراین عمل رژیم و فعالیتهای آیةالله منتظری نشان می‌دهد که پس از امام و مقام رهبری بزرگ‌ترین نقش را داشت و از طرف دیگر این مطلب را می‌رساند که امام چه اندازه به ایشان اهمیت می‌دهد و علاقه به ایشان دارد و به خاطر کارهایی که به ایشان ارجاع می‌داده رژیم ایشان را در تنگنا و فشار می‌گذاشته است. خلاصهٔ سخن، بزرگ‌ترین نقش را بعد از امام آیةالله منتظری داشتند. و همان طور هم که می‌دانید تا آن ماههای آخر سقوط رژیم زندانی بودند. ده سال محکومش کرده بودند. در سال ١٣٥٤ ایشان را از محل تبعید آوردند و محکوم کردند. پیش از آن مرتب از این تبعید گاه به تبعید گاه دیگر انتقال داده می‌شدند و روز به روز حصار و حصر بر او زیادتر می‌شد. علت این بود که در مناطقی که ایشان می‌رفتند آرام نبود، ساکت نبود، شور و هیجان زیادی داشت. اقداماتی داشت در هر جهت. نماز جمعه می‌خواند و تبلیغات می‌کرد. مردم جذب می‌شدند. حتی نیروهای منفی مذهبی شهر را تحریك می‌کردند برای اینکه برای ایشان کارشکنی بشود. اما شعاع وجودی او به گونه‌ای بود که در هر شهری می‌رفت می‌دیدی مدتی بعد از آن، مجدداً به شهر دیگری انتقال داده می‌شد. که آخر به این نتیجه رسیدند که به کلی ارتباط ایشان را با جامعه قطع کنند. لذا ایشان را در سال ١٣٥٤ آوردند و ده سال محکوم کردند ـ آن هم ماهها در سلول انفرادی.

س. بفرمایید فعالیتهای آیةالله منتظری را پس از پیروزی انقلاب چقدر موفق می‌بینید؟

ج. فعالیتهای آیةالله منتظری در پیروزی انقلاب اسلامی بسیار مفید بوده است ـ در تربیت نهادهای انقلابی، در تحکیم دولت، در تحکیم دادگاههای انقلاب در ماهها و سالهای اول انقلاب برای سرکوبی ائمهٔ کفر، در حرکتهای انقلابی برای مستضعفین و در رابطه با زمین و غیره. موضعگیریها و سخنرانیها و دفاعهایی که ایشان از نیروهای انقلابی در این چند سال نموده‌اند، هشدارها و تذکراتی که نیروها را حذف نکنید و جذب کنید، انتقادهای به جا و روشنگرانه، همه دارای اهمیت بوده است. و در جامعه هم می‌بینیم که مردم پس از امام که انشاءالله وجود مقدسشان تا ظهور حضرت مهدی عج سلامت باشد قلوب و افکارشان همه متوجه گفتار، سخنرانیها و اعلامیه‌های آیةالله منتظری است. در مورد مسائل علمی و دانشگاهی و نماینده‌ها و جنبشهای آزادیبخش و وزارت امور خارجه و مسائل سیاسی خارج کشور و داخل و نهادها و حرکتهایی که به نفع انقلاب است و به طور کلی در عموم زمینه‌ها نقش مهمی داشته و این نقش را به نظر من به وجه احسن و به بهترین صورت ایفا نموده‌اند. در کوبیدن خطوط انحرافی، پس از موضعگیری حضرت امام، در مسئلهٔ منافقین که در آغاز با صحبت و بحث چهرهٔ آنان نشان داده می‌شد بسیار مؤثر بوده است. در مورد ماجراهای بنی‌صدر و جبهه‌ها: نامهٔ بنی‌صدر به ایشان و نامهٔ ایشان به بنی‌صدر و خلاصه در حاکمیت حزب‌الله و خط امام جمعاً بهترین نقش را داشته‌اند. لذا دشمنان هم کینهٔ خاصی نسبت به ایشان داشتند. در ارتباط با مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی، نماز جمعهٔ تهران و کلاً نماز جمعه‌ها، و انتخابات، هر کجا بنگریم، نقش و فعالیت داشته‌اند. همچنین در رابطه با روزها و حرکتهای خاص، مثل روز پانزده شعبان و مسئلهٔ مستضعفین، هفتهٔ وحدت و تحکیم وحدت بین

شیعه و سنی که آمال همهٔ دشمنان را نقش برآب کرده و ما می‌بینیم که برادران اهل سنت ما که از مناطق می‌آیند و با ما برخورد دارند این مسئله چقدر مفید واقع شده، به هر جهت کل حرکتهایی که به نفع انقلاب بوده ایشان در همهٔ آنها شریك و سهیم بوده و د رجاهایی اصولاً ایشان پیشگام و مبتکر بوده و فکر داده و فعالیت کرده‌اند.

س. مقام علمی حضرت آیةالله منتظری را در جهان اسلام و در حوزه‌های علمیه چگونه می‌بینید؟

ج. یکی از شخصیتهای مهم علمی جامعهٔ ما حضرت آیةالله منتظری است. از نظر فلسفه سالها تدریس کرده و شاگردانی تربیت نموده‌اند. سالها نزد حضرت امام با شهید مطهری فلسفه خوانده‌اند. نزد مرحوم علامه طباطبائی فلسفه خوانده‌اند. در واقع ایشان یك فیلسوف و صاحبنظر و استاد هستند. از نظر فقه و اصول، واقعاً یك فقیه هستند. از دوران بسیار قبل، از بهترین شاگردان مرحوم آیةالله بروجردی بوده‌اند که تقریرات درس ایشان را نوشته‌اند ـ که آن موقع هر کسی می‌خوانده و اهل فن بوده پی به مقام علمی ایشان می‌برده. ما شخصیتهای ارزنده‌ای داریم که خودشان دارای مقام علمی هستند. شخصیتهای ریشه‌دار بارها اظهار کرده‌اند که روزگاری که آغاز طلبگی ما بود مثلاً حدود چهل سال پیش و پیش از آن وقتی وارد قم شدیم و درس را شروع کردیم ایشان از نظر استعداد و حافظه فوق‌العاده قوی و خوش حافظه و استعداد بودند. آدمی که حدود پنجاه سال با آنهمه استعداد و حافظه و هوش جدی درس بخواند و تدریس کند، استاد ببیند و استاد باشد ببینید از نظر علمی در چه موقعیت و مقامی است. شاگردانی که تربیت کرده‌اند، نوشته‌های ایشان، نوع فضلا، مدرسی، ائمهٔ جمعه شخصیتهای قضایی، شخصیتهایی که در مقامهای عالی هستند، از افرادی هستند که خودشان مقر و معترفند که نزد آیةالله منتظری درس خوانده و از محضر ایشان استفاده کرده‌اند. بنابراین شخصیت علمی ایشان از نظر حوزه‌های علمیه چه در داخل کشور، مثل قم، مشهد، تهران، اصفهان، و چه خارج کشور و حتی محافل علمی دنیا مشهود و آشکار و خیلی روشن است و بحثهایی که حتی از رادیو پخش می‌شود، بحثهای علمی و نوشته‌های ایشان در مسائل فقهی مهم و مشخص و معروف است و راجع به مسائل دیگر چون تفسیر *نهج‌البلاغه*، در همه الحمدلله توانا کار کرده‌اند. ذوق خوش و استعداد حتی در ادبیات و تاریخ دارند. به هر جهت یکی از علمای جامع ما ایشان است.

س. بفرمایید علاقهٔ ایشان با ارگانهای انقلابی خصوصاً بنیاد شهید تا چه اندازه است و اصولاً نقطه نظر ایشان در رابطه با خانوادهٔ شهدا چگونه است؟

ج. ببینید، تمامی می‌دانید که هر کسی روحیهٔ انقلابی داشته باشد و دلش برای انقلاب بسوزد و برای این انقلاب زحمت کشیده باشد و شناخت نسبت به انقلاب داشته باشد علقه‌ای بین او و این نهادهای انقلابی است. چون نهادهای انقلابی جوشیده از دل انقلابند و بهترین حافظ و پاسدار این انقلاب بوده‌اند. سنگین‌ترین بارهای این انقلاب هم بر روی دوش همین نهادهای انقلابی بوده؛ یعنی روی دوش مردم: آنهایی که زحمت کشیده‌اند برای انقلاب و انقلاب کرده‌اند و برای انقلاب دل می‌سوزانند. عظمت این نهادها هم همین است که از درون مردم برخاستند و الآن هم همان ارتباط مردمی را با مردم دارند. بنابراین برای هر فرد انقلابی این نهادها خیلی قداست دارند. می‌کوشند برای حفظ انقلاب.

نیروهای انقلابی بودند که از اول این نهادها را حفظ کردند. در جایی که دیگران تلاش می‌کردند این نهادها را تضعیف و جمع نمایند و بر روی نقطه ضعفها انگشت می‌گذاشتند و بزرگ می‌کردند، روی عیوبی که نهادها داشتند. گاهی خودسریها و اشتباهاتی که داشتند اینها را بزرگ می‌کردند. نیروهای انقلابی که در رأس آن حضرت امام بودند تلاش می‌کردند که نهادها قوی و نیرومند شوند و محفوظ بمانند. طبیعی است که آیةالله منتظری با آن ویژگیها و خصوصیات و روحیهٔ مردمی که دارند عشق به این نهادها می‌ورزند و بهترین پشتوانه برای این نهادها بوده‌اند و در همهٔ موارد و مواضع این نهادها را تأیید و یاری کرده‌اند. و این امر از پیامها، مصاحبه‌ها و سخنرانیهای ایشان مشهود است و همهٔ ما مطلع و آگاه هستیم.

اما در رابطهٔ با بنیاد شهید. با آن خصوصیات و ویژگیها و قداستی که بنیاد شهید دارد و به خاطر خون مقدس شهدا و جانبازان عزیز که مسئول خدمتگزاری نسبت به خانوادهٔ آنها و اسرا و مفقودین است، طبیعی است که همه عنایت و لطف خاصی نسبت به بنیاد دارند. ایشان هم نسبت به بنیاد شهید بسیار محبت و مرحمت دارند و در این جا دلم می‌خواهد به عنوان این که خدمتگزار بنیاد شهید هستم بگویم که از عملکرد بنیاد راضی هستند و تا جایی که گزارشهایی به ایشان داده شده خوشحال هستند و گاهی هم که بنیاد کاری از ایشان خواسته‌اند محبت فرموده‌اند.

س. آقای کروبی،در مورد اینکه ایشان در تربیت شاگرد تا چه اندازه موفق بوده‌اند توضیحاتی بفرمایید.

ج. عرض کردم یکی از خصوصیات آیةالله منتظری این بوده که از همان ابتدا که از نظر علمی کمی بالا آمده‌اند، هم درس می‌خوانده و هم می‌گفته‌اند. یکی از مدرسین بزرگ قم می‌گوید بیست و سه سال پیش، یعنی فروردین ۱۳۴۰، که آمدیم قم، ایشان جلسهٔ درس داشتند و شاگرد تربیت می‌کردند. از دیگران و شخصیتهای دیگر می‌شنوید که چهل سال پیش ایشان جلسهٔ درس داشته‌اند و از فضلا بوده‌اند پیوسته مشغول علم. با توجه به آن نکته‌ای که بنده اشاره کردم ما الآن در هر شهر و روستا و بخش و هر نهادی می‌رویم چهره‌هایی که دارند خدمت می‌کنند از محضر ایشان استفاده کرده‌اند؛ یعنی یا شاگردان دوران سطح ایشان هستند (قدیمیها) و یا بالاتر یعنی کفایه و مثلاً مکاسب و اینها. یا از شاگردان بسیاری که سالهای قبل وارد دانشگاه شدند و حالا هم نقش در دانشگاه دارند، آن موقع از شاگردان ایشان بوده‌اند. سالها تدریس خارج داشتند. البته فشار رژیم خیلی مؤثر بود. برای اینکه درس خارج ایشان مملو از جمعیت می‌شد و فشار رژیم این امر را گسیخته و متلاشی می‌کرد. ایشان را تبعید می‌کردند و این در افراد کلاس مؤثر بود. رشته‌های تحصیلی و تربیتی ایشان در حوزه قطع می‌شد.

خلاصه اکثر افراد با ارزش ما از آنهایی هستند که تربیت و علم آنها، حداقل یك بخش مهم آن، مربوط به آیةالله منتظری بوده است.

س. مراتب تقوا،خلوص و بی‌پیرایگی زندگی شخصی ایشان را چگونه می‌توانید برای ما تصویر کنید؟

ج. این را حضورتان توضیح بدهم که یکی از ویژگیهای خاص و خصوصیات شاید انحصاری یا

کم نظیر ایشان مسئلهٔ تقوا و پایداری و بی‌پیرایگی ایشان است. واقعاً مخالفاً لهوی و خالصانه برای خدا بودن مراتبی است در ایشان. این را عرض کنم که گذشته از شناخت و وصفهایی که دیگران برای ما کردند، گذشته از عملکرد و یك عمر صداقت، از نزدیك مدتی با ایشان زندگی می‌کردیم. حدود یك سال زیر یك سقف با ایشان بودیم. می‌دیدم که تقوای ایشان در چه مرتبهٔ بالا و عالی است و قصد قربت و خلوص داشتند و قائم به وظیفه و کاری که انجام می‌دادند برای خدا بودند. این در زندگیهای نزدیك آن هم در شرایط دشوارزندان، آن جایی که معروف است که ضعف انسان نمایان می‌شود، در یك جای دربسته آدم حس می‌کند که تا چه اندازه تقوا دارد. و همان طور پایداری و مقاومت. این نکته را شاید گفته باشم، با آن همه فشارهایی که رژیم بر ایشان وارد می‌آورد و در تنگنا قرار می‌داد و به قول معروف وی را پرس می‌کرد، با هر نوع سختی، باز با روحیهٔ قوی و با نشاط و با عزم راسخ می‌ایستاد و هیچ گونه سازش پذیری، تسلیم و نرمش غلط از خود نشان نمی‌داد. و این از خصوصیات مهم ایشان بود.

اما از نظر ساده زیستی و بی‌پیرایگی. واقعاً زندگی ایشان از دوران طلبگی تا حال که به این مقام رسیده برای همه مشخص و معین است که چقدر روح مردمی ساده زیستی دارد. از مطالبی که این روزها پخش شده در موعظه‌های دروس می‌گویند الگوی اسلام ائمهٔ ما باشند. واقعاً وجداً خود ایشان آن را رعایت می‌کنند. سختگیری شدید در مصرف وجوهات برای زندگی مثلاً شخصی دارند. سختگیر در چیزی که به سمت خود و زندگی خود و فرزندان خود بیاید و این را در زندگی دوران طلبگی ایشان و شهید محمد می‌بینیم. سال ۱۳۴۹ درخانه گاهی سختگیریهایی می‌شد که با شهید محمد صحبت می‌کردم که این اندازه سختگیری لازم نیست. از نظر رعایت بیت‌المال و از نظر ساده زیستی درست بر اساس منطق اسلام با افراد بودند. شخصی که با آنهمه کمالات و خصوصیات هیچ گونه برتری برای خویش قائل نبوده و نیست. هیچ احساس برتری در خود نمی‌کند. با آن محبوبیت و بزرگی و با آنهم زحمات و نقطه قوتها مثلاً احساس می‌کنید که یك طلبه‌ای با آدم برخورد می‌کند یا یك همکلاس آدم یا یك هم مباحثهٔ انسان. گاهی انسان را شرمنده می‌کند. روحیه و اخلاقش چنین است.

س. اگر خاطره یا مطلب ناگفته‌ای از ایشان دارید برای ما بازگو بفرمایید.

ج. خاطرهٔ خاصی ندارم جز زندگی نسبتاً زیادی که در خدمت ایشان در قم و شهرهایی مثل طبس و جاهایی که ایشان تبعید بودند بودیم. اما خاطره‌ای مفصل و طولانی همان مسئلهٔ زندان است که آن هم مهم‌ترین خاطره‌ای است که می‌توانم پیرامون آن به تناسب همان بی‌پیرایگی ایشان عرض کنم. در زندان با هم بودیم. مطالعه می‌کردند، درس خارج فقه می‌گفتند، اسفار می‌فرمودند بحثهای دیگری داشتند که بزرگ‌ترها و سرورها استفاده می‌کردند، خود ما احترام خاصی برای ایشان قائل بودیم. بعضی مواقع اسرار داشتم که مثلاً ایشان کار نکنند. چون کارکردن در زندان به عهدهٔ زندانی و همبندی بود و من با ایشان بودم. هرکاری می‌کردم اجازه بدهید این کار را من انجام بدهم اصلاً نمی‌پذیرفت و قبول نمی‌کرد. حتی می‌شود گفت کارها را دسته‌بندی کرده بودیم که یك سری آن پرزحمت‌تر بود. و من اصرار می‌کردم این کارهای پرزحمت را من انجام می‌دهم. خوب گاهی انجام می‌دادم ولی گاهی باز حریف نمی‌شدم و می‌گفت این کار را بگذار بماند من انجام می‌دهم. قیافهٔ بشاش داشت و با اینکه از

نظر جسمی مریض بود اما از نظر روحی هر چه بخواهید قوی و سالم بود. اینها همه خاطره‌های برجسته و عظیمی است که برای ماها واقعاً درس آموزنده و با ارزشی است. امیدواریم که بتوانیم این راه و درس انقلاب را ادامه بدهیم و انشاءالله در خدمتشان باشیم. والسلام علی من اتبع الهدی.

نظرات آیةالله محمد محمدی گیلانی نمایندهٔ مردم تهـران در مجلس خبرگان دوم. دی ۱۳٦۱

آیةالله محمدی گیلانی طی چندین شماره از مجلهٔ *پاسدار اسلام* (شمارهٔ ۱۳ به بعد) به بررسی و ترجمهٔ فصل انفال *کتاب الخمس* آیةالله العظمی منتظری پرداخته است.

در مقدمهٔ این ترجمه و بررسی، اشاره‌ای به شخصیت نویسندهٔ کتاب، یعنی فقیه عالیقدر آیةالله منتظری کرده، که نوشتهٔ زیر را از آن مقدمه برگرفته‌ام

به دنبال مراجعهٔ بعضی از متصدیان محترم مجلهٔ *پاسدار اسلام* به این جانب جهت گرفتن مقاله‌ای، مدتی می‌اندیشیدم که چه موضوعی را انتخاب کنم و عنوان مقاله قرار دهم، تا مناسب جو موجود و برای خوانندگان محترم مفید باشد

درگیرودار انتخاب موضوع بحث و مقال *کتاب خمس* ذخر سلف صالح، فقیه محقق، استاد مجاهد، حضرت آیةالله منتظری ـ مدظله‌العالی ـ به دستم رسید. با قرب عهدی که در مصاحبت افاضل همگنان حوزهٔ مقدسهٔ علمیهٔ قم به مباحث خمس داشتم، خواستم مروری سریع بر ابحاث کتاب مذکور کنم، ولی هنگامی که شروع به مرور نمودم، جمال ترکیب تحقیقات پر محتوای عمیقش که آراسته به زیبایی ترکیب کلمات موزون است، عزم رحیلم را به اقامت وامعان مبدل ساخت و حاصل این اقامت وامعان، علاوه بر بهره‌وریها، انتخاب موضوع مقالم گردید و بر آن شدم که فصل انفال کتاب شریف را ترجمه و نقدی آزاد کنم...

یکی از همهٔ عنایتهای خداوند متعال بر این امت، این است که در هر عصری از اعصار تاریخ اسلام با همهٔ گرفتاریهایی که دشمنان اسلام فراهم آورده‌اند، فقهای راستین، متصف به صفات مذکوره در میان این امت پدید آمده‌اند که با موهبت تطهیر الهی، از آثار و مواریث وحی و تنزیل، تلقی فقاهت نموده‌اند، و عهده‌دار رهبریت، حسب امکانات عصر خود، بوده‌اند.

همت عالی و عزم ثابت و طمأنینهٔ نفس و استقامت وتضحیه همهٔ عزیزان در پای اسلام عزیز، همراه بازهد و پارسایی آنان نسبت به زینتهای آز انگیز و زخارف راهزن دلها، بی دغدغه، آیهٔ کریمهٔ «... شاهداً و مبشراً و نذیراً و داعیاً الی الله باذنه و سراجاً منیراً» را بر آنان منزل می‌کند و آنان را وارث این شعلهٔ فروزان رهبری که خداوند متعال در محورهای پرپیچ و خم اطوار انسانی افروخته است می‌دارد.

این اختران تابناکند که زینت بخش آسمان شریعت و حافظان آن از هر شیطان ماردند، و میان همهٔ آنان در این عصر ـ المنه‌لله ـ ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد دل رمیدهٔ ما را انیس و مونس شد، و با ولادت انقلابیش نه فقط تزلزل در ایوان کاخ سفید و کاخ سرخ استعمار افکند، بلکه کنگره‌هایی چند از آنها را در خاور و باختر فرو ریخت. و در این انقلاب الهی، همهٔ فقهای راستین و «رجال صدقوا ما

عاهدواالله علیه» شریك و انباز رهبر بزرگوارند، که الحق و الانصاف، استاد مجاهد و فقیه پارسا، آیةالله منتظری ـ مدظله العالی ـ در صف مقدم، با بصیرتی کم‌نظیر، سایه‌وار ملازم مقصد حضرت رهبر عظیم بوده‌اند و در پیشبرد این قیام خونبار چه زجرها که نکشیدند و چه مصیبتها که ندیدند.

و اعجاب انگیز است که این سوخته را جان شد و سوختن ثمرهٔ عمرش، فرزند مجاهدش، را در زندان استعمار دید و آوازی نیامد و سرانجام حجةالاسلام، شهید محمد منتظری، همراه شهید مظلوم آیةالله دکتر بهشتی، با بیشتر از هفتاد و دو تن در «النارذات الوقود» سوختند و درس وفا و صدق را به اهل ایمان آموختند و جسد سوختهٔ آماج زجرهای طویل در عمر قصیرش ارمغان پدر شد. «ولعمری یا اخوانی القراء ان هذا لهوالبلاء المبین.» توگویی سروش عالم غیب درگوش دلم این ندبه را می‌سراید: «یا کوکبا ماکان اقصر عمره؟ و کذا تکون کواکب الاسحار». نی، غلط گفتم که اعجاب انگیز است، زیرا بینش الهی که راز صفات ممتازهٔ فقیهان است چنین اقتضا دارد که عالم هستی را پهناورتر از محدودهٔ طبیعت بینند و مرگ چنان عزیزان و ثمرات عمر را الطاف خفیهٔ خداوند متعال دانند ـ چنان که اسوهٔ حسنهٔ زمان معاصر در مرگ فرزند شهیدش آیةالله حاج آقا مصطفای عزیز ـ قدس سره ـ این تعبیر را فرمودند و آموختند. ـ *پاسدار اسلام*، شمارهٔ ۱۳.

نظرات حضرت آیةالله علی مشکینی اردبیلی از مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم و رئیس مجلس خبرگان دوم

توضیح:مدتی قبل عده‌ای از علاقه‌مندان به حضرت آیةالله العظمی منتظری تصمیم به انتشار پوستری گرفتند که در آن نقطه نظرهای چندتن از شخصیتهای انقلاب اسلامی پیرامون شخصیت آیةالله منتظری منعکس شده باشد. بدین منظور توسط شخصی بنام صلواتی از حضرت آیةالله مشکینی تقاضای اظهار نظر شد و ایشان در جواب، متن زیر را مرقوم داشتند.

بسمه تعالی. ۶۶۵۳ ـ ۱۳۶۲/۶/۲۹. برادر محترم جناب آقای صلواتی ایده‌الله، پس از سلام، راجع به حضرت آیةالله منتظری دام‌ظله، معروض اینکه فضل و مراتب علمی، تقوی و فضایل اخلاق، سوابق و لواحق مجاهداتی ایشان برکسی پوشیده نیست. من ایشان را فقیهی عالی و مجاهدی نستوه می‌دانم و غالباً برای طول عمر ایشان دعا می‌کنم. لکن معرفی ایشان را نیازمند پوستری بدین شکل نمی‌دانم. امضا.

نظرات حجةالاسلام والمسلمین محمد علی موحدی کرمانی، نمایندهٔ مردم استان کرمان در مجلس خبرگان دوم. مهر ۱۳۶۲

از آنجا که این انقلاب قدرت معنوی فوق‌العاده دارد، امید به افراد فراوان داریم و روحانیت بحمدالله در خدمت انقلاب است و با کمال ایثار و علاقه وظایف خود را انجام می‌دهد و شخصیتهای زیادی هستند که در دل مردم جا دارند و از محبوبیت فوق‌العاده‌ای برخوردارند. مجالی برای نام بردن این افراد نیست،

آیةالله العظمی منتظری و آیةالله مشکینی

ولی می‌توانم از یك شخصیت بزرگ نام ببرم و آن حضرت آیةالله العظمی منتظری است که در این انقلاب چشم به ایشان دوخته‌ایم و امید به ایشان بسته‌ایم. ایشان شخصیتی هستند که از همان هنگام در انقلاب و حرکت توفندهٔ مردم در جامعهٔ ما مطرح بود. چهرهٔ ایشان از همان وقت مشخص بود. فداکاریهای ایشان، کلمات روشن ایشان، زندانهایی که رفتند، رنجها و ناراحتیهایی که دیدند، دشواریهایی که متحمل شدند، حضور کاملی که در انقلاب و پس از پیروزی انقلاب داشتند، همه را می‌بینیم و مشاهده می‌کنیم. نه تنها مسئلهٔ مبارزه مطرح است، ابعاد مختلفی که باید در یك روحانی به تمام معنی در جامعهٔ انقلابی باشد، در شخص ایشان هست. تصور می‌کنم مراتب علمی ایشان برکسی پوشیده نیست. با آنکه آن روحیهٔ معنوی و قداست ذاتی که ایشان دارند ایجاب می‌کند که خیلی مایل نباشند در جامعه مطرح شوند ولی آن وزن علمی ایشان دهها سال است که برای فضلا، اساتید و بزرگان حوزهٔ علمیه مشخص و روشن است، مخصوصاً بحثهایی که اخیراً داشتند و از طریق رادیو پخش می‌شد.[۱۳] تحقیقاً باید بگویم که کافی است کسی خوب به این بحثها گوش کند تا اوج قدرت فکری و علمی ایشان را دریابد که در چه قله‌ای بلند از علمیت و قدرت استنباط می‌باشند و چطور مدارك فقه و

۱۳. منظور درسهای فقهی ایشان است که صبحها از برنامهٔ دوم رادیو پخش می‌شود.

٦٦٥٣
5E.5.29

بسم الله

برادر محترم جناب آقای صلوتی ایده الله

پس از سلام راجع بحضرت آیة الله منتظری دام ظله
معروض میگردد فضل و مرجعیت علمی تقوی و فضائل
اخلاقی سوابق و لواحق مجاهدات آن جناب
بر کسی پوشیده نیست من آن جناب را فقیه
عامل و مجاهدی شناخته میدانم و عالم
برای طول عمر آن جناب دعا میکنم
لکن نظر به آن جناب را نمیتوانم
بدین شکل نمایندم

اصول در دست ایشان است. در هر حال بعد علمی ایشان چیزی نیست که شخصی مثل من بتواند بیان کند. این ما فوق بیان من است. جنبه‌های زهد و شایستگیهای معنوی و اخلاقی در ایشان به حد بسیار بالا است در مجموع باید عرض کنم ما روحانیت و حوزه و انقلاب و مردم همه چشم به ایشان داریم و امیدوار هستم انقلاب ما از افراد وزینی چون ایشان و امثال ایشان انشاءالله بهره‌مند شود و بتوانیم شاهد موفقیت نهایی و پیروزیهای نهایی که به زحمات این طور شخصیتهای بزرگ به دست می‌آید باشیم. *پاسدار اسلام*، شمارهٔ ۲۲، مهر ۱۳٦۲

نظرات حجةالاسلام والمسلمین سیدمحمد موسوی بجنوردی عضو شورای عالی قضائی ٦۲/۸/۲۱

بسم‌الله الرحمن الرحیم. حدود بیست و پنج سال پیش که من طلبهٔ نجف بودم از حضرت آیةالله العظمی منتظری شناخت پیدا کردم. ایشان در آن موقع به عنوان یك شخصیت علمی معروف بودند. تقریراتی را که ایشان در اصول از آیةالله بروجردی داشتند نگاه کردم و فهمیدم که یك شخصیت علمی سطح بالایی است و غیاباً به ایشان ارادت پیدا کردم. مطالب آیةالله بروجردی را خیلی زیبا بیان کرده بودند. ضمن اینکه مطالب را خیلی قشنگ نوشته بودند، نشان می‌داد که آدم دقیقی هستند و دقت بسیار دارند. این بود تا اینکه حدود بیست سال پیش ایشان از مکه به نجف آمدند و من به اتفاق مرحوم پدرم به دیدن ایشان رفتیم و یکی دو روز پای صحبت علمیشان بودم. متوجه شدم در فروع فقه خیلی تسلط دارند.

بعد از اینکه قیام ۱۵ خرداد ٤۲ شروع شد آیةالله منتظری جزء سران مبارزه بودند که پس از شخصیت حضرت امام خمینی در این خط قرار گرفتند. تا اینکه امام به ترکیه و بعد به نجف تبعید شدند. من چون یکی از نزدیکان مرحوم آقا مصطفی بودم و در درس امام و مسافرتها همیشه با هم بودیم. آن مرحوم خیلی از آیةالله منتظری تعریف می‌کرد. از فقه ایشان تعریف می‌کرد. از معقول تعریف می‌کرد. او عقیده داشت آیةالله منتظری در معقول از مرحوم آیةالله مطهری دقیق‌تر هستند.

ایشان در اصول وفقه که بی‌نظیر هستند، در ادبیات عرب هم خیلی تسلط دارند. خلاصه این مطالب را شنیده بودم تا اینکه انقلاب شد و شاه رفت و من پس از مدتی که در پاریس بودم به ایران آمدم. خدمت آیةالله منتظری رسیدم. بعد مسائل مربوط به مجلس خبرگان پیش آمد و ایشان به تهران آمدند که پس از تدوین و تصویب قانون اساسی به قم مراجعت نمودند و در قم مستقر شدند و بعضی شبها مجلسی داشتند که طلبه‌ها می‌آمدند از ایشان مسئله می‌پرسیدند و اشکالاتشان را رفع می‌کردند. یك بحث علمی طلبگی بود که من هم در آن شرکت می‌کردم و خیلی خوشم می‌آمد. الآن هم جلسه‌ای دارند که شورای استفتای امام به اتفاق عده از برادران در قم در آن شرکت می‌کنیم. این جلسه دو سال است که شبهای جمعه به مدت دو ساعت تشکیل می‌شود. در این جلسه ایشان مباحثی را مطرح و در اطراف آن صحبت می‌کردند تا اینکه از هفت هشت ماه پیش، حاشیه‌ای که ایشان بر *عروة الوثقی* می‌زنند به صورت درس برای ما مطرح می‌کنند و نظراتشان را برای ما می‌گویند و من خیلی استفاده می‌کنم. رابطهٔ آیةالله منتظری با حضرت امام را در نجف که بودیم شنیدیم. مرحوم آقا مصطفی برایم تعریف

کرد. دیگران نیز تعریف کردند، به طوری که به تواتر رسید که امام فرموده‌اند «منتظری چکیدهٔ عمر من است.» امام فرموده بودند چکیدهٔ عمر من دو نفرند، آقای منتظری و آقای مطهری. حضرت امام روی آیةالله منتظری خیلی نظر دارند. بهترین چیزی که امام فرمودند همان «فقیه عالیقدر» است که در حکم نماز جمعهٔ تهران به ایشان دادند. ما قبلاً تا حدودی قبول داشتیم، اما وقتی امام این وصف را کردند اعتقادمان کامل شد. امام هم کسی نیستند که اهل تعارف واین گونه چیزها باشند. این از خصوصیات حضرت امام است. من در این بیست سالی که از نزدیك با امام بوده‌ام، دیده‌ام که امام آدمی نیست که حساب کند این دوست ماست، شاگرد ماست و... این چیزها را ملاحظه نمی‌کند. لذا هر چه گفتند، واقع همان است. وقتی گفتند «قیه عالیقدر»، این دیگر واقعاً به تمام معنی فقیه عالیقدر است. این دو سالی که ا شبهای جمعه خدمت آیةالله منتظری هستیم، متوجه شدیم که امام حساب شده فرموده‌اند. و «فقیه عالیقدر» تنها یك لفظ نیست. و آیةالله منتظری در فقه به قدر کای تسلط دارند. من درس خیلی از مراجع نجف رفته‌ام. قم هم پای درس چند نفر از آقایانی که جزء بزرگان هستند رفته‌ام. من هنوز مثل ایشان کسی را ندیده‌ام که این قدر در کلمات قدمای از فقها مسلط باشد. طبقات روات را بدون مراجعه می‌گویند. مثلاً این طبقهٔ چهار است، این طبقهٔ شش است، روایات را فوراً تشخیص می‌دهند. من هیچ کس را این گونه ندیده‌ام. می‌گویند آیةالله بروجردی همین طور بوده‌اند. ما که خدمتشان نبوده‌ایم. اما این ویژگیها را در آیةالله منتظری دیدیم. تسلط او در کلمات عامه، فقهای سنی‌ها بسیار خوب است. چون این مسئله خیلی مهم است که انسان در کلمات عامه مسلط باشد این موضوع نتیجهٔ فقهی دارد. در وقتی که دو روایت، متعارض باشند، یکی موافق عامه باشد یکی مخالف عامه ـ در روایت دارد که هر کدام مخالف است بگیرید. نه اینکه هر فقیه عامه این حرف را بزند به این صورت عمل کنیم بلکه باید دید آن فقیهی که زمان صدور روایت متنفذ بوده چه گفته ـ این موضوع را آیةالله منتظری خیلی در آن تخصص دارند. آن روایتی را که موافق عامه است باید دید در چه زمانی بوده، فقیهش چه کاره بوده، آیا فقیه درباری بوده و مردم آیا از اومی‌ترسیدند، اما اگر فقیهی درباری نبوده و در خانه‌اش نشسته و موافق این روایت است، باید دید این روایت که موافق این فقیه عامه است آیا باید دور انداخت یا نه. خلاصه آیةالله منتظری در این رابطه تحقیقاتی دارند که بی‌سابقه است.

رابطهٔ ایشان با حضرت امام در زمینهٔ مبارزاتی هم دیگر احتیاج به گفتن من نیست. آن زندانها و شکنجه‌هایی که ایشان دیده‌اند خود گواه این معنی است. تبعیدهایی که ایشان به شهرهای مختلف می‌شدند گواه است. هر جا که تبعید می‌شدند، آنجا برای مردم مدرسه بود. هرجا که می‌رفتند نماز جمعه راه می‌انداختند. مسائل انقلاب و مبارزه را در همه جا می‌گفتند. رژیم از این کار خسته می‌شد و ایشان را به جایی دیگر می‌فرستاد. هر جا می‌فرستاد دوباره همان حرفها را شروع می‌کردند. فکر می‌کنم من کوچکتر از آنم که در مورد مبارزاتشان برایتان صحبت کنم.

بعد از پیروزی انقلاب ایشان در هر مسئله‌ای که پیش می‌آید جلو انحرافات را می‌گیرند. در زمان تدوین قانون اساسی به تهران آمدند ومقیم شدند. ایشان بیم داشتند از اینکه مبادا در قانون اساسی انحرافی پیش بیاید، خدای نکرده مطلبی خلاف اسلام به اسم اسلام در آن پیدا شود برای اینکه اسلام

را مشوه کنند. ایشان این مسئله را اهمیت می‌دادند. آنچه اسلام واقعی است، آنچه رسول الله ص فرموده‌اند در قانون اساسی بیاید. در این راه خیلی تلاش کردند. در جریان قانون اساسی، همه شاهد بودیم که شب و روز مشغول بودند. در کمیسیونها فعالیت می‌کردند و مواظبت می‌نمودند. مسئله دیگر اینکه در قوهٔ قضائیه، در قوهٔ مجریه، در قوهٔ مقننه، هر جا که سست می‌شوند و مسائلی پیش می‌آید می‌بینیم که ایشان مداخله می‌کنند، مداخله نه به معنی مزاحمت بلکه طوری که همه حرفشان را گوش می‌کنند. طوری که آن قوه تا حدودی تقویت می‌شود، یعنی ضعفی که بر آن عارض شده بعد از رهنمودهای ایشان و در بعضی مواقع توبیخ ایشان، تقویت می‌شود. بعضی وقتها می‌فهمیدند که دارد به انحراف می‌رود یا می‌خواهد منحرف شود و بر ایشان امر مشتبهه است، او را به قم می‌طلبد یا پیغام برایش می‌دهد تا طرف معتدل شود. دررابطه با شورای عالی قضایی، مسائلی بود مثل زندانها. ایشان گاهی به من پیغام می‌دادند و یك روز هم پیغام داد همهٔ اعضا بیایند قم. ما هم هر پنج نفر اعضا رفتیم قم خدمتشان. ناهار هم خدمتشان بودیم. رهنمودهای مفصلی به ما دادند. در رابطه با زندانها، دستگیریها، دادگاههای انقلاب، دادگستری، دیوانعالی کشور، دادگاه عالی، نظراتشان را گفتند و ما پس از اینکه برگشتیم، نشستیم و جلسه تشکیل دادیم و اکثر رهنمودهای ایشان را به صورت بخشنامه و دستورالعمل به دادسراها و دادگاههای سراسر کشور صادر کردیم. و الآن خیلی از آنها به اجرا در می‌آید.

از طرفی اکثر فضلایی که اکنون در قم مدرس هستند، شاگرد ایشان بوده‌اند. حالا یا فلسفه خوانده‌اند یا فقه یا اصول، سطح یا خارج. کم سراغ داریم از مدرسین خارج حوزهٔ علمیه که در قم، مشهد یا در تهران هستند یا قبلاً در نجف بوده‌اند، درسی پیش آیةالله منتظری نخوانده باشند. ایشان با وجود مشاغلی که امروزه دارند درس را زمین نگذاشته‌اند. بعد از پیروزی انقلاب، حدود را درس دادند و آن را نوشتند که چاپ شده است. این درس را من در مسجد اعظم رفتم. خیلی خوب درس می‌دادند. و الآن هم ذکات را به صورت خیلی جالب درس می‌دهند. همان طوری که عرض کردم در نوع خودش بی‌نظیر است. تسلطش بر اقوال قدمای فقها، طبقه‌بندی روات، مقارنه با فقه عامه، بسیار عالی است.

همچنین ایشان یك خوش ذوقی از استحضار روایات دارند. این موضوع مهمی است. مراجع میزان در اعلمیت را دو چیز می‌دانند. یکی اینکه تسلطش در قواعد فقه زیاد باشد، و دیگر اینکه خیلی خوش استحضار باشد و خوش قریحه باشد در نقل روایات. روایات را که خواند ذهن کج نداشته باشد که برداشت کج بنماید. یك ذهن عرفی خیلی سالم داشته باشد که از روایات برداشت صحیح بکند. قهراً فتاوای چنین فقیهی خیلی به واقع نزدیك است. فتوای این فقیه حجیتش از باب این است که اقرب الی الواقع است، تا قول بقیه. وقتی فقیهی خیلی خوش استحضار بود، خیلی خوش قریحه بود، ذوق سلیمی داشت، هیچ انحراف و کجی نداشت، قهراً فتوایش نسبت به سایر فقها اقرب به واقع است. و در این مسئله من شهادت می‌دهم که آیةالله منتظری خیلی خویش قریحه هستند. من در بیان این مطلب مسئول هستم و به همین جهت شهادت می‌دهم.

از طرفی تسلط ایشان بر ادبیات عرب خیلی خوب است. من خودم تسلطم بر عربی خیلی زیاد است.

آنچه که یك عرب از یك روایت عربی می‌فهمد خیلی فرق می‌کند با آنچه که یك فارس از آن روایت می‌فهمد. ایشان آنچنان از یك روایت عربی می‌فهمد که عربهای اصل می‌فهمند. اساتید ما در نجف عرب بودند، مثل مرحوم آقای حکیم که مرجع تقلید هم بودند در نجف. برداشت آیةالله منتظری از روایات مثل همانها بود. و این یك موهبت الهی است. این دیگر اکتسابی نیست. این مسئله را من راجع به مرحوم سید ابوالحسن اصفهانی و سیدمحمد کاظم یزدی صاحب *عروة الوثقی* شنیده بودم که می‌گفتند آنها همین طور بوده‌اند.

فقهای عرب می‌گفتند که اینها استحضارشان از روایات بهتر از ماست. این مطالب را فقهای عرب زمان آقا سیدمحمد کاظم یزدی آقا سیدابوالحسن اصفهانی می‌گفتند. الآن هم این ویژگیها در آیةالله منتظری وجود دارد. البته حضرت امام خمینی نیز همین طور هستند. در نجف از امام هم این خوش ذوقی را می‌دیدیم که روایات را به قدری قشنگ تفسیر می‌کردند که ذوق سالم می‌پسندید. آن استحضاری که امام در روایت می‌فرمودند ذوقهایی که هیچ اعوجاجی درشان نبود قبول می‌کردند.

در مورد صدور انقلاب هم باید بگویم اگر کسی باشد که بخواهد انقلاب را صادر کند حضرت آیةالله منتظری می‌باشند. تمام نهضتهای آزادیبخشی که در دنیا هست، یا به طور وسیع‌تر، نهضتهای غیراسلامی هم که با استعمار و با استکبار جهانی مبارزه می‌کنند مورد تأیید ایشان هستند. آیةالله منتظری به عنوان یك آزادی خواه واقعی آنها را تأیید می‌کنند. به خصوص تأکید بسیار دارند به نهضتهایی که در کشوآهای اسلامی هست کمك مالی و کمك معنوی بکنند. مثلاً دربارهٔ افغانستان تنها کسی که رسماً از مجاهدین مسلمان حمایت می‌کند و به مجاهدین افغانی از نظر مالی و معنوی کمك می‌کند، ایشان هستند، البته غیر از امام، چون امام در رأس هستند و هر چه هست مال ایشان است. از امام که بگذریم کسی که رسماً حمایت می‌کند و به مجاهدین افغانی از حیث مالی کمك می‌کند، آیةالله منتظری است و هر جا که آنها آزاد می‌کنند، وقتی خواستند کسی را حاکم قرار بدهند می‌آیند از آیةالله العظمی منتظری حکمش را می‌گیرند. ایشان حکم صادر می‌کنند و حاکم را بر آنجا نصب می‌کنند. تمام مجاهدین عربستان سعودی هم در رابطه با ایشان هستند. به هر شکل به آنها کمك می‌کنند. به آن عده از مجاهدین عراقی که واقعاً به انقلاب اسلامی عراق خدمت می‌کنند و در آنها خط و خطوطی پیدا نمی‌شود، کمك مالی می‌کنند و از هر حیث آنها را تأیید می‌کنند. در فیلیپین، در اریتره و در هر جا که یك حرکت اسلامی باشد، ایشان اولین کاری که می‌کنند به آنها کمك مالی می‌کنند، کمك معنوی می‌کنند، سفارش می‌کنند و هر چه که از دستشان برمی‌آید کوتاهی نمی‌کنند. فرزند برومندشان شهید محمد منتظری رحمةالله علیه به این مسئله خیلی علاقه داشت. من او را از نجف می‌شناختم. سابقهٔ من با ایشان بیشتر از سابقه‌ام با آیةالله منتظری بوده. در نجف می‌دیدم که او چه می‌کرد، درپاریس، در سوریه چه می‌کرد. دربارهٔ او باید مجلدها کتاب نوشت تا بتوان خدمات او را گفت. این کار را او می‌کرد. البته با رهنمودهای پدر بزرگوارش، هرچه هست اینجاست، اما او هم موجود فوق‌العاده‌ای بود. امیدوارم زحمات او هدر نرود. او نسبت به صدور انقلاب اسلامی خیلی پافشاری می‌کرد. یادم هست یك روز در مجلس می‌گفت اگر انقلابمان را صادر نکنیم مثل باتلاقی می‌ماند که آب در آن می‌گندد. باید مثل آبهای

در حال حرکت باشد. آبهای دیگر هم با آن رفت و آمد داشته باشد تا نگندد. اگر انقلاب ما بنا باشد که درون مرز باشد هم انقلاب ما از بین می‌رود و هم برای دیگر مسلمانها فایده ندارد. ما وقتی می‌توانیم پیروز شویم که بتوانیم انقلابمان را به خارج صادر کنیم. این یك واقعیت است.

دربارهٔ وحدت اسلامی می‌دانید که هفتهٔ وحدت به ابتکار خود حضرت آیةالله منتظری تعیین شد. رژیم فاسد پهلوی با اغراضی که داشت، مسئلهٔ شیعه و سنی را دامن می‌زد. یك عده از سنی‌ها و یك عده هم از ماشیعیان، حالا یا درباری بودند یا نفهم بودند، تحریك می‌کرد که به هم بد بگویند. عده‌ای از این راه نان می‌خوردند که مواظب باشند کسی از وحدت شیعه و سنی حرف نزند. رژیم پهلوی آنها را تحریك می‌کرد که به حمدالله الآن در خانه‌شان تخته شده است. الآن مسئلهٔ در سطح خیلی وسیع وحدت اسلامی مطرح است، تا اینکه این طائفیت را بردارند. ما در مسائل زیادی با اهل تسنن مشترك هستیم. ما الآن هدف مهم‌تر داریم. امریکا با اسلام کار دارد. با شیعه و سنی کار ندارد. دنیای استکباری با اسم اشهد ان لااله الاالله و اشهدان محمد رسول الله کار دارد. در این موارد که مشترکیم. و این را می‌خواهند از بین ببرند.

آیةالله منتظری دارند این معنا را جا می‌اندازند. به کشورهای اسلامی می‌فهمانند این دعوای شیعه و سنی را دور بیندازید. این اختلافات دسیسهٔ استعمار است. سابق انگلستان در عراق و جاهای دیگر مسئلهٔ شیعه و سنی را علم می‌کرد. تو سنی هستی این شیعه است. به شیعه‌ها می‌گفت سنی را باید کشت، به سنی‌ها می‌گفت شیعه را باید کشت، تا جایی که دشمنی بین شیعه و سنی بیش از دشمنی بین مسلمانها و صهیونیستها باشد. واقعاً من شاهد این معنا بودم. در جاهایی در عراق بود که شیعه‌ها می‌گفتند سنی بدتر از یهودی است، در جاهایی که سنی‌ها بیشتر بودند، نظرشان این بود که شیعه بدتر از یهودی است. اینها را استعمار انگلستان تقویت می‌کرد تا هیچ وقت مسلمانها اتحاد نکنند. چون اگر اتحاد می‌کردند، دیگر انگلیسی در عراق نمی‌توانست بماند. بودن انگلستان منوط به این بود که بین شیعه و سنی اختلاف باشد. ایران هم الآن در معرض چنین خطری است. بعضی از کشورها مثل عربستان پولها خرج می‌کنند تا این اختلافات را زنده کنند. مثلاً مرتب تکرار می‌کنند که محور انقلاب شیعه است و مرجع تقلیدش شیعه است و از این حرفها که تحریك عواطف سنی‌ها بشود. اما با این افشاگریهایی که حضرت آیةالله منتظری می‌کنند و عملاً هم نشان می‌دهند، نه اینکه فقط حرف بزنند، خیلی از مشکلات روحانیون اهل سنت را واقعاً حل می‌کنند، دستور می‌دهند، رهنمود می‌دهند والحمد الله سنی‌ها هم این معنا را متوجه شده‌اند که وحدت اسلامی که گفته می‌شود، فقط لفظ نیست، واقعاً عملی است. ایشان در این مسئله خیلی جدیت دارند.

دربارهٔ جنگ تحمیلی، می‌دانیم که ایشان اول جنگ خودشان رفتند به جبهه و مرتب هم داد می‌زنند که مسئلهٔ اصلی، جنگ است. ایشان توصیه می‌کردند که اگر شعارهای دیگر هم می‌دهید، بدهید اما شعار مرگ بر آمریکا را یادتان نرود. می‌خواستند تأکید کنند که در این جنگ ما با امریکا می‌جنگیم. صدام کوچکتر از این حرفهاست. صدام عامل امریکاست و امریکا هم تحریکش کرده است که با ما بجنگد.

همیشه، هر مسئله‌ای که می‌شود می‌بینیم ایشان پیشقدم هستند. به جبهه کمك مالی می‌کنند، کمك فکری می‌کنند. شما می‌بینید بچه‌های نجف‌آباد همیشه خط شکن هستند و این طور که نقل می‌کنند در بیشتر حمله‌ها بچه‌های نجف‌آباد پیشقدم هستند. نجف‌آباد را کی نجف‌آباد کرد؟ تربیتهای ایشان و صحبتهای ایشان و نیز صحبتهای آقای ایزدی امام جمعهٔ نجف‌آباد بود که نجف‌آباد را رشد داد. آیةالله منتظری و آقای ایزدی فعالیت کردند که می‌بینید نجف‌آباد را امروز در ایران الگو کرده‌اند. یعنی یك شهری که جمعیتش صدو ده هزار نفر است ـ البته خودشهر ـ شهدایش را از اول جنگ تحمیلی تا حالا حساب کنید، چقدر شهید داده است. همین حملهٔ آخر صدوبیست نفر شهید داشت[۱۴] که خط شکن بوده‌اند. اینها راه را باز کردند که رزمندگان بتوانند عبور کنند. اینها همه مرهون رهنمودهای تربیتی آیةالله منتظری است.

من از ۲۴ ـ ۲۵ سال پیش که در نجف بودم می‌شنیدم که ایشان از نظر وضع علمی خیلی اعتبار داشتند.

یك چیز به شما بگویم و راحتتان کنم. به نظر شخص من بعد از امام از همهٔ موجودین که الآن هستند ـ منظور علمای اسلامی در سطح جهان ـ افضل است. من پیش اینها که الآن در نجف و قم هستند و صاحب رأی می‌باشند درس رفته‌ام. و کتابهایشان را هم نگاه کرده‌ام و این را با جدیت می‌گویم.

اما اگر بخواهم راجع به تقوا و سادگی ایشان بگویم، همین که قابل وصف نیست. یك طلبهٔ عادی ممکن است بیش از این خودش را بگیرد. ایشان با سادگی و برخوردی کاملاً عاطفی با اشخاص رو به رو می‌شود. ایشان پیش پای هر کسی بلند می‌شود، با اینکه تقریباً پیر شده‌اند. خیلی هم خودمانی با آدم حرف می‌زنند. به طرز سیاسی حرف نمی‌زنند. اگر گلایه دارند از مسئولین و از هر مقامی، عین مطلب را می‌گویند. راضی هم باشند، بیان می‌کنند. آدمی که دو پهلو و سه پهلو صحبت کند نیستند. صاف و درست، هم اظهار رضایت می‌کنند و همه اظهار نارضایتی. خلاصه اینکه تقوای ایشان هم بی‌نظیر است. والسلام.

نظرات حجةالاسلام والمسلمین حاج سیدمحمد علی موسوی جزایری، نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ اهواز و نمایندهٔ مردم استان خوزستان در مجلس خبرگان دوم. ۱۳۶۴/۷/۱۷

بسم‌الله الرحمن الرحیم و به نستعین. برادر... از من خواستند پیرامون شخصیت والای حضرت آیةالله العظمی منتظری چیزی بگویم. در پاسخ عرض کردم در جایی که شخصیتهای برجسته‌ای از استوانه‌های فقه چون امام امت و آیةالله العظمی بروجردی ـ ره ـ اظهار کرده‌اند، دیگر نوبت به امثال ما نمی‌رسد و شاید بی‌مناسبت هم باشد. ولی چون مواجه با اصرار ایشان شدم لذا مستعیناً بالله و متوکلاً علیه به عرض می‌رسانم.

به نظر بنده معظم‌له در بعد فقاهت کم نظیر است. زیرا براهل فن پوشیده نیست که بالاترین مزیت در

۱۴. در عملیات والفجر ۴.

این بعد جامعیت است بین تحقیق و دقت در مبانی اصولی از طرفی و استحضار و تبحر در فروع فقهی و احاطه برآرا و اقوال فقها از طرف دیگر، به علاوهٔ آشنایی با رجال و درایه و موازین تقدم و تأخر روایات و شناخت صحیح از سقیم که این مزیت بحمدالله در فقیه عالیقدر ما به حد و فور وجود دارد. برای هر کس که فی‌الجمله مجالست علمی با ایشان داشته و یا تألیفات ایشان را ملاحظه کرده باشد روشن است، در حالی که اجتماع این جهات با هم به ندرت اتفاق می‌افتد.

و اما در جهات عملی که هر چه انسان به ایشان نزدیکتر شود تواضع و اخلاص و ساده‌زیستن ایشان را بهتر و بیشتر لمس می‌کند، تا آنجا که در میان طلاب حوزه به صورت ضرب‌المثل در آمده بود ـ نه امروز بلکه زمان حیات مرحوم آیةالله بروجردی. از بعض دوستان که مدتی در جوار معظم‌له زندگی کرده است شنیدم که در بحبوبهٔ اشتغال علمی و تحصیلی ایشان که تا پاسی از شب مشغول مطالعه و تألیف بودند، معذالك اکثر اوقات بیداری آخر شب ایشان را برای تهجد متوجه می‌شدم و این نکتهٔ مهمی است که سرگرمی تحصیل و لذت علم انسان را از لذت عبادت و مناجات باز ندارد. و باز از یکی دیگر از ثقات نقل شده که متوجه شده بود بعض از درسهایی را که معظم‌له در زمستان خوانده در تابستان از حفظ می‌نویسد. و این (که ناقل آن هم مورد وثوق و اعتماد است) حاکی از نبوغ فوق‌العاده است.

و اما در بعد مبارزات سیاسی که حاجتی به ذکر نیست. حبسها و شکنجه‌ها و تبعیدهایی که ایشان مواجه شدند در بین فقها و فضلای اعصار اخیره کم‌نظیر بوده ـ اگر نگویم بی‌نظیر بوده است. خداوند وجود مبارك ایشان را از هرگزندی مصون و محفوظ دارد که در زیر سایهٔ رهبر عظیم الشأن انقلاب حضرت آیةالله العظمی امام خمینی به نقش حساس خود که معاونت و معاضدت حضرت ایشان است در خطیرترین امور ادامه دهند و هم امام و هم ایشان را که امید امام است تا ظهور ولی‌الله الاعظم ارواحنافداه محفوظ و مستدام بدارد. والسلام.

نظرات آیةالله محمدمؤمن، از فقهای شورای نگهبان و نمایندهٔ مردم استان سمنان در مجلس خبرگان دوم.مهر ۱۳۶۳

س. حضرت آیةالله مؤمن، بفرمایید آشنایی شما با حضرت آیةالله العظمی منتظری از کی و چگونه آغاز شده است؟

ج. شناخت بنده از حضرت آیةالله العظمی منتظری از زمان مرحوم آیةالله العظمی بروجردی بود. در آن زمان ایشان یکی از مدرسین سطوح عالی حوزهٔ علمیهٔ قم بود. البته به جهت تفاوت سنی که بین بنده وایشان بود قهراً ما شاگرد ایشان محسوب می‌شدیم و گرچه موفق نشدم در دروس سطح ایشان شرکت کنم لکن ناظر بودم که دروس سطوح عالی که ایشان می‌فرمودند از درسهای پرجمعیت حوزه بود حالا چه فلسفه و چه منطق و... باید بگویم که زمانی که ایشان از گرفتاری و زندان مدت مختصری نجات پیدا کرده بود یعنی حدود سال ٤٥ ـ ٤٦ و قم مشرف بودند آشنایی ما شروع شد. ایشان که البته مرتب گرفتار زندان و تبعید بودند و از سال ۱۳۵۲ در جمع بیست و پنج نفری که بنده هم بودم و حضرت آیةالله العظمی منتظری و آیةالله مشکینی و بیست و چهار نفر دیگر از اساتید حوزه تبعید شدند. ایشان را از

سقز که محل آخر تبعیدشان بود به زندان منتقل کردند. در سال ۱۳۵۷ ایشان از زندان آزاد شدند و در قم دو جلسه تشکیل دادند: یکی جلسهٔ جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم بود و یکی هم جلسهٔ خصوصی مشترکی بود بین جمعی از جامعهٔ مدرسین و مرحوم شهید آیةالله دکتر بهشتی رضوان الله‌علیه و دکتر باهنر و بعضی دیگر از محترمین علمای تهران و جناب آقای خامنه‌ای و آقای طبسی و مرحوم شهید هاشمی نژاد از مشهد در آن جلسات شرکت می‌کردند. بنده هم افتخار حضورشان را داشتم و خدمتشان می‌رسیدم که قهراً آشنایی ما بیشتر و نزدیکتر شد.

س. مقام علمی ایشان را در حوزه و جهان اسلام چگونه می‌بینید؟

ج. آیةالله منتظری از زمان مرحوم آیةالله بروجردی جزء اساتید ایران و سطح عالی حوزه بود و آن طور که ما شنیدیم مرحوم آیةالله بروجردی نسبت به شخص ایشان عنایت خاصی داشت و حتی وقتی که بعضی از برادران نجف‌آبادی آمده بودند و اصرار داشتند که ایشان در نجف‌آباد بمانند مرحوم آیةالله بروجردی از عنایت و شناختی که نسبت به فهم و درك ایشان داشت مانع از امر شدند که ایشان به نجف آباد تشریف ببرند. مطلب دیگری که من از امام بزرگوار در ارتباط با حضرت آیةالله العظمی منتظری می‌دانم اینکه ظاهراً در اواخر سال ۱۳٤۷ بود که بنده به نجف مشرف شدم. حضرت امام از وضع حوزه سؤال کردند که چگونه است. زمانی بود که مرحوم آیةالله داماد رضوان الله علیه استاد حوزه بود و گرفتار سکتهٔ قلبی شده بودند. خدمت امام عرض کردم که مرحوم داماد گرفتار سکته‌اند. فعلاً جناب آقای منتظری هستند که طاغوت ایشان را آزاد نمی‌گذارد که در قم مشغول تدریس و تعلیم باشند. حضرت امام در مورد ایشان فرمودند ـ هنوز یادم هست جمله‌ای ـ فرمودند ایشان آدم چیز فهمی است. این جمله را وقتی امام در مورد کسی بفرمایند جملهٔ ارزشمندی است.

بعد از پیروزی انقلاب که موفق شدند و آن موانع برطرف گردید، گرچه رسیدگی به امور اجرایی کشور من جمله راهنمایی مسئولین در ادارهٔ امور کشور مراجعهٔ مردم از اطراف و اکناف مملکت زیاد است ولی بعد از اینکه موفق شدند تدریس فقهی داشته باشند کتابهای فقهی در این زمینه نوشته‌اند که انصافاً در حد بالا و والایی است ودقت کافی در مسائل علمی و فقهی در نوشته‌های ایشان کاملاً مشهود است. و این مطلب در بین برادران فاضل و متعهد حوزه جای تأمل و تردید نیست که ایشان از زمان مرحوم آیةالله بروجردی از اساتید فلسفهٔ حوزه به شمار می‌رفت و نسبت به فقه از زمان مرحوم بروجردی از اساتید سطوح عالی حوزهٔ علمیه بوده‌اند. البته به خاطر اشتغال به مبارزه در سال ۱۳٤۲ تا ۱۳۵۷ و اینکه ایشان اکثراً گرفتار زندان و تبعید بودند و ایامی را هم که در قم تشریف داشتند رژیم مانع بود، این طور نبود که ایشان اشتغال درسی داشته باشند و تدریس کنند، لذا تدریس چشمگیری که آزادانه بتوانند طلاب از حضورشان استفاده کنند نداشتند و اشتغالات ایشان در زمینهٔ مطالعه و تحقیقات بوده، لکن بعد از پیروزی انقلاب اسلامی حوزهٔ درس ایشان جمعیتی گردید از رفقای محصل علاقه‌مند به تحصیل. و کتبی که بعد از تدریس می‌نویسند بسیار حائز اهمیت است. من جمله اولین جلد آن حدود است که مباحثی از حدزنا تا حد قیادت که به قلم خود نوشته‌اند. دیگر *کتاب خمس* است و زکات. در حال حاضر هم دارای درس بسیار مهم و ارزشمند و با تحقیق و دقت هستند که برادران فاضل و طلاب در کلاس

ایشان شرکت دارند. بنابراین از بهترین درسهای حوزه، درس خارج ایشان است.

وقتی که ایشان در محلهٔ خاکفرج منزل داشتند خدمتشان می‌رسیدم. همان موقع با ایشان نسبت به سازماندهی حوزه برادران دیگری در این امر مهم همکاری داشتند. بعد از فوت مرحوم آیةالله بروجردی جمعیتی تشکیل شد متشکل از ایشان و مرحوم آیةالله ربانی شیرازی رضوان الله علیه و آقایان امینی و آذری قمی و دیگر آقایان و به سازماندهی حوزه پرداختند که البته در آن زمان خصوصاً بعد از فوت آیةالله بروجردی و گرفتاری مبارزات و حساسیت دستگاه طاغوت نسبت به این آقایان خیلی موفق شدند و اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی با استناد به امر امام شورای مدیریت به ابتکار ایشان تشکیل شد و گروه خاصی برای مدیریت حوزه تعیین شدند که هم به اقدام و همت و پشتکار ایشان صورت گرفت.

فعالیتهای آیةالله منتظری پیرامون انقلاب اسلامی همراه با مدرسین و اساتید محترم حوزه انجام گرفت و باید بگویم که در صدر برادران اساتید حوزه ایشان قرار داشتند. در حوزهٔ علمیهٔ قم خواسته‌های امام را بدین صورت دنبال می‌کردند: رهبری که امام نسبت به مبارزات داشت در ایران برای اینکه گسترش پیدا کند از طریق جمعی از مدرسین و اساتید حوزه بود که در قم بودند. البته ما با برادران ارزنده و عزیز روحانی به وسیلهٔ ارتباطی که داشتیم مطالب پیامها، اطلاعیه‌ها و نوارها به وسیلهٔ علما شهرستانها در سراسر ایران پخش می‌شد و هر تصمیمی که از طرف حضرت امام بود، بعد از امام آقایان مدرسین و اساتید حوزهٔ علمیه قم بودند که خواستهای ایشان را منعکس و منتشر می‌کردند و عمل می‌شد. آن وقت در این قسمت در جمع اساتید حوزهٔ قم آن کسی که در صدر بود و نقش ارزنده داشت حضرت آیةالله العظمی منتظری بود. خاطرم هست که زمانی که امام از پاریس قرار بود به ایران تشریف بیاورند و بختیار مانع ورود حضرت امام شد، من در مدرسهٔ رفاه بودم. با تماسی که با پاریس گرفته شد مطرح کردند که امام فرموده‌اند اگر بختیار بیاید پیش من با همان عنوان نخست وزیری می‌پذیرم. حضرت آیةالله العظمی منتظری بود که فرمودند این نظر امام نمی‌تواند باشد. امام هرگز حاضر نمی‌شود بختیار را که آن موقع پست نخست وزیری داشت وقت ملاقات بدهند و بالاخره معلوم شد که نظر امام هم همین بوده و فرموده بودند اگر بختیار استعفا بدهد پس از استعفا حاضر به پذیرفتن او خواهد بود...

مجلهٔ *پیام انقلاب* طی مصاحبه‌ای که با آیةالله مؤمن انجام داده، از ایشان دربارهٔ حضرت آیةالله العظمی منتظری سؤال کرده و از ایشان خواسته است خاطره‌ای از معظم‌له بیان کند. ایشان در جواب ضمن شرح نحوهٔ آشنائیش با آیةالله منتظری گفته است:

«نقش ایشان در مبارزات و آشنایی و نزدیکی به افکار امام، باید بگویم که منحصر به شخص ایشان است و لااقل در حد موقعیت ایشان منحصر به شخص ایشان است، یعنی احیاناً شاید کسی باشد که آشنا به افکار امام باشد ولی موقعیت ایشان را نداشته باشد. یادم هست که در همان ایام صفر (۱۳۵۷ ش) که امام بنا بود از پاریس تشریف بیاورند. ما هم رفتیم تهران تا در استقبال ایشان شرکت کنیم. آنجا نهضت آزادیها از امام نقل کردند که صادق قطب زاده که واسطهٔ پاریسشان بود، که امام فرموده

است اگر بختیار پاریس بیاید ولو اینکه هنوز عنوان نخست‌وزیریش محفوظ باشد من او را می‌پذیرم. البته آنها می‌خواستند این را اعلام بکنند و حتی با روزنامه‌ها تماس گرفتند و یك متنی تهیه کردند که در روزنامه‌ها چاپ بکنند، که امام بختیار را بدون شرط استعفا می‌پذیرند. می‌خواستند از این مسئله سوء استفاده بکنند. اینجا بود که آقای منتظری شدیداً فرمودند که هرگز این فکر، فکر امام نیست و امام بختیار را با آنکه نخست وزیر باشد به حضور نمی‌پذیرد. چون سید جلال تهرانی را که قبلاً آنجا رفته بود شرط پذیرش ایشان این بود که باید از ریاست شورای سلطنت کنار باشد و شرط اینجا هم این بود. آقای منتظری هم می‌فرمود هرگز نمی‌پذیرد. روی این جهت ایشان تأکید کردند و مانع شدند از اینکه این مسئله در روزنامه‌های صبح فردا که می‌خواست منتشر بشود (چون نصف شب بود) ایشان مانع شدند و گفتند که با پاریس تماس بگیرید.» ـ *پیام انقلاب*، شمارهٔ ۱۰۲.

نظرات آیةالله‌سیدابوالفضل میرمحمدی عضو سابق شورای‌عالی‌قضائی ۶۳/٤/۲۰

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم. در فروردین ۱۳۲۰ شمسی که من به قم رفتم بعد از مدتی که با اساتید و علما و طلاب آشنایی پیدا کردم متوجه شدم که شخصی است دارای سن کم با جثه‌ای کوچك، مشغول تدریس است و علم منطق تدریس می‌کردند. درسی داشتند بسیار با سروصدا. شاگردان اشکال می‌کردند، استاد جواب می‌دادند، خیلی درس با سروصدایی بود. نسبت به آن زمان هم درس پرجمعیتی بود. پرسیدم استاد این درس چه کسی است؟ گفتند شخصی از نجف‌آباد اصفهان آمده با اینکه سنش کم است مشغول تدریس علم منطق است و شاگردان خوبی دارد. آن اوایل که بنده به قم رفتم ایشان را آن موقع این طور دیدم و از رفقا هم می‌شنیدم که شخصی از نجف‌آباد اصفهان آمده با همین مشخصات. با اینکه سنش کم است معروف به فضل است. این را هم از رفقا شنیدم.

بعد متوجه شدم استاد این درس پرسروصدا آیةالله منتظری است که آن زمان معروف بودند به «شیخ حسینعلی منتظری» و نام ایشان را این طور برای من ذکر می‌کردند.

فقیه عالیقدر آیةالله منتظری دارای فضایلی هستند و کمتر اشخاصی با بینش و آگاهی پیدا می‌شوند که به فضایل ایشان پی نبرده باشند. شجاعت ایشان و مجاهدات ایشان، صبر توانایی ایشان در مقابل مسایل و مصائب، وارادت او به امام امت و همین طور مواظبت ایشان از طلاب و رسیدگی به آنها و روا نمودن حاجات ایشان معروف و مشهور است. آنچه بنده می‌خواهم دربارهٔ زندگی ایشان بیان کنم یك سلسله مطالبی است که شخصاً اطلاع دارم و شاید عده دیگری هم از آن اطلاع داشته باشند. من سعی می‌کنم از مطالبی که مشهور است خودداری کنم و مطالب خاصی که خودم اطلاع دارم خدمت شما عرض کنم.

حضرت آیةالله منتظری اساتیدی داشتند که در تحقیق و کمالات اخلاقی معروف بودند. ایشان در ابتدای امر به محضر حضرت آیةالله مرحوم داماد تشریف بردند و مدتی در حوزهٔ درس ایشان مشغول تحصیل بودند. آیةالله داماد در میان اساتید آن زمان معروف به تحقیق بود. فضلش، تحقیقش و دقتش بسیار عالی بود.

یکی از دوستان صمیمی آیةالله منتظری، علامهٔ شهید آیةالله مطهری بود. این دو بزرگوار شنیده بودند شخصی است در بروجرد به نام آیةالله بروجردی که دارای فضایل زیادی است و تحقیقاتی در علم فقه دارد. این آقایان رفتند به بروجرد و مدتی در بروجرد خدمت آقای بروجردی، آنجا ماندند و بررسیهای کامل دربارهٔ فقه و تحصیلات و فضایل ایشان کردند و به مجرد اینکه حضرت آیةالله العظمی بروجردی به قم وارد شدند (شاید در حدود سال ١٣٦٤ قمری بود) فقیه عالیقدر دور آقای بروجردی را گرفتند و تا آخر ملازم درس ایشان بودند، به طوری که از خصیصین آیةالله بروجردی شدند.

آیةالله منتظری در درس آیةالله بروجردی و آیةالله داماد، هر دو اشکالاتی می‌کردند و مورد توجه قرار می‌گرفتند. به خصوص حضرت آیةالله بروجردی نسبت به ایشان علاقهٔ خاصی داشت. همین طور که فقیه عالیقدر نسبت به ایشان علاقه داشت.

فقیه عالیقدر بعضی از درسهای خارج آیةالله بروجردی را تقریر کرده‌اند که یادم هست در همان زمان طبع گردید و کتابهایی بود که مورد استفادهٔ طلاب قرار می‌گرفت.

مرحوم آیةالله بروجردی رویهٔ خاصی در تدریس علم فقه داشتند که اولاً اقوال قدمای علمای شیعه را نقل می‌کردند و روی آنها بررسی می‌کردند. بعد اقوال اهل تسنن را بررسی می‌کردند. سپس نظر می‌دادند. چندی قبل که من موفق شدم دو سه درس از درسهایی که فقیه عالیقدر ادا می‌کنند و رادیو پخش می‌کند گوش کنم، متوجه شدم ایشان رویهٔ آقای بروجردی را اتخاذ کرده و همان گونه که مرحوم آیةالله بروجردی تدریس می‌کرد. ایشان هم تدریس می‌کنند. و این بهترین رویه‌ای است که در تدریس فقه اجرا و اعمال می‌شود. برای اینکه دانستن اقوال اهل تسنن، در استنباط، بسیار نافع و مؤثر است. چون که ائمهٔ معصومین ما بیشتر فتاوا و فرمایشاتشان ناظر بر اقوال اهل تسنن است. بنابراین هر عالمی که در درس خارج خودش اقوال اهل تسنن را بیان کند بسیار در فهم مطالب ائمه مؤثر است و فقیه عالیقدر هم همین شیوه را دارند. علاوه بر نقل او که، اقوال قدما را نقل می‌کنند، اقوال اهل سنت را نقل می‌کنند و سپس خودشان به اتخاذ رأی می‌پردازند و نظر می‌دهند. این مطلبی بود که چندی قبل من پی بردم و خیلی خوشحال شدم.

همین طور فقیه عالیقدر در محضر امام امت تلمذ نموده‌اند. ایشان از بنیانگذاران درس خارج امام امت بودند. در علوم مختلف سالهای زیادی نزد امام تلمذ کرده و مطالبی در علوم مختلف از امام امت اخذ کرده و الآن که مطالبی از ایشان بروز می‌کند پیداست که از کجا سرچشمه گرفته است. خلاصه اینکه ایشان اساتیدی داشته که در دقت و در فقه مشهور بوده‌اند و درسهای پرجمعیتی داشته‌اند. فقیه عالیقدر در چنین حوزههایی درس خوانده و دریافت علم کرده است.

در رابطه با زهد ایشان هم جمله‌ای عرض کنم. ایشان با اینکه دوستانی از اصفهانی و غیر اصفهانی داشته‌اند که می‌توانستند وضع مادی ایشان را به طرز احسن اداره کنند، ولی در بخش دو شهر قم که بخش مستضعف‌نشین است زندگی می‌کرد که حتماً می‌دانید بخش دو طرفهای خاك فرج می‌باشد و چه اشخاصی آن جا ساکن بودند! ایشان در آنجا مدت زیادی مسکن داشتند و به یك حیاط سه اتاقهٔ خشت و گلی اکتفا کرده بودند و الآن هم کسی که به اندرون و وضع داخلی فقیه عالیقدر اطلاع داشته باشد

متوجه می‌شود که با یك میز کوچك و یك تشك یا پوستی پشت میز قرار می‌گیرد و تمام مطالب استفتائات و نطقها و سخنرانیها پیش‌نویسش در آن جا تهیه می‌شود، و به طرز همان طلبگی سابق فعلاً مشغولند، گرچه بیرونی ایشان در اثر سیاست و حفاظت و مطالب دیگر دارای زرق و برق است ولی مخصوص سیاست کلی مملکت و مخصوص سیاست حفاظت از ایشان است که به ایشان تحمیل شده است و واقعاً ایشان از این جریان زجر می‌کشند. دلشان می‌خواهد خیلی ساده باشند و مثل سایر طلبه‌ها به زندگیشان ادامه دهد.

مطلبی هم در رابطه با اولاد ایشان عرض کنم. ولد بزرگ ایشان مرحوم شهید محمد منتظری در شجاعت و فضل چنان بود که کمتر کسی پیدا می‌شود که با علما سروکار داشته باشد و از آن اطلاع نداشته باشد. فقط یك نمونه برایتان بگویم. یادم هست که جناب آقای منتظری همان موقع که در محله خاك فرج قم سکونت داشتند به وسیلهٔ دوستانش به محمد منتظری پیام می‌دهد که هر گاه محمد مایل به ازدواج باشد وسایل ازدواجش را فراهم کنم. این شخص پیام را به محمد می‌رساند. محمد در جواب اظهار می‌کند پدر من با چه وسایلی می‌خواهد برای من مقدمات ازدواج فراهم کند؟ آیا با مال شخصی خودش؟ قدرتی که از مال شخصی خودش داشته باشد و مرا به ازدواج برساند ندارد. لابد می‌خواهد از سهم امام خرجم کند. به پدرم بگو حالا که می‌خواهی با سهم مبارك امام خرجم کنی و وسایل ازدواج مرا فراهم کنی طلاب زیادی هستند که مقدم بر من هستند. اگر واقعاً دلش می‌خواهد وسایل ازدواج کسی را فراهم کند به آنها بپردازد. من انشاءالله در مراحل بعد. محمد چنین آدمی بود.

پس آیةالله منتظری شخصی است که اساتیدش آن آقایانی بودند که عرض کردم، دوستانش از قبیل علامهٔ شهید مطهری که مدتها با ایشان دوست و هم مباحثه بود. آن هم زهدش، این هم اولادش. در چنین محیطی به جاست که شخصیتی اینچنین شکل بگیرد و الآن در جامعه مشغول به خدمت باشند.

از خصوصیات فقیه عالیقدر این است که نهضتهای اسلامی چه در داخل و چه در خارج، این مستضعفینی که می‌خواهند آزاد زندگی کنند، ایشان کاملاً از آنها حمایت می‌کنند. تا بتوانند کمك می‌کنند. و باز هم از خصوصیات ایشان [تلاش برای] وحدت بین شیعه و سنی است که این هم همان طور که اطلاع دارید، هفته‌ای برای این کار قرار داده که مطالبی دربارهٔ وحدت گفته شود و این هم در جامعه و در وحدت افراد مسلمان بسیار نقش مؤثری داشته است. باز از خصوصیات ایشان که من اطلاع دارم وحدت بین روحانیون و دانشگاهیان است. بعد از آن که امام اشاره‌ای فرمودند فقیه عالیقدر مشغول کار شدند. و مطالبی که گزارش شده و نقل کرده‌اند، در این قضیه فقیه عالیقدر سعی بسیار داشته‌اند. خلاصه اینکه ایشان از نظر کارهای انقلابی و سیاسی و اجتماعی بسیار موفق بوده‌اند. طوبی له و حسن مآب. خوشا به حال ایشان. والسلام.

نظرات حجةالاسلام والمسلمین سیدکاظم نورمفیدی نمایندهٔ امام و امام جمعهٔ گرگان و نمایندهٔ مردم استان مازندران در مجلس خبرگان دوم. ۶۳/۹/۱۱

بسم الله الرحمن الرحیم. با سلام و درود بر امام بزرگوار روحی فداه و با سلام به امید امام و امت،

حضرت آیةالله العظمی منتظری مدظله العالی، این جانب حدود سالهای ٣٦ - ٣٧ در حالی که طلبهٔ جوانی بودم و بیش از پنج سال از عمر طلبگی‌ام نمی‌گذشت وارد حوزهٔ علمیهٔ قم شدم و تازه ادبیات را تمام کرده و می‌خواستم سطح فقه و اصول را شروع کنم. معمولاً در این دوران طلاب وقتی وارد حوزه می‌شوند مشتاقند شخصیتهای برجستهٔ را بشناسند و از نزدیك آنها را ببینند. این جانب نیز در همین صدد بودم و خیلی مایل بودم اساتید و بزرگان حوزه را زیارت کنم.

برجسته‌ترین شخصیتی که در میان اساتید و بزرگان حوزه بعد از حضرت امام روحی فداه و سایر مراجع فعلی جلب توجه می‌کرد معظم‌له بود.

معروف بود که ایشان از نظر علمی مورد توجه خاص مرحوم آیةالله بروجردی هستند. علم و تقوا و ساده‌زیستی معظم‌له زبانزد خاص و عام بود. یادم هست برای اولین باری که ایشان را زیارت کردم آنچه برای من در آن سنین خیلی جالب توجه بود سادگی و بی‌آلایشی آقا بود که مرا مجذوب کرد. وقتی می‌دیدم شخصیت برجستهٔ علمی و مهمی همچون ایشان در نهایت سادگی و صفا و مخصوصاً با گیوه مثل یك طلبهٔ معمولی رفت و آمد می‌کند برای من خیلی جالب توجه بود و از همان وقت نسبت به وجود مبارك ایشان ارادتی خاص پیدا کردم.

از چیزهایی که در زندگی تحصیلی همیشه برای من مایهٔ تأسف است این است که در دورانی که می‌توانستم از محضر پرفیض و با برکت درس معظم‌له استفاده کنم، ایشان به خاطر مبارزات پی‌گیر و همیشگی‌شان و به علت اینکه بعد از امام محور استواری برای انقلاب بودند یا در زندان و یا به حالت تبعید به سر می‌بردند و کمتر در قم تشریف داشتند، نتوانستم از این فیض عظمی بهره‌مند باشم و اکنون به حال فضلایی که افتخار شاگردی ایشان را دارند غبطه می‌خورم و آرزو می‌کنم ای کاش در این روزها قم می‌بودم و علماً و عملاً از محضرشان استفاده می‌کردم، هر چند از راه دور و به وسیلهٔ رادیو صدای جذاب و گرم و نظرات عمیق و دقیقشان آرام بخش دلهای جستجوگر و تشنه است.

توصیهٔ من به همهٔ فضلا و محصلین حوزهٔ علمیه ایدهم الله تعالی این است که محضر علمی ایشان را غنیمت بشمارند و این فرصت گرانبها را از دست ندهند.

بعد هم که نهضت اسلامی شروع شد و امام علم این مبارزه را به دوش می‌کشیدند، بعد از امام محور مبارزه معظم‌له بودند که پشتوانهٔ بسیار قوی و نیرومندی برای همهٔ مبارزین مخصوصاً فضلا و مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم بودند. خداوند وجود با برکت حضرت آیةالله العظمی منتظری را جهت زعامت انقلاب و حوزه‌های علمیه از گزند حوادث مصون و محفوظ دارد.

جواب این سؤال را که «رابطهٔ ایشان و امام چگونه است؟» من در قالب یك تنظیر بیان می‌کنم که هم گویاست و هم پرمعنا. هر چند این التراب و رب‌الارباب.

رابطهٔ حضرت آیةالله العظمی منتظری با حضرت امام روحی فداه همچون رابطهٔ علی با پیامبر عظیم الشأن اسلام است که اکثر آنچه را که رسول الله ص داشت علی علیه‌السلام اخذ کرده بود.

باید گفت بعد از حضرت امام حساس‌ترین نقش را در تکون و تداوم انقلاب حضرت آیةالله العظمی منتظری دارند. همهٔ کسانی که از روزهای اول انقلاب در جریان مبارزه قرار داشتند، خوب می‌دانند که در

شرایطی که حضرت امام در زندان و یا تبعید به سر می‌بردند و دست مردم و روحانیون مبارز از رسیدن به امام کوتاه بود گردش انقلاب بر محور معظم‌له بود. ملجأ و پناه همهٔ اقشار حاضر در صحنهٔ مبارزه ایشان بودند. فلذا بیشترین فشار رژیم منحوس پهلوی هم بر معظم‌له بود. رژیم برای اینکه به مرکزیت مبارزه لطمه بزند و آن را از هم بپاشند مرتب حضرت آیةالله العظمی منتظری را یا در زندان و یا در تبعید نگاه می‌داشت. این نقش را بعد از پیروزی انقلاب هم به خوبی مشاهده می‌کنیم.

دربارهٔ برخورد ایشان با مسائل انقلاب اسلامی، به نظر این جانب برخورد معظم‌له با مسائل انقلاب، امام گونه است؛ یعنی در سطح هدایت و حفظ کل انقلاب از انحراف و سقوط است. در مواقع حساس و شرایطی که برای انقلاب پیش می‌آید و مشکلات عمده‌ای انقلاب را تهدید می‌کند، رهنمودها و ارشادات ایشان امیدبخش و رهگشاست. در این جهت نمونه‌ها بسیار است که اشاره به آنها موجب تطویل می‌شود.

یکی از آرمانها و اهداف مهم جمهوری اسلامی اتحاد بین مسلمین در مقابل کفر و استکبار جهانی بوده و هست و در این رابطه فعالیتهای چشمگیری هم داشته که تا حدود زیادی نیز موفقیت آمیز بوده است. نقش حضرت آیةالله العظمی منتظری و برخورد معظم‌له با این مسئلهٔ اساسی حقاً مورد ستایش است. از نظر علمای آگاه اهل سنت هم پوشیده نیست و برخوردهایی که این جانب با علمای اهل سنت داخل و خارج و مخصوصاً علمای محترم ترکمن صحرا داشته‌ام علاقه و ارادت خاصی نسبت به معظم‌له دارند و ایشان را به عنوان امیدی برای جهان اسلام می‌دانند. هفتهٔ وحدت که قدم بسیار مؤثری در زمینهٔ اتحاد مسلمین بوده است از ابتکارات بسیار جالب حضرت آیةالله العظمی منتظری است که هر ساله از دوازدهم تا هفدهم ربیع‌الاول در داخل و خارج کشور مراسمی انجام می‌گیرد و مسلمین تجسم یکپارچگی را به کفر جهانی نشان می‌دهند.

برخورد آیةالله العظمی منتظری با گروهکهای ملحد و منافق بدین گونه بوده که نسبت به رده‌های پایین و ناآگاه ارشادی و هدایتگر بوده است و سعی می‌نموده‌اند که این قشر را از مرکزیت فاسد آنان جدا کنند و به خط مستقیم اسلام و انقلاب بازگردانند، و مؤثر هم بوده است. و اما در مورد مرکزیت ورده‌های بالا و مؤثر گروهکها طبیعی است که کوبنده و قاطع بوده است و جز این هم نمی‌تواند باشد.

در مورد تربیت شاگرد، به نظر من اساتید در حوزه‌های علمیه از جهت تربیت شاگرد به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول اساتیدی هستند که بین آنان و شاگردانشان صرفاً یك رابطهٔ خشك علمی برقرار می‌شود و اساتید برای شاگردان از این جهت محترمند ولی دستهٔ دوم آنهایی‌اند که علاوه بر این نکته رابطهٔ ارادت و عشق و محبت بین آنان پیدا می‌شود، که استاد، مضاف براینکه معلم است، مراد هم می‌شود و طبیعی است که دستهٔ دوم در تربیت شاگردان، اساتیدی موفق می‌باشند. حضرت آیةالله العظمی منتظری از بهترین اساتید دستهٔ دوم هستند که هم از نظر علمی در حد بسیار بالایی از دقت نظر و احاطه و سعهٔ بینش قرار دارند و شاگرد را سیراب می‌کنند و هم جهات معنوی و اخلاقی ایشان شاگرد را به ارادت و اخلاص وا می‌دارد. بنابراین معظم‌له در تربیت شاگرد بسیار موفق بوده و هست.

و بالاخره، همان طوری که در اوایل نوشتارم اشاره کردم مسئلهٔ تقوا و ساده زیستی از صفات

برجستهٔ حضرت معظم‌له بوده که تا آنجایی که من به یاد دارم از حدود سی سال قبل در حوزه‌های علمیه زبانزد خاص و عام بوده است و رابطهٔ ارادت این جانب به ایشان از همان جا شروع شده است و همیشه هم حضرت ایشان عامل و مبلغ این خط بوده و هستند. والسلام علیکم والرحمه.

نظرات حجةالاسلام والمسلمین علی اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی و نمایندهٔ مردم استان تهران در مجلس خبرگان دوم. ۱۳۶۲/۹/۱

بسم‌الله الرحمن الرحیم

آشنایی من با حضرت آیةالله العظمی منتظری در حوزهٔ علمیهٔ قم، وقتی که آنجا تحصیل می‌کردم، شروع شد. البته من در سطح ایشان نبودم و آشناییمان ابتدا از راه دور بود. یعنی ایشان یکی از فضلای به نام و مدرسین محبوب حوزه بودند و بنده تازه وارد حوزه شده بودم. فقط از خوبیها و تقوا و تهذیب و مراتب فضیلت ایشان می‌شنیدم، و چون در سطح ایشان نبودم طبعاً آشنایی رویارویی نبود. ایشان و آقای مطهری خیلی به فضل و علم و تقوا معروف و در آن موقع از چهره‌های محبوب حوزه بودند. آیةالله بروجردی، رئیس حوزه، بلکه رئیس مذهب شیعه بودند. آیةالله منتظری و مرحوم شهید مطهری از نزدیکان بسیار مورد علاقهٔ آیةالله بروجردی به حساب می‌آمدند. و این مسئله آن زمان در حوزهٔ قم مزیتی بود.

من کم‌کم یك مقدار درس خواندم و به مراتب بالاتر رسیدم تا امکان پیش آمد که به درس آیةالله منتظری بروم و وقتی که به حوزهٔ درسشان رفتم، با ایشان از نزدیك آشنا شدم.

ایشان استاد بی تکلف و بسیار صمیمی و دوست داشتنی ما بودند. من جزء طلبه‌هایی بودم که توی کلاس حرف می‌زدم. یعنی اگر ایرادی به نظرم می‌رسید در موقع درس از استاد می‌پرسیدم. بعد از درس هم می‌رفتم و با استاد صحبت می‌کردم تا مشکلات درسمان را رفع کنیم. طبعاً به درس ایشان به خاطر علاقه‌ای که به ایشان داشتیم بیشتر توجه می‌کردم. این بود که در همان روزهای اولی که به درس ایشان رفتم با ایشان از نزدیك آشنا شدم و آشنایی در آنجا طرفینی شد.

الآن یادم نیست اولین درسی که خدمت ایشان رفتم چه بود، ولی آنچه که مشخصاً یادم هست، درس مکاسب بود. در همان یکی دو درس اول با حرف زدن و با سؤالات بعد از درس با ایشان بیشتر آشنا شدم و ایشان هم با من و بعضی از همدرسیهایمان مثل آقای ربانی املشی و آقای شیخ حسن صانعی ـ که با آقای صانعی هم مباحثه بودیم ـ زود آشنا شدند و از آن موقع رابطهٔ ما با ایشان شروع شد.

آن روزها یکی از طرقی که توی حوزه بیشتر آدمها را مأنوس می‌کرد، میهمانیهایی بود که در سطح طلبگی برقرار می‌شد. شاگرد، استاد را دعوت می‌کرد و گاهی هم می‌رفتند خانهٔ استاد تحمیل می‌شدند. ما با آیةالله منتظری این رابطه را هم برقرار کردیم. می‌رفتیم منزل خدمتشان و ایشان را دعوت می‌کردیم و بدین جهت در صمیمیت خیلی پیش رفتیم. البته یك طرف استاد بزرگی بود و یك طرف شاگرد کوچکی.

در تابستان هم بعضی وقتها می‌رفتیم به نجف آباد و آنجا میهمان ایشان بودیم. گاهی در مسافرتها خدمتشان بودیم. یادم هست که در مسافرت به کوهرنگ، در منطقهٔ بختیاری، میهمان ایشان بودیم. از کسانی که در آن سفر بودند، شهید سعیدی، آقای ربانی، شهید مفتح، آقای صانعی و شاید شهید باهنر بودند. چند نفر از دوستان دیگر هم بودند اول رفتیم نجف آباد، بعد به میزبانی ایشان با یك جیپ که از دوستانشان گرفتند همگی رفتیم کوهرنگ دو سه روزی آنجا بودیم. تونل کوهرنگ و آبشار کوهرنگ را دیدیم. مقداری با مردم آنجا آشنا شدیم. رفتیم شهر کرد که آن موقع دهکرد می‌گفتند. بعد برگشتیم نجف‌آباد و آمدیم قم.

صمیمیت و دوستی با ایشان خیلی خوب بود. با اینکه سطحمان با ایشان نمی‌خواند، اما این نشان تواضع ایشان است که با شاگردان طوری بودند که گاهی مثلاً همراه دوستان هم مباحثه بعد از درس که نزدیکیهای ظهر تمام می‌شد با ایشان راه می‌افتادیم به عنوان اینکه اشکالات را بپرسیم، سؤال می‌کردیم، تا دم خانه‌شان می‌رسیدیم، آنجا دیگر با کوچك‌ترین تعارفی که ایشان می‌کردند می‌رفتیم خانه خدمتشان. همهٔ طلبه‌ها علاقه داشتند که با ایشان باشند. ما هم خیلی علاقه داشتیم. این آشناییهای دوران تحصیل تاکنون همین طور ادامه داشته و مراحل بالاتری را هم پیدا کرده و هر روزی که گذشته به ایشان نزدیکتر شده‌ایم. و درسمان هم خدمت ایشان همین طور ادامه داشت. مدتی مکاسب خدمتشان می‌خواندیم. بعد منظومهٔ مرحوم سبزواری را خدمتشان خواندیم. کفایه خواندیم. بعداً هم دیگر به طور متفرق استفاده‌های دیگری می‌کردیم. از جلساتی که ایشان به هر شکلی داشتند بهره می‌گرفتیم. من مقداری هم درس تاریخ خدمتشان خوانده‌ام. این دوستیها و این ارادتهایی که به ایشان داشتیم در دوران تحصیل، پایهٔ تحصیلی و رابطهٔ شاگرد و استادی داشت و در رابطهٔ مرید و مرادی، ایشان مراد ما بودند.

شروع مبارزات

مبارزات که شروع شد آیةالله منتظری یکی از مهم‌ترین شخصیتهای مبارز بعد از امام بودند. ایشان فرد دوم مبارزه بودند. همان گونه که امروز هم در کل کشور شخصیت دوم هستند، آن روز هم همین حالت بود. مبارزه که آغاز شد، چون ایشان و آقای مطهری از شاگردان بسیار نزدیك امام هم بودند و گاهی امام فرموده‌اند این دو نفر محصول عمرشان هستند، همین طور هم بودند، خیلی با امام صمیمی بودند. امام هم به اینها علاقه داشتند و از مریدان مخلص امام بودند.

در مبارزه دیگر نزدیکیمان خیلی بیشتر شد با آیةالله منتظری. چون طبعاً در مبارزه با رژیم شاه کسانی که با هم کار می‌کردند و محرم اسرار همدیگر می‌شدند نیاز به اعتماد بیشتر داشتند و این حالت، صمیمیت و علاقهٔ بیشتری را می‌آورد. همان طور که گفتم بعد از امام بیشتر نظرمان به ایشان بود و در مسائل مبارزه به ایشان خیلی اتکا داشتیم. امام هم سخت به ایشان اعتماد داشتند. از اول مبارزه وضع این طوری بود. با اینکه ایشان و آقای مطهری همیشه در همه جهت همراه بودند، در مبارزه ایشان از آقای مطهری جدی‌تر بودند. آقای مطهری تهران تشریف داشتند و ایشان قم بودند. در قم ما با ایشان

نزدیك‌تر بودیم و با ایشان مراوده داشتیم. در طول مبارزه هم ایشان بیش از دیگران در صحنه بودند و مخصوصاً وقتی که امام منتقل شدند به زندان و یا به ترکیه و عراق تبعید شدند مرکز اصلی مبارزه آقای منتظری بودند. یعنی مرجع امور مبارزه ایشان بودند. ما هم چون جزء ردهٔ اول طلبه‌هایی بودیم که در صف مبارزه قرار داشتیم با ایشان بیشتر نزدیك می‌شدیم.

در این مرحله هر چه پیش می‌رفتیم، من ارادتم به ایشان بیشتر می‌شد، چون شهامت ایشان، قدرت ایشان، عدم هرگونه خوفی غیر از خوف از خدا در وجودشان، سادگی و بی‌توقعی ایشان و رازداری که در ایشان می‌دیدیم، ما را بیشتر جذب می‌کرد.

این جریان همچنان رو به تکامل بود که حدود سالهای ٤٣ ـ ٤٤ در خدمت ایشان با جمعی از علما و فضلای قم برای مبارزه یك سازمان مخفی، به اصطلاح تشکیلات سری، درست کردیم که آنجا ما یك بعد دیگر در ایشان کشف کردیم و آن بعد تشکیلاتی بود که معمولاً در معمرین، چنین روحیه‌ای زیاد نیست. اما ایشان خیلی علاقه مند بود به این کار، به طوری که خودشان وارد تشکیلات شدند. ما یك هستهٔ اولیهٔ تشکیلات سری در حوزه درست کردیم که یازده نفر عضو داشت. ایشان بودند. آقای ربانی شیرازی، آقای قدوسی، آقای خامنه‌ای رئیس جمهور فعلی، اخویّ ایشان آقای سیدمحمد خامنه‌ای، آقای آذری قمی بودند بنده بودم و دو سه نفر دیگر که الآن در ذهنم نیست. این جمعیت تشکیل شد و اساسنامه برایش نوشتیم که اساسنامه‌اش لو رفت. بعضیها بازداشت شدند. از کسانی که بازداشت شدند، ایشان بودند. آقای ربانی شیرازی و آقای قدوسی هم بازداشت شدند.

من و آقای خامنه‌ای از قم به تهران آمدیم. دستگاه درست متوجه این تشکیلات نشد، چون که آقایان دربازجوییها فرموده بودند که ما برای نظم و اصلاح حوزه چنین تشکیلاتی درست کردیم. جنبهٔ سیاسی به قضیه نداده بودند و دستگاه هم قبول کرده بود. چند ماه بعد هم که من بازداشت شدم دربازجویی فقط یك اشاره‌ای کردند. معلوم بود که حساسیتی پیدا نکرده بودند. در صورتی که اگر حساسیت پیدا می‌کردند با همان پرونده می‌توانستند ما را لااقل به دو سه سال زندان محکوم کنند. چون آن را یك سازمان ضد سلطنتی به حساب می‌آوردند و طبق قانون آن روز حداقل سه سال زندان داشت. بعد ایشان با آقازاده‌شان شهید محمد منتظری بازداشت شده بودند که در همان بازداشت بود که ایشان را زجر و شکنجه داده بودند. محمد را در حضور ایشان هم شکنجه داده بودند که باعث شد از نظر عصبی روی ایشان اثر نامطلوب بگذارد.

ایشان از زندان آزاد شدند و من هم قبلاً زندان بودم. در این حالات ارتباط برقرار بود، چه در زندان که بودند با ما همدردی می‌کردند، بیرون هم که می‌آمدند همین طور. همکاری می‌کردیم و این همکاری تا زمان پیروزی انقلاب ادامه داشت.

خاطرات زندان

در زندان مدتی خدمت ایشان بودیم، اما یادم نیست که قبل از این زندان اخیر در خدمت ایشان بوده‌ام یا نه. آنچه یادم هست این آخرین زندان بود که ایشان محکوم به ده سال شده بودند و من در دادگاه

ابتدایی شش سال و در دادگاه تجدید نظر سه سال محکوم شده بودم. مدتی در زندان در خدمت ایشان بودم. البته ایشان را قبل از من دستگیر و به اوین آورده بودند. من را بعد از ایشان گرفتند و بردند کمیته و پس از مدتی که در کمیته بازجویی من تمام شد مرا هم به اوین بردند. در این مدت، هم ایشان و هم من در زندان انفرادی بودیم. البته دوران انفرادی ایشان طولانی بود. پنج شش ماه بود. و از من حدود یك ماه، یك ماه و نیم بود که در یك شب جمعی از ما را یك دفعه منتقل کردند به یکی از اتاقهای اوین. ما را از کمیته بردند و ایشان هم که همان جا بودند به هم رسیدیم. مدتها بود که ایشان را زیارت نکرده بودم و خبرهای وحشتناکی از تعذیب ایشان در زندان شنیده بودیم. من و آقای لاهوتی را با هم از کمیته بردند. وقتی به زندان اوین وارد شدیم مقررات ورودی انجام شد. در بخش بهداری اتاقی برای ما گرفته بودند. ظاهراً رژیم تصمیم گرفته بود ملاطفتی با روحانیون سطح بالای زندان بکند. بناداشت یك تظاهری به اسلام بکند. در شرایط دشواری قرار گرفته بود و حیله‌ای می‌خواست بزند. یك دفعه همهٔ ما را در یك اتاقی جمع کرده بودند. ضمناً اتاق را هم مجهز کرده بودند به گیرنده‌های قوی و حتی گیرندهٔ تلویزیونی هم گذاشته بودند. میکروفون مخفی گذاشته بودند که همهٔ کارها و اسرار ما را زیر نظر داشته باشند. چون جمع ما پس از مدتها به هم می‌رسیدند لابد حرفهایی ا هم می‌زدیم و آنها می‌خواستند کشف کنند. آیةالله طالقانی بودند، آیةالله ربانی شیرازی و آیةالله منتظری و آقای لاهوتی و آقای انواری بودند. من هم بودم. آقای انواری را از زندان قصر آورده بودند. ایشان از ده ـ پانزده سال پیش زندان بودند که از ده ـ دوازده سال پیش تا آن وقت ایشان را ندیده بودیم. آقای مهدوی کنی هم زندان کمیته بودند که یکی دو شب بعد ایشان را هم آوردند. ما آن شب، شب بسیار خوبی داشتیم. یکی از خاطرات بسیار شیرین من در تمام دوران زندگیم همان است که از انفرادی ما را یکدفعه منتقل کردند به اتاقی که این همه دوستان صمیمی و مورد علاقه با هم جمع می‌شدیم. شرایط رفاهی نسبتاً خوبی هم درست کرده بودند. لااقل توی آن اتاق تشك گذاشته بودند، نور حسابی بود، احترامی هم مأمورین می‌کردند. از لحاظ روانی مقداری آسوده بودیم. گرچه برایمان سؤال بود، از این جهت یك مقدار خیالمان جمع شده بود. و این شخصیتها را هم دور خودمان با هم می‌دیدیم. آن شب، شب خیلی زیبایی بود. از اول شب که وارد شدیم تا نیمهٔ شب ـ زمستان بود ـ نخوابیدیم. تفریح می‌کردیم، خاطرات زندان را می‌گفتیم و چون نمی‌دانستیم دوران این اجتماع چقدر خواهد بود، سعی می‌کردیم حرفهایی که باید به هم می‌زدیم، بزنیم. البته احتمال هم می‌دادیم که ضبط می‌شود. این بود که مراعات احتیاط هم می‌کردیم چیزی که رژیم از آن استفاده کند در پرونده‌ها مطرح نمی‌کردیم، یا جوری رفتار می‌کردیم که قابل استفاده برای دستگاه نباشد. آن شب آقای منتظری پایشان را نشان دادند که هنوز سیاه بود که موقعی که شلاق زده بودند خون دوانده بود و هنوز خوب نشده بود و آن حالت تشنجی هم که ایشان داشتند، قوی بود. چون تازه از انفرادی طولانی می‌آمدند. دوران توقف در آن اتاق در اوین طول کشید. تقریباً دو ماه همان جا بودیم. فقط یك بار ما را آوردند در کمیته ـ با دستبند. دوباره برگشتیم. بعد از مدتی هم ما را از آنجا منتقل کردند به زندان رسمی، یعنی به بند. چون آنجا بهداری بود برای مداوا آنجا بودیم. اکثر آقایان یا مجروح بودند یا مریض، که مقداری معالجه شدند، تا آمدیم توی بند یك. آنجا هم طولانی با هم بودیم.

حجةالاسلام والمسلمین هاشمی رفسنجانی در کنار آیةالله العظمی منتظری

بیش از دو سال توی بند یك خدمت آقایان بودیم که این دو سال را من باید از دوران خوب عمرم حساب کنم. افراد دیگری را هم به ما اضافه کردند. از گروههای مختلف، چپی، توده‌ایها، طوفانیها، منافقین، چریکهای فدایی خلق، متفرقه‌ها، از مذهبیها هم از هیئتیهای مؤتلفه، بازاریها، طلبه‌ها، از هر جا می‌آوردند. اما گروه ما گروه مشخصی بود و یکی دوتا اتاقی بود که جدای از دیگران بود. در این مدت ما هم شاگرد آیةالله منتظری بودیم و هم همبند ایشان بودیم و هم همرزم ایشان و توی یك اتاق با هم بودیم. شب و روز با هم بودیم. در حیاط کوچك زندان با هم قدم می‌زدیم. آن روزها روزهای خوبی برای ما می‌توانست باشد. من از ایشان، هم استفادهٔ علمی می‌بردم، هم استفادهٔ اخلاقی و هم استفادهٔ سیاسی. خاطرات بسیار زیادی دارم که هر قطعه‌اش می‌تواند گفتنی باشد. ایشان درس اسفار و درس خارج فقه می‌گفتند. این درسها را برای ما می‌گفتند و بحثهای متفرقه هم معمولاً شبها داشتیم که خودشان صحبت می‌کردند. گاهی به صورت دوری بود، یعنی هر کسی صحبت می‌کرد، و معمولاً ایشان بیشتر صحبت می‌کردند، که استفاده می‌کردیم.

ایشان نماز جمعه اقامه می‌کردند. چون نماز جمعه را واجب می‌دانند و نیز نظرشان این است که هر وقت مأمومین به هفت نفر رسیدند باید نماز جمعه بخوانند. توی زندان ما هفت نفر بودیم. نماز جمعه را شروع کردند. خطبه‌های نماز جمعه طبعاً باید مسائل سیاسی ـ اجتماعی باشد. وقتی که خطبه

می‌خواندند، خبر به رژیم می‌رسید. ساواك فشار می‌آورد که نماز جمعه را تعطیل کنند. بالاخره هم تعطیل کردند. ضمناً ایشان پیشنماز ما هم بودند. خاطراتی داریم از شوخیهایی در مورد نماز و درس و نماز جمعهٔ خودشان که جالب است. ایشان یك سادگی و بساطت خاصی در زندگی دارند. یك زندگی سادهٔ زندانی طلبگی که دیگر معلوم است! ملاقاتهایی بود. گاهی اوقات ملاقات نمی‌دادند. گاهی بعد از یك ماه می‌دادند. برای ملاقات ایشان می‌رفتند. بنا بود ملاقات حضوری باشد. حضوری ملاقات نمی‌کردند، برمی‌گشتند. منظره‌هایی پیش می‌آمد. مسئلهٔ محاکمه پیش می‌آمد و ایشان را به محاکمه می‌بردند. رژیم اصرار داشت که ایشان را تحقیر کند. می‌گفت ایشان لباس روحانیت نپوشند، لباس زندانی بپوشند. منظرهٔ دیدنی پیش می‌آمد. ایشان لباس زندانی می‌پوشیدند. دستهایشان را می‌خواستند ببندند. دستبند می‌زدند و می‌بردند. وقتی که از دادگاه بر می‌گشتند، این مسیر را تعریف می‌کردند. وصفی بود که همه داشتیم اما خاطرات ایشان جالب‌تر است که عرض می‌کنم. و باز تفریحایی که داشتیم، ورزشهایی که داشتیم، که باید اینها نوشته شود. حیف است که گم بشود. آخرین بار هم من از ایشان زودتر آزاد شدم. من ده روز دیگر مانده بود که دورهٔ زندانم تمام شود، فکر می‌کنم هیجدهم آبان تمام می‌شد، هشتم آبان به ما عفو دادند که به نظر خودشان پرونده سازی کنند و در پرونده‌مان عفو باشد. ده روز عفو دادند. گفتیم حاضر نیستیم برویم بیرون، اما چاره‌ای نبود، مرخص شده بودیم و از ایشان جدا شدیم و ایشان ماندند. بعدش هم خیلی طول نکشید. رژیم در آستانهٔ پیروزی انقلاب قرار گرفته بود و ایشان را هم آزاد کردند. از زندان که بیرون آمدند دوران جدیدی آغاز شد که به آن اشاره خواهم کرد.

رابطهٔ آیةالله منتظری با امام خمینی

آیةالله منتظری از نزدیکترین افراد به امام خمینی بودند؛ من فکر می‌کنم که باید اولین کس از نظر اعتماد و رابطهٔ روحی با امام حساب کرد؛ چون هم شاگرد نزدیك و نزدیك‌ترین شاگرد به امام، هم از لحاظ مبارزه که قسمت اخیر عمر امام را گرفته، همفکر و همراه امام بودند و مورد اعتماد ایشان. از نظر مبارزه و از نظر علمی من ایشان را فرد دوم کشور می‌دانم نسبت به امام.

فعالیتهای علمی ایشان در زمینهٔ تربیت شاگرد

همان طور که اول صحبتم گفتم ایشان مدرس بسیار محبوب و نیرومندی بودند. طلبه‌هایی که پای درس ایشان می‌آمدند جزء بهترین طلبه‌های حوزهٔ علمیه بودند؛ طلبه‌هایی که برای تحصیل و به خاطر معنویت، سادگی و بساطت ایشان جذب ایشان می‌شدند. حوزهٔ درس ایشان همیشه جزء بهترین حوزه‌های سطح خودش بود. چه موقعی که سطح می‌گفتند و چه موقعی که خارج می‌گفتند. البته درس امام از این لحاظ مقدم بود. در زمان مرحوم آیةالله بروجردی، عمومی‌ترین درس، درس آن مرحوم بود.

در درس امام شاگردهای درسخوان و مخلصی جمع می‌شدند. درس آیةالله منتظری شاگردهای مخلصی از همان تیپ شاگردهای امام، اما سطح پایین‌تر، جذب می‌کرد ـ هم درس فلسفه‌شان، هم درس فقه‌شان، هم درس تفسیرشان. ایشان در موضوعات مختلف درس می‌گفتند. اصول، فقه، فلسفه،

منطق، تفسیر و درسهای فوق برنامه‌ای می‌گفتند. آن روزها من با شاگردهایی که پای درس ایشان می‌نشستند آشنا بودم. خیلیهاشان شهید شده‌اند و رفته. تعدادی از آنهاشان که مانده‌اند مشغول خدمتند. عموماً شاگردهای ایشان از خدمتگزاران به اسلام و انقلابند، در هر سطحی، از ریاست جمهوری گرفته تا مجلس، دولت، نهادهای انقلاب، در سیاسی ـ عقیدتیهای ادارات، درحوزه، منبر، در مسؤلیتهای خارج، هر جا که می‌بینید، شاگردهای ایشان هستند. البته خیلیهاشان بعداً شاگرد امام هم شده‌اند، ولی به هر حال جزء شاگردهای ایشان به حساب می‌آیند و از جمله مسئولان مخلص انقلاب و کشور هستند.

به خاطر بیان خوبی که ایشان دارند و تبیین بسیار ساده‌ای که از مطالب می‌کردند، درسشان جاذبه‌ای داشت که آدم از درس ایشان خیلی استفاده می‌کرد. بنابراین یکی از خدمات بسیار مهم ایشان در بعد علمی این است که امروز شاگردان ایشان در کل میدان اجتماعی، تدریس تعلیمات اخلاقی و خدمات اجتماعی جزء ارکان انقلابند. بسیاری از ائمهٔ جمعه‌ای که شما می‌بینید، بسیاری از ائمهٔ جماعات، مدرسینی که در سراسر کشور هستند، از شاگردان ایشان هستند. من خیال نمی‌کنم امروز در حوزه کسی وجود داشته باشد که به اندازهٔ ایشان شاگرد خوب و فاضل داشته باشد و تاریخ آینده از محصول زحمات ایشان خیلی چیزها در خودش دارد.

مقام علمی آیةالله منتظری در جهان اسلام

این همه محصولات تربیتی ایشان که الآن در دنیا وجود دارد، در جهان اسلام اثر دارد. ایشان در علوم اسلامی یك دانشمند جهانی به حساب می‌آید، اما این که در کدام یك از علوم بیشتر تبحر دارد، شاید مهم‌ترین رشتهٔ ایشان فقه باشد. قسمت عمدهٔ کارشان روی فقه بوده و الحمدلله امروز دیگر رساله‌شان چاپ شده و به عالی‌ترین درجات علمی در این رشته رسیده است. هم تدریس دارند و هم رساله‌شان چاپ شده است. تعدادی از شاگردانش، هم مجتهدند هم در اصول در کنار فقه متبحرند. البته اصول از فقه جدا نمی‌تواند باشد. و چون ایشان حافظه‌ای بسیار قوی دارند و کمتر کسی را من دیده‌ام که حافظه‌اش این قدر قوی باشد، که جزئیات را در حافظه حفظ می‌کنند، در علم روایت و در علم رجال خیلی قوی هستند. از دوستانشان شنیدم و از خودشان هم شنیدم که در زمان مرحوم آیةالله بروجردی، آیةالله بروجردی یك ابتکاری داشتند در علم رجال که طبقه‌بندی کرده بودند رجال را به شکل خاصی و همین کمك می‌داد به ایشان در بحثها و در جلسات و دربرخورد با اسناد و روایات. اولین کسی که به سرعت فهمیده بود این رمز کار آیةالله بروجردی را آیةالله منتظری بود. و آیةالله بروجردی گویا یکی از نقاطی که جذب شده بود به آیةالله منتظری و علاقه مند شده بود به ایشان همین جا بود. البته این نقلیات بود، چون من خودم در جریان نبودم. یادم هست در همین زندان که بودیم، وقتی که اسم یك نفر از رجال حدیث می‌آمد، ایشان آنچنان مسلط بود که طبقات رجال را پشت‌سر هم می‌گفت. استاد او را و کسی را که این شخص از او روایت می‌کند و کسانی که از او روایت می‌کنند، خلاصه سلسلهٔ سند را ایشان خوب در خاطرشان بود و تسلط بسیار خوبی در طبقات رجال دارند. در تفسیر هم ایشان خیلی قوی هستند، یعنی احاطه روی *قرآن* دارند. در زندان هم فرصتی پیدا کردند، *قرآن* زیاد خواندند و زیاد

مطالعه کردند. قسمتی از *قرآن* را خوب حفظ کردند. یکی از چیزهایی که ایشان خیلی قوی هستند ادبیات است. ایشان در ادبیات بسیار دقیق هستند و کلمات را صحیح ادا می‌کنند و مسلط برقواعد صرف و نحو هستند و به خاطر حافظهٔ قوی در این رشته هم واقعاً نیرومند است و چون ایشان این درس را هم داده‌اند قوی هستند. ایشان به طور مکرر از قدیم ادبیات را درس داده‌اند. بسیاری از ابیات سیوطی را در این سن و سال حفظ دارند. *نهج‌البلاغه* هم از موضوعاتی است که موقعی در نظر ایشان بوده و مدتی هم درس داده‌اند و اخیراً به خاطر علاقه‌ای که دارند درس می‌دهند و از صدا و سیما پخش می‌شود. سلطهٔ بسیار خوبی هم در مطالب *نهج‌البلاغه* دارند. این علوم مربوط به طلبه‌ها را که در حوزه‌ها تدریس می‌شود یا در کنار درسها طلبه‌ها خودشان مطالعه می‌کنند یا در درسهای جنبی شرکت می‌کنند، ایشان در همهٔ این علوم و مطالب مربوط به کار خودشان، تسلط قوی داشتند و این برای آدم خیلی جذبه دارد. یعنی وقتی که آدم در محضر ایشان هست، یك بحثی که مطرح می‌شود جنبهٔ فقهیش قوی است، جنبهٔ اصولیش قوی است، جنبهٔ ادبیش قوی است. جنبهٔ اخلاقیش قوی است. یکی از چیزهایی که نگفتم مسئلهٔ علم اخلاق است که به طور کلاسیك و با سبکی که دارد، خوانده‌اند. معلمین بزرگ اخلاق را درك کرده‌اند و خودشان هم مجسمهٔ اخلاقند. یعنی اخلاق مجسمند. یکی از چیزهایی که با معاشرت با ایشان فهمیده می‌شود، وسعت اطلاعات عمومی ایشان است. این هم به خاطر حافظه‌شان است. اولاً اهل مطالعه‌اند، چون عمرشان را بدون هیچ گونه کار علمی نمی‌گذرانند. مطالعهٔ زیادی کرده‌اند. یك تسلط وسیعی دارند بر اطلاعات عمومی تاریخی، جغرافیایی که برای کارها مورد نیاز انسان است. در زندان گاهی مسابقه می‌گذاشتیم، دیگران سؤال می‌کردند و ایشان پاسخ می‌دادند. وقتی از کشورهای دنیا سؤال می‌شد، اسم پایتختشان را، اسم رئیس جمهورشان را، تاریخ اجمالیشان را، نقطهٔ جغرافیائیشان را و ویژگیهای دیگر مثلاً احزابشان را، همه را می‌دانستند و من مطمئنم که در این میدان به اندازهٔ ایشان، حتی کسانی که استاد این فن هستند و در دانشگاه تدریس می‌کنند. این قدر مسلط نیستند. اگر هم مسلط باشند، در حافظه‌شان این قدر چیز ندارند. همه چیز را ایشان از این جهت می‌دانستند، و این خیلی مهم است برای یك فقیه فیلسوف حامل علم اخلاق که عمرشان را در کار دیگر گذرانده‌اند و بر این مسائل هم تسلط داشته باشند.

از لحاظ جامعه‌شناسی و این گونه مسائل ـ نه علم جامعه‌شناسی ـ بلکه شناخت نیروهای موجود در جامعه هم خیلی مسلط‌اند. تقریباً همهٔ شخصیتهای اسلامی ایران را می‌شناسند، به خاطر اینکه ایشان چهل سال در حوزه بوده‌اند و چون موجودین کسانی هستند که آن موقع یا مدرس بوده‌اند و یا شاگرد و حالا در جامعه هستند، همهٔ اینها را از ریشه می‌شناسند، و چنین شناختی از افراد برای کارهای اجتماعی خیلی سرمایهٔ بزرگی است.

ایشان بعد از سال ٤٢ در دگرگونی وضعیت حوزه هم فعالیت داشته‌اند. همان طور که عرض کردم ایشان شخصیت دوم هستند، هم در علم، هم در مبارزه، و هم در مسائل اجتماعی، و از امام که بگذریم که همهٔ ما و خود ایشان از فیوضات امام کسب کرده‌ایم، بعد باید ایشان را اسم ببریم که این دگرگونیها حاصل زحمات ایشان است. البته همهٔ طلبه‌های مبارز سهم داشته‌اند، مدرسین سهم داشته‌اند، مردم

سهم داشته‌اند، ولی سهم ایشان را من به حق می‌دانم که باید در رتبهٔ دوم قرار داد ـ اول امام، بعد ایشان.

مبارزه با رژیم شاه

در دورهٔ مبارزه با رژیم شاه، آیةالله منتظری جزء پیشروترین چهره‌های این کشور بودند. و به حق بعد از امام از همه جلوتر بودند. هیچ وقت در مقابل مبارزه تردید نکردند. ما یك بار ندیدیم ایشان سستی نشان بدهند و یا تردید کنند که باید مبارزه کنیم یا نه. در سخت‌ترین شرایط، حتی وقتی که در سلول تنها بودند. بعد خودشان نقل می‌کردند که هیچ وقت به این تردید نیفتادند که راهی غیر از مبارزه وجود دارد. قاطع قاطع، و تا همه جا حاضر بودند. عمر ایشان از سال ٤١ که مبارزه شروع شد یا در تبعید گذشته یا زندان بودند. اگر هم توی خانه‌شان بودند تحت فشار بودند. درسش را ممنوع می‌کردند، نوشته‌هایشان را ممنوع می‌کردند، اعلامیه‌هایی که ایشان داشتند، سخنرانیهایی که ایشان داشتند، حرفهایی که ایشان مخصوصاً در نجف‌آباد زدند، حرفهایی که در قم نمی‌شد زد، در نجف‌آباد آنچنان مردم را بارآورده بودند که ساواك آنجا هیچ راهی نداشت که بتواند مردم را تسلیم بکند. چون یکی از پایگاههای مبارزه را به نجف آباد کشانده بودند. و در همه جا ایشان را در همهٔ ابعاد مبارز و پیشتاز می‌دیدیم.

فعالیتهای ایشان در حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب

فعالیتهای آیةالله منتظری در این زمینه دیگر مشخص است و از ما نباید بپرسید، چون حضور ایشان بعد از انقلاب برای همه مشخص است. ایشان همچنان شخصیت دوم جمهوری اسلامی هستند و می‌بینید که در حوزه چه تأثیری دارند. طلبه‌ها، چه استفاده‌هایی در حوزه از ایشان می‌کنند. می‌بینید که مصاحبه‌هایشان و اظهاراتشان و نوشته‌هایشان و کل درسهایشان در انقلاب چقدر تأثیر دارد. مردم چقدر به ایشان امید بسته‌اند. می‌بینید در تمام مسائل سیاسی، اجتماعی، اخلاقی که ما الآن داریم، اظهار نظرهایشان چقدر مهم است. ما در مشکلات بسیار سختمان به ایشان مراجعه می‌کنیم. ایشان با اظهاراتی که می‌کنند، راهنماییهایی که دارند، خیلی از مشکلات را حل می‌کنند و خیلی از کارها را هدایت می‌کنند، و باید بگوییم که انقلاب در این پنج ـ شش سال بعد از امام، کاملاً به حضور ایشان بستگی داشته است. در تشکیل شورای انقلاب، بعد در مسائل مربوط به دولت، بعد در پیروزی و همهٔ این مسائلی که داشتیم، یکی از مراکز مهم تصمیم‌گیری را ایشان می‌دیدیم و به حق باید همین تعبیر امید امت و امام را ما هم تکرار کنیم.

آیةالله منتظری و مسئلهٔ جنگ تحمیلی

ایشان اصولاً اهل مبارزه است. یعنی وجود ایشان را آدم وقتی که تحلیل بکند و تجزیه بکند می‌بیند یك بخش عظیمش را جهاد و مبارزه و تهاجم به کفر و مبارزه با کجیها و ستمها اشغال کرده است. در جنگ، ایشان همیشه نظرات بسیار خوبی داشته و در این مسائلی که الآن هست با ایشان هم مشورت می‌شود.

در تعیین خواسته‌های ما که در مقابل صدام مطرح می‌کنیم، در کیفیت جنگیدن، در بسیج نیروها، در تأمین امکانات، در حل مسائل جنگ، با ایشان مشورت می‌شود. ایشان نظر می‌دهند، یا خودشان نظراتشان را می‌فرستند و اعلام می‌کنند. باید گفت که یکی از پایه‌های قاطعیت جمهوری اسلامی در این جنگ حضور ایشان و نظرات ایشان است.

صدور انقلاب اسلامی

ایشان را باید یکی از پایه‌های اصلی فکر صدور انقلاب به حساب بیاوریم. البته شاید کلمهٔ صدور زیادگویا نباشد. انقلاب در هر جایی باید از بطن خودش بجوشد. انقلاب صادر کردنی به این معنا نیست. مسئلهٔ نفوذ فکر انقلاب اسلامی ایران به سایر کشورها است که به خاطر جاذبه‌هایی که دارد نفوذ می‌کند و دیگران از این جا الهام می‌گیرند. آن وقت باید از درون خودشان بجوشند تا انقلاب به وجود بیاید. کلمهٔ صدور اینهمه معنی را نمی‌رساند و الآن افتاده سر زبانها و متداول شده است. اما باید گفت نفوذ و گسترش انقلاب اسلامی، قبول انقلاب اسلامی از طرف ملتهای دیگر است. ایشان همیشه معتقد بودند که این انقلاب محدوده‌اش ایران نیست و جهانی است. باید به هر جا که مسلمانها هستند برود. باید هر جا مستضعفین هستند برود و باید جوری کنیم که دیگران بتوانند از آن استفاده کنند. می‌دانید که فرزند شهیدشان ـ محمد ـ یکی از کسانی بود که اصلاً زندگیش را این جوری تنظیم کرده بود که کار کند برای گسترش انقلاب اسلامی و این موضوع با همگامی و همراهی آیةالله منتظری بوده که او قبول داشته در این راه کار کند و ایشان هم همیشه در اظهاراتشان این مسئله را تأیید می‌کنند.

وحدت امت اسلامی

از قدیم که ما با ایشان صحبت می‌کردیم همیشه طرفدار این بود که ما اگر بخواهیم در دنیا، اسلام را به عنوان یك مکتب حاضر داشته باشیم، باید امت اسلامی متحد باشند. لااقل قسمت عمدهٔ نیروهای اسلامی باید متحد باشند. با تفرقه نمی‌توانیم این کار را بکنیم. به هر مقدار متفرق باشیم، نقشمان ضعیف‌تر است و ایشان به این تز عقیده‌مند بود و همیشه تلاش می‌کرد با سایر فرق اسلامی متحد باشیم و وقتی ایشان تبعید می‌شوند به جاهای مختلف، مناطق سنی‌نشین، چون این جاذبه را داشتند، بسیاری از آنها را جذب کرده بودند به مبارزه و به فکر خودشان و طرفدار وحدت امت اسلامی بودند و حالا هم هستند. عملاً این مسئله را همیشه تأیید می‌کنند و برای این کار مایه می‌گذارند و در رسیدن به این هدف فعالیت می‌کنند. می‌بینید که ایشان الآن فکر تأسیس دانشگاه عالی اسلامی برای طلبه‌های اهل سنت را تعقیب می‌کنند. ایشان الآن به طلبه‌های اهل سنت شهریه می‌دهند. می‌دانید در مراکز اهل سنت و مناطق آنها نماینده دارند و دربارهٔ مسلمانان خارج از کشور هم همین طور فکر می‌کنند. از لحاظ سیاسی هم برخوردشان این است که باید کشورهای اسلامی را با خودمان همراه بکنیم و این فکر و این طرز برداشت مطمئناً برای آیندهٔ اسلام آثار بسیار ارزنده و تابناکی را خواهد داشت.

برخورد با گروهکهای محارب ومخالف

در مورد برخورد با گروهکهای محارب و مخالف، ایشان نظرهای بسیار معتدل عملی قابل قبولی دارند. چون ایشان از کسانی است که آنها را خوب می‌شناسد. ایشان از بیست سال پیش با آنها برخورد داشته‌اند. با چپروترینشان تاراسترو ترینشان در زندان مدتها معاشرت داشته‌اند. با توده‌ایها، فداییها، منافقین، با سایر گروهکهایی که بودند، توی یك سلول، توی یك بند، کتابهایشان را خوانده، جزواتشان را خوانده، اعلامیه‌هایشان را دیده، و افکارشان را خوب می‌دانند. توی زندان که بودیم، مدتها برخورد داشتیم. خودشان با آنها مثل یك پدر برخورد می‌کردند. موضع نصیحت آمیز دارند و دلشان می‌خواهد آنها را هدایت کنند و نگذارند آنها منحرف بشوند. آنها اگر منحرف هستند لگد به سینه‌شان نخورد که منحرف‌تر بشوند و طردتر بشوند. این برخورد اولیهٔ ایشان است. در زندان هم همین طور بودند. سعی می‌کردند اینها را هدایت کنند. حالا هم عملاً همین طور هستند. میل دارند به آنها مهلت بدهیم که برگردند و با مردم باشند. آمادگی دارند با آنها بحث کنند و آنان را هدایت کنند و روشنگری کنند که این کارها را توی زندان می‌کردند و حالا هم در بحثهایشان همیشه اشاره دارند. طرفدار این نیستند که اینها را با زور خفه کنیم. توی مرحلهٔ عملی قضیه می‌بینیم وقتی که کار به محاربه کشید و آنها دست به ترور زدند و به فکر براندازی حکومت اسلامی افتادند و تا آنجا پیش رفتند که می‌دانید، خوب، طبعاً مرحلهٔ سرکوب ایشان را باز تا حدی که راه برای بازگشت آنان هموار شود تجویز می‌کنند. همین عملی که جمهوری اسلامی می‌کند. من همین قدر می‌دانم ایشان با فشار آوردن زیاد و خفقان ایجاد کردن، جوری که نسبت به آنها ایذاء باشد مخالف هستند. دلشان می‌خواهد با محبت با آنها برخورد کنیم. البته آنجایی که قانون کیفری را از لحاظ اسلام حتمی کردند باید اجرا شود، اما به هر حال ایشان بیشتر به توضیح و هدایت وبرخورد محبت‌آمیز برای جلب احساسات آنها، که نوعاً احساساتی هستند، تأکید دارند و همیشه توصیه‌شان به مأمورین و به ما همین است. حالا ایشان یك گروهی را مأمور کردند از فضلای حوزه که که اینها بروند به زندانها و تماس بگیرند و عملاً مشکلات زندانیها را حل کنند و احیاناً اگر کسانی مظلوم هستند، نجاتشان بدهند. آنها را که تائب هستند بیرون بیاورند و اگر راهی برای برگشت آنها هست ارائه دهند. ما هر وقت با ایشان هستیم، یکی از چیزهایی که خیلی ایشان را ناراحت می‌کند این است که می‌گویند جمعی از جوانان کشور منحرف شده‌اند و ممکن است بعضیها با کارهای تند جلو برگشت آنان را بگیرند.

در مورد کردستان هم همین است. اول سعی می‌کنند گروههای منحرف کردستان را جذب کنند ولی در سرکوبی اشراری که اصلاح ناپذیرند، مثل دیگران قاطعند، همان طور که در جنگ قاطعند. ایشان، هم در جنگ و هم در کردستان نسبت به کسانی که قصد آشوب دارند و نمی‌خواهند کار به صلاح برسد، قاطع برخورد می‌کنند و نسبت به کسانی که امید اصلاح درشان هست، روش محبت‌آمیزی دارند.

علاقه به نهضتهای رهایی بخش

در مورد علاقهٔ ایشان به نهضتهای رهایی بخش اسلامی باید گفت این مربوط می‌شود به همان

گسترش انقلاب اسلامی که صدور انقلاب اسم گرفته است. ایشـان یکـی از حـامیان نهضـتهای آزادیبخش هستند. می‌دانید که حساب بانکی برای آنها باز کردند و پول جمع کردند. خـودشان هم از پولهایی که دارند می‌دهند و هم به ما تأکید می‌کنند به اینها کمك کنید، حمایت کنید. فکـر هم می‌دهند. شاید اصلاً محور اصلی این فکر در ایران ایشان باشند. در زمان حیات فرزندشان، محمد منتظری، عملاً محمد آقا توی این محور بودند ـ البته با هدایت پدرشان. چون فکر اصـلی را ایشـان دارند. البته همهٔ ما هم داریم، اما فکر می‌کنم ایشان بیشـتر از ما روی این مسئله جـوش و خـروش نشـان می‌دهند. و نهضتهای اسلامی هم سخت به ایشان علاقه مندند و ایشان را مرجع خودشان می‌دانند.

ارتباط مجلس شورای اسلامی با آیةالله منتظری

آن اکثریت قوی خط امامی مجلس شورای اسلامی از مریدهای آیةالله منتظری هسـتند و اگر بدانند که ایشان نظری دارند، بی شك در رأیشان و فکرشان اثر می‌گذارد. در مسائل مهـم مملکتی هم هر جـا که پیش آید، در لوایح بسیار مهم، سعی می‌کنند نظرات ایشان را بفهمند و اگر نظر ایشان در جمع نماینده‌ها مطرح شـود یکـی از عوامل رأی آوردن آن مطلب می‌شـود و ایشـان هم وقتی بدانند که مسئله‌ای در مجلس مطرح است، نظر خودشان را می‌گویند، حال یا در مصاحبه‌هاشان می‌گویند و یا پیغام می‌دهند که به ما برسد. ایشان ناظر بر مجلس هستند و کوچك‌ترین مسئله‌ای که در مجلس می‌گذرد و ایشان نظری داشته باشند، به ما اطـلاع می‌دهند و همیشـه از مجلس حمایت کرده‌اند و مجلس هم سـخت به ایشـان علاقه مند است و این چیزهایی است که روشن شده و خیلی لازم نیست که من بگویم.

مجلس خبرگان و قانون اساسی

یادتان هست که ایشان رئیس مجلس خبرگان بودند و حضور ایشان در مجلس خبرگان بسیار مهـم بود. چون هیچ کس روی تقوا و علمیت آقـای منتظری نمی‌تواند شـك بکند و از این جهـت وقتی حضـور داشتند، اعتباری بودند برای مجلس خبرگان.

توی آن مجلس خیلیها بودند که اعتبار بودند برای مجلس خبرگان و قانون اساسی، اما ایشـان مهـم بودند. ایشان به خاطر همان فکـر عمیق اسـلامی و اجتماعی و جهـان‌بینی اسـلامی که دارند در تدوین قانون اساسی خیلی نقش داشتند و نظرات ایشان باید گفت یکـی از پایه‌های اصـلی شکـل گرفتن مواد مهم قانون اساسی است. هم روحیهٔ آزادیخواهی و دمکراسی خواهی ایشان، روحیهٔ تشکیلاتی ایشـان، روحیهٔ قانون پذیری ایشان، روحیهٔ نظم پذیری ایشـان، روحیهٔ جهـانی کردن اسـلام و روحیهٔ اسـلامی کردن کشور و همهٔ این مایه‌های اسلامی که در قانون اساسی هست، من نمی‌گویم منحصـر به ایشـان است، ولی ایشان جزء عوامل اصلی شکل گرفتن این قانون اساسی بودند. بی جهت هم نبود که ایشـان را رئیس انتخـاب کردند. اینهمه علمای معمر بودند توی مجلس خبرگان، شـخصیتهای عظیمی مثل آیةالله صدوقی، آیةالله مدنی آیةالله طـالقانی و بزرگان دیگـری که بودند ایشـان شـدند رئیس و آیةالله بهشتی شدند نایب رئیس.

مسائل اقتصادی کشور

در زمینه‌های اقتصادی، نظرات ایشان بسیار کارساز است. ایشان نظراتی دربارهٔ زمین، زکات، خمس، مالیات، انفال، اصل ولایت و حد ولایت دولت اسلامی درکارهای اشتغالی دارند که این نظرات بسیار مهم است در این زمان و برای آیندهٔ کشور و ادارهٔ کشور ما. من این نظرات را بسیار کارساز می‌دانم و فکر می‌کنم خداوند ایشان را ذخیره کرده که برای حل مشکلات اجتماعی اسلام که از قرنها پیش به خاطر اینکه نگذاشتند فقه اسلامی در دنیا تبلور خودش را پیدا بکند، در زمان مناسبی ایشان بتوانند فقه اسلام را احیا بکنند.

من در این مسائل با ایشان توی زندان بحث کردم، در بیرون زندان هم خدمتشان بودم. پای درسشان بوده‌ام و پایه‌های فکری ایشان را در این جهت می‌دانم. مشخصاً خطابه‌های ایشان را در ملکیت زمین، تملك منابع طبیعی، حقوق دولت و ولایت وصی دولت و در مسئلهٔ زکات و خمس و نماز جمعه و خیلی چیزهای دیگر. در زمینهٔ مسائل اقتصادی ایشان مطالبی دارند که تحقیقاً می‌تواند چیزهایی که به عنوان مشکل در جامعهٔ ما الآن مطرح است حل بکند و راهگشا باشد. و من بسیار امیدوارم که با تکیه برفتاوای ایشان، ما می‌توانیم قوانین اقتصادی مطابق با نیازهای کشور و جامعه را تدوین کنیم. والسلام.

نظرات آیةالله حاج سیدمهدی یثربی، امام جمعهٔ کاشان و نمایندهٔ مردم اصفهان در مجلس خبرگان. ۱۳٦٤/۱۱/۵

رابطهٔ من با آیةالله منتظری از تاریخ ۱۳٦۳ هجری قمری شروع شد ـ زمانی که بنده تازه برای تحصیل مقدمات از کاشان به قم آمده بودم. بر حسب تصادف اتاق حجرهٔ ما با حجرهٔ شهید بزرگوار، مرحوم آیةالله مطهری، مجاور بود. حد تحصیل من خیلی پایین بود. ابتدای مقدمات بودم. در آنجا می‌دیدم صبح که می‌شود مرحوم آیةالله آقا سیدمحمد داماد در آن حجره تشریف می‌آوردند و تدریس می‌کنند. همان وقت متوجه شدم از جمله شاگردان ایشان یکی حضرت آیةالله منتظری است که در آنجا ایشان به عنوان شیخ حسینعلی نجف‌آبادی مشهور بودند و هر صبح به آن اتاق تشریف می‌آوردند و معلوم بود که با مرحوم آقای مطهری نیز هم بحث هستند. به تدریج آقایان مرا شناختند. اما نه به عنوان شخص خودم بلکه به این عنوان که با مرحوم آیةالله آقای آقا سیدعلی یثربی رضوان الله تعالی علیه اخوی هستم و چون آقایان نسبت به معظم‌له شناخت داشتند تمایل پیدا کردند که سفری به کاشان انجام دهند. ما در آن سال در خدمت ایشان حرکت کرده به کاشان آمدیم.

ایام عاشورا بود. به اتفاق، خدمت مرحوم آیةالله اخوی اعلی الله مقامه رفتیم و آقایان خودشان را معرفی کردند. اما در مجلس بیشترین بحث به وسیله آیةالله منتظری می‌شد و مرحوم اخوی که از علمای بحاث بودند شروع به حال و احوال پرسیدن از ایشان کردند. خوب یادم است می‌گفتند من و آقای مطهری تازه به درس مرحوم صدر ـ که در آن روز حیات داشتند ـ می‌رویم و وضع تحصیلشان را توضیحاً گفتند. از مرحوم آیةالله آقاشیخ ابراهیم ریاضی نجف آبادی رحمة الله علیه هم ذکر می‌کردند.

گفتند ما با آقای مطهری تابستانها حرکت می‌کردیم، از جمله یك تابستان هم بروجرد رفتیم. (در آن تاریخ مرحوم بروجردی هنوز به قم نیامده بودند.) و مرحوم آیةالله بروجردی معالم را به آقازاده‌شان مرحوم آقاسیدمحمد حسن درس می‌دادند که مرحوم اخوی گفته است لابد معالم عادی نبوده. ایشان گفتند بله معالم، خیلی عمقی بود. از جمله یادم است که آقایان اظهار می‌کردند یکی از تابستانها به اتفاق آقای مطهری به اصفهان رفتیم و همهٔ تقریرات شیخ را که در اصول است با هم مباحثه کردیم. معمولاً تقریرات، کتابی خواندنی نیست، بلکه کتابی مطالعاتی است و لیکن آقا می‌فرمودند که ما این تقریرات را در یك تابستان کاملاً مباحثه کردیم. جالب آن بود که این سفر برای ایشان تقریباً سفر تبلیغی بود ولیکن همت و وقت شناسی و پشتکار تحصیلی ایشان را خوب به خاطر دارم که به مرحوم اخوی فشار آوردند که مناسب است در این چند روز بحث ترتب را که یکی از مباحث اصول است برای من بیان کنید، ولی ایشان استنکاف می‌کردند. ظاهراً معلوم شد که بحث ترتب را هم در همان ایام پیش ایشان می‌خواندند. همچنین حضرت ایشان در همان مدت کوتاهی که بودند بنا داشتند به این طرف و آن طرف بروند و یادم است که به یکی از بخشهای کویر رفته بودند. در آنجا یك روحانی سید بود که حالت صوفی منشانه‌ای داشت و خوب، یك روحانی که در محلی مسلکی اختیار کرد، خلق‌الله هم به طرف او کشیده می‌شوند. در آن مدت کوتاه از قراری که معلوم شد، ایشان می‌رفت و با آن آقا صحبت می‌کرد و بالاخره او را بر گرداند و او را وادار کرد از مرحوم آیةالله سیدابوالحسن تقلید کند، و این حرفها و حدیثها را هم کنار بگذارد و گویا رسالهٔ آقاسید ابوالحسن را تهیه می‌کنند و به ایشان می‌دهند. از آن وقتها ایشان از بدعت و این جور مسائل ناهی بودند. دیگر اینکه در آن زمان، سفر ایشان سفر تبلیغی بود و از اینکه یك ملا پیدا کردند که دنبال بحث ترتب را بگیرند به دست می‌آید که هیچ وقت نمی‌خواستند عمرشان را ضایع کنند. از اینجا استفاده می‌شود که در آن تاریخ شرایط ایشان چه جور بود. بالاخره عاشورا تمام شد. ایشان حرکت کردند و به قم رفتند. بعد هم که ما به قم برگشتیم، این منشئی برای آشنایی و صداقت ما با ایشان شد که نهایت محبت را داشتند، و به تدریج آشنایی به اینجا کشیده شد.

آقای مطهری و ایشان و یك عده از فضلا خیلی در فکر بودند که مرحوم آقا میرزا سیدعلی را از کاشان به قم منتقل کنند، با آن سوابقی که ایشان در عهد مرحوم شیخ داشته و بعد از درس آیةالله شیخ عبدالکریم حائری رضوان الله علیه درس بعدی درس مرحوم آقا میرزا سیدعلی بوده که اکثر افاضل آن دوره از جمله حضرت امام و مرحوم آقای داماد و نوع فضلا از درس ایشان بهره‌مند بودند و این خیلی آشکار است.

آقایان از بس به تحصیل علاقه داشتند می‌گفتند حیف نباشد که یك ملا، این چنین با سواد کنج کاشان بیفتد، آن هم با فاصلهٔ کمی که با قم است.

این دوبزرگوار، یعنی شهید مطهری و حضرت آیةالله منتظری خیلی مصر بودند که ایشان را به قم بیاورند و نشد که نشد تا بالاخره مرحوم آیةالله بروجردی را با آن خصوصیات وارد قم کردند. تصادفاً مرحوم اخوی سفری به قم آمدند و آیةالله منتظری و مرحوم آقای مطهری و یك عده از فضلای دیگر به ایشان اصرار کردند که چند وقتی در قم بماند. ایشان هم می‌گوید عیبی ندارد، و درس برائت را در

فیضیه شروع می‌کنند. من آن روز قم نبودم ولی آن طور که نقل می‌کردند بیشترین سخن پای منبر از ناحیهٔ حضرت آیةالله منتظری بود و خلاصه ایشان و آقای مطهری در آن جلسه، مجلس آرا بودند.
متأسفانه این بحث چون مصادف می‌شود با فوت مرحوم آیةالله آقا سیدابوالحسن، خیلی طول نمی‌کشد و تعطیل می‌گردد.
حاصل عرضم این است که این رابطهٔ بنده نسبت به حضرت آیةالله منتظری بود که بیشتر بر محور عملیاتی که مطلوب ایشان بود می‌چرخید. ایشان خیلی اصرار داشتند که حوزهٔ قم را بیش از پیش آبرومند کنند. بعدها هم ایشان در روال دیگری بودند و ما سعادت خیلی کوتاهی داشتیم. چون اوایل، کفایه را نخوانده بودیم، یکی دو درس کفایه را با یکی از دوستان در عشقعلی قم از ایشان اصرار کردیم ولی فقط دو روز توانستیم استفاده کنیم و بعد دیگر حریفشان نشدیم. این مقدار شاگردی ما نسبت به ایشان در آنجا بود. بعد حوزه بود و ایشان در ردهٔ بالا مشغول بودند و ما هم در همان محدودهٔ خودمان؛ تا فوت مرحوم اخوی پیش آمد، که برای همه مخصوصا برای ایشان و مرحوم آقای مطهری و اشباه اینها تأسفبار بود و بالاخره ما هم از آنجا به کاشان منتقل شدیم. کم‌کم دورهٔ نهضت اسلامی در سال ٤١ - ٤٢ پیش آمد. البته من آن موقع قم نبودم ولی آنچه از بیرون اطلاع داشتم وجود معظم‌له بهترین معاضد و معاون حضرت امام در مسائل انقلاب بود و دنبالهٔ آن نیز سایه به سایهٔ ایشان در حرکت بود و از موضعی که امام و ایشان داشتند هیچ عدولی نکردند و این چیز خیلی آشکاری است. همان طور که همه می‌دانیم مسئلهٔ تبعید و زندان و همهٔ مشکلات و مسائل، دنبالهٔ همان ایدهٔ ایشان بود و در این که ایشان به هیچ وجه بوی سازش به مشامشان نخورده بود، هیچ گونه بحثی نیست، همان گونه که امام. این اجمالی از تاریخچهٔ شخصیت والای ایشان است که من اطلاع دارم.

زمانی که حضرت امام هنوز به ایران نیامده بود، در همان وقتی که انقلاب می‌خواست پیروز شود و سروصدا بلند بود، یکی از خواسته‌های عامهٔ مردم همان خلاصی ایشان بود. همهٔ مردم توجه داشتند آن استخوان بندی که بالاخره بتواند حالات معاونت امام را داشته باشد معظم‌له هستند، به خصوص آن روز. انقلابیون مختلفی چه از معممین و چه از غیر معممین، خودشان را نشان می‌دادند؛ ولی آنچه برای اهل فضیلت واقعاً موجب اعتماد بود شخصیت ایشان بود. زیرا از امتحاناتی که در زندان دادند پیدا بود. کسی که با انحرافات انقلابیون آن زمان مقابله داشتند و می‌گفتند اینها مسیرشان کج است، ایشان بودند و بیشتر رعب و وحشت ساواك و گروهکها هم از ایشان بود. لذا مردم ما، بعد از امام، ایشان را به عنوان یك فرد فقهی و دینی و انقلابی خوب پذیرفته بودند. بالاخره ایشان قابل اعتماد مردم بودند. به همین نسبت هم قهراً بعد از اینکه از زندان بیرون آمدند، مردم علاقهٔ خاصی به ایشان داشتند و موضع ایشان را کاملاً می‌دانستند.

در رابطه با وحدت مسلمین و اقدامات ایشان عرض کنم. به هر صورت در ارتباط با ایدهٔ عالی و والای تشکیل حکومت، غیر از همان تزی که خود اسلام ارائه داده و از همهٔ مسلمین خواسته در مقابل کفار

بسیج شوند راهی نداریم. زمانی ما نشسته‌ایم و حکومت نیز در دست دیگران است. ما دیگر به این گونه مسائل هیچ داعی نداریم. اما اگر بخواهیم در مقابل دشمن بایستیم و دشمنان اسلام را منزوی کنیم، طبیعی است غیر از وحدت راهی نداریم. و خوشبختانه ایشان بسیار به این جهت توجه داشتند و به آنچه هم که مردم را تشویق کردند و خیلی نیز مؤثر افتاد همان مسائلی بود که همه می‌دانیم. ایشان مردم را به وحدت تشویق کردند و این مسئله را تقویت کردند، ولی وحدتی که ایشان عنوان کردند بر خلاف آن مسائلی است که در گوشه و کنار عنوان می‌شود که مثلاً کسی از اعتقاد به تشیع خودش دست‌بردارد و مثلاً سنی شود و یا سنی، شیعه شود. اینها اصلاً مطرح نبوده و هیچگاه هم ایشان چنین نظری نداشته‌اند. حتی گاهی نیز توضیح داده‌اند که من نمی‌گویم اگر فرض کنیم جامعهٔ تشیع با آن غنایی که در فقه دارند و با آن افکاری که مورد تأیید همهٔ منصفین است بروند کنار بنشینند و بگویند پس حالا دیگر ما شیعه نباشیم. مراد این است که با حفظ اعتقاد در اصول و فروع، در مقابل دشمن همه دستتان را یکی کنید و این حرف خیلی منطقی و قابل قبولی است و بحمدالله ایشان در همهٔ دنیا نسبت به این امر توفیق خیلی خوبی داشته‌اند.

و اما دربارهٔ زهد و ساده زیستی ایشان. اصولاً تز روحانیت از نظر اصولی و کلی یك تز ساده زیستی است که شك و شبه‌ای در آن نیست و اگر از این، خرده‌ای تجاوز کند، بر کسی که واقعاً روحانی است زندگی زندان می‌شود، و این حقیقتی است. ما الآن که می‌بینیم بعضی از حضرات روحانیون مقداری دور و برشان شلوغ است و یا چند تا ماشین و پاسدار این‌ور و آن ورشان است و از جمله خود معظم‌له که مکرر گفتند من از زندان، توی زندان آمده‌ام، یعنی از زندان شاه توی زندانی دیگر، و اصولاً روحانیین با تعنیات رفاقتی ندارند. کسی که سالها توی حجره بوده و زندگیش یك زندگی ساده به شکل روستایی است، خصوصاً ایشان، حالا اگر فرض کنیم تعنیات طبیعی که بر اساس ضرورت دور و برشان جمع و جور بشود، دو تا پاسدار آنجا بایستد، دیوار را بالا ببرند، اینها ربطی به ایشان ندارد. حالت ایشان همان حالت متن طلبگی است و از هرگونه تعین به دور و معتقد به ساده زیستی هستند. حال دو جور ساده زیستی است، یك وقت تظاهر به ساده‌زیستی است و زمانی واقعاً روح، روح ساده‌زیستی است. ایشان بحمدالله روحشان روح ساده زیستی است و شکی در آن نیست.

یکی از مزایای ایشان این است که با رفقایشان همان حالت طلبگی قدیمی را حفظ کرده‌اند.

من از ایشان زیاد خاطره دارم.

بعد از سنهٔ ٤٢ وقتی به قم آمدم، همان زمانی که بین حضرات علما و امام اختلاف نظری بود، خدا رحمت کند آقای سعیدی را، مرا پیدا کرد و گفت فلانی بیا کارت دارم. گفتم چه کار دارید؟ گفت می‌خواهیم خدمت آقای منتظری برویم. گفتم برویم. ما را به همان محلهٔ خاکفرج که منزل قبلی ایشان در آنجا بود بردند. ایشان و آقای مشکینی و بعضی از دوستان دیگر تشریف داشتند و خیلی اظهار محبت کردند و بنده را به عنوان فردی که توی روحانیون مُعَنونم و آبرویی دارم ولو اکتسابی یا انتسابی، مأمور کردند که به بیوت آقایان سربکشم و بعضی از مسائل را به عرض آقایان ابلاغ کنم. این کار را کردم و

مطالبی را به حضور آقایان رساندم و پاسخی را هم که گفته بودند آوردم.

بعد هم که ایشان از زندان بیرون آمدند و من برای دیدار به خدمتشان مشرف شدم یادم نمی‌رود شب عجیبی بود. مرحوم آقای مطهری هم همان جا نشسته بودند. حضرت آیةالله منتظری دم در بودند. بنده بینابین این دوبزرگوار نشستم و یادم می‌آمد به خاطره‌های گذشته که ایشان و آقای مطهری به کاشان می‌آمدند و آن جریانهای قبلی و آن صداقتهایی که بین ما بود. تصادفاً مسجد کرمان را به آتش کشیده بودند. در کاشان نیز شایعه‌ای درست کردند که می‌خواهند در بازارها کولی بریزند. بنده در آن تاریخ دو سه کار کردم. یك اعلامیه با تیتر «زنگ خطر» نوشتم و این اعلامیه جالب بود. خلاصه ما دستگاه را تهدید کردیم که شما خیال کرده‌اید این قصه نیز انتخابات است که چهارتا دیوانه را توی ماشین بار کنید و بیایید و شهر را به هم بریزید. در کاشان از این خبرها نمی‌شود و اگر این حرکت را انجام دهید، شهر و دهات همه دست به دست هم می‌دهند و بالاخره ریشه‌تان را از کل در می‌آورند.

البته تلفنی هم به رئیس شهربانی وقت کاشان کردیم و تازه رئیس شهربانی کازرون را کشته بودند. زنگ زدیم گفتیم سرهنگ! گفت بله. گفتم می‌خواهی رئیس شهربانی کاشان باشی یا رئیس شهربانی کازرون؟ جا خورد و گفت چی شده آقا؟ گفتم این فسادها چیست که درست کرده‌ای! چه شهرت داده‌ای کولی می‌آید! خلاصه تهدیدی هم آنجا کردیم و خنثی شد.

این اعلامیه را آقای مطهری مرحوم، از من گرفتند و دوبار خواندند. گفتند آقا این را توی ایران تکثیر کنید. حضرت آیةالله منتظری این اعلامیه را گرفتند خواندند و توی جیبشان گذاشتند. این هم خاطره‌ای که ما از آن زمان از ایشان داشتیم. خیلی بیش از اینها است ولی این مقداری که من فعلاً یادم است.

پیام یك روحانی شهید

«رهبریت و مرجعیت و نیابت از واسطهٔ فیض خداوند، امام عصر عج، امروز دردستهای الهی امام امت است و فردا نیز چنین بُوَد انشاءالله.والّا این قبا فقط بر آن انسان وارسته‌ای زیبنده است که از حیث معرفت و در معرکه‌های جهاد و علم و تقوا گوی سبقت را از دیگران برده و در صحنهٔ عمل برتری خویش را اثبات نموده، یعنی امید و نوردیدهٔ پیروان و مقلدان امام امت، حضرت آیةالله العظمی منتظری دام ظله العالی علی رئوسنا و رئوس المسلمین و المستضعفین... ـ از وصیتنامهٔ شهید، حجة الاسلام محمدرضا ارجمندنیا. ۱۳٦۲/۱۲/۲۹.

بخش ششم

فقیه عالیقدر و مسلّمهٔ دانشگاهها

موضوع دانشگاه و دانشگاهیان یکی از مسائل بسیار مهم در انقلاب اسلامی ایران بوده و هست. دانشگاهیان در به پیروزی رساندن انقلاب اسلامی سهم به سزایی داشتند. پس از پیروزی نیز سهم ایشان در فعالیتهای همه جانبهٔ سیاسی، نظامی و عمرانی کشور چشمگیر و بسیار مؤثر بوده است. همین امر دشمنان اسلام را بر انگیخته است تا در لباسهای مختلف برای کشاندن نیروی جوشان این منبع بزرگِ تلاش و احساس به سمت مبارزه علیه انقلاب اسلامی، سرمایه‌گذاری کنند. اما رهبران دلسوز جامعه، باالهام از دستورات اسلام که برای طالب علم ارزش خاص قائل است، به هدایت و حمایت آنها برخاستند و با هوشیاری و درایت ویژهٔ علمای بیدار و زمان شناس، مسیر این جوانان بی‌مدعّای با ایمان را به سمت اسلام اصیل هموار ساختند.

حضرت آیةالله منتظری، در مقام ارج گذاری بر حضور فعال دانشجویان در انقلاب اسلامی ایران گفته‌اند: «انقلاب بزرگ ملت ایران که به نتیجه رسید، همه می‌دانید که دانش آموزان، برادران و خواهران دانشجو نقش فعال و مؤثری در به ثمر رسیدن آن داشتند. در نهضتها شرکت کردند، در قیامها دانشجویان شرکت کردند، فداکاری کردند و شهید دادند. این یك واقعیت انکار ناپذیر است و همهٔ ملت ایران بأیستی به این مسئله ارج بنهند.» ـ نماز جمعهٔ تهران، ۱۳۵۸/٦/۳۰.

معظم‌له با ارج نهادن بر این فداکاری، هدایت آنان را در مسیر اسلام و پیروی از خط حضرت امام خمینی مدظله در دستور کار خویش قرار داده است و به عنوان پدری دلسوز محبت خود را همیشه نسبت به آنها ابراز می‌دارد. چرا که ایشان معتقد است:

«خدمت کردن به علم نسل آینده، بزرگ‌ترین خدمت است. خدمت کردن برای احیای دانشگاهها بر طبق موازین اسلامی بزرگ‌ترین خدمت است.» ـ در دیدار با مسئولان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

در این قسمت از کتاب کوشیده‌ایم این هدایت، محبت و خدمت را منعکس کنیم. برای رسیدن به این مقصود، فعالیتهای چند سالهٔ ایشان را همراه بیاناتشان در این زمینه ذکر می‌کنیم تا انشاء الله سرمشقی برای نسل حاضر و آینده باشد.

الف. فاصلهٔ حوزه و دانشگاه، خواست استعمار

از شوم‌ترین پدیده‌های به بارآمده از فرهنگ استعماری شرق و غرب در ایران و سایر کشورهای اسلامی، فاصلهٔ بین جوانان دانشگاهی و عالمان دین بوده است، به گونه‌ای که برای خیلیها تصور آشتی این دو قشر پیشتاز و این دو مغز متفکر نمی‌رفت، چرا که دشمنان اسلام سعی فراوان کردند که جوانان دانشگاهی را برای مجامع مذهبی، بی‌دین و بی‌بند و بار جلوه دهند و پیشوایان دین را نزد نسل جوان، عقب افتاده‌وبه دور از تمدن بنمایانند.

سخن در این باره بسیار است. به جهت رعایت اختصار در این مقدمه چند فراز از سخنان حضرت امام خمینی که از آغاز نهضت اسلامی به بعد، ایراد فرموده‌اند، نقل می‌شود؛ آنگاه به رابطهٔ آیةالله العظمی منتظری با دانشگاه و دانشگاهیان می‌پردازیم.

حضرت امام در سخنرانی تاریخی فروردین ٤١ در مسجد اعظم قم فرمودند: «همین سه چهار روز پیش کاغذی از یکی‌ازدانشجویان‌امریکا برای من‌آمد.این یکی از جوانهایی‌است که من نمی‌شناسم‌او را، لکن ظاهر کلامش این است که متدین است و متأسف است بر اوضاع. نوشته است مع‌الاسف محصلین اینجا، دانشجویان اینجا، می‌گویند: هر چه بدبختی داریم از اسلام است! ای دانشجوهای بیچاره، اسلامی که به شما از رادیو معرفی بشود که اسلام نیست. اسلامی که از روزنامه‌ها شما خواندید که اسلام نیست. این اسلامی که به شما معرفی شده یك چیزی است عقب افتاده. یك مطلبی است که هیچ مسلمانی زیربارش نمی‌رود. آن را من هم قبول ندارم. آن را سایر روحانیون هم قبول ندارند. اینکه اسلام نیست. به ما هم مجال نمی‌دهند اسلام را معرفی کنیم... جوانهای ما را دارند اغفال می‌کنند. دارند به ایشان تزریق می‌کنند که هر بدبختی شما دارید از اسلام است. شما کجا اسلام را دیدید که می‌گویید بدبختی از اسلام است؟... نمی‌گذارند جوانهای ما مستقل بار بیایند. نمی‌گذارند در دانشگاه جوانهای ما درست رشد بکنند. اینها را از بچگی طوری می‌کنند که وقتی بزرگ شدند اسلام هیچ و آنها همه چیز.»[1]

همچنین حضرت امام خمینی در تاریخ ١٣٤٨/١٠/١١ در پاسخ به نامهٔ اتحادیهٔ انجمنهای اسلامی دانشجویان گروه فارسی زبان در اروپا نوشته‌اند: «... مع‌الاسف تا کنون دست خیانت استعمار به وسایل مختلف فاصلهٔ عمیق بین طبقهٔ جوان و مسائل ارجمند دین و قواعد سودمند اسلام ایجاد نموده و طبقهٔ جوان را به روحانیون و اینها را به آنها بد معرفی نموده و در نتیجه وحدت فکری و عملی از بین رفته و راه را برای مقاصد شوم اجانب باز نموده است.»[2]

و نیز معظم‌له در تاریخ ١٣٥٨/٤/٦ در جمع دانشجویان عضو انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم چنین فرمودند: «... شروع کردند به تبلیغات به ضد روحانیت که جدا کنند روحانیت را از دانشگاه و همه را از مردم ... هم دانشگاهی[ها] و هم روحانیون را میخواستند در بین مردم یك طوری قلمداد کنند که اینها (دانشگاهیها) دیانت صحیح ندارند، اینها (روحانیون) هم درباری و انگلیسی و امریکایی و اینها

١. در جستجوی راه از کلام امام، دفتر بیست و یکم، ص ٨٥. ٢. همان، ص ٩٢.

هستند. نقشه این بود که ملت جدا بشود از این دو قشری که ازشون کار میاد. بین خود این دوتا هم جدایی انداختند به طوری که روحانیون بدبین بودند به دانشگاهیها، دانشگاهیها بدبین بودند به روحانیون، و این نقشه‌ای بود برای اینکه این قشرهای مؤثر را از هم جدا بکنند و همه را از ملت جدا بکنند تا نتوانند اینها کاری انجام بدهند و آنها بهره‌برداری خودشان را از این کشور بکنند.»[٣]

در تاریخ ١٣٥٨/٤/١٤ حضرت امام خمینی در جمع گروهی از نابینایان ابابصیر اصفهان فرمودند: «از آن طرف آمدند دانشگاه را جدا کردند از روحانیون، در دانشگاه تبلیغاتی بر ضد روحانی، در مساجد و منابر و جاهای دیگر گروههای روحانی تبلیغاتی بر ضد دانشگاه، نه برای اسلام بود که اینها می‌آمدند و می‌گفتند دانشگاهیان مثلاً اشخاصی هستند کذا. خیر، این یك نقشه بود. این یك مطلب حساب شده بود. می‌خواستند این دو قدرتی که می‌تواند کار بکند، دانشگاهی می‌تواند کار بکند، روحانی هم می‌تواند کار بکند، می‌خواستند این دو قدرت را از هم جدا بکنند و جدا هم کردند. دانشگاه می‌رفتی اسم روحانی را نمی‌شد بیاوری، حالانه، آن وقت اسم معمم را نمی‌شد بیاوری، در محیط روحانی اسم دانشگاهی را نمی‌شد بیاوری. جدا کردند آنها را از هم.»[٤]

همچنین آن حضرت در جمع استادان دانشگاه اصفهان در تاریخ ١٣٥٨/٤/٢٥ فرمودند: «این اختلافی که مع‌الاسف در زمان رژیم بود و روحانی و دانشگاهی از هم جدا بودند، یك چیز اتفاقی نبود. یك مطلب حساب شده بود. هر دو قشر توجه نداشتند که آنها قصد ندارند دانشگاهی خوب درست بشود و یك روحانیت خوب...»[٥]

پیرامون مسئلهٔ دانشگاه و جدایی آن از روحانیت توسط استعمارگران سخنان بسیاری از رهبر انقلاب اسلامی در تاریخ ثبت و ضبط شده که علاقه مندان را به مطالعهٔ دفتر بیست و یکم از مجموعهٔ *درجستجوی راه از کلام امام* دعوت می‌کنم.

رهرو صدیق راه امام خمینی، حضرت آیة‌الله العظمی منتظری، که از این چشمهٔ فیاض اندیشهٔ اصیل اسلامی بهره گرفته و سالها در محضر اندیشمند بزرگ قرن تلمذ نموده است، این تلقی مثبت را از سالهای قبل دربارهٔ دانشجو و دانشگاهی داشته و در فواصل زمانی لازم آن را بیان داشته است. در اینجا به ذکر پاره‌ای از آنها بسنده می‌کنیم:

«شما توجه دارید که در زمان طاغوت سعی می‌شد بین دانشجویان به عنوان روشنفکر و طلاب علوم دینیه به عنوان مرتجع فاصله ایجاد کنند. الآن هم می‌بینیم که دشمنان این دو قشر در بینشان هستند. با گفتن، با نوشتن، با اعلامیه منتشر کردن، سعی می‌کنند گروههای اسلامی را از هم جدا کنند. انتظار می‌رود اساتید محترم دانشگاهها و دانشجویان عزیز و اساتید حوزهٔ علمیه و طلاب علوم دینی با هماهنگی کامل سعی کنند در درجهٔ اول، اسلام و مبدأ اسلام یعنی توحید را در تمام کشور گسترش دهند و مردم را متوجه اسلام کنند.»[٦]

٣. همان، ص ١١٠. ٤. همان، ص ١١٢. ٥. همان، ص ١١٣. ٦. نماز جمعهٔ قم، ١٣٥٩/٣/٢.

«وقتی در طبس زلزله شد، من در زندان که بودم می‌شنیدم طلاب علوم دینیه و دانشجویان عزیز از دانشگاهها در طبس با هم هماهنگ بودند و مجاناً برای مردم زلزله زده کار می‌کردند. در زندان که بودم احساس غرور می‌کردم از این نظر که کار به جایی رسیده که الحمدلله آن فاصله‌ای که طاغوتها بین حوزهٔ علمیه و دانشگاهها می‌خواستند ایجاد کنند برطرف شده و مثل دوبرادر در ساختن کشور دارندکار می‌کنند.»[۷]

«از زمانی که رضاخان آمد در ایران و دانشگاه را از حوزه جدا کرد و در حقیقت دیوار آهنین کشیدند بین دانشگاه و حوزه‌های علمیه، بدبختی ما شروع شد.»[۷]

درگذشته هیچگاه امکان حضور روحانیون و فضلا در دانشگاهها و تفاهم آنان با قشر دانشجو و دانشگاهی امکان نداشت و حتی این دو قشر دانشجو و روحانی با یکدیگر بیگانه و به هم بدبین بودند و آنها می‌گفتند روحانیون مرتجعند و روحانیون می‌گفتند دانشجویان بی‌دینند، ولی امروز بحمدالله آن وضع عوض شد و دو قشر روحانی و دانشجو درکنار هم برای پیشبرد انقلاب قرار گرفتند.»[۸]

ب. وحدت روحانی و دانشگاهی، خواست اسلام

در این خصوص که وحدت بین دو مرکز علمی، یعنی حوزه‌های علمیهٔ دینی و دانشگاهها، تا چه اندازه می‌تواند به نفع اسلام و مسلمانان باشد و تلاشی که حضرت آیةالله منتظری نموده‌اند که دو قشر روحانی و دانشگاهی جداییهای گذشته را کنار بگذارند و دست در دست هم جهاد بزرگ علمی و جهاد سازندگی را پیش ببرند، قبلاً سخن گفته‌ایم.[۹]

و نیز گفتیم این مسئله در نظر معظم‌له آن قدر حیاتی و اساسی است که در خطبه‌های اولین نماز جمعهٔ خود پس از پیروزی انقلاب اسلامی پیشنهاد کردند که وسیلهٔ تفاهم و وحدت این دو قشر فراهم شود: «از جمله مطالبی که اهمیت دارد، من به شما تذکر بدهم، این است که اخیراً دیده می‌شود ایادیی، بین نسل جوان درس خوانده و دانشگاهی و بین حوزه‌های علمیه و طلاب اختلاف ایجاد می‌کنند. در نهضت دیدیم همبستگی همهٔ اقشار ما را به نتیجه رساند. مواظب توطئه‌ها باشید و من به عنوان یك نفر از حوزهٔ علمیهٔ قم پیشنهاد می‌کنم مناسب است بین حوزهٔ علمیهٔ قم و دانشگاه هفته‌ای یا ماهی یك بار سمینارهایی تشکیل بشود و یك ماه در قم، یك ماه در دانشگاه، بنشینند با هم تفاهم کنند. وقتی به هم نزدیك شدند اختلافات بر طرف می‌شود... خواهش می‌کنم جوانان دانشگاهی با جوانان حوزهٔ علمیهٔ قم این معنا را عملی کنند.»[۱۰]

پس از گذشت یك سال و سه ماه از پیشنهاد ایجاد وحدت بین روحانی و دانشگاهی، پیشنهاد دیگری در آذر ۵۹ از طرف آیةالله منتظری ارائه شد که سالگرد شهادت روحانی مبارز و استاد دانشگاه، شهید

۷. در دیدار با اساتید دفتر همکاری حوزه و دانشگاه در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۲، نقل از *کارنامهٔ* این دفتر.
۸. در دیدار با اساتید معارف اسلامی دانشگاهها در تاریخ ۱۳۶۳/۳/۷.
۹. *فقیه عالیقدر*، ج۱، ص ۲۵۸ به بعد.
۱۰. خطبهٔ نماز جمعه در بهشت زهرای تهران، ۱۳۵۸/۶/۲۳.

حجةالاسلام دکتر محمد مفتح، ۲۷ آذر به عنوان «روز وحدت روحانی و دانشگاهی» نامگذاری شود.[۱۱] این پیشنهاد هم مورد موافقت و قبول دانشجویان و استادان مسلمان دانشگاهها و جوامع روحانی قرار گرفت و بدین مناسبت همه ساله مراسمی در دانشگاهها و حوزه‌های علمیه برپا می‌گردد.

مثلاً در روز وحدت حوزه و دانشگاه، در سال ۱۳۶۰، سمینارهایی در دانشگاههای مختلف سراسر کشور برگذار شد و شخصیتهای روحانی و دانشگاهی در این سمینارها سخنرانی کردند. فهرست سخنرانیهای ایراد شده در چند دانشگاه را که در کتاب با ارزش *الثمرات* از انتشارات واحد تبلیغات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی ـ چاپ ۱۳۶۱ـ گردآوری شده است برای مثال ذکر می‌کنیم.

۱. مجموعهٔ سخنرانیها در سمینار وحدت حوزه و دانشگاه مشهد: «نقش دانشگاه در جامعهٔ اسلامی»، حجةالاسلام واعظ طبسی، نمایندهٔ محترم امام در خراسان؛ «حرکت فرهنگی یك حرکت زمان‌دار است»، برادر دکتر محمدعلی نجفی، وزیر وقت علوم و آموزش عالی؛ «نقش ولایت فقیه در دانشگاه»، حجة الاسلام طاهری؛ «انقلاب فرهنگی، جهاد گسترده»، حجةالاسلام اختری؛ «نقش دانشگاه و حکومت»، برادر رحیمی؛ «انقلاب فرهنگی تبلور تزکیه و تعلیم در فرهنگ»، حجةالاسلام دکتر محقق داماد.

۲. مجموعهٔ سخنرانیها در سمینار وحدت حوزهٔ دانشگاه کرمان: «پیوند روحانی و دانشجو، بازگشت به اصالت دانشجویی است»، حجةالاسلام دکتر حسن روحانی؛ «وحدت روحانی و دانشجو لازمهٔ اجرای قانون الهی»، حجةالاسلام فهیم کرمانی؛ «حوزه‌های علمیه در طول تاریخ به وظیفهٔ خود قیام کرده‌اند»، آیةالله خزعلی؛ «حوزه و دانشگاه و نقش تربیتی آنها در جامعه»، آیةالله خزعلی؛ «توضیحی پیرامون انقلاب فرهنگی»، دکتر حسن حبیبی.

۳. مجموعهٔ سخنرانیها در سمینار وحدت حوزه و دانشگاه شیراز: «پیرامون وحدت روحانی و دانشگاهی»، حجةالاسلام حائری شیرازی؛ «وحدت روحانی و دانشجو عامل مؤثر در پیشرفت علم و فرهنگ اسلامی»، حجةالاسلام محمد یزدی؛ «وحدت روحانی و دانشجو به معنی وحدت دین و سیاست است»، حجةالاسلام سیدعلی محمد دستغیب؛ «معنای وحدت حوزه و دانشگاه چیست؟»، حجةالاسلام فاکر.

۴. مجموعهٔ سخنرانیها در سمینار وحدت حوزه و دانشگاه اهواز: «وحدت، مقدس‌ترین واژه»، حجةالاسلام موسوی جزایری؛ «وحدت حوزه و دانشگاه»، دکتر شریعتمداری؛ «جایگاه حوزه و دانشگاه در جامعه»، حجةالاسلام شفیعی؛ «چگونه ما دانشگاه را روحانی کنیم»، حجةالاسلام اراکی.

در این سمینارها که به پیشنهاد حضرت آیةالله العظمی منتظری تشکیل شد و خوشبختانه مورد اقبال دلسوزان جامعه قرار گرفت، فرزندان برومند اسلام، اعم از دانشجو و طلبه، تلاش زیادی کردند که سمینارها فقط به ایراد سخنرانی نگذرد. لذا کمیسیونهایی برای بحث و بررسی بیشتر پیرامون چگونگی و آثار وحدت حوزه و دانشگاه تشکیل دادند که ثمرههای پرباری داشت. در کتاب مذکور گزارشهایی از

۱۱. این پیشنهاد در خطبهٔ نماز جمعهٔ قم ارائه گردید.

کار این کمیسیونها چاپ شده که قابل تقدیر است.

یکی از بهترین سمینارهایی که پیرامون وحدت حوزه و دانشگاه برگذار شد، سمینار سه روزه‌ای بود که توسط دفتر مرکزی نمایندگیهای حضرت آیةالله منتظری در دانشگاهها، در دانشگاه تهران برپا شد و توانست به همت علمای اسلام و اساتید دانشگاهها به نتایج پرثمری دست یابد. در مورد این سمینار مطبوعات و جراید صبح و عصر تهران و رسانه‌های گروهی دیگر گزارشهای متعددی چاپ و منتشر کردند که به عنوان نمونه‌ای از فعالیت عملی راهیابی به وحدت حوزه و دانشگاه قسمت مربوط به شروع و پایان این سمینار را نقل می‌کنیم.

اولین گزارش، مربوط به مصاحبه‌ای است که با یکی از دست اندرکاران برگذاری سمینار انجام گرفته است که آن را نقل می‌کنیم:

«قائم مقام سرپرست دفترمرکزی نمایندگان حضرت آیةالله العظمی منتظری در دانشگاهها، طی گفت و گویی انگیزهٔ برگذاری سمینار وحدت حوزه و دانشگاه و رئوس برنامه‌های این سمینار را اعلام کرد. وی در خصوص نحوه و انگیزهٔ برگذاری سمینار، ضمن اشاره به تلاش و توطئهٔ استعمار گران و دشمنان اسلام جهت جدایی دین از سیاست و علم اظهار داشت: سمینار وحدت حوزه و دانشگاه از بیست و هفتم آذر به مدت سه روز از سوی دفتر مرکزی نمایندگان حضرت آیةالله العظمی منتظری در دانشگاهها، در محل تالار فردوسی دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران، برگذار خواهد شد.

وی افزود: دفتر مرکزی به منظور عملی کردن اتحاد بین سیاست و علم و دین مناسب دید در سالگرد

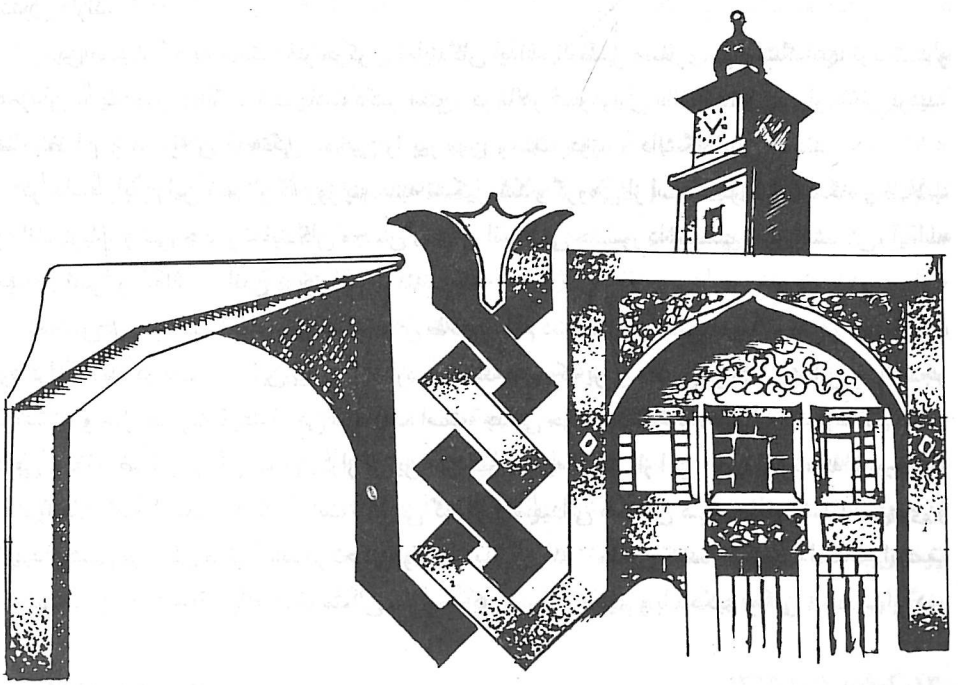

وحدت حوزه و دانشگاه مبارك باد

شهادت دکتر مفتح و روز وحدت حوزه و دانشگاه این سمینار را برگذار نماید و وحدت هر چه بیشتر روحانی و دانشجو را تحکیم بخشد.

وی در مورد شخصیتهای شرکت کننده در سمینار اضافه کرد: ریاست محترم جمهوری اسلامی، آیةالله مهدوی کنی، آیةالله جوادی آملی، دکتر لاریجانی، آیةالله صانعی، آیةالله محمدی گیلانی و دکتر گلشنی از جمله شرکت کنندگان در این سمینار هستند و سمینار با حضور ریاست محترم جمهوری گشایش می‌یابد.

وی افزود: هماهنگی و همکاری بیشتر نمایندگان حضرت آیةالله العظمی منتظری در دانشگاهها و جهادهای دانشگاهی و انجمنهای اسلامی از جمله مسائل مورد بحث خواهد بود.

قائم مقام آیةالله گیلانی در دفتر مرکزی نمایندگان حضرت آیةالله العظمی منتظری در دانشگاهها در خاتمه اظهار داشت: امید است دفتر مرکزی با برگذاری این سمینار و سمینارهای مشابه آن بتواند به تمامی اقشار و گروههای اسلامی تشکل دهد.

بنابه این گزارش در طول سمینار مذکور نمایشگاه عکس شهدای دانشجو و روحانی و نیز کتب دانشگاهی دایر خواهد بود و کلیهٔ علاقه مندان می‌توانند از این نمایشگاه و برنامه‌های سمینار استفاده نمایند.»[۱۲]

«سمینار سه روزه وحدت حوزه و دانشگاه با تأکید برلزوم ایجاد یك مرکزیت قوی جهت پی گیری امر مهم و اساسی وحدت این دو نهاد، از کلیهٔ مسئولان، به ویژه بزرگان و فقها، دعوت کرد کوشش لازم را مبذول دارند.

در این سمینار که به همت دفتر مرکزی نمایندگان آیةالله العظمی منتظری در دانشگاهها برپا شد و همزمان با پنجمین سالگرد شهادت دکتر مفتح، در تالار فردوسی دانشگاه تهران آغاز گردید، صاحبنظران و مسئولان فرهنگی مطالبی را پیرامون وحدت حوزه و دانشگاه بیان کردند.

در جلسهٔ پایانی این سمینار که روز پنجشنبه تشکیل شد و گروهی از اساتید حوزه و دانشگاه و طلاب و دانشجویان و تنی چند از نمایندگان مجلس شورای اسلامی حضور داشتند، دکتر گلشنی، آیةالله جوادی آملی و آیةالله صانعی سخنرانی کردند.

همچنین در این جلسه بیانیه‌ای که از سوی طلاب علوم دینیهٔ مدرسهٔ عالی شهید مطهری منتشر شده بود قرائت شد. در بخشی از این بیانیه با اشاره به توطئه‌هایی که برای جدایی دو قشر روحانی و دانشجو درگذشته و حال صورت گرفته و می‌گیرد آمده است: جدایی حوزه و دانشگاه باعث شد که فرهنگ مبتذل غربی و نظام ضدارزشی آن سالیان دراز در این سرزمین سایه افکند. از این رو برماست که با توجه به رهنمودهای امام امت و با درك رسالت سنگینی که خون شهیدانی همچون شهید مفتح، شهید مطهری و شهید بهشتی بر دوش ما نهاده‌اند در تحکیم وحدت اسلامی که تضمین کنندهٔ حاکمیت اسلام است بکوشیم و آن را به عنوان یك هدف متعالی سرلوحهٔ کارمان قرا ردهیم و با تحکیم واقعی وحدت، به دور

۱۲. *اطلاعات*، ۱۳۶۳/۹/۲۶.

از شعارهای کم محتوا و کارهای موقت و نمایشی، در صحنهٔ سیاسی و اجتماعی کشور که در رأس آنها مسئلهٔ جنگ قرار دارد، حضور فعال داشته باشیم و برماست که با همیاری ستاد انقلاب فرهنگی که اخیراً با پیام امیدبخش رهبر کبیر انقلاب تقویت گردید در مسیر یك حرکت عظیم فرهنگی در سطح جامعه بکوشیم، به امید اینکه تمام مسئولین جامعه به مسئلهٔ مهم انقلاب فرهنگی همان گونه که مورد توجه امام امت است بیش از پیش اهمیت دهند و تداوم انقلاب اسلامی را تضمین نمایند که امروز حجت بر ما تمام است و هرگونه سستی در این امر ضایعات بزرگی به بار خواهد آورد.»[۱۳]

در پایان این سمینار بیانیهٔ گردهمایی قرائت شد. متن کامل آن چنین است:

«بسمه تعالی. حمد و سپاس خدای را که در پنجمین سالگرد شهادت بیدار مرد مبارز آیةالله دکتر محمدمفتح پایه‌گذار وحدت مقدس حوزه و دانشگاه به برادران و همکاران توفیق به انجام رساندن این سمینار را عنایت فرمود. این سمینار در خصوص بررسی ابعاد گوناگون اتحاد و راههای نزدیك شدن بیش از پیش دو قشر روحانی و دانشگاه تشکیل یافت و از بیانات علما و متفکران ارجمند، درخور فرصت، بهره‌گیری کردیم و امیدواریم که با احساس مسئولیت بیشتر همهٔ دست اندرکاران، قدمهای بعدی نیز برداشته شود. در پایان این برنامه، بیان خلاصه‌ای از این مهم را لازم می‌دانیم. دشمنان اسلام در طول تاریخ دریافتند که همهٔ ضربه‌های کوبنده را مسلمانان معتقد به اسلام و پیرو امامت و رهبری صحیح برآنها وارد کردند. به صریح *قرآن* کریم و روایات و تجربه‌های مستمر تاریخی عامل حیات و زنده‌بودن مردم و عامل حریت و آزادگی و استقلال جوامع، دین است، که به قول مولی علی ع جامعهٔ بی دین مرده است و اسلام شناسان غربی نیز ناخودآگاه اعتراف می‌کنند که هر جا دین اسلام وارد شود از عقب افتاده‌ترین ملت، توفنده‌ترین ملت را می‌سازد. و سیاست خود را بر این مهم پی‌ریزی کردند که باید دین را محو و نابود کرد. بر دشمنان چون آفتاب روشن شده که تجلی اسلام طوفانگر و حیات آفرین، به رهبری صحیح و اعتقاد راسخ به آن است و مخصوصاً سیاست استکبار جهانی در طول تاریخ این بوده که زبانهای دین و بیانگران اسلام را از مردم بگیرند. اسلام کور دادن مطرح باشد تا هیچ دشمنی را نبیند و بر هیچ مهاجمی نتازد. به شهادت رساندن شخصیتهایی چون علامه‌مطهری و شهید مظلوم بهشتی و مفتح و باهنر و هاشمی نژاد و خاموش کردن دیگر ستارگان درخشان از این سیاست ناشی می‌گردد و به قول استاد مطهری علم به انسان قدرت می‌بخشد و دین به قدرتها جهت می‌دهد. دشمنان ما با ایادی دست نشاندهٔ خود سعی کردند که دانشجویان عزیز را از علوم لازم باز دارند و مغزهای متفکر را با ایجاد بی‌تفاوتی نسبت به سرنوشت و کیان جامعهٔ خود و بی عقیده بار آوردن به مبانی مقدس اسلام و حقایق دین و سنن تغییر ناپذیر خلقت به خدمت منافع خود بگیرند. اضطراب دشمنان از آن جهت است که دانشجو به دنبال استاد و دانش برود که به او قدرت مقابله با کفر و استکبار می‌بخشد و روحانی به مسئله‌ای بیندیشد که سیاست امریکا را از بن ویران سازد. آنچه سبب شد تا شهیدان بزرگواری مانند علامه مطهری و آیةالله بهشتی و دکتر باهنر و دکتر مفتح و استاد هاشمی نژاد و... به

۱۳. *کیهان*، ۱۳۶۳/۱۰/۱.

این مهم بپردازند و تلاش خستگی ناپذیری را در ایجاد روحیهٔ پیوند و همبستگی و اتحاد حوزه و دانشگاه تحمل کنند، خطیر بودن مطلب بوده و اینکه دشمنان اسلام در سالهای ممتد سیاه و ظلمانی حاکمیت طاغوت و رژیم دست نشاندهٔ گذشته با توسل به شیوه‌ها و روشهای شیطانی موانع بسیاری در سر راه نزدیك شدن دانشگاه و حوزه ایجاد نمودند. با حرکتهای موذیانهٔ فرهنگی و سیاسی گامهایی در جهت جداکردن و ایجاد ضدیت و تقابل آنها برداشتند و متأسفانه تا حدودی موفق شدند و نتیجه گرفتند.

با وقوع انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام خمینی مدظله العالی و با آغاز حرکت انقلاب فرهنگی به وسیلهٔ دانشجویان مسلمان و متدینمان در انجمنهای اسلامی و برچیده شدن بساط گروهکهای وابسته به شرق و غرب و انهدام نظام منحط گذشته در دانشگاهها، شاهد تحقق آرزوی دیرین اتحاد حوزه و دانشگاه هستیم که از نمونه‌های آن، تشکیل این گونه سمینارها و مجامع مشترك این دو قشر متفکر و کارساز جامعه است. این فرصت را غنیمت شمرده از شورای عالی انقلاب فرهنگی، جهاد دانشگاهی، انجمنهای اسلامی و تمامی ارگانها و کسانی که در تحقق این وحدت تلاش و کوشش فراوان کرده و می‌کنند، تشکر و قدردانی نموده، مطالبی چند را لزوماً متذکر می‌شویم:

۱. همان گونه که انقلاب اسلامی با هدایت و رهبری ولایت فقیه و پشتیبانی امت مسلمان و به برکت خون شهدا به پیروزی رسیده، انقلاب فرهنگی نیز در سایهٔ اطاعت و التزام به ولایت فقیه و اعتقاد به نقش روحانیت و حوزه‌ها و در اسلامی کردن دانشگاهها به ثمر خواهد رسید.

۲. تشکیل دفاتر نمایندگی حضرت آیةالله العظمی منتظری در دانشگاه را گامی بزرگ و اساسی در وحدت حوزه و دانشگاه دانسته، دریافته‌ایم که یکی از راههای حضور روحانیت و حوزه در دانشگاه می‌باشد و لذا تقویت و همکاری با این دفاتر را در پیاده کردن برنامه‌های اسلامی وظیفهٔ خود می‌دانیم.

۳. همان طور که حضرت امام فرمودند، دانشگاه باید در متن مسائل سیاسی بوده، در چهار چوب دین، سیاست صحیح را دنبال کند، که سیاست ما عین دیانت ماست، تا ضمن اشراف و آگاهی بر مسائل سیاسی، حرکتهای سیاستکاری و سیاستبافی از فعالیتهای سیاسی متمایز گردد.

٤. سیاست فرهنگی و آموزشی ما باید در جهت حذف مدرك گرایی و تربیت افراد محقق و بصیر تنظیم گردد و برای رسیدن به این هدف، جهت حرکت دانشگاه باید به سوی نظام آموزشی حوزه، درس، تحقیق، مباحثه، و معیار ارزشها تنها علم، تقوا و تعهد باشد تا زمینهٔ شکوفایی هرچه بیشتر استعدادها فراهم شود و در نتیجه دانشگاه به سوی خودکفایی علمی و استقلال فرهنگی پیش رود.

۵. ما هرگونه رجعت به روشهای طاغوتی را محکوم کرده، به اقتضای انقلاب اسلامی که به قیمت خون هزاران شهید استواری یافته، همهٔ مسئولان دانشگاهی و فرهنگی باید الزاماً ضوابط اسلامی را مراعات کنند و با هرگونه بی‌تفاوتی و کم اعتنایی به ارزشهای اسلامی برخورد قاطع نمایند.

٦. مطابق فرمایشات ریاست محترم جمهوری در سمینار، ایجاد یك مرکزیت قوی برای پی‌گیری امر مهم و اساسی وحدت حوزه و دانشگاه بسیار ضروری و حیاتی می‌نماید. بدین منظور لازم است مسئولین محترم و به ویژه بزرگان فقها که عالمان معظم دین و جامعه‌اند به این مهم بپردازند و در جهت ایجاد چنین وحدتی که همواره مورد نظر امام امت بوده است کوشش لازم مبذول گردد. والسلام. دفتر

مرکزی نمایندگان آیةالله العظمی منتظری در دانشگاههای سراسر کشور.[١٤]
به منظور پیوستگی و جامعیت مطلب دربارهٔ دانشگاهها، لازم است بعضی از نقطه نظرها و سفارشهای آیةالله منتظری پیرامون وحدت حوزه و دانشگاه، در این بخش کتاب آورده شود:

«برجوانان روحانی و دانشگاهی است که علی رغم توطئه‌های دشمن، پیوند اسلامی خود را بیش از پیش محکم کنند.» ـ پیام به کنگرهٔ وحدت اسلامی دانشجویان و دانش آموزان کرمان، ١٣٥٩/١/١٥.
«پیشنهاد سمینار وحدت بین دانشگاهیان و روحانیون که در نماز جمعه مطرح شد می‌تواند به نابه سامانیها و عوارض ناشی از جدایی و گسستگی دو قشر مؤثر و فعال جامعهٔ اسلامی پایان دهد. دانشجو و روحانی دو عنصر اصلی بنای جامعه می‌باشند و با نزدیك شدن و درك یکدیگر و پیوند فکری و عملی با هم اجتماع را از حالت ایستایی و عقیم بودن نجات داده سرانجام یك جامعهٔ پرتحرك و پویا به وجود می‌آورد.» ـ پیام به دانشسراهای اصفهان، ١٣٥٨/٧/٤.

«امیدوارم که انشاءالله به برکت این انقلاب و همت برادران درآینده جوری باشد که هم حوزهٔ علمیهٔ قم دانشگاه باشد و هم دانشگاه، حوزهٔ علمیه باشد. هر دو باشد. یعنی طلبه‌های ما واقعاً علومی که لازم است و مورد نیاز است و نمی‌توانند در آن متخصص باشند، اقلاً با آنها آشنا باشند و اساتید دانشگاه هم به فلسفهٔ اسلام، به فقه اسلام واقف باشند و هماهنگ بشود. این که ما می‌گوییم وحدت حوزه و دانشگاه، شعار نباشد، بلکه انشاءالله واقعیت پیدا کند.» ـ در دیدار با استادان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.

«از آنجا که انقلاب اسلامی ما برمحور کسب استقلال کامل با شعار نه شرقی و نه غربی شروع و پیروز شد طبیعی است که برای تأمین نیازها و رفع مشکلات آن نمی‌توان از الگوهای وارداتی شرقی و غربی استفاده نمود بلکه باید ملت مسلمان ما با ابتکار و خلاقیت و روشنفکری خود پاسخگوی آنها باشد و مهم‌ترین منبعی که باید نیروهای لایق و متعهد به فرهنگ انقلاب را تربیت کند حوزه‌های علمیه و دانشگاههای کشور می‌باشد. مسئولین حوزه‌ها و دانشگاهها باید با تشریك مساعی و همفکری نزدیك و ایجاد زمینه‌های تبادل فکری و فرهنگی بین دو قشر عظیم روحانی و دانشجو قدم اول را بردارند. آنها باید ترتیبی بدهند که این دو نیروی خلاق و سازنده بتوانند مکمل یکدیگر باشند و از تجربیات و آموزشهای مثبت یکدیگر بهره‌مند شوند.» ـ پیام به مناسبت دههٔ فجر، ١٣٦٠/١١/١١.

«امروز ما در اثر انقلاب عظیم اسلامی و رهبری بزرگ آن شاهد آنچنان رشدی در بین ملت خودمان هستیم که می‌بینیم تمام طبقات و اقشار مردم، اعم از فارس، عرب، ترك، ترکمن، کرد، شیعه و سنی

١٤. *جمهوری اسلامی*، ١٣٦٣/١٠/١.

همه و همه در یك صف برای حفظ دستاوردهای انقلاب و تحکیم جمهوری اسلامی متحد شده‌اند و همچنین دو قشر بزرگ اجتماع یعنی روحانی و دانشجو با آنهمه اختلاف نظرها و بدبینیهایی که رژیم گذشته بین آنان به وجود آورده بود و طبقهٔ روحانی را به دانشگاه و دانشگاهی را به روحانی بدبین نموده بود، امروز همگی با هم یکصدا شده‌اند و با تفاهم و همفکری و وحدت دانشگاه و فیضیه مشکلاتشان را حل می‌کنند. این وحدت کلمهٔ موجود را باید با هر قیمتی شده حفظ کنیم و ما باید بدانیم تا مادامی که همگی در صحنه باشیم و تفاهم واخوت و وحدت کلمه را در تمام شرایط منظور داریم، هیچ گونه خطری از ناحیهٔ دشمن به ما نمی‌رسد.» ـ در دیدار طلاب و روحانیون آذربایجان شرقی و اعضای دفتر تحکیم وحدت، ١٣٦٢/٩/٢٧.

«ستاد انقلاب فرهنگی برای تحقق اهداف منظور خود باید ارتباط خود را با روحانیون متعهد و در خط انقلاب اسلامی بیشتر نموده از نیروهای موجود و اساتید و مدرسین حوزه‌های علمیه پشتوانهٔ محکمی برای تدوام و پیشبرد انقلاب فرهنگی به وجود آورد.

جریان تحکیم وحدت بین حوزه و دانشگاه از قدیم الایام آرزوی ما بود و رژیم گذشته سخت از آن وحشت داشت، بهترین و طبیعی‌ترین بازوی ستاد انقلاب فرهنگی می‌تواند باشد و باید با ایجاد ارتباط و تماسی دائم بین حوزه و دانشگاه و تبادل دستاوردهای فکری و مکتبی بین این دو مرکز قوی فاصله‌ها و بدبینیهای حاصل از تبلیغات عمال رژیم گذشته را از بین ببرد. آنچه کشور ما را به خود کفایی کامل خواهد رساند تربیت نیروهایی است که هم متخصص در رشته‌های مورد نیاز و هم مسلمان و با تقوا باشند و این امر در صورتی میسر است که ارتباط دانشگاهها با علوم اسلامی و حوزه‌های علمیه بیش از پیش تقویت شود. اگر این ستاد به شکل فعال‌تر با جریان ذکر شده برخورد نماید و برنامه‌های آموزشی علوم قدیم و جدید و مسائل این دو را در یك سیستم نو و کاملاً موافق با نیازهای انقلاب طرح ریزی و به اجرا درآورد می‌تواند زودتر به اهداف انقلابی خود برسد.» ـ ـ پیام به مناسبت بازگشایی دانشگاهها، ١٣٦٢/٩/٢٦.

«آن آرزوی دیرینهٔ ما بود که دو قشر عظیم و مؤثر جامعه یعنی روحانی و دانشجو روزی اینچنین برادرانه و مخلصانه در کنار یکدیگر قرار گیرند و جوی را برای بالا بردن سطح معارف دینی و فرهنگ عالی انقلاب در دانشگاهها به وجود آورند.» ـ در دیدار با نمایندهٔ معظم‌له در دانشگاه اصفهان، ١٣٦٢/٣/٤.

در رابطه با روز وحدت حوزه و دانشگاه و برگذاری سمینار وحدت حوزه و دانشگاه از طرف دفتر مرکزی نمایندگان آیةالله العظمی منتظری در دانشگاهها، گروه کثیری از دانشجویان و اساتید دانشگاهها و مجتمعهای علمی و آموزشی کشور به همراه نمایندگان ایشان در دانشگاههای تربیت معلم، شهید بهشتی، تربیت مدرس، صنعتی اصفهان، صنعتی شریف و مجتمع فنی ـ مهندسی و همچنین دانشجویان فارغ التحصیل ایران از کشورهای هند و فیلیپین با آیةالله منتظری دیدار کردند.

در این دیدار ایشان ضمن تقدیر از دست اندرکاران سمینار وحدت حوزه و دانشگاه و تشکر از شرکت کنندگان و مسئولان دفتر مرکزی نمایندگان با اشاره به تلاش شهید دکتر مفتح و نقش ارزندهٔ او در تحقق وحدت بین دو قشر روحانی و دانشجو اظهار داشتند: وحدت بین محصلین حوزه‌های علمیه و

دانشگاهها از آنجا که هر دو قشر به دنبال علم و دانش هستند یك وحدت طبیعی و حقیقی خواهد بود. درگذشته وضع طوری بود که معمولاً علمای بزرگ دین مانند بوعلی سینا و دیگران علاوه بر علوم اسلامی به علوم طبیعی و مادی کاملاً آشنا بودند. منتهی الامر در این اواخر که دامنهٔ علوم طبیعی و انسانی گسترش پیدا کرد و هر رشته‌ای تخصصی از سایر رشته‌ها جدا شد یك فاصلهٔ ظاهری به وجود آمد و حوزه‌ها و دانشکده‌ها از یکدیگر جدا شدند.

آیةالله العظمی منتظری در همین رابطه گفتند: به نظر می‌رسد اگر علوم اسلامی و به خصوص فقه که در این اواخر گسترش عظیمی پیدا کرده مانند علوم طبیعی و مادی تخصصی می‌شد و مثلاً مباحث فقهی ما هر کدام رشته‌ای و تخصصی می‌شد، شاید بهتر بود. و فکر می‌کنم شرایط زمان ما را بالاخره مجبور کند به همین سمت برویم. زیرا معمولاً ممکن نیست با عمر معمولی یك فقیه، در تمام کتب فقهی و رشته‌های گوناگون عبادی، اجتماعی، جزایی، حقوقی و سیاسی آن و جزئیات و دقایق آنها متخصص و محقق گردید.

ایشان در رابطه با تحقق وحدت بین حوزه و دانشگاه یادآور شدند. این وحدت که همگی دنبال آن هستیم با شعار فقط و با تشکیل یك سمینار در هر سال و یا زمان خاصی عملی نخواهد شد، بلکه اهل علم و فضلا و دانشگاهیان عزیز نیز ارتباط فکری و علمی خود را باید عملاً در حوزه‌ها و دانشگاهها با یکدیگر تقویت کنند و از افکار و معلومات یکدیگر به نحو شایسته و مطلوب استفاده کنند... گر چه علوم اسلامی ذاتاً از نظر وضوع که مربوط به خداشناسی و ماوراء طبیعت است و یا هدف آن که تربیت روح انسانی است بر سایرعلوم‌وفنون مادی‌وطبیعی شرافت‌وفضیلت دارند ولی این معنی بدون تعهدوتقوا موجب فضیلت و برتری محصلین علوم اسلامی بردیگران نمی‌شود؛ زیرا *قرآن* صریحاً می‌فرماید ملاك برتری و فضیلت افراد نزد خداوند داشتن تقوا است. بنابراین آنچه موجب ارزش معنوی علوم مختلف خواهد بود، چه در دانشگاهها و چه در حوزه‌ها مسئله تحصیل علم و عالم شدن و کسب تخصص در یك علم و رشته‌ای نیست، بلکه باید علاوه بر علم، تعهد دینی و تقوا هم باشد. روی همین اصل باید به مسئلهٔ تعهد معنویت در دانشگاهها بسیار توجه نمود.[۱۵]

پس ازسفارشهای حضرت امام خمینی و آیةالله منتظری در مورد ایجاد وحدت بین روحانی و دانشجو و پی‌گیری این موضع توسط فقیه عالیقدر، خوشبختانه نسل جوان دانشگاهی، به خاطر حس حقیقت جویی و درایتی که دارند، با اقبال تحسین‌انگیز، دست برادران روحانی خود را فشردند و صحنهٔ دانشگاه را با پذیرایی‌شان، میدان نمایاندن وحدت اسلامی ساختند.

و نیزروحانیون دلسوز و روشن بین حوزه‌های علمیه، با سعهٔ صدر و علاقهٔ خاصی که به اجرای اوامر بزرگان حوزه‌ها دارند، دست فرزندان و برادران خود را در دانشگاهها برای پیشرفت مبانی اسلامی گرفتند و این نیروهای سازنده، در کنار هم، تمامی رویاهای شاطین را نقش برآب نمودند والحمدالله از زمان ارائهٔ پیشنهاد وحدت حوزه و دانشگاه بوسیلهٔ آیةالله منتظری، پایه‌های این وحدت روز به روز محکم‌تر می‌شود تا جاییکه اکنون دانشگاههای میهن اسلامی ایران به سوی جریان ایده آل خود، یعنی

۱۵. *کیهان*، ۱۳۶۳/۱۰/۲.

اسلامی بودن، با جدیت تمام به پیش می‌رود.

در راه این موفقیت، حضرت آیةالله منتظری تلاش زیادی نموده‌اند که در صفحات آینده قسمتی از آن منعکس خواهد شد.

ج. حمایت از انقلاب فرهنگی

تغییر و تحول در دانشگاهها، از شکل و شیوهٔ طاغوتی به شکل و محتوای اسلامی انجام‌پذیر نبود مگر با یك قیام و انقلاب مطلوب.

اینکه دانشگاهها لانهٔ فساد برای گروههای مفسد و محارب و ضد انقلابی شده بود، و اینکه از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، دشمن به بهره‌برداری از دانشگاه چشم دوخته بود، و اینکه دانشگاهها می‌توانست منبع انرژی نهفته برای مسئله سازی در مقابل انقلاب اسلامی باشد، مسائلی بود که برای دانشجویان مسلمان و متعهد و دردمند و علاقه مند و رهرو راستین خط امام خمینی قابل تحمل نبود. اما سوای اینها، دانشگاههای نظام اسلامی باید اساساً اسلامی و در خط *قرآن* و پیامبر و اهل بیت اطهار باشد. و این نیاز مقدس را اندیشمندان دلسوز و دانشمندان آگاه، خصوصاً امام خمینی به دفعات تذکر داده بودند.

بعد از حضرت امام خمینی که در قلهٔ رفیع رهبری از روزهای نخست قیام حضرتش تا کنون در فرصتهای مناسب به ارشاد و هدایت دست‌اندرکاران مسائل آموزشی و دانشگاهی پرداخته‌اند، حضرت آیةالله العظمی منتظری، شاخص‌ترین روحانی درد آشنا و آینده‌نگری است که از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، حتی سابق بر آن، با اصرار تمام بر اسلامی کردن بنیادی دانشگاهها پافشرده‌اند.

ایشان، ضرورت انقلاب فرهنگی در دانشگاهها و ایجاد زمینهٔ رشد مبانی اسلامی در این جایگاههای عُلم و مبارزه را همپای ضرورتهای دیگر انقلاب و بلکه در رأس آنها می‌داند. در زمینهٔ ضرورت تغییر بنیادی در دانشگاهها به چند رهنمود از ایشان توجه می‌کنیم:

«شما با هم باشید و با هم تصمیم بگیرید و با تلاش همگانی مشکلات را فیصله دهید که دست خدا با جماعت است. پسمانده‌های رژیم گذشته و ریشه‌های گندیدهٔ نظام طاغوتی را از محیط مقدس دانشگاه جارو کنید و پیش از اینکه دشمن برای شما تصمیم بگیرد پیشدستی نمایید و به او فرصت ندهید تا باوامانده‌های خود انقلاب اسلامی شما را خدشه‌دار سازد. این جانب با نهایت صمیمیت به شما عزیزان امید بسته‌ام و انتظار دارم در نشستها و گفت‌وگوهای خود خط اسلام و اتحاد اسلامی را محور قرار داده همچنان در راه خدا به پیش روید.» ـ پیام به سمینار تحکیم وحدت دانشجویان مسلمان، ۱۳۵۸/٦/۲۵.

«تغییر نظام آموزش عالی امری است که ضرورت آن کاملاً احساس می‌شود. بدیهی است یك نظام وقتی تغییر می‌کند که هم شکل و هم محتوای آن عوض شود. کسانی که با مسائل دانشجویی بیشتر آشنا هستند می‌دانند نظام آموزشی موجود که پسماندهٔ فرهنگ غربی و پدیده‌ای ارتجاعی است، دردی از جامعهٔ ما دوا نمی‌کند و در مجموع معمولاً جز تکرار و حفظ کردن فرمولهای معین و گرفتن مدرك،

محصولی برای جامعهٔ ما نداشته و از این رو نتوانسته فقر و کمبود نیروی انسانی را جبران نماید و کشور را به حالت خودکفایی علمی و انسانی برساند. از مسئولین محترم انتظار می‌رود که به خواسته مشروع و انقلابی دانشجویان عزیز عملاً توجه نموده سعی کنند با یك تصمیم انقلابی و به دور از کاغذبازی و وقت کشی محتوای نظام آموزشی را عوض کنند و به جای آن نظامی را جایگزین کنند که با روح انقلاب اسلامی متناسب و از آن الهام بگیرد و بتواند جوانان ما را از شرق و غرب گرایی آزاد کند.» ـ پیام به کنگرهٔ وحدت اسلامی دانشجویان و دانش‌آموزان کرمان، ۱۳۵۹/۱/۱۵.

«این رسالت نیاز به یك تصمیم آهنین و تاریخی از سوی متفکران و گویندگان متعهد و یك برنامه‌ریزی دقیق و ضربتی طبق نیاز امروز انقلاب دارد. و در این باره بیش از هر چیز چشم امید حوزهٔ علمیه به دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی دوخته شده. لذا از طلاب علوم دینی و دانشجویان متعهد و مسلمان که همواره در یك سنگر بوده و هستند، انتظار می‌رود قیام کنند و مغزها را از تفکرات غیراسلامی و بینش مادی و التقاطی تخلیه نمایند و تفقه در دین را چون یك اصل اساسی میان توده‌های میلیونی مسلمان که با عشق راستین نسبت به اسلام به مبارزه برخاسته‌اند، بیاموزند.» ـ پیام به سمینار دانشجویان دانشکدهٔ الهیات، ۱۳۵۹/۱/۲۵.

«دانشگاه میدان معنویات است و شدیداً باید با افکار التقاطی و شرقی و غربی به ستیز برخیزد.» ـ خطاب به سمینار وحدت دانشگاه ـ فیضیه، ۱۳۶۰/۹/۲۸.

پس از رهنمودها و خواسته‌های رهبر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی دامت برکاته، و توصیه‌های حضرت آیةالله منتظری مبنی برضرورت تغییرات بنیادی در دانشگاهها و حذف و طرد عوامل استکبار جهانی اعم از گروههای منافق وملحد و شاهنشاهی، و پاکسازی این مکان مقدس، اواخر فروردین ۱۳۵۹، دانشجویان عضو انجمنهای اسلامی دانشگاهها با یك حرکت هماهنگ و حساب شده قیام کردند و اعلام داشتند که تا اخراج مزدوران شرق و غرب و ایجاد یك سیستم آموزشی صحیح و اسلامی به دانشگاه نخواهند رفت.

این عمل شجاعانهٔ فرزندان و مقلدان امام خمینی، خشم و نفرت استکبار جهانی و نوکران آن در داخل ایران را به شدت برانگیخت. آنها بنای مقاومت در مقابل این حرکت به موقع و متهورانه را گذاشتند. این مقاومت نابخردانه سودی برایشان نبخشید، اما برای ملت اسلام و بیت‌المال مسلمانان خساراتی به بار آورد که شرح آن در مطبوعات آن زمان مسطور است. در این بین، رئیس جمهور وقت، ابوالحسن بنی صدر، که خود در نوکری و سرسپردگی، از گروهکهای وابستهٔ شرق و غرب عقب نبود، تصمیم به جلوگیری از تعطیلی دانشگاهها و کلاسهای درس گرفت، اما هشیاری دانشجویان و امت شهیدپرور و نیز حمایت حضرت امام و دیگر مسئولان و شخصیتهای دلسوز از دانشجویان، آنان را موفق داشت.

نیروهای اسلامی دانشگاهها، که از مدتها پیش در فکر تغییر فرهنگ حاکم بر دانشگاهها و مراکز آموزش عالی بودند، برای این حرکت انقلابی خود دلایل فراوانی در اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های خود ذکر کردند و هدفهای خود را از این عمل اسلامی و انسانی بیان داشتند. در اینجا چند نمونهٔ آن را نقل

می‌کنیم:

«تداوم انقلاب، درگرو انقلاب اسلامی در تمامی زمینه‌ها و در رأس آن انقلاب فرهنگی است، که پیروزی آن شرط اصلی موفقیت انقلاب است. لذا ما خواستار گسترش فرهنگی اصیل در تمامی نهادهای آموزشی به خصوص دانشگاهها هستیم. اصیل‌ترین پایگاه فرهنگی امپریالیسم امریکا دانشگاه است و تا زمانی که این پایگاه در هم کوبیده نشود نمی‌توان به عدم حضور امریکا در درون ایران مطمئن بود. لذا با تمامی توان سعی در انهدام این پایگاه داخلی شیطان بزرگ خواهیم کرد.» ـ قسمتی از قطعنامهٔ راهپیمایی اعضای انجمنهای اسلامی دانشجویان بعد از دیدار با امام خمینی ، ۱۳۵۹/۲/۱.

«ما معتقدیم تنها راه اسلامی کردن دانشگاهها و جایگزین نمودن نظام انقلابی و الهی، در گرو توقف نظام حاکم بردانشگاههاست و بنای نوین نظام دانشگاهی را جز بر خرابه‌های سیستم پوسیدهٔ کهن بنا نتوان کرد و تلاش در این راه را وظیفهٔ مبرم مکتبی و اسلامی هر مسلمان مسئول می‌دانیم و اعلام می‌داریم که همچنان با تمام نیرو و مصرانه در جهت تحقق پیام امام و انقلاب فرهنگی در تمام دانشگاهها گام برخواهیم داشت... سیستم حاکم بر دانشگاهها به عنوان عنصری از عناصر متشکلهٔ رژیم شاه خائن همچنان برمراکز عالی آموزشی ما حاکمیت دارد و ما امروز حضور سنگین امریکای جنایتکار و شاه خائن را همچنان در دانشگاهها حس می‌کنیم.» ـ از بیانیهٔ شمارهٔ ۱ انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاهها، ۱۳۵۹/۱/۳۰.

«ما در صدد آنیم که دانشگاه شیراز را از فرهنگ امریکایی حاکم بر آن آزاد سازیم و نظام ضد اسلامی و ضد انسانی این دانشگاه را به نظامی اسلامی و انسانی تبدیل سازیم.» ـ ستاد دانشجویان دانشگاه شیراز، ۱۳۵۹/۱/۳۰.

در پی این حرکت مثبت، دانشگاههای ایران در تمامی شهرها به مدت نزدیك به دو سال و نیم در تعطیلی به سر برد.

در تاریخ ۱۳۵۹/۳/۲۳ به فرمان و حکم حضرت امام، جمعی از شخصیتهای فرهنگی و دانشگاهی، ستاد انقلاب فرهنگی را تأسیس کردند. این ستاد کار خود را با پالودن کتب درسی دانشگاهی از انحراف فکری و پرداخته‌های ارتجاعی آغاز نمود و اندك اندك به عنوان محور فعالیتهای اساسی در زمینهٔ تغییرات نظام آموزشی درآمد و اکنون به عنوان قدرتی بزرگ و مفید در فضای دانشگاهی ایران حضور فعال دارد.

آیةالله منتظری از جمله کسانی است که از حرکت دانشجویان عضو انجمن اسلامی‌دانشگاهها‌حمایت کرد و در وسع مسئولیت خود، رهنمودهای لازم را به ستاد انقلاب فرهنگی ارائه داد. ایشان در حمایت از انقلاب فرهنگی در دانشگاهها فرموده‌اند:

«اسلام به دانش بیش از هر چیز اهمیت داده و فراگیری آن را در هر شرایطی بر هر مسلمانی واجب دانسته است. هر دانشی که مورد نیاز جامعهٔ اسلامی باشد از علوم لازم و اسلامی محسوب می‌گردد. در این شرایط حساس در راه خودکفایی فرهنگی و استقلال علمی میهن اسلامیتان بکوشید و به انقلاب فرهنگی که اکنون در کشور خودتان شروع شده شتاب و عمق بیشتری بدهید. البته تلاش شما باید در راه تخصصهای مورد نیاز بیشتر جامعه انقلابیتان باشد.» ـ پیام به دانشجویان ایرانی مقیم امریکا و کانادا، ۱۳۵۹/۳/۲۸.

«چون مسئلهٔ دانشگاهها برای ما حیاتی و آینده ساز کشور ماست لذا رهبر انقلاب هم به اهمیت این معنا توجه کردند و ستاد انقلاب فرهنگی را دستور دادند تشکیل شد و آقایان که مسئول ستاد انقلاب فرهنگی هستند باید بدانند که کارشان کار حساس و مهمی است. ضمن اینکه تشکر می‌کنم از آقایان که در ستاد انقلاب فرهنگی انجام وظیفه می‌کنند، ولی تذکر می‌دهم که خیال نکنند کار تمام شده تازه اول کار است. احداث کار خیلی مهم نیست، ابقای کار خیلی مهم است ستاد انقلاب فرهنگی باید علت مبقیه باشد. بایستی باشد و باید ناظر باشد، تا آخر، و ببیند این انقلاب فرهنگی انجام شد یا نشد... واقع امر این است که ستاد انقلاب فرهنگی باز هم احتیاج به نیروهای جدید و تازه نفس دارد... تازه اول کار این ستاد است. انقلاب فرهنگی هم عرض کردم که یك حرکت است و حرکت هم یك روز و دو روز نیست، طول می‌کشد. اگر ما خیال کردیم فوری دانشگاههای ما صددرصد اسلامی شده، اساتید ما اساتید اسلامی شدند، دانشجویان ما دانشجویان اسلامی، نه! این با یك روز و دو روز انجام نمی‌شود! شما شروع کنید هر چیزی از صفر شروع می‌شود. از صفر باید شروع کرد... خود آقایان توجه دارند. در حقیقت دانشگاهها مرکز فعالیت گروهها شده بود و در آنجا به جای درس و بحث، تبلیغات گروهی بود. و ضرورت ایجاب کرد که موقتاً دانشگاهها بسته شود. والاّ اگر می‌شد درس و بحث دانشگاهی برقرار باشد و گروهها اخلال نمی‌کردند چقدر بهتر بود که دانشگاهها باز باشند و انقلاب به تدریج انجام بشود و حالا هم باید به تدریج انجام بشود... پس این کار ستاد انقلاب فرهنگی که مربوط به انقلاب فرهنگی در دانشگاههاست، کار خیلی مهمی است. برای اینکه این کار، ساختن دانشگاههاست و دانشگاهها سازندهٔ آیندهٔ کشور ما هستند.» ـ در دیدار با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی و نمایندگان معظم‌له در دانشگاهها، ۱۳٦۲/۳/۷.

«همه می‌دانیم دانشگاهها و فرهنگ حاکم بر آنها در رژیم فاسد گذشته یکی از مظاهر بزرگ استعمار غربی بود. اصولاً استعمار با شناختی که از فرهنگ خلاق و انقلابی اسلام داشت و با تجربیاتی که در طول سالها و قرنها سرکوبی ملتها به دست آورده بود برای تثبیت نفوذ خود در یك ملتی، دانشگاهها را که مرکز عالی شکوفایی فرهنگ و عقاید جوانان است بهترین راه تشخیص داده و همواره سعی نمود با صدور فرهنگهای صادراتی و استعماری، فرهنگ و سیستم حاکم بر دانشگاهها را وابسته به خود و بیگانه از فرهنگ اصیل اسلام سازد و دیدیم که چه ضربه‌های اساسی از این راه بر ملت مظلوم ما وارد

شد. رژیم فاسد گذشته با اسلام زدایی از نظام دانشگاهها در ایران توانست بزرگ ترین خدمت را به اربابان جهانخوار خود بنماید و قشری عظیم از جامعهٔ ما را در مسیر اهداف استعماری قرار دهد. از این رو پس از پیروزی انقلاب عظیم اسلامی و غلبهٔ سیاسی و نظامی ملت ما بر دشمن، شروع انقلاب در فرهنگ و نظام حاکم بر دانشگاهها یکی از نیازهای به موقع بود که مقام معظم رهبری انقلاب احساس نمود و پس از تعطیلی دانشگاهها توسط دانشجویان متعهد و مسلمان فرمان آغاز حرکت انقلاب فرهنگی را با تعیین ستادی بدین منظور صادر نمودند. طی این مدت، مسئولین مربوطه گر چه قدمهای مؤثری را برداشتند و دانشجویان انقلابی و اساتید متعهد ما توانستند به دستاوردهای قابل تقدیری نایل شوند ولی حقیقت، همان گونه که امام متذکر شدند، این است که یك انقلاب اساسی و کامل در تمام شئون و رشته‌های فرهنگی، شاید سالها به طول انجامد. و به صرف طرحها و برنامه‌های ذهنی و به دور از جریان عمل نمی‌توان به هدف اصلی رسید، بلکه باید در عمل و دربرخورد عینی با مسائل و مشکلات به یك انقلاب عینی و به دور از ذهن گرایی دست یافت. از این رو نباید فکر کنیم که حرکت انقلاب فرهنگی به پایان رسیده. باید با شروع کار دانشگاهها و به کارگیری استعدادهای اساتید و دانشجویان مؤمن به انقلاب اسلامی و دادن امکانات لازم به آنان انقلاب فرهنگی را بارور ساخت.» ـ پیام به مناسبت بازگشایی دانشگاهها، ۱۳۶۱/۹/۲۶.

«خوب، دانشگاههای ما اگر بخواهند دانشگاه اسلامی بشوند، این معنایش چیست؟ معنایش این است که ما نمی‌گوییم فقط درس طلبگی بخوانند، یعنی اینکه فرض بگیرید فلسفه، جامعه‌شناسی، اقتصاد، روان‌شناسی و پزشکی نباشد. کسی این را نمی‌گوید. همه ضروری است و باید باشد، امام نظام جوری باشد که این دانشجو که از دانشگاه آمد بیرون، پزشك شد، مهندس شد و متخصص در یك رشته‌ای شد، در عین حال که متخصص در آن رشتهٔ خودش است مسلمان و متعهد هم باشد، کشور فروش نباشد، دیگر حالا این اندازه باشد که کشورش را اقلاً نفروشد، بداند که با بودجهٔ این کشور ارتزاق کرده و شده مهندس یا دکتر و باید به این کشور خدمت کند، به مسلمانان خدمت کند، آدم متعهد و دینداری باشد. بنابراین دانشگاهها همان طوری که اساتیدی نیاز دارد برای اینکه بیایند درس پزشکی بدهند، همان طوری که زبان شناس باید بیاید درس زبان بدهد، استاد جامعه شناسی باید بیاید درس جامعه شناسی بدهد، اما دانشجو همهٔ این علوم را که یادمی‌گیرد، زیربنای فکرش اسلام و عقاید اسلامی باشد. ـ ۱۳۶۲/۳/۷.

روزنامهٔ *کیهان* در تاریخ ۱۳۵۹/۱۲/٤ در مصاحبهٔ مفصلی که با آیةالله منتظری انجام داد، نقطه نظرهای معظم‌له را دربارهٔ چگونگی انقلاب فرهنگی و رابطهٔ میان اخلاق اسلامی در جامعه و تحقق انقلاب فرهنگی جویا شد و ایشان در پاسخ فرموده‌اند:

«اگر دانشجویان، دانشگاهها را محیط تبلیغات مسموم نکرده بودند و آن را تبدیل به محیط درگیری و

برخورد نکرده بودند و گذاشته بودند دانشگاه برقرار باشد و به تدریج انقلاب فرهنگی انجام شود، به نظر من خیلی بهتر بود. ولی متأسفانه گروهها از محیط آزاد دانشگاهها سوء استفاده کردند و با ایجاد تبلیغات مسموم درگیری درست کردند و نگذاشتند درس خوانده شود. و این سبب شد برای ایجاد یك انقلاب فرهنگی، دانشگاهها تعطیل بشود. گناه این به گردن آنهایی است که محیط دانشگاهها را محیط تبلیغات مسموم و درگیری و برخورد کرده بودند. اما آنچه الآن به نظر می‌آید این است که این انقلاب فرهنگی هر چه زودتر باید انجام بگیرد و بعد از آن دانشگاهها باز شود. معنی انقلاب فرهنگی هم این است که ما ببینیم چه نیازهایی داریم که در دانشگاههای ما تدریس شود که بر اساس اسلام باشد، آن وقت بر طبق آن برنامه‌ریزی کنیم.

درگذشته روش دانشگاههای ما طوری بود که نیاز کشور را مورد توجه قرار نمی‌داد و افراد را برای پشت میزنشستن تربیت می‌کرد. درسهایی که نیازهای کشور به واسطهٔ آنها برطرف می‌شد کمتر مطرح بود. علوم انسانی دانشگاهها هم بر اساس اسلام نبود. با وجود این مسائل الآن یك سری رشته‌ها هست که احتیاج به تحول اساسی ندارد. مثلاً رشتهٔ پزشکی، صنعت، تکنیك و امثال اینها رشته‌هایی هستند که احتیاج نیست یك قلب و انقلاب اساسی در آنها ایجاد شود. چون اسلام هم با پیشرفت علم و صنعت موافق است، رشتهٔ پزشکی هم که برای رفع نیازهای درمانی کشور است. بنابراین، مسئله‌ای که می‌ماند ومهم است استادان این درسهاست. استادها باید افرادی باشند که مخالف اسلام نباشند. اگر موافق اسلام نیستند لااقل مخالف اسلام هم نباشند و کلاس درس پزشکی را کلاس تبلیغ مارکسیسم ـ لنینیسم نکنند. اما مرحلهٔ دیگر انقلاب فرهنگی مربوط به علوم انسانی است. درسهایی مثل جامعه شناسی، اقتصاد، روان شناسی و فلسفه باید بر اساس اسلام باشد... علوم انسانی درگذشته به گونه‌ای بود که جوانهای ما را سوق می‌داد به مسیری برخلاف اسلام. بنابراین اینها احتیاج به یك انقلاب اساسی دارند تا از اساس تغییر کنند. روی همین اصل من بارها به شورای انقلاب فرهنگی سفارش کردم که سعی بکنید کار دانشکدهٔ پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی و این جور رشته‌ها را که خیلی معطلی ندارد و استادش هم الحمدلله هست شروع کنید. فقط استادهایی که می‌خواهند کلاس درس را به محل تبلیغات سوء تبدیل کنند دعوت نکنید. بقیه استادها را دعوت کنید و کار این گونه دانشگاهها را زودتر شروع کنید. دانشگاههایی هم که مربوط به علوم انسانی است بعد از انجام یك انقلاب اساسی... کارشان را شروع کنند. البته اصلاح کامل قدری به مرور زمان نیاز دارد ولی ایجاد انقلاب فرهنگی بر اساس اسلام چیز لازمی است که باید انجام بگیرد.»

«فرهنگ باید بر اساس اسلام باشد و پس از آن، بر اساس مکتب، ملاحظهٔ احتیاجات کشورمان را بکنیم. شما می‌دانید.. قبلاً.. دانشگاه افراد لیسانسه‌ای تربیت می‌کرد که فقط برای پشت میزنشستن خوب بودند و به کارهای تکنیکی و صنعتی هیچ وارد نبودند. این جور دانشگاه هیچ به نفع کشور ما نبود. برای اینکه ما احتیاج داریم به دکتر، مهندس، تکنسین، متصدی آب و...با اینهمه دانشگاهی که داشتیم معذالك متخصص مورد نیاز برای فنون مختلف را ناچار می‌باید از خارج می‌آوردیم... بنابراین باید

انقلابی در دانشگاهمان پیدا بشود که در درجهٔ اول مکتب زیربنا باشد و بر اساس اسلام باشد و بعد از آنکه بر اساس اسلام شد احتیاجات و نیازهایی که کشور ما دارد برآورده کنند و اینها باید باشد تا ما افراد مکتبی در درجهٔ اول و بعد متخصص و کارشناس که با حوائج و احتیاجات کشورمان به خورد تربیت بکنیم» ـ مصاحبه با مجلهٔ *شاهد*، ۱۳۵۹/۱۰/۲.

د. نمایندگان آیةالله منتظری در دانشگاهها

در مباحث مطرح شدهٔ صفحات قبل به اینجا رسیدیم که:

۱. دانشگاهها و حوزه‌های علمیه باید با هم نزدیك و متحد شوند و در یك رابطهٔ صحیح، هر کدام، از توان علمی، روح مبارزاتی و نیروی جوانی این دو مرکز بزرگ جوششهای علمی و خیزشهای اجتماعی، متأثر و بهره‌مند گردند.

۲. ضرورت انقلاب فرهنگی در دانشگاهها حتمی است و دانشجویان متعهد و مسلمان باید در یك قیام ضربتی به پاکسازی محیط و طرد افکار غرب‌زده و شرق‌زده از دانشگاه دست بزنند. بدیهی است حوزه‌های علمیه هم باید تکانی به خود بدهند ـ که آیةالله منتظری در این زمینه نیز نقطه نظرهایی بیان داشته‌اند، اما جای بحث آن اینجا نیست.

۳. سوی حرکت اصلاح دانشگاهها و انقلاب فرهنگی باید به سمت اسلام و بنیادهای اسلامی باشد ـ اسلام متکی به متون اصیل، نه برداشتهای آلوده به اطلاعات غیراسلامی.

پس از اینکه فرزندان پاك اسلام در دانشگاهها علیه جو حاکم قیام کردند و تفاله‌های شیطان را از دانشگاهها راندند، احساس وظیفه، مسئولان دانشگاهها و بزرگان حوزهٔ علمیه را واداشت که به یاری دانشجویان بشتابند و تدابیر لازم را بیندیشند. آیةالله منتظری تدبیر خویش را چنین بیان داشت:

«دانشجو باید زیربنای فکرش اسلام و عقاید اسلامی باشد. پس درکنار آن اساتید، لازم است در دانشگاهها اساتیدی باشند که زیربنای اعتقادی دانشجویان را بسازند که افرادی معتقد به اسلام، آگاه به معارف اسلامی و متعهد و با تقوا بار بیایند. این اساتید به این ترتیب در دانشگاهها لازم‌اند. بنابراین، ستاد انقلاب فرهنگی تصمیم گرفت افرادی تعیین بشوند که بخواهند معارف اسلامی را در دانشگاه تدریس کنند و زیر نظر داشته باشند و آن را به من محول کرده‌اند و من تقاضا کرده‌ام از آقایان فضلا ـ که این مسئولیت را پذیرفته‌اند. البته هر کدام از آقایان که این مسئولیت را پذیرفته‌اند، خودشان به تنهایی نمی‌توانند کار را انجام بدهند. نیاز دارند به اینکه از افراد متخصص در علوم و معارف اسلامی دعوت کنند. حالا اگر جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم اساتیدی را برای این معنا تربیت کرده‌اند، از آنها دعوت کنند. اگر هنوز ندارند موقتاً از اساتید دیگر چه اشکال دارد اگر آقایان استادی را پیدا کنند و به نظر جامعهٔ مدرسین برسانند.» ـ در دیدار با اعضای ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی، ۱۳٦۲/۳/۷.

تقاضای ستاد انقلاب فرهنگی از آیةالله منتظری در مورد معرفی اساتیدی برای ایجاد زمینه‌های اسلامی در دانشگاه، به صورتهای مختلف مطرح شده است.

در تاریخ ۱۳۶۱/۶/۲۰ اعضای ستاد انقلاب فرهنگی در قم به حضور معظم‌له رسیدند و کارهای انجام شده توسط ستاد در زمینهٔ برنامه‌ریزی، تدوین کتب درسی و تهیهٔ مقدمات کنکور و بازگشایی دانشگاهها را به استحضار ایشان رساندند. بر اساس طرحی که برای مدیریت دانشگاه در ستاد تدوین شده بود، درخواست شد تا جهت معاونت فرهنگ اسلامی در دانشگاهها برادران روحانی را معرفی فرمایند تا در این سمت جدید در دانشگاههای آینده انجام وظیفه کنند.

ستاد انقلاب فرهنگی در تاریخ ۱۳۶۱/۸/۲۵ مقررات مربوط به مدیریت آموزش عالی و سازماندهی دانشگاهها را تصویب کرد. در فصل اول نظامنامهٔ مربوط به سازمان درون دانشگاهها، قسمت مدیریت دانشگاه، آمده است:

«مادهٔ ۵. معاون فرهنگی هر دانشگاه توسط آیةالله منتظری معرفی می‌شود و با حکم وزیر فرهنگ و آموزش عالی منصوب می‌گردد.»

حضرت آیةالله منتظری با سعهٔ صدر و لطف همیشگیشان خود را از دخالت در امور اجرایی دستگاههای اداری مملکت برکنار داشتند و کارهای از این نوع را به مسئولان مربوطه واگذار کردند. ایشان فرمودند:

مسئله‌ای که هست و از اول هم به من می‌گفتند که این آقایانی که معرفی می‌شوند به عنوان معاون رئیس دانشگاه باشند، به نظر من این خیلی جور در نمی‌آید. رئیس دانشگاه مسئول امور اجرایی دانشگاه است. چه لزومی دارد که این به عنوان معاون او باشد. اصلاً این مقام معنوی را و مقام اسلامی و فرهنگی دانشگاه را داشتن، این یك چیز است که فوق کارهای اجرایی است. این شخص بایستی هم خودش و هم افرادی که معین می‌کند کسانی باشند که بتوانند معارف اسلامی را تدریس بکنند.»

پیشتر از اینها دانشجویان دانشگاهها به کرات درخواست کرده بودند که ایشان بر جریان فکری دانشگاهها نظارت داشته باشد. دو نمونه از این درخواستها را نقل می‌کنیم.

در فروردین ۱۳۵۹ سمینار رسالت دانشجو و دانشگاه در دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی تهران تشکیل شد. این سمینار قطعنامه‌ای را به عنوان نتیجهٔ چند روز بحث و تبادل نظر صادر کرد که در قسمتی از آن آمده است:

«از آیةالله منتظری، الگوی علم و تقوا می‌خواهیم که نظارت بر این رسالت انقلابی را در تمام دانشگاهها به دوش بکشند...» ـ *جمهوری اسلامی*، ۱۳۵۹/۱/۲۷.

«دانشگاه تربیت معلم طی نامه‌ای به محضر حضرت آیةالله العظمی منتظری خواستار معرفی یکی از علمای روحانی متعهد به ولایت فقیه جهت همکاری با این دانشگاه شد. متن نامه‌ای که از سوی دانشگاه تربیت معلم به محضر فقیه نستوه آیةالله العظمی منتظری ارسال شده چنین است: همان طور که مستحضرید درآینده‌ای نزدیك به امر حضرت امام دانشگاهها نوگشایی می‌شوند و از آنجا که دانشگاه تربیت معلم نقش مهمی در تربیت مربیان این مملکت دارد به طور یقین نیاز مبرمی به همکاری جدی و

بسیار فعال با حوزههای علمیه خواهد داشت تا بتواند به طور احسن رهنمودها و فرامین امام عزیز را در این مؤسسه پیاده نموده، خدمتی ارزنده به اسلام و مسلمین مظلوم این کشور انجام دهند. لذا خواهشمند است حضرت عالی برای پیاده کردن قوانین حکومت اسلامی مبتنی بر رهبری ولایت فقیه در تمام امور اعم از شورای مدیریت و برنامهریزی و مسائل فرهنگی و غیره این دانشگاه که نقش آن برای جناب عالی، در تربیت نسل آیندهٔ کشور اسلامی کاملاً محرز میباشد یك نفر از علمای متعهد به ولایت فقیه و آشنا به مسائل دانشگاهی را جهت اهداف فوق به این دانشگاه معرفی فرمایید تا با همکاری ایشان و تأییدات خداوند متعال تربیت مربیان این کشور اسلامی از مسیر الهی به چپ و راست منحرف نشود و محفوظ و درامان بماند.» ـ *کیهان* ١٣٦٠/١٢/٢٤.

با توجه به این مسئولیت، یعنی مسئولیت نظارت بر امور فرهنگی و آموزش معارف اسلامی، آیةالله العظمی منتظری نمایندگان خود را به شرح زیر به دانشگاهها، دانشکدهها و مجتمعهای آموزش عالی و دانشجویان خارج از کشور معرفی کردند:

١. دانشگاه شیراز

«بسمه تعالی. حجج اسلام آقایان حاج سیدعلیمحمد دستغیب و حاج شیخ اسدالله ایمانی دامت افاضاتهما، پیرو تقاضای ریاست محترم و مسئول فرهنگی و آموزشی دانشگاه شیراز توصیه میشود که آقایان معظم به منظور بالا بردن سطح آموزش دینی دانشگاه و تقویت بنیهٔ عقیدتی و ایدئولوژیکی دانشجویان عزیز و تحکیم وحدت آنان با روحانیت متعهد ضمن نظارت بر جریان فکری و اخلاقی دانشگاه برنامههای غنی و پر محتوا با همفکری یکدیگر تنظیم نموده، با شرکت در کلاسها وجلسات آموزشی و فرهنگی دانشگاه، معارف اصیل اسلامی را در تمام سطوح آن پیاده نمایید. مطمئن هستم در انجام این رسالت مهم الهی اساتید محترم و مسئولین متعهد و دانشجویان عزیز دانشگاه شیراز با شما صمیمانه همفکری و همکاری خواهند نمود. والسلام علیکم و رحمةالله. ١٣٦٠/١٠/٢. حسینعلی منتظری.»

توضیح. در تاریخ ١٣٦٣/٧/٢٧ حجة الاسلام حاج شیخ اسدالله ایمانی به دلیل مشغلهٔ زیاد از این مسئولیت استعفا نمود که حضرت آیةالله منتظری ضمن تشکر از فعالیتهای سه سالهٔ ایشان، استعفای وی را پذیرفتند و از حجة الاسلام دستغیب خواستند که بیش از پیش روی دانشگاه شیراز وقت بگذارند.

٢. دانشجویان ایرانی مقیم هند.

«بسم الله الرحمن الرحیم. جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج شیخ رضا گلسرخی دامت افاضاته پیرو مکاتبات و مراجعات مکرر انجمنهای اسلامی دانشجویان مسلمان ایران مقیم هندوستان مبنی بر اعزام یك روحانی متعهد و آگاه جهت پاسخ گویی به مسائل دینی آنان، به جناب عالی توصیه میشود به منظور بررسی موضوع فوق و همچنین مطالعه و فراهم نمودن زمینههای تأسیس و یا تقویت حوزههای

علوم دینی در شهرهایی که ضرورت دارد به آن کشور مسافرت نمایید و ضمن تماس مستقیم با علما و روحانیون معظم و دانشجویان عزیز و مردم مسلمان هند و بررسی نیازهای فکری و تبلیغی آنان، پیام مقام معظم رهبری انقلاب عظیم اسلامی و مواضع ایدئولوژی ـ سیاسی انقلاب را به ملت رشید هندوستان ابلاغ فرمایید. از مسئولین محترم وزارت خارجه وارشاد اسلامی دولت جمهوری اسلامی ایران و نیز مسئولین مربوطهٔ کشور هندوستان انتظار می‌رود در این مسئولیت الهی با جناب عالی همکاری نمایند. والسلام علیکم و رحمة الله. ۱۳۶۰/۱۰/۹. حسینعلی منتظری.»

توضیح. آقای گلسرخی مدتهاست که از ورود به هند منع شده است ـ به وسیلهٔ دولت آن کشور. لذا الآن مسئولیتی در این رابطه ندارند.

۳. دانشگاه مازندران

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ عباسعلی سلیمانی امام جمعهٔ بابلسر دامت افاضاته، پیرو تقاضای ریاست محترم و دبیرشورای جهاد دانشگاهی دانشگاه مازندران به جناب عالی توصیه می‌شود به منظور بالا بردن سطح ایدئولوژی اصیل اسلام و آشنایی بیشتر دانشجویان عزیز با فرهنگ عالی انقلاب، ضمن شرکت منظم در جلسات شورای مدیریت دانشگاه مازندران و نظارت بر جریان فکری و اخلاقی دانشگاه کلاسهایی پر محتوا و غنی تشکیل داده، بکوشید مسائل اسلامی و عقیدتی را با بیانی ساده برای دانشگاهیان محترم و دانشجویان عزیز بیان فرمایید. مطمئنم مسئولین محترم و برادران و خواهران دانشگاهی و دانشجو با جناب عالی صمیمانه همکاری خواهند نمود. توفیق همگان را در انجام وظایف اسلامی از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۱۳۶۰/۱۱/۵. قم. حسینعلی منتظری.»

۴. مرکز علوم پزشکی

«بسمه تعالی. جناب مستطاب حجةالاسلام آقای حاج شیخ محی الدین فاضل دامت افاضاته. پیرو تقاضای دبیر شورای مدیریت جهاد دانشگاهی و رئیس مرکز علوم پزشکی ایران به جناب عالی توصیه می‌شود به منظور بالا بردن سطح آموزش دینی برادران و خواهران دانشجو و تحکیم وحدت بین دو قشر دانشجو و روحانی، ضمن شرکت منظم در جلسات شورای مدیریت مرکز علوم پزشکی ایران و نظارت بر جریان فکری و اخلاقی آن کلاسهایی به منظور فوق با همکاری روحانیون و افراد متعهد تشکیل دهید. امید است دانشجویان عزیز و اساتید و مسئولین متعهد آن مرکز از فرصت حداکثر استفاده را نموده، با جناب عالی صمیمانه همفکری و همکاری بفرمایند. توفیق همگان را در راه گسترش فرهنگ عالیهٔ انقلاب و عمل به وظایف دینی از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةالله. ۶۰/۱۱/۲۵. قم. حسینعلی منتظری.

٥. دانشگاه کرمان

«بسمه تعالی. جناب حجت الاسلام آقای شیخ محمد اخلاقی‌نیا دامت افاضاته، به دنبال استعفای حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد حسین احمدی[١٦] دامت افاضاته از مسئولیت نظارت بر جریان معارف اسلامی دانشگاه کرمان، ضمن تشکر و تقدیر از خدمات ایشان، مقتضی است جناب عالی مسئولیت نظارت بر جریان فکری و تدریس معارف اسلامی دانشگاه کرمان را بپذیرید و سعی کنید با هماهنگی و همفکری با امام جمعهٔ محترم و فضلا و روحانیون متعهد کرمان کلاسهای معارف اسلامی دانشگاه را تنظیم نمایید و ترتیبی بدهید تا سطح فرهنگ مذهبی و معارف دینی دانشگاه را همزمان با رشد علمی و فکری دانشجویان عزیز بالا ببرید. امید است با همکاری روحانیت معظم منطقه و دانشگاهیان محترم و دانشجویان متعهد، جناب عالی در انجام این مسئولیت الهی موفق باشید. والسلام علیکم و رحمة الله. حسینعلی منتظری. ١٣٦٤/٨/٢٠.

٦. دانشگاه اصفهان

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام حاج شیخ حجةالله قاسمی دامت افاضاته، پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ انقلاب فرهنگی دانشگاه اصفهان را بپذیرید و ضمن تشکیل کلاسهای عقیدتی و بیان معارف اسلامی برای دانشگاهیان و دانشجویان محترم با همکاری روحانیون و فضلای متعهد بر جریان فکری دانشگاه نظارت نمایید. از برادران و خواهران محترم دانشجو و اساتید متعهد دانشگاه انتظار می‌رود در این مسئولیت بزرگ با جناب عالی همکاری و همفکری بنمایند. توفیق همگان را در پیشبرد فرهنگ اصیل اسلام از خداوند بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ٦١/٩/٢٩. حسینعلی منتظری.

٧. دانشگاه امیرکبیر (پلی تکنیك تهران)

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد حسن احمدی دامت افاضاته، با توجه به درخواست مدیریت جهاد دانشگاهی و ریاست دانشگاه پلی تکنیك تهران و تأیید حجة الاسلام آقای دکتر احمدی عضو ستاد انقلاب فرهنگی، مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه

١٦. در تاریخ ١٣٦١/٩/١٧، حجة الاسلام احمدی طبق حکم زیر نمایندگی فقیه عالیقدر را در دانشگاه کرمان عهده‌دار شد: «بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد حسین احمدی امام جمعهٔ بندرعباس دامت افاضاته، پیرو درخواست مکرر عده‌ای از دانشجویان متعهد دانشگاه کرمان و تأیید حجة الاسلام آقای دکتر احمدی عضو ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت نظارت بر کمیتهٔ انقلاب فرهنگی دانشگاه کرمان را به عهده گرفته، ضمن تشکیل کلاسهای عقیدتی و استدلالی جهت بیان معارف اصیل اسلامی با همکاری روحانیون فاضل و متعهد برای اساتید محترم و دانشجویان عزیز دانشگاه کرمان بر تمام برنامه‌های عقیدتی و فکری آن دانشگاه نظارت کامل بنمایید. امید است با همفکری و همکاری برادران و خواهران محترم دانشگاهی در انجام این مسئولیت اسلامی موفق باشید. والسلام علیکم و رحمةالله. ٦١/٩/١٧. حسینعلی منتظری.»

پلی تکنیك تهران را بپذیرید و ضمن تشکیل کلاسهای عقیدتی و استدلالی جهت بیان معارف اصیل اسلامی با همکاری روحانیون فاضل و متعهد بر جریان فکری دانشگاه نظارت داشته باشید. امید است اساتید محترم و دانشجویان عزیز و تمام دانشگاهیان متعهد دانشگاه شما را در این وظیفهٔ بزرگ الهی یاری نمایند. توفیق همگان را در خدمت به اسلام و نشر فرهنگ و معارف اسلامی از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمةالله. حسینعلی منتظری.»

۸. دانشگاه سیستان و بلوچستان

«بسمه تعالی. جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج سید مهدی عبادی امام جمعهٔ زاهدان دامت افاضاته، پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی، مقتضی است جناب عالی مسئولیت نظارت بر کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه سیستان و بلوچستان را قبول نموده، سعی کنید با معرفی و تعیین روحانیون متعهد و فاضل، برای اساتید محترم و دانشجویان عزیز آن دانشگاه کلاسهای عقیدتی و بیان معارف اسلامی تشکیل دهید و جریان فکری و عقیدتی دانشگاه را هدایت و بر آنها نظارت کامل بنمایید.

امید است با همت و همکاری برادران و خواهران دانشجو و اساتید محترم، جناب عالی در این مسئولیت الهی موفق باشید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۶۱/۱۰/۶. قم. حسینعلی منتظری.»

۹. دانشگاه تبریز

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ احمد غروی دامت افاضاته، پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی، مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه تبریز را بپذیرید و ضمن تشکیل کلاسهای عقیدتی و استدلالی جهت بیان معارف اصیل اسلامی با استمداد از روحانیون و فضلای متعهد برای دانشجویان متعهد و اساتید محترم بر جریان فکری و فرهنگی دانشگاه نظارت کامل بنمایید. امید است با همفکری و همکاری اساتید و دانشگاهیان محترم و دانشجویان عزیز جناب عالی بتوانید این مسئولیت را به نحو احسن انجام دهید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۶۲/۱۱/۱. حسینعلی منتظری.»

۱۰. دانشگاه علم و صنعت تهران

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد مهدی قدوسی دامت افاضاته، به دنبال درخواست ستاد انقلاب فرهنگی و تأیید حجة الاسلام جناب آقای دکتر احمدی، مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه علم و صنعت تهران را بپذیرید و ضمن تشکیل کلاسهای بیان معارف اصیل اسلامی با استمداد از روحانیون و فضلای متعهد بر جریان فکری و عقیدتی دانشگاه نظارت بنمایید. امید است با همت و همکاری اساتید محترم و دانشجویان عزیز دانشگاه بتوانید این مسئولیت را به نحو احسن انجام داده برنامه‌هایی غنی جهت بالا بردن سطح فرهنگ اسلامی

آن دانشگاه تنظیم نمایید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ٦١/١١/١٩. حسینعلی منتظری.»

١١. مجتمع علوم انسانی تهران

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ غلامرضا سلطانی دامت افاضاته، به دنبال درخواست ستاد انقلاب فرهنگی، مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی مجتمع علوم انسانی تهران را بپذیرید و ضمن تشکیل کلاسهای بیان معارف اصیل اسلامی با استمداد از فضلای متعهد بر جریان فکری و عقیدتی آن مجتمع نظارت کامل بفرمایید. امید است با همکاری و همفکری اساتید محترم و دانشجویان عزیز مجتمع بتوانید این مسئولیت را به نحو احسن انجام داده برنامه‌هایی غنی جهت بالا بردن سطح فرهنگ اسلامی برادران و خواهران مجتمع تنظیم نمایید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ٦١/١١/١٩. حسینعلی منتظری.»[١٧]

١٢. دانشگاه رازی باختران

«بسمه تعالی. جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد حسین زرندی امام جمعهٔ محترم باختران دامت افاضاته، به دنبال استعفای جناب مستطاب حجة الاسلام آقای موحدی کرمانی[١٨] از مسئولیت نظارت بر تدریس معارف اسلامی دانشگاه باختران به علت مسئولیت نمایندگی مجلس شورای اسلامی ضمن تشکر و تقدیر از خدمات ایشان مقتضی است جناب عالی مسئولیت نظارت بر جریان فکری تدریس و معارف اسلامی دانشگاه باختران را بپذیرید و سعی کنید با استفاده از فضلا و روحانیون متعهد و تنظیم کلاسهای معارف اسلامی، سطح فرهنگ مذهبی و معارف دینی را در دانشگاه باختران همزمان با رشد سطح علمی و فکری دانشجویان عزیز بالا ببرید. امید است با همکاری دانشگاهیان و اساتید محترم و دانشجویان متعهد، جناب عالی در انجام این مسئولیت الهی موفق باشید. والسلام علیکم و رحمةالله. حسینعلی منتظری. ١٣٦٤/٥/١٥.»

١٧. حجةالاسلام والمسلمین حاج شیخ غلامرضا سلطانی، نمایندهٔ مردم کرج و نمایندهٔ حضرت آیةالله العظمی منتظری در مجتمع علوم انسانی تهران، بعد از ظهر روز اول اسفند ١٣٦٤، در راه مسافرت به مناطق جنگی برای حضور در جبهه‌های نور علیه ظلمت، همراه چهل نفر از فرزندان اسلام، بر اثر اصابت دو موشك به هواپیمای مسافربری آنها، به درجهٔ رفیع شهادت نایل آمد.

١٨. در تاریخ ١٣٦١/١١/٢٤، آیةالله منتظری طی حکمی آقای موحدی کرمانی را به نمایندگی خود در دانشگاه رازی منصوب کرد. متن حکم چنین است: «بسمه تعالی ـ جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد علی موحدی امام جمعهٔ باختران دامت افاضته. به دنبال درخواست ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه رازی باختران را بپذیرید و ضمن تشکیل کلاسهای بیان معارف اصیل اسلامی با استمداد از فضلای متعهد بر جریان فکری و عقیدتی دانشگاه نظارت کامل بفرمایید. امید است با همکاری و همفکری اساتید محترم و دانشجویان عزیز دانشگاه و روحانیت متعهد منطقه جناب عالی بتوانید این مسئولیت را به نحو احسن انجام داده برنامه‌هایی غنی جهت بالا بردن سطح فرهنگ اسلامی برادران و خواهران دانشگاه تنظیم نمایید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ٦١/١١/٢٤. حسینعلی منتظری.»

۱۳. دانشگاه صنعتی شریف

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ مصطفی مرسلی دامت افاضاته، پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه صنعتی شریف را بپذیرید و سعی کنید با استمداد از روحانیون و فضلای متعهد کلاسهای بیان معارف اصیل اسلامی را تشکیل دهید و ضمن بالا بردن سطح فرهنگ اسلام در دانشگاه، بر جریانات فکری و عقیدتی آن نظارت کامل بنمایید. امید است با همکاری اساتید محترم و دانشجویان عزیز بتوانید این مسئولیت را به نحو احسن انجام دهید. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. ۶۱/۱۲/۷. حسینعلی منتظری.»

۱۴. دانشگاه بوعلی همدان

«بسمه تعالی. جناب مستطاب حجةالاسلام آقای حاج شیخ محمد وحیدی دامت افاضاته، پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه بوعلی همدان را بپذیرید و سعی کنید ضمن استمداد از فضلا و روحانیون متعهد حوزهٔ علمیه و مشورت از امام جمعهٔ محترم همدان جهت تشکیل کلاسهای بیان معارف اصیل اسلام، بر رِجریان فکری و عقیدتی دانشگاه نظارت کامل بنمایید. امید است اساتید محترم و دانشجویان عزیز شما را در انجام این مسئولیت یاری دهند. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۶۱/۱۲/۱۷. حسینعلی منتظری.»

۱۵. مدرسهٔ عالی علوم کاشان

«بسمه تعالی. جناب مستطاب حجة الاسلام آقای سید محمد حسینی کاشانی دامت افاضاته، پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی و تأیید چندتن از حضرات علمای اعلام کاشان ایدهم الله تعالی مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی مدرسهٔ عالی علوم کاشان را بپذیرید و سعی کنید ضمن استمداد از فضلا و روحانیون متعهد کاشان جهت تشکیل کلاسهای بیان معارف اصیل اسلام بر جریان فکری و عقیدتی مدرسهٔ عالی نظارت بفرمایید. امید است با همکاری اساتید محترم و دانشجویان عزیز بتوانید این مسئولیت را به نحو احسن انجام دهید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۶۱/۱۲/۲۴. حسینعلی منتظری.»

۱۶. مجتمع آموزش عالی قزوین

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد لشکری دامت افاضاته، پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی و تأیید جناب مستطاب حجة الاسلام آقای باریك بین امام جمعهٔ قزوین، مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی مجتمع آموزش عالی قزوین را بپذیرید و ضمن نظارت بر جریان فکری و عقیدتی آن مجتمع با استمداد از فضلا و روحانیون متعهد کلاسهایی جهت بیان معارف اصیل اسلام تشکیل دهید. امید است با همکاری اساتید محترم و دانشجویان عزیز بتوانید این مسئولیت را به نحو احسن انجام دهید. والسلام علیکم و رحمةالله برکاته. ۶۲/۱/۷. حسینعلی

منتظری.»

۱۷. دانشگاه ارومیه

«بسمه تعالی. جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج سیدعلی اکبر قریشی دامت افاضاته، پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی و با توجه به اهمیت آموزش عالی و دانشگاهها مقتضی است جنابعالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه ارومیه را بپذیرید و ضمن نظارت بر جریان فکری و عقیدتی آن به منظور بالا بردن سطح فرهنگ عالی اسلام کلاسهایی جهت بیان معارف اصیل اسلام با استمداد از روحانیون و فضلای متعهد تشکیل دهید. امید است با همکاری مسئولین و اساتید محترم دانشگاه و دانشجویان عزیز در انجام این مسئولیت بزرگ موفق باشید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۶۲/۱/۱۲. حسینعلی منتظری.»

۱۸. دانشگاه شهید بهشتی (ملی سابق)

بسمه‌تعالی جناب حجة الاسلام آقای حاج سیدمحسن موسوی تبریزی دامت افاضاته، پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه ملی تهران را بپذیرید و سعی کنید ضمن نظارت بر جریان فکری و عقیدتی دانشگاه کلاسهایی جهت بیان معارف اصیل اسلام با استمداد از روحانیون و فضلای متعهد تشکیل دهید تا انشاء الله تعالی سطح فرهنگ عالی اسلام در دانشگاه بیش از پیش تقویت شده و رشد یابد. امید است با همکاری مسئولین مربوطه و اساتید محترم و دانشجویان عزیز در این مسئولیت بزرگ موفق باشید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۶۲/۱/۳۰. حسینعلی منتظری.»

۱۹. دانشگاه گیلان

«بسمه تعالی. جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد علی امینیان امام جمعهٔ آستانهٔ اشرفیه دامت افاضاته، پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه گیلان را بپذیرید و سعی کنید ضمن نظارت بر جریان فکری و عقیدتی دانشگاه با استمداد از روحانیون و فضلای متعهد. به خصوص حجة الاسلام آقای احسان بخش امام جمعهٔ محترم رشت کلاسهایی جهت بیان معارف اصیل اسلام تشکیل دهید تا انشاءالله تعالی سطح فرهنگ عالی اسلام در دانشگاه بیش از پیش رشد یافته و تقویت گردد. امید است با همکاری مسئولین مربوطه و اساتید محترم و دانشجویان عزیز جناب عالی در انجام این مسئولیت بزرگ موفق باشید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ۶۲/۲/۴. حسینعلی منتظری.»

۲۰. مجتمع دانشگاهی علوم اداری و بازرگانی تهران

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمود مروی سماورچی دامت افاضاته، پیرو

درخواست ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی مجتمع دانشگاهی علوم اداری و بازرگانی تهران را بپذیرید و سعی کنید ضمن نظارت بر جریانات فکری و عقیدتی آن مجتمع کلاسهایی جهت بیان معارف اصیل اسلام با استمداد از روحانیون و فضلای متعهد تشکیل دهید تا انشاء الله تعالی پایه‌های معارف دینی و فرهنگ عالی انقلاب اسلامی در بین جوانان و دانشگاهیان عزیز بیش از پیش تقویت گردد. امید است با همکاری مسئولین مربوطه و اساتید محترم و دانشجویان عزیز مجتمع بتوانید این مسئولیت را به نحو احسن انجام دهید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. ٦٢/٢/١٧. حسینعلی منتظری.»

٢١. دانشگاه الزهراء س

«بسمه الله الرحمن الرحیم. جناب حجة الاسلام حاج شیخ محمد حسن طاهری دامت افاضاته، به دنبال استعفای حجة الاسلام آقای فیض گیلانی دامت افاضاته از مسئولیت نظارت در دانشگاه الزهراء ضمن تقدیر و تشکر از خدمات و فعالیتهای ایشان مقتضی است جناب عالی مسئولیت نظارت بر جریان فکری و تنظیم دروس معارف اسلامی دانشگاه الزهراء را بپذیرید و سعی کنید با استفاده از فضلای متعهد و آگاه به مسائل دانشگاهی کلاسهای معارف اسلامی آن دانشگاه را تنظیم نمایید تا انشاءالله تعالی سطح معارف دینی در دانشگاه بیش از پیش تقویت گردد و خواهران محترم همراه سایر علوم، پایه‌های معنویت و اصول و معارف مذهب را در خودشان تحکیم و تقویت نمایند. امید است با همکاری و هماهنگی اساتید و مسئولین محترم دانشگاه و دانشجویان متعهد، جنابعالی در این مسئولیت الهی موفق باشید. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته. حسینعلی منتظری. ٦٥/٢/٢٠.»[١٩]

٢٢. مدرسهٔ تربیت مدرس

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ اسماعیل فردوسی‌پور دامت افاضاته، پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی مدرسهٔ تربیت مدرس تهران را بپذیرید و سعی کنید ضمن نظارت بر جریان فکری و عقیدتی آن مدرسه، کلاسهایی جهت بیان معارف اصیل اسلامی برای اساتید و دانشجویان محترم با استمداد از فضلا و روحانیون متعهد تشکیل دهید تا انشاء الله تعالی پایه‌های عقیدتی و فکری اساتید آیندهٔ دانشگاهها بیش از پیش محکم‌تر و با

١٩. در تاریخ ١٣٦٢/٢/٢٥، حجةالاسلام حاج شیخ محمد علی فیض با حکم زیر به عنوان نمایندهٔ فقیه عالیقدر در دانشگاه الزهراء تعیین شد: «بسمه تعالی ـ جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد علی فیض دامت افاضاته، پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه الزهراء را بپذیرید و سعی کنید ضمن نظارت بر جریان فکری و عقیدتی دانشگاه، کلاسهایی جهت بیان معارف اصیل اسلامی با استمداد از روحانیون فاضل و متعهد تشکیل دهید تا انشاء الله تعالی پایه‌های معارف دینی و فرهنگ عالی انقلاب بیش از پیش در دانشگاهها تقویت گردد. امید است با همکاری مسئولین مربوطه و اساتید محترم و دانشجویان عزیز در انجام این مسئولیت موفق باشید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. حسینعلی منتظری. قم. ١٣٦٢/٢/٢٥.

روح انقلاب عظیم اسلامی مناسب گردد. امید است با همکاری و همفکری مسئولین مربوطه و اساتید محترم و دانشجویان عزیز آن مدرسه در انجام این مسئولیت الهی موفق باشید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. قم. ۱۳۶۲/۴/۲۹. حسینعلی منتظری.»

۲۳. دانشگاه تهران

«بسمه تعالی. جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج شیخ عباس محفوظی دامت افاضاته، پیرو درخواست اساتید انقلاب فرهنگی و تقاضای عده‌ای از اساتید و دانشجویان محترم مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه تهران را بپذیرید و سعی کنید ضمن نظارت بر جریان فکری و عقیدتی آن، کلاسهایی جهت بیان معارف اصیل اسلامی با استمداد از فضلا و مدرسین حوزه‌ها تشکیل دهید تا انشاء الله تعالی جریان اسلامی شدن دانشگاهها به نحو احسن انجام شود و پایه‌های معارف دینی در مراکز آموزش عالی بیش از پیش تقویت گردد. امید است با همکاری مسئولین مربوطه و اساتید محترم و دانشجویان عزیز دانشگاه تهران جناب عالی در انجام این مسئولیت بزرگ الهی موفق باشید. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. قم. ۶۲/۵/۱۰. حسینعلی منتظری.»

پس از معرفی حجة الاسلام آقای محفوظی برای مسئولیت فرهنگی دانشگاه تهران، برادران و خواهران جهاد دانشگاهی و انجمن اسلامی دانشجویان و کارکنان این دانشگاه تلگرام تشکری به حضور حضرت آیةالله العظمی منتظری مخابره کردند که در قسمتی از آن یادآور شده‌اند: «کلیهٔ نیروهای مسلمان در خط امام دانشگاه تهران آماده‌اند تا تحت راهنماییهای نمایندهٔ آن فقیه عالیقدر در جهت نیل به دانشگاه اسلامی و طرد کامل خطوط انحرافی هر چه بیشتر فعالیت کنند.»[۲۰]

۲۴. مجتمع دانشگاهی فنی ـ مهندسی

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام حاج سیدابوالفضل موسوی تبریزی دامت افاضاته، پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی مجتمع دانشگاهی فنی ـ مهندسی تهران را بپذیرید و سعی کنید ضمن نظارت بر جریان فکری و عقیدتی آن، کلاسهایی جهت بیان معارف اصیل اسلامی با استمداد از فضلا و روحانیون متعهد تشکیل دهید تا انشاء الله تعالی جریان اسلامی شدن مراکز عالیهٔ آموزش به نحو احسن انجام گردد و پایه‌های معارف دین در این گونه مراکز بیش از پیش تقویت شود. امید است با همکاری مسئولین مربوطه و اساتید محترم و دانشجویان عزیز آن مجتمع، جناب عالی در امر این مسئولیت الهی موفق باشید. والسلام. قم. ۶۲/۵/۱۶. حسینعلی منتظری.»

۲۰. کیهان، ۱۳۶۲/۵/۱۵.

۲۵. دانشگاه صنعتی اصفهان

«بسمه تعالی جناب حجة الاسلام آقای حاج سید مرتضی موسوی جروکانی دامت افاضاته، پیرو تقاضای ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه صنعتی اصفهان را بپذیرید و سعی کنید ضمن نظارت بر جریان فکری و عقیدتی دانشگاه، کلاسهایی جهت بیان معارف اصیل اسلامی و بالا بردن سطح فرهنگ انقلاب اسلامی با استمداد از روحانیون و فضلای متعهد حوزهٔ علمیه تشکیل دهید. امید است با همکاری اساتید محترم و دانشجویان عزیز دانشگاه در انجام این مسئولیت الهی موفق باشید. والسلام علیکم و رحمةالله. ۶۲/۸/۲. حسینعلی منتظری.»

۲۶. دانشگاه تربیت معلم

«بسمه تعالی. جناب مستطاب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد ایمانی دامت افاضاته، پیرو تقاضای ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت کمیتهٔ فرهنگ اسلامی دانشگاه تربیت معلم را بپذیرید و سعی کنید ضمن نظارت بر جریان فکری و عقیدتی دانشگاه، کلاسهایی جهت بیان معارف اصیل اسلامی با استمداد از فضلا و مدرسین و روحانیون متعهد حوزهٔ علمیه تشکیل دهید. امید است با همکاری اساتید محترم و دانشجویان عزیز دانشگاه و دیگر مسئولان محترم در انجام این مسئولیت الهی موفق باشید، والسلام علیکم و رحمة الله. ۱۳۶۲/۹/۱۰. حسینعلی منتظری.»

توضیح. در تاریخ ۱۳۶۲/۱/۷ حضرت آیةالله منتظری طی حکمی حجة الاسلام آقای حاج شیخ جعفر عالم را به نمایندگی خود به دانشگاه تربیت معلم معرفی نمودند که ایشان پس از مدتی از سمت خود استعفا کرد.

۲۷. مجتمع پزشکی قدس تهران

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام حاج شیخ یحیی سلطانی دامت افاضاته، پیرو تقاضا و تصویب ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت معارف اسلامی مجتمع آموزشی-پژوهشی تهران را بپذیرید و سعی کنید با استفاده از فضلا و روحانیون متعهد، کلاسهای تدریس اصول و معارف اصیل اسلامی را تشکیل داده، ضمن نظارت بر جریان فکری مجتمع، سطح علمی و فکری آن را در تمام رشته‌ها به خصوص معارف اسلام بالا برید. امیداست انشاء الله تعالی با همکاری دانشجویان عزیز و اساتید و دیگر مسئولان محترم در انجام این مسئولیت الهی موفق باشید. والسلام علیکم و رحمةالله. ۱۳۶۳/۵/۵. حسینعلی منتظری.»

۲۸. دانشگاه اهواز

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ حسن همتی دامت افاضاته، پیرو تقاضا و تصویب ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جنابعالی مسئولیت معارف اسلامی دانشگاه اهواز را بپذیرید و سعی

کنید با استفاده از امام جمعهٔ معظم اهواز و دیگر فضلا و روحانیون متعهد استان خوزستان کلاسهای تدریس معارف اسلامی را تشکیل داده، ضمن نظارت بر جریان فکری آن دانشگاه، سطح علمی و فرهنگی دانشگاه را بالا ببرید تا انشاءالله تعالی به زودی دانشجویان عزیز در تمام رشتهها به خصوص معارف اصیل اسلامی به حد خودکفایی برسند. امید است با همکاری دانشجویان عزیز و اساتید محترم و دیگر مسئولان متعهد در انجام این مسئولیت الهی موفق باشید. والسلام علیکم و رحمةالله. ۱۳۶۳/۵/۵. حسینعلی منتظری.»

۲۹. دانشگاه مشهد

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ محمد صادق کاملان دامت افاضاته، پیرو مراجعات مکرر عدهای از دانشجویان متعهد و اعضای انجمن اسلامی دانشگاه مشهد مقتضی است جناب عالی مسئولیت نظارت بر جریان فکری و تدریس معارف اسلامی دانشگاه مشهد را بپذیرید و سعی کنید با همفکری و تفاهم با نمایندهٔ محترم امام مدظله در خراسان و همچنین امام جمعهٔ محترم مشهد دامت برکاتهما برنامهها و کلاسهای معارف دینی دانشگاه را تنظیم نمایید و از فضلای متعهد و روحانیون شریف حوزهٔ علمیهٔ خراسان ایدهم الله تعالی انتظار میرود جنابعالی را در این امر مهم کمك و یاری نمایند تا انشاءالله تعالی اساس فرهنگ مذهبی و معارف دینی دانشگاه همزمان با رشد علمی و فکری دانشجویان عزیز بیش از پیش مستحکم گردد. امید است با همکاری اساتید و دانشگاهیان محترم و دانشجویان عزیز دانشگاه جناب عالی در انجام این مسئولیت الهی موفق باشید. والسلام علیکم و رحمة الله. حسینعلی منتظری. ۱۳۶۴/۸/۲۷.»

لازم به ذکر است که هنوز دانشگاهها و مجتمعهایی هستند که معظمله کسی را به عنوان نمایندهٔ خود در آنها تعیین نکردهاند

هـ. وظایف نمایندگان آیةالله منتظری

نمایندگان آیةالله العظمی منتظری در دانشگاهها، وظایف خاصی دارند. این وظایف اولاً باید قانونی و ثانیاً معطوف به هدف مورد نظر طرح باشند. چون فقیه عالیقدر، سمت معاونت فرهنگی رئیس دانشگاه را برای نمایندگان خود مناسب ندیدند و تأکید داشتند که این افراد به یك سمت اجرایی خاص منصوب نشوند و به عنوان معلم معارف اسلامی و ناظر بر جریانات فکری دانشگاهها باشند، ستاد انقلاب فرهنگی شرح وظایفی برای آنان مدون کرد. جز این آئین نامهٔ تدوینی، شخص آیةالله منتظری در فرصتهای مناسب توصیههای لازم را به نمایندگان خود در دانشگاهها میفرمود.

در این جا ابتدا تعدادی از این توصیهها و رهنمودها را نقل میکنیم. سپس آئین نامهٔ مربوط به شرح وظایف این افراد را که توسط ستاد انقلاب فرهنگی تدوین یافته است میآوریم.

«آقایان در دانشگاهها سعی کنند در کانال گروه خاصی قرار نگیرند و جنبهٔ روحانیت خود و بیطرفی

نسبت به همهٔ افراد و اقشار اسلامی دانشگاهها را حفظ کنند و هیچگاه خود را درگیر اختلافات گروهی نکنند. نظم و انضباط را برای حضور در سر کلاسها در ساعات مقرر حتی‌المقدور مراعات کنند. کاری نکنند که بر چهرهٔ آنها که بخشی از روحانیت هستند مهر بی‌نظمی و عدم اعتقاد به انضباط خدای ناکرده بخورد.» - جراید، ۱۳۶۳/۳/۷.

«امروز این فرصت به دست آمده تا دانشجویان و روحانیون با آزادی کامل در دانشگاهها و حوزه‌ها با هم تفاهم و همفکری کنند و نسبت به مقدرات کشور و دانشگاهها با هم تصمیم بگیرند. باید این فرصت به غنیمت شمرده شود و در برخورد آقایان با اساتید محترم و دانشجویان عزیز باید توجه گردد که کاملاً به آنان شخصیت و اعتبار داده شود و در عوض باید از آنان مسئولیت خواست. انتظار می‌رود اکنون که فضلا و مدرسین حوزهٔ علمیه قول داده‌اند که اساتید مورد نیاز را تأمین کنند در این مورد تلاش بنمایند. ولی هرگاه در بعضی از استانها نتوانستند این نیاز را تأمین نمایند، نباید کلاسهای معارف اسلامی تعطیل باشد، بلکه این وظیفهٔ نمایندگان اعزامی به دانشگاههاست که به هر نحو ممکن با تماس با روحانیون و علمای شهرها و بلاد کشور و تقاضای از آنان کمك بگیرند و حتی‌المقدور کلاسهای معارف اسلامی را در دانشگاهها دایر کنند.

اسلام در مورد تواضع و فروتنی به خصوص در مورد علما و دانشمندان سفارش زیاد کرده و تأکید نموده هر اندازه مقام علمی و موقعیت اجتماعی آقایان بیشتر باشد، باید تواضع آنان در برابر افراد هم بیشتر باشد.» - ۱۳۶۲/۸/۱۴.

«آقایان قطعاً باید به اهمیت تربیت و آموزش جوانان عزیز برای ادارهٔ آیندهٔ انقلاب و کشور توجه داشته باشند. زیرا همین جوانانی که امروز در کلاسهای شما تربیت می‌شوند باید فردا یکی از مسئولیتهای کشور را در دست بگیرند. لذا به تمام ابعاد و ریزه‌کاریهای مربوط به تعلیم و تربیت کاملاً توجه شود و آقایان برنامه‌های درسی را با دقت مطالعه نمایند و مطالب درسها نباید ساده و سطحی باشد.» - ۱۳۶۲/۸/۲۸.

«آقایان به فرصتی که اکنون برای خدمت به اسلام و مردم پیدا شده کاملاً توجه دارند. ما باید برای ساختن نسل آینده و آشنایی آن به انقلاب اسلامی حداکثر تلاش کنیم و قصدمان را خالص و هرگز از سختیها و احیاناً موانعی که بر سر راه پیدا می‌شود نهراسیم و خسته نشویم... به معارف اسلامی باید توجه زیاد بشود و برای تأمین اساتید از مدرسین و فضلای حوزهٔ علمیهٔ قم و همچنین از فضلا و روحانیون متعهد شهرها باید استفاده کرد تا انشاءالله سطح فرهنگ اسلامی در دانشگاهها بالا برود.» - ۱۳۶۲/۹/۷.

«وظیفهٔ روحانیون و فضلایی که به عنوان کمیتهٔ معارف اسلامی به دانشگاه می‌روند نظارت بر جریان اسلامی بودن برنامه‌های دانشگاههاست و برای تأمین این هدف باید از فضلای حوزه‌ها که کاملاً به مسائل دانشگاهی آشنا هستند و وجودشان می‌تواند مفید باشد استفاده شود. در صورت مشاهدهٔ کجی و انحراف نباید آقایان روحانیون مستقیماً دخالت نمایند، بلکه مراتب از طریق قانونی پیگیری شود و مسئولین مربوطه به تذکرات آقایان توجه نمایند.» - ۱۳۶۲/۳/۲۰.

«اکنون که در پرتو پیروزی انقلاب اسلامی و همت ستاد انقلاب فرهنگی این توفیق به دست آمده که بتوانیم حرکت اسلامی دانشگاهها را سرعت ببخشیم باید همگی از این فرصت استفاده کنیم و دست به دست یکدیگر بدهیم و حتی‌المقدور کلاسهای معارف اسلامی را در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی تقویت کنیم تا انشاءالله تعالی به زودی سطح فرهنگ اسلام در این مراکز آموزش عالی بالا رود و بتوانیم برای آینده جوانان متدین و معتقد به انقلاب اسلامی برای ادارهٔ کشور تربیت نماییم.

برای غنی شدن کلاسهای معارف اسلامی مناسب است از روحانیون فاضل و علمای محترم و یا اگر مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم کسی را معرفی نمودند استفاده نمایید. به هر حال باید از این مسئولیتی که اکنون متوجه شما شده تشکر کنم که با داشتن کارها و مسئولیتهای دیگری باز به مسئلهٔ مهم دانشگاهها توجه می‌نمایید.» - ۱۳۶۲/۲/۳۱.

«من همیشه توصیه می‌کردم به آقایان که آنجا شما نخواهید برای دانشجوها منبر بروید. کارتان تدریس باشد. یك رشته‌ای: فلسفهٔ اسلام، فقه اسلام، اخلاق اسلام و عقاید اسلامی تدریس بشود و کم‌کم باید کتابهایی که در سطح فهم دانشجوها باشد تألیف بشود و تدریسها هم هماهنگ باشد و در همهٔ دانشگاهها یکنواخت تدریس بشود. آقایانی که این مسئولیت را پذیرفتند از افرادی دعوت بکنند که آنها، هم خوش بیان باشند و هم بتوانند خودشان مسائل را درك بکنند تا بتوانند تدریس بکنند. خلاصه نخواهند سردانشجویان را بپیچانند. افرادی باشند که خودشان وارد باشند. مطالعه هم بکنند. درسی که می‌خواهند بگویند باید مطالعه بکنند، نه این که کارهای دیگر را انجام بدهند و به حالت خستگی بیایند دو کلمه هم بگویند. واقعاً کار، کار حساسی است. آقایان افرادی را پیدا بکنند که درسهایی را که به عهده می‌گیرند: درس عقاید، درس فقه اسلام، درس اخلاق اسلام، این درسها را، هم مطالعه بکنند و هم خوب بتوانند بیان بکنند و هم جوابگوی سؤالات دانشجویان باشند که اگر مشکلاتی دانشجویان داشتند و مطرح کردند بتوانند جوابگو باشند.

بنابراین آقایانی که «مسئولیت» را پذیرفتند، و مسئولیت هم مسئولیت مهمی است، کارشان ساختن دانشجویان بر اساس معارف اسلامی است. این آقایان خودشان اگر فراغت کمتر دارند سعی کنند از قم، از جاهای دیگر، از افرادی که هم از نظر علمی خوبند و هم خوش بیانند، استفاده کنند. ممکن است یك کسی مسائل اسلامی را بداند اما نتواند بیان کند. به هر حال، بیان، خودش یك چیزی است. باری، خوش بیان باشد و مسائلی را که ضرورت دارد مقدم بدارد بر مسائل دیگر. یك وقت می‌بینید یك مسئله‌ای که خیلی هم مورد نیاز نیست یك کسی می‌آید یك ماه از وقت دانشجویان را معطل می‌کند. خوش سلیقه باشد که انتخاب کند، آن مسائلی را که دانشجوها برایشان ضرورت دارد بدانند. این خیلی مهم است. علاوه بر اینکه تدریس معارف و اخلاق و فقه اسلام و تاریخ اسلام را به عهده می‌گیرد، از باب اینکه منظور این است که جریان دانشگاه بر اساس اسلام باشد، اگر بنا بشود که یك استادی باشد بیاید درس عقاید و اخلاق بگوید، یك استاد هم آنجا از طرف رئیس دانشگاه دعوت بشود بیاید به جای اینکه به دانشجویان درس فیزیك یا شیمی بدهد مثلاً مارکسیسم را به آنها درس بدهد یا مثلاً فرض بگیرید. شبهات دینی را در ذهن دانشجویان القا بکند، بعد مثلاً رئیس دانشگاه به آن نماینده‌ای که ما

معین کردیم بگوید تو چه کارداری! تو درس معارفت را بده و برو برس به کارت. تو چه کار داری، من این استاد را معین کردم! نه این نمی‌شود. نظارت بر جریان دانشگاه که دانشگاه بر اساس اسلام پیش برود، این معنایش این است که پس این شخص نظارت داشته باشد بر اساتیدی که یك وقت نخاله‌اند و کجرو. اینها برای تدریس دعوت نشوند. پس این اندازه‌اش را باید توجه داشته باشیم.» - ۱۳۶۲/۳/۸.

«یك تذکر دیگری من به همهٔ دوستان بدهم. معروف است می‌گویند که گرهی که از دست باز می‌شود از دندان باز نمی‌کنند! هرکاری را که می‌خواهید انجام بدهید از هر طریق وارد بشوید و سعی بکنید درگیری و تندی پیدا نشود و بالاخره من طلبه چنان نکنم که همهٔ کارها باید به دست من باشد. آن رئیس دانشگاه، آن استاد، آنها بالاخره بشر هستند و زحمت کشیده‌اند. اگر من زحمت کشیده‌ام و درس آخوندی خوانده‌ام، آنها هم درس خوانده‌اند و زحمت کشیده‌اند و در آن رشتهٔ خودشان جان کنده‌اند، فکر دارند، این تحکم هیچ وقت در کارها نباشد.» - ۱۳۶۲/۳/۷.

«دنیای امروز بر پایهٔ علم و صنعت استوار است و دانشگاههای ما باید، هم از نظر علمی و صنعتی و بالابردن سطح معلومات جوانان و هم از نظر تعهد به اسلام و هماهنگی با روح انقلاب اسلامی، روز به روز قوی‌تر شوند. اگر از نظر علمی دانشگاهها ضعیف شوند و برخورد ما با اساتید به شکلی باشد که آنها احساس اعتماد نداشته باشند و مثلاً اگر کسی درگذشته یك لغزش و خطایی داشته امروز در دانشگاه از افشای آن و تحریك جو علیه خود خائف باشد در این صورت هیچگاه چنین استادی با انگیزه، نشاط و امیدواری به آینده تدریس نخواهد کرد و طبیعی است که بعد علمی دانشگاهها در این صورت روز به روز ضعیف‌تر و احتیاج ما به خارج در بعد علمی و صنعتی همچنان باقی خواهد ماند. همین طور اگر از نظر معنویت و تعهد به اسلام دانشگاههای ما ضعیف باشند، اعتمادی به آیندهٔ فارغ‌التحصیلان آنها نخواهد بود و ممکن است آنها جذب سیاستهای شرق و غرب شوند و کشور را به اجانب بفروشند. روی همین اصل بود که من پیشنهاد و اصرار ستاد انقلاب فرهنگی را در مورد اعزام نماینده به دانشگاهها قبول کردم و انتظار دارم برادران اهل علم که این مسئولیت را قبول کرده‌اند به اهمیت آن، به خصوص از جهت دو اصل ذکر شده، کاملاً توجه داشته باشند و سعی کنند دانشگاهها را، هم از نظر علمی و هم از نظر اسلامی، روز به روز غنی‌تر از پیش کنند و اگر درجایی جوهای خاصی وجود دارد سعی کنند حاکم بر جوها باشند و هیچگاه تحت تأثیر افراد خاصی و یا جوی قرار نگیرند و به جوانان عزیز دانشجو تذکر دهند که در برخورد با لغزشهای گذشتهٔ بعضی از اساتید یا دانشجویان تجدید نظر و شرح صدر اسلامی داشته باشند و اگر مطمئن شدند این گونه افراد فعلاً می‌خواهند درس بدهند و یا بخوانند به آنها اجازهٔ فعالیت و خدمت بدهند و کاری نکنند که اعتماد را سلب کنند. ضمناً توجه داشته باشند که خداوند به عدد مغزهای انسانها سلیقه‌ها و نظریه‌های مختلفی قرار داده و هیچگاه ممکن نیست که همهٔ افراد در این جهت مساوی یکدیگر باشند. البته در مواردی که انحرافی از اشخاص و یا مثلاً تبلیغی برضد اسلام و یا پشت‌پا زدن به دستورات اسلامی و هتك حرمت مقدسات دینی در دانشگاهها مشاهده شد باید با قاطعیت از طریق قانونی و به دست ریاست و مسئولان دانشگاهها و یا وزارت فرهنگ و آموزش عالی اقدام شود و جلو انحراف و یا گناه در دانشگاه گرفته شود... برادران نماینده قطعاً خودشان به تنهایی نمی‌توانند

تمام کلاسهای معارف اسلامی را اداره کنند. از این جهت باید حتی المقدور از طلاب فاضل و علمای متعهد شهرستانها استفاده کنند و آنها را دعوت به تدریس در کلاسهای معارف اسلامی دانشگاهها کنند.» - ۱۳۶۳/۷/۲۷.

رهنمودهای آیةالله العظمی منتظری به نمایندگان خود، که وظایف کلی و عمومی این افراد را در دانشگاه مشخص می‌کند، باید به صورت آئین نامه‌ای مدون درآید تا در چهارچوب امور اجرایی دانشگاهها، مسئولیت این افراد مشخص باشد. لذا در تاریخ ۱۳۶۲/۳/۱ کمیتهٔ فرهنگ اسلامی ستاد انقلاب فرهنگی دعوتنامهٔ زیر را برای نمایندگان فقیه عالیقدر در دانشگاهها ارسال داشت تا در سمیناری حدود وظایف و مسئولیتهایشان را مدون کنند:

«حضور محترم حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای... نمایندهٔ حضرت آیة الله العظمی منتظری در دانشگاه... احتراماً جهت بررسی آئین نامهٔ کمیتهٔ فرهنگی دانشگاه و تبین حدود وظایف نمایندگان و بررسی مشکلات و کسب راهنمایی از حضرت آیةالله العظمی منتظری سمیناری در روز هفتم خرداد ماه جاری (۱۳۶۲)، روز خجسته و پربرکت نیمهٔ شعبان، در بیت ایشان برگزار خواهد شد.
شرکت جناب عالی در این جلسه جهت بررسی موضوعات فوق و تشریك مساعی بیشتر در امور جاریه ضرورت تام دارد. کمیتهٔ فرهنگ اسلامی ستاد انقلاب فرهنگی، احمد احمدی.»

سمینار مذکور در روز موعود برگذار شد و حضرت آیةالله العظمی منتظری سخنان مبسوطی پیرامون موضوعات مختلف دانشگاهی ایراد فرمودند که قسمتهایی از آن سخنرانی به تناسب موضوع در این بخش از کتاب آمده است. اما نتیجهٔ این سمینار، آئین نامهٔ مدونی شد که حاوی شرح وظایف و حدود مسئولیتهای نمایندگان ایشان بود. متن کامل این آئین نامه که در واقع قطعنامهٔ این سمینار است، به شرح زیر می‌باشد:

«بسم‌الله الرحمن الرحیم.
پیرو درخواست ستاد انقلاب فرهنگی، نمایندگانی از طرف حضرت آیةالله العظمی منتظری جهت نظارت بر جریان اسلامی شدن دانشگاهها و فعالیتهای فرهنگی ـ اسلامی به دانشگاهها اعزام می‌شوند. از آنجا که این اقدام در مسیر تحقق اهداف انقلاب فرهنگی است طبعاً دارای حساسیت خاصی می‌باشد. از این رو نمایندگان محترم معظم‌له با توجه به اهمیت وحدت حوزه و دانشگاه و توطئه‌هایی که طی سالیان طولانی از طرف استعمار و دشمنان اسلام متوجه این دو محور عظیم جامعهٔ اسلامی بوده است باید به نکات زیر کاملاً توجه فرمایند:

۱. با توجه به اینکه برخورد نمایندگان با اساتید و دانشجویان و کارمندان دانشگاه صد در صد اسلامی و سازنده و در مسیر وحدت حوزه و دانشگاه است، اگر اشتباه یا انحرافی از آن دیده شد نباید به حیثیت و آبروی آنان لطمه‌ای وارد شود، بلکه باید به حد ضرورت با شیوهٔ اسلامی اقدام گردد. اصولاً برخورد نمایندگان حتی با منحرفین و متخلفین به نحوی باشد که آنان را به انقلاب اسلامی خوشبین و

مجذوب نماید.

۲. وظیفهٔ نمایندگان دربرخورد با دانشجویان عزیز، فوق‌العاده حساس است. نمایندگان باید در عین ارشاد آنها، به احساسات پاك آنان کاملاً احترام بگذارند و سعی کنند عواطف واحساسات آنها را در مسیر انقلاب با حفظ حدود و ضوابط مقررهٔ دانشگاه هدایت کنند.

۳. مسائلی را که نمایندگان به عنوان معارف اسلامی بیان می‌کنند باید کاملاً منطقی و مستدل باشد.

٤. همان طوری که نمایندگان محترم توجه دارند تمام گفتار و اعمال آنان به حساب اسلام و روحانیت گذاشته می‌شود. از این جهت بکوشند حضور آنان در مراکز آموزش عالی نمونه و الگو برای سایر اقشار جامعه باشد تا مخالفین اسلام و معاندین نتوانند از عمل و قول آنان دستاویزی علیه اسلام و روحانیت برگیرند.

۵. نمایندگان نباید از مرز خود که همان هدایت و ارشاد و نظارت بر جریانات فکری و ایجاد تفاهم بین اقشار و گروههای اسلامی است خارج گردند.

٦. لازم است نماینده با انجمنهای اسلامی دانشجویان، کارمندان، اساتید دانشگاه و واحدهای تابعه ارتباط مستقیم و غیرمستقیم برقرار نموده، از این طریق در جهت هر چه فعال‌تر شدن آنان و جذب همکاریهای لازم به منظور بالا بردن فرهنگ عالی انقلاب در دانشگاهها بکوشند و انجمنهای اسلامی مزبور نیز همکاریهای لازم را با ایشان و کمیتهٔ فرهنگی جهاد دانشگاهی خواهند نمود.

۷. به موجب حدیث معروف «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» و به منظور تقویت انگیزهٔ خدمت و فعالیت در جهت اهداف الهی و تشویق به بالا بردن سطح فرهنگ انقلاب اسلامی در دانشگاه، نمایندگان فعالیتها و خدمات و اعمال صالحهٔ دانشگاهیان محترم و دانشجویان عزیز را در سطح دانشگاه به حساب آورده و از آنان تجلیل و تقدیر شایسته به عمل آورند و سعی کنند رابطهٔ آنان با مسئولین و اساتید و دانشجویان دانشگاهها رابطهٔ معنوی و روحانی باشد. با توجه به نکات ذکر شده پیرو رهنمودها و فرمایشات معظم‌له در فرصتهای مختلف وظایف نمایندگان ایشان در دانشگاهها به شرح زیر تنظیم گردید و به نظر ایشان رسید و مورد تأیید قرار گرفت.

مادهٔ ۱. محورهای اصلی فعالیت:

الف. نظارت بر تشکیل کلاسهای معارف اسلامی ـ به صورت رسمی.

ب. برنامه‌ریزی در جهت اسلامی کردن هر چه بیشتر جو دانشگاه ـ به صورت فوق‌برنامه ـ از طریق برنامه‌ریزی برای استفادهٔ مطلوب از کتب اسلامی موجود، تشکیل سمینار، سخنرانی، کنفرانس و ارائهٔ فیلم، و تنظیم مسافرتهای آموزنده (جبهه، زیارت)، دیدار و بازدیدها، اردو، مسابقات مطالعاتی و تحقیقاتی، اعزام امام جماعت (با هماهنگی سازمان تبلیغات اسلامی)، مبلغ و گوینده و تشکیل کلاسهای عمومی در دانشگاه و واحدهای تابعه و غیره.

ج. نماینده باید پاسدار حریت اندیشه و نگاهبان حرمت تحقیق و تفکر و مانع جریانهایی باشد که با تنگ نظری وانگ زدن، جسارت اظهار نظر و پرسیدنهای راهگشا را سلب می‌کنند و در عین حال باید با شجاعت و درایت و به طریق علمی از ترویج مکاتب الحادی و اندیشه‌های منافی ضروریات اسلام و

جریانهای مخالف انقلاب اسلامی جلوگیری نماید.

تبصره. در مورد مشاهدهٔ انحرافات و یا تخلفات در اموری که به عهدهٔ نماینده است، نماینده بدون دخالت مستقیم در امور اجرایی و نصب و عزل افراد، تذکرات لازم را به مسئولین مربوطه ارائه خواهد داد.

مادهٔ ۲. نماینده، وظایف و فعالیتهای خود را با مشورت ریاست دانشگاه و دبیر شورای جهاد دانشگاهی یا نمایندگان آنها انجام می‌دهد.

مادهٔ ۳. دفتر مرکزی:

الف. جهت رفع مشکلات نمایندگان در دانشگاهها و ایجاد هماهنگی بین آنها و جهادهای دانشگاهی و ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی یك دفتر مرکزی در ستاد انقلاب فرهنگی تشکیل می‌شود.

ب. مسئول و سرپرست این دفتر از طرف حضرت آیةالله العظمی منتظری تعیین خواهد شد و به منظور شناخت بیشتر نسبت به جوانب امور، چهار مشاور با کفایت و لایق از ستاد انقلاب فرهنگی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، نمایندگان معظم‌له و دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی انتخاب خواهد کرد.

ج. در موارد وجود اختلاف بین نمایندگان با مدیریت و یا جهادهای دانشگاهی، مسئول دفتر مرکزی موظف است طبق ضوابط اسلامی داوری کند و مسئله را با رعایت مقررات و ضوابط دانشگاهها فیصله دهد.

مادهٔ ٤. معارف اسلامی:

الف. نظارت بر تشکیل کلاسهای معارف اسلامی در دانشگاه بر عهدهٔ نماینده است، که از طریق تشکیل گروه معارف اسلامی مرکب از اساتید این دروس و مسئول بخش فرهنگی، پس از موافقت نمایندهٔ در دانشگاه اعمال می‌گردد و مدیریت گروه مربوطه به عهدهٔ نماینده است.

ب. نمایندگان، افراد لایق را برای تدریس دروس معارف اسلامی شناسایی و به دفتر مرکزی نمایندگان معرفی می‌نمایند. دفتر مرکزی از میان افراد پیشنهاد شده و نیز سایر افراد ذی صلاح، اساتید واجد صلاحیت تدریس را تعیین و به دانشگاه معرفی می‌نماید. حکم اساتید معارف اسلامی توسط رئیس دانشگاه صادر خواهد شد.

ج. سر فصلهای این دروس توسط ستاد انقلاب فرهنگی به دانشگاهها ابلاغ شده و اساتید موظفند طبق این سرفصلها تدریس نمایند.

مادهٔ ۵. رابطهٔ نماینده با سیستم اداری دانشگاه و جهاد دانشگاهی:

الف. بخش فرهنگی جهاد به منزلهٔ بازوی اجرایی اصلی نماینده بوده و موظف به اجرای برنامه‌های تنظیمی ایشان می‌باشد.

تبصره. نماینده می‌تواند از نیروهای مختلف و انجمنهای اسلامی دانشگاه به عنوان داوطلب استفاده کند.

ب. نماینده به عنوان نماینده هیچ گونه وابستگی اداری و مالی به دانشگاه ندارد و قبول مسئولیت

نمایندگی جز به خاطر مسئولیتی که متوجه روحانیت متعهد است نمی‌باشد.[۲۱]

در مادهٔ ۳ آئین نامهٔ فوق، تصویب شده است که یك دفتر مرکزی جهت رفع مشکلات نمایندگان و ایجاد هماهنگی بین قسمتهای مختلف مربوط به دانشگاهها تشکیل شود که مسئول آن را حضرت آیةالله العظمی منتظری تعیین می‌کنند. بدین منظور معظم‌له حکم زیر را برای آیةالله محمدی گیلانی صادر کردند:

«بسمه تعالی. جناب مستطاب حجة الاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمد محمدی گیلانی دامت افاضاته، پیرو اجرای مصوبهٔ ستاد انقلاب فرهنگی مبنی بر اعزام نمایندگانی از طرف این جانب به دانشگاهها جهت تشکیل کلاسهای معارف اسلامی و نظارت بر خط فکری و عقیدتی دانشگاهها در رابطه با مشخص نمودن حدود وظایف نمایندگان اعزامی طی نشستهای متعددی که نمایندگان وزارت علوم و ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی و فضلای اعزامی به دانشگاهها ترتیب دادند، قرار بر این شد که یك دفتر مرکزی متشکل از یکی از علما و فضلای متعهد و سه مشاور لایق از وزارت علوم و نمایندگان اعزامی و مرکزیت جهاد دانشگاهی جهت انجام مسئولیتهای مندرجه در آئین‌نامه تعیین گردد. لذا با توجه به مراتب فضل و لیاقت حضرت عالی، مقتضی است جناب عالی مسئولیت سرپرستی این دفتر را بپذیرید و سعی کنید ضمن حفظ هماهنگی کامل بین نمایندگان اعزامی به دانشگاهها با وزارت علوم و ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی دروس و مباحث معارف اسلامی دانشگاهها را از هر نظر غنی و پر محتوا بنمایید و اگر احیاناً شبهات یا نارساییهایی از نظر علمی و فلسفی احساس کردید به نحو احسن مرتفع فرمایید. امیداست ارگانهای فوق‌الذکر و فضلای اعزامی به دانشگاهها با تشریك مساعی لازم وجود جناب عالی را مغتنم شمرده، بتوانند در جهت تحقق اهداف الهی انقلاب فرهنگی حداکثر بهره‌برداری را بنمایند. توفیق همگان را در خدمت به اسلام و حفظ دستآوردهای انقلاب عظیم اسلامی از خدای بزرگ مسئلت دارم. والسلام علیکم و رحمة الله. قم. ۱۳٦۲/٦/۸. حسینعلی منتظری.»

مجموعهٔ نمایندگان فقیه عالیقدر در دانشگاهها که اکنون تحت نظارت دفتر نمایندگیها، به مسئولیت شخصیت بزرگ انقلاب اسلامی آیةالله محمدی گیلانی، فعالیت می‌کنند، تشکلی بسیار ارزنده و مفید از روحانیون عالی مقام حوزههای علمیه در دانشگاههای سراسر کشور را به وجود آورده و این کار شایسته، اولین قدم صحیح در راه ایجاد وحدت بین حوزه و دانشگاه است.

از تاریخ تشکیل دفتر نمایندگیهای آیةالله العظمی منتظری در دانشگاهها، این تشکل الهی، در فرصتهای مناسب و لازم، برای پیشرفت کار، نسبت به برپایی سمینارها و مجالس تبادل نظر اقداماتی انجام داده‌اند که گزارش کوتاهی از یکی از سمینارهای سالانهٔ آنها را نقل می‌کنیم:

۲۱. نکتهٔ قابل ذکر اینکه به دلیل تغییراتی که مرتب در سیستم آموزشی کشور پیش می‌آید، این آئین‌نامه نیز دستخوش تغییرات می‌گردد، اما اصول کلیش همین است.

«سمینار نمایندگان حضرت آیةالله العظمی منتظری در دانشگاهها با شرکت آیةالله محمدی گیلانی مسئول دفتر مرکزی نمایندگان و دکتر احمدی سخنگوی ستاد انقلاب فرهنگی در دفتر حضرت آیةالله العظمی منتظری تشکیل شد.

در این سمینار، پس از تلاوت آیاتی از کلام الله مجید، ابتدا گزارشی از کار دفتر مرکزی ارائه شد. آنگاه نمایندگان مشکلات خود و مسائلی را در رابطه با لزوم فعال شدن بیش از پیش دفتر مرکزی و لزوم نظارت بیشتر آنها نسبت به اسلامی کردن جو دانشگاهها و همچنین شناخت و معرفی اساتید معارف اسلامی و تأیید صلاحیت علمی آنها از طرف مسئول دفتر مرکزی مطرح کردند و تصمیمات لازم اتخاذ شد.

در این سمینار همچنین حجة الاسلام اختری به عنوان قائم مقام رئیس دفتر مرکزی معرفی و با تأیید حضرت آیةالله العظمی منتظری به این سمت منصوب و به کار مشغول شد. در ادامهٔ کار سمینار همچنین موضوعات دیگری از قبیل توجه بیشتر ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی به نقش روحانیت متعهد در بالا بردن سطح فرهنگی دانشگاهها و دادن امکانات بیشتر به آنها جهت انجام این مسئولیت بزرگ و هماهنگی بیشتر دفاتر نمایندگان با ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی مطرح و تصمیماتی اتخاذ شد. سپس آقایان محمدی گیلانی و دکتر احمدی مطالبی را مشروحاً پیرامون مسائل مربوط به دفتر مرکزی و ستاد انقلاب فرهنگی و توضیح نسبت به سؤالات نمایندگان نسبت به امور مختلف ارائه دادند.

در ادامهٔ این نشست، حضرت آیةالله العظمی منتظری در آن شرکت کردند و پس از تشکر و تقدیر از نمایندگان محترم که این مسئولیت خطیر را پذیرفته و با تمام کمبودها و مشکلات به کار خود ادامه می‌دهند اظهار داشتند:

جای هیچ گونه شکی نیست که آیندهٔ کشور و مملکت را دانشگاههای ما تعیین می‌کنند. زیرا دنیای امروز بر پایهٔ علم و صنعت قرار دارد و این دانشگاهها هستند که متکلف امر علم و صنعت در جامعه می‌باشند. و روی این اصل باید به مسئلهٔ دانشگاهها و آینده آنها و جوانانی که فردا باید ادارهٔ کشور و انقلاب را به دست گیرند کاملاً توجه شود. ما که می‌گوییم انقلاب ملت ما اسلامی است و از طرفی می‌خواهیم وضع گذشته و غیر اسلامی دانشگاهها را تغییر دهیم باید به این حقیقت توجه داشته باشیم. همان گونه که باید در هر رشتهٔ علمی کار را به دست اهلش و متخصص آن رشته داد در مسئلهٔ اسلامی کردن دانشگاهها و تشکیل کلاس معارف اسلامی و بیان مسائل اصول دین و حقایق دینی هم باید کار به دست کارشناسان متخصص همین رشته سپرده شود و فعلاً این روحانیون متعهد هستند که پس از سالها زحمت و درس خواندن می‌توانند از عهدهٔ این مسئولیت خطیر برآیند. بنابراین ما اگر بخواهیم به آیندهٔ دانشگاهها خوش بین باشیم و مطمئن شویم که دانشگاههای ما در آینده در خدمت اسلام و انقلاب و مردم خواهند بود و فارغ‌التحصیلان و متخصصین رشته‌های مختلف آنها نسبت به انقلاب اسلامی و کشور خودشان متعهد و وفادار باشند و مثل گذشته نشوند که عده‌ای متخصص ولی بدون ارتباط با مردم و سرنوشت کشورشان تحویل جامعه داده شوند راهی نداریم جز این که از هم اکنون پایه‌های عقیدتی و

اسلامی جوانان عزیز را در دانشگاهها تحکیم نماییم و آنان را نسبت به انقلاب و معارف اصیل اسلامی کاملاً آشنا سازیم و این مسئولیت در شرایط فعلی به عهدهٔ روحانیت متعهد می‌باشد و مسئولین محترم کشور هم باید به این حقیقت کاملاً توجه داشته باشند.

از روز اول که ستاد انقلاب فرهنگی از من خواست که نمایندگانی به این منظور به دانشگاهها بفرستم، نظر من این بوده که این کار بزرگ و مهم از طرف حضرت امام مدظله عملی شود و معظم‌له نمایندگانی به منظور بالا بردن سطح فرهنگ اسلام و انقلاب در دانشگاهها تعیین فرمایند.

هدف ما از اعزام نماینده به دانشگاهها یك مسئلهٔ تشریفاتی نبود که مثلاً یك روحانی در دانشگاهها برای اعلام روزهای وفات و اعیاد اسلامی و اقامهٔ یك نماز جماعت مثلاً آنجا باشد. منظور اصلی که ستاد انقلاب فرهنگی روی آن اصرار داشت و من هم خواستهٔ آنها را قبول نمودم، اسلامی نمودن جو دانشگاهها از هر نظر و بالا بردن سطح فرهنگ مذهبی و انقلابی و تحکیم پایه‌های معارف اسلامی جوانان دانشجو بود. از این‌رو باید برادرانی که این مسئولیت را قبول کرده‌اند خود را از هر جهت برای نیل به این هدف آمده سازند و سعی کنند مطالب را به شکل شعار مطرح نکنند بلکه با استدلال و شیوهٔ علمی معارف اسلامی بیان شود، تا انشاء الله تعالی سطح علمی جوانان بالا برود.

آنچه وظیفهٔ شرعی آقایان است همان کاری است که یك روحانی متعهد در محدودهٔ مسئولیت خود موظف است انجام دهد. آقایان در برابر این گونه لغزشها و یا خدای ناکرده انحرافات مسئولیت دارند ولی نه به شکل دخالت مستقیم، بلکه باید از راههای دیگر مثل صحبت کردن با رؤسای دانشگاهها و با وزارت علوم و ستاد انقلاب فرهنگی اقدام شود. آقایان هیچگاه درگیر نشوند. زیرا این وظیفهٔ مسئولین مربوطه است که دخالت مستقیم نمایند و وظیفهٔ آقایان پیگیری قاطع مسئله از طریق همان مسئولین است.

در همین رابطه آیةالله منتظری از نمایندگان خواستند در برابر مشکلات استقامت کنند و از میدان در نروند. ایشان یادآور شدند: پیامبر اسلام و ائمهٔ ما هیچگاه در برابر مشکلات به خودشان ضعف و سستی راه نمی‌دادند. بنابراین هر مسئولیتی را که نماینده‌ای قبول کرد باید روی آن وقت بگذارد و کار بکند و اگر احساس کرد نمی‌تواند از عهدهٔ آن به خوبی برآید بین مسئولیتهای خود آنچه را می‌تواند انجام دهد انتخاب کند و از سایر مسئولیتها منصرف شود و به دیگری که می‌تواند محول نماید.» ـ جراید، ۱۳۶۳/۷/۳.

چند ماه پس ازتدوین آئین نامهٔ مربوط به حدود وظایف نمایندگان آیةالله منتظری در دانشگاهها، ستاد انقلاب فرهنگی اساسنامهٔ جهادهای دانشگاهی را نیز در تاریخ ۱۳۶۲/۹/۲۹ طرح و به تصویب رساند.

در مادهٔ چهار این اساسنامه که تشکیلات جهاد دانشگاهی را شرح می‌دهد، تصویب شده است که آیةالله منتظری نماینده‌ای را جهت عضویت در شورای مرکزی جهاد دانشگاهی معرفی نمایند.

پیرو این تصمیم و درخواست از حضرت آیةالله العظمی منتظری، معظم‌له حکم زیر را صادر کردند:

«بسمه تعالی. جناب حجة الاسلام آقای سیدهادی خامنه‌ای دامت افاضاته، پیرو تقاضا و تصویب

ستاد انقلاب فرهنگی مقتضی است جناب عالی مسئولیت نظارت بر جریان فکری و سیاسی شورای مرکزی جهاد دانشگاهی را بپذیرید و سعی کنید همان گونه که ستاد انقلاب فرهنگی نیز به آن توجه نموده، نهاد جدید جهاد دانشگاهی را در سطح تمام دانشگاهها و مراکز عالی آموزش بر اساس ارزشهای الهی انقلاب اسلامی تقویت نمایید و ضمن تشویق و تأیید برادران و خواهران متعهد اعضای جهادهای دانشگاهی در کار مقدس خودشان به آنان تذکر دهید که از مرز قانونی خود خارج نشوند. امید است انشاءالله تعالی با همکاری ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی و همت و تلاش جناب عالی این نهاد جوشیده از متن انقلاب بتواند مسئولیت انقلابی خود را در دانشگاهها به نحو احسن انجام دهد. والسلام علیکم و رحمةالله قم ۱۳۶۲/۱۱/۱۵. حسینعلی منتظری.»

و. دانشگاه، پشتوانهٔ خودکفایی

چرا در انقلابی مانند انقلاب اسلامی ایران، دانشگاهها تا این حد مورد توجه‌اند؟ چرا آیةالله منتظری این قدر نسبت به سرنوشت دانشگاهها و دانشجویان حساسیت نشان می‌دهند و اشتغالات فکری خودشان را به مقدار زیاد به مسائل مربوط به آموزش عالی اختصاص داده‌اند؟

در مرحلهٔ اول، این توجه و حساسیت، پی آمد توجهی است که دین مقدس اسلام به دانش داده و دانشگاهها که در کشور ایران، پس از حوزههای علمیه، مرکز اصلی علوم مفید به حال جامعه و مردم است، از نظر رهبران و عالمان دین، مقدس، سرنوشت ساز و ارزشمند است. در این خصوص حضرت آیةالله منتظری فرموده‌اند:

«هر دانشی که در خدمت اسلام و مسلمین باشد، دانش اسلامی است و فراگرفتن آن لازم است. ولی بعضی علم و دانشها همچون طب، زمین شناسی، و علوم مربوط به کشاورزی و دامداری و صنایع، بر اثر پیدا شدن متخصصین به اندازهٔ کافی از دیگران ساقط است و به اصطلاح فقهی «واجب کفایی» است. ولی برخی از علوم واجب عینی است که بر هر فرد از مرد و زن یادگرفتن آنها لازم است و اینها سه علمی است که نبی اکرم ص دربارهٔ آنها فرموده‌اند: العلم ثلاثة، آیة محکمة، فریضة عادلة و سنةً قائمة.

الف. جهان بینی کامل که در اثر دقت درآیات تدوین و تحکیم و شناخت نظام دقیق عالم انسان را به خداشناسی هدایت و در جهت تحصیل معارف اسلامی رهبری می‌کند.

ب. شناخت فضائل اخلاقی که انسان را در حداعتدال نگاه می‌دارد و از هر نحو افراط و تفریط باز می‌دارد.

ج. شناخت روابط انسان با خدا، با خانواده، با اجتماع و وظایف او در این مراحل که به نام فروع دین خوانده می‌شود.

این سه علم، اساس انقلاب فرهنگی یك جامعه است و باید زیربنای همهٔ علوم و فنون و روابط انسانها قرار گیرد. و فرهنگ جمهوری اسلامی و تعلیمات دانشگاهی بر اساس آن استوار گردد. همهٔ ما مسلمانان باید نسبت به مسائل اسلامی آگاه باشیم و آنها را به کار ببریم و سپس هر کسی در یك رشته

فعالیت کند و در پیشرفت کشور و ملت خود بکوشد.» ـ مجلهٔ *رشد معلم*، سال دوم، شمارهٔ ۳.

در مرحلهٔ دوم، توجه و حساسیت آیةالله منتظری به دانشجویان و دانشگاهها، به علت نیازی است که کشور و انقلاب اسلامی ما به خودکفایی در همهٔ زمینه‌ها دارد. ایشان در مورد خودکفایی خصوصاً در زمینهٔ نیروی انسانی بسیار می‌اندیشند و بر آن تأکید فراوان دارند.

خودکفایی جزء ایده‌آلها و آرزوهای هر ملتی است که برای خود ارزش قائل است. کشور و ملتی که انقلاب کرده و از نظر سیاسی بندهای اسارت را گسسته و تلاش می‌کند که همهٔ بندهای وابستگی را قطع کند، جز از راه حمایت از دانشگاهها و ارزش دادن به تخصصهای متعهدانه در همهٔ زمینه‌ها نمی‌تواند به آرزوهایش برسد. لذا آیةالله العظمی منتظری، وجدان بیدار ملت مسلمان ایران، پس از مقام رهبری انقلاب اسلامی، هر موقعی که با چند دانشجو یا استاد دانشگاه رو به رو می‌شود آنان را برای رسیدن به خودکفایی دعوت می‌کند. تقریباً در تمامی دیدارهایی که دانشگاهیان، با ایشان داشته‌اند، دربارهٔ فعالیت آنها به سمت خودکفایی صحبت نموده و هدایتشان کرده‌اند.

این اندیشه چنان جانمایهٔ رهنمودهای آیةالله منتظری به دانشگاهیان شده که دریغ آمد در این بخش کتاب که تعلق به دانشجویان و دانشگاهیان دارد، از آن همه دلسوزی سخن به میان نیاید. لذا جملاتی از ایشان را پیرامون رابطهٔ بسیار نزدیك آموزش عالی و خودکفایی نقل کنیم:

«آنهایی که کشور ما را اداره خواهند کرد از نظر سیاست، اقتصاد و فرهنگ، دانشجویان ما هستند. اگر چنانچه دانشجویان ما افرادی باشند متعهد، علاقه‌مند به اسلام و یالااقل علاقه مند به استقلال کشورشان، آن وقت ما می‌توانیم مطمئن باشیم که کشور ما درآینده کشوری خواهد بود مستقل که وابسته به کشورهای دیگر نباشد. خودش بتواند سرنوشت خودش را تعیین کند. پس مسئلهٔ دانشگاهها خیلی برای ما مسئلهٔ مهمی است.» ـ جراید ۱۳۶۲/۳/۷.

«متأسفانه در رژیم گذشته دانشگاههای ما به هیچ وجه با نیاز کشور و مردم مناسب نبود و افرادی که تربیت می‌شدند معمولاً پشت میزنشین و دنبال گرفتن مدرکی بودند و ما امیدواریم امروز که در اثر انقلاب فرصتی به دست آمده بتوانیم گذشته را جبران کنیم و نیاز علمی و صنعتی کشور را از خارج قطع کنیم.

«اسلام در مورد غنی شدن مسلمانان و قوی نمودن بنیهٔ کشور و جامعهٔ خودشان، در تمام ابعاد، حتی بعد نظامی، سفارش زیادی نموده. مثلاً درآیهٔ شریفهٔ و اعدوالهم ما استطعتم من قوة، خداوند تحصیل و به دست آوردن هر نوع قدرت را در برابر دشمنان خود فریضهٔ تمام مسلمانان دانسته و کسی خیال نکند مسلمانان در بعد نظامی مثلاً نباید پیشرفت کنند. باید توجه شود آنچه مضر است سوء استفاده از قدرت نظامی به خاطر نداشتن تعهد و تقوا می‌باشد و گرنه مسلمانان که معتقد و متعهد به دین می‌باشند هرگز از قدرت نظامی برای تخریب و کشتار مردم بی‌گناه سوء استفاده نمی‌کنند. بنابراین باید دانشگاههای ما جوانان را در تمام رشته‌ها عالم و متخصص تربیت کنند تا انشاءالله تعالی به زودی کشور به حد

خودکفایی علمی و صنعتی برسد.» - ۱۳۶۲/۱۰/۱۶.

«اهمیت فوق‌العادهٔ تحصیل علم و کسب دانشهای روز از نظر اسلام و رسیدن به حدخودکفایی علمی برای دانشگاهیان محترم و دانشجویان عزیز ما پوشیده نیست. در سوره‌ای که بر پیغمبر اکرم نازل شده صحبت از خواندن و تعلیم به قلم آمده و دین مقدس اسلام طلب علم را بر هر فرد مسلمانی در هر زمانی و هر مکانی و تحت هر شرایطی هر چند در معرض خطر باشند واجب شمرده است.

جوانان متعهد و انقلابی ما می‌دانند بدون تحمل سختی کسب علم و دانش نمی‌توان این کشور از بند رسته را از وابستگیهای علمی و صنعتی نجات داد. در نظام گذشته اکثر تحصیل کردههای ما متأسفانه یا از اردوگاه غرب و یا شرق سردر می‌آوردند و کشور را بیش از پیش به بیگانگان وابسته می‌نمودند و اکنون که با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران زمینهٔ رشد استعدادها در مسیر رفع نیاز تودههای محروم و تأمین اهداف آنان به وجود آمده، بر جوانان دانشجوی ما است که از این فرصت الهی حداکثر استفاده را بنمایند و به زودی کشور را در بعد صنعت و تکنیکهای علمی غنی و بی نیاز از دیگران سازند. کشور ایران بحمدالله از نظر آب و خاك و معادن، غنی و بی‌نیاز است و تنها به نیروهای ماهر متخصص و متعهد نیاز دارد.» - ۱۳۶۱/۹/۲۶.

«انشاءالله برادران و خواهران دانشگاهی، اساتید و دانشجویان، سعی می‌کنند علومی که در زندگی بشر مورد نیاز است اینها را به هر جوری هست تکمیل کنند. آنهایی که روحیهٔ ابتکار و اختراع در آنها هست فکرشان و ذوقشان را به کار اندازند. گله هم نکنید که بگویید کسی از ما تقدیر نمی‌کند. انقلاب است و... بنابراین منتظر تقدیر کسی نباشید. خدا تقدیر می‌کند. شما کار را برای خدا بکنید. برای اینکه کشورمان از اجانب و استعمارگران بی‌نیاز شود، مسلمانها روی پای خودشان بایستند، استقلال فرهنگی پیدا کنید. که اگر انشاء الله استقلال فرهنگی و علمی پیدا کردید به دنبالش هم استقلال سیاسی - اقتصادی پیدا خواهید کرد. سعی کنید برای استقلال کشور اسلامی و کشورهای اسلامی، خودتان را غنی کنید از نظر علم و صنعت و تکنیك. مزدتان را خدا می‌دهد. برای خدا کار کنید خدا مزدتان می‌دهد.» ۱۳۶۰/۱۰/۱۳.

«یکی از مسائلی که باید دانشجویان ما فوق‌العاده به آن توجه کنند بعد علمی دانشگاهها است. ما اگر بخواهیم در تمام امور مستقل و خودکفا باشیم و احتیاجمان به خارج قطع شود باید دانشگاههای ما از نظر علمی غنی و عالم‌پرور شوند و ترتیبی دهیم که در تمام امور مورد نیاز کشورمان خودمان فکر کنیم و متخصص تربیت کنیم.» - ۱۳۶۲/۱۲/۱۷.

«سعی کنید درس بخوانید و در رشته‌های مختلف علمی که مورد نیاز کشور هست غنی و متخصص شوید تا نیاز کشور را از هر نظر از خارج قطع کنید.

اگر بنیهٔ علمی شما ضعیف باشد طبعاً یك عده ضد انقلاب و یا غیرمتعهد به انقلاب درس می‌خوانند و درآینده آنها تمام پستهای حساس کشور را تصاحب می‌کنند. ما اگر بخواهیم شعار مرگ بر امریکا تحقق و عملی باشد باید کاری کنیم که واقعاً در عمل و در تمام جهات احتیاج خود را از امریکا و سایر قدرتهای بزرگ قطع کنیم و گرنه صرف شعار بدون تلاش عملی و جهاد در قطع نیاز خود مفهومی ندارد.» - ۱۳۶۲/۱۱/۲۳.

«این فکر که در داخل کشور اساتید مورد نیاز جهت دانشگاهها تربیت شوند بسیار فکر خوبی است و ما اگر بخواهیم کشور از تمام جهات مستقل و خودکفا گردد راهی به جز رسیدن به خود کفایی علمی و فرهنگی نداریم. تا در بعد علمی ما به خارج محتاج باشیم در سایر ابعاد هم وابسته خواهیم بود.» - ۱۳۶۲/۱۲/۷.

«اساس استقلال کشور بعد علمی آن است. اگر ما از نظر علمی و صنعتی وابسته به دیگران باشیم، علاوه بر اینکه شعارهای ما بی محتوا می‌شود، ضربهٔ شدیدی به استقلال سیاسی و نظامی ما وارد خواهد شد. دانشگاه سنگر علم و دانش است و باید اساتید و دانشجویان این سنگر عظیم را حفظ کنند و بدانند که جهاد آنان تلاش و تحصیل علم در این سنگر است. آنها اگر وظیفهٔ تدریس و خواندن درس و با سواد شدن را به نحو احسن انجام دهند بدانند که بالاترین خدمت را به اسلام و کشور انجام داده‌اند. این که در مغز ما کرده‌اند که حتماً باید علم و صنعت از اروپا و امریکا بیاید و مثلاً ما نمی‌توانیم مثل آنها بشویم خرافه‌ای بیش نیست که ساخته و پرداختهٔ خود آنان می‌باشد. استعمار حدود دویست الی سیصد سال چنان شخصیت اسلامی را از ما گرفت که ما نتوانیم باور کنیم اصلاً انسانیم و می‌توانیم رشد و ترقی داشته باشیم و ما باید به شخصیت خود برگردیم و باید باور کنیم که اگر تلاش و مجاهدت علمی کردیم و در خواندن درس و با سواد شدن و کسب رشته‌های تخصصی لازم جدیت کردیم به زودی به استقلال علمی که اساس کار است می‌رسیم و این معنا نیاز به یك بسیج همگانی دارد.» - ۱۳۶۲/۱۲/۱۲.

«اکنون که به همت ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی قدمهای نسبتاً بزرگی در تداوم حرکت انقلاب فرهنگی برداشته شده باید هر چه زودتر دانشگاهها بازشود و با همکاری و همفکری دانشجویان و اساتید متعهد و معتقد به نظام جمهوری اسلامی، این کشور را به حد خودکفایی علمی و صنعتی برسانند.» - ۱۳۶۱/۸/۱۴.

«علم و عمل، به مثابه دوبال، پرواز آدمی به سوی اهداف الهی را ممکن می‌سازد. در این زمینه دانشگاهیان باید برافزایش روحیهٔ ابتکار و خلاقیت در رشته‌های مورد نیاز جامعه همت گمارند و با کسب استقلال فرهنگی، پشتوانهٔ استقلال سیاسی، نظامی، اقتصادی شوند و در این مورد، دانشگاهیان

مسائل را به شعار خاتمه ندهند و با افزایش روحیهٔ ابتکار و خلاقیت در رشته‌های مورد نیاز جامعه، در پویایی انقلاب همت گمارند.» - ۱۳۶۰/۹/۲۸.

«بدترین وابستگی برای کشورهای جهان سوم، وابستگی از جهت نیروی انسانی است. وابستگی اقسام مختلف دارد، نظامی و اقتصادی دو نوع آن است. اما بدتر از همه وابستگی از جهت نیروی انسانی است. یعنی این است که برای ادارهٔ امور کشور نیاز داشته باشیم که از خارج اشخاص کارشناس و متخصص بیاوریم. اگر بخواهیم این وابستگی را برطرف کنیم، بایستی این قشر جوان، قشر محصلین و دانشجویان، کوشش کنند و به درسها ادامه بدهند و در آن رشته‌هایی که مورد احتیاج کشور است و کشور را از وابستگی رها می‌کند، درس بخوانند و زحمت بکشند.» - ۱۳۵۸/۶/۳۰.

«هیچ انقلاب و کشوری بدون خودکفایی نمی‌تواند تداوم و ثبات داشته باشد و شما دانشجویان و دانش‌آموزان که امید آیندهٔ دور و نزدیك این کشور و انقلاب هستید باید بکوشید تا در رشته‌های گوناگون تخصص یابید و میهن اسلامی عزیزمان را به کمك ملت شریف از نارسایی‌های فرهنگی و صنعتی، کشاورزی، نظامی، اقتصادی، پزشکی و غیره نجات بخشید. می‌دانید در مرحلهٔ قبل از پیروزی نقش اساسی با شعار بوده ولی در دوران سازندگی بیشترین و مهم‌ترین نقش را کار سازنده ایفا می‌کند و لذا باید کشور را در همهٔ ابعاد خودکفا نمود و این مسئولیت بزرگی است که به دوش یك یك افراد ملت گذاشته شده تا با دانش و بینش و تلاش علی رغم آنان که می‌خواهند چرخهای کشور را فلج نمایند کاری کنند که نه برای مدتی محدود، بلکه برای همیشه ملت و میهن را نجات دهند.» - ۱۳۵۸/۸/۱۲.

«یکی از شعارهای اصلی ما در انقلاب رسیدن به استقلال واقعی و خودکفایی و قطع نیاز از اجانب و بیگانگان بود و تا مادامی که سطح علمی و فرهنگی در دانشگاههای ما رشد نکند، نمی‌توانیم به حد خودکفایی علمی و صنعتی برسیم. اگر در دراز مدت ما از نظر علم و تکنیك و صنعت و تولید محتاج به دیگران باشیم نه ادعای استقلال واقعی مفهوم دارد و نه شعارهای مرگ بر امریکا که می‌دهیم.» - ۱۳۶۳/۸/۱۲.

ز: دانشجویان، آینده‌سازان کشور

حضرت آیةالله العظمی منتظری خطاب به دانشجویان کشور مطالب متنوع و رهنمودهای بسیار سازنده و اساسی بیان کرده‌اند که برای نسلهای حال و آینده مفید و درخور تأمل است.

سوای آنچه در مورد خودکفایی خطاب به دانشگاهیان، اعم از دانشجویان و اساتید و حتی مسئولین آموزش عالی کشور فرموده‌اند، مطالبی که مستقیماً متوجه دانشجویان است، حول سه محور دسته‌بندی می‌شود:

الف. سفارش به جدیت در تحصیل علم

ب. سفارش در روابط و برخوردهای اسلامی

ج. حضور در امور سیاسی

بدیهی است که دانشگاه، در درجهٔ نخست، جای تحصیل علم و دانش و دانشجو عنصر اصلی فراگیری علوم و معارف است. اما سیستم دانشگاهها در رژیم گذشته به گونه‌ای طرح ریزی و هدایت می‌شد که دانشجو برای کسب مدرك تحصیلی تلاش کند و پس از چند سال معطلی خود را به پشت یك میز اداره بکشد. و این سیستم دو خاصیت استعماری برای قدرتمندان حاکم دربرداشت:

اولاً فراغتهایی برای عیش و نوش جوانان در دانشگاه فراهم می‌شد. سوق دادن دختران در دانشگاهها به سمت بی‌بند و باری و تشویق فعالیتهای فوق برنامه‌ای منحط مثل اردوهای عمران ملی و جشنهای مختلط و ایجاد کاخهای جوانان و... در همین راستا بود. جذبهٔ چنین سرگرمیهای فساد انگیزی، نسل جوان، خصوصاً دانشجویان را از حضور در صحنه‌های سیاسی و اندیشیدن به جریانات حاکم بر جامعه و پیگیری عوامل استضعاف مردم غافل می‌کرد.

ثانیاً وقتی مدرك اصل شد و شغلهای پولساز و پرستیژدار به عنوان ارزش برای دانشجویان مطرح می‌گردد، جذبه‌ای برای درس خواندن و علاقه‌ای برای سواد دار شدن و کار فکری کردن نخواهد ماند. و این عدم جذبه و علاقه به طور محسوس، کشور را به وابستگی بیشتر سوق می‌دهد. وقتی در یك جامعه متخصصین کم باشند و تأمل درخودکفایی و استقلال مسخره جلوه کند، چه کسانی به بهره‌های بیشتر و غارت اموال عمومی ملت دست پیدا می‌کنند؟

با توجه به این گذشتهٔ فلاکتبار دانشگاهها و این تجربهٔ تلخ است که آیةالله العظمی منتظری دلسوزانه به هدایت نسل جوان دانشگاهی برخاسته است و لحظه‌ای از آنان غافل نیست. با این امید که نصایح این پدر دردمند و این استاد بزرگ حوزهٔ علمیه و این دانشمند زمان شناس به گوش جانمان فرو رود، به نقل قسمتهایی از رهنمودهای ایشان می‌پردازیم:

الف. سفارش به جدیت در تحصیل علم

«از جمله سفارشهای لازم، توجه شما به مسئلهٔ پیگیری درسها و کلاسها می‌باشد. شما برادران و خواهران اگر چه بار سنگین معرفی ابعاد انقلاب اسلامی را بر دوش خود احساس می‌کنید و از این واقعیت نیز نباید غافل شوید که اگر شما افراد انقلابی و متعهد در ابعاد علمی و درسی عقب بمانید، دیگران که یا ضد انقلابند و یا بی‌تفاوت و غیر معتقد، در بعد علمی پیشرفت کرده، در آینده پستهای حساس را اشغال خواهند کرد. از این رو لازم است برنامه‌های خود را به شکلی تنظیم نمایید تا لطمه‌ای به دروس و مباحث علمی و فکری شما وارد نشود، تا انشاءالله بتوانید با دست پر و سرشار از علوم و تکنیکهای ضروری و لازم به کشور خودتان برگردید که آتیهٔ کشور اسلامی ایران در انتظار شماست.» - پیام به انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا، ۱۳۶۲/۸/۲۶.

«از تحصیلات خود غافل نشوید و ضمن مبارزات و مجاهدات، مراتب علمی خود را نیز بالا ببرید. زیرا

در غیر این صورت در رشته‌های علمی عقب می‌مانید و نمی‌توانید کشورهای خود را به خودکفایی علمی در ابعاد گوناگون برسانید.» ـ خطاب به دانشجویان کشورهای اسلامی، ۱۳۶۲/۶/۵.

«دانشجویان عزیز در دانشگاهها علوم مختلفی که مورد احتیاج مسلمانهاست با جدیت بخوانند، چه علوم اسلامی، چه علومی که برای دنیای ما احتیاج است. ما به پزشك احتیاج داریم. حدود بیست هزار پزشك کمبود داریم، مهندس آب، راه، ساختمان، سایر قسمتهای دیگر کاملاً در کشور احتیاج داریم. اگر از نظر علمی ما غنی نشدیم و وابسته باشیم استقلال سیاسی برای ما پیدا نخواهد شد. وقتی ما استقلال سیاسی به تمام معنا داریم که هم استقلال فرهنگی داشته باشیم هم استقلال اقتصادی. بنابراین باید سعی کنند دانشگاهها زودتر شروع به کار کند و دانشجویان عزیز مشغول تحصیل علم و کمال بشوند و از دانشجویان می‌خواهم که همتشان فقط لیسانس گرفتن نباشد. جداً درس بخوانند. و حالا هم که دانشگاهها تعطیل است مطالعه کردن که معذوری ندارد، مانعی ندارد. آن رشته‌هایی که در دانشگاه می‌خواندید کتابهایش هست. کتابها را تهیه کنید. مطالعه کنید. بحث علمی داشته باشید. بحث علمی از هر عبادتی فضیلتش برای شما زیادتر است. بنابراین در تحصیل علم و دانش بکوشید.» ـ ۱۳۵۹/۶/۱۴.

«دانشجویان عزیز، شما که درس می‌خوانید بیشتر توجهتان به احتیاجات کشور باشد. به فکر پشت میز نشستن نباشید. ببینید کشور چه صنعت و تکنیکی احتیاج دارد، در آن رشته بیشتر سعی کنید درس بخوانید که نیاز کشور را برطرف کنید.» ـ ۱۳۵۹/۳/۲.

«توجه داشته باشید کشور ایران به شما دانشجویان عزیز احتیاج مبرم دارد. تحصیل علم واجب است. منتها بعضی از علوم واجب عینی است. یعنی همه باید یاد بگیرند. مثل اصول دین و فروع دین، اخلاق اسلام. یك علم هم واجب کفایی است. یعنی به اندازهٔ کفایت باید در کشورها باشد. ما پزشك زیاد احتیاج داریم. مهندس راه‌سازی، مهندس آبرسانی، مهندس کشاورزی زیاد احتیاج داریم. به اندازهٔ کفایت، جوانها باید کوشش کنند. در آموختن جدیت کنند تا اینکه از کشورهای خارجی بی‌نیاز شویم. حدیثی از پیغمبر اکرم است که می‌فرماید: از مردم، خودتان را بی‌نیاز کنید. از امریکا و اروپا و شوروی و اقمار شوروی، خودتان را بی‌نیاز کنید ولو یك مقدار آبی که می‌خواهید مسواکتان را با آن بشویید. تا این اندازه باید خودتان را بی‌نیاز کنید. تا مادامی که در صنایع و تکنیك احتیاج به شرق و غرب داریم، تو سرخور آنها هستیم. پس، جوانها، شما که استعداد دارید، شما که روحیهٔ ابتکار دارید و من مطمئنم جوانان ایرانی بیش از اروپاییها و امریکاییها ذوق و هوش و قوهٔ ابتکار دارند، از این ذوق و هوشی که خدا به شما داده استفاده کنید، به نفع کشورتان به کار ببرید، به نفع اسلام به نفع مسلمین کار کنید. در همین تعطیلات، کتابهای مختلفی را که مربوط به فنون مختلف است مطالعه کنید. کتابهایتان را کنار نگذارید. توی دانشگاه فقط به فکر مدرك نباشید. درس بخوانید. روحیهٔ ابتکار خودتان را به کار بیندازید.

بر شما جوانان واجب کفایی است که به اندازهٔ نیاز کشور اقدام کنید.» - ۱۳۵۹/۳/۳۰.

ب. سفارش در روابط و برخوردهای اسلامی

و اما شیوهٔ حسنه‌ای که حضرت آیةالله العظمی منتظری در برخوردهای خودشان با عموم مردم انتخاب کرده‌اند، می‌تواند برای علاقه مندان به حضرتش و مسلمانان آزاده الگو باشد. توجه به این الگو هر فردی را که طرفدار برخوردهای اسلامی است، از افراط و تفریط و غلتیدن به یك سمت باز می‌دارد. آیةالله منتظری به لحاظ اینکه رهنمودهایشان از عمق اعتقاد و عمل جان می‌گیرد، برای ایجاد فضای اسلامی و سالم در دانشگاهها بسیار مؤثر است ـ خصوصاً که این رهنمودها اغلب خطاب به دانشجویان عضو انجمنهای اسلامی بیان شده است. انجمنهای اسلامی که جوشیده از درون دانشجویان مسلمان و معتقد به ولایت فقیه هستند، باید همچون روحانیون حرکات و سکناتشان از روی حساب و با دقت انجام پذیرد. چرا که دیگران هر عمل و هر حرکتی را از این گروه بینند به حساب اسلام می‌گذارند، و این، عصارهٔ بیانات آیةالله العظمی منتظری است. در این باره چند جمله از معظم‌له نقل می‌کنیم:

«انجمن اسلامی دانشگاهها باید بیش از پیش جذبه داشته باشند و حتی‌المقدور اساتیدی را که در رشته‌ای تخصص دارند و درگذشته احیاناً لغزشی داشته‌اند و اکنون واقعاً می‌خواهند تدریس کنند و به دانشگاه خدمت کنند به آنان مجال تدریس و تربیت دانشجو بدهند و آنها را جذب کنند و انجمنهای اسلامی کاری کنند که پناهگاه این گونه افراد باشند نه اینکه افراد از انجمن اسلامی وحشت داشته باشند.» - ۱۳۶۲/۱۲/۱۷.

«باید به مسئلهٔ ارزش علم و استاد و متخصص، احترام متقابل به دانشجو و متعلم، در جهت حفظ انقلاب و تحقق اهداف عالی آن توجه شود. ولی این به آن معنا نیست که هدف اصلی ما از انقلاب که همان تحقق ارزشهای اسلامی و الهی بود فراموش شود. دانشگاههای ما باید در دو بعد علم و دین، و تعهد به اسلام، اخلاق و ارزشهای الهی با هم رشد کنند و گرنه درگذشته ما داشتیم متخصصین وطن فروش و عامل بیگانه.

دانشگاههای ما باید به شکلی باشد که دانشمندان و متخصصینی تربیت کند که به اسلام و انقلاب کشور و ملتشان تعهد محکم و قوی داشته باشند و همین معنا، انجمنهای اسلامی، که نعمتهای الهی هستند در هر مؤسسه و دانشگاهی باید باشند و تقویت شوند و به کار خود که همان کمك معنوی و ارشاد افراد بی‌تفاوت و جذب نیروهای مختلف و تبلیغ اسلام و پیاده نمودن ارزشهای الهی در هرجا که هستند ادامه دهند و سعی کنند همیشه ملجأ و پناهگاه افراد باشند و اگر لغزشی از کسی سراغ دارند به جای افشاگری و تحقیر و کوبیدن آن افراد در جهت اصلاح آنها و جذب آنها به انقلاب و اسلام تلاش نمایند... مسئلهٔ این معنا که در بعضی جاها معمول شده که نیروهای متعهد و خوب را از یکدیگر جدا سازند و بگویند این خط کیست و آن خط فلان، نباید در دانشگاهها مطرح شود. طرح این مسائل و این

خط بازیها، تجزیه و کوبیدن وانگ زدن به نیروهای خوب و مخلص به ضرر انقلاب و در مسیر منافع دشمنان اسلام خواهد بود.» - ۱۳۶۳/۸/۱۲.

«من به قداست و ارزش کار انجمنهای اسلامی در انقلاب توجه دارم و از آنها تقدیر می‌کنم ولی به آنان تذکر می‌دهم که باید مرجع و پناهگاه افراد بی‌تفاوت و احیاناً آلوده باشند. نباید روی گذشتهٔ افراد که مثلاً چه بوده و کجا رفته و یا مثلاً فلان جزوه یا کتاب فلان کس را خوانده، موشکافی و یا خدای ناکرده افشاگری و آبروریزی کنند. اسلام برای حیثیت و موقعیت افراد گرچه درگذشته لغزشی هم داشته‌اند ارزش قائل است. کسی که تشخیص داده شد امروز می‌خواهد به کشور و انقلاب خدمت کند و یا مثلاً درس بخواند و از گذشتهٔ خود واقعاً شرمنده و نادم است باید به او مجال وزمینهٔ خدمت داده شود. انجمنهای اسلامی باید اساس کار خود را بر ارشاد و هدایت و جذب افراد قرار دهند.» - ۱۳۶۳/۲/۱۴.

«من با اینکه به خواهران و برادرانِ عزیز اعضای انجمن اسلامی علاقه دارم و آنها را متخصص و متعهد می‌دانم، ولی به عنوان تذکر به آنها عرض می‌کنم رفتار شما در هر دستگاه و مؤسسه و مرکزی که هستید باید برای دیگران جاذبه داشته باشد، نه دافعه. شما می‌توانید با برخوردهای متین و حساب شده با افرادی که احیاناً درگذشته یا حال لغزش و گناهی داشتند آنها را به اسلام و انقلاب مجذوب نمایید.

شما اگر به جای افشاگری برای این گونه افراد و اعلام اسامی آنها به در و دیوار، به آنها شخصیت بدهید و برادرانه با آنها برخورد کنید و با زبان سازنده صحبت نمایید به یقین در انجام وظیفهٔ خود موفق‌تر خواهید بود. شما برادران و خواهران اعضای انجمنهای اسلامی توقع نداشته باشید که ایمان تمام افراد در حد شما باشد. در کتاب شریف *کافی* طی چند روایت، حضرت امام صادق ع می‌فرماید ایمان هفت درجه دارد. نباید از کسی که دو یا سه درجه ایمان دارد انتظار مثلاً هفت درجه داشته باشیم. انجمنهای اسلامی باید پناهگاه افراد ضعیف الایمان باشد، به نحوی که با فراهم نمودن وسایل تبلیغ و ارشاد، ایمان چنین افرادی را بالا ببرند و آنها را به اسلام علاقه مند سازند.» - ۱۳۶۲/۱۱/۲۳.

ج. حضور در امور سیاسی

حضور فعال دانشجویان دانشگاهها در میدانهای سیاسی و اجتماعی کشور، همواره مورد تأیید و تأکید رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی و نیز دومین چهرهٔ روحانیت بیدار اسلام حضرت آیةالله العظمی منتظری بوده و هست.

پیرامون این که دانشجویان عزیز باید آگاهانه مراقب اوضاع سیاسی کشور باشند و هر جا که امت اسلام در صحنهٔ سیاسی انقلاب اسلامی حضوری جانانه یافت، این فرزندان دلیرو شجاع و ستیزه‌گر امت نیز باید همراه با روحانیون مبارز، پیشگام رشادتها باشند، سخن بسیار است. و بزرگان دین و مملکت به دفعات مطالبی در این زمینه بیان داشته‌اند.

در این جا برخی سخنان یکی از این بزرگان والامقام یعنی حضرت آیةالله منتظری و دستوراتی را که ایشان در مورد حضور همه جانبهٔ دانشجویان در صحنه‌های سیاسی داخل و خارج داده‌اند، مرور می‌کنیم.

«خواهران و برادران دانشجو، عزیزان من، دانشگاههای شما در طول مبارزات حق طلبانهٔ ملت ایران، سنگرهای مقدمی بوده است که دوشا دوش مساجد و یا پایاپای تودههای مردم حرکت کرده است. قربانیان دانشگاهها و دانشجویان شهید، بزرگ‌ترین شاهد این ادعا است. و هنوز هم چشمان بی‌رمق محرومان و ستمدیدگان با حالت انتظار و امید به شما آزادگان مسلمان دوخته است. پشت سرتان قافلهٔ شهیدان و قربانیان و رو به رویتان رنجدیدگان و مستضعفین. این شمایید که با تکیه بر این همه شهید و بهره‌گیری از خونهای پاکشان [باید] به نجات مردمتان بشتابید و نقشه‌های دشمنان خدا و مردم را نقش برآب سازید.» ـ پیام به سمینار تحکیم وحدت دانشجویان مسلمان، ۱۳۵۸/۶/۲۵.

«انقلاب ایران از بدو پیدایش در صراط مستقیم اسلامی از کنارگرایشهای چپ و راست و سازشکارانه و محافظه کارانه عبور کرده، پا به پای قیام مردم محروم رو به سوی خدا و ارزشهای متعالی پیش رفت و به پای نهال آزادی انسان و مکتب، اقیانوسی از خون شهدا به راه انداخت تا خفقان و ستم و تبعیض و استبداد را در همهٔ اشکال خود نابود و به جای روابط، ضوابط را حاکم سازد و قدرت حاکمیت را به دست پرورده‌ها و فرزندان اصیل و رنجدیده‌اش بسپارد. انقلاب، لحظات حساسی را نسبت به آیندهٔ حکومت و شکل‌گیری کادرهای اجرایی و بافت بعدی دولت جمهوری اسلامی می‌گذراند. نهضت ما بر اساس یك ضرورت حتمی، یعنی ضمانت بقا و تداوم درآینده نیازمند کادرهای انقلابی و مخلص و پرتوان و متخصص می‌باشد تا پاسخ هفده سال رنج مداوم و تلاش مستمر داده شود.

کادرسازی و منظم ساختن کادرهای پراکنده و انسجام بخشیدن به بی‌نظمیها در همهٔ سطوح و شناساندن چهره‌های ناشناختهٔ انقلاب و رسوا ساختن فرصت طلبان و منافقین و متظاهرین یکی از هدفهای مرحله‌ای امروز انقلاب ما می‌باشد و شما جوانان مجاهد و مسئول که انتظار می‌رود قدرت آیندهٔ اسلام به دست و نیروی شما تجلی یابد باید مجدانه در این امر حیاتی به انقلاب عظیم خود مدد رسانید.» ـ خطاب به دانشجویان مسلمان ایرانی در اروپا، ۱۳۵۸/۷/۲۸.

«شما دانشجویان مجاهد و فداکار با توجه به مضمون حدیث شریف المسلمون ید واحده علی من سواهم... و با توجه به اینکه در طول سالهای مرارت بار نهضت اسلامی همواره ستون محکم جنبش در اروپا بوده‌اید اکنون نیز بکوشید... فعالیتهای مزورانهٔ جاسوسان و عناصر اطلاعاتی دشمن در درون جنبشها را نمی‌توان از نظر دور داشت و در این رابطه است که دست‌اندرکاران تبدیل ارزشهای مبتذل مادی به ارزشهای متعالی خدایی و متصدیان آزادسازی انسان از عبودیت انسان باید قویاً خود را به هوشیاری انقلابی مسلح کنند تا در خلال مبارزات به حق انسانهای محروم، چهرهٔ کریه و زشت جاسوسان و عمال منافق دشمن و طراحان پشت پرده که کمتر خود را نشان می‌دهند، کشف و خنثی نمایند. دانشجویان متدین و متعهد ما، فراموش نکنید که جنگ ما با استعمار و عوامل اسارت بشر،

نوعی مبارزهٔ ایدئولوژیك و اخلاقی بوده و چون مبانی عقیدتی اسلام از جامعیت و شمول برخوردار است لذا این نبرد در پهنهٔ مناسبات سیاسی ـ اقتصادی ملل و روابط داخلی و خارجی جوامع بشری مطرح می‌گردد. از این رو غفلت از نشر فرهنگ انقلابی اسلام در میان نسل جوان امروز جهان و پرداختن به اشتغالات فرعی و جنبی کاری است بس خطرناك و فاجعه‌آمیز. بدین جهت به عموم فرزندان برومند اسلام در داخل و خارج توصیه می‌کنم با استفاده از تمام امکانات به تربیت و پرورش جوانان که امید آیندهٔ ما هستند پردازند و بکوشند تا در برابر مکتبهای صادراتی و ایدئولوژیهای انحرافی جوانان ما را به بینشی قوی از اسلام راستین مجهز سازند و عنصر آگاهی و تقوا را در شخصیت آنان سیراب نمایند. مجدداً فرصت را مغتنم دانسته، توصیه می‌کنم برادران و خواهران اسلامی بیش از پیش به تحکیم مبانی وحدت اصولی و عقاید اسلامی و پیشه کردن خط مشی مبارزاتی در برابر ائمة الکفر پرداخته، حماسهٔ به خون آغشتهٔ شهدای راستین اسلام را در آن سوی مرزها که قلمرو ارزشها به گندابهٔ ابتذال و رسوایی کشانده شده دیگر بار تجدید نموده آوای حق طلبانهٔ ملت ستمدیدهٔ اسلام را که در اسارت جلادان خون آشام چپ و راست زندانی شده برفراز هرکوی و برزن جهان و بر سر قله‌های رفیع تاریخ معاصر سردهید.» ـ پیام به اتحادیهٔ انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا، ۱۳۵۸/۷/۲۸.

«شما فرزندان اسلام باید دشمنان اسلام را در خانه‌هایشان به لرزه و وحشت اندازید و اگر شما چنین نکنید و با هم در این مسیر تلاش ننمایید، آنها قدرت خواهند یافت که ما را در خانه‌هایمان به حقارت و زبونی کشاند و این معنی نهایت ذلت و اسارت است.» ـ خطاب به دانشجویان خارج از کشور، ۱۳۵۹/۵/۱۹.

«گر چه دخالت در سیاست، وظیفهٔ فرد فرد جامعه و دانشگاه است، اما در هنگام کسب علم، از طرفی اساتید باید علم خود را بالا ببرند و از طرفی دانشجویان آموزش دین و دانش را دنبال نمایند و هر زمان لازم شد به تناسب در امور سیاسی اظهار نظر کنند.» ـ ۱۳۶۰/۹/۲۸.

«سلام مرا به افراد دانشگاهی برسانید و بگویید انشاءالله وقتی دانشگاهها باز شد، باز دانشگاهها را نباید میدان تبلیغات فرهنگ وازدهٔ غرب و شرق کنند و افکار التقاطی را رواج دهند. نمی‌گویم اشخاص در سیاست وارد نشوند، خیر، در سیاست همهٔ مردم باید وارد شوند، اما وقت درس، درس را بخوانند. انشاءالله اساتید هم سرکلاسها که می‌روند سعی بکنند سطح علمی دانشجویان را بالا بیاورند. دانشجویان هم درس بخوانند. سیاست هم جای خودش. در سیاست هم دخالت کنند. شرق و غرب هم خبری نیست. شوروی و امریکا هیچ کدام دلشان برای ما نسوخته. شرقش و غربش بدبختی ما را می‌خواهند.» ـ ۱۳۶۰/۱۰/۱۳.

«امیدوارم تجربهٔ برادران و خواهران دانشجوی شما در ایران اسلامی سرمشق و الگوی خوبی برای

شما باشد. زیرا ما انقلاب خود را چون اسلامی می‌دانیم، محصور و منحصر در چهار چوب کشور خود نمی‌دانیم، بلکه هدف ما آزاد شدن تمام کشورهای زیرستم از دست ظالمین و استعمارگران و تسلیم در برابر قانون الهی است. البته این به معنای دخالت در امور کشورها و یا کشور گشایی نیست. این گونه تعبیرها از تبلیغات سوء دشمنان اسلام است. ما می‌خواهیم که فرهنگ انقلاب که همان اسلام خالص است را به تمام دنیا صادر کنیم و تمام محرومین و مظلومین را متوجه و آگاه سازیم که می‌شود با اسلام کشورهای زیرستم را آزاد ساخت و آنها را ادارهٔ نمود و البته این امر مهم فقط با شعار ممکن و عملی نیست. به دنبال شعار باید تلاش و فعالیت و مبارزه نمود. از شما می‌خواهم که تمامی مشاهدات خود را برای ملتهایتان بازگو کنید و حقایقی را که دشمنان شکست خوردهٔ اسلام از انقلاب و مسائل داخلی کشور ما وارونه معرفی کرده‌اند به ملتهای خودشان درست معرفی نمایند.» ـ خطاب به شرکت کنندگان در مجمع جهانی حرکت اسلامی دانشجویی، ۱۳۶۲/۶/۵.

«شما عزیزان، خود به اهمیت مسئولیتی که متوجه شماست به خوبی واقف هستید. می‌دانید که توطئه‌هایی را قدرتهای بزرگ استعماری برای خاموش کردن این شمع فروزان که در این شرایط حساس دفاع از آن درآ ن سرزمین به دست شما سپرده شده است، تدارك دیده‌اند، دشمنان اسلام تا کنون از وحدت کلمه که همواره مورد اهتمام *قرآن* شریف و تأکید مقام رهبری بوده ضربه خورده‌اند و با لطائف‌الحیل و انواع وسوسه‌ها و تهدیدها می‌کوشند تا این وحدت مقدس بین تمام نیروهای مؤمن و متعهد را به تفرقه تبدیل نمایند و در این رابطه از بدنام نمودن چهره‌های ارزنده و شایعه پراکنیها و بزرگ نمودن ضعفهای اشخاص متعهد و فداکار باکی ندارند و آنچه مایهٔ امید است تا این توطئه‌های شیطانی مؤثر واقع نشود، همانا آگاهی سیاسی و تعبد دینی شما عزیزان است.» ـ خطاب به دانشجویان مسلمان در اروپا، ۱۳۶۲/۸/۲۶.

«حق طبیعی دانشجویان متعهد و آگاه ماست که در مسائل سیاسی کشور و از جمله انتخابات دخالت کنند و اظهار نظر نمایند. این که می‌بینیم ملت با همهٔ سختیها و مشکلات در صحنه هستند به خاطر همان رشد سیاسی است که پیدا کرده‌اند و این معنا نمی‌شود مگر با دخالت تمام طبقات و از جمله روحانی و دانشجو در امور سیاسی جهان واسلام و کشور خودمان. همان گونه که روحانیت احساس تکلیف می‌کند و در امور سیاسی اجتماع دخالت و اظهار نظر می‌کند، دانشگاهها هم همین طور است. در حقیقت مردم در امور سیاسی و مسائل انقلاب، هم به روحانیت توجه دارند و هم به دانشگاهها. و مردم به نظریات هر دو احترام می‌گذارند. حدیث معروفی هست که الجاهل اما مفرط او مفرط. یعنی آدم نادان همیشه یا افراط می‌کند یا تفریط. مسئلهٔ دخالت روحانیت و دانشگاه در سیاست هم نباید به حد افراط و تفریط برسد. همان گونه که این تفکر که روحانیت و دانشگاه نباید در سیاست دخالت کند تفکر غلطی است، این معنا هم که دانشگاه و روحانیت به شکلی در امور سیاسی و از جمله انتخابات دخالت کنند که خود را قیم مردم بدانند، این معنا هم غلط است. و آنچه در انتخابات اصل مهمی است آزادی کامل مردم است

و این مردم هستند که باید خودشان تشخیص بدهند و کسانی را به عنوان نمایندگان مجلس انتخاب کنند، منتهی روحانیت و دانشگاه می‌توانند معیارهای مورد نظر اسلام را در انتخابات نمایندگی برای مردم بیان کنند.» - ۱۳۶۱/۱۲/۱۷.

«دانشگاهها نمی‌توانند نسبت به مسائل جهان اسلام و داخل کشور بی‌تفاوت باشند و هیچ گونه حساسیتی از خود نشان ندهند. همان گونه که سایر اقشار و طبقات نسبت به مسائل سیاسی و سرنوشت کشورشان و جهان اسلام تکلیف دارند و باید اظهار نظر بکنند، دانشجویان که قشر آگاه و درس خواندهٔ ملت هستند قهراً نباید با مسائل کشور بیگانه باشند.

این انقلابی که شده است و همهٔ اقشار و طبقات به خصوص دانشگاه در آن نقش زیاد داشته است این طور نیست که فکر شود که در انقلاب فقط عده‌ای که مسئول ادارهٔ آن هستند مسئولند و دیگران هیچ مسئولیتی ندارند و راحت به کار خود مشغول باشند. اگر شرعاً چنین اجازه‌ای داشتیم من به سهم خود در این سن به جای این ملاقاتها و مراجعات زیاد و خسته‌کننده با افراد و اقشار مختلف که هر روز دارم فقط به درس و مطالعه می‌پرداختم و قطعاً راحت‌تر هم بودم و شما دانشجویان عزیز هم به همین شکل. در صورتی که هر کسی به اندازهٔ قدرت خود باید در مسائل کشور و انقلاب حساسیت داشته باشد و به شکل دوستانه و کاملاً منطقی انتقاد صحیح و سازنده بکند و نظر خود را بگوید و در روزنامه‌ها و مجلات بنویسد و در اختیار دیگران قرار دهد. البته نباید هیچ گاه این معنا موجب تضعیف افراد و مسئولین محترم و یا خدای ناکرده توهین آمیز باشد.» - ۱۳۶۳/۸/۱۲.

جز این چند نمونه‌ای که از سخنان و پیامهای حضرت آیةالله العظمی منتظری نقل شد، معظم‌له در پیامهای متعددی که برای انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا، امریکا و کانادا، هندوستان، فیلیپین و سایر کشورها و نیز در سخنان زیادی که با دانشجویان عزیز در داخل کشور داشته‌اند، دانشجویان را به دخالت در سیاست تشویق و ترغیب کرده‌اند که ما به جهت اختصار، گوشه‌هایی از آن را برایتان انتخاب کردیم.

آنچه در این سطور مطالعه کردید، فریادهای از جان برخاستهٔ یك مصلح بزرگ است. او که در تمامی عمر پر برکتش لحظه‌ای از اصلاح امور ملت مسلمان، خصوصاً محرومین و مستضعفین، غافل نبوده و در این راه نزدیك به پانزده سال از بهترین ایام زندگیش را در زندانها و تبعیدها و فشارها گذرانده است و اکنون که بیش از پنج سال از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران می‌گذرد، تمامی هم و غمش مصروف در صحنه نگهداشتن مردم ایران و مسلمانان و محرومین جهان و برگرداندن آنها به اصالت اسلامی خودشان است، دیدیم که قسمتی از فریادهای بیدار کنندهٔ وی، خطاب به دانشجویان و دانشگاهیان در داخل و خارج کشور می‌باشد. آنچه خطاب به دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور گفته‌اند، در بعد سیاسی، در چهارچوب مبارزهٔ سرسختانه با استکبار جهانی و رساندن پیام ملت به پا خاسته و مظلوم ایران به جهانیان است. اما آنچه خطاب به دانشجویان دانشگاههای داخل کشور می‌فرمایند در بعد

سیاسی، عمدتاً حول دو محور است. یکی شناخت دشمن که به طرق مختلف بنای انهدام انقلاب اسلامی را دارد و دیگری وحدت کلمه و پرهیز از تفرقه و گروهگرایی است. می‌دانیم که دشمن دست بردار نیست. تا رمق دارد ما را به خودمان وا نمی‌گذارد و سعی می‌کند جهت مبارزات نسل جوان ما را از رو در رویی با ابر قدرتهای پلید برگرداند. لذا توجه دادن به کیدهای دشمن در هر روز و هر فرصت ضروری است. اما چرا آیةالله منتظری در این حد از جدّیت و دلمشغولی پا به پای رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی، به ما از خطر گروهگرایی و تفرقه هشدار می‌دهد؟ مگر در جامعهٔ ما خصوصاً در میان دانشجویان، این آفت بزرگ انقلاب، چه اندازه زمینهٔ رشد دارد؟ به یقین گروهگرایی سیاسی، از نفسانیات و هواهای شیطانی ما سرچشمه می‌گیرد و تا وقتی ما درون خود را از آلایشهای برتری جویی اجتماعی و قدرت طلبی سیاسی پاك نسازیم، رخنهٔ بذر اختلاف و دسته‌بندی در میانمان آسان است.

چه بسیار کسان که فکر می‌کنند بنای گرایش به گروه سیاسی خاصی را ندارند و هر دم فریادشان بلند است که ما مستقل و آزادیم، اما وقتی زمان یك آزمایش سیاسی، مثلاً انتخابات نمایندگان مجلس شورای اسلامی فرا می‌رسد، با همان شعار پرهیز از غلتیدن در گروه و حزب خاص، خود با همهٔ وجود به دام گروهگرایی افتاده‌اند.

بدیهی است درون یك سیستم تشکیلاتی خوب و هدف‌دار، که هدفش رضای خدا و خدمت به خلق خدا باشد وارد شدن، نه تنها اشکال ندارد بلکه خدمت منظم زیر نظر افراد با تجربه و دلسوز در یك تشکیلات، سعادت می‌خواهد. اما نداشتن سعادت چنین افتخاری، در مواقع بسیار ما را در موضع عکس‌العمل قرار می‌دهد. تمام کسانی که این موضع عکس‌العملی، وجه مشترکشان باشد، به یك گروهگرایی کشنده مبتلا شده‌اند.

اگر هوای نفس ما، قدرت طلبی ما، خوش آمدها و بدآمدهای غیرخدایی ما در جهت مخالفت با یك گروه یا یك حزب یا یك دسته قرار گرفت، این دیگر مخالفت با گروهگرایی از نوعی که رهبران دلسوزمان ما را از آن باز می‌دارند نیست و به روشنی معلوم است که خطر این برای انقلاب و میهن اسلامیمان بسیار جدّی‌تر است.

شرط اساسی تقدس برای یك سازمان یا حزب یا گروه یا حتی یك دفتر صنفی این است که منافع دار و دسته و اعضا و هواداران خود را بر منافع اسلام و مسلمین ترجیح ندهد و رضای خدا را مقدم بررضای تشکیلات خود بداند. وجود تشکیلات با این معیارها در کشور اسلامی مایهٔ سربلندی است و هر نوع مخالفت با چنین تشکیلاتی از ناحیهٔ هر فرد، دسته و جماعت، بهانه‌ای بیش نیست و چنین کسانی اگر به درون خود سربزنند و در خلوت خویش به عملکردشان بیندیشند متوجه می‌شوند که اسیر نفس خود یا اسیر دست دیگرانند؛ یعنی مایهٔ قدرت طلبی دارند ـ برای خود یا دیگران.

وقتی حضرت امام یا حضرت آیةالله منتظری عواقب دردناك گروهگرایی را گوشزد می‌کنند و سفارش در پی سفارش که اسلام ارزش دارد نه گروهتان، آنها که در واقع گروهگرا هستند، حتی نه تشکیلاتی، این هشدارها را متوجه دیگران می‌دانند و خود را از آن تبرئه می‌کنند. در صورتی که این هشدارها متوجه

همه است؛ چه آنها که در یك گروه یا حزب به صورت تشکیلاتی فعالیت می‌کنند، چه آنها که بدون تشکیلات به مخالفت با آن گروه و حزب برخاسته‌اند ـ لازم نیست که گروه تابلو و آرم داشته باشد. هرکس که دنبال تابلو و آرم باشد، اما مخالف تابلو و آرم باشد، خود گروهگراست. از طرفی هم شخص امام و هم آیةالله العظمی منتظری در صحبتهای متعدد پیرامون این موضوع که کشور به تشکیلات سالم نیاز دارد و وجود چنین تشکیلاتی مفید است، رهنمود داده‌اند که پرداختن به آنها در حوصلهٔ این مقال نیست و می‌توان به رهنمودهای این بزرگواران مراجعه کرد.

اما بحث گروهگرایی در مورد دانشجویان عزیز دانشگاهها نیز صدق می‌کند. اگر به سفارش امام بزرگوار و همراه همیشگیشان آیةالله منتظری، به شرط پرهیز از گروهگرایی، حضور فعال در فعالیتهای سیاسی انقلاب پیدا کردند، این مسئولیت خطیر همیشه بر دوششان گذاشته شده که با تمام تلاش در راه آزادی و استقلال کشورشان بکوشند. اما اگر خدای ناخواسته، علی رغم سفارشهای مکرر بزرگان انقلاب، در پی تعقیب هدف خاص و به دنبال جریان سیاسی خاص افتادند، دیگر نمی‌توانند ادعا کنند که مستقل هستند. در صورتی که هر فعالیت سیاسی بدون حبّ و بغض سیاسی باید فقط و فقط رضای خدا را منظور داشته باشد.

در مقابل اینهمه توجه حضرت آیةالله منتظری به دانشجویان دانشگاهها در داخل و خارج کشور، دانشجویان نیز نسبت به ایشان علاقهٔ وافر دارند و پندهای پدرانه و موضعگیریهای صحیح معظم‌له را با جان و دل می‌پذیرند. گرایش بیش از حد این جوانان عزیز به روحانیون عالیقدر اسلام و تشیع، خصوصاً حضرت آیةالله منتظری، آنان را هر هفته و هر روز به دیدار این فقیه عالیقدر و مجاهد بزرگوار می‌کشاند که بیشتر آنچه رهنمود از ایشان مطالعه فرمودید، در دیدار این دانشجویان علاقه مند بیان شده است.

اتحادیهٔ انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا بیستمین نشست سالانهٔ خود را با پیام فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری آغاز کرد. این جلسه که با حضور نمایندگان انجمنهای اسلامی دانشجویان در سراسر اروپا تشکیل شده با بیانات نمایندهٔ محترم فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری در اتحادیهٔ انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا ادامه یافت که به علت مقارنت نسبی زمان برگزاری جلسه با اعلام هفتهٔ وحدت، این نشست «نشست وحدت» نامگذاری شد.

متن پیام آیةالله العظمی منتظری را که مسائل مختلفی در آن مطرح شده است، در این جا می‌آوریم:

«بسمه تعالی. اعضای محترم اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا ایدکم الله تعالی، نامهٔ شما رسید. امیدوارم ترتیبی بدهید تا جلسات خود را بیش از پیش پر محتوا گردانید که تنها به شعار برگذار نگردد. در این شرایط حساس و با توجه به موقعیت جهانی انقلاب اسلامی باید تمام تلاش ما به دور از شعار فقط صرف کار و کوشش در راه تحقق اهداف الهی انقلاب گردد. از جمله مسائل مهم در خارج کشور شناسایی افراد بی‌تفاوت و نیروهایی است که هنوز از انقلاب و جمهوری اسلامی قطع امید نکرده‌اند و آمادهٔ بازگشت به دامن اسلام و مردم و انقلاب می‌باشند. بسیاری از این گونه افراد را که

هنوز جذب ضد انقلاب و جناح دشمن نشده‌اند، شما می‌توانید با برخوردهای سازنده و دعوت در محافل و مجالس تبلیغی و فکری خود آنان را جذب انقلاب نمایید. شما اگر در چنین حرکتی، فردی را هدایت نمودید بر اساس روایات ما از دنیا و آنچه در آن است بهتر و بالاتر خواهد بود. اهمیت این موضوع از تبلیغات مسموم و گستردهٔ دشمنان اسلام و رسانه‌های وابسته به آنها به خوبی معلوم می‌شود. هدف اصلی دشمنان انقلاب و کشور ما بدنام نمودن چهرهٔ انقلاب و مسئولین آن می‌باشد. و این برخوردهای منطقی و حرکت سازنده و اسلامی شما عزیزان است که می‌تواند تمام آن تبلیغات را خنثی و بی اثر گرداند. ضمناً از موضوع مهم خواندن درس و بالا بردن بنیهٔ علمی خود هیچ گاه غفلت نکنید و بدانید آیندهٔ کشور مرهون تلاش علمی شما خواهد بود. ما اگر بخواهیم در تمام جهات به استقلال برسیم و نیاز کشورمان را از دیگران قطع نماییم، راهی جز رسیدن به خودکفایی علمی همراه با تعهد اسلامی نداریم. انشاءالله موفق باشید. والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته.»[۲۲]

ح. رهنمود به اساتید و مسئولان دانشگاهها

جامعیت کلام، خصوصاً در بیان شخصیتهای دلسوز انقلاب اسلامی، ایجاب می‌کند که در هر مسئله، همه جانبه به نقد و اصلاح بپردازند.

اصلاح دانشگاه در مواعظ و هشدارهای فقیه عالیقدر به گونه‌ای طرح شده که انسان فکر نکند تنها به دست دانشجویان میسر است. اگر دانشجو با روحانی به وحدت رسیدند و دانشجو خوب درس خواند و جاذبیت اسلامی پیدا کرد و وارد سیاست سالم گردید، آیا دانشگاهها سلامت خود را باز می‌یابند؟ هرگز چنین نیست. سیستم آموزشی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی نشان می‌دهد که هر دانشجو به مدت حداکثر پنج سال میهمان یك دانشکده است و پس از پایان تحصیلات، شاید اتفاقی به دانشگاه یا دانشکده‌اش سری بزند. اما آنها که ثابت و تقریباً به طور مداوم در دانشگاهها حضور دارند و بخش عظیمی از صلاح و فساد این مراکز علمی به آنها مربوط می‌شود، استادان و مسئولان دانشگاهها و حتی دست اندرکاران امور مربوط به آموزش عالی در وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی می‌باشد. لذا بخش بزرگی از مخاطبین آیةالله منتظری که پیرامون دانشگاهها به موعظه و اندرز نشسته است، استادان و دست اندرکاران ادارهٔ دانشگاهها و ادارات گزینش دانشجو و استاد و واحدهای بازسازی و سالم سازی مؤسسات آموزش عالی و جهاد دانشگاهی هستند. قسمتهایی از رهنمودهای ایشان را خطاب به استادان و مسئولان دانشگاهها نقل می‌کنیم:

«یکی از مسائل مهم و ظریف در مورد انتخاب استاد و دانشجو مراعات تعادل و پرهیز از راستگرایی و چپگرایی است. چه بسا دیده می‌شود یك استاد با اینکه در گذشته دارای انحراف جزئی و یا گناه و لغزش مختصر بوده ولی اکنون که انقلاب پیروز شده متوجه اشتباه خودگشته و واقعاً می‌خواهد خدمت کند و

۲۲. *اطلاعات*، ۱۳۶۳/۱۰/۵.

حتی گذشتهٔ خود را جبران نماید. در این صورت ما نباید سختگیر باشیم و مزاحم او شویم. باید به چنین افرادی مجال خدمت به کشور و انقلاب داده شود. ولی اگر باز می‌بینیم فردی در کلاس و یا جاهای دیگر، از هر فرصتی برای تبلیغ افکار غیراسلامی خود استفاده می‌کند و در حقیقت هنوز در خط انقلاب قرار نگرفته، در این صورت باید عذر او خواسته شود. البته باید در کارها و پستهای کلیدی و مهم دانشگاهها مانند ریاست و معاونت دقت بیشتری شود و سوابق فکری و عملی افراد بررسی و ملاحظه گردد. ولی در پستهای معمولی مانند تدریس رشته‌های علمی و تخصصی و سایر شئون اداری دانشگاهی اگر افراد فعلاً توطئه ندارند و واقعاً می‌خواهند تدریس رشته‌های علمی خود را بنمایند و به کشور خدمت کنند باید از چنین افرادی استفاده شود و کسی حق ندارد مزاحم آنها گردد و یا در وضع شخصی و یا داخل زندگی خصوصی آنان تجسس نماید.» - ۱۳۶۲/۳/۱.

رؤسای دانشکده‌های دانشگاه تهران به اتفاق حجة الاسلام محفوظی نمایندهٔ حضرت آیةالله العظمی منتظری در این دانشگاه روز جمعه ۱۳۶۲/۸/۷ در قم با حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار و پیرامون رشته‌های مختلف دانشکده‌ها و به خصوص تنظیم دروس معارف اسلامی با ایشان گفت و گو کردند.

در این دیدار حضرت آیةالله العظمی منتظری پس از تقدیر و تشکر از خدمات آنان به مقایسهٔ ارزش انسان از نظر اسلام با مکتبهای مادی والحادی پرداختند و اظهار داشتند:

«آقایان به خوبی می‌دانند اسلام برخلاف مکتبهای مادی و الحادی شرق و غرب که اساس سعادت انسان را بر مادیات خیال کرده‌اند، فرهنگ و اعتقادات و روحیات انسان را زیربنای سعادت و کمال انسان و جامعه می‌داند. در مکتبهای مادی، انسان تا حد یك حیوان تنزل داده شده و کمال او به شکم و اشباع غرایز حیوانی و تنظیم امور اقتصادی او مربوط شده است. در حالی که اسلام به این امور مادی به چشم وسیله نگاه می‌کند، نه هدف، و در تعلیمات خود ترتیبی داده که این امور در مسیر تکامل انسانیت انسانها به کار گرفته شود و این مسیر همان پرورش روح و فرهنگ و عقاید انسانها می‌باشد. از این‌رو آقایان به اهمیت مسئولیت خود و بزرگی کارشان توجه نمایند و بدانند که آیندهٔ کشور و افرادی که مدیر کشور و انقلاب درآینده خواهند بود زیردست شما باید تربیت شوند.»

آنگاه آیةالله العظمی منتظری به مقایسهٔ حقوقهای گزاف بعضی ازوابستگان به رژیم گذشته با حقوقهای ناچیز افراد خدمت گزار در شرایطی فعلی پرداختند و گفتند:

همه می‌دانیم آقایان نه حقوق قابل توجهی دارند و نه زندگی آنچنانی، آن طور که در رژیم گذشته عده‌ای از بیت‌المال هر چه می‌توانستند با تملق و چاپلوسی دزدی می‌کردند. بنابراین سعی کنید قصدتان خالص و خدمتتان برای رضای خدا و پیشرفت کشور و مردم خود باشد تا برطبق فرمودهٔ پیامبر اکرم ص که فرمودند احب الناس الی الله انفعهم للناس» محبوب ترین و نزدیك‌ترین مردم به خدای متعال باشید.»

سپس آیةالله العظمی منتظری در رابطه با برخورد افراد افراطی و تندرو در دانشگاهها اظهار داشتند:

«اگر چه این برادران عزیز سوء نیتی ندارند و می‌خواهند به انقلاب خدمت کنند ولی باید توجه کنند که بسیاری از این سختگیریها به ضرر اسلام و انقلاب تمام می‌شود و آنها با این برخوردهای تند عدهٔ زیادی از متخصصین را که علاقه مند به کشورشان می‌باشند و فعلاً می‌خواهند خدمت کنند ناراضی می‌کنند و خدای ناکرده آنان را به سمت ضد انقلاب می‌کشانند. من کراراً گفته‌ام حساب افراد توطئه‌گر جداست ولی اگر استاد یا دانشجو و یا کارمندی درگذشتهٔ دور یا نزدیك کاری یا نظری برخلاف اسلام داشته و امروز متنبه شده و احساس شد که فعلاً قصد درس خواندن و تدریس و خدمت دارد، هرگز نباید مزاحم این گونه افراد شد. و این جانب توسط جناب حجة الاسلام آقای محمدی گیلانی مراتب را به مسئولین دادستانی پیغام داده‌ام و تأکید کرده‌ام به مجرد داشتن سابقه‌ای مزاحم افراد نشوند و به آنان مجال خدمت بدهند. ولی اگر احیاناً در اثنای کار شواهدی به دست آمد که فلان شخص می‌خواهد به جای تدریس علوم مربوط به دانشگاه مثلاً توطئه کند و یا تبلیغات الحادی و ضد اسلامی در کلاس و یا محوطهٔ دانشگاه انجام دهد، در این صورت باید طبق قوانین به شکل منطقی عذر او خواسته شود.»

آیة‌الله العظمی منتظری در خاتمهٔ سخنان خود ضمن دعا برای موفقیت اساتید و مسئولین دانشگاهها از آنان خواستند تا «با جدیت و عشق و علاقه در بالا بردن بنیهٔ علمی کشور تلاش و جهاد کنند تا انشاءالله تعالی به زودی کشور از نظر علمی و تکنیك مستقل و خودکفا گردد. در غیر این صورت صرف شعار دادن چندان مفهوم و محتوا ندارد و شاید هم دیگران به ما بخندند. باید کاری کرد که کشورمان از تمام جهات روی پای خود بایستد و از شرق و غرب و اقمار آنها بی‌نیاز گردد و آقایان می‌دانند که ملت ما به خاطر دوری از قطبین و اعتدال آب و هوای زندگیشان از نظر هوش و استعداد از اروپاییان و امریکاییها به مراتب قوی‌ترند و این معنا بستگی به همت و تلاش اساتید دانشگاهها و مسئولین آموزش و ستاد انقلاب فرهنگی کشور دارد.» - ۱۳۶۲/۸/۷.

«من کراراً گفته‌ام گر چه بعضی از برادران سوء نیتی ندارند، ولی باید توجه کنند که ما امروز کمبود نیرو داریم. نباید به بعضی از مسائل گذشتهٔ افرادی که فعلاً نادم هستند و می‌خواهند خدمت نمایند توجه کرد و آنها را علم نمود. اگر استاد یا دانشجو و یا کارمندی درگذشته اشتباه و یا انحرافی داشته و مثلاً به خیال این که رژیم شاه همیشگی است بعضی کارها را انجام داده، ولی اکنون باور کرده که انقلاب شده و می‌خواهد واقعاً به کشورش خدمت کند و آثار توطئه یا تبلیغ علیه اسلام و انقلاب از او دیده نمی‌شود، نباید او را طرد کرد. باید از تخصص و علم و تجربه‌شان به نفع کشور و انقلاب اسلامی استفاده نمود.

شما ملاحظه کنید پیامبر اسلام در بدو بعثت و پیروزی اسلام به خاطر نیاز و کمبودی که وجود داشت چگونه از افرادی که حتی سوابق فساد و انحراف داشتند ولی تسلیم اسلام و مسلمانان شده بودند بهره برداری می‌کرد و مثلاً آنها را به تعلیم خط و دانش به مسلمانان وا می‌داشت.» - ۱۳۶۲/۸/۱۳.

«من این واقعیت را زیاد گفته‌ام. در کارها و پذیرشها از افراط و تفریط کاملاً پرهیز شود. در پذیرشها همان گونه که بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی درست نیست، وقت‌گیری زیاد و ور رفتن به سابقهٔ افراد که چی

بوده و کجا رفته و با مثلاً کتابی یا جزوه‌ای خوانده هم درست نیست. ما اگر تشخیص دادیم که این گونه افراد فعلاً تصمیم بردرس خواندن و خدمت کردن دارند و قصد توطئه و یا تبلیغ مسائل ضد انقلابی در دانشگاهها و جاهای دیگر ندارند، باید به آنها مجال دهیم و دادستانها و مسئولین پذیرش هم باید به این معنا توجه کنند و عواقب سوء این سختگیریها را حساب کنند.

کسانی که به هر دلیل زندان بوده و فعلاً مشمول عفو شده و آزاد شده‌اند نباید از درس خواندن یا خدمت کردن در پستهای دیگر محروم شوند. البته پستهای حساس و کلیدی را نباید فعلاً به این گونه افراد که مشمول عفو شده‌اند داد ولی اگر کسی دکتر یا مهندس یا دانشجو و یا غیر آن بوده است و می‌خواهد به طور عادی خدمت و یا تدریس بکند و یا درس بخواند باید مسئولین محترم کشور به این گونه افراد امکانات و مجال آن را بدهند و گر نه اینها در جامعه به صورت عضوی فلج در خواهند آمد و مشکل دیگری بر مشکلات کشور افزوده خواهد شد.» - ۱۳۶۳/۷/۳.

اعضای جامعهٔ اسلامی دانشگاهیان به اتفاق آقای صمدی یزدی رئیس دانشگاه تهران و حجج اسلام احمدی و سیدمحسن موسوی تبریزی نمایندگان آیةالله العظمی منتظری در دانشگاههای پلی تکنیك و شهید بهشتی در قم با فقیه عالیقدر دیدار کردند و گزارشی از طرح مصوب ستاد انقلاب فرهنگی در مورد مدیریت دانشگاهها و نظرات خویش دربارهٔ این طرح را به اطلاع ایشان رساندند.

در این دیدار فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن تقدیر از آنان اظهار داشتند:

«آقایان قطعاً باید به اهمیت تربیت و آموزش جوانان عزیز برای ادارهٔ آیندهٔ انقلاب و کشور توجه داشته باشند. زیرا همین جوانانی که امروز در کلاسهای شما تربیت می‌شوند باید فردا یکی از مسئولیتهای کشور را در دست بگیرند. لذا به تمام ابعاد و ریزه‌کاریهای مربوط به تعلیم و تربیت کاملاً توجه شود و آقایان برنامه‌های درسی را با دقت مطالعه نمایند و مطالب درسها نباید ساده و سطحی باشد.»

ایشان در رابطه با وضع تحصیل درگذشته و حال فرمودند: «البته در سابق وضع آن طور بود که نه استاد و نه شاگرد در فکر با سواد شدن و رشد علمی و سیاسی نبودند و تلاش دانشجویان معمولاً در قبول شدن امتحان و گرفتن مدرك بود. ولی امروز که کشور به دست خودمان اداره می‌شود، استادان دانشگاهها باید شاگردان خود را واقعاً با سواد و با کفایت تربیت کنند و بنده هم همان طور که به برادران روحانی سفارش کرده‌ام، پیشنهاد می‌کنم اساتید دانشگاهها نیز برای تدریس هر درس دو مرتبه مطالعه کنند. یکی برای مواد اصلی درس و دیگری برای تنظیم آنها و ترتیب تفهیم آن به شاگردان.»

آیةالله العظمی منتظری در مورد رابطه و برخورد اساتید و شاگردان با یکدیگر تأکید کردند که «اسلام در مورد تواضع و فروتنی استاد نسبت شاگرد و شاگرد نسبت به استاد بسیار سفارش کرده است. همان طور که شاگردان باید احترام و شخصیت استاد را در نظر داشته باشند، استاد هم متقابلاً نباید شاگرد را تحقیر کند و باید به او شخصیت بدهد و اگر احیاناً تندی و بی‌انضباطی از او دید سعی کند با زبان پدری و ملایمت با او برخورد کند. چون استاد واقعاً به منزلهٔ پدر برای شاگردان خود می‌باشد و هیچ گاه انسان با

فرزند خود، هر چند ناسازگار باشد، با عصبانیت و تندی رفتار نمی‌کند.» - ۱۳۶۲/۸/۲۷

هیئت رئیسه و چند تن از اعضای جهاد دانشگاهی و رؤسای دانشکدههای دانشگاه کرمان به اتفاق حجة الاسلام احمدی نمایندهٔ فقیه عالیقدر آیةالله العظمی منتظری در این دانشگاه، در قم با ایشان دیدار کردند.

در این دیدار، آیةالله العظمی منتظری پس از دریافت گزارشی از کلاسهای معارف اسلامی دانشگاه، ضمن تقدیر و تشکر از مسئولان و دست‌اندرکاران برنامه‌های‌دانشگاه‌کرمان اظهارداشتند: «آقایان‌توجه دارند که باید همگی تلاش کنیم تا اینکه دانشگاهها بیش از پیش فعال شوند و از نیروهای علاقه‌مند به اسلام و کشور برای بالا بردن سطح علمی جوانان و رفتن به سمت خودکفایی استفاده نمود. و در این رابطه باید به افرادی که واقعاً می‌خواهند خدمت کنند مجال داده شود و نباید به روی بعضی سوابق و یا وضع داخلی آنان که فلان کار را کرده و یا با فلان کس تماس داشته سختگیری کرد... اگر این گونه افراد می‌خواهند به کشورشان خدمت کنند به مراتب بهتر از این است که ما از خارج کارشناس و مهندس استخدام کنیم. ولی در صورتی که کسی بخواهد افکار ضداسلامی را در ضمن تدریس القا کند یا خدای نکرده در دانشگاه توطئه نماید نباید به او مجال داده شود... در صورت مشاهدهٔ کجی و انحراف نباید آقایان روحانیون مستقیماً دخالت نمایند بلکه مراتب از طریق قانونی پیگیری شود و مسئولین مربوطه به تذکرات آنان توجه نمایند.»

فقیه عالیقدر در پایان در رابطه با برخورد با جوانان تند و افراطی یادآور شدند: «با این گونه افراد که احساسات پاك و تندی دارند صلاح نیست مسئولین در بیفتند. اینها بچه‌های خودمان هستند. انسان با فرزند خود هرگز در نمی‌افتد. بلکه باید با این گونه افراد با اخلاق و شرح صدر و عطوفت عمل نمود و آنها را قانع ساخت.» - ۱۳۶۲/۳/۱۹.

گروهی از رؤسای دانشگاههای کشور به اتفاق آیةالله محمدی گیلانی مسئول دفتر مرکزی نظارت بر نمایندگیهای آیةالله العظمی منتظری در دانشگاهها و مجتمعهای آموزش عالی جمعهٔ گذشته در قم با فقیه عالیقدر آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند. در این دیدار آیةالله العظمی منتظری ضمن ابلاغ سلام به اساتید، دانشجویان و کارمندان دانشگاهها گفتند: «بر خلاف مکتبهای مادی که اصالت را به مادیات می‌دهند، اسلام اصالت را به انسان می‌دهد و بیشترین ارزش را برای تعلیم و تعلم و خدمت به دانش عمومی و فرهنگ اسلامی قائل می‌شود. از پیامبر اکرم ص سؤال شد محبوب‌ترین مردم پیش خداکیست؟ فرمودند: آن که نفعش برای جامعه بیشتر باشد. لذا شما باید قصدتان را خدا کنید و از اشکال‌تراشیها و احیاناً ناهماهنگیها نهراسید و با اخلاق خوب که دستور *قرآن* است، اساتید و افراد لایق و خدمتگزار را که برای دانشگاهها مفید می‌باشند به هر نحو ممکن جذب کنید و اگر می‌خواهید از همان اول همهٔ اساتید انقلابی و زندان رفته باشند و هیچ خلاف شرع و اخلاقی را مرتکب نشده باشند انتخاب کنید و اساتید دیگر را نپذیرید، باید بسیاری از کلاسها در دانشگاهها تعطیل باشد و در این

صورت است که ما هیچ وقت خودکفا نخواهیم شد و دانشمندان متخصص مکتبی در دانشگاههای ما در رشته‌های گوناگون تربیت نخواهند شد و بیماران را نیز جهت معالجه باید به خارج اعزام نماییم... اگر استادی توطئه‌گر است یا کم کاری می‌کند که ضربه به انقلاب اسلامی بزند ما چنین استادی را نمی‌خواهیم ولی اگر استادی است که با علاقه درس می‌دهد و قصد توطئه ندارد او را بپذیرید.»

فقیه عالیقدر آیةالله العظمی منتظری در ادامهٔ سخنان خود ضمن ابلاغ سلام به دانشجویان و تأکید بر لزوم احترام به اساتید فرمودند. «من به طلاب حوزه نیز سفارش کرده‌ام که ما باید مبارزه بکنیم ولی درس هم باید بخوانیم و اگر افراد متعهد درس نخوانند و درس خواندن مخصوص افراد غیر مکتبی و غیرمتعهد باشد درآینده ما دانشمندان مؤمن و متعهد نخواهیم داشت. و افراد با سواد، یا ضد انقلاب و یا بی تفاوت خواهند بود... اگر امر دایر باشد بین نیاز به خارج یا استفاده از اساتید ایرانی که به کشورشان علاقه مند هستند، مسلم اینها مقدمند و باید از اینها چه در داخل و چه در خارج دعوت کرد که در چارچوب ضوابط و مقررات جمهوری اسلامی و به دور از تبلیغات سوء و افکار انحرافی بیایند و به فرهنگ کشورشان خدمت کنند و بیشترین تلاششان را در راه خودکفایی جمهوری اسلامی که امید همهٔ محرومان است صرف نمایند... سلام مرا به همهٔ اساتید و دانشمندان ایرانی که به ملت و کشورشان علاقه مندند برسانید و بگویید اگر آنها قصد خدمت دارند چه بهتر است که به جای تدریس و فعالیت در امریکا و اروپا و دیگر کشورها در کشورشان باشند و به فرهنگ کشورشان خدمت کنند و سعی نمایند خودشان را با اسلام و جمهوری اسلامی که بیشترین ارزش را به انسانهای مؤمن و خدمتگزار می‌دهد منطبق نمایند و مسئولین محترم نیز سعی نمایند امکانات مورد نیاز ایشان را در دانشگاه و محیط کار و محیط زندگی فراهم نمایند... ما نباید هر کسی را با انگ و برچسب از محیط دانشگاه دور سازیم. به قول یکی از علمای بزرگ دشمن یك نفرش هم زیاد است و اگر ما امروز افرادی را که روزی گناهی مرتکب شده یا احیاناً انحرافی داشته و حتی زندان رفته و فعلاً توبه کرده و از سوابق و افکار و اعمال گذشتهٔ خود نادمند و راست هم می‌گویند جذب نکنیم، آنها منزوی می‌شوند و خدای ناکرده باردیگر جذب دشمن و افکا رانحرافی می‌شوند و ما در پیشگاه خدا مسئول خواهیم بود... البته این جهت نیز نباید فراموش شود که اساتید و دانشجویان باید محیط دانشگاه را مخصوص درس و محیطی آمیخته با فرهنگ اسلامی نمایند و از امتیازات جمهوری اسلامی سوء استفاده نکنند و به نحوی عمل نکنند که افراد حسن نیت‌دار و خدمتگزار به خودشان را پشیمان نمایند... حدود دو سال پیش ستاد محترم انقلاب فرهنگی از من خواست که افرادی از علما و فضلا را برای دانشگاهها انتخاب کنم و در بسیاری از دانشگاهها و دانشکدهها این کار صورت گرفت و جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای محمدی گیلانی نیز مسئولیت دفتر مرکزی نمایندگیها را به عهده گرفتند. انشاءالله که بین این آقایان و دانشگاهها و دیگر مسئولین هماهنگیهای لازم باشد که بتوانند با قصد قربت به فرهنگ کشور اسلامی خدمت نمایند و در پیشگاه خدا مأجور باشند.» - ۱۳۶۲/۶/۲۶.

مسئولان تحقیق و گزینش کنکور دانشگاههای سراسر کشور به اتفاق قائم مقام وزیر فرهنگ و آموزش عالی در قم با فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری دیدار کردند و گزارشی از کیفیت کار خود را

به اطلاع ایشان رساندند.

در این دیدار آیةالله العظمی منتظری پس از تقدیر از مسئولان تحقیق و گزینش با اشاره به اهمیت و حساسیت کار آنها اظهار داشتند: «از آنجا که کار آقایان مربوط به رد و یا قبولی دانشجویان می‌باشد این امر دایر بین حرام و واجب خواهد بود. زیرا رد افراد فاقد صلاحیت واجب و قبول آنان در گزینش دانشگاه حرام می‌باشد. از این رو تشخیص مرز بین حرام و واجب بسیار ظریف و حساس است. و باید کاملاً دقت شود مبادا واجب و حرام با یکدیگر عملاً مخلوط و اشتباه گردد...

من کراراً گفته‌ام ما باید اخلاق و شیوه‌مان بر جذب نیروهای لایق و با کفایت باشد نه دفع آنها. در امر گزینشها چه در دانشگاهها و چه در جاهای دیگر البته د غیر کارهای کلیدی و مهم نباید امور جزئی مربوط به گذشتهٔ افراد را بزرگ جلوه داد و مانع خدمت این گونه افراد شد. آقایان توجه کنند با رد یك فردی که لایق باشد با این شیوه‌ها چه بسا خانواده‌هایی به انقلاب بدبین شوند و این امر مرضی اسلام نخواهد بود.»

آیةالله العظمی منتظری در همین رابطه از مسئولان تحقیق در امر کنکور دانشگاه خواستند در این موضوع به هر نحو شده کار خود را با دادستانی انقلاب هماهنگ کنند و ترتیبی دهند تا دادستانی زمینهٔ خدمت را برای این گونه جوان که تشخیص داده شد فعلاً می‌خواهند درس بخوانند و گرایشاتی به گروهکهای ضد انقلاب ندارند فراهم نمایند.

آیةالله العظمی منتظری سپس به ضرورت تعطیل دانشگاهها در بدو انقلاب فرهنگی اشاره کردند و افزودند: «اگر گروه‌های ضدانقلاب دانشگاههای ما را تبدیل به سنگرهای نظامی و توطئه علیه انقلاب نکرده بودند و اجازهٔ درس خواندن و تدریس به جوانان را داده بودند هرگز در شروع انقلاب فرهنگی نیازی نبود دانشگاهها تعطیل شود. ولی همه دیدیم که گروهکها چه وضعی در کلاسهای دانشگاه به وجود آورده بودند. و امروز هم که بسیاری از دانشگاهها باز شده البته نباید فرصت ورود افراد وابسته به این گروهکهای داده شود؛ ولی متقابلاً هم نباید سختگیریهای خارج از رویه با برچسبهای مختلف معمول گردد به طوری که بسیاری از جوانان خدمتگزار و علاقه‌مند به اسلام و کشور از تحصیلات عالیه محروم شوند.» - ۱۳۶۲/۸/۱۶.

«خداوند به عدد مغزها فکر و اندیشه خلق کرده و نباید ما متوقع باشیم که فکر و دیدگاه همه یکسان باشد. البته معیار حق بودن اندیشه‌ها، مطابقت با *قرآن* و عترت و دستورات اسلام می‌باشد. کسانی که به این موضوع معتقد و متعهدند و نسبت به دستورات الهی تعبد دارند می‌توان با آنها کار کرد و در گزینشهای دانشگاه، چه در سطح استاد و یا دانشجو و کارمند، می‌توان به آنها خدمت داد. ولی اگر کسی بخواهد در دانشگاه توطئه کند و یا افکار ضد اسلامی خود را تبلیغ نماید نباید به چنین افرادی مجال داد. در رشته‌های علمی و تخصصی هم اگر استادی واقعاً می‌خواهد به کشور و انقلاب خدمت کند و از گذشتهٔ خود نادم است دیگر نباید نسبت به سوابق او که احیاناً با فلان کس رفیق بوده و یا فلان عکس را داشته است دقت و وسواس و یا خدای ناکرده افشاگری کنیم.» - ۱۳۶۲/۳/۱۸.

«یکی از مسائلی که به ما زیاد مراجعه می‌شود مسئلهٔ دادن و رساندن ارز به دانشجویانی است که در خارج به خاطر فعالیتهای انقلابی یا به زندان می‌رفتند و یا گرفتار مشکلات دیگری می‌شوند. گاهی شنیده می‌شود مثلاً ارز چند دانشجو که برای انقلاب به زندان رفته‌اند و چند روزی از درس خود عقب افتاده‌اند قطع شده است و یا برای ثبت نام مجدد و به کارگیری آن عده از دانشجویانی که به خاطر فعالیتهای انقلابی از کشور اخراج شده‌اند اشکال تراشی می‌شود و آنها یا از ادامهٔ تحصیل محروم می‌مانند و یا مواجه با مشکلات زیادی می‌شوند، در صورتی که قاعده‌اش این است که ما برای چنین افرادی که به خاطر انقلاب در خارج از کشور یا زندان رفته‌اند و یا محرومیتهایی دیده و سرانجام اخراج شده‌اند تسهیلات بیشتری فراهم نماییم. درست است که ما همیشه جوانان را به درس خواندن و ادامهٔ تحصیل تشویق می‌کنیم، ولی این معنا هم طبیعی است که آن کسانی که علاوه بر درس و مطالعه فعالیتهای انقلابی و اجتماعی دیگری در مسیر معرفی اسلام و انقلاب به دنیا دارند و در درسها نمرهٔ کمتری می‌آورند و بسا ممکن است در رشته‌ای عقب بیفتند نباید آنها را از مزایای معمولی دانشجویی محروم سازیم. در غیر این صورت تمام کارهای لازم زمین می‌ماند و کسی دیگر دنبال آنها نمی‌رود و نتیجه‌اش سرانجام به نفع ضدانقلاب خواهد بود.» ـ در دیدار با وزیر امور خارجه، ۱۳۶۲/۱۰/۲۶.

«از قول من به سایر برادران و خواهران متعهد دانشگاهی سلام برسانید و بگویید برخورد شما با افرادی که روزی در اثر جو خاص و ضعف تبلیغات ما فریب خورده بودند و مثلاً یك کتاب یا جزوه‌ای را خوانده بودند باید سازنده باشد. کاری نکنید که این گونه افراد را به دامن ضدانقلاب بیندازید. هیچ کس بالفطره فاسد و خبیث نیست. این محیط و جو تربیتی است که افراد را احیاناً فاسد می‌کند. بعضی سختگیریها ممکن است افراد را از اصل اسلام و انقلاب زده کند و آنان به کلی جذب ضدانقلاب شوند. ما امروز به نیروهای زیادی نیاز داریم. اگر در گذشته کسی عکسی مثلاً با این و آن داشت و امروز واقعاً شرمنده و نادم شده نباید او را طرد کنیم.» ـ ۱۳۶۲/۹/۷.

«اساتید دانشگاهها، شاگردپرور باشند و دروس خود را پر محتوا نمایند تا دانشجویان با سواد تربیت شوند. زیرا در اسلام برای عالم و دانشمند قدر و منزلت زیادی ذکر شده است. در حدیث چنین وارد شده است: یك عالم و دانشمندی که مردم از علمش بهره‌مند شوند از هفتاد هزار عابد بهتر است. مرحوم شیخ صدوق می‌فرماید: در شبهای قدر با اینکه عبادت و خواندن دعاهای وارده آنهمه ثواب و اجر دارد ولی اگر شب قدر را به مذاکره و بحث علمی گذراند بنا به گفتهٔ بزرگان دین ثواب و قدر و منزلتش پیش خداوند بیشتر و بهتر خواهد بود. انقلاب دو رو دارد. روی اول همان خراب کردن رژیم فاسد قبلی بود که در آن بُعد موفق شدیم. ولی روی دیگر آن ساختن و آباد کردن کشور است و این معنا نیاز به بالا بردن سطح فرهنگی و دانش و کسب تخصصهای لازم دارد و این وظیفه امروز به عهدهٔ دانشگاهیان و دانشجویان عزیز ما می‌باشد. اینها هستند که باید کشور را در آینده اداره کنند و تمام نیاز علمی و صنعتی آن را تأمین نمایند.» ـ ۱۳۶۲/۱۱/۲۳.

«ستاد انقلاب که به دستور رهبر انقلاب تشکیل شده اصلاً برای همین بوده که دانشگاهها اسلامی بشود. اگر قرار باشد که یك رئیس دانشگاه بگوید نخیر همین است استاد دانشگاه، یا مثلاً وزیر آموزش عالی بگوید نخیر همین است رئیس دانشگاه، می‌خواهید بخواهید، نمی‌خواهید نخواهید، این درست نیست. هم ستاد انقلاب فرهنگی، هم بچه‌های جهاد دانشگاهی، همهٔ اینها موظفند که سعی بکنند که دانشگاه، جریانش، جریان اسلامی باشد. و قهراً اگر استادی می‌خواهد بیاید مطالب انحرافی تدریس بکند باید پایش از دانشگاه بریده شود. البته این را من بارها تذکر داده‌ام به برادران که ما نیرو کم داریم. وقتی که نیرو کم داریم همهٔ اساتید ما نمی‌شود صددرصد مطابق ایده‌آل ما باشد. اشخاص هم در اسلام و انقلاب مراتب دارند. شما این جهت را از پیغمبر اکرم ص یاد بگیرید. پیغمبر اکرم ص اگر می‌خواست خاصه خرجی بکند کسی دورش نبود. افرادی که دور پیغمبر اکرم بودند درجات ایمانشان تفاوت داشت. ولی پیامبر اکرم حتی از بعضی عشایر، همین‌اندازه که ضداسلام رفتار نمی‌کردند و یك جاهایی کمك می‌کردند ولو اینکه مسلمان هم نشده بودند، از آنها هم کمك می‌گرفت. حالا در دانشگاه ما احتیاج داریم به اساتیدی که متخصص رشته‌های مختلف هستند. حالا فرض کنید که یك استادی است، ایرانی است، این به کشور علاقه دارد. سرکلاس هم که می‌آید همان رشتهٔ خودش را تدریس می‌کند. بسا هم می‌گوید نسبت به انقلاب ما اشتباه کردیم، باورمان نمی‌آمد که انقلاب به پیروزی برسد، لذا ما در میتینگها شرکت نمی‌کردیم، ولی ما بد کردیم، نه حالا انصافاً انقلابی شده، باید این انقلاب را حفظش کرد. حالا یك همچون استادی اگر فرض کنیم که سوابقش هم آن جور که مطابق میل ماست نیست، اما حالا تغییر روش داده، این را، بچه‌ها، طردش نکنند. ما نیرو کم داریم. در بسیاری از رشته‌ها متخصص کم داریم. این را اگر طردش کنید آن وقت مجبوریم برویم استادی از امریکا مثلاً بیاوریم که در عین حالی که تدریس می‌کند جاسوسی هم بکند. خوب، ما که بالاخره نمی‌توانیم دور کشورمان طناب بکشیم و بگوییم ما این علوم را نمی‌خواهیم. اسلام می‌گوید: الحمکة ضالة المؤمن، اینما وجدها اخذها. حالا این استادی که در این رشتهٔ پزشکی تخصص دارد و نظیرش را در کشور نداریم و می‌دانیم اگر هم بیاید سر کلاس جز رشتهٔ خودش چیزهای دیگر را تدریس نمی‌کند و چرت و پرت نمی‌گوید این را باید دعوتش بکنیم. در اینجا باید تقسیم قایل شد: کارهای کلیدی و اساسی را نباید به دست این افراد بدهیم. تصمیم گیری به دست این افراد نباشد، اما تدریس بیایند بکنند، باید از آن استفاده کرد. برای اینکه نیرو کم داریم. انشاءالله درآینده همین بچه‌ها درس می‌خوانند و متعهد هم هستند و درآینده در رشته‌های خوب و مورد نیاز متخصص می‌شوند و بعد آن استاد بازنشسته می‌شود و می‌رود کنار، مدرس بهتری جایش می‌آید.» ـ *اطلاعات*، ۱۳۶۲/٤/۸.

رهنمود به اعضای جهاد دانشگاهی

حضرت آیةالله منتظری در کنار رهنمودهایی که برای مسئولان دانشگاهها و وزارت فرهنگ و آموزش عالی داشته‌اند، رهنمودهایی نیز خطاب به برادران و خواهران جهاد دانشگاهی داشته‌اند که نمونه‌هایی از آنها را در اینجا نقل می‌کنیم:

«شما بچه‌های جهاد دانشگاهی هم در عین حالی که تا حالا زحمت کشیده‌اید و واقعاً کارهایتان مورد تقدیر هست، این جهت را توجه داشته باشید که هیچ وقت با رئیس و استاد دانشگاه برخورد خشونت‌آمیز نداشته باشید. اصلاً برخورد خشونت آمیز نتیجهٔ بر عکس می‌دهد. اگر هدف من و شما اصلاح است، نباید جوری رفتار کنیم که آن طرف خیال بکند که من می‌خواهم یك آدم خود محوری باشم و عقیدهٔ خودم را تحمیل بکنم. آن وقت اولج می‌کند و نتیجهٔ لج این است که من درگیر و او درگیر و کار، زمین می‌ماند بایستی با جلسه تشکیل دادن، با تذکر، با نصیحت، با تقاضا و این جور چیزها کمك کرد. اگر حرف شما را نشنید از طریق رفیقش به او حالی کنید که این اشتباه است و ما غرضی نداریم. همهٔ هدفمان این است که دانشگاه اداره بشود. بچه‌ها درس بخوانند و مسلمان هم بار بیایند. ما باید هدفی جز این نداشته باشیم. خلاصه جوری نباشد که حکایت از خود محوری ما باشد. ما بدنامیمان در رفته. همه جا می‌گویند حکومت، حکومت آخوندی است. بعد آنها خیال نکنند که ما آخوندها می‌خواهیم در دانشگاهها حکومت بکنیم و بگویند همه جا را گرفته‌اید، می‌خواهید دانشگاه را هم بگیرید. نه ما نمی‌خواهیم دانشگاه را بگیریم. ما خیر دانشگاه را می‌خواهیم مخلص رؤسای دانشگاهها و اساتید دانشگاهها و دانشجویان هم هستیم ما خط انحرافی را وظیفه‌مان می‌دانیم جلوش را بگیریم. وظیفهٔ دینیٰ ما هم هست، وظیفهٔ اسلامیمان هم هست. اگر ستاد انقلاب فرهنگی این معنا را فرض کنید به من محول نمی‌کرد معذالك من طلبه و همهٔ آقایان دیگر فضلا وظیفه داشتند، اگر خطوط انحرافی در کشور هست، جلو بگیرند. نه فقط آخوندها، همهٔ مسلمانان به اندازهٔ قدرتشان وظیفه دارند جلو خطوط انحرافی را بگیرند... شما کارتان، کار کوچکی نیست. ما امیدواریم انشاءالله اگر دانشگاههای ما دانشگاههای نمونهٔ اسلامی بشود و بتوانیم حالی بکنیم که می‌شود یك کسی متخصص بشود در یك علمی و در یك تکنیکی و در عین حال مسلمان هم باشد، آن وقت این الگو می‌شود برای همهٔ کشورهای اسلامی... اینجا البته آقایان تذکر داده‌اند نحوهٔ هماهنگی نمایندگان با جهاد دانشگاهی که چه جور هماهنگی داشته باشند. اگر قصد خالص خدا باشد، این دیگر خیلی بحث ندارد. در حقیقت جهاد دانشگاهی می‌شود به یك حساب بگویی بازوی اجرایی این آقایان باشد در آن هدفی که دارند. به عنوان بازویی اجرایی به عنوان کمك از آنها استفاده بکنند.» ـ *اطلاعات*، ۱۳۶۲/٤/۸.

به مناسبت ۱٦ مرداد ۱۳٦۳، چهارمین سالگرد تشکیل جهاد دانشگاهی، اعضای شوراهای جهادهای دانشگاهی سراسر کشور در تاریخ ۱۳٦۳/۵/۱۹ به حضور فقیه عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری رسیدند. در این ملاقات امید امام و امت چون همیشه رهنمودها و سخنان مهمی ایراد فرمودند که مشروح آن را از مجلهٔ *دانشگاه انقلاب*، شمارهٔ مورخ مهر ۱۳٦۳ نقل می‌کنیم.

«اعوذ بالله من الشیطان الرجیم. بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین. اولاً من از زحمات برادران و خواهران جهاد دانشگاهی در این مدت سه چهار سال تشکر می‌کنم که واقعاً این طور که من اطلاع دارم، اسم با مسمایی بوده است و جهاد کرده‌اند...

ما انسانها گاهی اوقات زود فراموش می‌کنیم. مثلاً فرض کنید آن وقتی که آن تانکها و مسلسلهای

شاه بود، چه کسانی جلو تانك و توپ و مسلسل می‌رفتند و جداً مبارزه می‌کردند؟ با این که پنج ـ شش سال بیشتر از انقلاب نگذشته، یك وقتی می‌بینی کسانی می‌آیند سوارکار می‌شوند و اصلاً فراموش می‌کنند آن نیروهایی را که آن وقت از خودگذشتگی داشتند و اگر فداکاری و گذشت آنها نبود انقلاب به پیروزی نمی‌رسید و این آقایانی که مثلاً حالا به وسیلهٔ انقلاب سرکار آمده‌اند، سرکار نبودند.

این یك واقعیت است. بعضی از ماها وقتی آمدیم سرکار و پستی گرفتیم یادمان می‌رود چه کسانی جلو مسلسلهای رژیم بودند، سینه‌هاشان جلو مسلسلها بود و در آن روزها با آن اختناق، اینها شرکت کردند و انقلاب را به پیروزی رساندند، و من آخوند، حالا یك کاره‌ای شده‌ام و می‌توانم حرفم را بزنم. گاهی اوقات خلاصه ما فراموش می‌کنیم...

این جهاد دانشگاهی هم همین طور است. اول دانشگاههای ما از صورت دانشگاه بیرون رفته بود. دانشگاه نبود که؛ سنگر گروهها بود. گروههای مختلف، چپی، منافق و... اینها برای اینکه بچه‌های مردم را به طرف خودشان جذب بکنند کارهای نظامی و کارهای سیاسی یادشان می‌دادند. مسئلهٔ علم و دانش، تکنیك و صنعت و این حرفها نبود. وضع دانشگاهها این جوری شده بود. آن وقت این نیروهایی که در آن شرایط با آن زحمت آمدند قیام کردند برای اینکه در عین حالی که انقلاب را حفظ می‌کنند، مسئلهٔ علم و صنعت، پیشرفت علم، و خودکفایی در علم و صنعت، این را هم مورد توجه قرار بدهند و کاری کنند که دانشگاههای ما از لحاظ علمی در سطح بالایی قرار بگیرد، استادهای خوب شناسایی بشوند، بچه‌هایی که می‌خواهند درس بخوانند تشویق بشوند، طرحهایی که در تمام شئون کشور مورد نیاز است در صنایع نظامی، کشاورزی و در قسمتهای دیگر، طرحهایی که ما تا آنها را نداشته باشیم با شعار کشورمان خودکفا نمی‌شود، واقعاً بایستی که برنامه‌های علمی داشته باشیم، برنامه‌های صنعتی داشته باشیم، آن وقت این بچه‌هایی که در آن شرایط با این زحمت، این وضع دانشگاهها را پایه‌گذاری کرده‌اند و خلاصه جهاد کردند و بعد، حالا که وضع دانشگاهها رو به راه شده است و کلاس درس و استادی هست و...، آن وقت دیگران این نیروها را فراموش کنند. در صورتی که این آقایان اگر چنانچه فلسفه خوانده باشند، در فلسفه می‌گویند همان طور که حدوث شیء علت می‌خواهد بقائش هم علت می‌خواهد. و اتفاقاً علت مبقیه از سنخ همین علت محدثه است. یعنی همان نیرویی که یك چیزی را به وجود می‌آورد، همان هم آن را ابقا می‌کند ـ از سنخ همان باید باشد. پس چنانچه یك انقلاب فرهنگی پیدا شد، (با حفظ اینکه دانشجوها و اساتید ما درك و آگاهی سیاسی داشته باشند، متدین باشند، علاقه به کشورشان داشته باشند، زحمت هم بکشند، در صنعت و تکنیك و علوم، و تمام علومی که مورد نیاز کشور است) این نیروهایی که این جهاد را پایه‌گذاری کردند و این انقلاب و تحول را در دانشگاه درست کردند، اگر همین نیروها به هم بخورند، امکان دارد دوباره وضع به هم بخورد، باز بشود همان آش و همان کاسه. بر حسب حکم عقل، موجودات عالم، غیر حق تعالی، حدوثاً و بقائاً احتیاج به علت دارند و علت مبقیهٔ شیء هم، همین علت محدثه است. باید علت محدثه را حفظش کرد تا اینکه آن معلول باقی بماند.

بنابراین نباید بعد از چهار سال، زحمات و فعالیتهای بچه‌های جهاد فراموش بشود. و همین طور ستاد

انقلاب فرهنگی. گاهی اوقات زمزمه می‌شود که جهاد دانشگاهی یا ستاد انقلاب فرهنگی از نظر قانونی به کجا وابسته است. جهاد به ستاد انقلاب فرهنگی وصل است و ستاد انقلاب فرهنگی هم به دستور رهبر انقلاب. اگر دستور رهبر انقلاب در کشور قانونی نباشد، پس اصلاً انقلاب قانونی نیست. پس برگردیم به عقب، سرجای اول. انقلاب، رهبر انقلاب داشته، و رهبر انقلاب فوق قانون است. اگر رهبر انقلاب برای حفظ انقلاب و برای حفظ دانشگاهها و محیطهای علمی، دستور دادند ستاد انقلاب فرهنگی برقرار بشود، مصوبات آن هم قانونیت دارد، ارزش دارد، و بایستی حفظ بشود ـ اگر ما علاقه‌مند به انقلاب هستیم و علاقه مندیم به اینکه سطح دانشگاهها طوری باشد که بتوانیم از آن به نفع انقلاب و کشور استفاده کنیم.

پس من ضمن اینکه تشکر می‌کنم از زحمات اساتید، دانشجویان، برادران و خواهران ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی (که یکی از ارگانهایی است که به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی درست شده و زحماتشان را مورد توجه قرار می‌دهیم) یادمان نمی‌رود و انشاءالله فراموشکار نیستیم و ملت هم نباید فراموشکار باشد.

تذکراتی هم به شما برادران و خواهران عرض می‌کنم و آن اینکه انسان در تمام کارهایش ـ چه اخلاقیات و چه کارها و برخوردها ـ باید از افراط و تفریط پرهیز کند. حضرت علی ع راجع به پیغمبر اکرم ص در *نهج‌البلاغه* می‌فرماید امر بالقصد، پیغمبر اکرم از طرف خدا دستو رداده به قصد. قصد یعنی میانه‌روی. یعنی اعتدال. بسیاری از مصیبتها و گرفتاریهایی که ما داریم در اثر افراط و تفریط است. مثلاً فرض بگیریم در اول انقلاب چون انقلاب شده بود (آن دولت را حالا نمی‌گویم سوء نیت داشتند، حسن نیت هم داشتند، توجه نداشتند، معصوم نبودند) جلوش را شل کردند، رها کردند، همهٔ گروههای چپی، راستی، التقاطی، همه منشأ کار شدند و دانشگاهها را اشغال کردند. بعضیها به همین منافقین پست دادند بروند پادگانها را خلع سلاح بکنند و یا یك نفر کمونیست هفت جوش را استاندار کردستان قرار دادند و او هم تمام امکانات را به دموکرات و کومله و اصلاً به همه داد و دموکراتها و کومله هم تمام کوهها را سنگربندی کردند و این آقای استاندار امکانات در اختیارشان قرار می‌داد. آزادی این جوری، چنان آزاد که هر کسی خدا را قبول دارد و یا دشمن خداست و دشمن کشور است خود مختاری می‌خواهد، خلاف استقلال کشور حرف می‌زند، همه را بیابیم به کار بگیریم. اینها اشتباه بود، خیلی هم اشتباه بود. می‌دانید اینها چه قدر امکانات را در کردستان در اختیار دموکراتها و کومله گذاشتند؟ حالا ما باید وجب به وجب بچه‌هامان را به شهادت بدهیم برای اینکه آن جاها را وجب به وجب بگیریم. این خیلی فاجعه است. من طلبه هم این را می‌فهمیدم. ولی نمی‌دانم چطور بود، یك جوی بود. من یادم است در زمان مجلس خبرگان که ما در تهران بودیم، امام دستور داده بودند به من که در شورای انقلاب شرکت بکنم. من حاضر نبودم عضوش بشوم. گرفتاری هم داشتم. ولی فرمودند هر طوری می‌توانی شرکت کن. یادم دست یك شبی هیئت حسن نیت که رفته بودند کردستان و برگشته بودند گفتند آنها گفته‌اند که بایستی سپاه و ارتش هر دو از کردستان بروند و آقای مثلاً عزالدین و حضرات کی! مثلاً بیایند برای اینکه تفاهم بشود». من طلبه گفتم اگر بنا باشد در کردستان نه سپاه باشد و نه ارتش و ما

نیرو نداشته باشیم، پس اصلاً کردستان مال ما نیست. یعنی کردستان را از دست بدهیم برای تفاهم، برای حسن نیت. آخر این چه حسن نیتی است؟ این سوء نیت هم نیست، من نمی‌گویم سوء نیت داشتند، اما خوب، باید بفهمند که ملاك قدرت مرکز، ارتش و سپاهش است. اگر بنا باشد که ارتش و سپاه از کردستان بروند، یعنی کردستان «نه». آن وقت هم ما در نماز جمعه داد و قال کردیم. در نماز جمعهٔ تهران یك اسمی بردیم، داد و اعتراض بلند شد که آقا چرا اسم بردید. خوب من فهمیدم توطئه بود. کار غلطی بود.

خلاصه، یك وقتی، این قدر رها می‌کنید دموکرات و کومله و التقاطی و کمونیست و چپی را، و آن را استاندار می‌کنید، و آن را فرماندارش می‌کنید، آن یکی را پادگان می‌دهید برود خلع سلاح کند و... آزاد آزاد! همه پرچم داشتند، حزب داشتند، خانهٔ تیمی داشتند و... با این جور آزادی پیدا است که نمی‌شود کشور را اداره کرد.

از آن طرف هم مته به خشخاش گذاشتن غلط است. اینکه اول آن طورها کنیم که دانشگاههای ما همه‌اش بشود سنگر گروهها، این خیلی غلط است. این هم که بیاییم مته به خشخاش بگذاریم به عنوان عکس‌العمل غلط است. این عکس‌العملهایی که گاهی دیده می‌شود، غلط است. آدم عاقل باید عکس العملش هم در اختیار خودش باشد. تحت تأثیر احساسات غلط واقع نشود. عاقلانه کار کند. این که ما بیاییم بگوییم حالا دانشگاه در اختیار ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی است، هر استاد و هر دانشجو که یك وقت اشتباه کرده، یك اعلامیه خوانده و او حالا بیاید بگوید که «من توبه کردم و اشتباه کردم، شرایط آن وقت آن طور بود و تعهد می‌دهم، چهار سال من درس خواندم، بگذارید بیایم دو سال دیگر هم درس بخوانم، توی این کشور بتوانم خدمت کنم» ما بیاییم بگوییم نه، چون تو یك اعلامیه خوانده‌ای، جزء این گروهی. خیلی از این مسئولان بزرگ هم از این گروهها حمایت می‌کردند. من یادم هست ـ از روی نادانی ـ در زندان، یا پیش از آن، از آنها حمایت می‌کردند. خوب اشتباه می‌کردند. شناخت نداشتند. معصوم که نیستیم. آن وقت این بچه‌هایی که معصوم بودند (بعضی از آنها واقعاً در دبیرستان یا دانشگاهها بر اثر اینکه احساساتی بودند، گولشان زدند، و بردند اسم آنها را نوشتند) ـ تو را در دانشگاه راه نمی‌دهیم، برای اینکه یك روزی گروهها توی دانشگاه مفسده کردند و دانشگاه را سنگر نظامی کرده بودند، دیگر حالا تو نباید بیایی دانشگاه درس بخوانی! می‌دانید چه قدر ضرر دارد؟ اگر دانشجو باشد برایش عقده می‌شود. عقده که شد، قوم و خویشها همه ناراحت می‌شوند و می‌روند همدیگر را پیدا می‌کنند و مرتب ضدانقلاب برای کشور درست می‌شود. با این تنگ نظری، ما یك وقت چشم باز می‌کنیم و می‌بینیم بسیاری از استادها و دانشجوها به ضدانقلاب وابسته شده‌اند، و شده‌اند مخالف. این به خاطر تنگ نظری ماست. بله، یك وقتی یك استاد یا دانشجو به نظر می‌آید که می‌خواهد بیاید در دانشگاه و کارهای سابق را بکند و مطمئن هستیم که این طور خواهد شد، اما یك استاد که یك وقتی با کسی عکسی داشته و یا یك لغزش شخصی داشته، ولی الآن می‌بینیم تعهد هم می‌دهد، باز هم می‌گوییم نه! متخصص یك قسمت است که بیاید درس بدهد، باید بگویی ما ممنون هستیم و مخلص شما هستیم، بیایید درس بدهید. اگر هم دانشجو باشد، دادستانی حق ندارد بیاید بگوید این درس بخواند

یا نخواند. مگر درس خواندن انحصاری است؟ اگر دادستانی تشخیص می‌دهد که این خود الآن مفسد است بیاید زندانش کند. اگر نه، این حالا عوض شده، خودش می‌گوید توبه کردم، یکی هم می‌آید ضمانتش را می‌کند. این را باید گذاشت بیاید درس بخواند. این طور افراد را بپذیرید. افراد بی‌تفاوت را هم بپذیرید. سعهٔ نظر داشته باشید. مخصوصاً مسئولین بزرگ خیلی باید سعهٔ نظر داشته باشند. آلة الریاسة سعةالصدر. همهٔ مردم یك جور فکر نمی‌کنند. همهٔ مردم برداشتشان و نحوهٔ درکشان یك جور نیست. اگر بنا باشد هر کسی بخواهد فقط همان کسانی را که به قول خودش، مثل خودش حزب اللهی فکر می‌کند فقط آنها را راه بدهد، پس باقی همه دشمن هستند!؟

یکی از بزرگان می‌فرماید دوست هزارتاش کم است، دشمن یکی هم زیاد است. ما نباید برای کشور و اسلام دشمن درست بکنیم. مخصوصاً ما که در علم و صنعت به متخصصین نیاز داریم و متخصصین به مقدار نیاز کم داریم، از فکر اشخاص می‌توانیم استفاده کنیم. حالا وقتی به طور قطع یك استاد ایرانی که می‌دانیم این دیگر نمی‌خواهد بیاید در دانشگاه مارکسیسم را تبلیغ کند، می‌خواهد بیاید درس بدهد، اگر بچه‌های ما پیش این درس بخوانند بهتر است تا بروند مثلاً بوستون پیش اساتید امریکایی یا فرضاً بروند در آلمان پیش اساتید آلمانی درس بخوانند. یعنی این استاد امریکایی و آلمانی ضررش برای کشور ما کمتر از آن استادی است که تشخیص دادیم که نمی‌خواهد تبلیغات مارکسیست ـ لنینیستی بکند، ولی تخصص دارد در یك رشته‌ای!؟ بالاخره هر چه هست، ایرانی است. ممکن است اگر چنانچه با او گرم گرفتید و توهین نکردیم، بلکه شخصیت دادیم، آن استاد هم درس خواهد داد. باید به او شخصیت بدهید، دعوتش بکنید و تقاضا کنید که چون مثلاً در این رشته تنها شما تخصص دارید، برای خودکفایی کشور، یك درس بدهید. این فرد بسا احساس کند که دانشگاه به او اهمیت داده است، و او قهراً می‌آید و همکاری می‌کند. به سایر خواهران و برادران هم بگویید که هم افراط بداست و هم تفریط، نه این جور که هر کس دلش بخواهد بیاید به دانشگاه، مارکسیست باشد یا منافق، ساواکی باشد یا ضد انقلاب... و نه هم این جور که شما چنان سخت بگیرید که اگر یك سابقهٔ جزئی داشته باشد، دادستانی دنبالش کند و بچه‌های جهاد هم دنبالش را بگیرند و بگویند افشاگری می‌کنیم. بعضی از افشاگریها اتفاقاً خلاف شرع است. چون اگر یك کسی که می‌خواهد بیاید تو «راه» ومابیاییم افشاگری کنیم و آبرویش را بریزیم و این هم ناچار بشود عقب بزند، این گناه است. برای اینکه کسی داشته می‌آمده پیش تو و تو طردش کرده‌ای. پیغمبر اکرم ص حتی از بعضی از اسرای یهودی استفاده می‌کردند و می‌گفتند اینها بیایند به مسلمانان درس بدهند و همین را سند آزادیشان قرار می‌دادند و فدیه‌شان هم این بود که بیایند به مسلمانان درس بدهند.

تا خط علمی دانشگاه را بالا نبریم خود کفا نخواهیم شد و اگر در علم و صنعت و تکنیك خود کفا نشویم، با شعار، کشور خودکفا نمی‌شود. بایستی کاری کرد تا سطح علمی دانشگاه بالا برود. و برای اینکه سطح علمی دانشگاه بالا برود، احتیاج به اساتید خوب دارد. بچه‌های خوش استعداد را باید جذب کرد. از روحیهٔ ابتکار و ذوق و استعدادشان باید استفاده کرد. آن علاقه دارد بیاید درس بخواند، جذبش کنید طرد نکنید. بلکه بالاتر، حتی فرض کنید یك کسانی در دوران مجلس شورای اسلامی سابق

انتخاب شده بودند، این دوره انتخاب نشدند، اما اینها یك کسانی هستند که چهار سال زحمت کشیدند، بعضی از آنها در یك قسمتهایی متخصص هستند، در کمیسیونهای مجلس می‌توانند از اینها استفاده کنند. چون حالا این آقا انتخاب نشده بگذاریم برود دنبال زندگیش، از حالش هم نپرسیم؟ نه. باید در کمیسیونهایی که الآن در مجلس تشکیل می‌شود افرادی که در مجلس دورهٔ قبل بودند و در یك رشته‌هایی تخصص داشتند و بالاخره چهار سال زحمت کشیدند اینها را به عنوان مشاور دعوت کنند و حقوقی هم بدهند. اصلاً آنها حقوق هم نمی‌خواهند. همین که اینها را دعوت کنند، تقاضا کنید که هفته‌ای دو روز، سه روز در رابطه با طرحهای کشاورزی، صنعتی، بازرگانی، بودجه و مسائلی که بالاخره احتیاج به افراد متخصص دارد به کمیسیونها بیایند و از آنها دعوت بشود، حتی خودشان بسا مجانی هم حاضر هستند بیایند خلاصه همه باید این کار را بکنند. در حوزهٔ علمیه هم بایستی کرد، در وزارتخانه‌ها باید این کار را کرد. این که هر کسی خودش را خلاصه محور و رأس حزب الله قرار بدهد و بگوید هر کس در خط من است، اینها را جذب می‌کنم و به دیگران انگ بچسبانم و همه را طرد کند، این کشور اداره نمی‌شود. بنابراین سعه نظر داشته باشید و از همهٔ نیروهایی که می‌شود برای تدریس، برای ادارهٔ وزارتخانه‌ها، برای کمیسیونهای مجلس، برای پیاده کردن طرحهای مورد نیاز استفاده کرد، استفاده کنید. این دستور اسلام است.

بنابراین، این نکته را توجه داشته باشید که حضرت در *نهج‌البلاغه* می‌فرمایند خدا پیغمبرش را امربالقصد (دستور داد میانه‌رو باش). در همهٔ کارها میانه‌روی باشد. نه افراط باشد نه تفریط. در مصرف هم همین طور. در تولید هم همین‌طور. افراط و تفریط غلط است. انسان اگر در مقابل افراد متکبر باشد و متفرعن، بداست. این که خودش را هم خیلی کوچك جلوه بدهد و همه بارگرده‌اش بشوند، این هم بداست. در تمام برخوردها و کارها بایستی همان حد وسط و اعتدال درکار باشد.

پس در دانشگاه این طور آزادی که «هر که را خواهی، گوبیا» غلط است. «مته به خشخاش گذاشتن» هم غلط است. گاهی هم بعضی از رفقا می‌گویند باید نیروها را جذب کرد و بعد می‌روند روی کسی که ضد علم و ضد دانشگاه است دست می‌گذارند و می‌گویند این را می‌خواهیم جذب کنیم. این را نمی‌شود جذب کرد. این بیاید هم، دانشگاه را به هم می‌زند. نه، آن را نمی‌خواهیم جذب کنیم. کسی را که فایده ندارد، من نمی‌گویم. خلاصه نه افراط باشد و نه تفریط. اما یك کسی را که می‌شود از علمش استفاده کرد، و می‌دانیم حاضر است بیاید درس بدهد، این را باید از علمش استفاده کرد. دانشجویان هم همین طور. سعی کنید بچه‌هایی را که بی‌تفاوت هستند یا تغییر پیدا کرده‌اند اینها را جذب کنید تا به دانشگاه راه پیدا کنند. خلاصه این را سفارش کنید و سعی کنید همیشه در دانشگاه با مدیریت دانشگاه و با ارگانهای دیگر همگام و همفکر باشید.

باز هم در خاتمه از زحمات چهار سالهٔ «جهاد دانشگاهی» به سهم خودم تشکر می‌کنم و امیدواریم همهٔ ارگانها این نیرو (جهاد دانشگاهی) را که اینهمه زحمت کشیده و واقعاً جهاد کرده و در بقای دانشگاهها به این نیرو نیاز داریم، یادشان نرود، فراموشکار نباشید.

خداوند انشاءالله به من و به همهٔ شما توفیق خدمت به اسلام و کشور عنایت بکند. خدایا به حق

محمد و آل محمد ص دلهای ما را به یکدیگر مهربان بفرما. خدایا شـر کفـار و اجـانب و دشـمنان و عمالشان را از کشورهای اسلامی برطرف بفرما. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

ط: دانشگاه امام صادق ع

علاقه و اشتیاقی که حضرت آیةالله العظمی منتظری به نشـر فـرهنگ اسـلامی از طـریق حمایت همه جانبه از دانشجو و طلبه و استاد نشان می‌دهند، در شعار خلاصه نشـده اسـت. بلکـه ایشـان از همان روزهای نخست پیروزی انقلاب اسلامی نسبت به ایجاد دانشگـاهی که بتواند تجلیگـاه وحـدت حـوزه و دانشگاه باشد، همت گمارده‌اند. ناگفته پیداست که این علاقه و همت، با پیروزی انقـلاب اسـلامی بروز نکرده است؛ چرا که اصولاً در بینش اسلامی حمایت از دانشـجو و دانشـمند و ارج نهـادن بر علم، جـزء رئوس برنامه‌های انسانی و اجتماعی است.

این رویهٔ پسندیده، چنان با زندگی فقیه عالیقدر عجین شده بود که دستگاه ضد اسلام شاه خـواست از این علاقه سوء استفاده کند و ایشان را فریب دهد ـ که خوشبختانه آگاهی، شجاعت و ژرف اندیشی این پیر مجاهد، توطئه‌ها را خنثی نمود.[۲۳]

در هر صـورت آیةالله منتظری پس از یك دورهٔ پانزده سـالهٔ رنج و تبعید و زندان به اجـرای نیات اسلامی خود در زمینهٔ ایجاد دانشگاه اسلامی، کمر همت بست.

حاصل این همت شایسته «جامعة الامام الصادق ع» است که در این بخش از کتاب، به طور خلاصه به چگونگی ایجاد، اساسنامه، خط‌مشی و فعالیتهای آن می‌پردازیم، تا خوانندگان گرامی با این دانشگـاه اسلامی که درآینده به صورت یکی از بزرگ‌ترین مراکز علمی در جهان اسلام در خـواهد آمد و همچنین با فعالیتهای مسئولان دلسوز آن، بیشتر آشنا شوند.

به منظور دستیابی به چگونگی تأسیس جامعةالامام الصادق ع با یکی از اعضـای هیئـت مؤسس این مرکز بزرگ علمی به نام حاج سیدرحیم خانیان گفـت و گویی داشـته‌ایم که خـلاصه‌ای از آن را نقـل می‌کنیم:

«چند سال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، یعنی در سالهای ٥٤ ـ ٥٥، عده‌ای از افراد مسلمان و معتقد به نهضت اسلامی که علاقه مند کمك به نهضت بودند، اطـلاع پیدا کردند که قـطعه زمینی در چهـار راه طالقانی ـ ولی عصر تهران (چهار راه پهلوی سابق) وجود دارد که یکی از بهترین زمینهای داخـل شـهر تهران است. و این زمین را ایادی فرقهٔ ضاله می‌خواهند بخرند ومرکزی بسازند به عنوان خانهٔ فرانسه، و از نظر تبلیغاتی و مادی به نفع خودشان استفاده کنند.

این افراد مؤمن دور هم جمع شدند که این زمین را بخـرند تا زیر نظر روحـانیت از آن به نفـع اسـلام بهره‌برداری شود.

۲۳. تفصیل ماجرا، در صفحه ۱۳٦ کتاب *فقیه عالیقدر*، جلد اول، تحت عنوان «توطئه تطمیع» آمده است.

اگر چه آن زمین قیمت کلانی داشت، اما چند نفر داوطلب شدند و تحت عنوان «شرکت ایران بیست» زمین را از سفارت افغانستان در تهران خریدند.

عده‌ای از این افراد که جرئت بیشتری داشتند به نام هیئت مدیرهٔ این شرکت اسم نوشتند و بنده هم به عنوان مدیر عامل آن تعیین شدم. قرار شد در این زمین مسجدی بنا شود و ساختمانهایی هم ساخته شود که درآمد آن در اختیار نهضت اسلامی قرار بگیرد.

به منظور بحث پیرامون چگونه ساختن بناهای این زمین جلسات متعددی تشکیل شد، اما دولت وقت پروانهٔ ساختمان نمی‌داد. در این گیرودار از طرف خواهر شاه ملعون تهدید شد که این زمین را به هر طریقی شده از دست ما بگیرد، اما به خاطر اینکه عمدهٔ سهام شرکت، سهام بدون اسم بود، آنها نتوانستند کلیهٔ سهامداران را جمع و زمین را از آنها بخرند. کم‌کم جریانهای انقلاب شروع و به ماه مبارك رمضان رسیدیم و شب نوزدهم ماه رمضان (در سال ۱۳۵۷ ش) آقای سیدعلی اندرزگو توسط مأموران ساواك شهید شد و من به دلیل رابطه‌ای که با آن شهید داشتم دستگیر شدم. پس از مدتها که در اوین بودیم، ما را به بند یك این زندان آوردند که حضرت آیةالله العظمی منتظری و عده‌ای از روحانیون مبارز در این بند زندانی بودند.

در زندان که بودیم من جریان زمین و برنامه‌هایی که داشتیم را برای آیةالله منتظری تعریف کردم و ایشان گفتند من نظرم این است که وقتی انشاءالله از اینجا بیرون رفتیم، در این زمین یك مؤسسه‌ای برای علوم جدید و قدیم تأسیس کنیم.

این مسئله گذشت تا همهٔ زندانیان سیاسی آزاد شدند و انقلاب به پیروزی رسید و نظام جمهوری اسلامی به لطف خدا تشکیل گردید و آیةالله منتظری برای مجلس خبرگان به تهران آمدند. ما رفتیم پیش ایشان و گفتیم که زمین هنوز هست، با آن چه کنیم؟ ایشان فرمودند من همان نظر را دارم که باید در این زمین یك دانشگاه اسلامی تأسیس کنیم. ما گفتیم هر پیشنهاد و دستوری که بفرمایید عمل می‌کنیم. در همان مجلس آقای دکتر اسرافیلیان[۲۴] را هم به ما معرفی کردند و گفتند ایشان هم در این کار با شما همکاری می‌کنند.

بعد به اتفاق دکتر اسرافیلیان و چند نفر دیگر در جلسات متعدد نشستیم و مقدمات ایجاد جامةالامام الصادق را فراهم آوردیم ـ که به همین اسم به ثبت رسید و ریاست عالیهٔ آن را حضرت آیةالله العظمی منتظری عهده‌دار گردیدند.

پس از آن یازده نفر از شخصیتهای روحانی و علمی و بعضی از معتمدین با مشورت آیةالله منتظری به عنوان هیئت مؤسس جامعةالامام الصادق تعیین شدند، که اسامی آنها در اساسنامهٔ جامعه آمده است.

قرار شد که همین افراد مؤسس، هیئت امنا را تشکیل بدهند.

در این بین آقای محمد توسلی شهردار تهران در زمان دولت موقت، زمین را به عنوان پارکینك موقت شرکت واحد از ما گرفتند و بنا داشت که دیگر ندهد اما وقتی آقای نیك روش شهردار تهران شد با

۲۴. دکتر ابراهیم اسرافیلیان، استاد دانشگاه و نمایندهٔ مردم تهران در دومین دورهٔ مجلس شورای اسلامی.

توصیه‌های آیةالله العظمی منتظری زمین را تحویل دادند.[۲۵] نامهٔ آیةالله منتظری به شهردار وقت تهران بدین شرح است:

«بسمه تعالی، جناب مستطاب آقای نیك روش شهردار محترم تهران دامت توفیقه، پس از سلام، نامهٔ جنابعالی در مورد عودت زمین خیابان مصدق (ولی عصر فعلی) که به منظور احداث مرکز اسلامی از طرف مالکین آن به این جانب محول شده بود رسید. ضمن تشکر با توجه به تغییر محل جامعة الامام الصادق و موقعیت محل، مناسب است به وسیلهٔ افراد خیر و نیکوکار، زیرنظر هیئت تعیین شده، در زمین نامبرده علاوه بر مسجد، مرکزی برای تعلیم و نشر احکام دین مبین اسلام و آثار اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم اجمعین ساخته شده و زیر نظر افراد متدین و فعال اداره شود. اینك برای تحویل گرفتن زمین جناب مستطاب حجة الاسلام آقای شیخ محمدتقی رهبر معرفی می‌شوند. امید است بتوانند با هیئت تعیین شده همکاری و همفکری نمایند. موفقیت جناب عالی، ایشان و همهٔ مسلمین را در خدمت به اسلام از خدای بزرگ مسئلت می‌نمایم. قم. حسینعلی منتظری. ۱۳۶۰/۱/۲۹.»

شبی در یك جلسه که آیةالله منتظری، شهید بهشتی و شهید باهنر حضور داشتند و ما با چند نفر از دوستان هم در خدمتشان بودیم، شهید بهشتی فرمودند که این زمین برای دانشگاه مناسب نیست و قرار شد که یك ساختمان جدیدی تحویل بگیریم، که پس از بررسی، مکان فعلی دانشگاه امام صادق در بزرگراه شهید دکتر چمران تهران که قبل از انقلاب برای یك دانشگاه امریکایی مدیریت بنا شده بود، پیدا شد و دانشگاه امام صادق در آن محل فعالیتهای آموزشی خود را شروع کرد. بعد از آن آیةالله منتظری دستور دادند که در زمین چها رراه ولی عصر ـ طالقانی مجتمعی بسازیم که شامل ساختمانهای ادارات مرکزی جامعةالامام الصادق ع باشد، مسجدی هم که در خور نیاز محل باشد در آنجا بنا شود، یك سالن بزرگ هم برای برنامه‌های تبلیغی و برای اجتماعات مردم داشته باشد، چون برنامهٔ تبلیغی ماه رمضان چندین سال است که در این محل برگذار می‌شود.

همچنین ایشان در یك یاد داشت کتباً دستور فرمودند که مستغلاتی هم ساخته شو دکه جامعة الامام الصادق ع از نظر مالی خودکفا باشد، که طرح آن تهیه شد و مسئولین هم موافقت کرده‌اند که انشاءالله

۲۵. چگونگی تحویل دادن زمین این گونه گزارش شد: «در مراسمی که صبح دوشنبه به مناسبت ولادت با سعادت حضرت علی ابن ابیطالب ع در محل جامعة الامام الصادق ع برگذار شد این محل جهت احداث یك مجتمع مذهبی به نمایندهٔ آیةالله منتظری تحویل گردید. به گزارش خبرگزاری پارس در این مراسم که از طرف شرکت واحد اتوبوسرانی ترتیب یافته بود رئیس هیئت مدیرهٔ شرکت واحد اتوبوسرانی طی سخنانی گفت: این زمین قبل از انقلاب به وسیلهٔ عده‌ای از افراد مسلمان متعهد از سفارت افغانستان خریداری شد تا به صورت مجتمع بازرگانی درآید که البته از نظر حقوقی ترتیبی اتخاذ شده بود تا حکومت وقت نتواند این محل را از دست مالکین واقعی آن خارج سازد. وی افزود پس از ساقط شدن رژیم گذشته این زمین در اختیار آیةالله منتظری قرار گرفت و مقرر گردید تا در این محل دانشگاهی به نام امام صادق ع تأسیس شود. در این مراسم این محل برای احداث یك مجتمع مذهبی با نظر مالکین آن به حجة الاسلام رهبر نمایندهٔ آیةالله منتظری تحویل گردید.» ـ صبح *آزادگان*، ۱۳۶۰/۲/۲.

بسمه تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

حضرات هیئت امنای جامعه الامام الصادق علیه السلام

پس از سلام چون برنامه های درسی جامعه در مجمع جدید آن واقع در بزرگراه شهید چمران پیاده شده و برای تکمیل کلاسهای درسی مجمل آن واقع در خیابان لقائی نیازی نیست لازم است زمین مجاور بلوار شهید بهشتی علاقه مند قسمت بعدی از زمین آن بمقدار نیاز منطقه به مسجد و کتابخانه و لوازم و مرافق آنها و محلی برای دفتر جامعه اختصاص داده شود و بقیه بصورت ساختمان برای مستغلات جامعه در آید تا آن درآمد جامعه از نظر اقتصادی مورد تکیه شود امیدوارم در انجام این کار تسریع شود والسلام علیکم

ششم محرم ۱۴۰۳

به زودی ساختمان آن شروع می‌شود.

اما این که اهداف جامعه چیست به طور خلاصه در اساسنامه آمده است.

نکتهٔ دیگر این که این مؤسسه انشاءالله به صورت خودکفا اداره می‌شود که بدین منظور برنامه‌ریزی شده و به موفقیتهایی هم دست یافته است.

دانشگاه امام صادق ع که در واقع واحد آموزشی جامعة الامام الصادق می‌باشد به یاری خدا تمامی رشته‌های تحصیلی لازم را خواهد داشت ـ اعم از جدید و قدیم ـ اما تاکنون در سه رشته دانشجو گرفته است: اقتصاد اسلامی، حقوق سیاسی اسلام، و تربیت مبلغ.

در نظر است که جامعهٔ امام صادق موقعیتی را در دنیای اسلام پیدا بکند که علاوه بر برنامه‌های آموزشی، از لحاظ اطلاعات و تحقیقات بتواند برای کلیهٔ مسلمانان جهان مفید باشد.

دوره‌های دانشگاه هفت سال است که چهار سال اول دورهٔ عمومی است و در این چهار سال دانشجویان به صورت شبانه‌روزی در دانشگاه خواهند بود که برای این افراد خوابگاه مناسب و رستوران مناسب تهیه شده است.

در این دانشگاه واحدی ایجاد شده است که متخصصین موجود کشور در صورت تمایل و نیاز می‌توانند اطلاعات اسلامی خودشان را افزایش دهند.

اکنون برنامه‌هایی در دست تهیه داریم که مثلاً اگر یك پزشك علاقه مند شد که معلومات اسلامی خودش را بالا ببرد بتواند در کلاسهای فشرده و کوتاه مدت این دانشگاه به تحصیل علوم اسلامی بپردازد.

از طرفی امکان دارد افرادی باشند که اطلاعات اسلامیشان در سطح بالایی است و تمایل پیدا می‌کنند که به صورت فشرده یك رشتهٔ تخصصی را فراگیرند. این دانشگاه برای این گونه افراد هم برنامه دارد که انشاءالله آغاز خواهد شد.

انجام امور خیریه هم جزء شرح وظایف جامعةالامام الصادق ع است ـ به خصوص که حضرت آیةالله منتظری نظر دارند که به منظور حمایت از ابداعات و اختراعات دانشمندان و محققین و کمك به آنها در جامعهٔ امام صادق، واحدی ایجاد گردد.»[٢٦]

در نیمهٔ شعبان ١٤٠٠ هجری قمری حضرت آیةالله العظمی منتظری اولین کلنگ این مجتمع بزرگ علوم اسلامی را به زمین زدند. به خبر زیر توجه فرمایید:

به مناسبت میلاد مسعود حضرت بقیة الله الاعظم امام زمان ع، حضرت آیةالله منتظری پس از ایراد سخنانی نخستین کلنگ جامعةالامام الصادق را به زمین زدند. حضرت آیةالله منتظری در آغاز این مراسم گفتند «همیشه به فکر بودم به نحوی بین حوزهٔ علمیه و دانشگاه ارتباطی برقرار شود تا بتوانند

٢٦. این مصاحبه در تاریخ ١٣٦٣/٤/٢٤ انجام گرفت.

تبادل علمی و فکری نموده همیشه در کنار هم نقش پیشبرد فرهنگ اسلام و رهبری جامعه را بر عهده گیرند. پس از پیشنهاد وحدت حوزهٔ علمیه و دانشگاه و استقبال دانشجویان و روحانیون محترم از آن و عنایتی که حضرت امام خمینی فرمودند به این فکر بودم که مرکزی نیز به این منظور تأسیس شود تا دانشجویان و روحانیون جهان اسلام بتوانند زیر نظر اساتید مؤمن و متعهد دانشگاهی و اساتید حوزههای علمیه به کسب علوم و معارف بپردازند. به همین منظور این زمین ایجاد شد و از این پس متعلق به امام صادق علیه السلام گردید و نام آن را جامعة الامام الصادق گذاشته، از مردم می‌خواهیم تا همت کرده در بنای آن شرکت نمایند.»

آیةالله منتظری افزودند: «همان گونه که انگلیس در هندوستان تلاش می‌کرد تا بین سنی و شیعه و حتی گروههای شیعه به عناوین گوناگون اختلاف اندازد تا بتواند به حیات استعماریش ادامه دهد، در ایران نیز ابر قدرتها توسط همین عمالشان این شیوه را به کار گرفتند. غافل از آن که ملت مسلمان ایران آگاه‌تر از این است که فریب این دغلبازیها را بخورند. ما از دانشجویان می‌خواهیم که این مرکز صرفاً متعلق به همهٔ مسلمین و آموزش معارف اسلام باشد و متعلق به گروه خاصی نباشد.».

چند روز پس از شروع بنای جامعة الامام الصادق ع، روزنامهٔ *اطلاعات* مصاحبه‌ای با حضرت آیةالله منتظری دربارهٔ این جامعه ترتیب داد که قسمتهای مربوط به جامعهٔ امام صادق ع را در این جا نقل می‌کنم:

«مجاهد عالیقدر حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن گفت و گو با خبرنگار *اطلاعات* دربارهٔ انگیزهٔ ایجاد جامعة الامام‌الصادق که اولین کلنگ ساختمان آن توسط خود ایشان به یمن میلاد مسعود حضرت قائم عج به زمین زده شد، در زمینهٔ نحوهٔ مدیریت و امور درسی آن توضیحاتی دادند که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. حضرت آیةالله منتظری دربارهٔ نام این دانشگاه گفت: نام جامعةالامام الصادق به چند دلیل برای این دانشگاه انتخاب شد که مهم‌ترین آن مقام والای امام صادق ع در علم و دانش و فضیلت است و ضمناً به همهٔ دنیا بفهمانیم که اسلام عرب و فارس ندارد، فرهنگ عربی مختص اعراب نیست، بلکه در ارتباط با فرهنگ اسلام است و همهٔ کشورهای اسلامی می‌توانند با این دانشگاه رابطه داشته باشند. تصمیم به ایجاد این دانشگاه خبر خلق الساعه‌ای نبود و از چند سال قبل فکر تأسیس چنین دانشگاهی در ایران بین علما و دانشمندان متعهد و مسئول وجود داشت. زمانی که موضوع تشکیل سمینار «روحانی و دانشگاهی» مطرح شد با در نظر گرفتن تکیه‌ای که امام روی آن داشتند فکر عنوان این دانشگاه به عنوان پایگاه دو قشر روحانی و دانشگاهی قوت گرفت و مقدمات کار فراهم شد. البته می‌دانید که انقلاب ایران حاصل مجاهدات همهٔ اقشار اعم از کارگر و کشاورز و ارتشی و بازاری و روحانی و غیره بود، اما در حقیقت دو قشر آگاه رهبری آن را به عهده داشتند: روحانی و دانشگاهی ـ همین دو قشری که رژیم گذشته می‌کوشید تا میان آنها تفرقه وجدایی ایجاد کند، زیرا که به اثرات عظیم وحدت این دو قشر در انهدام نظام فرسودهٔ خودآگاه بود. هیچ نباید تصور کنیم که ما انقلاب را به

نتیجه رسانده‌ایم. انقلاب ما انقلاب اسلامی است و باید زمینهٔ این انقلاب در همهٔ کشورها به وجود بیاید تا منتهی شود به ظهور حضرت ولی عصر عج و حکومت عدل جهانی. بنابراین دو قشری که نام برده شد باید برای چنین منظوری هماهنگ باشند و دانشگاه مذکور بر اساس این قصد ایجاد می‌گردد. در این باره این طور تصمیم گرفتیم که طلابی که در قم درس خوانده‌اند و احتیاج به فراگرفتن علوم دیگر مانند جامعه شناسی، روانشناسی، زبان و غیره دارند یا به عکس، دانشجویی که درسهای اصلی را خوانده و علوم اسلامی را نمی‌داند در این محل درکنار هم بنشینند به تکمیل معلومات خود بپردازند و هماهنگی کامل بین آنها ایجاد شود. باز هم به همین منظور بود که محل دانشگاه در نزدیکی دانشگاه تهران تعیین شد، محلی که حالا دیگر مال هیچ کس نیست و به امام صادق ع تعلق دارد.

عده‌ای خیال نکنند که با نام «جامعةالامام الصادق» می‌خواهیم جنگ شیعه و سنی راه بیندازیم. امام صادف ع امامی است که علمای با انصاف سنی برای ایشان احترام بسیار قائلند؛ زیر ائمهٔ اهل سنت، ابوحنیفه، محمدبن ادریس شافعی، احمد بن حنبل و مالك بن انس، یا بلاواسطه یا مع‌الواسطه، شاگردان امام صادق بوده‌اند ـ گر چه ما نظرمان این است که فقه جعفری به سنت پیامبر اکرم ص نزدیك‌تر است زیرا پیغمبر اکرم در حدیثی که متواتر شیعه وسنی است فرمود من از میان شما می‌روم و دو چیز نفیس بین شما باقی می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم را و اگر توسل به این دو کنید گمراه نخواهید شد. بنابراین از نظر پیغمبر اکرم همان طور که توسل به کتاب لازم است توسل به عترت پیغمبر هم لازم است و امام صادق ع عترت پیغمبر اکرم است. اما الآن مسئلهٔ اسلام مطرح است.

جامعةالامام الصادق جایی است که در آن مسئلهٔ اسلام مطرح می‌شود و برادران اهل سنت هم برای ما محترمند. می‌دانیم که گروهی می‌خواهند جنگ شیعه و سنی درست بکنند، چنان که در هندوستان انگلیسیها داشتند قشرهای مختلف را به جان هم می‌انداختند. هندوها را با مسلمانها، سنیها را با شیعه‌ها و... حتی مسائل مبتذلی را بین آنها مطرح می‌کردند. مثلاً این مسئله را طرح کردند که ذوالجناح حضرت امام حسین ع نر بوده یا ماده! و به این ترتیب مردم ساده دل را رو در روی یکدیگر قرار می‌دادند.

باید توجه داشته باشیم که دشمن بیدار است و می‌خواهد از طریق تفرقه‌افکنی به مقصود برسد. ولی بحمدالله ملت ما و خصوصاً جوانان ما به مسائل وقوف دارند و چه بسا جوانانی داریم که حاضرند جانشان را در راه اسلام فدا کنند. خلاصه آنکه مسئلهٔ اسلام مطرح است و اسلام به همهٔ مسلمین تعلق دارد.

از حضرت آیةالله منتظری سؤال شد: لطفاً نحوهٔ ارتباط خود را با دانشگاه جامعةالامام الصادق بیان بفرمایید و ضمناً آیا با برنامهٔ تعطیل دانشگاهها می‌توان گفت که ایجاد این جامعه نقطهٔ شروع کار دانشگاه اسلامی است؟ و برنامهٔ درسی آن چگونه خواهد بود؟

آیةالله منتظری گفت: دربارهٔ ارتباط من با دانشگاه مذکور بالاخره من یکی از مؤسسین این جامعه هستم، اما راجع به نحوهٔ مدیریت و امور درسی، نظم و ترتیبی داده می‌شود که هم با دانشگاه بخواند و هم با حوزهٔ علمیه... مثلاً یکی از اشکالاتی که ما در امور دانشگاهی داریم این است که دانشجو آزادی در انتخاب استاد ندارد و شاگرد دانشگاه باید نزد استاد معینی ولو آنکه خوب تدریس نکند باید درس

بخواند. در حوزهٔ علمیهٔ این طور نیست. شاگردان در انتخاب استاد آزادند و هر طلبه‌ای هر استادی را از نظر بیان و طرز تدریس بپسندد نزد او درس می‌خواند. آزادی در انتخاب استاد بسیار مهم است و از طرفی جهاتی هم باید در حوزهها باشد که هر سال افراد امتحان بدهند تا معلوم شود تا چه اندازه پیشرفت کرده‌اند. بنابراین کمالاتی در دانشگاه است و کمالاتی در حوزهها که باید اینها را با هم جمع کرد و به کار گرفت و انشاء الله به نحو احسن اداره خواهد شد.

سؤال شد: آیا جامعه در رابطه با وزارت آموزش عالی است یا مستقل و زمین دانشگاه فوق‌الذکر چگونه تأمین شده است؟

آیةالله منتظری در پاسخ گفت: نه، مستقل است. البته الآن دولت، دولت اسلامی است؛ ولی اگر دولت بخواهد از مسیر روحانیت و معنویت دور شود مربوط به دولت نخواهد بود. اما اجع به زمین دانشگاه الآن این زمین متعلق به امام صادق ع است. سابقاً به سفاآت افغانستان تعلق داشت. کارهای ساختمانی دانشگاه بستگی به بودجه و کار افراد متخصص دارد. حسابی به شمارهٔ ٦٦٦ در بانك ملی مفتوح شده که اشخاص می‌توانند کمکهای نقدی خود را به این شماره واریز کنند. افراد متخصص در امور ساختمانی هم می‌توانند مراجعه و به سهم خود کمك کنند و انشاء الله همهٔ کارهای آن رو به راه خواهد شد.

سؤال شد: برای تدریس چه استادانی در نظر گرفته می‌شوند؟

آیةالله العظمی منتظری در پاسخ گفت: این دانشگاه اگر در قم بود از جهتی بهتر بود اما یك استاد دانشگاه، ولو متعهد و مسئول، نمی‌تواند از تهران به قم و بالعکس رفت و آمد کند برای آنکه در روز یك ساعت درس بدهد. نظرمان این است که برای تدریس از وجود استادان مؤمن و متعهد و آنها که دلشان می‌خواهد به پیشرفت اسلام کمك کنند استفاده کنیم. و از علمای علوم اسلامی هم دعوت به همکاری خواهیم کرد.

خبرنگار پرسید: آیا برای دانشجویانی که وارد این دانشگاه می‌شوند از نظر ایدئولوژی محدودیتی وجود دارد یا نه؟ پاسخ داده شد: گفتم این دانشگاه، اسلامی است.» ـ *اطلاعات*، ١٣٥٩/٤/١٠.

اساسنامهٔ جامعة الامام الصادق علیه‌السلام

بسم الله الرحمن الرحیم.

با تأییدات خداوند متعال و تحت عنایات خاصهٔ حضرت بقیة الله الاعظم ارواحناله الفداء همزمان با استقرار کامل حکومت جمهوری اسلامی به رهبری داهیانهٔ بزرگ مرجع عالم تشیع و قائد اعظم انقلاب اسلامی حضرت آیةالله العظمی امام خمینی و به پیشنهاد فقیه عالیقدر حضرت آیةالله منتظری و با همت جمعی از علاقمه مندان به نشر معارف اسلامی و به منظور فراهم آوردن موجبات آموزش علوم و معارف اسلامی به دانشجویان دانشگاهها و داوطلبان واجد شرایط و بالا بردن سطح معلومات اسلامی آنان و فرهنگ عمومی جامعهٔ اسلامی و ترویج و تبلیغ مذهب جعفری و آموزش علوم مورد نیاز جامعهٔ اسلامی به طلاب علوم دینی و دیگر دانش پژوهان و برقراری ارتباط هرچه بیشتر فی ما بین حوزه‌های علمیه و

دانشگاهها مؤسسه‌ای به نام «جامعة الامام الصادق علیه السلام» طبق اصول و ضوابط مندرج در این اساسنامه به منظور اجرای اهداف فوق‌الذکر تشکیل می‌گردد:

فصل اول. کلّیات

مادهٔ ۱. نام: جامعة الامام الصادق علیه السلام که از این پس در این اساسنامه اختصاراً جامعه نامیده خواهد شد.

مادهٔ ۲. مرکز اصلی: مرکز اصلی جامعه تهران، تقاطع خیابان ولی عصر عج و طالقانی، ضلع شمالی غربی، پلاك...

تبصرهٔ ۱. در صورت لزوم، جامعه در داخل و خارج از کشور شعب یا نمایندگیهایی با تصمیم هیئت امنا و تایید ریاست عالیه تأسیس خواهد نمود.

تبصرهٔ ۲. در صورت تأسیس یا تشکیل شعب و یا نمایندگی جامعه در داخل یا خارج از کشور و یا به طور کلی در هر مورد که هیئت مدیره مصلحت بداند می‌تواند اختیارات خود را در مورد افتتاح یا انسداد حساب در بانکها و دیگر مؤسسات مالی و اقتصادی اعم از داخلی و یا خارجی و همچنین صدور چك و سفته و اوراق بهادار و اسناد تعهدآور و انعقاد و یا تنظیم قراردادها و غیره را کلاً و یا جزئاً به منصوبان مربوطه که مورد اعتماد وی باشند اعطا و یا صاحبان امضای مجاز را معرفی نماید.

مادهٔ ۳. مدت: مدت فعالیت جامعه از تاریخ ثبت و تأسیس نامحدود است.

مادهٔ ٤. موضوع: منظور از تشکیل جامعه انجام اموری است که ذیلا شرح داده می‌شود.

الف. تشکیل واحدهای آموزشی جهت تعلیم معارف اسلامی و علوم مورد نیاز مسلمین به طلاب علوم دینی و داوطلبان واجد شرایط

ب. تشکیل دوره‌های آموزشی جهت آموختن علوم و معارف اسلامی به آن دسته از فارغ‌التحصیلان یا دانشجویان واجد شرایط دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی و دیگر مراکز آموزشی کشور

ج. پذیرش دانشجویان مسلمان خارجی جهت آموزش فقه و علوم و معارف اسلامی به ویژه معارف اهل بیت علیهم السلام و فقه جعفری

د. ایجاد مراکز تحقیقاتی جهت آشنایی بیشتر با فرهنگ اسلامی و دستیابی به مدارك و متون اصیل اسلامی و شیعی

ه. ایجاد مرکز یا مراکز تبلیغاتی جهت شناساندن هرچه بیشتر مکتب اسلام خصوصاً فقه جعفری با استفاده از کلیهٔ امکانات و وسایل مختلف در داخل و خارج از کشور

و. تشکیل واحدهایی جهت تربیت مبلغ، مدرس، نویسنده، طبق موازین اسلامی و اعزام دانشجو و محقق و مبلغ به خارج و داخل کشور

ز. انجام هر نوع فعالیت انتشاراتی از قبیل روزنامه، مجله، سالنامه و کتب به زبانهای مختلف که با اهداف جامعه مطابقت داشته و به آن تحقق بخشد

ح. انجام امور خیریه و مساعدتهای مادی و معنوی در جهت پیشبرد اهداف جامعه به سایر مؤسسات

تبلیغاتی اسلامی در داخل و خارج از کشور

ط. فعالیتهای اقتصادی منطبق با موازین شرعی به منظور بسط و توسعه و حراست از اهداف جامعه از قبیل امور بازرگانی تولیدی، کشاورزی، خدماتی و غیره

ی. انجام هر نوع فعالیت دیگری که با موارد ذکرشده ارتباط مستقیم و یا غیرمستقیم داشته و با اهداف جامعه و نیات بنیان گذاران آن تطبیق نماید

ك. اعطای کمکهای مادی و معنوی به مخترعین و مکتشفین در مسیر اهداف جامعهٔ اسلامی.

تبصره. هدف و موضوع جامعه برای همیشه لایتغیر بوده و در هیچ وقت و زمانی نباید تغییر و تبدیلی در آن داده شود و هیچ فرد و مقامی حتی مؤسسین و جانشینان آنان حق تغییر آن را ندارد.

مادهٔ ٥. نوع: جامعه مؤسسه‌ای است عام‌المنفعه و غیرانتفاعی و درآمدهای آن منحصراً در جهت اهداف جامعه و برای پرداخت هزینه‌ها و پیشبرد و توسعهٔ فعالیتهای آن به مصرف خواهد رسید و چنانچه در هر سال مازادی داشته باشد در صورت لزوم هیئت مدیره می‌تواند با تأیید هیئت امنا و تصویب ریاست عالیه پس از کسر ذخیره‌های لازم صرف امور مؤسسات مشابه و یا هر نوع امور خیریهٔ دیگر نماید.

مادهٔ ٦. سرمایه: در حال حاضر سرمایهٔ جامعه مبلغ پانصدملیون ریال ارزش اسمی سهام شرکت ایران بیت سهامی خاص اهدایی شرکای شرکت مذکور مالك پلاك ٣٥٨٨ می‌باشد که به عنوان مرکز جامعه اختصاص داده شده است.

تبصرهٔ ١. کلیهٔ وجوه و اموال منقول و غیرمنقول که بعداً از طرف مؤسسین، هیئت امنا و هیئت مدیره و اشخاص نیکوکار و مؤسسات خیریه و به طور کلی اشخاص حقیقی و یا حقوقی دیگر برای تأمین اهداف جامعه به ترتیب و صورتی که به جامعه واگذار و منتقل گردد ملك طلق جامعه بوده و باید بر طبق مقررات این اساسنامه برای پیشرفت و اجرای مقاصد جامعه اختصاص داده شود.

تبصرهٔ ٢. اموال غیرمنقولی که به مؤسسه تعلق دارد الی الابد غیرقابل انتقال خواهند بود و فقط می‌توان از منافع و فواید آن به نفع جامعه استفاده کرد. در موارد استثنایی که تغییر یا تعویض و یا انتقال اموال مذکور به تأیید هیئت امنا ضروری باشد پس از تصویب ریاست عالیه به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

مادهٔ ٧. مؤسسین جامعه عبارتند از:

١. حسینعلی منتظری فرزند حاج علی دارندهٔ شناسنامهٔ شمارهٔ ٧٥٨٣ صادره از نجف‌آباد متولد ١٣٠١

٢. علی مشکینی فرزند علی دارندهٔ شناسنامهٔ شمارهٔ ٧٦ صادره از مشکین شهر متولد ١٣٠٠

٣. محمدرضا مهدوی کنی فرزند اسدالله دارندهٔ شناسنامهٔ شمارهٔ ٦٨ صادره از بخش ١٣ تهران متولد

٤. سیدعلی حسینی خامنه‌ای فرزند سیدجواد شمارهٔ شناسنامه ١١٧ صادره از مشهد متولد

٥. محمد امامی کاشانی فرزند ابوتراب دارندهٔ شناسنامهٔ ٢٨٩ صادره از کاشان متولد

٦. ابراهیم اسرافیلیانی فرزند غلامرضا دارندهٔ شناسنامهٔ شمارهٔ ٥٥٠ صادره از نجف‌آباد متولد

۷. حسن معینی فرزند علی دارندهٔ شناسنامهٔ شمارهٔ ٤١٣٩ صادره از نجف‌آباد متولد
۸. محمد علی نوید فرزند محمدباقر دارندهٔ شناسنامهٔ شمارهٔ ۳۲ صادره از بخش ۷ تهران متولد
۹. سید رحیم خانیان فرزند اسماعیل دارندهٔ شناسنامهٔ ۳۰۹ صادره از تهران متولد
۱۰. ابراهیم حاج امینی فرزند حسین دارندهٔ شناسنامهٔ شمارهٔ ۸۳٤۰ صادره از نجف‌آباد متولد ۱۳۰٤
۱۱. حسین نوری فرزند ابراهیم دارندهٔ شناسنامهٔ شمارهٔ ۲۸۱۱۹ صادره از همدان متولد ۱۳۰٤.

فصل دوم. ارکان جامعه و حدود وظایف و اختیارات آنها

مادهٔ ۸. جامعه دارای ٥ رکن است. رکن اول ریاست عالیه، رکن دوم هیئت امنا، رکن سوم هیئت مدیره، رکن چهارم رئیس دانشگاه و هیئت علمی، رکن پنجم گروهها و یا هیئتهایی که به منظور اداره و فعال نمودن هر یك از مواد پیش‌بینی شده در این اساسنامه از طرف هیئت مدیره تشکیل می‌گردد.

تبصره. نمودار تشکیلاتی و سازمان و شرح وظایف و آئین‌نامه‌ها و واحدهای مختلف جامعه به استثنای دانشگاه به پیشنهاد هیئت مدیره به تصویب هیئت امنا خواهد رسید.

رکن اول. ریاست عالیه

مادهٔ ۹. ریاست عالیه بالاترین مرجع جامعه بوده و فقیه عالیقدر حضرت آیةالله حسینعلی منتظری مادام العمر این سمت را عهده‌دار خواهند بود.

تبصرهٔ ۱. حضرت آیة الله منتظری شخص ذیصلاحی را برای تصدی مقام ریاست عالیه پس از خود تعیین خواهند نمود.

تبصرهٔ ۲. در دوره‌های بعدی هر ریاست عالیه موظف است در زمان حیات شخص ذیصلاحی را با تأیید ولی فقیه جامع‌الشرایط برای بعد از خود تعیین و به هیئت امنا معرفی نماید.

تبصرهٔ ۳. ریاست عالیه می‌تواند قسمتی از اختیارات خود را به بعضی از اعضای هیئت امنا تفویض نماید.

تبصرهٔ ٤. حداقل هر شش ماه باید جلسات هیئت امنا در حضور ریاست عالیه تشکیل گردد.

رکن دوم. هیئت امنا

مادهٔ ۱۱. بعد از ریاست عالیه هیئت امنا عالی‌ترین رکن جامعه است که مرکب از یازده نفر و دارای کلیهٔ اختیارات لازم جهت ادارهٔ امور جامعه بوده و حق تصمیم‌گیری در کلیهٔ موارد مربوط به جامعه را دارد. برخی از وظایف هیئت امنا به شرح زیر است:

الف. تعیین خط مشی کلی جامعه و پیشنهاد آن به ریاست عالیه برای تصویب

ب. نظارت بر اجرای تصمیمات متخذه و امور جاری جامعه

ج. تصویب تشکیلات و سازمان واحدهای جامعه و گروهها و یا هیئتها و گزارش آن به ریاست عالیه

جهت تأیید

د. تصویب بودجهٔ جداول حقوق و مزایای کارکنان

هـ . تعیین حسابرس مورد اعتماد

و. تصویب قراردادهای داخلی و خارجی با اشخاص حقوقی و حقیقی

ز. تصویب آئین‌نامه‌ها و تصویب مقررات اجرایی جامعه به جز امور مربوط به دانشگاه

ح. اظهار نظر در تصویب شرایطی که برای احراز صلاحیت تدریس و تحقیق و اعطای سمتها و مراتب آموزشی و تحقیقی در جامعه لازم است.

ط. تعیین اعضای هیئت مدیره و پیشنهاد آن به ریاست عالیه برای تصویب

ی. برکناری تمام یا بعضی از اعضای هیئت مدیره و رئیس دانشگاه با تأیید ریاست عالیه

ك. بررسی و تصویب ترازنامه و حساب درآمدها و هزینه‌های جامعه و تسلیم گزارشهای لازم به ریاست عالیه.

ل. انتخاب رئیس دانشگاه از بین افراد معرفی شده به وسیلهٔ هیئت مدیره و معرفی آن به ریاست عالیه و تصویب حدود وظایف و اختیارات وی.

م. تعیین شرایط پذیرش دانشجو

ن. بررسی و اتخاذ تصمیم در موردگزارشها، طرحها و پیشنهادهای رسیده از طرف هیئت مدیره و سایر ارکان جامعه

س. تصویب، قبول، یا رد هدایایی که به جامعه اهدا می‌گردد

ع. درخواست تعیین ریاست عالیه از ولی فقیه جامع الشرایط در صورتی که ریاست قبلی طبق شرایط مندرج در این اساسنامه جانشینی برای خود تعیین ننموده باشد.

ف. رسیدگی به صلاحیت افرادی که از طرف اعضای هیئت امنا جهت جانشینی معرفی می‌گردند.

تبصرهٔ ۱. هیئت امنا می‌تواند اختیارات و وظایف خود را کلاً یا بعضاً به دبیر هیئت امنا یا هیئت مدیره و یا رئیس دانشگاه به تناسب مسئولیت ایشان تفویض نماید.

تبصرهٔ ۲. هیئت امنا می‌تواند افراد مورد نیاز جامعه را جهت تصدی پستهای مختلف جامعه از بین اعضای خود و یا از خارج انتخاب نماید.

تبصرهٔ ۳. در صورت عدم معرفی رئیس دانشگاه از طرف هیئت مدیره، هیئت امنا در این مورد رأسا اقدام خواهد کرد.

مادهٔ ۱۲. هیئت مؤسس جامعه به عنوان اولین هیئت امنا تعیین می‌گردند و هر یك از اعضای فعلی هیئت امنا مکلفند در زمان حیات خود یك نفر از اشخاص مسلمان متدین و مورد اعتماد را جهت جانشینی برای بعد از حیات با تصویب اکثریت اعضا و یا تأیید ریاست عالیه به جامعه معرفی نماید که در صورت فوت او بلافاصله عضو مذکور به جانشینی متوفی و به عنوان عضو هیئت امنا انجام وظیفه نماید. همچنین هر کس بعداً به عضویت هیئت امنا وارد جامعه شود باید جانشین خود را به ترتیب مذکور معین نماید به طوری که تکلیف مقرر در این اساسنامه الی الابدانجام و جامعه به نحو مطلوب

و موافق نیات مؤسسین اولیه اداره شود.

تبصرهٔ ۱. در صورتی که هر یك از اعضای هیئت امنا در زمان حیات خود از تعیین و معرفی جانشین و یا از ادامهٔ همکاری به هر صورت خود داری نماید هیئت امنا موظف است عضو و یا جانشین واجد شرایط را با تأیید ریاست عالیه و با اکثریت آرا انتخاب نماید.

تبصرهٔ ۲. در صورتی که به تصویب اکثریت اعضای هیئت امنا عضو جانشین منتخب از طرف عضو هیئت امنا فاقد شرایط لازم گردد و همچنین چنانچه هر یك از اعضای هیئت امنا شرایط اخلاقی و دینی عضویت هیئت امنا را به تشخیص اکثریت اعضا از دست داده باشد هیئت امنا می‌تواند به اکثریت آرا و با تأیید ریاست عالیه او را معزول و شخص دیگر واجد شرایطی را با رعایت مفاد مادهٔ بالا به جانشینی وی انتخاب نماید.

مادهٔ ۱۳. در صورتی که هر یك از اعضای هیئت امنا به استثنای ریاست عالیه بدون عذر موجه شخصاً به مدت سه ماه در جلسه شرکت نماید مستعفی تلقی خواهد شد و هیئت امنا رمراتب را کتباً به نشانی قانونی وی ابلاغ و در صورتی که با گذشت دو ماه از تاریخ ابلاغ تمایل خود را به شرکت در جلسات اعلام ننماید استعفای او قطعی خواهد بود و هیئت امنا جهت انتخاب فرد واجد شرایط دیگر اقدامات لازم معمول خواهد داشت.

تبصرهٔ ۱. اعضای هیئت امنا می‌توانند در صورت لزوم حداکثر برای دو جلسهٔ متوالی نمایندگی تام‌الاختیار خود را برای شرکت در جلسات به یکی از اعضای هیئت امنا تفویض و کتباً به هیئت امنا اعلام نمایند.

هر یك از اعضای هیئت امنا فقط می‌تواند نمایندگی یك نفر از اعضای دیگر را برای دو جلسهٔ متوالی بپذیرد.

[مادهٔ ۱٤.] هیئت امنا در اولین جلسهٔ خود از بین اعضای هیئت امنا یك نفر را به عنوان رئیس جهت ادارهٔ جلسات انتخاب و حدود وظایف و اختیارات او را تعیین و به وی ابلاغ خواهد نمود.

تبصرهٔ ۱. دبیر هیئت امنا نیز در همین جلسه از بین اعضای هیئت و یا از خارج با اکثریت آرا انتخاب و حدود وظایف و اختیارات وی نیز تعیین خواهد شد.

تبصرهٔ ۲. در صورتی که دبیر هیئت امنا از خارج انتخاب گردیده باشد، می‌تواند بدون حق رأی در جلسات هیئت امنا شرکت نماید.

مادهٔ ۱۵. جلسات هیئت امنا حداقل ماهی یك بار به ریاست رئیس هیئت امنا تشکیل می‌گردد و در هر جلسه هیئت امنا صرفاً به مواردی که در دستور همان جلسه است رسیدگی و اتخاذ تصمیم خواهد کرد.

تبصرهٔ ۱. در پایان هر جلسه تاریخ و ساعت و محل جلسهٔ بعدی تعیین و به اطلاع کلیهٔ اعضای هیئت امنا خواهد رسید.

تبصرهٔ ۲. جلسات هیئت امنا با حضور حداقل دو سوم اعضا یا نمایندگان تام‌الاختیار آنان رسمیت می‌یابد.

تبصرهٔ ۳. چنانچه جلسات هیئت امنا در حضور ریاست عالیه تشکیل گردد، ریاست جلسات با ایشان خواهد بود.

ماده ۱۶. تصمیمات هیئت امنا با اکثریت آرای اعضای هیئت یا نمایندگان تام‌الاختیار آنان اتخاذ می‌شود ولی به هر حال تصمیمات متخذه در صورتی نافذ خواهد بود که حداقل شش نفر از حاضرین در جلسه با آن موافقت نموده باشند.

تبصرهٔ ۱. صورت جلسات هیئت امنا در دفتری ثبت و به امضای اعضای حاضر در جلسه یا نمایندگان تام‌الاختیار آنان خواهد رسید.

تبصرهٔ ۲. تصمیمات هیئت امنا به امضای دبیر هیئت به واحدهای ذی ربط ابلاغ خواهد شد.

ماده ۱۷. عضویت هیئت امنا افتخاری است.

رکن سوم. هیئت مدیره

مادهٔ ۱۸. به منظور اجرای اهداف و موضوع جامعه و فراهم آوردن امکانات لازم برای ادارهٔ امور جامعه، هیئت مدیره‌ای مرکب از پنج تا هفت نفر به پیشنهاد هیئت امنا و تصویب ریاست عالیه برای مدت چهار سال انتخاب خواهند شد و تجدید انتخاب آنان بلامانع است.

مادهٔ ۱۹. هیئت مدیره در اولین جلسه از بین خود یك نفر را به عنوان رئیس و یك نفر را به عنوان مدیر عامل و یك نفر را به عنوان خزانه‌دار انتخاب خواهد نمود. هیئت مدیره در همین جلسه یك نفر را به عنوان دبیر از بین خود و یا از خارج انتخاب خواهد کرد.

تبصره. ریاست جلسات هیئت مدیره با رئیس هیئت مدیره و در غیاب او با مدیر عامل خواهد بود.

مادهٔ ۲۰. جلسات هیئت مدیره حداقل هفته‌ای یك بار و در مواقع لزوم به طور فوق‌العاده نیز تشکیل می‌گردد.

دبیر هیئت مدیره مکلف است کلیهٔ تصمیمات متخذه و صورت جلسات هیئت مدیره را پس از ثبت در دفتر صورت جلسات به امضای اعضای حاضر در جلسه برساند.

تبصره. جلسات هیئت مدیره با حضور اکثریت هیئت مدیره رسمیت خواهد داشت.

مادهٔ ۲۱. تصمیمات هیئت مدیره با اکثریت آرای حاضر در جلسه اتخاذ می‌شود و حق امضای کلیهٔ اوراق و اسناد تعهدآور مالی با امضای رئیس هیئت مدیره یا مدیر عامل به اتفاق خزانه‌دار و مهر جامعه خواهد بود ولی اوراق عادی جامعه به امضای مدیر عامل به تنهایی با مهر جامعه خواهد بود.

مادهٔ ۲۲. اعضای هیئت مدیره در مقابل هیئت امنا مسئول هر زیان و خسارتی خواهند بود که به واسطهٔ تخلف از مواد اساسنامه و یا مقررات و دستورات هیئت امنا به جامعه وارد می‌شود.

مادهٔ ۲۳، هرگاه یکی از اعضای هیئت مدیره فوت کند یا استعفا دهد یا بدون اطلاع و یا عذر موجه غیبت نماید هیئت مدیره مراتب را برای تعیین عضو جدید به هیئت امنا گزارش خواهد کرد. مادام که عضو جدید هیئت مدیره تعیین نشده است وظایف او به عهدهٔ سایر اعضای هیئت مدیره خواهد بود.

مادهٔ ۲۴. در صورت بروز اختلاف نظر بین اعضای هیئت مدیره موضوع به هیئت امنا ارجاع خواهد شد. تصمیم و نظر هیئت امنا در هر مورد قاطع و لازم‌الاجرا است.

مادهٔ ۲۵. هیئت مدیره برای اجرای موضوع هدف جامعه اضافه بر اختیاراتی که احتمالاً به صورت موضعی از طرف هیئت امنا به آنان تفویض خواهد شد دارای اختیارات و وظایف مشروحه زیر می‌باشد:

الف. ادارهٔ جامعه و انجام تشریفات قانونی و ضروری، تهیه و تنظیم فهرست اموال و دارایی جامعه، انتصاب و برکناری کارمندان و خدمتگزاران جامعه، تهیه و تنظیم آئین‌نامه‌های داخلی، تدوین برنامه‌های آموزشی و تبلیغاتی و غیره، تنظیم بودجهٔ جامعه، تعیین حقوق کارکنان و رسیدگی به محاسبات، پرداخت دیون و وصول مطالبات، تنظیم و انعقاد قراردادها و یا القای آن به نحوی که اموال و دارایی و یا حقوق جامعه تفریط و یا تضییع نگردد، اقامه و طرح و تعقیب هر نوع دعوی اعم از حقوقی و جزایی علیه اشخاص حقوقی یا حقیقی و جوابگویی به هر نوع دعوی از طرف اشخاص موصوف اعم از حقیقی و یا حقوقی که علیه جامعه طرح شود در تمام مراحل و مراجع اعم از بدوی و پژوهشی و فرجامی با دارا بودن حق انتخاب و عزل وکیل و تفویض کلیهٔ اختیارت مصرحه در مواد ۶۲ و ۶۳ قانون دادرسی مدنی به وکیل منتخب با حق ارجاع دعوی به داوری و تعیین داور با حق انتخاب کارشناس، مطالبهٔ هر نوع خسارت و ورود در دعاوی به عنوان شخص ثالث اعم از جلب و یا دفاع از دعوی ثالث، تقاضای صدور اجرائیه و تعقیب عملیات اجرایی و اخذ محکوم به وجه، تقاضای توقیف اشخاص و اموال و انجام امور استیجاری و فسخ و تخلیهٔ مورد اجاره از طریق مراجع قانونی اعم از محاکم دادگستری و یا اجرای ثبت و یا مراجع اختصاصی، مراجعه به هر یك از وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و بخش خصوصی و انجام هر نوع اقدام لازم و قانونی که برای تأمین منظور و هدف و یا حقوق جامعه ضرورت داشته باشد با حق توکیل به غیر در تمام موارد فوق و صلح و سازش و استرداد دادخواست.

ب. حق افتتاح و انسداد حسابها و پس‌انداز و سپرده در بانکها و دیگر مؤسسات اقتصادی

ج. استقراض با رهن و یا بدون رهن و تحصیل هر نوع اعتبار و [وام] بدون ربا

د. وام دادن و یا وام گرفتن از بانکها و اشخاص حقیقی و حقوقی بدون ربا

ه . صدور ظهرنویسی و پرداخت بروات، سفته‌ها، چکها و یا سایر اسنادبهادار

و. قبول هدایا با اطلاع و تصویب هیئت امنا

ز. مراجعه به کلیهٔ ادارات و سازمانهای دولتی و ملی و بخش خصوصی به منظور احداث یا خرید ابنیه و املاك و هر نوع تأسیسات و مستحدثات غیرمنقول جامعه و یا واگذاری در فروش آنها با رعایت تبصرهٔ ۲ مادهٔ ۶

خرید و فروش ماشین‌آلات و وسایط نقلیه و انجام هر نوع معامله‌ای که با اهداف و موضوع جامعه مطابقت داشته باشد.

ح. احداث مسجد، مراکز آموزشی مذهبی، تبلیغاتی، هنری، رفاهی، تربیتی، بهداشتی، اقتصادی،

انتشاراتی، کتابخانه

ط. کسب مجوز و ایجاد مرکز یا مراکز رادیو تلویزیونی به منظور نشر و تبلیغ آیین مقدس اسلام در داخل و خارج از کشور و همچنین ایجاد مراکز تحقیقاتی جهت آشنایی هر چه بیشتر با فرهنگ اسلامی و دستیابی به مدارك و متون اصیل اسلامی، پس از کسب اجازهٔ لازم

ی. انجام امور خیریه و مساعدهای مادی و معنوی به اشخاص حقیقی و حقوقی بر اساس خط‌مشی تعیین شده توسط هئیت امنا

ك. انجام فعالیتهای بازرگانی، تولیدی، کشاورزی، خدماتی منطبق بر اهداف جامعه، با تصویب هیئت امنا.

مادهٔ ۲۶. حداقل سه ماه قبل از پایان هر سال مالی بودجهٔ سال آتی جامعه باید توسط هیئت مدیره و با همکاری رئیس دانشگاه تهیه و تنظیم گردیده و جهت تصویب به هیئت امنا تسلیم گردد.

مادهٔ ۲۷. هیئت مدیره می‌تواند مدیران اجرایی و رؤسای دیگری را جهت ادارهٔ جامعه انتخاب و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق‌الزحمهٔ آنان را تعیین نماید.

تبصره. هیئت مدیره در هر هنگام می‌تواند مدیران اجرایی و رؤسای واحدهای جامعه را از سمت خود معزول نموده به جای آنان افراد دیگری را منصوب نماید.

رکن چهارم. رئیس دانشگاه، هیئت علمی

الف. رئیس دانشگاه:

مادهٔ ۲۸. رئیس دانشگاه باید از میان افراد برجستهٔ مذهبی و علمی مملکت و با شرایط زیر انتخاب گردد.

۱. مسلمان و معتقد به مذهب شیعهٔ اثنی عشری

۲. متعهد به اسلام و نظام جمهوری اسلامی

۳. متعهد به ولایت فقیه

٤. دارای حسن سابقه و شهرت به تقوا و امانت

۵. مدیر و مدبر.

تبصره. لازم به تذکر است شخصیتهای روحانی واجد شرایط فوق‌الذکر و همچنین اعضای هیئت مدیره جهت احراز پست ریاست دانشگاه حق تقدم خواهند داشت.

مادهٔ ۲۹. در صورتی که صلاحیت رئیس دانشگاه ضمن خدمت مورد تردید قرار گیرد هیئت امنا در حضور ریاست عالیه جلسه‌ای تشکیل و پس از بررسی با تأیید ریاست عالیه در مورد ابقا یا برکناری او تصمیم خواهند گرفت که این تصمیم قطعی و لازم الاجرا است.

مادهٔ ۳۰. دردورهٔ اول، رئیس دانشگاه با پیشنهاد هیئت امنا و تأیید ریاست عالیه انتخاب خواهد شد و در دوره‌های بعدی با پیشنهاد هیئت مدیره و تصویب هیئت امنا و تأیید ریاست عالیه با رعایت شرایط بالا انتخاب و ابلاغ وی توسط ریاست عالیه صادر خواهد شد.

مادهٔ ۳۱. رئیس دانشگاه کلیهٔ اختیارات مربوط به ادارهٔ آموزشی جامعه و امور اداری و مالی و اجرایی مربوط به آنها را دارا خواهد بود و برای تأمین احتیاجات آموزشی و تحقیقاتی جامعه نیروی انسانی مورد نیاز را طبق ضوابط جامعه به همکاری دعوت خواهد نمود.

صلاحیت علمی و اخلاقی و مذهبی کادر آموزشی جامعه به پیشنهاد رئیس دانشگاه و تأیید هیئت علمی و معتبر خواهد بود.

تبصرهٔ ۱. رئیس دانشگاه در مقابل ریاست عالیه مسئول و پاسخگو خواهد بود.

تبصرهٔ ۲. رئیس دانشگاه فعالیتهای واحدهای مختلف آموزشی و تحقیقاتی جامعه را به طریق مقتضی هماهنگ خواهد نمود.

مادهٔ ۳۲. آئین نامه‌های مربوط به امور آموزشی و تحقیقاتی و هیئت علمی جامعه توسط رئیس دانشگاه تهیه و پس از تصویب هیئت علمی لازم الاجرا خواهد بود. همچنین آئین نامه‌های اداری و مالی و اجرایی و شرح وظایف مسئولین واحدهای مختلف دانشگاه وسیلهٔ رئیس دانشگاه تنظیم و پس از تصویب هیئت مدیره قابل اجرا خواهد بود.

تبصره ۱. مسئولیت اجرای آئین نامه‌های مصوب موضوع این ماده به عهده رئیس دانشگاه می‌باشد

تبصرهٔ ۲. رئیس دانشگاه بودجهٔ هر سال تحصیلی را پیش‌بینی و پس از تنظیم آن حداکثر تا پایان

ساختمان اداری دانشگاه امام صادق ع

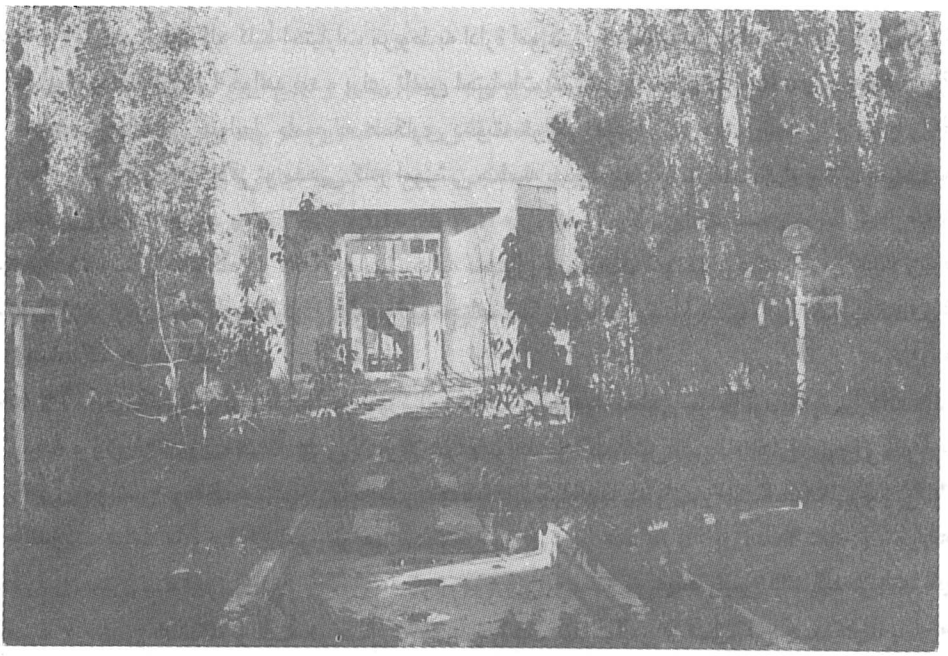

نمای خارجی کتابخانهٔ دانشگاه امام صادق ع

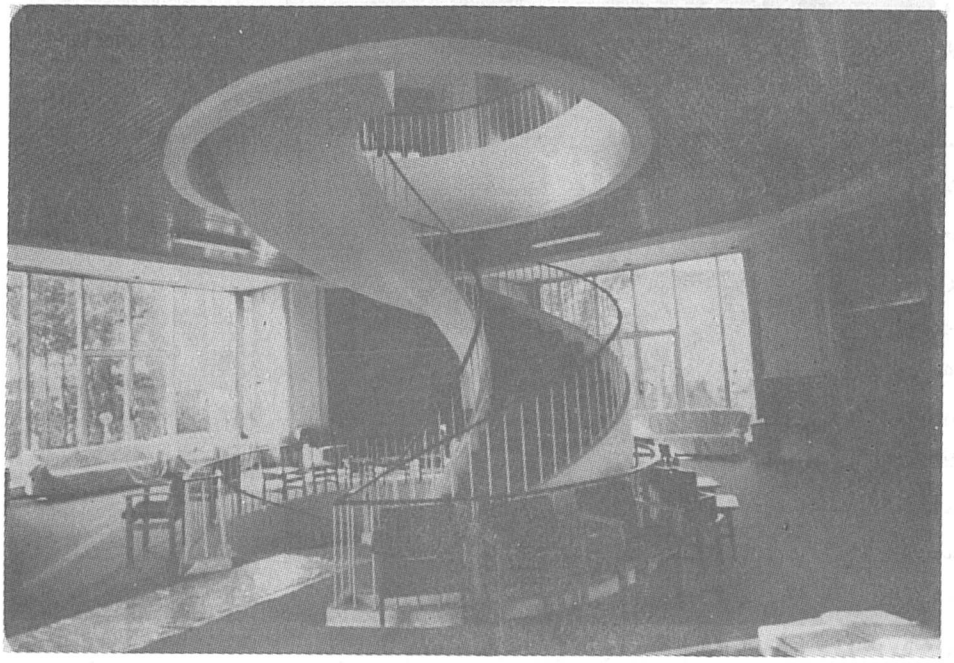

نمای داخلی کتابخانهٔ دانشگاه امام صادق ع

خرداد ماه جهت بررسی و تصویب به هیئت مدیره تسلیم خواهد داشت.

تبصرهٔ ۳. رئیس دانشگاه هر سه ماه یك بار گزارش جامعی از عملکرد خویش و همچنین دیگر مسائل آموزشی را به هیئت مدیره ارائه خواهد داد.

تبصرهٔ ٤. رئیس دانشگاه می‌تواند برای خود قائم مقام و معاونینی تعیین و قسمتی از اختیارات خود را به آنها محول نماید.

تبصرهٔ ٥. صلاحیت قائم مقام رئیس دانشگاه بایستی به تصویب هیئت مدیره و تأیید ریاست عالیهٔ جامعه برسد.

ب. هیئت علمی:

مادهٔ ۳۳. دانشگاه دارای یك هیئت علمی خواهد بود. اعضای آن حداکثر متشکل از هفت نفر بوده که با رعایت مادهٔ ۲۸ اساسنامه توسط ریاست دانشگاه انتخاب و صلاحیت آنها به تصویب هیئت امنا و تأیید ریاست عالیه رسیده و حکم انتصاب آنان از جانب ریاست دانشگاه صادر خواهد شد.

تبصرهٔ ۱. شرایط و ضوابط انتخاب اعضای هیئت علمی همانست که برای انتخاب ریاست دانشگاه پیش‌بینی شده و در مادهٔ ۲۸ این اساسنامه مذکور گردیده است.

تبصرهٔ ۲. تهیهٔ آئین نامه‌های مربوط به اعطای گواهینامهٔ فارغ‌التحصیلان دانشگاه و اخذ موافقت مقامات ذی صلاح عندالزوم پس از تأیید ریاست دانشگاه.

تبصرهٔ ۳. رئیس دانشگاه بایستی در هئیت علمی عضویت داشته باشد.

تبصرهٔ ٤. در صورتی که رئیس دانشگاه دارای قائم مقامی باشد قائم مقام وی نیز لزوماً در هیئت علمی عضویت خواهد داشت.

تبصرهٔ ٥. مسئولیت طرح و برنامه‌ریزی آموزشی، انتخاب استاد، تهیهٔ متون درسی و همچنین اظهار نظر در مورد توسعهٔ امور آموزشی از جمله وظایف هیئت علمی خواهد بود.

فصل سوم - سال مالی و بیلان

مادهٔ ۳٤. هیئت مدیره مکلف است در آخر هر سال مالی محاسبات جامعه را که در دفاتر رسمی و پلمپ شده نوشته شده است رسیدگی و با تنظیم حسابهای نهایی عملیات جامعه در آن سال گزارش جامع و دقیقی ازوضعیت مالی جامعه به همراه ترازنامهٔ سالانهٔ جامعه را حداکثر تا پایان اردیبهشت ماه سال بعد به هیئت امنا برای بررسی و تصویب تسلیم نماید.

هیئت امنا گزارش عملیات انجام شده و ترازنامهٔ سالانه را حداکثر پس از ۲۰ روز از دریافت گزارش رسیدگی و در صورت تصویب گزارش امر را به استحضار ریاست عالیه خواهد رساند تا در صورت لزوم اجازهٔ انتشار آن به هیئت مدیره داده شود.

تبصرهٔ ۱. هیئت امنا برای بررسی و تصویب ترازنامه و گزارشهای مالی در صورت لزوم نظر حسابرس

منتخب را جویا خواهد شد.

تبصرهٔ ۲. چنانچه حسابرس برای بررسی ترازنامه محتاج دفاتر و صورت حسالهای مالی باشد هیئت مدیره مکلف است مدارك مورد احتیاج را در اختیار او قرار دهد.

مادهٔ ۳۵. سال مالی جامعه روز اول فروردین هر سال شروع و در آخر اسفند ماه به پایان می‌رسد مگر در سال اول تأسیس جامعه که ابتدای آن از تاریخ تأسیس جامعه می‌باشد.

مادهٔ ۳٦. اگر خدای نخواسته امکان اجرای اهداف جامعه فراهم نگردد، انحلال جامعه فقط به پیشنهاد حداقل ۲/۳ اعضای هیئت امنا و تأیید ریاست عالیه و تصویب مقام ولایت فقیه جامع‌الشرایط خواهد بود که در این صورت کلیهٔ اموال و داراییهای جامعه متعلق به ولی فقیه جامع الشرایط خواهد بود که صرف امور مؤسسات فرهنگی و آموزشی عالیهٔ دیگری که با اهداف جامعه متناسب باشد خواهد گردید و در صورت عدم امکان به هر ترتیب که ایشان مقتضی بدانند به مصرف خواهند رساند.

تبصره. در مادهٔ فوق و نیز در هر ماده یا تبصرهٔ این اساسنامه که اشاره به ولی فقیه جامع الشرایط گردیده ولی فقیه عهده‌دار مقام رهبری اولویت خواهد داشت.

رکن پنجم. گروهها و یا هیئتها

[**مادهٔ ۳۷.**] جامعه دارای گروهها و یا هیئتهایی خواهد بود که به منظور ادارهٔ امور و فعال نمودن بخشهای مختلف تشکیل می‌شوند. اعضای این گروهها به استثنای هیئت علمی توسط هیئت مدیره انتخاب و پس از تصویب هیئت امنا و تأیید ریاست عالیه ابلاغ انتصاب آنان توسط هیئت مدیره صادر خواهد شد.

مادهٔ ۳۸. تعداد اعضای هرگروه و تناسب آن با نوع فعالیت از طرف هیئت مدیره معین خواهد شد.

مادهٔ ۳۹. هرگروه دارای یك عضو اصلی خواهد بود که توسط هیئت مدیرهٔ جامعه و از میان اعضای آن هیئت انتخاب و به گروه معرفی خواهد شد تا عضو یادشده بدون حق رأی در جلسات آن گروه شرکت نماید.

مادهٔ ٤٠. شرح وظایف و حدود اختیاراتو نحوهٔ انجام خدمت هر گروه به موجب آئین نامه‌ای خواهد بود که از جانب هیئت مدیره تهیه و به تصویب هیئت امنا خواهد رسید.

این اساسنامه در ٤٠ ماده و ٤٨ تبصره در جلسهٔ مورخ ۱۳٦۱/۸/۱۵ هیئت امنا به تصویب ریاست عالیهٔ جامعه رسید از تاریخ تصویب لازم الاجرا است.

پس از اینکه جامعة الامام الصادق با پیشنهاد و تشویق آیةالله منتظری و به همت عده‌ای از افراد خیر تأسیس گردید و اساسنامهٔ آن تهیه و تصویب شد، تلاش برای آغاز فعالیتهای آن ادامه یافت. گزارش زیر نمونه‌ای از این تلاش است:

«بنا به گزارش واحد مرکزی خبر از قم آیةالله مهدوی کنی عضو شورای عالی ستاد انقلاب فرهنگی که به همراه تنی چند از همراهان با آیةالله العظمی منتظری به مدت سه ساعت در قم ملاقات داشتند پیرامون تأسیس، نحوهٔ گزینش، برنامهٔ آموزشی و اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه امام صادق ع مذاکره کرد.

وی در پایان این دیدار پیرامون نتیجهٔ مذاکرات خود گفت: در پی پیشنهاد آیةالله منتظری مبنی بر تأسیس یك دانشگاه اسلامی تحت نام جامعهٔ الامام الصّادق ع و پس از تنظیم اساسنامه و تعیین هیئت امنا که آیةالله منتظری سرپرستی این هیئت را به عهده دارند با اعضای هیئت و گروهی از مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم به حضور ایشان رسیدیم تا در مورد تعیین هیئت علمی برای برنامه‌ریزی آموزشی این مجتمع مذاکره کنیم.

در این جلسه پس از تعیین هیئت علمی قرار شد این هیئت در قم به تدوین و تنظیم برنامه‌های آموزشی مشغول شوند.

از دیگر مسائل مورد بحث، موضوع پذیرش دانشجو بود که مقرر گردید برای این منظور از بین داوطلبان دیپلمه و لیسانس از طریق برگذاری یك کنکور، عده‌ای که دارای صلاحیتهای اخلاقی و استعداد هستند انتخاب گردند تا پس از گذراندن یك دورهٔ شش ساله در رشته‌های مختلف به دریافت مدرك فوق‌لیسانس نایل شوند و قرار شد پس از طرح مصوبات آن جلسه در ستاد انقلاب فرهنگی در مورد اشتغال فارغ‌التحصیلان این دانشگاه به عنوان مربی، محقق و مبلغ در دانشگاهها و مؤسسات گوناگون تصمیماتی گرفته شود.

آیةالله مهدوی کنی در مورد برنامهٔ آموزشی جامعه امام صادق اظهار داشت: در نظر است دورهٔ آموزشی این دانشگاه به یك دورهٔ چهار سالهٔ معلومات عمومی دینی و ادبی و یك دورهٔ دو سالهٔ تخصصی در رشته‌های علوم سیاسی، اقتصاد، تربیت مبلغ برای سفارتخانه‌ها و اعزام به خارج از کشور تقسیم شود.

آیةالله مهدوی کنی همچنین تاریخ آغاز گزینش دانشجو برای این دانشگاه را تابستان و شروع کلاسها را که قرار است در محل دانشکدهٔ مدیریت سابق تشکیل شود مهرماه سال آینده اعلام کرد و افزود: ما در مرحلهٔ اول می‌توانیم تا سیصد دانشجو را بپذیریم و امیدواریم در آینده با گسترش امکانات بتوانیم این تعداد را تا بیش از هزار نفر افزایش دهیم.

وی دربارهٔ ارتباط این دانشگاه با وزارت علوم گفت: مقصود ما این است که این مجتمع مستقل عمل کند، تنها برای ارزیابی مدرك تحصیلی آن و برنامه‌ها باید به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی برسد و در خصوص پشتوانهٔ مالی هم در نظر است که این دانشگاه مستغلاتی داشته باشد. برای این منظور محل سابق را که در چهار راه آیةالله طالقانی در نظر گرفته بودیم با دعوتی که از مهندسین مجرب به عمل آورده‌ایم به صورت یك مجتمع دینی ـ فرهنگی که شامل تأسیساتی از قبیل مسجد و کتابخانه و دیگر امکانات فرهنگی است در خواهیم آورد.» ـ مطبوعات، ۱۳۶۰/۱۲/۲۴.

پس از آن در تاریخ ۱۳۶۱/٤/۱۲ طی حکمی از سوی آیةالله العظمی منتظری، آیةالله مهدوی کنی به عنوان سرپرستی مرکز آموزشی جامعه، یعنی دانشگاه امام صادق ع را عهده‌دار شدند. متن حکم به این شرح است:

«بسم الله الرحمن الرحیم. جناب مستطاب حجةالاسلام والمسلمین آقای حاج شیخ محمدرضا مهدوی کنی دامت افاضاته، پس از سلام چون لازم است جامعة الامام الصادق ع هر چه زودتر افتتاح و برنامه‌های تدریسی آن شروع شود و از مقام حرف انشاءالله تعالی به مرحلهٔ عمل برسد. لذا از جناب عالی که از هر جهت لیاقت و شایستگی دارید و ضمناً عضو هیئت امنا و رئیس هیئت مدیره نیز می‌باشید و قهراً از خصوصیات و برنامه‌های «جامعه» اطلاع کافی دارید استدعا می‌شود سرپرستی مرکز آموزشی جامعه را بپذیرید و آنچه صلاح می‌دانید انجام دهید و قهراً شخص صالح شایسته‌ای را با تفویض اختیارات لازم به عنوان قائم مقام تعیین و شروع کار جامعه را تسریع می‌فرمایید. والسلام علیکم و رحمةالله. حسینعلی منتظری. ۱۳ رمضان ۱٤۰۳»

از آنجا که لطف پروردگار، در همه حال بر بندگان مخلص و کوشای خود جاری است، کار شکل‌گیری و به حرکت درآمدن جامعهٔ امام صادق ع به سرعت پیش رفت و در تاریخ ۱۳٦۱/۱۰/۱٤، مرکز آموزشی جامعه که همان دانشگاه امام صادق ع است، فعالیت آموزشی خود را در سه رشتهٔ فوق‌الذکر با پیام آیةالله العظمی منتظری رسماً آغاز کرد.

در مراسم افتتاح دانشگاه امام صادق ع که با حضور اعضای شورای نگهبان، جمعی از وزرا، اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، اعضای شورای عالی قضایی، عده‌ای از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مقامات نظامی و انتظامی، عده‌ای از مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم و اعضای جامعهٔ روحانیت مبارز برگذار شد، پیام آیةالله العظمی منتظری بدین شرح قرائت شد:

«بسم الله الرحمن الرحیم. هوالذی بعث فی‌الامیین رسولاً منهم تیلواعلیهم آیاته ویزکیهم ویعلمهم الکتاب والحمکة وان کانوا من قبل لفی ضلال مبین.

برادران دانشجو، اساتید و فضلای محترم، ایدکم الله تعالی، ضمن تبریك و تهنیت به مناسبت هفتهٔ وحدت و ولادت با سعادت حضرت رسول اکرم ص و امام ششم حضرت جعفربن محمد ع که این مرکز بزرگ افتخار انتساب به آن حضرت را دارد، به عرض حضار محترم می‌رسانم: در *قرآن* شریف یکی از مسئولیتهای سنگین پیامبر عظیم‌الشأن اسلام قبل از تعلیم کتاب و حکمت تزکیهٔ امت شمرده شده و بدیهی است تا انسان خود را از بندها و اسارتهای درونی و وسوسه‌های شیاطین جنی و انسی آزاد نسازد کسب دانش و فضیلت و حکمت وسیلهٔ ارتقای او نخواهد شد.

اولین قدم خودآگاهی و خودسازی و تزکیهٔ نفس است. آنگاه در ضمن عمل و کسب علم و دانش انسان واجد کمالات علمی و معنوی می‌گردد و علاوه بر نجات خود می‌تواند در پیشبرد علمی و اخلاقی

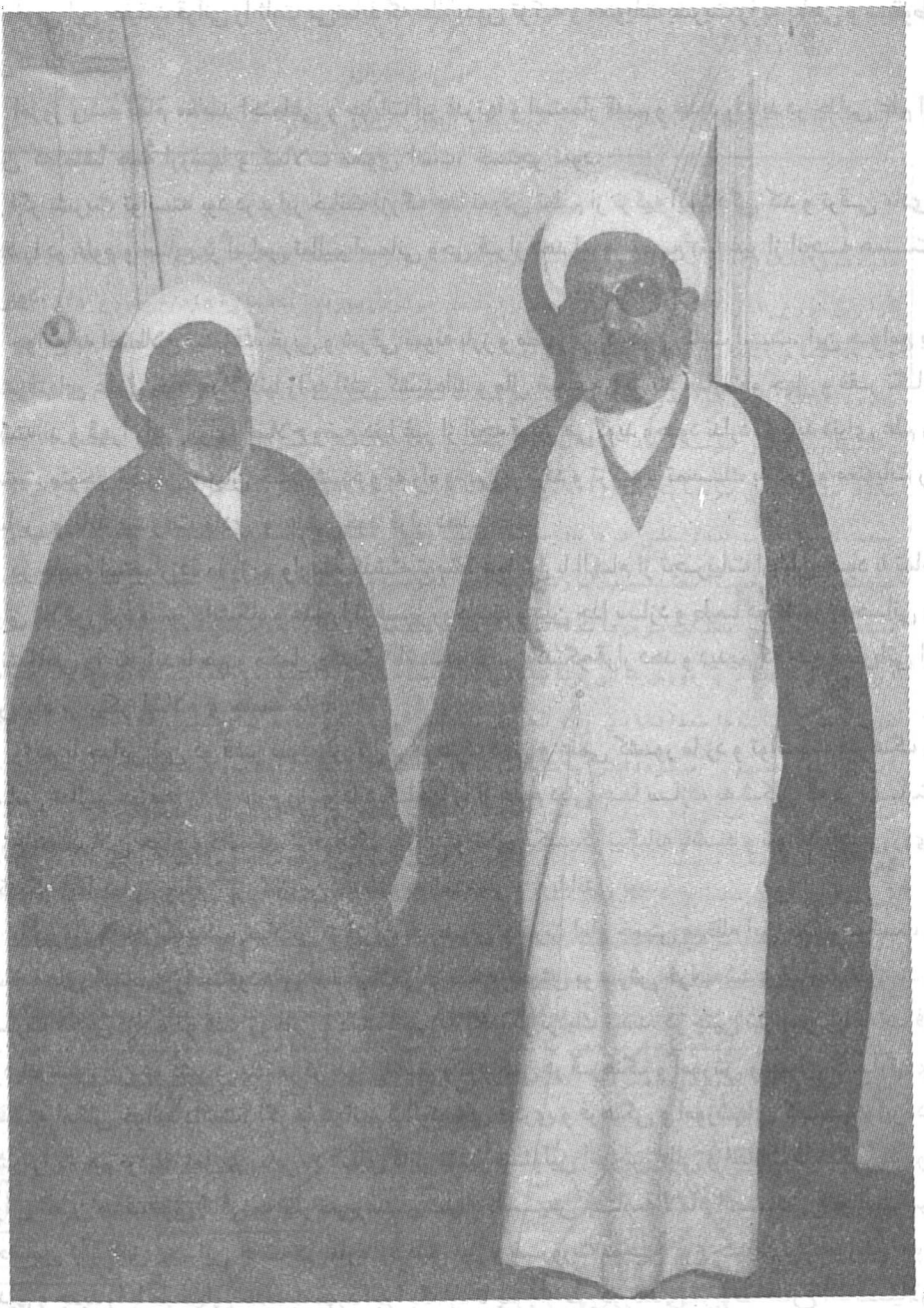

فقیه عالیقدر به اتفاق آیةالله مهدوی کنی

جامعه نقش اساسی داشته باشد. تجربهٔ قرن اخیر که دوران شکوفایی علم و تکامل مادی بشریت است به خوبی این حقیقت قرآنی را ثابت می‌نماید که علم بدون تزکیه و معنویات بشریت را به تباهی و سقوط می‌کشاند.

امروز ریشهٔ تمام مفاسد اجتماعی و جنایات ابر قدرتها و استعمار قدیم و جدید را باید در جدایی علم از دین که منشأ همهٔ ارزشها و کمالات معنوی است، جستجو نمود.

اگر بشریت توانسته بود در برابر خیانت بزرگ جدا نمودن تعلیم از تزکیه ایستادگی کند و ترقی مادی خود را در علوم و صنایع بر اساس تعالیم آسمانی وحی قرار دهد امروز وضع دنیا غیر از آنچه هست می‌بود.

جوامع به اصطلاح پیشرفتهٔ غربی و شرقی نمونهٔ بارز و مظهر بزرگ این جنایت است. این جوامع با پیشرفتهای علمی خود عملاً دنیا را به آتش کشیده‌اند و ملل ضعیف را در بند اسارت و جهل و فقر نگاه داشته‌اند و قهراً راهی برای اصلاح وضع دنیا غیر از آنچه *قرآن* می‌گوید وجود ندارد. و باید دنیای علم و صنعت متوجه خسران و زیان خود بشود و به راه وحی برگردد و تزکیه و تمسك به دین و معنویات را اساس و پایهٔ پیشرفت مادی و علمی خود قرار دهد.

در جامعهٔ استعمارزدهٔ ما رژیم وابستهٔ گذشته توسط عمالش با الهام از تجربیات اربابان خود با تمام توان تلاش کرد مسیر دانشگاه و علم را از مسیر روحانیت و دین جدا سازد و طبعاً دو قشر روحانی و دانشگاهی را که باید با هم و مکمل یکدیگر باشند در برابر یکدیگر قرار دهد و دیدیم که چه ضرباتی از این راه بر پیکر اسلام و جامعهٔ مازد.

رژیم با جدایی این دو قشر ضربهٔ بزرگی بر فرهنگ دینی و علمی کشور ما زد و توانست فرهنگ و اساس تعالیم حوزه‌ها را از علوم روز و دانشگاهها را از علوم دینی جدا سازد، به شکلی که در نهایت فارغ‌التحصیلان حوزه و دانشگاه از فرهنگ و زبان و تعلیم یکدیگر بیگانه باشند و نتوانند نقشی روی یکدیگر ایفا نمایند و این بزرگ‌ترین خدمت به استعمار و اربابانش بود.

با پیروزی انقلاب عظیم اسلامی در ایران به رهبری حضرت امام خمینی مدظله این طلسم شکست و ساخته‌های استعمار ودستآوردهای ضد اسلامی و ضد مردمیش بر سرش خراب شد و جامعهٔ ما از بند و اسارت فکری آزاد و دو قشر روحانی و دانشگاهی به یکدیگر نزدیك شدند. در چنین شرایطی آیا به صرف نزدیك شدن این دو قشر در یك مرکز بدون تلفیق و نزدیکی در فرهنگ و آموزش و جبران خسارتهای گذشته امکان خواهد داشت؟ اگر ما نتوانیم شالوده‌های فکری و فرهنگی و آموزشهای کلاسیك این دو قشر را به هم نزدیك نماییم سایر تلاشهای قابل تقدیر مسئولین آموزش عالی و انقلاب فرهنگی کشور برای تأمین هدف فوق کافی به نظر نمی‌رسد. پیشنهاد تأسیس جامعةالامام الصادق ع بر اساس احساس نیاز فوق بود. این جامعه در نظر دارد طبق نیاز و ضرورت موجود نوع جدیدی از آموزش علوم قدیم و جدید را با طرحهای جدید به مورد اجرا بگذارد تا پس از طی دوره‌های مربوطه فارغ التحصیلان آن بتوانند در رشته‌های عمومی حوزه و دانشگاه مفید و مثمر باشند و در داخل و خارج کشور در هر پستی به انقلاب خدمت نمایند. امید است برادران مسئول در امر جامعة الامام الصادق ع در راه تأمین این

شماره ۲۱۴۲۴/۶/۶۲

تاریخ ۱۳۶۲/۵/ ۲۳

صفحه اول

جمهوری اسلامی ایران

دادگاه انقلاب اسلامی مرکز — دادستانی انقلاب اسلامی مرکز

بسمه تعالی

جلسه فوق العاده دادگاه انقلاب اسلامی مرکز در صبح روز یکشنبه ۲۳ مرداد ماه ۶۲ در مورد رسیدگی به گزارش مورخ ۶۲/۵/۱۴ دادستانی انقلاب اسلامی مرکز در مورد نامه شماره ۵۸۵/م مورخ ۱۳۶۲/۴/۲۵ — جامعة الامام الصادق (ع) تشکیل گردید

نظر به اینکه طبق شواهد و مدارک موجود مرکز مطالعات مدیریت ایران با کمک اجانب و با دستور محمد رضا پهلوی لعین بوسیله عبدالرضا پهلوی ملعون و با همکاری سایر ایادی وابسته جهت بسط و توسعه نفوذ بیگانگان بر منابع کشور اسلامی، تشکیل گردیده بود و اکثر موسسین آن از قبیل محمود رضائی حبیب لاجوردی — عبدالعلی فرمانفرمائیان سیاوش ارجمند از مفسدین اقتصادی رژیم طاغوتی بوده و موسسه مذکور در جهت ایجاد تسهیلات و تربیت افراد سرسپرده به منظور چپاول بیشتر سرمایه های ملت — مستضعف و محروم مملکت بوجود آمده است اگرچه به مقتضای اساسنامه مرکز مدیریت در صورت انحلال اموال آن بوزارت علوم و آموزش عالی و یا به یکی از موسسات عام المنفعه واگذار میشود و وزارت علوم نیز موسسه مذکور را به جامعة الصادق (ع) تحویل نموده است و مورد موصوف مشمول قاعده : "الزم بما الزموا به انفسهم" میگردد لکن با توجه به وظایف دادگاه انقلاب اسلامی مرکز که از طرف حضرت امام — مدظله العالی در مورد استیفاء حقوق عامه و قطع ایادی رژیم طاغوت و اجانب و اجرای عدالت امر و واگذار گردیده است بناء علیهذا دادگاه انقلاب اسلامی مرکز حکم به استرداد کلیه اموال منقول و غیر منقول مرکز مطالعات مدیریت ایران بنفع جامعة الامام الصادق (ع) میباید تا با بهره گیری از کلیه امکانات موجود نسبت به نشر معارف اسلامی با الهام از مکتب اهل بیت عصمت علیهم السلام تحت ریاست حضرت آیت الله العظمی منتظری مدظله العالی و سایر علمای عظام اسلام از طریق دانشگاه امام صادق (ع) اقدام نماید. ضمنا " هرگونه اموال منقول و یا غیر منقول که متعلق به مرکز مطالعات — مدیریت ایران بوده و نزد هر مرجعی باشد باید به جامعة الامام الصادق (ع) تحویل گردد و در غیر این صورت موجب ضمان خواهد بود و دادسرای انقلاب اسلامی مرکز مکلف به اجرای این حکم میباشد./ب

حاکم شرع و رئیس دادگاه‌های انقلاب اسلامی مرکز — عضو

حکم دادگاه انقلاب اسلامی مبنی بر تحویل مرکز مطالعات مدیریت ایران به جامعة‌الامام الصادق ع

هدف بزرگ که از دیر زمان آرزوی ما بوده موفق باشند و بتوانند با همکاری و همفکری مسئولین محترم ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت آموزش عالی مشکلات موجود را رفع نمایند.

در خاتمه بدین وسیله از مسئولین و متصدیان که در فراهم کردن مراسم افتتاح و ادارهٔ این جامعه زحمت کشیده و می‌کشند تشکر می‌کنم و از خدای عزوجل خواستارم که به آنان اجر جزیل عنایت فرماید.

والسلام علیکم جمیعاً و رحمة الله و برکاته. حسینعلی منتظری.»

خوشبختانه دانشگاه امام صادق ع اکنون به عنوان یکی از مراکز علمی و دینی مورد اطمینان امت اسلام، در مجموعهٔ مراکز آموزش عالی، به دیدهٔ توجه و اقبال نگریسته می‌شود و امید می‌رود که درآیندهٔ نه چندان دور به رقابت علمی با دانشگاههای بزرگ اسلامی که احیاناً در بعضی از کشورها با سابقه‌ای طولانی فعالیت می‌کنند بپردازد.

این امید از آنجا نشأت می‌گیرد که هر چه پیش می‌رویم، با ابتکاراتی تازه در راه گسترش فعالیتهای این دانشگاه برمی‌خوریم.

دانشکدهٔ قدس برای آموزش فلسطینیها

خبر زیر که نشانه‌ای از دید وسیع و آینده‌نگر آیةالله العظمی منتظری است، نمونه‌ای از این ابتکارات می‌باشد:

«قم. جلسهٔ هیئتهای امنا و مدیرهٔ جامعة الامام الصادق با شرکت آیةالله مشکینی، آیةالله مهدوی کنی ریاست دانشگاه و حجةالاسلام والمسلمین امامی کاشانی در حضور آیةالله العظمی منتظری تشکیل شد و پیرامون مسائل مختلف مربوط به آن مذاکرات مشروحی به عمل آمد. در این جلسه ابتدا گزارشی توسط دبیر جلسه از برنامه‌های در دست اجرای دانشگاه امام صادق در مورد تأسیس کلاسهای جدید، برنامه‌های درسی و آموزشی سالهای آینده، تقویت اعتبار مالی دانشگاه توسط افراد خیر و گروه اقتصادی«جامعه»ارائه‌شد. سپس مسئلهٔ‌پیگیری پیشنهاد اخیر حضرت‌آیةالله‌العظمی‌منتظری درمورد اقدام دانشگاههای ایران نسبت به تشکیل کلاسهای معارف اسلامی برای برادران فلسطینی همزمان با اجرای طرح اخراج اسرائیل غاصب از سازمان ملل، که از طرف جمهوری اسلامی ایران تعقیب می‌شود، مطرح شد و مذاکراتی پیرامون مشکلات موجود و کیفیت شروع این کار توسط دانشگاه امام صادق با تأسیس دانشکده‌ای به نام قدس که زیر نظر جامعة الامام الصادق کار کند به عمل آمد.

آنگاه حضرت آیةالله العظمی منتظری ضمن تقدیر از اعضای هیئت امنا و مدیرهٔ جامعه اظهار داشتند: مناسب است همزمان با تعقیب طرح اخراج اسرائیل از سازمان ملل، برای برادران فلسطینی هم فکری بشود و ترتیبی اتخاذ گردد تا برای آشنایی بیشتر جوانان علاقه مند فلسطینی با معارف دینی و حقایق اسلام به جای مکتبهای مادی و الحادی شرق و غرب، دانشکده‌ای به نام قدس تأسیس شود و با همکاری همه جانبهٔ دولت و مسئولین محترم جامعة الامام الصادق این اقدام مهم عملی گردد. و قرار

شد در جلسات بعدی پیرامون این مسئله و کیفیت همکاری دولت تصمیم نهایی گرفته شود.» - ۱۳۶۳/۷/۲۰

به خاطر پیشنهاد حضرت آیةالله منتظری در مورد تأسیس دانشکدهٔ قدس تلگرام زیر از طرف سفیر فلسطین در تهران به محضر ایشان مخابره شد:

«قم، حضرت آیةالله العظمی منتظری دام‌ظله‌العالی. السلام علیکم و رحمةالله و برکاته. برادران شما در کادر رهبری انقلاب فلسطین و فرزندان ملت فلسطین با ستایش و سپاس دعوت صادقانهٔ شما را جهت گشایش دانشکدهٔ قدس برای فرزندان فلسطین دریافت کردند. آنان همچنین با سپاس و ستایش دعوت شما را به گشایش دانشگاهها و دانشکده‌های نظامی برای فلسطینیان دریافت نمودند. این موضع بزرگوارانهٔ شما نمایانگر آرزویی است که ملت به انقلاب شکوهمند اسلامی بسته است. از خدای متعال خواهانیم تا انقلاب اسلامی ایران پشتیبان تمامی مبارزان و مستضعفین و در رأس آنان انقلابیون فلسطین و رزمندگان آن جهت آزادی تمام سرزمین غصب شدهٔ فلسطین و رهایی یکی از دو قبله و سومین حرم شریف، مسجد الاقصای مبارك، باشد. بارك الله قولکم و عملکم و قل اعملوافسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون. صدق الله العلی العظیم.»

و بالاخره با امیدی که سرپرست دانشگاه امام صادق ع در مورد آیندهٔ نزدیك این دانشگاه داده‌اند، و ترسیمی که از وضع موجود آن نموده‌اند، مطالب این بخش را به پایان می‌بریم:

«آیةالله مهدوی کنی دبیرجامعهٔ روحانیت مبارز تهران و سرپرست دانشگاه امام صادق که به منظور شرکت در نماز جمعهٔ رودسر و دیدار با امام جمعهٔ این شهرستان به این منطقه سفر کرده است در گفت و گویی ضمن تشریح فعالیتها و عملکرد دانشگاه امام صادق، در خصوص وظایف خطیر و مسئولیتهای روحانیت در این برهه از انقلاب اظهار داشت: در حال حاضر در این دانشگاه اسلامی حدود پانصد دانشجو در رشتهٔ حقوق سیاسی و اقتصاد اسلامی در دو دورهٔ عمومی و تخصصی به تحصیل مشغولند که امید است با برنامه‌هایی که در دست اقدام می‌باشد، دانشگاه را گسترش و تعداد دانشجویان را به بیش از دوهزار نفر برسانیم.

وی در خصوص چگونگی ادارهٔ این دانشگاه گفت: جامعة الامام الصادق از سوی کمکهای مردم و وجوه شرعیه اداره می‌شود و تا کنون بالغ بر پانصد میلیون ریال از محل وجوه شرعیه و کمکهای مردم به این دانشگاه کمك شده است.

وی افزود به زودی ساختمان جدید این دانشگاه با اعتباری بالغ بر چهارصد میلیون ریال با کلیهٔ تجهیزات در تهران احداث خواهد شد و امیدواریم نظیر و شعباتی از این دانشگاه را نیز در دیگر شهرها از جمله مشهد تأسیس کنیم.

وی اضافه کرد: در دیدار اخیر با حضرت آیةالله العظمی منتظری ایشان پیشنهاد فرمودند ترتیبی داده شود که یك دانشگاهی نیز تحت عنوان دانشگاه قدس در یکی از ممالك اسلامی عربی تأسیس شود که این دانشگاه منبع و مرکز دانشجویانی باشد که برای آزادی قدس جهاد می‌کنند.

آیةالله مهدوی کنی در پایان با اشاره به وظایف خطیر روحانیت در انقلاب اسلامی از کلیهٔ علما، حجج اسلام و روحانیون خواست با حفظ قداست و حفظ همهٔ جهات روحانیت مردم را جذب اسلام و انقلاب کنند.» - کیهان ۱۳٦۳/۷/۲۲.

بخش هفتم

درآمدی بر آینده

یکی از جوانب مهم رشد شخصیت اجتماعی ـ سیاسی بزرگان انقلاب اسلامی، که توانسته آنان را در مقابل سردمداران استکبار جهانی سرافراز نگه دارد، محبوبیت آنان است.

این محبوبیت، خصوصاً در مورد رهبر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی و حضرت آیةالله العظمی منتظری، به گونه‌ای شاخص در جهان امروز زبانزد خاص و عام است و کمتر کسی است که این جنبه را در موفقیتهای گذشته و حال ایشان نادیده انگارد.

از آنجا که احراز مقام زعامت و رهبری جامعهٔ اسلامی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به برخورداری عمومی و جامع از حمایت و مقبولیت امت اسلامی ارتباط حتمی دارد و یکی از شرایط اصلی رهبر اتکا به آرای اکثریت ملت است، علاوه بر اینکه عظمت رهبر کبیر انقلاب اسلامی را تضمین کرده، دشمنان اسلام و انقلاب را نیز به فکر واداشته است که حداقل برای آیندهٔ جهان اسلام و قائم مقام رهبری انقلاب اسلامی، طرحهای فریبکارانه‌ای به اجرا درآورند تا جنبهٔ مردمی زعامت امت، مخدوش شود. عکسهایی از سراسر کشور تهیه شده که نشان می‌دهد محبوبیت یارمحرومان، حضرت آیةالله العظمی منتظری، همراه محبوبیت حضرت امام خمینی تا چه میزان گسترده و دشمن شکن است.

امروز نشانه‌های اقبال امت از بزرگان جامعهٔ اسلامی، خصوصاً مقام رهبری و قائم مقامی آن، در دیدارها، شعارها، نوشته‌ها، نقاشیها و... بر هر کوی و برزنی و در هر مسجد و میدان و منبری و در هر اجتماع و مراسمی، وجود محسوس و ملموس دارد و انکار آن برای شقی‌ترین فرد از جبههٔ دشمن و دورترین شخص از مرتبطین با امت اسلامی، کار آسانی نیست. لذا دشمنان سعی می‌کنند برای آینده‌ای که با نسل امروز و بسیاری از اعمال و رفتار و آثار حرکتهای این نسل آشنایی ندارد، طرح تهیه کنند تا اسلام را دوباره به قربانگاه امیال شیطانی خود ببرند. این بخش از کتاب، تلاشی در جهت افشای توطئه‌های دشمنان اسلام، برای نسلهای آینده است.

یادآور می‌شود که این تلاش، مقدمه‌ای است برای کاری که به لطف خدا در جهت تبیین و تحلیل اقدام مجلس خبرگان در معرفی رهبر آینده، انجام خواهد پذیرفت.

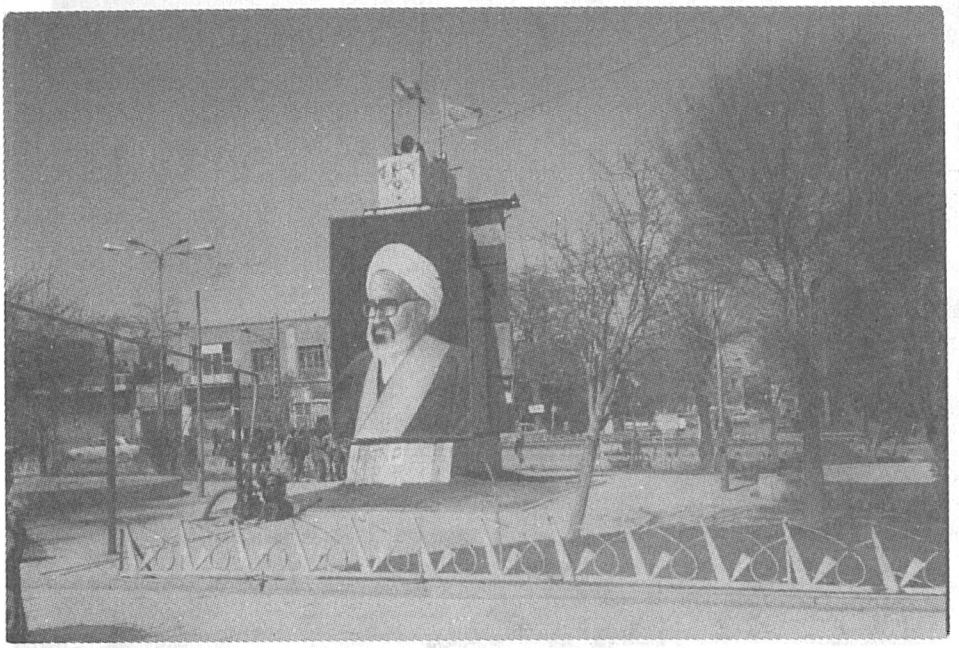

اراك، میدان شهدا، فروردین ١٣٦٥

اردبیل، میدان عالی‌قاپو، خرداد ١٣٦٦

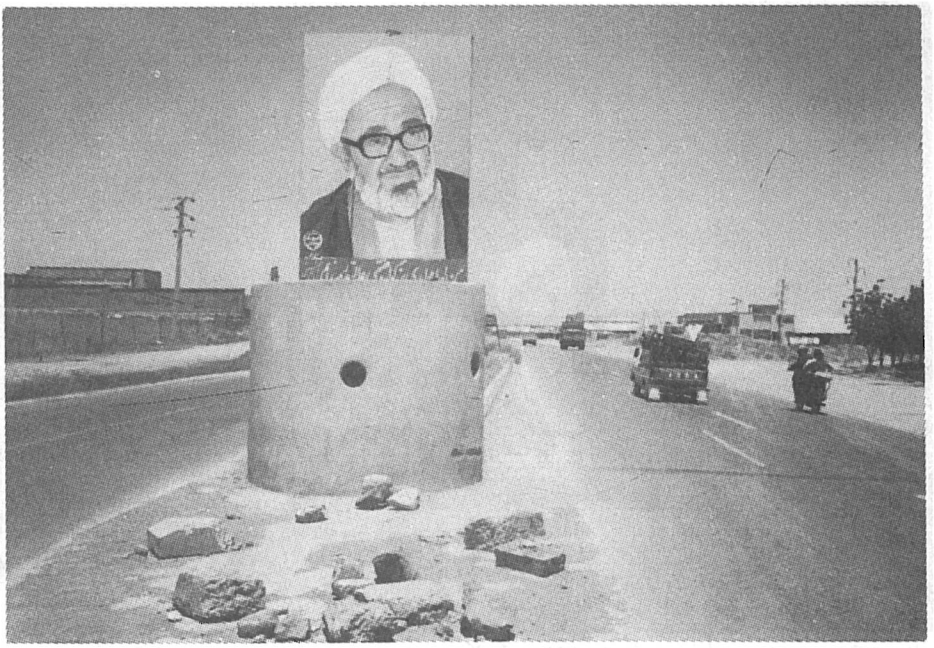

ارومیه، ابتدای ورود به شهر، خرداد ۱۳٦٦

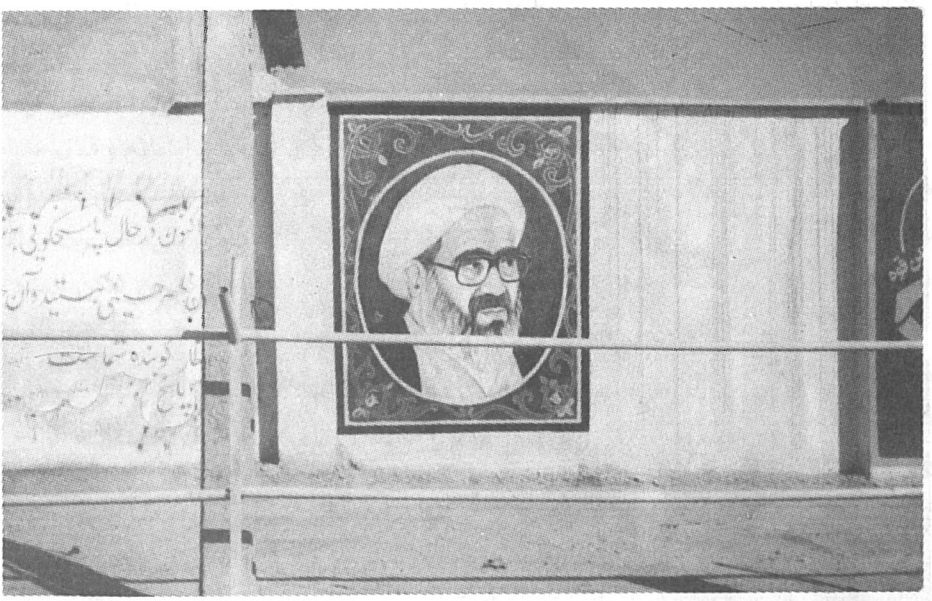

اسلام‌آباد غرب، بلوار شهید چمران، شهریور ۱۳٦۵

اصفهان، میدان جمهوری اسلامی، فروردین ١٣٦٥

اهواز، ابتدای جادهٔ خرمشهر، مهر ١٣٦٤

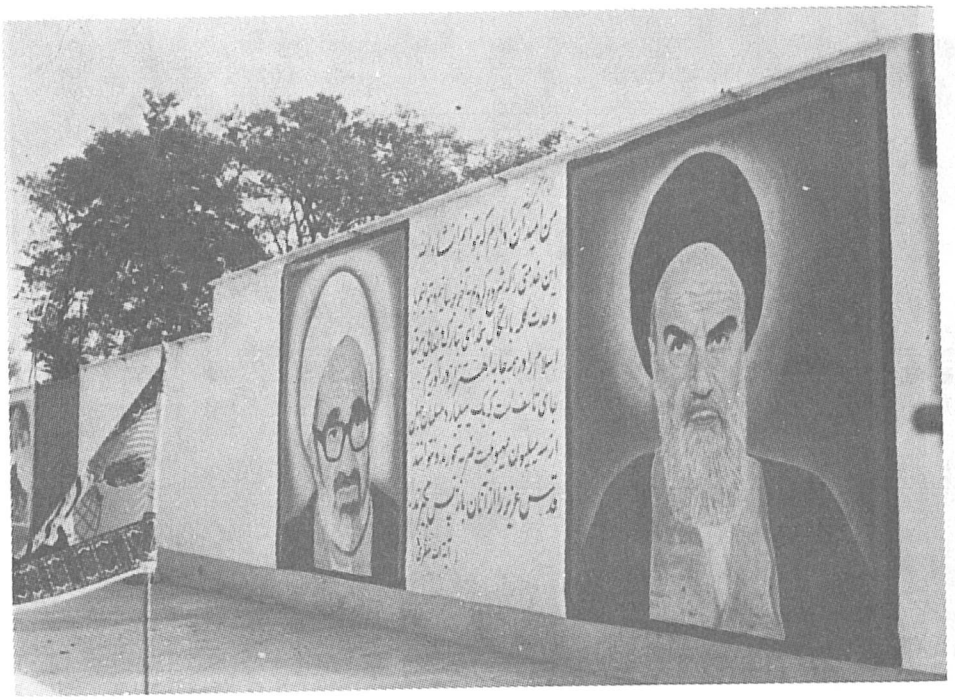

ایلام، بلوار امام، شهریور ۱۳۶۵

بابل، خیابان ورودی، مهر ۱۳۶۳

باختران، جادهٔ کمربندی، شهریور ۱۳۶۵

بانه، کوچهٔ حسامی، فروردین ۱۳۶۶

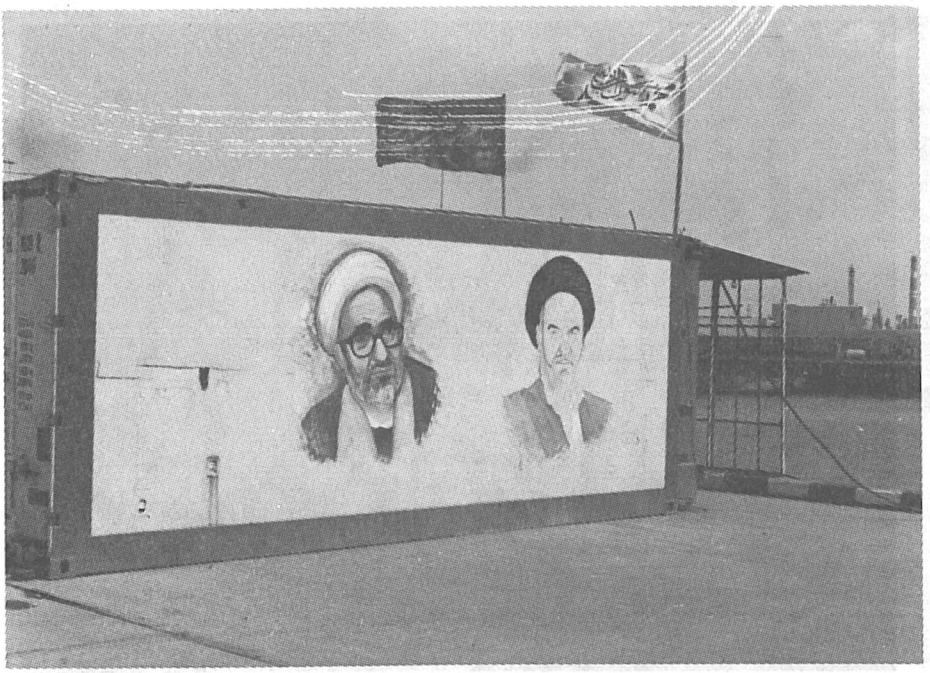

بندر امام خمینی، کرانهٔ خلیج فارس، بهمن ۱۳٦٤

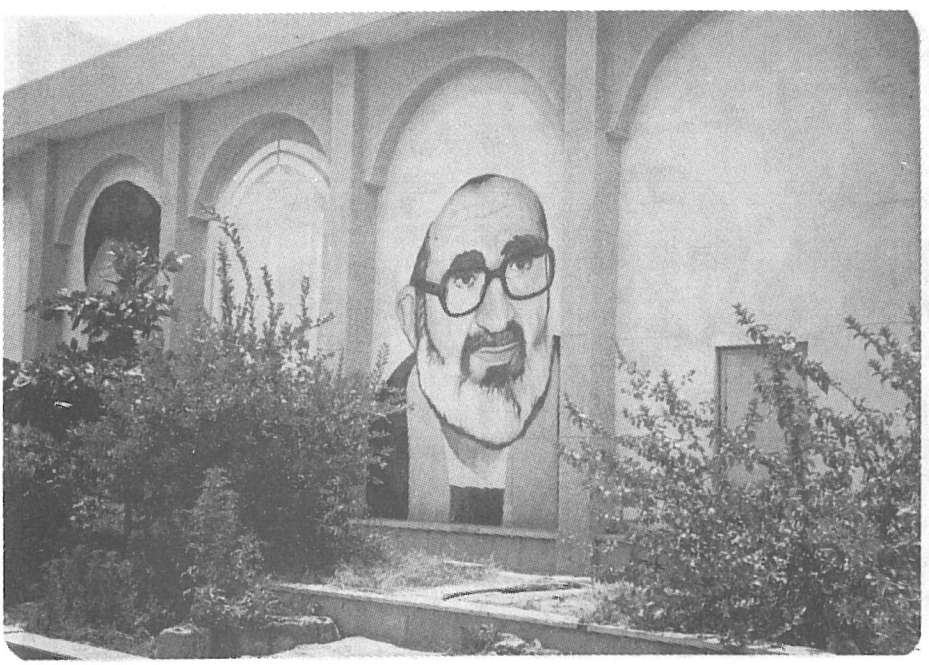

بندرعباس، بلوار بسیج مستضعفین، تیر ۱۳٦٦

بندرعباس، خیابان شهید چمران، تیر ۱۳۶۶

بوشهر، خیابان امام خمینی، فروردین ۱۳۶۵

تهران، خیابان فخرآباد، مهر ۱۳٦۳

راهپیمایی جوانان حزب‌الله، تهران

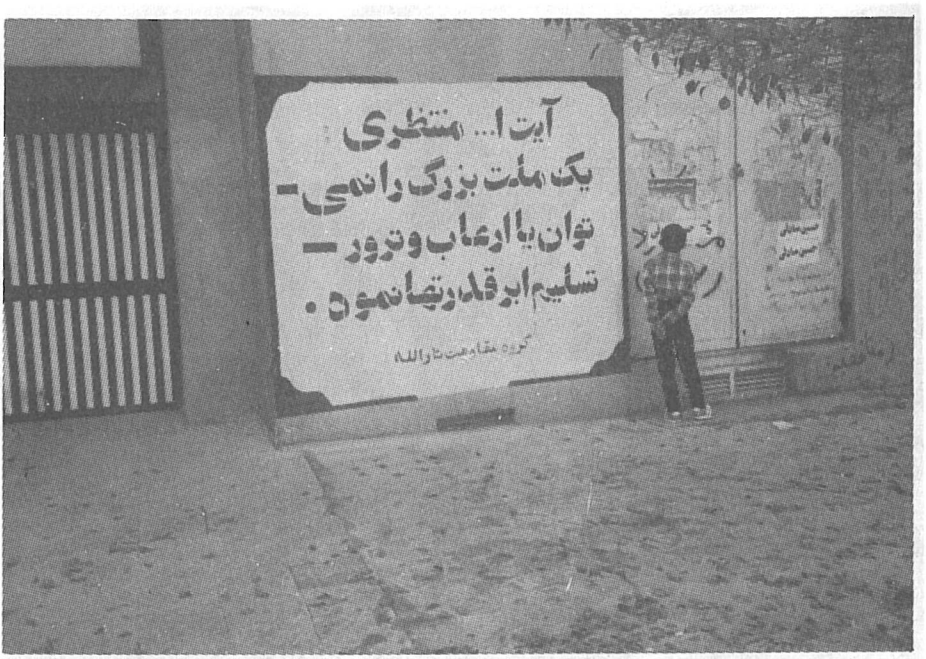

تهران، خیابان پاسداران، بوستان نهم، آبان ۱۳۶۵

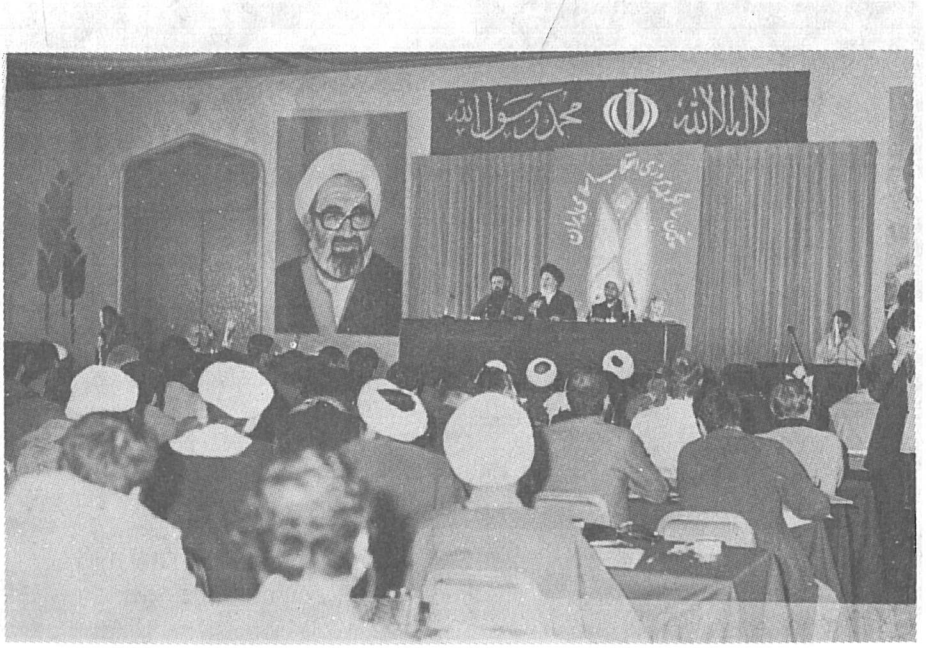

مراسم آغاز ششمین سال پیروزی انقلاب اسلامی، تهران

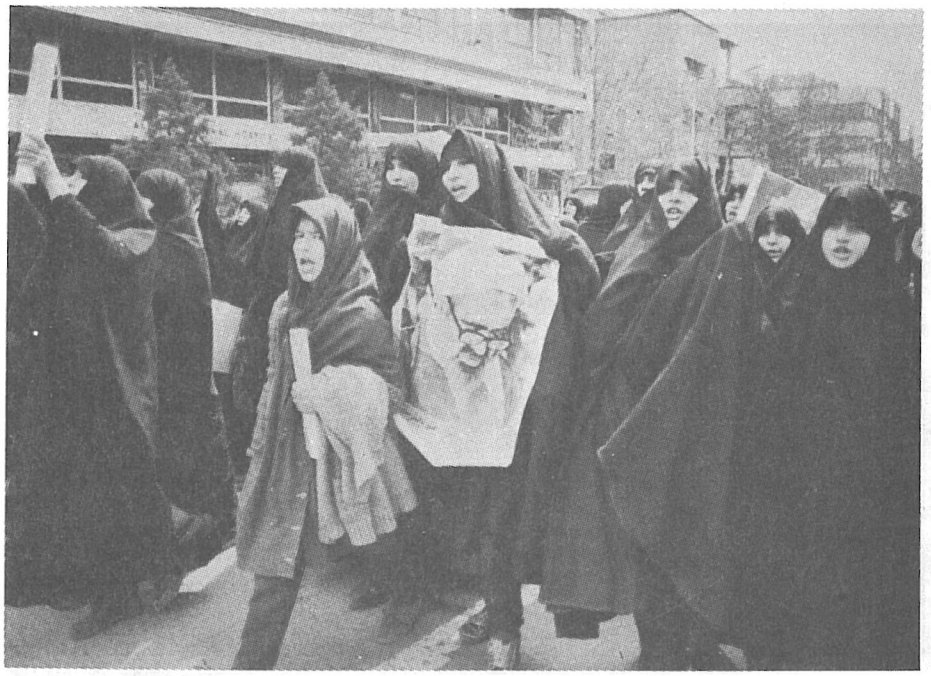

راهپیمایی بانوان متعهد در تهران

تبریز، خیابان دکتر شریعتی، خرداد ۱۳۶۶

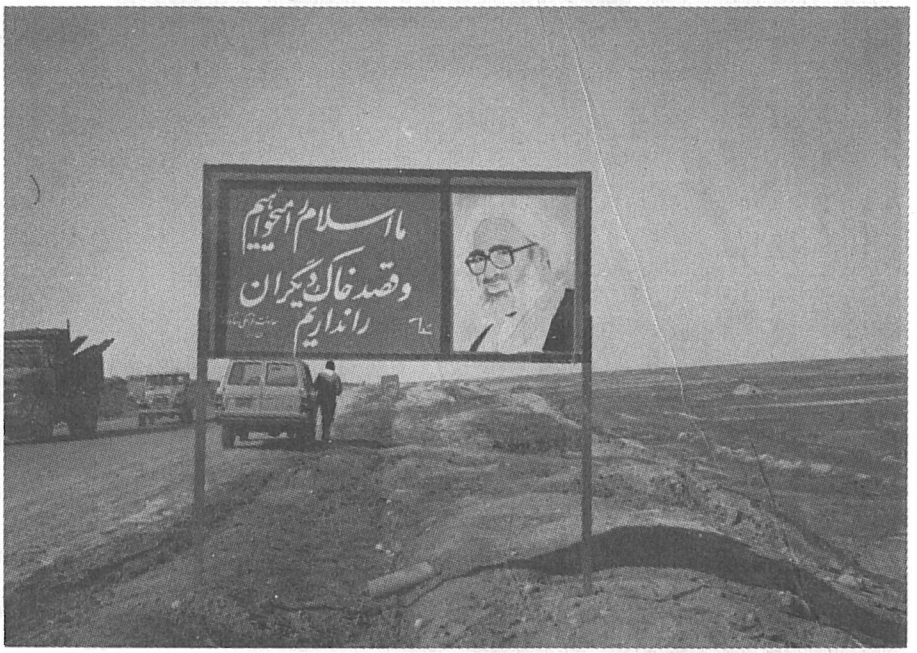

جنوب، ابتدای جادهٔ شلمچه، بهمن ۱۳۶۵

خرم‌آباد، فلکهٔ اول قاضی‌آباد، مهر ۱۳۶۵

رفسنجان، خیابان امام‌خمینی، تیر ۱۳٦٦

سقز، میدان آزادی، شهریور ۱۳٦۵

سنندج، خیابان امام‌خمینی، شهریور ۱۳۶۵

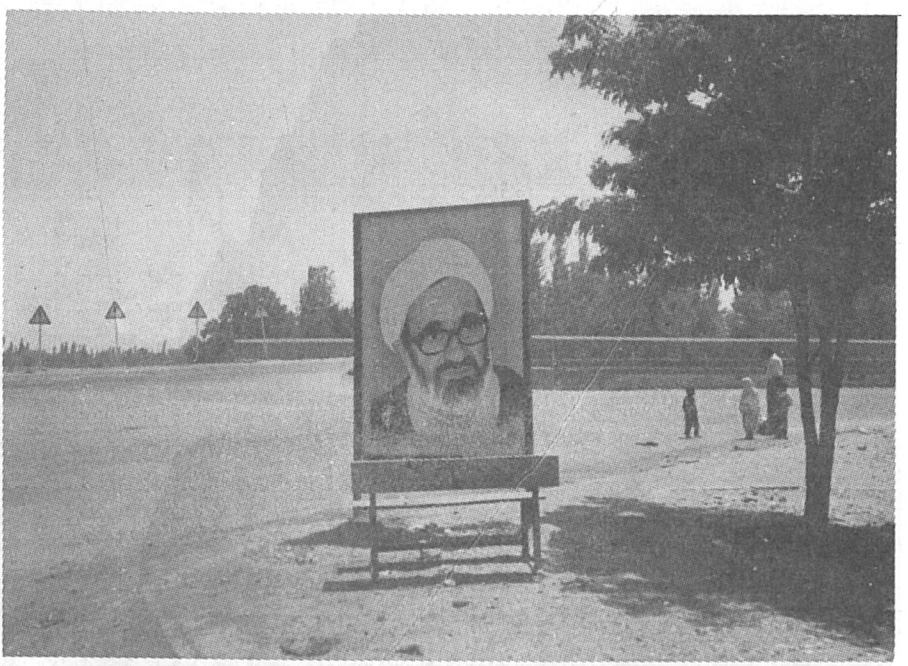

شاهرود، سرچشمه، تیر ۱۳۶۵

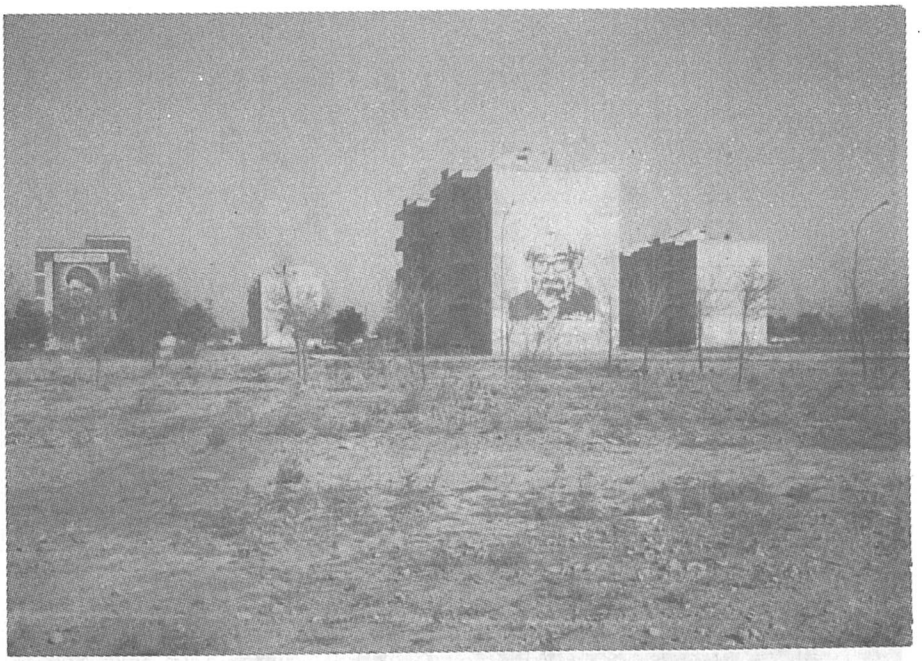

شهر کرد، بلوار ورودی شهر، خرداد ۱۳۶۵

شیراز، فلکهٔ دروازه قرآن، فروردین ۱۳۶۵

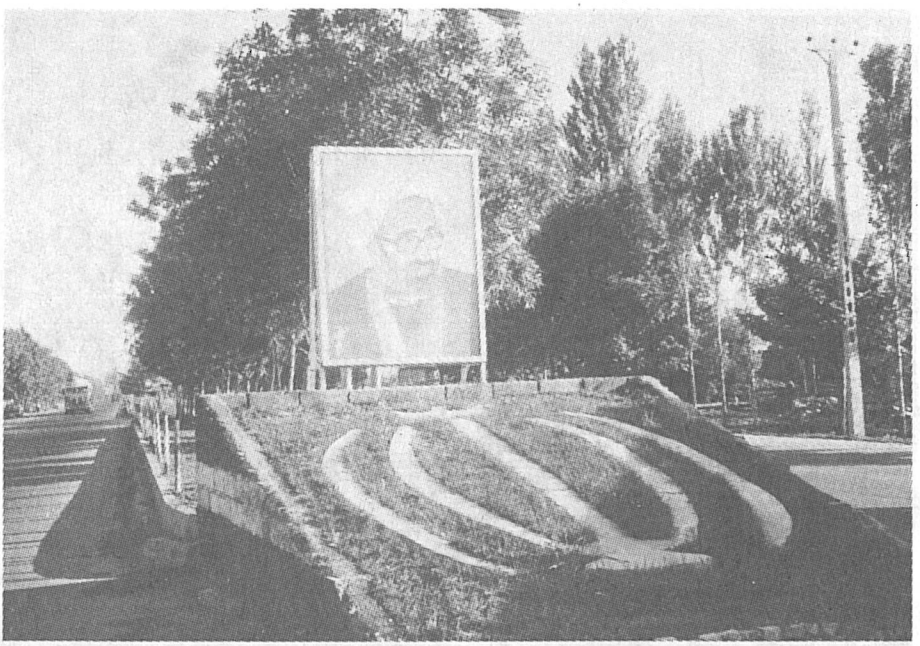

عجب‌شیر (آذربایجان)، بلوار شهدا، خرداد ۱۳٦٦

قروهٔ کردستان، بلوار ورودی، تیر ۱۳٦٦

قم، خیابان نوزده دی، اردیبهشت ۱۳۶۵

کردستان، درهٔ شیلر، منطقهٔ عملیات غرب، تیر ۱۳۶۶

کرمان، خیابان ورودی، تیر ۱۳٦٦

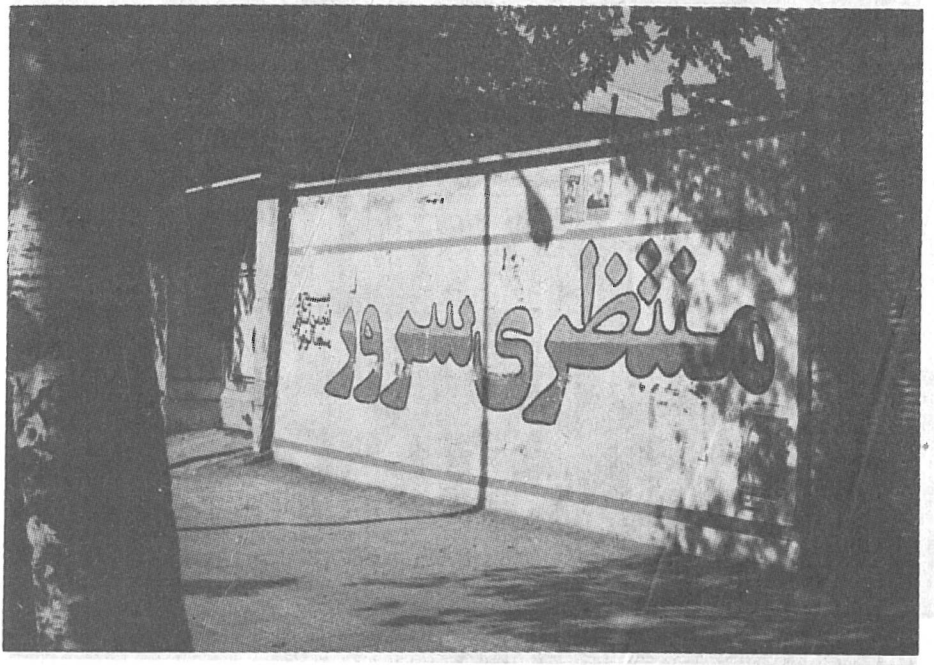

مشهد، خیابان شهید مطهری، مهر ۱۳٦۳

مهاباد، خیابان قدس، خرداد ١٣٦٦

میمه، جادهٔ تهران ـ اصفهان، شهریور ١٣٦٤

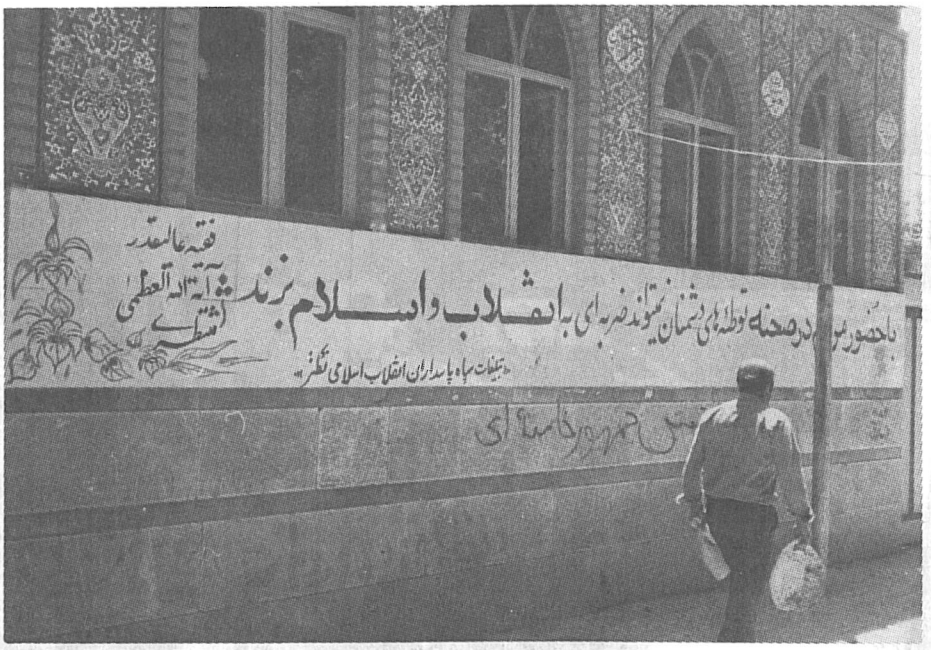

نطنز، خیابان ۱۷ شهریور، تیر ۱۳۶۶

جادهٔ بهشهر ـ نکا، مهر ۱۳۶۳

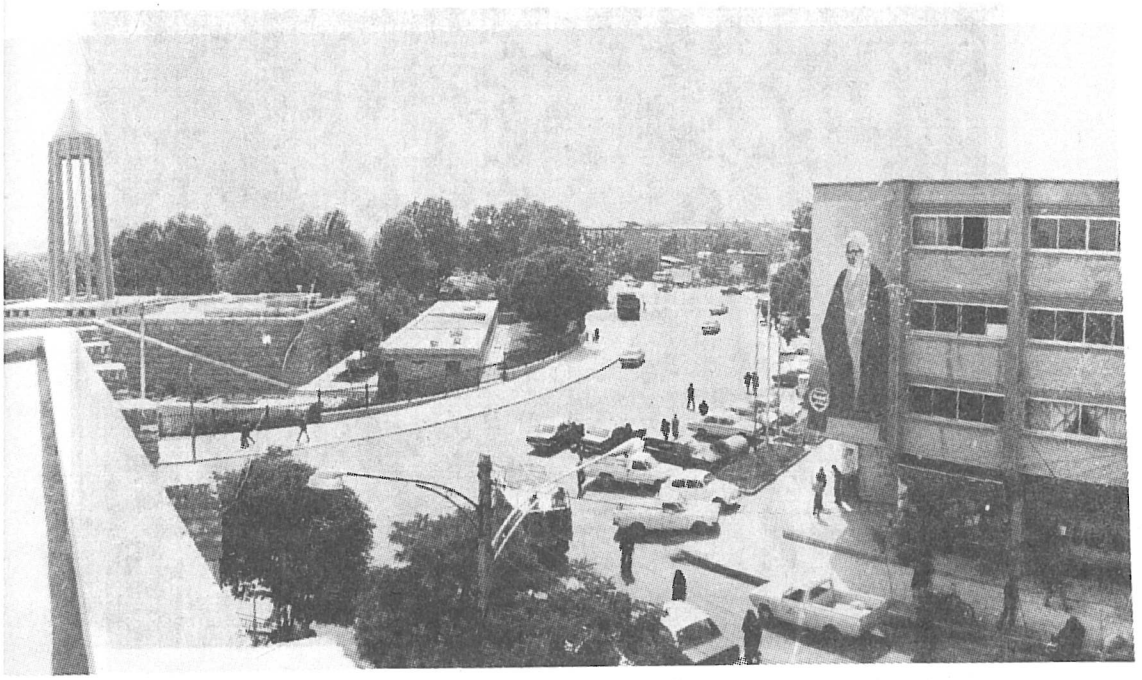

همدان، میدان بوعلی سینا، خرداد ۱۳۶۶

یزد، میدان آزادی، تیر ۱۳۶۶

فهرست اعلام

آ

آبادان ۱۴۱، ۲۰۲، ۲۲۵، ۳۲۶، ۳۵۲ـ۳۵۴، ۳۵۸، ۳۵۹
آخوند سلاق، حاج بایرام ۱۲۹
آخوند میرحق زاده، دولت محمود ۱۳۰
آخوند میرزاعلی، حاج جبار (عبدالجبار) ۱۳۰، ۱۴۰
آذربایجان شرقی ۱۰۴، ۲۲۰، ۳۰۵، ۴۲۰، ۴۷۶، ۵۸۱
آذربایجان غربی ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۸، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۵، ۲۱۶، ۴۲۲
آذری قمی، احمد ۲۳۸، ۳۲۲، ۳۳۲، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۶۶، ۴۴۱، ۴۴۹
آرژانتین ۱۷۹
آریان نژاد، سرهنگ محمود ۵۳، ۵۶
آزاد شهر ۲۵۰
آستان قدس رضوی ۲۹۵
آستانهٔ اشرفیه ۴۹۳
آسیا ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۹۵، ۲۴۷
آسیابك ۱۰۵
آشتیانی، آیةالله ۳۹
آفریقا ۱۳۵، ۱۳۸، ۱۶۱، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۶، ۲۱۴، ۲۴۷، ۲۵۰
آفریقای جنوبی ۱۷۱، ۱۷۹
آق قلا ۱۳۰، ۱۴۰
آگهیان، سرهنگ طهمورث ۳۵، ۴۱، ۴۵، ۴۸
آلبانی ۱۳۷
آلمان ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۹۶، ۱۹۹ ـ ۲۰۱، ۵۳۵
آلمان غربی ۱۷۱، ۳۷۵، ۴۲۰
آل مرسلین سیدغلام ۱۴۳
آیت، آقامجتبی ۴۱، ۴۴، ۴۵

ا

ابابصیر اصفهان، مؤسسهٔ خیریهٔ آموزشی ۴۶۸
ابراهیم خلیل س ۱۷۳
ابراهیمی، شیخ حسن ۱۷۱، ۲۶۹
ابطحی کاشانی، سیدمحمد ۲۳۸، ۲۵۰
ابن سینا ← بوعلی سینا
ابوحنیفه ۵۴۳
ابوظبی ۱۳۹
ابوالفضل العباس ۶۹
ابهر ۲۰۴
اتحادیهٔ اسلامی رفاه اجتماعی داکا ۱۳۵
اتریش ۱۵۶، ۱۷۹
احسان بخش، صادق ۲۵۴، ۳۲۶، ۳۴۱، ۴۹۳
احمد بن حنبل ۵۴۳
احمدی، احمد ۴۸۸، ۴۹۰، ۵۰۱، ۵۰۵

احمدی، محمد حسن ۴۸۸
احمدی، محمدحسین ۴۸۸، ۵۲۶
اختری، عباسعلی ۴۷۰، ۵۰۵
اخلاقی نیا، محمد ۴۸۸
ادارهٔ حمایت مظلومین دهلی ۱۳۵
اراك ۱۶۴، ۵۶۷
اراکی، محسن ۴۷۰
ارتش ۲۹، ۳۱، ۳۵، ۳۹، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۶۱، ۶۲، ۶۴، ۷۰، ۷۴، ۹۳، ۹۷، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۴۵، ۱۶۳، ۲۳۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۷۹، ۳۲۸، ۳۵۸، ۵۳۳، ۵۳۴
ارجمندنیا، محمدرضا ۴۶۳
اردبیل ۵۶۷
اردکان یزد ۱۶۴، ۳۷۲
اردن ۱۴۳، ۱۶۲، ۱۷۱، ۱۷۹، ۲۶۶، ۲۹۱
ارسنجان ۲۴۲، ۲۵۴
اروپا ۶۶، ۱۳۵، ۱۶۲، ۲۳۳، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۶۷، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۱، ۵۲۴، ۵۲۷
اروپای غربی ۲۰۰
ارومیه ۵۶۸
اریتره ۸۸، ۹۰، ۱۸۴، ۱۸۶، ۳۶۹، ۴۳۶
ازهاری، ارتشبد غلامرضا ۶۴، ۷۶
اسامه، طرح بسیج ۲۵۴
استکبار جهانی ۱۲۱، ۱۲۶، ۱۲۷ ـ ۱۳۰، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۸۸، ۲۰۰ ـ ۲۰۲، ۲۲۹، ۲۶۲، ۲۸۳، ۲۹۲، ۳۷۸، ۴۲۳، ۴۳۶، ۴۴۶، ۴۷۳، ۴۷۹، ۵۱۹
اسدآبادی، سیدجمال‌الدین ۱۸۳، ۳۷۸، ۳۷۹
اسرائیل ۸۸، ۸۹، ۹۹، ۱۲۳، ۱۳۰، ۱۴۵، ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۴، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۶۹ ـ ۲۷۱، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۹۵، ۲۹۸، ۳۵۶ ـ ۳۵۸، ۴۲۱، ۵۶۲
اسرافیلیان ابراهیم ۱۹۶، ۵۳۸، ۵۴۶
اسرافیلیان، غلامرضا ۵۴۶
اسفار ۳۵۰، ۳۸۰، ۳۸۸، ۴۲۸، ۴۵۱
اسفیدواجان ۴۴
اسلام آباد غرب ۵۶۸
اسلامی، شیخ عباسعلی ۲۵۴
اشرفی اصفهانی، عطاءالله ۱۴۰، ۳۲۲، ۳۴۳، ۴۱۶
اشنویه ۱۳۳، ۱۴۱
اصفهان ۳۰، ۳۴، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۶۱، ۶۸، ۱۰۱، ۱۰۵، ۱۴۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۴، ۲۲۲، ۲۵۴، ۳۰۵، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۴۱، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۵۸، ۳۶۷، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۶، ۳۸۴، ۳۹۱، ۴۱۰، ۴۱۶، ۴۲۶، ۴۴۲، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۷۵، ۵۶۹، ۵۸۴
اصفهانی، سیدابوالحسن ۳۴۰، ۴۳۶، ۴۶۰، ۴۶۱
اصفهانی، عبدالجواد ۳۰، ۴۷، ۵۴، ۴۱۶
اصول فلسفه و روش رئالیسم ۳۴۹
اصول کافی ۵۱۵
«اعلام خطر»، اعلامیه ۳۱
افغانستان ۶۶، ۱۱۵، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۵۵، ۲۵۷ ـ ۲۶۲، ۳۱۴، ۴۳۶، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۴
الجزایر ۸۸، ۹۹، ۱۳۷
الشتر ۱۴۱
اللهیاری، مولوی عبدالعزیز ۱۴۲
امارات متحدهٔ عربی ۱۷۱، ۲۱۱
امام جمارانی، سیدمهدی ۱۲۲
امام حسن مجتبی ع ۳۳۷
امام حسین؛ سیدالشهداء؛ حسین بن علی ع ۶۸، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۳، ۳۳۷
امام رضا، علی بن موسی ع ۱۷۲
امام زمان؛ قائم آل محمد؛ حجة بن الحسن؛ ولی عصر؛ دوازدهمین پیشوای شیعیان؛ صاحب الامر عج ۲۶، ۲۷، ۶۴، ۶۶، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۱۷،

۱۲۰، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۶۰، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۵۳، ۲۵۹، ۳۲۸، ۳۴۳، ۳۶۰، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۲۵، ۴۳۹، ۴۶۳، ۵۴۱ ـ ۵۴۴
امام صادق، جعفر بن محمد ع ۱۰۴، ۱۲۶، ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۲، ۱۷۰، ۲۵۷، ۳۳۵، ۳۸۹، ۵۱۵، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۵۸
امام علی النقی ع ۱۰۵
امام محمد باقر ع ۱۰۱، ۲۲۸، ۲۶۱
امام کاشانی، ابوتراب ۵۴۶
امامی کاشانی، محمد ۲۰۴، ۳۲۴، ۳۴۴، ۵۴۶، ۵۶۲
امپریالیسم ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۳۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۶۳، ۱۶۸، ۱۹۰، ۲۳۳، ۲۶۲، ۲۷۰، ۲۷۸، ۲۹۰، ۳۳۱، ۴۸۰
امینی (حاج امینی)، ابراهیم ۳۳۴، ۳۶۶، ۴۶۱، ۵۴۷
امینیان، محمدعلی ۴۹۳
انتشارات محمد ۱۰۸
انتشارات و تبلیغات فرهنگ انقلاب اسلامی ۱۰۷
انجمن اسلامی دانشجویان عراقی درهند ۱۳۸
انجمن حجتیه ۲۴، ۲۶، ۲۹
انجمن حسینی نروژ ۱۳۵
انجمن خیریهٔ اسلامیه پاکستان ۱۳۵
انجمن دوستی ایران و سیرالئون ۱۳۵، ۱۳۷
انجمن زنان مسلمان سیرالئون ۱۳۵
اندرزگو، سیدعلی ۵۳۸
اندونزی ۱۷۱
انزابی، محمدحسین ۲۵۰
انستیتو روان پزشکی تهران ۱۵۳
انصاری، شیخ مرتضی ۳۳۸، ۳۸۷
انصاری، مجید ۲۵۰
انصاری قمی، مرتضی ۳۲۶، ۴۱۸
انقلاب شاه و مردم ۵۳
انقلاب فرهنگی ۱۴۸، ۳۸۱، ۴۲۳، ۴۷۰، ۴۷۴، ۴۷۶، ۴۷۸، ۴۸۰ ـ ۴۸۴، ۴۹۵، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۲۸، ۵۳۲
انگلیس؛ انگلستان؛ انگلیسی؛ انگلیسیها ۲۳، ۲۶، ۲۷، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۵۶، ۱۷۱، ۱۷۹، ۲۳۳، ۲۹۱، ۴۰۰، ۴۳۷، ۴۶۷، ۵۴۲، ۵۴۳
انواری، محی الدین ۴۵۰
اورامات ۱۴۰
اوس و خزرج ۲۶۵
اوگادن ۹۰
اوین، زندان ۳۶۴، ۳۸۹، ۴۵۰، ۵۳۸
اهواز ۱۰۴، ۱۶۹، ۳۲۵، ۴۳۸، ۴۹۷، ۵۶۹
ایران آزاد، نشریه ۳۰
ایران ناسیونال ۱۵۲
ایرلند ۱۳۵
ایزدی، عباس ۳۲۲، ۳۴۷، ۴۳۸
ایزدی، مصطفی ۲۰، ۱۰۷
ایلام ۲۲۲، ۲۵۰، ۵۷۰
ایمانی، اسدالله ۴۸۶
ایمانی، محمد ۴۹۶

ب

باب، سیدعلی محمد؛ بابی ۲۳، ۲۴، ۲۷
بابل ۱۶۳، ۵۷۰
بابلسر ۲۵۴، ۴۸۷
باختران ۱۴۰ ـ ۱۴۲، ۱۵۳، ۱۵۸، ۳۰۵، ۳۴۳، ۴۹۱، ۵۷۱
باریک بین، شیخ هادی ۴۹۲
بازار قم ۶۷
بانک تجارت ۱۵۳
بانک صادرات ایران ۱۲۰
بانک مرکزی ایران ۹۱، ۹۲، ۳۰۸
بانکی، محمد تقی ۱۹۹، ۲۰۰
بانه ۱۲۸، ۵۷۱
باهنر، محمدجواد ۱۱۸، ۳۷۰، ۳۷۱، ۴۴۰، ۴۴۸، ۴۷۳، ۵۳۹
باینگان ۱۴۰، ۱۴۱
بجنورد ۱۴۲

بحارالانوار ۱۴۷
بحرالعلوم، سیدمحمد ۱۴۳
بحرین ۹۹، ۱۳۰، ۱۳۷، ۲۱۱
بختیار، شاپور ۳۰۶، ۴۴۱، ۴۴۲
بدرالزاهر فی صلوة الجمعه و المسافر ۳۳۲، ۳۸۳
برزنجی، ملامصطفی ۱۳۳
برزیل ۱۹۵
برژنف ۱۹۵
بروجرد ۳۳۲، ۳۵۱، ۳۸۲، ۴۴۳، ۴۶۰
بروجردی، آیةالله العظمی سیدمحمد حسین ۲۳، ۲۶، ۴۴، ۶۶، ۶۷، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۸۳، ۲۴۲، ۳۱۶، ۳۲۵، ۳۴۶، ۳۳۲، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۷، ۳۳۹ ـ ۳۴۱، ۳۴۳ ـ ۳۴۵، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۸۰ ـ ۳۸۷، ۳۹۳، ۳۹۵، ۳۹۸، ۴۰۲، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۲، ۴۲۶، ۴۳۳، ۴۳۸ ـ ۴۴۷، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۶۰
بروجردی، سیدمحمدحسن ۴۶۰
بریگارد ششم ارتش لبنان ۲۶۶
بشارتی، علی‌محمد ۲۳۵، ۲۶۹
بعث عراق ۹۰، ۱۸۹، ۴۰۵
بغداد ۶۸، ۱۹۹
بلخ ۶۷
بلخی، (روحانی شهید آفغانی) ۲۶۰
بلژیك ۱۷۹
بمبئی ۱۴۸
البناء، حسن ۱۸۳
بندر امام خمینی ۵۷۲
بندر ترکمن ۱۳۹، ۱۴۰
بندرعباس ۱۰۰، ۱۴۳، ۲۴۲، ۳۸۱، ۴۸۸، ۵۷۲، ۵۷۳
بنگلادش ۱۲۷، ۱۷۱، ۱۷۹، ۲۰۱
بنگورا، الحاج عیسی ۱۳۸
بنیاد دینی و فرهنگی صدوقی ۱۴۶، ۲۴۹
بنیاد شهید ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۶۱، ۱۶۳، ۲۰۵، ۲۶۷، ۲۷۰ ـ ۲۷۲، ۴۲۳، ۴۲۶، ۴۲۷
بنیاد عمران امام ۱۰۵
بنیاد مستضعفان ۱۵۳، ۲۰۹، ۲۳۹
بنیاد مهاجرین جنگ تحمیلی ۱۵۳
بنی‌صدر، ابوالحسن ۱۰۲، ۱۰۷، ۳۵۵، ۳۵۸، ۴۱۶، ۴۲۵، ۴۷۹
بنین ۱۷۹
بوستون ۵۳۵
بوشهر ۱۴۱، ۲۵۴، ۳۱۹، ۵۷۳
بوعلی سینا، شیخ الرئیس ۳۸۸، ۴۷۷، ۵۸۶
بوکان ۱۴۱
بهاءالدینی، حاج آقا رضا ۳۹۵
بهائی؛ بهائیت؛ بهائیان؛ فرقهٔ ضاله ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۹، ۶۶، ۴۱۷، ۵۳۷
بهبهان ۳۱۸، ۳۲۷
بهزادی، سپهبد ۶۴، ۷۴
بهشت زهرای تهران ۴۶۹
بهشتی، دکتر ← حسینی بهشتی، سیدمحمد
بهشهر ۵۸۵
بی بی سی (BBC) ۲۹۹
بیت‌الله‌الحرام ۲۰۲، ۲۴۵، ۲۴۶
بیت‌المقدس ۱۷۶، ۱۹۰، ۱۹۳
بیت‌المقدس، عملیات ۱۵۶
بیرجند ۱۰۳، ۱۴۲، ۱۶۵
بیروت ۱۳۰، ۱۴۱، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۲
بیمارستان عرب نیا، قم ۹۴

پ

پارس متال، کارخانه ۱۴۶
پاریس ۷۸، ۴۲۲، ۴۳۳، ۴۳۶، ۴۴۱، ۴۴۲
پاسدار اسلام، مجله ۲۰، ۲۱۸، ۳۴۰، ۳۴۲، ۳۴۷، ۴۰۶، ۴۱۰، ۴۲۹، ۴۳۰
پاسداران جهاد اسلامی ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۱
پاکستان ۶۶، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۵۶، ۱۷۱، ۱۷۹، ۱۹۳، ۲۱۱، ۲۱۵، ۳۰۰، ۴۲۳
پاناما ۱۷۹

پان ایرانیسم ۱۴۴
پان ترکیسم ۱۴۴
پانزده خرداد ۶۲، ۱۵۷، ۲۱۳، ۳۳۴، ۳۷۱، ۴۳۳
پانزده شعبان ۱۵۰، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۲۳۹، ۴۲۵، ۵۰۱، ۵۴۱
پان عربیسم ۱۴۴
پاوه ۱۴۰، ۱۴۲
پایگاه مرکزی انبیاء بهسود ۲۶۰
پایگاه مرکزی رسالت، سمت شمال ۲۶۰
پایگاه مرکزی عدالت، اورزگان ۲۶۰
پایگاه مرکزی علی بن ابی طالب ع، ورس ۲۶۰
پایگاه مرکزی نبوت، غزنی ۲۶۰
پرتغال ۱۳۵
پره سرتاش ۱۳۸
پشتکوه ۱۶۱، ۱۶۳
پورهاشم، سرهنگ عبدالعلی ۷۰، ۷۴
پولیساریو ۹۹
پونا ۱۳۷
پیام *انقلاب*، مجله ۲۰، ۱۷۰، ۳۴۱، ۴۰۲، ۴۰۸، ۴۱۶، ۴۴۱، ۴۴۲
پیامبر اسلام؛ پیامبر اکرم؛ محمدرسول الله؛ حضرت رسول(ع)؛ خاتم‌الانبیاء ص ۶۶، ۸۹، ۱۰۵، ۱۱۶، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۲۸ ـ ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۳۸ ـ ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۷۰ ـ ۱۷۷، ۱۸۳، ۱۹۵، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۵، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۷۸، ۲۸۶، ۲۹۶، ۳۱۰، ۳۳۵ ـ ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۶، ۳۷۵، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۳۵، ۴۳۷، ۴۴۵، ۵۰۶، ۵۰۹، ۵۱۳، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۳۰، ۵۳۳، ۵۳۵ ـ ۵۳۷، ۵۴۳، ۵۵۸
پیام *دانشجو*، نشریه ۳۰

ت

تاج‌الدینی، سرتیپ محمد تقی ۵۳، ۵۶
تاکستان ۱۴۳
تالش (هشتپر) ۱۳۸
تانزانیا ۱۴۳، ۱۷۱، ۱۷۹
تایباد خواف ۱۶۵
تایلند ۱۷۱، ۱۷۹
تبریز ۱۰۱، ۱۳۷، ۱۶۵، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۳۶، ۲۵۰، ۵۷۶
تجمع علمای مسلمین لبنان ۱۲۹، ۲۷۱، ۲۷۲
ترابی، علامه عقیل ۱۴۳
تربت جام ۱۴۰، ۱۶۵
ترکمن صحرا ۴۱۹، ۴۴۹
ترکیه ۱۶۴، ۱۷۹، ۳۹۱، ۳۹۷، ۴۲۲، ۴۳۳، ۴۴۹
تقوی، سید منوحسین ۱۴۳
تل‌آویو ۸۹
تنکابن ۳۱۹
توانگر، سرهنگ احمد ۵۳، ۵۶
توده‌ایها ۶۶
توسلی، محمد ۵۳۸
توکلی، احمد ۲۰۴
توکلی، غلامحسین ۱۹۶
تونس ۱۷۱، ۱۷۹، ۱۸۴، ۲۶۶، ۳۳۴
تهران ۳۴، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۵۴، ۶۱، ۶۴، ۶۷، ۷۰، ۷۴، ۸۹، ۹۳، ۱۰۱، ۱۰۲ ـ ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۲۷، ۱۴۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۴، ۱۷۱، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۹۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۹، ۲۳۶، ۲۴۹، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۳، ۲۸۲، ۳۰۵، ۳۲۵، ۳۳۲، ۳۴۴، ۳۵۱، ۳۵۹، ۳۶۱ ـ ۳۷۶، ۳۸۰، ۳۹۱، ۴۰۳، ۴۰۶، ۴۱۵، ۴۲۳، ۴۲۶، ۴۲۹، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۴۰ ـ ۴۴۲، ۴۴۷ ـ ۴۴۹، ۴۶۶، ۴۷۱، ۴۹۰، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۴ ـ ۵۴۷، ۵۶۳، ۵۷۴ ـ ۵۷۶، ۵۸۴

ث

ثلاث باباجانی ۱۴۰، ۱۴۱
الثمرات ۴۷۰

ج

جاسوسخانهٔ آمریکا ۸۹
جامائیکا ۱۷۹

جامعهٔ اسلامی اسلو ۱۳۵
جامعةالامام الصادق ۵۳۷ ـ ۵۶۳
جامعةالامام الصادق کویت ۱۳۵
جامعه امداد العلوم دهلی ۱۳۵
جامعه روحانیت پاکستان ۱۵۲
جامعهٔ روحانیت مبارز تهران ۹۹، ۱۴۳، ۱۴۶، ۳۳۵، ۵۵۸، ۵۶۳
جامعهٔ زنان انقلاب اسلامی ۱۵۲
جامعهٔ مدرسین قم ۱۶۱، ۲۱۷، ۲۳۸، ۳۲۲، ۳۳۰، ۳۳۴، ۳۳۹، ۳۶۶، ۳۶۷، ۴۱۴، ۴۴۰، ۴۸۴
جبل عامل ۱۵۶
جبههٔ اسلامی آزادیبخش بحرین ۱۳۰، ۱۳۱
جبههٔ متحد انقلاب اسلامی افغانستان ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۱
جبههٔ ملی، نشریه ۳۰
جزرالقمر ۱۷۹
جزیرةالعرب ۹۹
جفیر، منطقهٔ عملیاتی ۱۶۴
جماران ۲۷۶
جماعت القراءِ هند ۱۳۵
جماعت تقوی و رحمان سیرالئون ۱۳۵
جماعت مسلمین گراسیو، سیرالئون ۱۳۵
جمعیت ائمهٔ مساجد علمای بنگلادش ۱۳۵، ۱۴۳
جمعیت اسلامی افغانستان ۱۳۳، ۱۳۸
جمعیت شقفیهٔ اسلامی سیرالئون ۱۳۵
جمعیت مبارزه با استعمال دخانیات ۲۲۵
جمعیت نور اسلامی، سیرالئون ۱۳۵
جمی، غلامحسین ۳۲۶، ۳۵۲
جنبش آزادیبخش اریتره ۱۳۳
جنبش امل لبنان ۱۲۱، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۸۳
جنبش ملی مجاهدین ۱۰۷
جنبش وحدت اسلامی جاز، داکا ۱۳۵
جنتی، احمد ۱۳۸، ۳۲۲، ۳۶۰
جنگ تحمیلی ۹۶، ۱۰۱ ـ ۱۰۶، ۱۱۹، ۱۳۰، ۱۴۳، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۱۶، ۲۲۵، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۴، ۲۳۸، ۲۴۲، ۲۴۴، ۲۵۰ ـ ۲۵۲، ۲۸۶، ۲۹۶، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۵۷، ۳۵۹، ۳۶۸، ۳۷۸، ۴۰۵، ۴۲۰، ۴۳۸، ۴۵۵ ـ ۴۵۷، ۴۷۳
جنگ زدگان، مهاجرین جنگ تحمیلی ۹۳، ۱۰۶، ۱۱۹، ۲۳۵، ۲۳۶
جنیدی، احمد ۳۲۷
جوادی آملی، عبدالله ۳۲۲، ۳۶۲، ۴۷۲
جوانرود ۱۴۰، ۱۴۱
جهاددانشگاهی ۹۱، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۵۳، ۴۲۳، ۴۷۰، ۴۷۲، ۴۷۴، ۴۸۱، ۴۸۴، ۴۸۷، ۴۹۵، ۵۰۲ ـ ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۲۲، ۵۲۶، ۵۳۰ ـ ۵۳۶
جهاد سازندگی ۱۰۵، ۱۶۱، ۱۶۲، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۴۴، ۲۷۹، ۴۱۸، ۴۶۹

چ

چاد ۱۷۹
چریکهای فدائی خلق ۱۰۷، ۴۵۱، ۴۵۷
چمران، مصطفی ۵۳۹، ۵۶۸، ۵۷۳
چهارمحال و بختیاری ۱۵۲، ۱۶۱، ۱۶۳، ۳۱۸، ۴۴۸

ح

حائری، شیخ عبدالکریم ۳۸۲، ۳۸۴، ۴۰۹، ۴۶۰
حائری تهرانی، مهدی ۳۶۶
حائری شیرازی، محی الدین ۴۷۰
حاتم، سپهبد ۶۴
حاج امینی، حسین ۵۴۷
حافظی، مولانا محمد ۲۰۱
حبیب الله محمود، حاج محمد ۱۴۳
حبیبی، حسن ۴۷۰
حج ۱۰۳، ۱۷۲، ۱۸۰، ۱۸۷، ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۴۵ ـ ۲۴۷، ۳۵۴
حجاز ۲۹۱
حجت، سیدمحمد ۳۴۵، ۳۵۱، ۳۸۲

حجتی کرمانی، محمدجواد ۳۱، ۳۷۰، ۳۷۱
حججی، شیخ احمد ۳۸۲
حرکت اسلامی افغانستان ۱۴۳، ۲۶۰، ۲۶۱
حرکت نفاذ فقه جعفری ۱۳۵
حزب اسلامی افغانستان ۱۳۸
حزب‌الله لبنان ۱۳۰، ۲۷۸، ۲۷۹
حزب توده ۴۵۱، ۴۵۷
حزب جمهوری اسلامی ۱۰۶ ـ ۱۱۰، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۹۲، ۴۰۹، ۴۱۰
حزب دمکرات ۱۰۷، ۵۳۳
حزب رستاخیز ۶۲
حزب رنجبران ۱۰۷
حسنی مبارك ۱۹۰، ۲۱۴
حسین، شیخ جعفر ۲۱۵، ۲۳۵
حسین، شیخ منظور ۱۴۳
حسین آباد اصفهان ۳۹۱
حسین الاصغر، حجةالاسلام ۱۴۳
حسینی، سیدجواد ۱۴۰
حسینی، سیدعارف حسین ۱۳۹، ۲۳۵
حسینی، سیدعلی ۱۲۷
حسینی، عزالدین ۵۳۳
حسینی، ملارستم ۱۴۰
حسین بهشتی، سیدمحمد ۱۰۶ـ۱۰۸، ۱۱۱ـ۱۱۳، ۱۱۶، ۲۱۱، ۳۴۹، ۳۵۳، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۵، ۴۱۹، ۴۳۰، ۴۴۰، ۴۵۸، ۴۷۲، ۴۷۳، ۵۳۹
حسینی کاشانی، سیدمحمد ۴۹۲
حسینیهٔ جماران ۱۷۶
حسینیهٔ خواجگان ناوولی ۱۳۵
حسینیهٔ شهدا، قم ۱۴۹، ۲۷۶
حسینیهٔ کشمیران ۱۳۵
حکیم، سیدمحسن ۳۹، ۶۶، ۳۹۱، ۴۳۶
حکیم، سیدمحمدباقر ۲۱۲
حکیم، سیدمحمدعلی ۱۴۳
حکیم، سیدمهدی ۱۴۳
حلبی، شیخ محمود ← ذاکرزاده تولائی
حمزه سیدالشهدا ۱۰۶
حوزه، مجله ۴۰۹
حوزهٔ علمیهٔ اصفهان ۴۵، ۳۲۱، ۳۷۶، ۳۸۲، ۵۸۷
حوزهٔ علمیهٔ امام خمینی، جوانرود ۱۴۰
حوزهٔ علمیهٔ جامع المنتظر ۱۳۵
حوزهٔ علمیهٔ قم ۲۶، ۲۹، ۳۰، ۳۴، ۴۱، ۶۱، ۶۶، ۸۷، ۸۸، ۹۷، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۲۲، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۹۸، ۲۱۰ ـ ۲۱۸، ۲۳۵، ۲۴۲، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۶۵، ۲۷۰، ۳۰۹، ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۳۱ ـ ۳۳۵، ۳۳۸، ۳۴۰، ۳۴۴ ـ ۳۴۶، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۷۶، ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۴ ـ ۳۸۸، ۳۹۴، ۳۹۶، ۴۰۳، ۴۰۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۹ ـ ۴۴۱، ۴۴۵، ۴۴۷، ۴۵۲، ۴۶۱، ۴۶۹، ۴۷۵، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۵۷، ۵۵۸
حوزه علمیهٔ مشهد ۱۵۲، ۲۵۸، ۲۵۹
حوزهٔ علمیهٔ نجف آباد ۳۰

خ

خاتمی، سیدروح‌الله ۱۸۲، ۲۰۷، ۳۲۱، ۳۷۱، ۳۷۴
خاتمی، محمد ۲۴۵
خاتم یزدی، سیدعباس ۳۱۳
خادمی، حاج آقا حسین ۳۲۱، ۳۷۶
خاکفرج قم ۳۰، ۴۱، ۳۹۴، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۶۲
خالد، شیخ حسن ۲۷۰، ۲۷۲
خامنه‌ای، سیدجواد ۵۴۶
خامنه‌ای، سیدعلی ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۷۱، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۱۷، ۳۲۵، ۳۳۴، ۳۶۳، ۳۶۵ ـ ۳۶۷، ۴۴۰، ۴۴۹، ۵۴۶
خامنه‌ای، سیدمحمد ۳۳۴، ۳۶۳، ۳۶۶، ۴۴۹
خامنه‌ای، سیدهادی ۱۶۸ ـ ۱۷۰، ۲۳۵، ۵۰۶
خانم الحاجیه‌سی ۱۳۷
خانیان، اسماعیل ۵۴۷
خانیان، سیدرحیم ۵۳۷، ۵۴۷
خاورمیانه ۱۶۲، ۱۹۵، ۲۱۰، ۲۶۲، ۲۷۴، ۲۹۱
خبرگزاری جمهوری اسلامی (پارس) ۹۰، ۹۲،

۱۲۷، ۱۲۸، ۱۳۷، ۱۴۸، ۲۰۸، ۲۳۲، ۳۱۹، ۵۳۹
خراسان ۱۵۳، ۱۶۵، ۲۱۶، ۲۹۵، ۳۲۶، ۳۷۷، ۳۹۳، ۴۷۰، ۴۹۷
خرامه ۲۵۴
خرم‌آباد ۹۴، ۱۰۱، ۱۵۳، ۳۰۸، ۵۷۷
خرمتائی، علی ۱۲۸
خرمشهر ۱۹۰، ۵۶۹
خزعلی، ابوالقاسم ۲۳۸، ۳۲۲، ۳۷۷، ۴۷۰
خسروآباد آبادان ۳۴
خسروشاهی، سیدهادی ۲۰۰
خسرو نژاد، سیدمحمد ۱۴۵
خسروی محمدعلی ۲۲۵
خضری، قاضی محمد ۱۳۳
خطیبی، سیدمحمدعلی ۷۰
خلاف، کتاب ۱۴۷
خلج ۱۴۰
خلخال ۶۲، ۶۷
خلعتبری، سرهنگ ۴۸، ۵۶
خلیج فارس ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۵۴، ۳۳۴، ۵۷۲
خمین ۳۴
خمینی، سیدمصطفی ۴۳۰، ۴۳۳
الخمینی فی میزان الشریعه ۲۹۱
خواجه‌نوری، سرلشکر عبدالله ۷۰، ۷۴
خواف ۱۴۱
خوانسار ۱۰۴
خوانساری، حجةالاسلام ۲۱۶
خوانساری، سیداحمد ۴۰۹
خوانساری، سیدمحمد تقی ۳۴۵، ۳۵۱، ۳۸۲
خواهر سارا (مسلمان امریکایی) ۱۴۱
خور و بیابانک ۱۵۲
خوزستان ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۹۰، ۳۱۸، ۳۲۰، ۳۵۲، ۴۲۰، ۴۳۸، ۴۹۷
خونین شهر ۱۵۶

د

دارالتبلیغ اسلامی ۴۱۵
دارالشفاء، قم ۹۸
داران ۲۵۴
داکا ۱۲۷
دامغان ۱۰۳
دانشکدهٔ ادبیات دانشگاه تهران ۴۷۱
دانشکدهٔ الهیات و معارف اسلامی ۴۷۹، ۴۸۵
دانشکدهٔ قدس ۲۴۹، ۵۶۲، ۵۶۳
دانشگاه ارومیه ۴۲۲، ۴۹۳
دانشگاه اصفهان ۱۰۵، ۱۰۶، ۴۶۸، ۴۷۶، ۴۸۸
دانشگاه امام صادق‌ع ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۴۱، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۶۲، ۵۶۳
دانشگاه امیرکبیر، (پلی تکنیک تهران) ۲۴۲، ۴۸۸، ۴۹۰، ۵۲۵
دانشگاه اهواز ۴۷۰، ۴۹۶
دانشگاه بوعلی همدان ۴۹۲
دانشگاه تبریز ۴۹۰
دانشگاه تربیت مدرس ۴۷۶، ۴۹۴
دانشگاه تربیت معلم ۴۶۷، ۴۷۶، ۴۸۵، ۴۹۶
دانشگاه تهران ۸۲، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۹۵، ۵۲۳، ۵۲۵، ۵۴۳
دانشگاه داکا ۱۲۷
دانشگاه رازی، باختران ۴۹۱
دانشگاه الزهراء ۴۹۴
دانشگاه سیرالئون ۱۳۵
دانشگاه سیستان و بلوچستان ۴۹۰
دانشگاه شهید بهشتی (ملی) ۴۷۶، ۴۹۳، ۵۲۵
دانشگاه شیراز ۴۷۰، ۴۸۰، ۴۸۶
دانشگاه صنعتی اصفهان ۴۷۶، ۴۹۶
دانشگاه صنعتی شریف ۴۷۶، ۴۹۲
دانشگاه علم و صنعت تهران ۴۹۰
دانشگاه کرمان ۴۷۰، ۴۸۸، ۵۲۶
دانشگاه گیلان ۴۹۳
دانشگاه مازندران ۴۸۷

دانشگاه مشهد ۴۷۰، ۴۹۷
دانمارك ۱۷۹
«دانه یا دام؟»، اعلامیه ۳۴
داوری، غلامرضا ۳۸۰
دبستان شهید عبداللهی ۹۸
دبیرستان امام خمینی سیرالئون ۱۳۵
دبیرستان پروین اعتصامی ۱۰۱
دبیرستان حکیم نظامی، قم ۳۰۴
درجستجوی راه از کلام امام ۴۶۷، ۴۶۸
درهٔ شیلر، کردستان ۵۸۲
دریای عمان ۲۳۸
دری نجف آبادی، قربانعلی ۳۲۶، ۳۸۰
دزفول ۲۷۶، ۳۲۲
دستغیب، سیدعبدالحسین ۳۴۳
دستغیب، سیدعلی اصغر ۳۱۸
دستغیب، سیدعلی محمد ۳۱۸، ۳۲۷، ۴۷۰، ۴۸۶
دفتر آیةالله منتظری ۸۴، ۸۵، ۱۰۲، ۱۱۴، ۱۱۹، ۱۲۹، ۱۳۵، ۲۲۰، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۸۴، ۲۹۲، ۵۰۵
دفتر تبلیغات اسلامی قم ۱۲۸، ۱۴۷، ۴۰۹
دفتر تحکیم وحدت ۹۱، ۳۰۵، ۴۷۶
دفتر جذب نیروهای متخصص خارج از کشور ۲۰۶
دفتر همکاری حوزه و دانشگاه ۴۶۶، ۴۶۹، ۴۷۵
دکتر بنگورا ۱۳۸
دکتر حمیدالدین ۱۲۷
دکتر کارگیو ۱۳۷
دمشق ۲۷۳
دوزدوزانی، عباس ۱۰۰
دومیرودین، محمد ۱۴۳
دووال، اسقف اجن ۸۸، ۸۹
دهاقان ۱۰۵
دهبید شیراز ۲۱۶
دهلی ۱۳۵
دههٔ فجر ۹۸، ۴۷۵
دیوان عالی کشور ۱۰۷، ۲۵۱، ۲۹۲، ۳۲۴، ۴۳۵
دیوان عدالت اداری ۲۰۴، ۴۰۱

ذ

ذاکر زادهٔ تولائی (شیخ محمود حلبی) ۲۴
ذوالجناحِ امام حسین ع ۵۴۳
ذوب آهن اصفهان ۲۱۹

ر

راستی کاشانی، حسین ۳۱۳، ۳۲۴، ۳۹۱
رامهرمز ۱۰۵، ۲۵۴
ربانی املشی، محمدمهدی ۲۰۱، ۲۵۳، ۳۲۴، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۹۳، ۴۴۷، ۴۴۸
ربانی شیرازی، عبدالرحیم ۳۰، ۳۱، ۳۵، ۳۹، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۸۲، ۲۳۴، ۳۳۴، ۳۶۱، ۳۶۶؛ ۳۶۷، ۳۷۷، ۳۹۱، ۳۹۴، ۴۴۱، ۴۴۹، ۴۵۰
رجائی، محمدعلی ۱۰۷، ۱۱۷، ۱۴۱، ۱۶۶، ۳۶۴
رحمانی، محمدعلی ۲۵۴، ۲۷۹
رحیمی، سیدفخرالدین ۹۴
رحیمی، محمدرضا ۳۱۹
رحیمیان، محمدحسن ۲۱۸، ۳۴۷، ۴۱۰
رسائل ۳۶۳، ۴۰۲
رشت ۱۴۳، ۱۶۴، ۲۵۴، ۳۲۶، ۳۴۱، ۴۹۳
رشد معلم، مجله ۵۰۸
رضائی، محسن ۲۴۳
رضاخان ۲۳، ۲۶، ۴۰۲، ۴۶۹
رضوانی، غلامرضا ۴۰۱
رضوی، سیداختر ۱۴۳
رضوی، سیدذوالقدر ۱۴۳
رضوی، سیدسجاد ۱۴۳
رضوی، سیدشاب الحسن ۱۴۳
رضوی، سیدغلامحسین شیر ۱۴۳
رضوی، غلامعباس ۱۴۳
رفسنجان ۵۷۸
رفیقدوست، محسن ۲۰۴، ۲۴۴
روانسر ۱۴۰، ۱۴۱
روحانی، حسن ۴۷۰

روحانی، سیدحمید ۲۳۰
رودبار ۱۴۳
رودسر ۳۲۷، ۵۶۳
روز جهانی قدس ۱۸۷، ۱۸۹، ۲۶۹، ۲۷۵، ۲۷۸
روز جهانی مستضعفین ۱۵۰ ـ ۱۵۷، ۱۶۰، ۱۸۹، ۲۴۴
روز وحدت حوزه و دانشگاه ۲۴۴، ۳۰۵
روشنی تبریزی ۳۹، ۴۱
روم ۱۷۴
رهبر، محمدتقی ۵۳۹
ریاضی، شیخ ابراهیم ۳۵۱، ۳۸۰، ۴۵۹
ریگان، رونالد ۱۱۳، ۱۶۵، ۱۹۵، ۲۷۴

ز

زابل ۱۴۶
زالی، عباسعلی ۲۳۰
زاهدان ۴۹۰
زرند ساوه ۱۰۵
زرندی، حسن ۲۱۶
زرندی، محمدحسین ۴۹۱
زعفرانچی، محسن ۷۰
زمزم، کارخانه ۱۶۴
زنجان ۱۰۳، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۶۵، ۲۵۴، ۳۱۹
زندگی و مبارزات شهید محمد منتظری ۱۰۸
«زنگ خطر»، اعلامیه ۴۶۳
زنگنه، بیژن ۲۳۰
زهرا، حضرت ۳۳۷
الزهراء، مکتب خواهران ۳۰۵
زیمبابوه ۱۷۹
الزین، شیخ احمد ۱۳۳، ۲۷۱

ژ

ژاپن ۱۷۱، ۱۷۹
ژاندارمری ۱۶۲، ۲۳۸، ۲۷۹
ژنو ۲۰۰

س

ساحل عاج ۱۷۹
سارتین، سیدشمیم ۱۴۳
ساری ۱۶۴
سازمان آزادیبخش فلسطین ۲۶۶، ۲۶۷
سازمان امامیه ۱۳۵
سازمان اوقاف ۹۲، ۹۳، ۱۲۲، ۲۳۷
سازمان بازرسی کل کشور ۸۵، ۲۲۴
سازمان برنامه و بودجه ۱۹۹، ۲۰۰
سازمان پیکار ۱۰۷
سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۸، ۱۵۲، ۲۱۷، ۲۹۲، ۵۰۲
سازمان توحید اسلامی لبنان ۲۸۳
سازمان جوانان مسلمان سیرالئون ۱۳۵
سازمان حج و زیارت ۲۴۵
سازمان حج ووحدت اسلامی سیرالئون ۱۳۵، ۱۳۸
سازمان حفاظت محیط زیست ۲۰۶
سازمان روحانیت کردستان ۱۲۹
سازمان فدائیان اکبر ۱۳۵
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ۳۹۱ ـ ۳۹۳
سازمان ملل متحد ۳۵، ۱۲۳، ۱۲۵، ۲۳۱، ۵۶۲
سازمان نصر افغانستان ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۱
سازمان نوسازی و توسعه مدارس کشور ۲۰۷
ساواک ۲۹، ۳۰، ۳۵، ۶۰، ۶۱، ۶۶ـ۶۹، ۱۰۴، ۲۸۰، ۳۰۲، ۳۳۴، ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۹۶، ۴۰۲، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۲۴، ۴۵۲، ۴۵۵، ۵۳۵، ۵۳۸
سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۹۰، ۹۳ـ۹۷، ۱۰۲ـ ۱۰۵، ۱۲۲، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۶۳، ۱۸۹، ۱۹۴، ۲۱۱، ۲۱۴، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۷۹، ۲۹۷، ۳۱۴، ۳۵۸، ۵۳۳، ۵۳۴
ستاد انقلاب فرهنگی ۴۷۳، ۴۷۶، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۸، ۴۹۰ ـ ۵۰۷، ۵۱۰، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۷، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۶۲
ستاد جذب و هدایت کمکهای مردمی به جبهه‌ها ۲۴۴، ۲۷۹
ستاد دهۀ فجر ۳۰۵

ستاد عشایری ایران ۲۱۴، ۲۱۵
سجادی‌زاده، سیدجلال ۳۱۹
سراوان ۱۴۱
سرور، سیدمحمد ۱۴۳
سروش، مجله ۱۶۹، ۱۷۰
سریلانکا ۱۴۱، ۱۷۱، ۱۷۹
سعیدی، سیدمحمدرضا ۴۵، ۳۹۴، ۴۴۸، ۴۶۲
سقز ۶۰ ـ ۶۲، ۶۴، ۶۷، ۷۰، ۱۲۸، ۱۳۸، ۳۶۴، ۴۲۲، ۴۴۰، ۵۷۸
سلامتی، محمد ۲۰۷
سلطانی، غلامرضا ۴۹۱
سلطانی، یحیی ۴۹۶
سلیمانی، عباسعلی ۴۸۷
سمنان ۳۱، ۱۰۱، ۱۴۱، ۳۰۵، ۴۳۹
سمیرم ۱۰۱، ۱۶۱، ۱۶۳، ۲۵۰
سنگال ۱۷۱، ۱۷۹
سنندج ۶۴، ۷۰، ۱۰۰، ۱۲۷، ۲۱۵، ۳۴۶، ۴۱۷، ۵۷۹
سوئد ۱۵۶، ۱۷۹
سوئیس ۱۷۱، ۱۷۹
سودان ۱۸۴، ۲۵۵، ۳۳۴
سوریه ۹۸، ۱۳۸، ۱۴۶، ۱۵۵، ۱۷۱، ۱۷۹، ۱۹۰، ۲۷۱، ۲۷۲ ـ ۲۷۴، ۲۷۸، ۲۸۳، ۴۳۶
سومالی ۱۳۷
سیاهکل ۱۰۵
سیرالئون ۱۳۷، ۱۷۹
سیرجان ۲۲۵
سیستان و بلوچستان ۱۴۲، ۱۴۶، ۲۱۷، ۴۱۹
سیوطی ۴۵۴

ش

شادآباد ۱۰۳
شارجه ۲۱۱
شاه؛ محمدرضا؛ آریامهر؛ پهلوی ۱۹، ۲۳، ۲۴، ۲۶، ۲۷، ۲۹ ـ ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۶۰ ـ ۶۲، ۶۴، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۴، ۷۸، ۸۹، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۵۷، ۱۶۵، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۳۴، ۲۴۷، ۳۰۲، ۳۰۹، ۳۴۸، ۳۵۰، ۳۵۴، ۳۶۶، ۳۹۰، ۳۹۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۲۲، ۴۲۴، ۴۳۳، ۴۳۷، ۴۴۶، ۴۴۸، ۴۵۵، ۴۶۲، ۴۷۹، ۴۸۰، ۵۲۴، ۵۳۷
شاه‌آبادی، محمدمهدی ۱۴۰
شاه بختی، حسن ۵۳، ۵۶
شاهد، مجله ۴۸۴
شاهرود ۵۷۹
شاهین، معاون ساواک ۳۵
شب زنده‌دار شیرازی، حجةالاسلام ۲۳۵
شبستر ۲۵۴
شرعی، محمدعلی ۲۱۷
شرکت آماس تهران ۱۰۵
شرکت ایران بیت ۵۳۸، ۵۴۶
شرکت ریسکاریزد ۱۰۵
شرکت واحد ۵۳۸، ۵۳۹
شریعتمداری، سیدکاظم ۳۳۰، ۴۱۴
شریعتمداری، علی ۴۷۰
شریعتی، دکترعلی ۶۷
شریفی، دکتر ۹۴
شعبان، شیخ سعید ۲۵۴، ۲۸۳
شفیعی، سیدعلی ۴۷۰
شلتوت، شیخ محمود ۱۴۵، ۱۸۳
شمس‌الدین، شیخ مهدی ۲۵۴، ۲۷۰، ۲۷۲
شمیران ۳۵
شورای انقلاب ۳۶۸، ۴۱۹، ۴۵۵، ۵۳۳
شورای انقلاب فرهنگی ۴۸۳
شورای سلطنت ۴۴۲
شورای عالی تبلیغات ۱۲۵
شورای عالی دفاع ۹۷، ۱۰۲
شورای عالی قضایی ۱۹۳ ـ ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۳۰۸ ـ ۳۱۴، ۳۲۵، ۳۴۱، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۴۲، ۵۵۸
شورای عالی کشاورزی ۲۲۸

شورای مرکزی ائمهٔ جمعه ۲۰۷، ۲۰۸
شورای مرکزی جهاد سازندگی ۲۲۹
شورای مرکزی شیعیان ماداگاسکار ۱۳۵
شورای نگهبان ۱۳۸، ۲۳۸، ۳۲۲، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۶۰، ۳۷۱، ۳۷۷، ۴۳۹، ۵۵۸
شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی ۱۲۵، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۴
شوروی؛ روسیه ۲۳، ۲۶، ۱۸۶، ۱۹۷، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۷، ۲۵۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۹۱، ۴۲۱، ۵۱۳
شوش ۲۵۴
شهرکرد ۳۴، ۱۴۰، ۳۸۱، ۴۴۸، ۵۸۰
شهری کندی، ملاکریم ۱۳۳
الشهید، مجله ۲۹۲
شهید جاوید ۶۸
شیخ الاسلام‌زاده، حسین ۱۹۹
شیخ راغب حرب ۲۲۴
شیخ صدوق ۵۲۹
شیخ طوسی ۱۴۷، ۳۸۷، ۳۸۸
شیخ عماد تیجان ۱۳۷
شیخ کفتارو ۱۴۶، ۱۴۷
شیراز ۴۷، ۵۴، ۲۸۶، ۲۸۷، ۳۰۵، ۳۶۷، ۵۸۰
شیرازی، ابوالحسن ۳۲۴، ۴۰۲
شیرازی، سیدعبدالله ۲۴۹
شیرازی، میرزا علی آقا ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۵
شیرازی، میرزا محمد تقی ۱۸۳
شیرازی، میرزا محمد حسن ۳۷۸، ۴۰۹
شیروخورشید سرخ ۴۴

ص

صادقی اردستانی، احمد ۱۰۸
صافی، دکتر ۹۴
صالحی، مصطفی ۳۱۹
صانعی، حسن ۴۴۷، ۴۴۸
صانعی، یوسف ۲۱۹، ۳۱۳، ۳۲۴، ۴۰۶، ۴۷۲
صبح آزادگان، روزنامه ۵۳۹
صبحی الطفیلی ۲۷۸
صحنه ۱۴۰
صدام حسین ۹۰، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۳۷، ۱۵۹، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۷۳، ۱۸۷، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۶، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۴۰۵، ۴۳۷، ۴۵۶
صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ۱۱۳، ۲۰۴، ۲۸۲، ۲۹۹، ۳۴۰، ۴۵۴
صدر، سیدصدرالدین ۳۴۵، ۳۵۱، ۴۵۹
صدر، سیدموسی (امام موسی) ۸۸، ۱۲۱
صدوقی، آیةالله محمد ۱۴۶، ۲۴۹، ۳۲۲، ۳۴۳، ۳۵۹، ۳۶۰، ۴۰۹، ۴۵۸
صدوقی، محمدعلی ۲۴۹
صلاح‌الدین ایوبی ۲۳۳، ۲۸۴
صلیبیها ۲۳۳، ۲۵۰
صمدی یزدی، بهمن ۵۲۵
صومعه‌سرا ۱۰۵
صهری، سیدجمال‌الدین ۲۸
صهیونیسم؛ صهیونیست؛ صهیونیستی؛ صهیونیستها ۸۹، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۲۳، ۱۴۴، ۱۴۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۸۲، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۴، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۶۲، ۲۶۴ ـ ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۰، ۲۹۱، ۳۳۶، ۳۵۸، ۴۲۱، ۴۳۷
صیاد شیرازی، علی ۱۰۲، ۲۴۳
صیدا ۱۲۹، ۲۷۱

ض

ضرابی، امیرعلی ۷۰

ط

طائف ۱۰۴، ۱۴۴، ۲۱۶
طالقانی، سیدمحمود ۷۸، ۳۳۵، ۴۵۰، ۴۵۸، ۵۳۷، ۵۳۹، ۵۴۵، ۵۵۷

طاهر آباد ۱۰۵
طاهری، حجةالاسلام ۴۷۰
طاهری، سیدجلال‌الدین ۱۵۲، ۱۸۲، ۲۰۷، ۲۲۲، ۳۲۴، ۳۹۱، ۴۱۰، ۴۱۱
طاهری، محمدحسن ۴۹۴
طاهری خرم آبادی، سیدحسن ۱۲۲، ۳۷۱
طباطبائی، سیدمحمدحسین (علامه) ۳۴۹، ۳۶۲، ۳۷۸، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۸۸، ۳۸۹، ۴۲۶
طباطبائی، سیدمهدی ۲۱۰
طبس ۶۲، ۶۶ـ۶۸، ۷۰، ۲۲۵، ۲۳۸، ۳۶۴، ۳۷۰، ۳۸۱، ۳۹۰، ۴۰۶، ۴۰۹، ۴۶۹
طرابلس ۱۴۳، ۲۸۳
طراز جان یزد ۲۴۲
طوفان، گروهك ۴۵۱
طایب، حبیب ۱۴۳

ع

عارفی، سرهنگ ۵۳، ۵۶
عاشوری، ابراهیم ۳۱۹
عالم، جعفر ۴۹۶
عبائی، محمد ۱۴۷
عبادی، سیدمهدی ۴۹۰
عباس، شیخ ظفر ۱۴۳
عبدالله علی، عیسی ۱۴۱
عبده، شیخ محمد ۱۸۳
عجب‌شیر ۵۸۱
عدل الهی ۳۸۴
عراق ۳۴، ۶۱، ۹۷، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۵، ۱۲۰، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۱، ۱۷۳، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۱۲، ۲۲۵، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶، ۲۵۵، ۲۵۹، ۲۹۱، ۳۱۴، ۳۴۱، ۳۵۸، ۳۹۱، ۳۹۷، ۴۲۲، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۴۹
عرب، محمد ۱۹۹
عربستان سعودی ۹۹، ۱۳۷، ۱۶۹، ۱۹۰، ۲۱۴، ۲۴۶، ۲۴۷، ۳۴۲، ۴۳۶، ۴۳۷
عروج به ملکوت در مهر خون ۳۴۳
عروةالوثقی ۳۲۰، ۴۳۳، ۴۳۶
عزیزی، احمد ۱۹۹، ۲۶۹
عسگراولادی، حبیب‌الله ۹۲
علامهٔ حلی ۳۸۷
علویجه ۱۶۴، ۲۵۰
علی آباد کتول ۱۴۰، ۱۶۳
علی اکبر، حضرت ۱۱۰، ۱۱۳
علی بن ابی‌طالب ع ۹۰، ۹۷، ۱۰۶، ۱۱۸، ۱۴۷، ۱۸۹، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۷۸، ۳۰۵، ۳۴۵، ۳۵۶، ۳۸۱، ۴۰۰، ۴۴۵، ۴۷۳، ۵۳۳، ۵۳۹
علیگره ۱۵۲
عمان ۲۶۶
عمر یحیی، محمد ۱۳۳
عمید زنجانی، عباسعلی ۱۸۲
عید غدیر خم ۲۹۵

غ

غرائب الجزایری ۱۹۷
غرضی، محمد ۲۰۷
غرق آباد ساوه ۲۵۴
غروی، احمد ۴۹۰
غزالی، امام محمد ۳۵۳
غفاری، محمد تقی ۶۹، ۷۴
غفوری، سیدعلی ۵۴
غنا ۱۷۹
غیوری، سیدعلی ۴۷، ۴۸، ۲۵۰

ف

فارس ۳۱۸، ۴۱۶
فاس ۱۲۵، ۲۰۲
فاضل لنکرانی، محمد ۳۱۳، ۳۳۰، ۴۱۴
فاضل هرندی، محی‌الدین ۱۹۸، ۲۰۱، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۵، ۳۲۶، ۴۱۶، ۴۸۷
فاکر، محمدرضا ۴۷۰
فالانژ، حزب ۲۶۶، ۲۶۷
فتح‌المبین، عملیات ۱۵۶

فخر مدرس، سپهبد ۶۴، ۷۴
فخری، ملااحمد ۱۴۰
فرانسه ۸۸، ۱۳۷، ۱۵۶، ۱۷۹، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۶۴، ۵۳۷
فردوسی‌پور، اسماعیل ۴۹۴
فرزند اسلام و قرآن ۱۰۷
فرعون ۷۴
الفرقان، مجله‌ای در پرتغال ۱۳۵، ۱۴۳
فرودگاه اورلی ۴۲۲
فری‌تاون، شهر ۱۳۷
فریدونشهر ۱۰۰
فریمان ۱۶۹
فسا ۱۰۵
فشارکی، سیدمحمد ۴۰۹
فضل‌الله، سیدمحمدحسین ۱۵۶، ۲۷۰، ۲۷۲
فطانی ۹۹، ۱۱۵
فقه جعفری ۱۲۶
فقهی، محمدهادی ۱۴۲
فلسطین ۶۸، ۸۸ ـ ۹۰، ۹۹، ۱۱۵، ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۳، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۸۹، ۱۹۲، ۱۹۷، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۴۶، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۴، ۲۵۹، ۲۶۴ ـ ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۳، ۲۸۴، ۵۶۲، ۵۶۳
فلسفی، محمد تقی ۲۸
فهد، بن عبدالعزیز ۱۲۳، ۲۱۴، ۳۴۲
فهیم کرمانی، مرتضی ۴۷۰
فیجی ۱۷۹
فیض گیلانی، محمدعلی ۴۹۴
فیلیپین ۸۸، ۹۰، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۶، ۳۶۹، ۴۳۶، ۴۷۶، ۵۱۹

ق

قائمی آبادانی، عبدالرسول ۳۵۹
قائنات ۴۱۷
قادری، ملاقادر ۱۴۰، ۱۴۲
قاسمی، حجةالله ۴۸۸
قاضی، سیدمجدالدین ۱۸۳، ۳۲۲
قاضی، مهدی ۹۴، ۲۵۰
قاموس قرآن ۴۲۲
قانون اساسی ۶۴، ۶۶، ۱۳۳، ۲۰۴، ۲۰۹، ۲۷۶، ۲۷۸، ۳۱۱، ۳۲۳، ۳۷۵، ۳۸۷، ۴۰۷، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۲۵، ۴۳۳ ـ ۴۳۵، ۴۵۸، ۵۶۶
قبصه، دکتر محمد ۱۳۸
قدس ۸۹، ۹۹، ۱۲۳، ۱۴۱، ۱۵۵، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۶۵، ۱۸۴، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۰۵، ۲۳۱، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۷۲، ۲۷۴، ۵۶۳، نیز ← روز جهانی قدس
قدوسی، علی ۳۳۴، ۳۶۶، ۴۴۹
قدوسی، محمدمهدی ۴۹۰
قرآن ۲۴، ۲۷، ۶۱، ۶۹، ۹۱، ۹۶، ۹۸، ۱۰۱، ۱۰۷، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۵، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۵ ـ ۱۸۰، ۱۸۴، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۳، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶ ـ ۲۳۸، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۹، ۲۸۶، ۳۰۲، ۳۰۶، ۳۱۱، ۳۳۶، ۳۳۸، ۳۴۲، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۵۶، ۳۶۳، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۵، ۳۹۰، ۴۰۰، ۴۱۰، ۴۲۳، ۴۷۳، ۴۷۷، ۴۷۸، ۵۰۵، ۵۱۸، ۵۲۶، ۵۲۸، ۵۵۸، ۵۶۰، ۵۸۰
قروهٔ کردستان ۱۰۵، ۵۸۱
قریشی، سیدعلی‌اکبر ۳۲۶، ۴۲۲، ۴۹۳
قزل قلعه، زندان ۳۵، ۴۸، ۳۹۱
قزوین ۱۴۱، ۱۶۵، ۴۹۲
قزوینی، شیخ هاشم ۳۷۷
قصر، زندان ۴۴
قطب زاده، صادق ۴۴۱
قطر ۱۷۱، ۲۱۱
القلم، مجله ۱۳۵
قم ۳۰، ۳۹، ۴۵، ۴۷، ۵۳، ۶۱، ۶۶، ۶۹، ۸۵، ۹۱، ۹۳ ـ ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۸، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۶۰،

۱۶۱ ـ ۱۶۵، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۶، ۲۰۷، ۲۱۱ ـ
۲۱۹، ۲۳۲، ۲۳۸، ۲۵۱، ۲۶۶، ۳۰۰، ۳۰۴،
۳۰۵، ۳۰۹، ۳۱۶، ۳۲۱، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۳۳،
۳۳۵، ۳۴۳، ۳۴۵، ۳۴۹ ـ ۳۵۵، ۳۵۷، ۳۶۲ ـ
۳۷۳، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۸۰ ـ ۳۸۳، ۳۸۸، ۳۹۴،
۳۹۵، ۴۰۲، ۴۱۵ ـ ۴۱۸، ۴۲۱، ۴۲۴، ۴۲۶ ـ
۴۲۸، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۹، ۴۴۱، ۴۴۳، ۴۴۵،
۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۹ ـ ۴۶۱، ۴۶۸،
۴۷۰، ۴۸۵، ۴۸۷، ۴۹۰، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۹،
۵۰۴، ۵۲۴ ـ ۵۲۶، ۵۴۳، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۸۲
قوچان ۳۲۷
قهدریجان ۲۵۴
قهرود کاشان ۱۰۵

ک

کاخ سفید ۱۵۵، ۴۲۹
کازرون ۱۰۵، ۴۶۳
کازرونی، سراج الدین ۱۹۹
کاشان ۱۰۴، ۳۰۵، ۳۴۴، ۳۶۵، ۴۵۹، ۴۶۱، ۴۶۳،
۴۹۲، ۵۴۶
کاشانی، سیدابوالقاسم ۳۳۶، ۳۷۸
کاشف الغطاء، محمدحسین ۱۸۳
کاشمر ۲۵۹
کاظمی، سیدحسین ۷۰
کاملان، محمدصادق ۴۹۷
کامیاران ۱۴۰
کانادا ۱۴۱، ۴۸۱، ۵۱۹
کاندا ۱۷۱، ۱۷۹
کانون اسلامی دانشجویان مسلمان ایرانی ۱۳۷
کبوترآباد ۱۶۴
کتابخانهٔ اسلامی داکا ۱۳۵
کتابخانهٔ دکتر شریعتی بندرعباس ۱۴۲
کتاب خمس ۳۸۵، ۳۹۸، ۴۲۹، ۴۴۰
کتاب زکاة ۳۸۵
کراچی ۱۳۹، ۱۴۳
کربلا ۱۹۳، ۳۳۵
کرج، ۲۵۴، ۳۱۹، ۴۹۱
کردستان ۶۰، ۶۱، ۹۱، ۹۳، ۱۰۲، ۱۲۷، ۱۲۹،
۱۳۸، ۲۰۵، ۲۰۷، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۳۳،
۲۸۴، ۲۸۶، ۳۴۶، ۴۱۷، ۴۱۹، ۴۵۷، ۵۳۳،
۵۳۴، ۵۸۲
کرمان ۱۴۰، ۱۴۱، ۲۰۴، ۴۳۰، ۴۷۵، ۴۷۹، ۵۸۳
کرند غرب ۱۴۰
کروبی، مهدی ۱۶۱، ۱۶۳، ۲۰۵، ۲۶۷ ـ ۲۷۳،
۳۲۷، ۴۲۳، ۴۲۷
کریستیان ساینس مانیتور، نشریه ۳۰۰
کریمی مازندرانی، سیدجعفر ۲۵۰
کشف الاسرار ۳۵۰
کعبه ۳۵۶
کفایة الاصول ۳۸۴
کلاسکو ۱۷۱
کلاله ۱۴۱
کلاوشهریار ۱۰۳
کلمبو ۱۴۱
کمپ دیوید ۱۲۳، ۲۰۲
کمیتهٔ امداد امام خمینی ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۰۵
کمیتهٔ امور صنفی ۱۵۲
کمیتهٔ انقلاب اسلامی ۱۴۶، ۱۹۴
کمیتهٔ میلاد وانائی ۱۳۵
کمیل بن زیاد ۳۸۱
کنگان ۱۴۱
کنگرهٔ جهانی ائمهٔ جمعه و جماعت ۱۴۳، ۱۶۶،
۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴ـ۱۸۳، ۱۸۷ ـ ۱۸۹،
۳۱۸، ۳۵۷، ۳۷۵، ۴۰۰، ۴۱۳
کنیا ۱۷۹
کوبا ۱۹۹
کوثر، مکتب خواهران تهران ۳۰۵
کوچك زاده، علی ۱۶۱، ۱۶۲
کوراسا ۱۷۹
کومله ۱۰۷، ۵۳۳
کوهرنگ ۳۹۴، ۴۴۸

کویت ۱۶۲، ۱۷۱، ۱۷۹، ۲۱۱، ۲۳۶، ۲۳۷
کیسینجر، هانری ۱۰۴، ۱۴۴، ۲۱۶
کیش، جزیره ۳۸۱

گ

گرگان ۱۹۳، ۱۴۰، ۳۲۷، ۴۴۴
گلباف ۲۳۵
گلپایگان ۹۳
گلپایگانی، آیةالله‌العظمی سیدمحمدرضا ۱۲۶، ۱۷۷، ۳۱۴
گلسرخی، رضا ۱۴۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۴۸۶، ۴۸۷
گلشنی، دکتر ۴۷۲
گله‌دار ۱۴۱
گناوه ۱۴۱
گنبدکاووس ۱۲۸، ۲۰۴
گیلان ۱۰۱، ۱۶۱، ۱۶۳، ۳۴۱
گیلان غرب ۱۴۰

ل

لارستان ۱۴۰
لاریجانی، محمدجواد ۴۷۲
لاهوتی، حسن ۴۵۰
لاهیجان ۱۶۳
لبنان ۶۶، ۹۹، ۱۲۱، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۸، ۱۵۵ ـ ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۱، ۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۴، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۷، ۱۹۸، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۶، ۲۴۶، ۲۵۴ ـ ۲۵۷، ۲۶۲ ـ ۲۷۳، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۹، ۲۸۳، ۳۳۶، ۴۲۳
لشکری، محمد ۴۹۲
لطفی، حجةالاسلام ۲۳۸
لمعه ۳۴۲، ۳۴۴
لنجان ۳۴
لندن ۱۳۵، ۱۳۹، ۱۴۳
لیبی ۸۸، ۹۹

م

مادرشاهی، سادات ۲۱۱
مازندران ۱۴۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۲۵۴، ۳۱۹، ۳۶۲، ۴۴۴
مالاوی ۱۷۹
مالزی ۱۴۳، ۱۷۱، ۱۷۹
مالك اشتر ۲۴۳، ۲۷۸، ۳۸۹
مالك بن انس ۵۴۳
مالی ۱۷۹
مانه و سلطان بجنورد ۱۳۰
ماهر حمود، شیخ ۱۲۹
مبارکه ۲۵۴
مبلغین مسیحی ۲۱۴
مجاهدی، شیخ محمدعلی ۱۰۰
مجاهدین افغانی ۱۴۳
مجتمع آموزشی عالی قزوین ۴۹۲
مجتمع تبلیغ قرآن هند ۱۳۵
مجتمع پزشکی قدس تهران ۴۹۶
مجتمع دانشگاهی علوم اداری و بازرگانی تهران ۴۹۳، ۴۹۴
مجتمع علوم انسانی تهران ۴۹۱
مجتمع فنی-مهندسی ۴۷۶، ۴۹۵
مجتهدی، محمد حسین ۳۲۷
مجلس اعلای اسلامی سیرالثون ۱۳۵
مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق ۱۳۸، ۲۱۲
مجلس خبرگان ۲۰، ۱۴۳، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۱۰، ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۲۵، ۳۲۷، ۳۳۲، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۴، ۳۴۷، ۳۵۲، ۳۶۰، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۸، ۳۷۱، ۳۷۵ ـ ۳۷۷، ۳۸۸، ۳۹۱، ۳۹۳، ۴۰۱، ۴۰۳، ۴۰۶، ۴۱۰، ۴۱۴ ـ ۴۱۶، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۳، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۴، ۴۴۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۵۳۳، ۵۳۸، ۵۶۶
مجلس شورای اسلامی ۸۵، ۹۴، ۹۶، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۳، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۴۰، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۶۹، ۱۸۹، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۹، ۲۱۳، ۲۱۹، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۳۵، ۲۵۰ ـ ۲۵۲، ۲۶۹، ۲۷۲، ۲۹۲، ۲۹۷، ۳۰۶،

۳۱۰، ۳۲۴ ـ ۳۲۷، ۳۳۲، ۳۳۹، ۳۵۸، ۳۸۰،
۳۹۳، ۴۱۶، ۴۲۰، ۴۲۳، ۴۳۶، ۴۴۷، ۴۵۸،
۴۷۲، ۴۹۱، ۵۲۰، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۵۸
مجلس عالی شیعیان لبنان ۲۵۴، ۲۷۲
مجلسی، محمدباقر ۱۴۷
مجمع اسلامی برلین غربی ۱۳۵
مجمع جهانی حرکت اسلامی دانشجویان ۵۱۸
محبان ولی عصر بابل ۱۰۵
محتشمی پور، علی اکبر ۲۷۸
محفوظی، عباس ۴۹۵، ۵۲۳
محقق داماد، سیدمحمد ۳۸۴، ۳۸۷، ۴۴۰، ۴۴۲،
۴۴۳، ۴۵۹، ۴۶۰
محقق داماد، سید مصطفی ۸۵، ۲۲۴، ۴۷۰
محلاتی، فضل الله ۹۵
محمدبن ادریس شافعی ۵۴۳
محمدی، حسین ۲۵۴
محمدی، عبدالله ۲۲۲، ۳۱۹
محمدی ری شهری، محمد ۲۵۴
محمدی گیلانی، محمد ۲۵۰، ۳۲۴، ۴۲۹، ۴۷۲،
۵۰۴، ۵۰۵، ۵۲۴، ۵۲۶، ۵۲۷
محمود آباد ۲۲۵
مدرس، سیدحسن ۳۷۸
مدرسهٔ جدهٔ بزرگ، اصفهان ۳۶۰
مدرسهٔ حاجی، قم ۳۴۲
مدرسهٔ حجتیه، قم ۲۱۰، ۴۲۳
مدرسهٔ حقانی، قم ۶۸
مدرسهٔ رفاه، تهران ۴۴۱
مدرسهٔ عالی شهید مطهری ۴۷۲
مدرسهٔ عالی علوم کاشان ۴۹۲
مدرسهٔ علمیهٔ جامع التدریس دهلی ۱۳۵
مدرسهٔ علمیهٔ شرف العلوم دهلی ۱۳۵
مدرسهٔ علوم دینی شیخ شلتوت ارومیه ۱۳۳
مدرسهٔ فیضیه، قم ۶۲، ۶۸، ۷۰، ۹۸، ۱۶۶، ۲۴۲،
۳۰۹، ۳۱۲، ۳۲۷، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۸۴، ۴۱۲،
۴۶۱
مدرسهٔ مروی، تهران ۳۶۲
مدنی، سیداحمد ۱۴۲
مدنی، سیداسدالله ۲۷۷، ۳۴۳، ۴۵۸
مدینه ۱۰۶، ۳۴۶
مراکش ۱۶۲، ۱۷۹، ۱۸۴، ۲۳۱، ۳۳۴
مردم، نشریه ۳۰
مرسلی، مصطفی ۴۹۲
مرعشی نجفی، آیةالله سید شهاب الدین ۱۲۶،
۱۷۷، ۱۷۸
مرکز اتحاد اسلامی، برزیل ۱۳۵
مرکز اسناد انقلاب ۲۳۰
مرکز بزرگ اسلامی ۴۲۳
مرکز جماعت اهل سنت نروژ ۱۳۵
مرکز علوم پزشکی ۴۸۷
مرکز مطالعات مدیریت ایران ۵۶۱
مرکزی، استان ۱۰۲، ۴۱۴
مروج، محمد ۳۲۷
مروی، هادی ۲۲۴، ۲۵۰، ۲۵۴
مروی سماورچی، محمود ۴۹۳
مریوان ۹۳
مسجد اعظم قم ۹۹، ۴۳۵، ۴۶۷
مسجد الاقصی ۹۸، ۱۵۹، ۱۸۰، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۳،
۲۵۰، ۲۷۴، ۲۷۵، ۵۶۳
مسجد امام محمد باقر، اصفهان ۱۶۴
مسجد بازار نجف آباد ۳۵۰، ۳۹۱
مسجد جامع آق قلا ۱۴۰
مسجد جامع برزیل ۱۳۵
مسجد جامع سنندج ۴۱۷
مسجد جامع نجف آباد ۳۶۷
مسجد جمکران، قم ۴۲۲
مسجد ریجنتر پر، لندن ۱۳۹
مسجد سلیمان ۳۴، ۶۱، ۷۰، ۳۵۴
مسجد عشقعلی، قم ۳۴۴
مسجد الفتاح اصفهان ۱۰۳
مسجد قبا، بندر ترکمن ۱۴۰

مسجد کرمان ۴۶۳
مسجد منتظری، تهران ۱۶۴
مسعودیان، قربانعلی ۶۹
مسیح؛ مسیحیت؛ عیسی؛ مسیحی ۸۹، ۱۴۴، ۳۳۶، ۴۲۲
مشروطیت ۳۳۶، ۳۴۸
مشکین شهر ۵۴۶
مشکینی اردبیلی، علی ۴۷، ۵۴، ۸۲، ۱۰۰، ۱۰۲، ۲۰۷، ۲۵۰، ۳۰۱، ۳۲۱، ۳۳۴، ۳۴۳، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۸۱، ۴۰۸، ۴۱۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۹، ۴۶۲، ۵۴۶، ۵۶۲
مشهد ۱۰، ۳۴، ۴۷، ۵۴، ۶۸، ۱۰۱، ۱۵۳، ۱۶۱، ۲۶۰، ۳۲۴، ۳۶۳ ـ ۳۶۷، ۳۷۰، ۳۷۷، ۴۰۳، ۴۲۶، ۴۳۵، ۴۴۰، ۴۹۷، ۵۴۶، ۵۶۳، ۵۸۳
مصباح زاده، الحاج شیخ عباس ۱۴۳
مصباح یزدی، محمد تقی ۳۳۴، ۳۶۶
مصدق، محمد ۵۳۹
مصر ۱۳۷، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۹، ۱۸۴، ۱۹۰، ۲۱۴، ۲۳۱، ۲۹۱
مطهری، مرتضی ۱۱۱، ۲۴۲، ۲۷۷، ۳۱۶، ۳۳۲، ۳۴۴ ـ ۳۴۶، ۳۴۹ ـ ۳۵۱، ۳۵۳، ۳۵۶، ۳۵۹، ۳۶۲، ۳۶۵، ۳۷۲، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۸۱ ـ ۳۸۴، ۳۸۷، ۳۸۹، ۳۹۵، ۴۰۷، ۴۱۲، ۴۱۴، ۴۲۶، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۵۹ ـ ۴۶۱، ۴۶۳، ۴۷۲، ۴۷۳، ۵۸۳
مظفری، سیروس ۵۳، ۵۶
معادیخواه، عبدالمجید ۱۲۳، ۱۲۵، ۱۵۰، ۱۵۳، ۱۵۷، ۱۶۸، ۱۶۹
معاودین عراقی ۲۰۶
معصومه، حضرت ۴۷، ۵۳، ۹۸، ۹۹، ۲۱۳، ۳۰۴
معصومی، علی اصغر ۲۱۶
معینی، حسن ۵۴۷
معینی، علی ۵۴۷
مفتح، محمد ۹۳، ۱۱۱، ۴۴۸، ۳۷۰، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۶
مقتدائی، مرتضی ۱۹۹، ۲۰۶
مقدس اردبیلی ۳۳۸
مقدسی اصفهانی ۴۱۶
مقدم مراغه‌ای ۴۱۶
مکارم شیرازی، ناصر ۲۱۷
مکتب فاطمیه، دامغان ۱۰۱
مکه ۶۸، ۱۰۶، ۲۰۵، ۲۴۵، ۳۴۶، ۳۵۳، ۳۵۶، ۴۳۳
ملاصدرا ۳۸۸
ملاوی لرستان ۹۴
ملك حسین ۲۷۴
ملك مدنی، محمد حسن ۲۵۴
ملکوتی، مسلم ۱۳۷، ۱۸۳، ۲۰۷، ۲۲۰، ۲۲۲
مناظرهٔ مسلمان و بهائی ۲۵
منامه ۱۷۱
منافقین، گروهك ۱۰۷، ۱۱۴، ۱۳۹، ۱۶۳، ۳۰۲، ۳۰۴، ۳۷۰، ۴۲۵، ۴۴۶، ۴۵۱، ۴۵۷، ۴۷۹، ۵۱۶، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۵
منتظری، احمد ۴۱، ۴۴، ۴۵
منتظری، حاج علی ۲۹، ۳۴۹، ۵۴۶
منتظری، محمد ۲۹، ۴۱، ۴۵، ۵۳، ۶۰، ۱۰۷ ـ ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۶۴، ۳۳۴، ۳۶۹، ۳۷۲، ۳۹۴، ۴۲۸، ۴۳۰، ۴۳۶، ۴۴۴، ۴۴۹، ۴۵۶
منساری، اهل سیرالثون ۱۳۷
منصور، مولوی نصرالله ۱۴۳
منظومهٔ سبزواری ۳۸۸، ۳۹۳، ۴۴۸
منیر شفیق ۸۹
موحدی کرمانی، محمدعلی ۳۲۵، ۳۷۱، ۴۳۰، ۴۹۱
موحدی کرمانی، محمد مهدی ۱۸۳
مودودی، ابوالاعلی ۱۸۳
مورو ۱۱۵
موسوی، امام جمعهٔ بمبئی ۱۴۸
موسوی، سیدحسین (ابوهشام) ۱۲۱، ۲۷۸
موسوی، سید موسی ۹۱، ۱۳۸، ۲۱۸
موسوی، میرحسین ۱۲۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۲۲۸

موسوی اردبیلی، عبدالکریم ۳۱۳، ۳۲۴، ۳۷۱
موسوی بجنوردی، سیدمحمد ۲۵۰، ۳۲۵، ۴۳۳
موسوی تبریزی، سیدابوالفضل ۴۹۵
موسوی تبریزی، سید حسین ۲۰۶
موسوی تبریزی، سید محسن ۱۶۵، ۴۹۳، ۵۲۵
موسوی جروکانی، سید مرتضی ۴۹۶
موسوی جزایری، سیدمحمدعلی ۱۶۹، ۳۲۵، ۴۳۸، ۴۷۰
موسوی خوئینی‌ها، سیدمحمد ۳۲۷
مولانا حمایةالدین ۱۲۷
مولانا سمیرالدین ۱۲۷
مؤمن، محمد ۲۰۶، ۲۳۸، ۵۲۵، ۳۷۱، ۴۳۹، ۴۴۱
مهاباد ۱۳۳، ۱۳۸، ۵۸۴
مهدوی کنی، اسدالله ۵۴۶
مهدوی کنی، محمدرضا ۱۴۶، ۳۱۳، ۴۵۰، ۴۷۲، ۵۴۶، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۲، ۵۶۴، ۵۵۷
میدان محمدیه، تهران ۱۵۴
میدل ایست، نشریه ۳۰۰
میرسلیم، مصطفی ۲۵۴
میرمحمدی، سیدابوالفضل ۴۴۲
میلانی، سیدهادی ۶۸، ۳۷۲، ۳۷۶
میمه ۵۸۴

ن

نائین ۳۳۴، ۳۳۹
نادی، غلامحسین ۳۵۸
ناصرالدین شاه ۳۷۹
نپال ۱۷۹
نجف آباد ۲۳، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۵، ۳۹، ۴۱، ۴۴، ۴۵، ۶۱، ۶۷، ۹۳، ۱۰۵، ۱۰۷، ۱۶۴، ۳۱۶، ۳۲۲، ۳۳۲، ۳۳۹، ۳۴۷، ۳۴۹، ۳۵۲، ۳۵۲، ۳۵۸، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۸۰، ۳۸۲، ۳۸۶، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۴، ۴۱۷، ۴۲۴، ۴۳۸، ۴۴۰، ۴۴۲، ۴۴۸، ۴۵۵، ۵۴۶، ۵۴۷
نجف آبادی، حاج سیدعلی ۴۴
نجف آبادی، حاج سیدهاشم ۳۶۳
نجف آبادی، حاج شیخ محمد حسن ۳۷۶
نجف آبادی، حاج عشقعلی ۳۵، ۳۹
نجف اشرف ۳۵، ۳۲۵، ۳۴۳، ۴۰۲، ۴۱۴، ۴۳۳، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۸
نجفی، محمدعلی ۴۷۰
نصیری، سپهبد ۳۱، ۳۵
نطنز ۵۸۵
نظام زاده، حجةالاسلام ۱۲۲
نکا ۵۸۵
نماز جمعه ۱۰۱ ـ ۱۰۳، ۱۲۷، ۱۶۹ ـ ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۸۹، ۲۰۸، ۲۱۷، ۲۲۵، ۳۰۴، ۳۱۴، ۳۳۳، ۳۴۶، ۳۶۶ ـ ۳۷۰، ۳۸۱، ۳۸۸ ـ ۳۹۱، ۴۲۵، ۴۳۴، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۶۶، ۴۶۸ ـ ۴۷۰، ۴۷۵، ۵۳۴، ۵۶۳
نوار غزه ۱۲۳
نورآباد ۱۴۱
نورمفیدی، سیدکاظم ۱۴۰، ۱۹۳، ۳۲۷، ۴۴۴
نوری، ابراهیم ۵۴۷
نوری، حسین ۵۴۷
نوری، شیخ فضل‌الله ۳۷۸
نوری، عبدالله ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۲۷
نوری شاهرودی، حجةالاسلام ۲۵۴
نوشهر ۱۰۵
نوید، محمدباقر ۵۴۷
نوید، محمدعلی ۵۴۷
نهاوند ۶۷
نهایةالاصول ۳۸۳، ۴۱۸
نهج‌البلاغه ۹۷، ۱۶۴، ۱۸۹، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۷۸، ۳۳۸، ۳۵۵، ۳۸۲، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۹، ۴۲۶، ۴۵۴، ۵۳۳، ۵۳۶
نهضت آزادی ایران ۴۴۱
نهضت اسلامی افغانستان ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۶۰، ۲۶۱
نهضت سوادآموزی ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۶۴
نهضتهای آزادیبخش ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۵، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۶۶، ۱۸۹، ۴۰۵، ۴۲۵،

۴۵۷، ۴۵۸
نیجریه ۱۷۹
نیروی اسلامی ۲۶۰، ۲۶۱
نیروی اسلامی دانشجویان داکا ۱۳۵
نیکاراگوئه ۱۹۹
نیفر، شیخ صالح ۱۴۳
نیك روش، سیدکمال‌الدین ۵۳۸، ۵۳۹
نیوزیلند ۱۷۹

و

واتیکان ۲۰۰
واحد مرکزی خبر ۲۰۱، ۲۰۴، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۵۵، ۳۰۰، ۳۱۹، ۵۵۷
واحدی، حجةالاسلام ۲۳۸
واشینگتن ۱۴۱
واعظ طبسی، عباس ۳۲۶، ۳۷۰، ۴۴۰، ۴۷۰
وحدت حوزه و دانشگاه ۳۳۶، ۴۲۳، ۴۴۴، ۴۶۹ـ ۴۷۷، ۴۷۹، ۵۰۱، ۵۰۴، ۵۳۷، ۵۴۲
وحید دستگردی، سیف‌الله ۲۵۰
وحیدی، محمد ۴۹۲
وزارت آموزش و پرورش ۲۱۴
وزارت ارشاد اسلامی ۹۹، ۱۰۰، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۹۶، ۲۱۴، ۲۹۲، ۴۸۷
وزارت امور خارجه ۱۲۵، ۱۳۵، ۱۶۸، ۱۷۰، ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۶۱، ۲۶۷، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۹۲، ۴۲۵، ۴۸۷
وزارت بهداری ۲۱۴
وزارت جنگ ۶۴، ۷۴
وزارت جهاد سازندگی ۲۳۰، ۲۳۹
وزارت فرهنگ و آموزش عالی ۹۱، ۱۵۲، ۵۰۰، ۵۰۳ـ ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۳۰، ۵۴۴، ۵۵۷، ۵۶۲
وزارت کشاورزی ۲۱۴، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۹
وزارت کشور ۱۰۰، ۲۱۴
وزارت مسکن و شهرسازی ۱۵۳
وزارت نفت ۱۵۳
وسائل شیعه ۳۳۸
والعصر، سوره ۱۳۰، ۱۴۱
والفجر ۴، عملیات ۴۳۸
ولایت فقیه ۶۸، ۶۹، ۹۴، ۹۶، ۱۰۵، ۲۵۸، ۳۰۹، ۳۳۷، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۵۲، ۳۶۹، ۳۸۱، ۳۸۶، ۳۸۹، ۳۹۰، ۴۰۳، ۴۰۶، ۴۱۰، ۴۱۴، ۴۱۶، ۴۲۲، ۴۷۰، ۴۷۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۵۱۴، ۵۵۲، ۵۵۶
ولایتی، علی‌اکبر ۲۱۱
ولی‌عصر تهران، خیابان ۵۳۴، ۵۳۹، ۵۴۵
ولی‌عصر عج، مکتب خواهران ۳۰۵
ویکتوری، نشریه ۱۳۵

ه

هادی، محمدعلی ۲۲۵
هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر ۱۱۱، ۲۱۳، ۲۵۲، ۲۹۵، ۲۹۷، ۳۲۵، ۳۳۴، ۳۳۹، ۳۶۶، ۳۷۱، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۴۴۷، ۴۵۱
هاشمی قهدریجانی، سیدمحمد ۵۸۷
هاشمی نژاد، سیدعبدالکریم ۳۷۰، ۴۴۰، ۴۷۳
هامبورگ ۳۷۵
هرسین ۱۴۰، ۱۴۱
هرمزگان ۱۰۰، ۱۴۲، ۱۴۳
هفتهٔ حج ۲۴۴، ۲۴۵، ۴۲۳
هفتهٔ وحدت ۱۲۳، ۱۲۵ـ ۱۳۳، ۱۳۵، ۱۳۷ـ ۱۴۷، ۱۵۲، ۱۷۴، ۱۸۸، ۲۰۵، ۲۲۲، ۲۴۴، ۲۹۸، ۳۰۵، ۳۴۶، ۳۵۶، ۳۶۱، ۴۰۰، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۲۳، ۴۲۵، ۴۳۷، ۴۴۶، ۵۲۱، ۵۵۸
هلال احمر ۲۵۰
همتی، حسن ۴۹۶
همدان ۱۴۱، ۴۹۲، ۵۴۷، ۵۸۶
هند؛ هندوستان ۱۹، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۸، ۱۵۲، ۱۵۶، ۱۷۱، ۱۷۹، ۲۰۶، ۲۱۱، ۴۷۶، ۴۸۶، ۴۸۷، ۵۱۹، ۵۴۲، ۵۴۳
هنگ کنگ ۱۳۵
هیئتهای مؤتلفهٔ اسلامی ۴۵۱
هیگ، الکساندر ۱۶۵

ی

یادنامهٔ شهید محمد منتظری ۱۰۷، ۱۱۴
یاسر عرفات ۲۶۴
یثربی، سیدعلی ۳۴۴، ۳۴۷، ۴۵۹، ۴۶۰
یثربی، سیدمهدی ۴۵۹
یزد ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۶، ۳۲۱، ۳۷۱، ۵۸۶
یزدی، سیدمحمد کاظم ۳۸۷، ۴۳۶
یزدی، محمد ۴۷۰
یوگسلاوی ۱۷۹
یونان ۳۳۸

تصحیح دو نکته

در جلد اول کتاب *فقیه عالیقدر* (چاپ اول و دوم) صفحهٔ ۳٤، مطلبی تحت عنوان «دوران کودکی و نوجوانی آیةالله» نوشته شده که در این مطلب، دو نکتهٔ اشتباه وجود دارد. یکی اینکه نوشته شده آیةالله منتظری در سن پانزده سالگی وارد حوزهٔ علمیهٔ اصفهان گردید، در صورتی که آن حضرت، در سن دوازده سالگی به حوزهٔ علمیهٔ اصفهان وارد شد. دیگر اینکه، به اساتید ایشان در اصفهان اشاره شده است، از جمله به مرحوم حاج سید محمد هاشمی قهدریجانی، در صورتی که آیةالله منتظری نزد آن فقیدسعید، درس نخوانده است.